

شما هم می‌توانید انجیل را درک کنید

**خاطرات شاگرد محبوب و نامه‌هایش:**

**انجیل یوحنا به همراه اول، دوم و سوم یوحنا**

دکتر باب آتلی  
پروفسور بازنشسته علم هرمنوتیک  
(علم تفسیر کتاب مقدس)

سری راهنمای مطالعاتی  
عهد جدید جلد چهارم

حق چاپ © ۲۰۱۳ بایبل لسنز اینترنشنال، کلیه حقوق محفوظ می‌باشد. تکثیر و توزیع این کتاب به هر ترتیب یا وسیله‌ای، با ذکر نام دکتر باب آتلی و اضافه کردن منبع [www.freebiblecommentary.org](http://www.freebiblecommentary.org) و به صورت رایگان مجاز می‌باشد.

The primary biblical text used in this commentary is: New American Standard Bible (Update, 1995) Copyright ©1960, 1962, 1963, 1968, 1971, 1972, 1973, 1975, 1977, 1995 by The Lockman Foundation, P. O. Box 2279, La Habra, CA 90632-2279

BIBLE LESSONS INTERNATIONAL, MARSHALL, TEXAS  
2011

## فهرست مطالب

۶.....	مقدمه نویسنده:
۸.....	راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس
۱۵.....	اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر
۱۶.....	شرحی در یوحنا
۲۲.....	یوحنا ۱
۶۶.....	یوحنا ۲
۸۰.....	یوحنا ۳
۹۸.....	یوحنا ۴
۱۲۰.....	یوحنا ۵
۱۳۸.....	یوحنا ۶
۱۵۹.....	یوحنا ۷
۱۷۱.....	یوحنا ۸
۱۸۴.....	یوحنا ۹
۱۹۱.....	یوحنا ۱۰
۲۰۱.....	یوحنا ۱۱
۲۱۲.....	یوحنا ۱۲
۲۲۸.....	یوحنا ۱۳
۲۳۷.....	یوحنا ۱۴
۲۵۴.....	یوحنا ۱۵
۲۶۳.....	یوحنا ۱۶
۲۷۳.....	یوحنا ۱۷
۲۸۳.....	یوحنا ۱۸
۲۹۵.....	یوحنا ۱۹
۳۰۶.....	یوحنا ۲۰
۳۱۴.....	یوحنا ۲۱
۳۲۰.....	مقدمه‌ای بر اول یوحنا
۳۲۴.....	اول یوحنا ۱: ۱ الی ۲: ۲
۳۳۳.....	اول یوحنا ۲: ۳ الی ۲۷
۳۴۵.....	اول یوحنا ۲: ۲۸ الی ۳: ۲۴
۳۶۵.....	اول یوحنا ۴

۳۷۴	اول یوحنا ۵
۳۸۵	دوم یوحنا
۳۹۲	سوم یوحنا
۴۰۰	اصطلاحات دستور زبان یونانی
۴۰۸	موضوع خاص: انتقاد متنی
۴۱۱	واژه نامه
۴۱۹	بیانیه دکترین

## موضوعات خاص

۲۵	موضوع خاص: منشا (archē)
۲۶	موضوع خاص: پدر
۲۷	موضوع خاص: فرشته خدا
۲۸	موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق
۳۰	موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا)
۳۰	موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)
۳۲	موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)
۳۲	موضوع خاص: دانستن (بر مبنای تثنیه)
۳۴	موضوع خاص: نام خدا (عهد جدید)
۳۵	موضوع خاص: گوشت/جسم (sarx)
۳۵	موضوع خاص: شکوه (doxa)
۳۶	موضوع خاص: عشق ورزیدن (HESED)
۳۷	موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق
۴۱	موضوع خاص: عرفان (از کلمه یونانی <i>gnosis</i> ، به معنی دانش و آگاهی، مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶:۲۰)
۴۲	موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به قوانین موسی
۴۳	موضوع خاص: خداوندی مسیح از عهد عتیق (میکاه ۵:۲)
۴۴	موضوع خاص: پدر بودن خدا
۴۷	موضوع خاص: یهودیان
۴۸	موضوع خاص: اعتراف/اقرار
۵۰	موضوع خاص: فریسیان
۵۳	موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد
۵۳	موضوع خاص: شخصیت روح

۵۴	موضوع خاص: پایداری در نوشته‌های یوحنا
۵۹	موضوع خاص: فهرست اسامی شاگردان
۶۰	موضوع خاص: عیسی ناصری
۶۲	موضوع خاص: آمین
۶۳	موضوع خاص: بهشت و بهشت سوم
۶۴	موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین
۶۸	موضوع خاص: گرایش انجیلی نسبت به الکل و سو استفاده از الکل
۷۱	موضوع خاص: مقیاسهای وزن و حجم ANE
۷۴	موضوع خاص: عید پسخ
۷۵	موضوع خاص: سکه‌هایی که در دوران عیسی در فلسطین استفاده می‌شد
۷۸	موضوع خاص: استفاده از یوحنا از فعل "ایمان"
۸۱	موضوع خاص: سانهدرین
۸۴	موضوع خاص: پادشاهی خدا
۸۶	موضوع خاص: تنفس، باد، روح
۸۹	موضوع خاص: توصیف خدا با زبان انسانی
۹۰	موضوع خاص: انتخاب
۹۵	موضوع خاص: تأیید
۱۰۴	موضوع خاص: نبوت عهد عتیق
۱۰۷	موضوع خاص: نبوت عهد جدید
۱۱۰	موضوع خاص: مسیح
۱۱۲	موضوع خاص: اراده (THELĒMA) خدا
۱۱۴	موضوع خاص: زنان در انجیل
۱۱۶	موضوع خاص: استقامت/محافظة
۱۲۳	موضوع خاص: شفا
۱۲۶	موضوع خاص: یکتاپرستی
۱۲۷	موضوع خاص: تثلیث
۱۲۹	موضوع خاص: فرزند انسان (دانیال ۷:۱۳)
۱۳۰	موضوع خاص: تفسیر فرایندهای ترجمه گناه نابخشودنی
۱۳۲	موضوع خاص: ساعت
۱۳۴	موضوع خاص: فرستادن (apostellō)
۱۴۱	موضوع خاص: عدد دوازده

۱۴۶.....	موضوع خاص: تضمین مسیحیت
۱۴۸.....	موضوع خاص: قیام از مردگان
۱۵۲.....	موضوع خاص: منا
۱۵۳.....	موضوع خاص: برای همیشه (اصطلاح یونانی)
۱۵۳.....	موضوع خاص: معراج
۱۵۵.....	موضوع خاص: ارتداد (APHISTĒMI)
۱۶۵.....	موضوع خاص: جسارت (parrhēsia)
۱۸۶.....	موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند
۱۹۳.....	موضوع خاص: تخریب (apollumi)
۲۰۳.....	موضوع خاص: تدهین در انجیل
۲۰۶.....	موضوع خاص: مراسم عزاداری
۲۲۰.....	موضوع خاص: شیطان فردی
۲۲۱.....	موضوع خاص: جنگ در بهشت
۲۲۴.....	موضوع خاص: قلب/دل (عهد جدید)
۲۲۶.....	موضوع خاص: "فرمان/حکم" در نوشته‌های یوحنا
۲۴۰.....	موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟
۲۴۵.....	موضوع خاص: دعای موثر
۲۴۶.....	موضوع خاص: عیسی و روح
۲۴۹.....	موضوع خاص: آن روز
۲۵۱.....	موضوع خاص: صلح/آرامش
۲۵۷.....	موضوع خاص: آتش
۲۶۶.....	موضوع خاص: نورانی/نور افشانی
۲۷۸.....	موضوع خاص: آن مقدس (The Holy One)
۲۸۵.....	موضوع خاص: یهودا اسخر یوطی
۲۹۰.....	موضوع خاص: گارد محافظ (PRÆTORIAN)
۲۹۱.....	موضوع خاص: پوتنیوس پیلاتوس
۳۰۴.....	موضوع خاص: مراسم تدفین
۳۰۵.....	موضوع خاص: خوشبو کننده هایی که برای تدفین استفاده میشدند
۳۰۹.....	موضوع خاص: ظاهر شدنهای عیسی پس از رستاخیز
۳۲۶.....	موضوع خاص: مقایسه انجیل یوحنا ۱ با اول یوحنا ۱
۳۴۷.....	عناوین عهد عتیق برای آن موعود که می آید

۳۴۸.....	موضوع خاص: صداقت/پارسایی.....
۳۵۱.....	موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه.....
۳۵۶.....	موضوع خاص: پسر خدا.....
۳۶۱.....	موضوع خاص: دعا، نامحدود و با این حال محدود.....
۳۶۶.....	موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها.....
۳۷۹.....	موضوع خاص: نماز روحانی.....
۳۹۵.....	موضوع خاص: کلیسا (ekklesia).....

## چگونه این تفسیر می‌تواند به شما کمک کند

تفسیر انجیل یک فرایند منطقی و معنوی است که تلاش می‌کند تا نویسنده باستانی تحت الهام را به شیوه‌ای درک کند که بتواند پیام خدا را به زبانی که امروزه قابل درک است، بیان کند.

فرایند معنوی بسیار حساس است و به سختی می‌توان آن را تعریف کرد. این فرایند شامل تعادل و باز بودن با خداست. باید تشنه (۱) او، (۲) شناختن او و (۳) خدمت به او باشیم. این فرایند شامل دعا، اعتراف و تمایل به تغییر شیوه زندگی است. روح در فرایند تفسیر قاطع است، ولی چرا درک انجیل به صورتی دیگر برای مسیحیان صادق و خداپرست عجیب است؟

فرایند منطقی را راحتتر می‌توان توصیف کرد. ما باید نسبت به متن استوار و بیطرف باشیم و نباید تحت تاثیر تعصبات فردی یا مذهبی قرار بگیریم. ذهنیت همگی ما از لحاظ تاریخی شکل خاصی گرفته است. هیچکدام از ما مفسر واقعگرا یا بی طرف نیست. این تفسیر یک فرایند دقیق منطقی را که حاوی سه اصل ساختار یافته تفسیر است را ارائه می‌کند تا کمک کند بر تعصبات مذهبی خود غلبه کنیم.

### اصل اول

اصل اول توجه به زمانهای تاریخی است که در کتاب مقدس نگاشته شده و نیز توجه به مناسبتهای تاریخی از دید نگارنده. نویسنده اولیه هدفی و پیامی برای برقراری ارتباط داشت. متن نمی‌تواند معنایی داشته باشد که غیر از منظور نویسنده باستانی تحت الهام بوده است. قصد او - و نه تفکر تاریخی، احساسی، فرهنگی، فردی یا تعصبات دینی - نکته کلیدی است. کاربرد، بخشی جدایی ناپذیر از تفسیر است، ولی تفسیر مناسب باید همیشه بر کاربرد تقدم داشته باشد. همیشه باید تکرار شود که هر متن انجیلی فقط و فقط یک معنی دارد. این معنی آن چیزی است که نویسنده اصلی قصد داشته که تحت هدایت روح القدس با زمان خود ارتباط برقرار کند. یک معنی خاص می‌تواند کاربردهای بسیار متفاوتی برای فرهنگهای مختلف و موقعیتهای متفاوت داشته باشد. این کاربردها باید با اصل حقیقت نگارنده اصلی مرتبط شوند. بدین منظور این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا مقدمه‌ای برای هر یک از کتابهای انجیل باشد.

### اصل دوم

اصل دوم شناسایی ادبیات هر واحد است. هر کتاب انجیل یک سند متحدالشکل است. مفسرین حق ندارند که یک جنبه از حقیقت را با حذف بقیه متمایز سازند. بنابراین، ما باید تلاش کنیم تا قبل از اینکه هر تکه را جداگانه تفسیر کنیم، هدف کل کتاب انجیل را درک کنیم. هر بخش به صورت منفرد - فصلها، پاراگرافها، یا آیات - نمی‌توانند معنایی داشته باشد و کل آن واحد معنی دیگری داشته باشد. تفسیر باید از گرایش قیاس کل به گرایش القایی هر بخش تغییر جهت داده شود. بنابراین، این راهنمای مطالعاتی تفسیری تنظیم شده تا به دانشجویان در تحلیل ساختار هر واحد توسط پاراگرافها کمک کند. بخشهای هر پاراگراف و فصل تحت الهام نیستند، بلکه به ما در شناسایی تفکر هر بخش کمک می‌کنند.

تفسیر در سطح یک پاراگراف - نه جمله، عبارت، گزیده، یا کلمه - کلید پیگیری منظور اصلی نگارنده انجیل است. پاراگرافها بر اساس عناوین متحدالشکل هستند، که اغلب به آنها تم یا جمله موضوعی گفته می‌شود. هر کلمه، عبارت، و جمله در پاراگراف به نوعی با این عناوین متحدالشکل در ارتباط هستند. آنها بحث را محدود به موضوعی خاص کرده، آن را بسط داده، توضیح داده و یا مورد سوال قرار می‌دهند. کلید واقعی برای تفسیر درست این است که تفکر نویسنده اصلی را پاراگراف به پاراگراف در طی هر بخش که کتاب انجیل را تشکیل می‌دهند، دنبال کنیم. این راهنمای مطالعاتی تفسیری برای کمک به دانشجویانی تنظیم شده که این کار را با مقایسه با ترجمه‌های مدرن انگلیسی دنبال می‌کنند. برای این هدف ترجمه‌های خاصی انتخاب شده‌اند، زیرا آنها بر اساس نظریات و دیدگاه‌های مختلف ترجمه شده‌اند.

۱. نسخه ویرایش چهارم متن یونانی جامعه متحد انجیلی (UBS) منتشر شده است. این متن توسط اساتید مدرن متن پاراگراف بندی شده است.
۲. نسخه جدید شاه جیمز (New King James Version - NKJV) ترجمه کلمه به کلمه متن دستنویس یونانی است که به Textus Receptus نیز معروف است. تقسیم بندی پاراگرافهای آن طولانیتر از سایر ترجمه‌ها است. این واحدهای طولانیتر به دانشجو امکان مشاهده موضوعات متحدالشکل را می‌دهد.
۳. نسخه جدید استاندارد بازبینی شده (New Revised Standard Version - NRSV) نسخه تغییر یافته ترجمه کلمه به کلمه است. این ترجمه در نقطه میانی دو نسخه مدرن قرار می‌گیرد. تقسیم بندی پاراگرافهای آن کاملاً در شناسایی موضوعات مفید است.

۴. نسخه انگلیسی امروز (Today's English Version - TEV) ترجمه پویایی است که توسط جامعه متحد انجیلی منتشر شده است. این ترجمه تلاش می‌کند که خواننده انگلیسی مدرن امروزی بتواند معنی و مفهوم متن یونانی را درک کند. اغلب، به خصوص در اناجیل، تقسیم بندی پاراگرافها بر اساس گوینده است تا موضوع، درست همانند نسخه بین المللی جدید. برای ترجمه و تفسیر، این نسخه مفید و کمک کننده نیست. جالب است که به این نکته توجه کنیم که هم UBS4 و هم این نسخه توسط یک موسسه ترجمه شده اند، با این حال، پاراگراف بندی آنها تفاوت دارند.
۵. انجیل اورشلیم (Jerusalem Bible - JB) یک ترجمه پویا است که از روی نسخه کاتولیک فرانسه ترجمه شده است. مقایسه پاراگراف بندیهای این نسخه از دیدگاه اروپایی بسیار مفید است.
۶. نسخه چاپی مربوط به سال ۱۹۹۵ بنام انجیل امریکایی جدید بازبینی شده (Updated New American Standard Bible - NASB) ترجمه کلمه به کلمه است. تفسیر آیه به آیه در ادامه این پاراگراف بندی است.

### اصل سوم

اصل سوم این است که ترجمه‌های مختلف انجیل را مطالعه کنید تا معنی و مفهوم گسترده‌تر و جامع‌تری را بتوانید از کلمات و عبارات انجیل درک کنید. اغلب یک کلمه یا عبارت یونانی را می‌توان به چندین شیوه مختلف درک کرد. این ترجمه‌های متفاوت این گزینه را در اختیارتان قرار می‌دهند و به شما کمک می‌کنند که بتوانید تنوعات مفهومی نسخ دستنویس یونانی را شناسایی کنید. اینها بر روی دکترین تاثیر نمی‌گذارند، بلکه به ما کمک می‌کنند که به متن اصلی که نویسندگان باستانی تحت تاثیر الهام بوده نزدیکتر شویم.

این تفسیر راه سریعتری را به دانشجو برای بررسی ترجمه خود ارائه می‌دهد. قطعیت هدف نیست، بلکه اطلاع رسانی و تفکر برانگیز بودن است. اغلب، سایر تفاسیر احتمالی به ما کمک می‌کنند که زیاد کوتاه نظر، دگم و مذهبی نباشیم. مفسرین لازم است که طیف وسیعتری از گزینه‌های تفسیری را در اختیار داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند که زبان یونانی قدیم تا چه اندازه می‌توانسته است مبهم باشد. حیرت آور است که چقدر تفاهم اندکی میان مسیحیانی که ادعا می‌کنند انجیل منبع حقیقت است، وجود دارد.

این اصول به من کمک کردند که برای بیشتر مسائلی که از نظر تاریخی ذهنیت مرا شکل داده بودند، با اجبار کردن خود بر تلاش بر روی متن باستانی، فائق گردم. امید من این است که برای شما هم برکتی باشد.

باب آتلی

۲۷ ژوئن ۱۹۹۶



# راهنما برای مطالعه صحیح کتاب مقدس:

## جستجوی شخصی برای حقیقت اثبات پذیر

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت در کجا یافت می‌شود؟ آیا می‌توانیم از طریق منطق آن را به اثبات برسانیم؟ آیا مرجع نهایی وجود دارد؟ آیا اصول مطلق وجود دارند که بتوانند زندگی ما و جهان ما را هدایت نمایند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ چرا در این دنیا هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ این سوالات - سوالاتی که همه افراد معقول به آن می‌اندیشند - تفکر بشر را از بدو زمان به خود داشته است (جامعه ۱: ۱۳-۱۸، ۳: ۹-۱۱). جستجوی خود را برای «محور یکپارچه سازنده» در زندگی به خاطر دارم. در کوچکی به مسیح ایمان آوردم و این بیشتر بخاطر شهادت اعضای اصلی خانواده‌ام بود. در سنین بزرگی سوالاتم در باره خود و دنیای من بیشتر شدند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی، به تجربیاتی که با آنها روبه رو می‌شدم یا در باره آنها می‌خواندم، مفهومی نمی‌بخشیدند. آن روزها دوران سردرگمی، جستجو، اشتیاق و اغلب یک احساس نومیدی در مواجهه با دنیای بی احساس و مشقت باری بود که در آن زندگی می‌کردم. بسیاری ادعا می‌کردند جوابهایی برای این پرسشهای اساسی دارند، اما پس از پژوهش و تعمق پی بردم جوابهایشان بر این مبانی بود: (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربیات شخصی یا (۴) فرافکنیهای روانی [انکار ناآگاهانه افکار و احساسات خود و نسبت دادن آنها به دیگران]. نیاز به مقداری عوامل تایید کننده، تعدادی ادله و براهین، و نظریاتی منطقی داشتم تا دیدگاه جهانی خود و محور یکپارچه کننده و دلیل زندگی را بر مبنای آنها بگذارم. اینها را در مطالعات خود در کتاب مقدس پیدا کردم. شروع به جستجوی شواهد برای اعتبار کتاب مقدس نمودم، و پاسخ را در اینها یافتم: (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس مطابق تایید علم باستان شناسی، (۲) صحت پیشگوییهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب مقدس در طول هزار و ششصد سال تالیف آن، و (۴) گواه شخصی کسانی که در اثر تماس با کتاب مقدس زندگیشان برای همیشه تغییر یافته است. مسیحیت به عنوان نظام یکی شده ایمان و باور، قادر است جوابگوی سوالات پیچیده زندگی انسان باشد. این موضوع نه تنها چارچوبی منطقی به ارمغان آورد، بلکه جنبه تجربی ایمان کتاب مقدس، به من شادمانی احساسی و استواری بخشید. تصور کردم آن محور یکپارچه سازنده زندگی - مسیح را، آن طور که توسط کتاب مقدس شناخته می‌شود - یافته‌ام. شعفی ذهنی و تخلیه احساسی به من دست داد. اما هنگامیکه داشت برایم روشن می‌شد چه تفسیرهای گوناگون و عدیده‌ای از این کتاب - حتی گاه در میان کلیساهای و مکاتب فکری یک فرقه - مورد طرفداری و حمایت می‌باشند، شوک و دلخستگی به من دست داد که تا به امروز بیادم است. اثبات الهام و اعتبار کتاب مقدس پایان کار نبود بلکه آغاز آن بود. چگونه می‌توانم تفاسیر متنوع و متضاد بسیاری بخشهای مشکل کتاب مقدس را تایید یا رد کنم که توسط مدعیان اقتدار و اعتبار آن بودند؟ این کار، هدف زندگی و سیاحت ایمان من شد. می‌دانستم ایمانم به مسیح، (۱) به من آرامش و شادمانی عظیمی بخشیده بود. در حین نسبی گرایهای فرهنگ من (پست مدرنیته)، (۲) دگم اندیشی و مطلق انگاری نظامهای متضاد مذهبی (مذاهب جهان) (۳) و خود بینی فرقه‌های کلیسایی، ذهن من مشتاقانه بدنبال اصولی مطلق بود. در جستجو برای راههای صحیح تفسیر ادبیات باستانی، با تعجب متوجه شدم خود من پیش داوریهایی تاریخی، فرهنگی، فرقه کلیسایی و تجربی داشتم. کتاب مقدس را اغلب تنها به منظور محکم سازی دیدگاه خود خوانده بودم. از آن به عنوان یک منبع آموزه مطلق برای حمله به دیگران استفاده می‌کردم و با این کار نا امنیها و کمبودهای خود را از نو تایید می‌نمودم. هنگامی که متوجه این کار خود شدم برایم بسیار دردآور بود!

اگرچه هرگز نمی‌توانم کاملاً عینی‌گرا باشم، می‌توانم کتاب مقدس را به طرز درست‌تر مطالعه کنم. می‌توانم پیش داوریهایی خود را از این طریق که آنها را شناسایی کنم و قبول داشته باشم که وجود دارند، محدودیت ببخشم. هنوز از آنها کاملاً آزاد نشده‌ام، اما با ضعفهای خود مواجهه کرده‌ام. مفسر، اغلب بدترین دشمن مطالعه صحیح کتاب مقدس است. اجازه بدهید تعدادی از پیش فرضهای خود را که در مطالعه‌ام از کتاب مقدس دخیل می‌کنم، فهرست نمایم تا شما خوانندگان، آنها را همراه من بررسی نمایید:

### ۱. پیش فرضها

۱. من ایمان دارم کتاب مقدس، یگانه الهام خدای واحد حقیقی است که در آن خود را شناسانیده است. از این رو تفسیر باید با توجه به مقصود نویسنده اصلی الهی (روح خدا)، از طریق نویسنده بشری در زمینه خاص تاریخی انجام شود.
۲. من ایمان دارم که کتاب مقدس برای مردم عادی نوشته شده است - برای همه مردم! خدا از روی لطف و مرحمت خود با ما به روشنی در چهارچوب تاریخی و فرهنگی سخن گفته است. خدا واقعیت را پنهان نمی‌کند - او مایل است ما بفهمیم. ازین رو کتاب مقدس باید با در نظر گرفتن زمان خود آن، و نه زمان ما تفسیر گردد. کتاب مقدس نباید برای ما مفهومی داشته باشد که هرگز برای آنان که در ابتدا آنرا می‌خواندند یا می‌شنیدند، آن مفهوم را نداشته است. کلام خدا برای ذهن فرد عادی قابل درک است و اشکال و اسلوب تفهیم و تفاهم معمول مردم را به کار می‌گیرد.
۳. من ایمان دارم کتاب مقدس پیام و هدف یگانه دارد. با خود متضاد و مغایر نیست - اگر چه قسمتهایی از آن مشکل هستند و در ظاهر متفاوت، اما در واقع همخوان می‌باشند. بنا براین، بهترین مفسر کتاب مقدس، خود کتاب مقدس است.

۴. من ایمان دارم که هر بخش کتاب مقدس (به استثناء پیشگوییها) دارای یک مفهوم و تنها یک مفهوم است که بر پایه مقصود نویسنده اصلی و وحی یافته می‌باشد. گرچه هرگز نمی‌توانیم مطلقاً مطمئن باشیم مقصود نویسنده اصلی را می‌دانیم، بسیاری از شاخصها، نشانگر آن می‌باشند:

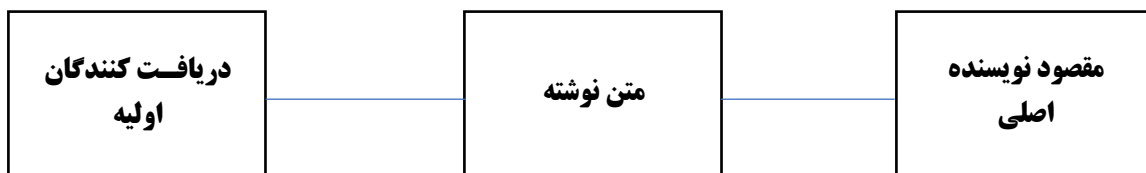
- i. ژانر (نوع ادبی) انتخابی برای ارائه پیام
- ii. زمینه تاریخی و / یا موقعیت خاص که موجب نوشتن گردید
- iii. چهارچوب ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی
- iv. طرح متن (طرح کلی) واحدهای ادبی، آن طور که با تمامی پیام ارتباط پیدا می‌کنند
- v. خصیصه‌های دستوری ویژه که برای بیان پیام به کار رفته‌اند
- vi. واژگان انتخابی برای ارائه پیام
- vii. بخشهای موازی / مترادف / هم مفهوم (مشابه)

مطالعه هریک از این موارد، موضوع مطالعه ما از یک بخش می‌گردد. پیش از آنکه اسلوب خود را برای مطالعه صحیح کتاب مقدس توضیح دهیم، اجازه دهید برخی روشهای نامناسب کاربردی امروز را توصیف نمایم - روشهایی که این قدر باعث گوناگونی در تفاسیر شده‌اند و در نتیجه باید از آنها دوری نمود:

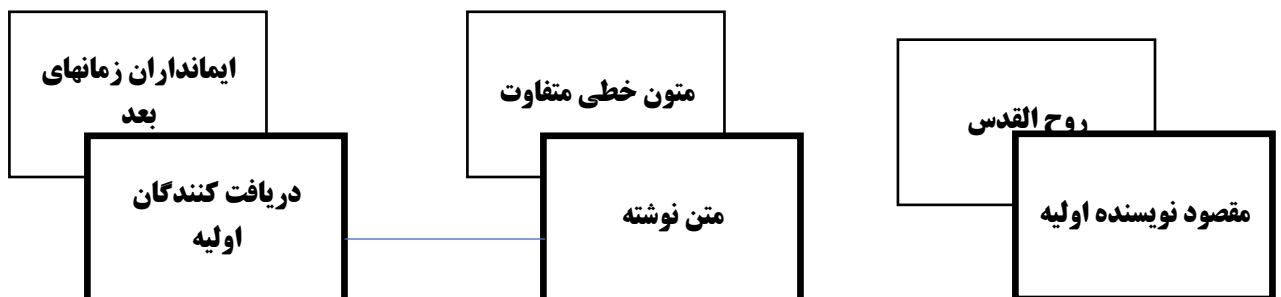
## ۲. روشهای نامناسب

۱. نادیده گرفتن چارچوب ادبی کتب کتاب مقدس، و استفاده از هر جمله، بند، یا حتی واژگان به عنوان اظهاریه‌های واقعیت که ربطی به منظور نویسنده یا متن کلیتر آن ندارد. این کار را معمولاً «اثبات عقیده خود توسط آیات» می‌گویند.
۲. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب، بوسیله جانشین کردن زمینه تاریخی انگار شده‌ای که شواهد آن در خود متن بسیار کم است یا اصلاً در آن وجود ندارد.
۳. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن کتاب مقدس به عنوان روزنامه صبح شهر که در مرحله اول برای افراد مسیحی امروزی نگاشته شده باشد.
۴. نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب بوسیله مجازی ساختن متن و تبدیل آن به یک پیام فلسفی / الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنوندگان اولیه و مقصود نویسنده اصلی ندارد.
۵. نادیده گرفتن پیام اصلی به وسیله جانشین کردن نظام الهیاتی خود شخص، یا آموزه مورد علاقه‌اش، یا مسائل مورد بحث زمان او که ربطی به مقصود نویسنده اصلی و پیام اظهار شده ندارند. این پدیده اغلب پس از آنکه قرائت کتاب مقدس در ابتدا به عنوان اثبات اقتدار گوینده انجام گرفته است، اتفاق می‌افتد. معمولاً این را «واکنش خواننده» (تفسیر بر مبنای «متن برای من چه مفهومی دارد») می‌نامند.

حد اقل سه جزء مرتبط در تمامی ارتباطات نوشتاری بشر دیده می‌شوند:



در گذشته روشهای مختلف مطالعه بر روی یکی از این سه جزء متمرکز می‌شدند. اما برای تایید حقیقی الهام منحصر به فرد کتاب مقدس، یک نمودار تغییر یافته مناسبتر می‌باشد:



در واقع هر سه جزء باید در فرایند تفسیر گنجانده شوند. به مقصود بررسی صحت حقیقت، تفسیر من متمرکز بر دو جزء اول می‌باشد: نویسنده اصلی و متن. این احتمالاً عکس العمل من در برابر راه‌های اشتباهی است که مشاهده کرده‌ام: (۱) مجازی ساختن یا روحانی ساختن متون و (۲) تفسیر بر مبنای «واکنش خواننده» ایمانداران زمانهای بعد (برای من چه مفهومی دارد). راه‌های اشتباه ممکن است در هر مرحله دیده شوند. ما همواره باید در سنجش محرکها، پیش‌داوریها، اسلوب، و کاربردهایمان کوشا باشیم. اما چگونه آنها را بسنجیم، اگرهیچگونه مرزها، محدودیتها، شروط و موازینی برای این کار وجود ندارند؟ در اینجا است که منظور نویسنده و ساختار متن، تعدادی موازین در اختیارم می‌گذارند تا بتوان پهنه تفاسیر احتمالاً صحیح را محدودیت بخشید. در پرتو اسلوب نامتناسب مذکور در مطالعه، چه روشهای ممکنه‌ای برای مطالعه و تفسیر صحیح کتاب مقدس هستند که تا اندازه‌ای راست آزمایی و همخوانی را فراهم می‌کنند؟

### ۳. روشهای ممکنه برای مطالعه صحیح کتاب مقدس

در این مقطع اسلوب منحصر به فردی را مورد بحث قرار نمی‌دهم که برای تفسیر ژانرهای ادبی خاص به کار می‌روند، بلکه به اصول عمومی علم تفسیر (هرمنوتیک) می‌پردازم که برای همه گونه متون کتاب مقدس مصداق دارند. کتاب ارزنده‌ای درباره روشهای تفسیر ژانرهای خاص، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» نوشته استادان «گردون فی» و «داگلاس استوارت» از انتشار «زان درون» می‌باشد. متدولوژی من ابتدا بر خواننده متمرکز است که اجازه می‌دهد روح القدس کتاب مقدس را از طریق چهار دوره مطالعه شخصی تنویر و روشن نماید. این کار، روح القدس و متن و خواننده را در درجه اول قرار می‌دهد نه درجه دوم. این روش همچنین خواننده را از تاثیر نامتناسب مفسران محفوظ می‌دارد. شنیده‌ام که می‌گویند: «کتاب مقدس، کتب تفسیری را خیلی روشن می‌سازد.» مقصود از این گفتار، کم ارزش شمردن کمکهای مطالعات نیست بلکه استدعایی است برای استفاده از آنها در زمان متناسب. ما باید بتوانیم از روی خود متن بر تفسیر خود صحنه بگذاریم. پنج مورد، راست آزمایی حداقل محدودی را ممکن می‌سازند:

۱. نکات ذیل در مورد نویسنده اصلی:

a. زمینه تاریخی

b. چارچوب ادبی

۲. گزینه نویسنده اولیه در:

a. ساختارهای دستوری (ترکیب جمله)

b. کاربرد واژگان معاصر ج. ژانر

۳. درک ما از متناسب بودن

a. بخشهای موازی/ مترادف و مشابه کتاب مقدس که مربوط می‌باشند

ما باید بتوانیم دلایل و منطقی را که مبنای تفسیرات ما هستند ارائه کنیم. کتاب مقدس تنها منبع ما برای ایمان و کاربرد است. متأسفانه مسیحیان در این که کتاب مقدس چه تعالیم و تاییداتی دارد اغلب توافق ندارند. اگر ادعا کنیم کتاب مقدس الهامی است و درعین حال ایمانداران نتوانند در مورد تعالیم و الزامات آن به توافق برسند، خودمان را دچار شکست کرده‌ایم.

چهار دوره مطالعه طراحی شده‌اند تا بینشهای تفسیری ذیل را فراهم کنند:

### ۱. دوره اول مطالعه

a. کتاب را در یک نشست بخوانید. یک مرتبه دیگر آن را در ترجمه متفاوتی بخوانید - که بهتر است تئوری ترجمه آن متفاوت باشد:

i. ترجمه تحت اللفظی (NRSV, NASB, NKJV)

ii. ترجمه معادل پویا (JB, TEV)

iii. ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)

b. بدنبال هدف محوری کل نوشته بگردید. مضمون (تم) آنرا مشخص کنید.

c. در صورت امکان مشخص کنید کدام واحد ادبی، فصل، پاراگراف یا جمله است که بروشنی این مقصود یا تم اصلی را بیان می‌کند.

d. ژانر ادبی مقدم را شناسایی کنید:

i. عهد عتیق

۱. داستانسرایی عبری
۲. شعر عبری (ادبیات حکمت، مزمور)
۳. نبوت عبری (نظم، نثر)
۴. قوانین در شریعت

## ii. عهد جدید

۱. داستانسراییها (اناجیل، اعمال رسولان)
۲. مثالها (اناجیل)
۳. نامه‌ها/رساله‌ها
۴. ادبیات مکاشفه‌ای

## ۲. دوره دوم مطالعه

۱. کتاب را دوباره کامل بخوانید و عناوین اصلی یا موضوعات را یافته و مشخص نمایید.
۲. عناوین اصلی را به صورت طرح کلی در آورید و در جمله‌ای ساده و مختصر محتوی آنها را توضیح دهید.
۳. «جمله حاوی مقصود» و «طرح کلی عمومی» خود را با استفاده از کمکهای مطالعات، بازنگری کنید.

## ۳. دوره سوم مطالعه

۱. کتاب را دوباره کامل بخوانید، با این هدف که زمینه تاریخی و موقعیت خاصی که باعث نوشتن آن شده است را در خود کتاب مقدس شناسایی کنید.
۲. موارد تاریخی را که در کتاب مقدس ذکر شده‌اند فهرست کنید.
  - a. نویسنده
  - b. تاریخ
  - c. دریافت کنندگان
  - d. دلیل خاص برای نوشتن
  - e. جنبه‌های زمینه فرهنگی که به هدف این نوشته مربوط می‌باشند
  - f. اشارات به اشخاص و رویدادهای تاریخی

۳. برای آن بخش کتاب کتاب مقدس که دارید تفسیر می‌کنید، طرح کلیتان را به صورت پاراگراف در آورید. همیشه «واحد ادبی» را مشخص کرده، به صورت طرح کلی در آورید. این می‌تواند چند فصل یا چند پاراگراف باشد. بدینوسیله می‌توانید منطق و «طراحی متن» نویسنده اصلی را دنبال کنید.
۴. زمینه تاریختان را با استفاده از «کمکهای مطالعات» بازنگری کنید.

## ۴. دوره چهارم مطالعه

۱. «واحد ادبی» خاص را دوباره در چند ترجمه بخوانید
  - a. ترجمه کلمه به کلمه (NKJV، NASB، NRSV)
  - b. ترجمه معادل پویا (TEV، JB)
  - c. ترجمه تفسیری («کتاب مقدس ترجمه تفسیری»، «کتاب مقدس تفصیلی»)
۲. ساختارهای ادبی یا گرامری را بیابید
  - a. عبارات تکرار شده، افس ۶: ۱ و ۱۳ و ۱۲
  - b. ساختارهای دستوری مکرر، روم ۸: ۳۱
  - c. مفاهیم مغایر
۳. موارد زیر را فهرست کنید
  - a. کلمات مهم
  - b. کلمات غیر معمول
  - c. ساختارهای مهم دستوری

d. کلمات، بندها، و جملات بسیار مشکل

۴. بخشهای موازی [مشابه] مربوط را در کتاب مقدس بیابید

a. روشن ترین مجموعه آیات تعلیمی را در مورد موضوع خود بیابید، از طریق:

i. کتابهای الهیات نظام مند

ii. کتاب مقدس های مخصوص مراجعات

iii. کشف الایات

b. در داخل موضوعتان، «دوگانگی متناقض» احتمالی [دو مفهوم بظاهر متضاد و در واقع همخوان] را بیابید. بسیاری از حقایق کتاب مقدس به صورت "دوگانگی دیالکتیکی" (دو مفهوم به ظاهر متضاد اما در اصل سازگار و واحد) معرفی شده اند! بسیاری از اختلافات فرقه‌ای از این سرچشمه می‌گیرند که افراد از روی نیمی از این مفاهیم دوگانه و پر تنش در کتاب مقدس برای "اثبات عقیده خود توسط آیات" استفاده می‌کنند. تمامی کتاب مقدس الهام شده است و ما باید پیام کامل آن را بجوئیم تا برای تقصیر خود توازن و تعدیل کتاب مقدس ارائه دهیم.

c. عبارات موازی یا هم معنی را در همان کتاب یا نوشته‌های همان نویسندگان یا همان "ژانر" بیابید؛ کتاب مقدس بهترین مفسر خود است زیرا یک نویسنده دارد که روح القدس می‌باشد.

۵. برای بازبینی مشاهدات خود از زمینه و موقعیت تاریخی، از "کمکهای مطالعات" بهره بگیرید.

a. کتب مقدس دارای راهنمای مطالعات

b. دایره المعارف، کتابهای راهنما، و فرهنگ لغات کتاب مقدس

c. پیشگفتارهای کتاب مقدس

d. تفاسیر کتاب مقدس (در این مرحله مطالعه خود، بگذارید جوامع ایمانداران مسیحی گذشته و حال، مطالعه شخصی شما را یاری و تصحیح کنند.)

#### ۴. کاربرد تفسیر کتاب مقدس

در اینجا به کاربرد می‌پردازیم. شما با صرف وقت کوشیده‌اید تا متن را مطابق زمینه اصلی و اولیه آن درک کنید. اکنون باید آن را در زندگی و فرهنگ خود به کار بگیرید. من اقتدار کتاب مقدس را به این صورت تعریف می‌کنم: "استنباط آنچه نویسنده اصلی به عصر خود می‌گفت، و به کارگیری آن واقعیت در زمان ما."

پس از آنکه قصد نویسنده اصلی، هم از لحاظ زمان و هم منطق آن تفسیر گردد، کاربرد باید انجام شود. ما نمی‌توانیم یک بخش کتاب مقدس را در زمان خود به کار بگیریم مگر آنکه بدانیم برای عصر خود چه می‌گفته است. یک بخش کتاب مقدس نباید معنایی بدهد که پیشتر هرگز آن معنا را نداشته است!

«طرح کلی» مشروح شما، به صورت پاراگرافها، (دوره مطالعه شماره ۳) راهنمای شما خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگرافها انجام شود نه کلمات. کلمات فقط در چارچوب متن معنا دارند؛ بندها تنها در چهارچوب متن معنا دارند؛ جملات تنها در چارچوب متن معنا دارند. در فرایند تفسیر، تنها شخص الهام یافته‌ای که دست اندر کار می‌باشد نویسنده اصلی است. ما صرفاً از او، به وسیله روشن سازی و تنویر روح القدس، پیروی می‌کنیم. اما تنویر، الهام نیست. برای گفتن "خداوند چنین می‌فرماید"، باید پایبند قصد نویسنده اصلی باشیم. کاربرد باید دقیقاً مربوط به مقصود عمومی کل نوشته، واحد ادبی بخصوص، و بسط اندیشه در سطح پاراگراف باشد.

اجازه ندهید مسایل روز، کتاب مقدس را تفسیر کنند؛ بگذارید کتاب مقدس سخن بگوید! برای این کار ممکن است لازم باشد اصولی را از متن نتیجه گیری کنیم - این زمانی صحت دارد که «اصل» در متن باشد. متأسفانه بسیاری از اوقات، اصول ما فقط اصول "خودمان" هستند - نه اصول متن. در کاربرد کتاب مقدس (بجز در مورد نبوت) مهم است بیاد داشته باشیم برای یک متن خاص کتاب مقدس، یک معنا و تنها همان یک معنا مصداق دارد. آن معنا به قصد نویسنده اصلی مرتبط است که در باره بحران یا نیازی در زمان خود سخن گفته است. از این یک معنا می‌توان کاربردهای ممکنه فراوانی را برگرفت. کاربرد بر پایه نیازهای دریافت کنندگان خواهد بود، اما باید به مفهوم نویسنده اصلی ارتباط داده شود.

#### ۵. جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا درباره فرایند منطقی و متنی در تفسیر کردن و در کاربرد صحبت کرده‌ام. اجازه بدهید اکنون مختصراً جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهم. این لیست نکات مهم، برای من مفید بوده است:

۱. برای کمک روح القدس دعا کنید (مراجعه شود به اول قرن‌تیان ۱: ۲۶ و ۲: ۱۶).

۲. دعا کنید خدا شما را ببخشد و از گناہانی که به آنها واقف هستید پاک سازد. (اول یوحنا ۱: ۹).
۳. برای اشتیاق بیشتر در شناخت خدا دعا کنید (مراجعه شود به مزمور ۱۹: ۷ الی ۱۴: ۴۲؛ ۱ به بعد؛ ۱۱۹: ۱ به بعد).
۴. هر بینش جدیدتان را بلافاصله در زندگی خود به کار بندید.
۵. فروتن و آموزش پذیر باقی بمانید.

کار بسیار مشکلی است که توازن بین فرایند منطقی، و هدایت روحانی روح القدس را بتوان حفظ نمود. نقل قولهای ذیل بمن کمک کرده اند توازن بین این دو را بیابم:

۱. برداشت از «جیمز و. سایر» در کتاب «پیچاندن کتاب مقدس»، صفحات ۱۷-۱۸: "تنویر به اذهان قوم خدا می آید - نه صرفاً اشخاص بلند مرتبه روحانی. در مسیحیت مبنا بر کتاب مقدس، طبقه گورو [استاید معنوی] یا اشراقیون [اشخاصی که بدون استدلال منطقی و فقط از روی نیروی ذهنی حقیقت را کشف می کنند] و کسانی وجود ندارند که تمامی تفاسیر قابل قبول باید از طریق آنها به دست آید. پس با اینکه روح القدس عطایای مخصوص حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را می دهد، این کار را به این مسیحیان دارای عطایا واگذار نکرده است که فقط آنها مرجع تفسیر کلام او باشند. هر یک از افراد قوم خدا مسئول هستند با ارجاع به کتاب مقدس، بیاموزند، قضاوت کنند و تمیز دهند، زیرا کتاب مقدس مرجع برتر حتی نسبت به کسانی است که خدا به آنان تواناییهای خاص بخشیده است. در خلاصه، فرض من در سراسر کتاب بر این است که کتاب مقدس، مکاشفه حقیقی خدا به تمامی بشر است، و اینکه کتاب مقدس برای ما مرجع اقتدار نهایی در تمام مواردی است که در باره آنها سخن می گوید، نیز کتاب مقدس یک معمای مبهم نیست، بلکه افراد عادی از هر فرهنگی می توانند آن را به اندازه کافی درک کنند."

۲. در مورد «کرکگارد»، مطابق «برنارد رم» در کتاب او به نام «تفسیر کتاب مقدس از دیدگاه پروتستان» صفحه ۷۵: به گفته کرکگارد، مطالعه دستوری، واژه ای و تاریخی کتاب مقدس لازم بود، اما از لحاظ مطالعه حقیقی کتاب مقدس، مرحله مقدماتی به شمار می آمد. "برای مطالعه کتاب مقدس به عنوان «کلام خدا»، باید آن را با قلبی پر شور، با تمام حواس، با انتظاری مشتاقانه، و در حال مکالمه با خداوند، خواند. مطالعه کتاب مقدس بدون تفکر و توجه به آن، یا به صورت کتاب درسی، یا برای انجام شغل، مطالعه آن به عنوان کلام خدا محسوب نمی شود. وقتی کسی کتاب مقدس را طوری بخواند که نامه عاشقانه را می خوانند، آنگاه آن را به عنوان کلام خدا خوانده است."

۳. "اچ. اچ. راوی" در کتاب "مطرح بودن کتاب مقدس" صفحه ۱۹:

درک کتاب مقدس تنها به صورت عقلانی، هر قدر هم که کامل باشد، هرگز نمی تواند همه گنجینه های آن را از آن خود سازد. اینگونه فهم، ناچیز به شمار نمی آید چون برای استنباط کامل ضروری است. اما باید به درک روحانی گنجینه های روحانی این کتاب منتهی گردد تا کامل باشد. و برای آن درک روحانی، چیزی بیشتر از هوشیاری عقلانی لازم است. موضوعات روحانی با بینش روحانی دریافت می شوند و دانشجوی کتاب مقدس نیازمند طرز فکری پذیرنده از لحاظ روحانی، و اشتیاقی برای یافتن خدا است تا خود را به او تسلیم کند. در این صورت او می تواند از مطالعه علمی خود فراتر رفته، به میراث غنیتر این کتاب که بزرگترین کتابها است دست یابد."

## ۶. روش این کتاب تفسیر

کتاب تفسیر برای راهنمایی مطالعات به راه های ذیل برای کمک به رویه های تفسیری شما تنظیم شده:

۱. طرح کلی مختصر تاریخی، معرف هر کتاب است. پس از آنکه «مرحله مطالعه شماره ۳» را انجام داده اید، به این اطلاعات مرجع کنید.
۲. بینشهای متنی در ابتدای هر فصل قرار دارند. اینها به شما کمک می کنند به بینید واحد ادبی چه ساختاری دارد.
۳. در ابتدای هر فصل یا هر واحد ادبی عمده، تقسیم بندی پاراگرافها و عناوین توصیفی آنها از چند ترجمه جدید ارائه گردیده اند:
  - a. متن یونانی انجمن متحد کتاب مقدس، ویراست تجدید نظر شده (UBS<sup>4</sup>)
  - b. کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید، بروز آورده شده در سال ۱۹۹۵ (NASB)
  - c. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV)
  - d. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV)
  - e. ترجمه انگلیسی امروز (TEV)
  - f. کتاب مقدس اورشلیم (JB)

تقسیم بندی پاراگرافها الهام نشده اند. آنها باید از روی چارچوب متن محقق شوند. به وسیله مقایسه چند ترجمه معاصر که از تئوری های متفاوت ترجمه و دیدگاه های مختلف علم الهی می باشند، می توانیم ساختار گمان شده تفکر نویسنده اصلی را تجزیه و تحلیل کنیم. هر پاراگراف (بند) دارای یک حقیقت اعظم است که به آن «جمله اصلی» یا «ایده محوری

متن» می‌گویند. این تفکر یکی کننده، راه تفسیر صحیح تاریخی و دستوری می‌باشد. شخص هرگز نباید تفسیر یا موعظه یا تدریس خود را بر پایه‌ای کمتر از یک پاراگراف انجام دهد! همچنین بیاد داشته باشید که هر پاراگراف با پاراگراف‌های اطرافش مرتبط است. به این دلیل است که «طرح کلی» تمام کتاب به صورت پاراگراف بندی این قدر مهم است. ما باید بتوانیم ترتیب و توالی منطقی مطالبی را که مورد بحث نویسنده الهام یافته و اصلی است دریافت کنیم.

۴. ترتیب یادداشتهای «باب» (نویسنده کتاب) مطابق روش تفسیری آیه به آیه است. با این روش مجبور می‌شویم از اندیشه نویسنده اصلی پیروی کنیم. یادداشتهای از چند جنبه مختلف اطلاعات فراهم می‌کنند:

a. چهارچوب ادبی

b. بینشهای تاریخی و فرهنگی

c. اطلاعات دستوری

d. مطالعات واژه‌ای

e. بخشهای موازی (مشابه یا مترادف) مربوطه

۵. در بعضی مقاطع کتاب تفسیر، متن درج شده ترجمه استاندارد آمریکایی جدید (بروز آمده در ۱۹۹۵) به وسیله چند ترجمه معاصر دیگر تکمیل خواهد شد:

a. کتاب مقدس پادشاه جیمز ترجمه جدید (NKJV) که مطابق پیرو متن نسخ خطی «متن دریافتی» می‌باشد.

b. ترجمه جدید تجدید نظر شده استاندارد (NRSV) که بازنگری کلمه به کلمه کتاب مقدس ترجمه استاندارد تجدید نظر شده توسط شورای ملی کلیساها می‌باشد.

c. ترجمه انگلیسی امروز (TEV) که ترجمه «معادل پویا» توسط انجمن کتب مقدسه آمریکا است.

d. کتاب مقدس اورشلیم (JB) که ترجمه‌ای انگلیسی است بر مبنای ترجمه «معادل پویا» کاتولیک فرانسوی.

۶. برای کسانی که به زبان یونانی آشنا نیستند، مقایسه ترجمه‌های انگلیسی به تشخیص مسائل در متن کمک می‌کند:

a. تفاوتها در متون خطی

b. معانی جانشین واژگان

c. متون و ساختار مشکل دستوری

d. متون دارای چند معنی

اگر چه ترجمه‌های انگلیسی نمی‌توانند این مسایل را حل کنند، آنها را برای مطالعه بیشتر و کاملتر مورد نظر قرار می‌دهند.

۷. در پایان هر فصل سوالات مربوطه برای گفتگو فراهم شده‌اند و در این سوالات سعی شده است مسائل عمده تفسیری آن فصل مورد نظر قرار بگیرند.

## اختصارات انگلیسی کاربردی در این تفسیر

کتاب‌های تفسیر کتاب مقدس آنکر، ویرایش ویلیام فاکسول آبرایت و دیوید نوئل فریدمن	AB
قاموس کتاب مقدس آنکر (۶ جلد) ویرایش دیوید نوئل فریدمن	ABD
کلید تحلیلی عهد عتیق، نویسنده: جان جوزف اوونز	AKOT
متون باستانی خاور نزدیک، نویسنده: جیمز ب. پریچارد	ANET
لغتنامه عبری و انگلیسی عهد عتیق، نویسندگان: اف. براون، اس. آر. درایور، سی. ا. بریگز	BDB
Biblia Hebraica Stuttgartensia: GBS 1997	BHS
قاموس کتاب مقدس مفسرین، ۴ جلد، ویرایش: جورج ا. باتریک	IDB
فرهنگنامه کتاب مقدس استاندارد بین‌المللی، ۵ جلد، ویرایش جیمز اور	ISBE
کتاب مقدس اورشلیم	JB
کتاب مقدس مطابق متن ماسورتیک، ترجمه جدید چاپ از انجمن انتشارات یهودی آمریکا	JPSOA
لغتنامه عبری و آرامی عهد عتیق به قلم لودیک کوهلر و والتر بام گارتنر	KB
کتاب مقدس از روی متون باستانی شرقی (پشیتا) به قلم جورج م. لامسا	LAM
ترجمه هفتاد (یونانی - انگلیسی)، نویسنده: زان در ون، ۱۹۷۰	LXX
ترجمه جدیدی از کتاب مقدس، نویسنده: جیمز موفات	MOF
متن ماسورتیک عبری	MT
متن جدید کتاب مقدس آمریکایی	NAB
کتاب مقدس استاندارد آمریکایی ترجمه جدید	NASB
کتاب مقدس جدید انگلیسی	NEB
کتاب مقدس، ترجمه جدید انگلیسی	NET
قاموس جدید بین‌المللی الهیات و تاویل عهد عتیق، ۵ جلدی، ویرایش ویلم آ. ون گمرن	NIDOTTE
کتاب مقدس تجدید نظر شده جدید استاندارد	NRSV
ترجمه جدید بین‌المللی	NIV
کتاب مقدس جدید اورشلیم	NJB
راهنمای تجزیه و تحلیل دستوری جملات عهد عتیق، اثر: تاد س. بیل، ویلیام آ. بنکس و کالین اسمیت	OTPG
کتاب مقدس تجدید نظر شده	REB
ترجمه تجدید نظر شده استاندارد	RSV
ترجمه هفتاد (یونانی - انگلیسی) نویسنده: زاندرن، ۱۹۷۰	SEPT
، توسط اتحادیه انجمن‌های کتاب مقدس Today's English Version	TEV
ترجمه تحت‌اللفظی کتاب مقدس، نوشته رابرت یانگ	YLT
فرهنگنامه مصور کتاب مقدس زاندرن، ۵ جلد، ویرایش میریل س. تنی	ZPBE
نسخه جدید شاه جیمز	NKJV
انجمن متحد کتاب مقدس	UBS



## شرحی در یوحنا

### کلام آغازین

- A. اناجیل متی و لوقا با تولد عیسی شروع می‌شوند و مرقس با تعمیدش، اما شروع یوحنا به قبل از خلقت می‌گردد.
- B. از آیه اول فصل اول عهد عتیق ناصری، یوحنا تصویر کاملی را ارائه داده و این را در سراسر انجیل صحنه می‌گذارد. سایر اناجیل نیز تا حدی در ارائه آنها حقیقتا این حقیقت را می‌پیماید.
- C. مشخص است که یوحنا انجیل خود را در پرتو آنچه که در سایر اناجیل ابتدا به ساکن تصریح شده تدوین کرده است. او تلاش دارد تا زندگی و آموزه‌های عیسی را با توجه به نیازهای کلیسای اولیه، در اواخر قرن اول تکمیل و تفسیر کند.
- D. به نظر می‌رسد یوحنا چهار چوب معرفی خود را از عیسی مسیح حول محورهای زیر شکل داده باشد:
۱. هفت معجزه /علائم و تفسیر آنها
  ۲. بیست و هفت مصاحبه و /یا گفتگو با افراد
  ۳. برخی از عبادت و جشن‌ها
- a. شبات
- b. عید پسخ (یوحنا ۵ و ۶)
- c. خیمه‌ها (یوحنا ۷ الی ۱۰)
- d. تقدیس (۱۰: ۲۲ الی ۳۹)
۴. اعلان "من هستم"
- a. مربوط به نام الهی است (یهوه)
- ۱) من که با تو سخن می‌گویم، همانم. (یوحنا ۴ : ۲۶ ، ۸ : ۲۴، ۲۸ ، ۱۳ : ۱۹ ، ۶-۵ : ۱۸).
- ۲) پیش از تولد ابراهیم، من بوده‌ام. (یوحنا ۸ : ۵۴ و ۵۹)
- b. با اسامی مستعار
- ۱) من نان حیات هستم (یوحنا ۶ : ۳۵ و ۴۱ و ۴۸ و ۵۱)
- ۲) من نور جهانم (یوحنا ۸ : ۱۲)
- ۳) من برای آغل گوسفندان درب هستم (یوحنا ۱۰ : ۷ و ۹)
- ۴) من شبان نیکو هستم (یوحنا ۱۰ : ۱۱ و ۱۴)
- ۵) من قیامت و حیات هستم (یوحنا ۱۱ : ۲۵)
- ۶) من راه، راستی و حیات هستم (یوحنا ۱۴ : ۶)
- ۷) من تاک حقیقی هستم (یوحنا ۱۵ : ۱ و ۵)
- E. تفاوت بین انجیل یوحنا و سایر اناجیل
۱. اگرچه هدف اصلی یوحنا الهیات است، اما استفاده او از تاریخ و جغرافیا بسیار دقیق است. با این حال دلیل اختلاف بین سایر اناجیل و انجیل یوحنا نامشخص است
- a. بشارت زود هنگام یهودی (تمیز کردن زود هنگام معبد)
- b. فلسفه تاریخی و زمان آخرین هفته زندگی عیسی مسیح
- c. بازسازی یک الهیات هدفمند
۲. بحث در مورد تفاوت‌های مشهود میان انجیل یوحنا و سایر اناجیل مفید خواهد بود. اجازه بدهید جملاتی از کتاب الهیات عهد جدید به قلم جورج لدون در باره این تفاوتها نقل کنم:
- a. تفاوت انجیل چهارم با سایر اناجیل به قدری زیاد است که صادقانه بگویم، باید با این سوال روبرو شویم که آیا به طور مشخص آموزه‌های عیسی مسیح را منعکس می‌کند یا اینکه ایمان مسیحی به حدی سنت را تغییر داده که باعث شده تاریخ توسط تفاسیر الهیاتی بلعید شده و نادیده گرفته شود. (صفحه ۲۱۵).
- b. "قابل دسترس‌ترین راه حل، تعالیم عیسی است که از زبان یوحنا منعکس شده است. اگر این راه حل درست باشد و اگر ما باید به این نتیجه برسیم که انجیل چهارم از زبان یوحنا رهبری شده است، این سوال مهم به وجود می‌آید: تا چه اندازه الهیات انجیل چهارم از زبان یوحنا بجای مانده تا از عیسی؟ تا چه حد تعالیم عیسی توسط یوحنا درک شده است زیرا آنچه که ما در دست داریم، بیش از آنکه نشانگر تعالیم شخص عیسی مسیح باشد، نشان دهنده تفسیر یوحنا می‌باشد. (ص ۲۱۵)

c. لد همچنین به نقل از و.ف. آلبرایت از اکتشافات اخیر در فلسطین و انجیل یوحنا در کتاب "پشت صحنه عهد جدید و آخرت‌شناسی آن" ویرایش شده توسط و.د. دیویس و د. داوب نقل می‌کند:

"هیچ تفاوت بنیادینی در تعالیم بین یوحنا و سایرین وجود ندارد. تضاد بین آنها در تمرکز بر روی سنت در کنار برخی از جنبه‌های تعالیم مسیح بوده، به ویژه آنهایی که به نظر می‌رسند به تعالیم اسن‌ها نزدیکتر می‌باشند.

هیچ سندی که نشان دهنده تحریف تعالیم عیسی و یا جعلی بودن آن و یا اضافه شدن عناصر جدید به آنها، وجود ندارد. نیازهای کلیسای اولیه متأثر از انتخاب اقلامی جهت اضافه شدن در انجیل بوده که می‌توانیم آنها را بپذیریم، اما دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم نیازهای کلیسای اولیه باعث به وجود آمدن هر گونه ابتکار یا نوآوریهای مهم الهیاتی باشد.

یکی از عجیبترین فرضیه‌های عالمان و متکلمان دینی این است که می‌گویند ذهن عیسی چنان محدود بوده است که هر گونه تضاد ظاهری میان یوحنا و سایرین را باید به دلیل اختلافات میان متکلمان اولیه مسیحی تلقی نمود. هر متفکر و شخصیت بزرگی توسط دوستان و شنوندگان مختلف تفسیر شده و آنان بیشتر از میان آن تفاسیر، آنچه که به سلیقه و سیاق خود نزدیکتر است را برگزیده و درک می‌کنند تا آنچه را که فقط از دیگران می‌بینند و می‌شنوند." (صفحه ۱۷۰-۱۷۱).

d. و باز هم نوشته‌ای از جورج ای. لد:

"تفاوت میان آنها این نیست که یوحنا وابسته به الهیات است و دیگران نیستند، اما رویکرد آنان در الهیات متفاوت است. تاریخ تفسیری ممکن است بیشتر بازتاب دهنده واقعیت‌های وقایع باشد تا صرفاً به تاریخچه آنها بپردازد. اگر یوحنا یک مفسر الهیات باشد، تفسیری را از رویدادها ارائه می‌دهد که به این باور رسیده که در تاریخ اتفاق افتاده است. بدیهی است که سایر اناجیل قصد این را ندارند که فقط گزارشی از کلام دستکاری شده عیسی و یا حوادث زندگیش را بدهد. آنان، عیسی و خلاصه‌ای از آموزه‌هایش را به تصویر می‌کشند. متی و لوقا برای اینکه آموزه‌های عیسی را با آزادی کامل بیان کنند، محتوای آورده شده در مرقس را مرتب کردند. اگر یوحنا از آزادی بیشتری نسبت به متی و لوقا برخوردار بود، به این دلیل است که او می‌خواست تصویر عمیقتر و واقعیت‌تری از عیسی مسیح را ارائه دهد." (صفحه ۲۲۱-۲۲۲).

#### نویسنده

- A. نویسنده انجیل ناشناس است، اما نشانه‌هایی از نگارش آن توسط یوحنا وجود دارد.
۱. نویسنده‌ای که شاهد عینی بود (یوحنا ۱۹: ۳۵)
  ۲. عبارت "شاگرد مورد علاقه" (هم‌پلی کرات‌ها و هم‌ایرنایوس از او به عنوان یوحنا‌ی رسول نام می‌برند)
  ۳. یوحنا، پسر زبدی، هرگز به نام ذکر نشده است.
- B. وقایع تاریخی از خود انجیل آشکار است، بنابراین، موضوع نویسندگی عامل مهمی در تفسیر نیست. آنچه که حائز اهمیت است قطعیت الهامی است که توسط نویسنده دریافت شده است!
- نگارش انجیل و تاریخ آن توسط یوحنا بر مبحث الهام آن تاثیر نمی‌گذارد، بلکه موضوع تفسیر می‌گردد. مفسران به دنبال یک زمینه و مناسبت تاریخی هستند که منتج به نگارش کتاب گردیده است.
- آیا باید دوگانگی یوحنا را با موارد زیر مقایسه کرد؟
۱. دو عصر یهود
  ۲. عدالت معلم قمران
  ۳. دین زرتشت
  ۴. تفکر عرفانی
  ۵. دیدگاه منحصر به فرد عیسی مسیح
- C. دیدگاه سنتی این است که یوحنا‌ی رسول، فرزند زبدی، منبع انسانی و شاهد عینی است. این باید روشن شود زیرا به نظر می‌رسد منابع خارجی قرن دوم افراد دیگری را نیز در نگارش محتوای انجیل دخیل می‌دانند:
۱. باورمندان و بزرگان افسسی رسول سالخورده را برای نگارش انجیل تشویق می‌کردند (یوسیپیوس، اسقف و مورخ کلیسایی قرن سوم از رئوف اسکندریه نقل کرده است)
  ۲. اندریاس رسول (تکه باقیمانده موراتوری از رم ۱۸۰-۲۰۰ بعد از میلاد)
- D. برخی از محققان امروزی تصور می‌کنند نویسنده دیگری نیز بر اساس چندین فرضیه در مورد سبک نگارش و موضوع انجیل دخیل بوده است.
- بسیاری تاریخ آن را اوایل قرن دوم میلادی می‌دانند (پیش از ۱۱۵ میلادی):
۱. نوشته شده توسط شاگرد یوحنا (از حلقه یوحنا‌یون بانفوذ) که آموزه‌های او را به یاد داشتند (J. Weiss), (B. Lightfoot, C. H. Dodd, C. K. Barrett), R. A. Culpepper, O. Cullmann

۲. نوشته شده توسط "یوحنا ی بزرگ" (یکی از اولین مجموعه رهبران آسیا که تحت تاثیر الهیات و واژگان یوحنا بود) که از یک نقل قول مبهم در پاپیاس (۷۰ تا ۱۴۶ بعد از میلاد) توسط یوسیبیوس نقل شده است (۳۳۹-۲۸۰ بعد از میلاد).

E. شواهد برای نقش شخص یوحنا بعنوان منبع اولیه برای محتوای انجیل

۱. شواهد داخلی

a. نویسندگان از تعالیم و آیین یهودیان آگاهی داشته و دیدگاه جهانی عهد عتیق خود را به اشتراک می‌گذارد

b. نویسندگان به شرایط فلسطین و اورشلیم در اوایل سال ۷۰ بعد از میلاد اشراف داشت.

c. نویسندگان ادعا می‌کنند که یک شاهد عینی است

(۱) یوحنا ۱: ۱۴

(۲) یوحنا ۱۹: ۳۵

(۳) یوحنا ۲۱: ۲۴

d. نویسندگان عضو گروه رسولان بوده، چرا که با موارد زیر آشنا است:

(۱) جزئیات زمان و مکان (محنت‌های شبانه)

(۲) جزئیات اعداد (گلدان‌های آب یوحنا ۲: ۶ و ماهی یوحنا ۲۱: ۱۱)

(۳) جزئیات افراد

e. نویسندگان به جزئیات وقایع و واکنش به آنها آگاه بود

f. نویسندگان به نظر می‌رسد به عنوان "شاگرد محبوب" شناخته شده بود

(۱) یوحنا ۱۳: ۲۳ و ۲۵

(۲) یوحنا ۱۹: ۲۶ و ۲۷

(۳) یوحنا ۲۰: ۲ الی ۵ و ۸

(۴) یوحنا ۲۱: ۷ و ۲۰ الی ۲۴

g. نویسندگان به نظر می‌رسد عضو حلقه درونی هم‌تراز با پطرس باشد

(۱) یوحنا ۱۳: ۲۴

(۲) یوحنا ۲۰: ۲

(۳) یوحنا ۲۱: ۷

h. نام یوحنا، پسر زبیدی، هرگز در این انجیل آورده نشده است، که به نظر بسیار غیرعادی می‌رسد. زیرا او عضو حلقه درونی رسولان بود

۲. شواهد خارجی

a. انجیل توسط عوامل زیر شناخته می‌شود

(۱) Irenaeus (۱۲۰ الی ۲۰۲ بعد از میلاد) که با پلیکراپ ارتباط داشت، یوحنا ی رسول را می‌شناخت (Eusebius 'Historical

Eccleasticus ۵: ۲۰: ۶-۷) - "یوحنا شاگرد خداوند، انجیل افسیانی را در آسیا نگاشت" (هائز، ۳: ۱: ۱، نقل شده است

در Eusebius 'Hist. Eccl ۵: ۸: ۴).

(۲) Clement of Alexandria (بعد از میلاد. ۱۵۳-۲۱۷) - "یوحنا که از طرف دوستانش دعوت شده بود و به روح القدس ملحق

شد، یک انجیل روحانی را تدوین کرد (Eusebius Historic Eccleasticus ۶: ۱۴: ۷)

(۳) جاستین شهید (بعد از میلاد. ۱۱۰-۱۶۵) در گفتگو با تریفو ۸۱: ۴

(۴) ترتولیان (۲۲۰-۱۴۵ بعد از میلاد)

b. نگارش یوحنا توسط شاهدان اولیه اعلام گردید

(۱) پلی کراپ (۱۵۶-۷۰ بعد از میلاد، ثبت شده توسط Irenaeus)، که اسقف اعظم سمیرنا بود (۱۵۵ بعد از میلاد)

(۲) پاپیاس (۱۴۶-۷۰ ضبط شده توسط Anti-Marconite Prologue از رم و Eusebius)، که اسقف اعظم هیراپولیس در

فرجیه بود و آورده شده است که شاگرد یوحنا ی رسول بوده است.

F. دلایلی که در درباره تردید نویسندگان آورده می‌شود

۱. ارتباط انجیل با موضوعات عرفانی

۲. ضمیمه آشکار فصل ۲۱

۳. اختلاف زمانی با سایر اناجیل

۴. از یوحنا به عنوان "شاگرد مورد علاقه" یاد نشده است

۵. انجیل یوحنا جهت یاد کردن از عیسی مسیح از واژگان و ادبیاتی متمایز از سایرین استفاده می‌کند
- G. اگر وی را به عنوان یوحنا رسول فرض کنیم، پس چه فرضی می‌توانیم درباره انسان بودن وی داشته باشیم؟
۱. او از افسسیان آورده است (ایرنیوس می‌گوید: "انجیل از افسسیان برآمده است")
۲. وقتی او مسن‌تر بود نوشت (ایرنیوس می‌گوید که وی تا زمان حکومت تروا زندگی کرد. ۹۸-۱۱۷ بعد از میلاد)

## تاریخ

- A. اگر یوحنا را رسول فرض کنیم
۱. پیش از سال ۷۰ پس از میلاد، هنگامی که اورشلیم توسط تیتوس ژنرال یونانی تخریب گردید (وی سپس به امپراتوری رسید)،
- a. در یوحنا ۵: ۲ آمده است: "در اورشلیم نزدیک دروازه‌ای معروف به دروازه گوسفند استخری با پنج رواق وجود دارد که به زبان عبری آن را بیت صیدا می‌گویند..."
- b. استفاده مداوم از عنوان اولیه "شاگردان" برای تفکیک از گروه رسولان
- c. بعدها عناصر عرفانی که در کتیبه‌های دریای مرده کشف شد، نشان می‌دهد آنها بخشی از اصطلاحات الهیات قرن اول هستند.
- d. هیچ اشاره‌ای به تخریب معبد و شهر اورشلیم در سال ۷۰ پس از میلاد نشده است.
- e. باستان‌شناس معروف آمریکایی و.ف. آلبرایت تاریخی را برای انجیل در اواخر ۷۰ یا اوایل ۸۰ بعد از میلاد ذکر کرده است.
۲. کمی بعد در قرن اول
- a. الهیات تدوین شده یوحنا
- b. سقوط اورشلیم ذکر نشده است زیرا حدود بیست سال پیش از آن اتفاق افتاده بود.
- c. استفاده یوحنا از اصطلاحات گفتاری و تأکیدی
- d. سنت‌های اولیه کلیسا
- (۱ ایرنیوس  
 (۲ Eusebius

- B. چنانچه یوحنا را پیر فرض کنیم، پس باید تاریخ را از اوایل تا اواسط قرن دوم در نظر بگیریم. این تئوری با رد تدوین‌گری یوحنا پیامبر توسط Dionysus آغاز شد (به دلایل ادبی). Eusebius، که به دلایل الهیاتی، نگارش مکاشفه توسط یوحنا رسول را رد کرده بود، احساس کرد که او "یوحنا" دیگری را در زمان مناسب و در مکان مناسب در میان نوشته‌های پایاس یافته بود (Historical Eccleasticus ۳: ۳۹: ۶، ۵) که از دو یوحنا نام برده شده است. یکی رسول و دیگری سالمند.

## دریافت کنندگان

- A. در اصل به کلیساهای رومی آسیای صغیر، به ویژه افسسیان نگاشته شده بود.
- B. به دلیل سادگی عمیق و عمق زندگی و شخص عیسی ناصری، به انجیل مورد علاقه برای هر دو گروه باورمندان به خدای واحد و گروه‌های عرفانی تبدیل گردیدند.

## اهداف

- A. انجیل، هدف بشارتی خود را بیان می‌دارد، یوحنا ۲۰: ۳۰ الی ۳۱
۱. برای خوانندگان یهودی
۲. برای ایمانداران به خدا
۳. برای ایمانداران جدید
- B. به نظر می‌رسد که یک خطای قابل اغماض داشته باشد
۱. علیه پیروان متعصب یوحنا تعمیدگر
۲. علیه آموزگاران دروغین عرفانی ابتدایی (بوژه Prologue)؛ این آموزه‌های دروغین عرفانی همچنین زمینه‌های دیگر کتاب‌های عهد جدید را تشکیل می‌دهد:
- a. افسسیان
- b. کولسیان
- c. نامه‌های مقدس (اول تیموتی، تیتوس، دوم تیموتی)
- d. اول یوحنا (اول یوحنا ممکن است به عنوان کلام آغازین برای انجیل کاربرد داشته باشد)
- C. این امکان وجود دارد که هدف از اظهار یوحنا ۲۰: ۳۱ ممکن است به عنوان تشویق دکتترین استقامت و همچنین تبلیغ مسیحیت به دلیل استفاده

- مداوم از زمان حال برای توصیف نجات، درک شده باشد. در چنین حالتی، یوحنا، مانند یعقوب، ممکن است بیش از حد سعی در حفظ الهیات پولس، که توسط برخی از گروه‌های آسیای صغیر مطرح بوده، داشته است. (دوم پطرس ۱۶-۱۵: ۳). شگفت‌آور است که سنت اولیه کلیسا یوحنا را با افسسیان تعریف می‌کند نه پولس (پطرس، استفان، یعقوب و یوحنا نوشته ف.ف. بروس: مطالعات در مسیحیت غیر پائولین، ص ۱۲۰-۱۲۱).
- D. به نظر می‌رسد بخش موخره (یوحنا ۲۱) پاسخی به پرسشهای خاص کلیسای اولیه داشته باشد.
۱. به نظر می‌رسد یوحنا مکمل سایر اناجیل باشد. با این حال، او بر نقش بشارتی یهودیان، به ویژه اورشلیم تمرکز دارد.
  ۲. سه سؤال در ضمیمه یوحنا ۲۱ ذکر شده است
    - a. بازگرداندن پطرس
    - b. طول عمر یوحنا
    - c. تاخیر در بازگشت عیسی
- E. بعضی از یوحنا به عنوان شخصی یاد می‌کنند که به برجسته کردن نقش تقدیس می‌پردازد، با اهداف نادیده گرفتن، یا ضبط و یا بحث وجودی احکام با وجود متون متقنی که در یوحنا ۳ (برای تعمید) و یوحنا ۶ (برای عشای ربانی و یا شام خداوند) آورده شده است.

#### ویژگیهای رئوس مطالب یوحنا

- A. یک پرولوگ فلسفی / الهیاتی (یوحنا ۱: ۱ الی ۱۸) و یک موخره عملی (یوحنا ۲۱)
- B. هفت علامت معجزه در زمان بشارت عمومی عیسی (انجیل یوحنا ۱۲-۲) و تفسیر آنها:
  ۱. تبدیل آب به شراب در جشن عروسی در قانا (یوحنا ۲: ۱ الی ۱۱)
  ۲. شفای پسر افسر دادگاه در کفرناحوم (یوحنا ۴: ۴۶ الی ۵۴)
  ۳. شفا دادن مرد فلج در حوض بیت صیدا در اورشلیم (یوحنا ۵: ۱ الی ۱۸)
  ۴. خوراک دادن به حدود پنج هزار نفر در جلیل (یوحنا ۶: ۱ الی ۱۵)
  ۵. راه رفتن بر روی دریای جلیل (یوحنا ۶: ۱۶ الی ۲۱)
  ۶. شفا دادن کور مادرزاد در اورشلیم (یوحنا ۹: ۱ الی ۴۱)
  ۷. بالا بردن لازاروس در بیتنی (یوحنا ۱۱: ۱ الی ۵۷)
- C. مصاحبه‌ها و گفتگو با افراد
  ۱. یحیی تعمید دهنده (یوحنا ۱: ۱۹ الی ۳۴ و ۳: ۲۲ الی ۳۶)
  ۲. شاگردان
    - a. آندریاس و پطرس (یوحنا ۱: ۳۵ الی ۴۲)
    - b. فیلیپوس و نتنائیل (یوحنا ۱: ۴۳ الی ۵۱)
  ۳. نیکودیموس (یوحنا ۳: ۱ الی ۲۱)
  ۴. زن سامری (یوحنا ۴: ۱ الی ۴۵)
  ۵. یهودیان در اورشلیم (یوحنا ۵: ۱۰ الی ۴۷)
  ۶. جمعیت در جلیل (یوحنا ۶: ۲۲ الی ۶۶)
  ۷. پطرس و شاگردان (یوحنا ۶: ۶۷ الی ۷۱)
  ۸. برادران عیسی (یوحنا ۷: ۱ الی ۱۳)
  ۹. یهودیان در اورشلیم (یوحنا ۱۰: ۱ الی ۴۲ و ۸: ۷-۱۴)
  ۱۰. شاگردان در اناق فوقانی (یوحنا ۱۷: ۱۳-۲۶: ۱)
  ۱۱. دستگیری و محاکمه توسط یهودیان (یوحنا ۱۸: ۱ الی ۲۷)
  ۱۲. دادگاه رومی (یوحنا ۱۹: ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۸)
  ۱۳. مکالمات پس از قیامت، ۲۰: ۱۱ الی ۲۰
    - a. با مریم
    - b. با ده رسول
    - c. با توماس
  ۱۴. گفت و گو در جلسه با پطروس، یوحنا ۲۱: ۱ الی ۲۵
  ۱۵. (یوحنا ۸: ۵۳-۱۱: ۷، داستان زن زناکار، در اصل بخشی از انجیل یوحنا نیست!)

D. برخی از روزهای پرستش / جشن

۱. شبات (یوحنا ۵: ۹، ۷: ۲۲، ۹: ۱۴، ۱۹: ۳۱)
۲. پسخ (یوحنا ۲: ۱۳، ۶: ۴، ۱۱: ۵۵، ۱۸: ۲۸)
۳. خیمه‌ها (یوحنا ۹-۸)
۴. عید تقدیس (جشنواره نور، یوحنا ۱۰: ۲۲)

E. نقش اعلان "من هستم"

۱. "من او هستم" (یوحنا ۴: ۲۶، ۶: ۲۰، ۸: ۲۴ و ۲۸ و ۵۴ الی ۵۹)
۲. "من نان حیاتم هستم" (یوحنا ۶: ۳۵ و ۴۱ و ۴۸ و ۵۱)
۳. "من نور جهان هستم" (یوحنا ۸: ۱۲، ۹: ۵)
۴. "من برای گوسفندان درب آغل هستم" (یوحنا ۱۰: ۷ و ۹)
۵. "من چوپان خوب هستم" (اول یوحنا ۰: ۱۱ و ۱۴)
۶. "من قیامت و حیات هستم" (یوحنا ۱۱: ۲۵)
۷. "من راه و راستی و حیات هستم" (یوحنا ۱۴: ۶)
۸. "من تاک حقیقی هستم" (یوحنا ۱۵: ۱ و ۵)

### خواندن حلقه اول

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.
۲. نوع ادبیات

### خواندن حلقه دوم

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جملع مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول
۲. موضوع واحد ادبی دوم
۳. موضوع واحد ادبی سوم
۴. موضوع واحد ادبی چهارم
۵. و غیره

# یوحنا ۱

## پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن \*

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
کلمه تبدیل به گوشت شد ۱ : ۱ الی ۵	کلمه ابدی ۱ : ۱ الی ۵	پرولوگ ۱ : ۱ الی ۵	کلام زندگی ۱ : ۱ الی ۵	پرولوگ ۱ : ۱ الی ۱۸ (۱ الی ۵)
	شاهد یوحنا: نور حقیقی ۱ : ۶ الی ۱۳	۱ : ۶ الی ۹ ۱ : ۱۰ الی ۱۳	۱۶ الی ۹ ۱ : ۱۰ الی ۱۳	(۶ الی ۸) (۹ الی ۱۴)
	کلام تبدیل به گوشت شده است ۱ : ۱۴ الی ۱۸	۱ : ۱۴ الی ۱۸	۱۴ : ۱ ۱۵ : ۱ ۱ : ۱۶ الی ۱۸	(۱۵) (۱۶ الی ۱۸)
شهادت یحیای تعمید دهنده ۱ : ۱۹ الی ۲۸	صدایی در بیابان ۱ : ۱۹ الی ۲۸	شهادت یوحنا ۱ : ۱۹ الی ۲۳	پیغام یحیای تعمید دهنده ۱ : ۱۹ ۱ : ۲۰ ۱ : ۲۱ ۱ : ۲۱ ۱ : ۲۱ ۱ : ۲۲ ۱ : ۲۲ ۱ : ۲۳ (۲۳)	شهادت یوحنا ۱ : ۱۹ الی ۲۸ (۲۳)
			۱ : ۲۴ الی ۲۵ ۱ : ۲۶ الی ۲۷ ۱ : ۲۸	
بره خدا ۱ : ۲۹ الی ۳۴	بره خدا ۱ : ۲۹ الی ۳۴	۱ : ۲۹ الی ۳۴	بره خدا ۱ : ۲۹ الی ۳۱ ۱ : ۳۲ الی ۳۴	۱ : ۲۹ الی ۳۴
شاگردان اول ۱ : ۳۵ الی ۴۲	شاگردان اول ۱ : ۳۵ الی ۴۲	شهادت اولین شاگردان عیسی ۱ : ۳۵ الی ۴۲	شاگردان اول عیسی ۱ : ۳۵ الی ۳۶ ۱ : ۳۷ الی ۳۸ ۱ : ۳۸ ۱ : ۳۹ ۱ : ۴۰ الی ۴۲ ۱ : ۴۲	شاگردان اول ۱ : ۳۵ الی ۳۹ ۱ : ۴۰ الی ۴۲
تماس فیلیپوس نتنائیل	فیلیپوس و نتنائیل		عیسی فیلیپوس و نتنائیل را صدا می‌زند	

۴۶ :۱

۴۶ :۱

۴۷ :۱

۴۸ :۱

۴۸ :۱

۴۹ :۱

۵۰ الی ۵۱

\* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر ترجمه جدید، پاراگرافها را تقسیم و خلاصه کرده است. هر پاراگراف شامل یک موضوع مرکزی، حقیقت یا تفکری است. هر نسخه این موضوع را به شیوه‌ای متمایز به کار می‌گیرد. همانطور که متن را می‌خوانید، از خودتان سوال کنید که کدام ترجمه متناسب با درک شما از موضوع و تقسیم‌بندی آیه است. در هر فصل ما ابتدا باید کتاب مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات آن (پاراگرافها) را شناسایی کنیم، سپس درک خود با نسخه‌های جدید را مقایسه کنیم. تنها وقتی می‌توانیم هدف اصلی نویسندگان را دریابیم که با پیروی از منطق و نحوه ارائه آن، بتوانیم واقعا کتاب مقدس را درک کنیم. فقط نویسنده اصلی الهام گرفته است - خوانندگان حق ندارند پیام را تغییر داده یا اصلاح کنند. خوانندگان کتاب مقدس مسئولیت اعمال حقیقت الهام گرفته را روزانه و در طول زندگی دارند. توجه داشته باشید که تمام اصطلاحات فنی و اختصارات به طور کامل در اسناد زیر توضیح داده شده است: انتقادات متنی و واژه‌نامه.

### مطالعه حلقه سوم (رجوع کنید به "سمینار تفسیر کتاب مقدس")

به دنبال نیت اصلی نویسنده در سطوح پاراگراف

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات را مشخص نمایید (مطالعه حلقه شماره ۳). تقسیمات موضوعی خود را با پنج ترجمه بالا مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی به نویسنده الهام نشده است، اما کلید پیگیری اهداف اصلی نویسنده است که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. غیره

### نگاهی به آیات ۱-۶

A. رئوس مطالب اشعار/مناجات/اعتقادات از جنبه الهیاتی

۱. ابدی، رحمانی، خالق، رستگاری مسیح، یوحنا ۳-۱: ۱ (عیسی به عنوان کلام)

۲. شهادت پیامبرگونه به مسیح، یوحنا ۱۵، ۸-۷، ۴-۵: ۱ (عیسی به عنوان نور)

۳. تجسم مسیح خدا را عیان می‌کند، یوحنا ۱۸-۱۰: ۱ (عیسی به عنوان پسر)

B. ساختار الهیاتی یوحنا و موضوعات مکرر

۱. عیسی با خدای پدر از ابتدا زنده بود (یوحنا ۱: ۱)

۲. عیسی در ارتباط صمیمانه با خدای پدر بود (یوحنا ب: ۱، ۲، ۱۸)

۳. عیسی از ذات عالی خدای پدر بهره‌مند بود (یوحنا ۱: ۱، ۱۸، ۱۷)

۴. خدای پدر یعنی پذیرش و رستگاری (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳)

۵. تناسخ، خدای یگانه انسان می‌شود (یوحنا ۱: ۹، ۱۴)

۶. وحی، خداوند به طور کامل آشکار و درک شد (یوحنا ۱: ۱۸)

C. زمینه عبری و یونانی لوگوس (کلمه)



## A. زمینه عبری

۱. قدرت کلام گفتاری (اشعیا ۵۵: ۱۱؛ پیدایش ۳۳: ۶؛ ۱۰۷: ۲۰؛ ۱۴۷: ۱۵ و ۱۸)، همانگونه که در خلقت (پیدایش ۱: ۳ و ۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۹) و برکات پدرانه (پیدایش ۲۷: ۱؛ ۴۹: ۱)
۲. امثال ۸: ۱۲ الی ۲۳ "خرد" را به عنوان اولین خلقت خداوند و نماینده‌ی همه خلائق می‌نامد (نگاه کنید به مزمور ۳۳: ۶ و حکمت غیرواقعی سلیمان ۹: ۹)
۳. تارگومان (ترجمه و تفسیر انجیل به زبان باستانی آرامی) جایگزین عبارات "کلام خدا" برای لوگوس به دلیل ناهمگونی با مفاهیم انسان‌شناسی

## B. زمینه یونانی

۱. هراکلیتوس (فیلسوف یونانی که در ۵۰۰ قبل از میلاد می‌زیست) - جهان در جریان تحولات پی در پی بوده است؛ خدای غیرانسانی و بدون تغییر، همه چیز را در کنار هم نگاه داشت و بسوی فرآیند تغییر هدایت نمود
۲. افلاطون - لوگوس غیر انسانی و بدون تغییر که سیاره‌ها را در توازن با یکدیگر نگهداری و فصول سال را تعیین می‌کرد
۳. Stoics (اعضای انجمن فیلسوفان یونان باستان) - لوگوس "دلیل جهان" یا مدیر بود، اما نیمه انسانی بود
۴. فیلو - او مفهوم لوگوس را به عنوان "کشیش والا مقامی که روح انسان را پیش از خدا قرار می‌دهد" یا "پل بین انسان و خدا" یا "سکانی که توسط آن سکاندار جهان همه چیز را هدایت می‌کند" تعریف نمود (*kosmocrater*)

## D. عناصر الهیاتی / فلسفی پیشرفته قرن دوم میلادی

۱. دوگانگی آنتاگونیست هستی‌شناسی (ابدی) بین روح و ماده
۲. ماده شریر و لجوج است؛ روح خوب است
۳. نظام عرفانی مجموعه‌ای از سطوح فرشتگان (*aeons*) بین خداوند والای بزرگ و خدای کوچکتری که قادر به تشکیل ماده بود. برخی حتی ادعا می‌کردند که این خدا کمتر از یهوه عهد عتیق (مانند *Marcion*) بوده است.
۴. نجات توسط موارد زیر به وجود آمد
  - a. دانش نهان یا کلمات عبوری که به فرد اجازه می‌دهد از طریق این سطوح روحانی، راه خود را برای الحاق با خدا طی کنند
  - b. یک جرعه الهی در همه انسانها، که آنها تا زمانی که دانش نهان را دریافت نمی‌کنند، از آن آگاهی ندارند
  - c. یک مامور شخصی از سوی وحی الهی که این دانش نهان را به بشریت می‌دهد (روح مسیح)
۵. این نظام تفکری، مقام خدایی عیسی را تأیید کرد، اما نماد واقعی و دائمی او و مرکزیت محل رستگاری او را انکار کرد!

## E. تنظیمات تاریخی

۱. یوحنا ۱: ۱ الی ۱۸ تلاشی برای ارتباط با هر دو تفکر عبری و یونان با استفاده از مفاهیم لوگوس است.
۲. ارتداد عرفانی، زمینه فلسفی برای چارچوب بخش مقدمه‌ای به انجیل یوحنا است. اول یوحنا را می‌توان کلام آغازین انجیل به حساب آورد. نظام الهیاتی اندیشه به نام "عرفان" تا قرن دوم به طور رسمی شناخته نشده است، اما ریشه‌های عرفان آغازین در اسکله دریای مرده و فیلیو یافت می‌شود.
۳. سایر اناجیل (به ویژه مرقس) مقام خدایی عیسی را تا بعد از کالوری در پرده نگاه می‌دارد (اسرار مسیحیت)، اما سالیان بعد یوحنا، موضوع عیسی به عنوان خدای کامل و انسان کامل را به نگارش در می‌آورد (پسر انسان، حزقیال ۲: ۱ و دانیال ۷: ۱۳) در فصل اول.
- F. رجوع شود به موضوع خاص: مقایسه اول یوحنا با اول یوحنا باب یکم.

## مطالعه عبارت و کلام

### متن NASB (بروز شده): یوحنا ۱: ۱-۵

۱ در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود؛ همان در آغاز با خدا بود. همه چیز به واسطه او پدید آمد، و از هر آنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت. او در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود. این نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را درنیافت.

۱: ۱ "در آغاز" این پیدایش ۱: ۱ را تداعی می‌کند و همچنین در اول یوحنا ۱: ۱ به عنوان مرجعی برای تناسخ استفاده می‌شود. ممکن است که اول یوحنا، شروع انجیل باشد. هر دو با فلسفه عرفانی کار می‌کنند. یوحنا ۱: ۱ الی ۵ تایید حیات پیش از زندگی انسانی، قبل از خلقت است (یوحنا ۱: ۱۵ و ۳۰ و ۸: ۵۶ الی ۵۹، ۱۶، ۲۸، ۱۷، ۵ و ۲۴؛ دوم عبرانیان ۸: ۹، ۳: ۱، ۱۰: ۵ الی ۹ به نقل از امثال ۴۰: ۶ الی ۸).

در عهد جدید عیسی مسیح به عناوین زیر توصیف شده است

۱. خلقتی جدید که با سقوط صدمه ندید (پیدایش ۳: ۱۵ برای تکامل انسان انجام شده است)

۲. فتح جدید (سرزمین موعود)
  ۳. یک خروج جدید (پیشگویی انجام شده)
  ۴. یک موسی جدید (قانونگذار)
  ۵. یک یوشع جدید (عبرانیان ۴: ۸)
  ۶. یک معجزه آب جدید (عبرانیان ۴-۳)
  ۷. مانانای جدید (یوحنا ۶)
- و بسیاری موارد دیگر، به خصوص در عبرانیان.

## موضوع خاص: منشا (archē)

### (SPECIAL TOPIC: ARCHĒ)

کلمه یونانی *archē* به معنی "آغاز" یا "منشا" چیزی است.

۱. آغاز نظم خلقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱، عبرانیان ۱: ۱۰)
۲. آغاز بشارت (رجوع شود به انجیل مرقس ۱: ۱، فیلیپیان ۴: ۱۵، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، عبرانیان ۲: ۳، اول یوحنا ۱: ۱)
۳. آغاز شاهدان عینی (رجوع شود به انجیل لوقا ۱: ۲)
۴. شروع نشان‌ها (معجزات، رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱)
۵. اصول ابتدایی (رجوع شود به عبرانیان ۵: ۱۲)
۶. به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم (رجوع شود به عبرانیان ۳: ۱۴)
۷. سرآغاز، رجوع شود به کولسیان ۱: ۱۸، مکاشفه ۳: ۱۴

برای "حکمرانی" و "قدرت" هم استفاده شده است

۱. در مورد مقامات حاکم
  - a. انجیل لوقا ۱۲: ۱۱
  - b. انجیل لوقا ۲۰: ۲۰
  - c. رومیان ۱۳: ۳ و تیتوس ۳: ۱
۲. مسئولان مبلغین دینی
  - a. رومیان ۸: ۳۸
  - b. اول قرن‌تینان ۱۵: ۲۴
  - c. افسسیان ۱: ۲۱، ۳: ۱۰ و ۶: ۱۲
  - d. کولسیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۰ و ۱۵
  - e. یهودا ۱: ۶

معلمین دروغین کتاب یهودا همه مقامات زمینی و بهشتی را نفرین کردند. آنها آزادیخواهان آنتینومی هستند. آنها خود و امیال خود را اول و ماقبل از خدا، فرشتگان، مقامات مدنی و سران کلیسا قرار می‌دهند.

■ **"بود"** (سه بار) به لحاظ دستوری، این زمان کامل نیست (یوحنا ۱: ۱ و ۲ و ۴ و ۱۰) چون در گذشته تداوم داشته ولی تحقق نیافته است. این فعل زمانی برای نشان دادن وجود لوگوس از قبل استفاده می‌شود. (عبارات یوحنا ۸: ۵۷ الی ۵۸؛ ۱۷: ۵ و ۲۴، دوم قرن‌تینان ۸: ۹، کولسیان ۱: ۱۷؛ عبرانیان ۱: ۵ الی ۹) استفاده می‌شود. این تناسب با ترکیب‌های آئوریستی یوحنا ۱: ۳ (یعنی خلقت)، ۶ (یعنی یحیی تعمید دهنده و ۱۴) (تناسخ) است.

■ **"کلمه"** مفهوم یونانی لوگوس اشاره به یک پیام دارد، نه تنها یک کلمه. در این مبحث عنوانی است که یونانیان برای توصیف "دلیل دنیوی" و یهودیان به عنوان قیاس با "حکمت" استفاده می‌کردند. یوحنا این عبارت را انتخاب کرد تا اذعان کند که کلام خدا هم در انسان و هم در پیام نمود پیدا کرده است. رجوع شود به نقطه نظرات بخش ۳.

■ **"با خدا"** "با" می‌تواند "چهره به چهره" تعریف شود. این نماد، صمیمیت را نشان می‌دهد. همچنین به مفهوم یک ذات الهی و سه شخصیت ابدی اشاره دارد. عهد جدید بر این عقیده است که عیسی از پدر جدا است، اما در عین حال با پدر نیز هست.



۱: ۵ "نور می درخشد" از نظر دستوری این یک جمله کامل است که به معنی تداوم یک عملکرد است. عیسی همیشه وجود داشته است، اما اکنون او به وضوح به جهان آشکار شده است (یوحنا ۸: ۱۲، ۹: ۵، ۱۲: ۴۶). در عهد عتیق، ظهور فیزیکی یا انسانی خداوند اغلب با فرشته خداوند مشخص شده است (پیدایش ۱۶: ۷ الی ۱۳، ۲۲: ۱۱ الی ۱۵، ۳۱: ۱۱ و ۱۳، ۴۸: ۱۵ و ۱۶، خروج ۳: ۲ و ۴: ۱۳، ۲۱: ۱۴، ۱۹: ۱، ۶: ۲۲ الی ۲۳: ۱۳: ۳ الی ۲۲: ۳ زکریا ۱ الی ۲). برخی ادعا می کنند که لوگوس به قبل از تناسخ باز می گردد.

## موضوع خاص: فرشته خدا

### (SPECIAL TOPIC: THE ANGEL OF THE LORD)

بدیهی است که در عهد عتیق خداوند خود را در قالب فیزیکی انسانی نشان می دهد. سوال پیروان تثلیث این است که کدامیک از شخصیت تثلیث در این نقش جا می گیرند. از آنجا که خدا، پدر (بیهوه) و روح او دارای جسم نیستند، اینطور به نظر می رسد که می توان گفت که این آشکار شدنها در قالب انسانی بیان کننده از پیش وجود داشتن مسیح است.

صورت زیر برای نشان دادن دشواری که فرد برای سعی در تشخیص تمایز میان تجلی خدا به انسان و برخورد با یک فرشته دارد، تدوین شده است:

۱. فرشته خدا در قالب فرشته (اغلب "فرشته او"، "یک فرشته ای"، "فرشته"، "فرشته خدا")

a. سفر پیدایش ۷: ۲۴ و ۴۰

b. سفر خروج ۲۰: ۲۳ الی ۲۳: ۳۴، ۲۳

c. اعداد ۲۲: ۲۲

d. داوران ۵: ۲۳

e. دوم سموئیل ۱۶: ۲۴

f. اول قرتیان ۱۵: ۲۱ الی ۳۰

g. زکریا ۱: ۱۲ و ۱۳

۲. فرشته خدا به عنوان تجلی خدا بر انسان

a. سفر آفرینش ۷: ۱۶ الی ۱۳، ۱۸: ۱ الی ۳۳، ۲۲: ۱۱ و ۱۵، ۳۱: ۱۱ و ۱۳، ۴۸: ۱۵ و ۱۶

b. سفر خروج ۲: ۳ و ۴، ۱۹: ۱۴ (۲۱: ۱۳)

c. داوران ۱۵: ۲، ۲۲: ۶ الی ۲۴، ۳: ۱۳ الی ۲۳

d. هوشع ۳: ۱۲ الی ۴

e. زکریا ۱: ۳ الی ۵

f. اعمال رسولان ۳۰: ۷ و ۳۵ و ۳۸

فقط متن می تواند تمایز میان دو گزینه را مشخص نماید

NASB, NKJV "تاریکی آن را درک نکرد"

NRSV, Peshitta "تاریکی بر آن غلبه نکرد"

TEV "تاریکی هرگز آن را خاموش نکرد"

NJV "و تاریکی نمی توانست آن را تحمل کند"

REB "تاریکی هرگز آن بر آن تسلط نیافت"

معنای ریشه این عبارت (*katalambanō*) "فهم" است. لذا، این می تواند به معنی (۱) فهم به عنوان غلبه بر (متی ۱۶: ۱۸) یا (۲) فهم به منظور درک و یا دریافتن از آن استفاده کرد. یوحنا ممکن است این ابهام را برای نشان دادن هر دو استفاده کرده باشد. انجیل یوحنا توسط متفکرانی از هر دو سو شخصیت یافته است (به عنوان مثال "تولد دوباره و / یا" متولد شده از بالا"، ۳: ۳ و "باد و / یا" روح"، ۳: ۸).

فعل (*katalambanō*) تنها دو بار در نوشته های یوحنا استفاده شده است (آنچه در یوحنا ۳: ۴، ۸ نوشته شده نسخه اصلی نیست). در یوحنا ۱: ۵ تاریکی

نمی‌تواند فهم / غلبه کند و در ۱۲: ۳۵ تاریکی که نور را پس خواهد زد (عیسی / انجیل) غلبه خواهد کرد. نتیجه پس زدن باعث سردرگمی شده؛ نتیجه پذیرش منجر به پرستش می‌شود!

مانفرد تی. براوج، نویسنده کتاب سوء استفاده از کتاب مقدس، صفحه ۳۵، وضعیت انسان را مشخص می‌کند.

۱. گمشده، لوقا ۱۵
۲. تاریکی، یوحنا ۱: ۵
۳. ستیز، رومیان ۵: ۱۰
۴. جدایی، افسیسان. ۲: ۱۵ الی ۱۷
۵. بی تدبیری، رومیان ۱: ۱۸
۶. بیگانگی از زندگی خداوند، افسیسان. ۴: ۱۷ الی ۱۸
۷. بهترین خلاصه ای از گناه انسان در رومیان یافت می‌شود. ۱: ۱۸ و ۳: ۲۳

#### متن NASB (به روز شده): یوحنا ۱: ۶-۸

مردی آمد که از جانب خدا فرستاده شده بود؛ نامش یحیی بود.<sup>۷</sup> او برای شهادت دادن آمد، برای شهادت بر آن نور، تا همه به واسطه او ایمان آورند.<sup>۸</sup> او خود آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد

۱: ۶ الی ۸ این آیات و نیز انجیل یوحنا ۱: ۱۵ (بازگشت به عقب) شهادت یحیی تعمید دهنده را برای عیسی ثبت می‌کند. او آخرین پیامبر عهد عتیق بود. مشکل است که این آیات را به نظم درآورد. مباحثات زیادی میان اساتید در خصوص اینکه این سرآغاز نثر یا نظم است، وجود دارد.

یحیی تعمید دهنده آخرین پیامبر عهد عتیق بود (با توجه به پیام وی و ابعاد آن). او پیشگامی بود که در ملاکی ۳: ۱ و ۴: ۵ (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۰ الی ۲۵) پیش بینی شده بود. احتمالاً یوحنا، انجیل یوحنا ۱: ۶ الی ۸ را به خاطر سوتفاهم اولیه‌ای که در خصوص یحیی تعمید دهنده به وجود آمده بود (انجیل لوقا ۳: ۱۵ و اعمال ۱۸: ۲۵ و ۱۹: ۳)، این را اضافه کرده است. یوحنا این را دیرتر از سایر نویسندگان می‌نویسد و بروز این مشکل را می‌بیند.

جالب است که به این نکته توجه کنیم که مسیح در قالب فعل غیر کامل توصیف می‌شود (از پیش وجود داشته)، در حالیکه یحیی به صورت کامل توصیف می‌شود (دوره خاصی از زمان) و به صورت فعال کامل (یک رخداد تاریخی با پایانی مشخص)، افعال (رجوع شود به انجیل یوحنا، ۱: ۶). عیسی همیشه وجود داشته است.

۱: ۷ "تا همه به واسطه او ایمان آورند" یحیی تعمید دهنده یکی از بسیاری است که شهادت می‌دهد عیسی همان مسیح است. این یک عبارت هدفمند است. انجیل یوحنا، همانند تمامی اناجیل (یک منبع منحصر به فرد مسیحیت)، یک منبع تبلیغ مسیحیت است. این یک پیشنهاد عالی برای رستگاری است به تمامی کسانی که در مسیح، که نور جهان است، ایمان می‌آورند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، ۴: ۲۰، ۳۱، اول تیموتائوس ۲: ۴، تیتوس ۲: ۱۱، پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۱ و ۲، ۴: ۱۴). توجه کنید که پیشنهاد عمومی است ولی همه بدان ایمان نمی‌آورند!

۱: ۷ و ۱۲ "ایمان" این فعل ۷۸ مرتبه در انجیل یوحنا، ۲۴ مرتبه در نامه‌های یوحنا استفاده شده است. جالب است که انجیل یوحنا هرگز از حالت اسم استفاده نمی‌کند. باور بر این است که در بنیان یک واکنش عقلانی یا احساسی نیست، بلکه اساساً یک واکنش مشخص است. این اصطلاح یونانی در زبان انگلیسی بدین صورت ترجمه می‌شود: اعتقاد، اعتماد و ایمان. به لطف خدا رستگاری آزادی و پایان کار مسیح است، ولی باید بدست آورده شود. رستگاری یک پیمان رابطه‌ای است همراه با افتخارات و مسئولیتها.

#### موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

(SPECIAL TOPIC: FAITH, BELIEVE, OR TRUST)

A. این‌ها عبارات مهمی در کتاب مقدس هستند (عبرانیان ۱: ۱۱، ۶). بحث آن موضوع عیسی در دوران اولیه وعظ می‌باشد (مرقس ۱: ۱۵).

برای پیمان جدید حداقل دو چیز از ملزومات هستند: توبه و ایمان (مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

B. به لحاظ علم اشتقاق لغات

۱. واژه "ایمان" در عهد عتیق به معنی "پایبندی"، "صحت" و یا "قابل اعتماد بودن" بوده و عبارتی تعریف خداوند از طبیعت بوده نه ما.

۲. این واژه از یک لغت عبری گرفته شده (emun, emunah, BDB 53, ie) عبرانیان (۴:۲) که در اصل بمعنی "مطمئن شدن" یا "با ثبات شدن" دارد. نجات ایمان:

a. خوش آمدگویی به یک شخص است (اعتماد شخصی، ایمان، شماره E.۱ در زیر)

b. باور داشتن به آن شخص (متن خطی، شماره E.۲ در زیر)

c. زندگی کردن همچون آن شخص (زندگی همچون مسیح)

C. استفاده آن در عهد عتیق

لازم به تاکید است که ابراهیم به یک منجی در آینده ایمان نداشت بلکه به خداوند ایمان داشت که به او وعده فرزند و نوادگان داده بود (پیدایش ۱۲:۲؛ ۱۵:۲-۵؛ ۱۷:۴-۸؛ ۱۸:۱۴؛ رومیان ۴:۱-۵). ابراهیم بوسیله اعتماد به خداوند این وعده را اجابت کرد (به موضوع خاص: ایمان، باور، اعتماد و وفاداری در عهد عتیق مراجعه نمایید). در عین حال وی هنوز نسبت به این وعده تردیدهایی نیز داشت، برای همین سیزده سال طول کشید تا محقق شود. ایمان ناقص وی اما، توسط خداوند پذیرفته شد. خداوند مترصد به کار با انسان ضعیفی است که به وی و وعده‌هایی که می‌دهد با ایمان پاسخ می‌دهند، حتی اگر بذر ایمانشان ناپخته (متی ۱۷:۲۰) یا دچار سردرگمی باشند (مرقس ۲۴-۲۲:۹).

D. استفاده آن در عهد جدید

مفهوم "باور" از فعل یونانی *pisteuo* یا اسم *pistis* گرفته شده، که در زبان انگلیسی به "باور"، "ایمان" و یا "اعتماد" ترجمه گردیده است. بعنوان مثال، در انجیل یوحنا بصورت اسم ظاهر نگردیده، بلکه اغلب بشکل فعل استفاده شده است. در یوحنا ۱:۲۳-۲۵ اصالت تعهد مردم به عیسی ناصری بعنوان مسیح منجی مشخص نیست. دیگر نمونه‌های استفاده از واژه "باور" در یوحنا ۸:۳۱-۵۹ و اعمال رسولان ۸:۱۳، ۱۸-۲۴ دیده می‌شوند. ایمان انجیلی فراتر از یک شروع اولیه است. باید توسط مراحل شاگردی دنبال گردد (متی ۱۳:۲۰-۲۳، ۳۱-۳۲؛ ۲۸:۱۹-۲۰).

E. استفاده از آن با حروف اضافه

۱. *Eis* یعنی "درون". این ساختار منحصر بفرد بر روی ایماندارانی که به عیسی اعتماد کرده و ایمان دارند، تاکید می‌کند. بعبارتی:

a. به نام او (یوحنا ۱:۱۲؛ ۲:۲۳؛ ۳:۱۸؛ ۱ یوحنا ۵:۱۳)

b. به خود او (یوحنا ۲:۱۱؛ ۳:۱۵؛ ۴:۳۹؛ ۶:۴۰؛ ۷:۵؛ ۳۱، ۳۹، ۴۸؛ ۸:۳۰؛ ۹:۳۶؛ ۱۰:۴۲؛ ۱۱:۴۵؛ ۱۲:۳۷؛ ۱۳:۴۲؛

متی ۱۸:۶؛ اعمال رسولان ۱۰:۴۳؛ فیلیپیان ۱:۲۹؛ ۱ پطرس ۱:۸)

c. به "من" (یوحنا ۶:۳۵؛ ۷:۳۸؛ ۱۱:۲۵؛ ۱۲:۲۶؛ ۱۲:۴۶؛ ۱۴:۱، ۱۲؛ ۱۶:۹؛ ۱۷:۲۰)

d. به پسر (یوحنا ۳:۳۶؛ ۱ یوحنا ۵:۱۰)

e. به عیسی (یوحنا ۱۱:۱۲؛ اعمال رسولان ۱۹:۴؛ غلاطیان ۲:۱۶)

f. به نور (یوحنا ۱۲:۳۶)

g. به خداوند (یوحنا ۱:۱۴)

۲. *Ev* یعنی "در"، همانطور که در یوحنا ۳:۱۵؛ ۱۵:۱؛ اعمال رسولان ۵:۱۴ آمده است

۳. *Epi* یعنی "در" یا "بر"، همچون متی ۲۷:۴۲؛ اعمال رسولان ۹:۴۲؛ ۱۱:۱۷؛ ۱۶:۳۱؛ ۲۲:۱۹؛ رومیان ۴:۵؛ ۲۹:۳۳؛ ۱۰:۱۱؛ تیموتائوس ۱:۱۶؛ ۱ پطرس ۲:۶

۴. حالت مفعولی بدون حرف اضافه همچون در یوحنا ۴:۵۰؛ غلاطیان ۳:۶؛ اعمال رسولان ۱۸:۸؛ ۲۷:۲۵؛ ۱ یوحنا ۳:۲۳؛ ۵:۱۰

۵. *Hoti* یعنی "باور داشته باشید که"، به چیزی که باید باور داشت، محتوا می‌دهد

a. عیسی، آن قدیس خداوند (یوحنا ۶:۶۹)

b. عیسی، آن "من هستم" است (یوحنا ۸:۲۴)

c. عیسی از پدر است و پدر از او (یوحنا ۱۰:۳۸)

d. عیسی منجی موعود است (یوحنا ۱۱:۲۷؛ ۲۰:۳۱)

e. عیسی پسر خداوند است (یوحنا ۱۱:۲۷؛ ۲۰:۳۱)

f. عیسی فرستاده پدر است (یوحنا ۱۱:۴۲؛ ۱۷:۸، ۲۱)

g. عیسی با پدر یکی است (یوحنا ۱۴:۱۰-۱۱)

h. عیسی از پدر آمده است (یوحنا ۱۶:۲۷، ۳۰)

i. عیسی خود را با نام پیمان خداوند شناساند، "من هستم" (یوحنا ۸:۲۴؛ ۱۳:۱۹)

ژ. ما با او زندگی می‌کنیم (رومیان ۶: ۸)  
k. عیسی مرد و دوباره برخواست (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۴)

۸: ۱ ممکن است که یوحنا، به مراتب دیرتر از سایر نویسندگان انجیل نگارش خود را انجام داده، زیرا مشکل را که میان پیروان یحیی تعمید دهنده که عیسی را نه شنیده و یا پذیرفته بودند شکل گرفته بود، تشخیص داد. (رجوع شود به اعمال ۱۸: ۲۵ الی ۱۹: ۷)

### موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا)

#### (SPECIAL TOPIC: WITNESSES TO JESUS (in John))

اسم (marturia) و افعالش (martureō) "شاهد" کلمات کلیدی در انجیل یوحنا هستند. شهادتهای زیادی در مورد عیسی وجود دارند.

۱. یحیی تعمید دهنده (رجوع شود به یوحنا ۱: ۷ و ۸ و ۱۵، ۳: ۲۶ و ۳: ۲۸، ۵: ۳۳)

۲. خود عیسی (رجوع شود به یوحنا ۳: ۱۱، ۵: ۳۱، ۸: ۱۳ و ۱۴)

۳. زن سامری (رجوع شود به یوحنا ۴: ۳۹)

۴. خداوند پدر (رجوع شود به یوحنا ۵: ۳۲ و ۳۴ و ۳۷ و ۸: ۱۸، اول یوحنا ۹: ۵)

۵. کتاب مقدس (رجوع شود به یوحنا ۵: ۳۹)

۶. جمعیت در مهمانی لازار (رجوع شود به یوحنا ۱۲: ۱۷)

۷. کتاب مقدس (رجوع شود به یوحنا ۱۵: ۲۶ و ۲۷)

۸. شاگردان (رجوع شود به یوحنا ۱۵: ۲۷، ۱۹: ۳۵، اول یوحنا ۲: ۱ و ۴: ۱۴)

خود نگارنده (رجوع شود به یوحنا ۲۱: ۲۴)

#### متن NASB (بروز شده): یوحنا ۱: ۹-۱۳

آن نور حقیقی که به هر انسانی روشنایی می‌بخشد، براستی به جهان می‌آمد. او در جهان بود، و جهان به واسطه او پدید آمد؛ اما جهان او را نشناخت. او به ملوک خویش آمد، ولی قوم خودش او را نپذیرفتند. اما به همه کسانی که او را پذیرفتند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، یعنی به هر کس که به نام او ایمان آورد؛ آنان که نه با تولدی بشری، نه از خواهش تن و نه از خواسته یک مرد، بلکه از خدا تولد یافتند.

۹: ۱ "نور حقیقی." در مفهوم اصیل و واقعی، "حقیقی" است، نه نقطه متضاد دروغ. این می‌تواند در ارتباط با تمامی مسیح شناسان قلابی قرن اول باشد. این یک صفت متداول در نوشته‌های یوحنا است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۳ و ۳۷، ۶: ۳۲، ۷: ۲۸، ۱: ۱۵، ۱: ۱۷، ۳: ۱۹، ۳۵ و اول یوحنا ۲: ۸، ۵: ۲۰ و ده مرتبه در آیات).

عیسی نور جهان است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹، ۸: ۱۲، ۹: ۵، ۱۲: ۴۶، اول یوحنا ۱: ۵ و ۷، ۲: ۸ و ۹ و ۱۰). ایمان آوردگان باید منعکس کننده نور باشند (رجوع شود به فیلیپیان ۲: ۱۵). این یک تضاد شدید با تاریکی است که با نظم خاصی خلق شده به واسطه عصیان

۱. انسانها

۲. فرشتگان

### موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)

#### (SPECIAL TOPIC: TRUTH (CONCEPT IN JOHN'S WRITINGS))

در یک مفهوم یوحنا زمینه عبری و یونانی alētheia حقیقت را در هم ادغام می‌کند همانند کاری که در مورد logos انجام داد (رجوع شود به ۱: ۱ الی ۱۴). زبان عبری (رجوع شود به باور، اعتماد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق) معنی می‌کند که کدامیک درست یا قابل اعتماد است (اغلب همراه با Septuagint یا pīsteuō) است. در یونانی با واقعیت در مقابل غیر واقعی بودن افلاطون همراه است، بهشتی در مقابل زمینی. این با دوگانگی یوحنا

همخوانی دارد. خدا به وضوح (ریشه‌یابی الهی نشان دادن، آشکار کردن، به وضوح آشکار کردن) خودش را به پسرش نشان داد. این به راه‌های مختلف بیان شده است.

۱. اسم، alētheia، حقیقت

- a. عیسی سرشار از محبت و حقیقت است (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۷ - شرایط پیمانهای عهد عتیق)
- b. عیسی موضوع اصلی شهادت یحیی تعمید دهنده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۲، ۳۴، ۱۸: ۳۷ - آخرین پیامبر عهد عتیق)
- c. عیسی حقیقت را می‌گوید (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۰ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ - مکاشفه درونی و فردی است)
- d. عیسی راه، حقیقت و زندگی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)
- e. عیسی آنها را با حقیقت مقدس می‌سازد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷)
- f. عیسی (پیامبر ۱: ۱ الی ۳) حقیقت است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷)

۲. صفت، alēthēs، درست، قابل اعتماد

- a. شاهد عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۱ و ۳۲، ۷: ۱۸، ۸: ۱۳ و ۱۴)
- b. قضاوت عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۶)

۳. صفت، alēthinus، واقعی

- a. عیسی نور حقیقی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۹)
- b. عیسی نان واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۲)
- c. عیسی شراب واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۵)
- d. عیسی شاهد واقعی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۵)

۴. قید، alēthōs، واقعا

- a. یک سامری به عیسی به عنوان نجات دهنده جهان شهادت می‌دهد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۲)
- b. عیسی غذا و نوشیدنی واقعی است برخلاف روز منای موسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۵)

برای یک بحث خوب در خصوص حقیقت در عهد عتیق و عهد جدید به A Theology of the New Testament اثر Ladd .George E صفحات ۲۶۳ الی ۲۶۹ مراجعه کنید.

■ "به این دنیا آمدن" یوحنا اغلب از این عبارت استفاده می‌کند تا بدین اشاره کند که عیسی بهشت و دنیای روحانی را ترک کرد و به دنیای فیزیکی زمان و مکان وارد شد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۴، ۹: ۳۹، ۱۱: ۲۷، ۱۲: ۴۶، ۱۶: ۲۸). در این آیه به نظر می‌رسد که به جسم تبدیل شدن عیسی اشاره شده است. این یکی از دوگانگی‌های متداول نگارش‌های یوحنایی است (به عنوان مثال، آیات فوق و زیرین).

NASB	"هر انسانی را روشن می‌کند"
NKJV	"هر کسی را نورانی می‌کند"
NRSV	"همه را نورانی می‌کند"
TEV	"همه مردم را نورانی می‌کند"
NJB, REB	"که به هرکس نور می‌دهد"

این عبارت به دو شیوه قابل درک است. نخست، با در نظر گرفتن ادبیات یونانی، به نور درونی هر فرد اشاره می‌کند، جرقه الهی. این شیوه‌ای است که کویکرها این آیه را تفسیر می‌کنند. با این حال، چنین مفهومی هرگز در انجیل یوحنا ظاهر نشده است. برای یوحنا، "نور" شرارت نوع بشر را نمایان می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹ الی ۲۱).

دوم، می‌تواند به الهام غیر طبیعی اشاره داشته باشد (یعنی شناخت خدا توسط طبیعت [رجوع شود به پطرس ۱: ۱۹ الی ۵، رومیان ۱: ۱۹ الی ۲۰] یا احساس فانی و درونی [رجوع شود به رومیان ۲: ۱۴ و ۱۵])، ولی با توجه به پیشنهاد خدا به روشن ساختن همه (فیلیپیان ۳: ۵ الی ۹) و نجات از طریق عیسی، تنها نور حقیقی (یعنی راه نجات).



۱: ۱۰ "جهان" یوحنا از کلمه کسموس (Cosmos) به سه شیوه خاص استفاده می‌کند:

- ۱- انجیل یوحنا ۱: ۱۰ و ۱۱، ۹: ۱۶، ۲۱: ۱۷، ۵: ۲۴ و ۲۱: ۲۵
  - ۲- همه نوع بشر (انجیل یوحنا ۱: ۱۰ و ۲۹: ۳، ۱۶ و ۱۷، ۴: ۴۲، ۶: ۳۳، ۱۲: ۱۹ و ۴۶ و ۴۷، ۱۸: ۲۰)
  - ۳- جامعه سقوط کرده بشری که بدور از خدا اداره و هدایت می‌شود (انجیل یوحنا ۷: ۷، ۱۵: ۱۸ و ۱۹، اول یوحنا ۲: ۱۵، ۳: ۱ و ۱۳)
- در این متن شماره ۲ صادق است.

### موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)

#### (Special Topic: Paul's Use of Kosmos (World))

پولس از کلمه کاسموس یا جهان به شیوه‌های مختلفی استفاده کرده است

۱. تمام نظم خلق شده (رجوع شود به رومیان ۱: ۲۰، افسسیان ۱: ۴، اول قرنتیان ۳: ۲۲، ۴: ۸ و ۵)
۲. این سیاره (رجوع شود به دوم قرنتیان ۱: ۱۲، افسسیان ۱: ۱۰، کولسیان ۱: ۲۰، اول تیموتائوس ۱: ۱۵، ۳: ۱۶، ۶: ۷)
۳. انسانها (رجوع شود به رومیان ۳: ۶ و ۱۹، ۱۱: ۱۵، اول قرنتیان ۱: ۲۷ و ۲۸، ۹: ۴ و ۱۳، دوم قرنتیان ۵: ۱۹، کولسیان ۱: ۶)
۴. انسانهایی که بدور از خدا سازماندهی شده و عمل می‌کنند (رجوع شود به اول قرنتیان ۱: ۲۰ و ۲۱، ۲: ۱۲، ۳: ۱۹، ۳: ۳۲، ۱۱: ۳۲، غلاطیان ۴: ۳، افسسیان ۲: ۲ و ۱۲، فیلیپیان ۲: ۱۵، کولسیان ۲: ۸ و ۲۰ الی ۲۳). بسیار شبیه کاربرد یوحنا است (یعنی اول یوحنا ۱: ۱۵ الی ۱۷)
۵. ساختار فعلی جهان (رجوع شود به اول قرنتیان ۷: ۲۹ الی ۳۱، غلاتیان ۶: ۱۴، مشابه فیلیپیان ۳: ۴ الی ۹، جایی که پولس ساختارهای یهودی را توضیح می‌دهد)

از برخی لحاظ، اینها یکدیگر را همپوشانی می‌کنند و سخت می‌توان هر یک از کاربردها را طبقه‌بندی کرد. این کلمه، همانند بسیاری دیگر در تفکر پولس باید در مفهوم متن تعریف شوند نه بر اساس یک تعریف از قبل تعیین شده. واژگان پولس سیال هستند (رجوع شود به A Man in Christ نوشته جیمز استوارت). او سعی در برقراری ادبیات مذهبی ندارد بلکه صرفاً می‌خواهد مسیح را معرفی نماید.

■ "جهان او را نمی‌شناسد" نه اقوام غیر یهودی و نه قوم منتخب یهود، عیسی را به عنوان مسیح موعود نشناختند (امثال ۱۱). کلمه "شناخت" بیشتر منعکس کننده اصطلاح یهودی رابطه نزدیک است تا پذیرش عقلانی واقعیت (پیدایش ۴: ۱، ارمیا ۱: ۵).

### موضوع خاص: دانستن (بر مبنای تثنیه)

#### SPECIAL TOPIC: KNOW (ILLUSTRATED FROM DEUTERONOMY)

کلمه عبری "دانستن" (KB 390, BDB 393, yada) در ریشه *Qal* معانی مختلفی دارد.

۱. درک خوبی و پلیدی - پیدایش ۳: ۲۲، تثنیه ۱: ۳۹، اشعیا ۷: ۱۴ و ۱۵، یونس ۴: ۱۱
۲. دانستن بوسیله درک کردن - تثنیه ۹: ۲ و ۳ و ۶، ۱۸: ۲۱
۳. دانستن توسط تجربه کردن - تثنیه ۳: ۱۹، ۴: ۳۵، ۸: ۲ و ۳ و ۵، ۱۱: ۲، ۲۰: ۲۰، ۳۱: ۱۳، یوشع ۲۳: ۱۴
۴. در نظر گرفتن - تثنیه ۴: ۳۹، ۱۱: ۱۱، ۲: ۲۹، ۱۶
۵. شخصاً شناختن/دانستن
  - a. یک شخص - پیدایش ۲۹: ۵، خروج ۱: ۸، تثنیه ۲۲: ۲، ۳۳: ۹، ارمیا ۱: ۵
  - b. خدا - تثنیه ۱۱: ۲۸، ۱۲: ۲ و ۶ و ۱۳، ۲۸: ۶۴، ۲۹: ۲۶، ۳۲: ۱۷
  - c. یهوه - تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹، ۷: ۹، ۲۹: ۶، اشعیا ۱: ۱، ۵۶: ۱۰ و ۱۱
  - d. جنسی - پیدایش ۴: ۱ و ۱۷، ۲۵: ۲۴، ۱۶: ۳۸، ۲۶
۶. مهارت یا دانش فراگرفته شده - اشعیا ۲۹: ۱۱ و ۱۲، عاموس ۵: ۱۶
۷. خردمند بودن - تثنیه ۲۹: ۴، امثال ۱: ۲، ۱: ۴، اشعیا ۲۹: ۲۴
۸. شناخت خدا

a. از موسی - تثنیه ۳۴: ۱۰

b. از اسرائیل - تثنیه ۳۱: ۲۱

از دید الهیات، مورد شماره ۵ بسیار مهم است. ایمان انجیلی روزانه، در حال رشد، و دوستی صمیمانه با خدا است (به موضوع خاص: *Koinōnia*)

مراجعه شود). یک عقیده به تنهایی زندگی اخلاقی محض نیست. یک رابطه ایمان فردی است. به این دلیل است که پولس از خانه مسیحی در افسسیان ۵: ۲۲ الی ۶: ۹ استفاده می‌کند تا عشق مسیح به کلیسا را ترسیم نماید.

۱: ۱۱ او به مُلک خویش آمد، ولی قوم خودش او را نپذیرفتند. "او" دو بار در یوحنا ۱: ۱۱ استفاده شده است. نخستین حالت دستوری خنثی است و (۱) به همه مخلوقات اشاره دارد یا (۲) از نظر جغرافیایی به یهودیه یا اورشلیم. دومی جمع مذکر است و به قوم یهود اشاره دارد.

۱: ۱۲ "اما به همه کسانی که او را پذیرفتند" این نشاندهنده نجات همه مردم است (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱۶). انسانها باید به لطف خدا در مسیح پاسخ دهند (رجوع شود به یوحنا ۳: ۱۶ و رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳). قطعاً خدا پادشاه است، با این حال در پادشاهی او یک پیمان رابطه‌ای با بشریت حقیر وجود دارد. انسانهای حقیر باید توبه کنند، ایمان آورند، اطاعت کنند و در ایمان خود را محافظت کنند.

مفهوم "دریافت کردن" از نگاه الهیات برابر با "باور کردن" و "اقرار کردن"، که دلالت بر اقرار در ملا عام به ایمان به عیسی به عنوان مسیح است (رجوع شود به انجیل متی ۱۰: ۳۲، انجیل لوقا ۱۲: ۸، انجیل یوحنا ۹: ۲۲، ۱۲: ۴۲، انجیل مرقس ۶: ۱۲، اول یوحنا ۲: ۲۳، ۴: ۱۵). نجات هدیه‌ای است که باید گرفته شده و توسط خدا قبول شود.

آنان که به عیسی "ایمان می‌آورند" (انجیل یوحنا ۱: ۱۲) به خدایی که او را فرستاده ایمان می‌آورند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۲۰ و انجیل متی ۱۰: ۴۰). رستگاری رابطه شخصی با تثلیث خداوند است.

■ "او این حق را داد" این اصطلاح یونانی (*exousia*) می‌تواند به معنی (۱) اختیار قانونی یا (۲) حق یا افتخار باشد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۷، ۱۷: ۲، ۱۹: ۱۰ و ۱۱). با تولد عیسی و ماموریت الهی، بشر حقیر اینک می‌تواند خدا را بشناسد و او را به عنوان خدا و پدر اقرار کند.

■ "تا فرزندان خدا شویم" نویسندگان عهد جدید دائماً از استعاره‌های خانوادگی برای توصیف مسیحیت استفاده می‌کنند:

۱. پدر
۲. پسر
۳. فرزندان
۴. تولد دوباره
۵. به فرزندگی قبول کردن

مسیحیت مشابه خانواده است، نه یک مجوز همچون بلیط به بهشت یا بیمه آتش سوزی. ایمان آوردگان به مسیح تبدیل می‌شوند به "بندگان خدا" که قیامت را قبول دارند. به عنوان فرزندان باید منعکس کننده شخصیت پدر باشیم، همانطور که تنها (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴، ۳: ۱۶) پسر (رجوع شود به افسسیان ۵: ۱ و اول یوحنا ۲: ۲۹ و ۳: ۳) منعکس کننده شخصیت پدر است. عنوان گناهکاران چیست (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۵۲، رومیان ۸: ۱۴ و ۱۶ و ۹: ۸، فیلیپیان ۲: ۱۵، اول یوحنا ۳: ۱ و ۲ و ۱۰: ۵، ۲، حزقیال ۱: ۱۰ نقل در رومیان ۹: ۲۶ و دوم قرنتیان ۶: ۱۸).

جالب است که از دو کلمه یونانی که برای فرزندان به کار می‌رود، برای عیسی همیشه (*huios*) به کار می‌رود و برای ایمان آوردگان (*teknon*) و (*tekna*). مسیحیان فرزندان خدا هستند ولی آنها در همان رده فرزند خدا، یعنی عیسی، نیستند. رابطه او منحصر به فرد ولی مشابه است.

کلمه "کلیسا" (*ekklesia*) در اناجیل متی، لوقا یا یوحنا دیده نمی‌شود. آنها از استعاره‌های خانوادگی برای پیروان روح القدس استفاده می‌کنند.

■ "آنان که ایمان می‌آورند" این یک وجه وصفی معلوم به معنی "آنها که ایمانشان تداوم دارد" است. ریشه یابی این اصطلاح کمک می‌کند که معنی امروزی آن را درک کنیم. بخاطر داشته باشید، نویسندگان عهد جدید به زبان عبری فکر می‌کردند و به زبان یونانی آن زمان می‌نوشتند. در زبان عبری این اصطلاح اساساً به شخصی دلالت می‌کند که دارای ثبات است. این عبارت به صورت استعاره برای کسی به کار می‌رود که بتوان به او تکیه کرد، وفادار و یا قابل اعتماد باشد. معادل یونانی آن به انگلیسی ترجمه شده است ("ایمان"، "باور" و "اعتماد"). اساساً ایمان یا اعتماد انجیلی، آنچه بدان عمل می‌کنیم نیست بلکه به کسی است که به او اعتماد می‌کنیم. این قابل اعتماد بودن خداست که بر آن تمرکز می‌کنیم، نه ما. انسان حقیر به قابل اعتماد بودن و وفاداری خدا اعتماد و ایمان می‌آورد. انسان به معشوق خود ایمان دارد. این تمرکز بر روی فراوانی یا شدت ایمان فرد نیست بلکه بر عینیت آن ایمان است.

■ "بنام او" در عهد عتیق نام فرد خیلی مهم بود. به شناخت شخصیت یا توصیف شخصیت آنها کمک می‌کرد. به نام کسی ایمان آوردن بمعنای ایمان آوردن

و پذیرفتن آن فرد تلقی می‌گردد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۲۰: ۳۱ اول یوحنا ۵: ۱۳). به موضوع خاص: نام عیسی در یوحنا ۱۴: ۱۳-۱۴ مراجعه شود.

### موضوع خاص: نام خدا (عهد جدید)

#### SPECIAL TOPIC: THE NAME OF THE LORD (NT)

این یک عبارت متداول در عهد جدید جهت نشان دادن حضور شخص خدا و تثلیث سه گانه در کلیسا است. این یک فرمول جادویی نیست، بلکه درخواستی از شخصیت خدا آنطور که در عیسی دیده می‌شود، است.

اغلب این عبارت به عیسی به عنوان خداوند اشاره می‌کند (رجوع شود به فیلیپیان ۲: ۱۱)

۱. جذبه ایمان فرد در عیسی (رجوع شود به رومیان ۹: ۱۰ الی ۱۳، اعمال ۲: ۲۱ و ۳۸ و ۸: ۱۲ و ۱۶، ۴۸: ۱۰، ۱۹: ۵، ۲۲: ۱۶، اول قرنتیان ۱۳: ۱ و ۱۵، یعقوب ۷: ۲)
۲. در زمان بی‌رحمی (رجوع شود به متی ۷: ۲۲، مرقس ۹: ۳۸، لوقا ۹: ۴۹، ۱۰: ۱۷، اعمال ۱۹: ۱۳)
۳. در زمان شفا (رجوع شود به اعمال ۳: ۶ و ۱۶، ۴: ۱۰، ۹: ۳۴، یعقوب ۱۴: ۵)
۴. در زمان موعظه (رجوع شود به متی ۱۰: ۴۲، ۱۸: ۵، لوقا ۹: ۴۸)
۵. در زمان به نظم درآوردن کلیسا (رجوع شود به متی ۱۵: ۱۵ الی ۲۰)
۶. در حین موعظه برای مردم (رجوع شود به لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال ۹: ۱۵، ۱۵: ۱۷، رومیان ۱: ۵)
۷. در دعا (رجوع شود به یوحنا ۱۳: ۱۴ و ۱۴: ۷ و ۱۵: ۷، ۱۶: ۲۳، اول قرنتیان ۲: ۲)
۸. به شیوه‌ای که به مسیحیت اشاره می‌کند (رجوع شود به اعمال ۹: ۲۶، اول قرنتیان ۱: ۱۰، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹، یعقوب ۷: ۲، اول پطرس ۴: ۱۴)

هر آنچه به عنوان بشارت دهنده، کشیش، کمک کننده، جن‌گیر و غیره انجام می‌دهیم، آن را به نام شخصیت او، قدرت او، و قانون او و به نام او انجام می‌دهیم (فیلیپیان ۲: ۹ و ۱۰)

۱۳:۱

**NASB, NKJV, SRSV, TEV, NJB**  
آنان که نه از خونها نه از خواهش تن و نه از خواسته یک مرد تولد یافتند.  
آنها با روشهای معمول فرزند خدا نمی‌شوند، یعنی بدنیا می‌آیند و فرزندان پدری انسانی هستند  
که نه توسط انسان یا با گوشت و اراده انسان متولد شده

برخی از نخستین پدران کلیسا (یعنی ایرنیوس، اوریگن، ترتولیان، امبروز، جروم، آگوستین) این عبارت را اشاره به عیسی می‌دانند (یعنی مفرد)، ولی در شواهد غافلگیر کننده زبان یونانی به صورت جمع نوشته شده است (حالت جمع این کلمه فقط در عهد جدید،<sup>4</sup> UBS<sup>4</sup> رتبه A را به آن داده است)، که یعنی این آیه به کسانی که به عیسی ایمان می‌آورند اشاره می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۵ و اول پطرس ۱: ۳ و ۲۳)، بنابراین، نه به برتری قومی اشاره می‌کند نه به جنسیت انسان (به بیانی دیگر "خون")، بلکه به انتخاب خدا و گرایش آنها در اعتماد به پسرش اشاره دارد (رجوع شود به ۶: ۴۴ و ۶۵). انجیل یوحنا ۱: ۱۲ و ۱۳ تعادل متعارف میان پادشاهی خدا و نیاز به پاسخ انسان به آن را نشان می‌دهد.

فعل یونانی (زمان مجهول غیر کامل) در انتهای عبارت برای تاکید ذکر شده است. این امر بر نقش پادشاهانه خدا در تولد دوم تاکید دارد (یعنی "از جانب خدا" که بخشی از عبارت پایانی است، رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵).

متن NASB (بروز شده): یوحنا ۱: ۱۴-۱۸

<sup>۱۴</sup> و کلام، انسان شد و در میان ما مسکن گزید. ما بر جلال او نگرستیم، جلالی شایسته آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی. <sup>۱۵</sup> یحیی بر او شهادت می‌داد و ندا می‌کرد که "این است کسی که درباره‌اش گفتم: "آن که پس از من می‌آید بر من برتری یافته، زیرا پیش از من وجود داشته است" <sup>۱۶</sup> از پری او ما همه بهره‌مند شدیم، فیض از پی فیض. <sup>۱۷</sup> زیرا شریعت به واسطه موسی داده شد؛ فیض و راستی به واسطه عیسی مسیح آمد. <sup>۱۸</sup> هیچ کس هرگز خدا را ندیده است. اما آن پسر یگانه که در آغوش پدر است، همان او را شناسانید.

۱: ۱۴ "کلام به گوشت تبدیل شد" یوحنا به دکتربین اشتباه عرفان که سعی در ادغام مسیحیت با خرافات یونانی دارد، حمله می‌کند. عیسی انسان واقعی و خدای راستین بود (رجوع شود به اول یوحنا ۴: ۱ و ۳) در تحقق وعده امانوئل (رجوع شود به اشعیا ۷: ۱۴). خدا به شکل انسان میان بشر حقیر آمد (به زبان عامیانه "خیمه خود را برپا کرد"). کلمه "گوشت" در یوحنا هرگز به مفهوم گناه که در نوشته‌های پل آمده اشاره نمی‌کند.

### موضوع خاص: گوشت/جسم (*sarx*)

#### (SPECIAL TOPIC: FLESH (*SARX*))

این کلمه اغلب توسط پولس در غلاتیان و مضموم توسعه یافته الهی آن در رومیان استفاده شده است. اساتید میان اینکه چگونه میان مفهوم این کلمه تمایز قائل شوند اختلاف نظر دارند. به طور قطع وجوه اشتراکی در معنی وجود دارد. موارد زیر صرفاً در تلاش برای توضیف معنی کلی این کلمه می‌باشد

۱. بدن انسان، انجیل یوحنا ۱: ۱۴، رومیان ۲: ۲۸، اول قرنتیان ۵: ۵، ۷: ۲۸، دوم قرنتیان ۴: ۱۱، ۷: ۵، ۱۲: ۷، غلاتیان ۱: ۱۶، ۲: ۱۶ و ۲۰، فیلیپیان ۱: ۲۲، کولسیان ۱: ۲۲ و ۲۴، ۲: ۵، اول تیموتائوس ۳: ۱۶
۲. تبار انسانی، یوحنا ۳: ۶، رومیان ۳: ۱، ۴: ۳، ۹: ۳، ۵ و ۸، ۱۱: ۱۴، اول قرنتیان ۱۰: ۱۸، غلاتیان ۴: ۲۳ و ۲۹
۳. فرد انسانی، رومیان ۳: ۲۰، ۷: ۵، ۸ و ۷، اول قرنتیان ۱: ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۰، غلاتیان ۲: ۱۶، ۵: ۲۴
۴. به صورت انسانی سخن گفتن، انجیل یوحنا ۸: ۱۵، اول قرنتیان ۱: ۲۶، دوم قرنتیان ۱: ۱۲، ۵: ۱۶، ۱۰: ۲، غلاتیان ۶: ۱۲
۵. ضعف انسانی، رومیان ۶: ۱۹، ۷: ۱۸، ۸: ۵ و ۶، ۹، دوم قرنتیان ۱۰: ۴، غلاتیان ۳: ۳، ۵: ۱۳، ۱۶، ۱۹ الی ۲۱، غلاتیان ۲: ۱۸
۶. دشمنی انسان با خدا در ارتباط با سقوط انسان، رومیان ۷: ۱۴، ۱۳: ۱۴، اول قرنتیان ۳: ۱ و ۳، افسسیان ۲: ۳، غلاتیان ۲: ۸، اول پطرس ۲: ۱۱، اول یوحنا ۲: ۱۶

باید تاکید کرد که "گوشت/جسم" به عنوان شیطان، آن طور که در تفکر یونانی هست، در عهد جدید دیده نمی‌شود. از نظر فلاسفه یونانی، "جسم" منبع مشکلات انسان است، مرگ انسان را از این نفوذ آزاد می‌سازد. ولی در عهد جدید، "جسم" زمینه نبرد مناقشات معنوی و الهی است (رجوع شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸)، با این حال خنثی است. انسان می‌تواند از بدنش برای نیکی یا پلیدی استفاده کند.

■ "در میان ما است". این همان "در میان ما ساکن است" می‌باشد. این عبارت سابقه یهودی دارد و به دوره بیابان گردی و غارنشینی باز می‌گردد (رجوع شود به مکاشفه ۷: ۱۵ و ۲۱: ۳). یهودیان بعدها این تجربه در بیابان را، دوران ماه غسل میان اسرائیل و یهوه نام نهادند. خدا هرگز به اندازه این دوره به اسرائیل نزدیک نبود. اصطلاح یهودی برای این دوره الهی خاص که می‌توانست در طول این دوره اسرائیل را هدایت کند "شکینا" (*Shekinah*) که معادل عبری "در میان ما است" می‌باشد.

■ "ما شکوه او را دیدیم". شکوه اشاره شده در عهد عتیق اینک شخصیت گرفته و تحقق یافته است. این به (۱) چیزی در زندگی عیسی مثل تغییر شکل یا صعود اشاره می‌کند (یعنی شهادت بر شهادت، رجوع شود به پطرس دوم ۱: ۱۶ و ۱۷) یا (۲) این مفهوم که یهوه نامرئی اینک مرئی و کاملاً شناخته شده است. این تائید مشابه اول یوحنا ۱: ۱ الی ۴ است که همچنین بر انسان بودن عیسی بر خلاف تاکید عرفانی بر رابطه آنتاگونیستی میان روح و جسم تاکید دارد.

در عهد عتیق متداولترین کلمه برای "شکوه" (*kabod*, BDB 458) اساساً یک اصطلاح تجاری است (که به مقیاس‌های چندتایی اشاره می‌کند) و معادل "سنگین بودن" است. که سنگین و با ارزش بود یا ارزش معنوی داشت. اغلب مفهوم روشنایی به کلمه اضافه می‌شد تا جلال خدا را اظهار دارد (مثلاً، آقای سینایی، شکینا ابر جلال، نور رستاخیز، رجوع شود به خروج ۱۳: ۲۱ و ۲۲، ۲۴: ۱۷، اشعیا ۴: ۵، ۶۰: ۱ و ۲). او به تنهایی با ارزش و قابل احترام است. او نورانیتر از آن است که انسان حقیر او را ببیند (رجوع شود به خروج ۳۳: ۱۷ الی ۲۳، اشعیا ۶: ۵). فقط از طریق مسیح می‌توان واقعا خدا را دید (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۸، کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۳).

### موضوع خاص: شکوه (*doxa*)

#### (SPECIAL TOPIC: GLORY (*DOXA*))

مفهوم انجیلی شکوه را به سختی می‌توان توصیف کرد. LXX از *doxa* برای ترجمه بیش از بیست کلمه عبری استفاده کرده است. به کرار و به شیوه‌های متفاوت در عهد عتیق از این کلمه استفاده شده است. این کلمه بر خدا، عیسی، انسانها، و پادشاهی مسیحی دلالت دارد.

در عهد عتیق متداولترین کلمه برای "شکوه" (*kabod*, BDB 458, KB 455-458) اساساً یک اصطلاح تجاری در ارتباط با مقیاس و اندازه‌گیری بود

"سنگین بودن"، (KB 455). آن چیزی که سنگین بود با ارزش بود و یا ارزش چشمگیری داشت. اغلب مفهوم روشنایی به آن اضافه می‌شد تا عظمت خدا را بیان کند (رجوع شود به سفر خروج ۱۹: ۱۶ الی ۱۸، ۲۴: ۱۷، ۳۳: ۱۸، اشعیا ۶۰: ۱ و ۲). او به تنهایی با ارزش و قابل احترام است (رجوع شود به مزمور ۲۴: ۷ الی ۱۰، ۶۶: ۲، ۷۹: ۹). او درخشانتر از آن است که انسان کم ارزش بتواند او را ببیند، بنابراین او خود را در ابر، دست و یا دود می‌پوشاند (رجوع شود به سفر خروج ۱۶: ۷ و ۱۰، ۳۳: ۱۷ الی ۲۳، اشعیا ۶: ۵). یهوه را تنها و بطور درست می‌توان توسط مسیح شناخت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۶: ۴۶، ۱۲: ۴۵، ۱۴: ۸ الی ۱۱، کولسیان ۱: ۱۵، اول تیموتائوس ۶: ۱۶، عبرانیان ۱: ۳، اول یوحنا ۴: ۱۲).

برای یک بحث کامل در مورد *kabod* به موضوع خاص: شکوه (عهد عتیق) مراجعه کنید. شکوه مومنین این است که آنها انجیل و جلال خدا را درک می‌کنند، نه اینکه خودش را (رجوع شود به اول قرنیتیان ۱: ۲۹ الی ۳۱، ارمیا ۹: ۲۳ و ۲۴). برای بحث دقیقتر به *NIDOTTE*، جلد دوم، صفحه ۵۷۷ الی ۵۷۸ مراجعه کنید.

"جلال مولودی است فقط از جانب پدر"	NASB, NKJV
"جلالی همانند تنها پسر پدر"	NRSV
"جلالی دریافت کرد همانند تنها پسر پدر"	TEV
"جلالی دارد همانند تنها پسر پدر"	NJB
"جلالی دارد همانند نخستین فرزند پدر"	Peshitta

کلمه "تنها" (*monogenes*) یعنی "تک"، یکی از نوع خودش" (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶ و ۱۸، اول یوحنا ۴: ۹. همچنین مراجعه شود به *Answers to Questions*, Bruce F. صفحات ۲۴ و ۲۵). والگیت آن را تنها تولد ترجمه کرد و متاسفانه ترجمه‌های قدیمی انگلیسی آن را ادامه دادند (رجوع شود به انجیل لوقا ۷: ۱۲، ۸: ۴۲، ۹: ۳۸، عبرانیان ۱۱: ۱۷). تمرکز بر تک بودن و منحصر به فرد بودن است نه جنسیت.

■ "پدر" عهد عتیق با استفاده از استعاره خانواده خدا را پدر می‌نامد.

۱. قوم اسرائیل اغلب به عنوان "فرزند" یهوه توصیف می‌شود (رجوع شود به هوشع ۱۱: ۱ و مالاچی ۳: ۱۷)
۲. حتی پیشتر در سفر تثبیه از تشبیه خدا به پدر استفاده شده است (سفر تثبیه ۱: ۳۱)
۳. در سفر تثبیه ۳۲ اسرائیل "فرزندان او" خطاب شده و از خدا به عنوان "پدر تو" نام برده شده است
۴. این همانندی در مزمور ۱۰۳: ۱۳ بیان شده و در مزمور ۶۸: ۵ گسترش یافته (پدر یتیمان)
۵. در کتب انبیا این امر مشترک است (رجوع شود به اشعیا ۱: ۲ و ۶۳: ۸، اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۶۳: ۱۶، ۶۴: ۸، ارمیا ۳: ۴ و ۱۹، ۳۱: ۹)

عیسی از این همانندی استفاده کرده و آن را در قالب یک ارتباط دوستانه خانوادگی عمیقتر ساخته است، بخصوص در انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۸، ۲: ۱۶، ۳: ۳۵، ۴: ۲۱ و ۲۳، ۵: ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۶ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۳ و ۴۵، ۶: ۲۷ و ۳۲ و ۲۷ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۵۷، ۸: ۱۶ و ۱۹ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۸ و ۴۲ و ۴۹ و ۵۴، ۱۰: ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۵ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۲ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸، ۱۱: ۴۱، ۱۲: ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۴۹ و ۵۰، ۱۳: ۱، ۱۴: ۲ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۸ و ۳۱، ۱۵: ۱ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۵ و ۱۷ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۲، ۱۷: ۱ و ۵ و ۱۱ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۸، ۱۱: ۲۰، ۱۱: ۱۸، ۱۱: ۲۰، ۱۷ و ۲۱!

■ "سرشار از فیص و حقیقت" این جفت کلمات در زبان عهد عتیق با مفهوم *hesed* (پیمان عشق و وفاداری) و *emeth* (قابل اعتماد بودن) دنبال شده و در خروج ۳۴: ۶ و نحمیا ۹: ۱۷، مزمور ۱۰۳: ۸ از آنها استفاده شده و بسط یافته، هر دو کلمات با هم در امثال ۱۶: ۶ به کار رفته‌اند. این شخصیت عیسی را در قالب چهارچوب پیمان در عهد عتیق توصیف می‌کند (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱۷)

## موضوع خاص: عشق ورزیدن (*HESED*)

### SPECIAL TOPIC: LOVINGKINDNESS (*HESED*)

این اصطلاح دارای یک زمینه معنایی گسترده است. (BDB 338I - KB 339 II).

A. در ارتباط با انسان استفاده می‌شود

۱. مهربانی به هموعان (به عنوان مثال، اول سموئیل ۲۰: ۱۴؛ دوم تواریخ ۲۴: ۲۲)

۲. مهربانی نسبت به فقرا و نیازمندان (به عنوان مثال، میکاه ۶: ۸)

۳. محبت (ارمیا ۲: ۲؛ هوشع ۶: ۴)

۴. ظاهر (اشعیا ۴۰: ۶)

B. در رابطه با خدا استفاده می شود

۱. وفاداری و عهد و پیمان

a. "در رستگاری از دشمنان و مشکلات" (به عنوان مثال، ارمیا ۳۱: ۳؛ عزرا ۲۷: ۲۸؛ ۹: ۹)

b. "در حفظ زندگی از مرگ" (به عنوان مثال، یعقوب ۱۰: ۱۲؛ مزامیر ۸۶: ۱۳)

c. "در سریعتر شدن زندگی معنوی" (به عنوان مثال، مزامیر ۱۱۹: ۴۱، ۷۶، ۸۸، ۱۲۴، ۱۴۹، ۱۵۰)

d. "در رستگاری از گناه" (نگاه کنید به مزامیر ۲۵: ۷؛ ۵۱: ۳)

e. "در نگهداری پیمان" (به عنوان مثال، دوم تواریخ ۶: ۱۴، نحمیا ۱: ۵، ۹: ۳۲)

۲. توصیف یک ویژگی الهی (به عنوان مثال، خروج ۳۴: ۶؛ میکاه ۷: ۲۰)

۳. مهربانی خدا

a. "فراوان" (به عنوان مثال، نحمیا ۹: ۱۷؛ مزامیر ۱۰۳: ۸)

b. "بزرگ در اندازه" (به عنوان مثال، خروج ۲۰: ۶؛ تثنیه ۵: ۱۰؛ ۷: ۹)

c. "ماندگاری" (به عنوان مثال، اول تواریخ ۱۶: ۳۴، ۴۱، دوم تواریخ ۵: ۱۳، ۷: ۳، ۶: ۲۰؛ عزرا ۳: ۱۱)

d. همچون یک دژ (مزمور ۵۹: ۱۷)

e. در ارتباط با قدرت خداوند (مزمور ۶۲: ۱۱-۱۲)

۴. اعمال محبت (به عنوان مثال، دوم تواریخ ۶: ۴۲؛ مزامیر ۸۹: ۲؛ اشعیا ۵۵: ۳؛ ۶۳: ۷؛ مراثی ارمیا ۳: ۲۲)

این لغت به زبان انگلیسی به شیوه‌های گوناگونی ترجمه شده است. من فکر می‌کنم بهترین معنی بطور مختصر "تعهد بدون قید و بند خداوند به عهد او" می‌باشد. این لغت هم‌تراز با واژه عهد جدید "محبت" (*agapaō*) می‌باشد. خداوند بدلیل ماهیت ذاتی خود، به عهدی که با ما بسته وفادار است.

## موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

(SPECIAL TOPIC: Believe, Trust, Faith, and Faithfulness in the Old Testament)

A. مقدمه

لازم به ذکر است که استفاده از این مفهوم الهیات، در عهد جدید بسیار حیاتی است، و به این وضوح در عهد عتیق تعریف نشده است. یقیناً در آنجا نیز هست، ولی در قالب افراد و شخصیت‌های کلیدی به نمایش گذاشته شده است.

عهد عتیق اینها را در هم ادغام می‌کند

a. فرد و جامعه

b. برخورد شخصی و اطاعت فرد با ایمان

ایمان هم برخورد شخصی است و هم شیوه زندگی روزانه! راحت‌تر می‌توان زندگی یک مرید مومن توصیف کرد تا در قالب کلمات (یعنی مطالعه کلمات). ویژگی شخصی در این موارد به بهترین وجه به تصویر کشیده شده است:

a. ابراهیم و فرزندانش

b. داوود و اسرائیل

این افراد با خدا دیدار می‌کنند و زندگی آنها برای همیشه تغییر می‌یابد (نه زندگی کامل، بلکه زندگی از روی ایمان و وفاداری). آزمایش ضعفها و قوتها را در ایمان به خدا در مواجهه با او آشکار کرد، ولی رابطه صمیمی و ناشی از اعتماد در طول زمان تداوم یافت. آزمایش شد و بهبود داده شد، ولی با وقف کردن خود و شیوه زندگی خود به اثبات رسید و تداوم یافت.

B. استفاده از ریشه اصلی

a. אָמֵן (آمین) (BDB 52, KB 63)

i. فعل

۱. ریشه *qal*- پشتیبانی، تغذیه (دوم پادشاهان ۱: ۱۰ و ۵، استر ۷: ۲، کاربرد غیر دینی)
۲. ریشه *Niphal* - اطمینان حاصل کردن، مطمئن شدن، سخت شدن، بنا کردن، تأیید کردن، وفاداری یا قابل اعتماد بودن
- a. انسانها، اشعیا ۲: ۸، ۵۳: ۱، ارمیا ۱۴: ۴۰
- b. چیزها، اشعیا ۲۳: ۲۲
- c. خدا، تثنیه ۹: ۷، اشعیا ۷: ۴۹، ارمیا ۵: ۴۲
۳. ریشه *Hiphil* - سخت ایستادن، باور داشتن، اعتماد کردن
- a. ابراهیم به خدا ایمان داشت، پیدایش ۱۵: ۶
- b. اسرائیلیها در مصر ایمان آوردند، خروج ۳۱: ۴، ۳۱: ۱۴ (در تثنیه ۱: ۳۲ نفی شده)
- c. اسرائیلیها به یهوه ایمان آوردند و توسط موسی با او صحبت کردند، خروج ۱۹: ۹، مزامیر ۱۲: ۱۰۶ و ۲۴
- d. آهاز به خدا اعتماد نکرد، اشعیا ۹: ۷
- e. هر کس که به او ایمان آورد، اشعیا ۱۶: ۲۸
- f. حقایق نسبت به خدا را باور کرد، اشعیا ۱۰: ۴۳ الی ۱۲
- ii. اسم (مذکر) - وفاداری (تثنیه ۲۰: ۳۲، اشعیا ۱: ۲۵ و ۲: ۲۶)
- iii. قید - صادقانه، به راستی، موافقم، شاید اینطور باشد (رجوع شود به تثنیه ۱۵: ۲۷ الی ۲۶، اول پادشاهان ۱: ۳۶، اول قرنتیان ۱۶: ۳۶، اشعیا ۱۶: ۱۶، ارمیا ۵: ۱۱ و ۲۸: ۶). این کاربرد ادبی "آمین" در عهد عتیق و عهد جدید است.
- b. **אָמֵן** (حقیقت) (BDB 54, KB 68) - اسم مونث، سختی، وفاداری، حقیقت
۱. انسانها (اشعیا ۲۰: ۱۰، ۴۲: ۳، ۴۸: ۱)
۲. خدا - خروج ۶: ۳۴، مزامیر ۲: ۱۱۷، اشعیا ۱۸: ۳۸ و ۱۹، ۶۱: ۸
۳. حقیقت - تثنیه ۴: ۳۲، اول پادشاهان ۱۶: ۲۲، مزامیر ۴: ۳۳، ۳: ۹۸، ۵: ۱۰۰، ۳۰: ۱۱۹، ارمیا ۵: ۹، زکریا ۱۶: ۸
- c. **אָמֵן** (ایمان)، (BDB 53, KB 62) - سختی، استقامت، وفاداری
۱. دستان - خروج ۱۲: ۱۷
۲. زمان - اشعیا ۶: ۳۳
۳. انسانها - ارمیا ۳: ۵، ۷: ۲۸، ۹: ۲
۴. خدا - مزامیر ۱۱: ۴۰، ۱۱: ۸۸، ۱: ۸۹ و ۲ و ۵ و ۸، ۱۳۸: ۱۱۹
- C. استفاده پل از این مفهوم عهد عتیق
- A. پل مبنای درک جدید خود از یهوه و عهد عتیق را در برخورد با عیسی در مسیر دمشق بنا نهاد (اعمال ۱: ۹ الی ۱۹، ۲۲: الی ۱۶، ۲۶: ۹ الی ۱۸)
- B. او پشتیبانی عهد عتیق از درک جدید خود را در این دو متن کلیدی عهد عتیق یافت که از ریشه **אָמֵן** (آمین) استفاده می کردند
- i. پیدایش ۶: ۱۵ - ملاقات شخصی ابراهیم با خدا (پیدایش ۱۲) که منجر به زندگی اطاعت گونه از روی ایمان وی شد (پیدایش ۲۲-۱۲). پل به این در رومیان ۴ و گالیسیان ۳ اشاره دارد
- ii. اشعیا ۱۶: ۲۸ - آنان که ایمان می آورند (یعنی خدا آنها را آزمایش کرد و سنگ بنایشان را نهاد) هرگز
۱. رومیان ۳۳: ۹ "شرمنده" یا "نا امید" نخواهند شد
۲. رومیان ۱۱: ۱۰: همانند بالا
- iii. حبقوق ۴: ۲ - آنان که به خدای وفادار ایمان دارند پارسا زندگی می کنند (رجوع شود به ارمیا ۲۸: ۷). پل از این متن در رومیان ۱: ۱۷ و غلاطیان ۳: ۱۱ استفاده می کند (همچنین به عبرانیان ۳۸: ۱۰ توجه کنید).
- D. استفاده پطرس از مفهوم عهد عتیق
۱. پطرس اینها را ادغام می کند
- a. اشعیا ۱۴: ۸ - اول پطرس ۸: ۲ (سنگ لغزان)
- b. اشعیا ۱۶: ۲۸ - اول پطرس ۶: ۲ (سنگ بنا)
- c. مزامیر ۲۲: ۱۱۸ - اول پطرس ۷: ۲ (سنگی که رد کردند)
۲. او از زبان خاصی استفاده می کند که اسرائیل را توصیف کند، "نژاد منتخب، دیانت سلطنتی، قوم مقدس، مردمی برای مالکیت خاص خدا" در

a. تثنيه ۱۵:۱۰، اشعيا ۲۱:۴۳

b. مزامير ۶:۶۱، ۲۱:۶۶

c. خروج ۶:۱۹، تثنيه ۶:۷

E. استفاده يوحنا از مفهوم

۱. استفاده در عهد جديد

کلمه "ايمان" از کلمه يوناني *pisteuō* می‌آید که همچنين می‌تواند به "ايمان"، "باور" يا "اعتماد" ترجمه شود. برای مثال، به عنوان اسم در انجيل يوحنا استفاده نشده است ولی در قالب فعل اغلب استفاده شده است. در انجيل يوحنا ۲:۲۳ الی ۲۵ عدم قطعیتی در تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر مثالها از این نوع کاربرد سطحی کلمه "ايمان" در انجيل يوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹، و اعمال ۸:۱۳ و ۱۸ الی ۲۴ دیده می‌شود. ايمان واقعی انجيلی بیش از پاسخ اولیه است. باید همراه با یک فرایند شاگردی باشد (رجوع شود به انجيل متی ۱۳:۲۰ الی ۲۲ و ۳۱ و ۳۲).

۲. استفاده به عنوان حرف اضافه

a. *Eis* به معنی "در" است. این ساختار خاص تاکید بر این دارد که مومنين باید به عیسی اعتماد/ايمان داشته باشند.

i. در نام او (يوحنا ۱:۱۲، ۲:۲۳، ۳:۱۸، اول يوحنا ۱:۱۳)

ii. در او (يوحنا ۲:۱۱، ۱۵:۳، ۱۸:۴، ۳۹:۴، ۴۰:۶، ۵:۷ و ۳۱ و ۳۹ و ۴۸، ۸:۳۰، ۹:۳۶، ۱۰:۴۲، ۱۱:۴۵، ۱۲:۳۷، ۱۲:۳۷، ۱۸:۶، اعمال ۴:۴۳، ۱۰:۴۳، فيلپينيان ۱:۲۹، اول پطرس ۱:۸)

iii. در من (يوحنا ۶:۳۵، ۷:۳۸، ۱۱:۲۵، ۲۶ و ۱۲:۴۴، ۱۲:۴۶، ۱۴:۱، ۱۶:۹، ۱۷:۲۰)

iv. در پسر (يوحنا ۳:۳۶، ۹:۳۵، اول يوحنا ۵:۱۰)

v. در عیسی (يوحنا ۱۲:۱۱، اعمال ۱۹:۴، غلاطيان ۲:۱۶)

vi. در نور (يوحنا ۱۲:۳۶)

vii. در خدا (يوحنا ۱:۱۴)

b. *ev* یعنی "به" آنطور که در يوحنا ۳:۱۵، مرقس ۱:۱۵ و اعمال ۵:۱۴ آمده است

c. *epi* یعنی "این" يا "براساس" مانند انجيل متی ۲۷:۴۲، اعمال ۱۷:۱۱، ۹:۴۲، ۱۶:۳۱ و ۲۲:۱۹، روميان ۴:۵ و ۲۴، ۹:۳۳، ۱۰:۱۱، اول تیموتائوس ۱:۱۶، اول پطرس ۲:۶

d. به صورت دلخواه و بدون حرف اضافه در غلاطيان ۳:۶، اعمال ۸:۱۸، ۲۷:۱۵، اول يوحنا ۳:۲۳ و ۵:۱۰

e. *hoti* که به معنی "باور کرد که" در متن می‌گوید که به چه باید باور کرد

i. عیسی محبوب مقدس و اول خداست (يوحنا ۶:۶۹)

ii. عیسی همان من هستم است (يوحنا ۸:۲۴)

iii. عیسی در پدر و پدر در عیسی است (يوحنا ۱۰:۳۸)

iv. عیسی مسیح است (يوحنا ۱۱:۲۷، ۳۱:۲۰)

v. عیسی پسر خدا است (يوحنا ۱۱:۲۷، ۳۱:۲۰)

vi. عیسی توسط پدر فرستاده شد (يوحنا ۱۱:۴۲، ۱۷:۸ و ۲۱)

vii. عیسی آن است که با پدر است (يوحنا ۱۴:۱۰ الی ۱۱)

viii. عیسی از جانب پدر فرستاده شد (يوحنا ۱۶:۲۷ و ۳۰)

ix. عیسی در چهار چوب یک پيمان در خدا خود را معرفی می‌کند، "منم" (يوحنا ۸:۲۴ و ۱۳:۱۹)

x. با او زندگی خواهیم کرد (روميان ۸:۶)

xi. عیسی مرد و مجدداً برخاست (اول تسالوکيان ۴:۱۴)

F. جمع بندی

۱. ايمان انجيلی پاسخی است به کلام/وعده الهی. خدا همیشه نخستین گام را برمی‌دارد (يعنی انجيل يوحنا ۴:۴۴ و ۶:۶۵)، ولی بخشی از این ارتباط الهی نیازمند پاسخ انسان است (رجوع شود به موضو خاص: پيمان).

a. توبه (موضوع خاص: توبه را ببينيد)

b. ايمان/اعتماد (موضوعات خاص را ببينيد)

c. اطاعت



d. استقامت (موضوع خاص: استقامت را ببینید)

۲. ایمان انجیلی

a. یک رابطه فردی است (ایمان اولیه)

b. تأیید حقیقت انجیلی است (ایمان به مکاشفه خدا، یعنی کتاب مقدس)

c. پاسخ بصورت پیروی درست از آن (وفاداری روزانه)

ایمان انجیلی بلیط به بهشت یا یک بیمه نامه نیست. یک رابطه فردی است. هدف خلقت است، انسان با هدف و با دوست داشتن خدا خلق می‌شود (پیدایش ۲۶: ۱ و ۲۷). مسئله "صمیمیت" است. خدا خواهان دوستی است، نه یک مواجهه الهی خاص. ولی دوستی خدال متعال نیازمند فرزندان است که ویژگی "خانواده" را نشان می‌دهند. (یعنی تقدس، لاویان ۲: ۱۹، متی ۴۸: ۵، اول پطرس ۱: ۱۵ و ۱۶). سقوط (پیدایش ۳) بر پاسخ مناسب ما تأثیر گذاشت. در نتیجه خدا از جانب ما عمل کرد (رجوع شود به حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸)، به ما "قلبی جدید" و "روحی جدید" داد، که ما را قادر می‌سازد از طریق ایمان و توبه با وی دوستی و از وی اطاعت کنیم!

هر سه اینها مهم و حیاتی هستند. هر سه باید انجام شوند. هدف شناخت خداست (با هر دو مفهوم عبری و یونانی) تا شخصیت او را در زندگی‌مان منعکس کنیم. هدف ایمان روزی به بهشت رفتن نیست، بلکه هر روز همانند مسیح بودن است!

۳. وفاداری انسان نتیجه (عهد جدید) است، نه پایه (عهد عتیق) برای یک رابطه با خدا: ایمان انسان به وفاداری او، اعتماد انسان به قابل

اعتماد بودن او. قلب نگرش عهد جدید به رستگاری این است که انسان باید با برداشتن اولین گام پاسخ دهد و دائماً به لطف و رحمت خدا که در عیسی است، پاسخ دهد. او دوست داشته است، او فرستاده است، او فراهم کرده است، ما باید با ایمان و وفاداری پاسخ دهیم (اشعیا ۸: ۲ و ۹ و ۱۰)!

خداوند وفادار به مردم وفادار نیاز دارد تا خود را به جهان بی‌ایمان نشان دهد و آنها را با ایمان فردی بسوی خود آورد.

۱۵: ۱ "زیرا او قبل از من وجود داشته" آیه ۱۵ مثل ۸۷۷-۶، یک عقبگرد تاریخی دینی است. این دکتربین یحیی تعمید دهنده است که از پیش وجود داشتن عیسی را تأکید می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱، ۸: ۵۶ الی ۹، ۱۶: ۲۸، ۱۷: ۵، دوم قرنتیان ۸ و ۹، فیلیپیان ۲: ۶ و ۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۱: ۳، ۱۰: ۵ الی ۸). دکتربین از قبل بودن و پیشگویی رسالت بر این تأکید دارد که خدا برتر و فراتر از تاریخ است، با این حال در چارچوب تاریخ حرکت می‌کند. این یک بخش جدایی ناپذیر جهان‌بینی مسیحیت/دنیای انجیلی است.

\* این آیه مبهم است و بسیاری تغییرات نگارشی در آن به عمل آمده با تلاش بر اینکه متن روشن و ساده شود. به Bruce M. Metzger, *A Textual Commentary on the Greek New Testament* صفحات ۱۹۷ و ۱۹۸ مراجعه شود.

این همچنین مثال جالبی است از اینکه چگونه افعال یونانی را نمی‌توان استاندارد کرد. نشان‌دهنده عملی است که در گذشته انجام شده ولی در قالب زمان حال ثبت شده است.

۱۶: ۱ الی ۱۸ نمی‌دانیم چه مقدار از آیات ۱۶ تا ۱۸ مربوط به یحیی تعمید دهنده و یا یوحنا‌ی شاگرد است. یکی از ویژگیهای انجیل یوحنا این است که چگونه نگارنده با توضیحات خود وارد رخدادهای تاریخی، مباحثات یا کلاسهای درس می‌شود. در اکثر مواقع غیر ممکن است که بتوان میان کلام عیسی، یوحنا سایرین تمایز قائل شد. اغلب اساتید اظهار می‌دارند که انجیل یوحنا ۱: ۱۶ الی ۱۹ توضیحات خود یوحنا‌ی نگارنده است (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۳: ۱۴ الی ۲۱).

۱۶: ۱ "کامل بودن" این معادل کلمه یونانی *pleroma* است. اساتید قلابی عرفان از آن برای توصیف فرشته‌های غیر فانی میان خدای والا و موجودات کم‌ارزتر استفاده می‌کردند. عیسی تنها واسطه (درست و تنها کامل) میان خدا و انسان است (رجوع شود به کولسیان ۱: ۱۹، ۲: ۹، افسسان ۱: ۲۳ و ۴: ۱۳). در اینجا باز هم به نظر می‌رسد یوحنا‌ی شاگرد به دیدگاه عرفانی واقعیت حمله می‌کند.

NASB, SRSV	و فیض پشت فیض
NKJV,	و فیض برای فیض
TEV	یکی پس از دیگری ما را مورد فیض قرار دادن
NJB	فیضی جایگزین فیضی دیگر می‌شود

سوال ترجمه‌ای اینجاست که چگونه "فیض" را ترجمه و درک کنیم. آیا  
۱. ترحم خدا برای رستگاری و نجات توسط مسیح

۲. رحم خدا بر زندگی مسیحی

۳. رحم خدا در پیمانی جدید توسط مسیح (رجوع شود به آیه ۷)

تفکر کلیدی "فیض" (رجوع شود به افسسیان ۲: ۸ و ۹)، فیض خدا به شکل شگفت آوری در تجسم عیسی اعطا می‌گردد. عیسی "آری" خدا به انسان حقیر است (دوم قرنتیان ۱: ۲۰).

## موضوع خاص: عرفان (از کلمه یونانی *gnosis*، به معنی دانش و آگاهی، مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶:۲۰)

### I. در قرن اول

دنیای روم در قرن اول زمان انتخاب میان ادیان شرقی و غربی بود. خدایان یونان و پانتئون‌های روم خوش نام نبودند. ادیان مرموز بسیار متداول بودند زیرا تاکید آنها بر رابطه فردی با خدا و دانش پنهان بود. فلسفه سکولار یونانی محبوب بود و با دیگر جهانبینی‌ها ادغام می‌شد. در این دنیا مذهب انتخابی ایمان انحصاری مسیحی وارد می‌شود (عیسی تنها راه به سوی خدا است، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۴). زمینه دقیق عرفان هر چه باشد، تلاشی شد برای انحصار بخشیدن به مسیحیت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۴، اول یوحنا ۵: ۱۲) که باورکردنی و از نظر عقلانی برای طیف وسیعی از مخاطبین یونانی-رومی قابل قبول بود. این احتمال هست که تفکر عرفانی از فرقه‌های حاشیه‌ای یهودی ریشه گرفته باشد (مراجعه شود به DSS Sect). این می‌تواند برخی از عناصر یهودی در عهد جدید را که با عرفان رابطه دارند توضیح دهد.

### II. برخی از فرضیه‌های ابتدایی ارتداد بر اساس شواهد داخلی از یوحنا ۱

- A. انکار قیام عیسی مسیح از مردگان
- B. انکار مرکزیت عیسی مسیح در رستگاری
- C. فقدان شیوه زندگی مسیحی مناسب
- D. تاکید بر دانش (اغلب رازها و اسرار)
- E. گرایش به انحصار گرایی و نخبه‌گرایی

### III. نخستین عرفان قرن اول

A. آموزشهای عرفان اولیه در قرن نخست به نظر می‌رسد که تاکید بر دوالیزم هستی‌شناسی (ابدی) میان روح و جسم بوده باشند. روح (خدای والا) به عنوان نیکی تلقی می‌شد، در حالیکه جسم از نظر ذاتی شیطانی بود. این دوگانگی شبیه:

۱. فلسفه ایده‌آل در مقابل فیزیکی افلاطون

۲. بهستی در مقابل زمینی

۳. نامرئی در مقابل مرئی؛ (همچنین تاکید زیاده از حدی بر روی اهمیت دانش نهانی (رمزها یا کدهای رمزی که اجازه می‌دهند روح از طریق محیط فرشتگان به سمت بالا و به سوی خدای والا برود) که برای رستگاری لازم بود می‌شد).

۴. احتمالاً نفوذ زرتشت

B. دو حالت اولیه عرفان وجود دارند که ظاهراً می‌توانستند زمینه اول یوحنا باشند

۱. عرفان دوکسی (*Docetic*)، که انسان بودن عیسی را نفی می‌کند، زیرا جسم شیطانی است

۲. عرفان سرینتی (*Cerinthian*) که عیسی را در میان فرشتگان خوب و بد ارزیابی می‌کرد. این "روح مسیح" را بدن انسانی عیسی را در زمان تعمید غرق می‌کند و قبل از به صلیب کشیده شدن بدنش را ترک می‌نماید

۳. از این دو گروه برخی ریاضت را تجربه کردند (اگر بدن بخواهد، شیطانی است)، بقیه آنتیسمیسم را (اگر بدن بخواهد، انجام می‌دهم)

C. هیچ مدرکی در مورد توسعه سیستم عرفان در قرن اول وجود ندارد. در حقیقت تا اواسط قرن دوم که شواهد و مستندات مکتوب وجود دارند (به متون Nag Hammadi مراجعه شود). برای اطلاعات بیشتر در مورد عرفان به منابع زیر مراجعه کنید

۱. *The Gnostic Religion* اثر هانس یوناس، از انتشارات بیکن

۲. *The Gnostic Gospels* اثر ایلیین پاگلز، از انتشاران رندم هاوس

۳. *The Nag Hammadi Gnostic Texts and the Bible* اثر اندرو هلمبولد

- A. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم سعی می‌کنند حقیقت مسیحی را با سایر سیستم‌های فکری ادغام کنند
- B. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم بر دکترین "درست" برای جدا کردن رابطه فردی و سبک زندگی با ایمان تاکید می‌کنند
- C. روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم از مسیحیت به سوی نخبگی فکری انحصاری روی می‌آورند
- روح این ارتداد امروز در ما هست وقتی مردم مذهبی به سوی عرفان یا آنتیسیسم به عنوان بهترین راه برای رسیدن به خدا روی می‌آورند.

۱: ۱۷ "قانون" قانون موسی بد نبود، ولی برای رستگاری کامل ابتدایی و ناقص بود (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۹ الی ۴۷، غلاطیان ۳: ۲۳ الی ۲۹، رومیان ۴). یهودیان همچنین کار، رستگاری و پیمان موسی و عیسی را با یکدیگر مقایسه می‌کنند.

## موضوع خاص: دیدگاه پولس نسبت به قوانین موسی

### (SPECIAL TOPIC: PAUL'S VIEWS OF THE MOSAIC LAW)

خوب است و از جانب خداست (مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۲ و ۱۶).

- A. راهی برای عدالت و پذیرش توسط خدا نیست (حتی می‌تواند لعن و نفرین هم باشد، مراجعه شود به غلاطیان ۳).
- B. به موضوع خاص: قوانین موسی و مسیحیت مراجعه شود.
- C. هنوز هم اراده خدا بر مومنین است زیرا این خود-آشکارسازی خدا است (پولس اغلب از عهد عتیق نقل قول می‌کند تا مومنین را متقاعد و یا تشویق کند).
- D. مومنین توسط عهد عتیق آگاه می‌شوند (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲۳، ۲۴، ۱۵: ۴، اول قرنتیان ۶: ۱۰ و ۱۱)، ولی با عهد عتیق نجات نمی‌یابند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، رومیان ۴، غلاطیان ۳، عبرانیان). عملکرد آن بر اساس تقدس است نه توجیه.
- E. بر مبنای پیمان جدید عمل می‌کند تا:
۱. گناه آلود بودن را نشان دهد (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۵ الی ۲۹)
  ۲. انسان رها شده در جامعه را هدایت کند
  ۳. تصمیمات اخلاقی مسیحیت را اعلام کند
- این طیف الهیاتی در ارتباط با قوانین موسی وجود دارد، از نفرین (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۰ الی ۱۳) و فوت تا برکت و ثبات که باعث می‌شوند در درک نگرش پولس نسبت به قوانین موسی با مشکل مواجه شویم. در *A Man in Christ* جیمز استوارت تفکر و نگارش پارادوکسی پولس را نشان می‌دهد:
- "معمولاً کسی که در تلاش است تا یک سیستم فکری و دکترینی را بنا کند، انتظار می‌رود که تا حد ممکن معنی و مفهوم اصطلاحاتی را که به کار می‌برد، روشن و مستحکم سازد. انتظار دارید که هدف او دقت در بیان نظراتش در میان پاراگراف‌های متن باشد. می‌خواهید وقتی که توسط یک نگارنده کلمه خاصی استفاده شد، در تمامی متن یک معنی و مفهوم مشخص داشته باشد. بیشتر عبارات و جملات او سیال و هستند، نه ثابت... "او می‌نویسد "قانون مقدس و الهی است"، "من از قوانین خدا برای انسان فانی مسروم (مراجعه شود به رومیان ۷: ۱۲ و ۲۲) ولی به وضوح جنبه دیگر nomos است که باعث می‌شود او در جای دیگری بگوید "مسیح به جای ما لعن شد و این گونه ما را از لعنت شریعت باز خرید کرد" (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳) (صفحه ۹۶).

■ "فیض" این اشاره به عشق بی حد خدا به انسان حقیر است که لیاقت آن را ندارد (رجوع شود به افسسیان ۲: ۸). این کلمه فیض (charis) که در نوشته‌های پولس بسیار مهم هستند، فقط در این پاراگراف در انجیل یوحنا استفاده شده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴، ۱۶ و ۱۷). نویسندگان عهد جدید، که تحت الهام بودند، آزاد بودند و می‌توانستند از ادبیات، نگارش و استعاره‌های خاص خود استفاده کنند.

عیسی "پیمان جدید" ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، و حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۲۸ را به واقعیت درآورد.

■ "حقیقت" از این کلمه در مفاهیم زیر استفاده شده است:

۱. وفاداری
۲. صحت در مقابل دروغ (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴)

توجه داشته باشید که هم فیض و هم حقیقت هر دو از طریق عیسی آمدند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴). به موضوع خاص در انجیل یوحنا ۳: ۱۷ مراجعه نمایید.

■ "عیسی" این نخستین باری است که از نام انسانی برای فرزند مریم در پیشگفتار استفاده شده است. فرزند از پیش وجود داشته اینک تبدیل به فرزندی از جسم و گوشت می‌شود!

### موضوع خاص: خداوندی مسیح از عهد عتیق (میکاه ۵: ۲)

#### THE DIETY OF CHRIST FROM THE OT MICAH 5:2

دو سطر از میکاه ۵: ۲ "طلوع او از قدیم است" و "از ایام ازل بوده است" با یکدیگر هم معنی هستند. "از قدیم است" (Qal, BDB 422, KB 425) دستوری) بسیار متداول است. این حالت هشت مرتبه در میکاه استفاده شده است:

۱. در مورد آمدن خدا در میکاه ۱: ۳
۲. اجرای فرمان خدا در ۴: ۲
۳. در مورد توبه اسرائیل که در میکاه ۷: ۹ انجام شد (یعنی خروج جدید ۱۵: ۷). همچنین می‌تواند به منشا مسیح نیز اشاره داشته باشد (اصالت، نسخه استاندارد بازمینی شده و انجیل جدید اورشلیم، یا اعمال وی (رجوع شود به میکاه ۴: ۴ و ۵).

این دو بیت شعر می‌توانند به یکی از موارد زیر اشاره داشته باشند:

۱. از پیش وجود داشتن مسیح (رجوع شود به امثال ۸: ۲۲ الی ۳۱، انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۱۴ و ۱۵ و ۳۰، ۵۶: ۸ الی ۵۹، ۱۶: ۲۸، ۱۷: ۵ و ۲۴، دوم قرنتیان ۸: ۹، فیلیپیان ۲: ۶ و ۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۳: ۱ و ۵: ۱۰ الی ۹).
۲. راهی برای اشاره به اجداد معروف گذشته (نوح، ابراهیم یا احتمالاً داوود).

کل آیه به یک پادشاه الهی، از نسل داوود و از شهر داوود اشاره می‌کند. به داوود به عنوان یک پادشاه ایده آل نگاه می‌شود.

کلمه "جاویدان" (BDB 761) یک 'olam است. به موضوع خاص: برای همیشه ('olam) مراجعه شود.

نیدوت (NIDOTTE) جلد ۳، صفحه ۳۴۷، که در مورد 'olam بحث می‌کند، این اظهارات را بیان می‌دارد:

"در حین اینکه تلاش می‌شود تا مرجعی برای از پیش وجود داشتن مسیح یافت شود، چنین دیدگاهی در نوشتجات انجیلی یهود و بعد از آن تا قبل از Similitudes Enoch حدود قرن اول قبل از میلاد - قرن اول پس از میلاد یافت نمی‌شود (به I Enoch ۴۸: ۲ الی ۶ مراجعه شود)".

فکر می‌کنم هر چند نکاتی در مورد تولد در عهد عتیق وجود دارند، سران یهود در دوران عیسی از ادعای او مبنی بر مساوی بودن با خدا شوکه شدند (رجوع شود به انجیل مرقس ۵: ۲ الی ۷، انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۴، ۵۸: ۸، پولس، دوم قرنتیان ۴: ۴، کولسیان ۱: ۱۵، فیلیپیان ۲: ۶، تیتوس ۲: ۱۳). بخشی از متون عهد عتیق در اینجا مورد استفاده قرار گرفته‌اند تا کاملاً خدایی بودن عیسی تصریح شود:

۱. مزمو ۷: ۲، نقل قول شده در عبرانیان ۵: ۵
۲. مزمو ۶: ۴۵ و ۷ نقل قول شده در عبرانیان ۸: ۱ و ۹
۳. مزمو ۱: ۱۱۰ نقل قول شده در عبرانیان ۱۳: ۱
۴. اشعیا ۹: ۶-۵: ۲۳ و ۶، میکاه ۵: ۲ الهام بخش انجیل لوقا ۳: ۳۲
۵. دانیال ۷: ۱۳ نقل قول شده در انجیل متی ۲۶: ۶۴، مرقس ۱۴: ۶۲
۶. زکریا ۷: ۱۳ نقل قول شده در انجیل متی ۲۶: ۳۱، انجیل مرقس ۱۴: ۲۷
۷. ملاکی ۳: ۱ نقل قول شده در انجیل مرقس ۱: ۱ الی ۳، انجیل لوقا ۲: ۲۶ و ۲۷

## موضوع خاص: پدر بودن خدا

### SPECIAL TOPIC: THE FATHERHOOD OF GOD

#### I. عهد عتیق

A. این حس وجود دارد که خدا به واسطه خلقت، پدر است

i. پدر اسرائیل (با انتخاب)

۱. "پسر" - سفر خروج ۴:۲۲، تثنیه ۱:۱۴، اشعیا ۲:۱، ۱۶:۶۳، ۸:۶۴، ارمیا ۱۹:۳، ۹:۳۱ و ۲۰، هوشع ۱۰:۱، ۱:۱۱، ملاکی ۱:۶

۲. "نخستین زاده" - ارمیا ۳:۱۹

B. از چندین جنبه پدر یک تشبیه است

i. پدر پادشاه اسرائیل (مسیحیت)

۱. دوم سموئیل ۷:۱۱ الی ۱۶

۲. مزمو ۷:۲، اعمال رسولان ۱۳:۳۳، عبرانیان ۵:۵ و ۵:۵

۳. هوشع ۱:۱۱، انجیل متی ۲:۱۵

ii. تشبیه عشق والدین

۱. پدر (استعاره)

a. پسر خود را حمل می کند - تثنیه ۱:۳۱

b. تادیب - تثنیه ۵:۸، امثال ۳:۱۲

c. ارائه می دهد (سفر خروج) - تثنیه ۶:۳۲

d. هرگز فراموش نمی کند - مزمو ۱۰:۲۷

e. عشق می ورزد - مزمو ۱۳:۱۰۳

f. دوست/راهنما - ارمیا ۳:۴

g. شفا دهنده/بخشنده - ارمیا ۳:۲۲

h. ترحم می کند - ارمیا ۳۱:۲۰

i. مربی - هوشع ۱:۱۱ الی ۴

۲. مادر (استعاره)

a. هرگز فراموش نمی کند - مزمو ۱۰:۲۷

b. عشق مادرانه - اشعیا ۴۹:۱۵، ۹:۶۶ الی ۱۳، و هوشع ۴:۱۱ (با تصحیح پیشنهادی در متن کلمه تغییر کلمه بنده

به نوزاد)

#### II. عهد جدید

A. تثلیث (متونی که هر سه در آنها ذکر شده اند)

i. انجیل

۱. انجیل متی ۱۶:۳ و ۱۷، ۱۹:۲۸

۲. انجیل یوحنا ۲۶:۱۴

ii. پولس

۱. رومیان ۴:۱ و ۵:۱، ۵:۵ و ۸:۱ الی ۴ و ۸ الی ۱۰

iii. پطرس - اول پطرس ۲:۱

iv. یهودا - ۲۰ و ۲۱

B. عیسی

- i. عیسی به عنوان "تنها تولد یافته" - انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۳: ۱۶ و ۱۸، اول یوحنا ۴: ۹
- ii. عیسی به عنوان "پسر خدا" - انجیل متی ۳: ۴، ۱۴: ۳۳، ۱۶: ۱۶، انجیل لوقا ۳: ۳۲ و ۱: ۳۵، انجیل یوحنا ۳: ۳۴ و ۱: ۴۹، ۶: ۶۹، ۱۱: ۲۷
- iii. عیسی به عنوان پسر محبوب - انجیل متی ۱۷: ۳، ۱۷: ۵
- iv. استفاده عیسی از پدر برای خدا - انجیل مرقس ۱۴: ۳۶
- v. استفاده عیسی از ضمایر برای نشان دادن رابطه خودش و ما با خدا
۱. "پدرم" - برای مثال در انجیل یوحنا ۵: ۱۸، ۱۰: ۳۳، ۱۹: ۷، ۲۰: ۱۷
۲. "پدرت" برای مثال انجیل متی ۵: ۱۶ و ۴۵ و ۴۸، ۶: ۱ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۲۶ و ۲۳ و ۱۱: ۷، ۲۰: ۱۰ و ۲۹، ۱۸: ۱۴
۳. "پدر ما" برای مثال انجیل متی ۹: ۶ و ۱۴ و ۲۶
- C. یکی از استعاره‌های خانوادگی که زیاد برای رابطه صمیمی میان خدا و نوع بشر به کار رفته است:

- i. خدا به عنوان پدر
- ii. مومنین به عنوان
۱. فرزندان خدا
۲. فرزندان
۳. تولد یافته توسط خدا
۴. تولد دوباره
۵. به سرپرستی گرفته شده
۶. ثمر یافته
۷. خانواده خدا

۱: ۱۸ "هیچ کس هیچوقت خدا را ندیده است" برخی می‌گویند این با خروج ۳۳: ۲۰ الی ۲۳ در تضاد است (مراجعه شود به خروج آنالین). با این حال کلمه عبری در باب خروج به "پس فروزش" اشاره دارد، نه دیدن فیزیکی خود خدا. تاکید این باب این است که فقط عیسی می‌تواند خدا را آشکار نماید (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۸ به بعد). هیچ انسان گناهکاری خدا را ندیده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۶، اول تیموتائوس ۶: ۱۶، اول یوحنا ۴: ۱۲ و ۲۰).

این آیه بر این تاکید دارد که آشکار شدن خدا فقط از طریق عیسی ناصری است. فقط او تنها کسی است که می‌تواند خودش را آشکار کند. شناخت عیسی شناخت خداست. عیسی نهایت آشکارسازی خودش است. هیچ درک مشخصی از جدا بودن او از خدا وجود ندارد (رجوع شود به کولسیان ۱: ۱۵ الی ۱۹، عبرانیان ۱: ۲ و ۳). عیسی پدر را "می‌بیند" و مومنین توسط او پدر را "می‌بینند" (زندگی، حرفها و اعمال او). او تنها آشکار کننده کامل خدای نامرئی است (رجوع شود به کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۳).

"تنها مولود خدا"	NASB
"تنها فرزند تولد یافته"	NKJV
"تنها پسر خداست"	NRSV
"تنها پسر"	TEV
"او تنها پسر است"	NJB

به یادداشت monogenēs در انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه شود. عیسی کاملاً خدا و انسان است. به یادداشت کامل در انجیل یوحنا ۱: ۱ مراجعه شود.

نوشته یونانی دیگری وجود دارد. تتوس یا خدا در دستنوشته‌های اولیه یونانی وجود دارد P<sup>66</sup>, P<sup>75</sup>, B و C (NASB) در حالیکه "پسر" با خدا جایگزین شده فقط در MSS A و C3 (نسخه جدید شاه جیمز، نسخه استاندارد بازمینی شده انجیل). United Bible Societies به "خدا" رتبه "B" را می‌دهد (تقریباً بطور حتم). کلمه "پسر" احتمالاً از نوشته‌هایی می‌آید که یادآور "تنها پسر تولد یافته" در یوحنا ۳: ۱۶ و ۱۸ و اول یوحنا ۴: ۹ است (رجوع شود به Bruce M).

احتمال این می‌رود که این آیه سه عنوان برای عیسی داشته باشد: (۱) تنها مولود، (۲) خدا، (۳) آن که در آغوش پدر است.

در **Ehrmans' The Orthodox Corruption of Scripture**, صفحات ۷۸ الی ۸۲ بحث جالبی در خصوص این احتمال هست که تغییر تعدمی در این متن توسط نگارندگان ارتدکس صورت گرفته باشد.

■ "که در آغوش پدر است" معنی این بسیار مشابه معنی "با خدا" در انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۲ دارد. از یک رابطه صمیمی صحبت می‌کند. می‌تواند به (۱) رابطه از پیش-وجود-داشته او یا (۲) دوستی باز یافته اشاره داشته باشد (یعنی معراج).

"او را توصیف کرده است"	<b>NASB</b>
"او را اعلام کرده است"	<b>NKJV,</b>
"او که وی را شناساند"	<b>NRSV, NJB</b>
"او را شناساند"	<b>TEV, REB</b>

کلمه معادل انگلیسی ("**exegesis**") to lead out به معنی "به بیرون هدایت کردن"، دلالت بر آن دارد که در گذشته انجام شده و تحقق یافته از زبان یونانی در انجیل یوحنا ۱: ۱۸ استفاده شده که دلالت بر آن دارد که آشکار سازی تحقق یافته و کامل شده است. یکی از کارهای اصلی عیسی نمایان ساختن پدر بود (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۷ الی ۱۰، عبرانیان ۱: ۲ و ۳). دیدن و شناختن عیسی یعنی دیدن و شناختن پدر (کسی که گناهکاران را دوست دارد، به ضعفا کمک می‌کند، مطرودین، زنان و کودکان را می‌پذیرد)!

این کلمه در یونانی در مورد کسانی استفاده می‌شود که پیام، روایا یا سندی را توضیح می‌دهند یا تفسیر می‌کنند. در اینجا مجدداً یوحنا ممکن است از کلمه‌ای استفاده کند معنی خاصی برای یهودیان و غیر یهودیان داشته باشد (مانند **Logos** در انجیل یوحنا ۱: ۱). یوحنا تلاش می‌کند تا یهودیان و یونانیان را در پیش گفتارش مورد خطاب قرار داده و به یکدیگر مرتبط سازد. این کلمه می‌تواند به معانی زیر باشد:

۱. به یهودیانی که قانون را توضیح یا تفسیر می‌کنند
  ۲. به یونانیانی که خدایان را توصیف کرده و یا تفسیر می‌کنند
- از طریق عیسی و فقط عیسی انسانها می‌توانند خدا را ببینند و درک کنند.

#### بینش متنی در آیات ۱۹ تا ۵۱

- A. این بخش در ارتباط با یحیی تعمید دهنده است که با دو درک نادرست کلیسا مواجه است:
۱. که حول شخص یحیی تعمید دهنده شکل گرفته و در انجیل یوحنا ۱: ۶ الی ۹، ۲۰، ۲۱، ۲۵ و ۳: ۲۲ الی ۳۶ مورد بحث قرار گرفته است
  ۲. که در ارتباط با شخص مسیح است و در انجیل یوحنا ۱: ۳۲ الی ۳۴ مورد بحث است. همین خداشناسی عرفانی در اول یوحنا ۱ مورد حمله قرار گرفته است. اول یوحنا می‌تواند برگ نخست و پیش درآمدی بر انجیل یوحنا باشد.
- B. انجیل یوحنا در مورد تعمید عیسی توسط یحیی تعمید دهنده سکوت می‌کند. احکام کلیسا، تعمید و عشا ربانی در انجیل یوحنا به طور کاملاً مشهود در بخش زندگی مسیح وجود ندارند. حداقل دو دلیل احتمالی برای این حذف وجود دارد:
۱. ظهور تقدس در کلیسای اولیه باعث شد که یوحنا بر این جنبه مسیحیت تاکید نکند. انجیل او بر رابطه تمرکز دارد نه بر مراسم. او در خصوص دو تقدس تعمید و والایی خدا اصلاً بحثی نمی‌کند و نمی‌نویسد. عدم وجود چیزهایی که انتظار آنها می‌رفت باعث گردید که توجه به آنها جلب شود.
  ۲. یوحنا بعد از دیگر نویسندگان انجیل شروع به نگارش می‌کند، و از آن بخش از زندگی خود با مسیح برای تکمیل کردن اناجیل دیگران استفاده می‌کند. از آنجا که اختصار تمام این قوانین را پوشش می‌دهد، یوحنا فقط اطلاعات تکمیلی در خصوص رخدادهای به وقوع پیوسته ارائه می‌کند. مباحثات و رخدادهایی که در اناجیل بالایی روی دادند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳ الی ۱۷) و نه خود غذا، مثالی از این نوع هستند.

C. تاکید بر این موضوع در ارتباط با شخص عیسی بر عهده شهادت یحیی تعمید دهنده است. یحیی این اظهارات مسیحیت را ارائه می‌کند:

۱. این است عیسی بره خدا (انجیل یوحنا ۱: ۳۰)

۲. عیسی دریافت کننده و دهنده روح القدس است (انجیل یوحنا ۱: ۳۳)

۳. عیسی پسر خداست (انجیل یوحنا ۱: ۳۴)

D. حقیقت در باره شخص و کار عیسی با شهادت این افراد بسط می‌یابد

۱. یحیی تعمید دهنده

۲. اندرو و فیلیپ

۳. فیلیپ و تنانیل

این امر تبدیل به یک تکنیک متداول در سراسر انجیل شده است. بیست و هفت مورد از این قبیل گفت و گوها و شهادت‌ها در خصوص عیسی و یا با عیسی در انجیل وجود دارد.

## مطالعه کلمات و عبارات

متن NASB (بروز شده) یوحنا ۱: ۱۹-۲۳

این است شهادت یحیی آنگاه که یهودیان، کاهنان و لایوان را از اورشلیم نزدش فرستادند تا از او بپرسند که «تو کیستی؟»<sup>۱۹</sup> او معترف شده، انکار نکرد، بلکه اذعان داشت که «من مسیح نیستم.»<sup>۲۰</sup> پرسیدند: «پس چه؟ آیا ایلیایی؟» پاسخ داد: «نیستم.» پرسیدند: «آیا آن پیامبری؟» پاسخ داد: «نه!»<sup>۲۱</sup> آنگاه او را گفتند: «پس کیستی؟ بگو چه پاسخی برای فرستندگان خود بپوشیم؟ درباره خود چه می‌گویی؟»<sup>۲۲</sup> یحیی طبق آنچه ایشعایی پیامبر بیان کرده بود، گفت: «من صدای آن نداکننده در بیابانم که می‌گوید، "راه خداوند را هموار سازید."»

۱۹: «یهودیان» در انجیل یوحنا این اشاره به (۱) مردم یهودیه که با عیسی دشمن بودند دارد یا (۲) فقط سران مذهبی قوم یهود (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۸، ۵: ۱۰، ۷: ۱۳، ۹: ۲۲، ۱۲: ۴۲، ۱۸: ۱۲، ۱۹: ۳۸، ۲۰: ۱۹).

برخی اساتید اظهار داشته اند که یک یهودی را به این شیوه خفت آور به یهودیان دیگر معرفی نمی‌کنند. با این حال، مخالفت یهودیان با مسیحیت پس از شورای جمنا در ۹۰ پس از میلاد شدت یافت.

کلمه یهودی اساسا به کسی که از قوم یهود باشد اطلاق می‌گردد. پس از آنکه ۱۲ قبیله در ۹۲۲ قبل از میلاد متفرق شدند، یهود تبدیل به نام سه قبیله‌ای شد که در بخش جنوبی ساکن بودند. هر دو پادشاهیهای یهودیان اسرائیل و یهود محکوم به تبعید شدند، ولی فقط برخی، عمدتا از قوم یهود، تحت فرمان کوروش در ۵۳۸ قبل از میلاد بازگردانده شدند. این اصطلاح تبدیل به عنوان بازماندگان یعقوب شد که در فلسطین زندگی می‌کردند در سراسر مدیترانه پراکنده بودند.

در یوحنا این اصطلاح عمدتا با مفهوم منفی به کار می‌رود، ولی مفهوم کلی آن را می‌توان در انجیل یوحنا ۲: ۶ و ۴: ۲۲ مشاهده کرد.

## موضوع خاص: یهودیان

### SPECIAL TOPIC: JEWS

در انجیل یوحنا این اسم اشاره دارد به

۱. مردم یهودیه که با عیسی دشمن بودند

۲. فقط سران مذهبی یهودی (برخی مثالهای مرتبط: انجیل یوحنا ۱: ۱۹، ۲: ۱۸، ۵: ۱۰، ۷: ۱۳، ۹: ۲۲، ۱۲: ۴۲، ۱۸: ۱۲، ۱۹: ۳۸، ۲۰: ۱۹)

برخی اساتید تصریح کرده اند که یک یهودی به سایر یهودیان به این شیوه ناخوشایند اشاره نمی‌کند. با این حال، مخالفت یهودیان با مسیحیت پس از شورای جمنا در سال ۹۰ میلادی شدت گرفت.

کلمه "یهود" اساسا به معنی "کسی از قبیله یهودا" است. پس از فروپاشی ۱۲ قبیله در سال ۹۲۲ قبل از میلاد، یهودا تبدیل به نام سه قبیله در بخش جنوبی شد (یهودا، بنجامین و لویتس/کشیشان قبیله لوی (Levi)، همچنین قبیله سیمون در همان اوایل در یهودا ادغام شد). هر دو پادشاهیهای یهودی، اسرائیل و یهودا به تبعید فرستاده شدند، ولی تعداد اندکی، که عمدتا از یهودا بودند دو دوران کوروش در سال ۵۳۸ قبل از میلاد بازگردانده شدند (به عزرا و نحمیا مراجعه شود). این کلمه بعدا تبدیل شد به عنوانی برای فرزندان یعقوب که در فلسطین زندگی می‌کردند و در سراسر دنیای مدیترانه پراکنده بودند.



■ "کشیشان و لاویان" ظاهراً یحیی تعمید دهنده نیز از اقوام کشیشان بود (رجوع شود به انجیل لوقا ۱: ۵ به بعد). این تنها مورد اشاره به کلمه "لاویان" در انجیل یوحنا است. آنها ظاهراً پلیس معبد بودند. اینها یک گروه رسمی حقیقت یاب بودند که از جانب مقامات مذهبی اورشلیم (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۴) اعزام شده بودند. کشیشان و لاویان معمولاً سادووس بودند، در حالیکه منشیها فریسی بودند (رجوع شود به یوحنا ۱: ۲۴). هر دو این گروه معمولاً یحیی تعمید دهنده را بازجویی می‌کردند. مخالفین سیاسی و مذهبی با یکدیگر بر علیه عیسی و پیروانش متحد شده بودند.

■ "کی هستی" همین سوال از عیسی در انجیل یوحنا ۸: ۲۵ پرسیده می‌شود. یحیی وعیسی به شیوه‌ای درس می‌دادند و عمل می‌کردند که رهبران را ناخشنود می‌کرد، زیرا هر دو نفر، این کلمات را در قالب اصطلاحات و تم اسکاتولوژیک پایان دوره عهد عتیق دیده بودند. پس این سوال به انتظارات یهودیان از پایان دوره، و شروع دوران یک شخصیت جدید مربوط می‌شود.

۱: ۲۰ "و او اعتراف کرد، و انکار نکرد بلکه اعتراف کرد" این عبارت یک انکار قوی سه جانبه است که از او انتظار می‌رفت، مسیح موعود.

### موضوع خاص: اعتراف/اقرار

۱. در زبان یونانی دو حالت متفاوت برای کلمه‌ای از یک ریشه برای "اعتراف" و "اقرار" به کار می‌رود، *exomologō / homologeō*. لفظ مرکب از *homo*، است مشابه *legō* به معنی صحبت کردن، یا *ex* به معنی بیرون از. معنی پایه گفتن یک مطلب مشابه یا موافق بودن است. حرف اضافه *ex* که اضافه شده دلالت بر اعلام عمومی است.

۲. ترجمه انگلیسی این کلمه مرکب اینها هستند:

a. Praise - ستایش

b. Agree - موافق

c. Declare - اعلام (رجوع شود به انجیل متی ۷:۲۳)

d. Profess - اقرار

e. Confess اعتراف (رجوع شود به عبرانیان ۴:۱۴ و ۱۰:۲۳)

۳. این کلمه مرکب کاربردهای متضاد هم دارد

a. ستایش کردن (خدا)

b. اقرار به گناه

اینها ممکن است نشات گرفته از احساسات انسانی نسبت به مقدس بودن خدا و گناهکار بودن خودش باشد. تأیید کردن حقیقت هر کدام تأیید کردن هر دو می‌باشد.

۴. کاربردهای این کلمه مرکب در عهد جدید به شرح زیر می‌باشند.

a. وعده دادن (رجوع شود به انجیل متی ۷:۱۴، اعمال رسولان ۱۷:۱۷)

b. موافقت کردن یا رضایت دادن به چیزی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۲۰، انجیل لوقا ۶:۲۲، اعمال ۲۴:۱۴، عبرانیان ۱۱:۱۳)

c. ستایش کردن (رجوع شود به انجیل متی ۱۱:۲۵، انجیل لوقا ۸:۱۲، انجیل یوحنا ۹:۲۲، رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۲:۱۱، اول یوحنا ۲:۲۳، مکاشفه ۳:۵)

d. موافق بودن با

i. یک فرد (رجوع شود به انجیل متی ۱۰:۳۲، انجیل لوقا ۸:۱۲، انجیل یوحنا ۹:۲۲، ۱۲:۴۲، رومیان ۹:۱۰، فیلیپیان ۲:۱۱، اول یوحنا ۲:۲۳، مکاشفه ۳:۵)

ii. حقیقت (رجوع شود به اعمال رسولان ۸:۲۳، اول یوحنا ۴:۲)

e. اعلام عمومی کردن (مفهوم قانونی و حقوقی در تأیید مذهبی وارد شده است، رجوع شود به اعمال رسولان ۱۴:۲۴، اول تیموتائوس ۶:۱۳)

i. بدون اقرار به گناه (رجوع شود به اول تیموتائوس ۶:۱۲ و عبرانیان ۱۰:۲۳)

با اقرار به گناه (رجوع شود به انجیل متی ۳:۶، اعمال رسولان ۱۸:۱۹، عبرانیان ۴:۱۴، یعقوب ۵:۱۶، اول یوحنا ۱:۹)

■ "مسیح" (The Christ) ترجمه یونانی کلمه عبری مسیح (Messiah) است که معنی آن "یکی را دوست دارد" است. در عهد عتیق مفهوم آن محبوب، شیوه‌ای بود برای تأیید بر صدا کردن محبوب خدا و تعیین کردن وظایفی برای او. پادشاهان، کشیشان، و پیامبران محبوبین بودند. باید آن شخص خاصی که عصر جدید عدالت را پایه‌ریزی می‌کرد شناسایی می‌شد. بسیاری فکر می‌کردند که یحیی تعمید دهنده آن مسیح موعود است (رجوع شود به انجیل لوقا ۳: ۱۵) زیرا او از چهار هزار و اندی سال قبل که نویسندگان عهد عتیق را نگاشته بودند، اولین سخنران الهام گرفته یهوه بود.

در این جا می‌خواهم توضیحات خودم را از دانیال ۹: ۲۶ در مورد "مسیح" اضافه کنم.

دانیال ۹: ۲۶

NASB	"مسیح"
NKJV	"مسیح"
NRSV	آن محبوب
TEV	"رهبر منتخب خدا"
NJB	"آن یگانه محبوب"

مشکل ترجمه این آیه بخاطر مفهوم احتمالی است که با کلمه مسیح یا آن محبوب همراه است (BDB 603):

۱. در مورد پادشاهان یهودی استفاده شده است (برای مثال اول سموئیل ۲: ۱۰ و ۱۲: ۳)
۲. در مورد کشیشان یهودی استفاده شده است (برای مثال لویان ۴: ۳ و ۵)
۳. در مورد کوروش استفاده شده است (اشعیا ۴۵: ۱)
۴. هر دو بندهای ۱ و ۲ با هم در مزمور ۱۱۰ و زکریا ۴
۵. در مورد فرستاده ویژه خدا که به عنوان پادشاه الهی می‌آید تا عصر جدید عدالت را با خود آورد
  - a. خط یهودا (رجوع شود به پیدایش ۴۹: ۱۰)
  - b. خانه جسی (رجوع شود به دوم سموئیل ۷)
  - c. حکومت جهانی (رجوع شود به مزمور ۲، اشعیا ۹: ۶، ۱۱: ۱ الی ۵، میکاه ۵: ۱ الی ۴)

من به شخصه به هویت "آن محبوب" برای عیسی ناصری به دلایل زیر علاقمندم:

- ۱- معرفی پادشاهی جاودانی در دانیال ۲ در دوران امپراتوری چهارم
- ۲- معرفی "یک پسر انسان" در دانیال ۷: ۱۳ که پادشاهی جاودانی به او اعطا می‌شود
- ۳- اصطلاحات مربوط به رستگاری دانیال ۹: ۲۴ که به نقطه اوج انحطاط تاریخ جهان اشاره می‌کند
- ۴- استفاده عیسی از کتاب دانیال در عهد جدید (رجوع شود به انجیل متی ۲۴: ۱۴، انجیل مرقس ۱۳: ۱۴)

۱: ۲۱ "پی چه؟ آیا الیاس هستی؟" زیرا الیاس نمرد بلکه توسط گردباد به بهشت برده شد (رجوع شود به دوم پادشاهان ۲: ۱)، باید او قبل از مسیح می‌آمد (رجوع شود به ملاکی ۳: ۱ و ۴: ۵). یحیی تعمید دهنده بیشتر مانند الیاس رفتار و عمل می‌کرد (رجوع شود به زکریا ۱۳: ۴).

■ "من نیستم" یحیی تعمید دهنده خود را در چهارچوب الهی در نقش الیاس (که او را پیامبر می‌نامید) نمی‌بیند، ولی عیسی او را به عنوان کسی می‌بیند که رسالت مسیح را تحقق می‌بخشد (رجوع شود به انجیل متی ۱۱: ۱۱ و ۱۷: ۱۲).

■ "آیا تو همان پیامبری؟" موسی پیش بینی کرده بود کسی همانند وی (که او وی را "آن پیامبر" نامیده بود) پس از وی خواهد آمد (مراجعه شود به تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۸، انجیل یوحنا ۱: ۲۵، ۶: ۱۴، ۷: ۴۰، اعداد ۳: ۲۲ و ۲۳، ۷: ۳۷). به دو شیوه متمایز این اصطلاح در عهد جدید به کار رفته است: (۱) در قالب یک شخصیت الهی متمایز از مسیح (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۷: ۴۰ و ۴۱) یا (۲) به عنوان شخصیتی که توسط مسیح هویتش شناسانده می‌شود.

■ "من صدای آن هستم که در بیابان گریه می‌کند" این نقل قولی است از ترجمه اشعیا ۴۰: ۳ تورات قدیمی (Septuagint) به تقلید از ملاکی ۳: ۱.

■ "راه خداوند را هموار سازید" این نقل قولی است از (اشعیا ۴۰: ۳) که در نوشته‌هایش در بخش سرود خادمین آمده (رجوع شود به اشعیا ۴۲: ۱ الی ۹، ۴۹: ۱ الی ۷، ۵۰: ۴ الی ۱۱، ۵۲: ۱۳ و ۵۳: ۱۲). آنها در ابتدا به اسرائیل اشاره می‌کردند ولی در اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲ سخن به فرد منتهی شد. مفهوم هموار کردن راه جهت آماده سازی بازدید پادشاه به کار رفته است. کلمه "هموار" در ارتباط با مفهوم الهی "عدالت" است.

کل این پاراگراف می‌تواند برای کمک به هدف الهی یوحنا‌ی شاگرد باشد زیرا چندین گروه اهریمنی در قرن اول بوجود آمده بودند که یحیی تعمید دهنده را به عنوان رهبر معنوی خود انتخاب کرده و با این کار وی را غافلگیر کرده بودند.

NASB: انجیل یوحنا ۱: ۲۴ الی ۲۸

<sup>۲۳</sup> شماری از آن فرستادگان که از فریسیان بودند، <sup>۲۵</sup> از او پرسیدند: "اگر تو نه مسیحی، نه ایلیا، و نه آن پیامبر، پس چرا تعمید می دهی؟" <sup>۲۶</sup> یحیی در پاسخ گفت: "من با آب تعمید می دهم، اما در میان شما کسی ایستاده که شما او را نمی شناسید، <sup>۲۷</sup> همان که پس از من می آید و من لایق گشودن بند کفشش نیستم."  
<sup>۲۸</sup> اینها همه در بیت عنیا واقع در آن سوی رود اردن رخ داد، آنجا که یحیی تعمید می داد.

۱: ۲۴ "شماری از آن فرستادگان که از فریسیان بودند" این متن مبهم است. می تواند به این معنی باشد (۱) فریسیان سوال کنندگان از یحیی را فرستاده بودند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۹) یا (۲) سوال کنندگان فریسی بودند، که غیر معمول است زیرا باید به این نکته توجه کرد که کشیشان سادوجس بودند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۹). به نظر می رسد به گروه دیگری غیر از آنچه در انجیل یوحنا ۱: ۱۹ آمده، اشاره می شود.

## موضوع خاص: فریسیان

(SPECIAL TOPIC: PHARISEES)

- I. منشا این اصطلاح احتمالا یکی از موارد زیر است
- A. "جدا بودن". این گروه در طول دوره مکابی بسط یافتند (این دیدگاه بیشتر پذیرفته شده است)، و خود را از توده مردم جدا کردند تا سنتهای شفاهی قوانین موسی را حفظ کنند (*Hasidim*).
- B. "تقسیم کردن" یک معنی دیگر این اصطلاح از همان ریشه عبری لغت است (BDB 827, BDB 831 I, KB 976)، هر دو به معنی تقسیم کردن هستند. برخی اساتید می گویند معنی آن مفسر یا مترجم است (مراجعه شود به نحما ۸: ۸، دوم تیموتائوس ۲: ۱۵).
- C. "پارسی" این معنی دیگر این اصطلاح از همان ریشه آرامی است (BDB 828, KB 970). برخی از دکتربین های فریسیان وجوه اشتراک زیادی با دوالیسم زرتشتیان ایران دارد.
- II. نظریات زیادی وجود دارند که چه کسی فریسیان را به وجود آورد
- A. یک بخش خداشناسی از یهودیسم اولیه (جوزفوس)
- B. یک گروه سیاسی از دوره های هاسمونیان و هردویان
- C. یک گروه اساتید مفسرین موسی که به مردم عادی کمک می کردند پیمان موسی و سنتهای شفاهی پیرامون آن را درک کنند
- D. جنبشی از منشیان، مانند عزرا و Great Synagogue، در رقابت با رهبری روحانیون معبد شکل گیری آنها ناشی از درگیری گروه های زیر بود
۱. مافوقهای غیر یهودی (به خصوص آنتیخوس چهارم)
۲. اشراف در مقابل شریعت
۳. آنان که به پیمان زندگی متعهد بودند در برابر یهودیان عامی فلسطین
- III. اطلاعات ما در مورد آنها از این منابع است
- A. جوزفوس که فریسی بود
۱. *Antiquities of the Jews*
۲. *Wars of the Jews*
- B. عهد جدید
- C. منابع جدیدتر یهود
- IV. دکتربین اصلی آنها
- A. اعتقاد به آمدن مسیح، که تحت تاثیر ادبیات آخرالزمانی یهود قرار گرفته بود، مانند اول انوش.
- B. اعتقاد به اینکه در زندگی روزانه ما خدا فعال است. این کاملا مخالف اعتقادات صدوقیان بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸).
- C. بسیاری از دکتربین های فریسیان از دیدگاه الهیات و خداشناسی در نقطه متضاد دکتربین های صدوقیان بود.
- D. اعتقاد بر زندگی پس از مرگ بر اساس زندگی شیوه زندگی زمینی، که شامل پاداش و مجازات است (مراجعه شود به دانیال ۱۲: ۲)
- D. اعتقاد بر اقتدار فرامین خدا در عهد عتیق بر اساس آنچه که در مدارس روحانیون تفسیر می شدند (شامای، محافظه کار و هیلل، لیبرال). تفسیر روحانیون بر اساس مناظره میان روحانیون دو مکتب فلسفی مختلف صورت می گرفت، یکی محافظه کار و دیگری لیبرال. این مناظرات شفاهی بر اساس معنی کتاب مقدس نهایتا در دو حالت نوشته می شدند: تلمود بابلی و تلمود غیر کامل

فلسطینی. آنها معتقد بودند که موسی این تفاسیر شفاهی را در کوه سینا گرفته است. شروع تاریخی این مباحثات با عزرا و مردان *Great Synagogue* که بعداً سانهدرین نامیده شدند آغاز شد.

E. اعتقاد به فرشته شناسی والا. این شامل هم معنویت خوب و معنویت شیطانی بود. این از دو الیسم پارسی و ادبیات کتاب مقدس یهود بسط یافت.

F. اعتقاد به پادشاهی خدا، و البته آزادی اراده انسان (*yetzers*)

V. قدرت جنیش فریسیان

A. آنها عاشق مکاشفه خدا بوده و به آن احترام می گذاشتند و اعتماد داشتند. (یعنی تمام آن، منجمله قوانین، پیامبران، نوشته‌ها، و سنتهای شفاهی).

B. آنها متعهد بودند که پیروان صادق (ایمان روزانه و زندگی) مکاشفه خدا باشند. آنها یک اسرائیل تحت عدالت می خواستند تا وعده‌های نبوتی روز جدید و پر رونق تحقق یابد.

C. آنها حامی برابری جامعه یهود بودند که شامل تمامی مردم از تمامی اقشار و سطوح بود. به مفهومی، آنها رهبری روحانیون (یعنی صدوقیان) و الهیات آنها را رد می کردند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۸).

D. آنها با یک مولفه انسانی معبر بر پیمان موسی فائق آمدند. آنها تماماً پادشاهی خدا تصریح کردند، ولی همچنین نیاز انسان بر تجربه آزادی اراده را حفظ نمودند (دو *yetzers*).

E. عهد جدید از چندین فریسی قابل احترام نام می برد (مثلاً نیکودیموس، حاکم ثروتمند جوال، و جوزف ازآریماتئا).

VI. آنها تنها گروه قرن اول یهودی بودند که از تخریب اورشلیم و معبد توسط رومیان در سال ۷۰ میلادی باقی ماندند. آنها یهودیان مدرن شدند.

۱: ۲۵ "پس چرا تعمید می دهی؟" تعمید برای کسانی که می خواستند به کیش دیگری درآیند در یهودیت باستان متداول بود، ولی برای خود یهودیان خیلی غیر معمول بود که تعمید داده شوند (البته یهودیان فرقه قمران و عبادت کنندگان قبل از ورود به معبد، خودشان خود را تعمید می دادند). این عبارت می تواند شامل ملزومات مسیحیت که در اشعیا ۵۲: ۱۵، حزقیال ۳۶: ۲۵ و زکریا ۱۳: ۱ آمده باشد.

■ "اگر" این یک جمله شرطی نوع اول می باشد که تصور می شود از دید نویسنده شرط درست است یا اینکه بخاطر نوع متنش این چنین نوشته است.

■ "نه مسیح، نه الیاس و نه پیامبر" جالب است که در کنار بحرالامیت این سه شخصیت *Essene* که نمایانگر سه شخصیت متفاوت از دیدگاه مسیحیت بودند، دیده می شود. و البته جالب است که برخی از رهبران اولیه کلیسا معتقد بودند که الیاس به طور فیزیکی قبل از ظهور دوم مسیح خواهد آمد (رجوع شود به کریسوستوم، جروم، گرگوری و آگوستین).

۱: ۲۶ "من با آب تعمید می دهم" حرف اضافه "با" می تواند به معنی "در" هم باشد. هر گزینه‌ای که انتخاب شود باید با انجیل یوحنا ۱: ۳۳ در ارتباط با "روح القدس" همسو باشد.

■ "اما در میان شما کسی ایستاده" در نوشته‌های مختلف حالت‌های زمانی متفاوتی برای فعل "ایستاده" به کار برده شده است. *UBS* به زمان کامل امتیاز "ب" را داده است (تقریباً یقین است).

بروس م. متزگر اظهار می دارد که به کار بردن افعال زمان کامل ویژگی یوحنا است و در زبان عبری معادل "کسی که در میان شما ایستاده است"، می باشد (صفحه ۱۹۹).

۱: ۲۷ "همان که پس از من می آید و من لایق گشودن بند کفشش نیستم" این به بردگانی اشاره می کند که وظیفه داشتند وقتی اربابشان وارد خانه می شد باید صندل‌هایشان را از پایشان در می آوردند (به عنوان پست‌ترین و دون مایه‌ترین کاری که یک برده می توانست انجام دهد). علمای یهودی می گفتند که شاگردانشان می توانند هر کاری که بخواهند برایشان انجام دهند غیر از درآوردن کفش آنها. همچنین یک بخش دیگر کار درآوردن کفش و گذاشتن آن در محل تعیین شده برای آنها ذکر نشده است. این همچنین یک استعاره از نهایت فروتنی است.

۱: ۲۸ "بیت عنیا" در نسخه شاه جیمزانجیل نام آن بتابارا ( $MSS^2$ ،  $C^2$ ) ذکر شده است. این به واسطه آن است که ترجمه مترجم اورینگن (و تمثیل نام مکان) در مورد محل و نام مکان اعتماد نداشته است. نام درست بیت عنیا است (*Bodmen Papyrus* صفحه ۶۶) - نه آن که در جنوب شرقی اورشلیم است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸)، بلکه شهری است در سمت مقابل جریکو، در طرف دیگر رود اردن (سمت شرقی).

متن NASB (بروز شده): انجیل یوحنا ۱: ۲۹-۳۴

<sup>۲۹</sup> فردای آن روز، یحیی چون عیسی را دید که به سویش می آید، گفت: «این است بره خدا که گناه از جهان برمی گیرد!»<sup>۳۰</sup> این است آن که

درباره‌اش گفتیم "پس از من مردی می‌آید که بر من برتری یافته، زیرا پیش از من وجود داشته است." <sup>۳۱</sup> من خود نیز او را نمی‌شناختم، اما برای همین آمده‌ام و با آب تعمید داده‌ام که او بر اسرائیل ظاهر شود." <sup>۳۲</sup> پس یحیی شهادت داده، گفت: «روح را دیدم که چون کبوتری از آسمان فرود آمد و بر او قرار گرفت. <sup>۳۳</sup> من خود نیز او را نمی‌شناختم، اما همان که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهم، مرا گفت: "هر گاه دیدی روح بر کسی فرود آمد و بر او بماند، بدان همان است که با روح القدس تعمید خواهد داد." <sup>۳۴</sup> و من دیده‌ام و شهادت می‌دهم که این است پسر خدا.»

۱: ۲۹ "این است بره خدا" جشن عید پسخ دور نبود (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۳). بنابراین، احتمالاً به دادن گوسفند قربانی (از مصر) برای عید پسخ تشبیه شده است (یعنی رستگاری) (رجوع شود به سفر خروج ۱۲). یوحنا همچنین در همان روزی که گوسفند عید پسخ سلاخی شد، محل مرگ عیسی را تعیین کرد (یعنی روز "آماده سازی"). با این حال تفسیرهای دیگری هم وجود دارند:

۱. ممکن است به خادمین رنج کشیده اشاره داشته باشد (اشعیا ۵۳: ۷)
۲. ممکن است به حیوانی که در مذبح گرفته شد در پیدایش ۲۲: ۸ و ۱۳ اشاره داشته باشد
۳. ممکن است به هدایای روزانه به معبد که "همیشگی" نامیده می‌شد (سفر خروج ۲۹: ۳۸ الی ۴۶)

معانی دقیق آنها هر چه می‌خواهد باشد، همگی بر هدف قربانی کردن بره فرستاده شده، اشاره دارند (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵).

این استعاره قوی برای قربانی شدن و مرگ عیسی هرگز توسط پل استفاده نشد و فقط و به سختی توسط یوحنا به کار رفته است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹ الی ۳۶، و همچنین یادداشت اعمال رسولان ۸: ۳۲ و اول پطرس ۱: ۱۹). اصطلاح یونانی "بره کوچک" (کوچک زیرا فقط یک ساله بود، و این سن معمول برای هدایای قربانی بود)، کلمه متفاوتی توسط یوحنا در انجیل یوحنا ۲۱: ۱۵ و بیست و هشت بار در مکاشفه استفاده شده است.

یک احتمال دیگر در مورد تشبیه یحیی تعمید دهنده وجود دارد: ادبیات تعاملی در مورد آخر زمان و اینکه در نهایت "بره" جنگجوی فاتح است. جنبه قربانی شده هنوز وجود دارد، ولی بره به عنوان قاضی پیشگام آخر زمان است (رجوع شود به مکاشفه ۵: ۵ و ۶ و ۱۲ و ۱۳).

■ "که گناه از جهان برمی‌گیرد" عبارت "بر می‌گیرد" به معنی این است که "می‌گیرد و با تحمل آن را دور می‌سازد". این فعل خیلی شبیه به مفهوم "کسی که قربانی دیگران می‌شود" در لاویان ۱۶ است. همین واقعیت که گناه جهان ذکر شده دلالت بر طبیعت کلی وظیفه بره است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۹، ۳: ۱۶، ۴: ۴۲، تیموتائوس ۲: ۴، ۴: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۲ و ۴: ۱۴). توجه کنید که گناه مفرد است نه جمع. عیسی باید مشکل "گناه" جهان را برطرف کند.

۱: ۳۱ "که او بر اسرائیل ظاهر شود" این یک عبارت متداول یوحنایی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱، ۳: ۲۱، ۷: ۴، ۹: ۳، ۱۷: ۶، ۲۱: ۱۴، اول یوحنا ۱: ۲، ۲: ۱۹، ۳: ۲ و ۵ و ۸، ۴: ۹)، ولی در انجیل‌های سینوپتیک نادر است، و فقط در انجیل مرقس ۴: ۲۲ ظاهر شده است. در زبان عبری با اصطلاح شناختن بازی شده است، چون در رابطه دوستانه با کسی بیش از واقعیات درباره آن شخص صحبت می‌کند. هدف تعمید یحیی دو جانبه بود: (۱) به منظور آماده ساختن مردم و (۲) شناساندن مسیح. به نظر می‌رسد که در این عبارت فعل "ظاهر شدن" با فعل "افشا شدن/کردن" در نوشته‌های یوحنا جابجا شده باشد. عیسی به وضوح فرد را به نور و پیام خدا می‌رساند.

۱: ۳۲ "روح القدس را دیدم که چون کبوتری از آسمان فرود آمد و بر او قرار گرفت" این روش اشعیا (اشعیا ۴۰ الی ۶۶) برای شناساندن مسیح بود (رجوع شود به اشعیا ۴۲: ۱، ۵۹: ۲۱، ۶۱: ۱). این بدین معنی نیست که دلالت بر آن داشته باشد که عیسی تا قبل از این روح القدس را نداشته است. این سمبلی است از انتخاب ویژه خداوند و آراستن وی. این پیام و نشان، اساساً برای عیسی نبود بلکه برای یحیی تعمید دهنده بود.

جهان بینی یهودیان برای دو عصر است، عصر پلید حاضر و عصر عدالت که باید فرا برسد. عصر جدید عصر روح القدس نامیده می‌شد. این بینش به یحیی تعمید دهنده می‌گفت که (۱) این یکی مسیح است و (۲) عصر جدید طلوع کرده است.

## موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد

(SPECIAL TOPIC: THIS AGE AND THE AGE TO COME)

پیامبران عهد عتیق آینده را به صورت ادامه حال دیدند. برای آنها آینده تجدید حیات جغرافیایی اسرائیل است. با این حال، آنان به صورت روز جدیدی به آن نگاه می‌کردند (مراجعه شود به اشعیا ۱۷:۶۵، ۲۲:۶۶). با تداوم انکار یهوه توسط فرزندان خودسر ابراهیم (حتی پس از تبعید) یک الگوی جدید در ادبیات آخر زمانی یهودیان شکل گرفت (مراجعه شود به انوش ۱، عزرا ۴، باروخ ۲). این نوشته‌ها تمایزی میان دو عصر ایجاد کردند: عصر حاضر شیطانی که شیطان بر آن غلبه دارد و عصر عدالت که خواهد آمد و روح القدس بر آن حاکم خواهد بود و توسط مسیح آغاز می‌شود (عمدتاً یک جنگجوی پویا).

در این عصر خداشناسی (اسکاتولوژی) توسعه مشهودی وجود دارد. خداشناسان به این "مکاشفه در حال پیشرفت" می‌گویند. عهد جدید این واقعیت کیهانی از دو عصر را تصریح می‌کند (دوالیسم موقتی)

عبرانیان (پولس)	پولس	عیسی
عبرانیان ۱:۲، ۵:۶، ۱۳:۱۱	رومیان ۱۲:۲	انجیل متی ۱۲:۲۲، ۱۲:۳۹ و
	اول قرنتیان ۱:۲۰، ۲:۶ و ۸، ۳:۱۸	انجیل مرقس ۱۰:۳۰
	دوم قرنتیان ۴:۴	انجیل لوقا ۸:۱۶، ۱۸:۳۰، ۲۰:۳۴ و ۳۵
	غلاطیان ۱:۴	
	افسیان ۱:۲۱، ۲:۲ و ۷، ۶:۱۲	
	اول تیموتائوس ۶:۱۷	
	دوم تیموتائوس ۴:۱۰	
	تیتوس ۲:۱۲	

در الهیات عهد جدید این دو عصر یهودی به واسطه پیش بینی غیر منتظره دو آمدن مسیح مورد همپوشانی قرار می‌گیرند. تولد دوباره مسیح (قیام از مردگان) عمده رسالت عهد عتیق را در مورد شروع عصر جدید تحقق بخشید (دانیال ۲:۴۴ و ۴۵). با این حال، عهد عتیق آمدن او را به عنوان قاضی و فاتح دیده، در حالی که او در بار اول به عنوان خدمتگزار رنج دیده آمد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳، زکریا ۱۰:۱۲)، فروتن و بردبار (مراجعه شود به زکریا ۹:۹) بود. او درست همانطور که عهد عتیق پیش‌بینی کرده بود، به قدرت باز خواهد گشت (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹). این تحقق دو مرحله باعث شدند که پادشاهی در زمان حال باشد (آغاز شود)، نه در زمان آینده (به طور کامل تحقق نیافته است). این تنش "قبلا ولی نه هنوز" عهد جدید است.

## موضوع خاص: شخصیت روح

(Special Topic: Personhood Of The Spirit)

در عهد عتیق "روح خدا" (ruach) نیرویی بود که هدف یهوه را تحقق می‌بخشید، ولی اشاره کوچکی هست که فردی بود (یکتاشناسی عهد عتیق، به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه شود). با این حال، در عهد جدید شخصیت کامل و فردیت روح افشا می‌شود:

۱. می‌توان به او توهین کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲:۳۱، انجیل مرقس ۳:۲۹)
۲. آموزش می‌دهد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۲:۱۲، انجیل یوحنا ۱۴:۲۶)
۳. شهادت می‌دهد (انجیل یوحنا ۱۵:۲۶)
۴. محکوم، هدایت می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶:۷ الی ۱۵)
۵. می‌توان وی را "او" خطاب کرد (hos، مراجعه شود به افسسیان ۱:۱۴)
۶. می‌تواند ترسناک باشد (مراجعه شود به افسسیان ۴:۳۰)

۷. می تواند فرو بنشیند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۹)
  ۸. می تواند مقاومت کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۱)
  ۹. او حامی مومنین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)
  ۱۰. او پسر را جلال می دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۴)
- متون تثلیث (در اینجا به سه مورد از بسیار موارد اشاره می کنیم، موضوع خاص تثلیث را بخوانید) از سه فرد صحبت می کنند

۱. انجیل متی ۲۸: ۱۹

۲. دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴

۳. اول پطرس ۱: ۲

هر چند کلمه یونانی روح (*pneuma*) خنثی است، وقتی به روح القدس اشاره می شود، عهد جدید عمدتاً از صفت نشان دهنده مذکر استفاده می کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۸ و ۱۳ الی ۱۴)

روح به فعالیت های انسان مرتبط است

۱. اعمال رسولان ۱۵: ۲۸

۲. رومیان ۸: ۲۶

۳. اول قرنتیان ۱۲: ۱۱

۴. افسسیان ۴: ۳۰

در ابتدای اعمال رسولان، بر نقش روح تاکید میشود (همانند انجیل یوحنا). پنتیکاست شروع کار روح نیست، بلکه فصل جدیدی است. عیسی همیشه روح داشت. تعمیر او شروع کار روح نبود، بلکه فصل جدیدی بود. روح ابزار موثر هدف پدر برای احیای انسانها است که از تصویر او ساخته شده اند (به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی بیهوده مراجعه شود)!

#### ■ "کبوتر" استفاده شده

۱. به عنوان نشان علمای یهود برای اسرائیل (هوشع ۷: ۱۱)
۲. به عنوان اشاره به روح القدس در قالب یک کبوتر ماده "تفکر عمیق" بر خلقت در سفر پیدایش ۱: ۲ در تارگوم
۳. در فیلیو به عنوان نشان خرد
۴. به صورت استعاره در مورد رفتاری که به واسطه آن روح القدس نازل می شود (روح القدس پرنده نیست)

#### ■ "قرار گرفت" به موضوع خاص: پایداری در نوشته های یوحنا مراجعه شود

### موضوع خاص: پایداری در نوشته های یوحنا

#### SPECIAL TOPIC: PERSEVERE

انجیل یوحنا رابطه خاص میان خدای پدر و عیسی پسر را توصیف می کند. یک صمیمیت دوجانبه بر اساس پیروی و برابری عیسی است. در طول انجیل عیسی آنچه را که پدر می گوید و می شنود می گوید، آنچه را که پدر انجام می دهد، انجام می دهد. عیسی خودسرانه عمل نمی کند، بلکه بر اساس اراده پدر عمل می کند (یعنی انجیل یوحنا ۵: ۱۹ و ۳۰، ۸: ۲۸، ۱۲: ۴۹، ۱۴: ۱۰ و ۲۴).

این دوستی صمیمانه و خدمتگزارانه الگوی رابطه میان او و پیروانش است. این دوستی و همکاری صمیمانه، برای جذب فرد نیست (مطابق آنچه که در اسطوره های شرقی آمده)، بلکه مشابه سازی یک سبک زندگی معنوی و اخلاقی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۵، اول پطرس ۲: ۲۱). دوستی وی بر این اساس است:

۱. شناخت (جهان بینی پیام خوش به عنوان کلام خدا)
۲. رابطه (عیسی، همان مسیح وعده داده شده خدا است که باید به او اعتماد و تکیه کرد)
۳. اخلاق (شخصیت او در مومنان خدا به وجود آمده)

عیسی یک انسان ایده ال است، اسرائیلی واقعی، استاندارد انسانیت. او آنچه را که آدم باید می داشت و می توانست (از نظر انسانی) داشته باشد، فاش

می‌کند. عیسی اوج تصویر خداست. او تصویر الهیت سقوط کرده در نوع بشر را احیا می‌کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) با:

۱. مکاشفه کامل، منحصر به فرد و والای خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۱۸، ۱۴: ۷ الی ۱۰، کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۱ الی ۲)
  ۲. به جای ما مردن (به جای ما کفاره دادن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱)
  ۳. ارائه یک نمونه به انسانها برای پیروی و اطاعت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۵، اول پطرس ۲: ۲۱، اول یوحنا ۱: ۷)
- اصطلاح "پایداری" (*menō*) منعکس کننده هدف شبیه مسیح بودن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۴: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، ۵: ۲۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، تیتوس ۲: ۴، اول پطرس ۱: ۱۵)، احیا "سقوط" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳). تجدید رابطه خدا و اشرف مخلوقاتش، نوع بشر، با هدف دوستی را پولوس شاگرد "در عیسی" و یوحنا شاگرد آن را "پایداری در من" می‌نامند (متن اصلی در انجیل یوحنا ۱۵ است).
- به استفاده‌های یوحنا توجه کنید:

۱. پایداری میان پدر و پسر
  - a. پدر در پسر (انجیل یوحنا ۱۰: ۳۸، ۱۴: ۱۰ و ۱۱، ۱۷: ۲۱ و ۲۳)
  - b. پسر در پدر (انجیل یوحنا ۱۰: ۳۸، ۱۴: ۱۰ و ۱۱، ۱۷: ۲۱)
۲. پایداری میان خدا و مومن
  - a. پدر در مومن (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰ و ۲۳، اول یوحنا ۳: ۲۴، ۴: ۱۲ الی ۱۳ و ۱۵)
  - b. مومن در پدر (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰ و ۲۳، ۱۷: ۲۱، اول یوحنا ۲: ۲۴ و ۲۷، ۴: ۱۳ و ۱۶)
  - c. پسر در مومن (انجیل یوحنا ۶: ۵۶، ۱۴: ۲۰ و ۲۳، ۱۵: ۴ و ۵، ۱۷: ۲۳)
  - d. مومن در پسر (انجیل یوحنا ۶: ۵۶، ۱۴: ۲۰ و ۲۳، ۱۵: ۴ و ۵ و ۷، اول یوحنا ۲: ۶ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۸)
۳. سایر عناصر پایداری (مثبت)
  - a. کلام خدا
    - i. به صورت منفی (انجیل یوحنا ۵: ۳۸، ۸: ۳۷، اول یوحنا ۱: ۱۰، دوم یوحنا ۹)
    - ii. به صورت مثبت (انجیل یوحنا ۸: ۳۱، ۱۵: ۲، اول یوحنا ۲: ۱۴ و ۲۴، دوم یوحنا ۹)
  - b. عشق خدا (انجیل یوحنا ۱۵: ۹ و ۱۰، ۱۷: ۲۶، اول یوحنا ۳: ۱۷، ۴: ۱۶)
  - c. روح خدا
    - i. در پسر (انجیل یوحنا ۱: ۳۲)
    - ii. در مومن (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷)
  - d. اطاعت پایداری است (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵ الی ۲۱، ۲۳ الی ۲۴، ۱۵: ۱۰، انجیل لوقا ۶: ۴۶، اول یوحنا ۳: ۲۴)
  - e. عشق پایداری در نور است (اول یوحنا ۲: ۱۰)
  - f. انجام دادن اراده خدا پایداری است (اول یوحنا ۲: ۱۷)
  - g. تدهین پایداری است (اول یوحنا ۲: ۲۷)
  - h. درستی پایداری است (دوم یوحنا ۲)
  - i. پسر پایداری است (انجیل یوحنا ۸: ۳۵، ۱۲: ۳۴)
۴. سایر عناصر پایداری (منفی)
  - a. خشم خدا پایدار است (انجیل یوحنا ۳: ۳۶)
  - b. پایداری در تاریکی (انجیل یوحنا ۱۲: ۴۶)
  - c. به دور انداختن.... سوزاندن (عدم پایداری، انجیل یوحنا ۱۵: ۶)
  - d. گناه کردن (عدم پایداری، اول یوحنا ۳: ۶)
  - e. دوست نداشتن (عدم پایداری، اول یوحنا ۳: ۱۴)



۱: ۳۳ "من خود نیز او را نمی‌شناختم" این دلالت بر آن دارد که یحیی تعمید دهنده عیسی را به عنوان مسیح نمی‌شناخت، نه اینکه اصلا او را نمی‌شناخت. به عنوان خویشاوند، قطعاً همدیگر را در دیدارهای خانوادگی یا گردهمایی‌های مذهبی در طی سالها دیده بودند.

■ "اما همان که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهم، مرا گفت" خدا همانگونه که با سایر پیامبران در عهد عتیق صحبت کرده بود، با یحیی نیز صحبت کرد. یحیی باید مسیح را با اعمال خاصی که در طی تعمید او رخ می‌داد می‌شناخت.

تعمید یحیی نیازمند یک اقتدار مذهبی بود. هیئت اعزامی رسمی از اورشلیم (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۹ الی ۲۸) می‌خواست بدانند منبع این اقتدار کیست. یحیی تعمید دهنده این اقتدار را به عیسی نسبت داد. تعمید با روح القدس عیسی بالاتر از تعمید با آب یحیی بود. تعمید خود عیسی در آن تبدیل به نشانی از تعمید با روح القدس است، ورود به عصر جدید!

■ "بدان همان است که با روح القدس تعمید خواهد داد" از اول قرن‌تین ۱۲: ۱۳ به نظر می‌رسد که این مفهوم در ارتباط با در نظر گرفتن فرد به عنوان شخصی از اعضا خانواده خدا است. روح القدس گناهکاران را محکوم می‌کند، عاشق مسیح می‌سازد، با تعمید تبدیل به مسیح می‌کند و مسیح را به مومن جدیدی تبدیل می‌سازد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۳).

۱: ۳۴ "من دیده‌ام و شهادت می‌دهم" اینها هر دو زمان کامل فعال و دلالت‌کننده هستند که دلالت بر این دارند که عملی در گذشته انجام شده و کامل شده و بعد ادامه یافته است. این بسیار شبیه به اول یوحنا ۱: ۱ الی ۴ است.

■ "که این است پسر خدا" ممکن است تعجب کنید که اگر کلمه یونانی *paῖs* که معمولاً به عنوان خادم ترجمه می‌شود، منعکس کننده کلمه عبری (*ebed*, BDB 712) در LXX می‌تواند زمینه‌ای برای "پسر" باشد. اگر چنین باشد، پس اشعیا ۵۳ (همانند "بره" خدا در یوحنا ۱: ۲۹) در عهد عتیق استعاره است به جای دانیال ۷: ۱۳. عیسی هم پسر و هم خادم هر دو است! او ایمان آورندگان را به "فرزند" تبدیل می‌کند نه "خادم".

همین عنوان برای تثنائیل در انجیل یوحنا ۱: ۴۹ استفاده شده است. همچنین توسط شیطان در انجیل متی ۴: ۳ هم استفاده شده است. یک نوشته یونانی جالبی و متفاوتی وجود دارد که در MSS P<sup>5</sup>، پیدا شده که می‌گوید "آن منتخب خدا" به جای اینکه بگوید "آن پسر خدا" (UBS به "آن پسر خدا" رتبه "ب" را می‌دهد). عبارت "پسر خدا" در انجیل یوحنا بسیار متداول است. ولی اگر فرضیات منطقی منتقدین را دنبال کنیم، عجیب‌ترین و غیر متداولترین کلمات احتمالاً اصلی باشند، سپس حداقل احتمال دیگری وجود دارد هر چند شهادت دستنوشته محدود است. گوردون فی بر روی این تفاوت در مقاله خود تحت عنوان "The Textual Criticism of the New Testament" صفحات ۴۱۹ تا ۴۳۳، در بخش مقدمه جلد "The Expositor's Bible Commentary" بحث می‌کند:

"در انجیل یوحنا ۱: ۳۴، یحیی تعمید دهنده می‌گوید: این پسر خداست (نسخه شاه جیمز، نسخه استاندارد بازمینی شده) یا این همان منتخب خداست (انجیل انگلیسی جدید و انجیل اورشلیم)؟ شواهد MS تقسیم شده‌اند، حتی میان اولین نسخ. "پسر" در شواهد کلیدی اسکندریه‌ای یافت شده است (صفحه ۶۶، ۷۵، C, B, L cop<sup>bo</sup>، همچنین در چندین دستنوشته قدیمی لاتین (C, B, aur, flg) و بعداً در شهادت‌های سوری، در حالیکه "آن منتخب" در نوشته‌های اسکندریه‌ای P<sup>5</sup>, K, cop<sup>sa</sup> و همچنین در نوشته‌های قدیمی لاتین a, b, e, ff<sup>2</sup> و سوری قدیم قویتر است. "در نهایت باید سوال را با زمینه‌های داخلی تعیین کرد. در خصوص احتمالات دستنوشته‌ای، یک نکته مشخص است: تنوع تعمیدی است، نه تصادفی (رجوع شود به Bart D. Ehrman's *The Orthodox Corruption of Scripture* صفحات ۶۰ و ۷۰). ولی آیا نوشته قرن دوم متن را تغییر داد که از نوعی پذیرش (adoptionism) در مسیحیت شناسی حمایت کند یا نوشته ارتدکس این احتمال را احساس کرد که تعیین "آن منتخب" ممکن است استفاده شود تا از پذیرش حمایت شود، و بنابراین آن را با دلایل ارتدکسی تغییر داد؟ با در نظر گرفتن احتمالات، دومی نزدیکتر به نظر می‌رسد، به خصوص از آنجا که پسر در جاهای دیگر در انجیل تغییر نکرده تا دیدگاه‌های طرفداران پذیرش را حفظ کند."

ولی تصمیم نهایی باید با تفسیر همراه باشد. از آنجا که آنچه یحیی تعمید دهنده گفت، تقریباً و یقیناً منظور مسیح بود نه الهیات مسیحیت، سوال این است که آیا این منعکس کننده مسیحیت شناسی مانند آنچه در مز مور ۲: ۷ آمده، می‌باشد یا آنچه که در اشعیا ۴۲: ۱ آمده است. با توجه به موضوع اصلی رنجی که تحمل می‌کند، یا پسح یا بره انجیل یوحنا ۱: ۲۹، یقیناً اینکه آن منتخب در متن انجیل مناسبتر است، قابل بحث می‌باشد.

<sup>۳۵</sup> فردای آن روز، دیگر بار یحیی با دو تن از شاگردانش ایستاده بود. <sup>۳۶</sup> او بر عیسی که راه می‌رفت، چشم دوخت و گفت: «این است بره خدایا!» <sup>۳۷</sup> چون آن دو شاگرد این سخن را شنیدند، از پی عیسی به راه افتادند. <sup>۳۸</sup> عیسی روی گرداند و دید که از پی او می‌آیند. ایشان را گفت: «چه می‌خواهید؟» گفتند: «زَبّی (یعنی ای استاد)، کجا منزل داری؟» <sup>۳۹</sup> پاسخ داد: «بیاید و ببینید.» پس رفتند و دیدند کجا منزل دارد و آن روز را با او به سر بردند. آن وقت، ساعت دهم از روز بود. <sup>۴۰</sup> یکی از آن دو که با شنیدن سخن یحیی از پی عیسی رفت، آندریاس، برادر شمعون پطرس بود. <sup>۴۱</sup> او نخست، برادر خود شمعون را یافت و به او گفت: «ما مسیح را (که معنی آن 'مسح شده' است) یافته‌ایم.» <sup>۴۲</sup> و او را نزد عیسی برد. عیسی بر او نگریست و گفت: «تو شمعون پسر یوحناپی، اما 'کیفا' خوانده خواهی شد (که معنی آن صخره است).»

۱: ۳۵ "دو تن از شاگردانش" در انجیل مرقس ۱: ۱۶ الی ۲۰ به نظر می‌رسد که از شیوه دیگری برای خطاب کردن این دو شاگرد استفاده شده است. مشخص نیست چه میزان تماسهای قبلی میان عیسی و شاگردان جلیلی او رخ داده بوده است. در دوران عیسی، مراحل مشخصی از شاگردی و آن هم به صورت تمام وقت باید طی می‌شد تا فرد بتواند دنباله روی یک عالم یهودی شود. این فرایندها در منابع علمای یهود نگاشته و ثبت شده‌اند، ولی دقیقاً در انجیل پیروی نشده‌اند. دو شاگرد اشاره شده اندریاس (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۰) و یوحنا شاگرد هستند (که یوحنا هرگز از خودش در انجیل نام برده است).

کلمه شاگرد می‌تواند معنی (۱) یادگیرنده و یا (۲) پیرو را داشته باشد. این عنوان اولیه‌ای بود که به کسانی که به عیسی مسیح به عنوان مسیح موعود یهود ایمان می‌آوردند اطلاق می‌شد. این مهم است که توجه شود که عهد جدید به دنبال پیروان جدید است، نه فقط تصمیمات (رجوع شود به انجیل متی ۱۲، ۲۸: ۱۸ الی ۲۰). مسیحیت در ابتدا تصمیم است (توبه و ایمان) که در پی آن تصمیم به اطاعت و خویشنداری است. مسیحیت بیمه آتش سوزی یا بلیط به بهشت نیست، بلکه رابطه روزانه خادم/دوست با عیسی است.

۱: ۳۷ "چون آن دو شاگرد این سخن را شنیدند" یحیی تعمیم دهنده به فراتر از خودش، عیسی اشاره می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۰).

۱: ۳۸ "زَبّی (یعنی ای استاد)" این عنوان مرسوم یهودیت در قرن نخست بود برای شناسایی کسانی بود که می‌توانستند قوانین موسی و سنتهای شفاهی (تلمود) را توضیح داده و تفسیر کنند. عینا همانند "ای سرورم" است. این توسط یوحنا شاگرد به عنوان معادل "استاد" استفاده شده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۱، ۸ و ۲۸، ۱۳: ۱۳، ۱۴ و ۲۰: ۱۶). این واقعیت که یوحنا اصطلاح خودش را توضیح می‌دهد (رجوع شود به یوحنا ۱: ۳۸، ۴۱ و ۴۲) نشان می‌دهد که او برای عوام می‌نوشته است (رجوع شود به آیه ۴۲).

■ "کجا منزل داری" به نظر می‌رسد که این شیوه متداول برای برقراری یک رابطه منحصر به فرد میان استاد و شاگرد بوده است. سوال آنها دلالت بر این دارد که این دو مرد می‌خواستند زمان بیشتری را با عیسی بگذرانند تا اینکه چند سوال در طی راه از او بپرسند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۹).

کلمه *menō* (ماندن) سه بار در انجیل یوحنا ۱: ۳۸ و ۳۹ به کار رفته است. این می‌تواند به یک مکان فیزیکی یا معنوی اشاره داشته باشد. این کلمه سه مرتبه استفاده شده و می‌تواند دلالت بر نوع دیگری از بازی با کلمات باشد، یعنی هر دو دلیل ضمنی را به یکدیگر مرتبط سازد، که در انجیل یوحنا این امر متداول است (برای مثال، انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۵، ۳: ۳، ۴: ۱۰ و ۱۱، ۱۲: ۳۲). این ابهام عمدی مشخصه نوشته‌های یوحنا است.

■ "آن وقت، ساعت دهم از روز بود" مشخص نیست که یوحنا از زمان رومی استفاده می‌کرد که از ساعت ۶ صبح شروع می‌شد یا زمان یهودی که از ساعت ۶ بعد از ظهر شروع می‌شد (گرگ و میش). وقتی که انجیل یوحنا ۱۹: ۱۴ را با انجیل مرقس ۱۵: ۲۵ مقایسه می‌کنیم به نظر می‌رسد که دلالت بر زمان رومی دارد. با این حال، وقتی که به انجیل یوحنا ۱۱: ۹ توجه می‌کنیم به نظر می‌رسد که دلالت بر زمان یهودی دارد. یوحنا احتمالاً از هر دو استفاده کرده است. در اینجا به نظر می‌رسد که زمان، زمان رومی باید باشد، حدود ۴ بعد از ظهر.

۱: ۴۰ "یکی از آن دو که با شنیدن سخن یحیی" نویسنده (یوحنا شاگرد) هرگز در انجیل از خودش نام نمی‌برد (مثلاً ۲: ۲). یقیناً این احتمال هست که یکی از آن دو شاگرد که اظهارات یحیی تعمیم دهنده را شنید خود یوحنا بوده باشد، فرزند زبیدی (مثلاً انجیل متی ۴: ۲۱، مرقس ۱: ۱۹).

۴۱: ۱

او اول برادر خودش را پیدا کرد	NASB
او برادر خودش را اول پیدا کرد	NKJV, NRSV
یکمرتبه پیدا کرد	TEV
اولین کاری که اندریاس انجام داد	NJB

تفاوت‌های نگارشی وجود دارند که در ترجمه‌ها تاثیر می‌گذارند. گزینه‌ها اینها هستند:

۱. اولین کاری که اندریاس انجام داد
۲. اولین کسی که او یافت
۳. اندریاس اولین کسی بود که رفت و گفت

■ "مسیح (که ترجمه آن مسیح است)" به یادداشت انجیل یوحنا ۱: ۲۰ مراجعه شود

۱: ۴۲ "عیسی بر او نگریست" این کلمه نشان از "نگاهی جدی و عمیق" است.

■ "شمعون فرزند یوحنا" ابهاماتی در عهد جدید در مورد نام پدر پطرس وجود دارد. در انجیل متی ۱۶: ۱۷ پطرس به عنوان "پسر یونا" نام برده شده. نام یوحنا در نسخه خطی صفحات ۶۶ و ۷۵ یافت شده است و در MS B, L, M, S, A در K, B<sup>3</sup>, MSS A و بیشتر نسخ جدیدتر یونانی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد که هیچ پاسخ مشخصی برای این مورد وجود نداشته باشد. تنوع در نحوه نگارش اسامی ترجمه شده از زبان آرامی متداول است.

Michael Magill در کتاب *The New Testament TransLine* صفحه ۳۰۳ می‌گوید "یونا و یوحنا می‌توانند هر دو املاهای مشابهی در زبان یونانی داشته باشند همانند سیمون و سیمئون".

■ "تو" "کیفا" خوانده خواهی شد (که پطرس ترجمه شده است) کلمه کیفا در زبان آرامی به معنی صخره است (*kepa*), که به یونانی آمده و به *kephas* تبدیل شده است. این اسم یادآور ثبات، قدرت و دوام است.

این یکی از توضیحات فروان نگارنده انجیل است که در تشریح زندگی و آموزش‌های عیسی به خوانندگان عام کمک می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۸).

خیلی جالب است که دو اصطلاح فنی (فعل) برای تفسیر انجیل در این فصل آمده‌اند:

۱. exegesis به معنی هدایت کردن که در انجیل یوحنا ۱: ۱۸ آمده
۲. Hermeneutics به معنی توضیح دادن، ترجمه کردن، تفسیر کردن که در انجیل یوحنا ۱: ۴۲ استفاده شده است.

متن NASB (بروز شده) انجیل یوحنا ۱: ۴۳-۵۱

<sup>۴۳</sup> روز بعد، عیسی بر آن شد که به جلیل برود. او فیلیپس را یافت و به او گفت: «از پی من بیا!»<sup>۴۴</sup> فیلیپس اهل بیت‌صیدا، شهر اندریاس و پطرس بود.<sup>۴۵</sup> او تثنائیل را یافت و به او گفت: «آن کس را که موسی در تورات بدو اشاره کرده، و پیامبران نیز درباره‌اش نوشته‌اند، یافته‌ایم! او عیسی، پسر یوسف، از شهر ناصره است!»<sup>۴۶</sup> تثنائیل به او گفت: «مگر می‌شود از ناصره هم چیزی خوب بیرون بیاید؟» فیلیپس پاسخ داد: «بیا و ببین.»

<sup>۴۷</sup> چون عیسی دید تثنائیل به سویس می‌آید، درباره‌اش گفت: «براستی که این مردی اسرائیلی است که در او هیچ فریب نیست!»<sup>۴۸</sup> تثنائیل به او گفت: «مرا از کجا می‌شناسی؟» عیسی پاسخ داد: «پیش از آنکه فیلیپس تو را بخواند، هنگامی که هنوز زیر آن درخت انجیر بودی، تو را دیدم.»<sup>۴۹</sup> تثنائیل پاسخ داد: «استاد، تو پسر خدایی! تو پادشاه اسرائیلی!»<sup>۵۰</sup> عیسی در جواب گفت: «آیا به خاطر همین که گفتم زیر آن درخت انجیر تو را دیدم، ایمان می‌آوری؟ از این پس، چیزهای بزرگتر خواهی دید.»<sup>۵۱</sup> سپس گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم که آسمان را گشوده و فرشتگان خدا را در حال صعود و نزول بر پسر انسان خواهید دید.»

۱: ۴۳ "روز بعد" یوحنا در سراسر انجیل از نشانه‌های زمانی استفاده می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹، ۳۵ و ۴۳، ۲: ۱ و غیره)، که عینی هستند و نه ضرورتاً تاریخی (به عنوان مثال، انجیل یوحنا ۲: ۱۳ الی ۲۳). متن کلی (۱) در انجیل یوحنا ۱: ۱۹ شروع می‌شود که می‌تواند اولین روز باشد، (۲) در انجیل یوحنا ۱: ۲۹، ۳۵ و ۴۳ عبارت "روز بعد" ذکر شده و (۳) در ۲: ۱ "در روز سوم" آمده است.

■ "بر آن شد که برود به" یوحنا دوره اولیه خدمت عیسی در یهودیه را که در سایر اناجیل ثبت نشده، ثبت می‌کند (یعنی در انجیل‌های غربی زمانهای تاریخی مشخص نیستند). انجیل یوحنا تمرکز بر خدمت عیسی در یهودیه و به خصوص اورشلیم دارد. با این حال، در اینجا او می‌خواهد به جلیل برود (احتمالاً برای ازدواج در قانا (انجیل یوحنا ۲)).

۱: ۴۴ "از پی من بیا" این فعل ضمنی حال فعال است. این فرمان علمای یهود است تا کسی شاگرد دائمی او شود. یهودیان خط مشی‌هایی را تعیین کرده

بودند که این روابط را تعریف می کردند.

■ "فیلیپس اهل بیت صیدا" نام این شهر به معنی "شهر ماهیگیران" است. این شهر همچنین منزل اندریاس و پیتر بود.

۱: ۴۵ "تثنائیل" این یک نام عبری است به معنی "خدا داده است". از او با این نام در سایر انجیلها نام برده نشده است. اساتید امروزی تصور می کنند او همانی است که از وی بنام "بارتلومی" نام برده شده ولی این همچنان در ابهام است.

### موضوع خاص: فهرست اسامی شاگردان

(SPECIAL TOPICS: LIST OF APOSTLES)

انجیل متی ۱۰: ۲ الی ۴	انجیل مرقس ۳: ۱۶ الی ۱۹	انجیل لوقا ۶: ۱۴ الی ۱۶	اعمال رسولان ۱: ۱۲ الی ۱۸
سیمون (پطرس/پیتر)	سیمون (پطرس/پیتر)	سیمون (پطرس/پیتر)	پطرس/پیتر
اندرو/اندریاس (برادر پطرس)	جیمز/یعقوب (پسر زیبای)	اندرو/اندریاس (برادر پطرس)	یوحنا/جان
یعقوب (پسر زیبای)	یوحنا (برادر یعقوب)	یعقوب	یعقوب
یوحنا (برادر یعقوب)	اندریاس	یوحنا	اندریاس
فیلیپ	فیلیپ	فیلیپ	فیلیپ
بارتلومی	بارتلومی	بارتلومی	توماس
توماس	متی/متیو	متی	بارتلومی
متی (مالیات جمع کن)	توماس	توماس	متی
یعقوب (پسر آلفانیوس)	یعقوب (پسر آلفانیوس)	یعقوب (پسر آلفانیوس)	یعقوب (پسر آلفانیوس)
تادئوس	تادئوس	سیمون (زیلوت)	سیمون (زیلوت)
سیمون (کنعانی)	سیمون (کنعانی)	یهودا (پسر یعقوب)	یهودا (پسر یعقوب)
یهودا (اشخربوطی)	یهودا (اشخربوطی)	یهودا (اشخربوطی)	

از یادداشتهای انجیل لوقا ۶: ۱۴:

■ "سیمون که به او پطرس هم گفته می شد" سه فهرست دیگر هم در مورد ۱۲ شاگرد وجود دارد... پطرس همیشه اولین است، یهودا اشخربوطی همیشه آخرین است. سه گروه چهار نفری وجود دارند که مشابه هم هستند، هر چند ترتیب اسامی اغلب معکوس است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲ الی ۴، انجیل مرقس ۳: ۱۶ الی ۱۹، اعمال ۱: ۱۳).

■ "آندریاس" این اسم یونانی به معنی "مردانه" است. از انجیل یوحنا ۱: ۲۹ الی ۴۲ در می یابیم که اندریاس یکی از شاگردان یحیی تعمید دهنده بود و اینکه او برادرش پطرس را به عیسی معرفی کرد.

■ "جیمز" عبری این اسم "یعقوب" است (BDB 784) که معنی آن "جایگزین" است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۵: ۲۶). در لیست دوازده نفر، دو نفر هستند که اسم آنها جیمز است. یکی برادر یوحنا (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۱۷) و جزو حلقه داخلی است (یعنی پطرس، جیمز و یوحنا). این برادر یوحنا است.

■ "یوحنا" این برادر یعقوب و یکی از اعضا حلقه داخلی شاگردان است. او پنج تا از کتب عهد جدید را نوشته و از بقیه شاگردان بیشتر زندگی کرد.

■ "فیلیپ" این اسم یونانی است و معنی آن "عاشق اسبها" است. اسم او در انجیل یوحنا ۱: ۴۳ الی ۵۱ آمده است.

■ "بارتلومی" معنی این اسم "فرزند پتولمی" است. ممکن است او تثنائیل انجیل یوحنا باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۵ الی ۴۹، ۲۱: ۲۰)

■ "متی" این اسم عبری (از ماتیتیا - *Mattithiah*)، مراجعه شود به اول قرن تیان ۹: ۳۱، ۱۵: ۱۸ و ۲۱، ۱۶: ۵، ۲۵: ۳ و ۲۱، نحمیا ۸: ۴) به معنی "هدیه یهوه" است. این اشاره به لاوی است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۱۳ الی ۱۷).

■ "توماس" این اسم عبری به معنی "دوقلو" یا *Didymus* است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶، ۲۰: ۲۴، ۲۱: ۲)

■ "جیمز پسر آلفائوس" عبری این اسم یعقوب است. اسم دو نفر در فهرست دوازده شاگرد، جیمز است. یکی برادر یوحنا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۶) و بخشی از حلقه داخلی (یعنی پطرس، جیمز و یوحنا). این یکی به اسم جمز رده پائینتر شناخته می‌شود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۱۷).

■ "سیمون که به او زیلوت هم گفته می‌شد" در متن یونانی انجیل مرقس "کنعانی" آمده است (همچنین انجیل متی ۱۰: ۴). مرقس، که انجیل او برای رومیان نوشته شده، احتمالاً نمی‌خواست که از کلمه زیلوت که جنبه سیاسی داشت و خط قرمز محسوب می‌شد و به معنی جنبش چریک‌های یهودی ضد رومی بود استفاده کند. لوقا ولی به این اسم از او یاد می‌کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۳). کلمه کنعانی چندین مشتق دارد:

۱. از منطقه ای در جلیل بنام کنعان/قانا
۲. از عهد عتیق که در مورد تجار کنعانی استفاده شده بود
۳. از اطلاق متداول این اسم برای اهالی کنعان

اگر اشاره لوقا درست باشد، در نتیجه زیلوت از کلمه آرامی به معنی "مشتاق" است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۷). عیسی دوازده شاگرد خود را از میان چندین گروه که رقیب یکدیگر بودند، انتخاب کرد. سیمون عضو یک گروه ملی گرا بود که تلاش می‌کردند با خشونت رومیان را سرنگون کنند. عمدتاً این سیمون و لاوی (یعنی متی مالیات جمع کن) با همدیگر در یک جا قرار نمی‌گرفتند.

■ "یهودا فرزند جیمز" به او لیبئوس (*Lebbeus*) (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۳) یا یهودا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۲) هم گفته می‌شد. هم تادئوس و هم لیبئوس به معنی "فرزند محبوب" هستند.

■ "یهودا اشخریوطی" دو سیمون، دو جیمز و دو یهودا هستند. نام اشخریوطی احتمالاً دو مشتق دارد:

۱. مردی از اشخریوط (نام شهری) در یهودا (مراجعه شود به یوشع ۱۵: ۲۳ که فقط به معنی این است که یهودی است)
۲. نام پدرش بوده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۷۱، ۱۳: ۲ و ۲۶)
۳. "خنجر انداز" یا "آدم کش" که در این صورت به معنی است که او هم یک زیلوت همانند سیمون بوده است.

■ "در تورات بدو اشاره کرده، و پیامبران" این به دو تا از سه قانون شریعت یهود اشاره می‌کند: شریعت، پیامبران، و کتب (که همچنان در جمییا در ۹۰ پس از میلاد بر سر آن بحث بود). این اصطلاحی بود که به سراسر عهد عتیق اشاره می‌کرد.

■ "عیسی، پسر یوسف، از شهر ناصره" این را باید با شیوه‌ای که یهودیان به کار می‌برند، درک کرد. عیسی در ناصره زندگی می‌کرد و نام پدر خانواده یوسف بود. این نه منکر تولد عیسی در بیت لحم است (رجوع شود به میکاه ۵: ۲) و نه مادر باکره وی (اشعیا ۷: ۱۴).

## موضوع خاص: عیسی ناصری

(SPECIAL TOPIC: JESUS THE NAZARENE)

در عهد جدید وقتی از عیسی صحبت می‌شود، از چندین اصطلاح مختلف یونانی استفاده می‌شود.

۱. اصطلاحات عهد جدید

- a. ناصری - شهری در جلیل (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۲۶، ۲: ۴ و ۳۹ و ۵۱، ۴: ۱۶، اعمال رسولان ۱۰: ۳۸). از این شهر در منابع آن زمان اسمی برده نشده است، ولی بعدها در کتیبه‌هایی یافت شد. اهل ناصره بودن برای عیسی افتخار نبود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۶). درج این نام در پای صلیب عیسی نشانگر تحقیر کردن وی توسط یهودیان است.
  - b. Nazarēnos - به نظر می‌رسد که به یک مکان جغرافیایی اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۳۴، ۲۴: ۱۹).
  - c. Nazōraios - ممکن است به شهری اشاره داشته باشد، ولی می‌تواند هم بازی با کلمه مسیحی "Branch" در زبان عبری باشد (BDB 666, KB 718 II, اشعیا ۱۱: ۱، BDB 855, ارمیا ۲۳: ۵، ۳۳: ۱۵، زکریا ۳: ۸، ۶: ۱۲، در مکاشفه ۲۲: ۱۶ به آن اشاره شده). لوقا از این برای عیسی در ۳۷: ۱۸ و اعمال رسولان ۲: ۲۲، ۳: ۶، ۴: ۱۰، ۶: ۱۴، ۲۲: ۸، ۲۶: ۲۶، ۹ استفاده کرده است.
  - d. در ارتباط با شماره ۳، (BDB 634, KB 684) nāzīr که به معنی "آن تقدیس شده به وسیله پیمان" است.
۲. استفاده‌های تاریخی از کلمه خارج از عهد جدید
- a. به معنی یک گروه یهودی (قبل از مسیح) است (در زبان آرامی (nāsōrayyā)
  - b. در دایره‌های یهودی استفاده می‌شد تا کسانی که به مسیح ایمان دارند را توصیف کند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۴: ۵ و ۱۴، ۲۸:

c. تبدیل به اصطلاحی شد که برای مومنین در کلیساهای سوریه به کار می‌رفت (آرامی). کلمه "مسیحی" در کلیساهای یونانی برای مومنین به کار می‌رفت.

d. مدتی پس از سقوط اورشلیم، فریسیان در جنینا تجدید سازمان یافتند و رسماً کنیسه و کلیسا را از یکدیگر تفکیک کردند. نمونه‌ای از دشنامهای علیه مسیحیان در دعای هیجدهم از براکوت ۲۸ ب الی ۲۹ آ که مومنین را "ناصریان" خطاب می‌کند، یافت می‌شود. "بسیاری از ناصریان و مردها در لحظه ناپدید می‌شوند، آنها باید از کتاب زندگی حذف شوند و با وفاداری نباید نوشته شوند"

e. توسط جاستین مارتیر در *Dial*، ۱:۱۲۶ استفاده شده است، که از *netzer* اشعیا (اشعیا ۱۱: ۱) در مورد عیسی استفاده کرده است. ۳. نظر نویسنده

من از این همه نگارشهای متفاوت در شگفت هستم، هر چند که می‌دانم در عهد عتیق بسیار تکرار شده است، مانند "یوشع" که در عبری از چندین نگارش متفاوت استفاده کرده است. موارد زیر باعث شدند که در مورد معنی آن اطمینان نداشته باشم:

۱. نزدیکی بسیار زیاد با نگارش اصطلاح "Branch" (*netzer*) یا اصطلاحات مشابه *nāzīr* (آن که با پیمان بستن قدیس شد)
۲. مفهوم منفی جلیل برای پیروان سایر ادیان
۳. نبود مدرک در مورد وجود شهری بنام ناصره در جلیل
۴. از دهان شیطان با مفهوم اسکاتولوژیک بیرون می‌آید (مثلاً "آیا برای نابودی ما آمده ای؟")

برای مطالعه انجیلی کامل این مجموعه کلمات به کتاب *New International Dictionary of New Testament Theology* اثر کالین براون، جلد دوم، صفحه ۳۴۶ و یا *Birth of the Messiah* اثر ریموند ایی براون، صفحات ۲۰۹ الی ۲۱۳ و ۲۲۳ الی ۲۲۵ مراجعه کنید.

۱:۴۶ "تَنَائِيلُ به او گفت: مگر می‌شود از ناصره هم چیزی خوب بیرون بیاید" یقیناً فیلیپ و تثنائیل رسالت عهد عتیق را می‌دانستند، مسیح از بیت‌الحم (رجوع شود به میکاه ۵: ۲) نزدیک اورشلیم می‌آید، نه از ناصره در جلیل که غیر یهودی بودند، ولی اشعیا ۹: ۱ الی ۷ بر همین امر دلالت دارد!

۴۷:۱

NASB, NKJV,

NRSV "که در او فریبی نیست"

TEV "هیچ چیز اشتباهی در او نیست"

NJB "که در او هیچ ریایی نیست"

این به معنی یک مرد بی پرده بدون هیچ انگیزه پنهان است (رجوع شود به مزمور ۳۲: ۲)، یک معرفی درست از مردم منتخب اسرائیل.

۱:۴۸ "عیسی پاسخ داد: پیش از آنکه فیلیپس تو را بخواند، هنگامی که هنوز زیر آن درخت انجیر بودی، تو را دیدم" بدیهی است که عیسی از قدرت ماورا الطبیعه خودش استفاده کرده است (یعنی انجیل یوحنا ۲: ۲۴ و ۲۵، ۴: ۱۷ الی ۱۹، ۶: ۶، ۶۱، ۶۴ و ۷۱، ۱۳: ۱، ۱۱، ۲۷ و ۲۸، ۱۶: ۱۹ و ۳۰، ۱۸: ۴) تا نشانی به تثنائیل دهد که او مسیح است.

درک اینکه الوهیت و انسانیت در عیسی چگونه عمل می‌کرد بسیار مشکل است. در برخی متون قطعی نیست که آیا عیسی از قدرتهای ماورا الطبیعه استفاده می‌کند یا از تواناییهای انسانی. در اینجا قدرت "ماورا الطبیعه" غالب است.

۱:۴۹ "تَنَائِيلُ پاسخ داد: "استاد، تو پسر خدایی.. پادشاه اسرائیل!" در اینجا به دو لقب توجه کنید! هر دو دلالت بر ناسیونالیستی و مسیحیت دارند (رجوع شود به مزمور ۲). این نخستین شاگردان عیسی را در طبقه بندیهای قرن اول یهودیت، درک کرده بودند. آنها بطور کامل شخص او و کارش و مشقتهاش را تا پس از رستاخیزش درک نکردند (رجوع شود به اشعیا ۵۳).

۵۱:۱

NASB "واقعا، واقعا به تو می‌گویم"

NKJV "با اطمینان کامل، به تو می‌گویم"

NRSV "خیلی صادقانه، به تو می‌گویم"

TEV "حقیقت را به تو می‌گویم"

عینا این "آمین! آمین!" عیسی است که همیشه دوبار تکرار شده و در فقط در انجیل یوحنا دیده می‌شود، که بیست و پنج مرتبه دیده می‌شود. "آمین" حالتی از کلمه عبری در مورد ایمان (*emeth*) است است به معنی "محکم باش". این کلمه در عهد عتیق به صورت استعاره برای ثبات و قابل اعتماد بودن استفاده شده است. ترجمه آن "ایمان" و "وفاداری" است. با این حال، در مواقعی می‌تواند به عنوان تأیید یا تصدیق استفاده شود. در فرم اولیه‌ای که در جمله به کار رفته است، یک حالت منحصر بفرد برای جلب توجه به اهمیت، و قابل اعتماد بودن اظهارات عیسی یا رستخیز وی از یهوه است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۵۱، ۲: ۳ و ۵، ۱۱ و ۱۹: ۵ و ۲۴ و ۲۵، ۶: ۲۶، ۲۳ و ۴۷ و ۵۳، ۸: ۳۴ و ۵۱ و ۵۸، ۱۰: ۱ و ۷، ۱۲: ۱۲، ۲۴، ۱۳: ۱۶ و ۲۰ و ۲۱ و ۳۸، ۱۴: ۱۲، ۱۶: ۲۰ و ۲۳، ۲۱: ۱۸).

به تبدیل به جمع شدن (اسامی و افعال) توجه کنید. این باید در خصوص تمامی موارد اشاره شده مورد توجه قرار گیرد.

## موضوع خاص: آمین

### SPECIAL TOPIC: AMEN

#### ۱. عهد عتیق

a. اصطلاح آمین در زبان عبری برای موارد زیر به کار می‌رود

i. حقیقت (*emeth*, BDB 49)

ii. راستی (*emunah*, *emun*, BDB 53)

iii. ایمان یا باوفا بودن

iv. اعتماد (*dmn*, BDB 52)

b. ریشه یابی این واژه دلالت بر ثبات فیزیکی فرد دارد. مخالف آن فردی است که ثبات ندارد، می‌لغزد (مراجعه شود به مزمور ۳۵: ۶، ۲: ۴۰، ۱۸: ۷۳، ارمیا ۱۲: ۲۳) یا تکان می‌خورد (مراجعه شود به مزمور ۷۳: ۲). از این کاربرد مفهومی مفهوم استعاره‌ای برای وفاداری، قابل اعتماد بودن، صداقت و قابل اتکا بودن مشتق می‌شود (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۴).

c. کاربردهای خاص موضوع خاص: ایمان/اعتماد/وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید.

i. ستون، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۶: ۱۸ (اول تیموتائوس ۱۵: ۳)

ii. تضمین، مراجعه شود به خروج ۱۲: ۱۷

iii. ثبات، مراجعه شود به خروج ۱۲: ۱۷

iv. پایداری، مراجعه شود به اشعیا ۶: ۳۳

v. راستی، مراجعه شود به اول پادشاهان ۶: ۱۰، ۲۴: ۱۷، ۱۶: ۲۲، امثال ۲۲: ۱۲

vi. محکم، مراجعه شود به دوم تواریخ ۲۰: ۲۰، اشعیا ۹: ۷

vii. قابل اعتماد (تورات)، مراجعه شود به مزمور ۴۳: ۱۱۹ و ۱۴۲ و ۱۵۱ و ۱۶۰

d. در عهد عتیق دو کلمه عبری دیگر برای ایمان فعال/جدی استفاده شده است

i. Bathach (BDB 105)

ii. yra (BDB 431)، ترس، احترام، پرستش (مراجعه شود به پیدایش ۱۲: ۲۲)

e. از مفهوم اعتماد یا قابل اعتماد بودن مفهوم خاصی مشتق شد که برای تأیید صحت یا قابل اعتماد بودن اظهارات دیگری به کار می‌رفت (مراجعه شود به اعداد ۲۲: ۵، تثنیه ۱۵: ۲۷ الی ۲۶، اول پادشاهان ۳۶: ۱، اول تواریخ ۳۶: ۱۶، نحمیا ۱۳: ۵، ۸: ۶، مزمور ۴۱: ۱۳، ۷۲: ۱۹، ۸۹: ۵۲، ۱۰۶: ۴۸، ارمیا ۵: ۱۱، ۲۸: ۶)

f. کلید الهیاتی این اصطلاح وفاداری انسان نیست، بلکه یهوه است (مراجعه شود به کتاب خروج ۶: ۳۴، کتاب تثنیه ۴: ۳۲، مزمور ۴: ۱۰۸، ۱: ۱۱۵، ۲: ۱۱۷، ۲: ۱۳۸). تنها امید انسان سقوط کرده، ترحم، وفاداری، پیمان وفاداری یهوه و قول او است. آنها که یهوه را می‌شناسند باید مانند او باشند (مراجعه شود به حبقوق ۲: ۴). انجیل تاریخ و ثبت بازبایی تصویر خدا (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۶: ۱ الی ۲۷) در نوع بشر است. رستگاری توانایی نوع بشر را برای اینکه رابطه صمیمانه با خدا داشته باشد، احیا می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شده ایم.

#### ۲. عهد جدید

- a. استفاده کلمه "آمین" در عهد جدید برای کلام پایانی و تأیید اظهارات قابل اعتماد متداول است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۴:۱۶، مکاشفه ۱:۷، ۱۴:۵، ۷:۱۲).
- b. استفاده از این اصطلاح برای پایان بخشیدن به دعا در عهد جدید مرسوم است (مراجعه شود به رومیان ۱:۲۵، ۹:۵، ۱۱:۳۶، ۱۶:۲۷، غلاطیان ۱:۵، ۱۸:۶، افسسیان ۳:۲۱، فیلیپیان ۴:۲۰، دوم تسالونیکیان ۳:۱۸، اول تیموتائوس ۱:۱۷، ۶:۱۶، دوم تیموتائوس ۴:۱۸).
- c. عیسی تنها کسی بود که از این اصطلاح (به صورت دوبار تکرار در انجیل یوحنا ۲۵ مرتبه، انجیل یوحنا ۱:۵۱، ۳:۳، ۵ و ۱۱، و غیره) برای معرفی بیانات مهم استفاده می‌کرد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴:۲۴، ۱۲:۳۷، ۱۸:۱۷، ۲۹، ۳۲، ۲۱:۴۳، ۲۳:۴۳).
- d. به عنوان عنوانی برای عیسی در مکاشفه ۳:۱۴ استفاده شده است (همچنین به دوم قرن‌تین ۱:۲۰، و احتمالاً عنوان یهوه در اشعیا ۶۵:۱۶ توجه کنید).
- e. مفهوم وفاداری، ایمان، قابل اعتماد یا اعتماد در یونانی با اصطلاح *pistos* یا *pistis* بیان می‌شود که در انگلیسی *faith, trust, believe* ترجمه می‌گردد (موضوع خاص: ایمان/اعتماد/وفاداری در عهد عتیق را مطالعه کنید).

■ "شما، شما" هر دوی اینها جمع هستند. عیسی تمام کسانی که آنجا ایستاده بودند را خطاب می‌کند، و به بیانی تمامی بشریت.

■ "آسمان را گشوده" این عبارت تجلی خدا در عهد عتیق را یادآوری می‌کند.

۱. حزقیال، حزقیال ۱:۱
۲. عیسی، انجیل متی ۳:۱۶، مرقس ۱:۱۰، لوقا ۳:۲۱
۳. استفان، اعمال ۷:۵۶
۴. پطرس، اعمال ۱۰:۱۱
۵. بازگشت دوباره، مکاشفه ۱۹:۱۱

این صفت مفعولی فعال است که دلالت بر این دارد که آنها باز می‌مانند. کلمه "آسمان" جمع است زیرا در زبان عبری به صورت جمع می‌باشد. این می‌تواند دلالت بر یکی از موارد زیر داشته باشد: (۱) اتمسفر بالای زمین آن طور که در سفر پیدایش ۱ آمده؛ (۲) حضور خود خداوند

### موضوع خاص: بهشت و بهشت سوم

#### (SPECIAL TOPIC: THE HEAVENS AND THE THIRD HEAVEN)

در عهد عتیق اصطلاح "بهشت" معمولاً به صورت جمع به کار برده شده است (*shamayim*, BDB 1029, KB 1559). معنی عبری این کلمه "ارتفاع" است. خدا در ارتفاعات ساکن است. مفهوم این اصطلاح مقدس بودن و تعالی خدا است. در کتاب پیدایش ۱: ۱، حالت جمع، این طور نگاه شده که خدا "بهشت‌ها و زمین"، (۱) اتمسفر بالای این سیاره یا (۲) راهی برای اشاره به تمامی واقعیت را خلق کرد (یعنی معنوی و فیزیکی). از این درک ابتدایی در سایر متون استفاده شده برای سطوح بهشت: "بهشت بهشت‌ها" (مراجعه شود به مزمو ۶۸: ۳۳) یا "بهشت و بهشت بهشت‌ها" (مراجعه شود به تثنیه: ۱۰: ۱۴، اول پادشاهان ۸: ۲۷، نحما ۹: ۶، مزمو ۱۴۸: ۴). روحانیون چنین جمع بندی کرده‌اند که احتمال دارد:

۱. دو بهشت وجود داشته باشد (R. Judah, Hagigah 12b)
۲. سه بهشت (تست، لویان ۲ الی ۳، اشعیا ۶ الی ۷، Midrash Tehillim در مزمو ۱۱۴: ۱)
۳. پنج بهشت (III Baruch)
۴. هفت بهشت (R. Simonb. Lakish, اشعیا ۹: ۷)
۵. ده بهشت (دوم انوش ۲۰: ۳، ۲۲: ۱)

تمامی اینها برای این هستند که جدایی خدا را از مخلوقات فیزیکی و متعالی بودن او نشان دهند. متداولترین تعداد بهشت در ربینوی یهود هفت است. آ، کوهن در کتاب *Everyman's Talmud* صفحه ۳۰ می‌گوید "این متداولترین عددی بود که به سیارات فضایی مرتبط می‌شده است، ولی من فکر می‌کنم به دلیل این است که عدد هفت، عدد کاملی است (یعنی روزهای خلقت باضافه هفت که روز استراحت خدا در کتاب پیدایش ۲: ۲ است). پولس در کتاب دوم قرن‌تین ۱۲: ۲ می‌گوید که بهشت "سوم" (*Ouranos* در زبان یونانی) راهی برای شناسایی شخصیت و حضور والامنشانه خدا است. پولس خدا را شخصا دیده بود!



■ "فرشتگان خدا در حال صعود و نزول" این تقلیدی از تجربه یعقوب در بتیل است (سفر پیدایش ۲۸: ۱۰ به بعد). عیسی اثبات می‌کند که همانطور که خدا وعده داد تا تمامی نیازهای یعقوب را برآورده کند، خدا تمامی نیازهای او را نیز برآورده می‌کند!

## موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین

### (SPECIAL TOPIC: ANGELS AND DEMONS)

- A. مردم قدیم تصورگرا بودند. آنها شخصیت انسان را با نیروهای طبیعت، حیوانات و اشیا طبیعی توصیف می‌کردند. زندگی با تعامل میان این هویت‌های معنوی با انسان توصیف می‌شد.
- B. این شخصیت‌سازیها به مرور پلی‌تئیسم (*polytheism*) یا چند خدایی را به وجود آورد. معمولا شیطان (*genii*) خدای پائین‌تر یا کوچکتر بود و (نیکی در مقابل اهریمنی قرار داشت) که بر زندگی انسانها تاثیر می‌گذاشتند.
۱. بین‌النهرین، شورش و تقابل
  ۲. مصر، نظم و عملکرد
  ۳. کنعان، به *Archaeology and the Religion of Israel* نوشته W. F. Albright جلد پنجم، صفحه ۶۷ الی ۹۲ مراجعه شود.
- C. عهد عتیق با موضوع خدایان کوچکتر، فرشتگان یا شیاطین صحبتی نمی‌کند، احتمالا به خاطر یکتاپرستی شدید (به موضوع خاص: یکتاپرستی مراجعه کنید، کتاب خروج ۸: ۱۰، ۹: ۱۴، ۱۵: ۱۱، تنبیه ۴: ۳۵ و ۳۹، ۶: ۴، ۳۳: ۲۶، مزمور ۳۵: ۱۰، ۷۱: ۱۹، ۸۶: ۸، اشعیا ۴۶: ۹، ارمیا ۱۰: ۶ الی ۷، میکاه ۷: ۱۸). به خدایان دروغین مردم کافر اشاره می‌کند (*Shedim*، BDB 993 مراجعه شود به تنبیه ۳۲: ۱۷، مزمور ۱۰۶: ۳۷) و از برخی از آنها حتی اسم می‌برد.
۱. *Se'im* (موجود نیمه‌انسان نیمه بز یا شیطان پشمالو، BDB 972 III، KB 1341 III، مراجعه شود به لاویان ۱۷: ۷، دوم تواریخ ۱۱: ۱۵، اشعیا ۱۳: ۲۱، ۳۴: ۱۴)
  ۲. *Lilith* (مونث، شیطان متجاوز شهبها، BDB 539، KB 528، مراجعه شود به اشعیا ۳۴: ۱۴)
  ۳. *Mavet* (اصطلاح عبری برای مرگ که برای خدای زیر زمینی کنعانیان استفاده می‌شد، Mot، BDB 560، KB560، مراجعه شود به اشعیا ۲۸: ۱۵ و ۱۸، ارمیا ۹: ۲۱، و احتمالا تنبیه ۲۸: ۲۲)
  ۴. *Resheph* (بلا، آتش، تگرگ، BDB 958، KB 958، مراجعه شود به تنبیه ۳۲: ۲۴، مزمور ۷۸: ۴۸، حبقوق ۳: ۵)
  ۵. *Dever* (بلا، BDB 184، مراجعه شود به مزمور ۹۱: ۵ الی ۶، حبقوق ۳: ۵)
  ۶. *Az'azel* (معنی این اسم مشخص نیست، ولی احتمالا شیطان صحرا و یا نام مکانی است، BDB 736، KB 736، مراجعه شود به لاویان ۱۶: ۸ و ۱۰ و ۲۶)
- (این مثالها از Encyclopaedia Judaica جلد ۵، صفحه ۱۵۲۳ اقتباس شده‌اند.)
- با این وجود، هیچ دوالیسم یا جدایی فرشتگان از یهوه در عهد عتیق وجود ندارد. شیطان خدمتگزار یهوه است (مراجعه شود به ایوب ۱ الی ۲، زکریا ۳)، نه یک دشمن مستقل و خودرای (مراجعه شود به *A Theology of the Old Testament* نوشته A. B. Davidson، صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶).
- D. یهودیت در طول دوران تبعید در بابل توسعه یافت (۵۸۶ تا ۵۳۸ قبل از میلاد). از نگاه الهیاتی، از دوالیسم دین زرتشت ایران تحت تاثیر قرار گرفت، یک خدای نیک و والا بنام مزدا یا اهورامزدا و شیطان در مقابلش بنام اهریمن. در دوران بعد از تبعید یهود این شخصیت بخشیدن دوالیسم میان یهوه و فرشتگانش و شیطان و فرشتگانش و شیاطین شکل گرفت.
- شخصیت بخشیدن به شیطان در الهیات یهود به خوبی در کتاب *The Life and Times of Jesus the Messiah* نوشته Alfred Edersheim، جلد ۲، ضمیمه ۸، صفحات ۷۴۹ الی ۸۶۳ توصیف شده است. یهودیسم شیطان را به سه شیوه شخصیت داده:
۱. شیطان یا سمائل
  ۲. نیت شیطانی انسان (*yetzer hara*)
  ۳. فرشته مرگ
- ادرسهایم (*Edersheim*) اینها را به شیوه زیر مشخص می‌کند
- a. متهم کننده
  - b. وسوسه کننده
  - c. تنبیه کننده (جلد ۲ صفحه ۷۵۶)
- یک تمایز مشخص الهیاتی میان یهودیت بعد از تبعید و عهد جدید در معرفی شیطان وجود دارد.

- E. عهد جدید بخصوص اناجیل وجود و مقابله روح شیطانی انسانها با یهوه را تصریح می کنند (در یهودیت، شیطان دشمن انسانها است، نه دشمن خدا). آنها مخالف اراده، حکومت و پادشاهی خدا هستند.
- عیسی با این اهریمنان مقابله کرده و آنها را از وجود انسانها خارج می کند، به آنها (۱) روح ناپاک (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۳۶، ۶: ۱۸) یا روح های شیطانی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۷: ۲۱، ۸: ۲) گفته می شود. به وضوح عیسی تمایزی میان بیماری (فیزیکی و ذهنی) و اهریمن قائل می شود. او قدرت و بیش خود را با تشخیص دادن آنها و بیرون راندن این ارواح شیطانی به نمایش می گذارد. آنها اغلب او را شناخته و بر او شهادت می دهند ولی عیسی شهادت آنها را رد کرده و ساکت کرده و خارج می سازد. بیرون کردن شیطان، نشانه شکست پادشاهی شیطان است.
- در نامه های شاگردان در عهد جدید هیچ گونه اطلاعاتی در این خصوص وجود ندارد. بیرون راندن شیطان هرگز به عنوان یک برکت معنوی فهرست نشده و هیچ روش یا فرایندی برای نسلهای بعد برای بشارت دهندگان یا مومنین ارائه نشده است.
- F. شیطان واقعی است، شیطان شخصی است، شیطان حضور دارد. نه مبدا او و نه هدفش فاش نشده است. انجیل واقعی بودن او را تصریح کرده و شدیداً با نفوذ او مقابله می کند. در واقعیت نهایت دوالیسمی وجود ندارد. همه چیز تحت کنترل کامل خدا است، شیطان شکست می خورد، قضاوت می شود و از مخلوقات بیرون رانده می شود.
- G. مردم خدا باید در مقابل شیطان مقاومت کنند. (مراجعه شود به جیمز ۴: ۷). نمی توانند توسط او کنترل شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۸)، ولی می توانند وسوسه شوند و شهادت و نفوذ آنها آسیب ببیند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸) / شیطان یک بخش افشا شده در جهان بینی مسیحیان است. مسیحیان مدرن هیچ حقی ندارند که شیطان را دوباره تعریف کنند (تفسیر Rudolf Baltmann)، شیطان را بدون شخصیت کنند (ساختارهای اجتماعی پل تیلیچ)، نه سعی کنند تا او را با اصطلاحات روانشناسی توصیف کنند (زیگموند فروید). نفوذ او فراگیر است، ولی شکست می خورد. مومنین باید در مسیر پیروزی مسیح گام بردارند.

■ "پسر انسان" عیسی خودش انتخاب می کند که چگونه خطاب شود. این یک عبارت عبری است که به انسان بودن اشاره دارد (رجوع شود به مزمو ۸: ۴ و اشعیا ۲: ۱). ولی به واسطه استفاده آن در دانیال ۷: ۱۳ ماهیت الهی به خود می گیرد. این کلمه هیچ گونه معنای ناسیونالیستی یا نظامیگری فرعی ندارد زیرا توسط علمای یهود استفاده نمی شد. عیسی به دلیل جنبه دو ماهیتی خود آن را انتخاب کرد (انسان و خدایی بودن، رجوع شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۳). یوحنا ذکر می کند که عیسی سیزده مرتبه از آن برای خودش استفاده کرده است.

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا کمیته اورشلیم از یحیی تعمید دهنده سوال کرد که آیا او یکی از سه شخصیتی است که در عهد عتیق از آنها نام برده شده است؟
۲. در انجیل یوحنا ۱: ۱۹ الی ۳۰ یک بیان مسیحیت شناسی را پیدا کنید که یحیی تعمید دهنده در مورد عیسی می گوید
۳. چرا سینوپتیک ها و یوحنا در نام بردن شاگردان این حد تفاوت دارند؟
۴. این افراد چه چیزی در مورد عیسی درک کردند؟ به عناوینی که او در صدا کردن آنها به کار می برد توجه کنید (یوحنا ۱: ۳۸).
۵. عیسی از خود را چگونه یاد می کند؟ چرا؟

## یوحنا ۲

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
ازدواج در قانا ۱۱:۲ الی ۱۱	آب به شراب تبدیل شد ۱۲:۲ الی ۱۲	ازدواج در قانا ۱۱:۲ الی ۱۱	ازدواج در قانا ۳:۲ الی ۳ ۴:۲ ۵:۲ ۶:۲ الی ۱۰ ۱۱:۲ ۱۲:۲	ازدواج در قانا ۱-۱۰:۲ ۱۲:۲
۱۲:۲ تطهیر معبد	عیسی معبر را تطهیر می‌کند ۲۲:۲ الی ۲۲	تطهیر معبد ۱۲:۲	۱۳:۲ الی ۱۷ ۱۸:۲ ۱۹:۲ ۲۰:۲ ۲۱:۲ الی ۲۲	تطهیر معبد ۱۳:۲ الی ۲۲
عیسی همه مردم را می‌شناسد ۲۵:۲ الی ۲۵	شناختن قبلها ۲۳:۲ الی ۲۵	۲۳:۲ الی ۲۵	آگاهی عیسی از طبیعت انسان ۲۳:۲ الی ۲۵	عیسی در اورشلیم ۲۳:۲ الی ۲۵

چرخه سوم مطالعه (به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود)

دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندی‌های خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف
۴. غیره

### دیدگاه‌های متنی درباره آیات ۱-۱۱

- A. عیسی از سایر رهبران دینی دوران خودش بسیار متفاوت بود. او با مردم عادی می‌خورد و می‌نوشید. در حالیکه یحیی تعمید دهنده یک آدم تنها از بیابان بود، عیسی در میان مردم عادی محبوب بود.
- B. نخستین ویژگی او بسیار بومی و آشنا بود! توجه و اهمیت به مردم عادی مشخصه عیسی بود و خشم او نسبت به مذهب‌یون خود-بین مشخص کننده چهره دیگر وی بود. اولویت مردم، و نه سنتها یا آئین‌های اجباری، آزادی عیسی را نشان می‌داد، با این حال به رسوم و آئین‌های فرهنگی احترام می‌گذاشت.
- C. اینها نخستین هفت نشانه‌هایی هستند که یوحنا از آنها برای نشان دادن شخصیت و قدرت عیسی استفاده کرد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲:۱۱)

۱. تبدیل آب به شراب (انجیل یوحنا ۲:۱ الی ۱۱)
۲. شفای پسر بیچه (انجیل یوحنا ۴:۴۶ الی ۵۴)

۳. شفای مرد علیل (انجیل یوحنا ۵: ۱ الی ۱۸)
۴. دادن غذا به جمع (انجیل یوحنا ۶: ۱ الی ۱۵)
۵. راه رفتن بر روی آب (انجیل یوحنا ۶: ۱۶ الی ۲۱)
۶. شفای مرد نابینا (انجیل یوحنا ۹: ۱ الی ۴۱)
۷. بلند کردن ایلعاذر (انجیل یوحنا ۱۱: ۱ الی ۵۷)

D. انجیل یوحنا از نظر تاریخی منظم و ساختار یافته نیست ولی از نظر الهی هست. انجیل یوحنا ۲ مثال خوبی است. اساسا یوحنا سعی در نشان دادن عیسی که تلاش می کند به یهودیان نزدیک شود، دارد (هم رهبران و هم مردم عادی) ولی آنها وی را باور نکردند/ به وی ایمان نیاوردند. به واسطه بی اعتمادی مداوم و خود بینی مذهبیون عیسی یهودیت را رد کرد.

۱. شش خمره سنگی برای آداب تطهیر که لب به لب پر بودند، نمایانگر یهودیتی هستند که عیسی آن را تغییر داد
۲. تطهیر معبد (که از نظر تاریخی در ابتدای آخرین هفته زندگی عیسی اتفاق افتاد) به عنوان نشانگر الهی رد کردن رهبری یهودیان ثبت شده است.

یک مثال خوب دیگر از اقدامات عیسی نيقوديموس (آقای مذهبی) در انجیل یوحنا ۳ و زن کنار چاه (زن غیر مذهبی) در انجیل یوحنا ۴ است. در اینجا برای همه تکرار می کنم.

### مطالعه کلمات و عبارات

متن NASB (بروز شده): یوحنا ۲: ۱-۱۱

<sup>۱</sup>روز سوّم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی نیز در آنجا حضور داشت. <sup>۲</sup>عیسی و شاگردانش نیز به عروسی دعوت شده بودند. <sup>۳</sup>چون شراب تمام شد، مادر عیسی به او گفت: «شراب ندارند!» عیسی به او گفت: «بانو، مرا با این امر چه کار است؟ ساعت من هنوز فرا نرسیده.»

<sup>۴</sup>مادرش خدمتکاران را گفت: «هر چه به شما گوید، بکنید.» <sup>۵</sup>در آنجا شش خمره سنگی بود که برای آداب تطهیر یهودیان به کار می رفت، و هر کدام گنجایش دو یا سه کیل داشت. <sup>۶</sup>عیسی خدمتکاران را گفت: «این خمره ها را از آب پر کنید.» پس آنها را لبالب پر کردند. <sup>۷</sup>سپس به ایشان گفت: «حال اندکی از آن برگزید و نزد رئیس مجلس ببرید.» پس بردند. <sup>۸</sup>رئیس مجلس آب را که شراب شده بود چشید. او نمی دانست آن را از کجا آورده اند، هر چند خدمتکارانی که آب را کشیده بودند، می دانستند. پس رئیس مجلس داماد را فرا خواند <sup>۹</sup>و به او گفت: «همه نخست با شراب ناب پذیرایی می کنند و چون میهمانان مست شدند، شراب ارزانتر را می آورند؛ اما تو شراب ناب را تا این دم نگاه داشته ای!» <sup>۱۰</sup>بدین سان عیسی نخستین آیت خود را در قانای جلیل به ظهور آورد و جلال خویش را آشکار ساخت و شاگردانش به او ایمان آوردند.

۲: ۱ "عروسی بود" عروسیهای روستایی رخدادهای مهمی اجتماعی بودند. آنها اغلب تمام روستا را در بر می گرفتند و چندین روز به طول می انجامیدند.

■ "قانا" این کلمه فقط در انجیل یوحنا به کار رفته است (انجیل یوحنا ۲: ۱، ۱۱، ۴: ۴۶، ۲۱: ۲). در مورد آن اطلاعاتی ذیل داریم.

۱. شهر نتنائیل است
  ۲. محل نخستین معجزه عیسی است
  ۳. نزدیک کفرناحوم است
  - چهار مکان پیش بینی شده اند (AB، جلد ۱، صفحه ۸۲۷)
  ۱. عین غنیا در یک مایلی شمال ناصره
  ۲. کفر قانا، در تقریباً سه مایلی شمال شرقی ناصره
  ۳. خیریت قانا، یک تل در حدود هشت و نیم مایلی شمال ناصره بر روی یک تپه
  ۴. قانا در دشت آسوجی که توسط جوزپوس اشاره شده (Life، ۸۶، ۲۰۶)
- موقعیت محلی در بیابان به نظر می رسد که با قانا همخوانی داشته باشد، که در عبری به معنی "نی" (ساز نی) است.

■ "مادر عیسی آنجا بود" ظاهراً مریم برای تدارکات عروسی آنجا بود. این را می توان در آیات زیر دید:

۱. او به خدمتکاران دستور داد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۵)
۲. توجه او به پذیرایی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۳)
- اینها احتمالاً از خویشاوندان یا دوستان خانوادگی بودند.

۲: ۳ "شراب ندارند" این یک سنت الزامی یهودی است که به مهمانان شراب دهند. مشخص است که این شراب تخمیر شده است، همانطور که در زیر دیده

۱. اظهارات رئیس مجلس، انجیل یوحنا ۲: ۹ و ۱۰
۲. سنتهای یهودی در روز عیسی، یا (۳) نبود فرایندهای بهداشتی یا افزودنیهای شیمیایی

## موضوع خاص: گرایش انجیلی نسبت به الکل و سو استفاده از الکل

(SPECIAL TOPIC: BIBLICAL ATTITUDES TOWARD ALCOHOL AND ALCOHOL ABUSE)

### I. اصطلاحات انجیلی

#### A. عهد عتیق

۱. *Yayin*، این اصطلاح کلی برای شراب است (BDB 406, KB 409)، که ۱۴۱ مرتبه تکرار شده است. ریشه‌یابی این اصطلاح نامشخص است زیرا ریشه آن عبری نیست. همیشه معنی آن آب میوه (معمولاً انگور) تخمیر شده است. برخی متونی که این اصطلاح در آنجا استفاده شده عبارتند از: پیدایش ۹: ۲۱، خروج ۲۹: ۴۰، اعداد ۱۵: ۵ و ۱۰.
۲. *Tirosh*، این اصطلاح یعنی "شراب تازه" (BDB 440, KB 1727). به واسطه شرایط آب و هوایی در خاور نزدیک، تخمیر از شش ساعت پس از گرفتن آب میوه شروع می‌شود. این اصطلاح به شرابی اشاره می‌کند در حین انجام فرایند تخمیر است. برخی از متونی که این اصطلاح در آنجا استفاده شده عبارتند از: تثنیه ۱۲: ۱۷، ۱۸: ۴، اشعیا ۶۲: ۸ الی ۹، یوشع ۴: ۱۱).
۳. *Asis*، بدیهی است که این نوشیدنی الکلی است ("شراب شیرین"، BDB 1016, KB 1500، مثلاً یوئیل ۱: ۵، اشعیا ۴۹: ۲۶).
۴. *Sekar*، این اصطلاح یعنی "نوشیدنی قوی". ریشه عبری این اصطلاح در اصطلاح "مست" یا "می‌خواره" استفاده شده است. چیزی به آن اضافه شده تا بیشتر مست کند. این اصطلاح همسوبا *yayin* است (مراجعه شود به امثال ۲۰: ۱، ۳۱: ۶، اشعیا ۲۸: ۷).

#### B. عهد جدید

۱. *Oinos*، معادل یونانی *yayin*
۲. *Neos oinos*، (شراب تازه)، معادل یونانی برای *Tirosh*، (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۲)
۳. *Gleuchos vinos*، (شراب شیرین، *asis*)، شرابی که در مراحل اولیه تخمیر است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۱۳)

### II. استفاده انجیلی

#### A. عهد عتیق

۱. شراب هدیه خداست (پیدایش ۲۷: ۲۸، مزمو ۱۰۴: ۱۴ الی ۱۵، امثال ۹: ۷، یوشع ۲: ۸ الی ۹، یوئیل ۲: ۱۹ و ۲۴، عاموس ۹: ۱۳، زکریا ۱۰: ۷)
۲. شراب یکی از تقدیمی‌های مراسم قربانی کردن است (خروج ۲۹: ۴۰، لاویان ۲۳: ۱۳، اعداد ۱۵: ۷ و ۱۰، ۲۸: ۱۴، تثنیه ۱۴: ۲۶، داوران ۹: ۱۳)
۳. شراب به عنوان دارو استفاده می‌شود (دوم سموئیل ۱۶: ۲، امثال ۳۱: ۶ الی ۷)
۴. شراب می‌تواند یک مشکل جدی باشد (نوح- پیدایش ۹: ۲۱، لوط، پیدایش ۱۹: ۳۳ الی ۳۵، شمعون- داوران ۱۶، نابال- اول سموئیل ۲۵: ۲۶، اوریا- دوم سموئیل ۱۱: ۱۳، امنون- دوم سموئیل ۱۳: ۲۸، ایله- اول پادشاهان ۱۶: ۹، بنهدد- اول پادشاهان ۲۰: ۱۲، رهبران- عاموس ۶: ۶، و زنان- عاموس ۴)
۵. شراب می‌تواند مورد سو استفاده قرار گیرد (امثال ۲۰: ۱، ۲۳: ۲۹ الی ۳۵، ۳۱: ۴ الی ۵، اشعیا ۵: ۱۱ و ۲۲، ۱۹: ۱۴، ۲۸: ۷ الی ۸، یوشع ۴: ۱۱)
۶. شراب برای گروه‌های خاصی ممنوع شده است (کشیشان در حال خدمت، لاویان ۱۰: ۹، حزقیال ۴۴: ۲۱، ناصریان، اعداد ۶، و حاکمان، امثال ۳: ۴ الی ۵، اشعیا ۵۶: ۱ الی ۱۲، یوشع ۷: ۵)
۷. شراب به صورت اسکاتولوژیک استفاده شده است (عاموس ۹: ۱۳، یوئیل ۳: ۱۸، زکریا ۹: ۱۷)

#### B. سایر نگرشها

۱. در برقراری میانه روی بسیار کمک کننده است (جامعه ۳۱: ۲۷ الی ۳۳)
۲. روحانیون می‌گویند "شراب بهترین داروها است، هر جا که شراب نباشد، به دارو نیاز است" (BB 58b)

#### C. عهد جدید

۱. عیسی حجم زیادی از آب را به شراب تبدیل کرد (انجیل یوحنا ۲: ۱ الی ۲)

۲. عیسی شراب نوشید (انجیل متی ۱۱: ۱۸ الی ۱۹، انجیل لوقا ۷: ۳۳ الی ۳۴، ۲۲: ۱۷)
۳. پطرس متهم به مستی با شراب تازه در پنتیکاست شد (اعمال رسولان ۲: ۱۳)
۴. شراب می تواند به عنوان دارو مورد استفاده قرار گیرد (انجیل مرقس ۱۵: ۲۳، انجیل لوقا ۱۰: ۳۴، اول تیموتائوس ۵: ۲۳)
۵. رهبران نباید سواستفاده گر باشند. این بدین معنی نیست که باید طرفدار منع استفاده از الکل باشند (اول تیموتائوس ۳: ۳ و ۸، تیتوس ۱: ۷، ۲: ۳، اول پطرس ۴: ۳)
۶. شراب به صورت اسکاتولوژیک استفاده شده است (انجیل متی ۲۲: ۱، مکاشفه ۱۹: ۹)
۷. مستی پیشمانی است (انجیل متی ۲۴: ۴۹، انجیل لوقا ۱۲: ۴۵، ۲۱: ۳۴، اول قرنتیان ۵: ۱۱ الی ۱۳، ۶: ۱۰، غلاطیان ۵: ۲۱، اول پطرس ۴: ۳، رومیان ۱۳: ۱۳ الی ۱۴)

### III.

بینش الهیاتی

#### A. تنشها و جدلها

۱. شراب هدیه خدا است
۲. مستی مشکل اساسی است
۳. مومنین در برخی از فرهنگها باید به خاطر انجیل آزادیهای خود را محدود کنند (انجیل متی ۱۵: ۱ الی ۲۰، انجیل مرقس ۷: ۱ الی ۲۶، اول قرنتیان ۸: ۱۰، رومیان ۱۴)

#### B. گرایش در عبور از مرزها

۱. خدا منشا همه خوبیها است

- a. غذا، انجیل مرقس ۷: ۱۹، انجیل لوقا ۱۱: ۴۴، اول قرنتیان ۱۰: ۲۵ الی ۲۶
- b. همه چیز پاک است، رومیان ۱۴: ۱۴ و ۲۰، اول تیموتائوس ۴: ۴
- c. همه چیز مجاز است، اول قرنتیان ۶: ۱۲، ۱۰: ۲۳
- d. همه چیز خالص است، تیتوس ۱: ۱۵

۲. انسان سقوط کرده از تمامی هدایای خدا با فرارفتن از مرزها و محدودیتها، سو استفاده کرده است

C. سو استفاده در ما است، نه در چیزها. در خلقت هیچ چیز شیطانی وجود ندارد

### IV. فرهنگ یهودیت قرن اول و تخمیر

- A. تخمیر خیلی سریع آغاز می شود، تقریبا شش ساعت بعد از اینکه انگور له شد
- B. آداب یهود می گوید وقتی کف نازکی بر روی سطح ظاهر شد (به نشانه تخمیر)، تبدیل به شراب شده است (ما آسروت ۱: ۷). به این "شراب تازه" یا "شراب شیرین" گفته می شود.
- C. تخمیر اولیه پس از یک هفته کامل می شود.
- D. تخمیر ثانویه حدود ۴۰ روز به طول می انجامد. در این مرحله به آن "شراب کهنه" گفته می شود و می توان آن را به محراب تقدیم کرد (ادهویوت ۶: ۱)
- E. شرابی که با تنه نشین آن باشد (شراب قدیمی) شراب خوب تلقی می شود، ولی باید قبل از استفاده از به خوبی صاف و تصفیه شود.
- F. شراب یک سال پس از تخمیر به خوبی عمل می آید. سه سال بیشترین مدتی است که می توان شراب را نگاهداری کرد. در این مدت به آن شراب قدیمی گفته می شود و باید با آب رقیق گردد.
- G. فقط طی ۱۰۰ سال گذشته در محیطهای استریل و مواد افزودنی شیمیایی می توان مدت زمان تخمیر را به تعویق انداخت. در دوران قدیم نمی توانستند فرایند تخمیر را متوقف سازند.

### V. جمع بندی

- A. اطمینان حاصل کنید که تجربه، الهیات و تفسیر انجیلی عیسی و فرهنگ یهودی / مسیحی قرن اول را کم بها نمی کند. بدیهی است که آنها به طور کامل طرفدار منع مصرف مشروبات الکلی نبودند.
- B. من مدافع مصرف الکل نیستم! با این وجود، بسیاری شاهد موضع گیری انجیل در این خصوص هستند و اینک ادعای ارجحیت بر رسوم فرهنگی را دارند.
- C. از نظر من، رومیان ۱۴ و اول قرنتیان ۸: ۱۰ بینش و خط مشی بر اساس محبت و رفاقت برای مومنین ارائه کرده اند و انجیل را در فرهنگ ما نشر کرده اند، نه آزادی فردی یا داوری انتقادی را. اگر انجیل تنها مرجع ایمان و تجربه است، پس شاید ما باید در مورد این مسئله مجددا فکر کنیم.

D. اگر ما کلام منع مصرف الکل را اراده خدا بدانیم، پس در مورد عیسی چه باید گفت، در فرهنگ مدرن هم ما به طور مرتب شراب می نوشیم (مثلا اروپا، اسرائیل، آرژانتین).

۲:۴ "زن" در انگلیسی این به نظر غیرمودبانه می آید، ولی یک اصطلاح یهودی و یک عنوان از روی احترام است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۱، ۸: ۱۰، ۱۹: ۲۶، ۲۰: ۱۵)

NASB	"آن را چه ربطی به ما دارد؟"
NKJV	"این بحث تو چه ربطی به من دارد؟"
NRSV	"این مسئله چه ربطی به من و تو دارد؟"
TEV	"تو به من نباید بگویی که چکار کنم"
NJB	"از من چه می خواهی؟"

عبارت "این چه ربطی به من و تو دارد" یک اصطلاح عبری است، به بیانی (رجوع شود به داوران ۱۱: ۱۲، دوم سموئیل ۱۶: ۱۰، ۱۹: ۲۲، اول پادشاهان ۱۷: ۱۸، دوم پادشاهان ۳: ۱۳، دوم قرنتیان ۳۵: ۲۱، انجیل متی ۸: ۲۹، انجیل مرقس ۱: ۲۴، ۵: ۷، انجیل لوقا ۴: ۳۴، ۸: ۲۸، انجیل یوحنا ۲: ۴). این احتمالا شروع رابطه جدید عیسی با خانواده اش بود (رجوع شود به انجیل متی ۱۲: ۴۶ به بعد، انجیل لوقا ۱۱: ۲۷ و ۲۸).

■ "ساعت من هنوز فرا نرسیده" این نشاندهنده خود-آگاهی عیسی نسبت به تقدیری است که برایش تعیین شده (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵). یوحنا از کلمه "ساعت" به شیوه های مختلف استفاده کرده است.

۱. برای زمان (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۹، ۴: ۶ و ۵۲ و ۵۳، ۹: ۱۱، ۱۶: ۲۱، ۱۹: ۱۴، ۱۹: ۲۷)
۲. برای پایان وقت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۱ و ۲۳، ۵: ۲۵ و ۲۸)
۳. برای آخرین روزش (دستگیری، محاکمه، مرگ، رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۴، ۷: ۳۰، ۸: ۲۰، ۱۲: ۲۳ و ۲۷، ۱۳: ۱، ۱۶: ۳۲، ۱۷: ۱)

۲:۵ "هر چه به شما گوید، بکنید" مریم منظور عیسی از حرفی که زد را درک نکرد و مانع این شد که از طرف او در این موقعیت کاری انجام دهد.

NASB	"به خاطر سنت تطهیر یهود"
NKJV	"بر اساس شیوه تطهیر"
NRSV	"به خاطر آداب و رسوم تطهیر یهود"
TEV	"به خاطر شستشو که میان یهودیان رسم است"

از ظرفهای آب در مراسم برای شستشوی پاها، دستها و ظروف و غیره استفاده می شد. یوحنا از این توصیف استفاده می کند تا عوام بتوانند موقعیت را درک کنند.

۲:۶ - ۷ "شش خمره سنگی آب" همان طور که اغلب در نوشته های یوحنا دیده می شود، به نظر می رسد که این بیان، هدف دوگانه ای را در بر داشته باشد.

۱. کمک به زوجی که عروسی کرده اند
۲. نهایتا نشانی است که به عیسی به عنوان تحقق یهودیت اشاره دارد. دلیلی که در پس این آخرین عبارت قرار دارد می تواند یکی از موارد زیر باشد:
  - a. عدد شش می تواند نمادی از تلاش انسان باشد
  - b. درخواست عیسی برای لب به لب پر کردن آنها می تواند مفهوم نمادین داشته باشد، نه فقط دادن شراب بیشتر
  - c. شراب به مقدار بسیار زیاد؛ که به مراتب فراتر از آن مقدار است که در عروسیها مورد نیاز باشد
  - d. شراب نماد فراوانی عصر جدید است (رجوع شود به ارمیا ۳۱: ۱۲، حزقیال ۲: ۲۲، ۷: ۱۴، یوئیل ۳: ۱۸، عاموس ۹: ۱۲ الی ۱۴)

■ "هرکدام حاوی بیست یا سی گالن بودند" مقیاس استفاده شده کلمه عبری bath است. سه اندازه متفاوت bath در دوران عیسی وجود داشت، بنابراین مقدار مشخص نیست، ولی این معجزه حجم عظیمی از شراب را در بر می گرفت.

## موضوع خاص: مقیاسهای وزن و حجم ANE

### (SPECIAL TOPIC: ANCIENT NEAR EASTERN WEIGHTS AND MEASURES (METROLOGY))

وزن و مقیاسهای اندازه گیری که در تجارت مورد استفاده قرار می گرفتند در اقتصاد دوران قدیم بسیار اهمیت داشتند. انجیل می گوید که یهودیان در معاملات با یکدیگر منصف بودند (مراجعه شود به لاویان ۱۹: ۳۵ الی ۳۶، تثنیه ۲۵: ۱۳ الی ۱۶، امثال ۱۱: ۱، ۱۱: ۱۶، ۲۰: ۱۰). مشکلات واقعی فقط صداقت نبود، اصطلاحات و سیستمهایی بودند که در فلسطین مورد استفاده قرار می گرفتند. به نظر می رسد که دو نوع مقیاس برای وزن وجود داشت: یک مقیاس سبک و یک مقیاس سنگین برای هر مقداری (به کتاب *The Interpreter's Dictionary of the Bible* جلد چهارم، صفحه ۸۳۱ مراجعه کنید. همچنین سیستم دسیمال (مبنای ۱۰) مصری با مقیاس مبنای ۶ بین النهرین ادغام شده بود.

بسیاری از اندازه ها و مقادیر استفاده شده بر مبنای اعضای بدن انسان، بار حیوانات، و صندوقهای کشاورزان بودند که هیچکدام آنها استانداردی نداشتند. بنابراین، نمودارها فقط به صورت تقریبی بودند. ساده ترین شیوه برای نشان دادن مقیاسهای وزن بر اساس نمودارهای نسبی است

#### I. اصطلاحات حجم که بیشترین کاربرد را داشتند

##### A. مقیاسهای خشک

۱. هومر (Homer) (BDB 330)، احتمالاً بار خر، (BDB331) لاویان ۲۷: ۱۶، یوشع ۳: ۲
۲. لتخ (Letekh) (یا لتج - Letekh, BDB547)، احتمالاً برگرفته شده از یوشع ۳: ۲
۳. افاه (Ephah) (BDB35)، کتاب خروج ۱۶: ۳۶، لاویان ۱۹: ۳۶، حزقیال ۴۵: ۱۰ الی ۱۱ و ۱۳ و ۲۴
۴. سئاه (Se'ah) (BDB684)، کتاب پیدایش ۱۸: ۶، اول سموئیل ۲۵: ۱۸، اول پادشاهان ۱۸: ۳۲، دوم پادشاهان ۷: ۱ و ۱۶ و ۱۸
۵. اُمر (Omer) (BDB 771 II)، احتمالاً یک شیف - یک ردیف از دانه های افتاده، BDB 771 I، کتاب خروج ۱۶: ۱۶ و ۲۲ و ۳۶، لاویان ۲۳: ۱۰ الی ۱۵
۶. ایسارون (Issaron) (BDB 798) - یک دهم افاه، کتاب خروج ۲۹: ۴۰، لاویان ۱۴: ۲۱، اعداد ۱۵: ۴، ۲۸: ۵ و ۱۳
۷. کاو (Qav) (یا کاب، BDB 866)، دوم پادشاهان ۶: ۲۵

##### B. مقیاسهای مایع

۱. کر (Kor) (BDB 499)، حزقیال ۴۵: ۱۴ (می تواند مقیاس خشک هم باشد، مراجعه شود به دوم تواریخ ۲: ۱۰، ۲۷: ۵)
  ۲. بث (Bath) (BDB 144 II)، اول پادشاهان ۷: ۲۶ و ۳۸، دوم تواریخ ۲: ۱۰، ۴: ۵، اشعیا ۵: ۱۰، حزقیال ۴۵: ۱۰ الی ۱۱ و ۱۴
  ۳. هین (Hin) (BDB 228)، کتاب خروج ۲۹: ۴۰، لاویان ۱۹: ۳۶، حزقیال ۴۵: ۲۴
  ۴. لاگ (Log) (BDB 528)، لاویان ۱۴: ۱۰ و ۱۲ و ۱۵ و ۲۱ و ۲۴
- C. نمودار (از *Roland deVaux, Ancient Israel, vol. 1, p. 201* و *Encyclopedia Judaica, vol. 16, p. 379*)

هومر (خشک) = کو (مایع یا خشک)	۱
افاه (خشک) = بث (مایع)	۱۱۰
سئاه (خشک)	۱۳۳۰
هین (مایع)	۱۲۶۶۰
اور/ایسارون (خشک)	۱۰۱۰۰ - ۱
کار/کاب (خشک)	۱۳۶۱۸۱۸۰
لاگ (مایع)	۴۱ - ۱۲۲۴۷۲۷۲۰

#### II. اصطلاحات وزن که بیشترین کاربرد را داشتند

##### A. متداولترین واحدهای وزن، سه واحد تالنت (talent)، شکل (shekel) و گراه (gerah) بودند

۱. بزرگترین واحد وزن در عهد عتیق تالنت است، از کتاب خروج ۳۸: ۲۵ و ۲۶ درمی یابیم که یک تالنت برابر ۳۰۰۰ شکل (یعنی وزن گرد شده، BDB 503) است.
۲. اصطلاح شکل (BDB 1053، وزن) اغلب استفاده می شود ولی در متن بیان نشده است. ارزشهای مختلفی برای شکل در عهد عتیق ذکر شده است.

a. استاندارد تجاری (NASB)، کتاب پیدایش ۲۳: ۱۶

b. شکل محراب (NASB)، کتاب پیدایش ۳۰: ۱۳



- c. وزن پادشاه (NASB)، دوم سموئیل (۱۴: ۲۶)، همچنین در نسخه پاپیروسی Elephantine از آن با وزن سلطنتی نام برده شده است.
۳. هر ۲۰ گراه (BDB 176 II) برابر یک شکل است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۰: ۱۳، لاویان ۲۷: ۲۵، اعداد ۳: ۴۷، ۱۸: ۱۶، حزقیال ۴۵: ۱۲). معیار این مقیاسها از بین النهرین تا مصر تفاوت داشتند. در اسرائیل از ارزیابی متداول در کنعان استفاده می شده است.
۴. مینا (BDB 584)، هر ۵۰ یا ۶۰ شکل یک مینا است. این اصطلاح بیشتر در کتب جدیدتر عهد عتیق دیده می شود (حزقیال ۴۵: ۱۲، عزرا ۲: ۶۹، نحμία ۷: ۷۱ الی ۷۲). حزقیال از مقیاس ۶۰ به ۱ استفاده می کرد در حالیکه کنعان از مقیاس ۵۰ به ۱ استفاده می نمود.
۵. بکا (BDB 132)، نیم شکل، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۴: ۲۲) فقط دو مرتبه در عهد عتیق استفاده شده است (مراجعه شد به کتاب پیدایش ۲۴: ۲۲، کتاب خروج ۳۸: ۲۶) و ارزش آن برابر با نیم شکل است. معنی این کلمه تقسیم کردن است.
- B. نمودار

۱.	بر اساس کتب پنجگانه							
	تالنت	۱						
	مینا	۶۰	۱					
	شکل	۳۰۰۰	۵۰	۱				
	بکا	۶۰۰۰	۱۰۰	۲	۱			
	گراه	۶۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۰	۱۰	۱		
۲.	بر اساس حزقیال							
	تالنت	۱						
	مینا	۶۰	۱					
	شکل	۳۶۰۰	۶۰	۱				
	بکا	۷۲۰۰	۱۲۰	۲	۱			
	گراه	۷۲۰۰۰	۱۲۰۰	۲۰	۱۰	۱		

۸: ۲

NASB	"رئیس"
NKJV, NRSV	"رئیس مجلس"
REB	"سر پیشخدمت"
TEV	"مردی که مسئول مهمانی بود"
NJB	"رئیس مهمانی"

این فرد می تواند یا (۱) یک مهمان محترم باشد که مسئول مراسم بود یا (۲) برده ای که به مهمانان خدمت می کند.

۲: ۱۰ نکته اینجاست که معمولاً بهترین شراب، اول برای میهمانان ریخته می شد. بعد از اینکه مهمانان گرم شدند، شراب با کیفیت پائین پذیرایی می شد. ولی در اینجا بهترین، در آخر ریخته شد! به نظر می رسد که اینجا تناقضی میان پیمان عهد عتیق (شراب قدیمی) و پیمان جدید یهودی (شراب جدید) در عیسی وجود داشته باشد (رجوع شود به کتاب عبرانیان). تطهیر معبد توسط عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۳ الی ۲۵، ظاهراً یوحنا بخاطر اهداف الهی، در زمانی غیر از زمانی که صورت گرفته این را مطرح می کند) این حقیقت را نمادین می سازد.

۲: ۱۱ "نخستین آیت خود" انجیل یوحنا حول هفت نشان و تفسیر آنها بنا شده است. این نخستین آنها است. به موضوع خاص: *Archē* مراجعه نمایید.

■ "جلال خویش را آشکار ساخت و شاگردانش به او ایمان آوردند" آشکار ساختن (به یادداشت فعل در انجیل یوحنا ۱: ۳۱ مراجعه کنید) جلال عیسی هدف معجزات بود. به نظر می رسد این معجزه، به همراه بسیاری دیگر، برای شاگردان و پیروان برنامه ریزی شده بودند! این به اعمال اولیه آنها از روی ایمان ربطی ندارد، بلکه در ارتباط با تداوم درک وی و کارهایش بود. معجزات، شخصیت واقعی و کارهای مسیح را آشکار می ساختند. مشخص نیست که آیا میهمانان متوجه شدند که چه اتفاقی افتاده یا نه.

۱۲:۲: "کفرناحوم" پس از ایمان نیاوردن ناصره (رجوع شود به انجیل لوقا ۴: ۱۶ الی ۳۰) اینجا تبدیل به مقر اصلی عیسی در جلیل گشت (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۳، انجیل مرقس ۱: ۲۱، ۲: ۱، انجیل لوقا ۴: ۲۳ و ۳۱، انجیل یوحنا ۲: ۱۲، ۴: ۴۶ و ۴۷).

این نگاهی اجمالی به بشارت عیسی برای به خانواده اش، در پرتو این معجزه در قانا است.

### دیدگاه‌های متنی به ۲: ۱۳-۲۵

A. میان اساتید بحث‌های زیادی هست. یوحنا تطهیر را در اوایل بشارت عیسی به ثبت رسانده است، در حالیکه سایر اناجیل (انجیل متی ۲۱: ۱۲، انجیل مرقس ۱۱: ۱۵، و انجیل لوقا ۱۹: ۴۵) عمل تطهیر معبد را در هفته آخر زندگی عیسی توصیف می‌کنند.

با این حال، این احتمال وجود دارد که یوحنا اعمال عیسی را با اهداف الهی سازمان داده باشد (یعنی، یوحنا از همان فصل نخست بر روی تماماً الهی بودن عیسی بحث داشته است). هر یک از نویسندگان انجیل این آزادی را داشتند که بر اساس الهامی که می‌گیرند اعمال و آموزشهای عیسی را انتخاب کرده، تطبیق داده، سازمان دهی کرده و خلاصه نمایند. من تصور نمی‌کنم که آنها این اختیار را داشتند که حرف در دهان عیسی بگذارند یا خردادی را از خودشان بسازند. باید به خاطر داشت که اناجیل، بیوگرافیهای مدرن نیستند، بلکه مروجینی بودند که برای خوانندگان خاص و منتخب می‌نوشتند. اناجیل به ترتیب زمانی نیستند، و همین طور هم عینا کلام عیسی را ثبت نکرده‌اند (نسبتاً خلاصه کرده‌اند). این مورد دلالت بر این ندارند که آنها دقیق نیستند. نوشته‌های شرقی برخلاف نوشته‌های غربی بر اساس یک سری توقعات فرهنگی متفاوت نگاشته می‌شوند. به کتاب *How To Read the Bible For All Its Worth* نوشته گوردون فی و داگلاس استوارت، صفحات ۱۲۷ الی ۱۴۸ مراجعه کنید.

B. موضوع تطهیر معبد در چهارچوب اهداف کلی مذهبی یوحنا از اقدامات عیسی با یهودیان در ابتدا قرار می‌گیرد. این را می‌توان در بحث وی با نیکودیموس در انجیل یوحنا ۳ (یهودیت ارتدکسی) دید.

### مطالعه کلمات و عبارات

#### NASB: یوحنا ۲: ۱۳ الی ۲۲

چون عید پسخِ یهود نزدیک بود، عیسی به اورشلیم رفت. در صحن معبد، دید که عده‌ای به فروش گاو و گوسفند و کبوتر مشغولند، و صرافان نیز به کسب نشسته‌اند. پس تازیانه‌ای از طناب ساخت و همه آنها را همراه با گوسفندان و گاو، از معبد بیرون راند. و سکه‌های صرافان را بر زمین ریخت و تختهایشان را واژگون کرد، و کبوترفروشان را گفت: "اینها را از اینجا بیرون برید، و خانه پدر مرا محل کسب مسازید!" آنگاه شاگردان او به یاد آوردند که نوشته شده است: "غیرت برای خانه تو مرا خواهد سوزانید." مزمور ۶۹: ۹. پس یهودیان در برابر این عمل او گفتند: "چه آیتی به ما می‌نمایانی تا بدانیم اجازه چنین کارها را داری؟" عیسی در پاسخ ایشان گفت: "این معبد را ویران کنید که من سه روزه آن را باز بر پا خواهم داشت."

یهودیان گفتند: "بنای این معبد چهل و شش سال به طول انجامیده است، و حال تو می‌خواهی سه روزه آن را بر پا کنی؟" لیکن معبدی که او از آن سخن می‌گفت پیکر خودش بود. پس هنگامی که از مردگان برخاست، شاگردانش این گفته او را به یاد آورده، به کتب مقدس و سخنان او ایمان آوردند.

۱۳:۲ "عید پسخ" این عید سالانه در خروج ۱۲ و تثنیه ۱۶: ۱ الی ۶ توصیف شده است. این عید تنها وسیله‌ای است که می‌توانیم بر اساس آن زمان بشارت عیسی را بدانیم. سایر اناجیل می‌گویند که عیسی فقط برای یک سال بشارت داد (فقط به یک عید پسخ اشاره شده است). ولی یوحنا به سه عید پسخ اشاره می‌کند: (۱) انجیل یوحنا ۲: ۱۳ و ۲۳، (۲) انجیل یوحنا ۶: ۴، و (۳) انجیل یوحنا ۱۱: ۵۵، ۱۲: ۱، ۱۳: ۱، ۱۸: ۲۸ و ۳۹، ۱۹: ۱۴. احتمال عید چهارمی هم در انجیل یوحنا ۵: ۱ وجود دارد. ما نمی‌دانیم بشارت عمومی عیسی چه مدت به طول انجامید، ولی انجیل یوحنا می‌گوید که حداقل سه سال و احتمالاً چهار یا پنج سال بوده است.

یوحنا انجیل خود را بر اساس اعیاد یهود تنظیم کرده است (پسخ، خیمه‌ها، و هانوکا، به *Biblical Exegesis in the Apostolic Period, 2nd ed.* نوشته ریچارد ن. لونگرکر صفحات ۱۳۵ الی ۱۳۹ مراجعه کنید).

## موضوع خاص: عید پسخ

### (SPECIAL TOPIC: THE PASSOVER)

#### I. کلام آغازین

- A. داوری الهی مصریان و رهایی اسرائیل، علامتی است برای عشق به یهودیان و ایجاد اسرائیل به عنوان یک ملت (به عنوان مثال برای پیامبران).
- B. خروج، تحقق خاصی از وعده یهوه به ابراهیم در پیدایش ۱۵: ۱۲ الی ۲۱ است. عید پسخ یادآور خروج است.
- C. این آخرین، فراگیرترین (به لحاظ جغرافیایی، یعنی مصر و گشن) و ویرانگرترین (اولین بار از انسان و گاو کشته شده) از ده بلایی است که توسط یهوه بر مصر از طریق موسی وارد شد.

#### II. خود اصطلاح، (BDB 820, KB 947)

- A. معنای اسم نامعلوم است
۱. مرتبط با "بلا" در نتیجه "ضربه زدن" (خروج ۱۱: ۱)، فرشتگان یهوه بر اولین فرزندان انسانها و حیوانات ضربه می‌زنند
- B. معنی فعل
۱. لمس کردن یا هبوط (مراجعه شود به دوم سموئیل ۴: ۴)، در مفهوم "خانه‌های علامتگذاری شده را رد کردن" (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲: ۱۳ و ۲۳ و ۲۷، BDB 619، ریشه یابی عمومی)
۲. رقصیدن (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۸: ۲۱)
۳. اکادادیان - فرونشاندن
۴. مصری - ضربه زدن
۵. افعال همسو در اشعیا ۳۱: ۵، "جبهه گرفتن و محافظت کردن" (مراجعه شود به REB خروج ۱۲: ۱۳)
۶. موسیقی محبوب مسیحیان اولیه میان پسخ عبری تا *paschō* یونانی، "تحمل کردن"
- C. سوابق تاریخی احتمالی
۱. قربانی چوپان برای سال نو
۲. قربانی بادیه نشین و غذای اشتراکی در زمانی کوچ بهاری برای دورکردن شیطان
- D. دلایل اینکه بسیار سخت است که بتوان در مورد معنی خود کلمه اطمینان داشت، و همچنین تفاوت‌هایی که در سایر مراسم مذهبی باستانی یافت شده‌اند
۱. تاریخ بهار
۲. ریشه یابی لغت امکانپذیر نیست
۳. در ارتباط با نگهبانان شبگرد است
۴. استفاده از خون
۵. به تصویر کشیدن فرشتگان و شیاطین
۶. غذای خاص
۷. عناصر کشاورزی
۸. نبود روحانی، نبود محراب، تمرکز محلی

#### III. رخداد

- A. خود رخداد در کتاب خروج ۱۱ الی ۱۲ به ثبت رسیده است
- B. جشن سالانه در کتاب خروج ۱۲ توضیح داده شده است و شامل یک جشن هشت روزه با جشن نان نعنای است.
۱. در اصل این یک جشن محلی بود، مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲: ۲۱ الی ۲۳، تشبیه ۱۶: ۵ (مراجعه شود به اعداد ۹)
۲. تبدیل به رخدادی در زیارتگاه مرکزی شد
۳. این ترکیبی از قربانی کردن محلی است (یعنی خون بره برای گذشت از فرشته مرگ) و جشن درو در محراب مرکزی با جشنهای ابیب (Abib) یا نیشان (Nisan) ۱۴ و ۱۵ الی ۲۱ تکمیل می‌شود.
- C. مالکیت نمادین تمامی فرزندان اول انسانها و دامها و رستگاری آنها در کتاب خروج ۱۳ توضیح داده شده است.

#### IV. سوابق تاریخی از مشاهدات

- A. اولین عید پسخ در مصر جشن گرفته در، خروج ۱۲  
 B. در کوه هورب (Horeb) یا سینا، اعداد ۹  
 C. اولین پسخ در کنعان (گیلگال) جشن گرفته شد، یوشع ۵: ۱۰ الی ۱۲  
 D. در دورانی که سلیمان خود را وقف معبد کرده بود، اول پادشاهان ۹: ۲۵ و دوم تواریخ ۸: ۱۲ (احتمالا، صراحتا ذکر نشده است)  
 E. در طول دوره حکومت حزقیا، دوم تواریخ ۳۰  
 F. در طول دوره اصلاحات جوزیا، دوم پادشاهان ۲۳: ۲۱ الی ۲۳، دوم تواریخ ۳۵: ۱ الی ۱۸  
 G. به دوم پادشاهان ۲۳: ۲۲ و دوم تواریخ ۳۵: ۱۸ توجه کنید که به نادیده گرفتن اسرائیل در حفظ جشنهای سالانه اشاره می کند
- V. اهمیت

A. اینها روزهای مهم از جشنهای سالانه هستند (مراجعه شود به خروج ۲۳: ۱۴ الی ۱۷، ۳۴: ۲۲ الی ۲۴، تثنیه ۱۶: ۱۶):

۱. پسخ/نان ننعاع

۲. جشن هفته ها

۳. جشن غرفه ها

B. موسی در تثنیه روزی را پیش بینی کرده بود که در محراب مقدس به آن توجه می شود (همانند دو جشن دیگر)

C. عیسی از فرصت غذای پسخ سالانه (یاز قبل از آن) برای آشکار ساختن پیمان جدید با استفاده از نان و شراب به صورت نمادین استفاده می کند، ولی از بره نه:

۱. غذای اشتراکی

۲. قربانی رستگاری

۳. اهمیت آن برای نسلهای بعدی

■ "عیسی به اورشلیم رفت" یهودیان از اورشلیم همیشه با احساس مذهبی یاد می کنند تا یک مکان جغرافیایی.

۲: ۱۴ "در معبد" معبد هیروود بزرگ (پادشاهی که از ۳۴ تا ۷ قبل از میلاد بر فلسطین حکومت می کرد) به هفت بخش مختلف تقسیم می شد. بخش بیرونی بخش عوام بود، که کاسبان مغازه های خود را آنجا برپا می کردند تا کسانی که می خواستند قربانی یا هدایای ویژه ای ببرند، به راحتی بتوانند آنچه می خواهند پیدا کنند.

■ "گاوان و گوسفندان و کبوتران" مردمی که از راههای دور سفر کرده بودند نیاز داشتند که قربانی قابل قبولی خریداری کنند. اما خانواده روحانی اعظم این مغازه ها را کنترل می کردند و مبالغ گزافی بابت حیوانات پول می گرفتند. و نیز می دانیم که اگر مردم حیوانات خودشان را می بردند، کشیشان می گفتند که آن حیوانات به دلیل برخی مشکلات فیزیکی قابل قبول نیستند. بنابراین آنها مجبور بودند که از این دلان حیوانی خریداری کنند.

■ "صرافان" دو تعریف برای این قبیل افراد وجود دارد:

۱. تنها سکه ای که معبد قبول می کرد سِکِل بود. از آنجا که سِکِل یهودی مدتها بود که دیگر ضرب نمی شد، در دوران عیسی معبد فقط سِکِل تیریان را قبول می کرد
۲. هیچ سکه ای که تصویر امپراتور روم بر روی آن حک شده بود، مجاز نبود. البته، برای آن هزینه ای باید پرداخت می شد.

■ "تازبانهای از طناب ساخت و همه آنها را از معبد بیرون راند" این تازیانه فقط در اینجا ذکر شده است. در اینجا می توان به وضوح خشم عیسی را دید. مکانی که می شد یهوه را شناخت، دیگر مکانی برای عبادت و رستگاری نبود! خشم به تنهایی گناه نیست. اظهارات پل در افسسیان ۴: ۲۶ احتمالا در رابطه با این عمل است. چیزهایی هستند که ما را خشمگین می سازند.

■ "سکه ها" به موضوع خاص: سکه هایی که در دوران عیسی در فلسطین استفاده می شد مراجعه کنید.

### موضوع خاص: سکه هایی که در دوران عیسی در فلسطین استفاده می شد

#### SPECIAL TOPIC: COINS IN USE IN PALESTINE IN JESUS DAY

۱. سکه های مسی

a. چرما (*cherma*) - کم ارزش (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱۵: ۲)

- b. چالچوس (*charchos*) – کم ارزش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰:۹، انجیل مرقس ۱۲:۴۱)
- c. اساریون (*assarion*) – سکه مسی رومی به ارزش تقریبی ۱/۱۶ *dēnarius* (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰:۲۹)
- d. کدرانتس (*kodrantēs*) – سکه مسی رومی به ارزش تقریبی ۱/۶۴ *dēnarius* (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۲۶)
- e. لپتون (*lepton*) – سکه مسی یهودی به ارزش تقریبی ۱/۱۲۸ *dēnarius* (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲:۴۲، انجیل لوقا ۲۱:۲)

f. کوادرانس افارتینگ (*quadrans/farthing*) – سکه رومی به ارزش خیلی کم

۲. سکه های نقره

- a. آرگوروس (*arguros*) – سکه نقره – بسیار با ارزشتر از سکه های برنز یا مسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰:۹، ۲۶:۱۵)
- b. دیناریوس (*dēnarius*) – سکه نقره رومی که ارزش آن معادل دستمزد یک روز کاری بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸:۲۸، انجیل مرقس ۶:۳۷)
- c. دراخم (*drachmē*) – سکه نقره یونانی که ارزش آن برابر با ارزش دیناریوس بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۵:۹)
- d. دی-دراخمون (*di-drachmon*) – سکه دو دراخمایی که ارزش آن برابر نیم شکل یهودی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷:۲۴)
- e. استاتر (*statēr*) – سکه نقره که ارزش آن برابر چهار *denarii* بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷:۲۷)

۳. سکه های طلا – کروزوس (*chrysolos*) – با ارزشترین سکه (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰:۹)

۴. اصطلاحات کلی وزن فلزات

- a. منا (*minaa*) – لاتین مینا، واحد وزن فلز معادل ۱۰۰ *dēnarius* (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۹:۱۳)
- b. تالانتون (*talanton*) – واحد یونانی وزن (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸:۲۴، ۱۵:۲۵ و ۱۶ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۸)
- i. سکه نقره به ارزش ۶۰۰۰ *dēnarius*
- ii. سکه طلا به ارزش ۱۸۰۰۰۰ *dēnarius*
- c. شکل (*shekel*) – واحد یهودی عهد عتیقی وزن نقره (۴ اونس، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳۷:۲۸، کتاب خروج ۲۱:۳۲)

i. *pīm* – ۲/۳ شکل

ii. *beka* – ۱/۲ شکل

iii. *gerah* – ۱/۲۰ شکل

واحد های بزرگتر

i. *maneh* – ۵۰ شکل

ii. *kikkar* – ۳۰۰۰ شکل

■ "اینها را از اینجا بیرون برید" این یک تاکید فعال دلالت کننده است. "اینها را از اینجا ببرید!"

■ "خانه پدر مرا محل کسب مسازید!" این یک زمان حال است با مفهوم منفی که معمولا به مفهوم این است که عملی را که در حال انجام است باید متوقف ساخت. سایر انجیل (یعنی انجیل متی ۲۱:۱۳، مرقس ۱۱:۱۷، لوقا ۱۹:۴۶) از اشعیا ۵۶:۷ و ارمیا ۷:۱۱ در این جا نقل قول می کنند، با این حال در انجیل یوحنا این پیشگویی ها ذکر نشده اند. این می تواند یک اشاره احتمالی به پیشگویی زکریا ۱۴:۲۱ باشد.

۲:۱۷ "شاگردان او به یاد آوردند" این عبارت دلالت بر آن دارد که حتی در نور بشارت عیسی و کمک روح القدس، این افراد تنها بعدها حقیقت معنوی اعمال عیسی را توانستند ببینند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲:۲۲، ۱۲:۱۶، ۱۴:۲۶).

■ "که نوشته شده است" این زمان مجهول کامل است، که به معنی "این گونه نوشته شده است" می باشد. این شیوه خاص و مشخص برای تأیید آنچه که در عهد عتیق آمده است، می باشد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶:۳۱، ۴۵:۱۰، ۳۴:۱۲، ۱۴:۲۰، ۳۰). این نقل قولی است از مزمور ۶۹:۹ در LXX. این

مزمور همانند مزمور ۲۲، با مطلوب شدن عیسی متناسب است. تعصب عیسی برای خدا و عبادت واقعی وی او را به مرگ هدایت می‌کند، که اراده خدا بود (رجوع شود به اشعیا ۵۳: ۴ و ۱۰، انجیل لوقا ۲۲: ۲۲، اعمال ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸).

■ "یهودیان" رجوع شود به موضوع خاص: یهودیان

"چه نشانی می‌توانی به ما نشان دهی که اجازه این اعمال را داری"	NASB
"از آنجا که این اعمال را انجام می‌دهی، چه نشانی به ما می‌توانی ارائه دهی"	NKJV, Peshitta
"چه نشانی می‌توانی به نشان دهی که این اعمال را انجام می‌دهی"	REB
"چه معجزه‌ای می‌توانی نشان دهی به ما که بگوئید تو حق انجام این اعمال را داری؟"	TEV
"چه نشانی می‌توانی نشان دهی که این اعمال را انجام می‌دهی"	NJB

این سوال اصلی بود که یهودیان از عیسی می‌پرسیدند. فریسیان ادعا می‌کردند قدرت او از شیطان است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۸ و ۴۹ و ۵۲، ۱۰: ۲۰). آنها انتظار داشتند مسیح کارهای خاصی را به شیوه‌های خاصی انجام دهد (مثلا همانند موسی). وقتی که او این کارهای خاص را انجام نداد، آنها، و حتی یحیی تعمید دهنده، در مورد او تردید کردند (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۱: ۲۸، انجیل لوقا ۲۰: ۲).

۱۹: ۲ "این معبد را ویران کنید که من آن را باز بر پا خواهم داشت" کلمه یونانی برای معبد (*hieron*) در انجیل یوحنا ۲: ۱۴ و ۱۵ به محدوده معبد اشاره دارد، در حالی که کلمه (*naos*) در انجیل یوحنا ۲: ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ به خود محراب داخلی اشاره دارد. مباحثات زیادی در خصوص این عبارت وجود دارد. بدیهی است در انجیل متی ۲۶: ۶۰ به بعد، انجیل مرقس ۱۴: ۵۷ الی ۵۹، اعمال ۶: ۱۴ این مرجعی است به مصلوب شدن عیسی و قیام عیسی از مردگان. با این حال، در این مطلب، باید به نوعی به خود معبد که در سال ۷۰ بعد از میلاد توسط تیتوس تخریب شد، اشاره داشته باشد (رجوع شود به انجیل متی ۲۴: ۱ و ۲). این دو عبارت با این حقیقت که عیسی داشت عبادت معنوی جدیدی که خود وی تمرکز داشت بنا می‌کرد و نه یهودیت باستانی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۱ الی ۲۴). مجدداً یوحنا از یک کلمه با دو مفهوم استفاده کرده است.

۲۰: ۲ "بنای این معبد چهل و شش سال به طول انجامیده است" هیروود کبیر معبد دوم را توسعه داد و بازسازی کرد (از دوران زروبابل، *Zerubbabal*، رجوع شود به حقایی) تا یهودیان را از اینکه او ادومی است، آرام کند. جوزفوس به ما می‌گوید که از ۲۰ یا ۱۹ قبل از میلاد شروع شده بود. اگر این درست باشد، بدین معنی است که این رخداد خاص در حدود سالهای ۲۷-۲۸ پس از میلاد صورت گرفته است. همچنین می‌دانیم که کار بر روی معبد تا سال ۶۴ پس میلاد ادامه داشته است. این معبد تبدیل به امید بزرگ یهودیان شده بود (رجوع شود به ارمیا ۷). معبد جدید توسط عیسی جایگزین می‌شد. در انجیل یوحنا ۱: ۱۴، او به عنوان پرستشگاه موقت و اینک معبد به تصویر کشیده شده است. عجب استعاره حیرت انگیزی از یک نجار اهل ناصره! اینک خدا و نوع بشر دوستی در عیسی را می‌بینند.

۲۱: ۲ "لیکن معبدی که او از آن سخن می‌گفت پیکر خودش بود" در زمانی که عیسی این کلمات را می‌گفت، شاگردانش این را تشخیص ندادند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۷). بخاطر داشته باشید که یوحنا اینها را چندین دهه بعد می‌نویسد.

عیسی می‌دانست که چرا آمده است. به نظر می‌رسد که حداقل سه هدف وجود داشته است:

- ۱- نشان دادن خدا
- ۲- انسانیت واقعی را به قالب درآورد
- ۳- زندگی خود را فدای بسیاری دیگر کند

این آخرین هدف همان است که در این آیه بیان می‌شود (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۳ و ۲۷، ۱۳: ۱ الی ۱۷: ۱).

۲۲: ۲ "شاگردانش این گفته او را به یاد آورده" اغلب گفته‌های عیسی بیشتر برای سود بردن شاگردانش بود تا آنان که مورد خطابش بودند. آنها هیچوقت به موقع درک نمی‌کردند.

■ "به کتب مقدس و سخنان او ایمان آوردند" هر چند متن، خودش کدام بخش کتاب مقدس را مشخص نمی‌کند، احتمالاً مزمور مزمور ۱۶: ۱۰ همان متن قیام از مردگانی است که عیسی بدان اشاره دارد (رجوع شود به اعمال ۲: ۲۵ الی ۳۲، ۱۳: ۳۳ الی ۳۵). همین متن (یا مفهوم الهیاتی قیام از مردگان) در انجیل یوحنا ۲۰: ۹ ذکر شده است.

NASB: یوحنا ۲: ۲۳ الی ۲۵

در مدتی که او برای عید پسخ در اورشلیم بود، بسیاری با دیدن آیاتی که از او صادر می‌شد، به نام او ۲: ۲۳ یا: "به او." ایمان آوردند. اما عیسی را بر ایمانشان اعتماد نبود، زیرا همه را می‌شناخت و نیازی نداشت کسی درباره انسان چیزی به او بگوید، زیرا خود می‌دانست در درون انسان

۲۳: ۲ "بسیاری به او ایمان آوردند" کلمه "ایمان" از کلمه یونانی (*pisteō*) می‌آید که می‌تواند ایمان، باور یا اعتماد ترجمه شود. در حالت اسم در انجیل یوحنا به کار برده نشده است ولی در قالب فعل اغلب استفاده شده است. در این عبارت عدم قطعیتی در خصوص اصالت تعهد جمعیت به عیسی ناصری به عنوان مسیح وجود دارد. سایر مثالهای از این نوع استفاده سطحی از کلمه ایمان در انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹ و اعمال ۸: ۱۳ و ۱۸: ۲۴ دیده می‌شود. ایمان انجیلی واقعی بیشتر از پاسخ اولیه است. باید با فرایند شاگردی همراه باشد (رجوع شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰ الی ۲۲ و ۳۱ و ۳۲).

### موضوع خاص: استفاده از یوحنا از فعل "ایمان"

#### (SPECIAL TOPIC: JOHN'S USE OF THE VERB "BELIEVE")

یوحنا در درجه اول "ایمان" را با عبارات تلفیقی ترکیب می‌کند.

A. *eis* به معنی "به" است. این ساخت و ساز منحصر به فرد بر مومنان تاکید می‌کند که اعتماد / ایمان خود را به عیسی مسیح می‌گذارند.

۱. به نام او (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ اول یوحنا ۵: ۱۳)
  ۲. به درون او (یوحنا ۲: ۱۱؛ ۳: ۱۵، ۱۸؛ ۴: ۳۹؛ ۶: ۴۰؛ ۷: ۴۰؛ ۹: ۳۶؛ ۱۰: ۴۲؛ ۱۱: ۴۵، ۴۸؛ ۱۲: ۳۷، ۴۲)
  ۳. به درون من (یوحنا ۶: ۳۵؛ ۷: ۳۸؛ ۱۱: ۲۵؛ ۱۲: ۴۴، ۴۶؛ ۱۴: ۱؛ ۱۶: ۱۲؛ ۹: ۱۷؛ ۲۰)
  ۴. به شخصی که او فرستاده است (یوحنا ۶: ۲۸-۲۹)
  ۵. به درون پسر (یوحنا ۳: ۳۶؛ ۹: ۳۵؛ اول یوحنا ۵: ۱۰)
  ۶. به عیسی (یوحنا ۱۲: ۱۱)
  ۷. به نور (یوحنا ۱۲: ۳۶)
  ۸. به درون خدا (یوحنا ۱۲: ۴۴؛ ۱۴: ۱)
- B. *ev* به معنای "در" است همانطور که در یوحنا ۳: ۱۵ (مرقس ۱: ۱۵)
- C. پرونده تاریخی بدون مقدمه (اول یوحنا ۳: ۲۳؛ ۴: ۵۰؛ ۵: ۱۰)
- D. *hoti*، به معنای "باور داشتن"، محتوا را در مورد آنچه باید باور کند می‌دهد. برخی از نمونه‌ها هستند
۱. عیسی مقدس خداست (یوحنا ۶: ۶۹)
  ۲. عیسی من هستم (یوحنا ۸: ۲۴)
  ۳. عیسی در پدر و پدر در او (یوحنا ۱۰: ۳۸)
  ۴. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)
  ۵. عیسی پسر خدا است (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)
  ۶. عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۸، ۲۱)
  ۷. عیسی با پدر یکی است (یوحنا ۱۴: ۱۰-۱۱)
  ۸. عیسی از پدر آمد (یوحنا ۱۶: ۲۷، ۳۰)
  ۹. عیسی خود را به اسم پیمان پدر، "من هستم" شناسایی کرد (یوحنا ۸: ۲۴؛ ۱۳: ۱۹)

ایمان کتاب مقدس هم در یک شخص است و هم در پیام! این امر با اطاعت، عشق و پشتکار مشهود است.

ظاهراً این مومنان سطحی به واسطه معجزات عیسی به سوی او جلب شده بودند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱ و ۷: ۳۱). هدف آنان تأیید شخص عیسی و کارهای او بود. با این حال باید توجه شود که ایمان به کارهای شگفت انگیز عیسی هرگز کافی نبوده و از باور فرد محافظت نمی‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۸ و ۲۰: ۲۹). هدف ایمان باید خود عیسی باشد. معجزات به طور خودکار نشانی از خدا نیستند (رجوع شود به انجیل متی ۲۴: ۲۴، مکاشفه ۱۳: ۱۳، ۱۶: ۱۴ و ۱۹: ۲۰). کارهای عیسی برای این بودند که مردم را به ایمان وی هدایت کنند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳، ۶: ۱۴، ۷: ۳۱ و ۱۰: ۴۲)، اغلب مردم نشانها را می‌دیدند ولی ایمان نمی‌آوردند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۷، ۱۱: ۴۷ و ۱۲: ۳۷).

۲۴ و ۲۵ این در زبان یونانی یک جمله است. اهمیت کلمه "اعتماد کردن" (از لحاظ دستوری زمان غیر کامل فعال دلالت کننده از ختنی شده "ایمان") در این عبارت استفاده شده تا اعمال عیسی و گرایشهای او را توصیف کند. بدین معنی که پاسخ باید بمراتب بیشتر از موافقت اولیه و پاسخ احساسی باشد. این عبارت همچنین آگاهی عیسی از ناهنجاری و قلب شیطانی انسان را تصریح می‌کند (بیانگر آگاهی خداست، رجوع شود به سفر پیدایش ۶: ۱۱ الی ۱۲)

و ۱۳، مزمور ۱۴: ۱ الی ۳). این پاراگراف توسط نیکودیموس در انجیل یوحنا ۳ به تصویر کشیده شده است. حتی "آقای مومن" نمی‌تواند با سعی خودش، آگاهی و استقامت یا اصل و نصبش مورد پذیرش خدا قرار گیرد. رستگاری فقط از ایمان/باور/اعتماد به عیسی حاصل می‌شود (رجوع شود به رومیان ۱: ۱۶ الی ۱۷، ۴).

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا عیسی آب را به شراب تبدیل کرد؟ این نماد چیست؟
۲. آداب و رسوم ازدواج در دوران عیسی را توصیف کنید
۳. آیا می‌توانید نقشه سطح معبد هیروود را ترسیم کنید؟
۴. چرا سایرین این تطهیر اولیه معبد را ثبت نکردند؟
۵. آیا عیسی تخریب معبد هیروود را پیش‌گویی کرد؟
۶. کلمه یونانی که "اعتماد"، "ایمان" و "باور" ترجمه می‌شود را تعریف کرده و توضیح دهید.



## یوحنا ۳

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
عیسی و نيقوديموس	تولد نو	عیسی و يهوديت رسمي	عیسی و نيقوديموس	مکالمه با نيقوديموس
۳: ۱۱ الی ۱۵	۳: ۱۱ الی ۲۱	۳: ۱۱ الی ۱۰	۳: ۱ و ۲	۳: ۱ الی ۸
			۳: ۳	
			۳: ۴	
			۳: ۵ الی ۸	
			۳: ۹	۳: ۹ الی ۲۱
			۳: ۱۰ الی ۱۳	
		۳: ۱۱ الی ۱۵		
			۳: ۱۴	
۳: ۱۶ الی ۲۱		۳: ۱۶		
		۳: ۱۷ الی ۲۱		
			۳: ۱۸ الی ۲۱	
عیسی و تحیی تعمید دهنده	یحیی تعمید دهنده میسح را تجلیل می‌کند	شهادت بیشتر یحیی	عیسی و یحیی	یحیی برای نخستین بار شهادت می‌دهد
۳: ۲۲ الی ۳۰	۳: ۲۲ الی ۳۶	۳: ۲۲ الی ۲۴	۳: ۲۲ الی ۲۴	۳: ۲۲ الی ۲۴
		۳: ۲۵ الی ۳۰	۳: ۲۵ و ۲۶	۳: ۲۵ و ۲۶
			۳: ۲۷ الی ۳۰	
آنکه از بهشت می‌آید			آنکه از بهشت می‌آید	
۳: ۳۱ الی ۳۶		۳: ۳۱ الی ۳۶	۳: ۳۱ الی ۳۶	

#### چرخه سوم مطالعه

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندی‌های خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره
۴. و غیره

NASB: یوحنا ۳: ۱ الی ۳

مردی بود از فریسیان، نيقوديموس نام، از بزرگان يهود. او شبی نزد عیسی آمد و به وی گفت: "استاد، می دانیم تو معلمی هستی که از سوی خدا آمده است، زیرا هیچ کس نمی تواند آياتی را که تو به انجام می رسانی، به عمل آورد، مگر آنکه خدا با او باشد". عیسی در پاسخ گفت: "آمین، آمین، به تو می گویم، تا کسی از نو زاده نشود، نمی تواند پادشاهی خدا را ببیند".

۱: ۳ "فریسیان" ریشه این گروه سیاسی / مذهبی به دوران مکاباب باز می گردد. احتمالاً معنی نام آنها "آن جدا شدگان" است. آنها صادق و متعهد به حفظ قوانین خدا بر اساس آنچه که به صورت شفاهی در سنتها تعریف و توضیح داده شده بود، بودند (تلموذ). تا امروز برخی از آنان مردمی متعهد و صادق بودند (نيقوديموس، جوزف از آریماثه)، ولی برخی خود را مرجع عدالت، قانون و قضاوت پنداشته و مومن مسلم تصور می کردند (رجوع شود به اشعیا ۶: ۹ و ۱۰، ۲۹: ۱۳). قلب کلید است! "مومنین جدید" (ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴) تمرکز بر انگیزه درونی (یعنی قلب جدید، تفکر جدید و قوانین جدیدی که در قلب ثبت شده اند) دارد. نشان داده شده که عملکرد همیشه انسان نامناسب بوده است. ختنه دل که در تنبیه ۱۰: ۱۶ و ۳۰: ۶ به آن اشاره شده، استعاره ای است برای اعتماد / ایمان فردی که منجر به اطاعت و زندگی محترمانه می شود!

محافظه کاری و یا لیبرالیسم مذهبی می تواند زشت باشد. الهیات و خداشناسی باید از روی قلب و ایمان باشد. به موضوع خاص: فریسیان در انجیل یوحنا ۱: ۲۴ مراجعه کنید.

■ "نيقوديموس" برای یک يهودی در فلسطین خیلی جالب است که اسمی یونانی داشته باشد (همانطور که فیلیپ و اندرو داشتند، رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۰ و ۴۳)، که معنی آن "فاتح مردم" است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۷: ۵۰ و ۱۹: ۳۹).

"یک حاکم يهودیان"	NASB, NKJV
"یک رهبر يهودیان"	NRSV, NJB
"یک رهبر يهودی"	TEV

در این عبارت، این یک اصطلاح فنی برای اعضا سانهدرین (در سایر متون می تواند به معنی رهبر محلی کنیسه هم باشد)، گروه هفتاد نفری از يهودیان تراز اول اورشلیم است. اختیارات آنها توسط رومیان به آرامی محدود گردید، ولی هنوز اهمیت نمادین زیادی برای يهودیان دارد. به موضوع خاص زیر مراجعه کنید.

به نظر می رسد که یوحنا از نيقوديموس به عنوان نماینده يهودیان ارتدکس در قرن نخست استفاده کرده است. آنان که تصور می کردند از نظر معنوی آمده اند تا از نو شروع کنند. در ایمان به عیسی، نه تبعیت از قوانین (حتی قوانین خدا، رجوع شود به کولسیان ۲: ۱۶ الی ۲۳)، نه اصل و نسب خانوادگی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹)، تعیین کننده فرد در پادشاهی است. هدیه خدا در مسیح، نه صمیمیت، بلکه دینداری تهاجمی انسان، دروازه قبول الهی است. اقرار نيقوديموس نسبت به عیسی به عنوان معلمی از جانب خدا، هر چند درست، کافی نبود. اعتماد فردی، اعتماد انحصاری، نهایت اعتماد به عیسی به مسیح تنها امید انسان دون مایه است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲)!

### موضوع خاص: سانهدرین

(SPECIAL TOPIC: SANHEDRIN)

۱. منابع اطلاعاتی

a. خود عهد جدید

b. *Antiquities of the Jews* از Flavius Josephus

c. بخش میشناح (*Mishnah*) از تلموذ (تراکت "سانهدرین")

متاسفانه عهد جدید و جوزفوس با نوشته های روحانیون موافق نیستند، که به نظر می رسد بر دو سانهدرین در اورشلیم تصریح می شود، یکی روحانی (سادوجس ها) که توسط کاهن اعظم رهبری می شود و با مسائل اجتماعی و جرائم و قضاوت سر و کار دارد و دیگری توسط فریسیان و کاتبین کنترل می شود و در رابطه با مسائل مذهبی و مسائل سنتی است. نوشته های روحانیون سال ۲۰۰ به بعد منعکس کننده شرایط فرهنگی پس از سقوط اورشلیم توسط ژنرال رومی تیتوس در سال ۷۰ میلادی است. يهودیان (یعنی رهبران فریسیان) ستاد مرکزی را برای زندگی مذهبی در شهری بنام جمینا دوباره راه اندازی کردند که بعداً (در سال ۱۱۸ میلادی) به جلیل منتقل شد.

## ۲. واژه شناسی

مشکل تعیین هویت این بدنه قضایی شامل اسامی مختلفی است که با آنها شناخته می‌شود. کلمات زیادی برای توصیف بدنه قضایی در جامعه یهود در اورشلیم وجود دارد.

- a. *Gerousia* به معنی "سنا" یا "شورا". این قدیمی‌ترین اصطلاحی است که در پایان دوره پارس استفاده شده است (مراجعه شود به جوزفوس، *Antiquities* ۱۲/۳ و مکابیان ۱۱: ۲۷). این اصطلاح توسط لوقا در اعمال رسولان ۵: ۲۱ همراه با "سانهدرین" استفاده شده است. احتمال دارد راهی برای توصیف اصطلاح برای خوانندگان یونانی زبان باشد (مراجعه شود به اول مکابیان ۱۲: ۳۵).
- b. *Synedrion* - "سانهدرین". این اصطلاح ترکیبی از *syn* (همراه با) و *hedra* (صندلی) است. جالب است که این اصطلاح در زبان آرامی استفاده شده است ولی یک کلمه یونانی است. در انتهای دوره مکابیان تبدیل به اصطلاح پذیرفته شده برای دادگاه عالی یهودیان در اورشلیم شد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۵۹، انجیل مرقس ۱۵: ۱، انجیل لوقا ۲۲: ۶۶، انجیل یوحنا ۱۱: ۴۷، اعمال رسولان ۵: ۲۷). مشکل زمانی به وجود می‌آید که این واژه در مورد شورای قضات محلی خارج از اورشلیم استفاده می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۲، ۱۰: ۱۷).
- c. *Presbyterion* - "بزرگان شورا" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۶۶). این یک اسم عهد عتیقی برای رهبران قبایل است. با این وجود، برای اشاره به دادگاه عالی در اورشلیم استفاده شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۲: ۵).
- d. *Boulē* - این اصطلاح به معنی "شورا" توسط جوزفوس استفاده شده است (یعنی *Wars* ۲/۱۶، ۲/۴ و ۵/۴ ولی نه در عهد جدید) برای توصیف بدنه‌های قضایی مختلف:

(۱) سنای روم

(۲) دادگاه‌های محلی روم

(۳) دادگاه عالی یهود در اورشلیم

(۴) دادگاه محلی یهودیان

از جوزف اهل اریماتا به عنوان یکی از اعضای سانهدرین با شکلی از این اصطلاح توصیف شده است (یعنی *bouleutēs* که به معنی "عضو شورا"، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۴۳، انجیل لوقا ۲۳: ۵۰).

## ۳. توسعه تاریخی

گفته می‌شود که در ابتدا عزرا کنیسه بزرگ را برپا کرد (مراجعه شود به تارگوم در غزل غزله‌ها ۶: ۱) در دوره پس از تبعید، که به نظر می‌رسد تبدیل به سانهدرین روز عیسی شد.

- a. میسناح ثبت کرده که دو دادگاه اصلی در اورشلیم وجود داشت (مراجعه شود به ساندرین ۷: ۱).
- b. در دوره پس از تبعید، زروبابل از نسل داوود و از نسل آرون، یوشع بود. پس از مرگ زروبابل، نسل داوود ادامه نیافت و بنابراین ردای داوری انحصاراً به روحانیون (مراجعه شود به اول مکابی ۱۲: ۶) و بزرگان محلی (مراجعه شود به نحما ۲: ۱۶، ۵: ۷) رسید.
- c. این نقش روحانی مانند در تصمیمات قضایی در دیودوروس ۴۰: ۳: ۴ الی ۵ در طول دوره هلنی به ثبت رسیده است.
- d. این نقش روحانی در دولت در دوره سلوسید ادامه یافت. جوزفوس در *Antiquities* ۱۲/۱۳۸ الی ۱۴۲ از آنتیوخوس سوم (۲۲۳ تا ۱۸۷ قبل از میلاد) نقل می‌کند.
- e. این قدرت روحانی بر اساس *Antiquities* اثر جوزفوس ۱۳/۱۰/۵ الی ۶ و ۱۳/۱۵/۵ در طول دوره مکابی ادامه داشت.
- f. در طول دوران روم، حاکم سوریه (گابینیوس ۵۷ ال ۵۵ قبل از میلاد) پنج منطقه سانهدرین ایجاد کرد (مراجعه شود به 'Josephus' *Antiquities* 14.5.4 و *Wars* 1.8.5) ولی بعداً توسط روم در سال ۴۷ قبل از میلاد منسوخ شد.
- g. سانهدرین با هیروود در مسائل سیاسی مقابله می‌کرد (مراجعه شود به *Antiquities* ۱۴/۹/۳ الی ۵) که در سال ۳۷ قبل از میلاد انتقام گرفت و بیشتر اعضای دادگاه عالی را به قتل رساند (مراجعه شود به *Antiquities* ۱۴/۹/۴، ۱۵/۱/۲).
- h. در دوران دادستانهای روم (۶ تا ۶۶ بعد از میلاد) جوزفوس می‌گوید (مراجعه شود به *Antiquities* ۲۰/۲۰۰ و ۲۵۱) که سانهدرین مجدداً قدرت و نفوذ قابل توجهی بدست آورد (انجیل مرقس ۱۴: ۵۵). در عهد جدید سه دادگاه ثبت شده است که سانهدرین تحت رهبری کاهن اعظم عدالت را اجرا کردند.

(۱) دادگاه عیسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۵۳ الی ۱۵: ۱، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۲ الی ۲۳ و ۲۸ الی ۳۲)

(۲) پطرس و یوحنا (مراجعه شود به اعمال رسولان ۴: ۳ الی ۶)

۳) پولس (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۲: ۲۵ الی ۳۰)

i. وقتی که یهودیان در سال ۶۶ میلادی قیام کردند، رومیان متعاقبا در سال ۷۰ میلادی جامعه یهود و شهر اورشلیم را نابود کردند. سانهدرین برای همیشه از بین رفت، هر چند فریسیان در جمینا سعی کردند که دادگاه عالی (یعنی *Beth Din*) را مجدداً به زندگی مذهبی یهودیان بازگردانند (ولی نه برای مسائل مدنی یا سیاسی).

۴. عضویت

a. نخستین اشاره انجیلی به دادگاه عالی دوم قرن‌تین ۱۹: ۸ الی ۱۱ است. این دادگاه از این گروه‌ها تشکیل می‌شد:

(۱) لایوان

(۲) روحانیون

(۳) سران خانواده‌ها (یعنی بزرگان، مراجعه شود به اول مکابی ۱۴: ۲۰، دوم مکابی ۴: ۴۴)

b. در طول دوره مکابی تحت سطله (۱) خانواده‌های روحانی سادوجس و (۲) اشراف محلی (مراجعه شود به اول مکابی ۷: ۳۳، ۱۱: ۲۳، ۱۴: ۲۸). بعدها در همین دوران کاتبین (وکلا، معمولاً فریسیان) ظاهراً توسط همسر آلكساندر جانیوس، سالومه (۷۶ تا ۶۷ قبل از میلاد) هم اضافه شدند. حتی گفته می‌شود که او کاری کرد که فریسیان گروه غالب باشند (مراجعه شود به *Wars of the Jews*).  
۱/۵، ۲/۱ اثر جوزفوس).

c. در روز عیسی دادگاه از گروه‌های زیر تشکیل شد

(۱) خانواده‌های روحانیون ارشد

(۲) افراد محلی از خانواده‌های اشراف

(۳) کاتبین (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۹: ۴۷)

۵. منابع مورد استفاده

a. Dictionary of Jesus and the Gospels, IVP, pp. 728-732

b. The Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible, vol. 5, pp. 268-273

c. The New Schaff-Herzog Encyclopedia of Religious Knowledge, vol. 10, pp. 203-204

d. The Interpreter's Dictionary of the Bible, vol. 4, pp. 214-218

e. Encyclopedia Judaica, vol. 14, pp. 836-839

۳: ۲ "شبی" ربی گفت آن شب بهترین زمان برای مطالعه قانون است زیرا هیچ فاصله‌ای نبود. احتمالاً نیکودیموس نمی‌خواست با عیسی دیده شود، بنابراین او (و سایر همراهانش) در شب نزد وی رفتند.

در نوشته‌های یوحنا مترجم همیشه باید فکر کند که کی باید متنی را با مفهوم دوگانه تصور کند. مشخصه یوحنا در این است، تضاد میان روز و شب را تکرار می‌کند (به ترجمه انگلیسی جدید انجیل صفحه ۱۸۹۷ شماره ۷ مراجعه کنید).

■ "ربی" در انجیل یوحنا به معنی استاد است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۸، ۴: ۳۱، انجیل مرقس ۹: ۵، ۱۱: ۲۱). یکی از مواردی که رهبران یهود را آزار می‌داد این بود که عیسی در هیچ یک از مدارس الهیات شرکت نکرده بود. او مطالعات تلموذی در کنیسه محلی در ناصره نداشت.

■ "تو از سوی خدا آمده‌ای" این عبارت برای تاکید در ابتدای جمله آمده است. این احتمالاً اشاره دارد به رسالت تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۸. نیکودیموس قدرت کارها و اعمال عیسی را تشخیص داد، ولی این به معنی آن نبود که از نظر معنوی در راه خدا باشد.

■ "مگر اینکه خدا با او باشد" این عبارت شرطی نوع سوم است که یعنی آن احتمال واقعیت است.

۳: ۵ و ۱۱ "واقعا، واقعا" این همان "آمین، آمین" است. این از کلمه "ایمان" در عهد عتیق آمده است. از ریشه "محکم بودن" و "مطمئن بودن" است. عیسی از آن به عنوان مقدمه برای بیان اظهارات مهمش استفاده می‌کرد. بعداً از آن برای تأیید اظهارات درست هم استفاده می‌شد. تکرار دوگانه در انجیل یوحنا منحصر به فرد است. این تکرارهای دومرتبه‌ای کلمه "آمین" سطح مکالمه میان عیسی و نیکودیموس را آشکار می‌سازد. به موضوع خاص: آمین مراجعه کنید.

۳: ۳ "تا کسی" این عبارت هم جمله شرطی نوع سوم است، همانند اظهار نیکودیموس در انجیل یوحنا ۳: ۲.

NASB, NKJV, TEV "از نوزاده شدن"

این وجه شرطی مجهول است. کلمه (*anōthen*) می‌تواند به معانی زیر باشد

۱. "برای دومین بار به صورت فیزیکی متولد شده"
۲. "از اول متولد شده (رجوع شود به اعمال رسولان ۲۶: ۴)"
۳. "از عرش متولد شده" که در اینجا مناسبترین می‌باشد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۷ و ۱۹: ۱۱)

این احتمالاً یک مثال دیگر از کاربرد کلمه‌ای است که دو معنی دارد. (دوگانه شنیدن)، که هر دوی آنها درست می‌باشند (رجوع شود به *A Greek English Lexicon of the New Testament* اثر Bauer, Arndt, Gengrich و Danker صفحه ۷۷). همانطور که در انجیل یوحنا ۳: ۴ مشهود است، نیکودیموس گزینه نخست را درک کرده است. یوحنا و پطرس (رجوع شود به اول پطرس ۱: ۲۳)، آنطور که پطرس از آن برای فرزند خواندگی استفاده کرده، از این استعاره خانوادگی برای رستگاری استفاده کرده‌اند. رستگاری یک هدیه و عملی از جانب خداست (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲ و ۱۳، رومیان ۳: ۲۱ الی ۲۴، ۲۳: ۶، افسسیان ۲: ۸ و ۹).

■ "او نمی‌تواند ببیند" این عبارت اصطلاحی معادل "نمی‌تواند وارد شود" در انجیل یوحنا ۳: ۵ است.

■ "پادشاهی خدا" این عبارت فقط دو مرتبه در انجیل یوحنا به کار رفته است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۵). این یک عبارت کلیدی در انجیل است. نخستین و آخرین موعظه عیسی و بیشتر تمثیلهایش، در ارتباط با این موضوع بودند. این به حکومت خداوند قلب انسانها اشاره دارد! جالب است که یوحنا این عبارت را فقط دو مرتبه تکرار کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی آن را بیان ننموده). به موضوع خاص زیر توجه کنید. برای یوحنا "زندگی جاویدان" یک کلمه کلیدی و همچنین یک استعاره است.

این عبارت در ارتباط با نهایت اعتماد (اسکاتولوژیک) به آموزشهای عیسی است. این (نه هنوز) پارادوکس مذهبی در ارتباط با مفهوم یهودی دو عصر است، عصر شیطانی حاضر و عصر عدالتی که قرار است فرا برسد و باید توسط مسیح موعود تحقق یابد. یهودیان انتظار آمدن فقط یک رهبر نظامی که روح القدس بر آن قرار گرفته را داشتند (همانند قضاة عهد عتیق). دو بار آمدن عیسی باعث تداخل این دور عصر شد. پادشاهی خدا با تولدی مجدد در بیت اللحم متصل شد. با این حال، عیسی نه به عنوان فاتح نظامی مکاشفه ۱۹، بلکه به عنوان خدمتگزار رنج کشیده (رجوع شود به اشعیا ۵۳) و رهبری فروتن (رجوع شود به زکریا ۹: ۹) می‌آید. در نتیجه، پادشاهی به سرانجام می‌رسد (رجوع شود به انجیل متی ۳: ۲، ۴: ۱۷، ۱۰: ۷، ۱۱: ۱۲، ۱۲: ۱۲، انجیل مرقس ۱: ۱۵، انجیل لوقا ۹: ۲ و ۱۱، ۱۱: ۲۰، ۲۱: ۳۱ و ۳۲) ولی به پایان نمی‌رسد (رجوع شود به انجیل متی ۶: ۱۰، ۱۶: ۲۸، ۲۶: ۶۴).

مومنین میان این دو عصر در تنش زندگی می‌کنند. آنها زندگی پس از مرگ را دارند و در عین حال بطور فیزیکی هم می‌میرند. آنها از قدرت گناه رها می‌شوند، با این حال هنوز گناه وجود دارد. آنها در تنش اسکاتولوژیک قبلی و آنچه هنوز نیامده زندگی می‌کنند.

یک بیان کمک کننده از بیان "قبلی ولی نه هنوز" یوحنا را می‌توان در *New Testament Theology* اثر فرانک استگ خواند:

"انجیل یوحنا به مورد آینده‌ای که می‌آید تاکید دارد (۱۴: ۱۸۳، ۲۸: ۱۶، ۱۶: ۲۲) و به وضوح از قیامت و محاکمه آخر زمان صحبت می‌کند (۵: ۲۸، ۳۹ و ۴۴ و ۵۴، ۱۱: ۲۴، ۱۲: ۴۸). با این حال در طول این چهارمین انجیل، زندگی ابدی، قضاوت و قیامت واقعیات حاضر هستند (۳: ۱۸، ۴: ۲۳، ۵: ۲۵، ۶: ۲۵، ۱۱: ۲۳، ۱۲: ۲۸ و ۳۱، ۱۳: ۳۱، ۱۴: ۱۷، ۱۷: ۲۶)" (صفحه ۳۱۱).

### موضوع خاص: پادشاهی خدا

(SPECIAL TOPIC: KINGDOM OF GOD)

در عهد عتیق یهوه به عنوان پادشاه اسرائیل تصور می‌شود (مراجعه شود به اول سموئیل ۸: ۷، مزمو ۱۰: ۱۶، ۲۴: ۷ الی ۹، ۲۹: ۱۰، ۴۴: ۴، ۸۹: ۱۸، ۹۵: ۳، اشعیا ۴۳: ۱۵، ۴۴: ۶) و مسیح به عنوان پادشاه ایده آل معرفی می‌گردد (مراجعه شود به مزمو ۲: ۶، اشعیا ۹: ۶ الی ۷، ۱۱: ۱ الی ۵). با تولد عیسی در بیت اللحم ۶ الی ۴ قبل از میلاد) پادشاهی خدا با قدرت جدید رستگاری در تاریخ بشریت شکست ("پیمان جدید"، مراجعه شود را ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۶).

۱. یحیی تعمید دهنده نزدیک بودن پادشاهی را اعلام کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۲، انجیل مرقس ۱: ۱۵).
۲. عیسی به وضوح تعلیم می‌داد که پادشاهی در حال حاضر و از طریق و تعالیم او است (مراجعه شو به انجیل متی ۴: ۱۷ و ۲۳، ۱۰: ۷، ۱۲: ۲۸، انجیل لوقا ۱۰: ۹ و ۱۱، ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۲۱، ۲۱: ۳۱ الی ۳۲). با این حال، پادشاهی در آینده هم هست (مراجعه شود به انجیل متی

در همسوهای اناجیل مرقس و لوقا این عبارت را می‌بینیم: "پادشاهی خدا". این موضوع متداول در تعالیم عیسی است که شامل حکومت حال حاضر در قلب انسانها است، که روزی در تمام کرده زمین تحقق خواهد یافت. این در دعای عیسی در متی ۶: ۱۰ منعکس شده است. متی که خطاب به یهودیان می‌نویسد، ترجیح می‌دهد که از عبارتی استفاده کند که نام خدا در آن نباشد (یعنی پادشاهی بهشت)، در حالیکه مرقس و لوقا که برای یونانیان و پیروان سایر ادیان می‌نوشتند، از اصطلاح متداول استفاده کردند و اسم خدا را به کار بردند.

این کلمه کلیدی در سایر اناجیل است. اولین و آخرین مراسم عیسی و بیشتر تمثیلهای او در ارتباط با این موضوع هستند. این اشاره به پادشاهی خدا در قلبهای مردم در حال دارد. جالب است که یوحنا از این عبارت فقط دو مرتبه استفاده کرده است (و هرگز در تمثیلهای عیسی نیاورده). در انجیل یوحنا حیات جاویدان کلید استعاره است.

تنش با این عبارت در اثر دو آمدن عیسی به وجود می‌آید. عهد عتیق تمرکزش فقط بر یک آمدن مسیح خدا است - یک ورود نظامی، داورانه و باشکوه - ولی عهد جدید نشان میدهد که ابتدا او به عنوان خدمتگزار رنج کشیده اشعیا ۵۳ و پادشاه فروتن زکریا ۹: ۹ آمد. دو عصر یهود (موضوع خاص: عصر حاضر و عصری که خواهد آمد را مطالعه کنید)، عصر ضعف و عصر عدالت، یکدیگر را همپوشانی می‌کنند. عیسی در حال حاضر در قلب مومنین حکومت می‌کند، ولی روزی بر تمام مخلوقات پادشاهی خواهد کرد. او همانند آنچه عهد عتیق پیش‌گویی کرده خواهد آمد (مراجعه شود به مکاشفه ۱۹)! مومنین در هر دو عصر زندگی خواهند کرد (مراجعه شود به Gordon D. Fee and Douglas Stuart's *How to Read The Bible For All Its Worth*, pp. 131-134).

#### NASB: یوحنا ۳: ۴ الی ۸

نیقودیموس به او گفت: "کسی که سالخورده است، چگونه می‌تواند زاده شود؟ آیا می‌تواند دیگر بار به رجم مادرش بازگردد و به دنیا آید؟" عیسی جواب داد: "آمین، آمین، به تو می‌گویم تا کسی از آب و روح زاده نشود، نمی‌تواند به پادشاهی خدا راه یابد. آنچه از بشر خاکی زاده شود، بشری است؛ اما آنچه از روح زاده شود، روحانی است. عجب مدار که گفتم باید از نو زاده شوید! باد هر کجا که بخواهد می‌وزد؛ صدای آن را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. چنین است هر کس نیز که از روح زاده شود."

۳: ۵ "تا کسی از آب و روح زاده نشود" این هم یک عبارت شرطی نوع سوم است. در اینجا ممکن است تضادی میان موارد زیر وجود داشته باشد (که در نوشته‌های یوحنا امری عادی است):

۱. فیزیکی در مقابل معنوی (ربطی به روح ندارد)
۲. زمینی در مقابل بهشتی

این تضاد در انجیل یوحنا ۳: ۶ بر اینها دلالت دارد

اینها نظریات در مورد معنی "آب" هستند:

۱. روحانیون از آن برای اسپرم مرد استفاده می‌کنند
۲. آب زمان تولد کودک
۳. تعمید یحیی به عنوان سمبلی از توبه (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۶، ۳: ۲۳)
۴. در عهد عتیق به معنی آب پاشی در مراسم توسط روح القدس (رجوع شود به حزقیال ۳۶: ۲۵ الی ۲۷)
۵. تعمید مسیحی (نخستین بار توسط جاستین و ایرنیوس مطرح شد هر چند نیقودیموس نمی‌توانست این شیوه را درک کند،)

در این متن از نظر تئوری مورد شماره ۳ تعمید با آب یحیی و اقرار یحیی در مورد تعمیدی که مسیح با روح القدس می‌دهد باید بدیهی‌ترین معنی باشد. تولد، در این متن، استعاره‌ای بوده و ما نباید اجازه دهیم درک نادرست نیقودیموس از کلمه بر تعبیر ما غلبه کند. در نتیجه تئوری شماره ۱ نامناسب است. هر چند نیقودیموس کلام عیسی را که به تعمید مسیحیان در آینده اشاره می‌کرد درک نکرده بود، یوحنا ی شاگرد اغلب نظریه الهیات خود را در قالب کلام تاریخی عیسی بطور معترضه بیان می‌کرد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۴ الی ۲۱). نظریه شماره ۲ با دوگانگی بالا و پائین یوحنا مطابقت دارد. قلمرو خدایی و قلمرو زمینی. برای تعریف این اصطلاحات فرد باید مشخص کند آیا آنها با یکدیگر تضاد دارند (شماره ۱ و شماره ۲) و یا مکمل یکدیگر هستند (شماره ۴). D. A. Carson, *Exegetical Fallacies* گزینه دیگری را مطرح می‌کند: که هر دو کلمه به یک تولد اشاره می‌کنند، یک تولد اسکاتولوژیک بدنبال حزقیال ۳۶: ۲۵ الی ۲۷، که پیمان جدید ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴ (صفحه ۴۲) را توصیف می‌کند.

F. F. Bruce, *Answers to Questions* همچنین حزقیال را به عنوان اشاره عهد عتیق قبل از کلمات عیسی می‌بیند. حتی می‌تواند مرجعی به تعمیم نوایمانان باشد، که نیقودیموس، یک استاد روحانی برجسته باید انجام دهد. (صفحه ۶۷).

■ "پادشاهی خدا" یک دست‌نوشته قدیمی یونانی (یعنی  $\kappa\mu\varsigma$ ) و بسیاری از پدران کلیسا، عبارت "پادشاهی بهشت" را تکرار می‌کنند، که در انجیل متی متداول است. با این حال عبارت "پادشاهی خدا" فقط در انجیل یوحنا ۳: ۳ دیده می‌شود (انجیل یوحنا ۳: ۳ و ۵ تنها جاهایی هستند که این عبارت در آن دیده می‌شود). یوحنا، برای مردم عام می‌نوشت (همانطور که مرقس و لوقا می‌نوشتند)، و از الفاظ طولانی برای نام خدا استفاده نمی‌کرد.

۳: ۶ این هم باز یک دوگانگی عمودی (بالا در مقابل پائین) بوده که در نوشته‌های یوحنا بسیار متداول است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۱).

۳: ۷ "تو.... شما" اولی مفرد بوده و به نیقودیموس اشاره می‌کند، ولی دومی جمع بوده و به اصول کلی که بر تمام مردم قابل اجرا بوده‌اند اشاره می‌کند (برخی با مفرد و جمع در انجیل یوحنا ۳: ۱۱ بازی می‌کنند).

یکی تلاش می‌کند که اینها را با توجه به گرایش یهودی و با تکیه به اعتقاد به برتری نژادی تفسیر کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۲، ۸: ۵۳). یوحنا، برای پایان قرن نخست می‌نوشت و بدیهی است با عرفان و همچنین غرور برتری نژادی یهودی مقابله میکرد.

"باید" فعل یونانی *dei* (به معنی "لازم است" (BAGD 172) زمان حاضر فعال دلالت کننده است) در فصل سوم سه مرتبه تکرار شده است (انجیل یوحنا ۳: ۷ و ۱۴ و ۳۰). این نشان می‌دهد که چیزهایی باید بخاطر برنامه خدا رخ دهند تا به جلو برویم (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۴، ۹: ۲۴، ۴: ۱۰، ۱۶، ۱۲: ۳۴، ۲۰: ۹).

۳: ۸ یک بازی با کلمات عبری (و آرامی) کلمه (*ruach*) و کلمه یونانی (*pneuma*) است که معنی هر دوی آنها "باد"، "تنفس" و "روح" است. نکته در اینجاست که باد آزاد است، همینطور هم روح القدس. کسی نمی‌تواند باد را ببیند ولی می‌تواند تاثیرات آن را ببیند، همین مسئله در مورد روح القدس هم صادق است. رستگاری نوع بشر در کنترل خودش نیست، بلکه در کنترل روح القدس است (رجوع شود به حزقیال ۳۷). این احتمال هم هست که انجیل یوحنا ۳: ۵ الی ۷ منعکس کننده همین حقیقت باشد. رستگاری می‌تواند ترکیبی از شروع اولیه با روح القدس (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵) و پاسخ همراه با ایمان/توبه خود فرد باشد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶ و ۱۸).

انجیل یوحنا به صورت منحصر به فرد بر روی فرد و کار روح القدس تمرکز دارد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ و ۲۵ و ۲۶، ۱۶: ۱۷ الی ۱۵). او عصر جدید عدالت را در قالب عصر روح خدا می‌بیند.

آیه ۸ مفهوم اینکه چرا برخی مردم وقتی خبر خوش را می‌بینند یا می‌شنوند ایمان می‌آورند و برخی دیگر نه را تصریح می‌کند. یوحنا می‌گوید که هیچکس نمی‌تواند ایمان آورد مگر اینکه روح القدس او را لمس کند (رجوع کنید به انجیل یوحنا ۱: ۱۳، ۶: ۴۴ و ۶۵). این آیه آن نظریه الهی را تقویت می‌کند. با این حال در مورد سوال پاسخ به پیمان (یعنی قبول پیشنهاد الهی توسط انسان)، هنوز تصور می‌شود که روح القدس همه را لمس می‌کند. چرا برخی ایمان نمی‌آورند معمای گناه بزرگ است (یعنی خود-محوری زوال). هر قدر سن من بیشتر می‌شود، بیشتر انجیل را مطالعه می‌کنم، بیشتر برای مردم خدا موعظه می‌کنم، بیشتر در مورد راز زندگی می‌نویسم. ما همه در مه تیره‌ای از بلوای انسانی زندگی می‌کنیم (رجوع شود به اول قرن‌تین ۱۳: ۱۲). اینکه بتوانیم توضیح دهیم یا به طریق دیگری عمل کنیم؛ خداشناسی سیستماتیک را توسعه بخشیم، به اندازه اعتماد به خدا در مسیح نیست. این کار هرگز "چرا" را نمی‌گوید.

### موضوع خاص: تنفس، باد، روح

#### (SPECIAL TOPIC: BREATH, WIND, SPIRIT)

اصطلاح عبری *ruach* (BDB924) و اصطلاح یونانی *pneuma* می‌توانند به معنی "روح"، "تنفس" یا "باد" باشند. روح اغلب با خلقت در ارتباط و همراه است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲، یعقوب ۲۶: ۱۳، مزمور ۱۰۴: ۳۰). عهد عتیق به وضوح رابطه میان خدا و روحش را تعریف نمی‌کند (**Error! Reference source not found.**) در مطالعه کنید. در یعقوب ۲۸: ۲۶ الی ۲۸، مزمور ۱۰۴: ۲۴ و امثال ۳: ۱۹، ۸: ۲۲ الی ۲۳ خدا ز خرد (BDB 315، اسم مونث، امثال ۸: ۱۲) استفاده می‌کند تا همه چیز را خلق کند. در عهد جدید گفته می‌شود که عیسی نماینده خدا در خلقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۳، اول قرن‌تین ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۵ الی ۱۷، عبرانیان ۱: ۲ الی ۳). در مورد رستگاری، همچنین در خلقت، هر سه شخص خدا درگیر هستند. پیدایش ۱ خودش بر هیچ مورد ثانویه دیگری تاکید نمی‌کند (مراجعه شود به اشعیا ۴۵: ۵ الی ۷).

#### NASB: یوحنا ۳: ۹ الی ۱۵

نیقودیموس از او پرسید: "چنین چیزی چگونه ممکن است؟" عیسی پاسخ داد: "تو معلم اسرائیلی و این چیزها را در نمی‌یابی؟ آمین، آمین،

به تو می‌گویم که ما از آنچه می‌دانیم سخن می‌گوییم و بر آنچه دیده‌ایم شهادت می‌دهیم، اما شما شهادت‌تومان را نمی‌پذیرید. اگر هنگامی که دربارهٔ امور زمینی با شما سخن گفتیم باور نکردید، چگونه باور خواهید کرد اگر از امور آسمانی به شما بگوییم؟ هیچ‌کس به آسمان بالا نرفته است، مگر آن که از آسمان فرود آمد، یعنی پسر انسان [که در آسمان است]. همان‌گونه که موسی آن مار را در بیابان برافراشت، پسر انسان نیز باید برافراشته شود، تا هر که به او ایمان آورد، حیات جاویدان داشته باشد

۳: ۹ و ۱۰ نيقوديموس بايد ادبيات و تمثيل‌های سمبلیک عیسی را در نور (۱) تعمیم نو ایمان یهودی و (۲) موعظه‌های یحیی تعمیم دهنده درک می‌کرد. این ممکن است یک ضعف هدفمند آگاهی انسانی باشد، حتی کسی مانند نيقوديموس بعنوان یک حاکم یهودی، بطور کامل مسائل معنوی-الهی را درک نمی‌کرد. انجیل یوحنا نوشته شد تا آغازگر مبارزه با عرفان باشد، یک مشکل اعتقادی که تاکید بر آن داشت که آگاهی انسانی موجب رستگاری می‌شود. فقط عیسی تنها نور واقعی برای همه، و نه فقط یک گروه منتخب است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹).

۳: ۱۱ "ما از آنچه می‌دانیم سخن می‌گوییم" این کلمات جمع به عیسی و یوحنا شاگرد اشاره دارند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۱) یا عیسی و پدر، که در متن مناسبتر است (انجیل یوحنا ۳: ۱۳). انجیل حدس و گمان نیست بلکه رستگاری الهی است.

■ "شما شهادت‌تومان را نمی‌پذیرید" یوحنا اغلب از کلمات پذیرفتن/دریافت کردن (*lamban*) و مشتقات حرف اضافه آنها در مفهوم خداشناسی استفاده می‌کرد.

۱. گرفتن عیسی

a. به طور منفی (انجیل یوحنا ۱: ۱۱، ۳: ۱۱ و ۳۲، ۵: ۴۳ و ۴۷)

b. به طور مثبت (انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۱ و ۳۳، ۵: ۴۳، ۱۳: ۲۰)

۲. پذیرفتن روح القدس

a. به طور منفی (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷)

b. به طور مثبت (انجیل یوحنا ۷: ۳۹)

۳. گرفتن کلام عیسی

a. به طور منفی (انجیل یوحنا ۱۲: ۴۸)

b. به طور مثبت (انجیل یوحنا ۱۷: ۸)

موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) را بخوانید.

۳: ۱۲ "اگر...اگر" اولی جمله شرطی نوع اول است که تصور می‌کند عبارت از دیدگاه نویسنده و یا هدف نگارش او درست است. دومی جمله شرطی نوع سوم است که به مفهوم احتمال انجام کار است.

■ ضمیر و فعل جمع هستند. نيقوديموس احتمالاً زمانی که نزد عیسی رفته شاگردانی و یا فریسیانی به همراهش بودند، و یا این می‌تواند یک عبارت کلی باشد (یعنی نيقوديموس به عنوان نماینده گروه) به همه یهودیانی که ایمان نداشتند همانند انجیل یوحنا ۳: ۷ و ۱۱.

۳: ۱۳ این آیه می‌خواهد مکاشفه عیسی از پدر را درست، کامل، دست اول و منحصر به فرد تأیید کند (رجوع کنید به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۴). این هم یک نمونه دیگر از دوگانگی عمودی در نوشته‌های یوحنا است: بهشت در مقابل زمین، فیزیکی در مقابل روحانی، منشا نيقوديموس در مقابل منشا عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۵۱، ۶: ۳۳ و ۳۸ و ۴۱ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۸ و ۶۲). این آیه (۱) الهی بودن، (۲) از پیش وجود داشتن و (۳) تولد دوباره و جاودانی نفر دوم از تثلیث را تصریح می‌کند (برای تثلیث به موضوع خاص در انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ مراجعه کنید).

■ "پسر انسان" این خودشناسی عیسی است، در آن هیچ دلالتی بر ملیت گرایی، نظامیگری یا مسیحیگری یهودی در قرن اول وجود ندارد. این کلمه از حزقیال ۲: ۱ و مزمو ۸: ۴ می‌آید که معنی آن "بشر" است و دانیال ۷: ۱۳ بر الهی بودن آن تاکید می‌کند. این کلمه پارادوکس شخص عیسی و کاملاً خدا و کاملاً انسان را در یکدیگر می‌کند (رجوع شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۳).

۳: ۱۴ الی ۲۱ مشکل می‌توان تعیین کرد که مکالمه عیسی با نيقوديموس در کجا پایان یافته و از کجا توضیحات بعدی عیسی و یا یوحنا شاگرد آغاز می‌شوند. این احتمال هست که انجیل، آموزشها و موعظه‌های عمومی عیسی را ثبت کرده باشند، در حالی که یوحنا مباحثات خصوصی او با شاگردانش را ثبت می‌کند. آیات ۱۴ الی ۲۱ به شرح زیر مشخص گردند.

۱. آیات ۱۴ و ۱۵ در رابطه با عیسی

۲. آیات ۱۶ و ۱۷ در رابطه با پدر

۳. آیات ۱۸ الی ۲۱ در رابطه با بشر



بخاطر داشته باشید که اعم از اینکه عیسی یا یوحنا باشند، این مسئله بر حقیقت اظهارات تاثیر نمی گذارد!

۱۴: ۳ "همان گونه که موسی آن مار را در بیابان برافراشت" این اشاره ای است به اعداد ۲۱: ۴ الی ۹ که تجربه قضاوت در طول دوره بیابان گردی را بیان می کند. قلب حقیقت این است که انسانها باید به خدا اعتماد کنند و از کلام او اطاعت نمایند، حتی زمانی که کاملا درک نکرده باشند. خدا راهی را برای مردم اسرائیل ارائه کرد تا از گزند مار در امان باشند به شرطی که فقط ایمان داشته باشند. این باور با اطاعت آنها به کلام/وعده او تحقق یافت (رجوع شود به اعداد ۲۱: ۸).

■ "برافراشت" این کلمه یونانی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۸، ۱۲: ۳۲ و ۳۴) اغلب "خیلی بالا بردن" (رجوع شود به اعمال رسولان ۲: ۳۳، ۵: ۳۱، فیلیپیان ۲: ۹) ترجمه می شود و کلمه دیگری است که یوحنا از آن در دو مفهوم استفاده می کند (دوپهلو، رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۵، ۳: ۳ و ۸). همان طور که خدا راهی از مرگ توسط نیش مار را به کسانی که به کلام خدا ایمان آورده بودند وعده داد و به مار برنزی نگاه کردند، بنابراین، همانطور هم به آنها که به کلام خدا (کلام خوشی در باره عیسی، آن که بر بالای صلیب برده شد) و به عیسی ایمان آوردند رهایی (نجات) خواهند یافت از نیش (شیطان، گناه) مار (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ و ۳۲).

۱۵: ۳ الی ۱۸ "هر که" (انجیل یوحنا ۳: ۱۵) "هر که" (انجیل یوحنا ۳: ۱۶) "او که" (انجیل یوحنا ۳: ۱۸) عشق خدا دعوتی برای همه انسانها است (رجوع شود به اشعیا ۵۵: ۱ الی ۳، حزقیال ۱۸: ۲۳ و ۳۲، انجیل یوحنا ۱: ۲۹، ۳: ۱۶، ۶: ۳۳ و ۵۱، دوم قرن تیان ۵: ۱۹، اول تیموتائوس ۲: ۴، ۴: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۲، ۴: ۱۴). دعوت به رستگاری، جهانی است، ولی قبول آن نه!

۱۵: ۳ "ایمان آورد" این زمان حال فعال است. ایمان، یک اعتماد در حال ادامه است. به یادداشت یوحنا ۱: ۱۲ و موضوع خاص در یوحنا ۱: ۷ و ۲: ۲۳ مراجعه کنید.

■ "به او" این نه فقط به حقایق (حقایق الهیاتی) در مورد عیسی اشاره می کند، بلکه به رابطه شخصی او با خدا هم اشاره دارد. رستگاری (۱) یک پیامی است که باید به آن ایمان آورد، (۲) شخصی است که باید او را گرفت و از وی اطاعت کرد و (۳) باید همانند او زندگی کرد!

حالت دستور زبانی در اینجا غیر متداول است. ضمیر است و پسوندی به آن اضافه شده که فقط در انجیل یوحنا دیده می شود و معمولا پیشوند است. فقط این احتمال وجود دارد که در رابطه با "می تواند زندگی جاودان داشته باشد" باشد (رجوع شود به *The New Testament in Basic English* نوشته Harold Greenlee).

۱۵: ۳ و ۱۶ "حیات جاویدان" این کلمه یونانی (*zōē*) اشاره به کیفیت و کمیت (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۴) دارد. در انجیل متی ۲۵: ۴۶ همین کلمه برای خدای جاویدان مورد استفاده قرار گرفته است. در انجیل یوحنا *zōē* (۳۳ مرتبه و عمدتا در فصل های ۵ و ۶ استفاده شده است) معمولا حالت فعلی برای زندگی فیزیکی استفاده می شود، به عنوان مثال: ۴: ۵۰ و ۵۱ و ۵۳) اشاره به قیام از مردگان، زندگی اسکاتولوژیک، یا زندگی در عصر جدید، زندگی خود خدا دارد.

انجیل یوحنا در میان سایر اناجیل در رابطه با "حیات جاویدان" منحصر بفرد است. موضوع اصلی و هدف انجیل او است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۵۱، ۴: ۳۶، ۵: ۳۹، ۶: ۵۴ و ۶۸، ۱۰: ۲۸، ۱۲: ۲۵، ۱۷: ۲ و ۳).

#### NASB: یوحنا ۳: ۱۶ الی ۲۱

"زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردهد، بلکه حیات جاویدان یابد. زیرا خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند. هر که به او ایمان دارد محکوم نمی شود، اما هر که به او ایمان ندارد، هم اینک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است. و محکومیت در این است که نور به جهان آمد، اما مردمان تاریکی را بیش از نور دوست داشتند، چرا که اعمالشان بد است. زیرا هر آن که بدی را به جا می آورد از نور نفرت دارد و نزد نور نمی آید، مبادا کارهایش آشکار شده، رسوا گردد. اما آن که راستی را به عمل می آورد نزد نور می آید تا آشکار شود که کارهایش به یاری خدا انجام شده است."

۱۶: ۳ "خدا آنقدر محبت کرد" این یک جمله فعال دلالت کننده است (همانطور که فعل "داد" می باشد) که در اینجا از عملی صحبت می کند که در زمان گذشته کامل شده است (خدا عیسی را فرستاد). آیات ۱۶ و ۱۷ عمدتا در رابطه با عشق پدر صحبت می کنند (رجوع شود به اول یوحنا ۴: ۷ الی ۲۱ و به خصوص به انجیل یوحنا ۳: ۹ و ۱۰). "محبت کرد" معادل *agapaō* است. این کلمه زیاد در زبان یونانی کلاسیک استفاده نمی شد. کلیسای اولیه این کلمه را انتخاب کرد و آن را با معنی خاصی عجین کرد. در متون خاصی این کلمه در رابطه با محبت یا عشق پدر یا پسر است، با این حال، برای محبت انسان بطور منفی به کار رفته است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹ و ۱۲: ۴۳، اول یوحنا ۲: ۱۵). از نظر خداشناسی معادل *hesed* در عهد عتیق است، که معنای آن پیمان وفادارانه و محبت آمیز خداوند است. در یونانی کوئین زمان یوحنا، کلمات *agapaō* و *hileō* اساسا مترادف هستند (انجیل یوحنا ۳: ۳۵ و ۵: ۲۰).

مترجمین و مفسرین باید به خاطر داشته باشند که تمامی کلماتی که برای توصیف خداوند به کار می‌رفتند ماهیت انسانی (انسانشناسی) داشتند. ما باید از کلماتی استفاده کنیم که دنیای ما، احساسات ما یا جنبه‌های تاریخی ما را توصیف می‌کنند تا بتوانیم موجودی جاویدان، مقدس، منحصر به فرد و معنوی (خدا) را به تصویر بکشیم. تمامی کلمات انسانی به نوعی مشابه و یا استعاره‌ای هستند. آنچه فاش شده است یقیناً حقیقت است، ولی نه نهایت آن. انسان فانی، موقتی، محدود نمی‌تواند نهایت واقعیت را درک کند.

### موضوع خاص: توصیف خدا با زبان انسانی

#### (SPECIAL TOPIC: GOD DESCRIBED AS HUMAN (ANTHROPOMORPHISM))

I. این نوع زبان (یعنی توصیف خدا با اصطلاحات انسانی) در عهد عتیق بسیار متداول است. (برخی مثالها)

A. اندامهای فیزیکی بدن

۱. چشمها - کتاب پیدایش ۱: ۴ و ۳۱، ۶: ۸، خروج ۳۳: ۱۷، اعداد ۱۴: ۱۴، تثنیه ۱۱: ۱۲، زکریا ۴: ۱۰
۲. دستها - خروج ۱۵: ۱۷، اعداد ۱۱: ۲۳، تثنیه ۲: ۱۵
۳. بازو - خروج ۶: ۶، ۱۶: ۱۵، تثنیه ۴: ۳۴، ۵: ۱۵
۴. گوشها - اعداد ۱۱: ۱۸، اول سموئیل ۸: ۲۱، دوم پادشاهان ۱۹: ۱۶، مزمور ۵: ۱، ۱۰: ۱۷، ۱۸: ۶
۵. صورت - خروج ۳۳: ۱۱، لویان ۲۰: ۳ و ۵، اعداد ۶: ۲۵، ۱۲: ۸، تثنیه ۳۱: ۱۷، ۳۲: ۲۰، ۳۴: ۱۰
۶. انگشت - خروج ۸: ۱۹، ۳۱: ۱۸، تثنیه ۹: ۱۰، مزمور ۸: ۳
۷. صدا - پیدایش ۳: ۹ و ۱۱ و ۱۳، خروج ۱۵: ۲۶، ۱۹: ۱۹، تثنیه ۲۶: ۱۷، ۲۷: ۱۰
۸. پاها - خروج ۲۴: ۲۰، حزقیال ۴۳: ۷
۹. حالت انسانی - خروج ۲۴: ۹ الی ۱۱، مزمور ۴۷، اشعیا ۶: ۱، حزقیال ۲۶: ۱
۱۰. فرشته خدا - پیدایش ۱۶: ۷ الی ۱۳، ۲۲: ۱۱ الی ۱۵، ۳۱: ۱۱ و ۱۳، ۴۸: ۱۵ الی ۱۶، خروج ۳: ۴ و ۱۳ الی ۲۱، ۱۴: ۱۹، داوران ۲: ۱، ۶: ۲۲ الی ۲۳، ۱۳: ۳ الی ۲۲

B. اعمال فیزیکی (مثالها را ببینید)

۱. صحبت در مورد مکانیزم خلقت (پیدایش ۱: ۳ و ۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۴ و ۲۰ و ۲۴ و ۲۶)
۲. قدم زدن (صدای قدم زدن) - پیدایش ۳: ۸، لویان ۲۶: ۱۲، تثنیه ۲۳: ۱۴، حقوق ۲۳: ۱۴
۳. بسن درب کشتی نوح - پیدایش ۷: ۱۶
۴. بوی قربانیان - پیدایش ۸: ۲۱، لویان ۲۶: ۳۱، عاموس ۵: ۲۱
۵. پائین آمدن - پیدایش ۱۱: ۵، ۱۸: ۲۱، خروج ۳: ۸، ۱۹: ۱۱ و ۱۸ و ۲۰
۶. دفن کردن موسی - تثنیه ۳۴: ۶

C. احساسات انسانی (مثالها را ببینید)

۱. پشیمانی/توبه - پیدایش ۶: ۶ و ۷، خروج ۳۲: ۱۴، داوران ۲: ۱۸، اول سموئیل ۱۵: ۲۹ و ۳۵، عاموس ۷: ۳ و ۶
۲. عصبانیت - خروج ۴: ۱۴، ۱۵: ۷، اعداد ۱۱: ۱۰، ۱۲: ۹ و ۲۲، ۲۲: ۲۵، ۳: ۴ و ۱۰، ۱۳ و ۱۴، تثنیه ۶: ۱۵، ۷: ۴، ۲۹: ۲۰
۳. حسادت - خروج ۲۰: ۵، ۳۴: ۱۴، تثنیه ۴: ۲۴، ۵: ۹ و ۶، ۱۵: ۳۲، ۱۶ و ۲۱، یوشع ۲۴: ۱۹
۴. خحالت کشیدن - لویان ۲۰: ۲۳، ۲۶: ۳۰، تثنیه ۳۲: ۱۹

D. اصطلاحات خانوادگی (مثالها را ببینید)

۱. پدر
  - a. پدر اسرائیل - خروج ۴: ۲۲، تثنیه ۱۴: ۱، اشعیا ۱: ۲، ۶۳: ۱۶، ۶۴: ۸، ارمیا ۳۱: ۹، یوشع ۱۱: ۱
  - b. پدر پادشاه - دوم سموئیل ۷: ۱۱ الی ۱۶، مزمور ۲: ۷
  - c. استعاره های کارهای پدران - تثنیه ۱: ۳۱، ۸: ۵، ۳۲: ۶ الی ۱۴، مزمور ۲۷: ۱۰، امثال ۳: ۱۲، ارمیا ۳: ۴ و ۲۲، ۳۱: ۲۰، یوشع ۱۱: ۱ الی ۴، ملاکی ۳: ۱۷
۲. والدین - یوشع ۱۱: ۱ الی ۴
۳. مادر - اشعیا ۴۹: ۱۵، ۶۶: ۹ الی ۱۳ (منظور مادر پرستار)

۴. معشوق وفادار جوان - یوشع ۱ الی ۳

II. دلایل استفاده از این نوع زبان

- A. لازم است که خدا خود را بر انسانها نشان دهد. هیچ واژگانی غیر از واژگان دنیای سقوط کرده وجود ندارد. مفهوم فراگیر خدا به عنوان مذکر مثالی است از تصور شخصیت انسانی زیرا خدا روح است!
- B. خدا بامعنی‌ترین جنبه‌های زندگی نوع بشر را گرفته و از آنها استفاده می‌کند تا خود را به انسان سقوط کرده نشان دهد (پدر، مادر، والدین، معشوق).
- C. هر چند در برخی مقاطع زمانی ممکن است لازم باشد (پیدایش ۳: ۸)، ولی خدا نمی‌خواهد به هیچ قالب فیزیکی محدود گردد (خروج ۲۰، تثنیه ۵).
- D. نهایت تصور شخصیت انسانی قیام عیسی از مردگان است! خدا تبدیل به کالبد فیزیکی و قابل لمس شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱ الی ۳). پیام خدا تبدیل به کلام خدا شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۸).

III. برای مطالعه بیشتر به "Anthropomorphism," chapter 10, *The Language and Imagery of the Bible*, G. B. Caird, *The International Standard Bible Encyclopaedia*, pp. 152-154 مراجعه کنید.

■ "بنابراین" معمولا این کلمه "بدین شیوه" معنی می‌دهد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۷: ۴۶، ۱۱: ۴۸، ۱۸: ۲۲). این کلمه یک روش را بیان می‌کند نه احساس را! خدا محبت خود را (رجوع شود به رومیان ۵: ۸) با دادن (انجیل یوحنا ۳: ۱۶) و فرستادن (انجیل یوحنا ۳: ۱۷، هر دو فعل زمان فعال دلالت کننده هستند) پسر خود نشان داد تا بجای نوع بشر بمیرد (رجوع شود به اشعیا ۵۳، رومیان ۳: ۲۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، اول یوحنا ۲: ۲).

■ "جهان" یوحنا از کلمه یونانی *kosmos* با مفاهیم مختلف استفاده کرده است (به یادداشت یوحنا ۱: ۱۰ و موضوع خاص در قسمت یوحنا ۱۴: ۱۷ مراجعه کنید).

این آیه همچنین دوگانگی میان روح (خدا) و جسم در عرفان را رد می‌کند. یونانیان گرایش بر این داشتند که جسم/ماده شیطانی است. برای آنها ماده (یعنی جسم انسان) زندان تقدیر الهی در همه انسانها است. یوحنا جسم یا گوشت را شیطانی تصور نمی‌کرد. خدا جهان (سیاره، رجوع شود به رومیان ۸: ۱۸ الی ۲۲) و انسانها (گوشت، رجوع شود به رومیان ۸: ۲۳) را دوست دارد. این احتمالا یکی دیگر از ابهامات تعمدی (مفهوم دوگانه) که در نوشته‌های یوحنا مرسوم است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۵ و ۳: ۳ و ۸).

■ "پسر یگانه" این عبارت یعنی "منحصر به فرد، تنها نوع". نباید این را به عنوان "تنها متولد شده" در (۱) مفهوم جنسی یا (۲) این مفهوم که فرزندان دیگری وجود ندارد درک کرد.

■ "هر که به او ایمان دارد" این صفت مفعولی حال فعال است، که بر شروع و تداوم ایمان تاکید می‌کند. موضوع خاص در یوحنا ۱: ۱۴ و ۲: ۲۳ مراجعه کنید. این تصریح در انجیل یوحنا ۳: ۱۵ هم تکرار شده است. شکر خدا برای "هر آن کس" این باید هر گونه تاکید بیش از حد بر هر گروهی (نژادی، معنوی یا مذهبی) را خنثی نماید. اینطور نیست که "حکومت خدا" و "آزادی اراده انسانی" متقابلا انحصاری باشند، هر دو درست هستند! خداوند همیشه نخستین قدم را برای پاسخ برمی‌دارد و دستور کار را تنظیم می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)، و او رابطه خود با انسان را توسط پیمان شکل داده است. آنها باید پاسخ دهند و به پیشنهاد او شرایطش مدام پاسخ دهند!

## موضوع خاص: انتخاب

### (SPECIAL TOPIC: ELECTION/PREDESTINATION AND THE NEED FOR A THEOLOGICAL BALANCE)

انتخاب دکترین جالبی است. فراخواندن برای طرفداری یا حمایت نیست، بلکه فراخواندن برای این است که راه باشید، ابزاری برای رستگاری دیگران. در عهد عتیق این اصطلاح اساسا برای خدمت کردن استفاده شده است، در عهد جدید برای رستگاری استفاده شده که خدمتی است. انجیل هرگز آنچه که به نظر می‌رسد تضاد میان اراده خدا و اراده آزاد انسان است را نمی‌پذیرد، ولی هر دو را تأیید می‌کند. مثال خوبی از تنش انجیلی می‌توان رومیان ۹ در مورد انتخاب پادشاهی خدا و رومیان ۱۰ در مورد نیاز انسان به پاسخ باشد (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۱۱ و ۱۳).

کلید این تنش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی مرد منتخب خدا است و همه چیز در انتخاب او است (*Karl Barth*). عیسی پاسخ "بله" خدا به نیاز انسان سقوط کرده است (*Karl Barth*). افسسیان ۱: ۴ همچنین با تصریح اینکه هدف تقدیر بهشت نیست، بلکه تقدس است کمک می‌کند تا مسئله مشخص شود (همانند مسیح بودن). ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را فراموش می‌کنیم! فراخواندن خدا (انتخاب) برای زمان و در عین حال برای ابدیت است!

دکترین‌هایی در رابطه با سایر حقایق ارائه شده‌اند، البته نه یک حقیقت منفرد و نامربوط. یک مقایسه خوب می‌تواند یک کهکشان در برابر یک ستاره باشد. خدا حقیقت را در یک قالب شرقی ارائه داده نه غربی. ما نباید تنشی را که با پارادوکسهای دکترین حقیقت بوجود می‌آیند حذف کنیم (خدا به عنوان متعالی در برابر خدا به عنوان همه جا حاضر. امنیت در برابر استقامت، عیسی برابر با پدر در مقابل عیسی به عنوان خدمتگزار پدر، آزادی مسیحی در برابر مسئولیت مسیحی به پیمان، و غیره).

مفهوم الهیاتی پیمان پادشاهی خدا را (که همیشه پیش قدم بوده و دستور کار را تعیین می‌کند) با الزام اولیه در توبه پایدار و پاسخ از روی ایمان از جانب نوع بشر (مراجعه شود به انجیل مرفس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱) را به هم می‌پیوندد. مراقب باشید که تأیید یک وجه پارادوکس وجه دیگر را کم ارزش نکند.

موضوعات خاص زیر را مطالعه کنید

۱. انتخاب/تقدیر و نیاز به تعادل الهیاتی
۲. تقدیر در برابر آزادی اراده انسان
۳. پیمان

■ "هلاک نگرده" مفهوم این است که برخی هلاک خواهند شد (وجه شرطی متوسط آتوریستی). هلاکت آنها (*amollumi*)، وجه شرطی متوسط) مستقیماً در ارتباط با پاسخ ندادن به ایمان به مسیح است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۲۵). خدا نه باعث بی‌ایمانی می‌شود و نه به آن هدایت می‌کند و نه می‌خواهد کسی بی‌ایمان باشد (رجوع شود به حزقیال ۱۸: ۲۳ و ۳۲، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹).

بسیاری تلاش کرده‌اند که معنی لغوی این اصطلاح را به کار گیرند و می‌گفتند نابودی شریبان را نشان می‌دهد. این با دانیال ۱۲: ۲ و انجیل متی ۲۵: ۴۶ در تناقض است. این مثال خوبی از مومنین است که صادقانه تلاش می‌کردند ادبیات والا و نمادین شرقی را در قالب ادبیات تفسیری غربی (تحت الفظی و منطقی) وارد کنند. جهت مطالعه یک بحث جالب در مورد این اصطلاح به *Synonyms of the Old Testament* نوشته رابرت بی گریدل استون صفحه ۲۷۵ الی ۲۷۷ مراجعه کنید. موضوع خاص: تخریب (*apolummi*) در انجیل یوحنا ۱۰: ۱۰ را نیز بخوانید.

مجدداً، توجه کنید که چگونه یوحنا به صورت دوگانه فکر می‌کرد، طبقه بندی می‌کرد و می‌نوشت (مثل هلاک کردن در مقابل حیات جاویدان). ساختار الهیاتی و ادبی آموزشهای عیسی در میان انجیل یوحنا و سایر اناجیل بسیار متفاوت است. قابل تعمق است که تا چه اندازه نویسندگان انجیل در تهیه و تنظیم معرفی خود از عیسی برای مخاطبین خاص خود (تحت راهنمایی و الهام الهی) آزادی عمل داشتند. به *HowTo Read The Bible For All Its Worth* نوشته گوردون فی و داگلاس استورات صفحات ۱۲۷ الی ۱۴۸ مراجعه کنید.

۳: ۱۷ "جهانیان را محکوم کند" بخشهای زیادی در انجیل یوحنا هستند که تصریح می‌کنند که عیسی به عنوان نجات دهنده آمده، نه محکوم کننده (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۷ الی ۲۱، ۸: ۱۵، ۱۲: ۴۷). اما بخشهای دیگری هم در انجیل یوحنا هستند که تصریح می‌کنند عیسی برای محاکمه کردن آمده، و قضاوت خواهد کرد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۲ و ۲۳ و ۲۷، ۹: ۳۹، همچنین سایر بخشهای عهد جدید، اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱، دوم تیموتائوس ۴: ۱، اول پطرس ۴: ۵).

چندین نظریه الهیاتی وجود دارند

۱. خدا همانطور که مخلوقاتش و رستگاری را به عنوان نشان افتخار (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۳) به عیسی داد، اختیار قضاوت را هم به او داد
۲. عیسی یک مرتبه نیامد که قضاوت کند، بلکه برای نجات آمد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۷)، ولی این واقعیت که مردم او را پس زدند، آنها خودشان خود را محاکمه کردند
۳. عیسی به عنوان شاه شاهان و قاضی خواهد آمد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۹)

۳: ۱۸ این آیه موضوع آزادی رستگاری از طریق عیسی در مقابل قضاوت شخصی خود فرد تکرار می‌کند. خدا مردم را به جهنم نمی‌فرستد. آنها خودشان خودشان را می‌فرستند. ایمان نتیجه دائمی دارد ("ایمان داشتن" ضمیر مفعولی حال فعال) و همینطور هم بی‌ایمانی ("مورد قضاوت قرار گرفته"، گذشته مجهولی کامل و کامل فعال دلالت کننده). به موضوع خاص در بخش یوحنا ۲: ۲۳ و ۹: ۷ مراجعه کنید.

۳: ۱۹ الی ۲۱ "مردمان تاریکی را بیش از نور دوست داشتند" بسیار از کسانی که خبر خوش را شنیدند آن را، نه به دلایل معنوی یا فرهنگی، بلکه اساساً بخاطر مسائل اخلاقی رد کردند (رجوع شود به جامعه ۲۴: ۱۳). روشنایی اشاره به مسیح دارد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۹، ۸: ۱۲، ۹: ۵ و ۱۲: ۴۶) و پیام عشق خدای او، نیاز نوع بشر، آماده سازی عیسی و پاسخ مورد نیاز. این یک انگیزه‌ای است که در انجیل یوحنا ۱: ۱۸ تکرار می‌شود.

۳: ۱۹ "محکومیت در این است" محکومیت همانند رستگاری هر دو واقعیت حاضر هستند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹ و ۹: ۳۹) و یک نتیجه‌گیری

در آینده (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۷ الی ۲۹، ۱۲: ۳۱ و ۴۸). مومنین در یک اسکاتولوژی تشخیصی داده شده زندگی و به نتیجه نهایی نرسیده زندگی می‌کنند. زندگی مسیحی لذت و تلاش زیادی را همراه دارد، پیروزی پس از چندین شکست است، تضمین ولی در قبال یک سری هشدار در مورد استقامت!

۳: ۲۱ "آن که راستی را به عمل می‌آورد" از آنجا که "روشنایی" (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹ و ۲۰ (دو مرتبه) و ۲۱) یک اشاره بدیهی به عیسی است، احتمال این هست که "راستی" هم باید با حروف برجسته نوشته می‌شد. رابرت هانا در کتاب *A Grammatical Aid to the Greek New Testament* اثر آن ترنر در *Grammatical Insights into the New Testament* این عبارت را ترجمه و نقل قول می‌کند: "مردی که شاگرد راستی است" (صفحه ۱۴۴).

از دیدگاه الهیات، این آیه همان راستی را بیان می‌دارد که انجیل متی ۷ بیان می‌دارد. زندگی جاویدان مشخصه‌های قابل مشاهده دارد. یک نفر نمی‌تواند به راستی از طریق عیسی با خدا برخورد کند، از روح القدس سرشار شود و همان آدم باقی بماند. تمثیل خاکها بر ثمر دهی تمرکز دارد نه رویش (رجوع شود به انجیل متی ۱۳، انجیل مرقس ۴، انجیل لوقا ۸). اعمال موجب رستگاری نمی‌شوند بلکه شواهد آن هستند (رجوع شود به افسسیان ۲: ۸ و ۹ و ۱۰).

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. معنی عبارت "دوباره متولد شده" چیست؟
۲. فکر می‌کنید در آیه ۵ "آب" به چه چیز اشاره می‌کند و چرا؟
۳. "باور" (حفظ ایمان) شامل چیست؟
۴. آیه ۳: ۱۶ انجیل یوحنا درباره محبت عیسی به انسان یا پدر به انسان؟
۵. چگونه کالوینیسم به آیه ۳: ۱۶ انجیل یوحنا مرتبط است؟
۶. آیا "هلاک کردن" یعنی نابودی؟
۷. "نور" را توضیح دهید

### الهاماتی بر آیات ۲۲ الی ۳۶

۱. تاکید یوحنا بر کاملاً الهی بودن عیسی مسیح از همان ابتدای انجیل در صحبتها و برخوردهای شخصی تاکید می‌شود. این فصل به همین شیوه ادامه می‌یابد.
۲. یوحنا انجیل خود را برای پایان قرن نخست نوشت و با پاسخ به سوالاتی که از سایر اناجیل نوشته شده مطرح می‌شوند، آن را بسط داد. یکی از آنها مربوط به سیل عظیم پیروان اولیه و ارتداد سریع آنها در ارتباط با یحیی تعمید دهنده بود (رجوع شود به اعمال رسولان ۱۸: ۲۴ و ۱۹: ۷). این مهم است که در انجیل یوحنا ۱: ۶ الی ۸ و ۳: ۲۲ الی ۳۶ یحیی تعمید دهنده تأیید و اقرار می‌کند که او پائینتر از عیسی ناصری است و به مقدس بودن عیسی مسیح اقرار می‌کند.

### مطالعه کلمات و عبارات

#### NASB: یوحنا ۳: ۲۲ الی ۲۴

پس از آن، عیسی و شاگردانش به نواحی روستایی سرزمین یهودیه رفتند. او ایامی چند در آنجا با آنان به سر برده، مردم را تعمید می‌داد. یحیی نیز در عینون، نزدیک سالیم، تعمید می‌داد، زیرا در آنجا آب فراوان بود و مردم آمده، تعمید می‌گرفتند. این پیش از آن بود که یحیی به زندان بیفتند.

۳: ۲۲ "به نواحی روستایی سرزمین یهودیه رفتند" این بشارت اولیه در یهودیه و جلیل در سایر اناجیل بحث نشده است. اناجیل از نظر زمانی بیوگرافی مسیح نیستند. به *to Read the Bible For All Its Worth How* نوشته گوردون فی و داگلاس استوارت صفحات ۱۲۷ الی ۱۴۸ مراجعه کنید.

■ "او ایامی چند در آنجا با آنان به سر برده" عیسی برای جمعیت موعظه می کرد ولی گفته‌های او بیشتر برای شاگردانش بود. او آنان را با خود لبریز می کرد. این متدولوژی نقطه تمرکز دو کتاب عالی اثر رابرت ایی کلن *The Master Plan of Evangelism* و *The Master Plan of Discipleship* است که هر دوی آنها بر تمرکز شخصی عیسی بر یک گروه کوچک است!

■ "تعمید می داد" از ۴: ۲ یاد می گیریم که عیسی تعمید نمی داد، ولی شاگردانش این کار را می کردند. پیام عیسی اساسا خیلی شبیه به پیام یحیی تعمید دهنده بود. پاسخ دادن با توبه مطابق آنچه در عتیق آمده است. تعمید اشاره شده در اینجا تعمید مسیحی نیست، بلکه این تعمید به طور سمبلیک توبه و پذیرش معنوی را اظهار می دارد.

۳: ۲۳ "یحیی نیز در عینون، نزدیک سالیم، تعمید می داد" موقعیت این مکان نامشخص است.

۱. برخی معتقدند در پرا در نواحی اردن است

۲. برخی معتقدند در شمال شرقی سامره است

۳. برخی معتقدند در سه مایلی شرقی شهر سیچم است

از آنجا که عینون به نظر می رسد به معنی جریان باشد، شماره ۳ مناسبتر به نظر می رسد. مکان اصلی هر جا که باشد، عیسی در یهودیه بشارت می داد و یحیی در فاصله اندکی در شمال وی بود.

۳: ۲۴ "این پیش از آن بود که یحیی به زندان بیفتند" مشخص نیست که چرا این واقعه زمانی در اینجا اضافه شده است. برخی می گویند تلاشی برای همسان کردن موقعیت زمانی یحیی با آنچه در سایر اناجیل نوشته شده، است (رجوع شود به انجیل متی ۱۴: ۱ الی ۱۲، مرقس ۶: ۱۴ الی ۲۹). به عنوان ابزاری برای تعیین حدود زمانی برخورد این واقعه در زندگی مسیح عمل می کند.

**NASB: یوحنا ۳: ۲۵ الی ۳۰**

باری، بین شاگردان یحیی و یک یهودی بحثی بر سر آداب تطهیر درگرفت. پس نزد یحیی آمده، به او گفتند: "استناد، آن که با تو در آن سوی رود اردن بود، و تو بر او شهادت دادی، اکنون خود تعمید می دهد و همگان نزد او می روند." یحیی در پاسخ گفت: "هیچ کس نمی تواند چیزی به دست آورد، جز آنچه از آسمان به او عطا شود. شما خود شاهدید که من گفتم مسیح نیستم، بلکه پیشاپیش او فرستاده شده ام. عروس از آن داماد است، اما دوست داماد که در کناری ایستاده به او گوش می دهد، از شنیدن صدای داماد شادی بسیار می کند. شادی من نیز به همین گونه به کمال رسیده است. او باید ارتقا یابد و من باید کوچک شوم."

۳: ۲۵ "بین شاگردان یحیی و یک یهودی بحثی درگرفت" "بحث" (NASB)، نسخه استاندارد بازمینی شده، انجیل جدید اورشلیم) یک کلمه خیلی قوی برای "جدل" یا "رویارویی" است. در برخی دستنوشته‌های یونانی کلمه "یهودیان" به صورت جمع نوشته شده است. دستنوشته‌های قدیمی یونانی به طور مساوی تقسیم شده اند. زیرا حالت مفرد غیر معمولتر است (MSS P25, A, B, L, W و 28)، احتمال اصل است. UBS رتبه B (تقریبا مطمئن) را می دهد. گرایش نوشته باستانی همسو و روان کردن متن بوده است. همچنین جالب است که توجه کنیم یوحنا شاگرد احتمالا از این بحث الهام گرفته است.

**NASB, NRSV, NJB, NKJV**  
"درباره تطهیر"

**TEV**  
"موضوع تشریفات شستشو"

نظریات زیادی در باره تمرکز بر سر این جدل وجود دارد (نسخه بازمینی شده شاه جیمز).

۱. این احتمال هست که پیروان یحیی بر سر رابطه میان تعمید یحیی و عیسی بحث می کردند زیرا آنها با آئین و سنت تطهیر یهودی مربوط بودند، مشابه همین اصطلاح در انجیل یوحنا ۲: ۶ هم استفاده شده است.

۲. برخی بر این باور هستند که این صراحتا با همین متن مرتبط است زیرا عیسی زندگی و بشارت خود را آموزش می داد که یهودیت کاملا تحقق یافته است.

a. انجیل یوحنا ۲: ۱ الی ۱۲، مراسم عروسی در قانا

b. انجیل یوحنا ۲: ۱۳ الی ۲۲، مراسم تطهیر معبد

c. انجیل یوحنا ۳: ۱ الی ۲۱، بحث با نیکودیموس، حاکم یهودیان

d. انجیل یوحنا ۳: ۲۲ الی ۳۶، شستشوی یهودیان و تعمید یحیی و عیسی

این واقعیت که موضوع متن باز نشده است، به ویژه بر سر این بحث خاص، روشنگر این واقعیت است که فرصت دیگری به یحیی تعمید دهنده داده شد

تا بر ارجحیت عیسی ناصری اقرار کند.

۳: ۲۶ "استاد، آن که با تو در آن سوی رود اردن بود، و تو بر او شهادت دادی، اکنون خودت تعمیم می‌دهد و همگان نزد او می‌روند"

شاگردان اقرار اولیه یحیی را در مورد بره خدا بیاد آوردند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۹ الی ۳۶)، و ظاهراً کمی نسبت به موفقیت عیسی حسودی (مبالغه) کردند. عیسی نیز بسیار نسبت به هر گونه روح رقابت حساس بود (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۱).

۳: ۲۷ "هیچ کس نمی‌تواند چیزی به دست آورد، جز آنچه از آسمان به او عطا شود" این یک اقرار کاملاً صریح است که هیچ رقابتی در مسائل معنوی و الهی وجود ندارد. هر چه مومنین دارند با لطف خدا به آنان داده شده است. با این حال بحث‌های زیادی میان "به او" و "آنچه" وجود دارد.

۱. برخی می‌گویند "به او" اشاره به مومن دارد و "آنچه" اشاره به کسی دارد که برای رستگاری به سوی عیسی می‌آید (خدا پیشگام می‌شود و انسان فقط می‌تواند پاسخ دهد) (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)

۲. سایرین معتقدند که "به او" اشاره به عیسی و "آنچه" به مومنین اشاره دارد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹، ۱۰: ۲۹، ۱۷: ۲ و ۹ و ۱۱ و ۲۴)

تفاوت میان این دو دیدگاه این است که کلمه "اعطا" یا به رستگاری فرد مومن و یا به همه مومنین اشاره دارد که هدیه‌ای از سوی خدا به عیسی هستند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲).

۳: ۲۸ "من مسیح نیستم" یحیی تعمیم دهنده بخصوص اقرار می‌کند که، همانطور که در انجیل یوحنا ۱: ۲۰ اقرار کرد که او مسیح نیست بلکه پیشگام او است. این یک کنایه بدیهی به رسالتی است که در ملاکی ۳: ۱، ۴: ۵ و ۶ آمده و با اشعیا ۴۰ (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۳) ادغام شده است. به یادداشت مسیح در بخش انجیل یوحنا ۱: ۲۰ و موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۴: ۲۵ مراجعه کنید.

۳: ۲۹ "عروس از آن داماد است" قابل توجه است که کنایه‌های عهد عتیقی زیادی در این استعاره ازدواج وجود دارند که رابطه میان خدا و اسرائیل را توصیف می‌کنند (رجوع شود به اشعیا ۵۴: ۵، ۶۲: ۴ و ۵، ارمیا ۲: ۲، ۳: ۲۰، حزقیال ۱۶: ۸، ۲۳: ۴، هوشع ۲: ۲۱). پل همچنین از این در افسسیان ۵: ۲۲ استفاده می‌کند. ازدواج مسیحی می‌تواند بهترین مثال مدرن از رابطه پیمانی باشد.

■ "شادی من نیز به همین گونه به کمال رسیده است" اسم "لذت" و فعل "به کمال رسیدن" سه مرتبه در این آیه استفاده شده است. بجای اینکه روحیه رقابت وجود داشته باشد، یحیی تعمیم دهنده بطور بدیهی موقعیت خود را تشخیص داده و در عیسی به کمال رسید.

۳: ۳۰ "او باید ارتقا یابد و من باید کوچک شوم" کلمه "باید" (*dei*) در اینجا مهم این است این کلمه قبلاً در انجیل یوحنا ۳: ۱۴، و ۴: ۴ استفاده شده است. این تأیید قوی درک یوحنا از خودش مبنی بر اینکه پیشگام عیسی که بزرگتر و بشارت مهمتری دارد، است.

#### NASB: انجیل یوحنا ۳: ۳۱ الی ۳۶

"او که از بالا می‌آید، برتر از همه است، اما آن که از زمین است، زمینی است و از چیزهای زمینی سخن می‌گوید. او که از آسمان می‌آید، برتر از همه است. او بر آنچه دیده و شنیده است شهادت می‌دهد، اما هیچ کس شهادتش را نمی‌پذیرد. آن که شهادت او را می‌پذیرد، بر راستی خدا مَهر تأیید زده است. زیرا آن کس که خدا فرستاد، کلام خدا را بیان می‌کند، چرا که خدا روح را به میزان معین (به او) عطا نمی‌کند. پدر، به پسر مَهر می‌ورزد و همه چیز را به دست او سپرده است. آن که به پسر ایمان دارد، حیات جاویدان دارد؛ اما آن که از پسر اطاعت نمی‌کند، حیات را نخواهد دید، بلکه خشم خدا بر او برقرار می‌ماند."

۳: ۳۱ الی ۳۶ بحث‌های زیادی میان مفسران بر سر این وجود دارد که این آیات

۱. ادامه تأیید شفاهی یحیی تعمیم دهنده هستند

۲. کلمات خود عیسی هستند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۱ و ۱۲)

۳. از یوحنا‌ی شاگرد هستند

این آیات به موضوعات انجیل یوحنا ۳: ۱۶ الی ۲۱ باز می‌گردند.

۳: ۳۱ "او که از بالا می‌آید" این مهم است که عناوینی که برای مسیح استفاده شده‌اند بر از پیش وجود داشتن و کاملاً الهی بودن او تأکید دارند (به طور ضمنی در انجیل یوحنا ۳: ۳۱ ذکر شده است)؛ و تولد او و ماموریتی که خدا به او داده (به طور ضمنی در انجیل یوحنا ۳: ۳۴ ذکر شده است). کلمه "از بالا" مشابه همان کلمه‌ای است که در عبارت "دوباره متولد شد" یا "از بالا متولد شد" در انجیل یوحنا ۳: ۳ است.

دوگانگی بالا و پائین، قلمرو خدا و قلمرو زمینی انسان، در انجیل یوحنا یک مشخصه است. این با دوالیسم کتیبه‌های بحرامیت تفاوت دارد. همچنین با دوالیسم روح و ماده عرفانی هم تفاوت دارد. در انجیل یوحنا خود خلقت و کالبد انسانی به خودی خود شیطانی یا گناهکار نیستند.

■ "برتر از همه .... برتر از همه" اولین قسمت این آیه تمثیلی از الهی بودن و از پیش وجود داشتن عیسی، که از بهشت آمده می‌باشد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۸ و ۳: ۱۱ و ۱۲). نیمه دوم این آیه تصریح می‌کند که او فراتر از مخلوقات خدا است. از متن یونانی دقیقاً مشخص نیست که "همه" مذکر است یا خنثی، به همه نوع بشر اشاره دارد یا همه چیز. "برتر از" همه دوم در برخی از متون یونانی دیده نمی‌شود. UBS نمی‌تواند بر این شمول تصمیم‌گیری نماید، اما پیش فرضهای منتقدین (به ضمیمه دوم مراجعه شود) ترجیح می‌دهند که این اضافه شود.

"آن که زمینی است، از زمین است و به زبان زمینی صحبت می‌کند"	<b>NASB</b>
"آن که زمینی است، زمینی است و به زبان زمینی صحبت می‌کند"	<b>NKJV</b>
"آن کسی که از زمین است، متعلق به زمین است و در مورد مسائل زمینی صحبت می‌کند"	<b>NRSV</b>
"آن که زمینی است، از زمین است و در مورد مسائل زمینی صحبت می‌کند"	<b>TEV</b>
"آن که زمینی است، خودش زمینی است و شیوه زمینی صحبت می‌کند"	<b>NJB</b>

این یک اظهار منفی در مورد یوحنا نیست. در اینجا کلمه به کار رفته برای زمین (*gē* انجیل یوحنا ۱۲: ۳۲، ۱۷: ۴، اول یوحنا ۵: ۸، اما در مکاشفه ۷۶ مرتبه تکرار شده) معادل همان کلمه برای "جهان" (*kosmos*) نیست، که اغلب به طور منفی توسط یوحنا استفاده شده است. خیلی ساده، این یک تأیید است که در حالیکه همه مردم درباره آنچه که می‌دانستند، زمین، صحبت می‌کردند، عیسی فراتر از آنچه که او می‌دانست، یعنی بهشت، صحبت می‌کرد. در نتیجه، شهادت عیسی به مراتب بزرگتر از هرگونه پیامبر یا واعظ زمینی است (رجوع شود به عبرانیان ۱: ۱ الی ۴).

۳: ۳۲ "او بر آنچه دیده و شنیده است شهادت می‌دهد" در این آیه با زمان فعل بازی شده است: (۱) "دیده است" زمان کامل است، (۲) "شنیده است" زمان آنوریستی است، و (۳) "شهادت می‌دهد" زمان حاضر است. عیسی غایت مکاشفه خداست (رجوع شود به اول قرنتیان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۳ الی ۲۰، عبرانیان ۱: ۲ و ۳). او فراتر از (۱) تجربه شخصی است با خدا که پدر است و الهی بودنش حرف می‌زند.

■ "هیچ کس شهادتش را نمی‌پذیرد" این یک اغراق شرقی است زیرا انجیل یوحنا ۳: ۲۳ الی ۲۶ دلالت بر این دارد که بسیاری به سوی او آمدند. این عبارت به یهودیت در کل اشاره دارد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۱)، نه فقط خود متن.

۳: ۳۳ "آن که" این نشان‌دهنده عشق جهانی و نامحدود خدا برای تمامی انسانها است. هیچ مانعی بر سر راه خبر خوش خدا وجود ندارد، فرد باید توبه کند و ایمان بیاورد (رجوع شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولات ۲۰: ۲۱)، و این پیشنهاد برای همه است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶ الی ۱۸، اول تیموتائوس ۲: ۴، اول یوحنا ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۱ و ۴: ۱۴).

■ "شهادت او را می‌پذیرد" آیه ۳۳ ضمیر مفعولی آنوریستی است، در حالیکه انجیل یوحنا ۳: ۳۶ ضمیر مفعولی حاضر است. این نشان می‌دهد که اعتماد به خدا برای رستگاری نه فقط یک تصمیم اولیه است، بلکه رفتاری همانند رفتار شاگردان عیسی است. همین تأیید نیاز به پذیرش، هم انجیل یوحنا ۱: ۱۲ اظهار شده و هم در انجیل یوحنا ۳: ۱۶ الی ۱۸). کلمه "پذیرفتن" همانند کلمه "ایمان" در عهد عتیق دارای دو مفهوم ضمنی است.

۱. پذیرفتن شخصی عیسی و گام برداشتن با او
۲. پذیرفتن حقیقت و دکترین‌هایی که در انجیل آمده‌اند (رجوع شود به یهودا ۳ و ۳۰)

"خود را بر این پایبند کرده است که خدا حقیقت است"	<b>NASB</b>
"تأیید کرده است که خدا حقیقت دارد"	<b>NJKV, NRSV</b>
"بدینوسیله تأیید می‌کند که خدا صادق است"	<b>TEV</b>
"اظهار می‌دارد که خدا حقیقت دارد"	<b>NJB</b>

وقتی مومنین اعتماد شخصی خود را بر مسیح استوار می‌سازند، آنها تأیید می‌کنند که پیام خدا در باره خودش، جهان، نوع بشر و پسرش درست است (رجوع شود به رومیان ۳: ۴). این یک موضوع تکراری در انجیل یوحنا است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۳، ۷: ۲۸، ۸: ۲۶، ۱۷: ۳، اول یوحنا ۵: ۲۰). عیسی صحت دارد، زیرا او در نهایت تنها خدای واقعی را نشان داد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۷ و ۱۴، ۱۹: ۱۱).

برای فعل "پایبند کردن" (زمان آنوریستی فعال دلالت‌کننده) به موضوع خاص زیر مراجعه کنید

### موضوع خاص: تأیید

(SPECIAL TOPIC: SEAL)

تأیید می‌تواند یک شیوه باستانی برای نشان دادن موارد زیر باشد



۱. حقیقت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۳)

۲. مالکیت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۷، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹، مکاشفه ۷: ۲ الی ۳: ۹، ۴)

۳. امنیت یا محافظت (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱۵، انجیل متی ۲۷: ۶۶، رومیان ۴: ۱۱، ۱۵: ۲۸، دوم قرنتیان ۱: ۲۲، افسسیان ۱: ۱۳، ۴: ۳۰، مکاشفه ۲۰: ۳)

۴. می تواند هم نشانی از واقعیت وعده خدا برای یک برکت باشد (مراجعه شود به رومیان ۴: ۱۱ و اول قرنتیان ۹: ۲)

هدف این تائید در مکاشفه ۷: ۲ الی ۴: ۹، ۴ شناسایی مردم خدا است تا خشم خدا آنها بر آنها ننشیند. تائید شیطان مردم او را شناسایی می کند، که هدف خشم خدا هستند. در مکاشفه، بلا (*thlipsis*) همیشه بر غیر مومنینی نازل می شود که مومنین را مورد آزار و اذیت قرار می دهند، در حالیکه خشم و غضب (*orgē* یا *thumos*) همیشه داوری خدا بر غیر مومنین است تا شاید توبه کنند و به عیسی ایمان آورند. این هدف مثبت داوری را می توان در پیمان نفرین/برکت در لاویان ۲۶، تثنیه ۲۷ الی ۲۸، مزبور ۱ دید.

۳: ۳۴ "آن کس که خدا فرستاد، کلام خدا را بیان می کند" دو عبارت مترادف در انجیل یوحنا ۳: ۳۴ وجود دارند که نشان می دهند اقتدار عیسی از جانب خدا است

۱. خدا او را فرستاده است

۲. او لبریز از روح القدس است

■ "چرا که خدا روح را به میزان معین (به او) عطا نمی کند" این اظهار از نظر معنای واقعی کلمه، در قالب منفی است، ولی خواننده انگلیسی زبان مفهوم مثبت آن معنی را درمی یابد. دوروش وجود دارد که بتوان معنای عبارت لبریز از روح القدس را درک کرد:

۱. عیسی مومنین را از روح القدس لبریز می کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۰ الی ۱۴ و ۷: ۳۷ الی ۳۹)

۲. لبریزی از روح القدس اشاره به هدیه خدا به مسیح دارد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۵)

روحانیون کلمه "میزان" را برای توصیف وحی خدا به پیامبران مورد استفاده قرار می دهند. روحانیون همچنین به این اشاره می کنند که هیچ یک از پیامبران از روح القدس لبریز نبودند. بنابراین عیسی برتر از پیامبران است (رجوع شود به عبرانیان ۱: ۱ و ۲) و بدینوسیله، مکاشفه کامل خدا است.

۳: ۳۵ "پدر، به پسر مهر می ورزد" این تائید در انجیل یوحنا ۵: ۲۰ و ۱۷: ۲۳ الی ۲۶ تکرار شده است. رابطه مومنین با خدا بر اساس مهر او به مسیح است (تنها پسر خدا، رجوع شود به عبرانیان ۱: ۲، ۳: ۵، ۶، ۸، ۷: ۲۸).

به تعداد دلایلی که در این متن اظهار شده اند که چرا انسانها باید به عیسی به عنوان مسیح اعتماد کنند، توجه نمایند.

۱. زیرا او از بالا است و بالاتر از همه است (انجیل یوحنا ۳: ۳۱)

۲. زیرا او توسط خدا با ماموریت رستگاری فرستاده شده بود (انجیل یوحنا ۳: ۳۴)

۳. زیرا خدا بطور ممتد او را با روح القدس لبریز می کند (انجیل یوحنا ۳: ۳۴)

۴. زیرا خدا به او مهر می ورزد (انجیل یوحنا ۳: ۳۵)

۵. زیرا خدا همه چیز را در دستان او قرار داد (انجیل یوحنا ۳: ۳۵)

کلمات زیادی برای "مهر ورزیدن" در زبان یونانی وجود دارند که بیان کننده رابطه میان انسانهای مختلف هستند. *agapaō* و *phileō* هر دو به یک معنی هستند و همدیگر را همپوشانی می کنند.

۱. انجیل یوحنا ۳: ۳۵، ۱۷: ۲ و ۲۴ و ۲۶ - *agapaō*

۲. انجیل یوحنا ۵: ۲۰ - *phileō*

در اینجا به نظر می رسد که تمایز مفهومی در صحبت های عیسی با پطروس در انجیل یوحنا ۲۱: ۱۵ الی ۱۷ وجود داشته باشد. به خاطر داشته باشید، "متن نوشته، متن نوشته، متن نوشته"، هیچ فرهنگ واژگانی نمی تواند معانی کلمه را تعیین کند!

■ "همه چیز را به دست او سپرده است" این زمان کامل فعال دلالت کننده است. این یک اصطلاح عبری برای داشتن قدرت یا اختیار بر روی دیگری است (انجیل یوحنا ۱۰: ۲۸، ۱۳: ۳، اعمال رسولان ۴: ۲۸، ۱۳: ۱۱). این یک عبارت فوق العاده جالب است که عبارات هم معنی و موازی زیادی برای آن وجود دارد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲، انجیل متی ۱۱: ۲۷، ۲۸: ۱۸، افسسیان ۱: ۲۰ الی ۲۲، کولسیان ۲: ۱۰، اول پطرس ۳: ۲۲).

"او که به پسر ایمان دارد زندگی جاویدان دارد؛ اما او که از پسر اطاعت نمی‌کند زندگی را نخواهد دید"	NASB
"او که به پسر ایمان دارد زندگی ابدی دارد؛ اما او که از پسر اطاعت نمی‌کند زندگی را نخواهد دید"	NKJV
"هر کس که به پسر ایمان دارد زندگی جاویدان دارد؛ اما هر کس که از پسر نافرمانی می‌کند زندگی را نخواهد دید"	NRSV
"هر کس که به پسر ایمان دارد زندگی جاویدان دارد؛ اما هر کس که از پسر نافرمانی می‌کند زندگی را نخواهد دید"	TEV
"هر کسی که به پسر ایمان دارد زندگی جاویدان دارد؛ ولی هر کسی که از ایمان آوردن به پسر سر باز زند هرگز زندگی را نخواهد دید"	NJB

این افعال همگی حال فعال هستند که از عملی که در حال انجام است سخن می‌گویند. ایمان بیش از یک بار تصمیم‌گیری است و مهم نیست تا چه اندازه صمیمانه و یا از روی احساس بوده است (رجوع شود به انجیل متی ۱۳: ۳۰). این تأیید می‌کند که بدون شناخت عیسی، فرد نمی‌تواند پدر را بشناسد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۴ الی ۵۰ و اول یوحنا ۵: ۱۰). رستگاری تنها با رابطه ممتد با عیسی، پسر بدست می‌آید (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱ الی ۱۸ و ۱۴: ۶).

زمان حال نه فقط از عمل در حال انجام، بلکه از واقعیت حاضر رستگاری نیز سخن می‌گوید. این آن چیزی است که اینک مومنین دارند، ولی بطور کامل به پایان نرسیده است. این همان دوالیسم عصر است: "گذشته" در مقابل "حال و آینده" (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد در بخش اول یوحنا ۲: ۱۷ مراجعه کنید). موضوع خاص: زمانهای افعالی که برای رستگاری در انجیل یوحنا ۹: ۷ استفاده شده‌اند را مطالعه کنید.

همچنین جالب است که به تضاد میان "باور کردن" و "اطاعت کردن" توجه کنیم. خبر خوش نه فقط فردی است که می‌پذیریم و حقیقتی که قبول می‌کنیم، بلکه زندگی نیز هست (رجوع شود به انجیل لوقا ۶: ۴۶، افسسیان ۲: ۸ الی ۱۰).

■ **"بلکه خشم خدا بر او برقرار می‌ماند"** این تنها جایی در نوشته یوحنا است (به استثنای اینکه پنج مرتبه نیز در مکاشفه ذکر شده است) که کلمه "خشم" (*orge*) دیده می‌شود. مفهوم آن متداول است و معمولاً در ارتباط با قضاوت و داوری به کار می‌رود. این زمان حال فعال دلالت‌کننده است. "باور"، "اطاعت" و "خشم" حقایق در جریان حال حاضر هستند که در آینده کامل می‌شوند. این همان تنشی است که میان "قبلا" و "نه هنوز" پادشاهی خدا وجود دارد. برای بحث کامل در مورد خشم خدا رومیان ۱: ۱۸ الی ۳: ۲۰ را بخوانید.

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند.

۱. پیام اولیه عیسی مثل پیام اولیه یحیی تعمید دهنده چه بود؟
۲. آیا این تعمید همانند تعمید مسیحی است؟
۳. چرا بر روی کلمات یحیی تعمید دهنده در ابتدای فصلهای انجیل یوحنا تأکید زیادی می‌شود؟
۴. تعداد و نوع تفاوت‌هایی که یوحنا نگارنده استفاده می‌کند که رابطه میان یحیی تعمید دهنده و عیسی را توصیف کند را توصیف کنید
۵. چگونه کلمه "پذیرش" در انجیل یوحنا ۳: ۳۳ با کلمه "ایمان" در انجیل یوحنا ۳: ۳۶ مرتبط است؟ چگونه کلمه "نافرمانی" در انجیل یوحنا ۳: ۳۶ با این بحث مرتبط است؟
۶. تعداد دلایلی که ذکر شد که چرا مردم باید به عیسی ناصری به عنوان تنها امید برای رستگاری اعتماد کنند را فهرست کنید
۷. توضیح دهید که چرا کلمه "خشم" در آیه ۳۶ فعل زمان حاضر است.

## یوحنا ۴

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
عیسی وزن سامری	یک زن سامری مسیح خود را میبند	عیسی و سامریان	عیسی و سامریان	عیسی میان سامریان
۴: ۱ الی ۶	۴: ۱ الی ۲۶	۴: ۱ الی ۶	۴: ۱ الی ۴ ۴: ۵ و ۶	۴: ۱ الی ۱۰
۴: ۷ الی ۱۵		۴: ۷ الی ۱۵	۴: ۷ و ۸ ۴: ۹ ۴: ۱۰ ۴: ۱۱ و ۱۲ ۴: ۱۳ و ۱۴ ۴: ۱۵	
۴: ۱۶ الی ۲۶		۴: ۱۶ الی ۲۶	۴: ۱۶ ۴: ۱۷ ۴: ۱۷ و ۱۸ ۴: ۱۹ و ۲۰ ۴: ۲۱ الی ۲۴ ۴: ۲۵ ۴: ۲۶ ۴: ۲۷ ۴: ۲۸ الی ۳۰	
۴: ۲۷ الی ۳۰	دروی سفید شده	۴: ۲۷ الی ۳۰	۴: ۲۸ الی ۳۰	
۴: ۳۱ الی ۳۸		۴: ۳۱ الی ۳۸	۴: ۳۱ ۴: ۳۲ ۴: ۳۳ ۴: ۳۴ الی ۳۸ ۴: ۳۹ و ۴۰ ۴: ۴۱ و ۴۲	
۴: ۳۹ الی ۴۲	نجات دهنده جهان	۴: ۳۹ الی ۴۲		
شفای پسر افسر	خوش آمد در جلیلیه	عیسی و عوام	عیسی پسر یک مقام رسمی را شفا داد	عیسی در جلیلیه
۴: ۴۳ الی ۴۵	۴: ۴۳ الی ۴۵	۴: ۴۳ الی ۴۵	۴: ۴۳ الی ۴۵	۴: ۴۳ الی ۴۵
۴: ۴۶ الی ۵۴	پسر یک مرد محترم شفا یافت	۴: ۴۶ الی ۵۴	۴: ۴۶-۴۸ ۴: ۴۹ ۴: ۵۰ الی ۵۱ ۴: ۵۲ و ۵۳ ۴: ۵۴	شفای پسر یک مقام سلطنتی
	۴: ۴۶ الی ۵۴			۴: ۴۶ الی ۵۳
				۴: ۵۴

## دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف

۲. دومین پاراگراف

۳. سومین پاراگراف و غیره

## فراست و آگاهی نسبت به آیات ۱ الی ۵۴

۱. یک ساختار تعمیدی در فصلهای ۳ و ۴ وجود دارد

a. آقای مذهبی (نیقودیموس) در مقابل زن مطرود (زن کنار چاه)

b. یهودیت مستقر در اورشلیم (ارتدکس) در مقابل یهودیت سامری (جبرائیل)

۲. حقیقت درباره شخص و کار عیسی در بخشهای زیر بسط یافته اند

a. گفتگو با زن در کنار چاه (انجیل یوحنا ۴: ۱ الی ۲۶)

b. گفتگو با شاگردانش (انجیل یوحنا ۴: ۲۷ الی ۳۸)

c. شهادت روستائیان (انجیل یوحنا ۴: ۳۹ الی ۴۲)

d. پذیرش توسط جلیلیان (انجیل یوحنا ۴: ۴۳ الی ۴۵)

e. نشان/معجزه قدرت عیسی بر بیماری (۴: ۴۶ الی ۵۴)

## مطالعه کلمه و عبارت

### NASB: یوحنا ۴: ۱ الی ۶

چون خداوند دریافت که فریسیان شنیده اند او بیش از یحیی پیرو یافته، تعمیدشان می دهد شاگردان عیسی تعمید می دادند نه خودش - یهودیه را ترک گفت و دیگر بار رهسپار جلیل شد. و می بایست از سامره بگذرد. پس به شهری از سامره به نام سوخار رسید، نزدیک قطعه زمینی که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود. چاه یعقوب در آنجا بود و عیسی خسته از سفر در کنار چاه نشست. حدود ساعت ششم از روز بود.

۴: ۱ "خداوند" یوحنا رخداد را سالها بعد (به کمک روح القدس) در ذهنش بیاد می آورد و از کلمه خداوند و عیسی در یک جمله استفاده می کند که هر دو به یک نفر اشاره می کنند.

در چندین دستنوشته یونانی "عیسی" دو مرتبه در انجیل یوحنا ۴: ۱ تکرار شده است (برای مثال، D, 8, نسخه استاندارد جدید بازبینی شده، انجیل جدید اورشلیم، نسخه انگلیسی بازبینی شده)، ولی "خداوند" (Lord) در (MSS P<sup>66,75</sup>, A, B, C, L (NASB, NKJV) دیده می شود. با این حال، با تأیید بهترین جایگزین برای "خداوند" UBS<sup>4</sup> "عیسی" را در متن قرار داد و امتیاز C را به آن اختصاص داد (تصمیم گیری مشکل).

■ "فریسیان" به موضوع خاص: فریسیان مراجعه شود

■ "شنیده اند او بیش از یحیی پیرو یافته، تعمیدشان می دهد" عیسی این منطقه را به دلیل تنش احتمالی میان پیروانش و پیروان یحیی تعمید دهنده که ممکن بود توسط فریسیان تحریک شوند، ترک کرد. بطور خلاصه می گویم که از آنجا که هیروود یحیی تعمید دهنده را دستگیر کرده بود، او آنجا را ترک کرد (رجوع شود به انجیل متی ۴: ۱۲، انجیل مرقس ۱: ۱۴، انجیل لوقا ۳: ۲۰).

۴: ۲ "عیسی خودش تعمید نمی داد" این توضیح برای بی اعتبار کردن تعمید نبود (رجوع شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹، اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۸: ۱۲، ۱۶: ۳۳، ۲۲: ۱۶)، بلکه بواسطه طبیعت خودمحوری انسانها بود (یعنی "من توسط عیسی تعمید داده شدم" یا پل، رجوع شود به ۱ اول قرنیتیان ۱: ۱۷). ظاهراً عیسی در ابتدای دوران بشارتش تعمید می داد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۲۲) ولی بعداً متوقف کرد. یوحنا گفته نادرست فریسیان را اصلاح می کند.

۴:۳ "او یهودیه را ترک کرد و مجدداً به جلیل رفت" اینها دو زمان آنوریست فعال دلالت کننده هستند که برای تاکید بر حرکت جغرافیایی عیسی استفاده شده‌اند.

۴:۴ "او باید از سامره عبور می‌کرد" "باید" معادل یونانی فعل *dei* است، که چندین بار در این متن تکرار شده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳:۷ و ۱۴ و ۳۰). معمولاً "باید" یا "لازم" ترجمه می‌شود. در این سفر عیسی یک هدف الهی وجود داشت. این کوتاهترین راه بود، جوزفوس به ما می‌گوید که یهودیان جلیل معمولاً از این مسیر استفاده می‌کردند. باین حال، یهودیان یهودیه از سامریان متنفر بودند و از میان زمینهایشان عبور نمی‌کردند زیرا تصور می‌کردند آنها ملحد هستند.

## موضوع خاص: نژاد پرستی (SPECIAL TOPIC: RACISM)

### I. مقدمه

- A. این نگرش برتری یک بیان جهانی بشر گمراه است. این ضمیر بشر است، که از خود در پشت سر دیگران حمایت کند. نژادپرستی از بسیاری جهات یک پدیده مدرن است، در حالی که ناسیونالیسم (یا قبیله گرایی) یک مسئله باستانی است.
- B. ملی گرایی در بابل آغاز شد (پیدایش ۱۱) و در ابتدا مربوط به سه پسران نوح بود که به اصطلاح نژادها از آنها توسعه یافتند (پیدایش ۱۰). با این حال، از کتاب مقدس روشن است که بشریت از یک منبع است (مراجعه شود به پیدایش ۱-۳؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۶).
- C. نژادپرستی فقط یکی از انواع تعصب است. برخی دیگر از تعصبات عبارتند از
۱. فخر فروشی به خاطر تحصیلات
  ۲. غرور اقتصادی-اجتماعی
  ۳. خود-پارسی بینی و قانونگرایی مذهبی
  ۴. تعصبات کور سیاسی

### II. مفاد انجیلی

#### A. عهد عتیق

۱. پیدایش ۱: ۲۷ - نوع بشر، مرد و زن، در تصویر و همانند خدا ساخته شدند، که آنها را منحصر به فرد میکند. همچنین ارزش و وقار فردی را نشان میدهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶).
۲. پیدایش ۱: ۱۱ الی ۲۵ - این عبارت را ده مرتبه ثبت کرده است "در پی نوع خود...". از این عبارت برای حمایت از تبعیض نژادی استفاده میشود. با این حال، از زمینه متن مشخص است که این به حیوانات و گیاهان و نه به بشریت، اشاره دارد.
۳. پیدایش ۹: ۱۸ الی ۲۷ - از این عبارت برای حمایت از تسلط نژادی استفاده شده است. باید به یاد داشته باشید که خدا کنعان را لعنت نکرد. نوح، پدر بزرگش، پس از بیداری از مستی، لعنتش کرد (به خاطر پدرش، گناه حام). کتاب مقدس هیچ سابقه‌ای که خدا این سوگند / لعنت را تایید کرده باشد را ثبت نکرده است. حتی اگر او این کار را انجام دهد، این امر در مورد نژاد سیاه و سفید تاثیر نمی‌گذارد. کنعان پدر کسانی بود که در فلسطین ساکن بودند و هنر دیوار مصری نشان می‌دهد که آنها سیاه نیستند.
۴. اعداد ۱۲: ۱ - موسی با یک زن سیاه پوست ازدواج کرد.
۵. یوشع ۹: ۲۳ - این عبارت برای اثبات اینکه یک نژاد باید به نژادی دیگر خدمت کند، استفاده میشود. با این وجود، در متن، جبعونیان از همان نژادی هستند که یهودیان میباشند.
۶. عزرا ۹ الی ۱۰ و نحما ۱۳ - اینها اغلب در مفهوم نژادی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما متن نشان می‌دهد که ازدواج‌ها، نه به دلیل نژادی (آنها از یک پسر نوح بودند، پیدایش ۱۰)، بلکه به دلایل مذهبی محکوم شده‌اند.

#### B. عهد جدید

##### ۱. انجیل

a. عیسی در چندین مورد از نفرت بین یهودیان و سامری ها استفاده کرد، تا نشان دهد که نفرت نژادی نامناسب است.

(۱) تمثیل سامری خوب (انجیل لوقا ۱۰: ۲۵ الی ۳۷)

(۲) زن کنار چشمه (انجیل یوحنا ۴)

(۳) جذامی شکرگزار (انجیل لوقا ۱۷: ۱۱ الی ۱۹)

b. انجیل برای همه بشریت است

- (۱) انجیل یوحنا ۳: ۱۶
- (۲) انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷
- (۳) عبرانیان ۲: ۹
- (۴) مکاشفه ۱۴: ۶

c. پادشاهی برای همه بشریت است

- (۱) انجیل لوقا ۱۳: ۲۹
- (۲) مکاشفه ۵

## ۲. اعمال رسولان

a. اعمال رسولان ۱۰ قطعا در مورد عشق جهانی خداوند و پیام جهانی انجیل است.

b. به پطرس به خاطر کارهایش در اعمال رسولان ۱۱ حمله شد و این مسئله تا شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵ برگزار و راه حلی برای آن پیدا نشد، حل نگردید. تنش میان یهودیان و غیر یهودیان قرن اول بسیار شدید بود.

## ۳. پولس

a. هیچ مانعی در راه مسیح وجود ندارد

- (۱) غلاطیان ۳: ۲۶ الی ۲۸
- (۲) افسسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲
- (۳) کولسیان ۳: ۱۱

b. خدا بین افراد تبعیض نمیگذارد

- (۱) رومیان ۲: ۱۱
- (۲) افسسیان ۶: ۹

## ۴. پطرس و یعقوب

a. خدا بین افراد تبعیض نمیگذارد، اول پطرس ۱: ۱۷

b. چون خدا تعصبی نشان نمیدهد، پس مردم او نیز نباید چنین کنند، یعقوب ۲: ۱

## ۵. یوحنا

a. یکی از قویترین گفته ها در مورد مسئولیت مومنین در اول یوحنا ۴: ۲۰ یافت میشود.

## III. جمع بندی

- A. نژاد پرستی، و یا در این مورد، تعصب از هر نوع، برای فرزندان خدا کاملا نامناسب است. در اینجا یک نقل قول از Henlee Barnette است که در انجمنی در Glorieta، نیومکزیکو، برای کمیته زندگی مسیحی در سال ۱۹۶۴ سخنرانی کرد.
- "نژادپرستی کفر است زیرا غیر انجیلی و غیر مسیحی است، لازم به یادآوری نیست که غیر علمی هم هست".
- B. این مسئله به مسیحیان فرصتی برای نشان دادن عشق، بخشش و درک متقابل خود به یک جهان گمشده و گمراه می دهد. نژاد پرستی مسیحی نشان دهنده عدم بلوغ است و فرصتی برای یک شخص بد برای ایجاد مانع برای ایمان، اطمینان و رشد مؤمن به وجود می آورد. این همچنین به عنوان یک مانع برای افراد گمشده جهت رسیدن و روی آوردن به مسیح خواهد بود.
- C. چه کاری میتوانم انجام دهم؟ (این بخش از تراکت کمیته زندگی مسیحی تحت عنوان "مسابقه روابط" برگرفته شده است)

"در سطح فردی"

- مسئولیت خود را در حل مسائل مربوط به نژاد بپذیرید
  - از طریق دعا، مطالعه انجیل، و دوستی با دیگر نژادها تلاش کنید تعصبات زندگی نژادی را از خود دور کنید
  - اعتقادات خود را نسبت به نژاد بیان کنید، به ویژه آنهایی که نزاع نژادی را متلاشی می کنند
- "در زندگی خانوادگی"
- اهمیت نفوذ خانواده در توسعه نگرش نسبت به سایر نژادها را درک کنید.
  - سعی کنید با صحبت کردن در مورد آنچه که کودکان و والدین در مورد نژادها در خارج از منزل می شنوند، نگرشهای مسیحی را توسعه دهید.
  - والدین باید در برابر ارائه یک مثال مسیحی در ارتباط با افراد نژادهای دیگر مراقب باشند.

• به دنبال فرصتهایی برای ایجاد دوستی خانوادگی با دیگر نژادها باشید  
"در کلیسای خود"

• با موعظه و تعلیم حقیقت کتاب مقدس در رابطه با نژاد، جماعت حاضر در کلیسا می‌توانند الگو و سرمشقی برای کل جامعه باشند.  
• اطمینان حاصل کنید که عبادت، مشارکت و خدمت از طریق کلیسا برای همه باز باشد، حتی به عنوان کلیساهای عهد جدید، هیچ مانع نژادی وجود نداشته باشد (افسیان ۲: ۱۱ الی ۲۲، غلاطیان ۳: ۲۶ الی ۲۹).

"در زندگی روزمره"

- کمک به غلبه بر هرگونه تبعیض نژادی در محیط کار.
- از طریق انواع سازمانهای اجتماعی از حقوق و فرصتهای برابر محافظت کنید، به یاد داشته باشید که مسئله نژاد است که باید مورد حمله قرار گیرد نه افراد. هدف این است که فهمیدن را ترویج دهیم، نه اینکه تلخی ایجاد کنیم.
- اگر به نظر عاقلانه باشد، کمیته ویژه‌ای از شهروندان برای ایجاد خطوط ارتباطی در جامعه برای آموزش عموم و اقدامات خاص در بهبود روابط نژادی سازماندهی کند.
- از قوانین و قانون‌گذاران در تصویب قوانین ترویج عدالت نژادی حمایت کنید و با کسانی که از تعصب برای منافع سیاسی استفاده می‌کنند، مخالفت کنید.
- از مقامات اجرایی قانون برای تحقق قوانین بدون تبعیض تشکر کنید.
- خشونت را کنار بگذارید و احترام به قانون را ارتقا دهید، هر کاری که ممکن است به عنوان یک شهروند مسیحی باید انجام داد، انجام دهید، اطمینان حاصل کنید که ساختارهای حقوقی ابزار دست کسانی که تبعیض را افزایش می‌دهند، نخواهد بود.
- روح و ذهن مسیح را در تمام روابط انسانی به صورت الگو و نمونه بیان کنید.

■ "از میان سامره" نفرت زیادی میان سامریان و یهودیان وجود داشت که به قرن هشتم قبل از میلاد باز می‌گشت. در ۷۲۲ قبل از میلاد ده قبیله شمالی که پایتختشان در سامره بود، توسط آشوریان به اسارت گرفته شده و به ماد فرستاده شدند (رجوع شود به دوم پادشاهان ۱۷: ۶). سایر مردم به اسارت گرفته شده در شمال فلسطین مستقر شدند (رجوع شود به دوم پادشاهان ۱۷: ۲۴). در طی سالها این مردم دورگه از ازدواج میان افراد با مردمی که از اسرائیل باقیمانده بودند، بوجود آمدند. یهودیان اهالی سامره را دو رگه و مرتد تلقی می‌کردند.

۴: ۵ "به شهری از سامره به نام سوخار رسید، نزدیک قطعه زمینی که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود" (رجوع شود به سفر آفرینش ۳۳: ۱۸ و ۱۹، یوشع ۲۴: ۳۲). بسیاری سوخار را سیچم تلقی می‌کردند، ولی در عهد جدید چنین چیزی اظهار نشده است.

۴: ۶ "چاه یعقوب در آنجا بود" این چاه مخزنی عیق با عمق تقریبی ۱۰۰ فوت بود. آب جاری نبود (چشمه)، ولی آب باران را جمع می‌کرد. هرگز در عهد عتیق از آن نام برده نشده است ولی با منطقه‌ای که در آن سنتهای پدرسالاری اجرا می‌شد، مرتبط است.

■ "عیسی از سفرش خسته شده بود" به وضوح طبیعت انسانی عیسی را در اینجا می‌بینیم (رجوع شود به انجیل لوقا ۲: ۵۲) ولی هرگز از محبت کردن به مردم خسته نمی‌شد.

NASB, NKJV, NJB "حدود ساعت ششم بود"

NRSV, TEV "حدود ظهر بود"

بحثهای زیادی وجود دارد که یوحنا از چه روشی برای تعیین وقت در انجیل خودش استفاده می‌کرده است. در برخی منابع به نظر می‌رسد زمان یهودی و در برخی زمان رومی تصور می‌شود.

NASB، انجیل یوحنا ۴: ۷ الی ۱۴

در این هنگام، زنی از مردمان سامره برای آب کشیدن آمد. عیسی به او گفت: "جرعه‌ای آب به من بده"، زیرا شاگردانش برای تهیه خوراک به شهر رفته بودند. زن به او گفت: "چگونه تو که یهودی هستی، از من که زنی سامری‌ام آب می‌خواهی؟" زیرا یهودیان با سامریان مراد نمی‌کنند. عیسی در پاسخ گفت: "اگر موهبت خدا را درمی‌یافتی و می‌دانستی کیست که از تو آب می‌خواهد، تو خود از او می‌خواستی، و به تویی زنده عطا می‌کرد." زن به او گفت: "سرورم، سطل نداری و چاه عمیق است، پس آب زنده از کجا می‌آوری؟ آیا تو از پدر ما یعقوب بزرگتری که این چاه را به ما داد، و خود و پسران و گله‌هایش از آن می‌آشامیدند؟" عیسی گفت: "هر که از این آب می‌نوشد، باز تشنه می‌شود. اما هر که از آن آب که من به او دهم بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد، بلکه آبی که من می‌دهم در او چشمه‌ای می‌شود که تا به حیات جاویدان جوشان است.

۴:۷ "زنی از مردمان سامیره آمد" این زن به خاطر وضعیت اجتماعی خود در روستا، در این زمان از روز به تنهایی این همه راه را تا این چشمه دور افتاده آمده بود.

■ "جرعه‌ای به من بده" این یک زمان آئوریست فعال دلالتی است که مفهوم فوریت را در بر دارد.

۴:۸ این آیه صحنه صحبت خصوصی عیسی با این زن مطرود از یهودیت است. این هم یکی دیگر از یادداشتهای داخل پراوترز یوحنا است.

۴:۹ "چگونه تو که یهودی هستی، از من که زنی سامیری ام آب می خواهی" یهودیان حتی اجازه نداشتند که از همان ظرف سامریان آب بنوشند (رجوع شود به سنتهای یهود بر اساس لایوان ۱۵). عیسی دو مانع فرهنگی را نادیده می گرفت: (۱) صحبت کردن با زن سامری و (۲) صحبت کردن با زنی در ملا عام.

■ "(زیرا یهودیان با سامریان مرادده نمی کنند)" پراوترزها (NASB)، نسخه استاندارد جدید بازبینی شده) که یک بخش اضافه شده از جانب یوحنا هستند، در MSS، ۸ و D نیستند، ولی در ۸، 1، A، B، C، L، P63، 66، 75، 76 هستند. UBS به این اضافه شدن رتبه A را می دهد (یعنی قطعی).

### موضوع خاص: انتقاد متنی

۴:۱۰ "اگر" این جمله شرطی نوع دوم است که "برخلاف واقعیت" تلقی می شود. یک عبارت نادرست بیان می شود تا یک عبارت دیگر نیز که آن هم نادرست است تأیید گردد.

این تنها کاربرد کلمه "هدیه" در انجیل یوحنا است. در اینجا به عیسی به عنوان هدیه خداوند اشاره می شود. (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶) که زندگی جاویدان می دهد. در انجیل یوحنا ۷: ۳۸ و ۳۹ و اعمال رسولان از آن برای دادن روح القدس استفاده شده است (رجوع شود به اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۸: ۲۰، ۱۰: ۴۵، ۱۱: ۱۷). تمرکز آن بر روی لطف خداست که لیاقت آن را نداشته و در مسیح و روح القدس نمایان می گردد.

■ "آب زنده" این کلمه زمینه استعاره‌ای در عهد عتیق دارد (رجوع شود به مزور ۳۶: ۹، اشعیا ۱۲: ۳، ۴: ۳۳، ارمیا ۲: ۱۳، ۱۷: ۱۳، زکریا ۱۴: ۸). عیسی از اصطلاح "آب زنده" به عنوان مترادف "زندگی معنوی" استفاده می کند. اما زن سامری فکر می کند که او اشاره به آب جاری می کند، بر خلاف آب باران چاه. این خصیصه انجیل یوحنا است که عیسی (نور جهان) دائما درست درک نمی شود (مثل نیکودیموس). قلمرو زمینی حقیر نمی تواند قلمرو بهشتی را درک کند (مثلا پیام عیسی).

۴:۱۱ "آقا" این معادل کلمه یونانی *kurios* است که از *kurie* می آید. می تواند از آن برای مودب خطاب کردن (آقا) یا در عبارات مذهبی (خداوند یا Lord) استفاده شود که به عیسی به عنوان کاملا الهی در انجیل یوحنا ۴: ۱ و رومیان ۱۰: ۱۳ اشاره می شود. در اینجا برای خطاب مودبانه است.

موضوع خاص: خداوندی مسیح از عهد عتیق (میکاه ۵: ۲)

۴:۱۲ "تو از پدر ما یعقوب بزرگتر نیستی، هستی" دستور زبان انتظار پاسخ "نه" را دارد. این به طور بدیهی یک جمله وارونه است. زن سامری ادعای بزرگی اجدادش را که سامریان توسط ابراهیم و ماناسه به یعقوب باز می گردد به رخ می کشید. نکته حیرت انگیز اینجاست که ارجحیت دقیقا همان چیزی بود که عیسی ادعایش را می کرد!

میان مکالمه دو نکته الهیاتی بیان می شود.

۱. عشق خدا/عیسی به مطرودین (مثلا سامریان، زن)

۲. بالاتر بودن عیسی نسبت به غرور نژاد پرستی یهودیان

۴:۱۳ و ۴:۱۴ "هر که از آن آب که من به او دهم بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد" این احتمالا یک دلالت مسیح گونه دارد (رجوع شود به اشعیا ۱۲: ۳، ۴۸: ۴۹، ۲۱: ۱۰). این عبارت یک عبارت منفی مضاعف است. در اینجا با زمانهای فعل بازی شده است. صفت مفعولی حال در انجیل یوحنا ۴: ۱۳ دلالت بر تکرار عمل نوشیدن دارد در حالیکه وجه آئوریستی فعال انجیل یوحنا ۴: ۱۴ دلالت بر یک بار نوشیدن دارد.

۴:۱۴ "چشمه‌ای می شود که تا به حیات جاویدان جوشان است" این صفت مفعولی حال است که معنی آن این است که "بطور مداوم جوشان است" (رجوع شود به اشعیا ۵۸: ۱۱ و انجیل یوحنا ۷: ۳۸). برای مردم صحرائین، آب نماد زندگی و تقدیر الهی است.

NASB، انجیل یوحنا ۴: ۱۵ الی ۲۶

زن گفت: "سرورم، از این آب به من بده، تا دیگر تشنه نشوم و برای آب کشیدن به اینجا نیایم." عیسی گفت: "پرو، شوهرت را بخوان و بازگرد".



زن پاسخ داد: "شوهر ندارم". عیسی گفت: "راست می‌گویی که شوهر نداری، زیرا پنج شوهر داشته‌ای و آن که هم‌اکنون داری، شوهرت نیست. آنچه گفتی راست است". زن گفت: "سرورم، می‌بینم که نبی هستی. پدران ما در این کوه پرستش می‌کردند، اما شما می‌گویید جایی که در آن باید پرستش کرد اورشلیم است". عیسی گفت: "ای زن، باور کن، زمانی فرا خواهد رسید که پدر را نه در این کوه پرستش خواهید کرد، نه در اورشلیم. شما آنچه را نمی‌شناسید می‌پرستید، اما ما آنچه را می‌شناسیم می‌پرستیم، زیرا نجات به واسطه قوم یهود فراهم می‌آید. اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرا رسیده است، که پرستندگان راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جوپای چنین پرستندگانی است. خدا روح است و پرستندگانش باید او را در روح و راستی پرستند". زن گفت: "می‌دانم که مسیح (که معنی آن 'مسح شده' است) خواهد آمد؛ چون او آید، همه چیز را برای ما بیان خواهد کرد". عیسی به او گفت: "من که با تو سخن می‌گویم، همانم".

۱۵:۴ زن همانند نیکودیموس هنوز عیسی را در سطح کاملاً فیزیکی و انسانی درک می‌کند. این حتی برای شاگردان هم غیر معمول نبود. آنها اغلب زبان استعاره‌ای عیسی را اشتباه متوجه می‌شدند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۱ الی ۳۳، ۱۱: ۱۱ الی ۱۳).

۱۶:۴ UBS حتی به این احتمال که ممکن است نام "عیسی" اضافه شده باشد، اشاره نمی‌کند. (رجوع شود به نسخه جدید شاه جیمز، نسخه بازنویسی شده جدید، انجیل اورشلیم، انجیل بازمینی شده انگلیسی). انجیل ترجمه انگلیسی جدید مستندات دستنوشته‌ای برای اضافه کردن خود ارائه می‌کند (صفحه ۱۹۰۳. مثلاً \*، C&MSS, B, C, A, C2, D, L, and W, but it is missing from MSS P66, 75, B, C, & MSS). نوشته‌ها سعی بر این دارند که متن واضحتر باشد و راحتتر بتوان آن را دنبال کرد.

■ "برو، بخوان" این زمان حال فعال امری است که با زمان آنوریستی امری فعال ادامه پیدا می‌کند.

۱۷:۴ "من شوهر ندارم" گناه باید بر ملا شود. عیسی چشم پوشی نمی‌کند، ولی محکوم هم نمی‌کند.

۱۸:۴ "تو پنج شوهر داشته‌ای" عیسی قدرت ماورا الطبیعه خود را به کار می‌گیرد تا زن را به خود آورده و از دنیای فیزیکی به دنیای معنوی بیاورد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۸).

۱۹:۴ "می‌بینم که نبی هستی" زن هنوز به درک مسیح نرسیده بود. او هنوز داشت سعی می‌کرد از کنار مشکل اصلی خودش در رابطه با خدا با تملق گویی بگذرد (درست مانند نیکودیموس در انجیل یوحنا ۳: ۲).

سایر مفسرین این را به عنوان یک مرجع مسیحی از تثبیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۲ می‌بینند.

## موضوع خاص: نبوت عهد عتیق

### (SPECIAL TOPIC: OLD TESTAMENT PROPHECY)

I. معرفی

A. کلام آغازین

۱. جامعه مومنین در نحوه تفسیر نبوت اتفاق نظر ندارند. سایر حقایق بر اساس موقعیت تفکر مرسوم طی قرن‌ها شکل گرفته‌اند، ولی این یکی نه.

۲. در مورد نبوت عهد عتیقی، چندین مرحله به خوبی تعریف شده وجود دارند

a. پیش اخلاقی

(۱) افرادی که پیامبر خطاب می‌شدند

(a) ابراهیم - پیدایش ۲۰: ۷

(b) موسی - اعداد ۱۲: ۶ الی ۸، تثبیه ۱۸: ۱۵، ۳۴: ۱۰

(c) هارون - خروج ۷: ۱ (سخنگوی موسی)

(d) مریم - خروج ۱۵: ۲۰

(e) میداد و الداد - اعداد ۱۱: ۲۴ الی ۳۰

(f) دבורه - داوران ۴: ۴

(g) گمنام - داوران ۶: ۷ الی ۱۰

(h) سموئیل - اول سموئیل ۳: ۲۰

(۲) اشاره به پیامبران به عنوان گروه - تثبیه ۱۳: ۱ الی ۵، ۱۸: ۲۰ الی ۲۲

۳) گروه نبوتی یا انجمن - اول سموئیل ۱۰: ۵ الی ۱۳، ۱۹: ۲۰، اول پادشاهان ۲۰: ۳۵ و ۴۱، ۲۲: ۶ و ۱۰ الی ۱۳، دوم پادشاهان ۲: ۳ و ۷، ۴: ۱ و ۳۸، ۵: ۲۲، ۶: ۱، و غیره

۴) مسیح که پیامبر نامیده می‌شد - تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۱۸

#### b. نامکتوبات پادشاهان

- ۱) جاد - اول سموئیل ۲۲: ۵، دوم سموئیل ۲۴: ۱۱، اول تواریخ ۲۹: ۲۹
- ۲) ناتان - دوم سموئیل ۷: ۲، ۱۲: ۲۵، اول پادشاهان ۱: ۲۲
- ۳) اخیا - اول پادشاهان ۱۱: ۲۹
- ۴) ییهو - اول پادشاهان ۱۶: ۱ و ۷ و ۱۲
- ۵) گمنام - اول پادشاهان ۱۸: ۴ و ۱۳، ۲۰: ۲۲ و ۱۳
- ۶) الیاس - اول پادشاهان ۱۸، دوم پادشاهان ۲
- ۷) میکاه - اول پادشاهان ۲۲
- ۸) الیشع - دوم پادشاهان ۲: ۹ و ۱۲ الی ۱۳

۳. نوشته‌های سنتی پیامبران (آنها اقوام و همچنین پادشاه را مورد خطاب قرار می‌دادند): اشعیا، ملاکی (به استثنای دانیال)

#### B. اصطلاحات انجیلی

۱. روعه = "پیغمبر" (BDB 906, KB 1157)، اول سموئیل ۹: ۹. این مرجع خودش تحول به اصطلاح "نبی" را نشان می‌دهد. روعه از اصطلاح کلی "دیدن" می‌آید. این فرد راه خدا و برنامه‌های او را درک کرده بود و با او برای تحقق بخشیدن به اراده خدا مشورت می‌شد.
۲. هوزه = "پیغمبر" (BDB 302, KB 3011)، دوم سموئیل ۲۴: ۱۱. این اصطلاح مترادف با روعه است. این از اصطلاح نادرتری می‌آید و به معنی دیدن است. حالت وصفی آن بیشتر برای اشاره به پیامبران استفاده می‌شود (مشاهده کردن).
۳. نبی = "پیغمبر" (BDB 611, KB 661)، از فعل آکادیمی نابو به معنی "فراخواندن" و عربی "نبأ" به معنی "اعلام کردن/اخبار" می‌آید. این متداولترین اصطلاح در عهد عتیق برای پیامبران است. این اصطلاح بیش از ۳۰۰ مرتبه استفاده شده است. در مورد ریشه این اصطلاح اطلاعات دقیقی در دست نیست ولی در حال حاضر، فراخواندن بهترین گزینه است. احتمالاً بهترین درک از توصیف رابطه موسی با فرعون از طریق عارون توسط ییهو باشد (مراجعه شود به خروج ۴: ۱۰ الی ۱۶، ۷: ۱، تثنیه ۵: ۵). پیامبر کسی است که از طرف خدا با مردمش صحبت می‌کند (عاموس ۳: ۸، ارمیا ۱: ۷ و ۱۷، حزقیال ۳: ۴).
۴. هر سه این اصطلاحات در مورد مقام پیامبران در کتاب اول تواریخ ۲۹: ۲۹، سموئیل - روعه، ناتان - نبی، و جاد - هوزه استفاده شده‌اند.
۵. عبارت "ایشا الوهیم"، مرد خدا، یک بیان جامعتر برای سخنگوی خدا است. حدود ۷۶ مرتبه در عهد عتیق در مفهوم نبی استفاده شده است.
۶. منشا اصطلاح پیامبر یا همان نبی از زبان یونانی است. این اصطلاح از ترکیب (۱) *pro* به معنی "قبل" یا "برای" و *phemi* به معنی "سخن گفتن" می‌آید.

#### II. تعریف نبوت

- A. اصطلاح نبوت گستره مفهومی وسیعتری در زبان عبری نسبت به زبان انگلیسی دارد. کتب تاریخی یوشع تا پادشاهان (به استثنای روت) را یهودیان پیامبران پیشین نامگذاری کرده‌اند. هم ابراهیم (پیدایش ۲۰: ۷، مزمور ۱۰۵: ۱۵) و موسی (تثنیه ۱۸: ۱۸) به عنوان نبی انتخاب شدند (همچنین میریام، خروج ۱۵: ۲۰). بنابراین در مورد مفهوم متصوره در زبان انگلیسی مراقب باشید.
- B. "نبوت را می‌توان به صورت مشروع به عنوان آن درک تاریخ که فقط معانی را در چهارچوب الهیات، هدف الهی و مشارکت الهی می‌پذیرد، تعریف کرد." *Interpreter's Dictionary of the Bible*، جلد ۳، صفحه ۸۹۶
- C. "نبی نه فیلسوف است نه خداشناس سیستماتیک، بلکه فقط واسطه پیمان است تا به منظور شکل بخشیدن به آینده مردم، با اصلاح زمان حال آنان، کلام خدا را به مردمش تحویل دهد." *Prophets and Prophecy, Encyclopedia Judaica*، جلد ۱۳، صفحه ۱۱۵۲

#### III. هدف نبوت

- A. نبوت شیوه‌ای است برای خدا که با مردمش صحبت کند، راهنمایی به آنها ارائه کند و به آنها امید دهد در زندگی و رخدادهای جهان در کنارشان است. پیام آنها اساساً یکسان بود. پیام سرزنش، تشویق، ایجاد انگیزه در ایمان و توبه بود و به مردم خدا درباره او و برنامه‌هایش

آگاهی دهند. آنان حافظ مردم خدا در پیمان خدا بودند. به این باید اضافه شود که اغلب به وضوح انتخاب سخنگوی خدا آشکار می‌شد (تثنیه ۱۳: ۱ الی ۳، ۱۸: ۲۰ الی ۲۲). این نهایتاً اشاره به مسیح بود.

B. اغلب نبی از بحرانهای تاریخی یا الهیاتی روزگار خود الهام می‌گرفت و آن را در قالب یک زمینه اسکاتولوژیک بزرگ می‌کرد. این نگرش پایان زمان از تاریخ منحصر به اسرائیل بوده و مفهوم انتخاب الهی و پیمان وعده داده شده را دارد.

C. مقام نبی به نظر می‌رسد متعادل کننده بود (مراجعه شود به ارمیا ۱۸: ۱۸) و غضب مقام کاهن اعظم بود به شیوه‌ای که اراده خدا است. اوریم و تواریم فراتر رفته و تبدیل به پیام شفاهی از جانب سخنگوی خدا شدند. به نظر می‌رسد که مقام نبوت در اسرائیل پس از ملاکی از بین رفت و ۴۰۰ سال بعد و توسط یحیی تعمید دهنده مجدداً ظاهر شد. مشخص نیست که چگونه هدیه نبوت عهد جدید با عهد عتیق ربط دارد. پیامبران عهد جدید (اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۱۳: ۱، ۱۵: ۳۲، اول قرنتیان ۱۲: ۱۰ و ۲۸ الی ۲۹، ۱۴: ۲۹ و ۳۲ و ۳۷، افسسیان ۴: ۱۱) آشکار کننده یک مکاشفه جدید یا کتاب مقدس جدید نیستند، بلکه پیشگام هستند و پیشگامان اراده خدا در شرایط پیمان جدید.

D. نبوت انحصاری یا در ماهیت قابل پیشبینی نیست. پیش‌گویی شیوه‌ای برای تأیید مقام و پیام او بود، ولی باید توجه شود که کمتر از ۲٪ نبوت عهد عتیق مسیحانه است. کمتر از ۵٪ به خصوص پیمان عصر جدید را توصیف می‌کند. کمتر از ۱٪ در رابطه رخدادهایی است که به وقوع خواهند پیوست. (Fee and Stuart, *How to Read the Bible For All Its Worth*, صفحه ۱۶۶)

E. انبیا خدا را به مردم معرفی می‌کردند، در حالی که کشیشان نماینده مردم در برابر خدا بودند. این یک بیان کلی است. استثنایمانی مانند حقوق وجود دارند که خطاب به خدا سوالاتی می‌پرسید.

F. یک دلیل که به سختی می‌توان انبیا را درک کرد این است که نمی‌دانیم کتب آنان چگونه ساختار یافته‌اند. آنها بر اساس زمانبندی تاریخی نیستند. به نظر می‌رسد آنها موضوعی باشند ولی نه همیشه به شیوه‌ای که انتظار داریم. اغلب هیچ شرایط تاریخی، زمان بندی خاص، یا تمایز مشخصی میان وحی دیده نمی‌شود.

این کتب به دلایل زیر سخت هستند:

۱. با یکبار نشستن نمی‌توان آنها را خواند

۲. بر اساس موضوع نمی‌توان تقسیم بندی کرد

۳. نمی‌توان از حقیقت اصلی یا عزم نویسنده را در هر وحی اطمینان حاصل کرد.

#### IV. مشخصه‌های نبوت

A. در عهد عتیق به نظر می‌رسد در رابطه با مفهوم نبی و نبوت پیشرفتی حاصل شده باشد. در اسرائیل اولیه یک رفاقت انبیا بسط یافت، به رهبری یک رهبر قوی بنام الیاس یا الیسا. گاهی اوقات عبارت "پسران انبیا" برای اشاره به این گروه استفاده می‌شد (دوم پادشاهان ۲). انبیا با حالات وحی آنها مشخص می‌شدند (اول سموئیل ۱۰: ۱۰ الی ۱۳، ۱۹: ۱۸ الی ۲۴).

B. با این حال این دوران سریعاً گذشت و دوران انبیا منفرد آمد. آنان انبیا بی بودند (هم راستین و دروغین) که توسط پادشاه شناسایی می‌شدند، و در کاخ زندگی می‌کردند (جاد و ناتان). همچنین کسانی هم بودند که مستقل بودند، گاهی اوقات کاملاً بی‌ارتباط با شرایط جامعه موجود اسرائیل بودند (مانند عاموس). اینان هم زن و هم مرد بودند (دوم پادشاهان ۲۲: ۱۴).

C. نبی اغلب آشکار کننده آینده بود، که به پاسخ سریع انسان حالت می‌بخشید. اغلب وظیفه نبی آشکار کردن برنامه جهانی خدا برای مخلوقاتش بود که تحت تأثیر پاسخ انسانی قرار نگرفته بودند. این برنامه کلی اسکاتولوژیک میان انبیا خاور نزدیک باستان، منحصر به فرد بود. پیشگویی و پیمان وفاداری دو وجه پیامهای انبیا بود (مراجعه شود به فی و استوارت، صفحه ۱۵۰). این دلالت بر این دارد که انبیا اساساً در مرکز توجه بودند. آنها معمولاً، ولی نه انحصاری، مردم را مورد خطاب قرار می‌دادند.

D. بیشتر مطالب انبیا به صورت شفاهی ابراز می‌شدند. بعداً با ابزارهای موضوعی، زمانبندی تاریخی یا سایر الگوهای ادبیات خاور نزدیک که دیگر در دسترس قرار ندارند ترکیب می‌شدند. از آنجا که شفاهی بودند برای منظور نگارش ساختار یافته نبودند. این باعث می‌شود که کتب را سخت بتوان خواند و به سختی بتوان بدون آگاهی از شرایط و موقعیت تاریخی آنها را درک کرد.

E. انبیا از الگوهای مختلف برای ارسال پیامهایشان استفاده می‌کردند.

۱. صحن دادگاه - خدا مردمش را به دادگاه می‌برد، همانند یک پرونده طلاق است که یهوه زنش (اسرائیل) را به دلیل وفادار نبودن رد می‌کند (هوشع ۴، میکاه ۶).

۲. مراسم تشییع جنازه - اندازه خاص این نوع پیام و مشخصه آن که یک فرم خاص را به هم می‌ریزد (اشعیا ۵، حبقوق ۲).

۳. سخنرانی برکت و میثاق - بر ماهیت مشروط پیمان و عواقب آن تأکید می‌شود، هم مثبت و هم منفی، و برای آینده نوشته می‌شود (تثنیه ۲۷ الی ۲۸).

V. خط‌مشی‌های مفید برای تفسیر نبوت

- A. با توجه به شرایط تاریخی و مفهوم متن هر وحی نیت نبی نگارنده را دریابید. معمولاً به نوعی در رابطه با اسرائیل است که پیمان موسی را شکست.
- B. کل وحی را بخوانید و تفسیر کنید، نه فقط بخشی از آن را، بر اساس محتوا آن را مشخص سازید. ببینید که چگونه با وحی‌های قبلی و بعدی ربط دارد. سعی کنید طرح کلی کتاب را ترسیم نمائید.
- C. مفهومی را در متن تصور کنید تا زمانی که چیزی در خود متن شما را به کاربرد نمادین خاصی هدایت کند، سپس آن زبان نمادین را به نثر درآورید.
- D. در نور شرایط تاریخی و متون همسو کارهای نمادین را تحلیل کنید. حتماً به خاطر داشته باشید که این یک مفهوم باستانی خاور نزدیک است نه یک ادبیات مدرن غربی.
- E. در مورد پیشگویی‌ها احتیاط کنید.
۱. آیا آنها بصورت انحصاری مربوط به روزگار نگارنده هستند؟
  ۲. آیا آنها در تاریخ اسرائیل به تحقق پیوستند؟
  ۳. آیا آنها رخدادهای مربوط به آینده هستند؟
  ۴. آیا آنها در دوران معاصر تحقق یافته‌اند و در آینده نیز تحقق خواهند یافت؟
  ۵. اجازه دهید که نویسندگان انجیل و نه نویسندگان عصر مدرن شما را راهنمایی کنند.
- F. توجهات خاص
۱. آیا پیش‌گویی‌ها با پاسخ مشروط می‌توانند واجد شرایط و درست باشند؟
  ۲. آیا یقین است که نبوت خطاب به چه کسی خطاب شده و چرا؟
  ۳. آیا احتمال چندین بار تحقق یافتن، هم انجیلی و یا تاریخی، هست؟
  ۴. نویسندگان عهد جدید، تحت وحی و الهام، قادر بودند مسیح را در بسیاری جاهای عهد عتیق ببینند که برای ما مشهود نیستند. به نظر می‌رسد که آنان از واژه شناسی و بازی با کلمات استفاده می‌کردند. از آنجا که ما تحت الهام و وحی نیستیم بهتر است این گرایش را به آنان واگذار کنیم.

VI. کتابهای مفید

- A. *A Guide to Biblical Prophecy* by Carl E. Amending and W. Ward Basque
- B. *How to Read the Bible for All Its Worth* by Gordon Fee and Douglas Stuart
- C. *My Servants the Prophets* by Edward J. Young
- D. *Plowshares and Pruning Hooks: Rethinking the Language of Biblical Prophecy and Apocalyptic* by D. Brent Sandy
- E. *New International Dictionary of Old Testament Theology and Exegesis*, vol. 4, pp. 1067-1078
- The Language and Imagery of the Bible** by G. B. Caird

موضوع خاص: نبوت عهد جدید

(SPECIAL TOPIC: NEW TESTAMENT PROPHECY)

- I. همانند نبوت عهد عتیق نیست (BDB 611, KB 661)، موضوع خاص: نبوت عهد عتیق را مطالعه کنید، که مفاهیم روحانی دریافت کردن و ثبت مکاشفه یهوه را در بر دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۱۸ و ۲۱، رومیان ۱۶: ۲۶). فقط پیامبران می‌توانستند کتاب مقدس بنویسند.
- A. موسی نبی خطاب می‌شد (مراجعه شود به تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۱)
- B. در کتب تاریخی (یوشع - پادشاهان [به غیر از روت] پیامبران پیشین خطاب می‌شدند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۴).

- C. پیامبران جایگاه کاهن اعظم را بدست می‌آوردند زیرا آنها منشأ اطلاعات از خدا بودند (مراجعه شود به اشعیا - ملاکی)
- D. بخش دوم احکام موسی "پیامبران" است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷، ۲۲: ۴۰، انجیل لوقا ۱۶: ۱۶، ۲۴: ۲۵ و ۲۷، رومیان ۳: ۲۱).

## II.

در عهد جدید مفهوم به چندین شیوه مختلف استفاده میشود

- A. اشاره به انبیای عهد عتیق و پیام‌های وحی شده به آنان (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۲۳، ۵: ۱۲، ۱۱: ۱۳، ۱۳: ۱۴، رومیان ۱: ۲)
- B. اشاره به پیام برای فرد تا پیام برای یک گروه (پیامبران عهد عتیق اساسا با اسرائیل صحبت می‌کردند)
- C. هم به یحیی تعمید دهنده (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۴: ۵، ۲۱: ۲۶، انجیل لوقا ۱: ۷۶) و هم عیسی به عنوان مبشرین پادشاهی خدا اشاره می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۵۷، ۲۱: ۱۱ و ۴۶، انجیل لوقا ۴: ۲۴، ۷: ۱۶، ۱۳: ۳۳، ۲۴: ۱۹).
- D. عیسی همچنین ادعا می‌کرد که از سایر پیامبران بزرگتر است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۹، ۱۲: ۴۱، انجیل لوقا ۷: ۲۶).

سایر پیامبران در عهد جدید

۱. اوایل زندگی عیسی، آن طور که در انجیل متی ثبت شده است (خاطرات مریم)
۱. الیزابت (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۴۱ الی ۴۲)
۲. زکریا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۶۷ الی ۷۹)
۳. شمعون (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۵۵ الی ۳۵)
۴. حَنّی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶)
۲. پیش‌گوییهای دوگانه (مراجعه شود به قیافا، انجیل یوحنا ۱۱: ۵۱)
- E. اشاره به کسی که انجیل را اعلام می‌دارد (در لیست کسانی که موهبت را اعلام می‌دارند در اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴: ۱۱ اضافه شده است)
- F. اشاره به موهبت مستمر در کلیسا (انجیل متی ۲۳: ۳۴، اعمال رسولان ۱۳: ۱، ۱۵: ۳۲، رومیان ۱۲: ۶، اول قرن‌تین ۱۲: ۱۰ و ۲۸ الی ۲۹، ۱۳: ۲، افسسیان ۴: ۱۱). گاهی اوقات می‌تواند به زنان اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۳۶، اعمال رسولان ۱۷: ۲۱، ۲۱: ۹، اول قرن‌تین ۱۱: ۴ الی ۵)
- G. اشاره به بخشهای آخرالزمانی کتاب مکاشفه (مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۳، ۲۲: ۷ و ۱۰ و ۱۸ و ۱۹)

## III.

پیامبران عهد جدید

- A. آنان، آن طور که پیامبران عهد عتیق تحت وحی مکاشفه می‌کردند (کتاب مقدس)، مکاشفه نمی‌کردند. این اظهار به واسطه استفاده عبارت "ایمان" (در مفهوم کامل شدن خبر خوش) که در اعمال رسولان ۶: ۷، ۱۳: ۸، ۱۴: ۲۲، غلاطیان ۱: ۲۳، ۳: ۲۳، ۶: ۱۰، فیلیپیان ۱: ۲۷، یهودا ۳ و ۲۰ امکانپذیر است.
- این مفهوم از کل عبارت استفاده شده از یهودا ۳ مبراست، "ایمان یکبار و برای همیشه به قدیسان واگذار می‌شود". عبارت "یکبار برای همیشه" ایمان اشاره به حقایق، دکترین‌ها، مفاهیم، تعالیم جهان بینی مسیحیت دارد. عبارت، تاکید یکبار دادن مبنای انجیلی برای محدود ساختن نوشته‌های وحی شده عهد جدید از نظر الهیات است که اجازه نمی‌دهد سایر نوشته‌های آتی، مکاشفه تلقی گردند (موضوع خاص: الهام و وحی را مطالعه کنید). در عهد عتیق، بسیاری از بخش‌ها مبهم و نامشخص هستند (موضوع خاص: ادبیات شرقی [تضادهای انجیلی])، ولی مومنین با ایمان تائید می‌کنند که هر آنچه برای ایمان لازم است به اندازه کافی و به وضوح در عهد جدید وجود دارد. این مفهوم در آنچه تثلیث مکاشفه نامیده می‌شود، تعریف شده است.
۱. خدا در مقاطع زمانی مختلف خود را آشکار کرده است (مکاشفه).
۲. او نویسندگان خاصی را انتخاب کرده است تا اعمال او را ثبت کرده و توضیح دهند (الهام).
۳. او روح خود را داده است تا اذهان و قلبهای انسانها را برای درک این نوشته‌ها باز کنند، نه به طور قطع، بلکه به صورت متناسب برای رستگاری و زندگی مسیح‌گونه. (نورانی، موضوع خاص: نورانی را مطالعه کنید). نکته در اینجاست که الهام و وحی محدود به نویسندگان کتاب مقدس است. هیچ نوشته، دیدگاه، یا مکاشفه دیگری وجود ندارد. قانون کلی بسته می‌شود. ما تمامی حقیقتی را که بدان نیاز داریم تا به خدا پاسخ دهیم، در اختیار داریم. حقیقت را به بهترین شکل می‌توان در نوشته‌های انجیلی در برابر مخالفت‌های مومنین دید. هیچ نویسنده یا سخنران عصر مدرنی آن سطح مدیریت الهی را که نویسندگان کتاب مقدس داشتند را داشته باشد.
- B. پیامبران عهد جدید به نوعی همانند پیامبران عهد عتیق هستند.

۱. پیش‌بینی رخدادهای آینده (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۲۷: ۲۲، آگابوس، اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱، سایر پیامبران بی‌نام، اعمال رسولان ۲۰: ۲۳).
۲. داوری را اعلام می‌دارند (مراجعه شود به پولس، اعمال رسولان ۱۳: ۱۱، ۲۸: ۲۵ الی ۲۸)
۳. اعمال نمادین که به صورت مشهود نمایانگر رخدادی هستند (مراجعه شود به آگابوس، اعمال رسولان ۲۱: ۱۱)
- C. آنان حقیقت انجیل را اعلام می‌دارند، گاهی اوقات به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۱: ۲۷ الی ۲۸، ۲۰: ۲۳، ۲۱: ۱۰ الی ۱۱)، ولی این تمرکز اصلی نیست. نبوت کردن در اول قرن‌تین اساساً برقراری ارتباط با انجیل است (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۴: ۲۴ و ۳۹).
- D. آنان ابزارهای عصر معاصر روح برای مکاشفه عصر حاضر حقیقت خدا برای هر موقعیت، فرهنگ یا دوره زمانی جدید نیستند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۴: ۳).
- E. آنها در کلیساهای پولس فعال بودند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۱: ۴ الی ۵، ۱۲: ۲۸، ۲۹ و ۱۳: ۲ و ۸ و ۹، ۱۴: ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۹ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۷ و ۳۹، افسسیان ۲: ۲۰، ۳: ۵، ۴: ۱۱، اول تسالونیکیان ۵: ۲۰) و در *Didache* (نوشته شده در قرن اول یا دوم، تاریخ آن قطعی نیست) و در مونتانیسم قرن‌های دوم و سوم شمال آفریقا ذکر شده‌اند.
- IV. آیا مواهب عهد جدید خاتمه یافته‌اند؟

- A. به سختی می‌توان به این سوال پاسخ داد. این سوال کمک می‌کند که مسئله با تعریف اهداف مواهب روشن شود. آیا آنها برای تأیید موعظه اولیه انجیل هستند یا آنها شیوه‌های مستمر برای کلیسا جهت بشارت به خود و جهان گمراه هستند؟
- B. آیا کسی به تاریخ کلیسا نگاه می‌کند تا به سوال عهد جدید پاسخ دهد؟ هیچ چیزی در انجیل نیست که بگوید مواهب معنوی موقتی بودند. آنها که سعی می‌کردند از اول قرن‌تین ۱۳: ۸ الی ۱۳ استفاده کنند که تا این مسئله را بیان کنند، از نیت نگارنده از متن سو استفاده می‌کند، که تصریح می‌کند هر چیزی غیر از محبت کردن گذرا است.
- C. وسوسه شدم که بگویم از آنجا که عهد جدید، و نه تاریخ کلیسا، نشان از اقتدار دارد، مومنین باید تأیید کنند که این مواهب ادامه دارند. با این حال، من فکر می‌کنم که فرهنگ بر تفسیر تأثیرگذار است. برخی متون کاملاً شفاف دیگر کاربرد ندارند (مانند بوسه مقدس، پوشیدن حجاب توسط زنان، ملاقات‌های کلیسایی در خانه، و غیره). اگر فرهنگ بر متن تأثیر گذارد، پس چرا تاریخ کلیسا تأثیر نگذارد؟
- D. این سوالی است که یقیناً نمی‌توان به طور قطع به آن پاسخ داد. برخی مومنین مواهب عهد جدید متوقف شده و برخی دیگر می‌گویند متوقف نشده و همچنان ادامه دارند. در این زمینه، همانند بسیاری از دیگر مسائل تفسیر، قلب مومن کلید است. عهد جدید مبهم و فرهنگی است. سختی در این است که بتوان تصمیم گرفت کدام متون تحت تأثیر فرهنگ/تاریخ قرار می‌گیرند و کدامها برای تمام دورانها هستند (cf. Fee and Stuart's *How to Read the Bible for All Its Worth*، صفحات ۱۴ الی ۱۹ و ۶۹ الی ۷۷). در اینجا است که بحث در مورد آزادی و مسئولیت، که در رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵: ۱۳ و اول قرن‌تین ۸ الی ۱۰ یافت می‌شوند، حساس هستند. اینکه چگونه به سوال پاسخ دهیم، به دو شیوه بستگی پیدا می‌کند.
۱. هر مومن باید با ایمان و نوری که دارند، گام بردارد. خدا به قلب ما و انگیزه‌هایمان نگاه می‌کند.
۲. هر مومن باید اجازه دهد سایر مومنین با درک و ایمانی که دارند گام بردارند. باید تناوباتی در محدودیت‌های انجیلی وجود داشته باشد. خدا از ما می‌خواهد همانطور که او ما را دوست دارد، همدیگر را نیز دوست داشته باشیم.
- و در انتها باید توجه داشت که مسیحیت زندگی از روی ایمان و محبت است، نه یک الهیات کامل. رابطه با او که بر رابطه ما با دیگران تأثیر می‌گذارد، بر مراتب مهمتر از کامل بودن است.

۴: ۲۰ "پدران ما" این اشاره به ابراهیم و یعقوب دارد (رجوع شود به سفر پیدایش ۱۲: ۷ و ۳۳: ۲۰). او احساس پیمان نگاهداشتن خود را اظهار می‌دارد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹).

■ "در این کوه عبادت می‌کردند" این بخش اشاره به یک بحث الهیاتی در خصوص الزام عبادت خدا (یهوه) دارد. تأکید یهودیان بر کوه موری (محل معبد یهودیان) و سامریان بر کوه گریزیم است (معبد سامریان که در سال ۱۲۹ قبل از میلاد توسط جان هیراکانوس تخریب شد).

۴: ۲۱ "زمانی فرا خواهد رسید که پدر را نه در این کوه پرستش خواهید کرد، نه در اورشلیم" این باید حرف شوکه کننده‌ای برای آن زن و نیز شاگردانش باشد. مکان مهم نیست، بلکه چه کسی!

۴: ۲۲ "نجات به واسطه قوم یهود فراهم می‌آید" این تأییدی است بر مبدا مسیح (رجوع شود به سفر پیدایش ۱۲: ۲ و ۳، ۴۹: ۸ الی ۱۲، اشعیا ۲: ۳، رومیان ۹: ۴ و ۵).

۴: ۲۳ "اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرا رسیده است" این می‌تواند اشاره‌ای از ملاکی ۱: ۱۱ درباره عبادت جهانی باشد. بدیهی است عیسی در طول زندگی‌اش زندگی جاویدان پس از مرگ را به عنوان هدیه آورد. این عبارت منعکس کننده تنشی است که میان دو آمدن مسیح وجود دارد. دو عصر یهودی (به موضوع خاص در اول یوحنا ۲: ۱۷ مراجعه شود) اینک در هم ادغام شده‌اند. اینک دوران عصر جدید روح القدس است، با این حال ما هنوز عصر قدیم گناه و پلیدی را داریم.

عیسی یقیناً ادعا می‌کند که عصر جدید در او آغاز می‌شود. عصر روح القدس، عصر مسیح آغاز شده است!

■ "ساعت" به موضوع خاص: ساعت مراجعه شود

■ "در روح و راستی" کلمه "روح" (به موضوع خاص: تنفس، باد، روح مراجعه شود) سخن از عبادتی دارد که محلی یا فیزیکی نیست. کلمه "راستی" در دنیای یونانی مفاهیم معنوی صحبت می‌کند، در حالیکه در زبان عبری برای وفاداری و قابل اعتماد بودن به کار می‌رود.

موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)

■ "پدر" در عهد جدید خیلی نامعمول است که بدون اشاره به عیسی به عنوان تنها پسر، خدا، "پدر" خوانده شود.

موضوع خاص: پدر

■ "زیرا پدر جوایب چنین پرستندگانی است" خدا به صورت فعالانه ای در جستجوی انسانیت گم شده است (رجوع شود به اشعیا ۵۵، حزقیال ۱۸: ۲۳ و ۳۲، انجیل لوقا ۱۹: ۱۰، انجیل یوحنا ۱: ۱۲ و ۳: ۱۶).

۴: ۲۴ "خدا روح است" چندین عبارت کوتاه در نوشته‌های یوحنا وجود دارند که شخصیت خدا را توصیف می‌کنند: (۱) خدا عشق است، (۲) خدا نور است، (۳) خدا روح است. این می‌تواند به معنی (۱) فیزیکی نیست، (۲) محدود به یک مکان نیست، (۳) محدود به زمان نیست یا (۴) آسمانی در مقابل زمینی، باشد.

۴: ۲۵ "مسیح می‌آید" کلمه مسیح فقط در عهد جدید دو مرتبه تکرار شده است، هر دو در انجیل یوحنا (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۱ و ۴: ۲۵).

## موضوع خاص: مسیح (از دانیال ۹: ۲۶)

(SPECIAL TOPIC: MESSIAH)

دشواری ترجمه این است که استفاده‌های متفاوتی از کلمه "مسیح" یا "آن تدهین شده" (BDB 603, KB 645) وجود دارد. از این اصطلاح برای روغن مالی مخصوص بر روی یک فرد که مشخص کند فردی توسط خدا فراخوانده شده و تجهیز گشته تا وظیفه رهبری خاصی را به انجام برساند استفاده شده است.

۱. در مورد پادشاهان یهود استفاده شده (برای نمونه، اول سموئیل ۲: ۱۰، ۱۲: ۳، ۲۴: ۶ و ۱۰، دوم سموئیل ۱۹: ۲۱، ۲۳: ۱، مزمور ۸۹: ۵۱،

۱۳۲: ۱۰ و ۱۷، مراثی ارمیا ۴: ۲۰، حبقوق ۳: ۱۳، "شاهزاده تدهین شده" در دانیال ۹: ۲۵)

۲. در مورد کشیشهای یهود استفاده شده (برای نمونه "کشیشهای تدهین شده، کتاب خروج ۲۹: ۷، لاویان ۴: ۳ و ۵ و ۱۶، ۶: ۱۵، ۷: ۳۶، ۸:

۱۲، احتمالاً مزمور ۸۴: ۹ الی ۱۰، و ۱۳۳: ۲)

۳. در مورد ریش سفیدان قوم و پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲۶: ۷، اول تواریخ ۱۶: ۲۲، مزمور ۱۰۵: ۱۵، که اشاره به

پیلمان مشارکت مردم دارد، احتمالاً حبقوق ۳: ۱۳)

۴. در مورد پیامبران استفاده شده (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹: ۱۶، احتمالاً اول تواریخ ۲۹: ۲۲)

۵. در مورد کورش استفاده شده است (مراجعه شود به اشعیا ۴۵: ۱)

۶. ترکیب شماره‌های ۱ و ۲ در مزمور ۱۱۰ و زکریا ۴

۷. در مورد آمدن خاص خدا استفاده شده، داوود پادشاه که عصر جدید عدالت را می‌آورد

a. عصای یهودا (مراجعه شود به پیدایش ۴۹: ۱۰)

b. قصر ایشا (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)

c. پادشاهی جهانی (مراجعه شود به مزمور ۲، اشعیا ۹: ۶، ۱۱: ۱ الی ۵، میکاه ۵: ۱ الی ۴)

d. بشارت به نیازمندان (مراجعه شود به اشعیا ۶۱: ۱ الی ۳)

من شخصا تمایل دارم که "آن تدهین شده" را با عیسی ناصری شناسایی کنم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۱، ۴: ۲۵) به واسطه:

۱. معرفی پادشاهی جاویدان در دانیال ۲ در طول امپراتوری چهارم
۲. معرفی "فرزند انسان" در دانیال ۷: ۱۳ که پادشاهی ابدی به او داده می‌شود
۳. عبارات رستگاری در دانیال ۹: ۲۴ که به نقطه اول تاریخ سقوط جهان اشاره می‌کند
۴. استفاده عیسی از کتاب دانیال در عهد جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۱۳: ۱۴)

باید اعتراف کرد که این عنوان به ندرت در عهد عتیق استفاده شده، احتمالا فقط در کتاب دانیال ۹: ۲۵ استفاده شده است. همچنین باید تأیید کرد که عیسی در شرایط کلی که در عهد عتیق در مورد مسیح تعریف شده، نمی‌گنجد.

۱. در اسرائیل رهبر نبوده
۲. به طور رسمی توسط یک کشیش تدهین نشده
۳. فقط نجات دهنده اسرائیل نیست
۴. نه فقط "فرزند انسان" بلکه به طور حیرت انگیزی "فرزند خدا" است.

موضوع خاص: خداوندی مسیح از عهد عتیق (میکاه ۵: ۲)

■ "چون او آید، همه چیز را برای ما بیان خواهد کرد" این نشان می‌دهد که سامریان انتظار آمدن مسیح را دارند. همچنین نشان می‌دهد که اینطور مسیح را می‌بینند که با آمدنش کامل بودن خدا را نشان دهد.

۴: ۲۶ "من که با تو سخن می‌گویم، همانم" این می‌تواند اشاره‌ای به اشعیا ۵۲: ۶ باشد. تأییدی صاف و روشن از الهی بودن (کاملا متفاوت از اناجیل). در "همانم" یک بازی هست که منعکس کننده پیمان با خدا، یهوه (رجوع شود به سفر خروج ۳: ۱۲ و ۱۴) در عهد عتیق است. عیسی از این نام عهد عتیقی خدا به عنوان راهی برای اشاره به خود نمایانسازی و دیدن یهوه در عیسی استفاده می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۴ و ۲۸ و ۵۸، ۱۳: ۱۹، ۱۸: ۵ مقایسه شود با اشعیا ۴۱: ۴، ۴۳: ۱۰، ۴۶: ۴). این شیوه خاص به کار بردن "من همانم" باید متمایز با اظهار "من هستم" باشد که در انجیل یوحنا ۶: ۳۵ و ۵۱، ۸: ۱۲، ۱۰: ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۴، ۱۱: ۲۵، ۱۴: ۶، ۱۵: ۱ و ۵ که بدنبالشان اسم‌های تأییدکننده هستند، باشد.

موضوع خاص: نام خدا (عهد جدید)

NASB، انجیل یوحنا ۴: ۲۷ الی ۳۰

همان دم، شاگردان عیسی از راه رسیدند و تعجب کردند که با زنی سخن می‌گوید. اما هیچ‌یک نپرسید "چه می‌خواهی؟" یا "چرا با او سخن می‌گویی؟" آنگاه زن، کوزه خویشت بر جای گذاشت و به شهر رفت و به مردم گفت: "بیایید مردی را ببینید که هرآنچه تا کنون کرده بودم، به من بازگفت. آیا ممکن نیست او مسیح باشد؟" پس آنها از شهر بیرون آمده، نزد عیسی روان شدند.

۴: ۲۷ "آنها تعجب کردند که با زنی سخن می‌گوید" از نظر فرهنگی چنین کاری توسط یهودیان ارتدکس انجام نمی‌شد.

■ "اما هیچ‌یک نپرسید "چه می‌خواهی؟" یا "چرا با او سخن می‌گویی؟" این باید یک شهادت عینی از سوی یوحنا باشد. او باید یک چنین رخداد تعجب برانگیزی را به خوبی به خاطر داشته باشد.

۴: ۲۸ "زن، کوزه خویشت بر جای گذاشت" این یک شهادت عینی زیباست، یک یادداشت تاریخی که هیچ‌ان زن را نشان می‌دهد چون با عجله به روستا باز می‌گردد تا شهادت دهد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۹ و ۳۰).

۴: ۲۹ "آیا ممکن نیست او مسیح باشد" دستور زبان انتظار پاسخ "نه" را دارد، ولی متن نشان می‌دهد که آن زن واقعا باور داشت که او خودش است! متن بر دستور زبان چیره می‌شود!

موضوع خاص: خداوندی مسیح از عهد عتیق (میکاه ۵: ۲)

NASB، انجیل یوحنا ۴: ۳۱ الی ۳۸

در این میان، شاگردان از او خواهش کرده، گفتند: "استاد، چیزی بخور." اما عیسی به آنان گفت: "من خوراکی برای خوردن دارم که شما از آن چیزی نمی‌دانید." شاگردان به یکدیگر گفتند: "مگر کسی برای او خوراک آورده است؟" عیسی به ایشان گفت: "خوراک من این است که اراده"



فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم. آیا این سخن را نشنیده‌اید که "چهار ماه بیشتر به موسم درو نمانده است؟" اما من به شما می‌گویم، چشمان خود را بگشایید و ببینید که هم‌اکنون کشتزارها آماده درو است. هم‌اکنون، دروگر مزد خود را می‌ستاند و محصولی برای حیات جاویدان گرد می‌آورد، تا کارنده و دروکننده با هم شادمان شوند. در اینجا این گفته صادق است که "یکی می‌کارد و دیگری می‌درد". من شما را فرستادم تا محصولی را درو کنید که دسترنج خودتان نیست. دیگران محنت کشیدند و شما دسترنج آنان را برداشت می‌کنید."

۳۲:۴ این هم کنایه دیگری از دوالیسم آسمانی و زمینی، و روحانی و زمینی است. عیسی ماموریتش بشارت و آشکار ساختن بود. مردم برایش اهمیت بیشتری داشتند/دارند.

۳۴:۴ "خوراک من این است که اراده فرستنده خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم" انجیل یوحنا ۱۷ یک بیان صریح از درک عیسی نسبت کاری است که پدر از او خواسته است تا انجام دهد (رجوع شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل لوقا ۱۹: ۱۰، انجیل یوحنا ۶: ۲۹).

تضاد میان اینکه عیسی از بالا فرستاده شده، از حضور خود خدا، پدر، زیرا ماموریت او آشکار ساختن پدر و انجام کارهای پدر بود. این دوالیسم عمودی است که کاملاً مشخصه انجیل یوحنا است (بالا در مقابل پائین، روح در مقابل جسم).

دو اصطلاح در مورد فرستاده شدن عیسی به کار رفته است.

۱. *Pempō* (انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۲۳ و ۲۴ و ۳۰ و ۳۷، ۶: ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۴، ۷: ۱۶ و ۱۸ و ۲۸ و ۳۳، ۸: ۱۶ و ۱۸ و ۲۶ و ۲۹ و ۹: ۴ و ۱۲: ۴۴ و ۴۵ و ۴۹، ۱۴: ۲۴، ۱۵: ۲۱، ۱۶: ۵)

۲. *apostellō* (انجیل یوحنا ۳: ۱۷ و ۲۴، ۵: ۳۶ و ۳۸، ۶: ۲۹ و ۵۷، ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱)

اینها همانطور که نشان داده می‌شود، با ۲۰: ۲۱ مترادف هستند. همچنین نشان می‌دهد که مومنین به یک دنیای منحرف فرستاده شده‌اند و او به عنوان نماینده پدر با هدف رستگاری (رجوع شود به دوم قرن‌تینان ۵: ۱۳ الی ۲۱) آمده است.

## موضوع خاص: اراده (THELĒMA) خدا

### (SPECIAL TOPIC: THE WILL (THELĒMA) OF GOD)

اراده خدا شامل طبقه بندیهای بسیاری می‌شود

#### انجیل یوحنا

- عیسی آمد که خواست خدا را انجام دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۳۰، ۶: ۳۸)
- در روز آخر تمام کسانی که پدر به پسر داده برمی‌خیزند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹)
- تمام آنان که به پسر ایمان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و ۴۰)
- دعاهای پاسخ داده شده در رابطه با اراده خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۱ و اول یوحنا ۵: ۱۴)

#### سایر اناجیل

- انجام خواست خدا که مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱)
- انجام اراده خدا فرد را با عیسی خواهر یا برادر می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۵۰، انجیل مرقس ۳: ۳۵)
- خدا برای هیچکس آرزوی نابودی نمی‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۱۴، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹)
- کالواری ارائه خدا برای عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۲، انجیل لوقا ۲۲: ۴۲)

#### نامه‌های پولس

- خدمت به تمامی مومنین (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۱ الی ۲)
- مومنینی که از این عصر شیطانی می‌روند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۲)
- اراده خدا برنامه رستگاری او بود (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۵ و ۹ و ۱۱)
- مومنینی که زندگی سرشار از روح را تجربه می‌کنند (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۱۷ الی ۱۸)
- مومنینی که سرشار از آگاهی نسبت به خدا هستند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۹)

- مومنینی که کامل شده‌اند (مراجعه شود به کولسیان ۴: ۱۲)
- مومنینی که تقدیس شدند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۳)
- مومنینی که بابت همه چیز شکرگزار هستند (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۵: ۱۸)

#### نامه‌های پطرس

- مومنینی که کار درست را انجام می‌دهند (مثلا به مقامات ارجاع می‌دهند) و بدینوسیله کارهای احمقانه افراد را متوقف می‌کنند، بنابراین فرصتی برای بشارت فراهم می‌سازند (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۱۵)
- مومنینی که رنج می‌کشند (مراجعه شود به اول پطرس ۳: ۱۷، ۴: ۱۹)
- مومنینی که زندگیشان خود-محورانه نیست (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۲)

#### نامه‌های یوحنا

- مومنینی که برای همیشه اطاعت می‌کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۷)

کلید مومنین در دعا‌های مستجاب شده (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۴)

۴: ۳۵ "چهار ماه بیشتر به موسم درو نمانده است" این یک عبارت استعاره‌ای پیامبران یا احتمالا یحیی تعمید دهنده است، که نشان دهنده زمان دادن پاسخ معنوی است! مردم با ایمان در او در طول زندگی عیسی نجات یافتند، نه فقط پس از قیامت.

۴: ۳۶ الی ۳۸ "یکی می‌کارد و دیگری می‌درود" این آیات به بشارت پیامبران یا احتمالا یحیی تعمید دهنده اشاره دارند. این در اول قرن‌تینان ۳: ۶ الی ۸ برای رابطه میان بشارت پولس و آپولس استفاده شده است.

#### NASB، انجیل یوحنا ۴: ۳۹ الی ۴۲

پس در پی شهادت آن زن که گفته بود "هرآنچه تا کنون کرده بودم، به من بازگفت"، بسیاری از سامریان ساکن آن شهر به عیسی ایمان آوردند. چون آن سامریان نزد عیسی آمدند، از او خواستند نزدشان بماند. پس دو روز در آنجا ماند. و بسیاری دیگر به سبب شنیدن سخنانش ایمان آوردند. ایشان به آن زن می‌گفتند: "دیگر تنها به خاطر سخن تو ایمان نمی‌آوریم، زیرا خود سخنان او را شنیده‌ایم و می‌دانیم که این مرد براستی نجات‌دهنده عالم است".

۴: ۳۹ "بسیاری از سامریان ساکن آن شهر به عیسی ایمان آوردند" یوحنا از فعل "باور کردن" و ترکیب آن با چندین اصطلاح دیگر استفاده می‌کند: "باور کردن به" (*en*)، "باور کرد که" (*hoti*)، و اغلب "باور آورد" (*eis*) و یا اعتماد کردن استفاده می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱ و ۲۳، ۳: ۱۶ و ۱۸ و ۳۶، ۶: ۲۹ و ۳۵ و ۴۰، ۷: ۵ و ۳۱ و ۳۸ و ۴۸، ۸: ۳۰، ۹: ۳۵ و ۳۶، ۱۰: ۴۲، ۱۱: ۲۵ و ۲۵ و ۴۵ و ۴۸، ۱۲: ۱۱ و ۳۷ و ۴۲ و ۴۴ و ۴۶، ۱۴: ۱ و ۱۲ و ۱۶: ۹، ۱۷: ۲۰). اساسا سامریان به واسطه شهادت آن زن ایمان آوردند (انجیل یوحنا ۴: ۳۹)، ولی پس از آنکه کلام عیسی را شنیدند، آنها خود به او ایمان آوردند و شهادت دادند (انجیل یوحنا ۴: ۴۱ و ۴۲). عیسی سراغ گوسفندان گمشده اسرائیل آمده بود، ولی خبر خوش او برای همه نوع بشر بود: سامریان، زنان سوری-فینیقیه‌ای، و سربازان رومی (رجوع شود به رومیان ۱۰: ۱۲، اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۳، غلاطیان ۳: ۲۸ و ۲۹، کولسیان ۳: ۱۱).

#### موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

■ "بخاطر آنچه که آن زن شهادت داده بود" اگر خدا از شهادت این زن کافر و بی‌دین استفاده کرد، همچنین می‌تواند از من و شما هم استفاده کند! این آیه اهمیت شهادت فردی را نشان می‌دهد. موضوع خاص: شهادتها برای عیسی در بخش انجیل یوحنا ۱: ۸ را مطالعه کنید.

موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا)

## موضوع خاص: زنان در انجیل

### (SPECIAL TOPIC: WOMEN IN THE BIBLE)

#### I. عهد عتیق

A. از لحاظ فرهنگی زنان جزو اموال تلقی می شدند

۱. در لیست اموال ثبت می شدند (خروج ۱۷: ۲۰)
۲. رفتار با زنان برده (خروج ۷: ۲۱ الی ۱۱)
۳. پیمان زنان توسط مردی مسئولیت او را برعهده داشت قابل ابطال بود (اعداد ۳۰)
۴. زنان به عنوان غنیمت جنگی (تثنیه ۱۰: ۲۰ الی ۱۴، ۱۰: ۲۱ الی ۱۴)

B. همدلی عملا وجود داشت

۱. زن و مرد در تصویر خدا ساخته شدند (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)
۲. افتخار کردن به پدر و مادر (خروج ۲۰: ۱۲، تثنیه ۵: ۱۶)
۳. احترام گذاشتن به پدر و مادر (لاویان ۱۹: ۳، ۲۰: ۹)
۴. زنان و مردان می توانند ناصری باشند (اعداد ۱: ۶ الی ۲)
۵. دختران حق ارث دارند (اعداد ۱: ۲۷ الی ۱۱)
۶. بخشی از مردم تحت پیمان (تثنیه ۱۰: ۲۹ الی ۱۲)
۷. مشاهده تعالیم پدر و مادر (امثال ۸: ۱ و ۶: ۲۰)
۸. پسران و دختران Heman (خانواده لای) موسیقی معبد را رهبری می کردند (اول تواریخ ۵: ۲۵ الی ۶)
۹. پسران و دختران در عصر جدید نبوت می کنند (یوئیل ۲: ۲۸ الی ۲۹)

C. زنان نقش رهبری داشتند

۱. خواهر موسی، مریم، پیامبره خوانده شد (خروج ۲۰: ۱۵ الی ۲۱، همچنین به میکاه ۴: ۶ توجه کنید)
۲. به زنان نعمت بافتن داده شد تا پارچه های جشن خیمه ها را ببافند (خروج ۳۵: ۲۵ الی ۲۶)
۳. یک زن متاهل، بنام دبورا، یک پیامبره بود (مراجعه شود به داوران ۴: ۴) و تمامی قبایل را رهبری می کرد (داوران ۴: ۴ الی ۵، ۵: ۷)
۴. هلدای پیامبره ای بود که شاه یوشیا او را فراخواند تا کتاب قانونی که تازه یافت شده بود را بخواند و تفسیر کند (دوم پادشاهان ۱۴: ۲۲، دوم تواریخ ۳۴: ۲۲ الی ۲۷)
۵. ملکه استر، یک الهه، یهودیان را در پارس نجات داد

#### II. عهد جدید

A. از نظر فرهنگی زنان هم در یهودیت و هم در روم و یونان اتباع طبقه دوم تلقی می شدند و حقوق و مزایای کمتری داشتند (به استثنای مقدونیه)

B. زنان نقش رهبری داشتند

۱. الیزابت و مریم الهه هایی نزد خدا بودند (انجیل لوقا ۱ و ۲)
۲. آنا، الهه، در معبد خدمت می کرد
۳. لیدیا، مومن و رهبر کلیسای خانگی بود (اعمال رسولان ۱۴: ۱۶ و ۴۰)
۴. چهار دختر باکره فیلیپ الهه بودند
۵. فیبی، خادم کلیسا در کنخریه بود (رومیان ۱: ۱۶)
۶. پریسکا (پریسیلا) همکار پولس و معلم آپولو (اعمال رسولان ۱۸: ۲۶، رومیان ۳: ۱۶)
۷. ماری، تریفینا، تریفوسا، جولیان خواهران نرون همکاران پولس بودند (رومیان ۱۶: ۶ الی ۱۶)
۸. جونیا (KJV) احتمالا یک زن شاگرد بود (رومیان ۷: ۱۶)
۹. اتودیا و سینتیک، همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۴: ۲ الی ۳)

III. چگونه یک مومن عصر مدرن در مثالهای انجیلی تعادل برقرار می کند

A. چگونه فرد می تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی را مشخص کند که فقط در متن اصلی صادق هستند از حقیقت جاودانی که فقط برای تمامی کلیساها معتبر هستند، تمامی مومنین تمام عصرها؟

۱. ما باید نیت نگارنده اصلی را بسیار جدی بگیریم. انجیل کلام خداست و تنها منبع برای ایمان.
۲. ما باید با متون تحت الهام که به صورت تاریخی تغییر شکل یافته‌اند سروکار داشته باشیم.
  - a. فرهنگ (آداب و رسوم و خط مشی‌ها) اسرائیل (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳)
  - b. یهودیت قرن اول
  - c. اظهارات پولس در اول قرن‌تین که به وضوح از دید تاریخی شکل گرفته است

- ۱) سیستم قانونی روم بت پرست (اول قرن‌تین ۶)
- ۲) برده باقی ماندن (اول قرن‌تین ۷:۲۰ الی ۲۴)
- ۳) امتناع از ازدواج (اول قرن‌تین ۷:۱ الی ۳۵)
- ۴) باکره‌ها (اول قرن‌تین ۷:۳۶ الی ۳۶)
- ۵) قربانی کردن غذا برای بت (اول قرن‌تین ۸، ۲۳:۱۰ الی ۳۳)
- ۶) کارهای بی ارزش در شام خدا (اول قرن‌تین ۱۱)

۳. خدا به صورت کامل و به وضوح خودش را به عنوان یک فرهنگ مشخص در روز مشخص نشان داد. ما باید مکاشفه را جدی بگیریم، ولی نه تمام جنبه‌های تاریخی آن را. کلام خدا با کلمات انسانی نوشته شده و به یک فرهنگ مشخص در یک مقطع زمانی خاص خطاب شد.

B. تفسیر انجیلی باید در جستجوی نیت نویسنده اصلی باشد. به زبان عصر خودش چه می‌گوید؟ برای تفسیر درست، این یک امر بنیادی و حساس است. ولی بعد ما باید آن را با عصر خود مطابقت دهیم. مسئله اصلی تفسیر ممکن است تعریف اصطلاح باشد. آیا غیر از شبانهایی که به عنوان رهبر دیده شده‌اند، آیا مبشرین دیگری هم وجود داشتند؟ کاملاً مشخص است که پولس در اول قرن‌تین ۱۴:۳۴ الی ۳۵ و اول تیموتائوس ۲:۹ الی ۱۵، تصریح می‌کند که زنان نباید دعا‌های عمومی را رهبری کنند! ولی چگونه آن را با عصر حاضر مطابقت دهیم؟ من نمی‌خواهم فرهنگ پولس و یا فرهنگ خودم کلام و اراده خدا را ساکت کند. احتمالاً روزگار پولس خیلی محدود کننده بوده است، ولی همچنین روزگار من هم بسیار باز است. با گفتن اینکه حرفهای پولس و تعالیم او مشروط، مربوط به قرن اول و حقایق وضعیت محلی هستند، احساس ناراحتی می‌کنم. من کی هستم که فکرم یا فرهنگم با یک نویسنده تحت الهام و وحی مخالفت کند؟

با این وجود، وقتی در مورد زنانی که رهبر بودند، مثالهای انجیلی وجود دارند، چه کنم (حتی در نوشته‌های پولس، مراجعه شود به رومیان ۱۶)؟ یک مثال خوب در این مورد بحث پولس در مورد عبادت عمومی در اول قرن‌تین ۱۱ الی ۱۴ است. در اول قرن‌تین ۱۱:۵ به نظر می‌رسد او به زنان، با سر پوشیده، اجازه موعظه و دعا خواندن در جمع را می‌دهد، با این وصف، در ۱۴:۳۴ الی ۳۵ از آنان می‌خواهد ساکت باشند! خادمین (مراجعه شود به رومیان ۱:۱۶) و پیامبران زن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹:۲۱) وجود داشته‌اند. این گوناگونی است که به من اجازه می‌دهد تشخیص دهم که توضیحات پولس (در بخشی که مربوط به محدود کردن زنان می‌شود) محدود به قرن‌تس و افسس قرن اول بوده است. در هر دو کلیساها مشکلاتی در مورد زنانی که آزادی جدید را یافته‌اند دیده می‌شد (مراجعه شود به Bruce Winter, *After Paul Left Corinth*) که می‌توانست باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای کلیسا در رسیدن این جامعه (جامعه زنان) در رسیدن به مسیح شود. آزادی آنان باید محدود می‌شد تا انجیل بتواند موثرتر واقع افتد. روزگار من درست مخالف روزگار پولس است. در روزگار من انجیل می‌تواند محدود شود اگر زنان ماهر و سخنور اجازه نداشته باشند که خبر خوش را پخش کنند، یا اجازه رهبری نداشته باشند! هدف غایی عبادت عمومی چیست؟ آیا بشارت و شاگردی نیست؟ با رهبری زنان آیا خدا مقتدر و خشنود نمی‌شود؟ به نظر می‌رسد که پاسخ انجیل به عنوان کل "بله" باشد! من می‌خواهم به پولس بگویم که الهیات من بر اساس نظریات پولس است. من نمی‌خواهم بیش از حد تحت نفوذ و بازیچه فمینیسم مدرن باشم! با این وجود احساس می‌کنم کلیسا در پاسخ به حقایق بدیهی انجیلی کند پاسخ می‌دهد، همانند بردگی، نژادپرستی، تعصب و جنس‌گرایی. همچنین در مورد سو استفاده از زنان در دنیای مدرن هم پاسخ و واکنش مناسب به کندی داده می‌شود. خدا در مسیح برده و زن را آزاد می‌کند. من اجازه نمی‌دهم که محدودیت‌های فرهنگی به اینها ریشخند بزنند.

یک نکته دیگر: به عنوان یک مفسر، می‌دانم که قرن‌تس یک کلیسای بسیار درهم گسیخته بود. برکات کاریزماتیک به رخ کشیده می‌شدند. ممکن است زنان در این امر دست داشته می‌داشتند. همچنین باور دارم که افسس تحت تاثیر معلمین دروغینی بود که از زنان بهره می‌بردند و از آنان به عنوان سخنگویان جانشین در کلیساهای خانگی افسس استفاده می‌کردند.

C. منابعی برای مطالعات بیشتر

۱. How to Read the Bible For All Its Worth by Gordon Fee and Doug Stuart (pp. 61-77).

۲. Gospel and Spirit: Issues in New Testament Hermeneutics by Gordon Fee.

۴۰:۴

"درخواست کرد" NASB, NRSV  
"اصرار کرد" NKJV  
"التماس کرد" TEV, NJB

این یک اصطلاح قوی در زبان یونانی است و باید "اصرار کرد" یا "التماس کرد" ترجمه شود. شدت این اصطلاح می‌تواند در کاربرد آن در انجیل یوحنا ۴: ۴۷ (رجوع شود به انجیل لوقا ۴: ۳۸) دیده شود.

۴۲:۴ "نجات‌دهنده عالم" این عنوان کلی و جهانی در اول یوحنا ۴: ۱۴ استفاده شده است. همچنین در قالب مفهوم کلی آن در مورد عشق خدا به همه نوع بشر هم استفاده شده است (رجوع شود به اول تیموتائوس ۲: ۶، عبرانیان ۲: ۹، اول یوحنا ۲: ۲). وعده سفر پیدایش ۳: ۱۵ تحقق یافته است. در قرن نخست این عبارت اغلب در مورد سزار به کار می‌رفت. به واسطه اینکه مسیحیان انحصارا این عنوان را برای عیسی به کار می‌بردند، رومیان آنها را مورد آزار و اذیت رومیان قرار می‌دادند. این عنوان همچنین نشان می‌دهد تا چه اندازه نگارندگان عهد جدید از عنوان خدا به عنوان پدر برای پسر استفاده می‌کردند. تیتوس ۱: ۳ الی تیتوس ۱: ۴، تیتوس ۲: ۱۰ الی تیتوس ۲: ۱۳، تیتوس ۳: ۳ الی تیتوس ۳: ۶.

یهودیان عیسی را رد کردند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۱)، ولی سامریان خیلی سریع و به راحتی به او ایمان آوردند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲)!

NASB، انجیل یوحنا ۴: ۴۳ الی ۴۵

پس از آن دو روز، عیسی از آنجا به جلیل رفت، زیرا خود گفته بود که "نبی را در دیار خود حرمتی نیست". چون به جلیل رسید، جلیلیان او را به گرمی پذیرفتند، زیرا آنها نیز برای عید به اورشلیم رفته و آنچه را عیسی در آنجا کرده بود، دیده بودند.

۴۳:۴ این آیه نشان می‌دهد که عیسی آزادانه‌تر و بیشتر میان یهودیه و جلیل سفر می‌کرد تا آنچه که از سایر اناجیل تصور می‌شود.

۴۴:۴ این یک آیه خیلی نامعمول است زیرا با متن قبلی جور نیست. می‌تواند به بشارت در جلیل که داشت شروع می‌شد اشاره داشته باشد (انجیل یوحنا ۴: ۳). این ضرب المثل همچنین در انجیل متی ۱۳: ۵۷، انجیل مرقس ۶: ۴ و، انجیل لوقا ۴: ۲۴ یافت می‌شود. در سایر نسخه‌ها به جلیل اشاره دارد، در حالی که در اینجا به یهودیه اشاره می‌کند.

۴۵:۴ "جلیلیان او را به گرمی پذیرفتند" آنها پیشتر آموزش‌ها و معجزات عیسی را در طول عید پسخ در اورشلیم تجربه کرده بودند.

اهالی جلیل هم گفته می‌شود عیسی را "پذیرفتند"، ولی بسیاری از آنها دستورات را پیروی نکردند و بعدها او را منع کردند. "ایمان" (رجوع شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶) و "پذیرفتن" (انجیل یوحنا ۱: ۱۷) خیلی بیش از پذیرفتن اولیه هستند (رجوع شود به تمثیل خاک در انجیل متی ۱۳: ۱۸ الی ۲۳، مرقس ۴: ۱۲ الی ۲۰، انجیل لوقا ۸: ۱۱ الی ۱۵). موضوع خاص: نیاز به محافظت در بخش انجیل یوحنا ۸: ۳۱ را ببینید.

## موضوع خاص: استقامت/محافظت

### SPECIAL TOPIC: PRESERVANCE

توضیح دکترین انجیلی در ارتباط با زندگی مسیحی بسیار سخت است زیرا در قالب دیالکتیک شرقی ارائه شده است (به موضوع خاص: ادبیات شرق (پارادوکس‌های انجیلی) مراجعه شود). این دو متناقض به نظر میرسند، با این حال، هر دوی آنها انجیلی هستند. مسیحیان غربی گرایش به این دارند که یک حقیقت را بپذیرند و حقیقت دیگر را نادیده انگاشته و یا آن را کم ارزش تلقی کنند. برخی مثالها:

۱. آیا رستگاری یک تصمیم اولیه نسبت به ایمان آوردن به مسیح است یا یک تعهد مادام العمر که شاگرد او باشیم؟

۲. آیا رستگاری یک انتخاب است به وسیله لطف از جانب خداوند یا ایمان و پاسخ همراه با توبه از جانب نوع بشر به پیشنهاد الهی؟

۳. آیا وقتی رستگاری را دریافت کردیم، غیر ممکن است آن را از دست دهیم یا نیازمند تلاش مداوم برای حفظ آن است؟

در طول تاریخ کلیسا، مسئله استقامت همیشه مورد منازعه بوده است. مشکل با تضاد میان عبارات عهد جدید آغاز می‌شود:

۱. متون در ارتباط با اطمینان

a. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۳۷:۶، ۲۸:۱۰ الی ۲۹)

b. اظهارات پولس (رومیان ۸:۳۵ الی ۳۹، افسسیان ۱:۱۳، ۲:۵، ۸ الی ۹، فیلیپیان ۱:۶، ۲:۱۳، دوم تسالونیکیان ۳:۳، دوم تیموتائوس ۱:۱۲، ۴:۱۸)

c. اظهارات پطرس (اول پطرس ۱:۴ الی ۵)

۲. متونی که می‌گویند استقامت نیاز است

a. اظهارات عیسی در سایر اناجیل (انجیل متی ۲۲:۱۰، ۱۳:۱ الی ۹، ۲۴ الی ۳۰، ۲۴:۱۳، انجیل مرقس ۱۳:۱۳)

b. اظهارات عیسی در انجیل یوحنا (انجیل یوحنا ۳۱:۸، ۴:۱۵ الی ۱۰)

c. اظهارات پولس (رومیان ۱۱:۲۲، اول قرنتیان ۱۵:۲، دوم قرنتیان ۵:۱۳، غلاطیان ۱:۶، ۳:۴، ۵:۴، ۹:۶، فیلیپیان ۲:۱۲، ۳:۱۸ الی ۲۰، کولسیان ۱:۲۳، دوم تیموتائوس ۲:۳)

d. اظهارات نویسندگان عبرانیان (۲:۱، ۳:۶، ۱۴، ۴:۱۴، ۶:۱۱)

e. اظهارات یوحنا (اول یوحنا ۲:۶، دوم یوحنا ۹، مکاشفه ۲:۷ و ۱۷ و ۲۶، ۳:۵ و ۱۲ و ۲۱ و ۲۱:۷)

رستگاری انجیلی حاصل عشق، رحمت، ترحم و بزرگی خدای سه گانه است. هیچ انسانی نمی‌تواند نجات یابد بدون شروع با روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴:۶ و ۶:۵). الهیت ابتدا می‌آید و دستور کار را تعیین می‌کند، ولی انسان باید با ایمان و توبه از ابتدا و تداوم آنها پاسخ دهد. خدا بر اساس رابطه پیمانی با انسان کار می‌کند. مزایایی هست و همینطور هم مسئولیتهایی!

رستگاری به همه انسانها ارائه شد. مرگ عیسی با مشکل گناه انسان سقوط کرده سر و کار دارد! خدا راهی را ارائه کرده و می‌خواهد همه تمامی کسانی که آنها را به تصویر کشیده با عشق به عیسی به او پاسخ دهند.

اگر مایل هستید که در این زمینه بیشتر مطالعه کنید به منابع زیر مراجعه نمایید

۱. Dale Moody, The Word of Truth, Eerdmans, چاپ ۱۹۸۱، صفحات ۳۴۸ الی ۳۶۵

۲. Kept by the Power of God از انتشارات Bethany Fellowship, اثر Howard Marshall, چاپ ۱۹۶۹

۳. Life in the Son, انتشارات Westcott, اثر Robert Shank, چاپ ۱۹۶۱

انجیل به دو مسئله متفاوت در این زمینه اشاره می‌کند: (۱) کسب اطمینان به عنوان مجوزی برای یک زندگی بیشتر، یک زندگی خودخواهانه و یا (۲) تشویق کردن آنان که با بشارت و گناهان فردی در تقلا هستند. مسئله اینجاست که گروه اشتباه پیام اشتباه دریافت میکند و سیستم های الهیات انجیلی را بر روی عبارتهای محدود انجیل بنا میکند. برخی مسیحیان ناامیدانه به پیام اطمینان نیاز دارند، در حالیکه دیگران به هشدار سفت و محکم استقامت نیازمند هستند. شما عضو کدام گروه هستید؟

یک جدل الهیاتی تاریخی میان اگوستین در مقابل پلاگیوس و کالوین و در مقابل آرمینیوس (نیمه پلاگیان ها) وجود دارد. این بحث شامل این سوال در مورد رستگاری است: اگر کسی واقعا نجات یابد، آیا باید در ایمان و مفید بودن محکم باشد؟

کالوینیستها در پشت آیاتی صف می‌بندند که بر پادشاهی خدا و حفظ قدرت (انجیل یوحنا ۲۷:۱۰ الی ۳۰، رومیان ۸:۳۱ الی ۳۹، اول یوحنا ۱۳:۵ و ۱۸، اول پطرس ۳:۱ الی ۵) و زمانهای فعال و مصدر کامل مجهول افسسیان ۲:۲ و ۸ تصریح دارد.

ارامنه پشت متونی که به ایمانداران هشدار می‌دهد صبر کنید، دست نگاهدارید یا ادامه دهید صف بسته‌اند (انجیل متی ۲۲:۱۰، ۲۴:۹ الی ۱۳، انجیل مرقس ۱۳:۱۳، انجیل یوحنا ۴:۱۵ الی ۶، اول قرنتیان ۱۵:۲، غلاطیان ۹:۶، مکاشفه ۲:۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳:۵ و ۱۲ و ۲۱ و ۲۱:۷). من به شخصه باور ندارم که عبرانیان ۶ و ۱۰ مصداق داشته باشند، ولی بسیاری از ارامنه از آن به عنوان هشدار علیه ارتداد استفاده می‌کنند. تمثیل بذر در انجیل متی ۱۳ و مرقس ۴ بر ایمان بدیهی تصریح دارند، همانند انجیل یوحنا ۸:۳۱ الی ۵۹ چنین تصریح می‌کند. کالوینیستها می‌گویند که افعال

زمان کامل برای توصیف رستگاری استفاده شده است، و آرامنه عبارتهای با زمانهای حال کامل را نقل می‌کنند مانند اول قرنیتیان ۱:۱۸، ۲:۱۵، دوم قرنیتیان ۲:۱۵.

این یک مثال کامل است از اینکه چطور سیستم‌های الهیاتی با روشهای تفسیری اثبات از صحت متون سو استفاده می‌کنند. معمولاً اصول راهنما یا متن اصلی استفاده می‌شود تا یک شبکه الهیاتی برپا شود که توسط آن به تمامی دیگر متون نگاه شود. مراقب این چهار چوبها از هر منبعی باشید. آنها از منطق غربی می‌آیند نه از مکاشفه. انجیل یک کتاب شرقی است. حقیقت را در شرایط پر از تنش ارائه می‌دهد، ظاهراً به صورت دو پارادوکس. مسیحیان باید هر دورا بپذیرند و قبول کنند و در این تنش زندگی کنند. عهد جدید هم امنیت به ایمان آورنده ارائه می‌دهد و هم تقاضا بر تداوم ایمان و در کنار خدا بودن را دارد. مسیحیت پاسخ اولیه توبه و ایمان است که در پی آن باید تداوم پاسخ به توبه و ایمان باشد. رستگاری یک محصول نیست (یک بلیط به بهشت یا بیمه آتش سوزی)، بلکه یک رابطه است. یک تصمیم و شاگردی است. در عهد جدید با تمامی زمانهای افعال توصیف شده است.

- آئوریست (عمل کامل شده)، اعمال رسولان ۱۵:۱۱، رومیان ۸:۲۴، دوم تیموتائوس ۱:۹، تیتوس ۳:۵
- کامل (عمل کامل شده و نتایج آن ادامه دارد)، افسسیان ۲:۵ و ۸
- حال (عمل در حال انجام)، اول قرنیتیان ۱:۱۸، ۲:۱۵، دوم قرنیتیان ۲:۱۵
- آینده (رخدادهای آتی یا رخدادهای قطعی)، رومیان ۸:۵ و ۱۰، ۹:۱۰، اول قرنیتیان ۳:۱۵، فیلیپیان ۱:۲۸، اول تسالونیکیان ۵:۸ الی ۹، عبرانیان ۱:۱۴، ۲:۲۸

■ "زیرا آنها نیز برای عید به اورشلیم رفته بودند" انجیل نسخه انگلیسی امروز این را به عنوان معجزه دیگری از تفاسیر داخل پراتنزی نویسنده تلقی می‌کند، همانطور که تمامی انجیل یوحنا ۴:۴۴ را اینطور تلقی می‌کند (رجوع شود به نسخه استاندارد جدید بازبینی شده، نسخه بین‌المللی جدید).

#### NASB، انجیل یوحنا ۴:۴۶ الی ۵۴

سپس دیگر بار به قنای جلیل رفت، همان جا که آب را شراب کرده بود. در آنجا یکی از درباریان بود که پسر بیچاره در کفرناحوم داشت. چون شنید عیسی از یهودیه به جلیل آمده است، به دیدار او شتافت و تمنا کرد که فرود آید و پسر او را شفا دهد، زیرا در آستانه مرگ بود. عیسی به او گفت: "تا آیات و عجایب نبینید، ایمان نمی‌آورید". آن مرد گفت: "سرورم، پیش از آنکه فرزندم بمیرد، بیا". عیسی به او گفت: "برو؛ پسرت زنده می‌ماند". آن مرد کلام عیسی را پذیرفت و به راه افتاد. هنوز در راه بود که خدمتکارانش به استقبال او آمده، گفتند: "پسرت زنده و تندرست است". از آنها پرسید: "از چه ساعت رو به بهبود نهاد؟" گفتند: "دیروز، در هفتمین ساعت روز تب او را رها کرد". آنگاه پدر دریافت که این همان ساعت بود که عیسی به او گفته بود: "پسرت زنده می‌ماند". پس خود و همه اهل خانه‌اش ایمان آوردند. این دومین آیتی بود که عیسی هنگامی که از یهودیه به جلیل آمد، به ظهور رسانید.

۴:۴۶

NASB, NRSV, NJB	"یک مقام رسمی سلطنتی"
NKJV	"یک مقام خاص"
TEV	"یک مقام دولتی"

او یک مقام دولتی بود که به خانواده هیرود خدمت می‌کرد.

۴:۴۸ "تا آیات و عجایب نبینید، ایمان نمی‌آورید" این جمله شرطی نوع سوم است با تاکید شدید و منفی مضاعف. عیسی این مرد را به صورت جمع خطاب می‌کند. یهودیان در جستجوی معجزه بودند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲:۱۸، ۶:۲ و ۳۰، انجیل متی ۱۲:۳۸، ۱۶:۱). ولی این خدمتگزار هیرود قبل از اینکه معجزه‌ای شود، ایمان آورد.

۴:۴۹ "فرزند" در سه آیه یوحنا این سه اصطلاح متفاوت را استفاده می‌کند

۱. انجیل یوحنا ۴:۴۹ *paidion* (NASB)، "فرزند"
۲. انجیل یوحنا ۴:۵۰ - *hyiōs* (NASB)، "پسر"
۳. انجیل یوحنا ۴:۵۱ *pais* (NASB)، "پسر"

بدیهی است این اصطلاحات به صورت مترادف به کار رفته‌اند.

۴: ۵۰ این آیه اساس انجیل یوحنا در ایمان به عیسی، ایمان کلامش، ایمان به اعمالش و ایمان به خودش را نشان می‌دهد. ایمان این فرد در اعتقادش بدون مشاهده وعده عیسی نشان داده می‌شود.

۴: ۵۳ "پس خود و همه اهل خانه‌اش ایمان آوردند" این اولین مورد از بسیار مواردی است که وقتی یک نفر ایمان می‌آورد، تمام خانواده تحت تاثیر قرار گرفته و ایمان می‌آورند.

۱. کرنلیوس (اعمال رسولان ۱۰: ۴۴ الی ۴۸)

۲. لیدیا (اعمال رسولان ۱۶: ۱۵)

۳. زندانبان پولس (اعمال رسولان ۱۶: ۳۱ الی ۳۴)

۴. کریسپوس (اعمال رسولان ۱۸: ۸)

۵. استفاناس (اول قرنتیان ۱: ۱۶)

بحث‌های زیادی درباره ایمان آوردن اعضا خانواده وجود دارد، ولی باید تصریح شود که باید تک تک اعضا خانواده خودشان عیسی را بپذیرند. خاورمیانه نسبت به فرهنگ‌های مدرن، بسیار قبیله‌ای و با گرایش نسبت به خانواده است. البته تاثیر دیگران در انتخاب‌ها و تصمیمات ما در زندگی هم مهم است.

۴: ۵۴ اولین معجزه عمومی در مراسم عروسی در قانا رخ داد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱ الی ۱۱)

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا عیسی منطقه یهودیه را ترک کرد؟

۲. یوحنا از زمان رومی استفاده می‌کرد یا یهودی؟

۳. چرا صحبت عیسی با زن سامری بسیار مهم است؟

۴. چگونه امروز آیه ۲۰ بر رابطه میان مذاهب تاثیر می‌گذارد؟

۵. بیایات آغازین عیسی در آیه ۲۶ را توضیح دهید.

۶. آیا اهالی جلیل ایمان واقعی را تجربه کردند؟



## یوحنا ۵

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
شفا در حوض	مردی در حوض بتسدا شفا یافت	شفای مرد فقیر در شبات	شفا در استخر	شفای مرد بیمار در حوض بتسدا
۹ الی ۱: ۵	۱۵ الی ۱: ۵	۱: ۵ ۹ الی ۲: ۵	۶ الی ۱: ۵ ۷: ۵ ۹ و ۸: ۵	۹ الی ۱: ۵
۱۸ الی ۹: ۵		۱۸ الی ۹: ۵	۱۰ و ۹: ۵ ۱۱: ۵ ۱۲: ۵ ۱۴: ۵ ۱۶: ۵ ۱۷ الی ۱۵: ۵ ۱۸: ۵	۱۸ الی ۹: ۵
اختیار پسر	افتخار پدر و پسر	رابطه عیسی با خدا	اختیار پسر	اختیار پسر
۲۹ الی ۱۹: ۵	۲۳ الی ۱۶: ۵	۲۴ الی ۱۹: ۵	۲۳ الی ۱۹: ۵	۴۷ الی ۱۹: ۵
۴۰ الی ۳۱: ۵	زندگی و داوری از طریق پسر است	۳۸ الی ۳۱: ۵ عیسی از کسانی که پیشنهاد او را رد می‌کنند انتقاد می‌کند	۴۰ الی ۳۱: ۵	
۴۷ الی ۴۱: ۵	۴۷ الی ۳۱: ۵	۴۷ الی ۳۹: ۵	۴۷ الی ۴۱: ۵	

چرخه سوم مطالعه (به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود)

دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

NASB: یوحنا ۵: ۱ الی ۹

چندی بعد، عیسی برای یکی از اعیاد یهود، به اورشلیم رفت. در کنار 'دروازه گوسفند' حوضی است که در زبان عبرانیان آن را 'بیت حسدا' گویند و پنج ایوان دارد. در آنها گروهی بسیار از علیلان، همچون کوران، شلان و مفلوجان می‌خواهیدند [و منتظر حرکت آب بودند]. زیرا هر از گاهی فرشته‌ای از جانب خداوند نازل می‌شد و آب را حرکت می‌داد؛ اولین کسی که پس از جنبش آب وارد حوض می‌شد، از هر مرضی که داشت شفا می‌یافت.

در آن میان، مردی بود که سی و هشت سال زمینگیر بود. چون عیسی او را در آنجا خوابیده دید و دریافت که دیری است بدین حال دچار است، از او پرسید: "آیا می‌خواهی سلامت خود را بازیابی؟" مرد علیل گفت: «سرورم، کسی را ندارم که چون آب به حرکت می‌آید، مرا به درون حوض ببرد، و تا خود را به آنجا می‌رسانم، دیگری پیش از من داخل شده است». عیسی به او گفت: "برخیز، بستر خود را بگیر و راه برو". آن مرد در همان دم سلامت خود را بازیافت و بستر خود را برگرفته، راه رفتن آغاز کرد.

۱: ۵ "عید" برخی نسخ خطی یونانی قدیمی، ۴ و C عبارت "آن عید" در آنها قید شده در حالی که اکثریت نسخ خطی "یک عید" ذکر شده است (P<sup>66</sup>, P<sup>75</sup>, D, A, B). در سال سه جشن بود که همه مردان یهودی که می‌توانستند، باید در آن شرکت می‌کردند. (رجوع شود به لایوان ۲۳).

۱. پسخ
۲. پنتیکاست
۳. آلاچیق‌ها

اگر این به پسخ اشاره می‌کند، پس عیسی به جای سه سال، چهار سال بشارت انجام داده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۳ و ۲۳، ۴: ۱۲، ۱: ۱). به طور سنتی گفته می‌شود که پس از تعمید توسط یحیی، عیسی سه سال بشارت انجام داده است. این فقط تعداد اعیاد پسخ که انجیل یوحنا ذکر شده‌اند را مشخص می‌کند.

■ "عیسی بالا به اورشلیم رفت" در انجیل یوحنا گفته شده که عیسی برای جشنها چندین مرتبه به اورشلیم رفته است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۳، ۵: ۱، ۷: ۱۰، ۱۲: ۱۲).

اورشلیم بر روی هفت تپه بنا نهاده شده و از زمینهای اطرافش مرتفعتر است. بنابراین عبارت "بالا رفت" می‌تواند از نظر فیزیکی درست باشد. اما می‌تواند یک اصطلاح استعاره‌ای از برتری هم باشد. اورشلیم، به خاطر معبد، از سطح زمین بالاتر و مرکز زمین بود.

۵: ۲ "در کنار 'دروازه گوسفند'" این دروازه گله در بخش شمال شرقی دیوار اورشلیم قرار دارد. از آن در تجدید حیات و بازسازی دیوارهای شهر در نهمیا ذکر شده است (رجوع شود به نحمیا ۳: ۱ و ۳۲، ۱۲: ۳۹)

NASB, NKJV, Peshitta "یک حوض، که در عبری به آن بتسدا نامیده می‌شود"

NRSV "در عبری بت-زادا" نامیده می‌شود

TEV "در عبری بتزدا نامیده می‌شود"

NJB "بتسدا در عبری گفته می‌شود"

چندین شیوه نگارش برای این اسم وجود دارد. جوزفوس هم به عبری آن را بتزدا نامیده است، که نام این قسمت از اورشلیم است. همچنین در نسخه‌های یونانی به آن بیت صیدا هم گفته می‌شود. کتیبه‌های مسی قمران آن را "بتسدا" می‌نامند، که معنی آن "خامه شفقت" یا "خانه دو فواره" است. امروز آن را حوض سنت آن (St. Anne) می‌نامند.

در روزگار عیسی یهودیان فلسطین به زبان آرامی صحبت می‌کردند نه عبری. در انجیل یوحنا وقتی که گفته می‌شود "عبری" منظور زبان آرامی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲، ۱۹: ۱۳ و ۱۷، ۲۰: ۲۰، ۱۶: ۱۶، مکاشفه ۹: ۱۱، ۱۶: ۱۶). تمامی اظهارات عیسی، مانند

۱. Talitha kum، انجیل مرقس ۵: ۴۱

۲. Ephphatha، انجیل مرقس ۷: ۳۴

۳. Eloi, Eloi, lama sabachthani، انجیل مرقس ۱۵: ۳۴

به زبان آرامی هستند.

۵: ۴ این آیه (انجیل یوحنا ۵: ۳ الی ۴) تفسیر بعدی هستند که سعی می‌کنند

۱. حضور تمامی افراد بیمار در کنار حوض
۲. چرا این مرد این همه مدت آنجا بود
۳. چرا می‌خواست کسی او را در آب بیاندازد (انجیل یوحنا ۱۵: ۳۴)

را توضیح دهند.

بدیهی است که این یک داستان یهودی است. این بخشی از انجیل اصلی یوحنا نیست. شواهد این آیه در اینها وجود ندارد:

۱. در نسخ دستنوشته  $B, C^*, D\&P^{66}, P^{75}$  وجود ندارد
۲. در بیش از بیست نسخه دستنویس با ستاره‌های اضافی مشخص شده است، و نشان می‌دهد که فکر نمی‌شود که اصل باشد
۳. اصطلاحات بیشمار در این آیه کوتاه به کار رفته که متعلق به یوحنا نیستند.

در چند نسخه دستنویس قدیمی یونانی  $A, C^3, K$  و  $L$  وجود دارد. همچنین در **Diatessaron** (حدود سال ۱۸۰ بعد از میلاد)، و نوشته‌های تترالیان (سال ۲۰۰ بعد میلاد)، امبروز، کریسوستوم، و سیریل اضافه شده است. این نشان می‌دهد که چقدر قدیمی است ولی در نسخه اصلی که ناشی از الهام است، وجود ندارد. در نسخه شاه جیمز، اضافه شده، **NASB** (به روز شده در سال ۱۹۹۵، بدون گروه)، و در نسخه جدید شاه جیمز (در سال ۱۹۷۰)، نسخه جدید بازبینی شده، اضافه شده ولی در انجیل جدید اورشلیم، انجیل بازبینی شده، ترجمه جدید انگلیسی و نسخه بین المللی جدید حذف شده است.

برای مطالعه بهتر تنوع نسخ دستنویس انجیل توسط منتقد متن انجیل به کتاب *To What End Exegesis?* نوشته گوردون فی صفحات ۱۷ تا ۲۸ مراجعه کنید.

موضوع خاص: انتقاد متنی

۵: ۶ چرا دقیقا عیسی به این مرد خاص کمک کرد، برای ما مشخص نیست. احتمالا بیشترین مدت را آنجا بوده است. باید در این مرد اندکی ایمان وجود می‌داشته است. ظاهرا عیسی سعی می‌کرده مقابله‌ای را با سران یهودی پایه‌ریزی کند. این کار به او این فرصت را داد تا ادعای مسیح بودنش را ابزار نماید. متن اسکاتولوژیک اشعیا ۳۵: ۶ می‌تواند با این شفا دادن مسیح مرتبط باشد.

بسیاری از معجزات عیسی اساسا برای افراد صورت نمی‌گرفتند، بلکه برای آنهایی انجام می‌شدند که تماشا می‌کردند.

۱. شاگردان
۲. مقامات یهود
۳. جمعیت

انجیل معجزات مشخصی را انتخاب می‌کند که به وضوح نشان دهد عیسی چه کسی بود. این رخدادها نمایانگر اقدامات روزانه او بودند. آنها انتخاب می‌شدند که نشان دهند

۱. شخص او را
۲. شفقت او را
۳. قدرت او را
۴. اختیار او را
۵. مکاشفه شفاف او از پدر
۶. آشکار سازی شفاف عصر مسیح

۵: ۸ "برخیز، بستر خود را بگیر و راه برو" این یک مجموعه‌ای از فرامین است

۱. یک زمان حال امری
۲. بدنبالش زمان آتوریستی فعال امری
۳. سپس بدنبالش حال فعال امری

بستر یک لباس و پشتی بود که مرد فقیر از آن برای خوابیدن استفاده می‌کرد. این مردمان بیمار، علیل، و مفلوج از آنها در طول روز برای نشستن استفاده می‌کردند (رجوع شود به انجیل مرقس ۲: ۴ و ۹ و ۱۱ و ۱۲، ۶: ۵۵، اعمال رسولان ۹: ۳۳).

آن روز، شَبَات بود. پس یهودیان به مرد شفا یافته گفتند: "امروز شَبَات است و بر تو جایز نیست که بستر خود را حمل کنی." او پاسخ داد: "آن که مرا شفا داد به من گفت، "بسترت را برگیر و راه برو". از او پرسیدند: "آن که به تو گفت بسترت را برگیری و راه بروی، که بود؟" اما مرد شفا یافته نمی دانست او کیست، زیرا عیسی در میان جمعیت آنجا ناپدید شده بود. اندکی بعد، عیسی او را در معبد یافت و به او گفت: "حال که سلامت خود را باز یافته‌ای، دیگر گناه مکن تا به حال بدتر دچار نشوی." آن مرد رفت و به یهودیان گفت: "آن که مرا شفا داد، عیسی است." به همین سبب بود که یهودیان عیسی را آزار می کردند، زیرا در شَبَات دست به چنین کارها می زد. پاسخ عیسی این بود که "پدر من هنوز کار می کند، من نیز کار می کنم". از همین رو، یهودیان بیش از پیش درصدد قتل او برآمدند، زیرا نه تنها شَبَات را می شکست، بلکه خدا را نیز پدر خود می خواند و خود را با خدا برابر می ساخت.

۵: ۹ "آن روز، شَبَات بود" سران یهود حتی از اینکه آن مرد شفا یافته بود شادی نمی کردند، بلکه می گفتند به آنها اهانت شده و عیسی سنتهای مرسوم (بعدا در تلموذ قانونش را وضع کردند) را در ارتباط با شبات زیر پا گذاشته است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۶ و ۱۸، انجیل متی ۷: ۱ الی ۲۳).

شفا دادن های عیسی در روز شبات را به دو روش می توان توضیح داد

۱. او هر روز شفا می داد، ولی جدل ها همیشه بر سر شفا دادن ها در روز شبات بود
  ۲. او از این مسئله استفاده می کرد تا فرصتی به وجود آید و جدلی را با سران مذهبی بر سر مسائل الهیات انجام دهد.
- عیسی در اغلب روزهای شبات شفا می داد (رجوع شود به انجیل متی ۱۲: ۹ الی ۴، انجیل مرقس ۱: ۲۹ الی ۳۱، ۳: ۱ الی ۶، انجیل لوقا ۶: ۶ الی ۱۱، ۱۴: ۱ الی ۶، انجیل یوحنا ۵: ۹ الی ۱۸، ۹: ۱۴). عیسی دیوها را در روز شبات بیرون می راند (رجوع شود به انجیل مرقس ۱: ۲۱ الی ۲۸)، انجیل لوقا ۱۳: ۱۷ الی ۱۷). عیسی از غذا خوردن شاگردان در روز شبات دفاع می کرد (رجوع شود به ۱۲: ۱ الی ۸، انجیل مرقس ۲: ۲۳ الی ۲۸). انجیل اختلاف نظرهایی را در این موضوعات در روز شبات با کنیسه داشت (رجوع شود به انجیل لوقا ۴: ۱۶ الی ۳۰، انجیل یوحنا ۷: ۱۴ الی ۲۴).

۵: ۱۳ "عیسی در میان جمعیت آنجا ناپدید شده بود" به زبان ساده، "سرش را انداخت پائین و رفت". در روزگار خودش عیسی همانند یهودیان معمولی بود. در جمعت گم شد.

۱۴: ۵

NASB, NRSV, NJB, "دیگر گناه مکن"

Peshitta

NKJV "بیشتر از این گناه نکن"

TEV "پس گناه کردن را تمام کن"

REB "مسر گناهکاری خودت را تغییر بده"

این زمان حال امری فعال همراه با لفظ منفی است، که اغلب به معنی متوقف کردن کاری است که از قبل در حال جریان بوده است، ولی در این متن به نظر می رسد بر خلاف آن باشد (رجوع شود به نسخه انگلیسی امروز، صفحه ۱۹۰۷ و ۱۹۰۸). متفکرین یهودی الهیات قرن اول بیماری را در رابطه با گناه می دانستند (جوع شود به انجیل شاه جیمز ۵: ۱۴ الی ۱۵). این تمامی بیماری ها را توضیح نمی دهد، آن طور که در رابطه با کاری که عیسی با مردی که نابینا زاده شده بود (رجوع شود به انجیل یوحنا ۹) و حرفهای عیسی در انجیل لوقا ۱۳: ۱ الی ۴ را می توان دید.

عیسی هنوز با زندگی معنوی اینها کار داشت. کارهای ما منعکس کننده قلب و ایمان ما هستند. ایمان انجیلی هم عینی و هم درونی است، هم باور و هم عملکرد.

امروز در کلیسا تاکید زیادی بر روی شفای فیزیکی وجود دارد. یقینا هنوز خدا شفا می دهد. ولی شفای الهی باید در نتیجه تغییر معنوی و روحانی سبک زندگی و تغییر اولویت ها باشد. یک سوال خوب می تواند این باشد: "چرا می خواهید شفا یابید؟"

**موضوع خاص: شفا**

برای من تکان دهنده است که همه کسانی که در عهد جدید شفا یافتند، نجات نیافتند (به عنوان مثال، اعتماد به مسیح و زندگی ابدی). درمان جسمانی یک جایگزین ضعیف برای نجات معنوی است. اگر ما را به خداوند برساند، معجزات واقعا مفید خواهند بود. همه انسان ها در یک جهان سقوط کرده زندگی می کنند. چیزهای بد اتفاق می افتند خدا اغلب تصمیم می گیرد که مداخله نکند، اما چیزی در مورد عشق و نگرانی خود نمی گوید. مراقب باشید که از خدا درخواست معجزه های برای هر نیازی در این عصر شیطنانی کنونی نداشته باشید. او حاکم است و ما مفاهیم کامل هر وضعیت خاص را نمی دانیم.

در این نقطه من می خواهم یادداشت های تفسیری خود را از دوم تیموتائوس ۴: ۲۰ درباره پولس و شفای فیزیکی اضافه کنم. (برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به [www.freebiblecommentary.org](http://www.freebiblecommentary.org)):

"سؤالات بسیاری وجود دارند که ما می خواهیم از نویسندگان عهد جدید پرسیم. یکی از موضوعاتی که همه مومنین در مورد آن فکر می کنند شفای فیزیکی است. در اعمال رسولان (مراجعه شود به ۱۹: ۱۲، ۲۸: ۷-۹) پولس قادر به شفا است، اما در اینجا و در دوم قرنتیان ۱۲: ۷-۱۰ و فیلیپیان ۲: ۲۵-۳۰، او به نظر می رسد ناتوان است. چرا برخی بهبود یافتند و برخی نه، و آیا یک پنجره زمانی متصل به درمان است که بسته شده است؟

من مطمئنا به پدر ماورا الطبیعی و دلسوز اعتقاد دارم که از لحاظ جسمی و روحانی شفا می یابد، اما چرا این جنبه شایع ظاهرا وجود دارد و سپس به طور قابل توجهی غایب است؟ من فکر نمی کنم که آن به ایمان انسانی متصل شده باشد، زیرا مطمئنا پولس ایمان داشت (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۱۲). من احساس می کنم که معجزات شفا و اعتقادی تایید صحت و اعتبار انجیل باشد که هنوز در مناطقی از جهان که در آنجا برای اولین بار اعلام میشود، انجام می گردد. با این حال، احساس می کنم که خداوند می خواهد ما را با ایمان گام برداریم و نه بر اساس چشم انداز. همچنین بیماری فیزیکی اغلب در زندگی مؤمن مجاز می باشد:

۱. به عنوان مجازات زمانی برای گناه

۲. به عنوان پیامدهای زندگی در یک جهان افتاده

۳. برای کمک به مؤمنان به لحاظ بلوغ معنوی

مشکل من این است که من هرگز نمی دانم کدام یک درگیر است. نماز من برای اراده خدا در هر مورد انجام می شود، فقدان ایمان نیست، بلکه تلاشی صادقانه برای اجازه دادن به خداوند مهربان و مهربان است تا کار اراده خود را در زندگی هر فردی انجام دهد."

اینها نتیجه گیری من هستند:

۱. شفا بخش مهمی از بشارت عیسی و رسولان بود.

۲. به طور عمده در نظر گرفته شد تا پیام رادیکال جدیدی درباره خداوند و پادشاهی او تأیید شود.

۳. این قلب خدا را برای مردم بیمار نشان می دهد.

۴. خدا تغییر نکرده است (ملاکی ۳: ۶) و او هنوز برای شفا دادن با عشق عمل می کند، (تمام نعمات روحانی ادامه می یابد، مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۲: ۹، ۲۸، ۳۰).

۵. نمونه هایی وجود دارند که در آن درمان کسانی که دارای ایمان بزرگ هستند انجام نمی شود (کتابچه ای که در این زمینه به من کمک کرده است، *The Disease of the Health, Wealth Gospel*, Gordon Fee است).

a. پولس، دوم قرنتیان ۱۲: ۷-۱۰

b. تروفیسوس، دوم تیموتائوس ۴: ۲۰

۶. گناه و بیماری در اندیشه های ربی ها (مراجعه شود به اعداد ۹: ۲، یوحنا ۵: ۱۳-۱۸).

۷. شفا تضمین عهد جدید نیست. این جزء ختنه نیست که در اشعیا توصیف شده است. ۵۳: ۴-۵ و مزامیر ۱۰۳: ۳، جایی که شفا دادن تصویری برای بخشش است (نگاه کنید به: اشعیا ۱: ۵-۶، جایی که بیماری یک استعاره برای گناه است).

۸. رمز و راز واقعی در مورد این است که چرا برخی شفا داده شده و برخی شفا نمی یابند.

۹. ممکن است که هرچند که در هر عصری درمانی وجود داشته باشد، در طول حیات عیسی افزایش قابل توجهی داشته است. این افزایش دوباره قبل از بازگشت او رخ خواهد داد.

نویسنده مدرنی که به من کمک کرد تا متوجه شوم که روایات شیطانی من، کارهای روح را، به خصوص معجزات را، خنثی میکنند، Gordon Fee است. او دارای چندین کتاب است، اما دو کتابی که به این امر میپردازند، به شرح زیر هستند:

۱. *Paul, the Spirit, and the People of God*

۲. *God's Empowering Presence: The Holy Spirit and the Letters of Paul*

همانند بیشتر مسائل کتاب مقدس، دو وضعیت افراطی وجود دارد. ما همه باید در نور خود با عشق گام برداریم، اما همیشه به نور بیشتری از کتاب مقدس و روح نیاز داریم.

۵: ۱۵ "زیرا در شَبَات دست به چنین کارها می‌زد" فعل این جمله امری فعال دلالت کننده است که دلالت بر تداوم عملی در زمان گذشته دارد. این اولین (یا آخرین) شفا دادن عیسی در روز شبات نبود. موضوع خاص: شفا را مطالعه کنید.

۵: ۱۷

NASB "ولی او به آنها پاسخ داد"

NRSV, REB, NIB "ولی عیسی به آنها پاسخ داد"

NJB "پاسخ او به آنها این بود"

دستنویسهایی که از روی نسخ یونانی اولیه نسخه‌برداری می‌شدند به این گرایش داشتند که

۱. دستور زبان را ساده کنند

۲. اشارات مشخص و خاص داشته باشند

۳. عبارات استاندارد شوند

به سختی می‌توان گفت که کدامیک از حالات انجیل یوحنا ۵: ۱۷ اصل هستند

۱. "ولی او...." - , B, W<sup>75</sup>-P

۲. "ولی عیسی...." - P<sup>66</sup>, A, D, L

۳. "ولی خداوند...." یا "ولی خداوند عیسی" - ترجمه‌های سوری

۴. گزینه شماره ۲ رتبه "C" را می‌گیرد (تصمیم گیری سخت است)

■ "پدر من هنوز کار می‌کند، من نیز کار می‌کنم" اینها هر دو زمان حاضر متوسط دلالت کننده هستند. عیسی اظهار می‌کند که پدر از انجام دادن کارهای خوب در روز شبات ممانعت نمی‌کند و پسر هم همینطور (برای مطالعه یک بحث خوب در خصوص این آیه به *Abusing Scripture* نوشته مانفرد براوخ صفحه ۲۱۹ مراجعه کنید). این، به مفهوم واقعی، درک عیسی از رابطه منحصر به فردش با پدر را تصریح می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۹ الی ۲۹).

مفهوم یهودی یکتاپرستی (رجوع شود به کتاب تثنیه ۶: ۴) عملاً در "یک جمله" برای توضیح رخدادهای این جهان بیان شده است (مراجعه شود به داوران ۹: ۲۳، ایوب ۲: ۱۰، جامعه ۷: ۱۴، اشعیا ۴۵: ۷، ۵۹: ۱۶، مراثی ارمیا، ۳: ۳۳ الی ۳۸، عاموس ۳: ۶). تمامی اعمال در نهایت کارهای یک خدای واقعی هستند. وقتی که عیسی نمایندگی دو جانبه در کارهای خدا در جهان را تصریح می‌کند، او خاصیت سببی دوالیسم الهی را در واقع تصریح می‌کند. این بخش مشکل در تثلیث است. یک خدا ولی سه آشکارسازی فردی (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۶ و ۱۷، ۲۸: ۱۹، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، اعمال رسولان ۲: ۳۳ و ۳۴، رومیان ۸: ۹ الی ۱۰، اول قرنتیان ۱۲: ۴ الی ۶، دوم قرنتیان ۱: ۲۱ الی ۲۲، ۱۳: ۱۴، غلاطیان ۴: ۴، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴، ۲: ۱۸، ۴: ۴ الی ۶، تیتوس ۳: ۴ الی ۶، اول پطرس ۱: ۲).

نوع بشر همیشه احساس می‌کرد که واقعیت بیش از دنیای فیزیکی است (این امر نشات گرفته از رخدادهایی بود که خارج از کنترل انسان بودند مانند توفان‌ها، خسوف و کسوف؛ شهاب سنگ‌ها، رخدادهای جوی و آب و هوایی، و مرگ).

انسانشناسان به ما می‌گویند اشیایی در گورهای اولیه انسانها یافته‌اند که ظاهراً برای زندگی بعدی، که آن را در ادامه این زندگی تصور می‌کردند، بودند.

نخستین تمدن مکتوب، تمدن سومری است (در جنوب تیگرس، رودخانه فرات)، که حدود ۱۰۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل میلاد مسیح شروع شد. آنها در اشعاری که می‌نوشتند، دیدگاه خود از خدایان و تعاملات با آنها را بیان می‌کردند. که بیشتر همانند انسانها بودند و ضعفهای آنها را داشتند. سنتهای آنها به مراتب قبل از اینکه نگاشته شوند، وجود داشته‌اند.

خداشناسی در این دوره تحول یافت

۱. همزادگرایی به
۲. چند خدایی به
۳. یک خدای برتر (دوالیسم)

مفهوم "یکتاپرستی" (فقط و فقط یک شخص، یک خدا بدون شریک)، نه فقط "خدای ارشد" در چند خدایی یا خدای نیکی در دوالیسم ایرانی (زرتشتی)، فقط برای اسرائیل است (ابراهیم و یعقوب، ۲۰۰۰ قبل میلاد). فقط یک استثنای نادر در مصر (آمنهوتپ چهارم، که به آخناتن هم معروف بود، ۱۳۶۷ تا ۱۳۵۰ یا ۱۳۸۶ تا ۱۳۶۱ قبل از میلاد، که آن، خدای خورشید را به عنوان تنها خدا، پرستش می‌کرد). به *The Mind of Egypt* صفحات ۲۱۶ و ۲۱۷ مراجعه کنید.

این مفهوم در عبارات مختلف در عهد عتیق بیان شده است

۱. "هیچکس مانند یهوه یا الوهیم"، سفر خروج ۱۰:۸، ۱۴:۹، تثنیه ۲۶:۳۳، اول پادشاهان ۲۳:۸
۲. "هیچکس در کنارش نیست"، تثنیه ۳۵:۴ و ۳۹:۳۲، اول سموئیل ۲:۲، دوم سموئیل ۳۲:۲۲، اشعیا ۲۱:۴۵، ۶:۴۴ و ۸:۶ و ۴۵:۲۱ و ۲۱
۳. "یهوه تنهاست" تثنیه ۴:۶، رومیان ۳:۳۰، اول قرنتیان ۸:۴ و ۶، اول تیموتائوس ۲:۵، یعقوب ۱۹:۲
۴. "هیچکس مانند تو نیست" دوم سموئیل ۲۲:۷، ارمیا ۱۰:۶
۵. "تو تنها خدایی" مزمور ۱۰:۸۶، اشعیا ۱۶:۳۷
۶. "پیش از من خدایی مصور نشده، و پس از من نیز نخواهد بود." اشعیا ۴۳:۱۰
۷. "غیر از من کسی نیست؛ .... من یهوه هستم و دیگری نیست؛" اشعیا ۴۵:۵ و ۶ و ۲۲
۸. "او منشا همه چیز است"، اشعیا ۷:۴۵
۹. "هیچ کس دیگری نیست، هیچ خدای دیگری نیست"، اشعیا ۴۵:۱۴ و ۱۸
۱۰. "هیچکس غیر از من نیست"، اشعیا ۴۵:۲۱
۱۱. "هیچ کس دیگری..... هیچکس مثل من نیست"، اشعیا ۴۶:۹

باید اذعان داشت که این دکتین قاطع به شیوه پیشرفته‌ای ظاهر شد. اظهارات اولیه را می‌توان به صورت "هنوت‌ایسم" یا یکتا شناسی عملی درک کرد (خدایان دیگری هم وجود دارند، یوشع ۱۵:۲۴، اول پادشاهان ۱۸:۲۱)، ولی فقط یک خدا برای ما وجود دارد (سفر خروج ۱۱:۱۵، ۲۰:۲ الی ۵، تثنیه ۷:۵، ۴:۶ و ۱۴، ۱۰:۱۷، ۱۲:۳۲، اول پادشاهان ۲۳:۸، مزمور ۱۸:۸۳، ۸:۸۶، ۱۳۶:۱ الی ۹).

متون اولیه که با مشخص کردن وحدانیت (یکتا شناسی فلسفی) شروع می‌شوند، ابتدایی هستند (سفر خروج ۱۰:۸، ۱۴:۹، ۲۰:۲ و ۳، تثنیه ۳۵:۴ و ۳۹، ۲۶:۳۳). ادعاهای کامل و قابل رقابت در اشعیا ۴۳ الی ۴۶ (۱۰:۴۳ و ۱۱، ۶:۴۴ و ۸، ۷:۴۵ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۲، ۵:۴۶ و ۹) دیده می‌شوند.

عهد عتیق خدایان ملتها را بی‌ارزش جلوه می‌دهد، به عنوان مثال

۱. مخلوقات انسانها - تثنیه ۲۸:۴، دوم پادشاهان ۱۸:۱۹، مزمور ۱۱۵:۴ الی ۸، اشعیا ۱۵:۱۳ الی ۱۸، اشعیا ۸:۲، ۸:۱۷، ۱۹:۳۷، ۱۹:۴۰، ۷:۴۱ و ۲۴ و ۲۹، ۱۰:۴۴ و ۱۲، ۶:۴۶ و ۷، ارمیا ۳:۱۰ الی ۵، مکاشفه ۱۰:۹

۲. شیاطین - تثنیه ۱۷:۳۲، مزمور ۳۷:۱۰۶، اشعیا ۸:۱۹، اول قرنتیان ۱۰:۲۰، مکاشفه ۹:۲۰
۳. یوحنا، خالی - تثنیه ۲۱:۳۲، دوم پادشاهان ۱۵:۱۷، مزمور ۶:۳۱، اشعیا ۱۸:۲، ۲۹:۴۱، ارمیا ۵:۲، ۸:۱۰، ۲۲:۱۴، ارمیا ۵:۲، ۱۹:۸
۴. خدایانی نیستند - تثنیه ۲۱:۳۲، دوم قرنتیان ۹:۱۳، اشعیا ۱۹:۳۷، ارمیا ۱۱:۲، ۷:۵، اول قرنتیان ۴:۸ و ۵:۱۰، مکاشفه ۹:۲۰
- عهد جدید در رومیان ۳:۳۰، اول قرنتیان ۸:۴ و ۶، افسسیان ۴:۴، اول تیموتائوس ۵:۲ و یعقوب ۱۹:۲ از تثنیه ۴:۶ الهام می‌گیرد. عیسی آن را در انجیل متی ۲۲:۳۶ و ۳۷، انجیل مرقس ۱۲:۲۹ و ۳۰، انجیل لوقا ۲۷:۱۰ به عنوان اولین فرمان نقل قول می‌کند. عهد عتیق و همچنین عهد جدید، واقعیت سایر موجودات معنوی را تصریح می‌کنند (شیاطین، فرشتگان) ولی فقط یک خالق یعنی خدا (یهوه، سفر پیدایش ۱:۱) را تأیید می‌کند.

وحدانیت انجیلی با این ویژگی‌ها مشخص می‌شود

۱. خدا تنها و منحصر به فرد است (هستی شناسی در نظر گرفته می‌شود، ولی مشخص مشخص نمی‌شود)
۲. خدا فرد است (رجوع شود به سفر پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷:۸)
۳. خدا اخلاق است (رجوع شود به سفر خروج ۶:۳۴، ناحوم ۱۷:۹، مزمور ۸:۱۰۳ الی ۱۰)
۴. خدا انسان‌ها را در شکل خود ایجاد کرد (سفر پیدایش ۱:۲۶ و ۲۷) برای دوستی و رفاقت (یعنی شماره ۲). خدا حسود است (سفر خروج ۵:۲۰ و ۶)

در عهد جدید

۱. خدا دارای سه شکل ابدی است (به موضوع خاص: تثلیث مراجعه شود)
  ۲. خدا بطور کامل در عیسی ظاهر شد (رجوع شو به انجیل یوحنا ۱:۱ الی ۱۴، کولسیان ۱:۱۵ الی ۱۹، عبرانیان ۲:۱ و ۳)
- برنامه ابدی خدا برای انسان فانی رستگار، قربانی کردن تنها پسر خود است (اشعیا ۵۳، انجیل مرقس ۴:۱۰، دوم قرنتیان ۲۱:۵، فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱، عبرانیان)

## موضوع خاص: تثلیث

### SPECIAL TOPIC: TRINITY

به فعالیت هر سه نفر در یک قالب متحدالشکل توجه کنید. کلمه "تثلیث" که نخستین بار توسط ترتولین‌ها به کار برده شد، یک کلمه انجیلی نیست، ولی مفهوم آن فراگیر است.

۱. اناجیل

- a. انجیل متی ۱۶:۳ و ۱۷، ۱۹:۲۸ (و بقیه بطور موازی)
- b. انجیل یوحنا ۱۴:۲۶
۲. اعمال رسولان - اعمال رسولان ۲:۳۲ و ۳۳، ۳۸ و ۳۹
۳. پولس
  - a. رومیان ۴:۱ و ۵:۱، ۵:۱ و ۸:۱ الی ۴، ۱۰:۸
  - b. اول قرنتیان ۸:۲ الی ۱۰، ۴:۱۲ الی ۶
  - c. دوم قرنتیان ۱:۲۱ و ۱۳:۱۴، ۲۲
  - d. غلاطیان ۴:۴ الی ۶
  - e. افسسیان ۱:۳ الی ۱۴، ۱۷، ۱۸:۲، ۱۴:۳ الی ۱۷، ۴:۴ الی ۶
  - f. اول تسالوکیان ۱:۲ الی ۵
  - g. دوم تسالوکیان ۲:۱۳
  - h. تیتوس ۳:۴ الی ۶



۴. بیتر - اول پطرس ۲: ۱

۵. یهودا - ۲۰ الی ۲۱

چندگانگی خدا در عهد عتیق دیده می شود

۱. کاربرد به صورت جمع برای خدا

a. نام الوهیم (*Elohim*) جمع است (به موضوع خاص: اسامی الهی مراجعه کنید)، ولی وقتی در مورد خدا به کار می رود همیشه فعل

به صورت مفرد است

b. "به ما" در سفر پیدایش: ۱: ۲۶ و ۲۷، ۳: ۲۲، ۱۱: ۱۷

۲. "فرشته خدا" (به موضوع خاص: فرشته خدا مراجعه کنید) نماینده مرئی الهیات است

a. سفر پیدایش ۷: ۱۶ الی ۱۳، ۱۱: ۲۲ الی ۱۵، ۱۱: ۳۱ و ۱۳، ۱۵: ۴۸ و ۱۶

b. خروج ۳: ۲ و ۴، ۱۳: ۲۱، ۱۴: ۱۹

c. داوران ۱: ۲، ۶: ۲۲ و ۲۳، ۱۳: ۳ الی ۲۲

۳. خدا و روح القدس جدا هستند، سفر پیدایش ۱: ۱ و ۲، مزمو ۳۰: ۱۰۴، اشعیا ۹: ۶۳ الی ۱۱، حزقیال ۱۳: ۳۷ و ۱۴

۴. خدا (یهوه) و مسیح (*Adon*) جدا هستند، مزمو ۶: ۴۵ و ۷، ۱۱۰: ۱، ۷، زکریا ۸: ۲ الی ۱۱، ۱۰: ۹ الی ۱۲

۵. مسیح و روح القدس جدا هستند. زکریا ۱۰: ۱۲

۶. هر سه در اشعیا ۱۶: ۴۸ و ۱: ۶۱ نام برده شده اند.

الهی بودن مسیح شخصیت روح القدس باعث مشکلاتی برای یکتاپرستان سختگیر و مومنین اولیه شد (به موضوع خاص: یکتاپرستان مراجعه شود)

۱. ترتولین - پسر را زیر دست پدر می دانستند

۲. اورینگن - ذات الهی پسر و روح القدس را پائینتر می دانستند

۳. آریوس - الهی بودن پسر و روح القدس را انکار می کردند

۴. یکتاپرستان - از لحاظ ترتیب زمانی مطرح شدن، به یک خدا در قالب پدر، پسر و روح القدس اعتقاد داشتند.

تثلیث از لحاظ تاریخی یک فرمول بسط یافته است که توسط مطالب انجیلی مطرح شده است

۱. به طور کامل الهی بودن عیسی، برابر بودن با خدا در ۳۲۵ پس از میلاد توسط شورای نیکیا تصریح شد (رجوع شود به یوحنا ۱: ۱، فیلیپیان

۲: ۶، تیتوس ۱: ۳)

۲. برابر بودن شخصیت و الهیت کامل روح القدس با پدر و پسر در سال ۳۸۱ پس از میلاد توسط شورای قسطنطنیه تصریح شد

۳. دکتین تثلیث به طور کامل در اثر آگوستین بنام *De Trinitate* بیان شده است

این واقعا یک راز است. ولی عهد عتیق یک ذات الهی را (یکتاپرستی) با سه شخصیت (پدر، پسر، روح القدس) تصریح می کند.

۵: ۱۸ "از همین رو، یهودیان بیش از پیش درصدد قتل او برآمدند" دو دلیل وجود دارد که یهودیان می خواستند تا عیسی را به قتل برسانند

۱. او در ملا عام سنت های شفاهی (تلموذ) در ارتباط با روز شبات را می شکست (به زبان ساده "زیر پا می گذاشت"، فعال غیر کامل دلالت کننده)

۲. اظهارات او نشان می داد که آنها ادعای وی که برابر با خدا است را درک کرده بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۸ الی ۵۹، ۳۳، ۱۰، ۱۹: ۷).

NASB: یوحنا ۵: ۱۹ الی ۲۳

پاسخ عیسی چنین بود: "آمین، آمین، به شما می گویم که پسر از خود کاری نمی تواند کرد مگر کارهایی که می بیند پدرش انجام می دهد؛ زیرا

هر چه پدر می کند، پسر نیز می کند. زیرا پدر، پسر را دوست می دارد و هر آنچه می کند به او می نمایاند و کارهای بزرگتر از این نیز به او خواهد

نمایاند تا به شگفت آید. زیرا همان گونه که پدر مردگان را برمی خیزاند و به آنها حیات می بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد، حیات می بخشد. و

پدر بر کسی داوری نمی کند، بلکه تمام کار داوری را به پسر سپرده است. تا همه پسر را حرمت گذارند، همان گونه که پدر را حرمت می نهند.

زیرا کسی که پسر را حرمت نمی‌گذارد، به پدری که او را فرستاده است نیز حرمت نهاده است."

۱۹: ۲۴ و ۲۵ "واقعا، واقعا" این همان "آمین آمین" است. اصطلاح "آمین" ترجمه‌ای است از زبان عبری. معنی اصلی آن قابل اعتماد بودن است. از آن برای تأیید یک واقعیت استفاده می‌شود. عیسی تنها فرد شناخته شده‌ای است که از این کلمه برای شروع جملاتش استفاده می‌کند. او از آن برای جملات و عبارات مهم خود استفاده می‌کند. یوحنا تنها کسی است که تکرار مضاعف این کلمه را در نوشته‌های خود به ثبت رسانده است.

۱۹: ۵ "پسر" از لحاظ علم الهیات یک اهمیت خاصی در تکرار این کلمه "پسر" در چند آیه بعدی وجود دارد. در یک متن کوتاه هشت مرتبه تکرار شده است. این نشان دهنده درک منحصر به فرد عیسی از رابطه خودش با پدر و منعکس کننده عناوین "فرزند انسان" و "پسر خدا" است.

### موضوع خاص: فرزند انسان (دانیال ۷:۱۳)

#### SPECIAL TOPIC: SON OF MAN (from Daniel 7:13)

عبارت آرامی (*ben enosh*, BDB 1085 construct و 1081) "فرزند انسان" از مشابه عبارت عبری آن ("*ben adam*") که در مزمو و حزقیال یافت شده متفاوت است. هر دو عبارت به صورت مترادف در ایوب ۶:۲۵، مزمو ۴:۸، ۳:۹۰، ۳:۱۴۴، اشعیا ۱۲:۱۳ استفاده شده‌اند. مشخص است این اشاره به مسیح دارد و به شخصیت انسانی او مرتبط است (مراجعه شود به دانیال ۸:۱۷، ایوب ۶:۲۵، مزمو ۴:۸، حزقیال ۱:۲ (و بسیاری دیگر) در حزقیال)، که معنی آرامی و عبری عبارت "فرزند انسان" با خدایی بودن آن، زیرا ابرها وسیله حمل و نقل خدا هستند (مراجعه شود به دانیال ۷:۱۳، انجیل متی ۲۴:۳۰، ۲۶:۶۴، انجیل مرقس ۱۳:۲۶، ۱۴:۶۲، مکاشفه ۱:۷، ۱۴:۱۴).

عیسی از این عبارت برای اشاره به خودش در عهد جدید استفاده می‌کند. از این عبارت برای مسیح در یهودیت استفاده نشده است. هیچ مفهوم انحصاری، ملیتی یا نظامی ندارد. به صورت منحصر به فردی مسیح را به عنوان یک انسان کامل و خدای کامل توصیف می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۴:۱). استفاده دانیال، اولین موردی است که بر جنبه خدایی آن تمرکز می‌کند.

عیسی از این مفهوم در سه حالت برای توصیف خودش استفاده می‌کند:

۱. برای دردها و مرگش (برای مثال، انجیل مرقس ۸:۳۱، ۱۰:۴۵، ۱۴:۲۱، انجیل لوقا ۲۲:۹ و ۴۴)
۲. آمدنش به عنوان قاضی (برای مثال، انجیل متی ۱۶:۲۷، ۲۵:۳۱، انجیل یوحنا ۵:۲۷)
۳. آمدن باشکوهش برای برقراری پادشاهی خدا (برای مثال، انجیل متی ۱۶:۲۸، ۱۹:۲۸، انجیل مرقس ۱۳:۲۶ و ۲۷، ۱۴:۶۲)

از کتاب مطالعه یهودی انجیل، صفحه ۱۶۵۷ (همچنین به *A Theology of the New Testament* اثر George E. Ladd صفحات ۱۳۶

الی ۱۳۹ مراجعه شود)، سنتهای دیگر یهود درباره این متن در دانیال فهرست شده‌اند.

۱. این متن مسیحی است (مراجعه شود به اول انوش ۱:۴۶، ۱۰:۴۸، چهارم عزرا فصل ۱۳، سانهدرین ۹۸)
۲. تمامی پیشگوییها در این متن قبلا تحقق یافته‌اند (مراجعه شود به سانهدرین ۹۷)
۳. این متن به پایان زمان اشاره ندارد (مراجعه شود به پیدایش ۲:۹۸)

این متن معرف اسرائیل است (مراجعه شود به عزرا و راشی)

■ "پسر از خود کاری نمی‌تواند کرد" اغلب این درست است، عهد جدید عیسی را در عبارات پارادوکسی معرفی می‌کند. در برخی متون

۱. او کسی است که با پدر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱، ۵:۱۸، ۱۰:۳۰، ۳۴ الی ۳۸، ۱۴:۹ الی ۱۰، ۲۰:۲۸)
۲. او از پدر جدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۲ و ۱۴، ۱۸، ۵:۱۹ الی ۲۳، ۸:۲۸، ۱۰:۲۵ و ۲۹، ۱۴:۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۶، ۱۷:۱ و ۲)
۳. او حتی گاهی اوقات پائین‌تر از وی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵:۲۰ و ۳۰، ۸:۲۸، ۱۲:۴۹، ۱۴:۲۸، ۱۵:۱۰ و ۱۹ الی ۲۴، ۱۷:۸)

این احتمالا بدین منظور است که نشان داده شود عیسی کاملا الهی است، ولی به لحاظ فردی جدا، متمایز و تصریح جاودانگی الهیات است.

در یک ویرایش تفسیری که توسط جان ریموند ایمی براون در *The Jerome Biblical Commentary* آمده، یک نکته جالب مطرح شده است:

"مفهوم فرمانبرداری در اینجا نباید با متعهد کردن کلام عیسی که فقط به ماهیت انسانی خودش اشاره دارد، حذف شود. همچنین یک نکته ظریف از مسیحیت یوحنا را هم به دست می‌دهد. عیسی بر هماهنگی مطلق فعالیت میان پدر و پسر اصرار دارد، البته، نیازمند هویت ماهیتی است، همین فرایند در انجیل یوحنا ۱۶: ۱۲ استفاده شده است تا روح القدس به پسر مرتبط شود. ولی در سراسر این انجیل ما هرگز نمی‌بینیم که با تثلیث به عنوان تری مطلق الهیات برخورد شود. همیشه از دید مرتبط با دکترین رستگاری با آن برخورد می‌شود." (صفحه ۴۳۴)

■ **"مگر کارهایی که می‌بیند پدرش انجام می‌دهد"** نوع بشر هرگز پدر را ندیده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۷ و ۱: ۱۸)، ولی پسر ادعای رابطه صمیمی، فردی و شناخت از او دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۳).

■ **"زیرا هر چه پدر می‌کند، پسر نیز می‌کند"** در اعمال و آموزشهای عیسی، انسانها به وضوح خدای نامرئی را می‌بینند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۳).

۵: ۲۰ **"پدر، پسر را دوست می‌دارد و هر آنچه می‌کند به او می‌نمایاند"** اینها هر دو زمان حال فعال دلالتی هستند که از اعمال در حال اجرا سخن می‌گویند. این اصطلاح یونانی برای "عشق/دوست داشتن" (*phileō*) است. همانند انجیل یوحنا ۳: ۳۵ انتظار *agapeō* را داشتیم. این دو کلمه برای "عشق/دوست داشتن" همپوشانی وسیعی در زبان یونانی کویین دارند (به کتاب *Exegetical Fallacies* اثر دی ا کارسون، چاپ دوم صفحات ۳۲ و ۳۳ و همچنین کتاب *Answers to Questions* اثر اف اف بروس صفحه ۷۳ مراجعه شود).

■ **"کارهای بزرگتر"** در متن این اشاره به درخواستن از میان مردگان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۱ و ۲۵ الی ۲۶) و نیز انجام داوری (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۲ و ۲۷) اشاره دارد.

■ **"تا به شگفت آید"** این عبارت هدفمند به وضوح نشان می‌دهد که هدف معجزات این است که یهودیان (حالت جمع) تنها به پسر ایمان بیاورند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۳، اعمال رسولان ۱۳: ۴۱، (حقوق ۱: ۵).

۵: ۲۱ **"زیرا همان گونه که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و به آنها حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد، حیات می‌بخشد"** در عهد عتیق بیهوشی تنها کسی است که می‌تواند زندگی بدهد (مراجعه شود به سفر تثنیه ۳۲: ۳۹). این واقعیت که عیسی می‌تواند از مردگان برخیزاند، معادل برابری او با بیهوشی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۶).

عیسی اینک زندگی جاویدان می‌دهد (رجوع شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۷، کولسیان ۱: ۱۳) که با آشکار ساختن زندگی در عصر جدید در انجیل یوحنا ۵: ۲۶ (مراجعه شود به اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸) مرتبط است. به نظر می‌رسد که برخوردهای طولانی یوحنا با عیسی به صورت انفرادی بوده، در حالیکه هنوز خرداهای آینده را گردآوری می‌کرد (هم داوری و هم رستگاری).

■ **"پسر نیز به هر که بخواهد، حیات می‌بخشد"** به هر کسی که پسر انتخاب کند زندگی بدهد؟ در متن این یک مدرک کتبی برای کالوینیسم نیست، ولی تصریحی است که عیسی زندگی می‌بخشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶). تنش از انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵ شروع می‌شود. آیا روح القدس "همه" را انتخاب می‌کند یا فقط "برخی" را؟ فکر می‌کنم بدیهی باشد که انسان حقیر نمی‌تواند قلمرو معنویت و الهیت را بنیاد نهد، ولی از نظر انجیلی من کاملاً متعهد به این واقعیت هستم که آنها باید به پیام روح القدس با توبه، ایمان، اطاعت و استقامت پاسخ دهند (و به پاسخ دادنشان ادامه دهند)! معمای واقعی اینجاست که چرا برخی که پیام را می‌شنوند، به آن پاسخ "نه" می‌دهند! من آن را "معمای بی‌ایمانی" می‌نامم. در واقعیت این، هم یک "گناه نابخشودنی" و هم "گناه تا لحظه مرگ" اول یوحنا است.

## موضوع خاص: تفسیر فرایندهای ترجمه گناه نابخشودنی

### (SPECIAL TOPIC: THE UNPARDONABLE SIN)

۱. به خاطر داشته باشید که انجیل منعکس کننده موقعیت یهودی هستند

a. دو نوع گناه (موضوع خاص: گناه غیر عمد [عهد عتیق])، مراجعه شود به لاویان ۴: ۲ و ۲۲ و ۲۷، ۵: ۱۵ و ۱۷ الی ۱۹، اعداد ۱۵: ۲۷

الی ۳۱، تثنیه ۱: ۴۳، ۱۷: ۱۲ الی ۱۳)

i. غیر عمد

ii. عمد

- b. دوره قبل از پنتیکاست یهودی (یعنی تحقق انجیل [یعنی مرگ، رستاخیز، معراج] و موهبت روح القدس هنوز صورت نگرفته است)
۲. به مفهوم واقعی انجیل مرقس ۳: ۲۲ الی ۳۰ توجه کنید
- a. بی‌ایمانی خانواده خود عیسی (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۳۱ الی ۳۲)
- b. بی‌ایمانی فریسیان (مراجعه شود به انجیل مرقس ۲: ۲۴، ۳: ۱ و ۶ و ۲۲)
۳. همسوهای انجیل را مقایسه کنید، جاهایی که "پسر انسان" تبدیل به "پسران انسانها" می‌شود
- a. انجیل متی ۱۲: ۲۲ الی ۳۷ (یعنی ۱۲: ۳۲، "کلامی علیه پسر انسان")
- b. انجیل لوقا ۱۱: ۱۴ الی ۲۶، ۱۲: ۸ الی ۱۲ (یعنی "کلامی علیه پسر انسان")
- c. انجیل مرقس ۳: ۲۸ (یعنی "تمام گناهان پسران انسانها آرمزیده می‌شود")

گناه نابخشودنی انکار مداوم عیسی در حضور نور عظیم است. فریسیان به وضوح درک کردند ولی حاضر نشدند ایمان آورند. در این مفهوم، به "در گناه تا زمان مرگ" در اول یوحنا مرتبط است (مراجعه شود به موضوع خاص: در گناه تا مرگ).

۲۲: ۵ منفی مضاعف قوی و زمان کامل تاکید بر این حقیقت دارند که داوری بر عهده فرزند واگذار شده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۷، ۹: ۳۹، اعمال رسولان ۱۰: ۴۲، ۱۷: ۳۱، دوم تیموتائوس ۴: ۱، اول پطرس ۴: ۵). پارادوکس بدیهی میان این آیه و انجیل یوحنا ۱۳: ۱۷ با این واقعیت توضیح داده می‌شود که عیسی در طول این "آخرین روزها" در مورد هیچ کس داوری نکرد، ولی انسان‌ها خودشان را با واکنش نسبت به عیسی مسیح مورد داوری قرار دادند. داوری اسکاتولوژیک عیسی (نسبت به کسانی که ایمان نداشتند) بر اساس پذیرش یا انکار او بود!

دادن زندگی جاویدان در مقابل داوری موضوع انجیل یوحنا ۳: ۱۷ الی ۲۱ و ۳۶ است. عشق خدا به مسیح، وقتی که طرد شد، تبدیل به خشم خدا شد! تنها دو گزینه وجود دارد! تنها یک راه برای دریافت زندگی جاویدان از طریق مسیح وجود دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱ الی ۱۸، ۱۴: ۶، اول یوحنا ۵: ۹ الی ۱۲)!

۲۳: ۵ "تا همه پسر را حرمت گذارند" این اصطلاح شامل کننده "همه"، می‌تواند به صحنه داوری اسکاتولوژیک اشاره داشته باشد (رجوع شود به فیلیپیان ۹: ۱ الی ۱۱).

■ "زیرا کسی که پسر را حرمت نمی‌گذارد، به پدری که او را فرستاده است نیز حرمت ننهاده است" این اظهار خیلی شبیه اول یوحنا ۵: ۱۱ و ۱۲ است. هیچ کس نمی‌تواند خدا را بشناسد بدون اینکه پسر را بشناسد، و بالعکس، هیچ کس نمی‌تواند به پدر احترام بگذارد و او را عبادت کند وقتی که به پسر احترام نگذارد و او را دعا نکند!

NASB: یوحنا ۵: ۲۴ الی ۲۹

آمین، آمین، به شما می‌گویم، هر که کلام مرا به گوش گیرد و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاویدان دارد و به داوری نمی‌آید، بلکه از مرگ به حیات منتقل شده است. آمین، آمین، به شما می‌گویم، زمانی فرا می‌رسد، بلکه هم‌اکنون است، که مردگان صدای پسر خدا را می‌شنوند و کسانی که به گوش گیرند، زنده خواهند شد. زیرا همان‌گونه که پدر در خود حیات دارد، به پسر نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد، و به او این اقتدار را بخشیده که داوری نیز بکند، زیرا پسر انسان است. از این سخنان در شگفت مباحثید، زیرا زمانی فرا می‌رسد که همه آنان که در قبرند، صدای او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد. آنان که نیکی کرده باشند، برای قیامتی که به حیات می‌انجامد، و آنان که بدی کرده باشند، برای قیامتی که مکافات در پی دارد.

■ "واقعا، واقعا" دوبار گویی منحصر به فرد یوحنا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۵) از کلمات عیسی مشخصه خاص او در مورد بیانات مهم است.

■ "هر که کلام مرا به گوش گیرد و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاویدان دارد" اینها سه زمان حال فعال هستند. این تاکید بر ایمان به پدر است که با ایمان به پسر تجربه می‌شود (رجوع شود به اول یوحنا ۵: ۹ الی ۱۲). در سینوپتیکس، زندگی جاویدان اغلب یک رخداد مربوط به زمان آینده است که با ایمان به آن امید می‌رود، ولی در انجیل یوحنا به طور مشخص یک واقعیت زمان حال است (انجیل یوحنا ۸: ۵۱ و ۱۱: ۲۵). این احتمال هست که اصطلاح "گوش گیرد" منعکس کننده اصطلاح عبری *shema* باشد که به معنی "شنیدن به منظور اطاعت کردن" باشد (سفر تثنیه ۶: ۴).

■ "آن که مرا فرستاد" فعل *apostellō* (فعل آتوریست فعال) ریشه کلمه *apostle* است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۶). این اصطلاح توسط روحانیون به عنوان "کسی که به عنوان نماینده رسمی به ماموریتی اعزام شود" استفاده می‌شده است. این اصطلاح اغلب در انجیل یوحنا برای پدر که پسر را به عنوان نماینده خود اعزام کرده، به کار رفته است. به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۴: ۳۴ مراجعه کنید.

■ "از مرگ به حیات منتقل شده است" این فعل زمان کامل فعال دلالتی است، که در گذشته اتفاق افتاده و هنوز در جریان است. پادشاهی خدا حال است، با این حال، آینده هم هست، زندگی جاویدان (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۵ و ۲۶، اول یوحنا ۳: ۱۴). انجیل یوحنا ۵: ۲۵ تصریحی قوی است از وجود پادشاهی در حال حاضر!

### موضوع خاص: ساعت

#### SPECIAL TOPIC: TIME

ساعت به شیوه‌های مختلفی در انجیل استفاده شده است

۱. اشاره به زمان (مراجعه شود به انجیل متی ۸: ۱۳، ۲۶: ۴۰، انجیل لوقا ۷: ۲۱، انجیل یوحنا ۱۱: ۹)
۲. استعاره برای زمان آزمون و محاکمه (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۹، انجیل مرقس ۱۳: ۱۱، انجیل لوقا ۱۲: ۱۲).
۳. استعاره برای شروع بشارت عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۴ و ۴: ۲۳).
۴. استعاره برای روز داوری (آمدن دوم، انجیل متی ۲۴: ۳۶ و ۴۴، ۲۵: ۱۳، انجیل مرقس ۱۳: ۳۲، انجیل یوحنا ۵: ۲۵ و ۲۸).
۵. استعاره برای صبر عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۵، انجیل مرقس ۱۴: ۳۵ و ۴۱، انجیل یوحنا ۷: ۳۰، ۸: ۲۰، ۱۲: ۲۳ و ۲۷، ۱۳: ۱۶، ۱: ۱۷)

۵: ۲۵ "زمانی فرا می‌رسد، بلکه هم‌اکنون است" این بیانی است که مشخصه نوشته‌های یوحنا است. کلمات و عبارات دارای دو مفهوم هستند. در این حالت، "زمان" یعنی

۱. زمان رستگاری
۲. زمان داوری

چهارچوب زمانی هم زمان حال و هم زمان آینده است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۹، ۶: ۳۹ و ۴۴ و ۵۴). هر کاری که امروز فرد با عیسی انجام دهد تعیین کننده آن است که در آینده چه اتفاقی برای او رخ خواهد داد. رستگاری و داوری هر دو واقعیت حال حاضر هستند و یک نتیجه گیری برای آینده (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۸).

موضوع خاص: ساعت را مطالعه کنید.

■ "که مردگان صدای پسر خدا را می‌شنوند" انجیل یوحنا ۵: ۲۵ از کسانی حرف می‌زند که روحشان مرده است. انجیل یوحنا ۵: ۲۵ درباره قیام از مردگان تمامی کسانی حرف می‌زند که به طور فیزیکی مرده اند. انجیل از سه نوع مرگ صحبت می‌کند

۱. مرگ روح (مراجعه شود به سفر پیدایش ۳)
۲. مرگ فیزیکی (مراجعه شود به سفر پیدایش ۵)
۳. مرگ ابدی (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲، مکاشفه ۲: ۱۱، ۲۰: ۶ و ۱۴) یا دریاچه آتش، جهنم (Gehenna)

این یکی از کاربردهای نادر "پسر خدا" است. یکی از دلایلی که این عبارت زیاد استفاده نشده است این است که دیدگاه مذهبی یونانی از خدا (کوه المپوس) زنان را به عنوان همسر یا همنشین می‌برد. موقعیت عیسی به عنوان پسر خدا منعکس کننده جنسیت نسل یا دوره زمانی نیست، بلکه رابطه صمیمانه است. این یک استعاره خانوادگی در میان یهودیان است. عیسی الهی بودن خود را به این سران یهودی به یک شیوه کاملاً شفاف و مشخص با استفاده از طبقه بندی‌های عهد عتیق بیان می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۱ و ۲۶).

۵: ۲۶ "زیرا همان‌گونه که پدر در خود حیات دارد" اساساً این همان مفهوم کلمه بیهوه از سفر خروج ۳: ۱۴ است. این حالت اسم برای خدا از فعل "آمدن" در زبان عبری می‌آید. معنی آن "همیشه زندگی کننده" یا "تنها زندگی کننده" است.

در عهد عتیق فقط بیهوه زندگی داشت (رجوع شود به اول تیموتائوس ۱: ۱۷، ۶: ۱۶) و فقط او می‌تواند آن را به دیگران بدهد (یعنی ایوب ۱۰: ۱۲ و ۳۳: ۴، مزور ۳۶: ۹). عیسی ادعا می‌کند که بیهوه همین قدرت منحصر به فرد را به او داده است!

■ "به پسر نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد" این یک تصریح قوی از الهی بودن عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴، اول یوحنا ۵: ۱۱).

۵: ۲۷ علت این که عیسی می‌تواند (*exousia*)، دارای قدرت و اختیار است، رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۸، ۱۷: ۲، ۱۹: ۱۱) اینک داوری کند این است که او کاملاً خدا است ولی البته کاملاً انسان هم هست. این نکته به سوال سران یهود از انجیل یوحنا ۲: ۱۸ پاسخ می‌دهد. این سوال اصلی بود. هیچ فاعل مشخصی در عبارت "پسر انسان" وجود ندارد (رجوع شود به حزقیال ۲: ۱ و مزبور ۸: ۴). او کاملاً ما را می‌شناسد (رجوع شود به عبرانیان ۴: ۱۵)، او کاملاً خدا را می‌شناسد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸ و ۵: ۳۰).

جالب است که در متنی، در جائیکه عیسی خود را "پسر" می‌نامد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۹ {دو مرتبه}، ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ {دو مرتبه}، ۲۵ و ۲۶) که انجیل یوحنا ۵: ۲۷ عنوان "پسر انسان" (ولی بدون فاعل مشخص) استفاده شده است. با این حال، مشابه همین جایجایی در (۱) انجیل یوحنا ۳: ۱۳ و ۱۴ در مقابل انجیل یوحنا ۳: ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۳۵ و ۳۶، (۲) انجیل یوحنا ۶: ۲۷ و ۵۳ در مقابل انجیل یوحنا ۶: ۴۰ و (۳) انجیل یوحنا ۸: ۲۸ در مقابل انجیل یوحنا ۸: ۳۵ و ۳۶ به کار رفته است. عیسی هر دو عنوان را به صورت تعویضی برای خود به کار برده است.

■ "پسر انسان" به موضوع خاص: فرزند انسان (دانیال ۱۳: ۷) مراجعه شود

۵: ۲۸ "از این سخنان در شگفت مباحثید" این یک زمان امری حال فعال با لفظ منفی است، که معمولاً معنی آن متوقف کردن عملی است که از قبل شروع شده است. همان قدر که اظهارات قبلی عیسی خطاب به سران قوم یهود حیرت‌انگیز بودند، اظهارات بعدی او نیز آنها را به حیرت می‌اندازد.

■ "زمان" به موضوع خاص: ساعت مراجعه شود

■ "همه آنان که در قبرند، صدای او را خواهند شنید" به نظر می‌رسد که این منعکس کننده فریاد عیسی در بازگشت دومش باشد (رجوع شود به اول تسالونیکیان ۴: ۱۶). لازاروس (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۳) الگوی این رخداد است. این منفی کننده واقعیت دوم قرن‌تیان ۵: ۶ و ۸ نیست.

بیشتر این متن در ارتباط با واقعیت زندگی روحانی در اینجا و در حال حاضر است (اسکاتولوژی که تشخیص داده شده است). ولی این عبارت همچنین یک رخداد پایان زمان در آینده را تصریح می‌کند. این تنش میان پادشاهی از قبل و هنوز نیامده خدا، آموزشهای عیسی در سینوپتیکیس را، به خصوص در انجیل یوحنا، مشخص می‌سازد.

۵: ۲۹ انجیل از قیام از مردگان فقط در مورد افراد ضعیف و صالح سخن می‌گوید (رجوع شود به دانیال ۱۲: ۲، انجیل متی ۲۵: ۴۶، اعمال رسولان ۲۴: ۱۵). اکثر نقل قولها بر رستاخیز فقط افراد صالح تاکید می‌کنند (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۳ الی ۲۹، اشعیا ۲۶: ۱۹، یونس ۶: ۳۹ الی ۴۰ و ۴۴ و ۵۴، ۱۱: ۲۴ الی ۲۵، اول قرن‌تیان ۱۵: ۵۰ الی ۵۸).

این اشاره به داوری بر اساس اعمال ندارد، بلکه به داوری بر اساس شیوه زندگی ایمان آوردگان دارد (رجوع شود به انجیل متی ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، غلاطیان ۵: ۱۶، الی ۲۱). نظم خاصی در کلام و دنیای خدا وجود دارد، انسانها هر آنچه که بکارند، درو خواهند کرد (رجوع شود به امثال ۱۱: ۲۴ و ۲۵، غلاطیان ۶: ۱۶). یا به بیان عهد عتیق "خدا به انسانها بر اساس اعمالشان پاداش می‌دهد" (رجوع شود به مزبور ۶۲: ۱۲، ۲۸: ۴، یعقوب ۳۴: ۱۱، امثال ۲۴: ۱۲، انجیل متی ۱۶: ۲۷، رومیان ۲: ۶ الی ۸، اول قرن‌تیان ۵: ۱۰، افسسیان ۶: ۸، کولسیان ۳: ۲۵).

#### NASB: یوحنا ۵: ۳۱ الی ۴۷

"اگر من خود بر خویشتن شهادت دهم، شهادتم معتبر نیست. اما دیگری هست که بر من شهادت می‌دهد و می‌دانم شهادتش درباره من معتبر است. البته شما کسانی نزد یحیی فرستادید و او بر حقیقت شهادت داد. نه اینکه من شهادت انسان را بپذیرم، بلکه این سخنان را می‌گویم تا نجات یابید. او چراغی بود سوزان و فروزان، و شما خواستید دمی در نورش خوش باشید. اما من شهادتی استوارتر از شهادت یحیی دارم، زیرا کارهایی که پدر به من سپرده تا به کمال رسانم، یعنی همین کارها که می‌کنم، خود بر من شهادت می‌دهند که مرا پدر فرستاده است. و همان پدری که مرا فرستاد، خود بر من شهادت می‌دهد. شما هرگز صدای او را نشنیده و روی او را ندیده‌اید و کلام او در شما ساکن نیست، زیرا به فرستاده او ایمان ندارید. شما کتب مقدس را می‌کاوید، زیرا می‌پندارید به واسطه آن حیات جاویدان دارید، حال آنکه همین کتابها بر من شهادت می‌دهند. اما نمی‌خواهید نزد من آبیید تا حیات یابید.

"جلال از انسانها نمی‌پذیرم، اما شما را خوب می‌شناسم که محبت خدا را در دل ندارید. من به نام پدر خود آمدم، ولی شما مرا نمی‌پذیرید. اما اگر دیگری به نام خود آید، او را خواهید پذیرفت. چگونه می‌توانید ایمان آورید در حالی که جلال از یکدیگر می‌پذیرید، اما در پی جلالی که از خدای یکتا باشد، نیستید؟ میندارید منم که در حضور پدر شما را متهم خواهم کرد؛ متهم کننده شما موسی است، همان که به او امید بسته‌اید. زیرا اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است. اما اگر نوشته‌های او را باور ندارید، چگونه

۳۱:۵ در عهد عتیق به دو شاهد نیاز بود تا اینکه موضوعی تأیید شود (رجوع شود به سفر اعداد ۳۵:۳۰، تثنیه ۱۹:۱۵). در این متن عیسی پنج شاهد برای خودش ارائه می‌دهد.

۱. پدر (انجیل یوحنا ۵: ۳۲ و ۳۷)
۲. یحیی تعمید دهنده (انجیل یوحنا ۵: ۳۳، رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۹ الی ۵۱)
۳. کارهای خود عیسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۶)
۴. کتاب مقدس (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۹)
۵. موسی (رجوع شود به انجیل یوحنا ۵: ۴۶) که منعکس کننده تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۲ است

موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا)

۳۳:۵ "شما کسانی نزد یحیی فرستادید" این اشاره به یحیی تعمید دهنده دارد (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۹).

۳۴:۵ "این سخنان را می‌گویم تا نجات یابید" این یک وجه شرطی آنوریست مجهول است. حالت مجهول دلالت بر نمایندگی خدا یا روح القدس دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). به یاد داشته باشید که انجیل‌ها اعلامیه‌های ترویج بشارت هستند (همانند تراکت)، نه بیوگرافی تاریخی. تمامی مطالبی که ثبت شده‌اند، هدفی وجود دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۳۰ و ۳۱).

۳۵:۵ "او چراغی بود" این تأکید دیگری بر نور است، در اینجا پیش مقدمه یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۶ الی ۸).

۳۶:۵ "همین کارها که می‌کنم، خود بر من شهادت می‌دهند" اعمال عیسی تحقق بخش این پیشگویی عهد عتیق در باره مسیح بود. یهودیان روزگار او، معجزات بیشماری را تشخیص دادند - شفای نابینا، خوارک به فقرا، شفای مرد علیل (رجوع شود به اشعیا ۲۹: ۱۸، ۳۲: ۳ الی ۴، ۳۵: ۵ و ۶، ۴۲: ۷). قدرت آموزشهای عیسی، شیوه زندگی صالحانه، استقامت و معجزات شگفت‌آور او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳، ۱۰، ۲۵، ۱۴، ۱۱، ۱۵: ۲۴) شهادت واضحی را مبنی بر اینکه او کیست و چه کسی او را فرستاد، با خود دارد.

■ "پدر مرا فرستاده است" مراجعه شود به موضوع خاص: پدر بودن خدا و موضوع خاص: فرستادن (apostellō)

## موضوع خاص: فرستادن (apostellō)

### SPECIAL TOPIC: SEND (apostellō)

این یک اصطلاح متداول یونانی برای فرستادن است (یعنی *apostellō*) که کاربردهای متفاوتی در الهیات دارد:

۱. در یونانی کلاسیک و در میان روحانیون به مفهوم فراخواندن و فرستادن یک نماینده رسمی از طرف شخص دیگری است، همانند سفیر در زبان انگلیسی (*ambassador*) (مراجعه شود به دوم قرن‌تیم ۲۰:۵)
۲. اناجیل معمولاً از این فعل در مورد عیسی استفاده می‌کنند که از جانب پدر فرستاده شده است. در انجیل یوحنا این اصطلاح مفهوم مسیح گونه دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۴۰: ۱۰، ۲۴: ۱۵، انجیل مرقس ۳۷: ۹، انجیل لوقا ۴۸: ۹ و به خصوص انجیل یوحنا ۳۶: ۵ و ۳۸، ۲۹: ۶ و ۵۷، ۲۹: ۷، ۴۲: ۸، ۳۶: ۱۰، ۴۲: ۱۱، ۳: ۱۷ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۱: ۲۰ - هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۱ استفاده شده‌اند). در مورد عیسی که مومنین را می‌فرستد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۷، ۲۱: ۲۰ - هم اصطلاح *apostle* و هم مترادف آن *pempō* در آیه ۲۱: ۲۰ استفاده شده‌اند) استفاده شده است.
۳. در عهد جدید حالت اسم *apostle* برای شاگردان به کار رفته است
  - a. دوازده شاگرد حلقه داخلی شاگردان (انجیل مرقس ۳۰: ۶، انجیل لوقا ۱۳: ۶، اعمال رسولان ۲: ۱ و ۲۶)
  - b. گروه خاص شاگردان کمک‌کننده و همکارانشان
    - i. بارناباس (اعمال رسولان ۴: ۱۴ و ۱۴)
    - ii. اندرونیکوس و جانیکوس (KJV, Junia, مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۷)
    - iii. آپولس (اول قرن‌تیم ۶: ۴ الی ۹)
    - iv. یعقوب برادر خداوند (مراجعه شود به غلاطیان ۱: ۱۹)

v. سیلوانوس و تیموتی (اول تسالونیکیان ۲:۶)

vi. احتمالا تیتوس (دوم قرنتیان ۸:۲۳)

vii. احتمالا اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲:۲۵)

c. هدیه‌ای به کلیسا (اول قرنتیان ۱۲:۲۸ الی ۲۹، افسسیان ۴:۱۱)

۴. پولس از این عنوان برای خودش برای تصریح اقتدارش به عنوان نماینده مسیح در اکثر مکاتباتش استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۱:۱، اول قرنتیان ۱:۱، دوم قرنتیان ۱:۱، غلاطیان ۱:۱، افسسیان ۱:۱، کولسیان ۱:۱، اول تیموتائوس ۱:۱، دوم تیموتائوس ۱:۱، تیتوس ۱:۱)

۵. مسئله‌ای که ما به عنوان مومنین مدرن با آن مواجه هستیم این است که عهد جدید هرگز مشخص نکرده است که این هدیه‌ای که از آن صحبت می‌کند چیست یا شامل چیست و چگونه مومن می‌تواند آن را شناسایی کند. بدیهی است فرد باید میان دوازده شاگرد اصلی (۳الف) و کاربرد بعدی (۳ب) بتواند تمایز قائل شود. اگر فرستادگان مدرن تحت الهام نباشند که کتب جدیدی بنویسند (مراجعه شود به یهودا آیه ۳) پس آنها چه کاری می‌کنند که متفاوت با پیامبران عهد جدید و یا مبشرین است (مراجعه شود به افسسیان ۴:۱۱)؟ اینها احتمالات من هستند

a. آغازگران کلیسای بشارتی در مناطقی که بشارت انجام نشده

b. رهبران شبانها در مناطق خاص

من شماره ۱ را ترجیح می‌دهم

■ "خود بر من شهادت می‌دهد" در اینجا "خود" اشاره به پدر دارد. در متن، به نظر می‌رسد این عبارت اشاره به کتاب مقدس عهد عتیق دارد (مراجعه شود به عبرانیان ۱:۱ الی ۳). این شامل تمامی اشارات به مسیح در عهد عتیق می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵:۳۹).

■ "شما هرگز صدای او را نشنیده و روی او را ندیده‌اید" عیسی تصریح می‌کند که هر چند یهودیان باید از طریق کتاب مقدس خدا را بشناسند و تجربیاتی در عبادت داشته باشند، اما آنها واقعا به هیچ وجه او را نمی‌شناسند (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۸:۴۳، اشعیا ۱:۱ الی ۱۵:۶، ۹ و ۱۰، ۲۹:۱۳، ارمیا ۵:۲۱).

در عهد عتیق فکر می‌کردند که دیدن خدا باعث مرگ می‌شود. تنها کسی که یهوه را رو در رو دید، موسی بود و حتی دفعه بعد، برخورد از طریق یک پرده ابری بود. بسیاری فکر می‌کردند که خروج ۳۳:۲۳ با انجیل یوحنا ۱:۱۸ در تضاد است. معهذ، کلمات عبری در خروج به معنی "بعد از شکوه" هستند نه در قالب فیزیکی.

۵:۳۸ "کلام او در شما ساکن نیست" اینها دو استعاره بسیار قوی در نوشته‌های یوحنا می‌باشند. کلام خدا (*logos*) باید دریافت شود، پس از اینکه دریافت شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱۲) باید باقی بماند (پایدار ماندن، رجوع شود به انجیل یوحنا ۸:۳۱، ۱۵:۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۰، اول یوحنا ۲:۶ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۷ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۸، ۳:۶ و ۱۴ و ۱۵ و ۲۴). عیسی مکاشفه کامل خدا است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱:۱ الی ۱۸، فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱، کولسیان ۱:۱۵ الی ۱۷، عبرانیان ۱:۱ الی ۳). رستگاری با تداوم رابطه تأیید می‌شود (مفهوم عبری "شناختن" رجوع شود به پیدایش ۴:۱ و ارمیا ۱:۵) و تأیید درست بودن حقیقت (معنی یونانی "شناختن" مراجعه شود به دوم یوحنا ۹).

اصطلاح "ساکن بودن" در مفهوم رابطه صمیمی و فردی همراه با استقامت است. ساکن بودن حالتی از رستگاری حقیقی است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۱۵). از آن با مفاهیم مختلف در انجیل یوحنا استفاده شده است:

۱. پسر در پدر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰:۳۸، ۱۴:۱۰ و ۱۱ و ۲۰ و ۲۱، ۱۷:۲۱)
۲. پدر در پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰:۳۸، ۱۴:۱۰ و ۱۱ و ۲۱، ۱۷:۲۱ و ۲۳)
۳. کسانی که در پسر ایمان آوردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۲۰ و ۲۱، ۱۵:۵، ۱۷:۲۱)
۴. کسانی که در پسر و پدر ایمان آوردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴:۲۳)
۵. کسانی که در کلام ایمان آوردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵:۳۸، ۸:۳۱، ۱۵:۷، اول یوحنا ۲:۱۴)

موضوع خاص: پایداری در نوشته‌های یوحنا



۵: ۳۹ "شما کتب مقدس را می‌کاوید" این می‌تواند زمان حاضر فعال دلالت کننده یا حال فعال امری باشد. از آنجا که در فهرست شهادت‌هایی است که یهودیان رد کرده بودند، احتمالاً از نوع دلالت کننده‌ای باشد.

اینجا تراژدی رهبران یهود است: آنها کتاب مقدس را داشتند، آن را می‌خواندند، آن را مطالعه می‌کردند، آن را به خاطر می‌سپاردند، و با این حال کسی را که به او اشاره می‌کرد، نمی‌دیدند. بدون روح القدس، حتی کتاب مقدس بی‌اثر است! زندگی واقعی فقط از طریق رابطه فردی و ایمان مطیعانه به وجود می‌آید (سفر تثنیه ۴: ۱، ۸: ۱۳، ۳۰: ۱۵ الی ۲۰، ۳۲: ۴۶ الی ۴۷).

■ "حال آنکه همین کتابها بر من شهادت می‌دهند" این به کتاب مقدس عهد عتیق اشاره می‌کند که عیسی آن را تحقق می‌بخشد (انجیل یوحنا ۱: ۴۵، ۲: ۲۲، ۵: ۴۶، ۱۲: ۱۶ و ۱۹: ۲۸، ۲۰: ۹). بیشتر موعظه‌های اولیه پطرس (رجوع شود به اعمال رسولان ۳: ۱۸، ۱۰: ۴۳) و پولس (رجوع شود به اعمال رسولان ۱۳: ۲۷، ۱۷: ۲ الی ۳، ۲۶: ۲۲ الی ۲۳ و ۲۷) در اعمال رسولان، نبوت تحقق یافته را به عنوان مدرکی دال بر مسیح بودن عیسی قلمداد می‌کنند. همه نقل قول‌ها به غیر از یکی از آنها (اول پطرس ۳: ۱۵ الی ۱۶)، که اختیار کتاب مقدس را تأیید می‌کند در عهد جدید یافت می‌شود (رجوع شود به اول قرنتیان ۲: ۹ الی ۱۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۳، دوم تیموتائوس ۳: ۱۶، اول پطرس ۱: ۲۳ الی ۲۵، دوم پطرس ۱: ۲۰ الی ۲۱)، اشاره به عهد قدیم دارند. عیسی به وضوح خودش را به عنوان تحقق‌دهنده و هدف عهد عتیق (و مفسر مناسب آن، رجوع شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۴۸) می‌بیند.

موضوع خاص: کریگمای کلیسای اولیه

۵: ۴۱ الی ۴۴ به نظر می‌رسد این آیات منعکس کننده این واقعیت باشند که سران دینی قوم یهود از تمجیدهای هم‌تایان خود لذت می‌بردند. آنها با نقل قول از روحانیون قدیمی آنان را تمجید می‌کردند، ولی به واسطه کوری معنوی که داشتند، بزرگترین معلمین را که در میانشان بودند، نمی‌دیدند. این یکی از بزرگترین اتهامات عیسی نسبت به روحانیون یهودی قرن اول بود (همچنین به تمثیل مندرج در انجیل متی ۲۱: ۳۳ الی ۴۶، مرقس ۱۲: ۱ الی ۱۲، لوقا ۲۰: ۹ الی ۱۹ توجه کنید).

۴۱: ۵

"جلال از انسانها نمی‌پذیرم"	NRSV, NASB
"افتخار از انسانها نمی‌پذیرم"	NKJV
"من بدنبال قدردانی انسانها نیستم"	TEV
"جلال انسانها برای بی معنی است"	NJB
"من برای جلال به دنبال انسانها نیسنم"	REB

اصطلاح "شکوه/جلال"، *doxa*، را به سختی می‌توان ترجمه کرد. در زبان عبری منعکس کننده "جلال"، *kabodh*، است که به عنوان راهی برای بیان حضور تابناک و پر درخشش خدا استفاده می‌شد (رجوع شود به سفر خروج ۱۶: ۱۰، ۲۴: ۱۷، ۴۰: ۳۴، اعمال رسولان ۷: ۲) و از خدا به خاطر شخصیت و کارهایش ستایش و قدردانی می‌شد. یک آیه خوب که این مفاهیم را با هم ترکیب می‌کند دوم پطرس ۱: ۱۷ است.

این جنبه درخشان حضور خدا و شخصیتش با موارد زیر مرتبط است

۱. فرشتگان (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۹، دوم پطرس ۲: ۱۰)
۲. برتری عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴، ۸: ۵۴، ۱۲: ۲۸، ۱۳: ۳۱، ۱۷: ۱ الی ۵ و ۲۲ و ۲۴، اول قرنتیان ۲: ۸، فیلیپسان ۴: ۲۱)
۳. مشتق شده از ایمان آوردگان (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۸ و ۲۱، اول قرنتیان ۲: ۷، ۱۵: ۴۳، دوم قرنتیان ۴: ۱۷، کولسیان ۳: ۴، اول تسالونیکیان ۲: ۱۲، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۴، عبرانیان ۲: ۱۰، اول پطرس ۵: ۱ و ۴)

جالب است که به این نکته توجه شود که یوحنا مصلوب شدن عیسی را به عنوان جلال یافتن او معرفی می‌کند (رجوع شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۹، ۱۲: ۱۶ و ۲۳، ۱۳: ۳۱). با این وجود، می‌توان آن را به "احترام" و "شکرگزاری کردن" هم ترجمه کرد (رجوع شود به انجیل لوقا ۱۷: ۱۸، اعمال رسولان ۱۲: ۲۳، رومیان ۴: ۲۰، اول قرنتیان ۱۰: ۳۱، دوم قرنتیان ۴: ۱۵، فیلیپیان ۱: ۱۱، ۲: ۱۱، مکاشفه ۱۱: ۱۳، ۱۴: ۱۷، ۱۶: ۹، ۱۹: ۷). این شیوه‌ای است که در متن به کار رفته است.

۵: ۴۳ "شما مرا نمی‌پذیرید" در سراسر انجیل یوحنا، تمرکز ایمان آوردن به عیسی در قالب عقیده الهیاتی تجویز نشده است، بلکه برخورد شخصی با او توصیه می‌شود (انجیل یوحنا ۵: ۳۹ الی ۴۰). باور با تصمیم بر اعتماد کردن به او آغاز می‌شود. این یک رابطه فردی شاگردی در حال رشد را شروع می‌کند که با بلوغ فکری و زندگی مسیح گونه به حد اعلی می‌رسد.

■ "اگر دیگری به نام خود آید" این جمله شرطی نوع سوم است

■ "او را خواهید پذیرفت" این در مقایسه با شیوه متفاوت مدارس روحانی از تلموذ، یک بازی با روشهای مطالعه روحانیون است. مایکل مگیل در *New Testament TransLine* نقل قول جالبی دارد:

"سران یهود یک معلم انسان یا یک فرد روحانی را که ادعا نمی کند توسط خدا فرستاده شده است، می پذیرند. با معلم انسان، آنها در یک رابطه دوجانبه و نظر به نظیر هستند، و به طور متقابل یکدیگر را جلال می دهند. با یک پیامبری که از سوی خدا فرستاده شده، آنها باید در مقام مطیع، شنونده و فرمانبردار باشند. این همیشه ریشه دلیل بوده که چرا پیامبران خدا رد می شدند" (صفحه ۳۱۸).

۴۴: ۵ به یادداشت مندرج در بخش انجیل یوحنا ۱۷: ۳ مراجعه شود.

۴۵: ۵ الی ۴۷ عیسی تصریح می کند که نوشته های موسی او را آشکار می کنند. این احتمالا اشاره ای است به تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۲. در انجیل یوحنا ۵: ۴۵ به کتاب مقدس به عنوان مدعی شخصیت داده می شود. معنای آن این است که راهنما باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶: ۳۱). راهنما رد شده و به دشمن تبدیل می شود. (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۸ الی ۱۴، ۲۳ الی ۲۹).

۴۶ و ۴۷ "اگر...اگر" انجیل یوحنا ۵: ۴۶ یک جمله شرطی نوع دوم است که می گوید: "برخلاف واقعیت"، که تصریح می کند سران یهود واقعا حتی به نوشته های موسی ایمان داشتند و اینکه عیسی (موسی اسکاتولوژیک در آخرین روز داور آنها خواهد بود {پیامبر تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۱۹}). "اگر" یوحنا ۵: ۴۷ یک جمله شرطی نوع اول است که تصور می شود درست باشد (در انجیل بین المللی "از" ذکر شده است).

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفا تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا انجیل یوحنا ۵: ۴ در ترجمه های مدرن حذف شده است؟

۲. چرا عیسی این مرد خاص را شفا داد؟

۳. آیا ایمان در شفای این مرد نقشی داشت؟ آیا شفای فیزیکی دلالت بر شفای روحانی هم می شود؟

۴. آیا بیماری او ارتباطی با گناهان فردی وی داشتند؟

۵. چرا یهودیان می خواستند عیسی را به قتل برسانند؟

۶. کارهای خدا در عهد عتیق را که در مورد عیسی صدق می کنند، فهرست کنید

۷. آیا زندگی جاویدان یک واقعیت حال است یا امیدی در آینده؟

۸. داوری روز آخر بر اساس اعمال است یا ایمان؟ چرا؟

**یوحنا ۶**  
**تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن**

UBS <sup>4</sup>	NKJ	NRSV	TEV	NJB
خوراک دادن به پنج هزار نفر ۶: ۱ الی ۱۵	خوراک دادن به پنج هزار نفر ۶: ۱ الی ۱۴	خوراک دادن به پنج هزار نفر ۶: ۱ الی ۱۵	عیسی به پنج هزار نفر خوراک داد ۶: ۱ الی ۶ ۶: ۷ ۶: ۸ الی ۹ ۶: ۱۰ الی ۱۳ ۶: ۱۴ الی ۱۵	معجزه نکه‌های نان ۶: ۱ الی ۴ ۶: ۵ الی ۱۵
راه رفتن بر روی آب	عیسی بر روی دریا راه می‌رود	عیسی بر روی دریا راه می‌رود	عیسی بر روی آب راه می‌رود	عیسی با راه رفتن بر روی آب به سوی شاگردانش می‌آید ۶: ۱۶ الی ۲۱
عیسی نان زندگی ۶: ۲۲ الی ۳۳	نان از بهشت ۶: ۲۲ الی ۴۰	عیسی، نان زندگی ۶: ۲۲ الی ۲۴ ۶: ۲۵ الی ۴۰	مردم دنبال عیسی هستند ۶: ۲۲ الی ۲۴ عیسی نان زندگی ۶: ۲۵ ۶: ۲۶ الی ۲۷ ۶: ۲۸ ۶: ۲۹ ۶: ۳۰ الی ۳۱ ۶: ۳۲ الی ۳۳ ۶: ۳۴ ۶: ۳۵ الی ۴۰	مباحثه در کنیسه کفرناحوم ۶: ۲۲ الی ۲۷ ۶: ۲۸ الی ۴۰
۶: ۳۴ الی ۴۰	۶: ۴۱ الی ۵۹	۶: ۴۱ الی ۵۱	۶: ۴۱ الی ۴۲ ۶: ۴۳ الی ۵۱ ۶: ۵۲ ۶: ۵۳ الی ۵۸ ۶: ۵۹	۶: ۴۱ الی ۵۱ ۶: ۵۲ الی ۵۸ ۶: ۵۹ الی ۶۲
سخن از زندگی جاویدان ۶: ۶۰ الی ۶۵	شاگردان رو برگرداندند ۶: ۶۰ الی ۷۱	۶: ۶۰ الی ۶۵	سخن از زندگی جاویدان ۶: ۶۰ ۶: ۶۱ الی ۶۵	۶: ۶۳ ۶: ۶۴ الی ۶۶ اقرار به ایمان پطرس
۶: ۶۶ الی ۷۱		۶: ۶۶ الی ۷۱	۶: ۶۶ الی ۶۷ ۶: ۶۸ الی ۶۹ ۶: ۷۰ الی ۷۱	۶: ۶۷ الی ۷۱

چرخه سوم مطالعه (به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود)

## دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

## فراست و آگاهی نسبت به انجیل یوحنا ۶: ۱ الی ۱۷

۱. انجیل یوحنا مراسم شام خداوند (Lord) را ثبت نمی کند، با این حال، انجیل یوحنا ۱۳ الی ۱۷ مکالمه و دعای طبقه بالا را ثبت می کند. این حذف کردن می تواند تعمدی باشد. کلیسای قرن دوم شروع به مشاهده آئینهایی از لحاظ مذهبی کرد. آنها، این آئینها را به عنوان راههایی برای مورد لطف قرار گرفتن، دیدند. ممکن است یوحنا با عدم ثبت تعمید عیسی یا شام خداوند به این دیدگاه مذهبی واکنش داده است.
  ۲. انجیل یوحنا ۶ درباره خوراک دادن به پنج هزار نفر است. اما بسیاری از آن برای آموزش دیدگاه مذهبی مراسم عشا ربانی استفاده می کنند. این منشا دکتربین کلیسای کاتولیک رم در مورد استحاله است (انجیل یوحنا ۶: ۵۳ الی ۵۶).
- این سوال که چگونه انجیل یوحنا ۶ می تواند با عشا ربانی در ارتباط باشد، ماهیت دوگانه انجیل را نشان می دهد. بدیهی است انجیلها با حرفها و زندگی عیسی در ارتباط هستند، با این حال، آنها دههها بعد نوشته شدند و دیدگاه فردی نگارنده نسبت به ایمان را بیان می دارند. بنابراین نیت نویسندگان در سه سطح رده بندی می شوند

a. روح القدس

b. عیسی و نخستین شنوندگانش

c. نویسندگان انجیل و خوانندگان آنها

چگونه باید آن را تفسیر کرد؟ تنها شیوه قابل تأیید باید محتوای متنی، دستور زبان، واژه شناسی و آگاهی نسبت به رخدادهای تاریخی باشد، ولی برعکس آن نه.

۳. باید به خاطر داشته باشیم که شنوندگان یهودی بوده و زمینه فرهنگی این بود که روحانیون انتظار داشتند که مسیح یک جور موسی باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۰ الی ۳۱)، به خصوص در رابطه با تجربیات سفر خروج مانند "مانا". روحانیون از مزمور ۷۲: ۱۶ به عنوان سند استفاده می کردند. اظهارات غیر معمول عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۶۰ الی ۶۲ و ۶۶) با توقعات اشتباه از مسیح در تضاد و مناقشه بود (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۴ و ۱۵).

۴. پدران کلیسای اولیه در مورد اینکه این عبارت در مورد عشا ربانی مسیح باشد توافق نظر نداشتند. کلمنت از اسکندریه، اوریگن، و ایوسیبوس هرگز در بحثهای خود از عشا ربانی خداوند سخن نگفتند.

۵. استعاره های این عبارت بسیار شبیه به کلمات عیسی است که برای صحبت با آن زن در کنار چاه در انجیل یوحنا ۴ به کار برده بود. از آب زمینی و نان به عنوان استعاره برای زندگی جاویدان و واقعتهای معنوی و روحانی استفاده شده بودند.

۶. این چند برابر کردن نان تنها معجزه ثبت شده در چهار انجیل است (اناجیل متی ۱۴: ۱۳ الی ۲۱، مرقس ۶: ۳۲ الی ۴۴، لوقا ۹: ۱۰ الی ۱۷)!

۷. مایکل مگیل در کتاب *New Testament TransLine* صفحه ۳۲۵ مشاهده بسیار جالبی را در رابطه با گروه های مختلف در کفرناحوم و رابطه آنها با کلمات حیرت انگیز عیسی مطرح می کند.

a. جمعیت، انجیل یوحنا ۶: ۲۴

b. یهودیان، انجیل یوحنا ۶: ۴۱ و ۵۲

c. شاگردان، انجیل یوحنا ۶: ۶۰ و ۶۶

d. دوازده، انجیل یوحنا ۶: ۶۷

عیسی به طور جدی:

i. آن جمعیت را که، به دلیل آنکه به آنها خوراک داده بود، می خواستند او را پادشاه کنند، متوقف کرد (انجیل یوحنا ۶: ۱۵)

ii. سران یهود را با ادعاهای ریشه ای و فردی خویش به چالش کشید

iii. باعث شد بسیاری از پیروان بروند

iv. مطالبی را برای دوازده شاگردش در ارتباط با تداوم و عمیقتر کردن ایمان توضیح داد و آنها را شفاف کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۶۸ الی ۶۹).

### مطالعه کلمات و عبارات

NASB: یوحنا ۶: ۱ الی ۱۴

۱ چندی بعد، عیسی به آن سوی دریاچه جلیل که همان دریاچه تپیره است، رفت. ۲ گروهی بسیار از پی او روانه شدند، زیرا آیاتی را که با شفای بیماران به ظهور می‌رسانید، دیده بودند. ۳ پس عیسی به تپه‌ای برآمد و با شاگردان خود در آنجا بنشست. ۴ عید پسخ یهود نزدیک بود. ۵ چون عیسی نگرست و دید که گروهی بسیار به سویش می‌آیند، فیلیپس را گفت: «از کجا نان بخریم تا اینها بخورند؟» ۶ این را گفت تا او را بیازماید، زیرا خود نیک می‌دانست چه خواهد کرد. ۷ فیلیپس پاسخ داد: «دویست دینار نان نیز کفافشان نمی‌کند، حتی اگر هر یک فقط اندکی بخورند.» ۸ یکی دیگر از شاگردان به نام آندریاس، که برادر شمعون پطرس بود، گفت: ۹ «پس کی اینجاست که پنج نان جو و دو ماهی دارد، اما این کجا این گروه را کفایت می‌کند؟» ۱۰ عیسی گفت: «مردم را بنشانید.» در آنجا سبزه بسیار بود. پس ایشان که نزدیک پنج هزار مرد بودند، نشستند. ۱۱ آنگاه عیسی نانها را برگرفت، و پس از شکرگزاری، میان نشستگان تقسیم کرد، و ماهیها را نیز، به قدری که خواستند. ۱۲ چون سیر شدند، به شاگردان گفت: «پاره‌نانه‌های باقی‌مانده را جمع کنید تا چیزی هدر نرود.» ۱۳ پس آنها را جمع کردند و از پاره‌های باقی‌مانده آن پنج نان جو که جماعت خورده بودند، دوازده سبد پر شد. ۱۴ مردم با دیدن این آیت که از عیسی به ظهور رسید، گفتند: «براستی که او همان پیامبر است که می‌باید به جهان بیاید.»

۶: ۱ " دریاچه جلیل (همان دریاچه تپیره)" این دریاچه با چندین اسم دیگر هم شناخته می‌شد. در عهد عتیق چینهرت (رجوع شود به اعداد ۳۴: ۱۱) نامیده شده است. همچنین آن را به نام دریاچه جنسارت (*Gennesaret*) در انجیل لوقا ۵: ۱ و با نام رومی دریای تپیریاس در انجیل یوحنا ۲۱: ۱ نام برده شده است. پراکنده‌ها یک توضیح اضافی توسط نویسنده هستند. این نشان می‌دهد که انجیل یوحنا برای مردم خارج از فلسطین است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۴ و ۶ و ۶۴ و ۷۱).

۶: ۲ به دلیلی که مردم او را دنبال کردند، توجه کنید.

۶: ۳ عیسی از قدرت طبیعی چند برابر سازی آب و تپه‌ها (اکو) استفاده کرد تا صدایش را قویتر کند. عبارت "او نشست" نشان می‌دهد که این کلاس درس رسمی با شاگردانش بود. جای تعجب نیست که کوه در اینجا به این مضمون به کار رفته باشد که یکی از نشسته‌های موسی را مانند انجیل متی ۵ الی ۷ یادآوری کند.

در این جلسات آموزشی بزرگ، عیسی اغلب گروه‌های مختلفی را در جمعیت مورد خطاب قرار می‌داد. دور پاهای او شاگردانش می‌نشستند، پشت آنها افراد کنجکاو، ثروتمند و "مردم عادی آن منطقه"، و در گروه‌های کوچک، سران مذهبی (فریسیان، منشیها، سادوجس‌ها، و احتمالاً اِسین‌ها).

۶: ۴ "پسخ، عید یهودیان" تنها راهی که بتوان طول مدت بشارت عام عیسی در ملا عام را تعیین کرد، اعیاد پسخ است که در انجیل یوحنا ذکر شده‌اند (نخستین ۲: ۱۳، دومی ۶: ۴، و سومی ۱۱: ۵۵ و ۱۳: ۱). اگر انجیل یوحنا ۵: ۱ که از پسخ صحبت می‌کند را حساب کنیم، پس ما حداقل سه و نیم یا چهار سال بشارت در میان مردم داریم. خیلی چیزها درباره زندگی عیسی هستند که ما از آنها اطلاعی نداریم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۳۰ و ۲۱: ۲۵).

۶: ۶ "این را گفت تا او را بیازماید" این اصطلاح یونانی برای "آزمودن" (*peirazō*) معمولاً دلالت ضمنی شیطانی دارد. این مثال خوبی است که نشان می‌دهد مترجمین مدرن سعی می‌کنند کلمات عهد جدید را با مفاهیم مطابقت دهند. یونانی کوبین بسیاری از تمایزات دستور زبانی و زبانشناسی یونانی کلاسیک را در بر ندارد (رجوع شود به یادداشت انجیل یوحنا ۵: ۲۰).

عیسی فیلیپس را می‌آزماید، ولی چگونه؟

۱. با ایمان به عیسی به عنوان تاملین کننده؟
۲. بر اساس آگاهی او از عهد عتیق؟ (مراجعه شود به اعداد ۱۱: ۱۳، در مورد سوال موسی از خدا درباره تاملین خوراکی)
۳. بر مبنای نگرانی و توجه او نسبت به جمعیت؟

۷: ۶

NASB, NKJV, NJB "به ارزش دویست دینار"

یک دینار دستمزد یک روز کارگر و یک سرباز بود (رجوع شود به انجیل متی ۲۰: ۲). این تقریباً معادل دو سوم دستمزد یک سال بود.

موضوع خاص: سکه‌هایی که در دوران عیسی در فلسطین استفاده می‌شد

۶: ۸ الی ۹ "اندریاس، شمعون برادر پطرس" این متن به زیبایی ایمان و اعتماد آندریاس نسبت به توانایی و شخص عیسی را به تصویر می‌کشد.

۶: ۹ "تکه‌های نان جو" این ارزانتترین و نامطلوبترین نوع نان بود. این غذای فقرا بود. عیسی از قدرت خود برای تامین غذای گرانقیمت استفاده نکرد!

۶: ۱۰ "مردم را بنشانید" مردم این فرهنگ معمولاً خوراک خود را در حالت نشسته بر روی زمین یا دور میزهای کوتاه به شکل حرف U می‌خوردند.

■ "ایشان که نزدیک پنج هزار مرد بودند، نشستند" واقعا بی معنی است که این را بگوئیم "خوراک دادن به پنج هزار نفر" زیرا ظاهراً جمعیت خیلی بیشتری در آن روز آنجا بودند. پنج هزار عدد گرد شده‌ای است که به مردان اشاره می‌کند (یعنی ۱۳ سال به بالا) و شامل زنان و کودکان نمی‌شود (انجیل متی ۱۴: ۲۱). به هر حال، مشخص نیست چند نفر زن و کودک می‌توانستند یا توانسته بودند شرکت کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۲۱).

۶: ۱۱ "پس از شکرگزاری، میان نشستگان تقسیم کرد" معجزه چند برابر کردن باید در دستان عیسی صورت گرفته باشد. در نوشته‌های مسیح موعود یهود این رخداد خوراک دادن عیسی همانند خوراک دادن موسی در منا به عنوان معجزه انتظارش می‌رفت.

اصطلاح یونانی برای "شکرگزاری کردن" (*eucharisteō*) بعداً تبدیل به نام شام آخر (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۱: ۲۳ و ۲۴) شد. آیا یوحنا آن را اینجا برای استفاده در آینده استفاده می‌کند، آیا توضیح فنی در ذهن خودش داشت؟ سایر انجیل‌ها که این اشارات اوکاریستی را نداشتند از اصطلاح دیگری استفاده کرده‌اند (*eulogēō*)، مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۱۹، انجیل مرقس ۶: ۴۱). آنها از اصطلاح *eucharisteō* استفاده کردند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۳۶، انجیل مرقس ۸: ۶، انجیل لوقا ۱۷: ۱۶ و ۱۸: ۱۱) ولی نه در مورد مراسم شام آخر. آنها از این اصطلاح برای توصیف دعای شکرگزاری عیسی در اطاق بالا استفاده کردند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۲۷، انجیل مرقس ۱۴: ۲۳، و انجیل لوقا ۲۲: ۱۷ الی ۱۹). بنابراین، از آنجا که استفاده به صورت یکسان و متحد‌الشکل نیست، یوحنا نیاز داشت که بر روی این موضوع دقیقتر باشد تا اگر خوانندگان بعدی بخواهند آن را ترجمه و تفسیر کنند، از روش اوکاریستی استفاده کنند!

۶: ۱۲ "هدر رفتن" به موضوع خاص: تخریب (*apollumi*) مراجعه کنید.

۶: ۱۳ "پس آنها را جمع کردند و از پاره‌های باقی‌مانده آن پنج نان جو که جماعت خورده بودند، دوازده سبد پر شد" کلمه "سبد" در اینجا اشاره به سبدهای خیلی بزرگ دارد. این خیلی مهم است که عیسی هیچ چیزی از خوراکی چند برابر کرده بود را هدر نداد. همین طور هم ماهیت (یا نوع نان را تغییر نداد).

آیا کلمه "دوازده" اهمیت نمادین خاصی دارد؟ مشکل می‌توان یقین داشت. اینطور تفسیر شده است که به دوازده قبیله اسرائیل اشاره دارد (عیسی عهد عتیق را خشنود می‌سازد) یا یک سبد برای هر شاگرد (عیسی شاگردانش را تامین و خشنود می‌سازد)، ولی می‌تواند هم فقط یک شهادت عینی با جزئیات باشد (مانند انجیل یوحنا ۶: ۱۹).

### موضوع خاص: عدد دوازده

#### (SPECIAL TOPIC: THE NUMBER TWELVE)

دوازده همیشه عدد نمادین برای سازمانها بوده است

A. خارج از انجیل

۱. ۱۲ نشان زودیاک

۲. دوازده ماه سال

B. در عهد عتیق (BDB 1040 و 797)

۱. پسران یعقوب (قبایل یهود)

۲. منعکس شده در موارد زیر

- a. دوازده ستون در محراب در خروج ۲۴: ۴
- b. دوازده جواهر بر روی سینه لباس کاهن اعظم (که نشان از قبایل است) در خروج ۲۸: ۲۱
- c. دوازده قرص نان در مکان مقدس جشن خیمه‌ها در لاویان ۲۴: ۵
- d. دوازده جاسوس به کنعان اعزام شدند در اعداد ۱۳ (از هر قبیله یک نفر)
- e. دوازده عصا (استانداردهای قبایل) در شورش کورا در اعداد ۱۷: ۲
- f. دوازده سنگ یوشع در یوشع ۴: ۳ و ۹ و ۲۰
- g. دوازده ناحیه فرماندهی در دولت سلیمان در اول پادشاهان ۴: ۷
- h. دوازده سنگ محراب الیاس برای یهوه در اول پادشاهان ۱۸: ۳۱

C. در عهد جدید

- ۱. دوازده شاگرد منتخب
- ۲. دوازده سید نان (یکی برای هر شاگرد) در انجیل متی ۱۴: ۲۰
- ۳. دوازده تخت در عهد جدید برای نشستن شاگردان (اشاره به دوازده قبیله اسرائیل) در انجیل متی ۱۹: ۲۸
- ۴. دوازده گروه از فرشتگان برای نجات عیسی در انجیل متی ۲۶: ۵۳
- ۵. نمادگرایی در مکاشفه
  - a. ۲۴ ریش سفید بر ۲۴ تخت در ۴: ۴
  - b. ۱۴۴۰۰۰ (۱۲x۱۲۰۰۰) در ۷: ۴، ۱۴: ۱ و ۳
  - c. دوازده ستاره بر تاج زنان در ۱۲: ۱
  - d. دوازده دروازه، دوازده فرشته منعکس کننده دوازده قبیله در ۲۱: ۱۲
  - e. دوازده سنگ زیرین اورشلیم جدید و بر روی هر یک نام یکی از شاگردان در ۲۱: ۱۴
  - f. دوازده هزار محله در ۲۱: ۱۶ (اندازه شهر جدید، اورشلیم جدید)
  - g. دیوارها ۱۴۴ ذراع هستند در ۲۱: ۱۷
  - h. دوازده دروازه مروارید در ۲۱: ۲۱
  - i. درختان در اورشلیم جدید با دوازده نوع میوه (یکی برای هر ماه) در ۲۲: ۲

۱۴: ۶ "پیامبر" این کنایه به اشاره به مسیح در تثنیه ۱۸: ۱۵ الی ۲۲ (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۲، ۷: ۳۷) دارد. جمعیت قدرت عیسی را دید ولی طبیعت ماموریت او معجزاتش را درست درک نکرد.

**NASB: یوحنا ۶: ۱۵**

<sup>۱۵</sup> عیسی چون دریافت که قصد دارند او را برگرفته، به زور پادشاه کنند، آنجا را ترک گفت و بار دیگر تنها به کوه رفت.

۱۵: ۶ جمعیت از معجزه تامین خوراک مسیح گونه عیسی به هیجان آمده بود. این آیه می‌تواند به یکی از تلاشهای شیطان در متی ۴: ۳ هم مربوط باشد.

**NASB: یوحنا ۶: ۱۶ الی ۲۱**

<sup>۱۶</sup> هنگام غروب، شاگردانش به سوی دریا فرود آمدند<sup>۱۷</sup> و سوار قایق شده، به آن سوی دریا، به جانب کفرناحوم روانه شدند. هوا تاریک شده بود، اما عیسی هنوز به آنان نپیوسته بود.<sup>۱۸</sup> در این حین، دریا به سبب وزش بادی شدید به تلاطم آمد.<sup>۱۹</sup> چون به اندازه بیست و پنج یا سی پرتاب تیر پارو زده بودند، عیسی را دیدند که بر روی دریا راه می‌رود و به قایق نزدیک می‌شود. پس به هراس افتادند.<sup>۲۰</sup> اما او به آنها گفت: «من هستم؛ مترسید.»<sup>۲۱</sup> آنگاه خواستند او را سوار قایق کنند، که قایق همان دم به جایی که عازمش بودند، رسید.

۱۷: ۶ "کفرناحوم" به دلیل ایمان نیاوردن به او در شهر خودش ناصره، اینجا ستاد مرکزی عیسی در طول بشارت وی در جلیل بود (رجوع شود به انجیل لوقا ۲۸: ۲۹ الی ۲۹).

۱۹: ۶ "به اندازه بیست و پنج یا سی پرتاب تیر پارو زده بودند" این تقریباً نیمی از عرض دریاچه بود وقتی که عیسی قدم زنان بر روی آب نزد آنها رفت. متی این بخش را ادامه می‌دهد و اضافه می‌کند که پطرس هم همراه با او در آب قدم می‌زند.

■ "به هراس افتادند" شاگردان هنوز عیسی را با معیارها و استانداردهای زمینی ارزیابی می‌کردند. ترس شاگردان در انجیل متی ۶: ۴۹ بیان شده است.

جميع اين معجزات و نشانهها آنها را مجبور کرد که در مورد اینکه عیسی کیست او را مجدداً ارزیابی کنند.

۶: ۲۰ "این من هستم" این همان "منم" (*egō eimi*) است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۸: ۲۴ و ۲۵ و ۵۴ الی ۵۹، ۱۳: ۱۹، ۱۸: ۵ الی ۶) که بیان کننده نام پیمان با خدا در عهد عتیق، یهوه در سفر خروج ۳: ۱۲ الی ۱۵ است. عیسی "من هستم" مرئی است، خدا را به طور کامل در خود می نمایاند، تجسم کلام خدا، تنها پسر صالح خدا.

موضوع خاص: نام خدا (عهد جدید)

۶: ۲۱ "قایق همان دم به جایی که عازمش بودند، رسید" این ظاهراً یکی دیگر از رخدادهای معجزه آمیز است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۲۲: ۲۵) چرا که انجیل مرقس تأکید دارد که آنها نیمی از راه مسیر دریاچه را طی کرده بودند (رجوع شود به انجیل مرقس ۶: ۴۷). با این حال، در سایر انجیل ها ذکر نشده است (مثلاً انجیل متی ۱۴: ۳۲ یا انجیل مرقس ۶: ۵۱).

#### NASB: یوحنا ۶: ۲۲ الی ۲۵

۲۲ روز بعد، جماعتی که آن سوی دریا مانده بودند، دریافتند که به جز یک قایق، قایقی دیگر در آنجا نبوده است، و نیز می دانستند که عیسی با شاگردانش سوار آن نشده بود، بلکه شاگردان به تنهایی رفته بودند. ۲۳ آنگاه قایقهای دیگری از تیبریه آمدند و نزدیک جایی رسیدند که آنها پس از شکرگزاری خداوند، نان خورده بودند. ۲۴ چون مردم دریافتند که نه عیسی آنجاست و نه شاگردانش، بر آن قایقها سوار شدند و در جستجوی عیسی به کفر ناحوم رفتند. ۲۵ چون او را آن سوی دریا یافتند، به وی گفتند: «استاد، کی به اینجا آمدی؟»

۶: ۲۳ "تیبریاس" این شهر توسط هیروز آنتیپاس در سال ۲۲ قبل از میلاد بنا شد و به پایتخت وی تبدیل گردید.

#### NASB: یوحنا ۶: ۲۶ الی ۳۴

۲۶ عیسی پاسخ داد: «آمین، آمین، به شما می گویم، مرا می جوئید نه به سبب آیاتی که دیدید، بلکه به سبب آن نان که خوردید و سیر شدید. ۲۷ کار کنید، اما نه برای خوراک فانی، بلکه برای خوراکی که تا حیات جاویدان باقی است، خوراکی که پسر انسان به شما خواهد داد. زیرا بر اوست که خدای پدر مَهر تأیید زده است.» ۲۸ آنگاه از او پرسیدند: «چه کنیم تا کارهای پسندیده خدا را انجام داده باشیم؟» ۲۹ عیسی در پاسخ گفت: «کار پسندیده خدا آن است که به فرستاده او ایمان آورید.» ۳۰ گفتند: «چه آیتی به ما می نمایانی تا با دیدن آن به تو ایمان آوریم؟ چه می کنی؟» ۳۱ پدران ما در بیابان مَنّا خوردند، چنانکه نوشته شده است: "او از آسمان به آنها نان داد تا بخورند." ۳۲ عیسی پاسخ داد: «آمین، آمین، به شما می گویم، موسی نبود که آن نان را از آسمان به شما داد، بلکه پدر من است که نان حقیقی را از آسمان به شما می دهد. ۳۳ زیرا نان خدا آن است که از آسمان نازل شده، به جهان حیات می بخشد.» ۳۴ پس گفتند: «این نان را همواره به ما بده.»

۶: ۲۶ و ۳۲ و ۵۳ "آمین، آمین، به شما می گویم" "آمین"، "آمین" این یک عبارت عبری است که سه کاربرد خاص دارد.

۱. در عهد عتیق این کلمه برای "اعتماد" به کار رفته است. معنی مجازی آن "محکم بودن" یا "سخت بودن" است و برای توصیف کردن ایمان داشتن به یهوه به کار رفته است.
۲. استفاده عیسی منعکس کننده این است که می خواهد یک جمله مهم و قابل توجه را بیان دارد. ما هیچ معنی دیگری برای کاربرد "آمین" به این شیوه نداریم.
۳. در کلیسای اولیه، مانند عهد عتیق، این کلمه برای تأیید یا موافقت استفاده می شد.

موضوع خاص: آمین را مطالعه نمایید

■ "به سبب آن نان که خوردید" انگیزه آنها فیزیکی و سریع بود نه معنوی و جاویدانی.

■ "و سیر شدید" این اصطلاح یعنی "پر خوری کردن"، اغلب در مورد حیوانات (به خصوص گاوها) به کار می رفت.

۶: ۲۷ "کار نکنید" این جمله حال متوسط امری است با وجه منفی که معمولاً بدین معنی است که کاری که از قبل شروع شده و در حال انجام است باید متوقف شود. زمینه عهد عتیقی این عبارت به اشعیا ۵ باز می گردد. این مکالمه، شباهتهای بسیاری با مکالمه ای که با آن زن در کنار چاه در انجیل یوحنا ۴ صورت گرفت دارد.

■ "تلف شدن" به موضوع خاص: تخریب (*apollumi*) مراجعه کنید.

■ "مَهر تأیید زده است" این به همان معنی تأیید کردن است و نشان از احراز اقتدار، مالکیت، اختیار و امنیت دارد (مراجعه شود به انجیل جدید انگلیسی و



انجیل متی ۲۸: ۱۸، انجیل یوحنا ۱۷: ۲). نسخه انگلیسی امروز و نسخه بین المللی جدید، از آنجا که این عبارت برای تصریح تائید بشارت عیسی توسط خدا استفاده شده است، این را به صورت "تائید" ترجمه کرده اند.

می تواند به روح القدس هم اشاره داشته باشد.

۶: ۲۸ "چه کنیم تا کارهای پسندیده خدا را انجام داده باشیم؟" این سوال دینی-اعتقادی اصلی قرن اول یهودیت است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۸: ۱۸). یهودی مومن تصور می کرد که بر اساس کارهای زیر در مسیر خدا گام می دارد

۱. دودمان و اصل و نسب

۲. عملکرد او از قوانین موسی آنطور که در قوانین شفاهی تفسیر شده بودند (تلموذ)

۶: ۲۹ "که به فرستاده او ایمان آورید" این یک وجه شرطی حال فعال است که به دنبالش جمله آتوریستی فعال امری آمده است. کلمه "ایمان" در درک آموزشهای عهد جدید درباره رستگاری بسیار مهم و حساس است. گرایش اصلی این کلمه اعتماد از روی قصد و اختیار بود. کلمه یونانی *pistis* را می توان به "اعتماد" یا "باور" یا "ایمان" ترجمه کرد. تمرکز ایمان انسان باید "در او" باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶)، نه در صمیمیت، و تعهد انسان و نه در اشتیاق فرد. گرایش اولیه این عبارت رابطه فردی با عیسی مسیح است نه الهیات ارتدوکسی درباره او، نه انتظارات مذهبی، و نه حتی زندگی اخلاقی. همه اینها کمک کننده هستند، ولی شرط اولیه نیستند. به این نکته توجه کنید که عیسی حالت جمع "کارها" را از سوال آنها به کلمه مفرد "کار" تغییر می دهد.

۶: ۳۰ الی ۳۳ باید به خاطر داشت که این گروه تازه در معجزه خوراک دادن به پنج هزار نفر شرکت کرده بودند. آنها پیشتر معجزه خود را دیده بودند. یهودیت روحانی فکر می کرد که مسیح باید کارهای مشخصی از عهد عتیق را انجام دهد مانند فرستادن منا (مراجعه شود به II Brauch 29: 8). روحانیون از مزمو ۷۲: ۱۶ به عنوان مدرک برای این دیدگاه نسبت به "ابر موسی" گونه بودن مسیح دفاع می کردند (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱: ۲۲).

این یک ویژگی دستور زبانی مهم است میان "در او ایمان آوردن" در انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و "به تو ایمان آوریم" در انجیل یوحنا ۶: ۳۰. در اولی تمرکز همیشگی یوحنا بر ساختن ایمان آوردن به/در عیسی است. این یک تمرکز فردی است. دومی تمرکزش بر باور کردم کلام یا ادعاهای عیسی است که موضوع تمرکز است. به خاطر داشته باشید که انجیل هم فرد و هم یک پیام است.

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

۶: ۳۱ "چنانکه نوشته شده است" این یک وجه وصفی کامل مجهول است. این یک حالت استاندارد برای بیان نقل قولهای کتاب مقدس از عهد عتیق است. این یک اصطلاح از عهد عتیق است که الهام و اختیار را تائید می کند. این نقل قول می تواند به یکی از چندین متون عهد عتیق یا ترکیبی از آنها اشاره داشته باشد: مزمو ۷۸: ۲۴، ۱۰۵: ۴۰، سفر خروج ۱۶: ۴ و ۱۵، یا نحمیا ۹: ۱۵.

۶: ۳۲ عیسی الهیات سنتی یهودیان را بیان می کند. آنها تصریح می کنند که مسیح باید مانند موسی و به واسطه تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۸ کارهای حیرت انگیز انجام دهد. عیسی این تصور را در چندین نقطه تصحیح می کند.

۱. خدا و نه موسی منا را داد (موضوع خاص: منا را بخوانید)

۲. هر چند مردم تصور می کردند منا از بهشت است، ولی مبدا منا از بهشت نبود (مراجعه شود به مزمو ۷۸: ۲۳ الی ۲۵)

۳. نان واقعی بهشت عیسی بود، که یک عمل در گذشته نبود بلکه یک واقعیت در حال است

■ "نان واقعی" به موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته های یوحنا) مراجعه شود.

۶: ۳۳ "آن است که از آسمان نازل شده" این یک بحث تکراری در انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۳). این دو الیسم عمودی یوحنا است. در این متن تبار عیسی هفت مرتبه تکرار شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۳ و ۳۸ و ۴۱ و ۴۲ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۸). این از پیش وجود داشتن و الهی بودن عیسی را نشان می دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۳ و ۳۸ و ۴۱ و ۴۲ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۸ و ۶۲). همچنین نمایی در منا است که از بهشت می آید همانطور که عیسی نان واقعی است، نان زندگی.

به معنای واقعی کلمه "نان خدا که از بهشت نازل شده است" است. در اینجا وجه شرطی مذکر حال فعال اشاره به (۱) "نان" یا (۲) یک مرد، عیسی دارد. اغلب در انجیل یوحنا این ابهامات هدفمند هستند (مفهوم مضاعف دارند).

■ "به جهان حیات می بخشد" این هدفی است که به خاطر آن عیسی آمد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶، انجیل رقس ۱۰: ۴۵، دوم قرن تیان ۵: ۲۱). هدف "زندگی جدید"، "زندگی جاویدان"، "زندگی نوع خدا" است برای دنیای یاغی و مطرود، و نه برای برخی گروه های خاص (یهود/ غیر یهود، منتخب/ غیر

"خداوند" NASB, NKJVM, Peshitta  
"آقا" NRSV, REB, NJB, TEV

این دو اصطلاح هر دو بیان کننده کاربردهای متفاوت کلمه *kurios* هستند. در این متن گزینه دوم به نظر می‌رسد که بهترین باشد. جمعیت عیسی و کلامش را درک نکرد. آنها او را به عنوان مسیح مشاهده نکردند (همچنین به یادداشت انجیل یوحنا ۴: ۱۱ و ۵: ۷ مراجعه کنید).

■ "این نان را همواره به ما بده" این مشابه همان عبارتی است که آن زن در کنار چاه در انجیل یوحنا ۴: ۱۵ اظهار داشت. این یهودیان هم استعاره معنوی عیسی را درک نکردند.

#### NASB: یوحنا ۶: ۳۵ الی ۴۰

۳۵ عیسی به آنها گفت: «نان حیات من هستم. هر که نزد من آید، هرگز گرسنه نشود، و هر که به من ایمان آورد هرگز تشنه نگردد. ۳۶ ولی چنانکه به شما گفتم، هر چند مرا دیده‌اید، اما ایمان نمی‌آورید. ۳۷ هر آنچه پدر به من بخشید، نزد من آید؛ و آن که نزد من آید، او را هرگز از خود نخواهم راند. ۳۸ زیرا از آسمان فرود نیامده‌ام تا به خواست خود عمل کنم، بلکه آمده‌ام تا اراده فرستنده خویش را به انجام رسانم. ۳۹ و اراده فرستنده من این است که از آن کسان که او به من بخشیده، هیچ‌یک را از دست ندهم، بلکه آنان را در روز بازپسین برخیزانم. ۴۰ زیرا اراده پدر من این است که هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، از حیات جاویدان برخوردار شود، و من در روز بازپسین او را بر خواهم خیزانید.»

۶: ۳۵ "نان حیات من هستم" این یکی از اصطلاحات "من هستم" است که مشخصه یوحنا است (رجوع شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۵ و ۴۱ و ۴۸ و ۵۱ و ۸: ۱۲، ۱۰: ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۴، ۱۱: ۲۵، ۱۴: ۶، ۱۵: ۱ و ۵). انجیل یوحنا بر روی شخص عیسی تمرکز دارد. این با توقعات یهودیان از مسیح درباره منا و کسی که قانون جدید را ارائه می‌دهد تا خروج جدیدی (از گناه) را با خود همراه داشته باشد مرتبط است. به یادداشت انجیل یوحنا ۸: ۱۲ مراجعه کنید.

■ "هر که نزد من آید، هرگز گرسنه نشود، و هر که به من ایمان آورد هرگز تشنه نگردد" اینها دو عبارت منفی مضاعف در زبان یونانی هستند. "هرگز نخواهد... هرگز نه" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۷).

یک رابطه موازی میان "آید" و "ایمان آورد" وجود دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۷ و ۲۸ مشابه "می‌بیند" و "می‌شنود"). آنها هر دو وجه وصفی فعال هستند. آمدن و ایمان آوردن ایمان آوردگان تصمیم یکباره نیست، بلکه شروع یک سبک زندگی رفاقتی، دوستانه و مطیعانه است.

موضوع خاص: خداوندی مسیح از عهد عتیق (میکاه ۵: ۲)

■ "گرسنه... تشنه" گرسنگی و تشنگی اغلب برای توصیف واقعیت معنوی به کار رفته‌اند (مراجعه شود به مزمور ۴۲: ۱، اشعیا ۵۵: ۱، عاموس ۸: ۱۱ و ۱۲، انجیل متی ۵: ۶).

۶: ۳۶ "هر چند مرا دیده‌اید" برخی از شهود قدیمی (A, & M<sup>s</sup>, S) و بسیاری نسخه‌های قدیمی لاتین، و سیریاک) "مرا" را حذف کرده‌اند، و جمله را به این شکل تغییر داده‌اند که جمله عیسی به معجزات و نشانه‌های او اشاره دارند (مثلا خوراک دادن به پنج هزار نفر). در بسیاری از نسخه‌های دستنویس یونانی ضمیر وجود دارد و نسخه‌های UBS نمی‌توانند مشخص کنند که کدامیک از آنها اصل هستند.

۶: ۳۷ "هر آنچه پدر به من بخشید، نزد من آید" تاکید اولیه این عبارت بر روی حکمرانی خدا است. دو عبارت قطعی در این واقعیت الهی در رومیان ۹ و افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴ وجود دارند. جالب است که در هر دوی این عبارات، پاسخ انسان لازم است. رومیان ۱۰ هفت عبارت دارد که این مسئله در همه آنها شامل شده است. این هم موردی است که در افسسیان ۲ دیده می‌شود، جایی که شکوه خدا در انجیل یوحنا ۶: ۱ الی ۷ موضوعی می‌شود برای ایمان آوردن در انجیل یوحنا ۸: ۶ و ۹. تقدیر، دکترینی است برای رهایی، نه مانعی برای نجات نیافتگان. کلید بازکردن دکترین عشق و شکوه خداست، نه احکام جاودانی. توجه کنید که هر آنچه خدا به عیسی می‌دهد، به او باز می‌گردد. خدا همیشه پیش قدم است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)، ولی انسانها باید پاسخ دهند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶).

■ "و آن که نزد من آید، او را هرگز از خود نخواهم راند" این هم یک عبارت منفی مضاعف است. این عبارت بر این نکته تاکید دارد که خدا همه را فرا می‌خواند و همه را از طریق مسیح می‌پذیرد (مراجعه شود به حزقیال ۱۸: ۲۱ الی ۲۳، ۳۰ الی ۳۲، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹). خدا همیشه پیشقدم است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)، ولی انسانها باید پاسخ دهند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۲۱). عجب عبارت جالبی در مورد امنیت (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۱ الی ۳۹)!

## موضوع خاص: تضمین مسیحیت

### (SPECIAL TOPIC: CHRISTIAN ASSURANCE)

تضمین (۱) یک حقیقت انجیلی، (۲) تجربه‌ای در ایمان مومن، و (۳) شاهد شیوه زندگی است.

#### A. مبنای انجیلی تضمین

۱. شخصیت و هدف خدای پدر
  - a. خروج ۳۴: ۶ الی ۷ (موضوع خاص: مشخصه خدای اسرائیل را مطالعه کنید)
  - b. نحμία ۹: ۱۷
  - c. انجیل یوحنا ۳: ۱۶، ۱۰: ۲۸ الی ۲۹ (موضوع خاص: برنامه رستگاری یهوه را مطالعه کنید)
  - d. رومیان ۸: ۳۸ الی ۳۹
  - e. افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴، ۲: ۵ و ۸ الی ۹
  - f. فیلیپیان ۱: ۶
  - g. دوم تیموتائوس ۱: ۱۲
  - h. اول پطرس ۱: ۳ الی ۵

#### ۲. کار پسر خدا

- a. دعای کشیشانه او، انجیل یوحنا ۱۷: ۹ الی ۲۴، بخصوص آیه ۱۲، عبرانیان ۷ الی ۹
- b. قربانی شدن او بجای دیگران (مراجعه شود به اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲)
  ۱. انجیل مرقس ۱۰: ۴۵
  ۲. دوم قرنتیان ۵: ۲۱
  ۳. اول یوحنا ۲: ۲، ۴: ۹ الی ۱۰
- c. نماز روحانی مستمر او
  ۱. رومیان ۸: ۳۴
  ۲. عبرانیان ۷: ۲۵
  ۳. اول یوحنا ۲: ۱

#### ۳. فعال کردن روح خدا

- a. فراخواندن او، انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵
- b. صحنه گذاشتن او
  ۱. دوم قرنتیان ۱: ۲۲، ۵: ۵
  ۲. افسسیان ۱: ۱۳ الی ۱۴، ۴: ۳۰
- c. تضمین شخصی او
  ۱. رومیان ۸: ۱۶ الی ۱۷
  ۲. اول یوحنا ۵: ۷ الی ۱۳

#### B. پاسخ ضروری مبتنی بر پیمان مومن (موضوع خاص: پیمان را مطالعه کنید)

۱. توبه و ایمان اولیه و مستمر (موضوع خاص: دریافت کردن/ایمان/اعتراف یعنی چه؟ را مطالعه کنید)
  - a. انجیل مرقس ۱: ۱۵
  - b. انجیل یوحنا ۱: ۱۲
  - c. اعمال رسولان ۳: ۱۶ و ۲۰: ۲۱
  - d. رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳
۲. بخاطر داشتن اینکه هدف رستگاری شبیه عیسی بودن است
  - a. رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹
  - b. دوم قرنتیان ۳: ۱۸

- c. غلاطیان ۴: ۱۹
- d. افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰، ۴: ۱۳
- e. اول تسالونیکیان
- f. دوم تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، ۵: ۲۳
- g. تیتوس ۲: ۱۴
- h. اول پطرس ۱: ۱۵
۳. بخاطر داشتن اینکه شیوه زندگی، تأیید ضمانت است
- a. یعقوب
- b. اول یوحنا
۴. به خاطر داشتن اینکه با ایمان و پایداری فعال تضمین می‌شود (موضوع خاص: استقامت را مطالعه کنید)
- a. انجیل مرقس ۱۳: ۱۳
- b. اول قرنتیان ۱۵: ۲
- c. عبرانیان ۳: ۱۴، ۴: ۱۴
- d. دوم پطرس ۱: ۱۰
- e. یهودا ۱: ۲۰ الی ۲۱

۳۸: "از آسمان فرود آمده‌ام" این زمان حال کامل است که اشاره به تولدش دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱، افسسیان ۴: ۸ الی ۱۰)، و نتایج آن باقی می‌ماند. همچنین مبدا بهشتی بودن عیسی را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۱ و ۶۲).

■ "نیامده‌ام تا به خواست خود عمل کنم، بلکه آمده‌ام تا اراده فرستنده خویش را به انجام رسانم" عهد جدید به صراحت هم وحدانیت و هم تثلیث را، به عنوان مثال انجیل یوحنا ۱۴: ۸ و ۹، و شخصیت هر سه نفر را مطرح می‌کند. این آیه بخشی از تأکید مداوم یوحنا در مورد تسلیم عیسی در برابر پدر است. یادداشت بخش انجیل یوحنا ۵: ۱۹ را مطالعه کنید.

۳۹: "از آن کسان که او به من بخشیده، هیچ‌یک را از دست ندهم" رابطه بدیهی میان مفرد خنثی "آن کس که" در انجیل یوحنا ۶: ۳۷ و مفرد حتی در انجیل یوحنا ۶: ۳۹ وجود دارد. یوحنا از این حالت غیر معمول چندین مرتبه استفاده کرده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲ و ۲۴). ظاهراً تأکید آن بر کل است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۰ و ۴۵).

این وعده بزرگی است از حفظ قدرت خدا، منبع ضمانت مسیحیت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۸ و ۲۹، ۱۷: ۲ و ۲۴، موضوع خاص بالا را ببینید). توجه داشته باشید که زمان فعل انجیل یوحنا ۶: ۳۷ حال است، در حالیکه زمان به کار رفته در انجیل یوحنا ۶: ۳۹ حال کامل است. هدیه خدا باقی می‌ماند! همچنین دو تأیید آخر در انجیل یوحنا ۶: ۳۹ هر دو اثنوریست فعال هستند، عیسی هیچ چیزی را که پدر به او داده است، از دست نمی‌دهد (انجیل یوحنا ۶: ۳۷ و ۳۹) و او تمامی آنها را که به او سپرده شده‌اند در روز آخر بر می‌خیزاند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴). اینها وعده‌های الهی هستند در مورد (۱) انتخاب و (۲) استقامت! (موضوع خاص: پایداری در نوشته‌های یوحنا را بخوانید)

این مفهوم روز فرجامگیری (روز قیامت) به عناوین مختلف مطرح شده‌اند:

۱. آخرین روزها، انجیل یوحنا ۶: ۳۹ و ۴۰ و ۴۴ و ۵۴، ۱۱: ۲۴، ۱۲: ۴۸، دوم تیموتائوس ۳: ۱، اول پطرس ۱: ۵، دوم پطرس ۳: ۳
۲. زمان آخر، اول یوحنا ۲: ۱۸، یهودا ۱: ۱۸
۳. آن روز، انجیل متی ۷: ۲۲، دوم تیموتائوس ۱: ۱۲ و ۱۸، ۴: ۸
۴. روزی، اعمال رسولان ۱۷: ۳۱
۵. آن روز بزرگ، یهودا ۱: ۶
۶. آن روز، انجیل لوقا ۱۷: ۳۰، اول قرنتیان ۳: ۱۳، اول تسالونیکیان ۵: ۴، عبرانیان ۱۰: ۲۵
۷. روز او، انجیل لوقا ۱۷: ۲۴
۸. روز خداوند، اول تسالونیکیان ۵: ۲، دوم تسالونیکیان ۲: ۲
۹. روز مسیح، فیلیپیان ۱: ۱۰، ۲: ۱۶
۱۰. روز خداوند عیسی مسیح، اول قرنتیان ۱: ۸، ۵: ۵

۱۱. روز خداوند عیسی، دوم قرن‌تینان ۱: ۱۴
۱۲. روز عیسی مسیح، فیلیپیان ۱: ۶
۱۳. روز پسر انسان، انجیل لوقا ۱۷: ۲۴ (همچنین شماره ۷ را ببینید)
۱۴. روز داوری، انجیل متی ۱۰: ۱۵، ۱۱: ۲۲ و ۲۴، ۱۲: ۳۶، دوم پطرس ۲: ۹، ۳: ۷، اول یوحنا ۴: ۱۷
۱۵. روز خشم، مکاشفه ۶: ۱۷
۱۶. روز بزرگ خدا، مکاشفه ۱۶: ۱۴

■ "و من در روز بازپسین او را بر خواهم خیزانید" این اشاره به روز رستاخیز برای مومنین و روز داوری برای بی‌ایمانان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۰ و ۴۴، ۵: ۵، ۲۵ و ۲۸، ۱۱: ۲۴ و اول قرن‌تینان ۱۵). فرانک استگ در این نقطه اظهار نظر جالبی را در کتاب خود بنام *A New Testament Theology* مطرح می‌کند:

"انجیل یوحنا درباره آینده‌ای که خواهد آمد، تاکید می‌کند (۱۴: ۳ و ۱۸ و ۲۸، ۱۶: ۱۶ و ۲۲) و به وضوح از رستاخیز و داوری نهایی در آخرین روز صحبت می‌کند (۵: ۲۸، ۶: ۳۹ و ۴۴ و ۵۴، ۱۱: ۲۴، ۱۲: ۴۸)؛ با این حال، در طی این چهار انجیل، زندگی جاویدان، داوری، و رستاخیز واقعیت حال هستند (۳: ۱۸، ۴: ۲۳، ۵: ۲۵، ۶: ۵۴، ۱۱: ۲۳، ۱۲: ۲۸ و ۳۱، ۱۳: ۳۱، ۱۴: ۱۷، ۱۷: ۱۷، ۲۶)" (صفحه ۳۱۱).

### موضوع خاص: قیام از مردگان

در انجیل بازگشت از مرگ دارای سه مفهوم است

۱. آنها که نمرند ولی رفتند تا با خدا باشند (یعنی انوش، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۵: ۲۴، الیاس، مراجعه شود به دوم پادشاهان ۲: ۱۱)، به این حالت "بازگردانده شده" گفته می‌شود.
۲. برخی که با قدرت خدا از دروازه مرگ به سلامت بازگشتند. به این حالت احیا گفته می‌شود. آنها در مقطع زمانی دیگری در آینده خواهند مرد.
۳. فقط یک قیام از مردگان وجود دارد (یعنی عیسی). او مرد ولی از مرگ برخاست (یعنی *hades*) و به او بدن جدیدی داده شد که برای حیات جاویدان با خدا مناسب باشد. او نخستین ثمره مرگ است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵: ۲۰ و ۲۳)، نخستین زاده از مرگ، مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵ و ۱۷). به واسطه او، مومنین در بازگشت دومش قیام خواهند کرد (مراجعه شود به مزمور ۴۹: ۱۵، ۷۳: ۲۴، اشعیا ۲۶: ۱۹، دانیال ۱۲: ۲، انجیل متی ۲۲: ۳۱ الی ۳۲، انجیل مرقس ۱۲: ۲۶ الی ۲۷، انجیل یوحنا ۵: ۲۵ و ۲۸ الی ۲۹، ۶: ۳۹ الی ۴۰ و ۴۴، ۵۴، رومیان ۸: ۱۱، اول قرن‌تینان ۱۵، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸، اول یوحنا ۳: ۲).

### شواهد قیام

۱. پنجاه روز بعد در پنتیکاست، قیام تبدیل به یادداشت کلیدی در مراسم پطرس شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲). هزاران نفر که در آن منطقه زندگی می‌کردند و این اتفاق رخ داده بود، ایمان آوردند!
۲. زندگی شاگردان به صورت بنیادی از ناامیدی (آنها انتظار قیام از مردگان را نداشتند) به جسارت و حتی شهادت طلبی تغییر یافت.
۳. پولس شهادتهای عینی بسیاری منجمله شهادت خودش را در اول قرن‌تینان ۱۵: ۵ الی ۸ فهرست کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹)

### اهمیت قیام از مردگان

۱. نشان داد عیسی همان است که ادعا می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۸ الی ۴۰، پیش‌گویی مرگ و قیام از مردگان)،
۲. خدا موافقت خود را بر زندگی، تعالیم و مردن بجای دیگران عیسی نشان داد (مراجعه شود به رومیان ۴: ۲۵)
۳. وعده به تمام مسیحیان را نشان داد (جسم از مرگ بازگشته، مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۵)

### ادعاهای عیسی که از مرگ باز می‌گردد را اثبات کرد

۱. انجیل متی ۱۲: ۳۸، ۱۶: ۲۱، ۱۷: ۹ و ۲۲ و ۲۳، ۲۰: ۱۸ الی ۱۹، ۲۶: ۳۲، ۲۷: ۶۳
۲. انجیل مرقس ۸: ۳۱، ۹: ۱ الی ۱۰ و ۳۱، ۱۴: ۲۸ و ۵۸
۳. انجیل لوقا ۹: ۲۲ الی ۲۷
۴. انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲، ۱۲: ۳۴، فصلهای ۱۴ الی ۱۶

هم پطرس و هم پولس تصریح می‌کنند که مزبور ۱۶ به عیسی به عنوان مسیح اشاره می‌کند

۱. پطرس در اعمال رسولان ۲: ۲۴ الی ۳۲

۲. پولس در اعمال رسولان ۱۳: ۳۲ الی ۳۷

مطالعات بیشتر

۱. Evidence That Demands a Verdict by Josh McDowell

۲. Who Moved the Stone? by Frank Morrison

The Zondervan Pictorial Encyclopedia of the Bible, "Resurrection," "Resurrection of Jesus Christ"

■ **هر که به پسر بنگرد** وجه وصفی حال فعال "بنگرد" و "ایمان آورد" موازی هم هستند (همانند "می آید" و "باور میکند" در انجیل یوحنا ۶: ۳۵، مثل "می بیند" و "می شنود"). اینها اعمال در حال تداوم هستند، نه رخدادهای فقط یکبار انجام شدنی. اصلاح "بنگرد" یعنی "با منظور خیره شدن" به چیزی تا اینکه بتوان آن را درک کرد تا شناخت.

به طور یقین من اصطلاح "هر کس" را دوست دارم. به اینها توجه کنید

۱. تمام آنها که ممکن است توسط او ایمان آورند، انجیل یوحنا ۱: ۷

۲. هر کسی را روشن می‌کند، انجیل یوحنا ۱: ۹

۳. هر کسی که به او ایمان آورد؛ زندگی جاویدان خواهد داشت، انجیل یوحنا ۳: ۱۵

۴. که هر کس که به او ایمان آورد نابود نخواهد شد، بلکه زندگی جاویدان خواهد داشت، انجیل یوحنا ۳: ۱۶

۵. تمام آنها که به پسر احترام می‌گذارند، انجیل یوحنا ۵: ۲۳

۶. انجیل یوحنا ۶: ۳۷ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۵

۷. همانند شماره ۶

۸. همانند شماره ۶

۹. همانند شماره ۶

۱۰. هر کس که مرا دوست دارد و به من ایمان دارد هرگز نخواهد مرد، انجیل یوحنا ۱۱: ۲۶

۱۱. من، اگر من، از زمین برخیزانده شوم، همه مردان را با خود خواهم کشید، انجیل یوحنا ۱۲: ۳۲

۱۲. هر کس که به من ایمان بیاورد در تاریکی نخواهد ماند، انجیل یوحنا ۱۲: ۴۶

این راز حاکمیت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۸ الی ۳۹، ۱۷: ۲ و ۲۴ در برابر اراده آزاد انسان). هر دو به نوعی درست هستند. برای من مفهوم خداشناسی "پیمان" هر دو را به بهترین نحو با یکدیگر متحد می‌سازد!

■ **"به او ایمان آورد"** به خاطر داشته باشید که رستگاری در حله اول یک رابطه شخصی است، نه یک عقیده، الهیات درست یا شیوه زندگی اخلاقی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶، ۱۱: ۲۵ و ۲۶). تاکید بر عینیت ایمان فرد است نه شدت آن.

به تعادل میان تاکید بر انتخاب حاکمیت خدا در انجیل یوحنا ۶: ۳۷، ۳۹، ۴۴، ۶۵ و پاسخ نوع بشر به ایمان در انجیل یوحنا ۶: ۳۷ و ۴۰ دقت کنید. این تنشهای انجیلی باید حفظ شوند. حاکمیت خدا و آزادی اراده نوع بشر دو جنبه پیمان انجیلی را شکل می‌دهند.

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق را مطالعه نمایید

■ **"از حیات جاویدان برخوردار شود"** این یک وجه شرطی حال فعال است، یک پاسخ مورد نیاز است (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۱). همچنین توجه کنید که در انجیل یوحنا ۶: ۳۹ یکی شده است، در حالیکه در انجیل یوحنا ۶: ۴۰ به صورت انفرادی است. این پارادوکس رستگاری است.

**NASB: یوحنا ۶: ۴۱ الی ۵۱**

۴۱ آنگاه یهودیان درباره او همه‌همه آغاز کردند، چرا که گفته بود «مَنْ أَن نَان که از آسمان نازل شده است.» ۴۲ می‌گفتند: «مگر این مرد، عیسی پسر یوسف نیست که ما پدر و مادرش را می‌شناسیم؟ پس چگونه می‌گوید، "از آسمان نازل شده‌ام؟"» ۴۳ عیسی در پاسخ گفت: «با یکدیگر

همه‌مه مکنید. <sup>۴۴</sup>هیچ کس نمی‌تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند، و من در روز بازپسین او را بر خواهم خیزانید. <sup>۴۵</sup>در کتب پیامبران آمده است که "همه از خدا تعلیم خواهند یافت." پس هر که از خدا بشنود و از او تعلیم یابد، نزد من می‌آید. <sup>۴۶</sup>نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، مگر آن کس که از خداست؛ او پدر را دیده است. <sup>۴۷</sup>آمین، آمین، به شما می‌گویم، هر که ایمان دارد، از حیات جاویدان برخوردار است. <sup>۴۸</sup>من نان حیاتم. <sup>۴۹</sup>پدران شما، من را در بیابان خوردند، و با این حال مردند. <sup>۵۰</sup>اما نانی که از آسمان نازل می‌شود چنان است که هر که از آن بخورد، نخواهد مرد. <sup>۵۱</sup>منم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. هر کس از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند. نانی که من برای حیات جهان می‌بخشم، بدن من است.»

۶: ۴۱ "آنگاه یهودیان دربارهٔ او همه‌مه آغاز کردند" این زمان غیر کامل است، و دلالت بر این دارد که آنها شروع به همه‌مه کردند یا همه‌مه کردند و ادامه داشت. همسو با دوره بیابانگردی (مراجعه شود به خروج و اعداد) و قابل توجه است. اسرائیلیان آن روزگار هم موسی، نماینده خدا، کسی که به آنها خوراک داده بود، را رد کردند.

۶: ۴۲ این نشان می‌دهد که یهودیان کلام عیسی را در مورد خودش درک کرده بودند. او به وضوح اصطلاحات و ادبیات یهودی را برای ادعای خودش مبنی بر از پیش وجود داشتن و الهی بودنش استفاده می‌کرد! کلمات عیسی هنوز حیرت انگیز هستند، آن هم از جانب نجاری از جلیل! عیسی اظهاراتی چنین قوی در مورد خودش ابراز می‌داشت. او پس:

۱. دوباره متولد شده پسر خدا است که زندگی جاویدان با کلام و اعمالش آورد

۲. یک پیشگوی دروغگو یا

۳. یک دیوانه (اقتباس شده از جاش مک داول، *Evidence That Demands a Verdict*)

حقیقت داشتن ادعاهای عیسی موضوع مسیحیت است.

۶: ۴۳ "با یکدیگر همه‌مه مکنید" این زمان حال امری با وجه شرطی منفی است، که معمولاً به معنی متوقف کردن عملی است که در جریان است.

۶: ۴۴ "هیچ کس نمی‌تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند" خدا همیشه پیش قدم است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۶۵ و ۱۵: ۱۶). تمامی تصمیمات معنوی در نتیجه جلب توجه روح القدس است، نه مذهبی بودن نوع بشر (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۶). حاکمیت خدا و پاسخ واجد شرایط انسان به صورت تفکیک ناپذیری توسط اراده و محبت خدا به یکدیگر مرتبط هستند. این مفهوم پیمان در عهد عتیق است.

توازن در این "کشش خدا" را در انجیل یوحنا ۱۲: ۳۲، در جایی که عیسی "همه مردم را به سوی خود جلب می‌کند" می‌توان دید. این جلب کردن الگوی عهد عتیق که مردم خدا پاسخ به کلام پیامبرانش پاسخ نمی‌دهند را خنثی می‌کند (مثال: اشعیا ۶: ۹ الی ۱۳، ۲۹: ۱۳، ارمیا). اینک خدا نه توسط پیامبرانش در اسرائیل بلکه توسط پسرش با تمام نوع بشر صحبت می‌کند (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۱ الی ۳).

۶: ۴۵ "در کتب پیامبران آمده است" این نقل قولی است از اشعیا ۵۴: ۱۳ یا ارمیا ۳۱: ۳۴ که جنبه داخلی "پیمان جدید" (قلب جدید، تفکر جدید) را توصیف می‌کند (مراجعه شود به حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸).

■ "هر که از خدا بشنود و از او تعلیم یابد، نزد من می‌آید" غیر ممکن است که بتوان ادعا کرد خدا را می‌شناسیم و عیسی را رد کنیم (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱ الی ۱۲).

۶: ۴۶ "نه اینکه کسی پدر را دیده باشد" تصریح عیسی این است که فقط از طریق او فرد واقعا می‌تواند خدا را بشناسد و درک کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۱۴: ۶ و ۹). حتی موسی واقعا هرگز یهوه را ندیده باشد (مراجعه شود به یادداشت در بخش انجیل یوحنا ۵: ۳۲).

۶: ۴۷ این آیه پیشنهاد عیسی را برای رستگاری به همه انسانها خلاصه می‌کند ("آن کس که ایمان بیاورد"، صفت مفعولی حال فعال، "زندگی جاویدان"، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۱ و ۵۸، ۳: ۱۵ و ۱۶ و ۳۶، ۵: ۲۴، ۱۱: ۲۶، ۲۰: ۳۱). عیسی تنها فاش کننده خدا است، تنها درب واقعی به سوی خدا (منحصر به فرد بودن انجیل، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱ الی ۶ و ۷ الی ۹، ۱۴: ۱۶)، ولی این فقط برای پسران و دختران آدم و حوا میسر است (گنجاندن خبر خوش انجیل یوحنا ۱: ۴ و ۷ و ۱۲، ۳: ۱۶، سفر پیدایش ۳: ۱۵ و ۱۲: ۳ را تحقق می‌بخشد).

۶: ۵۰ این آیه همانند انجیل یوحنا ۶: ۳۱ الی ۳۵ یک بازی با معنی نان است، نان فیزیکی (منا) و نان بهشتی (عیسی). یک نفر زندگی فیزیکی خود را می‌دهد و تحمل می‌کند، ولی باید تکرار شود و متعاقب آن نمی‌تواند جلوی مرگ را بگیرد. دیگری می‌دهد و زندگی جاویدان را نگاه می‌دارد، ولی باید پذیرفته شود و پرورش یابد ولی زندگی معنوی را خاتمه می‌دهد (رفاقت با خدا را می‌شکند، دوستی صمیمانه با گناه و خودش را آغاز می‌کند).

۶: ۵۱ "من نان حیاتم" این یکی از معروفترین عبارات "من هستم" انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۵ و ۴۸ و ۵۱). این یک تکنیک ادب

عیسی است برای متمرکز کردن توجه به شخص خودش. رستگاری، همانند مکاشفه، در نهایت یک فرد است.

■ "نانی که من برای حیات جهان می‌بخشم، بدن من است" این یک استعاره است که تاکید بر این دارد که عیسی خودش، نه برخی منابع تامین غذایی، نیاز اصلی ما است. این عبارت بدیهی است که به ۱: ۱۴ باز می‌گردد.

NASB: یوحنا ۶: ۵۲ الی ۵۹

۵۲ پس جدالی سخت در میان یهودیان درگرفت که «این مرد چگونه می‌تواند بدن خود را به ما بدهد تا بخوریم؟»<sup>۵۳</sup> عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم، که تا بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید.<sup>۵۴</sup> هر که بدن مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاویدان دارد، و من در روز بازپسین او را بر خواهم خیزانید.<sup>۵۵</sup> زیرا بدن من خوردنی حقیقی و خون من آشامیدنی حقیقی است.<sup>۵۶</sup> کسی که بدن مرا می‌خورد و خون مرا می‌نوشد، در من ساکن می‌شود و من در او.<sup>۵۷</sup> همان‌گونه که پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زنده‌ام، آن که مرا می‌خورد نیز به من زنده خواهد بود.<sup>۵۸</sup> این است نانی که از آسمان نازل شد؛ نه مانند آنچه پدران شما خوردند، و با این حال مردند؛ بلکه هر کس از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند.»<sup>۵۹</sup> عیسی این سخنان را زمانی گفت که در کنیسه‌ای در کفرناحوم تعلیم می‌داد.

۵۲: "یهودیان" موضوع خاص: یهودیان را مطالعه کنید

NASB, Peshitta	"بحث کردن"
NKJV	"مشاجره کردن"
NRSV	"مخالفت کردن"
TEV	"یک بحث خصمانه"
NJB	"بحث کردن"
REB	"مخالفت خصمانه"

زمان غیر کامل یعنی شروع کاری یا ادامه کاری در گذشته. این اصطلاح قوی در زبان یونانی برای جنگیدن است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۲۶، دوم تیموتائوس ۲: ۲۳ الی ۲۴، تیتوس ۳: ۹) و نیز به صورت استعاره‌ای در دوم قرنتیان ۷: ۵ و جیمز ۴: ۱ و ۲ استفاده شده است.

■ "این مرد چگونه می‌تواند بدن خود را به ما بدهد تا بخوریم؟" در انجیل یوحنا عیسی مدام به صورت استعاره‌ای صحبت می‌کند و همیشه منظور او درست درک نمی‌شود: (۱) نیکودیموس، انجیل یوحنا ۳: ۴، (۲) زن سامره‌ای، انجیل یوحنا ۴: ۱۱، (۳) جمعیت یهودیان، انجیل یوحنا ۶: ۵۲، و (۴) شاگردانش، انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱.

۶: ۵۳ الی ۵۷ افعال در انجیل یوحنا ۶: ۵۳ و ۵۴ خیلی جالب هستند. در انجیل یوحنا ۶: ۵۳، "خوردن" و "نوشیدن" وجه شرطی آنوریستی فعال هستند که به طور واضح از شروع عملی صحبت می‌کنند. افعال در انجیل یوحنا ۶: ۵۴ "می‌خورد" و "می‌نوشد" زمان حال فعال هستند که تاکید بر تداوم عملی را دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۶ و ۵۷ و ۵۸). به نظر می‌رسد که تاکید، بر روی این واقعیت است که فرد باید در پاسخ دادن به عیسی پیشقدم شود و آن را ادامه دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴).

باید به خاطر داشت برای اینکه این عبارت را به مفهوم واقعی درک کرد، می‌بایست درک نادرست وحشت یهودیان از نوشیدن خون را درک کرد (مراجعه شود به لایوان ۱۷: ۱۰ الی ۱۴). این عبارت، برای برداشت اشارات بدیهی عیسی نسبت به منا در بیابان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۸)، و استفاده از آنها به عنوان عبارات ادبی مرتبط با اوکاریست، دستکاری در وقایع تاریخی متون ادبی برای اهداف خداشناسی صورت گرفته است.

۶: ۵۴ "گوشت .... خون" این یک شیوه استعاره‌ای یهودی برای اشاره به یک انسان کامل است، مانند "قلب".

۶: ۵۵ "خواک حقیقی... نوشیدنی حقیقی" این کاربرد از اصطلاح حقیقتا/حقیقی (موضوع خاص زیر را مطالعه کنید) مشخصه یوحنا است. یوحنا که بعد از سایر نویسندگان عهد جدید، نوشت، گسترش ارتداد را دیده بود (تاکید بیش از حد در مورد یحیی تعمید دهنده، تاکید بیش از حد در مورد مقدس بودن، تاکید بیش از حد در مورد آگاهی انسان-عرفان).

موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)

۶: ۵۶ "در من ساکن می‌شود و من در او" همین حقیقت در انجیل یوحنا ۱۵: ۴ الی ۷، اول یوحنا ۲: ۲ و ۶ و ۲۷ و ۲۸، ۳: ۶ و ۲۴ بیان شده است. این یک تاکید در حال تداوم عهد جدید بر محکم بودن قدیسان است (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱). پاسخ حقیقی با تداوم پاسخ معتبر می‌باشد. تاکید بر روی استقامت عنصر حذف شده از ترویج مسیحیت امریکایی است. فرد باید نه فقط با ایمان آغاز کند، بلکه باید با ایمان



هم خاتمه یابد (عبرانیان ۱۱). جانانان ادواردز می گوید، "اثبات حتمی انتخاب این است که فرد باید تا آخر ادامه دهد" / دلیلی تی کانر می گوید "رستگاری فردی که برای رستگاری انتخاب شده از ابد تا ابد است و باید در ذهن و هدف خدا یقین داشته باشد، با این حال مشروط بر ایمان است و ایمانی که او را حفظ کرده و فاتح می سازد".

۵۷:۶ "پدر زنده" این عبارت منحصر به فرد است، ولی مفهوم آن اغلب در انجیل استفاده شده است. راه های متفاوتی برای ترجمه و تفسیر ریشه این عنوان برای خدا وجود دارد.

۱. نام اولیه پیمان خدا (مراجعه شود به سفر خروج ۳: ۱۲، ۱۴ الی ۱۶، ۲۳: ۶: ۲۳، موضوع خاص: نام خدا (عهد جدید) را ببینید)
۲. "سوگند به خدا"، "تا زمانی که زنده هستم" یا به نام خدا، "تا زمانی که خداوند زنده است" (مراجعه شود به اعداد ۱۴: ۲۱ و ۲۸، اشعیا ۴۹: ۱۸، ارمیا ۴: ۲)
۳. به عنوان توصیف خدا (مراجعه شود به مزمور ۴۲: ۴، ۸۴: ۲، یوشع ۳: ۱۰، ارمیا ۱۰: ۱۰، دانیان ۶: ۲۰ و ۲۶، هوشع ۱: ۱۰، انجیل متی ۱۶: ۱۶، ۲۶: ۶۳، اعمال رسولان ۱۴: ۱۵، رومیان ۹: ۲۶، دوم قرنتیان ۳: ۳، ۶: ۱۶، اول تسالونیکیان ۱: ۹، اول تیموتائوس ۳: ۱۵، ۴: ۱۰، عبرانیان ۳: ۱۲، ۹: ۱۴، ۱۰: ۳۱، ۱۲: ۲۲، مکاشفه ۷: ۲)
۴. اظهارات مندرج در انجیل یوحنا ۵: ۲۶ که پدر در او زندگی دارد و آن را به پسر داده است و ۵: ۲۱ جایی که پدر مردگان را بر می خیزاند، همانطور که پسر انجام می دهد.

■ "فرستادن" موضوع خاص: فرستادن (apostellō) را ببینید

۵۸:۶ این مقایسه ای است میان عهد قدیم و عهد جدید، موسی و عیسی. (کتاب عبرانیان به خصوص عبرانیان ۳ و ۴ را ببینید).

■ "آنچه پدران شما خوردند، و با این حال مردند" این می تواند از دید الهیات عملکرد انکار رستگاری از طریق اصل و نسب باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۳ الی ۳۹) یا از طریق قانون موسی (تورات).

## موضوع خاص: منا

### SPECIAL TOPIC: MANNA

۱. یک مکان ماورا الطبیعه که توسط یهوه برای مردمش در طول دوره خروج و بیابانگردی آماده شده بود.
۲. به آن "نانی که ارباب به تو برای خوردن داده است" گفته می شود، خروج ۱۵: ۱۶ (مراجعه شود به نحما ۱۵: ۹، انجیل یوحنا ۳۱: ۶ و ۴۹ و ۵۱ و ۵۳ و ۵۸)، نام متداول "منا" (کتاب خروج ۱: ۳۱) از سوالی در این باره می آید، که توسط مردم در خروج ۱۵: ۱۶ پرسیده شد ("این چیست؟") به عبری "man hu" (BDB 577 و BDB 214).
۳. هر روز صبح مه آلود است (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۳: ۱۶ و ۲۱، اعداد ۹: ۱۱)، و همانطور که خورشید بالا می آید و مه را از بین می برد (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۴: ۱۶)، یک لایه پودر سفید برای مدت کوتاهی باقی می ماند، سپس خورشید همه را از بین می برد (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۶: ۲۱).
- همه با هم بودند، تمام خانواده ها، هر روز، برای هر خانواده به اندازه کافی برای خوردن غذا بود (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۶: ۱۶ الی ۱۸)، ولی فقط به اندازه یک روز کفایت می کرد (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۶: ۲۰). مکان خاصی در آنجا بود که همه دو بار در روزهای جمعه گرد می آمدند و هیچ کاری (گردهمایی یا آشپزی، مراجعه شود به کتاب خروج ۱۶: ۲۳) در روز شبات انجام نمی شد (مراجعه شود به کتاب خروج ۵: ۱۶، از گرگ و میش جمعه غروب تا گرگ و میش شنبه غروب). در این روز خاص در منا برای دو روز غذا بود (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۶: ۲۲ و ۲۴).
۴. همچنین یک کوزه دهان گشاد هم در آنجا نگهداری می شد که دست نخورده باقی می ماند (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۳: ۱۶، عبرانیان ۹: ۴).
۵. منا یک شبه-پوسته زیبا بود، به زیبایی شبینم روی زمین (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۶: ۱۴). سفید مثل دانه گشنیز بود، و مزه آن مثل ویفر با عسل بود (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۱: ۱۶، اعداد ۷: ۱۱ الی ۸).
۶. این مکان مخصوص یهوه وقتی که اسرائیل از رود اردن عبور کرد و وارد کنعان شد، محو شد (مراجعه شود به یوشع ۱۰: ۵ الی ۱۲). ستون ابر هم وقتی که آنها عبور کردند و به کنعان رسیدند، محو شد.

■ "برای همیشه" به موضوع خاص: برای همیشه (اصطلاح یونانی) مراجعه شود.

## موضوع خاص: برای همیشه (اصطلاح یونانی)

### (SPECIAL TOPIC: FOREVER ('OLAM))

یک اصطلاح یونانی برای هست که به معنی "در طی سالها" (مراجعه شود به انجیل لوقا ۳:۳۳، رومیان ۱:۲۵، ۱۱:۳۶، ۱۶:۲۷، غلاطیان ۱:۵، ۱:۱۷) است و می‌تواند منعکس کننده اصطلاح عبری 'olam باشد. به Robert B. Girdlestone صفحات ۳۱۹ الی ۳۲۱ و موضوع خاص: برای همیشه 'olam مراجعه کنید.

سایر عبارتهای مرتبط "در طی سالها" (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱:۱۹، انجیل مرقس ۱۱:۱۴، انجیل لوقا ۱:۵۵، انجیل یوحنا ۶:۵۸، ۸:۳۵، ۱۲:۳۴، ۱۳:۸، ۱۴:۱۶، دوم قرنتیان ۹:۹) و "در عصر اعصار" (مراجعه شود به افسسیان ۳:۲۱) هستند. به نظر می‌رسد که هیچ تمایزی میان این اصطلاحات یونانی برای "همیشه" وجود نداشته باشد. اصطلاح "اعصار" می‌تواند به مفهوم نمادین جمع در ادبیات روحانیون باشد که به آن "جمع سلطنتی/محترمانه" گفته می‌شود و یا می‌تواند به مفهوم چندین عصر در مفهوم عبری "عصر ضعف" یا "عصری که می‌آید" یا "عصر پارسایی" باشد (به موضوع خاص: این عصر و عصری که می‌آید مراجعه شود).

## NASB: یوحنا ۶: ۶۰ الی ۶۵

۶۰ بسیاری از شاگردان او با شنیدن این سخنان گفتند: «این تعلیم سخت است، چه کسی می‌تواند آن را بپذیرد؟»<sup>۱</sup> عیسی، آگاه از اینکه شاگردانش در این باره مهمه می‌کنند، بدیشان گفت: «آیا این سبب لغزش شما می‌شود؟<sup>۲</sup> پس اگر پسر انسان را ببینید که به جای نخست خود صعود می‌کند، چه خواهید کرد؟<sup>۳</sup> روح است که زنده می‌کند؛ جسم را فایده‌ای نیست. سخنانی که من به شما گفتم، روح و حیات است. اما برخی از شما هستند که ایمان نمی‌آورند.» زیرا عیسی از آغاز می‌دانست چه کسانی ایمان نمی‌آورند و کیست آن که او را تسلیم دشمن خواهد کرد.<sup>۴</sup> سپس افزود: «از همین رو به شما گفتم که هیچ‌کس نمی‌تواند نزد من آید، مگر آنکه از جانب پدر به او عطا شده باشد.»<sup>۵</sup>

۵۹ عیسی یهودیت دوران خود را آموخت. او در مدرسه مذهبی درس خواند، او مانند یک روحانی عبادت می‌کرد، همانند یک روحانی آموزش می‌داد. او تمامی انتظارات شریعت را به جا می‌آورد.

روحانیت اساسا در طول دوران اشغال بابل (۶۰۵ تا ۵۳۸ قبل از میلاد) آغاز شد. یهودیان مکانهای خاصی را برای عبادت و آموزش دادن آغاز کردند که در هر مکان ده مرد یهودی بود. اینها تبدیل به محافظین فرهنگ و سنتهای یهودی شدند. وقتی که یهودیان به یهودیه و معبد بازگشتند، آنها این مراکز محلی را حفظ کردند.

در انجیل یوحنا ۶ به ما گفته نمی‌شود که عیسی کی وارد مدرسه روحانیت در کفرناحوم شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۴).

۶۰: «بنابراین بسیاری از شاگردانش» این کاربرد اصطلاح "شاگرد" دلالت ضمنی وسیعی دارد. در انجیل یوحنا این اصطلاح و "باور کردن" هم برای (۱) پیروان واقعی (انجیل یوحنا ۶: ۶۸) و هم (۲) پیروان موقتی (انجیل یوحنا ۶: ۶۴، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۴۷) به کار رفته است.

■ "شنیدید... گوش داد" با کلمه "شنید" (*akouō*) در اینجا بازی شده است. آنها صحبت‌های عیسی را شنیدند، ولی آنها را درک نکردند و به آنها عمل نکردند. مفهوم این اصطلاح یونانی همانند کلمه عبری *shema* است (مراجعه شود به تثنیه ۴: ۱، ۵: ۱، ۶: ۳ و ۴، ۲۷: ۹ الی ۱۰).

۶۲: این یک عبارت ناقص شرطی درجه اول و بدون نتیجه‌گیری است. دلالت آن بر این است که آنها می‌بینند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱). پس از مرگ، رستاخیز و معراج عیسی و آمدن روح القدس، بیشتر آموزشهای عیسی برای آنان مفهوم پیدا کرد.

■ "به جای نخست خود صعود می‌کند" این یک تاکید مستمر بر این است که عیسی از بهشت به پائین آمده است. در مورد از پیش وجود داشتن او با پدر در بهشت و رابطه دوستانه او با پدر در بهشت سخن می‌گوید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۵ و ۲۴).

## موضوع خاص: معراج

### (SPECIAL TOPIC: THE ASCENSION)

عیسی از بهشت آمد (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۶ الی ۷، دوم قرنتیان ۸: ۹). اینک او به شکوه از پیش وجود داشتنش باز می‌گردد (مراجعه

شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۳، ۱۷: ۵، افسسیان ۴: ۱۰، اول تیموتائوس ۳: ۱۶، اول یوحنا ۱: ۲). او اینک در سمت راست خدا نشسته است (مراجعه شود به مزمور ۱۱۰: ۱، انجیل لوقا ۲۲: ۶۹، اعمال رسولان ۲: ۳۳، رومیان ۸: ۳۴، افسسیان ۱: ۲۰، کولسیان ۳: ۱، عبرانیان ۱: ۳، ۸: ۱، ۱۰: ۱۲، ۱۲: ۲، ۲: ۱، اول پطرس ۳: ۲۲). این تأیید موافقت پدر بر زندگی و مرگ او است. کلمات یونانی متفاوتی برای توصیف بازگشتن عیسی به بهشت استفاده شده‌اند:

۱. اعمال رسولان ۱: ۲ و ۱۱ و ۲۲، *analambanō*، بلند شدن (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۳: ۱۶)

۲. اعمال رسولان ۱: ۹، *epairō*، بلند شدن

۳. انجیل لوقا ۹: ۵۱، *analēpsis*، حالت شماره ۱

۴. انجیل لوقا ۲۴: ۵۱، *diistēmi*، ترک کردن

اشارات زیادی در مورد بازگشت عیسی به بهشت در انجیل یوحنا شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۳، ۸: ۱۴ و ۲۱، ۱۲: ۳۳ الی

۳۴، ۱۳: ۳ و ۳۳ و ۳۶، ۱۴: ۴ و ۵ و ۱۲ و ۲۸، ۱۶: ۵ و ۱۰ و ۱۷ و ۲۸، ۲۶: ۷)

۵. انجیل یوحنا ۳: ۱۳، ۲۰: ۱۷، *ana BeBēken*، به بالا رفتن

۶. انجیل یوحنا ۶: ۶۲، *anabainō*، اوج گرفتن

این رخداد در انجیل متی یا مرقس به ثبت نرسیده است. انجیل مرقس در ۱۶: ۸ به پایان می‌رسد ولی یکی از سه اضافات بعدی رخداد را در

انجیل مرقس ۱۶: ۱۹ بیان می‌دارد (*analambanō*)

چندین اشاره در مورد حضور عیسی در بهشت در اعمال رسولان بیان شده‌اند

۱. پطرس - اعمال رسولان ۲: ۳۳، ۳: ۲۱

۲. استفان - اعمال رسولان ۷: ۵۵ الی ۵۶

۳. پولس - اعمال رسولان ۹: ۳ و ۵، ۲۲: ۶ الی ۸، ۲۶: ۱۳ الی ۱۵

۶۳: این آیه به واسطه حجم بیشتر متن یوحنا ۶ می‌تواند با تضاد میان پیمان قدیمی و پیمان جدید رابطه داشته باشد، موسی در مقابل عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۸، دوم قرنتیان ۳: ۶، مقایسه میان دو پیمان در کتاب عبرانیان را ببینید).

■ "روح است که زنده می‌کند" این یکی از بسیار عباراتی است که هم برای عیسی و هم برای روح القدس استفاده می‌شوند.

۱. روح القدس آب حیات می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۸ الی ۳۹)

۲. عیسی آب زندگی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۰ الی ۱۴)

۳. روح القدس روح حقیقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳)

۴. عیسی حقیقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)

۵. روح، روح القدس است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)

۶. و عیسی روح القدس است (مراجعه شود به انجیل یوحنا اول یوحنا ۲: ۱)

به این آیه توجه کنید که "روح" (*pneuma*) برای دو مفهوم خاص استفاده شده است.

۱. روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۲ و ۳۳، ۳: ۳۴، ۷: ۳۹، ۱۴: ۱۷، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳)

۲. معنوی / روحانی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۴، ۱۱: ۳۳، ۱۳: ۲۱)

در انجیل یوحنا ۳: ۵ و ۶ و ۸ مشکل می‌توان فهمید که کدامیک منظور است. اگر خودمان را به جای یوحنا بگذاریم، احتمالاً هر دو.

موضوع خاص: شخصیت روح را مطالعه نمایید

۶۴: این گروه ظاهری ولی در باطن غیر واقعی پیروان به گروه پیروان غیر واقعی تبدیل می‌شوند - یهودا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۷۰ الی ۷۱، ۱۳:

۱۱). به طور قطع رازی در سطح میزان ایمان افراد وجود دارد.

## موضوع خاص: ارتداد (APHISTĒMI)

### (SPECIAL TOPIC: APOSTASY (APHISTĒMI))

اصطلاح یونانی *aphistēmi* زمینه معنایی گسترده‌ای دارد. در زبان انگلیسی اصطلاح *apostasy* از این اصطلاح مشتق شده و کاربرد آن خوانندگان عصر مدرن را متعصب می‌کند. همیشه، متن کلید است نه مفهوم عصر حاضر.

این اصطلاح یک کلمه مرکب است که از پیشوند *apo* که به معنی "از" یا "به دور از" و *histēmi* به معنی "نشستن"، "ایستادن" یا "درست کردن" است. به کاربردهای غیر الهیاتی زیر توجه کنید.

۱. پاک کردن/حذف کردن به صورت فیزیکی
  - a. از معبد، انجیل لوقا ۲: ۳۷
  - b. از خانه، انجیل مرقس ۱۳: ۳۴
  - c. از فرد، انجیل مرقس ۱۲: ۱۲، ۱۴: ۵۰، اعمال رسولان ۵: ۳۸
  - d. از همه چیز، انجیل متی ۱۹: ۲۷ و ۲۹
۲. پاک کردن/حذف کردن به صورت سیاسی، اعمال رسولان ۵: ۳۷
۳. پاک کردن/حذف کردن به صورت رابطه‌ای، اعمال رسولان ۵: ۳۸، ۱۵: ۳۸، ۱۹: ۹، ۲۲: ۲۹
۴. پاک کردن/حذف کردن به صورت قانونی (طلاق)، تثنیه ۲۴: ۱ و ۳ (LXX) و عهد جدید، انجیل متی ۵: ۳۱، ۱۹: ۷، انجیل مرقس ۱۰: ۴، اول قرنتیان ۷: ۱۱
۵. پاک کردن/حذف کردن بدهی، انجیل متی ۱۸: ۷
۶. نشان دادن بی‌توجهی با ترک کردن، انجیل متی ۴: ۲۰، انجیل یوحنا ۴: ۲۸، ۱۶: ۳۲
۷. نشان دادن توجه با ترک نکردن، انجیل یوحنا ۸: ۲۹، ۱۴: ۱۸
۸. اجازه دادن، انجیل متی ۱۳: ۳۰، ۱۹: ۱۴، انجیل مرقس ۱۴: ۶، انجیل لوقا ۱۳: ۸

در مفهوم الهیاتی این فعال معنی گسترده‌ای دارد

۱. لغو کردن، عفو کردن، بخشیدن از گناه، خروج ۳۲: ۳۲ (LXX)، اعداد ۱۴: ۱۹، یعقوب ۴۲: ۱۰ و عهد جدید انجیل متی ۶: ۱۲ و ۱۴ الی ۱۵، انجیل مرقس ۱۱: ۲۵ الی ۲۶
۲. خودداری از گناه، دوم تیموتائوس ۲: ۱۹
۳. بی‌توجهی کردن با دوری کردن از
  - a. قانون، انجیل متی ۲۳: ۲۳، اعمال رسولان ۲۱: ۲۱
  - b. ایمان، حزقیال ۲۰: ۸ (LXX)، انجیل لوقا ۸: ۱۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۳، اول تیموتائوس ۴: ۱، عبرانیان ۳: ۱۲،

مومنین عصر مدرن سوالات الهیاتی بسیار زیادی می‌پرسند که نویسندگان عهد جدید هرگز راجع به آنها فکر نکرده بودند. یکی از این سوالات در رابطه با گرایش عصر مدرن نسبت به جدا کردن ایمان از وفاداری است.

افرادی در انجیل هستند که جزو مردمان خدا هستند ولی اتفاقاتی می‌افتند و باعث می‌شوند که آنها بروند.

#### I. عهد عتیق

- A. آنان که گزارش جاسوسی دوازده (ده) نفر را شنیدند، اعداد ۱۴ (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۱۶ الی ۱۹)
- B. قورح، اعداد ۱۶
- C. پسران القانه، اول سموئیل ۲ و ۴
- D. شائول، اول سموئیل ۱۱ الی ۳۱
- E. پیامبران دروغین مرد
  ۱. تثنیه ۱۳: ۱ الی ۵، ۱۸: ۱۹ الی ۲۲ (راه‌های شناختن پیامبران دروغین)
  ۲. ارمیا ۲۸
  ۳. حزقیال ۱۳: ۱ الی ۷

#### F. پیامبران دروغین زن

۱. حزقیال ۱۳: ۱۷

۲. نحما ۶: ۱۴

G. رهبران شیطان‌ی اسرائیل

۱. ارمیا ۵: ۳۰ الی ۳۱، ۸: ۱ الی ۲، ۲۳: ۱ الی ۴

۲. حزقیال ۲۲: ۲۳ الی ۳۱

۳. میکاه ۳: ۵ الی ۱۲

II. عهد جدید

A. این فعل یونانی به مفهوم "مرتد شدن" (to aposasize) است. عهد عتیق و عهد جدید هر دو تشدید فعالیت شیطان و تعالیم دروغین قبل از آمدن دوم را تأیید می‌کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۲۴، انجیل مرقس ۱۳: ۲۲، اعمال رسولان ۲۰: ۲۹ و ۳۰، دوم تسالونیکیان ۲: ۹ الی ۱۲، دوم تیموتائوس ۴: ۴). این اصطلاح یونانی می‌تواند منعکس کننده حرفهای یهودیان در تمثیل خاک در انجیل متی ۱۳، انجیل مرقس ۴، و انجیل لوقا ۸ باشد. این معلمین دروغین بدیهی است که مسیحی نیستند، ولی از درون آمده‌اند (مراجعه شود به امثال ۲۰: ۲۹ الی ۳۰، اول یوحنا ۲: ۱۹). با این حال، آنان می‌توانند مومنینی را که از نظر معنوی به بلوغ معنوی نرسیده‌اند، اغوا و گمراه کنند (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۱۲).

سوال الهیاتی این است که اصولاً آیا این معلمین دروغین مومن بوده‌اند؟ به این سوال به سختی می‌توان پاسخ داد زیرا این معلمین دروغین در کلیساهای محلی بودند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹). اغلب سنتها یا نگرش الهیاتی یا مذهبی ما بدون استناد به متن خاصی در انجیل به این سوالات پاسخ می‌دهند (به استثنای روشهای شیوه بررسی و صحت مطلب که از نقل آیه و بطن محتوا می‌توان گرایش کسی را اثبات کرد).

B. ایمان بدیهی

۱. یهودا، انجیل یوحنا ۱۷: ۱۲

۲. شمعون جادوگر، اعمال رسولان ۸

۳. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۷: ۱۳ الی ۲۳ صحبت می‌شد

۴. کسانیکه در موردشان در انجیل متی ۱۳ و انجیل مرقس ۴ و انجیل لوقا ۸ صحبت می‌شد

۵. یهودیان انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹

۶. الکساندر و هیمنائوس، اول تیموتائوس ۱: ۱۹ الی ۲۰

۷. آنان که در اول تیموتائوس ۶: ۲۱ در موردشان صحبت شد

۸. هیمنائوس و فیلتوس، دوم تیموتائوس ۲: ۱۶ الی ۱۸

۹. داماس، دوم تیموتائوس ۴: ۱۰

۱۰. معلمین دروغین، دوم پطرس ۲: ۱۹ الی ۲۲، یهودا ۱: ۱۲ الی ۱۹

۱۱. ضد مسیحیان، اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹

C. ایمان بی ثمر

۱. اول قرنتیان ۳: ۱۰ الی ۱۵

۲. دوم پطرس ۱: ۸ الی ۱۱

به دلیل الهیات سیستماتیک (کالونیسیم، ارنیسیم، و غیره) ما به ندرت به این متون فکر می‌کنیم، زیرا اینها پاسخ مجاز را بر ما دیکته می‌کنند. لطفاً در مورد من پیش داوری نکنید که این مطلب را مطرح می‌کنم. توجه من بر فرایند صحیح مطالعه انجیل است. ما باید اجازه دهیم که انجیل با ما صحبت کند و اینکه سعی نکنیم آن را در یک قالب الهیات از پیش آماده شده بگنجانیم. اغلب این کار به دلیل تعصبات فرهنگی، مذهبی و رابطه‌ای (والدین، دوستان، شبان) دردناک و ناراحت کننده است، نه به دلیل تعصبات انجیلی (موضوع خاص: دریافت کردن، ایمان آوردن اعتراف کردن یعنی چه؟ را مطالعه کنید). کسانی که جزو مردمان خدا هستند تبدیل به کسانی می‌شوند که جزو مردمان خدا نیستند (مراجعه شود به رومیان ۹: ۶).

۶: ۶۵ این همان حقیقت مندرج در انجیل یوحنا ۶: ۴۴ را بیان می‌دارد. انسان حقیر خود در جستجوی خدا پیش قدم نمی‌شود (برای یک سری از نقل قولهای عهد عتیق که تأکید بر گناهکار بودن نوع بشر و یاغیگری او دارند به رومیان ۳: ۹ الی ۱۸ مراجعه شود).

NASB: یوحنا ۶: ۶۶ الی ۷۱

«از این زمان، بسیاری از شاگردانش برگشته، دیگر او را همراهی نکردند. <sup>۶۷</sup>پس عیسی به آن دوازده تن گفت: «آیا شما نیز می‌خواهید بروید؟»

<sup>۶۸</sup> شمعون پطرس پاسخ داد: «سرور ما، نزد که برویم؟ سخنان حیات جاویدان نزد توست. <sup>۹</sup> و ما ایمان آورده و دانسته‌ایم که تویی آن قدوس خدا.» <sup>۷۰</sup> عیسی به آنان پاسخ داد: «مگر شما دوازده تن را من برنگزیده‌ام؟ با این حال، یکی از شما ابلیسی است.» <sup>۱۱</sup> او به یهودا، پسر شمعون آسخریوطی، اشاره می‌کرد، زیرا او که یکی از آن دوازده تن بود، پس از چندی عیسی را تسلیم دشمن می‌کرد.

۶: ۶۷ "دوازده" این نخستین بار است که یوحنا این اصطلاح را برای شاگردان استفاده می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۷۰ و ۷۱، ۲۰: ۲۴)

۶: ۶۸ "شمعون پطرس پاسخ داد" پطرس سخنگوی این دوازده نفر است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۶). این بدین معنی نیست که آنها او را به عنوان رهبر خود می‌دیدند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۳۴، انجیل لوقا ۹: ۴۶، ۲۲: ۲۴).

■ "سخنان حیات جاویدان نزد توست" مسیحیت هم (۱) حقیقت مندرج در پیام است "سخنان حیات جاویدان"، و (۲) حقیقتی که در شخص عیسی بیان می‌شود. پس انجیل هم پیام و هم فرد است. اصطلاح *distis* می‌تواند به هر دو (۱) پیام (مراجعه شود به یهودا ۳ و ۲۰) و (۲) فرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۵ الی ۱۶) مرتبط باشد.

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق

۶: ۶۹ "ما ایمان آورده و دانسته‌ایم" اینها هر دو زمان کامل فعال دلالت کننده هستند. رستگاری در اینجا زمان کامل است که به معنی آن می‌باشد که عملی در گذشته انجام شده و به اوج خود رسیده است و حالت آن همچنان باقی است. رستگاری واقعی شامل تمامی زمانهای فعل در دستور زبان یونانی است.

NASB, NRSV, NJV	"تو آن تنها مقدس خدایی"
NKJV	"تو مسیح هستی، پسر خدای زنده"
TEV	"تو آن تنها مقدسی که از جانب خدا آمده است"

در اینجا مشکلی در نسخ دستنویس وجود دارد. متن کوتاهتر (NASB)، نسخه جدید بازبینی شده، انجیل جدید اورشلیم) مورد حمایت نسخ دستنویس قدیمی یونانی است، <sup>۷۵</sup> B, C, D, LNP و W. نسخ بعدی مشخص است که کلماتی از اعتراف مارتا در انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷ یا پطرس در انجیل متی ۱۶: ۱۶ به آن اضافه شده است. UBS به نسخه کوتاهتر رتبه A (قطعی) داده است.

عبارت "آن تنها مقدس خدا" یک عنوان مسیحانه در عهد عتیق است. در انجیل لوقا ۱: ۳۵ و اعمال رسولان ۳: ۱۴ به آن اشاره شده است. این عنوانی است که توسط آن شیطان عیسی را در انجیل مرقس ۱: ۱۲، لوقا ۴: ۳۴ مورد خطاب قرار می‌دهد. این هم یک اعتراف دیگر حقیقت توسط آن دوازده نفر است، مشابه انجیل متی ۱۶.

۶: ۷۰ "مگر شما دوازده تن را من برنگزیده‌ام" این هم یک تأکید دیگر است بر انتخاب الهی شاگردان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). به سوال عیسی در انجیل یوحنا ۶: ۶۷ توجه کنید. انتخاب الهی و انتخاب انسانی باید در تنشهای انجیلی باقی بمانند. آنها دوروی پیمان و رابطه هستند.

■ "و با این حال، یکی از شما ابلیسی است" عجب اظهارات تکان دهنده‌ای! او به یکی از شاگردان حاشیه‌ای که روی برمی‌گرداند اشاره نمی‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۶۶)، بلکه به یکی از آن شاگردان منتخب که ادعا می‌کردند به او ایمان دارند، اشاره می‌کند. بسیاری این را به انجیل یوحنا ۱۳: ۲ یا ۲۷ مرتبط می‌دانند. سوالات زیادی نسبت به درک ما از این آیه مطرح است: (۱) چرا عیسی از کلمه ابلیس استفاده کرد؟ و (۲) معنی این اصطلاح در این عبارت چیست؟

سوال اول باید مربوط به رسالت پیش‌گویی کردن مربوط باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۲، مزمور ۴۱: ۹). عیسی می‌دانست که یهودا چه کار خواهد کرد. یهودا مثالی از نهایت گناه نابخشودنی است. عیسی را پس دیدن، شنیدن و با او بودن برای چندین سال، رد کرد.

سوال دوم دو معنی احتمالی دارد:

۱. برخی آن را به شیطان مرتبط می‌کنند (بدون فاعل برای شیطان در اعمال رسولان ۱۳: ۱۰ و مکاشفه ۲۰: ۲ استفاده شده است) که به درون یهودا رخنه می‌کند
۲. احتمالاً این اصطلاح با مفهوم عام استفاده شده است (بدون فاعل به آن شیوه که در اول تیموتائوس ۳: ۱۱، دوم تیموتائوس ۳: ۳ و تیتوس ۲: ۳

یهودا در مفهوم عهد عتیق متهم است، همانطور که شیطان متهم است. معنی اصطلاح یونانی آن دروغگو یا خبرچین است. این اصطلاح یونانی یک کلمه مرکب است، "پرتاب کردن به طرف مقابل".

۶: ۷۱ "شمعون اشخربوطی" نظریات زیادی در مورد این کلمه وجود دارد (این کلمه در نسخ مختلف یونانی به شیوه‌های متفاوتی نوشته شده است). می‌تواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد

۱. مردی از کریوت، شهری در یهودا
۲. یک مرد کارتانی، شهری از جلیل
۳. یک کیف چرمی که از آن برای حمل پول استفاده می‌شد
۴. یک کلمه عبری به معنی "خفه کردن"
۵. یک کلمه عبری به معنی چاقوی قاتل

اگر شماره ۱ درست باشد، او تنها یهودایی در میان آن دوازده نفر بود. اگر شماره ۵ درست باشد او یک متعصب مانند شمعون بوده است.

اخیرا کتابی نوشته شده که یهودا را با دید مثبت توصیف می‌کند. عنوان کتاب *Judas, Betrayer or Friend of Jesus?* نوشته ویلیام کلاسن، از انتشارات فورترس، چاپ ۱۹۹۶ است. مشکل من با آن، این است که توضیحات انجیل یوحنا را جدی نگرفته است.

■ "خیانت" این کلمه از یونانی ترجمه شده و در بیشتر متون خنثی است. با این حال، در رابطه با یهودا که عیسی را به مقامات تسلیم می‌کند، مفهوم آن شیطانی است. یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱۸: ۲ را مطالعه کنید.

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا انجیل یوحنا ۶ در مورد شام خداوند است؟ چرا یا چرا نه؟
۲. وقتی که عیسی گفت "من نان حیاتم"، ادعای عیسی چه بود؟
۳. چرا عیسی در میان جمعیت آنچنان اظهارات حیرت‌انگیزی کرد؟

## یوحنا ۷

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
بی‌ایمانی برادران عیسی	برادران عیسی ایمان نمی‌آورند	عیسی، آب حیات	عیسی و برادرانش	عیسی برای جشن به اورشلیم می‌رود و در آنجا آموزش می‌دهد
۷: ۱ الی ۹	۷: ۱ الی ۹	۷: ۱ الی ۹	۷: ۱ الی ۹	۷: ۱
عیسی در جشن خیمه‌ها	استادی از بهشت		عیسی در جشن خیمه‌ها	۷: ۲ الی ۹
۷: ۱۰ الی ۱۳	۷: ۱۰ الی ۲۴	۷: ۱۰ الی ۱۳	۷: ۱۰ الی ۱۱	۷: ۱۰ الی ۱۳
			۷: ۱۲ الی ۱۳	
۷: ۱۴ الی ۲۴		۷: ۱۴ الی ۱۸	۷: ۱۴ الی ۱۵	
		۷: ۱۹ الی ۲۴	۷: ۱۶ الی ۱۹	
			۷: ۲۰	
			۷: ۲۱ الی ۲۴	
آیا این مسیح است؟	آیا این می‌تواند مسیح باشد؟		آیا او مسیح است؟	مردم در مورد مبدا مسیح بحث می‌کنند
۷: ۲۵ الی ۳۱	۷: ۲۵ الی ۳۱	۷: ۲۵ الی ۳۱	۷: ۲۵ الی ۲۷	۷: ۲۵ الی ۲۷
			۷: ۲۸ الی ۲۹	۷: ۲۸ الی ۲۹
			۷: ۳۰ الی ۳۱	۷: ۳۰
افسران برای دستگیری عیسی اعزام شدند	عیسی و سران دینی		محافظان اعزام شدند تا عیسی را دستگیر کنند	عیسی نزدیک شدن عزیمت خود را پیش‌گویی می‌کند
۷: ۳۲ الی ۳۶	۷: ۳۲ الی ۳۶	۷: ۳۲ الی ۳۶	۷: ۳۲ الی ۳۴	۷: ۳۱ الی ۳۴
			۷: ۳۵ الی ۳۶	۷: ۳۵ الی ۳۶
رودخانه‌های آب حیات	وعده روح‌القدس		جریان آب حیات	وعده آب حیات
۷: ۳۷ الی ۳۹	۷: ۳۷ الی ۳۹	۷: ۳۷ الی ۳۹	۷: ۳۷ الی ۳۹	۷: ۳۷ الی ۳۸
				۷: ۳۹
تفرقه میان مردم	او کیست؟		تفرقه میان مردم	کشفیات جدید در مورد مبدا مسیح
۷: ۴۰ الی ۴۴	۷: ۴۰ الی ۴۴	۷: ۴۰ الی ۴۴	۷: ۴۰ الی ۴۴	۷: ۴۰ الی ۴۴
بی‌ایمانی آنها که جزو مقامات بودند	رد شده توسط مقامات		بی‌ایمانی مقامات یهود	
۷: ۴۵ الی ۵۲	۷: ۴۵ الی ۵۲	۷: ۴۵ الی ۵۲	۷: ۴۵	۷: ۴۵ الی ۵۲
			۷: ۴۶	
			۷: ۴۷ الی ۴۹	
			۷: ۵۰ الی ۵۱	
			۷: ۵۲	



### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم، حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرد.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند، ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

### فراست و آگاهی نسبت به آیات ۱ الی ۵۲

۱. موضوع یوحنا ۵ و ۶ در خصوص عید پسخ بود. موضوع یوحنا ۷: ۱ تا ۱۰: ۲۱ جشن خیمهها است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲ به بعد)
۲. جشن خیمهها اساساً یک نوع مراسم شکرگزاری برای درو بود (در تورات عید حصاد نامیده شده، مراجعه شود به کتاب خروج ۲۳: ۱۶، ۳۴: ۲۲). همچنین زمان یادآوری تجربه خروج است (روز کفاره، مراجعه شود به لاویان ۲۳: ۲۹ الی ۴۴ و تثنیه ۱۶: ۱۳ الی ۱۵). این جشن در پانزدهم تیشری است، که حدود اواخر سپتامبر یا اوایل اکتبر ماه می شود.
۳. یوحنا ۷ و ۸ دشمنی نهادهای یهودی بر علیه شبات شکنی عیسی را نشان می دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۶) و ادعای او که با یهوه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۸). به تعداد دفعات که تلاشهای آنان در متون ذکر شده دقت کنید.
  - a. دستگیر کردن او، انجیل یوحنا ۷: ۳۰ و ۳۲ و ۴۴، ۱۰: ۳۹
  - b. کشتن او، انجیل یوحنا ۷: ۱ و ۱۹ و ۲۵، ۸: ۳۷ و ۴۰ (همچنین انجیل یوحنا ۱۱: ۵۳).

### مطالعه کلمات و عبارات

#### NASB: یوحنا ۷: ۱ الی ۹

۱ پس از این، عیسی چندی در جلیل می گشت، زیرا نمی خواست در یهودیه باشد، چرا که یهودیان در پی کشتنش بودند. ۲ چون عید خیمهها که از اعیاد یهود بود، نزدیک شد، ۳ برادران عیسی به او گفتند: «اینجا را ترک کن و به یهودیه برو تا پیروانت کارهایی را که می کنی ببینند، ۴ زیرا هر که بخواهد شناخته شود، در نهان کار نمی کند. تو که این کارها را می کنی، خود را به جهان بنما.» ۵ زیرا حتی برادرانش نیز به او ایمان نیاورده بودند. ۶ پس عیسی به ایشان گفت: «هنوز وقت من فرا نرسیده، اما برای شما هر وقتی مناسب است. ۷ جهان نمی تواند از شما متنفر باشد اما از من نفرت دارد، زیرا من شهادت می دهم که کارهایش بد است. ۸ شما خود برای عید بروید، من [فعلاً] به این عید نمی آیم، زیرا وقت من هنوز فرا نرسیده است.» ۹ این را گفت و در جلیل ماند.

۷: ۱ "پس از این" به بیان کلی، این عبارت برای ادامه بحث به کار می رود نه اینکه یک نشان ایجاد تاخیر یا مکث در بحث باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱، ۶: ۱، ۷: ۱، ۱: ۲۱).

■ "یهودیان در پی کشتنش بودند" در انجیل یوحنا "یهودیان" اغلب مفهوم شوم دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۹، ۲: ۱۸ و ۲۰، ۵: ۱۰ و ۱۵ و ۱۶، ۶: ۴۱ و ۵۲، ۷: ۱ و ۱۱ و ۱۳ و ۳۵، ۸: ۲۲ و ۵۲ و ۵۷، ۹: ۱۸ و ۲۲، ۱۰: ۲۴ و ۳۱ و ۳۳ و ۱۱: ۸، ۱۹: ۷ و ۱۲، ۲۰: ۱۹). نفرت و نیت قتل آنان چندین مرتبه به ثبت رسیده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۶ الی ۱۸، ۷: ۱۹ و ۳۰ و ۴۴، ۸: ۳۷ و ۴۰ و ۵۹، ۱۰: ۳۱ و ۳۳ و ۳۹، ۱۱: ۸ و ۵۳).

۷: ۲ "عید خیمهها که از اعیاد یهود بود" این عید، جشن خیمهها هم نامیده می شود (مراجعه شود به لاویان ۲۳: ۳۴ الی ۴۴) زیرا در طول درو محصولات کشاورزی، روستاییان در خیمههای کوچکی در میان مزارع زندگی می کردند، که یادآور تجربه خروج برای یهودیان بود. در انجیل یوحنا ۷: ۱ الی ۱۰: ۲۱ مراسم و آداب و رسوم این جشن، همانند عید پسخ در انجیل یوحنا ۵ و ۶، زمینه ای را برای آموزشهای عیسی فراهم می سازد.

۷: ۳ "برادرانش" از انجیل یوحنا ۲: ۱۲، این نخستین مرتبه است که از خانواده عیسی نام برده می شود. بدیهی است آنها انگیزه، روشها و یا هدف او را درک نمی کردند.

■ "اینجا را ترک کن و به یهودیه برو" این اشاره به کاروان سالانه زائرین دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۴۱ الی ۴۴) که جلیل را ترک می‌کرد و رهسپار اورشلیم می‌شد. بخاطر داشته باشید که تمرکز انجیل یوحنا بر روی بشارت عیسی در اورشلیم است.

۷: ۴ "به جهان بنما" به موضوع خاص: جسارت (*parrhēsia*) مراجعه شود.

■ "اگر" این عبارت شرط درجه اول است که از دیدگاه نگارنده تصور می‌کند، شرط درست است.

■ "خود را به جهان بنما" عیسی اصطلاح "جهان" در انجیل یوحنا ۷: ۴ را انتخاب می‌کند و در انجیل یوحنا ۷: ۷ توضیحاتی به آن اضافه می‌نماید. جهان او را نمی‌پذیرد و گرایشی نسبت به او ندارد، بلکه با او دشمنی می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۱۹، ۱۷: ۱۴، اول یوحنا ۳: ۱۳) زیرا او ماهیت یا غیرگی و گناهانش (منظور جهان است) را بر ملا می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹ الی ۲۰).

شیوه برادران عیسی برای اینکه عیسی خودش را افشا کند (به عنوان نمونه، با معجزه) به طور کامل با شیوه عیسی (به صلیب کشیده شدن) تفاوت داشت. این رسالت اشعیا ۵۵: ۸ الی ۱۱ بدین شیوه به صورت شفاف نمایان می‌شود.

۷: ۵ "زیرا حتی برادرانش نیز به او ایمان نیاورده بودند" این هم توضیح دیگری از جانب نگارنده است. باید قبول کردن عیسی به عنوان مسیح، به خصوص وقتی که با هم در یک خانه بزرگ شده باشید، بسیار دشوار باشد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۲۰ الی ۲۱). عیسی برادران و خواهرانش را دوست داشت. یکی از ظاهر شدنهای عیسی پس از رستاخیزش از مردگان با هدف نمایان ساختن خودش بر برادران و خواهرانش بود. آنها ایمان آوردند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۱۴)! یعقوب تبدیل به رهبر کلیسای اورشلیم شد. و هم یعقوب و هم یهودا کتبی را نوشتند که در عهد جدید اضافه شدند.

۷: ۶ "هنوز وقت من فرا نرسیده" کلمه "زمان" (*kairos*) فقط در اینجا (دو مرتبه تکرار شده) یافت می‌شود و در انجیل یوحنا ۷: ۸ و نامه‌هایش. BAGD سه مفهوم اولیه را ارائه می‌دهد:

۱. زمان خوش آمدگویی (مثل دوم قرنتیان ۶: ۲)

a. یک زمان مناسب (دوم قرنتیان ۶: ۲)

b. یک زمان تعیین شده (انجیل مرقس ۱۳: ۳۳، اعمال رسولان ۳: ۲۰، اول پطرس ۱: ۱۱)

۲. زمان مناسب یا مطلوب

a. زمان مناسب (انجیل متی ۲۴: ۴۵، انجیل لوقا ۱: ۲۰)

b. یک زمان مشخص (انجیل یوحنا ۷: ۸، انجیل لوقا ۱: ۲۰)

۳. یک زمان اسکاتولوژیک (انجیل لوقا ۲۱: ۸، رومیان ۱۳: ۱۱، اول تسالونیکیان ۵: ۱، دوم تسالونیکیان ۲: ۶)

شماره‌های ۲ و ۳ همپوشانی معنایی با یکدیگر دارند.

عیسی ماموریت خود را درک کرد (مراجعه شود به ۱۲: ۲۳، ۱۳: ۱، ۱۷: ۱ الی ۵). یک زمانندی الهی برای این رخدادهای انجیلی تعیین شده بود که رخ دهند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۲، انجیل یوحنا ۷: ۳۰، ۸: ۲۰، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸).

موضوع خاص: ساعت را مطالعه نمایید.

۷: ۷ "جهان" به موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان) مراجعه کنید.

۸: ۷

NASB "شما به جشن بروید. من بالا به جشن نمی‌روم"

NKJV "شما بالا به این جشن بروید. من هنوز به این جشن نمی‌روم"

NRSV, NJB "شما خودتان به این فستیوال بروید. من به این فستیوال نمی‌روم"

TEV "شما به فستیوال بروید. من به این فستیوال نمی‌روم"

در چندین نسخه قدیمی دستنویس یونانی (D و K) قید "هنوز" وجود ندارد. این طور به نظر می‌رسد که از همان ابتدا تلاش می‌شد که در نسخه‌های دستنویس تضادهای میان انجیل یوحنا ۷: ۸ و ۱۰ را برطرف نمایند. این قید در MSS P<sup>66</sup>, P<sup>75</sup>, B, L, T و W (نسخه جدید شاه جیمز، عهد جدید قرن بیستم، نسخه بین‌المللی جدید) اضافه شده است.

این توضیح کوتاه را می‌توان به یکی از شیوه‌های زیر درک کرد:

۱. من با شما نمی‌آیم (نه به خاطر منظورتان)
۲. من در اواسط جشن هشت روزه می‌روم (تا جشن را به عنوان نماد نشان دهد)

**NASB: انجیل یوحنا ۷: ۱۰ الی ۱۳**

«اما پس از آن که برادرانش برای آن عید رفتند، خود نیز رفت، اما نه آشکارا بلکه در نهان. <sup>۱۱</sup> پس یهودیان، هنگام عید او را جستجو می‌پرسیدند: «آن مرد کجاست؟» <sup>۱۲</sup> و درباره او بین مردم همه‌مهمه بسیار بود. بعضی می‌گفتند: «مردی است نیک»، اما بعضی دیگر می‌گفتند: «نه! بلکه مردم را گمراه می‌کند.» <sup>۱۳</sup> لیکن چون از یهودیان می‌ترسیدند، هیچ‌کس درباره او آشکارا سخن نمی‌گفت.»

۷: ۱۱ "یهودیان" در این فصل چهار گروه جداگانه با عیسی در تعامل هستند.

۱. برادرانش
۲. "یهودیان" که منظور سران مذهبی قوم یهود است
۳. "جمعیت" که منظور زائرینی است که برای جشن خیمه‌ها می‌آیند
۴. "مردم اورشلیم" که مردم محلی بوده و سانه‌درین را می‌شناختند و از نیت آنها برای قتل عیسی آگاهی داشتند.

۷: ۱۲ "درباره او بین مردم همه‌مهمه بسیار بود" این کار معمولی است که انجیل در میان هر جمعیتی انجام می‌دهد. نشان دهنده تفاوت در توانایی‌های معنوی و سطح درک فعلی نوع بشر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۴۰ الی ۴۴).

■ "بلکه مردم را گمراه می‌کند" فعل *planaō* برای کاربردهای زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

۱. اساتید قلابی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۱۱، دوم تیموتائوس ۳: ۱۳، اول یوحنا ۱: ۸، ۲: ۲۶، ۳: ۷)
  ۲. مسیح‌های قلابی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۴ الی ۵ و ۲۴، در انجیل یوحنا آنچه یهودیان در مورد عیسی فکر می‌کردند در این آیات هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۱۲ و ۴۷، انجیل متی ۲۷: ۶۳))
  ۳. مردم خودشان را گمراه می‌کنند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۳: ۱۸، اول یوحنا ۱: ۸) یا
  ۴. گمراهشان می‌کنند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۶: ۹، ۱۵: ۳۳، غلاطیان ۶: ۷، یعقوب ۱: ۱۶)
- این کلمه در مورد سیاراتی به کار می‌رود که از قوانین مداری منظومه خود پیروی نمی‌کنند. به آنها "سرگردان" می‌گویند.

۷: ۱۳ "آشکارا سخن گفتن" این جمعیت یهودی بودند. این به وضوح استفاده تخصصی یوحنا از این اصطلاح برای اشاره به رهبران مذهبی در اورشلیم را نشان می‌دهد.

**NASB: انجیل یوحنا ۷: ۱۴ الی ۱۸**

<sup>۱۴</sup> اما چون نیمی از عید گذشته بود، عیسی به صحن معبد آمد و به تعلیم دادن آغاز کرد. <sup>۱۵</sup> یهودیان در شگفت شده، می‌پرسیدند: «این مرد که علم دین نیاموخته، چگونه می‌تواند از چنین دانشی برخوردار باشد؟» <sup>۱۶</sup> عیسی در جواب ایشان گفت: «تعالیم من از خودم نیست، بلکه از اوست که مرا فرستاده است. <sup>۱۷</sup> اگر کسی برآستی بخواهد اراده او را به عمل آورد، در خواهد یافت که آیا این تعالیم از خداست یا من از خود می‌گویم. <sup>۱۸</sup> آن که از خود می‌گوید، در پی جلال خویشتن است، اما آن که خواهان جلال فرستنده خویش است، راستگوست و در او هیچ ناراستی نیست.»

۷: ۱۴ "اما چون نیمی از عید گذشته بود" علت دقیق اینکه چرا عیسی تا این موقع صبر کرده بود، مشخص نیست، ولی می‌توان حدس زد که این به مردم شهر و زائرین زمان می‌دهد تا در مورد او و بشارتش صحبت کنند. همچنین به سران یهودی فرصت می‌دهد که دشمنی خود را با او، آشکارا نشان دهند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۳).

■ "تعلیم دادن" رخدادهای آموزشی عیسی با مشخصه‌های زیر متمایز می‌گردند:

۱. آموزش دادن، انجیل متی ۴: ۲۳، ۵: ۲ و ۱۹، و غیره، انجیل یوحنا ۶: ۵۹، ۷: ۱۴ و ۲۸ و ۳۵، ۸: ۲۰ و ۲۸
۲. موعظه‌ها، انجیل لوقا ۴: ۱۸، ۷: ۲۲، ۹: ۶، ۲۰: ۱

به نظر می‌رسد که اینها به صورت مترادف استفاده شده باشند تا به جدایی ناپذیر بودن حقیقت خدا نسبت به انسان مخلوقش اشاره داشته باشند. مکاشفه همیشه به معنی آگاه‌سازی و اصلاح بوده است. این نیازمند تصمیم است که با تغییر در اولویتهای زندگی همراه شوند. حقیقت همه چیز را عوض می‌کند.

۷: ۱۵ "این مرد که علم دین نیاموخته، چگونه می‌تواند از چنین دانشی برخوردار باشد؟" به بیان ساده این آیه می‌گوید که عیسی در هیچ مدرسه دینی شرکت نکرده و شاگرد هیچیک از روحانیون برجسته نبوده است. استفاده از عبارت "این مرد" در اینجا به مفهوم بی‌احترامی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۷ و ۲۹).

تعالیم عیسی اغلب شنوندگان را به دلیل موارد زیر متحیر می‌ساخت (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۱ الی ۲۲، انجیل لوقا ۴: ۲۲):

۱. محتوا
۲. حالت

سایر روحانیون به یکدیگر می‌گفتند: عیسی از خدا نقل قول می‌کند!

۷: ۱۶ عیسی نه فقط به خاطر اطاعتش از پدر (به یادداشت انجیل یوحنا ۵: ۱۹ مراجعه شود)، بلکه به خاطر شناخت منحصر به فردی که از پدر داشت توجه همه را به خود جلب می‌کرد. این یک پارادوکس کلی از پیشنهاد انجیل (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶) و پادشاهی خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵) است. روح باید قلبها را باز کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۳).

۷: ۱۸ عیسی منحصر به فرد بودن خود را که متضاد با بشر حقیر بود تصریح می‌کرد: (۱) او در جستجوی جلال خودش نبود، (۲) او در جستجوی جلال پدر بود، (۳) او راستگو بود، و (۴) او بدون گناه بود.

■ "جلال فرستنده خویشتن" به یادداشت مندرج در انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه شود.

■ "او راستگوست" موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا) را ببینید

■ "در او هیچ ناراستی نیست" عیسی می‌توانست بجای ما بمیرد زیرا او نیازی نبود که به خاطر گناهان خودش بمیرد (دوم قرن‌تبار ۵: ۲۱). بدون گناه بودن عیسی یک موضوع حساس در الهیات و علم خداشناسی است. این موضوع اغلب به شیوه‌های مختلف بیان شده است:

۱. انجیل لوقا ۲۳: ۴۱
۲. انجیل یوحنا ۶: ۶۹، ۷: ۱۸، ۸: ۴۶، ۱۴: ۳۰
۳. دوم قرن‌تبار ۵: ۲۱
۴. عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶، ۹: ۱۴
۵. اول پطرس ۱: ۱۹، ۲: ۲۲ (اشعیا ۵۳: ۹)
۶. اول یوحنا ۲: ۲۹، ۳: ۵ و ۷

#### NASB: انجیل یوحنا ۷: ۱۹ الی ۲۴

۱۹ آیا موسی شریعت را به شما نداد؟ اما هیچ‌یک از شما بدان عمل نمی‌کنند. از چه رو کمر به قتل من بسته‌اید؟<sup>۱۹</sup> مردم پاسخ دادند: «تو دیو زده‌ای! کیست که در پی کشتن تو باشد؟»<sup>۲۱</sup> عیسی در پاسخ ایشان گفت: «من یک معجزه کردم و شما همگی از آن در شگفت شده‌اید.<sup>۲۲</sup> موسی حکم ختنه را به شما داد - البته این نه از موسی بلکه از پدران قوم بود - و بر این پایه، در روز شَبَّات نیز پسران را ختنه می‌کنید.<sup>۲۳</sup> پس اگر انسان در روز شَبَّات نیز ختنه می‌شود تا شریعت موسی شکسته نشود، چرا خشمگینید از اینکه تمام بدن انسانی را در روز شَبَّات سلامتی بخشیدم؟<sup>۲۴</sup> به ظاهر دآوری مکنید، بلکه به حق دآوری کنید.»

۷: ۱۹ "آیا موسی شریعت را به شما نداد؟" ساختار دستور زبان انتظار پاسخ "بله" را دارد.

■ "اما هیچ‌یک از شما بدان عمل نمی‌کنند" این بیان عیسی باید برای یهودیانی که الزام داشتند در جشن شرکت کنند، شوکه کننده باشد.

قوانین موسی به صراحت قتل عمد را منع می‌کند، با این حال، این دقیقاً کاری بود که سران قوم آن را داشتند برنامه‌ریزی می‌کردند. مردم محلی از این امر آگاهی داشتند ولی تمایلی نداشتند که این برنامه را متوقف نمایند و یا حتی از آن شکایت یا گله کنند.

■ "از چه رو کمر به قتل من بسته‌اید؟" سوال انجیل یوحنا ۷: ۲۰ خطاب به سران قوم نیست، بلکه خطاب به جمعیت و زائرینی است که می‌آیند و هیچ چیز درباره نقشه قتل عیسی نمی‌دانستند. بعداً در انجیل یوحنا ۷: ۲۵ مردم اورشلیم از نقشه قتل عیسی با خبر می‌شوند.

رهبران دینی هم عیسی را متهم به این می‌کردند که دیو زده است تا توجه را از قدرت و بینش او منحرف سازند (مراجعه شود به انجیل متی ۹: ۳۴، ۱۱: ۱۸، ۱۲: ۲۴، انجیل مرقس ۳: ۲۲ الی ۳۰، انجیل یوحنا ۸: ۴۸ الی ۵۲، ۱۰: ۲۰ الی ۲۱).

۷: ۲۰ "تو دیو-زده‌ای" برای هر کسی که با عیسی برخورد می‌کرد مشهود و بدیهی بود که او قدرتی معنوی و الهی دارد. سوال این بود که این قدرت از کجا آمده است؟ سران یهود نمی‌توانستند "گناهان/معجزات" عیسی را انکار کنند، بنابراین قدرت او را به شیطان و شیاطین نسبت می‌دادند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۸ الی ۴۹ و ۵۲، ۱۰: ۲۰).

در این متن زائرنی که در جشن خیمه‌ها شرکت کرده بودند از همین عبارت استفاده می‌کنند، ولی با احساسی دیگر. آنها می‌گفتند که عیسی به شیوه غیر عقلانی و متوهم‌گونه رفتار می‌کند.

موضوع خاص: فرشتگان و شیاطین را مطالعه نمایید.

۷: ۲۲

"نه به خاطر اینکه از جانب موسی است، بلکه به خاطر اینکه از جانب پدر است"	<b>NASB, NKJV</b>
"البته که از جانب موسی نیست، بلکه از اسفار پنج گانه است"	<b>NRSV</b>
"هرچند از جانب موسی نبود، بلکه اجداد شما آغازگر آن بودند"	<b>TEV</b>
"- که از او شروع نشد، بلکه از اسفار پنج گانه شروع شد"	<b>NJB</b>
"نه به خاطر اینکه از جانب موسی است، بلکه به خاطر اینکه از جانب پدران اجدادیش است"	<b>NASB, NKJV</b>

سنت ختنه از زمان قوانین موسی شروع نمی‌شود (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲: ۴۸، لاویان ۱۲: ۳)، بلکه به عنوان پیمان خاص با یهوه به ابراهیم داده شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۷: ۹ الی ۱۴، ۲۱: ۴، ۳۴: ۲۲).

■ "در روز شَبَات نیز پسران را ختنه می‌کنید" نکته بحث عیسی در این بود که آنها مایل نبودند که قوانین شبات را کنار بگذارند و پسران را در روز شبات ختنه کنند (مراجعه شود به shab ۱۳۲، sabh ۱۸: ۳، ۱۹: ۱ الی ۶)، و نمی‌خواستند که طبق قوانین شبات در این روز مرد کاملی شفا یابد. این مهم است که تشخیص داده شود عیسی از قالب منطق و تفکر روحانیون یهود در سراسر این بخش استفاده می‌کند.

۷: ۲۳ "اگر" این عبارت شرطی درجه اول است که تصور می‌کند از دیدگاه نگارنده شرط درست است و این امکان هم هست که فقط از جنبه نگارشی این چنین بیان شده است.

■ "چرا خشمگینید از اینکه تمام بدن انسانی را در روز شَبَات سلامتی بخشیدم" این به تمام شفاهای عیسی در انجیل یوحنا ۵: ۱ الی ۹ و یا شفاهای ثبت نشده در طول جشن اشاره دارد.

اصطلاح یونانی "عصبانی" (*cholaō*) به ندرت در عهد جدید دیده می‌شود. حتی به صورت گهگاه در کتب یونانی دیده می‌شود (Bauer Arndt Gingrich and Danker - BAGD، صفحه ۸۸۳، و MM صفحه ۶۸۹). این اصطلاح به کلمه "gall" مربوط است (*cholē*)، مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۳۴). علت این عیسی از این کلمه استفاده کرده مشخص نیست. می‌تواند اشاره به "خشم الهی" باشد، بدین مفهوم که آنها فکر می‌کردند یهودیان اراده و قوانین خدا را نقض می‌کنند.

۷: ۲۴ "به ظاهر داوری مکنید، بلکه به حق داوری کنید" این یک جمله حال امری با لفظ منفی است، که به معنی این است عملی را که در حال انجام است باید متوقف گردد. این جمله با زمان آئوریستی دلالتی که دلالت بر فوریت امر دارد همراه است. این می‌تواند الهامی از اشعیا ۱۱: ۳ باشد.

**NASB: انجیل یوحنا ۷: ۲۵ الی ۳۱**

۲۵ پس، برخی از اورشلیمیان گفتند: «آیا این همان نیست که قصد کشتنش دارند؟<sup>۲۶</sup> ببینید چگونه آشکارا سخن می‌گویند و بدو هیچ نمی‌گویند! آیا ممکن است بزرگان قوم برآستی دریافته باشند که او همان مسیح است؟<sup>۲۷</sup> اما می‌دانیم این مرد از کجا آمده است، حال آنکه چون مسیح ظهور کند، کسی نخواهد دانست از کجا آمده است.»<sup>۲۸</sup> آنگاه عیسی به هنگام تعلیم در معبد، ندا در داد که: «مرا می‌شناسید و می‌دانید از کجایم. اما من از جانب خود نیامده‌ام. او که مرا فرستاده، حق است؛ و شما او را نمی‌شناسید.<sup>۲۹</sup> اما من او را می‌شناسم، زیرا من از اویم و او مرا فرستاده است.»<sup>۳۰</sup> پس خواستند گرفتارش کنند، اما هیچ‌کس بر او دست دراز نکرد، چرا که ساعت او هنوز فرا نرسیده بود.<sup>۳۱</sup> با این حال، بسیاری از آن جماعت بدو ایمان آوردند. آنان می‌گفتند: «آیا چون مسیح بیاید، بیش از این مرد معجزه خواهد کرد؟»

۷: ۲۵ "آیا این همان نیست که قصد کشتنش دارند" حالت دستور زبانی این سوال انتظار پاسخ "بله" را دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۴۷، ۷: ۱۹). این نخستین سوال از این مجموعه سوالات در طول انجیل یوحنا ۷: ۳۶ است.

NASB, REV, NET "او در جمع صحبت می کند"  
NKJV "او با جسارت صحبت می کند"  
NRSV, NJB "او باز صحبت می کند"

### موضوع خاص: جسارت (*parrhēsia*)

#### (SPECIAL TOPIC: BOLDNESS (*PARRHĒSIA*))

این اصطلاح یونانی از ترکیب "همه" (*pan*) و "سخن گفتن" (*rhēsis*) درست شده است. این آزادی یا جسارت در سخن گفتن اغلب مفهوم جسارت در میان مخالفان و طردکنندگان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۱۳، اول تسالونیکیان ۲: ۲).

در نوشته‌های یوحنا (۱۳ مرتبه استفاده شده است) اغلب به مفهوم اعلام عمومی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۲۰، همچنین در نوشته‌های پولس، کولسیان ۲: ۱۵). با این حال، گاهی اوقات فقط به معنی "به روشنی" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۴، ۱۱: ۱۴، ۱۶: ۲۵ و ۲۹).

در اعمال رسولان، شاگردان از پیامی در باره عیسی صحبت می کنند، به همان شیوه (با جسارت) که عیسی درباره پدر و برنامه‌ها و وعده‌هایش صحبت می کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۹، ۴: ۱۳ و ۲۹ و ۳۱: ۹، ۲۷ و ۲۸، ۱۳: ۴۶، ۱۴: ۱۳، ۱۸: ۲۶، ۱۹: ۸، ۲۶: ۲۶، ۲۸: ۳۱). پولس همچنین درخواست کرد برایش دعا شود که بتواند با جسارت انجیل را موعظه کند (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۱۹، اول تسالونیکیان ۲: ۲) و انجیل را زنده نگاه دارد (مراجعه شود به فیلیپیان ۱: ۲۰).

امید اسکاتولوژیک پولس در مسیح به او جسارت و اعتماد به نفس داد تا انجیل را در این عصر شیطنی موعظه کند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳: ۱۱ و ۱۲). او همچنین اطمینان داشت که پیروان عیسی به صورت مناسب عمل خواهند کرد (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۷: ۴).

یک جنبه دیگر در این اصطلاح وجود دارد. کتاب عبرانیان از آن به مفهومی منحصر به فرد جسارت مومن در مسیح برای نزدیک شدن به خدا و صحبت کردن با او استفاده می کند (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۶، ۴: ۱۶، ۱۰: ۱۹ و ۳۵). مومنین به طور کامل با صمیمیت پدر از طریق پسر مورد استقبال قرار گرفته و پذیرفته می شوند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۲۱)!

به چندین شیوه در عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است

۱. اطمینان، جسارت یا اعتماد نسبت به

a. انسانها (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۹، ۴: ۱۳ و ۳۱، دوم قرنتیان ۳: ۱۲، افسسیان ۶: ۱۹)

b. خدا (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲۱، ۴: ۱۲، ۵: ۱۴، عبرانیان ۳: ۶، ۴: ۱۶، ۱۰: ۱۹)

۲. آزادانه، شفاف یا غیر مبهم سخن گفتن (مراجعه شود به انجیل مرقس ۸: ۳۲، انجیل یوحنا ۷: ۴ و ۱۳، ۱۰: ۲۴، ۱۱: ۱۴، ۱۶: ۲۵، اعمال رسولان ۲۸: ۳۱)

۳. در ملا عام صحبت کردن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۶، ۱۱: ۵۴، ۱۸: ۲۰)

۴. حالت مرتبط (*parrhēsiazomai*) برای با جسارت موعظه کردن در شرایط سخت استفاده می شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۸: ۲۶، ۱۹: ۸، افسسیان ۶: ۲۰، اول تسالونیکیان ۲: ۲)

"فرمانروایان واقعا نمی دانستند که این مسیح است، می دانستند" NASB

"آیا فرمانروایان واقعا می دانستند که این مسیح واقعی است" NKJV

"ممکن است که مقامات بدانند که این همان مسیح است" NRSV

"ممکن است که آنان بدانند که این همان مسیح است" TEV

"می تواند درست باشد که مقامات تشخیص داده اند که او مسیح است" NJB

"شاید بزرگترها دریافته باشند که او مسیح است" NASB

این ساختار دستور زبانی انتظار پاسخ "نه" را دارد. با این حال، می‌تواند بیان‌کننده یک احتمال هم باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۱، ۴: ۲۹).

۷: ۲۷ "ما می‌دانیم این مرد از کجا آمده است، حال آنکه چون مسیح ظهور کند، کسی نخواهد دانست از کجا آمده است" بر مبنای ملاکی ۳: ۱ این اشاره به سنت مسیحیت روحانیون دارد، که در آن مسیح به صورت ناگهانی از معبد ظهور می‌کند. این را می‌توان در اول انوش ۴۸: ۶ و چهارم عزرا ۱۳: ۵۱ الی ۵۲ دید.

۷: ۲۸ در این آیه عیسی دو مورد را اظهار می‌دارد:

۱. که خدا او را فرستاده (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۷ و ۳۴، ۵: ۳۶ و ۳۸، ۶: ۲۹، ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱)

۲. که آنها خدا را نمی‌شناسند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۷ و ۴۲، ۸: ۱۹ و ۲۷ و ۵۴ الی ۱۶: ۳)

یوحنا ثبت کرده که عیسی "فریاد می‌زند" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۷، ۱۲: ۴۴، انجیل متی ۸: ۲۹). عیسی صدای خود را بلند می‌کند تا شنیده شود. در یک بیان، این همانند موقعی که در ابتدا عیسی "آمین" یا "آمین، آمین" می‌گوید، عمل می‌کند. او می‌خواست که بر این اظهارات دو پهلو تأکید شود. انجیل یوحنا ۷: ۲۹ مشکل را نشان می‌دهد. آنها فکر می‌کنند که او از جلیل است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۴۱)، ولی در واقعیت او از بهشت است!

■ "او که مرا فرستاده، حق است" پدر حق است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۳، ۸: ۲۶، اول یوحنا ۵: ۲۰ و پسر هم همینطور (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۱۸، ۸: ۱۶)).

موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)

۷: ۲۹ "من او را می‌شناسم، زیرا من از اویم و او مرا فرستاده است" این هم یک نمونه دیگر از دوالیسم عمودی در انجیل یوحنا است. این اظهار توسط سران یهود کفرآمیز تلقی می‌شد و خواسته آنان را برای کشتن عیسی تأیید می‌کرد.

موضوع خاص: فرستادن (apostellō)

۷: ۳۰ "پس خواستند گرفتارش کنند" این فعل زمان غیرکامل است که دلالت دارد بر:

۱. آنها شروع کردند به جستجو برای یافتن او

۲. آنها بارها و بارها سعی داشتند که دستگیرش کنند ولی نمی‌خواستند میان زائیرینی که ایمان آورده بودند او مسیح است، شورش و بلوا ایجاد شود

■ "چرا که ساعت او هنوز فرا نرسیده بود" این یک اصطلاح عامیانه است که زمانبندی الهی را مشخص می‌کند. (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۴، ۷: ۶ و ۳۰، ۸: ۲۰، ۱۲: ۲۳ و ۲۷، ۱۳: ۱۷، ۱: ۱).  
۷: ۳۱ "با این حال، بسیاری از آن جماعت بدو ایمان آوردند" این ایمان واقعی به عیسی بود هر چند که لبریز از تصورات نادرست درباره مسیح بودن او بود. هیچ کس ایمان "کامل" ندارد (مراجعه شود به نوح، ابراهیم، موسی، داوود، دوازه).

همیشه هر بار که انجیل معرفی شده، این اتفاق افتاده است. برخی ایمان می‌آورند، برخی تردید می‌کنند، و برخی عصبانی می‌شوند. اینجا محل تلاقی رازهای زیر است:

۱. انتخاب الهی

۲. گناه آلود بودن انسان

در اینجا رازی نهفته است. من همیشه از ایمان نیاوردن برخی با وجود این همه نور در شگفت هستم. این احتمالاً منشا اظهارات عیسی درباره برخاستن اعضای خانواده بر علیه همدیگر است. انجیل برای برخی دوستی و برای دیگران درگیری می‌آورد.

■ "آیا چون مسیح بیاید، بیش از این مرد معجزه خواهد کرد؟" حالت دستور زبان یونانی انتظار پاسخ "نه" را دارد.

در *A Theology of the New Testament* نوشته George E. Ladd توضیح جالبی در مورد استفاده از کلمه "معجزات" برای تشویق ایمان آوردن به عیسی دیده می‌شود:

"سوال رابطه میان معجزات با ایمان آسان نیست، زیرا داده‌ها در دو مسیر کاملاً متفاوت قرار دارند. گاهی اوقات معجزات در مسیر هدایت به ایمان آوردن به عیسی هستند (۲: ۲۳، ۶: ۱۴، ۷: ۳۱، ۱۰: ۴۲). از سویی دیگر، کسانی هستند که معجزات را می‌بینند و ایمان نمی‌آورند

(٦: ٢٧، ١١: ٤٧، ١٢: ٣٧). به علاوه، در برخی مواقع عیسی یهودیان را سرزنش می‌کند زیرا تا زمانی که معجزات را نبینند، ایمان نمی‌آورند (٤: ٤٨، ٦: ٣٠). پاسخ را باید در نوعی تنش میان معجزات و ایمان جستجو کرد. لازم است که ایمان معنی واقعی معجزه و شهادت دادن به عیسی را تشخیص دهد، برای آنها که ایمانی ندارند، معجزات صرفاً کارهای شگفت‌انگیز و بی‌معنی هستند. برای آنان که پاسخ می‌دهند، معجزات وسیله‌ای برای تأیید و عمیق شدن ایمانشان هستند. مشخص است که معجزات عیسی برای اجبار به ایمان آوردن نیستند. از سوی دیگر، کارهای عیسی برای شهادت دادن برای کسانی که می‌توانند ببینند در حین ماموریت او چه اتفاقی رخ می‌دهد، کافی هستند. کارهای عیسی به عنوان وسیله‌ای برای محکوم کردن تأیید گناه آلود بودن انسان هستند" (صفحه ٢٧٤).

#### NASB: انجیل یوحنا ٧: ٣٢ الی ٣٦

٣٢ اما به گوش فریسیان رسید که مردم دربارهٔ او چنین همه‌می‌کنند. پس سران کاهنان و فریسیان، نگهبانان معبد را فرستادند تا او را گرفتار کنند. ٣٣ آنگاه عیسی گفت: «آندک زمانی دیگر با شما هستم، و سپس نزد فرستندهٔ خود می‌روم. ٣٤ مرا خواهید جُست، اما نخواهید یافت؛ و آنجا که من هستم، شما نمی‌توانید آمد.» ٣٥ پس یهودیان به یکدیگر می‌گفتند: «این مرد کجا می‌خواهد برود که ما نمی‌توانیم او را بیابیم؟ آیا می‌خواهد نزد یهودیان پراکنده در میان یونانیان برود و یونانیان را تعلیم دهد؟ ٣٦ مقصودش چه بود که گفت، "مرا خواهید جُست، اما نخواهید یافت؛ و آنجا که من هستم، شما نمی‌توانید آمد"؟»

٣٢: ٧ "پس سران کاهنان و فریسیان" این اشاره به اعضای سانهدرین (*Sanhedrin*) دارد. فقط یک کشیش اعظم وجود داشت، ولی از زمان اشغال رومیان، این کار برای ثروتمندان، تبدیل به یک کار سیاسی دلچسب شد و میان خانواده‌های یهودی از یک عضو به عضو دیگر منتقل می‌گشت.

■ "نگهبانان معبد را فرستادند تا او را گرفتار کنند" این اشاره به پلیس معبد دارد که لایوان بودند. آنها خارج از محوطه معبد اختیارات محدودی داشتند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ٧: ٤٥ و ٤٦، ١٨: ٣ و ١٢ و ١٨ و ٢٢).

٣٣: ٧ "آندک زمانی دیگر با شما هستم" این یک عبارت متداول در انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ١٢: ٣٥، ١٣: ٣٣، ١٤: ١٩، ١٦: ١٦ الی ١٩). عیسی می‌دانست که کیست، چه بر سرش خواهد آمد و چه موقع (مراجعه شود به انجیل یوحنا ١٢: ٢٣، ١٣: ١، ١٧: ١ الی ٥).

■ "نزد فرستندهٔ خود می‌روم" این اشاره به رخدادهای پایانی ماموریت رستگاری، مصلوب شدن و قیام از مردگان برای جلال عیسی "از قبل زنده بوده" دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ١٧: ١ الی ٥، اعمال رسولان ١).

٣٤: ٧ این کلمات بسیار شبیه بحث عیسی با شاگردانش در اتاق طبقه بالا هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ١٣: ٣٣، مراجعه شود به انجیل یوحنا ٧: ٣٦ و ٨: ٢١). با این وجود، در اینجا به بی‌ایمانان اشاره دارد (یعنی جمعیت، اهالی اورشلیم، و سران قوم یهود).

٣٥: ٧ الی ٣٦ "آیا می‌خواهد نزد یهودیان پراکنده در میان یونانیان برود و یونانیان را تعلیم دهد؟" ساختار دستور زبان یونانی این جمله انتظار پاسخ "نه" را دارد. این هم یک نوع دیگر از وارونه‌گویی است. همیشه اراده خدا بوده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ٣: ١٥، ١٢: ٣، اشعیا ٢: ٢ الی ٤). در طول جشن خیمه‌ها، هفتاد گاو از سوی مردم اقوام مختلف جهان تقدیم شد. در طول جشن یهودیان موظف بودند که برای غیر یهودیان دعا کنند و بر آنان نور ایمان بتابانند. این می‌تواند منعکس کننده رسوم فرهنگی باشد. اصطلاح "یونانیان" در اینجا با مفهوم "غیر یهودیان" استفاده شده است. اصطلاح *disperia* اشاره به مردم یهودی دارد که زبان استعاره‌ای عیسی را درست درک نکرده‌اند.

این هم یک نمونه دیگر از دوالیسم عمودی عیسی است. جمعیت او را درست درک نکردند، زیرا به جای طبقه‌بندی‌های عمودی بالا و پائین در آموزش‌هایش، معنی لغوی کلماتش را متوجه می‌شدند. او از پدر بود و به سوی پدر باز می‌گشت.

#### NASB: انجیل یوحنا ٧: ٣٧ الی ٣٩

٣٧ در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاد و به بانگ بلند ندا در داد: «هر که تشنه است، نزد من آید و بنوشد. ٣٨ هر که به من ایمان آورد، همان‌گونه که کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده روان خواهد شد.» ٣٩ این سخن را دربارهٔ روح گفت، که آنان که به او ایمان بیاورند، آن را خواهند یافت؛ زیرا روح هنوز عطا نشده بود، از آن رو که عیسی هنوز جلال نیافته بود.

٣٧: ٧ "در روز آخر که روز بزرگ عید بود" در اینجا این سوال مطرح می‌شود که این روز، روز هفتم جشن (مراجعه شود به تثنیه ١٦: ١٣) یا روز هشتم جشن (مراجعه شود به لایوان ٢٣: ٢٦، نحما ٨: ١٧، دوم مکابیان ١٠: ٦٠، و جوزفوس) بود. ظاهراً در روزگار عیسی این یک جشن هشت روزه بود، با این حال، در آخرین روز، آن طور که در هفت روز دیگر انجام می‌گرفت، از حوض سیلوم آب برداشته نمی‌شد تا در محراب ریخته شود. آداب و رسوم این مراسم را از تراکت سواکه تلموذ که در اشعیا ١٢: ٣ نقل شده، دریافته‌ایم. این می‌تواند یک دعای نمادین برای بارش باران جهت محصولات باشد.

■ "اگر" این شرط درجه سوم است که به معنی احتمال انجام عمل است.



■ "هر که تشنه است" دعوت جهانی برای ایمان آوردن به عیسی! به یادداشت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۱۷ مراجعه شود.

■ "نزد من آید و بنوشد" عیسی از همین استعاره در انجیل یوحنا ۴: ۱۳ الی ۱۵ استفاده می‌کند. این احتمالاً می‌تواند اشاره به سنگ مسیحی باشد که آب از آن می‌آید (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۰: ۴). کاملاً مشهود است که این به دعوت عهد عتیق از اشعیا ۵۵: ۱ الی ۳ و فرصت فرهنگی از ریختن نمادین آب در طول جشن اشاره دارد.

برخی از دستنویس‌های قدیمی یونانی "نزد من" را حذف کرده‌اند (مراجعه شود به MSS صفحه ۶۶، ۴، و D). در صفحات ۶۶، ۷۵، ۸، T، W، L، ولی اضافه شده است و در متن بر آن دلالت شده است. UBS بر این اضافه شدن رتبه B را داده است (یقین تقریبی). در انجیل یوحنا مردم بحث می‌کنند که به او اعتماد کنند. انجیل تمرکزش بر فرد است.

۷: ۳۸ "آنان که به او ایمان بیاورند" توجه کنید که این زمان حال است. این نشانگر تاکید بر تداوم رابطه فردی در ایمان داشتن است همانطور که انجیل یوحنا ۱۵ به آن "پایبند" است.

■ "همان‌گونه که کتاب می‌گوید" به سختی می‌توان برای این نقل قول کتاب خاصی را شناسایی کرد. می‌توانید اشعیا ۱۲: ۳، ۴۳: ۱۹ الی ۲۰، ۵۸: ۱۱، یوئیل ۳: ۱۸، زکریا ۱۳: ۱ یا ۱۴: ۸ باشد، که به صورت استعاره‌ای اشاره به آب موعودگرایی به عنوان نماد حضور خدا، باشد. در این صورت آب وعده داده شده، عصر برکت داده شده کشاورزی جدید به صورت استعاره‌ای به ماهیت جدید پیمان تبدیل می‌شوند. روح القدس بر ذهن و قلب فعالیت می‌کند (مراجعه شود به حزقیال ۳۶: ۲۷ الی ۳۸).

■ "از بطن او نهرهای آب زنده روان خواهد شد" در خصوص مرجع ضمیر چندین نظریه متفاوت وجود دارد.

۱. خود عیسی (مراجعه شود به پدران کلیساهای اولیه)
۲. افراد مومنی که به مسیح اعتماد داشتند
۳. اورشلیم، در زبان آرامی "his" (او) می‌تواند به معنی "her" هم باشد که در این صورت به شهر اشاره می‌کند (این موقعیت روحانیون است، مراجعه شود به حزقیال ۴۷: ۱ الی ۱۲ و زکریا ۱: ۸).

یک بحث خوب و ساده در مورد دو نظریه بر مبنای اینکه چگونه فرد می‌تواند بر انجیل یوحنا ۷: ۳۷ و ۳۸ تاکید کند، در NIDOTTE جلد اول صفحه ۶۸۳ چاپ شده است.

عیسی خود را آب زنده خطاب می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۰). حالا، در این متن، منظور روح القدس است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۹) که آب زنده را در پیروان عیسی ایجاد می‌کند. این مترادف با کارهای روح القدس است که ایمان آوردگان به مسیح را شکل می‌دهد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۴: ۱۳).

۷: ۳۹ "زیرا روح هنوز عطا نشده بود، از آن رو که عیسی هنوز جلال نیافته بود" ظاهراً این منعکس کننده تفکرات بعدی یوحنا (به عنوان نمونه، توضیحات نگارنده) در خصوص اهمیت این عبارت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۷). همچنین اهمیت هم کالواری و هم پنتیکاست را که به هر دو به عنوان "جلال" نگاه می‌کند، نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۴، ۱۲: ۱۶ و ۲۳، ۱۷: ۱ و ۵). دستنویس‌های متنوعی وجود دارند که توضیح منظور یوحنا را از این عبارت کوتاه توضیح می‌دهند.

#### NASB: انجیل یوحنا ۷: ۴۰ الی ۴۴

«برخی از جماعت، با شنیدن این سخنان گفتند: «براستی که این مرد همان پیامبر موعود است.»<sup>۴۱</sup> دیگران می‌گفتند: «مسیح است.» اما گروهی دیگر می‌پرسیدند: «مگر مسیح از جلیل ظهور می‌کند؟<sup>۴۲</sup> آیا کتاب نگفته است که مسیح از نسل داوود خواهد بود و از بیت لحم، دهکده‌ای که داوود در آن می‌زیست، ظهور خواهد کرد؟»<sup>۴۳</sup> پس درباره عیسی بین مردم اختلاف افتاد. ۴۴ عده‌ای می‌خواستند او را گرفتار کنند، اما هیچ‌کس بر او دست دراز نکرد.

۷: ۴۰ "براستی که این مرد همان پیامبر موعود است" این کنایه‌ای است بر وعده مسیح که موسی داده بود و در تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۸ مطرح شده است. بسیاری عیسی را به عنوان یک پیامبر می‌شناختند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۹، ۶: ۱۴، ۹: ۱۷، انجیل متی ۲۱: ۱۱). آنها قدرت عیسی را شناختند، ولی شخصیت و کارهای او را اشتباه درک کردند. اسلام هم این عنوان را برای عیسی به کار می‌برد ولی پیام او را اشتباه درک کرده است.

۷: ۴۱ "دیگران می‌گفتند: «مسیح است.»" این نشان می‌دهد که کلمه "مسیح" معادل "مسیح" در زبان عبری است، که معنی آن "آن تدهین شده" است. در عهد عتیق، پادشاهان، روحانیون و پیامبران به عنوان معجزه یا نشان اینکه از جانب خدا فرا خوانده و آراسته شده‌اند، مطرح شده است.

۷: ۴۱ "گروهی دیگر می‌پرسیدند: "مگر مسیح از جلیل ظهور می‌کند؟" در اینجا ساختار دستور زبان یونانی انتظار پاسخ "نه" را دارد. اما اشعیا ۹: ۱ پس چه؟

۷: ۴۲ ساختار دستور زبانی برای این عبارت پاسخ "بله" را انتظار دارد.

■ "از نسل داوود" (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷، انجیل متی ۲۱: ۹، ۲۲: ۴۲).

■ "از بیت لحم، دهکده‌ای که داوود در آن می‌زیست" این هم یک کاربرد دیگر از دوگانه گویی است (مراجعه شود به میکاه ۵: ۲ الی ۳ و انجیل متی ۲: ۵ الی ۶).

۷: ۴۳ عیسی و پیامش همیشه تفرقه می‌انداختند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۴۸ الی ۵۲، ۹: ۱۶، ۱۰: ۱۹، انجیل متی ۱۰: ۳۴ الی ۳۹، انجیل لوقا ۱۲: ۵۱ الی ۵۳). این راز تمثیل خاک است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳). برخی گوش معنویت و الهیات دارند و برخی ندارند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۷، ۱۱: ۱۵، ۱۳: ۹ و ۱۵ (دو مرتبه) و ۱۶ و ۴۳، انجیل مرقس ۴: ۹ و ۲۳، ۷: ۱۶، ۸: ۱۸، انجیل لوقا ۸: ۸، ۱۴: ۳۵).

#### NASB: انجیل یوحنا ۷: ۴۵ الی ۵۲

<sup>۴۵</sup> پس نگهبانان معبد نزد سران کاهنان و فریسیان بازگشتند. ایشان از آنها پرسیدند: «چرا او را نیاوردید؟»<sup>۴۶</sup> نگهبانان پاسخ دادند: «تا کنون، کسی چون این مرد سخن نگفته است!»<sup>۴۷</sup> پس فریسیان گفتند: «مگر شما نیز فریب خورده‌اید؟<sup>۴۸</sup> آیا از بزرگان قوم یا فریسیان کسی هست که به او ایمان آورده باشد؟<sup>۴۹</sup> البته که نه! اما این مردم عامی که چیزی از شریعت نمی‌دانند، ملعونند.»

<sup>۵۰</sup> نیکودیמוس، که پیشتر نزد عیسی رفته و یکی از آنها بود، گفت: «آیا شریعت ما کسی را محکوم می‌کند بدون اینکه نخست سخن او را بشنود و دریابد چه کرده است؟»<sup>۵۱</sup> در پاسخ گفتند: «مگر تو نیز جلیلی هستی؟ تحقیق کن و ببین که هیچ پیامبری از جلیل برنخاسته است.»

۷: ۴۶ "نگهبانان پاسخ دادند: تا کنون، کسی چون این مرد سخن نگفته است!" بازهم دوگانه گویی یوحنا. این یک شهادت از روی ترس و وحشت است.

۱. آنها از ترس از جمعیت که می‌توانست عذر خوبی برایشان باشد، حرفی نزدند
۲. این پلیس‌های معبد در مورد عیسی نظرات یکسانی داشتند، در حالیکه جمعیت اختلاف نظر داشتند
۳. این مردان عادت داشتند که دستورات را اطاعت و پیروی کنند نه اینکه اظهار نظر کنند

۷: ۴۸ "آیا از بزرگان قوم یا فریسیان کسی هست که به او ایمان آورده باشد؟" ساختار ادبی و دستور زبانی یونانی در هم انجیل یوحنا ۷: ۴۷ و ۴۸ انتظار پاسخ "نه" را دارد. اصطلاح "بزرگان" اشاره به سانهدرین دارد. در اینجا ما سادوجس‌ها و فریسیان (تمامی سانهدرین) را داریم، که معمولا دشمن یکدیگر بودند، ولی در مخالفت با عیسی با هم متحد شده بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۷ و ۵۷، ۱۸: ۳).

۷: ۴۹ "اما این مردم عامی که چیزی از شریعت نمی‌دانند، ملعونند" این اشاره به مردم آن سرزمین دارد که سران مذهبی به آنان با نگاه حقارت می‌نگریستند چرا که سنت‌های شفاهی را بجا نمی‌آوردند (مراجعه شود به تثنیه ۲۷: ۲۶). دو پهلو گویی‌های یوحنا در ۷: ۵۱ هم ادامه پیدا می‌کند، در جایی نیکودیמוس به آنها اشاره می‌کند که با شیوه‌ای که آنان با عیسی رفتار می‌کنند، آنان نیز قوانین را زیر پا گذاشته‌اند.

تراژدی تعصب مذهبی. آنان که ملعونند (*eparatos*)، این کلمه فقط در اینجا در عهد جدید یافت می‌شود، مردم عادل خودشان ملعونند! اگر نور تبدیل به تاریکی می‌شود، پس تاریکی چقدر باشکوه است! افراد مدرن، محافظه کار، تحصیل کرده‌های مذهبی، آگاه باشید!

۷: ۵۱ "آیا شریعت ما کسی را محکوم می‌کند بدون اینکه نخست سخن او را بشنود و دریابد چه کرده است؟" ساختار دستور زبان یونانی در اینجا انتظار پاسخ "نه" را دارد (مراجعه شود به کتاب خروج، ۲۳: ۱، کتاب تثنیه ۱: ۱۶).

۷: ۵۲ "مگر تو نیز جلیلی هستی؟" این عبارت مخالفت احساسی سانهدرین‌ها نسبت به عیسی را نشان می‌دهد.

■ "تحقیق کن و ببین" در مطالعه کتب مقدس یهودی، جستجو کردن معنی خاصی دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۹). این هم مجددا یک دوگانه گویی دیگر یوحنا است. در مورد الیاس چه (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۷: ۱) و یونا (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۴: ۲۵)، هوشع و ناحوم؟ آنها هم باید منظورشان "آن" پیامبر کتاب تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۹، کتاب پیدایش ۴۹: ۱۰، دوم سموئیل ۷ می‌بود.

۷: ۵۳ الی ۸: ۱۱ به یادداشت ابتدای فصل ۸ مراجعه شود.

#### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما،

انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. زمینه جشن در کلام عیسی در انجیل یوحنا ۷ چیست؟
۲. منظور و هدف از جشن خیمه‌ها را توصیف کنید
۳. چرا سران مذهبی اینقدر با عیسی دشمنی داشتند؟
۴. گروه‌های مختلفی را که در این فصل در مورد عیسی نظر داده‌اند را فهرست کنید.

## یوحنا ۸

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>۴</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
زنی در حین زناکاری بدام افتاد	زن زناکار با نور جهان مواجه می‌شود	آن زن در حین زنا بدام افتاد	زن زناکار در حین زنا بدام افتاد	زن زناکار
۸: ۵۳ الی ۸: ۱۱	۸: ۵۳ الی ۸: ۱۱	۸: ۵۳ الی ۸: ۱۱	۸: ۵۳ الی ۸: ۱۱	۸: ۵۳ الی ۸: ۱۱
عیسی، نور جهان	عیسی از اقرار خودش دفاع می‌کند	عیسی، نور جهان	عیسی، نور جهان	عیسی، نور جهان
۸: ۱۲ الی ۲۰		۸: ۱۲ الی ۲۰	۸: ۱۲	۸: ۱۲
				بحثی در مورد اقرار عیسی بر خودش
	۸: ۱۳ الی ۲۰		۸: ۱۳	۸: ۱۳ الی ۱۸
			۸: ۱۴ الی ۱۸	
			الف ۱۹	
			۸: ۱۹ ب	
			۸: ۲۰	۸: ۲۰
جایی که من می‌روم شما نمی‌توانید ببینید	عیسی رفتن خود را پیش گویی می‌کند	شما نمی‌توانید به جایی که من می‌روم بروید	شما نمی‌توانید به جایی که من می‌روم بروید	
۸: ۲۱ الی ۳۰	۸: ۲۱ الی ۲۹	۸: ۲۱ الی ۳۰	۸: ۲۱	۸: ۲۱
			۸: ۲۲	۸: ۲۲ الی ۲۴
			۸: ۲۳ الی ۲۴	
			۸: ۲۵ الف	۸: ۲۵ الف
			۸: ۲۵ ب الی ۲۶	۸: ۲۵ ب الی ۲۶
			۸: ۲۷ الی ۲۹	۸: ۲۷ الی ۲۹
	حقیقت باید شما را آزاد کند			
	۸: ۳۰ الی ۳۶		۸: ۳۰	۸: ۳۰
حقیقت شما را آزاد می‌کند		حقیقت شما را آزاد می‌کند	حقیقت شما را آزاد می‌کند	عیسی و ابراهیم
۸: ۳۱ الی ۳۸		۸: ۳۱ الی ۳۳	۸: ۳۱ الی ۳۲	۸: ۳۱ الی ۳۲
			۸: ۳۳	۸: ۳۳ الی ۳۸
	تخم ابراهیم و شیطان		۸: ۳۴ الی ۳۸	
پدر تو شیطان	۸: ۳۷ الی ۴۷		۸: ۳۴ الی ۳۸	
۸: ۳۹ الی ۴۷		۸: ۳۹ الی ۴۷	۸: ۳۹ الف	۸: ۳۹ الی ۴۱ الف
			۸: ۳۹ ب الی ۴۱ الف	
			۸: ۴۱ ب	۸: ۴۱ ب الی ۴۷
			۸: ۴۲ الی ۴۷	
قبل از اینکه ابراهیم باشد، من بودم	قبل از اینکه ابراهیم باشد، من بودم	عیسی و ابراهیم	عیسی و ابراهیم	
۸: ۴۸ الی ۵۹	۸: ۴۸ الی ۵۹	۸: ۴۸ الی ۵۹	۸: ۴۸	۸: ۴۸ الی ۵۱
			۸: ۴۹ الی ۵۱	
			۸: ۵۲ الی ۵۳	۸: ۵۲ الی ۲۶

۵۶ الی ۸	
۵۷ الی ۸	۵۸ الی ۸
۵۸ الی ۸	
۵۹ الی ۸	۵۹ الی ۸

چرخه سوم مطالعه (به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود)

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرد.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

### فراست و آگاهی نسبت به آیات ۷: ۵۳ الی ۸: ۱۱

- A. انجیل یوحنا ۷: ۵۳ الی ۸: ۱۱ جزو نسخه اصلی انجیل یوحنا نیست.
- B. مستندات این عبارات (یک جمله به زبان یونانی) که از انجیل حذف شدند:
  ۱. شواهد خارجی

- a. در قدیمترین نسخه دستنویس یونانی وجود ندارد
  - (۱) پاپیروس - P<sup>65</sup> (اوایل قرن سوم)، P<sup>75</sup> (قرن سوم)
  - (۲) عناوین - ۴ (قرن چهارم)، B (قرن چهارم)، احتمالا در A و C وجود ندارد. اینها در این مقطع در انجیل یوحنا آسیب دیده اند، ولی وقتی که بقایای دستنویسها بررسی می شوند، جایی برای این عبارتها وجود ندارد.
- b. در بسیاری از نسخه های قدیمی بعدی که وجود دارد، با نشانها و علائم خاصی مانند ستاره نشانه گذاری شده اند، به معنی اینکه اصل نیست
- c. در چندین جای دیگر در دستنویسهای بعدی یافت شده اند
  - (۱) بعد از انجیل یوحنا ۷: ۳۶
  - (۲) بعد از انجیل یوحنا ۷: ۴۴
  - (۳) بعد از انجیل یوحنا ۷: ۲۵
  - (۴) در انجیل لوقا بعد از ۲۱: ۳۸
  - (۵) در انجیل لوقا بعد از ۲۴: ۵۳
- d. فقدان ترجمه های قدیمی
  - (۱) نسخه لاتین قدیمی
  - (۲) نسخه سیریاک قدیمی
  - (۳) نسخه های اولیه پیشیتا (بعد از سیریاک)
- e. هیچ توضیحی در مورد این عبارت توسط پدران یونانی وجود ندارد (تا قرن دوازده)
- f. در کدکس D (Bezae) وجود دارد، یک دستنویس قدیمی مربوط به قرن ششم، نسخه لاتین والگیت، و نسخه های بعدی پیشیتا

۲. شواهد داخلی

- a. اصطلاحات و شیوه نگارش بیشتر به نگارش لوقا شبیه است تا یوحنا. در برخی دستنویسهای یونانی بعد از لوقا ۲۱: ۳۸ و در بقیه بعد از ۲۴: ۵۳ درج شده است.
- b. این عبارت به طور کامل موضوع بحث عیسی با رهبران یهود در جشن خیمه ها را برهم می زند ۷: ۱ الی ۵۲، ۸: ۱۲ الی ۵۹.
- c. هیچ عبارت مشابهی در سایر نسخ انجیل وجود ندارد

۳. برای یک بحث کامل فنی به *A Textual Commentary on the Greek New Testament*، نوشته بروس متزگر صفحات ۲۱۹ الی

۲۲۱ مراجعه کنید

C. این می‌تواند یکی سنتهای شفاهی اصل از زندگی عیسی باشد. با این وجود، بسیاری از مسائل در زندگی عیسی بودند که نویسندگان انجیل تصمیم گرفتند آنها را ثبت نکنند (انجیل یوحنا ۲۰: ۳۰ الی ۳۱). نویسندگان انجیل خودشان تحت الهام بودند. نویسندگان بعدی هیچ حقی نداشتند که در مورد زندگی عیسی چیزی را اضافه کنند، حتی اگر اصل باشد، و نویسنده اصلی که تحت الهام بوده آن را اضافه نکرده است. فقط نویسندگان اولیه بینش لازم را تحت الهامات روح القدس داشتند تا کارها و کلمات عیسی را انتخاب کرده و مرتب کنند و بنویسند. این عبارت اصل نیست، بنابراین نباید در انجیل ما درج شود.

D. من تصمیم گرفتم در مورد این عبارت تفسیری ننویسم زیرا باور ندارم که از قلم یوحنا باشد و بنابراین بخشی از متن تحت الهام نیست (حتی اگر تاریخی باشد).

مطالعه کلمه و عبارات

**NASB: انجیل یوحنا ۸: ۱۲ الی ۲۰**

<sup>۱۲</sup> "سپس عیسی دیگر بار با مردم سخن گفته، فرمود: "من نور جهانم. هر که از من پیروی کند، هرگز در تاریکی راه نخواهد پیمود، بلکه از نور زندگی برخوردار خواهد بود." <sup>۱۳</sup> پس فریسیان به او گفتند: "تو خود بر خویشتن شهادت می‌دهی، پس شهادتت معتبر نیست." <sup>۱۴</sup> عیسی در پاسخ ایشان گفت: "هر چند من خود بر خویشتن شهادت می‌دهم، ولی شهادتم معتبر است، زیرا می‌دانم از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم. اما شما نمی‌دانید من از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم. <sup>۱۵</sup> شما با معیارهای انسانی داوری می‌کنید، اما من بر کسی داوری نمی‌کنم. <sup>۱۶</sup> ولی حتی اگر هم بکنم، داوری من درست است، زیرا تنها نیستم، بلکه پدری که مرا فرستاده است نیز با من است. <sup>۱۷</sup> در شریعت شما نوشته شده که شهادت دو شاهد معتبر است. <sup>۱۸</sup> من خود بر خویشتن شهادت می‌دهم، و پدری نیز که مرا فرستاده است، بر من شهادت می‌دهد." <sup>۱۹</sup> آنگاه بدو گفتند: "پدر تو کجاست؟" عیسی پاسخ داد: "نه مرا می‌شناسید و نه پدر مرا. اگر مرا می‌شناختید پدرم را نیز می‌شناختید." <sup>۲۰</sup> عیسی این سخنان را آنگاه که در خزانهٔ معبد تعلیم می‌داد، بیان کرد. اما هیچ کس او را گرفتار نکرد، زیرا ساعت او هنوز فرا نرسیده بود.

۸: ۱۲ "سپس عیسی دیگر بار با مردم سخن گفته" میزان جمعیت در این فصل مشخص نیست. ممکن است این باشد که جشن خیمه‌ها به پایان رسیده و عیسی در محوطه معبد مانده و سعی دارد برای رهبران یهود دلیل و شهادت بیاورد. با این وجود، عیسی از مراسم آب جشن استفاده کرد تا خود را نشان دهد، در این بخش او از مراسم نور جشن استفاده می‌کند تا خود را نشان دهد. یقیناً این احتمال هست که ۸: ۱۲ الی ۱۰: ۲۱ در روز آخر جشن خیمه‌ها رخ داده باشد.

■ "من نور جهانم" به نظر می‌رسد فصلهای ۶، ۷ و ۸ در ارتباط با دوره بیابانگردی تاریخی اسرائیل باشد، منبع استعاره‌ای که عیسی برای خود استفاده می‌کند.

یک حس برنامه زمانبندی نبوتی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۴ و ۱۴ الی ۱۸، ۷: ۲۸ الی ۲۹، ۱۳: ۱، ۱۷: ۵)

۱. در فصل ۶ از "من" و "نور" استفاده می‌کند
۲. در فصل ۷ از "آب" و "آب زندگی" استفاده می‌کند
۳. در فصل ۸ از "نور" و "شکوه شکینا" استفاده می‌کند

این استعاره از نور در سراسر انجیل یوحنا تکرار شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴ الی ۵، ۸ الی ۹، ۳: ۱۹ الی ۲۱، ۹: ۵، ۱۲: ۴۶)

بخشهایی هستند که این دقیقاً به چه چیز اشاره می‌کند:

۱. ترس قدیمی از تاریکی
۲. عنوانی برای خدا در عهد عتیق (مراجعه شود به مزمور ۲۷: ۱، اشعیا ۶۰: ۲۰، اول یوحنا ۱: ۵)
۳. سابقه جشن خیمه‌ها، نورافشانی چهلچراغها در محوطه محراب زنان در معبد
۴. اشاره به ابر شکوه شکینا در دوره بیابانگردی که به صورت سمبلیک حضور خدا را نمادین می‌سازد
۵. یکی از عناوین مسیح در عهد عتیق (مراجعه شود به اشعیا ۴۲: ۶، ۴۹: ۶، انجیل لوقا ۲: ۳۲)

روحانیون هم از "نور" به عنوان لقبی برای مسیح استفاده می‌کردند. روشنایی چراغهای عظیم در محراب زنان در طول جشن خیمه‌ها یک توصیف بدیهی از اظهارات عیسی است. دلالت نور و منابع خاص در انجیل یوحنا ۱: ۴ و ۸ همزمان با مراسم در معبد برای عیسی این فرصت را به وجود آورد که خودش و مبدا آمدنش را افشا کند.

این یکی از هفت عبارت "من هستم" انجیل یوحنا است

۱. من نان زندگی هستم (انجیل یوحنا ۶: ۳۵ و ۴۱ و ۴۸ و ۵۱)
۲. من نور جهان هستم (انجیل یوحنا ۸: ۱۲، ۹: ۵، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴ و ۹، ۱۲: ۴۶)
۳. من درب آغل هستم (انجیل یوحنا ۱۰: ۷ و ۹)
۴. من چوپان خوب هستم (انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ و ۱۴)
۵. من رستاخیز و زندگی هستم (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۵)
۶. من راه، حقیقت و زندگی هستم (انجیل یوحنا ۱۴: ۶)
۷. من تاک واقعی هستم (انجیل یوحنا ۱ و ۵)

این اظهارات منحصر به فرد، فقط در انجیل یوحنا یافت می‌شوند، و اشاره به شخص عیسی دارند. یوحنا بر این جنبه‌های فردی رستگاری تمرکز می‌کند. ما باید به او اعتماد کنیم!

■ "جهان" این اصطلاح (*kosmos*)، به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ مراجعه شود) بعد جهانی خبر خوش عیسی مسیح را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶)

■ "آن که مرا پیروی کند" این یک زمان حال فعال است. باید به خاطر داشت که مسیحیت یک عقیده یا دین نیست، بلکه یک رابطه فردی است که با شیوه زندگی و شاگردی همراه است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، اول یوحنا ۱: ۷).

■ "در تاریکی قدم نمی‌زند" این یک اشاره به مفهوم الهیاتی شیطان "کور کردن چشمان بی‌ایمانان" دارد (دوم قرنتیان ۴: ۴). اشارات دیگری هم در مورد عبارات عهد عتیق هستند که از کلام خدا سخن می‌گویند مانند "کلام تو برای پاهای من چراغ، و برای راه من نور است" (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵). آنها که نور را قبول می‌کنند باید زندگی دیگری داشته باشند (اول یوحنا ۱: ۷)!

■ "نور زندگی" عیسی نور خدا را دارد و آن را به پیروانش می‌دهد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۴)، به آنهایی که خدا به او داده است.

۸: ۱۳ "فریسیان" به موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۱: ۲۴ مراجعه شود.

■ "شهادت معتبر نیست" یهودیان بر مسائل فنی قانونی شهود بحث می‌کردند (یعنی نیاز به دو شاهد، مراجعه شود به اعداد ۳۵: ۳۰، تثنیه ۱۷: ۶، ۱۹: ۱۵ الی ۲۱). عیسی پیشتر در مورد همین اعتراض صحبت کرده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۱) و چندین شاهد ارائه کرده بود. در این عبارت شاهد او پدر است.

۸: ۱۴ الی ۱۶ "اگر ..... اگر" هر دوی اینها عبارات شرطی نوع درجه سوم هستند که معنی آن احتمال وقوع عمل است. بیشتر شرایط در طول فصل ۸ از این نوع هستند.

■ "می‌دانم از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم" این هم باز یک دوالیسم "بالا و پایین" است. عیسی ذهنی آگاه نسبت به از پیش وجود داشتنش با پدر داشت، درکی از ماموریتش و حس زمانبندی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۴ و ۱۴ الی ۱۸، ۷: ۲۸، ۲۹، ۱۳: ۱، ۱۷: ۵).

■ "اما شما نمی‌دانید من از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم" این باید در ارتباط با فصل ۷ باشد. آنها از محل تولد عیسی خبر ندارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۱ و ۴۲)، و نمی‌دانستند هم که به کجا می‌رود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۴ الی ۳۶، ۸: ۲۱). به موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) در بخش یوحنا ۱: ۸ مراجعه شود.

۸: ۱۵ "شما با معیارهای انسانی داوری می‌کنید" این هم یک اشاره به فصل ۷ است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۴). به موضوع خاص: گوشت/جسم (sarx) در بخش یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه شود.

■ "من بر کسی داوری نمی‌کنم" برخی میان انجیل یوحنا ۳: ۱۷ و ۹: ۳۹ تناقض می‌بینند. عیسی برای داوری نیامده بلکه برای زندگی دادن آمده. بر اساس همین واقعیت آمدن او، کسانی که او را رد کنند، مورد داوری قرار می‌گیرند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۸ الی ۲۱).

۸: ۱۶ الی ۱۸ مجدداً این مورد نیاز داشتن به دو شاهد در یک دادگاه است (مراجعه شود به اعداد ۳۵: ۳۰، تثنیه ۱۷: ۶، ۱۹: ۱۵). عیسی بدون هیچ کلمه و یا اصطلاح نامشخصی یکی بودن خود با پدر را تأیید می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۹، ۱۴: ۹). به موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) در بخش یوحنا ۱: ۸ مراجعه شود.

"او که مرا فرستاد" NASB (۱۹۷۰),  
 NJB, REB  
 NASB (۱۹۹۵),  
 NKJV, NRSV  
 NIV "پدر که مرا فرستاد"

از آنجا که توافق نظر میان دو نسخه NASB نیست، به همین دلیل توافق نظری هم میان UBS<sup>3,4</sup> وجود ندارد.

۱. UBS<sup>3</sup> به پدر رتبه C می‌دهد (MS P<sup>۳۹۶۶۷۵</sup>, ۲, B, L, T, W, ۸)
۲. UBS<sup>4</sup> به پدر رتبه A می‌دهد (MSS, ۸\*, D, و برخی نسخه‌های قدیمی و بعداً سیریاک آن را حذف کردند).

عیسی هرگز تنها نیست. پدر همیشه با او است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۶ و ۲۹، ۱۶: ۳۲)، مگر احتمالاً در بالای صلیب (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۳۴).

لذت و کامل شدن دوستی اساس رستگاری است. هدف خلقت برای خدا این بود که کسی را برای دوستی داشته باشد، بنابراین او (یعنی مسیح، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳، اول قرنتیان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۱: ۲) آنها را در تصویر پیهو و شبیه او خلق کرد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). از دست دادن دوستی، جریمه گناه است. بازیابی آن، هدف ماموریت عیسی است!

۸: ۱۹ "پدر تو کجاست؟" آنها هنوز عیسی را با معیارهای انسانی و فیزیکی درک می‌کردند. تفکرات قلبی و غرور آنها باعث شده بود که حقیقت را نبینند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۷). این درک نادرست مشخصه ادبیات نگارشی انجیل یوحنا است.

■ "اگر مرا می‌شناختید پدرم را نیز می‌شناختید" این یک جمله شرطی نوع دوم است. اغلب به این نوع شرط "بر خلاف حقیقت" گفته می‌شود. "اگر مرا می‌شناختید، که نمی‌شناسید، پس پدرم را هم می‌شناختید، که نمی‌شناسید." این حالت از انجیل یوحنا ۵: ۳۷ خیلی زیاد تکرار شده است، به یادداشت کامل در بخش انجیل یوحنا ۷: ۲۸ مراجعه شود.

۸: ۲۰ "عیسی این سخنان را آنگاه که در خزانه معبد تعلیم می‌داد، بیان کرد" ظاهراً این آیه یک شهادت عینی نویسنده است. خزانه ساختمان جداگانه‌ای نداشت. سنت روحانیان (*Shekalim*) می‌گوید که سیزده طرف به شکل ترمپت بودند، که هر کدام برای منظور خاصی نشانه‌گذاری شده بودند و در محوطه زانه معبد قرار داشتند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۴۱)، که چراغهای بسیار بزرگی در طول جشن خیمه‌ها در آنجا روشن می‌شد.

■ "ساعت او هنوز فرا نرسیده بود" به یادداشت مندرج در بخش یوحنا ۲: ۴ مراجعه کنید.

#### NASB: انجیل یوحنا ۸: ۲۱ الی ۳۰

<sup>۲۱</sup> سپس دیگر بار به آنان گفت: "من می‌روم و شما مرا جستجو خواهید کرد، اما در گناه خویش خواهید مرد. آنجا که من می‌روم، شما نمی‌توانید آمد." <sup>۲۲</sup> پس یهودیان گفتند: "آیا قصد کشتن خویش دارد که می‌گوید "آنجا که من می‌روم، شما نمی‌توانید آمد"؟" <sup>۲۳</sup> عیسی به ایشان گفت: "شما از پایینید، من از بالا. شما از این جهانید، اما من از این جهان نیستم." <sup>۲۴</sup> به شما گفتم که در گناهان خویش خواهید مرد، زیرا اگر ایمان نیاورید که من هستم، در گناهانتان خواهید مرد." <sup>۲۵</sup> به او گفتند: «تو کیستی؟» عیسی پاسخ داد: «همان که از آغاز به شما گفتم. بسیار چیزها دارم که درباره شما بگویم و محکومتان کنم. اما آن که مرا فرستاد، بر حق است و من آنچه را از او شنیده‌ام، به جهان باز می‌گویم." <sup>۲۷</sup> آنان درنیافتند که از پدر با ایشان سخن می‌گوید. <sup>۲۸</sup> پس عیسی بدیشان گفت: "آنگاه که پسر انسان را برافراشتید، در خواهید یافت که من هستم و از خود کاری نمی‌کنم، بلکه فقط آن را می‌گویم که پدر به من آموخته است." <sup>۲۹</sup> او که مرا فرستاد، با من است. او مرا تنها نگذاشته، زیرا من همواره آنچه را که مایه خشنودی اوست، انجام می‌دهم. <sup>۳۰</sup> با این سخنان، بسیاری به او ایمان آوردند.

۸: ۲۱ الی ۲۲ "من می‌روم و شما مرا جستجو خواهید کرد، اما در گناه خویش خواهید مرد. آنجا که من می‌روم، شما نمی‌توانید آمد." <sup>۲۲</sup> پس یهودیان گفتند: "آیا قصد کشتن خویش دارد که می‌گوید "آنجا که من می‌روم، شما نمی‌توانید آمد"؟" سوال انجیل یوحنا ۸: ۲۲ انتظار پاسخ "نه" دارد. در متن مشخص است که هر چند اظهارات او را اشتباه متوجه شدند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۴ الی ۳۶)، آن را به مرگ او مرتبط دانستند. از جوزفوس فهمیدیم که خودکشی فرد را به پائین‌ترین قسمت جهنم محکوم می‌کند. ظاهراً سوال آنها دلالت بر این دارد که این جایی است که انتظار دارند عیسی باید باشد.



۸: ۲۱ "در گناهان خویش خواهید مرد" به بیان دیگر، همان "در گناهان خودتان غرق خواهید شد" است. اصطلاح گناه در انجیل یوحنا ۸: ۲۱ مفرد و در انجیل یوحنا ۸: ۲۴ جمع است. اساساً این اشاره به رد کردن عیسی به عنوان مسیح دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۴). این نابخشودنی‌ترین گناه در انجیل است. رهبران ایشان عیسی را در حضور بزرگترین نور و از کلمات و معجزات وی، رد کردند. به یادداشتهای زیر از تفسیر من در مورد انجیل مرقس مراجعه کنید.

انجیل مرقس ۳: ۲۹ "هر که به روح القدس کفر گوید" این را باید با توجه به زمینه تاریخی پنتیکاستی آن درک کرد. به این شیوه استفاده شده که حقیقت خدا رد شده است. آنچه که این آیه یاد می‌دهد به بیان کلی "گناه نابخشودنی" نامیده می‌شود. این را باید در نور شرایط زیر تفسیر کرد:

۱. تمایز در عهد عتیق میان "گناه عمدی" و "گناه غیر عمدی" (مراجعه شود به اعداد ۱۵: ۲۷ الی ۳۱).
۲. ایمان نیاوردن خانواده خود عیسی با ایمان نیاوردن فریسیان در این عبارت
۳. بیان بخشش در انجیل مرقس ۳: ۲۸
۴. تفاوت میان مترادفهای انجیل، به خصوص تغییر "پسر انسان" (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۳۲، انجیل لوقا ۱۲: ۱۰) به پسران انسانها (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۳۱، انجیل مرقس ۳: ۲۸)

در نور فوق، این گناه توسط کسانی انجام می‌شود که با وجود نور شدید و درک، باز هم عیسی را به عنوان ابزار خدا برای رستگاری و نجات رد می‌کنند. آنها نور انجیل را به تاریکی شیطان تبدیل می‌کنند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۳۰). آنان هنر و محکومیت روح القدس را رد می‌کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۴۵). انکار خدا به دلیل کارهای جسته و گریخته و کلمات پراکنده، گناه نابخشودنی نیستند، بلکه انکار مداوم خدا در مسیح با ایمان نیاوردن آگاهانه و تعمدی، گناه نابخشودنی تلقی می‌شود (یعنی فریسیان و منشیها).

فقط کسانی این گناه را مرتکب می‌شوند که خبر خوش و انجیل به آنها داده شده باشد. آنها که پیام در مورد عیسی را به وضوح شنیده باشند، در قبال رد آن بیشترین مسئولیت را دارند. این بخصوص در مورد فرهنگهای مدرن صدق می‌کند که دسترسی مداوم به انجیل دارند، ولی عیسی را رد می‌کنند (یعنی آمریکا و فرهنگ غرب).

۸: ۲۳ "شما از پایینید، من از بالا" این هم یک مثال دیگر از دوالیسم عمودی یوحنا است. (یعنی بالا در مقابل پایین، به انجیل یوحنا ۷: ۳۵ و ۳۶، ۱۸: ۳۶ مراجعه شود).

تناقض یوحنا میان عیسی که از بالا است و یهودیان که از پایین هستند، دوالیسمی را شکل می‌دهد که در میان انجیل منحصر به فرد است. سایر انجیل (متی، مرقس، لوقا) دو عصر یهود را در تضاد نشان می‌دهند، عصر شیطانی حاضر و عصر آینده درستی و صداقت. این تمایز با اصطلاحات دوالیسم افقی در مقابل دوالیسم عمودی توصیف می‌شوند. آیا عیسی این دورا به شیوه متفاوتی آموزش می‌داد؟ احتمالاً سایر انجیل آموزشهای عمومی عیسی را ثبت کرده‌اند در حالی که یوحنا آموزشهای خصوصی عیسی به شاگردانش را ثبت کرده است.

■ "شما از این جهان هستید" جهان در سلطه قدرت شیطان است (مراجعه شود به دوم قرن‌تبیان ۴: ۴، افسسیان ۲: ۲، و اول یوحنا ۵: ۱۹). برای جهان (*kosmos*) به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ مراجعه کنید.

۸: ۲۴ "اگر" این یک عبارت شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال زیاد انجام عمل است.

"شما ایمان دارید که من همانم"	NASB, NKJV
"باور دارید که من او هستم"	NRSV, JB
"باور دارید که من همانم که هستم"	TEV
"ایمان دارید که من همانم"	NJB

این یکی از قویترین اظهارات عیسی در مورد اینکه از ماهیت خدایی بودن خود آگاهی دارد، است (و یا احتمال این هست که در این متن "مسیح" مرجع باشد). او از عنوان عهد عتیق برای یهوه استفاده می‌کند (مراجعه شود به "من هستم"، کتاب خروج ۳: ۱۴). این از عبارتهای معروف "من هستم" در انجیل یوحنا جدا است. این هیچ پیش فرضی ندارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۶: ۲۰، ۸: ۲۴ و ۲۵ و ۵۸، ۱۳: ۱۹، ۱۸: ۵ و ۶ و ۸). موضوع خاص استفاده یوحنا از "ایمان/باور" در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ را مطالعه کنید.

۸: ۲۵ "تو کیستی؟" مقامات یهود دنبال زمینه‌های قانونی برای متهم کردن عیسی به کفر و توهین به مقدسات بودند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۵۷ الی ۶۸، انجیل مرقس ۱۴: ۵۳ الی ۶۵)! آنها می‌خواستند او را بکشند. آنها دنبال اطلاعات نبودند، بلکه دنبال محکوم کردن بودند.

عیسی به وضوح خود را در انجیل یوحنا (بر خلاف سایر انجیل) نشان می‌دهد. کلمات او (برای نمونه انجیل یوحنا ۸: ۲۴) و اعمال او (برای نمونه شفا دادن در روز شبات) به وضوح اقتدار او را نشان می‌دهند.

NASB	"از ابتدا به شما چه میگفتم"
NKJV	"از همان اول به شما چه گفتم"
NRSV	"چرا اصلا با شما صحبت کنم"
TEV	"از همان ابتدای امر به شما چه میگفتم"
NJB	"از آغاز به شما چه گفتم"

در نسخه یونانی اصلی هیچ فاصله‌ای میان کلمات وجود ندارد. بنابراین کلمات یونانی را می‌توان در نقاط مختلف از یکدیگر جدا کرد تا متن مورد نظر به دست آید. تنوع ترجمه‌ها در رابطه با تنوع دستنویسها نیست بلکه در شیوه تفکیک کلمات است. گزینه‌ها به شرح زیر هستند:

۱. *Hote* من از همان ابتدا به شما گفته‌ام (NASB, NKJV, TEV, NJB, NIV)
۲. *ho ti* یک حرف ندا در زبان سامی - که اصلا با تو صحبت کنم (NRSV, TEV) یادداشت

احتمالا این یکی از بازی با کلمات یوحنا است که اصطلاح "ابتدا" در ترجمه یونانی کتاب پیدایش ۱: ۱ (خلقت) و در انجیل یوحنا ۱: ۱ (بشارت او) استفاده شده است. عیسی از "ابتدا" هست و تماما با کلمات و اعمالش به آنها می‌گفته است!

۸: ۲۶ الی ۲۷ این بحثها به کرات در انجیل یوحنا برای تاکید تکرار شده اند

۱. پدر مرا فرستاد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۷ و ۳۴: ۴، ۳۴: ۵، ۳۶: ۳، ۳۸: ۶، ۲۹: ۷ و ۴۴ و ۵۷، ۷: ۲۸ الی ۲۹، ۸: ۱۶ و ۲۶ و ۴۲ و ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۲: ۴۹، ۱۴: ۲۴، ۱۵: ۲۱، ۱۷: ۳ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۰: ۲۱)
۲. پدر حقیقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۳، ۷: ۲۸)
۳. تعالیم عیسی از پدر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۱، ۷: ۱۶ و ۱۷، ۸: ۲۶ و ۲۸ و ۴۰، ۱۲: ۴۹، ۱۴: ۲۴، ۱۵: ۱۵)
۴. عیسی پدر را افشا می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۸: ۲۶ الی ۲۹، ۱۲: ۴۹ الی ۵۰، ۱۴: ۷ و ۹)

■ "جهان" به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱: ۱۰ مراجعه کنید

۸: ۲۷ یک توضیح دیگر از جانب نگارنده. اگر آنها استعاره‌های واضح و زبان نمادین او را درک کرده بودند، ایشان نیز همانند سایر یهودیان، سعی می‌کردند او را به قتل برسانند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۸، ۸: ۵۹، ۱۰: ۳۳) ادعاهای او چندان پنهان نبودند!

۸: ۲۸ "آنگاه که پسر انسان را برافراشتید" این یک اشاره به عهد عتیق کتاب اعداد ۲۱: ۴ الی ۹ است، که در بخش انجیل یوحنا ۳: ۱۴ در خصوص آن بحث شده است. این اصطلاح، همانند بسیاری اصطلاحات دیگر در انجیل یوحنا، دارای دو مفهوم است. "برافراشتن" می‌تواند به معنی بر صلیب کشیده شدن باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۴، ۱۲: ۳۲ و ۳۴)، ولی اغلب با معنی "بالا بردن" استفاده شده است همانند اعمال رسولان ۲: ۳۳، ۵: ۳۱، فیلیپیان ۲: ۹. عیسی می‌دانست که آمده است تا بمیرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵).

■ "پسر انسان" این عنوانی است که عیسی خودش انتخاب کرده زیرا هیچ دلالت نظامیگری یا ملی‌گرایی برای روحانیون ندارد.

یهودیسیم. عیسی این عنوان را به این دلیل انتخاب کرد که هر دو مفهوم انسانی (مراجعه شود به حزقیال ۲: ۱، مزمور ۸: ۴) و الهی (مراجعه شود به دانیال ۷: ۱۳) را در بر می‌گیرد.

■ "پس شما می‌دانید که من او هستم" حتی شاگردان (و خانواده‌اش) دقیقا این را درک نکردند تا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۹) پس از پنتیکاست. روح القدس با قدرت باز کردن چشمان بر همه کسانی که چشمان و گوشهای معنوی داشتند، آمد!

برای تأیید دستور زبانی عبارت "من او هستم" به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۸: ۲۴ مراجعه کنید. آنها می‌دانند:

۱. که او کیست (یعنی مسیح)
۲. که او پدر را افشا می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۹ و ۲۰)
۳. که او و پدر یکی هستند (انجیل یوحنا ۸: ۲۹)

۸: ۲۹ "او مرا تنها نگذاشته" رابطه دوستی عیسی با پدر پایدار است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۶، ۱۶: ۳۲). به همین دلیل است که دوستی شکسته شده بر روی صلیب برای او بسیار سخت بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۳۴).

۸: ۳۰ "بسیاری به او ایمان آوردند" وسعت زیادی در استفاده از اصطلاح "ایمان" در این متن وجود دارد. به نظر می‌رسد که به ایمان سطحی در میان بخشی از شنوندگان اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳، انجیل مرقس ۴). مایل بودند که بر اساس درک خود از چیزی که او می‌گفت تصدیق کنند که او مسیح است. متن انجیل یوحنا ۸: ۳۰ الی ۵۸ به وضوح نشان می‌دهد که آنها ایمان آورنده واقعی نبودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ الی ۲۵). در انجیل یوحنا چندین سطح برای ایمان آمده است، همه آنها به رستگاری منتهی نمی‌شوند. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ مراجعه کنید.

#### NASB: انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۳۳

۳۱ "سپس عیسی به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند، گفت: "اگر در کلام من بمانید، برآستی شاگرد من خواهید بود. ۳۲ و حقیقت را خواهید شناخت، و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد." ۳۳ "به او پاسخ دادند: "ما فرزندان ابراهیم هستیم و هرگز غلام کسی نبوده‌ایم. پس چگونه است که می‌گویی آزاد خواهیم شد؟"

۸: ۳۱ "اگر در کلام من بمانید" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به این معنی است که احتمال رخداد واقعه وجود دارد. این تأکید بر تداوم ایمان همچنین به وضوح در انجیل یوحنا ۱۵ بیان شده است. این عنصر گم شده در بشارت انجیل است. به کلام باید ایمان آورده شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۴)، اطاعت شود، و در آن پایدار ماند. به موضوع خاص: پایداری در اول یوحنا ۲: ۱۰ مراجعه شود.

موضوع خاص: استقامت/محافظت

■ "اگر در کلام من بمانید، برآستی شاگرد من خواهید بود" عیسی بر شیوه زندگی مطیعانه تأکید می‌کند (به فرمان او، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۱ و ۵۲، ۵۵ و ۱۴: ۱۵ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۴، ۱۰: ۱۰ و ۲۰، ۱۷: ۶، انجیل لوقا ۶: ۴۶، دوم یوحنا ۹). در یک مفهوم این آیه منعکس کننده شما است، یک کلمه عبری که معنی آن "شنیدنی که همانطور هم انجام شود" است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۴ الی ۶).

۸: ۳۲ "خواهید شناخت" این با مفهوم عهد عتیقی "دانستن" استفاده شده است، که معنی آن "رابطه فردی" است، نه به معنی "شناختن حقیقت" (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱، ارمیا ۱: ۵). حقیقت یک شخص است! این آیه، که اغلب در مکاتب آموزشی یافت می‌شود، به انباشته شدن دانش انسان اشاره نمی‌کند. این اثبات می‌کند که انسانها جدا شده و مقید می‌شوند نه اینکه آزاد شوند. "حقیقتی" که در اینجا در مورد آن صحبت می‌شود انجیل و شخص عیسی مسیح است. هیچ حقیقت، صلح و یا امیدی بدون او وجود ندارد.

۸: ۳۲ و ۴۰ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ "حقیقت" این مفهوم کلیدی این بخش است. این مفهوم بر دو چیز دلالت می‌کند

۱. قابل اعتماد بودن
۲. درستی در مقابل نادرستی

هر دو مفهوم در بشارت و زندگی عیسی درست هستند. او هم موضوع و هدف انجیل است. حقیقت یک فرد اصلی است! عیسی پدر خود را افشا می‌کند. این آیه اغلب جدا شده و در مقاطع آموزشی از آن استفاده می‌شود. حقایق، حتی حقایق درست، حتی بسیاری حقایق درست، فرد را آزاد نمی‌کنند (مراجعه شود به کلیسای هاست ۱: ۱۸). موضوع خاص در مورد حقیقت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

۸: ۳۲ "شما را آزاد خواهد کرد" مومنین از قوانین، مراسم مذهبی، فعالیت‌هایی که هدفشان فقط عملکرد باشد و مذهب آزاد هستند. با اینحال، مومنین آزاد خود را به خاطر انجیل مقید می‌کنند (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۱۵، اول قرنتیان ۸ الی ۱۰).

۸: ۳۳ "ما فرزندان ابراهیم هستیم و هرگز غلام کسی نبوده‌ایم" خیلی حیرت انگیز است که تا چه حد غرور نژاد پرستی می‌تواند کسی را کور کند. پس مصر، سوریه، بابل، ایران، یونان و رم چه؟

#### NASB: انجیل یوحنا ۸: ۳۴ الی ۳۸

۳۴ "عیسی پاسخ داد: "آمین، آمین، به شما می‌گویم، کسی که گناه می‌کند، غلام گناه است. ۳۵ غلام جایگاهی همیشگی در خانه ندارد، اما پسر

را جایگاهی همیشگی است.<sup>۳۶</sup> پس اگر پسر شما را آزاد کند، براستی آزاد خواهید بود".  
<sup>۳۷</sup> "می دانم که فرزندان ابراهیم‌اید، اما در پی کشتن من هستید، زیرا کلام من در شما جایی ندارد.<sup>۳۸</sup> من از آنچه در حضور پدر دیده‌ام سخن می‌گویم و شما آنچه را از پدر خود شنیده‌اید، انجام می‌دهید".

۸: ۳۴ "کسی که گناه می‌کند، غلام گناه است" عیسی تلاش می‌کند آنها را به سوی واقعیت معنوی که در ورای عبارت قبلی او "شما را آزاد می‌کند" در انجیل یوحنا ۸: ۳۲ است، هدایت کند، که عبارت انجیل یوحنا ۸: ۳۳ نشان می‌دهد آنها درست درک نکرده‌اند. این عبارت در رابطه با متهم کردن شدید در انجیل یوحنا ۸: ۲۱ و ۲۴ است. محکوم کردن این پیروان فرعی او در انجیل یوحنا ۸: ۴۴ الی ۴۷ به انجام می‌رسد. همانطور که فرانک استگ در *New Testament Theology* می‌گوید "دوگانگی وضعیت انسان در مخصمه افتاده این است که محدودیت نتیجه تلاشهای او برای آزاد شدن است" (صفحه ۳۲)

زمان فعل در اینجا حال فعال است، "انجام دادن" که دلالت کننده گناه در حال ارتکاب است. ادامه گناه مدرکی است که فرد حقیقت (عیسی) را نمی‌شناسد. حقیقت مشابهی با فعل زمان حال برای "گناه کردن" در اول یوحنا ۳: ۶ و ۹ بیان شده است.

سوال این است، "آیا مومنین هنوز گناه می‌کنند؟" پاسخ باید "بله" باشد (مراجعه شود به رومیان ۷، اول یوحنا). مسیحیان با گناه مبارزه می‌کنند، ولی شادی این مبارزه را از دست داده‌اند و این را نمی‌دانند.

انجیل NET (صفحه ۱۹۲۱، شماره ۲۱) توضیح خوبی را اضافه می‌کند که گناه متداول در انجیل یوحنا "ایمان نداشتن" است (گناه نابخشودنی). این یک زمینه اخلاقی نیست مگر "ایمان از طریق رستگاری". گناه در اول یوحنا ایمان نیاوردن است (گناه تا زمان مرگ)!

۸: ۳۵ این آیه مستقیماً به انجیل یوحنا ۸: ۳۴ مرتبط نیست، بلکه به انجیل یوحنا ۸: ۳۶ مرتبط است. عیسی، و نه موسی روحانیون یهود، پسر واقعی است (مراجعه شود به عبرانیان ۱: ۲، ۳: ۶، ۵: ۸، ۷: ۲۸). فقط ایمان در او، نه انجام قواعد بی پایان و مرام مذهبی، می‌تواند فرد را آزاد کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۲).

■ "تا ابد" به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۸ مراجعه شود.

۸: ۳۶ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که از احتمال وقوع رخدادی صحبت می‌کند.

۸: ۳۷ "اما در پی کشتن من هستید" (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۵: ۱۸، ۷: ۱ و ۱۹، ۸: ۳۷ و ۴۰، ۱۱: ۵۳).

■ "زیرا کلام من در شما جایی ندارد" این عبارت را به چندین مفهوم متفاوت می‌توان درک کرد. یک مطالعه کمک کننده، کتاب *The Bible in Twenty Six Translations* است.

۱. "زیرا کلام من راه آزاد در شما ندارد" - *American Standard Version*
۲. "زمینه‌ای در شما ندارد" - *The New Testament* اثر Henry Alford
۳. "هیچ راهی در ذهن شما ندارد" - *The New Testament: A New Translation* اثر James Moffatt
۴. "هیچ جایی در شما پیدا نمی‌کند" - *The Emphasized New Testament: A New Translation* اثر J. B. Rotherham
۵. "زیرا کلام من در قلب شما جایی ندارد" - *The Four Gospels by E. John Rieu*

مجدداً، مسئله گرفتن و نگرفتن پیام خوش است. این یک مسئله رستگاری است نه یک مسئله اخلاقی در حال پیشرفت.

۸: ۳۸ "من از آنچه در حضور پدر دیده‌ام" این یک جمله فعال کامل دلالت کننده است که در ارتباط با از پیش وجود داشتن عیسی و دوستی فعلی وی با پدر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۰ و ۴۲).

■ "شما آنچه را از پدر خود شنیده‌اید، انجام می‌دهید" نخستین مرتبه که کلمه "پدر" آمده می‌تواند به سنت یهود اشاره داشته باشد (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳). با این وجود، در انجیل یوحنا ۸: ۴۱ الی ۴۴ موضوع در رابطه با شیطان است. اعمال، انگیزه‌ها، و کلام آنها قاعدتاً باید از "موسی" حمایت کند، به وضوح گرایش معنوی آنها را نشان می‌دهد. انسانها نمی‌توانند قلمرو معنوی ایجاد کنند. دو منبع نفوذ وجود دارد (با دوالبسم اشتباه نشود) - خدا/مسیح/روح القدس و یا شیطان. چگونگی پاسخ دادن یک نفر به پیام خوش (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، ۱۰: ۱ الی ۱۸، ۱۴: ۶) گرایش معنوی او را نشان می‌دهد.

چند گزینه متنی در رابطه با این عبارت وجود دارند:

۱. هر دو اشاره به پدر می‌توانند به یهوه اشاره داشته باشند (بدون ضمیر شما/تو)

۲. فعلی امری است نه اخباری

به کتاب A Textual Commentary on the Greek New Testament اثر بروس متزگر صفحه ۲۵۵ مراجعه کنید.

### NASB: انجیل یوحنا ۸: ۳۹ الی ۴۷

<sup>۳۹</sup>گفتند: "پدر ما ابراهیم است". عیسی گفت: "اگر فرزندان ابراهیم بودید، همچون ابراهیم رفتار می‌کردید. <sup>۴۰</sup>اما شما در پی کشتن من هستید؛ و من آنم که حقیقتی را که از خدا شنیدم به شما بازگفتم. ابراهیم چنین رفتار نکرد. <sup>۴۱</sup>لیکن شما اعمال پدر خود را انجام می‌دهید." گفتند: "ما حرامزاده نیستیم! یک پدر داریم که همانا خداست." <sup>۴۲</sup>عیسی به ایشان گفت: "اگر خدا پدر شما بود، مرا دوست می‌داشتید، زیرا من از جانب خدا آمده‌ام و اکنون در اینجا هستم. من از جانب خود نیامده‌ام، بلکه او مرا فرستاده است. <sup>۴۳</sup>از چه رو سخنان مرا در نمی‌یابید؟ از آن رو که نمی‌توانید کلام مرا بپذیرید. <sup>۴۴</sup>شما به پدرتان ابلیس تعلق دارید و در پی انجام خواسته‌های او هستید. او از آغاز قاتل بود و با حقیقت نسبتی نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نیست. هر گاه دروغ می‌گوید، از ذات خود می‌گوید؛ چرا که دروغگو و پدر همه دروغهاست. <sup>۴۵</sup>اما شما سخنانم را باور نمی‌کنید، از آن رو که حقیقت را به شما می‌گویم. <sup>۴۶</sup>کدام یک از شما می‌تواند مرا به گناهی محکوم کند؟ پس اگر حقیقت را به شما می‌گویم، چرا سخنانم را باور نمی‌کنید؟ <sup>۴۷</sup>کسی که از خداست، کلام خدا را می‌پذیرد؛ اما شما نمی‌پذیرید، از آن رو که از خدا نیستید."

۸: ۳۹ "پدر ما ابراهیم است" عیسی تصریح می‌کند که از نظر فیزیکی از اجداد ابراهیم هستند، ولی اشاره می‌کند که ویژگیهای خانوادگی شیطان را دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۸ و ۴۴). رابطه ایمان فردی، و نه هویت نژادی، باعث شد که یهودیان برای خدا مناسب باشند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۵ و ۱۳، رومیان ۲: ۲۸ الی ۲۹، ۹: ۶).

■ "اگر" این عبارت جمه شرطی نوع اول است در قالب (مقدمه، جمله حال فعال خبری دالتی)، ولی نمیتواند به عنوان جمله شرطی نوع دوم عمل کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۹ و ۴۲). نسخ دسنویس متفاوت یونانی سعی کردند که این حالت شرط مرکب را با تغییر دادن فعل اول به غیر کامل حذف کنند. در این صورت، جمله این چنین خوانده می‌شود: "اگر شما فرزندان ابراهیم بودید، پس شما هر آنچه ابراهیم انجام می‌داد، انجام می‌دادید، ولی این چنین نمی‌کنید." <sup>۴</sup>UBS به این فرم شرط مرکب رتبه B می‌دهد (تقریباً یقین است).

۸: ۴۰ "آنم" عیسی نه فقط شرایط خود را به عنوان نماینده یهوه، و برابر در مفهوم الهی درک کرده بود، بلکه به عنوان یک انسان کامل هم درک کرده بود. این تصریح تعالیم دروغین معلمین سایر ادیان و کفار را در مورد دوالیسم ابدی میان جسم و روح باطل می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۴، ۴: ۱ الی ۴)

موضوع خاص: عرفان (از کلمه یونانی *gnosis*، به معنی دانش و آگاهی، مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۲۰)

۸: ۴۱

NASB, NKJV	"ما برای فساد بدنیا نیامدیم"
NRSV	"ما فرزند ناخلف نیستیم"
TEV	"ما فرزندان خلف هستیم"
NJB	"ما ناخلف بدنیا نیامدیم"

این ممکن است در رابطه با اتهامات انجیل یوحنا ۸: ۴۸ (تو یک سامری هستی) باشد. به نظر می‌رسد که یهودیان اظهار کرده بودند که عیسی فرزند ناخلف است نه فرزند خونی یک یهودی. بعداً یک روحانی یهودی می‌گوید که پدر عیسی یک سرباز رومی بوده است.

■ "ما یک پدر داریم، حتی خدا" این عبارت بیان کننده یکتاپرستی شدید عهد عتیق است (مراجعه شود به تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹، ۶: ۴ الی ۵) که در قالب اصطلاحات خانوادگی (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۳۲: ۶، اشعیا ۱: ۲، ۶۳: ۱۶، ۶۴: ۸) بیان شده است. مشکل اینجا بود: این رهبران یهود تأیید می‌کردند که خدا یکی است (مراجعه شود به تثنیه ۶: ۴ الی ۵) و آن اطاعت از شریعت موسی رابطه درست را با خدا برقرار می‌کند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۱ الی ۳ و ۱۷ و ۲۴ الی ۲۵). عیسی آمد و ادعا کرد که فقط او با خدا است! عیسی ادعا کرد که درست در کنار خدا ایستادن نه بر اجرای شریعت بلکه بر اساس ایمان فردی به او است. تردید و سردرگمی آنها قابل درک است، ولی اینجا، جایی است که بینش روح القدس و کارهای حیرت انگیز عیسی باعث ایمان آوردن می‌شوند!

۸: ۴۲ "اگر" این یک جمله شرطی نوع دوم است که به آن "بر خلاف واقعیت" گفته می‌شود. "اگر خدا پدرت بود که نیست، مرا دوست می‌داشتی، که دوست نداری" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۷).

۸: ۴۳ "از آن رو که نمی‌توانید کلام مرا بپذیرید" این اشاره به پذیرش معنوی و درک دارد. آنان گوش شنوای معنوی نداشتند (مراجعه کنید به اشعیا ۶: ۹ الی ۱۰، انجیل متی ۱۱: ۱۵، ۱۳: ۹ و ۱۵ الی ۱۶ و ۴۳، انجیل مرقس ۴: ۹ و ۲۳: ۷، ۱۶، ۸: ۱۸، انجیل لوقا ۸: ۸، ۱۴: ۳۵، اعمال رسولان ۷: ۵۱، ۲۸: ۲۶ الی ۲۷).

۸: ۴۴ "شما به پدرتان ابلیس تعلق دارید" عجب بیان شجاعانه‌ای خطاب به رهبران دینی روزگارش (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۸: ۴۷). این مفهوم خصوصیت‌های خانوادگی مشترک در قالب اصطلاحات عبری "فرزندان..." بیان شده است (مراجعه کنید به انجیل متی ۱۳: ۸۸، اعمال رسولان ۱۳: ۱۰، ۱۰ و ۸: ۳ یوحنا).

در مورد شیطان به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ مراجعه کنید.

■ "او از آغاز قاتل بود" این بدین معنی نیست که دلالت بر عمر ابدی شیطان داشته باشد (یعنی دوالیسم آن طور که زرتشتیان می‌گویند)، بلکه منعکس کننده مفهوم وسوسه آدم و حوا است که توسط نماینده دروغگوی روح شیطانی درونی است (مراجعه کنید به کتاب پیدایش ۳). به تضاد هدفمند میان خدا که حقیقت حقیقی است و شیطان!

۸: ۴۶ "کدام یک از شما می‌تواند مرا به گناهی محکوم کند" در متن این اشاره به شهادت دروغ دارد. شیطان دروغ می‌گوید، ولی عیسی حقیقت را می‌گوید. عیسی این رهبران یهود را دعوت می‌کند تا اظهارات و آموزش‌های او را انکار کنند و اثبات کنند که او در اشتباه است. در این متن این اظهار در رابطه با گناهکار نبودن عیسی به نظر نمی‌رسد که به عنوان یک دکترین الهی باشد.

در انجیل یوحنا "گناه" بیشتر یک اصل شیطانی در دنیای سقوط کرده بر علیه خدا است که یک گناه خاص تلقی می‌شود. گناه هر چیزی است که عیسی نیست! نهایت "گناه" ایمان نیاوردن است (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۶: ۹).

#### NASB: انجیل یوحنا ۸: ۴۸ الی ۵۹

۴۸ یهودیان در پاسخ او گفتند: "آیا درست نگفتیم که سامری هستی و دیو داری؟" عیسی جواب داد: "من دیو ندارم، بلکه پدر خود را حرم می‌دارم، اما شما به من بی‌حرمتی می‌کنید. من در پی جلال خود نیستم. ولی کسی هست که در پی آن است، و داوری با اوست. آمین، آمین، به شما می‌گویم، اگر کسی کلام مرا نگاه دارد، مرگ را تا به ابد نخواهد دید. یهودیان به او گفتند: «اکنون دیگر یقین دانستیم که دیو زده‌ای! ابراهیم و پیامبران مردند، و حال تو می‌گویی، "اگر کسی کلام مرا نگاه دارد، طعم مرگ را تا به ابد نخواهد چشید!" آیا تو از پدر ما ابراهیم هم بزرگتری؟ او مُرد، و پیامبران نیز مردند. خود را که می‌پنداری؟" عیسی گفت: "اگر من خود را جلال دهم، جلال من ارزشی ندارد. آن که مرا جلال می‌دهد، پدر من است، همان که شما می‌گویید، خدای ماست. هر چند شما او را نمی‌شناسید، اما من او را می‌شناسم. اگر بگویم او را نمی‌شناسم، همچون شما دروغگو خواهم بود. اما من او را می‌شناسم و کلام او را نگاه می‌دارم. پدر شما ابراهیم شادی می‌کرد که روز مرا ببیند؛ و آن را دید و شادمان شد." یهودیان به او گفتند: "هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده‌ای؟" عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم، پیش از آنکه ابراهیم باشد، من هستم!» پس سنگ برداشتند تا سنگسارش کنند، اما عیسی خود را پنهان کرد و از محوطه معبد بیرون رفت.

۸: ۴۸ "تو سامری هستی و دیو داری" این احتمال هست که معنی متن اصلی که به زبان آرامی بوده است از کلمه یونانی سامری ترجمه شده باشد که به معنی "رئیس شیاطین" است. عیسی به زبان آرامی سخن می‌گفت. اگر این درست باشد، همراه با اتهامات مداوم رهبران مذهبی که می‌گفتند قدرت عیسی از منشا مافوق طبیعی شیطان است، معنی درست می‌شود. این احتمال هم هست که بگوئیم کسی که شیطان دارد یعنی دروغگو است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۲). گفتن اینکه عیسی سامری است (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۴: ۹) یا شیطان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۰، ۸: ۴۸ و ۴۹ و ۵۲، ۱۰: ۲۰ و ۲۱، به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ مراجعه شود) راهی بود که گفته شود کسی نباید به حرف او گوش دهد و به پیامش پاسخ دهد. با در نظر گرفتن این، همانند "ابراهیم پدر ما است"، عذر دیگری است برای پاسخ ندادن به عیسی یا پیام او.

۸: ۴۹ کسی نمی‌تواند به پدر ایمان داشته باشد ولی به پسر نداشته باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۹ الی ۱۲)، کسی نمی‌تواند پدر را بشناسد و به پسر احترام نگذارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۳). هر چند دو فرد جداگانه هستند، اما یکی می‌باشند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۳۰، ۱۷: ۲۱ الی ۲۳).

۸: ۵۰ "جلال من" به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

۸: ۵۱ و ۵۲ "اگر...اگر" هر دوی اینها جمله شرطی نوع سوم هستند که به معنی احتمال زیاد وقوع رخداد است. توجه داشته باشید که اطاعت به ایمان مرتبط است (به فهرست متون در انجیل یوحنا ۸: ۴۸ مراجعه کنید).

■ "مرگ را تا به ابد نخواهد دید" این یک عبارت منفی قوی مضاعف است. بدیهی است که به مرگ معنوی اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۱ و ۲۴)، نه مرگ فیزیکی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۴، ۶: ۴۰ و ۴۷، ۱۱: ۲۵ الی ۲۶). می‌تواند به ترس از مرگ اشاره داشته باشد (مراجعه کنید به اول قرن‌تینان ۱۵: ۵۴ الی ۵۷).

مفهوم "مرگ" (*thanatos*) در انجیل در سه سطح تعریف شده است

۱. مرگ معنوی، پیدایش ۲: ۱۷، ۳: ۱ الی ۲۴، اشعیا ۵۹: ۲، رومیان ۷: ۱۰ الی ۱۱، یعقوب ۱: ۱۵ (رابطه با خدا از بین رفته است)
۲. مرگ فیزیکی، کتاب پیدایش ۳: ۴ الی ۵، ۵ (رابطه با دنیا از بین رفته است)
۳. مرگ ابدی "مرگ دوم"، مکاشفه ۲: ۱۱، ۲۰: ۶ و ۱۴، و ۲۱: ۸ (قطع رابطه با خدا دائمی می‌شود)

مرگ بر خلاف اراده خدا برای اشرف مخلوقاتش است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)

۸: ۵۲ این نشان می‌دهد که آنها اظهارات عیسی را اشتباه متوجه شدند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۱). آنها آن را در رابطه با زندگی فیزیکی ابراهیم و پیامبران ربط دادند.

۸: ۵۳ این سوال انتظار پاسخ "نه" را دارد. عجب بیان هیجان‌انگیزی. ولی دقیقاً آن چیزی بود که عیسی ادعا می‌کرد.

۱. او بزرگتر از ابراهیم بود، انجیل یوحنا ۸: ۵۳
۲. او بزرگتر از یعقوب بود، ۴: ۱۲
۳. او بزرگتر از یونا بود، انجیل متی ۱۲: ۴۱، انجیل لوقا ۱۱: ۳۲
۴. او بزرگتر از یحیی تعمید دهنده بود، ۵: ۳۶، انجیل لوقا ۷: ۲۸
۵. او بزرگتر از سلیمان بود، انجیل متی ۱۲: ۴۲، انجیل لوقا ۱۱: ۳۱

کل کتاب عبرانیان نشان می‌دهد ارجحیت عیسی را بر موسی، پیمان جدید بر پیمان قدیم (به تفسیر من در مورد عبرانیان به آدرس [www.freebiblecommentary.org](http://www.freebiblecommentary.org) مراجعه کنید)

■ "خود را که می‌پنداری؟" نکته دقیقاً همینجاست. عیسی جمع بندی را به وضوح در انجیل یوحنا ۸: ۵۴ و ۵۸ انجام می‌دهد و آنها سعی می‌کنند که او را به دلیل کفر گوئی و توهین به مقدسات سنگسار کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۹).

۸: ۵۴ "اگر" یک جمله شرطی نوع سوم دیگر که به معنی احتمال زیاد وقوع رخداد است

■ "جلال بخشیدن" این اصطلاح با مفهوم احترام استفاده شده است (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۱، اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۶).

۸: ۵۵ "شناختن.... شناختن" این اصطلاح انگلیسی در این آیه حاصل ترجمه دو اصطلاح یونانی است که با یکدیگر مترادف هستند، *ginōskō* و *oīda*، (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۸ و ۲۹). عیسی پدر را می‌شناسد و او را به پیروانش نشان می‌دهد. جهان (حتی یهودیان) پدر را نمی‌شناسند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۰، ۸: ۱۹ و ۵۵، ۱۵: ۲۱، ۱۶: ۳، ۱۷: ۲۵).

۸: ۵۶ "پدرت ابراهیم" این بیان هیجان‌انگیزی است. عیسی خود را از "یهودیان"، "قوانین شریعت" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۷)، "معبد" و حتی خاندان ابراهیم جدا می‌کند. به وضوح قطع رابطه‌ای با پیمان قدیمی دیده می‌شود.

■ "شادی می‌کرد که روز مرا ببیند" این جمله آئوریستی متوسط است. ابراهیم تا چه اندازه مسیح را درک می‌کند؟ بسیاری از ترجمه‌های انجیل، این عبارت را با فعل زمان آینده ترجمه کرده‌اند. این گزینه‌ها از کتاب *The Bible in Twenty-Six Translations* برگرفته شده‌اند.

۱. "خوشحال شد که باید ببیند" - *The Emphasized New Testament: A New Translation* اثر جی بی روترهام
۲. "از دیدن روز من شادی کرد" - Revised Standard Version
۳. "از دیدن چشم انداز بسیار خوشحال شد" - *The Berkeley Version of the New Testament* اثر گریت ورکویل
۴. "از دیدن آمدنم" - *The New Testament: An American Translation* اثر ادگار جی گوداسپید
۵. "از دانستن روز من به شرف آمد" - *The New Testament in the Language of Today* اثر ویلیام اف بک

همچنین کتاب *The Analytical Greek Lexicon Revised* ویرایش هارولد ن. مولتون افعالی را فهرست کرده است که به معنی به شدت میل داشتن از کاربردهای نسخه اصل انجیل یونانی هستند (صفحه ۲).

■ **"آن را دید و شادمان شد"** این به یکی از این دو اشاره دارد:

۱. که ابراهیم در طول زندگی خود مسیح را دیده است (مراجعه شود به دوم اسدرا ۳: ۱۴)

۲. که ابراهیم (در بهشت) زنده بود و از کارهای مسیح در روی زمین آگاه بود (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۱۳)

نکته کلی گفته‌های عیسی این بود که پدر قوم یهود با شوق فراوان منتظر عصر مسیح بود، ولی بذرفعلی (ملت) از ایمان آوردن و شغف آن خودداری کردند. ابراهیم پدر مومنین است (مراجعه شود به رومیان ۲: ۲۸ الی ۲۹)، نه پدر بی ایمانان و کسانی که ایمان نمی‌آورند!

۸: ۵۷ باز هم شنوندگان عیسی کلام او را اشتباه متوجه می‌شوند! این گمراهی ممکن است تعمدی باشد! آنها نمی‌بینند زیرا نمی‌خواهند ببینند یا احتمالا نمی‌توانند ببینند.

۸: ۵۸ **"پیش از آنکه ابراهیم باشد، من هستم!"** این برای یهودیان کفر بود و سعی کردند عیسی را سنگسار کنند (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۱۲ او ۱۴). آنها کاملا درک می‌کردند که او چه می‌گوید، که او خدای از پیش وجود داشته است (مراجعه شد به انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۶: ۲۰، ۸: ۲۴ و ۲۸ و ۵۴ الی ۵۹، ۱۳: ۱۹، ۱۸، ۵ و ۶ و ۸).

۸: ۵۹ **"پس سنگ برداشتند تا سنگسارش کنند"** صحبت‌های عیسی خیلی ساده بود. او مسیح بود و او با پدر یکی بود. این یهودیان که در انجیل یوحنا ۸: ۳۱ گفته می‌شد که "به او ایمان دارند"، اینک آماده بودند که او را به دلیل کفر و توهین به مقدسات سنگسار کنند (مراجعه شود به لاویان ۲۴: ۱۶). برای یهودیان بسیار سخت بود که پیام تند و جدید عیسی را بپذیرند.

۱. او به شیوه‌ای که آنها انتظار داشتند مسیح رفتار کند، عمل نمی‌کرد

۲. او سنت‌های دینی شفاهی را به چالش می‌کشید

۳. او یکتاپرستی سفت و سخت آنها را سردرگم کرده بود

۴. او تصریح کرده بود که شیطان و نه یهوه "پدر" آنان بود

شخص باید یا او را "سنگسار کند" و یا "بپذیرد"! هیچ زمینه‌ی میانی وجود ندارد!

■ **"عیسی خود را پنهان کرد و از محوطه معبد بیرون رفت"** این یکی از آیاتی است که مترجمین را به تفکر وامی‌دارد (و عباراتی را به متن یونانی اضافه کردند) مبنی بر اینکه

۱. این یک معجزه بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۳۰، و اضافات متنی در این بخش)

۲. عیسی در میان جمعیت گم شد او شبیه سایر شرکت‌کنندگان بود

یک جدول زمانبندی الهی وجود دارد. عیسی می‌دانست که او به این دنیا آمده است تا بمیرد و می‌دانست که چگونه، کی و کجا. "زمان او هنوز فرا نرسیده است!"

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. آیا انجیل یوحنا ۷: ۵۳ الی ۸: ۱۱ جزو نسخه اصلی انجیل یوحنا است؟

۲. زمینه مربوط به آنچه که عیسی می‌گوید که من نور جهانم چیست؟

۳. چرا فریسیان شدیداً با عیسی مخالفت می‌کردند؟

۴. اصطلاح "ایمان" را در انجیل یوحنا ۸: ۳۰ در نور متن که در ادامه آن است توضیح دهید



**یوحنا ۹**  
**تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن**

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
شفای مرد کور مادرزاد	مردی که نابینا از مادر متولد شده بود بینایی خود را بدست می‌آورد	عیسی خود را به عنوان نور جهان معرفی می‌کند	عیسی مردی را که مادرزاد کور بدنیا آمده بود شفا داد	درمان مرد کور مادرزاد
۱۲ الی ۱ :۹	۱۲ الی ۱ :۹	۱۲ الی ۱ :۹	۱ الی ۱ :۹ ۳ الی ۵ :۹ ۶ الی ۷ :۹ ۸ :۹ ۹ الف ۹ ب ۱۰ :۹ ۱۱ :۹ ۱۲ الف ۱۲ ب	۱ الی ۵ :۹ ۶ الی ۷ :۹ ۸ الی ۱۲ :۹
فریسیان شفا را مورد تحقیق قرار می‌دهند	فریسیان از مرد شفا یافته بازجویی می‌کنند		فریسیان شفا را مورد تحقیق قرار می‌دهند	
۱۷ الی ۱۳ :۹	۱۳ الی ۳۴ :۹	۱۳ الی ۱۷ :۹	۱۳ الی ۱۵ :۹ ۱۶ الف ۱۶ ب ۱۷ الف ۱۷ ب	۱۳ الی ۱۷ :۹
۱۷ الی ۱۳ :۹		۱۳ الی ۱۷ :۹	۱۸ الی ۱۹ :۹ ۲۰ الی ۲۳ :۹	۱۳ الی ۱۷ :۹
۳۴ الی ۲۴ :۹		۲۴ الی ۳۴ :۹	۲۴ :۹ ۲۵ :۹ ۲۶ :۹ ۲۷ :۹ ۲۸ الی ۲۹ :۹ ۳۰ الی ۳۳ :۹ ۳۴ :۹	۲۴ الی ۳۴ :۹
کوری معنوی	بینش واقعی و دید واقعی		کوری معنوی	
۳۹ الی ۳۵ :۹	۳۵ الی ۴۱ :۹	۳۵ الی ۴۱ :۹	۳۵ الی ۴۱ :۹ ۳۶ :۹ ۳۷ :۹ ۳۸ :۹ ۳۹ :۹	۳۵ الی ۳۹ :۹
۴۱ الی ۴۰ :۹			۴۰ :۹ ۴۱ :۹	۴۰ الی ۴۱ :۹

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرد.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

### فراست و آگاهی نسبت به آیات ۱ الی ۴۱

- A. شفای نابینا، یکی از اندک معجزات بشارت عیسی، به صورت حیرت انگیزی با چندین تکنیک متفاوت تحقق یافت.
- B. شفای نابینا یک پیام مسیح بود (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۸، ۳۵: ۵، ۴۲: ۷، انجیل متی ۱۱: ۵). اهمیت این در مانها بلافاصله در متن اظهارات عیسی دیده می شوند که او نور جهان است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۲ و ۹: ۵). یهودیان معجزه ای می خواستند، آنها چندین مورد داشتند! فقط یهوه می تواند چشمان را باز کند!
- C. این فصل مثالهای عملی کوری فیزیکی یک مرد و کوری معنوی فریسیان را نشان می دهد (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۹: ۳۹ الی ۴۱، انجیل متی ۶: ۳۲).

### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: انجیل یوحنا ۹: ۱ الی ۱۲

۱ در راه که می رفت، کوری مادرزاد دید. <sup>۲</sup> شاگردانش از او پرسیدند: "استاد، گناه از کیست که این مرد کور به دنیا آمده است؟ از خودش یا از والدینش؟" عیسی پاسخ داد: "نه از خودش، و نه از والدینش؛ بلکه چنین شد تا کارهای خدا در او نمایان شود. <sup>۴</sup> تا روز است باید کارهای فرستنده مرا به انجام رسانیم؛ شب نزدیک می شود، که در آن کسی نمی تواند کار کند. <sup>۵</sup> تا زمانی که در جهان هستم، نور جهانم." <sup>۶</sup> این را گفت و آب دهان بر زمین افکنده، گل ساخت و آن را بر چشمان آن مرد مالید <sup>۷</sup> و او را گفت: "برو و در حوض سیلوآم (که به معنی 'فرستاده' است) شستشوی کن." پس رفت و شستشوی کرده، از آنجا بینا بازگشت.

<sup>۸</sup> همسایگان و کسانی که پیشتر او را در حال گدایی دیده بودند، پرسیدند: "مگر این همان نیست که می نشست و گدایی می کرد؟" <sup>۹</sup> بعضی گفتند: "همان است." دیگران گفتند: "شبییه اوست." اما او خود به تأکید می گفت: "من همانم." <sup>۱۰</sup> پس، از او پرسیدند: "چگونه چشمانت باز شد؟" <sup>۱۱</sup> پاسخ داد: "مردی عیسی نام، گلی ساخت و بر چشمانم مالید و گفت 'به حوض سیلوآم برو و شستشوی کن.' پس رفته، شستشوی کردم و بینا گشتم." <sup>۱۲</sup> از او پرسیدند: "او کجاست؟" پاسخ داد: "نمی دانم."

۹: ۱ "کور مادرزاد" این تنها مورد شفا از این نوع می باشد. هیچ امکان حقه بازی وجود ندارد.

۹: ۲ "شاگردانش" این نخستین مرتبه پس از فصل ۶ است که به شاگردانش اشاره می شود. این می تواند (۱) به شاگردان یهودایی که در فصل ۷: ۳ ذکر شد، اشاره داشته باشد و یا (۲) دوازده شاگرد.

■ "گناه از کیست که این مرد کور به دنیا آمده است" این سوال، سوالات الهیاتی بسیاری را به وجود آورده است. ما باید آن را با اصطلاحات یهودی باستان ترجمه و تفسیر کنیم نه ادیان شرقی. چندین احتمال وجود دارد:

۱. این به گناهان قبل از تولد اشاره دارد که روحانیان از کتاب پیدایش ۲۵: ۲۲ نظریه آن را به وجود آورده بودند
۲. این به گناهان والدین یا اجداد نزدیک فرد ارتباط دارد که بر کودک به دنیا نیامده تاثیر گذاشته است (مراجعه شود به کتاب خروج، ۲۰: ۵، کتاب تثبیه ۵: ۹).
۳. این می تواند به رابطه میان گناه و بیماری مرتبط باشد، که در الهیات روحانیون کاملاً متداول بود (مراجعه شود به جیمز ۵: ۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۵: ۱۴)

این هیچ ربطی به الهیات شرقی تناوب تناسخ یا چرخ کارماندارد. این یک مورد یهودی است. برای یک بحث خوب در این خصوص به *Scripture Twisting* اثر جیمز دبلیو سایر صفحات ۱۲۷ الی ۱۴۴ مراجعه کنید.

۳:۹ این آیه پاسخ عیسی به سوال شاگردان در انجیل یوحنا ۹:۲ را می‌دهد. چندین حقیقت حاکم هستند. (۱) گناه و بیماری به صورت خودکار به یکدیگر مرتبط نیستند و (۲) مسائل و مشکلات اغلب فرصتی را برای برکات و معجزات خداوند ایجاد می‌کنند.

۴:۹ "ما...من" بدیهی است که این ضمیر در توافق نیستند. چندین نسخه دستنویس یونانی یکی یا دیگری را تغییر داده تا از نظر دستوری درست باشند. از آنجا که عیسی نور جهان است، به نظر نمی‌رسد که آنها منعکس کننده موقعیت الهی باشند، ما باید در روز خودمان منعکس کننده آن نور باشیم (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۱۴).

■ "شب نزدیک می‌شود" با مقایسه با انجیل یوحنا ۹:۵ نشان داده می‌شود که بدیهی است این یک استعاره است. شب می‌تواند نمایانگر:

۱. فرارسیدن داوری باشد
۲. زمان فرصتها به پایان می‌رسد
۳. رد و مصلوب کردن عیسی باشد

۵:۹ "تا زمانی که در جهان هستم" به نظر می‌رسد که این اشاره به دوره تجسم داشته باشد، زمانی از بیت اللحم تا کالواری/کوه زیتون. فقط برای مدت کوتاهی عیسی اینجا بود. شنوندگانش باید الان به پیامش پاسخ دهند. از دید الهیات این عبارت مترادف با انجیل یوحنا ۹:۴ است. فرد حیرت می‌کند که تا چه اندازه "من هستم" در این یک متن چنین دلالتی بتواند داشته باشد!

■ "نور جهانم" یوحنا اغلب از نور و تاریکی به عنوان استعاره برای واقعیتهای معنوی استفاده می‌کند. عیسی به عنوان "نور جهان" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۴ الی ۵، ۸ الی ۹، ۳:۱۷ الی ۲۱، ۸:۱۲، ۹:۵، ۱۲:۱۲، ۱۶:۳۰) ممکن است منعکس کننده دلالتهای مسیحی عهد عتیق باشد (مراجعه شود به اشعیا ۴۹:۶، ۴۹:۶، ۵۱:۴، ۶۰:۱ و ۳). به یادداشت مربوط به بحث انجیل یوحنا ۸:۱۲ مراجعه شود.

۶:۹ "آب دهان بر زمین افکنده، گل ساخت" بزاغ دهان یک درمان خانگی یهودی بود. استفاده از آن در شبات مجاز نبود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹:۱۴). در اناجیل سه مثال از اینکه عیسی از آب دهان استفاده می‌کند ثبت شده است (مراجعه شود به انجیل مرقس ۷:۳۳، ۸:۲۳ و اینجا). با استفاده از این روش پذیرفته شده درمان، که حتی انتظارش می‌رفت، عیسی به صورت فیزیکی ایمان این فرد را تشویق می‌کند، ولی همچنین عمدا قوانین و سنتهای فریسیان را به چالش می‌کشد!

۷:۹ "حوض شیلوآم" سیلوآم یعنی "آن کسی که فرستاده شده است". از این حوض در مراسم مذهبی جشن خیمه‌ها استفاده می‌شد.

■ ("فرستاد، ترجمه می‌شود") کلمه "فرستاد" در رابطه با این واقعیت است که آب حوض از چشمه گیهون لوله کشی شده بود، که خارج از دیوارهای شهر اورشلیم بود. روحانیون کلمه "فرستاد" را با دلالتهای مسیحی مرتبط می‌کنند. این یک توضیح دیگر از جانب نویسنده است.

■ "شست" این عمل از روی ایمان بود. او بر اساس گفته‌های عیسی عمل کرد! با این وجود، هنوز ایمان را حفظ نمی‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹:۱۱ و ۱۷ و ۳۶ و ۳۸). ایمان در طی فرایند است. از میان تمامی اناجیل، یوحنا مراحل ایمان را آشکار می‌کند. فصل ۸، یک گروه که ایمان آوردند، ولی به سوی رستگاری نرفتند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳، انجیل مرقس ۴، تمثیل خاک) را نشان می‌دهد.

## موضوع خاص: افعال یونانی که برای رستگاری استفاده شدند

### (SPECIAL TOPIC: SALVATION (GREEK VERB TENSES))

رستگاری یک محصول نیست، بلکه رابطه روزانه فردی با خدا در مسیح است. با اعتماد کردن فرد به مسیح خاتمه نمی‌یابد، تازه شروع شده است (یک دروازه و سپس یک راه، مراجعه شود به انجیل متی ۷:۱۳ الی ۱۴). یک بیمه آتش سوزی نیست، و نه بلیط به بهشت، بلکه زندگی است که در شبیه مسیح بودن باید رشد کند (مراجعه شود به رومیان ۸:۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳:۱۸، ۷:۱، غلاطیان ۴:۱۹، افسسیان ۱:۴، ۴:۱۳، اول تسالونیکیان ۳:۱۳، ۴:۳ و ۵:۲۳، اول پطرس ۱:۱۵). در آمریکا ضرب المثلی داریم که می‌گوید هر چه یک زوج بیشتر با هم زندگی کنند، بیشتر شبیه به یکدیگر می‌شوند. این هدف رستگاری است!

رستگاری به عنوان عمل کامل شده (آنوریست)

• اعمال رسولان ۱۵:۱۱

- رومیان ۸: ۲۴
- دوم تیموتائوس ۱: ۱۹
- تیتوس ۳: ۵
- رومیان ۱۳: ۱۱ (زمان آتوریست با مسیر آینده ترکیب کرده است)

#### رستگاری به عنوان حالی از بودن (کامل)

- افسسیان ۲: ۵ و ۸

#### رستگاری به عنوان فرایندی ممتد (حال)

- اول قرن‌تین ۱: ۱۸، ۱۵: ۲
- دوم قرن‌تین ۲: ۱۵
- اول پطرس ۳: ۲۱

#### رستگاری به عنوان آینده‌ای که تحقق خواهد یافت (حالت آینده در زمان فعل یا متن)

- رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۱۰: ۹ و ۱۳
- اول قرن‌تین ۳: ۱۵، ۵: ۵
- فیلیپیان ۱: ۲۸
- اول تسالونیکیان ۵: ۸ الی ۹
- عبرانیان ۱: ۱۴، ۹: ۲۸
- اول پطرس ۱: ۵

بنابراین رستگاری با تصمیم اولیه و ایمان آغاز می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳)، ولی این باید تبدیل به شیوه زندگی از روی ایمان شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۲: ۱۹ الی ۲۰، افسسیان ۱: ۴، ۲: ۱۰)، که روزی تحقق آن دیده خواهد شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). رستگاری وضعیت نهایی جلال یافتن نامیده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰) می‌توان آن را به شیوه زیر به تصویر کشید:

۱. رستگاری اولیه - نجات یافتن از مجازات گناه
۲. رستگاری در حال بسط یافتن - نجات یافتن از قدرت گناه
۳. رستگاری نهایی - جلال یافتن (نجات یافتن از وجود گناه)

۸: ۹ "همسایگان" در این فصل به سه گروه اشاره می‌شود که به معجزات او شهادت می‌دهند: (۱) همسایگانش (انجیل یوحنا ۹: ۸)، (۲) خود مرد (انجیل یوحنا ۹: ۱۱)، و والدینش (انجیل یوحنا ۹: ۱۸). در خصوص این شفا، در میان همسایگان توافق نظر وجود نداشت، همانطور هم میان فریسیان.

■ "مگر این همان نیست که می‌نشست و گدایی می‌کرد" این سوال یونانی انتظار پاسخ "بله" را دارد.

۹: ۹ "من همانم" این همان اصطلاح یونانی است که عیسی در انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۶: ۲۰، ۸: ۲۴ و ۲۸ و ۵۸، ۱۳: ۱۹، ۱۸: ۵ و ۶ و ۸ به کار برده است. این متن نشان می‌دهد که این شیوه بیان به صورت خودکار دلالت بر خدایی بودن ندارد. ابهامات مشابه بیشتری در مورد اصطلاح *kurios* که در آیات ۳۶ (آقا) و ۳۸ (ارباب/سرور/خدا) به کار رفته دیده می‌شوند.

۹: ۱۱ الی ۱۲ این مکالمه نشان می‌دهد که شفای این مرد منجر به رستگاری معنوی سریع نشد. ایمان این مرد در طی ملاقاتها با عیسی بسط یافت (به انجیل یوحنا ۹: ۳۵ مراجعه کنید)

#### NASB: انجیل یوحنا ۹: ۱۳ الی ۱۷

۳ پس آن مرد را که پیشتر کور بود، نزد فریسیان آوردند. ۴ آن روز که عیسی گل ساخته و چشمان او را باز کرده بود، شَبَات بود. ۵ آنگاه فریسیان نیز از او پرس و جو کردند که چگونه بینایی یافته است. پاسخ داد: "بر چشمانم گل مالید و شستم و اکنون بینا شده‌ام." ۶ پس بعضی فریسیان گفتند: "آن مرد از جانب خدا نیست، زیرا شَبَات را نگاه نمی‌دارد." اما دیگران گفتند: "چگونه شخصی گناهکار می‌تواند چنین آیهاتی

پدیدار سازد؟" و بین آنها اختلاف افتاد. <sup>۱۷</sup> پس دیگر بار از آن کور پرسیدند: "تو خود درباره او چه می‌گویی؟ زیرا او چشمان تو را گشود." پاسخ داد: "پیامبری است".

۱۳:۹ "آنها" باید به همسایگان اشاره داشته باشد.

■ "فریسیان" از رهبران یهود با اصطلاح متفاوت در انجیل یوحنا نام برده می‌شوند. معمولا از آنها به عنوان "یهودیان" نام برده می‌شود (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۹: ۱۸ و ۲۲). با این حال، در این فصل از آنها به نام فریسیان در انجیل یوحنا ۹: ۱۳ و ۱۵ و ۱۶ و ۴۰ نام برده می‌شود. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۲۴ مراجعه کنید.

۹: ۱۴ "آن روز که عیسی گل ساخته و چشمان او را باز کرده بود، سَبَات بود" قوانین سنتی رهبران یهود (قوانین شفاهی تلمود خوانده می‌شدند) بر نیازهای فرد ارجحیت داشتند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۹، ۹: ۱۶، انجیل متی ۲۳: ۲۴). تقریبا انگار که عیسی عمدا برای اینکه وارد بحث الهیات با این رهبران شود، عمل می‌کرد. به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۵: ۹ مراجعه شود.

۹: ۱۶ فریسیان احتمالا کتاب تثنیه ۱۳: ۱ الی ۵ را مبنای داوری بر روی عیسی قرار داده بودند.

■ "بین آنها اختلاف افتاد" عیسی همیشه باعث این قبیل اختلافات می‌شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۲، ۷: ۴۳، ۱۰: ۱۹، انجیل متی ۱۰: ۳۴ الی ۳۹).

۹: ۱۷ "پیامبری است" این فصل توسعه ایمان این مرد را نشان می‌دهد (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۹: ۳۶ و ۳۸). برای "پیامبر" مراجعه کنید به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۴: ۱۹.

#### NASB: انجیل یوحنا ۹: ۱۸ الی ۲۳

<sup>۱۸</sup> اما یهودیان هنوز باور نداشتند که او کور بوده و بینا شده است، تا اینکه والدینش را فرا خواندند <sup>۱۹</sup> و از آنان پرسیدند: "آیا این پسر شماست، همان که می‌گویید نابینا زاده شده است؟ پس چگونه اکنون می‌تواند ببیند؟" پاسخ دادند: "می‌دانیم که پسر ماست، و نیز می‌دانیم که نابینا به دنیا آمده است. <sup>۲۱</sup> اما این را که چگونه بینا شده، و یا چه کسی چشمان او را گشوده است، ما نمی‌دانیم. از خودش پرسید. او بالغ است و خود درباره خویشتن سخن خواهد گفت. <sup>۲۲</sup> ایشان از آن سبب چنین گفتند که از یهودیان می‌ترسیدند. زیرا یهودیان پیشتر همدستان شده بودند که هر کس اعتراف کند عیسی همان مسیح است، او را از کنیسه اخراج کنند. <sup>۲۳</sup> از همین رو بود که والدینش گفتند، "او بالغ است؛ از خودش پرسید".

۹: ۲۲ الی ۲۳ "هر کس اعتراف کند عیسی همان مسیح است" این جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع عمل است. والدین از این رهبران یهود می‌ترسیدند. چندین شهادت وجود دارند که این شفا را تأیید می‌کنند: (۱) همسایگان (انجیل یوحنا ۹: ۸ الی ۱۰)، (۲) خود مرد (انجیل یوحنا ۹: ۱۱ الی ۱۷، ۲۴ الی ۳۳) و (۳) والدینش (انجیل یوحنا ۹: ۱۸ الی ۲۳).

موضوع خاص: اعتراف/اقرار

۹: ۲۲ "او را از کنیسه اخراج کنند" مسلم است که والدین می‌ترسیدند مبادا آنها طرد شوند (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۲، ۱۶: ۲). این فرایند ممکن است به عزرا بازگردد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۸). ما از ادبیات روحانیان می‌دانیم که سه نوع طرد وجود داشت: (۱) برای یک هفته، (۲) برای یک ماه، یا (۳) برای همیشه.

یوحنا، که برای سالهای پایانی قرن نخست می‌نوشت، به خوبی با طرد از کنیسه به واسطه اقرار به مسیح بودن عیسی آگاهی داشت. این "فرمول‌های لعن" توسط فریسیان بعد از سال ۷۰ میلادی بسط یافتند. یهود از جمیا تجدید حیات یافت.

■ "او را از کنیسه اخراج کنند" این یک قطع رابطه جدی بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۲، ۱۶: ۲).

#### NASB: انجیل یوحنا ۹: ۲۴ الی ۳۴

<sup>۲۴</sup> پس بار دیگر آن مرد را که پیشتر کور بود، فرا خوانده، به او گفتند: "خدا را تجلیل کن! ما می‌دانیم که او مردی گناهکار است." <sup>۲۵</sup> پاسخ داد: "گناهکار بودنش را نمی‌دانم. تنها یک چیز می‌دانم، و آن اینکه کور بودم، و اکنون بینا گشته‌ام." <sup>۲۶</sup> پرسیدند: "با تو چه کرد؟ چگونه چشمانت را گشود؟" پاسخ داد: «من که به شما گفتم، اما شما گوش نمی‌دهید؛ چرا می‌خواهید دوباره بشنوید؟ مگر شما نیز می‌خواهید شاگرد او شوید؟" <sup>۲۸</sup> ایشان دشنامش داده، گفتند: "تو خود شاگرد اویی! ما شاگرد موساییم." <sup>۲۹</sup> ما می‌دانیم خدا با موسی سخن گفته است. اما این شخص، نمی‌دانیم از کجاست." <sup>۳۰</sup> آن مرد در پاسخ ایشان گفت: "شگفتا! با اینکه چشمان مرا گشوده، نمی‌دانید از کجاست. <sup>۳۱</sup> ولی ما

می دانیم که خدا دعای گناهکاران را نمی شنود، اما اگر کسی خداترس باشد و اراده او را به جا آورد، خدا دعای او را می شنود.<sup>۳۲</sup> از آغاز جهان تا کنون شنیده نشده که کسی چشمان کوری مادرزاد را گشوده باشد.<sup>۳۳</sup> اگر این مرد از جانب خدا نبود، کاری از وی بر نمی آمد.<sup>۳۴</sup> ایشان در پاسخ او گفتند: "تو سراپا در گناه زاده شده ای. حال، به ما هم درس می دهی؟" پس او را اخراج کردند.

۹: ۲۴ "خدا را تجلیل کن" این فرمولی برای پیمان بستن به منظور تضمین صداقت بود (مراجعه شود به یوشع ۷: ۱۹).

۹: ۲۵ این پاسخ باید به انجیل یوحنا ۹: ۱۶ اشاره داشته باشد. مرد نمی خواست وارد بحث الهیات شود، ولی نتایج دیدار با عیسی را تصریح می کند

۹: ۲۷ "مگر شما نیز می خواهید شاگرد او شوید" حالت دستور زبان یونانی انتظار پاسخ "نه" را دارد، ولی پرسیدن همین سوال یک دوگانگی شدید است و هوش مرد گدای نابینا را نشان می دهد.

۹: ۲۸ الف "تو خود شاگرد اویی" یک سوال جدی هست که در چه مقطعی در این فصل مرد ایمان می آورد. به نظر می رسد که شفای توسط عیسی ارتباطی با ایمان آوردن وی به عیسی به عنوان مسیح ندارد، فقط بعدا عیسی با او در رابطه ادعاهای مسیح بودنش مواجه می شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳۶ الی ۳۸). این قسمت نشان می دهد که شفای فیزیکی الزاما منجر به رستگاری نمی شود.

۹: ۲۸ ب الی ۲۹ این مشکلی را که رهبران مذهبی با آن مواجه بودند، نشان می دهد. آنها تلاش می کردند که تفاسیر مشخصی از قوانین شفاهی (تلمود) را با مکاشفه های تحت الهام موسی برابر کنند. چشمان آنها به وسیله تعصب و غرور دینی کور شده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۶: ۲۳). آنان شاگردان سنتهای انسانی بودند (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۳).

۹: ۲۹ "این شخص، نمی دانیم از کجاست" این هم یک مورد دیگر از دوگانه گویی های یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۷ الی ۲۸، ۸: ۱۴). عیسی از پدر آمده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۲، ۱۳: ۳، ۱۶: ۲۸) ولی شاگردان در کوری معنوی بودند و نمی دانستند:

۱. مبدا او را (از کجا آمده)

۲. محل تولد او را

۹: ۳۰ "شگفتا! با اینکه چشمان مرا گشوده، نمی دانید از کجاست" این هم یک مثال دیگر از هوشمندی و دوگانگی تند این گدای نابینا که منطق فریسیان را رد می کند.

۹: ۳۱ الی ۳۳ این مرد کور بیسواد درک بهتری از الهیات داشت تا رهبران مذهبی.

۹: ۳۳ "اگر" این جمله شرطی نوع دوم است که به آن "بر خلاف واقعیت" گفته می شود. باید دانست که "اگر این مرد از جانب خدا نیامده باشد، که آمده، او نباید می توانست چنین کاری بکند، ولی انجام داد".

۹: ۳۴ "تو سراپا در گناه زاده شده ای" خیلی جالب است که روحانیان یهود هیچ اطلاعی از مفهوم گناه اولیه نداشتند (مراجعه شود به یعقوب ۱۴: ۱ و ۴، مزمور ۵۱: ۵). بر سقوط پیدایش ۳ در یهودیت روحانیون هیچ تاکید نمی شد. یهودیان تصریح می کردند که نیت خوب و بد در هر فردی وجود دارد (yetzer). این فریسیان تصریح می کردند که شهادت این مرد شفا یافته و منطق او بی اعتبار است زیرا بدیهی است که او گناهکار است و دلیلش نابینا بدنیآ آمدنش است.

■ "او را اخراج کردند" معنی لغوی این عبارت این است که "او را بیرون انداختند". مرجع (۱) عضویت و حضور در کنیسه محلی یا (۲) از جلسه بیرون راندن است. در این متن به نظر می رسد شماره ۲ بهترین باشد.

**NASB: انجیل یوحنا ۹: ۳۵ الی ۴۱**

<sup>۳۵</sup> چون عیسی شنید که آن مرد را اخراج کرده اند، او را یافت و از وی پرسید: "آیا به پسر انسان ایمان داری؟" <sup>۳۶</sup> پاسخ داد: «سرورم، بگو کیست تا به او ایمان آورم». <sup>۳۷</sup> عیسی به وی گفت: «تو او را دیده ای! همان است که اکنون با تو سخن می گوید». <sup>۳۸</sup> گفت: «سرورم، ایمان دارم». و در برابرش روی بر زمین نهاد. <sup>۳۹</sup> عیسی گفت: «من برای داوری به این جهان آمده ام، تا کوران بینا و بینایان کور شوند». <sup>۴۰</sup> بعضی از فریسیان که نزد او بودند، چون این را شنیدند، پرسیدند: "آیا ما نیز کوریم؟" <sup>۴۱</sup> عیسی به ایشان گفت: "اگر کور بودید گناهی نمی داشتید؛ اما حال که ادعا می کنید بیناید، گناهکار باقی می مانید."

۹: ۳۵

NASB, NRSV, TEV, NJB "آیا به پسر انسان ایمان داری؟"

NKJV "آیا به پسر خدا ایمان داری؟"

در نسخ دستنویس یونانی L و A "پسر خدا" آمده ولی در P<sup>66</sup>، P<sup>75</sup>، W و D، B، R، "پسر انسان" آمده است. از استفاده یوحنا و شواهد دستنویس "پسر انسان" به مراتب مناسبتر و احتمالاً اصل است. UBS<sup>4</sup> به "مرد" رتبه "A" (یقین) می‌دهد. از نظر دستور زبانی، این سوال انتظار پاسخ "بله" را دارد.

۳۶:۹

NASB, NKJV, NRSV, TEV  
"ارباب/سرور/خدا" (Lord)  
"آقا" (Sir)  
NJB

در طول فصل می‌توانیم بسط ایمان این مرا ببینیم، چرا که نحوه خطاب کردن عیسی توسط مرد تغییر می‌یابد

۱. مردی (انجیل یوحنا ۹: ۱۱)

۲. پیامبر (انجیل یوحنا ۹: ۱۷)

۳. "آقا" (انجیل یوحنا ۹: ۳۶)

۴. "ارباب/سرور/خدا"، در مفهوم کامل الهیاتی این کلمه (انجیل یوحنا ۹: ۳۸)

کلمه یونانی همان است که هم در انجیل یوحنا ۹: ۳۶ و ۳۸ آمده است. فقط متن می‌تواند مفهوم را مشخص کند. به موضوع خاص: اسامی خدا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۲۰ مراجعه کنید. کلمه یونانی *Kurios* می‌تواند منعکس کننده کلمه عبری *Adon* باشد که جایگزین شفاهی یهوه است.

۹: ۳۸ تا آنجا که رستگاری مرد شفا یافته مورد بحث است، این اوج بحث می‌باشد. جالب است که این آیه در برخی از نسخ دستنویس یونانی (P<sup>75</sup>، R، W) و دیاتسارون (*Diatessaron*)، ترکیب اولیه چهار انجیل) وجود ندارد. البته دو اصطلاح نادر در آنها وجود دارد: (۱) عبارت "او گفت" فقط در اینجا و ۱: ۲۳ آمده و (۲) اصطلاح "او را عبادت کرد" فقط اینجا در انجیل یوحنا آمده است. در بیشتر ترجمه‌های مدرن وجود دارد.

۹: ۳۹ "من برای داوری به این جهان آمده‌ام" به نظر می‌رسد که در سطرهای ۵: ۲۲ و ۲۷ باشد که از داوری (اسکاتولوژی) پایان زمان صحبت می‌کند. با این وجود، به نظر می‌رسد که این با ۳: ۱۷ الی ۲۱ و ۱۲: ۴۷ و ۴۸ در تضاد باشد. می‌تواند مصالحه‌ای باشد بر اساس این واقعیت که عیسی با هدف رستگاری آمد ولی انسانهایی که او را رد کردند، به صورت خودکار خودشان را مورد داوری قرار دادند.

■ "تا کوران بینا و بینایان کور شوند" این تحقق مضاعف نبوت است به از اشعیا

۱. مردم مغرور اسرائیل پیام خدا را درک نمی‌کنند (مراجعه شود به اشعیا ۶: ۱۰، ۴۲: ۱۸ الی ۱۹، ۴۳: ۸، ارمیا ۵: ۲۱، حزقیال ۱۲: ۲)

۲. فقیر مطرود و درمانده‌ای که توبه می‌کند و فروتن می‌ماند، درک می‌کند (مراجعه شود به اشعیا ۲۹: ۱۸، ۳۲: ۳ الی ۴، ۳۵: ۵، ۴۲: ۷ و ۱۶)

عیسی نور جهان برای همه کسانی است که تصمیم می‌گیرند که ببینند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴ الی ۵، ۸ الی ۹)

۹: ۴۰ "آیا ما نیز کوریم" دستور زبان یونانی انتظار پاسخ نه را دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۱۴، ۲۳ الی ۲۴). این آخرین آیات نشان می‌دهند که این فصل تمثیل عینی از کوری معنوی است که نمی‌تواند شفا یابد (گناه نابخشودنی ایمان نیاوردن، به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۱ مراجعه شود)، و کوری فیزیکی که قابل درمان است.

۹: ۴۱ این آیه یک حقیقت کلی را بیان می‌دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۲ و ۲۴، رمیان ۳: ۲۰، ۴: ۱۵، ۵: ۱۳، ۷: ۷ و ۹). انسانها مسئول نوری هستند که دارند و یا در معرض آن قرار می‌گیرند!

## یوحنا ۱۰ تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	JB
تمثیل اغل گوسفندان ۱:۱۰ الی ۶	عیسی چوپان واقعی ۱:۱۰ الی ۶	عیسی، چوپانی که زندگی خود را می‌دهد ۱:۱۰ الی ۶	تمثیل چوپان ۱:۱۰ الی ۵ ۶:۱۰	چوپان نیکو ۱:۱۰ الی ۵ ۶:۱۰
عیسی، چوپان نیکو ۱:۱۰ الی ۱۸	عیسی، چوپان نیکو ۱:۱۰ الی ۲۱	۱:۱۰ الی ۱۰ ۱:۱۰ الی ۱۸	عیسی، چوپان نیکو ۱:۱۰ الی ۱۰ ۱:۱۰ الی ۱۶ ۱:۱۰ الی ۱۷	۱:۱۰ الی ۱۸
۱:۱۰ الی ۲۱		۱:۱۰ الی ۲۱	۱:۱۰ الی ۲۰ ۲۱:۱۰	۱:۱۰ الی ۲۱
یهودیان عیسی را رد می‌کنند ۱:۱۰ الی ۳۰	چوپان گوسفندان را می‌شناسد ۱:۱۰ الی ۳۰	۱:۱۰ الی ۳۰	عیسی رد می‌شود ۱:۱۰ الی ۲۴ ۲۵:۱۰ الی ۳۰	عیسی ادعا می‌کند که پسر خدا است ۱:۱۰ الی ۳۰
۱:۱۰ الی ۳۹	تلاش‌های خود را برای سنگسار عیسی از سر می‌گیرند ۱:۱۰ الی ۳۹	۱:۱۰ الی ۳۹	۱:۱۰ الی ۳۲ ۳۳:۱۰ ۱:۱۰ الی ۳۸ ۳۹:۱۰	۱:۱۰ الی ۳۸ ۳۹:۱۰
۱:۱۰ الی ۴۲	مومنین آن سوی اردن ۱:۱۰ الی ۴۲	۱:۱۰ الی ۴۲	۱:۱۰ الی ۴۲	عیسی به سمت دیگر اردن می‌رود ۱:۱۰ الی ۴۲

چرخه سوم مطالعه (به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود)

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرد.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم‌بندی‌های خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره



**NASB: انجیل یوحنا ۱۰: ۱ الی ۶**

«آمین، آمین، به شما می‌گویم، آن که از در به آغل گوسفندان داخل نشود، بلکه از راهی دیگر بالا رود، دزد و راهزن است. <sup>۲</sup> اما آن که از در به درون آید، شبان گوسفندان است. <sup>۳</sup> در بر او می‌گشاید و گوسفندان به صدای او گوش فرا می‌دهند؛ او گوسفندان خویش را به نام می‌خواند، و آنها را بیرون می‌برد. <sup>۴</sup> چون همه گوسفندان خود را بیرون ببرد، پیشاپیش آنها گام برمی‌دارد و گوسفندان از پی او می‌روند، زیرا صدایش را می‌شناسند. <sup>۵</sup> اما هرگز از پی بیگانه نمی‌روند، بلکه از او می‌گریزند، زیرا صدای بیگانگان را نمی‌شناسند.»  
<sup>۶</sup> عیسی این تمثیل را برایشان بیان کرد، اما آنان درنیافتند بدیشان چه می‌گوید.

۱۰: ۱ «آمین، آمین» به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱: ۵۱ مراجعه شود

■ «آن که از در به آغل گوسفندان داخل نشود، بلکه از راهی دیگر بالا رود، دزد و راهزن است» توجه کنید که تعدادی گوسفند در آغل هستند که متعلق به چوپان خوب نیستند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱ الی ۲۳ و تمثیل "گندم و علف"، انجیل متی ۱۳: ۲۴ الی ۳۰). مسئله اینجاست که برخی سعی می‌کنند آن چیزی را که خداوند به صورت رایگان از طریق مسیح می‌دهد، با تلاش فردی خودشان بدست آورند (مراجعه شود به رومیان ۳: ۱۹ الی ۳۱، ۹: ۳۰ الی ۳۳، ۱۰: ۲ الی ۴، غلاطیان ۲: ۱۶، ۵: ۴). فریسیان فصل ۹ مثال خوبی هستند.

۱۰: ۲ «اما آن که از در به درون آید، شبان گوسفندان است» ترکیب چندین استعاره در این فصل کاملا مشهود است. عیسی به عنوان شبان آغل گوسفندان، انجیل یوحنا ۱۰: ۷، و همچنین چوپان گوسفندان (انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ و ۱۴). با این وجود، این ادغام استعاره‌ها در انجیل یوحنا و عهد جدید نامرسوم نیست.

۱. عیسی نان و نان دهنده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۵ و ۵۱)
۲. عیسی حقیقت و گوینده حقیقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۸ و ۴۵ الی ۴۶ و ۱۴: ۱۶)
۳. عیسی راه است و راه را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)
۴. عیسی قربانی است و کسی است که قربانی را می‌دهد (مراجعه شود به کتاب عبرانیان)

عنوان "شبان" یک عنوان متداول عهد عتیق برای خدا و مسیح است (مراجعه شود به مزمور ۲۳، مزمور ۸۰: ۱، اشعیا ۴۰: ۱۰ الی ۱۱، اول پطرس ۵: ۱ الی ۴). در ارمیا ۲۳، حزقیال ۳۴ و اشعیا ۵۶: ۹ الی ۱۲ رهبران یهود شبانه‌های قلبی خطاب می‌شوند. اصطلاح شبان با اصطلاح کشیش (*pastor*) رابطه دارد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱۱، تیتوس ۱: ۵ و ۷).

۱۰: ۳ "گوسفندان به صدای او گوش فرا می‌دهند" تشخیص و اطاعت بر اساس رابطه است. در انجیل یوحنا هم شنیدن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۲، ۵: ۲۴ و ۲۵ الی ۲۹، ۸: ۴۷، ۱۰: ۱۶ و ۲۷، ۱۸: ۳۷) و هم دیدن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳، ۱۲: ۴۰، ۲۰: ۸) برای ایمان آوردن/اعتماد کردن به عیسی به عنوان مسیح استفاده شده است.

■ «او گوسفندان خویش را به نام می‌خواند» عیسی پیروانش را شخصا و فرد به فرد می‌شناسد (همانطور که یهوه می‌شناسد، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۹ الی ۳۱). چوپانان اغلب برای حیواناتشان اسم مستعار انتخاب می‌کنند، حتی در گله‌های بزرگ.

از دید الهیات حیرت انگیز است که عیسی گوسفندان حقیقی خود را از میان گوسفندان اشتباه قوم یهود فرا می‌خواند. مردم پیمان بسته مردم واقعی خدا نبودند. این یک تهمت ریشه‌ای بر پیمان جدید است. ایمان فرد، و نه اصل و نسب و دودمان، تعیین کننده آینده فرد هستند! ایمان فردی است، نه قومی و ملیتی. رهبران قوم یهود که مخالف عیسی بودند جزو مردم خدا نبودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۶)!

■ «آنها را بیرون می‌برد» این نه فقط به رستگاری اشاره می‌کند، بلکه به هدایت روزانه هم اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۴ و ۹).

۱۰: ۴ این می‌تواند اشاره‌ای باشد به سنت نگهداری چندین گله متفاوت در یک مکان در شب. صبح هنگام، چوپان گله خودش را صدا می‌زند و گوسفندان به سوی او می‌آیند.

۱۰: ۵ کلیسا همیشه مجبور بود که با چوپانهای قلبی درگیر باشد (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۴: ۱ الی ۳، دوم تیموتائوس ۴: ۳ الی ۴، اول یوحنا ۴: ۵ الی ۶، دوم پطرس ۲).

۱۰:۶ "عیسی این تمثیل را برایشان بیان کرد" این ترجمه متداول اصطلاح "تمثیل" (*parabolē*) نیست، ولی از یک ریشه هستند (*paroimian*). این حالت فقط در اینجا دیده می‌شود و در انجیل یوحنا ۱۶: ۲۵ و ۲۹ و دوم پطرس ۲: ۲۲ / هر چند فرم آن متفاوت است، به نظر می‌رسد که بیشتر مترادف با کلمه "تمثیل" باشد (که در سایر اناجیل به کار رفته است). اصطلاح تمثیل معمولاً به معنی قرار دادن رخدادهای فرهنگی در کنار حقایق معنوی است تا بهتر بتوان آنها را درک کرد. با این وجود، می‌تواند اشاره به پنهان کردن حقیقت از کسانی باشد که از نظر معنوی کور هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۹، انجیل مرقس ۴: ۱۱ الی ۱۲).

■ "آنان درنیافتند بدیشان چه می‌گوید" اگر فصل ۱۰ از نظر زمانی در ارتباط با فصل ۹ باشد، "آنها" اشاره به فریسیان دارد. آنها ادعا می‌کردند که می‌بینند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۴۱)، ولی آنها نمی‌دیدند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۰). مذهب می‌تواند مانع باشد نه پل.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۰: ۷ الی ۱۰

پس بار دیگر بدیشان گفت: "آمین، آمین، به شما می‌گویم، من برای گوسفندان، 'در' هستم؛<sup>۸</sup> آنان که پیش از من آمدند، همگی دزد و راهزنند، اما گوسفندان به آنان گوش فرا ندادند. 'من' در' هستم؛ هر که از راه من داخل شود نجات خواهد یافت، و آزادانه به درون خواهد آمد و بیرون خواهد رفت و چراگاه خواهد یافت. 'دزد نمی‌آید جز برای دزدیدن و کشتن و نابود کردن؛ من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره‌مند شوند.

۱۰:۷ "من برای گوسفندان، 'در' هستم" این یکی از جملات معروف "من هستم" انجیل یوحنا است. این استعاره نمایانگر این حقیقت است که عیسی تنها راه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸ و ۱۰ و ۱۴: ۶). این اغلب انحصارگری خبر خوش نامیده می‌شود. اگر انجیل خود-افشاکننده خدا است، پس فقط یک راه درست برای با خدا بودن وجود دارد - ایمان در مسیح (مراجعه شود به اعمال رسولان ۴: ۱۲، اول تیموتائوس ۲: ۵). یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۸: ۱۲ را مطالعه کنید.

۱۰:۸ "آنان که پیش از من آمدند، همگی دزد و راهزنند" به خاطر متن فصلهای ۹ و ۱۰، عید وقف، هانوکا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۲)، این احتمال هست که اشاره داشته باشد به ادعاهای مسیحیت مکبای و فرزندانشان در طول دوره تعامل. با این وجود، احتمال این هم هست که با متون عهد عتیق درباره گوسفندان دروغین در ارتباط باشد (مراجعه شود به اشعیا ۵۶: ۹ الی ۱۲، ارمیا ۲۳، حزقیال ۳۴ و زکریا ۱۱).

این زبان شدیداً تمثیلی و سوابق مبهم باعث شد که منشیهای اولیه برای توضیح مفهوم، متن را بسط داده یا تغییر دهند. در یک نسخه دستنویس (MS D) به راحتی کلمه "همه" را حذف کردند و در چندین دستنویس اولیه ( $R, P^{75}, P^{45}$ ) عبارت "قبل از من" را حذف کردند.

۱۰:۹ "هر که از راه من داخل شود نجات خواهد یافت" این عبارت شرط نوع سوم با فعل آینده مجهول است. عیسی تنها راه به سوی خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶). فعل نجات یافت در این متن احتمالاً در رابطه به مفهوم عهد عتیقی تحویل دادن فیزیکی است (برای نمونه، گوسفندان در امان هستند). با این وجود، یوحنا اغلب اصطلاحاتی را انتخاب می‌کرد که دو معنی همپوشان داشته باشند. مفهوم رستگاری معنوی در این متن هم وجود دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۴۲).

۱۰:۱۰ "دزد" این انگیزه نهایی چوپانان دروغین را نشان می‌دهد. همچنین منعکس کننده هدف شیطان است! این گرایش به بی‌مبالاتی در استخدام کارگران را می‌توان در انجیل یوحنا ۱۰: ۱۲ الی ۱۳ دید.

■ "نابود کردن" به موضوع خاص زیر مراجعه شود

#### موضوع خاص: تخریب (*apollumi*)

#### (SPECIAL TOPIC: DESTRUCTION (*APOLLUMI*))

این اصطلاح مفهوم گسترده‌ای دارد، که منجر به ابهامات بزرگی در مفهوم الهیاتی داوری جاودانی در برابر نابودی شده است. مفهوم پایه‌ای این اصطلاح مرکب از *apo* و *ollumi* خراب کردن، نابود کردن است.

مشکل از کاربرد نمادین این اصطلاح ناشی می‌شود. به وضوح می‌توان این را در *Greek-English Lexicon of the New Testament*, Based On Semantic Domains اثر Louw و Nida، جلد دوم، صفحه ۳۰ دید. این کتاب معانی زیر را برای این اصطلاح فهرست می‌کند:

۱. خراب کردن (انجیل متی ۱۰: ۲۸، انجیل لوقا ۵: ۳۷، انجیل یوحنا ۱۰: ۱۰، ۱۷: ۱۲، اعمال رسولان ۵: ۳۷، رومیان ۹: ۲۲ از جلو ۱، صفحه

(۲۳۲)

۲. شکست در بدست آوردن (انجیل متی ۱۰: ۴۲، جلد ۱، صفحه ۵۶۶)
۳. از دست دادن (انجیل لوقا ۱۵: ۸، جلد اول، صفحه ۵۶۶)
۴. ندانستن مکان (انجیل لوقا ۱۵: ۴، جلد اول صفحه ۳۳۰)
۵. مردن (انجیل متی ۱۰: ۳۹، جلد اول صفحه ۲۶۶)

Gerhard Kittel در کتاب *Theological Dictionary of the New Testament* جلد اول صفحه ۳۹۴ سعی می‌کند کاربردهای مختلف معانی فهرست شده را ترسیم نماید.

۱. نابود کردن یا کشتن (انجیل متی ۲: ۱۳، ۲۷: ۲۰، انجیل مرقس ۳: ۶، ۹: ۲۲، انجیل لوقا ۶: ۹، اول قرن‌تینان ۱: ۱۹)
۲. از دست دادن یا رنج از دست دادن (انجیل مرقس ۹: ۴۱، انجیل لوقا ۱۵: ۴ و ۸)
۳. از بین بردن (انجیل ۲۶: ۵۲، انجیل مرقس ۴: ۳۸، انجیل لوقا ۱۱: ۵۱، ۱۳: ۳ و ۵ و ۳۳، ۱۵: ۱۷، انجیل یوحنا ۶: ۱۲ و ۲۷، اول قرن‌تینان ۹: ۱۰ الی ۱۰)
۴. گمراه شدن / گم شدن (انجیل متی ۵: ۲۹ الی ۳۰، انجیل مرقس ۲: ۲۲، انجیل لوقا ۱۵: ۴ و ۶ و ۲۴ و ۳۲، ۲۱: ۱۸، اعمال رسولان ۲۷: ۳۴)

کیتل می‌گوید "در کل، می‌توانیم بگوئیم که شماره ۲ و ۴ زمینه‌گفته‌های مربوط به این دنیا در انجیل سینوپتیک هستند در حالی که شماره‌های ۱ و ۳ زمینه مطالبی هستند که در رابطه با دنیای بعدی می‌باشند، همانند پولس و یوحنا" (صفحه ۳۹۴).

ابهام در اینجا قرار می‌گیرد. این اصطلاح معنی مفهومی بسیار گسترده‌ای دارد و هر یک از نویسندگان عهد جدید به شیوه‌های مختلف از مفاهیم مختلف استفاده کرده‌اند. من توضیح Robert B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* صفحات ۲۷۵ الی ۲۷۷ را دوست دارم. او این اصطلاح را به انسانهایی ربط می‌دهد که از نظر اخلاقی نابود شده‌اند و منتظر جدایی ابدی از خدا در برابر کسانی هستند که مسیح را می‌شناسند و در او حیات جاویدان دارند. گروه آخر "نجات" یافته‌اند در حالی که گروه قبلی "نابودشدگان" هستند.

Robert B. Girdlestone در کتاب *Synonyms of the Old Testament*، صفحه ۲۷۶، اشاره می‌کند که جاهای زیادی هستند که این اصطلاح را نمی‌توان نابودی ترجمه کرد. "بلکه به مفهوم شیئی یا چیزی است که دیگر نمی‌توان برای کاربرد و هدف اصلی و اولیه از آن استفاده کرد".

۱. ته مانده‌های روغن مالی و تدهین، انجیل متی ۲۶: ۸
۲. خراب شدن لرد شراب، انجیل متی ۹: ۱۷
۳. بهم ریختن مو، انجیل لوقا ۲۱: ۱۸
۴. فاسد شدن غذا، انجیل یوحنا ۶: ۲۷
۵. ذوب شدن طلا، اول پطرس ۱: ۷
۶. فاسد شدن فیزیکی بدن، انجیل متی ۲: ۱۳، ۸: ۲۵، ۱۲: ۱۴، ۲۱: ۴۱، ۲۲: ۷، ۲۶: ۵۲، ۲۷: ۲۰، رومیان ۲: ۱۲، ۱۴: ۱۵، و اول قرن‌تینان ۸: ۱۱

این اصطلاح هرگز به نابود شدن انسان یا خراب شدن انسان اشاره نمی‌کند، بلکه به پایان وجود داشتن بدن اشاره دارد. همچنین به صورت متداول در مفهوم اخلاقی استفاده می‌شود. "همه انسانها از نظر اخلاقی نابود شده تلقی می‌گردند، یعنی نتوانستند هدفی را که به خاطر آن نسل آنها خلق شده را تحقق بخشند" (صفحه ۲۷۶). پاسخ خدا به این مسئله گناه، عیسی مسیح بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۵ الی ۱۶ و دوم پطرس ۳: ۹). آنان که انجیل را انکار کنند، اینک محکوم به نابودی بیشتر هستند، که شامل حسم و روح است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱: ۱۸، دوم قرن‌تینان ۲: ۱۵، ۴: ۳، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰). برای نظر مخالف به *Fudge, The Fire That Consumes* را مطالعه کنید.

من شخصا (مراجعه شود به R. B. Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament* صفحه ۲۷۶) فکر نمی‌کنم که این اصطلاح به مفهوم نابودی باشد (مراجعه شود به E. Fudge, *The Fire That Consumes*). اصطلاح جاویدان هم برای حیات جاویدان و هم مجازات ابدی در انجیل متی ۲۵: ۴۶ استفاده شده است. از بین بردن یکی، از بین بردن دیگری است.

■ "من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره‌مند شوند" این عبارت اغلب به عنوان یکی از وعده‌های مادی نقل می‌شود، ولی در این متن در رابطه با شناختن عیسی به صورت فردی و برکات معنوی است، نه رونق مادی، که او می‌آورد (مترادف است با ۴: ۱۴ و ۷: ۳۸). در این زندگی چیز

زیادی وجود ندارد، بجز شناختن و بدست آوردن زندگی واقعی!

همانطور که سایر اناجیل تاکید عیسی بر پادشاهی خدا را ثبت کرده‌اند، یوحنا تاکید بر حیات جاویدان را ثبت کرده است. می‌توان الان آن را بدست آورد! پادشاهی برپا شده است!

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ الی ۱۸

<sup>۱۱</sup>"من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد. <sup>۱۲</sup>مزدور، چون شبان نیست و گوسفندان از آن او نیستند، هر گاه ببند گرگ می‌آید، گوسفندان را واگذاشته می‌گریزد و گرگ بر آنها حمله می‌برد و آنها را می‌پراکند. <sup>۱۳</sup>مزدور می‌گریزد، چرا که مزدوری بیش نیست و به گوسفندان نمی‌اندیشد. <sup>۱۴</sup>من شبان نیکو هستم. من گوسفندان خود را می‌شناسم و گوسفندان من مرا می‌شناسند، <sup>۱۵</sup>همان‌گونه که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم. من جان خود را در راه گوسفندان می‌نهم. <sup>۱۶</sup>گوسفندانی دیگر نیز دارم که از این آغل نیستند. آنها را نیز باید بیاورم و آنها نیز به صدای من گوش فرا خواهند داد. آنگاه یک گله خواهند شد با یک شبان. <sup>۱۷</sup>پدر، مرا از این رو دوست می‌دارد که من جان خود را می‌نهم تا آن را بازستانم. <sup>۱۸</sup>هیچ‌کس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه من به میل خود آن را می‌دهم. اختیار دارم آن را بدهم و اختیار دارم آن را بازستانم. این حکم را از پدر خود یافته‌ام."

۱۰: ۱۱ و ۱۴ "من شبان نیکو هستم" این عنوان عهد عتیق برای مسیح است (مراجعه شود به حزقیال ۳۴: ۲۳، زکریا ۱۱، اول پطرس ۵: ۴) و برای یهوه (مراجعه شود به مزمور ۲۳: ۱، ۲۸: ۹، ۷۷: ۲۰، ۷۸: ۵۲، ۸۰: ۱، ۹۵: ۷، ۱۰۰: ۳، اشعیا ۴۰: ۱۱، ارمیا ۲۳: ۱، ۳۱: ۱۰، حزقیال ۳۴: ۱۱ الی ۱۶).

دو اصطلاح در زبان یونانی هستند که هر دو را می‌توان "خوب" ترجمه کرد: (۱) *agathos* که در انجیل یوحنا معمولاً برای اشیا و کاربردهای عام به کار می‌رود و (۲) *kalos* که در انجیل یونانی اصل به کار رفته و اشاره به خوب در مقابل شیطانی دارد. در عهد جدید معانی مانند "زیبا"، "برجسته"، "اخلاقی" و "ارزشمند" دارد. این دو اصطلاح در انجیل لوقا ۸: ۱۵ با همدیگر استفاده شده‌اند. به یادداشت بخش انجیل یوحنا ۸: ۱۲ مراجعه کنید.

۱۰: ۱۱ "شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد" این به نیابت کفار دادن مسیح اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸). او داوطلبانه زندگی خود را برای بشر گناهکار داد (مراجعه شود به اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳: ۱۲، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱). زندگی واقعی، زندگی فراوان فقط از طریق مرگ او می‌آید.

بروس ام. متزگر در *A Textual Commentary on the Greek New Testament* نکته جالبی در رابطه با این آیه دارد:

"بجای عبارت دادن زندگی یک نفر که خیلی یوحنایی است (۱۰: ۱۵ و ۱۷ و ۱۳: ۳۷ و ۳۸، ۱۳: ۱۵، اول یوحنا ۳: ۱۶) چندین شاهد (D, P<sup>45</sup>, R) آن را با عبارت گرفتن زندگی یک نفر که در سایر اناجیل آمده جایگزین کردند (انجیل متی ۲۰: ۲۸، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵)" (صفحه ۲۳۰).

۱۰: ۱۴ "من گوسفندان خود را می‌شناسم و گوسفندان من مرا می‌شناسند" این مفهوم عبری کلمه "شناختن" است (به موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۱: ۱۰ مراجعه کنید). همانطور که پسر پدر را می‌شناسد، و پدر پسر را، پس عیسی هم کسانی را که به او اعتماد کردند می‌شناسد و آنان هم عیسی را. آنها شنیده‌اند و دیده‌اند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۴) و پاسخ داده‌اند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶). مسیحیت یک رابطه فردی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۰ الی ۲۶).

۱۰: ۱۵ "همان‌گونه که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم" این یک روند تکراری در انجیل یوحنا است. عیسی بر اساس رابطه صمیمی با پدر عمل می‌کند و سخن می‌گوید. قیاس جالب در انجیل یوحنا ۱۰: ۱۴ الی ۱۵ این است که رابطه صمیمانه میان پدر و پسر با رابطه صمیمانه پسر با پیروانش (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳) مقایسه می‌شود. یوحنا با مفهوم عبری "شناختن" به عنوان دوستی صمیمانه تمرکز می‌کند، نه واقعیت‌های شناختی. عیسی پدر را می‌شناسد. آنان که عیسی را بشناسند، خدا را هم می‌شناسند!

۱۰: ۱۶ "گوسفندانی دیگر نیز دارم که از این آغل نیستند" این کنایه‌ای است به اشعیا ۵۶: ۶ الی ۸. به نظر می‌رسد که متن می‌خواهد به (۱) سامریان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱ الی ۴۲) یا (۲) کلیسای غیر یهود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۳ الی ۵۴) اشاره کند. این از اتحاد تمامی کسانی سخن می‌گوید که به عیسی ایمان می‌آورند. پیمان جدید یهودیان و غیر یهودیان را متحد می‌سازد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳، همچنین به اول قرنتیان ۱۲: ۱۳، غلاطیان ۳: ۲۸، کولسیان ۳: ۱۱ توجه کنید!) کتاب پیدایش ۳: ۱۵ و انجیل یوحنا ۳: ۱۶ در هم ادغام می‌شوند!

■ "آنگاه یک گله خواهند شد با یک شبان" این همیشه هدف خدا بوده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، کتاب خروج ۱۹: ۵ الی ۶). جنبه الهیاتی این اتحاد در افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳ و ۴: ۱ الی ۶ بحث شده است.

۱۰: ۱۷ "پدر، مرا از این رو دوست می‌دارد" از آنجا که پسر مجبور نشده بود زندگی خود را فدا کند، پدر مجبور نبود پسر خود را بدهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸) تا قبول قربانی او را نشان دهد. ولی در اینجا قدرت خود عیسی در قیام از مردگان تصریح می‌شود.

این عبارت برای نشان دادن اینکه عهد جدید اغلب کارهای رستگاری را به هر سه نفر نسبت می‌دهد، عالی است:

۱. خدای پدر پسر را برمی‌خیزاند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۴، ۳: ۱۵، ۴: ۱۰، ۵: ۳۰، ۱۰: ۴۰، ۱۳: ۳۰ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۷، ۱۷: ۳۱، رومیان ۶: ۴ و ۹ و ۱۰: ۹، اول قرنتیان ۶: ۱۴، دوم قرنتیان ۴: ۱۴، غلاطیان ۱: ۱، افسسیان ۱: ۲۰، کولسیان ۲: ۱۲، اول تسالونیکیان ۱: ۱۰)
۲. خدای پسر خود را برخیزاند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۹ الی ۲۲، ۱۰: ۱۷ الی ۱۸)
۳. خدای روح‌القدس عیسی را برخیزاند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۱)

۱۰: ۱۸ "اختیار دارم" این همان اصطلاحی است که در انجیل یوحنا ۱: ۱۲ استفاده شده است. می‌توان آن را "اختیار"، "حق قانونی" یا "قدرت" ترجمه کرد. این آیه قدرت و اختیار عیسی را نشان می‌دهد.

### NASB: انجیل یوحنا ۱۰: ۱۹ الی ۲۱

<sup>۱۹</sup> به سبب این سخنان، دیگر بار میان یهودیان اختلاف افتاد. <sup>۲۰</sup> بسیاری از ایشان گفتند: "او دیوزده و دیوانه است؛ چرا به او گوش می‌دهید؟" <sup>۲۱</sup> اما دیگران گفتند: "اینها سخنان یک دیوزده نیست. آیا دیو می‌تواند چشمان کوران را بگشاید؟"

۱۰: ۱۹ از آنجا اختلاف نظر درباره عیسی در انجیل یوحنا ۶: ۵۲، ۷: ۱۲ و ۲۵ و ۴۳، ۹: ۱۶، ۱۰: ۱۹ الی ۲۱، ۱۱: ۳۶ الی ۳۷ وجود داشت، این وضع تا انتهای انجیل یوحنا ادامه پیدا می‌کند. راز اینکه برخی خبر خوب را می‌پذیرند و دیگران آن را رد می‌کنند تنش میان تقدیر و آزادی اراده انسان است.

۱۰: ۲۰ "او دیوزده و دیوانه است" این یک اتهام متداولی بود که از دو دیدگاه متفاوت به عیسی وارد می‌شد

۱. در این آیه، همانند انجیل یوحنا ۷: ۲۰، برای این استفاده می‌شد که گفته شود عیسی بیماری روانی دارد.
۲. همین اتهام توسط فریسیان استفاده می‌شود تا منبع قدرت عیسی را توجیه کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۸ و ۵۲).

۱۰: ۲۱ در انجیل یوحنا ۱۰: ۲۱ دو سوال وجود دارد

۱. در آیه ۲۱ الف *ouk* آمده که انتظار پاسخ "بله" را دارد
۲. در آیه ۲۱ ب *mē* آمده که انتظار پاسخ "نه" را دارد.

به کتاب *New Testament Greek* نوشته James Hewett صفحه ۱۷۱ مراجعه شود. این آیه نشان می‌دهد، چقدر قوانین و قواعد در یونانی کوبین سخت و مشکل هستند. متن و نه قواعد دستور زبانی تعیین کننده اصلی هستند.

شفای مرد کور یک معجزه مسیحی بود (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۱۱، مزمور ۱۴۶: ۸، اشعیا ۲۹: ۱۸، ۳۵: ۵، ۴۲: ۷). این حس وجود دارد که کوری اسرائیل (مراجعه شود به اشعیا ۴۲: ۱۹) در اینجا نشان داده می‌شود، همانطور که در فصل ۹ نشان داده شد.

### NASB: انجیل یوحنا ۱۰: ۲۲ الی ۳۰

<sup>۲۲</sup> زمان برگزاری عید وقف در اورشلیم فرا رسیده بود. زمستان بود <sup>۲۳</sup> و عیسی در محوطه معبد، در ایوان سلیمان راه می‌رفت. <sup>۲۴</sup> یهودیان بر او گرد آمدند و گفتند: "تا به کی می‌خواهی ما را در تردید نگاه داری؟ اگر مسیح هستی، آشکارا به ما بگو." <sup>۲۵</sup> عیسی پاسخ داد: "به شما گفتم، اما باور نمی‌کنید. کارهایی که من به نام پدر خود می‌کنم، بر من شهادت می‌دهند. <sup>۲۶</sup> اما شما ایمان نمی‌آورید، زیرا از گوسفندان من نیستید. <sup>۲۷</sup> گوسفندان من به صدای من گوش فرا می‌دهند؛ من آنها را می‌شناسم و آنها از پی من می‌آیند. <sup>۲۸</sup> من به آنها حیات جاویدان می‌بخشم، و به یقین هرگز هلاک نخواهند شد. کسی آنها را از دست من نخواهد ربود. <sup>۲۹</sup> پدر من که آنها را به من بخشیده از همه بزرگتر است، و هیچ کس نمی‌تواند آنها را از دست پدر من برباید. <sup>۳۰</sup> من و پدر یکی هستیم."

۱۰: ۲۲ "عید وقف" جوزفوس این را "جشن نور افشانی" می‌نامد. امروزه آن را "حانوکا" می‌نامیم. این یک عید هشت روزه است که در اواسط ماه دسامبر برگزار می‌شود. این عید تجدید حیات معبد در اورشلیم پس از پیروزی نظامی یهودا مکابی در ۱۶۴ قبل از میلاد را جشن می‌گیرد. در سال ۱۶۸ قبل از میلاد آنتیوخوس چارمین اپیفانس، که رهبر سلئوسیدها بود، سعی کرد یهودیان را مجبور کند آموزه‌های هلنی را تجربه کنند (مراجعه شود به دانیال ۸: ۹ الی ۱۴).

او معبد اورشلیم را، با حتی قربانگاه برای زئوس در مکان مقدس، تبدیل به زیارتگاه کفار کرد یهودا مکابی یکی از چندین پسر کشیش مُدین (*Modin*)، این ارشد سوری‌های را شکست داد و معبد را تطهیر و تجدید حیات کرد (مراجعه شود به اول مکابی ۴: ۳۶ الی ۵۹، دوم مکابی ۱: ۱۸).

یوحنا از اعیاد یهود به عنوان فرصتی برای عیسی استفاده کرد تا از نمادهای آنان برای افشای خود بر رهبران یهود، مردم اورشلیم و جمعیت زائرین استفاده کند (به فصلهای ۷ الی ۱۱ مراجعه کنید).

■ **"ایوان سلیمان"** این یک محوطه سرپوشیده در بخش شرقی محراب زنان بود که عیسی در آن تعلیم می‌داد. جوزفوس می‌گفت که در زمان تخریب بابل در سال ۵۸۶ قبل از میلاد باقی مانده بود.

۱۰: ۲۳ "زمستان بود" این یک اقرار عینی است.

۱۰: ۲۴ "اگر" این یک عبارت شرطی نوع اول است که از دیدگاه نگارنده یا هدف نگارش وی درست تلقی می‌شود. در این متن چندین جمله شرطی نوع اول وجود دارند (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۴ و ۳۵ و ۳۷ و ۳۸). این نوع استفاده در انجیل یوحنا ۱۰: ۲۴ نشان می‌دهد که در این ساختار مفهوم نگارش تا چه اندازه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. این فریسیان واقعا باور نداشتند که عیسی مسیح است، آنها او را طعمه کرده بودند.

■ **"آشکارا به ما بگو"** در این آیه چندین نکته هست که باید مورد بحث قرار گیرند. اول، عیسی با قالب تمثیل، زبان نمادین، جملات مبهم با دو مفهوم تعلیم می‌داد. این جمعیت در معبد از او می‌خواستند که به وضوح و آشکارا خود را معرفی کند. به موضوع خاص: فریسیان (*Parrhēsia*) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۴ مراجعه کنید.

دوم، یهودیان دوران عیسی انتظار نداشتند که مسیح تجسم خدایی داشته باشد. ظاهرا عیسی در مناسبت‌های مختلف به یکی بودن خود با خدا اشاره کرده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۶ الی ۵۹)، ولی در این متن آنها به طور مشخص در مورد مسیح سوال می‌کردند. یهودیان انتظار داشتند که این مطهر همانند موسی عمل کند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۹). عیسی دقیقا در فصل شش چنین عمل کرد. کارهای او نبوت عهد عتیق را تحقق بخشیدند، به خصوص شفای مرد نابینا (فصل ۹). آنها تمامی شواهدی را که نیاز بود، در اختیار داشتند. مشکل اینجا بود که عیسی شرایط سنتی نظامیگری و توقعات قومیگری مسیح را نداشت.

۱۰: ۲۵ "کارهایی که من به نام پدر خود می‌کنم، بر من شهادت می‌دهند" عیسی تصریح کرد که کارهایش ادعاهای او را تأیید می‌کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳، ۵: ۳۶، ۱۰: ۲۵ و ۳۸، ۱۱: ۱۴، ۱۱: ۱۵، ۲۴).

۱۰: ۲۶ این بیان حیرت انگیزی است!

۱۰: ۲۸ "من به آنها حیات جاویدان می‌بخشم" حیات جاویدان هم بر اساس کیفیت و هم کمیت توصیف می‌شود. زندگی عصر جدید است. با ایمان در مسیح در اختیار مومنین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۶، ۱۱: ۲۴ الی ۲۶).

■ **"به یقین هرگز هلاک نخواهند شد. کسی آنها را از دست من نخواهد ربود"** این عبارت منفی مضاعف با وجه شرطی آئوریستی متوسط است. این یکی از قویترین عبارتها در مورد امنیت مومن در عهد جدید است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹). بدیهی است که تنها کسی که می‌تواند ما را از عشق به خدا جدا سازد، خودمان هستیم (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۸ الی ۳۹، غلاطیان ۵: ۲ الی ۴). تضمین (به موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۵: ۱۳ مراجعه کنید) باید با استقامت متعادل باشد (به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ مراجعه کنید). تضمین باید بر اساس شخصیت و اعمال تثلیث خدا باشد.

انجیل یوحنا تضمین کسانی که ایمان به مسیح را ادامه می‌دهند را تصریح می‌کند. با تصمیم اولیه برای توبه و ایمان و مسائل شیوه زندگی از روی ایمان شروع می‌شود. مسئله الهیاتی زمانی است که این رابطه فردی تبدیل به محصولی می‌شود که مالک آن هستیم (یکبار که نجات یافتیم، برای همیشه نجات یافته‌ایم).

ایمان مداوم مدرک رستگاری واقعی است (مراجعه شود به عبرانیان، جیمز و اول یوحنا).

۱۰: ۲۹

"پدرم که آنها را به من داده، از همه بزرگتر است"	NASB, NKJV
"پدرم که به داده از دیگران بزرگتر است"	NRSV
"پدرم که به داده از همه بزرگتر است"	TEV
"پدرم که آنها را به من داده، از هر کسی بزرگتر است"	NJB

سوال اینجاست که مفعول عبارت "بزرگتر از" کجاست: (۱) مردمی که خدا به عیسی داد (TEV, NRSV) یا (۲) خود خدا (NJB, NKJV, NASB). بخش دوم این آیه دلالت بر کسی دارد که می‌تواند پیروان عیسی را برآید. از دید الهیات گزینه دوم بهترین گزینه است. به موضوع خاص در مورد تضمین در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۳۷ مراجعه کنید.

این یک عبارت حیرت انگیز در مورد تضمین مومن بر اساس قدرت پدر است! امنیت مومن، همانند تمامی واقعیت‌های انجیلی، الگوی یک پیمان پر از تنش ارائه می‌شود. امید مومن و تضمین رستگاری در شخصیت تثلیث خدا، شفقت او و لطف او است. با این وجود، مومن باید ایمانش تداوم داشته باشد. رستگاری با تصمیم اولیه با هدایت روح القدس برای توبه و ایمان شروع می‌شود. باید با تداوم توبه، ایمان، اطاعت و استقامت ادامه یابد! رستگاری یک محصول نیست (بیمه زندگی، بلیط به بهشت)، بلکه رابطه در حال توسعه با خدا از طریق مسیح است.

شواهد قطعی رابطه درست با خدا یک زندگی تغییر یافته و در حال تغییر بر اساس ایمان و خدمت است (مراجعه شود به انجیل متی ۷). شواهد انجیلی اندکی برای مسیحیت جسمانی وجود دارد (مراجعه شود به اول قرن‌تیا ۲ الی ۳). قاعده اینک مسیحیت است، نه بهشت وقتی که می‌میریم. هیچ امنیت و تضمین انجیلی برای کسانی که در گناه هستند و در آن رشد می‌کنند، وجود ندارد. نه ریشه‌ای، نه ثمری! رستگاری فقط به وسیله لطف خدا اعطا می‌شود، ولی رستگاری واقعی در انجام "کارهای خوب" است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۰، جیمز ۲: ۱۴ الی ۲۶).

۱۰: ۳۰ الی ۳۳ "من و پدر یکی هستیم". آنگاه بار دیگر یهودیان سنگ برداشتند تا سنگسارش کنند. عیسی به ایشان گفت: "کارهای نیک بسیار از جانب پدر خود به شما نمایانده‌ام. به سبب کدامین یک از آنها می‌خواهید سنگسارم کنید؟" پاسخ دادند: "به سبب کار نیک سنگسار نمی‌کنیم، بلکه از آن رو که کفر می‌گویی، زیرا انسانی و خود را خدا می‌خوانی" این فقط یکی از اظهارات قوی در مورد مسیح و خدایی بودن عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۴، ۵۸: ۸ الی ۱۰، به خصوص ۱۷: ۲۱ الی ۲۶، که از کلمه "یک" هم استفاده می‌کند). یهودیان کاملاً درک می‌کردند که او چه می‌گوید و آن را کفر تلقی می‌کردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۳۳، ۵۹). آنها می‌خواستند بر اساس لاویان ۲۴: ۱۶ او را سنگسار کنند.

در جدلهای اولیه بر اساس شخص مسیح (یعنی Arius، اولین زاده، Athanasius - تماماً خدا) انجیل یوحنا ۱۰: ۳۰ و ۱۴: ۹ اغلب توسط Athanasius مورد استفاده قرار می‌گرفت (به کتاب The Cambridge History of the Bible جلد اول صفحه ۴۴۴ مراجعه شود). برای Arianism به منابع مراجعه کنید.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۰: ۳۱ الی ۳۹

<sup>۳۱</sup> آنگاه بار دیگر یهودیان سنگ برداشتند تا سنگسارش کنند. <sup>۳۲</sup> عیسی به ایشان گفت: "کارهای نیک بسیار از جانب پدر خود به شما نمایانده‌ام. به سبب کدامین یک از آنها می‌خواهید سنگسارم کنید؟" <sup>۳۳</sup> پاسخ دادند: "به سبب کار نیک سنگسار نمی‌کنیم، بلکه از آن رو که کفر می‌گویی، زیرا انسانی و خود را خدا می‌خوانی." <sup>۳۴</sup> عیسی به آنها پاسخ داد: "مگر در تورات شما نیامده است که 'گفتم، شما خدایانید'." <sup>۳۵</sup> اگر آنان که کلام خدا به ایشان رسید، 'خدایان' خوانده شده‌اند - و هیچ بخش از کتب مقدس از اعتبار ساقط نمی‌شود - <sup>۳۶</sup> چگونه می‌توانید به کسی که پدر وقف کرده و به جهان فرستاده است، بگویید "کفر می‌گویی"، تنها از آن رو که گفتم پسر خدا هستم؟ <sup>۳۷</sup> اگر کارهای پدرم را به جا نمی‌آورم، کلامم را باور نکنید. <sup>۳۸</sup> اما اگر به جا می‌آورم، حتی اگر کلامم را باور نمی‌کنید، دست‌کم به آن کارها ایمان آورید تا بدانید و باور داشته باشید که پدر در من است و من در پدر." <sup>۳۹</sup> آنگاه دیگر بار خواستند گرفتارش کنند، اما از دست ایشان به در شد.

۱۰: ۳۱ این آیه در رابطه با اظهار عیسی در انجیل یوحنا ۱۰: ۳۰ است. عیسی به اتهامات آنها به شیوه کاملاً غیر معمول جدلهای روحانیان پاسخ می‌دهد. اساساً بازی با کلمات Elohim است، که یک اصطلاح عهد عتیقی برای خدا است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱)، ولی در قالب جمع و اغلب برای هم فرشتگان و هم رهبران انسانها (داوران) استفاده می‌شد. به موضوع خاص: اسامی خدا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۲۰ مراجعه شود.

۱۰: ۳۲ چوپان خوب (kalos) کارهای خوب (kalos) پدر را انجام می‌دهد.

۱۰: ۳۳ "کفر گویی" عیسی می‌دانست که آنها به صورت درست معنی ادعای یکی بودن با پدر را درک کرده‌اند.

۱۰: ۳۴ "در تورات شما" عیسی از مزمور نقل قول می‌کند ولی به آن "تورات" می‌گوید ("تورات" یعنی آموزشها، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۴، ۱۵: ۲۵، رومیان ۳: ۹ الی ۱۹). اصطلاح قانون معمولاً به نوشته‌های موسی (تورات)، پیدایش، تثنیه اشاره می‌کند. این کاربرد وسیع کلمه را نشان می‌دهد تا کل عهد عتیق را پوشش دهد.

■ "شما خدایانید" عیسی از مزمور ۸۲: ۶ استفاده و نقل قول می‌کند. از Elohim برای اشاره به داوران انسان استفاده می‌کند (به Elohim در موضوع خاص مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۲۰ مراجعه کنید). این داوران (هرچند ضعیف) "پسران آن والاترین" نامیده می‌شوند. این یهودیان به عیسی حمله می‌کنند

زیرا هر چند او انسان بود ولی ادعا می کرد که: (۱) پسر خدا است و (۲) با خدا یکی است. با این وجود، سایرین (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۱۶، ۷: ۱، ۲۲: ۸ و ۹، مزمو ۸۲: ۶، ۱۳۸: ۱) "خدایان" خطاب می شدند.

جدلهای روحانی عیسی به نظر می رسد در ادامه این خط باشند: کتب مقدس درست هستند، مردان *Elohim* خطاب می شوند، بنابراین، پس چرا مرا که می گویم پسر خدا هستم کافر می نامید؟ کلمه *Elohim* در عبری جمع است ولی به صورت مفرد ترجمه شده است و با فعل مفرد استفاده می شود وقتی که الهیات عهد عتیق اشاره می شود. موضوع خاص: اسامی خدا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۲۰ را مطالعه کنید. این می تواند یک بازی با کلمات یوحنایی باشد: (۱) کلمه ای که دارای دو مفهوم است و (۲) یک سوال یونانی که انتظار پاسخ "بله" را دارد.

۱۰: ۳۵ "هیچ بخش از کتب مقدس از اعتبار ساقط نمی شود" یوحنا اغلب بر مباحثات عیسی توضیحاتی می نوشت. مشخص نیست که این اظهارات عیسی است یا یوحنا. با این وجود، از آنجا که هر دو تحت الهام هستند، اهمیتی ندارد. فشار نقل قول قابل اعتماد بودن کتاب مقدس است. عیسی و شاگردانش عهد عتیق را دیدند و تفسیرشان از آن همان کلمات خدا بود (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۹، اول قرنتیان ۲: ۹ الی ۱۳، اول تسالونیکیان ۲: ۱۳، دوم تیموتائوس ۳: ۱۶، اول پطرس ۱: ۲۳ الی ۲۵، دوم پطرس ۱: ۲۰ الی ۲۱، ۳: ۱۵ الی ۱۶).

اسقف اچ سی جی مول در کتاب زندگی اسقف مول می گوید:

"او (مسیح) بطور مطلق به کتاب مقدس اعتماد داشت و هر چند مطالب پیچیده و غیر قابل توضیحی در آن هست که مرا خیلی گیج می کنند، نه با دید کورکورانه، بلکه با احترام به جلو می روم زیرا به خاطر او به کتاب اعتماد دارم." (صفحه ۱۳۸)

۱۰: ۳۶ این دقیقاً همان چیزی است که انجیل یوحنا ۱۰: ۱۹ الی ۲۱ می گوید. معجزات عیسی بیان کننده فعالیت خدا هستند.

۱۰: ۳۷ و ۳۸ "اگر و اگر" اینها جملات شرطی نوع اول هستند. عیسی کارهای پدر را انجام می دهد. اگر چنین باشد، پس آنها باید به او ایمان آورند، اطمینان داشته باشند که او و پدر یکی هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۳۰ و ۳۸). موضوع خاص: اطاعت در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید.

۱۰: ۳۹ این یکی از چندین مرتبه ای است که عیسی از دست کسانی که می خواهند به او آزار رسانند فرار می کند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۲۹ الی ۳۰، انجیل یوحنا ۸: ۵۹). مشخص نیست که این فرارها به واسطه (۱) معجزه یا (۲) شبیه بودن عیسی به هر کس دیگری باشد که به او اجازه می داد در میان جمعت آب شود.

#### **NASB: انجیل یوحنا ۱۰: ۴۰ الی ۴۲**

<sup>۴۰</sup> سپس باز به آن سوی رود اردن رفت، آنجا که یحیی پیشتر تعمید می داد، و در آنجا ماند.<sup>۴۱</sup> بسیاری نزدش آمدند. ایشان می گفتند: "هر چند یحیی هیچ معجزه نکرد، اما هر آنچه درباره این شخص گفت، راست بود."<sup>۴۲</sup> پس بسیاری در آنجا به او ایمان آوردند.

۱۰: ۴۰ این اشاره به منطقه آن سوی اردن از جریکو تا نزدیک شهری بنام بتانی دارد.

۱۰: ۴۱ مجدداً یوحنا تأیید عیسی توسط یحیی تعمید دهنده را تکرار می کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۶ الی ۸، ۱۹ الی ۴۲، ۳: ۲۲ الی ۳۰، ۵: ۳۳). این ممکن است برخی اتهامات ارتداد را که حول یحیی تعمید دهنده بودند بی اثر کند.

۱۰: ۴۲ همانطور که رهبران یهود عیسی را انکار می کردند، بسیاری از مردم عام (مردم سرزمین) با ایمان به او پاسخ دادند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳، ۷: ۳۱، ۸: ۳۰). به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ مراجعه کنید.

#### **سوالاتی برای بحث**

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا غالب یوحنا استعاره های خود را در هم ادغام می کرد؟ (مثال: عیسی هم درب آغل است و هم چوپان خوب)
۲. زمینه عهد عتیقی در انجیل یوحنا ۱۰ چیست؟
۳. اهمیت اینکه عیسی "زندگی خود را بر زمین گذاشت" در چیست؟
۴. چرا یهودیان مدام می گفتند که عیسی جن زده است؟



۵. چرا کارهای عیسی خیلی مهم هستند؟
۶. چگونه "امنیت مومن" و "استقامت قدیس" ها را به هم مرتبط می‌کنیم؟

## یوحنا ۱۱

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مرگ ایلعازر ۱۶:۱۱ الی ۱۶	مرگ ایلعازر ۱۶:۱۱ الی ۱۶	برخاستن ایلعازر ۱۱:۱۱ الی ۱۶	مرگ ایلعازر ۱۱:۱۱ الی ۴ ۱۱:۵ الی ۷ ۸:۱۱ ۱۱:۹ الی ۱۱	بازگرداندن ایلعازر ۱۱:۱۱ الی ۴ ۱۱:۵ الی ۱۰ ۱۱:۱۱ الی ۱۶
عیسی رستاخیز و زندگی ۱۱:۱۷ الی ۲۷	من رستاخیز و زندگی هستم ۱۱:۱۷ الی ۲۷	۱۱:۱۷ الی ۲۷	عیسی رستاخیز و زندگی ۱۱:۱۷ الی ۱۹ ۱۱:۲۰ الی ۲۲ ۱۱:۲۳ ۱۱:۲۴ ۱۱:۱۵ الی ۲۶ ۱۱:۲۷	۱۱:۱۷ الی ۲۷
عیسی گریه می‌کند ۱۱:۲۸ الی ۳۷	عیسی و مرگ، آخرین دشمن ۱۱:۲۸ الی ۳۷	۱۱:۲۸ الی ۳۷	عیسی گریه می‌کند ۱۱:۲۸ الی ۳۱ ۱۱:۳۲ ۱۱:۳۳ الی ۳۴ الف ۱۱:۳۴ ب ۱۱:۳۵ الی ۳۶ ۱۱:۳۷	۱۱:۲۸ الی ۳۱ ۱۱:۳۲ الی ۴۲
ایلعازر به زندگی آورده شد ۱۱:۳۸ الی ۴۴	ایلعازر از مرگ برخاست ۱۱:۳۸ الی ۴۴	۱۱:۳۸ الی ۴۴	ایلعازر به زندگی بازگردانده شد ۱۱:۳۸ الی ۳۹ الف ۱۱:۳۹ ب ۱۱:۴۰ الی ۴۴	۱۱:۴۳ الی ۴۴
توطئه جهت کشتن عیسی ۱۱:۴۵ الی ۵۳	توطئه جهت کشتن عیسی ۱۱:۴۵ الی ۵۷	۱۱:۴۵ الی ۵۳	توطئه علیه عیسی ۱۱:۴۵ الی ۴۸ ۱۱:۴۹ الی ۵۲ ۱۱:۵۳ الی ۵۴	رهبران یهود تصمیم به مرگ عیسی می‌گیرند ۱۱:۴۵ الی ۵۴
۱۱:۵۴		۱۱:۵۴		عید پسح نزدیک می‌شود

چرخه سوم مطالعه (به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود)

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

### خلاصه از دیدگاه الهیات

اهمیت فصل ۱۱ از دیدگاه الهیات در موارد زیر خلاصه می شود:

۱. نشان دادن قدرت و اختیار عیسی ادامه می یابد
۲. مرگ ایلعازر در برنامه خدا بود تا فرصتی برای عیسی به وجود آید که جلال یابد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳)
۳. مکالمه مارتا با عیسی فرصتی را برای او به وجود می آورد که اقرار بزرگ خود را بنماید و بیشتر عیسی خودش را افشا کند (قیام از مردگان و زندگی، انجیل یوحنا ۱۱: ۲۵)
۴. عیسی اینک زندگی جاویدان می دهد (اسکاتولوژی تشخیص داده شده). این با برخاستن ایلعازر نمادین می شود. عیسی بر مرگ کنترل دارد!
۵. حتی با دیدن این معجزه قدرتمند، بازهم بی ایمانی ادامه می یابد (گناه نابخشودنی، به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۱ مراجعه شود!)

### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۱: ۱ الی ۱۶

مردی ایلعازر نام بیمار بود. او از مردمان بیت عنیا، دهکدهٔ مریم و خواهرش مارتا بود. <sup>۲</sup>مریم همان زنی بود که خداوند را با عطر تدهین کرد و با گیسوانش پاهای او را خشک نمود. اینک برادرش ایلعازر بیمار شده بود. <sup>۳</sup>پس خواهران ایلعازر برای عیسی پیغام فرستاده، گفتند: "سرور ما، دوست عزیزت بیمار است." <sup>۴</sup>عیسی چون این خبر را شنید، گفت: "این بیماری به مرگ ختم نمی شود، بلکه برای تجلیل خداست، تا پسر خدا به واسطهٔ آن جلال یابد." <sup>۵</sup>عیسی، مارتا و خواهرش و ایلعازر را دوست می داشت. <sup>۶</sup>پس چون شنید که ایلعازر بیمار است، دو روز دیگر در جایی که بود، ماند.

<sup>۷</sup>سپس به شاگردان خود گفت: "بیباید باز به یهودیه برویم." <sup>۸</sup>شاگردانش گفتند: "استاد، دیری نمی گذرد که یهودیان می خواستند سنگسارت کنند، و تو باز می خواهی بدان جا بروی؟" <sup>۹</sup>عیسی پاسخ داد: "مگر روز، دوازده ساعت نیست؟ آن که در روز راه رود، نمی لغزد، زیرا نور این جهان را می بیند. <sup>۱۰</sup>اما آن که در شب راه رود، خواهد لغزید، زیرا نوری ندارد." <sup>۱۱</sup>پس از این سخنان بدانها گفت: "دوست ما ایلعازر خفته است، اما می روم تا بیدارش کنم." <sup>۱۲</sup>پس شاگردان به او گفتند: "سرور ما، اگر خفته است، بهبود خواهد یافت." <sup>۱۳</sup>اما عیسی از مرگ او سخن می گفت، حال آنکه شاگردان گمان می کردند به خواب او اشاره می کند. <sup>۱۴</sup>آنگاه عیسی آشکارا به آنان گفت: "ایلعازر مرده است. <sup>۱۵</sup>و به خاطر شما شادمانم که آنجا نبودم، تا ایمان آورید. اما اکنون نزد او برویم." <sup>۱۶</sup>پس توما، که به دوقلو ملقب بود، به شاگردان دیگر گفت: "بیباید ما نیز برویم تا با او بمیریم."

۱:۱ "شخص بخصوصی بیمار بود" این زمان غیر کامل است. دلالت بر این دارد که برای مدت زیادی بیمار بوده است. با این وجود، زمان غیر کامل را می توان به عنوان "شروع بیماری" هم تعبیر کرد.

■ "ایلغازر" این اسم عبری است و انگلیسی آن لازاروس (Lazarus) است که معنی آن "خدا کمک می کند" یا خدا کمک کننده است "می باشد. یوحنا تصور می کند که خواننده از دوستی عیسی با مریم، مارتا و ایلغازر اطلاع دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۰: ۳۸ الی ۴۲، که از میان تمامی اناجیل، تنها در این انجیل از آنها یاد می شود).

■ "بتانی" این مکان دیگری است و با بتانی که در انجیل یوحنا ۱: ۲۸ و ۱۰: ۴۰ ذکر شده و نزدیک جریکو در کناره رود اردن است، متفاوت می باشد. این بتانی حدود دو مایلی جنوب شرقی اورشلیم و در همان سمت کوه زیتون است. این مکان مورد علاقه عیسی در مواقعی که در اورشلیم بود، است.

■ "مریم" این اسم عبری است و در انگلیسی ماری و میریام گفته می شود

■ "مارتا" این اصطلاح آرامی به معنی "مترس" است. این خیلی نامعمول است که مارتا، با نام اول از او نام برده نشده، ممکن است در رابطه با انجیل لوقا ۱۰: ۳۸ الی ۴۲ باشد.

۱۱: ۲ "مریم همان زنی بود که خداوند را با عطر تدهین کرد و با گیسوانش پاهای او را خشک نمود. اینک برادرش ایلغازر بیمار شده بود" آیه ۲ یک توضیح اضافی از جانب یوحنا است (TEV و NET). این توصیف تعلق خاطر مریم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۲ الی ۸) مترادف است با هم متی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۶: ۶ الی ۱۳) و مرقس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۳ الی ۹). زن مورد اشاره که در انجیل لوقا ۷: ۳۶ تدهین و روغن مالی کردن دیگری است.

این آیه رخدادی را ثبت می کند که در سایر اناجیل به ثبت نرسیده است. در فصل ۱۲ ثبت شده است. بسیاری تصور می کنند که یوحنا انتظار داشته که خواننده از سایر منابع با این خانواده آشنایی داشته باشد.

## موضوع خاص: تدهین در انجیل

### (SPECIAL TOPIC: ANOINTING IN THE BIBLE (BDB 603))

(فعل عبری، BDB 602، KB 643 I، اسم BDB 603)

A. برای زیبایی استفاده می شد (BDB 691 I، مراجعه شود به تثنیه ۲۸: ۴۰، روت ۳: ۳، دوم سموئیل ۱۲: ۲۰، ۱۴: ۲، دوم تواریخ ۲۸: ۱۵، دانیال ۱۰: ۳، میکاه ۶: ۱۵)

B. برای میهمانان استفاده می شد (BDB 206، مراجعه شود به مزمور ۲۳: ۵، انجیل لوقا ۷: ۳۸ و ۴۶، انجیل یوحنا ۱۱: ۲)

C. برای درمان استفاده می شد (BDB 602، مراجعه شود به اشعیا ۶۱: ۱، انجیل مرقس ۶: ۱۳، انجیل لوقا ۱۰: ۳۴، یعقوب ۵: ۱۴)

D. برای آماده کردن جسد جهت دفن استفاده می شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۶: ۱، انجیل یوحنا ۱۲: ۳ و ۷، ۱۹: ۳۰ الی ۴۰)، یادداشت دوم تواریخ ۱۶: ۱۴ ولی بدون فعل "تدهین"

E. استفاده در مراسم مذهبی (BDB 602، مراجعه شود به پیدایش ۲۸: ۱۸، ۳۱: ۱۳ [ستون]، خروج ۲۹: ۳۶ [محراب]، خروج ۳۰: ۲۶، ۴۰: ۹ الی ۱۶، لاویان ۸: ۱۰ الی ۱۳، اعداد ۷: ۱ [جشن خیمه‌ها])

F. برای انتصاب رهبران

۱. کشیشان

a. آرون (خروج ۲۸: ۴۱، ۲۹: ۷، ۳۰: ۳۰)

b. پسران آرون (خروج ۴۰: ۱۵، لاویان ۷: ۳۶)

c. عنوان یا عبارت استاندارد (اعداد ۳: ۳، لاویان ۱۶: ۳۲)

۲. پادشاهان

a. توسط خدا (مراجعه شود به اول سموئیل ۲: ۱۰، دوم سموئیل ۱۲: ۷، دوم پادشاهان ۹: ۳ و ۶ و ۱۲، مزمور ۴۵: ۷، ۸۹: ۲۰)

b. توسط پیامبران (مراجعه شود به اول سموئیل ۹: ۱۶، ۱۰: ۱، ۱۵: ۱ و ۱۷، ۱۶: ۳ و ۱۲ الی ۱۳، اول پادشاهان ۱: ۴۵، ۱۹: ۱۵ الی ۱۶)

c. توسط کشیشان (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱: ۳۴ و ۳۹، دوم پادشاهان ۱۱: ۱۲)

d. توسط بزرگان (مراجعه شود به داوران ۹: ۸ و ۱۵، دوم سموئیل ۲: ۷، ۵: ۳، دوم پادشاهان ۲۳: ۳۰)

e. توسط عیسی به عنوان پادشاه مسیحی (مراجعه شود به مزمور ۲: ۲، انجیل لوقا ۴: ۱۸، [اشعیا ۶۱: ۱]، اعمال رسولان ۴: ۲۷، ۱۰: ۳۸، عبرانیان ۱: ۹ [مزمور ۴۵: ۷])

f. پیروان عیسی (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱: ۲۱، اول یوحنا ۲: ۲۰ و ۲۷)

۳. احتمالا پیامبران (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹: ۱۶، اشعیا ۶۱: ۱)

۴. بی‌ایمانانی که ابزار الهی بودند

a. کوروش (مراجعه شود به اشعیا ۴۵: ۱)

b. پادشاه تیریه (مراجعه شود به حزقیال ۲۸: ۱۴، جایی که او از باغ عدن به عنوان استعاره استفاده می‌کند)

۵. اصطلاح "مسیح" یعنی "آن تدهین شده" (BDB 603)، مراجعه شود به مزمو ۲: ۲، ۸۹: ۳۸، ۱۳۲: ۱۰

اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ آیه‌ای است که تمامی سه فرد خدا (تثلیث) در تدهین دخیل هستند. عیسی تدهین شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۱۸، اعمال رسولان ۴: ۲۷، ۱۰: ۳۸). این مفهوم بسط یافت تا تمامی مومنین شامل تدهین شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۷). "آن تدهین شده" تبدیل "به آن تدهین شدگان" شد! این می‌تواند با ضد مسیح و ضد مسیحیان همسو باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸). در عهد عتیق عمل نمادین تدهین با روغن (مراجعه شود به خروج ۲۹: ۷، ۳۰: ۲۵، ۳۷: ۲۹) در رابطه با آتانی است که توسط خدا برای کارهای خاصی فراخوانده شده‌اند (یعنی پیامبران، کشیشان، و پادشاهان). کلمه مسیح ترجمه اصطلاح عبری آن تدهین شده یا مسایح است.

۱۱: ۳ "خواهران ایلعازر برای عیسی پیغام فرستاده" آنها برای عیسی که در پیریا، آن سوی رود اردن بود پیام فرستادند.

■ "سرور ما، دوست عزیزت بیمار است" این نشاندهنده رابطه دوستی خاص عیسی با این خانواده است. این یک اصطلاح یونانی است (*phileō*). با این وجود، در یونانی کوبین، اصطلاحات *phileō* و *agapaō* را می‌توان به جای هم به کار برد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۵، ۳: ۳۵، ۵: ۲۰).

۱۱: ۴ "این بیماری به مرگ ختم نمی‌شود، بلکه برای تجلیل خداست" این دلالت بر این امر دارد که عیسی می‌دانست که ایلعازر بیمار است. او می‌گذارد که وی بمیرد زیرا می‌دانست که پدر به او اجازه می‌دهد قدرتش را توسط او و بر خیزاندن وی از مرگ نشان دهد. گاهی اوقات، بیماری و رنج اراده خدا هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۳، کتاب یعقوب، دوم قرن‌تینان ۱۲: ۷ الی ۱۰).

■ "تجلیل خدا" کارهای عیسی "شکوه خدا" را نمایان می‌سازند. به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

■ "تا پسر خدا به واسطه آن جلال یابد" حالت مضاف الیه عبارت "خدا" در نسخ پاپیروسی دستنویس قدیمی یونانی P<sup>45</sup> یا P<sup>66</sup> وجود ندارد. بیماری هم برای پدر و هم برای پسر شکوه و جلال به ارمغان می‌آورد. جلال عیسی در این کار بسیار متفاوت از آن است که انتظار می‌رود. در سراسر انجیل یوحنا این اصطلاح به مصلوب شدن عیسی اشاره دارد. زنده کردن ایلعازر باعث شد که رهبران یهود تقاضای مرگ عیسی را بکنند.

۱۱: ۵ این هم یک توضیح دیگر از جانب یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۳۶).

۱۱: ۶ "دور روز دیگر در جایی که بود، ماند" عیسی صبر می‌کند تا ایلعازر بمیرد. عیسی بازی نمی‌کرد. در این بیماری یک نیت و هدف الهی وجود داشت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۵، ۹: ۳).

۱۱: ۷ "سپس به شاگردان خود گفت: بیایید باز به یهودیه برویم" بحث‌های بعدی نشان می‌دهند که شاگردان به خوبی آگاه بودند که یهودیان می‌خواستند تا عیسی را سنگسار کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۸، ۸: ۵۴، ۱۰: ۳۱ و ۳۹). شاگردان ترکیب عجیبی از ایمان و ترس را نشان می‌دهند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶). اغلب تصور می‌شد که توماس جزو شاگردانی است که در ایمانش تردید دارد، ولی در اینجا حاضر است که با عیسی بمیرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶).

مایکل مگیل در کتاب *NT TransLine* (صفحه ۳۴۵، سطر ۴۳) مشاهده جالبی را انجام می‌دهد که "برویم" در انجیل یوحنا ۱۱: ۷ به "ولی من می‌روم" در انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱ تغییر می‌یابد. شاگردان می‌ترسیدند و تردید داشتند، ولی عیسی مطمئن بود. این توماس بود که به عیسی ملحق شد (برویم) در انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶!

۱۱: ۹ الی ۱۰ این می‌تواند یک شیوه‌ای برای مرتبط کردن این فصل به فصل ۸: ۱۲ و ۹: ۴ الی ۵ باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۵). آیه ۹الف انتظار پاسخ "بله" دارد.

تضاد مشخصی میان آنان که اراده خدا را دنبال می‌کنند (مثلا عیسی) و آنان که اراده خدا را دنبال نمی‌کنند (انجیل یوحنا ۱۱: ۱۰، یهودیان) وجود دارد. عیسی در مسیری که خدا او را هدایت می‌کند، اشتباه نمی‌کند، زیرا او نور جهان است.

این تضاد میان نور و تاریکی مشخصه ادبیات عرفان یهودی و نوشته‌های قمران است (یعنی "کتابه پسران نور در مقابل پسران تاریکی" یا "نبرد پسران نور در برابر پسران تاریکی").

■ "اگر...اگر" هر دو اینها عبارت شرطی نوع سوم هستند که به معنی احتمال زیاد و جوع رخداد است.

۱۱:۱۱ "دوست ما ایلعازر خفته است" فعل این جمله مجهول کامل اخباری است. شاگردان اغلب گفته‌های عیسی را درست درک نمی‌کردند زیرا بیش از حد به خود کلمات وابسته بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۳). استفاده عیسی از این استعاره برای مرگ منعکس کننده استفاده عهد عتیقی است (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۳۱: ۱۶، دوم سموئیل ۷: ۱۲، اول پادشاهان ۱: ۲۱، ۲: ۱۰، ۱۱: ۲۱ و ۴۳، ۱۴: ۲۰، و غیره). اصطلاح انگلیسی "cemetery" از همان ریشه اصطلاح یونانی به معنی "خواب" می‌آید.

۱۲:۱۱ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است که تصور می‌کند از دیدگاه نگارنده و یا از نظر جمله شرط درست است.

■ "بهبود خواهد یافت" معنی این کلمه "نجات یافتن" در قالبی است که در عهد عتیق استفاده شده است به مفهوم "خلاصی فیزیکی" (مراجعه شود به یعقوب ۵: ۱۵). مجددا شاگردان منظور عیسی را درست درک نکردند زیرا از زبان استعاره او معنی لغوی کلمه (خوابیدن) را برداشت کرده بودند. درک نادرست شنودگان عیسی مشخصه انجیل یوحنا است (یعنی ۱۱: ۲۳ الی ۲۴). او از بالاست - آنها از پائین هستند. بدون کمک روح القدس (یعنی پنتیکاست) آنها نمی‌توانند درک کنند.

۱۳:۱۱ این هم یک توضیح دیگر توسط یوحنا است.

۱۴:۱۱ "عیسی آشکارا به آنان گفت" به موضوع خاص *Parrhēsia* در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۴ مراجعه کنید.

۱۵:۱۱ "به خاطر شما شادمانم که آنجا نبودم، تا ایمان آورید" عیسی تصریح می‌کند که برخاستن ایلعازر نه به واسطه دوستی او با ایلعازر یا عزاداری مریم و مارتا بلکه (۱) برای تحکیم ایمان شاگردان (آیه ۱۴) و (۲) تشویق جمعیت یهودیان به ایمان آوردن (انجیل یوحنا ۱۱: ۴۲) است. در انجیل یوحنا ایمان یک فرایند است. گاهی اوقات بسط می‌یابد (مثلا شاگردان، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۱) و گاهی نه (تماشاچیان، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹).

۱۶:۱۱ این آیه به وضوح ایمان توما را نشان می‌دهد. شاگردان نیاز داشتند که قدرت عیسی بر مرگ، ترس بزرگ انسانها، را ببینند.

کلمه توما در زبان آرامی به معنی دوقلو است (یک توضیح دیگر از نگارنده)، همانند **Didymus** در زبان یونانی. در اناجیل اسم او در میان اسامی شاگردان است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۳، انجیل مرقس ۳: ۱۸، انجیل لوقا ۶: ۱۵)، در انجیل یوحنا اغلب از او صحبت می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶، ۱۴: ۵، ۲۰: ۲۴ الی ۲۹، ۲۱: ۲). به موضوع خاص: فهرست اسامی شاگردان در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۴۵ مراجعه شود.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۱: ۱۷ الی ۲۷

<sup>۱۷</sup> چون عیسی بدان جا رسید، دریافت چهار روز است که ایلعازر را در قبر نهاده‌اند. <sup>۱۸</sup> بیت عَنبیا پانزده پرتاب تیر با اورشلیم فاصله داشت. <sup>۱۹</sup> یهودیان بسیار نزد مریم و مارتا آمده بودند تا آنان را در مرگ برادرشان تسلی دهند. <sup>۲۰</sup> پس چون مارتا شنید که عیسی بدان جا می‌آید به استقبالش رفت، اما مریم در خانه ماند. <sup>۲۱</sup> مارتا به عیسی گفت: "سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مرد. <sup>۲۲</sup> اما می‌دانم که هم‌اکنون نیز هر چه از خدا بخواهی، به تو خواهد داد." <sup>۲۳</sup> عیسی به او گفت: "برادرت بر خواهد خاست." <sup>۲۴</sup> مارتا به او گفت: "می‌دانم که در روز قیامت بر خواهد خاست." <sup>۲۵</sup> عیسی گفت: "قیامت و حیات مَنَم. آن که به من ایمان آوزد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد. <sup>۲۶</sup> و هر که زنده است و به من ایمان دارد، به یقین تا به ابد نخواهد مرد؛ آیا این را باور می‌کنی؟" <sup>۲۷</sup> مارتا گفت: «آری، سرورم، من ایمان آورده‌ام که تویی مسیح، پسر خدا، همان که باید به جهان می‌آمد».

۱۷:۱۱ "چهار روز است که ایلعازر را در قبر نهاده‌اند" روحانیون می‌گفتند که روح انسان برای سه روز در کنار جسد فیزیکی باقی می‌ماند. عیسی صبر کرد و بعد از چهار روز آمد تا مطمئن شود که ایلعازر واقعا مرده است و از زمانی که روحانیون می‌گفتند گذشته است.

۱۸:۱۱ "حدود دو مایل" آیه ۱۸ یک توضیح دیگر از جانب یوحنا است. در مفهوم واقعی کلمه، پانزده پرتاب تیر است.

۱۹:۱۱ "یهودیان بسیار نزد مریم و مارتا آمده بودند تا آنان را در مرگ برادرشان تسلی دهند" این یک استفاده خنثی و بدون مشخصه از کلمه یهودیان است، زیرا اغلب یوحنا از این کلمه برای اشاره به دشمنان عیسی استفاده می‌کند. با این وجود، در این متن، به اهالی اورشلیم که این خانواده را می‌شناختند اشاره می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۳۱ و ۳۳ و ۴۵). عیسی مردم اورشلیم را دوست می‌داشت و سعی می‌کرد از طریق زنده کردن ایلعازر به آنها برسد.

۲۰:۱۱ "مریم در خانه ماند" حالت عادی برای عزاداری در میان نشستن بر روی زمین است.

## موضوع خاص: مراسم عزاداری

### (SPECIAL TOPIC: GRIEVING RITES)

اسرائیلیها برای نشان دادن اندوه خود برای مرگ کسی که دوست دارند و برای توبه فردی به راه‌های مختلف ابراز می‌دارند:

۱. پاره کردن لباس بیرونی، پیدایش ۳۷: ۲۹ و ۳۴، ۴۴: ۱۳، داوران ۱۱: ۳۵، دوم سموئل ۱: ۱۱، ۳: ۳۱، اول پادشاهان ۲۱: ۲۷، یعقوب ۱: ۱۰
۲. پوشیدن لباسی از جنس کرباس، پیدایش ۳۷: ۳۴، دوم سموئل ۳: ۳۱، اول پادشاهان ۲۱: ۲۷، ارمیا ۴۸: ۳۷
۳. درآوردن کفش، دوم سموئل ۱۵: ۳۰، اشعیا ۲۰: ۳
۴. گذاشتن دست بر روی سر، دوم سموئل ۱۳: ۱۹، ارمیا ۲: ۳۷
۵. ریختن خاک بر سر، یوسع ۷: ۶، اول سموئل ۴: ۱۲، نحمیا ۹: ۱
۶. نشستن بر روی زمین، مراثی ارمیا، ۲: ۱۰، حزقیال ۲۶: ۱۶، (دراز کشیدن بر روی زمین، دوم سموئل ۱۲: ۱۶)، اشعیا ۴۷: ۱
۷. بر سینه زدن، اول سموئل ۲۵: ۱، دوم سموئل ۱۱: ۲۶، نحمیا ۲: ۷
۸. ماتم گرفتن، اول سموئل ۲۵: ۱، دوم سموئل ۱۱: ۲۶
۹. بریدن بدن، تثنیه ۱۴: ۱، ارمیا ۱۶: ۶، ۴۸: ۳۷
۱۰. روزه گرفتن، دوم سموئل ۱: ۱۲، ۱۲: ۱۶ و ۲۱، اول پادشاهان ۲۱: ۲۷، اول تواریخ ۱۰: ۱۲، نحمیا ۱: ۴
۱۱. گریه کردن، دوم سموئل ۱: ۱۷، ۳: ۳۱، دوم تواریخ ۳۵: ۲۵
۱۲. کچلی (کندن یا تراشیدن موهای سر) ارمیا ۴۸: ۳۷
۱۳. کوتاه کردن ریش، ارمیا ۴۸: ۳۷
۱۴. پوشاندن سر یا صورت، دوم سموئل ۱۵: ۳۰، ۱۹: ۴

اینها نشانهای ابراز برونی احساسات بودند.

۱۱: ۲۱ و ۳۲ "مارتا به عیسی گفت: سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مرد" این عبارت جمله شرطی نوع دوم است که "عکس واقعیت" نامیده می‌شود. بدین ترتیب این گونه درک می‌شود که "اگر اینجا با ما بودی، که نبود، برادرم نمرده بود، که مرده است". گفته‌های مارتا و مریم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۳۲) به عیسی دقیقاً مثل هم هستند. باید بر روی این موضوع در طول چهار روز عزاداری خیلی با هم حرف زده باشند. این دوزن خیلی با عیسی راحت بودند به طوری که ناراحتی خود را از اینکه عیسی زودتر نیامده بود ابراز داشتند.

۱۱: ۲۲ "اما می‌دانم که هم‌اکنون نیز هر چه از خدا بخواهی، به تو خواهد داد" مشخص نیست که دقیقاً مارتا از عیسی چه کاری خواست تا انجام دهد زیرا در انجیل یوحنا ۱۱: ۳۹ از زنده شدن ایلعازر به شگفت آمد.

۱۱: ۲۳ الی ۲۴ "برادرت بر خواهد خاست" مارتا همان دیدگاه مذهبی زندگی پس از مرگ را داشت که فریسیان داشتند، که معتقد بودند در روز رستاخیر جسم دوباره زنده خواهد شد. منابع و مستندات عهد عتیقی اندکی در خصوص این دیدگاه وجود دارد (مراجعه شود به دانیال ۱۲: ۲، یعقوب ۱۴: ۱۴، ۱۹: ۲۵ الی ۲۷). عیسی این درک یهودی را تبدیل تأیید قدرت و اختیار خود کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۲۵، ۱۴: ۶).

۱۱: ۲۴ "در روز قیامت" هر چند درست است که یوحنا به رستگاری آئی تأکید می‌کند (اسکاتولوژی تشخیص داده شده)، او هنوز به پایان زمان باور دارد. این به چندین شیوه بیان شده است:

۱. یک روز داوری/قیامت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۸ الی ۲۹، ۶: ۳۹ الی ۴۰ و ۴۴ و ۵۴، ۱۱: ۲۴، ۱۲: ۴۸)
۲. "زمان" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۳، ۵: ۲۵ و ۲۸، ۱۶: ۳۲)
۳. آمدن دوم مسیح (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۳، این احتمال هست که ۱۴: ۱۸ الی ۱۹ و ۲۸ به چندین ظهور پس از قیام عیسی اشاره داشته باشد نه آمدن اسکاتولوژیک)

۱۱: ۲۵ "عیسی گفت: قیامت و حیات مَنَم" این یکی دیگر از هفت "من هستم"های عیسی است. در چهره مرده ایلعازر، مارتا تشویق می‌شود که ایمان داشته باشد او زنده است. ریشه این امید در فرد و قدرت پدر و عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۱). به یادداشت مندرج در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۱۲ مراجعه کنید.

جالب است که در نسخه پایپروس اولیه (P<sup>45</sup>) و برخی نسخه‌های لاتین و سوریه‌ای، عبارت "و حیات" حذف شده است. UBS<sup>3</sup> به اضافه شدن آن رتبه B

می‌دهد ولی UBS<sup>4</sup> رتبه A به اضافه شدن آن می‌دهد (یقین).

۱۱:۲۶ "هر که زنده است و به من ایمان دارد، به یقین تا به ابد نخواهد مرد" چندین نکته مهم دستور زبانی در این متن وجود دارد

۱. ضمیر کلی "همه"

۲. زمان حال، که نیاز برای ایمان آوردن را نشان می‌دهد (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۵ و ۲۶)

۳. بیان مضاعف منفی در رابطه با مرگ، "به یقین تا به ابد نخواهد مرد"، که به صورت بدیهی به مرگ معنوی اشاره می‌کند

در انجیل یوحنا زندگی یک حقیقت زمان حال برای مومنین است، نه اتفاقی که در آینده رخ دهد. ایلعاذر باید کلمات عیسی را به تصویر می‌کشید! برای یوحنا زندگی ابدی یک واقعیت زمان حاضر است.

۱۱:۲۷ "آری، سرورم، من ایمان آورده‌ام که تویی مسیح، پسر خدا، همان که باید به جهان می‌آمد" این جمله زمان کامل است. این اقرار قدرتمند ایمان

او در عیسی به عنوان مسیح موعود است. از دید الهیات این اقرار همانند اقرار پطرس در نزد سراز است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶).

او از چندین عنوان مختلف برای نشان دادن ایمان خود استفاده می‌کند.

۱. مسیح (که ترجمه یونانی مسایح، آن تدهین شده است)

۲. پسر خدا (عنوان عهد عتیق برای مسیح)

۳. آن که می‌آید (یک عنوان عهد عتیقی دیگر موعود خدا که عصر جدید صداقت را به ارمغان می‌آورد، مراجعه کنید به انجیل متی ۶: ۱۴).

یوحنا از مباحثه به عنوان یک تکنیک مفهومی برای بیان حقیقت استفاده می‌کند. در انجیل یوحنا چندین اقرار ایمان به عیسی وجود دارند (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱: ۲۹ و ۳۴ و ۴۱ و ۴۹، ۴: ۴۲، ۶: ۱۴ و ۶۹، ۹: ۳۵ الی ۳۸، ۱۱: ۲۷). به موضوع خاص: استفاده یوحنا از ایمان در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ مراجعه کنید.

**NASB: انجیل یوحنا ۱۱: ۲۸ الی ۲۹**

<sup>۲۸</sup> این را گفت و رفت و خواهر خود مریم را فرا خوانده، در خلوت به او گفت: "استاد اینجاست و تو را می‌خواند".<sup>۲۹</sup> مریم چون این را شنید، بی‌درنگ برخاست و نزد او شتافت.

۱۱:۲۸ "استاد" نسخه مطالعه انجیل NASB (صفحه ۱۵۴۰) توضیح جالبی دارد. "توصیف مهمی توسط زن ارائه می‌شود. روحانیون به زنان تعلیم نمی‌دادند (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۴: ۲۷)، ولی عیسی اغلب به آنها تعلیم می‌داد."

موضوع خاص: زنان در انجیل را مطالعه نمایید.

**NASB: انجیل یوحنا ۱۱: ۳۰ الی ۳۷**

<sup>۳۰</sup> عیسی هنوز وارد دهکده نشده بود، بلکه همان جا بود که مارتا به دیدارش رفته بود.<sup>۳۱</sup> یهودیانی که با مریم در خانه بودند و او را تسلی می‌دادند، چون دیدند مریم با شتاب برخاست و بیرون رفت، از پی او روانه شدند. گمان می‌کردند بر سر قبر می‌رود تا در آنجا زاری کند.<sup>۳۲</sup> چون مریم به آنجا که عیسی بود رسید و او را دید، به پاهای او افتاد و گفت: "سرورم، اگر اینجا بودی برادرم نمی‌مرد".<sup>۳۳</sup> چون عیسی زاری مریم و یهودیان همراه او را دید، در روح برآشفته و سخت منقلب گشت.<sup>۳۴</sup> پرسید: "او را کجا گذاشته‌اید؟" گفتند: "سرور ما، بیا و ببین".<sup>۳۵</sup> اشک از چشمان عیسی سرازیر شد.<sup>۳۶</sup> پس یهودیان گفتند: "بنگرید چقدر او را دوست می‌داشت!"<sup>۳۷</sup> اما بعضی گفتند: "آیا کسی که چشمان آن مرد کور را گشود، نمی‌توانست مانع از مرگ ایلعازر شود؟"

۱۱:۳۰ این یک شهادت عینی دیگر همراه با جزئیات از نگارنده شاگرد است.

۳۳:۱۱

NASB "او عمیقا در روح برآشفته و ناراحت شد"

NKJV "او در روح نالید و ناراحت شد"

NRSV "او در روح ناراحت شد و عمیقا برآشفته"

TEV "قلبش درد گرفت و عمیقا برآشفته"



این به مفهوم "در روح خرناسه کشیدن" است. این اصطلاح معمولاً برای خشم و عصبانیت به کار می‌رود (مراجعه شود به کتاب دانیال ۱۱: ۳۰، انجیل مرقس ۱: ۴۳، ۱۴: ۵). ولی در این متن سعی بر این است که احساس ناراحتی عمیق را نشان دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۳۸). هر چند برخی از مفسرین احساس قوی را در این می‌بینند، احتمالاً خشم، که متوجه مرگ است، عیسی احساسات واقعاً انسانی داشت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۳۳ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۸) و در اینجا آن را به دوستانش نشان می‌دهد.

۱۱: ۳۵ "اشک از چشمان عیسی سرازیر شد" این کوتاهترین آیه در انجیل است. مرگ، اراده خدا برای این سیاره نیست. نتیجه شورش انسانی است. عیسی درد از دست دادن کسی که دوست می‌داریم را احساس می‌کند. او برای زندگی تمامی پیروانش این احساس را تجربه می‌کند!

اشک ریختن عیسی آرام و کاملاً خصوصی بود، نه یک گریه کردن در ملاعام در انجیل یوحنا ۱۱: ۳۳.

۱۱: ۳۷ این سوال انتظار پاسخ "بله" را دارد. نظر مارتا در انجیل یوحنا ۱۱: ۲۱ و مریم در ۱۱: ۳۲ بود.

### NASB: انجیل یوحنا ۱۱: ۳۸ الی ۴۴

<sup>۳۸</sup> سپس عیسی، باز در حالی که برآشفته بود، بر سر قبر آمد. قبر، غاری بود که بر دهانه‌اش سنگی نهاده بودند. <sup>۳۹</sup> فرمود: "سنگ را بردارید." مارتا خواهر متوفا گفت: "سرورم، اکنون دیگر بوی ناخوش می‌دهد، زیرا چهار روز گذشته است." <sup>۴۰</sup> عیسی به او گفت: "مگر تو را نگفتم که اگر ایمان آوری، جلال خدا را خواهی دید؟" <sup>۴۱</sup> پس سنگ را برداشتند. آنگاه عیسی به بالا نگریست و گفت: "پدر، تو را شکر می‌گویم که مرا شنیدی. <sup>۴۲</sup> من می‌دانستم که همیشه مرا می‌شنوی. اما این را به خاطر کسانی گفتم که در اینجا حاضرند، تا ایمان آورند که تو مرا فرستاده‌ای." <sup>۴۳</sup> این را گفت و سپس به بانگ بلند ندا در داد: "ایلعازر، بیرون بیا!" <sup>۴۴</sup> پس آن مرده، دست و پا در کفن بسته و دستمالی گرد صورت پیچیده، بیرون آمد. عیسی به ایشان گفت: "او را باز کنید و بگذارید برود."

۱۱: ۳۸ "یک غار" در طول این دوره قبرهای فلسطین یکی از اینها بود:

۱. غارهای طبیعی (Baba Bathra 6: 8)

۲. حفره‌هایی که داخل صخره کنده می‌شدند و با سنگ بزرگ گردی که جلوی آن قرار می‌گرفت آن را می‌بستند

۳. حفره‌هایی که در روی می‌کنندند و با سنگهای بزرگ روی آن را می‌پوشاندند

بر اساس مطالعات باستان‌شناسی در منطقه اورشلیم، گزینه نخست بهترین است.

۱۱: ۳۹ "سنگ را بردارید" قرار دادن یک سنگ بزرگ در داخل گودی روشی بود برای محکم بستن مقبره‌ها و محافظت آنها در مقابل دزدها و حیوانات.

■ "چهار روز گذشته است" این یک اصطلاح یونانی است برای "چهار روز"

۱۱: ۴۰ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است و به این معنی است که احتمال وقوع عمل وجود دارد. این آیه سوالی است که انتظار پاسخ "بله" دارد.

■ "جلال خدا" جلال خدا در کارهای عیسی نشان داده می‌شوند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴). توضیح کاملتر را در یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مطالعه کنید.

۱۱: ۴۱ "آنگاه عیسی به بالا نگریست" حالت عادی عبادت یهودیان بدین صورت بود که دستها و چشمان (باز) به سمت بهشت بلند شوند. این یک اصطلاح برای عبادت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱).

■ "که مرا شنیدی" عیسی صدای پدر را "می‌شنود" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۶ و ۴۰، ۱۵: ۱۵) و پدر صدای او را "می‌شنود". آنان که صدای عیسی را می‌شنوند زندگی جاویدان دارند. این یک بازی با کلمات "دیدن" و "شنیدن" است که مترادف با "دریافت کردن" (انجیل یوحنا ۱: ۱۲) و "ایمان داشتن" (انجیل یوحنا ۳: ۱۶) است. ایلعازر صدای عیسی را "شنید" و به زندگی بازگشت.

۱۱: ۴۲ این هدف دعا و معجزه عیسی را بیان می‌دارد. عیسی اغلب معجزاتی می‌کرد تا ایمان شاگردانش را تقویت کند و در این مورد زمینه ایمان را برای یهودیان اورشلیم فراهم کند.

از نظر الهیات، عیسی مجدداً اقتدار و اولویت پدر در کارهایش را بزرگ می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۹ و ۳۰، ۸: ۲۸، ۱۲: ۴۹، ۱۴: ۱۰). این معجزه رابطه صمیمانه عیسی با پدر را نشان می‌دهد. موضوع خاص: فرستادن (Apostellō) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۴ را مطالعه کنید.

۱۱: ۴۳ "سپس به بانگ بلند ندا در داد: "ایلعازر، بیرون بیا!" گفته می شود اگر عیسی مشخصا ایلعازر را صدا نمی زد، تمامی مردگان از قبر بیرون می آمدند!  
 ۱۱: ۴۴ اجساد را برای دفن با شستن با آب و پیچاندن در پارچه کتان و آغشته کردن به ادویه جات برای بوی آنها آماده می کردند. اجساد باید ظرف ۲۴ ساعت دفن می شد زیرا یهودیان مردگان خود را مومیایی نمی کردند.  
 موضوع خاص: مراسم تدفین

**NASB: انجیل یوحنا ۱: ۴۵ و ۴۶**  
 ۴۵: ۱۱ "پس بسیاری از یهودیان که به دیدار مریم آمده و کار عیسی را دیده بودند، به او ایمان آوردند. اما برخی نزد فریسیان رفتند و آنها را از آنچه عیسی کرده بود، آگاه ساختند."

۱۱: ۴۵ "پس بسیاری از یهودیان که به دیدار مریم آمده و کار عیسی را دیده بودند، به او ایمان آوردند" این موضوعی است انجیل بیان می دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۳۰ الی ۳۱). این عبارت تبدیل به الگویی شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳، ۷: ۳۱، ۸: ۳۰، ۱۰: ۴۲، ۱۱: ۴۵، ۱۲: ۱۱ و ۴۲). با این وجود، باید مجدداً گفته شود که ایمان در انجیل یوحنا چندین سطح دارد و همیشه ایمان نجات نمی دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ الی ۲۵، ۸: ۳۰). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ را مطالعه کنید.  
 ۱۱: ۴۶ "برخی نزد فریسیان رفتند و آنها را از آنچه عیسی کرده بود، آگاه ساختند" اندازه کوری معنوی برخی علیرغم دیدن چنین تعالیم و معجزات قدرتمند حیرت انگیز است. با این وجود، عیسی همه گروه ها را به دو دسته تقسیم می کند، آنها که به او اعتماد می کنند و ایمان می آورند و آنان که واقعیت را در باره او انکار می کنند. حتی معجزه ای مانند این هم باعث ایمان نمی شود (مراجعه کنید به انجیل لوقا ۱۶: ۳۰ الی ۳۱).

**NASB: انجیل یوحنا ۱: ۴۷ الی ۵۳**  
 ۴۷: ۱۱ "پس سران کاهنان و فریسیان به مشورت نشستند، گفتند: "چه کنیم؟ آیات بسیار از این مرد به ظهور می رسد. اگر بگذاریم همچنان پیش رود، همه به او ایمان خواهند آورد، و رومیان آمده، این مکان و این قوم را از دست ما خواهند ستاند." اما یکی از آنها، قیافا نام، که در آن سال کاهن اعظم بود، به دیگران گفت: "شما هیچ نمی دانید و نمی اندیشید که صلاحتان در این است که یک تن برای قوم بمیرد، تا آنکه همه قوم نابود شوند." اما این سخن از خودش نبود، بلکه چون در آن سال کاهن اعظم بود، چنین نبوت کرد که عیسی برای قوم خواهد مرد، و نه تنها برای قوم، بلکه برای گرد آوردن و یگانه ساختن فرزندان خدا که پراکنده اند. پس، از همان روز توطئه قتل او را چیدند."

۱۱: ۴۷ "سران کاهنان و فریسیان به مشورت نشستند" این اشاره به سانهدرین دارد، شورای عالی یهودیان در اورشلیم. این شورا هفتاد عضو محلی داشت. کاهنان اعظم از نظر سیاسی و مذهبی دگم بودند و به سادوجس معروف بودند، اینها فقط نوشته های موسی را قبول داشتند و منکر قیامت بودند. فریسیان مردمی تر بودند، مذهبی و قانونگرا بودند و (۱) تمامی عهد عتیق، (۲) بشارت فرشتگان، و (۳) زندگی پس از مرگ را قبول داشتند. جالب است که چنین دو گروهی که ضد هم بودند برای هر هدفی در کنار هم بودند. موضوع خاص: فریسیان در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۲۴ را مطالعه کنید. موضوع خاص: سانهدرین در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۳: ۱ را مطالعه کنید.

■ "آیات بسیار از این مرد به ظهور می رسد" این اشاره به عیسی به عنوان "این مرد" یک شیوه خفت آور برای ذکر نکردن نام او است. حیرت انگیز است که با وجود چنین معجزاتی مانند زنده کردن ایلعازر، تعصب چشمان آنها را کاملاً کور کرده بود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۴).  
 ۱۱: ۴۸ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به معنی آن است که احتمال وقوع رخداد وجود دارد.

■ "همه به او ایمان خواهند آورد" حسادت و همچنین اختلاف نظر از دیدگاه الهیات منشا ناراحتی و ترس از عیسی بود. کلمه "همه" می تواند به حتی سامریان و پیروان سایر ادیان و کافران اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۶). البته، این ترس جنبه سیاسی هم داشت (برای مثال، کنترل رومیان).

■ "رومیان آمده، این مکان و این قوم را از دست ما خواهند ستاند" این یکی از دوگانگی های نبوت انجیل یوحنا است، زیرا این کار به مفهوم واقعی کلمه در سال ۷۰ میلادی توسط ژنرال رومی تیتوس (که بعداً امپراتور شد) تحقق یافت.

واقعیت سیاسی سلطه رومیان بخشی از امید (اسکاتولوژیک) پایان زمان یهودیان بود. آنها معتقد بودند که خدا یک شخص مذهبی / نظامی خواهد فرستاد، مانند داور عهد عتیق، که به صورت فیزیکی روم را به آنها تحویل خواهد داد. چندین نفر که ادعای مسیح بودن می کردند شورشهایی را در فلسطین آغاز کردند تا این انتظار را تحقق بخشند.

عیسی ادعا می‌کرد که پادشاهی او یک حکومت موقتی/سیاسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳۶) نیست، بلکه قلمرو معنوی است که تمام جهان را در آینده فرا خواهد گرفت (مکاشفه). او ادعا می‌کرد که نبوت عهد عتیق را تحقق بخشیده، ولی نه در مفهوم کلمات، یهودی یا ملی‌گرایی. به همین دلیل، بسیاری از یهودیان آن روز، وی را انکار کردند.

۱۱: ۴۹ "قیافا نام، که در آن سال کاهن اعظم بود" مقام کاهن اعظم یک سمت مادام‌العمر بود که به نسل به نسل به فرزندان می‌رسید (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۸)، ولی پس از اینکه رومیان فاتح شدند، به واسطه جدابیتی که معاملات در کوه زیتون و محوطه معبد داشتند به بالاترین پیشنهادی که ارائه می‌شد، فروخته می‌شد. قیافا از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی کاهن اعظم بود (داماد آناس، کاهن اعظم از ۶ الی ۱۵ میلادی).

۱۱: ۵۰ الی ۵۲ این هم یک دوگانگی دیگر انجیل یوحنا است. قیافا انجیل را بشارت می‌دهد.

۱۱: ۵۰ "قیافا نام، که در آن سال کاهن اعظم بود" زمینه عهد عتیقی این بیان دیدگاه یهودیان به جسم است. یک نفر (خوب یا بد) می‌تواند بر کل تاثیر گذارد (مثلا آدم/حو، آجان). این مفهوم سیستم قربانی کردن را پایه‌ریزی کرد، به خصوص روز کفاره (لاویان ۱۶)، که یک حیوان معصوم باید کفاره گناهان یک قوم را بدهد. این تبدیل به مفهوم مسیحی در ورای اشعیا ۵۳ شد. در عهد جدید آدم/مسیح در رومیان ۵: ۱۲ الی ۲۱ منعکس کننده این مفهوم است.

۵۱: ۱۱

NASB, REV, NET  
"که عیسی داشت می‌مرد"  
REB NKJV, NIV,  
"که عیسی بمیرد"  
NRSV  
"که عیسی قرار بود بمیرد"  
NJB  
"که عیسی بمیرد"

در کتاب NIDOTTE، جلد ۱، صفحه ۳۲۶ تفسیر خوبی درباره استفاده الهیاتی فعل *mellō* (باید، "یقین داشتن") وقتی که برای اراده خدا برای کارهای رستگاری عیسی استفاده می‌کند دارد.

۱. انجیل مرقس ۱۰: ۳۲

۲. انجیل متی ۱۷: ۲۲

۳. انجیل لوقا ۹: ۳۱ و ۴۴، ۲۴: ۲۱، اعمال رسولان ۲۶: ۲۳

۴. انجیل یوحنا ۷: ۳۹، ۱۱: ۵۱، ۱۲: ۳۳، ۱۴: ۲۲، ۱۸: ۳۲

همچنین برای خیانت یهودا استفاده می‌شود

۱. انجیل لوقا ۲۲: ۲۳

۲. انجیل یوحنا ۶: ۷۱، ۱۲: ۴

لوقا در اعمال رسولان از آن برای تحقق نبوت استفاده می‌کند (اعمال رسولان ۱۱: ۲۸، ۲۴: ۱۵، ۲۶: ۲۲). تمامی رخدادهای رستگاری در دستان خداوند هستند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹)!

۱۱: ۵۲ "نه تنها برای قوم، بلکه برای گرد آوردن و یگانه ساختن فرزندان خدا که پراکنده‌اند" به نظر می‌رسد که این یک تفسیر توسط یوحنا باشد که مترادف با ۱۰: ۱۶ است. این می‌تواند اشاره داشته باشد به:

۱. یهودیانی که خارج از فلسطین زندگی می‌کنند

۲. نیمه یهودیان مانند سامریان

۳. پیروان سایر ادیان و کفار

به نظر می‌رسد گزینه ۳ بهترین انتخاب باشد. هر کدام که باشد، مرگ عیسی منجر به متحد کردن انسانها شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹، ۳: ۱۶، ۴: ۴۲، ۱۰: ۱۶).

۱۱: ۵۳ "پس، از همان روز توطئه قتل او را چیدند" این یک موضوع تکراری در انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۸، ۷: ۱۹، ۸: ۵۹، ۱۰: ۳۹، ۱۱: ۸).

NASB: انجیل یوحنا ۱۱: ۵۴

<sup>۴</sup>از این رو عیسی دیگر آشکارا در میان یهودیان رفت و آمد نمی‌کرد، بلکه به شهری به نام اِفرایم در ناحیه‌ای نزدیک به بیابان رفت و با شاگردان خود در آنجا ماند.

۱۱: ۵۴ "عیسی دیگر آشکارا در میان یهودیان رفت و آمد نمی‌کرد" انجیل یوحنا ۱۲ آخرین تلاش عیسی برای بحث کردن با سران یهود است.

کلمه‌ای که در انجیل یوحنا "آشکارا" ترجمه شده (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۲۶، ۱۱: ۵۴، ۱۸: ۲۰) معمولاً به مفهوم "با جسارت" است. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۴ مراجعه کنید.

■ "شهری به نام اِفرایم" این شهر ممکن است نزدیک بیت الحم در سامره باشد (مراجعه شود به دوم قرن‌تیان ۱۳: ۱۹).

**NASB: انجیل یوحنا ۱۱: ۵۵ الی ۵۷**

<sup>۵</sup>چون عید پَسَخِ یهود نزدیک شد، گروهی بسیار از نواحی مختلف به اورشلیم رفتند تا آیین تطهیر قبل از پَسَخ را به جا آورند. <sup>۶</sup>آنها در جستجوی عیسی بودند و در همان حال که در صحن معبد ایستاده بودند، به یکدیگر می‌گفتند: "چه گمان می‌برید؟ آیا هیچ به عید نخواهد آمد؟" <sup>۷</sup>اما سران کاهنان و فریسیان دستور داده بودند که هر گاه کسی بداند عیسی کجاست، خبر دهد تا گرفتارش سازند.

۱۱: ۵۵ الی ۵۷ این آیات فصل‌های ۱۱ و ۱۲ را به یکدیگر مرتبط می‌سازند.

۱۱: ۵۵ "تا خود را تطهیر کنند" این اشاره به مراسم تطهیر و آماده سازی برای پسخ دارد. هنوز بحث‌هایی هست که برای چه مدت عیسی در فلسطین تعلیم می‌داد، موعظه می‌کرد و بشارت می‌داد. ساختار سایر اناجیل به گونه‌ای است که احتمالاً یک یا دو سال. ولی با این وجود، انجیل یوحنا چندین عید پسخ (عید سالانه) را به ثبت رسانده است. یقیناً سه عید بوده (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۱۳، ۶: ۴ و ۱۱: ۵۵) با حداقل یک عید چهارم که از آن به عنوان "عید" در انجیل یوحنا ۵: ۱ یاد شده است.

۱۱: ۵۷ این هم یک تفسیر دیگر از جانب یوحنا است.

#### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا عیسی اجازه داد که ایلعازر بمیرد؟
۲. هدف این معجزه به چه سمتی بود؟
۳. چه تفاوتی میان قیام پس از مرگ و به هوش آوری وجود دارد؟
۴. چرا رهبران یهود از زنده کردن ایلعازر به وحشت افتادند؟

## یوحنا ۱۲

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تدهین در بتانی	تدهین در بتانی	تدهین در بتانی	عیسی در بتانی تدهین میشود	تدهین در بتانی
۸ الی ۱:۱۲	۸ الی ۱:۱۲	۸ الی ۱:۱۲	۶ الی ۱:۱۲ ۸ الی ۷:۱۲	۸ الی ۱:۱۲
دسیسه علیه ایلعازر	دسیسه برای کشتن ایلعازر		دسیسه علیه ایلعازر	
۱۱ الی ۹:۱۲	۱۱ الی ۹:۱۲	۱۱ الی ۹:۱۲	۱۱ الی ۹:۱۲	۱۱ الی ۹:۱۲
ورود فاتحانه به اورشلیم	ورود فاتحانه	یکشنبه با موفقیت	ورود فاتحانه به اورشلیم	مسیح وارد اورشلیم می‌شود
۱۹ الی ۱۲:۱۲	۱۹ الی ۱۲:۱۲	۱۹ الی ۱۲:۱۲	۱۳ الی ۱۲:۱۲ ۱۴:۱۲ ۱۵:۱۲ ۱۶:۱۲ ۱۷:۱۲ ۱۸ الی ۱۹	۱۹ الی ۱۲:۱۲
برخی از یونانیان در جستجوی عیسی هستند	دانه غنی گندم	بشارت عام عیسی به نتیجه می‌رسد	برخی از یونانیان در جستجوی عیسی هستند	عیسی مرگ خود و متعاقب آن جلالش را پیش‌گویی می‌کند
۲۶ الی ۲۰:۱۲	۲۶ الی ۲۰:۱۲	۲۶ الی ۲۰:۱۲	۲۱ الی ۲۰:۱۲ ۲۶ الی ۲۲:۱۲	۲۰ الی ۲۸ الف
پسر انسان باید به بالا برده شود	عیسی مرگ خود بر بالای صلیب را پیش‌بینی می‌کند		عیسی از مرگ خود سخن می‌گوید	
۱۲ الی ۲۷:۳۶ الف	۱۲ الی ۲۷:۳۶	۱۲ الی ۲۷:۳۶ الف	۱۲ الی ۲۷:۳۶ الف ۲۸ ب:۱۲ ۲۹:۱۲ ۳۰ الی ۳۳	۲۸:۱۲ ۲۹ الی ۳۲
			۳۴:۱۲ ۳۵ الی ۳۶ الف بی‌ایمانی مردم	۳۳ الی ۳۶ الف
بی‌ایمانی یهودیان	چه کسی گزارش ما را باور کرده است؟		۳۸ الی ۳۶:۱۲	۳۶:۱۲ جمع‌بندی: بی‌ایمانی یهودیان
۱۲ الی ۳۶:۴۳		۳۶ الی ۴۳		۳۷ الی ۳۸
	قدم زدن در نور		۳۹ الی ۴۰	۳۹ الی ۴۰
			۴۱:۱۲ ۴۲ الی ۴۳	۴۱:۱۲ ۴۲ الی ۵۰
داوری با کلام عیسی	۴۲ الی ۵۰		داوری با کلام عیسی	
۱۲ الی ۴۴:۵۰		۴۴ الی ۵۰	۴۴ الی ۵۰	

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

### بینش مفهومی نسبت به آیات ۱ الی ۵۰

- A. تمامی چهار انجیل تدهین عیسی توسط زنی را ثبت کرده اند. بنابراین، این رخداد باید برای نویسندگان اناجیل از اهمیت خاصی برخوردار بوده باشد. با این وجود، انجیل مرقس ۱۴: ۳ الی ۹، انجیل متی ۲۶: ۶ الی ۱۳ و انجیل یوحنا ۱۲: ۲ الی ۸ او را مریم اهل بتانی، خواهر ایلعازر شناسایی کرده اند، در حالیکه انجیل لوقا ۷: ۳۶ الی ۵۰ او را به عنوان زنی گناهکار از جلیل شناسایی کرده است.
- B. فصل ۱۲ بشارت عام عیسی را خاتمه می دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۲۹). او بارها و بارها سعی کرد که رهبران یهود را به ایمان آورد. فصل ۱۱ تلاش او را برای ایمان آوردن مردم شهر اورشلیم نشان می دهد.
- C. در این فصل به پنج گروه مردم اشاره می شود
  ۱. مردمی که شاهد احیای ایلعازر بودند، انجیل یوحنا ۱۲: ۱۷
  ۲. مردم اورشلیم، انجیل یوحنا ۱۲: ۹
  ۳. جمعیت زائرنانی که برای عید پسخ آمده بودند، انجیل یوحنا ۱۲: ۱۲ و ۱۸ و ۲۹ و ۳۴
  ۴. احتمالاً جمعیتی از سایر ادیان و کفار، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۰
  ۵. احتمالاً جمعیتی از رهبران یهود که به او ایمان آورده بودند، انجیل یوحنا ۱۲: ۴۲

### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۲: ۱ الی ۸

۱ شش روز پیش از عید پسخ، عیسی به بیت عنیا، محل زندگی ایلعازر آمد، همان که عیسی او را از مردگان بر خیزانیده بود. ۲ در آنجا برای تجلیل او شام دادند. مارتا پذیرایی می کرد و ایلعازر از جمله کسانی بود که با عیسی بر سفره نشستند. ۳ در آن هنگام، مریم عطری گرانبها از سنبل خالص را که حدود یک پوند بود برگرفت و پاهای عیسی را با آن عطر آگین کرد و با گیسوانش خشک نمود، چنانکه خانه از رایحه عطر آکنده شد. ۴ اما یهودای آسخریوطی، یکی از شاگردان عیسی، که بعدها او را تسلیم دشمن کرد، گفت: "چرا این عطر به سیصد دینار فروخته نشد، تا بهایش به فقرا داده شود؟" ۵ او این را نه از سر دلسوزی برای فقرا، بلکه از آن رو می گفت که دزد بود؛ او مسئول دخل و خرج بود و از پولی که نزدش گذاشته می شد، می دزدید. ۶ پس عیسی گفت: "او را به حال خود بگذارید! زیرا این عطر را برای روز دفن من نگاه داشته بود. ۷ فقیران را همیشه با خود دارید، اما مرا همیشه ندارید."

۱: ۱۲ "شش روز پیش از عید پسخ" این یک زمانبندی متفاوت از انجیل متی ۲۶: ۲ است. باید به خاطر داشت که تمرکز اناجیل بر ترتیب زمانی نبوده بلکه بیانگر اعمال عیسی هستند که منعکس کننده حقیقت برای او و کارهایش است. اناجیل بیوگرافی نیستند بلکه مکتوباتی هستند برای بشارت دادن گروه های هدف.

۱۲: ۲ "آنها" به نظر می رسد که این اشاره به مردم شهر بتانی که به عیسی و شاگردانش به خاطر زنده کردن ایلعازر شام دادند، داشته باشد. با این وجود، در انجیل متی ۲۶: ۶ این رخداد در منزل شمعون جذامی رخ داد.

۱۲:۳ "پوند" این یک اصطلاح لاتین برای واحد وزن رومی پوند است، که برابر با ۱۲ اونس است (هر پوند تقریباً برابر با ۴۵۳ گرم و هر اونس حدود ۲۸/۳۴ گرم است). این ماده معطر گران قیمت احتمالاً جزو جهیزیه مریم بوده است. بسیاری از زنان مجرد این نوع عطرها را در ظروف کوچکی به گردن خود آویزان می‌کردند.

NASB	"یک پوند عطر معطر گران قیمت سنبل هندی"
NKJV	"یک پوند روغن معطر گران قیمت از سنبل هندی"
NRSV	"یک پوند عطر معطر گران قیمت سنبل هندی"
TEV	"یک پائنت کامل از یک عطر معطر گران قیمت ساخته شده از سنبل هندی"
NJB	"یک پوند روغن معطر گران قیمت و خالص از سنبل هندی"

گمانهای زیادی در مورد معنی صفت وجود دارند: (۱) خالص، (۲) مایع، (۳) نام یک مکان.

خود عطر از یک ریشه معطر هیمالیایی که بسیار گران قیمت بود درست شده بود. به کتاب *Manners and Customs of the Bible* نوشته جیمز ام فریمن، صفحات ۳۷۹ الی ۳۸۰ مراجعه کنید.

■ **"پاهای عیسی را با آن عطر آگین کرد"** سایر اناحیل هم در مورد این رخداد (احتمالاً سپاسگزاری مریم برای زنده کردن ابلعازر، انجیل یوحنا ۱۲:۲) صحبت کرده‌اند که زنی سرش را تدهین می‌کند. ظاهراً مریم تمام بدنش را تدهین می‌کند، از سرش شروع می‌کند و تا پاهایش را تمیز و تدهین می‌کند. دلیل اینکه پاهای عیسی نشان داده می‌شوند این بود که او بر یک میز کوتاه لمیده بود.

این یکی از حرفهای دو پهلوی یوحنا است. این عطر برای آماده کردن جسد جهت دفن استفاده می‌شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹:۴۰). احتمالاً مریم پیام عیسی را بهتر از شاگردانش در مورد مرگ قریب الوقوعش درک کرده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲:۷). به موضوع خاص: تدهین در انجیل در ۱۱:۲ مراجعه کنید.

■ **"خانه از رایحه عطر آکنده شد"** شهادت عینی-تجسمی بسیار زیبایی است. یوحنا به وضوح آن لحظات را به خاطر دارد!

۱۲:۴ **"یهودای آسخریوطی"** اصطلاح اسخریوطی احتمالاً دو ریشه دارد: (۱) شهری در یهودیه (کریوت، مراجعه شود به یوشع ۱۵:۲۵) یا (۲) اصطلاحی برای خنجر قاتلین مزدور. از میان تمامی نویسندگان انجیل، یوحنا تندترین اظهارات را در مورد یهودا دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲:۶). به یادداشت کامل در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶:۷۰ الی ۷۱ مراجعه کنید.

■ **"خیانت"** این یک تفسیر دیگر از نویسنده است. این اصطلاح معمولاً چنین دلالت ضمنی ندارد. در مفهوم واقعی کلمه به معنی "تحويل دادن" یا "واگذار کردن" در قالب داوری و قضایی است. به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱۸:۲ مراجعه کنید.

۱۲:۵ **"سیصد دینار"** یک دینار معادل دستمزد یک روز یک سرباز یا یک کارگر بود، بنابراین این معادل دستمزد تقریباً یک سال می‌شد.

۱۲:۶ این آیه هم یک تفسیر دیگر از جانب نویسنده است. انجیل یوحنا بیش از سایر انجیل یهودا را محکوم می‌کند.

NASB, NKJV	"جعبه پول"
NRSV	"کیف پول مشترک"
TEV	"ساک پول"
NJB	"پول مشترک"

این کلمه یعنی یک صندوقچه کوچک. اساساً نوازندگان از آن برای حمل دهنی ساز خود استفاده می‌کردند.

■ **"از پولی که نزدش گذاشته می‌شد، می‌دزدید"** کلمه یونانی آن حمل کردن است. از آن در دو مفهوم متفاوت استفاده می‌شود. (۱) او صندوقچه را حمل می‌کرد، و (۲) او محتویات جعبه را حمل می‌کرد. این بیان می‌تواند اضافه شده باشد تا نشان دهد توجه یهودا به فقرا در انجیل یوحنا ۱۲:۵ نبوده بلکه در واقع پوششی برای دزدی برای خودش بود.

۱۲:۷ این آیه عجیبی است. به وضوح سخاوتمندی و تعلق خاطر را به همان شیوه مراحل دفن یک نفر نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹:۴۰). این هم یکی دیگر از اظهارات نبوتی یوحنا است.

۱۲: ۸ "فقیران را همیشه با خود دارید" این در رابطه با کتاب تثنیه ۱۵: ۴ و ۱۱ است. این یک توضیح نا امید کننده در رابطه با فقرا نیست بلکه تأکیدی است بر وجود مسیح در عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۵، ۷، ۳۳، ۹: ۴). عهد عتیق در میان کتب مقدس خاور نزدیک در خصوص حقوق و لزوم به مراقبت از فقرا منحصر به فرد است.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۲: ۹ الی ۱۱

گروهی بی‌شمار از یهودیان، چون شنیدند عیسی آنجاست، آمدند تا نه تنها عیسی، بلکه ایلعازر را نیز که زنده کرده بود، ببینند. پس، سران کاهنان بر آن شدند ایلعازر را نیز بکشند،<sup>۱۱</sup> زیرا سبب شده بود بسیاری از یهودیان از ایشان رویگردان شده، به عیسی ایمان آورند.

۱۲: ۹ "گروهی بی‌شمار از یهودیان، چون شنیدند عیسی آنجاست" این یک استفاده غیر متداول از کلمه یهودیان در انجیل یوحنا است. معمولاً به سران یهود که مخالف عیسی هستند اشاره می‌کند. با این وجود، در انجیل یوحنا ۱۱: ۱۹ و ۴۵، ۱۲: ۱۷ به نظر می‌رسد به مردم شهر اورشلیم که با ایلعازر دوست بودند و در مراسم دفن او شرکت کرده بودند اشاره می‌کند.

۱۲: ۱۰ "سران کاهنان بر آن شدند ایلعازر را نیز بکشند" آنها می‌خواستند شواهد را از بین ببرند! انگیزه آنها ترس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۸) و حسادت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۸، ۱۲: ۱۱) بود.

آنها باید فکر می‌کردند که زنده کردن ایلعازر توسط عیسی یک عمل نادر و مجرد بوده باشد. کوری و تعصب این سران یهود منعکس کننده تاریکی انسان سقوط کرده است.

۱۲: ۱۱ این آیه به ۱۱: ۴۵ باز می‌گردد. به موضوع خاص: استفاده یوحنا از فعل "ایمان آوردن" در مبحث مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ مراجعه شود.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۲: ۱۲ الی ۱۹

<sup>۱۲</sup> بامدادان، جمعیتی کثیر که برای عید آمده بودند، چون شنیدند عیسی به اورشلیم می‌آید،<sup>۱۳</sup> شاخه‌های نخل در دست به پیشباز او رفتند. آنان فریادکنان می‌گفتند: "هوشیعیانا! مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید، مبارک است پادشاه اسرائیل!"<sup>۱۴</sup> آنگاه عیسی کره الاغی یافت و بر آن سوار شد؛ چنانکه نوشته شده است: "مترس! ای دختر صهیون، هان پادشاه تو می‌آید، سوار بر کره الاغی!"<sup>۱۶</sup> شاگردان او نخست این چیزها را درنیافتند، اما چون عیسی جلال یافت، به یاد آوردند که اینها همه درباره او نوشته شده بود و همان‌گونه نیز با او به عمل آورده بودند.

<sup>۱۷</sup> آن جماعت که به هنگام فرا خواندن ایلعازر از قبر و برخیزانیدنش از مردگان با عیسی بودند، همچنان بر این واقعه شهادت می‌دادند.<sup>۱۸</sup> بسیاری از مردم نیز به همین سبب به پیشباز او رفتند، زیرا شنیده بودند چنین آیتی از او به ظهور رسیده است.<sup>۱۹</sup> پس فریسیان به یکدیگر گفتند: "ببینید که راه به جایی نمی‌برید؛ بنگرید که همه دنیا از پی او رفته‌اند."

۱۲: ۱۲ الی ۱۹ این نسخه یوحنا یورود فاتحانه عیسی به اورشلیم است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۱ الی ۱۱، انجیل مرقس ۱۱: ۱ الی ۱۱، انجیل لوقا ۱۹: ۲۹ الی ۳۸).

۱۲: ۱۲ "جمعیتی کثیر که برای عید آمده بودند" سه روز از جشنهای یهود برای مردان الزامی بودند (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۳: ۱۴ الی ۱۷، لویان ۲۳، تثنیه ۱۶: ۱۶). آرزوی زندگی یهودیانی که خارج از فلسطین زندگی می‌کردند (دیاسپورا) حضور در یک جشن در اورشلیم بود. در طی این سری از جشنها، جمعیت اورشلیم به سه تا پنج برابر جمعیت متداول شهر افزایش پیدا می‌کرد. این عبارت اشاره دارد به این تعداد عظیم زائران کنجاکو که در باره عیسی شنیده بودند و می‌خواستند او را ببینند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۵۶).

۱۲: ۱۳ "شاخه‌های نخل" این یک عبارت غیر معمول برای شاخه‌های نخل است. برخی معتقدند که زمانی در شیب کوه زیتون درختان نخل رشد می‌کردند، (مراجعه شود به جوزفوس)، در حالیکه دیگران معتقدند که آنها از جریکو وارد می‌شدند. به نظر می‌رسد که آنها سمبل پیروزی و فتح بودند (مراجعه شود به مکاشفه ۷: ۹). هر ساله از آنها در مراسم جشن خیمه‌ها (مراجعه شود به لویان ۲۳: ۴۰) و پسخ (سنتی از دوران مکبای) استفاده می‌شد.

■ "فریادکنان می‌گفتند" این زمان غیر کامل است که بیانگر (۱) تکرار عمل در گذشته است و یا (۲) شروع عمل در زمان گذشته.

■ "هوشیعیانا" این اصطلاح یعنی "اینک نجات بده" یا "نجات بده لطفا" (مراجعه شود به مزمور ۱۱۸: ۲۵ الی ۲۶). در طول مراسم عید پسخ در حالیکه زائران به سوی معبد حرکت می‌کردند، مزامیر (مراجعه شود به ۱۱۳ الی ۱۱۸) خوانده می‌شد. بسیاری از این اعمال و عبارات هر سال در طول مراسم پسخ تکرار می‌شدند. ولی در این سال بخصوص آنان غایت معنی را در عیسی یافتند! جمعیت این را احساس کرده بود. فریسیان هم این را تشخیص دادند.

■ "مبارک است آن که به نام خداوند می‌آید" این دقیقاً همان چیزی است که عیسی ادعا می‌کرد. او تنها فرستاده بود. او معرف یهوه بود.



این عبارت بخشی از مزمور نیست، بلکه توسط جمعیت اضافه شده. به نظر می‌رسد که اشاره مستقیم به عیسی به عنوان پادشاه مسیح موعود در دوم سموئیل باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۹، ۱۹: ۱۹).

۱۲: ۱۴ "یک کره الاغ" الاغها حیوانات مهمی در فعالیتهای نظامی اسرائیل در اول پادشاهان داشتند (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱: ۳۳ و ۳۸ و ۴۴). فقط پادشاه سوار بر الاغ می‌شد، بنابراین خیلی مهم بود که عیسی الاغی را سوار شود که قبلا سوار نشده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۱: ۲).

۱۲: ۱۴ الی ۱۵ "چنانکه نوشته شده است" این نقل قولی است از زکریا ۹: ۹. کره الاغ نه فقط از پادشاهی مسیح سخن می‌گفت، بلکه جنبه طنز هم داشت. عیسی به عنوان شخصیت فاتح نظامی که یهودیان توقع داشتند، نمی‌آمد، بلکه به عنوان خادم رنج کشیده اشعیا ۵۳ سوار بر کره الاغ می‌آمد.

۱۲: ۱۶ "شاگردان او نخست این چیزها را درنیافتند" این هم یک شاهد عینی دیگر است، خاطره دردناک یوحنا، و هم یک موضوع تکراری (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۲، ۱۰: ۶، ۱۶: ۱۸، انجیل مرقس ۹: ۳۲، انجیل لوقا ۲: ۵۰، ۹: ۴۵، ۱۸: ۳۴). فقط پس از معراج و پنتیکاست چشمان معنوی آنان کاملا باز شد.

■ "اما چون عیسی جلال یافت، به یاد آوردند" این یکی از بشارتهای روح القدس بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ و ۲: ۲۲).

این آیه همچنین نشان می‌دهد که نویسندگان اناجیل، انجیل خود را بر اساس تجربیات خود از رستاخیز مسیح ساختار داده بودند. سایر اناجیل عیسی را در طی یک فرایند توسعه تاریخی نشان می‌دهند و تا زمان معراجش، او را جلال نمی‌دهند، ولی یوحنا در سراسر انجیل خود، در نور مسیح او را جلال می‌دهد. اناجیل منعکس کننده خاطرات این افراد و ایمانی که جامعه به این افراد تحت الهام نیاز دارد، است. بنابراین دو بعد تاریخی وجود دارد (عیسی و نویسندگان اناجیل) هر دو تحت الهام هستند.

■ "جلال یافت" به یادداشت مندرج در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

۱۲: ۱۷ به موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۸ مراجعه کنید. بینش مفهومی نسبت به آیات قسمت ۳ را نیز مطالعه کنید.

۱۲: ۱۹ "فریسیان به یکدیگر گفتند" این هم یکی دیگر از پیش‌بینیهای نبوت است که در ارتباط با (۱) یهودیان، انجیل یوحنا ۱۱: ۴۸، ۱۲: ۱۱ و (۲) پیروان سایر ادیان، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۰ الی ۲۳ می‌باشد. این آیه بیانگر دو مقطع تاریخی است: زندگی عیسی و کلیسای اولیه.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۲: ۲۰ الی ۲۶

۲۰ در میان کسانی که برای عبادت در عید آمده بودند، شماری یونانی بودند. <sup>۲۱</sup> آنها نزد فیلیپس، که اهل بیت صیداى جلیل بود، آمدند و به او گفتند: "سرور، می‌خواهیم عیسی را ببینیم." <sup>۲۲</sup> فیلیپس آمد و به آندریاس گفت، و آنها هر دو رفتند و به عیسی گفتند. <sup>۲۳</sup> عیسی به آنان گفت: "ساعت جلال یافتن پسر انسان فرا رسیده است. <sup>۲۴</sup> آمین، آمین، به شما می‌گویم، اگر دانه گندم در خاک نیفتد و نمیرد، تنها می‌ماند؛ اما اگر بمیرد بار بسیار می‌آورد. <sup>۲۵</sup> کسی که جان خود را دوست ندارد، آن را از دست خواهد داد. اما کسی که در این جهان از جان خود نفرت داشته باشد، آن را تا حیات جاویدان حفظ خواهد کرد. <sup>۲۶</sup> آن که بخواهد مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند؛ و جایی که من باشم، خادم من نیز خواهد بود. کسی که مرا خدمت کند، پدرم او را سرافراز خواهد کرد.

۱۲: ۲۰ "شماری یونانی" این به مفهوم پیروان سایر ادیان است، نه اختصاصا یونانیان.

■ "در میان کسانی که برای عبادت در عید آمده بودند" زمان حال دلالت بر این دارد که رفتن به عید برایشان حالت عادت داشت. آنان یا (۱) خدا-ترس بودند یا (۲) نوآموزان مذهبی بودند. گروه اول عابدین معمولی در کنیسه بودند و گروه دوم کسانی که رسما به یهود ایمان می‌آوردند.

۱۲: ۲۱ "به او گفتند" این زمان غیر کامل است که یعنی (۱) بارها و بارها سوال کردند و یا (۲) شروع به پرسیدن کردند. آنها می‌خواستند که صحبت خصوصی با عیسی داشته باشند. ظاهرا این آخرین زنگ ساعت نبوت قبل از مرگ عیسی بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۲۳).

۱۲: ۲۲ فیلیپ (عاشق اسبها) و آندریاس (مردانه) تنها شاگردانی بودند که اسامی یونانی داشتند. شاید این به یونانیان اجازه می‌داد (یعنی پیروان سایر ادیان) احساس کنند که می‌توانند به ایشان نزدیک شوند.

۱۲: ۲۳ "زمان فرا رسیده است" این زمان کامل است. یوحنا اغلب از اصطلاح زمان برای اشاره به مصلوب شدن و رستاخیز عیسی و معراج او استفاده می‌کند که غایت ماموریت او بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۲۷، ۱۳: ۱ و ۳۲، ۱۷: ۱). عیسی اظهار داشته بود که او نزد گوسفند گم شده اسرائیل آمده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۲۴). اینک پیام او به پیروان سایر ادیان رسیده است.

■ "پسر انسان" این عبارت آرامی خیلی ساده به معنی "انسان" است (مراجعه شود به مزمور ۸: ۴، حزقیال ۲: ۱). با این وجود، در دانیال ۷: ۱۳ با ضمیر اضافی برای خدا استفاده شده است. این عنوانی است که عیسی برای خودش انتخاب کرد که دو طبیعت انسانی و الهی خود را با آن ترکیب می‌کرد و بیان می‌داشت. (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱ الی ۳).

■ "جلال یافتن" به مرگ عیسی همیشه با "جلال یافتن" اشاره می‌شود. اصطلاح جلال در این متن چندین مرتبه استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۲۸ - دو مرتبه، ۳۲ و ۳۳). اغلب بیانگر مرگ و قیام عیسی از مردگان است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱ و ۳۲، ۱۷: ۱). به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

۱۲: ۲۴ "اگر دانه گندم در خاک نیفتد و نمیرد" این یک زبان پدیده شناختی یا توصیفی است، چیزهایی که بر پنج حس نمایان می‌شوند. یک دانه می‌تواند دانه‌های زیادی به وجود آورد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲ و ۴ و ۵ و ۸ و ۱۶، اول قرتیان ۱۵: ۳۶). مرگ او برای بسیاری زندگی واقعی آورد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵).

■ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که در این متن به معنی احتمال وقوع رخداد است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۲۴، ۲۶، ۳۲ و ۴۷).

۱۲: ۲۵ "کسی که جان خود را دوست بدارد، آن را از دست خواهد داد" این یک بازی با اصطلاح یونانی *psyche* است که اشاره به ذات شخصیت انسان یا نیروی زندگی دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۳۹، ۱۶: ۲۴ الی ۲۵، انجیل مرقس ۸: ۳۴ الی ۳۵، انجیل لوقا ۹: ۲۳ الی ۲۴). وقتی یکبار کسی به مسیح اعتماد کند، به او زندگی جدید داده می‌شود. این زندگی جدید هدیه‌ای از جانب خدا برای خدمت است و نه برای استفاده شخصی. مومنین پیشکاران این زندگی جدید هستند. ما از بردگی گناه نجات می‌یابیم تا به خدمتگزاران خدا تبدیل شویم (مراجعه شود به رومیان ۶: ۱ الی ۷: ۶).

چوپانان دروغین فصل ۱۰ سعی می‌کنند با فرار کردن زندگی خود را "نجات دهند". ولی عیسی زندگی خود را پیش کش می‌کند، بنابراین مومنین هم باید چنین کنند (مراجعه شود به دوم قرتیان ۵: ۱۲ الی ۱۵، غلاطیان ۲: ۲۰).

■ "از دست می‌دهد" این زمان حال فعال اخباری است. این اصطلاح (به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۰ مراجعه شود) یعنی "نابود کردن"، کلمه دیگری با دو مفهوم ضمنی. این بر خلاف "حیات جاویدان" است. اگر کسی به مسیح ایمان نداشته باشد، این تنها جایگزین است. این تخریب نابودی نیست، بلکه از دست دادن رابطه شخصی با خداست (که ذات جهنم است).

■ "نفرت داشتن" این یک اصطلاح عبری برای مقایسه و برابری است. خدا باید در اولویت باشد (مراجعه شود به همسران یعقوب، کتاب پیدایش ۲۹: ۳۰ و ۳۱، کتاب تثنیه ۲۱: ۱۵، ایسو و یعقوب، ملاکی ۱: ۲ الی ۳، رومیان ۱۰: ۱۳، خانواده فرد، انجیل لوقا ۱۴: ۲۶).

■ "زندگی" این معادل کلمه یونانی *zōē* است. این اصطلاح به صورت مکرر در انجیل یوحنا برای اشاره به (۱) زندگی معنوی و (۲) حیات ابدی، (۳) عصر جدید زندگی و (۴) قیام از مردگان استفاده شده است. زندگی واقعی آزادی از اسارت فردی است که ذات سقوط است.

۱۲: ۲۶ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که یعنی احتمال وقوع رخداد وجود دارد.

■ "باید از من پیروی کند" این زمان حال فعال اخباری است که از یک رابطه در حال وقوع صحبت می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵). این مورد نادیده گرفته شده استقامت و پایداری انجیلی است (به موضوع خاص: نیاز به استقامت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ مراجعه کنید). این مورد اغلب با تنش الهیاتی میان پادشاهی خدا و اراده انسان اشتباه گرفته می‌شود. با این وجود، بهتر این است که به رستگاری به عنوان تجربه یک پیمان دیده شود. خدا همیشه پیشقدم است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵) و موضوع را تعریف می‌کند، ولی او همچنین می‌خواهد که انسانها به پیشنهادش با توبه و ایمان پاسخ دهند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۲۰: ۲۱)، هر دو به عنوان تصمیم اولیه و شاگردی مادام‌العمر. استقامت گواهی بر این است که ما او را می‌شناسیم (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۱۳: ۲۰ الی ۲۱، غلاطیان ۶: ۹، اول یوحنا ۲: ۱۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱).

دکترین مسیحیت که بر مبنای انجیل است، اغلب به صورت پارادوکس است، لبریز از تضادهای دوگانه. ادبیات شرقی با الگوهای متضاد فکری و نمادین مشخص می‌شود. اغلب خوانندگان غربی مدرن این پارادوکس‌ها را تبدیل به اجبار این یا آن می‌کنند وقتی که هر دو گزینه باید درست باشند.

برای به تصویر کشیدن تفسیر خود، بخشی را به سمینار تفسیر انجیل تحت عنوان پارادوکس‌های انجیلی اضافه کرده‌ام.

۱. این بینش برای من به شخصه بیشترین کمک را داشت به عنوان کسی که عاشق انجیل است و به آن به عنوان کلام خدا اعتماد دارد. با تلاش برای اینکه انجیل را بطور جدی دریابم، برایم واضح شد که متون مختلف حقیقت را به شیوه‌های انتخابی و نه سیستماتیک آشکار می‌سازد. یک متن تحت الهام نمی‌تواند متن تحت الهام دیگری را نقض یا منسوخ کند! حقیقت از تمام کتاب مقدس بیرون می‌آید (کل کتاب مقدس، نه فقط برخی از آن تحت الهام هستند، مراجعه شود به دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ الی ۱۷)، و نه نقل قول یک عبارت (اثبات متن)!
۲. بیشتر حقایق انجیلی (ادبیات شرقی) به صورت گویشی یا پارادوکس‌های جفتی ارائه می‌شوند (به خاطر داشته باشید که نویسندگان عهد جدید، به استثنای لوقا تفکر عبری داشتند، که به زبان یونانی عام می‌نوشتند). ادبیات عرفانی و ادبیات نظم حقیقت را در سطور مترادف و یکسان ارائه می‌کنند. پاراللیسم متضاد همانند پارادوکس عمل می‌کند. این پاراللیسم مصنوعی همانند عبارتهای مترادف عمل می‌کند. به نوعی هر دو دقیقاً درست هستند! این پارادوکسها برای سنتهای ساده‌گرا و محبوب ما دردناک هستند!

- a. تقدیر در برابر اراده آزاد انسان
- b. امنیت مومن در مقابل استقامت
- c. گناه اولیه در مقابل گناه اختیاری
- d. عیسی به عنوان خدا در مقابل عیسی به عنوان انسان
- e. عیسی برابر با پدر در مقابل عیسی خدمتگزار پدر
- f. انجیل به عنوان کلام خدا در مقابل اختیار انسان
- g. معصومیت (کامل بودن، مراجعه شود به رومیان ۶) در برابر کمتر گناه کردن
- h. توجیه اولیه و سریع تقدس در مقابل تقدس مترقی
- i. توجیه از روی ایمان (رومیان ۴) در مقابل توجیه بر اساس کار تأیید شده (مراجعه شود به جیمز ۲: ۱۴ الی ۲۶)
- j. آزادی مسیحی (مراجعه شود به رومیان ۱۴: ۱ الی ۲۳، اول قرنتیان ۸: ۱ الی ۱۳، ۱۰: ۲۳ الی ۳۳) در مقابل مسئولیت مسیحی (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۱۶ الی ۲۱، افسسیان ۴: ۱)
- k. تعالی خدا در مقابل حضور او در همه جا
- l. خدا به عنوان نهایت ناشناختگی در مقابل کتب مقدس و مسیحیت. برخی از استعاره‌های پولس در مورد رستگاری
- (۱) اختیار
- (۲) تقدس
- (۳) توجیه
- (۴) رستگاری
- (۵) جلال
- (۶) تقدیر
- (۷) مصالحه
- m. پادشاهی خدا به عنوان هدیه در مقابل داور آینه
- n. توبه به عنوان هدیه خدا در مقابل توبه به عنوان پاسخ اجباری برای رستگاری (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۲۰: ۲۱)
- o. عهد عتیق دائمی است و در مقابل، عهد عتیق گذشته و پوچ و بی اعتبار است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۹ در مقابل انجیل متی ۵: ۲۱ الی ۴۸، رومیان ۷ در مقابل غلاطیان ۳)
- p. مومنین خدمتگزار/برده هستند یا فرزندان

■ "جایی که من باشم، خادم من نیز خواهد بود" این موضوع در انجیل یوحنا ۱۴: ۳، ۱۷: ۲۴، دوم قرنتیان ۵: ۸، فیلیپیان ۱: ۲۳، اول تسالونیکیان ۴: ۱۷ تکرار شده است! مسیحیت اساساً یک رابطه فردی با خدا است! هدف نسبی است: حضور او، دوستی او!

ما برای دوستی با خدا خلق شده‌ایم (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷). رستگاری، احیا دوستی از دست رفته باغ عدن است. یوحنا تأکید می‌کند که اینک این دوستی مجدداً احیا شده است!

**NASB: انجیل یوحنا ۱۲: ۲۷ الی ۳۶ الف**

<sup>۲۷</sup>"اکنون جان من مضطرب است. چه بگویم؟ آیا بگویم، "پدر! مرا از این ساعت رهایی ده؟" اما برای همین منظور به این ساعت رسیده‌ام.

<sup>۲۸</sup>پدر، نام خود را جلال ده!" آنگاه ندایی از آسمان در رسید که: "جلال داده‌ام و باز جلال خواهم داد." <sup>۲۹</sup>پس مردمی که آنجا بودند و این را

شنیدند، گفتند: "رعد بود." دیگران گفتند: "فرشته‌ای با او سخن گفت." عیسی گفت: "این ندا برای شما بود، نه برای من." <sup>۳۱</sup> اکنون زمان داوری بر این دنیاست؛ اکنون رئیس این جهان بیرون افکنده می‌شود. <sup>۳۲</sup> و من چون از زمین برافراشته شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید." <sup>۳۳</sup> او با این سخن، به چگونگی مرگی اشاره می‌کرد که انتظارش را می‌کشید. <sup>۳۴</sup> مردم گفتند: "بنا بر آنچه از تورات شنیده‌ایم، مسیح تا ابد باقی خواهد ماند، پس چگونه است که می‌گویی پسر انسان باید برافراشته شود؟ این پسر انسان کیست؟" <sup>۳۵</sup> عیسی به ایشان گفت: "تا اندک زمانی دیگر، نور با شماست. پس تا زمانی که هنوز نور را دارید، راه بروید، مبادا تاریکی شما را فرو گیرد. آن که در تاریکی راه می‌رود، نمی‌داند کجا می‌رود. <sup>۳۶</sup> تا زمانی که نور را دارید، به نور ایمان آورید تا فرزندان نور گردید."

۱۲: ۲۷ "اکنون جان من مضطرب است" این زمان مجهول کامل اخباری است. نماینده (پدر، شیطان، شرایط، و غیره) مشخص نشده‌اند. این اصطلاحی قوی است که به شیوه‌های مختلف در عهد جدید استفاده شده است.

۱. ترس هیروود (انجیل متی ۲: ۳)
۲. ترس شاگردان (انجیل متی ۱۴: ۲۶)
۳. اضطراب و ناراحتی عیسی (انجیل یوحنا ۱۲: ۲۷، ۱۳: ۲۱، همچنین به انجیل متی ۲۶: ۳۸، انجیل مرقس ۱۴: ۳۴ توجه کنید)
۴. کلیسا در اورشلیم (اعمال رسولان ۱۵: ۲۴)
۵. شکستن معلمین دروغین کلیساهای غلطیه (غلاطیان ۱: ۷)

این شیوه یوحنا برای ربط دادن تقلاهای انسانی عیسی با آسیب مصلوب شدنش بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۲). یوحنا عذاب عیسی در گتسمانه را ثبت نکرده است، ولی این مشابه همان وضعیت است.

■ "مرا از این ساعت رهایی ده" بحث‌های زیادی در باره معنی دقیق این بیان وجود دارد. این یک دعا است (انجیل متی ۲۶: ۳۹)؟ این یک واکنش هیجانی است از کاری که نباید بشود (انجیل NET)؟

■ "برای همین منظور به این ساعت رسیده‌ام" بر اساس برنامه الهی زندگی عیسی آشکار شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۲، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۱۸: ۴، ۲۸) که عیسی کاملاً درک کرده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۰: ۲۸، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵).

۱۲: ۲۸ "نام خود را جلال ده" پدر در انجیل یوحنا ۱۲: ۲۸ پاسخ می‌دهد. این اصطلاح "جلال دادن" بسیار سیال است و می‌تواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد

۱. جلال از پیش وجود داشته (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۵)
۲. نشان دادن پدر توسط عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۴)
۳. مصلوب شدن عیسی و معراج او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱)

یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ "ندایی از آسمان در رسید" روحانیون این را *bath-kol* می‌نامند. از زمان ملاکی هیچ صدای نبوتی در اسرائیل وجود نداشته است. اگر اراده خدا باید تأیید شود، باید توسط صدایی که از بهشت می‌آید صورت گیرد. اناجیل سه مرتبه صحبت کردن خداوند را در طول زندگی عیسی ثبت کرده‌اند.

۱. در زمان تعمید عیسی، انجیل متی ۳: ۱۷
۲. در زمان تغییر شکل، انجیل متی ۱۷: ۵
۳. در این آیه

۱۲: ۱۹ "پس مردمی که آنجا بودند و این را شنیدند، گفتند" دو تفسیر در مورد اتفاقی که افتاده وجود دارد: (۱) رعد بود. از این در عهد عتیق برای صحبت کردن خدا استفاده شد (مراجعه شود به دوم سموئیل ۲۲: ۱۴، یعقوب ۳۷: ۴، مزمور ۲۹: ۳، ۱۸: ۱۳، ۱۰۴: ۷) یا (۲) فرشته‌ای با او صحبت کرد. این مشابه ابهام شاول در اعمال رسولان ۹: ۷، ۲۲: ۹ است.

۱۲: ۳۰ "عیسی گفت: "این ندا برای شما بود، نه برای من" این عبارت یک مقایسه سامی است. معنی آن این است که این نه فقط برای آنها بلکه اساساً برای آنها بوده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۲).

۱۲: ۳۱ "اکنون زمان داوری بر این دنیاست" این یک ساختار موازی با عبارت بعدی است. ("اکنون رئیس این جهان بیرون افکنده می‌شود"). زمانی که این اتفاق رخ دهد مشخص نیست (موضوع خاص بعدی را مطالعه کنید).

من دقیقاً با *Answers to Questions* اف اف بروس، صفحه ۱۹۸ موافق هستم، که انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ یک مثال دیگر از آن چیزی است که سی اچ داد آن را "اسکاتولوژی شناخته شده" نامیده است. برای یوحنا، عیسی رستگاری برای مومنین و داوری برای کسانی که او را انکار کرده بودند را آورده بود. به بیانی این مشابه حالت دستور زبانی است "نبوت کامل" است. آینده‌ای که آنقدر قطعی است به گونه‌ای بیان شده که در حال وقوع است.

■ "رئیس این جهان" این اشاره به نیروی شیطانی فردی دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۳۰، ۱۶: ۱۱) که در زبان عبری به نام "شیطان" یا "دشمن" شناخته می‌شود (مراجعه شود به یعقوب ۱ الی ۲) یا در یونانی "ابلیس" یا "روح پلید" (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱ و ۵ و ۸ و ۱۱، ۱۳: ۳۹، ۲۵: ۴۱، انجیل یوحنا ۶: ۷۰، ۸: ۴۴، ۱۳: ۲، دوم قرنتیان ۴: ۴، افسسیان ۲: ۲). این اسم در انجیل متی ۴: ۱ الی ۱۱ و انجیل متی ۱۳: ۲ و ۲۷ مترادف یکدیگر هستند. او از بهشت بیرون رانده شد تا نتواند به متهم کردن و آسیب رساندن به پیروان عیسی ادامه دهد.

## موضوع خاص: شیطان فردی

### (SPECIAL TOPIC: PERSONAL EVIL)

#### I. شیطان موضوع بسیار سختی است

A. عهد عتیق یک دشمن قوی بر علیه نیکی (خدا) را نشان نمی‌دهد، بلکه یک خادم یهوه که به انسان جایگزینیهایی را معرفی می‌کند و انسان را متهم به بی‌صدافتی می‌کند (A. B. Davidson, *A Theology of the OT*, صفحه ۳۰۰ الی ۳۰۶)

B. مفهوم دشمن خدا تحت تاثیر نفوذ دین زرتشتی پارسیان و در نوشته‌های غیر انجیلی ساخته شد. این، به نوبه خود، شدیداً روحانیون یهود را تحت تاثیر قرار داد (تبعید اسرائیل در بابل، پارس).  
C. عهد جدید موضوع عهد عتیق را به شیوه بسیار زیبایی بسط داد، ولی به صورت منتخب و طبقه بندی شده.  
اگر کسی بخواهد از دیدگاه الهیات انجیلی، شیطان را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد (هر کتاب، نویسنده، و موضوع جداگانه) نگرشهای کاملاً متفاوتی نسبت به شیطان آشکار خواهد شد.  
اگر مطالعه شیطان از روی منابع غیر انجیلی و از دیدگاه سایر مذاهب یا مذاهب شرقی باشد، بیشتر توسعه‌های عهد جدید در سایه دوگانگی پارسی و یونانی-رومی قرار می‌گیرند.

اگر به صورت پیش فرض، فرد خود را بر اقتدار الهی کتب مقدس متعدّد بداند (همانطور که من هستم)، پس بسط عهد جدید باید به صورت مکاشفه تصاعدی دیده شود. مسیحیان باید در برابر اجازه دادن به فولکور یهودی یا ادبیات انگلیسی، جبهه بگیرند (یعنی دانت، میلتون) تا مفهوم را بیشتر روشن کنند. یقیناً رازها و ابهاماتی در زمینه مکاشفه وجود دارند. خدا چنین تصمیم گرفت که همه جنبه‌های پلیدی، منشا آن (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید)، و هدف آن را آشکار نکند، بلکه شکست آن را آشکار کرده است!

#### II. شیطان در عهد عتیق

در عهد عتیق به نظر می‌رسد "شیطان" (BDB 966, KB 1317) یا "متهم کننده" به سه گروه جداگانه مرتبط باشد:

- A. انسانهای متهم کننده (اول سموئیل ۲۹: ۴، دوم سموئیل ۱۹: ۲۲، اول پادشاهان ۵: ۴ و ۱۱: ۱۴ و ۲۳ و ۲۵، مزمور ۱۰۶: ۶ و ۲۰ و ۲۹)
- B. فرشتگان متهم کننده (اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳، زکریا ۳: ۱)
۱. فرشته خدا - اعداد ۲۲: ۲۲ الی ۲۳
۲. شیطان - اول تواریخ ۲۱: ۱، یعقوب ۱ الی ۲، زکریا ۳: ۱
- C. شیاطین (احتمالاً شیطان) متهم کننده (اول پادشاهان ۲۲: ۲۱، زکریا ۱۳: ۲)

ابلیس فقط در دوره تعاملی پیدایش ۳ به عنوان شیطان معرفی می‌شود (مراجعه شود به کتاب حکمت ۲: ۲۳ الی ۲۴، دوم انوش ۳: ۳۱)، و حتی بعداً این تبدیل به گزینه روحانیون شد (مراجعه شود به Sanh 29a و Sot 9b). "پسران خدا" در پیدایش ۶ تبدیل به فرشتگان شیطان در اول انوش ۵۴: ۶ می‌شوند. آنها تبدیل به منشا الهیات روحانیون می‌شوند. این را برای تصریح دقیق بودن الهیات نمی‌گوئیم، بلکه برای نشان دادن بسط و گسترش آن. در عهد جدید این فعالیت‌های عهد عتیقی در دوم تواریخ ۱۱: ۳، مکاشفه ۱۲: ۹ به فرشتگان پلید (شیطان) منتسب می‌شوند.

از عهد عتیق منشا شخصیت دادن به شیطان را (بسته به دیدگاه شما) به سختی می‌توان تعیین کرد یا حتی می‌توان گفت غیر ممکن است. یک دلیل برای این امر، یکتاپرستی قوی اسرائیل است (مراجعه شود به تثنیه ۶: ۴ الی ۶، اول پادشاهان ۲۲: ۲۰ الی ۲۲، جامعه ۷: ۲۲۰).

۱۴، اشعیا ۴۵: ۷، عاموس ۳: ۶). تمام علت و معلول به یهوه منسوب است تا منحصر به فرد بودن و ارشدیت خود را نشان دهد (مراجعه شود به اشعیا ۴۳: ۱۱، ۴۴: ۶ و ۸ و ۲۴، ۴۵: ۵ الی ۶ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲).

منابع احتمالی اطلاعات عبارتند از: (۱) یعقوب ۱ الی ۲، که شیطان یکی از پسران خدا است (یعنی فرشته است) یا (۲) اشعیا ۱۴، حزقیال ۲۸ که از پادشاهان مغرور شرقی (بابل و تیریه) برای نشان دادن غرور شیطان استفاده شدند (اول تیموتائوس ۳: ۶). در مورد این گرایش، احساسات را هم ادغام کردم. حزقیال از استعاره‌های باغ عدن نه فقط برای پادشاه تیریه به عنوان شیطان استفاده می‌کند (مراجعه شود به حزقیال ۲۸: ۱۲ الی ۱۶)، بلکه برای پادشاه مصر هم به عنوان درخت دانش خوبی و بدی استفاده می‌کند (حزقیال ۳۱). با این حال، به نظر می‌رسد اشعیا ۱۴ به خصوص آیات ۱۲ الی ۱۴، یک شورش از روی غرور فرشتگان را توصیف می‌کند. اگر خدا می‌خواست ماهیت خاص و منشا شیطان را بر ما آشکار کند، این یک شیوه کاملاً غیر مستقیم و محل انجام آن بود (موضوع خاص: لوسیفر را مطالعه کنید). ما باید در مقابل گرایش الهیات سیستماتیک برداشتهای کوچک و مبهم از اظهارات، نویسندگان، کتب و موضوعات جبهه‌گیری کنیم و آنها را به عنوان قطعاتی از یک پازل الهی ببینیم.

### III. شیطان در عهد جدید

آلفرد ادرسهایم (*The Life and Times of Jesus the Messiah*)، جلد دوم ضمايم ۸، صفحات ۷۴۸ الی ۷۶۳ و ضمیمه ۹ صفحات ۷۷۰ الی ۷۷۶)، میگوید که روحانیون یهود شدیداً تحت تأثیر دوالیسم پارسی و حدس و گمان شیطانی قرار داشتند. روحانیون در این زمینه منبع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی بر انشعابات تعالیم کلیسه شدیداً حمله می‌کرد. من فکر می‌کنم که مفهوم روحانی وساطت فرشتگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۷: ۵۳) و مخالفت در دادن قانون به موسی در کوه سینا، درب را برای مفهوم دشمن بزرگ یهوه و نوع بشر باز کرد. دو خدا در دوگانگی خدایان ایرانی (زرتشتی) وجود دارند.

۱. اهورا مزدا، که بعداً اهورمزد گفته شد، و خدای خالق و خدای نیکی بود

۲. انگرا مینیو که بعداً اهریمن به آن گفته شد، نابود کننده روح و خدای پلیدی

آنان بر سر برتری در زمین می‌جنگند. این دوگانگی به صورت دوگانگی میان یهوه و شیطان به صورت محدودتر در یهودیسم بسط یافت.

یقیناً مکاشفه تصاعدی در عهد عتیق در خصوص بسط شیطان وجود دارد، ولی نه با جزئیاتی که روحانیون یهود ادعا می‌کردند. یک مثال خوب در مورد این تفاوت، "جنگ در بهشت" است. سقوط شیطان یک الزام منطقی است، ولی مشخصه‌های آن داده نشده است (مراجعه شود به موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگان). حتی آنچه که ارائه شده در یک حجاب آخرالزمانی پوشیده شده است (مراجعه شود به مکاشفه ۱۲: ۴ و ۷ و ۱۲ الی ۱۳). هر چند شیطان شکست خورد و به زمین تبعید گردید، هنوز به عنوان خادم یهوه خدمت می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، انجیل لوقا ۲۲: ۳۱ الی ۳۲، اول قرنتیان ۵: ۵، اول تیموتائوس ۱: ۲۰).

ما باید محدوده کنجکاو خود را به این زمینه محدود کنیم. یک نیروی انسانی وسوسه و شیطان وجود دارند، ولی هنوز فقط یک خدا هست و نوع بشر هنوز مسئول انتخابهایش می‌باشد. یک نبرد معنوی وجود دارد، هم قبل و هم بعد از رستگاری. پیروی فقط از طریق تثلیث خدا می‌آید و باقی خواهد ماند. شیطان شکست خورده و حذف خواهد شد (مکاشفه ۲۰: ۱۰)!

■ "بیرون افکنده می‌شود" این زمان مجهول اخباری است. کتاب مقدس زمان بیرون راندن شیطان از بهشت را دقیقاً مشخص نمی‌کند. در مورد شیطان در مفهومی دیگر در اشعیا ۱۴ و حزقیال ۲۸ بحث می‌شود. عبارات نبوتی در مورد پادشاهان مغرور بابل هستند. غرور گناه آلود آنان منعکس کننده شیطان است (مراجعه شود به اشعیا ۱۴: ۱۲ و ۱۵، حزقیال ۲۸: ۱۶). با این وجود، عیسی گفت که او سقوط شیطان را در طول ماموریت هفتاد تن دیده است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۰: ۱۸).

در سراسر عهد عتیق بسط و توسعه شیطان دیده می‌شود. در ابتدا او یک فرشته خدمتگزار بود، ولی بر اثر غرور تبدیل به دشمن خدا می‌شود. بهترین بحث بر روی این موضوع را می‌توانید در *Old Testament Theology* نوشته A. B. Davidson صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶ مطالعه کنید.

## موضوع خاص: جنگ در بهشت (از مکاشفه ۱۲: ۷ الی ۹)

(SPECIAL TOPIC: WAR IN HEAVEN)

مباحثات زیادی در مورد تاریخ این درگیری وجود دارد. به نظر می‌رسد که عیسی به این در انجیل لوقا ۱۰: ۱۸ و انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ اشاره کرده باشد. ولی سعی بر اینکه زمانبندی تاریخی برای این رخداد تعیین شود، بینهایت مشکل است:

۱. قبل از پیدایش ۱: ۱ (قبل از خلقت)
۲. در طول پیدایش ۱: ۱ و ۱: ۲ (خلا نظریه)
۳. در عهد عتیق بعد از یعقوب ۱ الی ۲ (شیطان در بهشت)
۴. در عهد عتیق بعد از اول پادشاهان ۲۲: ۲۱ (شیطان در شورای بهشت)
۵. در عهد عتیق بعد از زکریا ۱۳ (شیطان در بهشت)
۶. در عهد عتیق (در اشعیا ۱۴: ۱۲، حزقیال ۲۸: ۱۵ و دوم انوش ۲۹: ۴ الی ۵ (پادشاهان شرقی محکوم می‌شوند)
۷. در عهد جدید بعد از وسوسه عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۴)
۸. در عهد جدید در طول ماموریت هفتاد (مشاهده سقوط شیطان از بهشت، مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۰: ۱۸)
۹. در عهد جدید بعد از ورود فاتحانه به اورشلیم (حاکم این جهان بیرون انداخته می‌شود، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱)
۱۰. در عهد جدید بعد از قیام عیسی از مردگان و معراج (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۸، کولسیان ۲: ۱۵)
۱۱. در پایان زمان (مراجعه شود به ۱۲: ۷، احتمالا در حین اینکه شیطان در جستجوی فرزند، در بهشت توفان ایجاد می‌کند)

این را باید به صورت نبرد ابدی میان خدا و گروه از شیاطین ببینیم، این نبرد با شکست مطلق ازدها و میزبانش خاتمه خواهد یافت. در مکاشفه ۲۰ آنها کنار گذاشته شده و تنها شدند. موضوع خاص: سقوط شیطان و فرشتگانش (مکاشفه ۱۲: ۴) را مطالعه کنید.

۱۲: ۳۲ "و من چون از زمین برافراشته شوم" این یک جمله شرطی نوع سوم است که یعنی احتمال وقوع رخداد وجود دارد. این اصطلاح می‌تواند به یکی از معانی زیر باشد

۱. برافراشته شدن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۴)
  ۲. مصلوب شدن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۸)
  ۳. بالا بردن (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۳، ۵: ۳۱)
  ۴. خیلی بالا برده شدن (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۹)
- این چند مفهوم بودن کلمات از مشخصه‌های انجیل یوحنا است.

■ "همه را به سوی خود خواهیم کشید" این می‌تواند اشاره‌ای به پیمان عشق یهوه برای اسرائیل در ارمیان ۳۱: ۳ باشد که البته در پیمان جدید است (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴). خدا با عشق و کارهایش بر مردم بانگ می‌زند. چنین استفاده استعاره‌ای از این اصطلاح در یوحنا ۶: ۴۴ هم دیده می‌شود و در ۶: ۶۵ توضیح داده می‌شود. در اینجا "همه" دعوت کلی است و وعده رستگاری (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵، اشعیا ۲: ۲ الی ۴، انجیل یوحنا ۱: ۹ و ۱۲ و ۲۹: ۳، ۱۶: ۴، ۴: ۱۰، اول تیموتائوس ۲: ۴، ۴: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۲، ۴: ۱۴)!

متغیر مهمی در این عبارت وجود دارد. کلمه "همه" می‌تواند مذکر باشد، که در این صورت ترجمه می‌شود "همه مردان" و در نسخه دستنویس باستانی یونانی (VID)  $P^{75}$ ،  $B$ ،  $L$ ،  $\delta$  و  $W$  دیده می‌شود، در حالیکه به صورت خنثی، که "همه چیز" ترجمه می‌شود در  $P^{66}$  و  $\alpha$ . یافت می‌شود. اگر خنثی باشد از رستگاری همه کهکشان در مسیح همانند کولسیان ۱: ۱۶ الی ۱۷ صحبت می‌کند که انعکاس آن بر پیروان سایر ادیان و مرتدها در اول یوحنا دیده می‌شود.  $UBS^4$  به حالت مذکر رتبه  $B$  می‌دهد (تقریبا یقین).

۱۲: ۳۳ "او با این سخن، به چگونگی مرگی اشاره می‌کرد که انتظارش را می‌کشید" این هم یک توضیح دیگر از جانب یوحنا است. این در رابطه با تشبیه ۲۱: ۲۳ است که آویزان کردن از درخت و چوب اصطلاحی برای "نفرین شده توسط خدا" است. به همین دلیل است که رهبران یهود می‌خواستند او را مصلوب کنند، نه سنگسار. عیسی نفرین قانون را برای ما تقبل کرد (مراجعه شود به غلاتیان ۳: ۱۳).

۱۲: ۳۴ "مردم گفتند: بنا بر آنچه از تورات شنیده‌ایم، مسیح تا ابد باقی خواهد ماند" این ممکن است اشاره‌ای به مزمور ۸۹: ۴ و ۲۹ و ۳۵ الی ۳۷ باشد. عهد عتیق فقط یک مرتبه آمدن مسیح و برقراری قلمرو فلسطین و صلح جهانی را انتظار دارد (مراجعه شود به مزمور ۱۱۰: ۴، اشعیا ۹: ۷، حزقیال ۳۷: ۲۵، و دانیال ۷: ۱۴). برای "تا به ابد" به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۸ مراجعه کنید.

■ "پسر انسان" جمعیت (به بینش متنی بخش ۳ مراجعه شود) باید تعالیم و موعظه‌های عیسی را شنیده باشد (احتمالا در انجیل یوحنا ۱۲: ۲۳ الی ۲۴ برای "عنوان" و انجیل یوحنا ۱۲: ۳۰ الی ۳۲ برای فعل "برافراشته شدن") زیرا آنها از همان اصطلاح منحصر به فرد او استفاده کردند. این تنها جایی است که توسط دیگران از این اصطلاح استفاده شده است و یک عنوان استاندارد یا اسم مسیحی در یهودیت نیست.

۱۲: ۳۵ "تا زمانی که هنوز نور را دارید، راه بروید" عیسی از شنوندگانش می‌خواهد تا سریعاً به کلام او پاسخ دهند. زمان او بر روی زمین محدود است. او در آخرین هفته عمرش در زمین است. زمان از پیش تعیین شده او فرارسیده بود (انجیل یوحنا ۱۲: ۲۳).

در مفهومی، این عبارت (و بسیاری در انجیل یوحنا) یک مرجع تاریخی و یک مرجع وجودی دارند. آنچه عیسی گفت برای هر کسی که خبر خوش را شنیده باشد درست است (تمثیل خاک).

این استفاده استعاره‌ای از "قدم زدن" به عنوان سبک زندگی است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱ و ۱۷، ۵: ۲ و ۱۵). این زمان حال فعال اخباری دلالتی است. که تاکید عیسی را بر ایمان به عنوان رابطه در حال جریان و شاگردی ادامه می‌دهد، نه فقط یک تصمیم اولیه (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۴ الی ۴۶).

۱۲: ۳۶ این موضوع عیسی به عنوان نور جهان تاکید مکرری در انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴ و ۵ و ۷ و ۸ و ۹ و ۳: ۱۹ و ۲۰ و ۲۱، ۵: ۳۵، ۸: ۱۲، ۹: ۵، ۱۱: ۹ و ۱۰ و ۱۲: ۳۵ و ۳۶ و ۴۶). تاریکی و نور تضادهای واقعیت معنوی در عرفان یهود و کتیبه بحرالمتیت هستند.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۲: ۳۶ الی ۴۳

<sup>۳۶</sup> چون این سخنان را گفت، از آنجا رفت و خود را از ایشان پنهان کرد.

<sup>۳۷</sup> با اینکه عیسی آیاتی چنین بسیار در برابر چشمان آنان به ظهور رسانیده بود، به او ایمان نیاوردند. <sup>۳۸</sup> بدین سان سخنان اشعیای نبی به حقیقت پیوست که گفته بود: "چه کسی، ای خداوند، پیام ما را باور کرده، و بازوی خداوند بر که مکشوف گشته است؟ <sup>۳۹</sup> همان گونه که اشعیای نبی خود در جایی دیگر بیان کرده است، آنان نتوانستند ایمان آورند، زیرا: <sup>۴۰</sup> "او چشمان ایشان را کور، و دل‌هایشان را سخت کرده است، تا با چشمان خود نبینند، و با دل‌های خود درنیابند، و بازگشت نکنند تا شفایشان بخشم". <sup>۴۱</sup> اشعیای از آن رو این را بیان کرد که جلال او را دید و درباره او سخن گفت. <sup>۴۲</sup> با این همه، حتی بسیاری از بزرگان قوم نیز به عیسی ایمان آوردند، اما از ترس فریسیان، ایمان خود را اقرار نمی‌کردند، مبادا از کنیسه اخراجشان کنند. <sup>۴۳</sup> زیرا تحسین مردم را بیش از تحسین خدا دوست می‌داشتند.

۱۲: ۳۷ بیان ناراحت کننده‌ای است. کوری معنوی وحشتناک است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۴)، این مشخص کننده گناه نابخشودنی است (به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۱ مراجعه کنید).

۱۲: ۳۸ "سخنان اشعیای نبی" نقل قولی است از خدمتگزار رنج‌دیده در اشعیای ۵۳: ۱.

۱۲: ۳۹ الی ۴۰ اینها آیات سختی هستند. آیا خدا مردم را سخت می‌کند تا نتوانند پاسخ دهند؟ من تفسیر خود را از اشعیای ۶: ۹ الی ۱۰ و رومیان ۱۱: ۷ اضافه کرده‌ام (به <http://www.freebiblecommentary.org> مراجعه شود).

اشعیای ۶: ۹ الی ۱۰ همانطور که یهوه هدف خود را برای بشارت اشعیای آشکار می‌کند، او پاسخی را که پیامش از یهودا خواهد داشت را هم آشکار می‌کند.

۱. برو، اشعیای ۶: ۹، BDB 229, KB. *Qal* اخباری

۲. بگو، اشعیای ۶: ۹، BDB 55, KB. *Qal* امری

۳. مرتب گوش بده، اشعیای ۶: ۹، *Qal* اخباری و *Qal* نامحدود مطلق از BDB 1033, KB 1570

۴. ولی مشاهده مکن، اشعیای ۶: ۹، BDB 106, KB 122، *Qal* غیر کامل استفاده شده در مفهوم صیغه امری، مراجعه شود به اشعیای ۱: ۳، ۵: ۲۱، ۱۰: ۱۳، ۲۹: ۱۴

۵. مدام بگرد، *Qal* امری و *Qal* نامحدود مطلق از BDB 906, KB 1157

۶. ولی درک نکنند، اشعیای ۶: ۹، BDB 393, KB 380. *Qal* استفاده شده در مفهوم صیغه امری

۷. دل این مردم را سخت و بی احساس کن، اشعیای ۶: ۱۰، BDB 1031, KB 1566. *Hiphil* امری

۸. گوششان کر، اشعیای ۶: ۱۰، BDB 457, KB 455. *Hiphil* امری

۹. و چشمشان تاری، اشعیای ۶: ۱۰ BDB 1044, KB 1612. *Hiphil* امری



این افعال امری با عواقبی همراه هستند (سه فعل غیر کامل که قبلا استفاده شده اند: "دیدن"، "شنیدن" و "مشاهده کردن"). خدا می‌داند (یا به واسطه علم از پیش خود و یا به واسطه سخت کردن قلب و ذهن خیره‌سر آنها) که آنها پاسخ نمی‌دهند و نجات نمی‌یابند.

۱. مبادا توبه کند، BDB 996, KB 1427, *Qal* کامل نفی شده
۲. مبادا شفا یابند، BDB 950, KB 1272, *Qal* کامل نفی شده

اشعیا موعظه می‌کند و هر چند برخی ممکن است پاسخ دهند، جمعیت زیادی از مردمانش/جامعه پاسخ نخواهند داد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۲۴ و ۲۶ و ۲۸، افسسیان ۴: ۱۹) یا نمی‌توانند پاسخ دهند (مراجعه شود به اشعیا ۹: ۹ و ۱۰، تثنیه ۲۹: ۴، انجیل متی ۱۳: ۱۳، رومیان ۱۱: ۱)؛ اشعیا در اینجا مبلغ دین نیست، بلکه پیامبر پیمان نافرمانی است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۱۳، انجیل مرقس ۴: ۱۲، انجیل لوقا ۱۰: ۸). پیام او برای امید برای آینده است نه برای روزگار خودش!

**رومیان ۷: ۱۱** "بقیه سخت شدند" این زمان آئوریست مجهول خبری/دلالتی است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳: ۱۴). خبر این است که خدا آنها را سخت کرده است (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۸ الی ۱۹). عامل سخت شدن آنها شیطان است (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۴). "سخت شدن" (*pōroō*) یک اصطلاح پزشکی است که در مورد خستگی یا کوری استفاده می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۱۱: ۲۵، دوم قرنتیان ۳: ۱۴، افسسیان ۴: ۱۸). همین اصطلاح در مورد شاگردان در انجیل مرقس ۶: ۵۲ استفاده می‌شود. این اصطلاح یونانی متفاوت از اصطلاحی است که در رومیان ۹: ۱۱۸ استفاده شده است که برخلاف رحم و شفقت است (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۸ و ۱۵، ۴: ۷).

این آیه بسیار روشن است و خلاصه رومیان ۱۱: ۱ الی ۶ است. آنان که انتخاب شده‌اند، ایمان می‌آورند و آنان که انتخاب نشده‌اند، سخت می‌گردند. با این وجود این آیه برای انزوا، به عنوان یک شعار الهیاتی نوشته نشده است. بخشی از جدل الهیاتی است که حفظ می‌شود. تنشی میان حقیقتی که به وضوح در این آیه بیان شده و دعوت جهانی رومیان ۱۰ وجود دارد. در اینجا رازی نهفته است. ولی راه حل نفی یا حداقل کردن موانع و معضلات نیست، قطبهای پارادوکس.

■ **"به این دلیل آنان نتوانستند ایمان آورند"** این زمان غیر کامل میانی اخباری دلالتی و حال فعال امری است. آنان نمی‌توانستند در ایمان به رابطه با عیسی ادامه دهند. معجزات او به آنها وصل است، ولی آنها را به سوی ایمان/اعتماد نجات دهنده به عیسی به عنوان مسیح هدایت نکرد. در انجیل یوحنا ایمان مراجلی دارد. همه نمی‌توانند به رستگاری دست یابند. یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۵۹ را مطالعه کنید.

■ **"اگر اشعیا دوباره بگوید"** اشعیا ۶: ۱۰، ۴۳: ۸ اشاره به سختی قلب یهودیان در رابطه با پیام خدا از طریق اشعیا دارد (مراجعه به ارمیا ۵: ۲۱، حزقیال ۱۲: ۲، تثنیه ۲۹: ۲ الی ۴).

۱۲: ۴۰ "قلب" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید

## موضوع خاص: قلب/دل (عهد جدید)

### (SPECIAL TOPIC: THE HEART)

اصطلاح یونانی *kardia* که در نسخه Septuagint و عهد جدید استفاده شده است منعکس کننده اصطلاح یونانی *lēb* (BDB 523, KB 513) است. به شیوه‌های مختلفی این اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به *A Greek-English Lexicon* اثر Bauer, Arndt, Gingrich and Danker چاپ دوم، صفحات ۴۰۴ الی ۴۰۴).

۱. مرکز زندگی فیزیکی، استعاره‌ای برای یک فرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۴: ۱۷، دوم قرنتیان ۳: ۲ الی ۳، یعقوب ۵: ۵)
۲. مرکز زندگی معنوی (یعنی اخلاقی)

a. خدا دل را می‌شناسد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۶: ۱۵، رومیان ۸: ۲۷، اول قرنتیان ۱۴: ۲۵، اول تسالونیکیان ۲: ۴، مکاشفه ۲: ۲۳)

b. در مورد زندگی معنوی نوع بشر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۱۸ الی ۱۹، ۱۸: ۳۵، رومیان ۶: ۱۷، اول تیموتائوس ۱: ۵، دوم تیموتائوس ۲: ۲۲، اول پطرس ۱: ۲۲)

۳. مرکز زندگی فکری (یعنی فکر، مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۱۵، ۲۴: ۴۸، اعمال رسولان ۷: ۲۳، ۱۶: ۱۴، ۲۷: ۲۸، رومیان ۱: ۲۱، ۱۰: ۶، ۱۶: ۱۸، دوم قرنتیان ۴: ۶، افسسیان ۱: ۱۸، ۴: ۱۸، یعقوب ۱: ۲۶، دوم پطرس ۱: ۱۹، مکاشفه ۱۸: ۷، در دوم قرنتیان ۳: ۱۴ الی ۱۵ و فیلیپیان ۴: ۷ قلب مترادف با ذهن است)

۴. مرکز اراده (مراجعه شود به اعمال رسولان ۵: ۴، ۱۱: ۲۳، اول قرنتیان ۴: ۵، ۷: ۳۷، دوم قرنتیان ۹: ۷)
۵. مرکز احساسات (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۸، اعمال رسولان ۲: ۲۶ و ۳۷، ۷: ۵۴، ۲۱: ۱۳، رومیان ۱: ۲۴، دوم قرنتیان ۲: ۴، ۷: ۳، افسسیان ۶: ۲۲، فیلیپیان ۱: ۷)
۶. مکان منحصر به فرد فعالیت‌های معنوی (مراجعه شود به رومیان ۵: ۵، دوم قرنتیان ۱: ۲۲، غلاطیان ۴: ۶، [مسیح در قلب ما است، افسسیان ۳: ۱۷])
۷. قلب استعاره‌ای است برای اشاره یک فرد کامل (مراجعه شود به انجیل متی ۲۲: ۳۷، نقل از تثنیه ۶: ۵). افکار، انگیزه‌ها و اعمال منتسب به قلب کاملاً نوع فرد را مشخص می‌سازند. عهد عتیق برخی استفاده خاص از این اصطلاح دارد.
- a. پیدایش، ۶: ۶، ۸: ۲۱، "خدا تا قلبش ناراحت شد"، همچنین به یوشع ۱۱: ۸ الی ۹ مراجعه کنید
- b. تثنیه ۴: ۲۹، ۶: ۵، ۱۰: ۱۲، "با تمام قلب و با تمام روح خود"
- c. تثنیه ۱۰: ۱۶، ارمیا ۹: ۲۶، "قلب غیر یهودی"
- d. حزقیال ۱۸: ۳۱ الی ۳۲، "قبل جدید"
- حزقیال ۳۶: ۲۶، "دل جدید" در مقابل "دلی از سنگ"، (حزقیال ۱۱: ۱۹، زکریا ۷: ۱۲)

- ۱۲: ۴۱ "إشعيا از آن رو این را بیان کرد که جلال او را دید و درباره او سخن گفت" این تصریحی است مبنی بر این که پیامبران عهد عتیق در مورد مسیح خبر داشتند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۲۷). به یادداشت شکوه/جلال در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه شود.
- ۱۲: ۴۲ "با این همه، حتی بسیاری از بزرگان قوم نیز به عیسی ایمان آوردند" پیام عیسی میوه‌ای نداشت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۱۱، اعمال رسولان ۶: ۷). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ را مطالعه کنید.
- "ایمان خود را اقرار نمی‌کردند" موضوع خاص: اعتراف را در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۹: ۲۲ الی ۲۳ را مطالعه کنید.
- "از ترس اینکه مبدا از کنیسه اخراجشان کنند" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۲۲، ۱۶: ۲)
- ۱۲: ۴۳ این آیه دلالت بر این دارد که ایمان واقعی می‌تواند ضعیف و ترسناک و حتی ناگفته باشد! انجیل یوحنا از کلمه ایمان در چندین مفهوم استفاده کرده است، از گرایش اولیه تا پاسخ احساسی به رستگاری و ایمان واقعی.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۲: ۴۴ الی ۵۰

۴۴ آنگاه عیسی ندا در داد و گفت: "هر که به من ایمان آورد، نه به من، بلکه به فرستنده من ایمان آورده است. هر که مرا دید، فرستنده مرا دیده است. من چون نوری به جهان آمده‌ام تا هر که به من ایمان آورد، در تاریکی نماند. اگر کسی سخنان مرا بشنود، اما از آن اطاعت نکند، من بر او داوری نمی‌کنم؛ زیرا نیامده‌ام تا بر جهانیان داوری کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را نجات بخشم. برای کسی که مرا رد کند و سخنانم را نپذیرد، داوری دیگر هست؛ همان سخنانی که گفتم در روز بازپسین او را محکوم خواهد کرد. زیرا من از جانب خود سخن نگفته‌ام، بلکه پدری که مرا فرستاد به من فرمان داد که چه بگویم و از چه سخن برانم. و من می‌دانم که فرمان او حیات جاویدان است. پس آنچه من می‌گویم درست همان چیزی است که پدر گفته است تا بگویم."

- ۱۲: ۴۴ "هر که به من ایمان آورد، نه به من، بلکه به فرستنده من ایمان آورده است" هدف ایمان در نهایت ایمان به پدر است (مراجعه کنید به اول قرنتیان ۱۵: ۲۵ الی ۲۷). این یک موضوع تکراری است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۴۰، انجیل یوحنا ۵: ۲۴). شناختن پسر همان شناختن پدر است (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۰ الی ۱۲).

۱۲: ۴۵ خدا شبیه چیست؟ دیدن عیسی دیدن خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۷ الی ۱۰)!

- ۱۲: ۴۶ از پیدایش ۳ جهان در تاریکی است (مراجعه کنید به کتاب پیدایش ۶: ۵ و ۱۱ الی ۱۲، ۸: ۲۱، مزمور ۱۴: ۳، اشعیا ۵۳: ۶، رومیان ۳: ۹ الی ۲۳).
- ۱۲: ۴۷ "اگر کسی سخنان مرا بشنود، اما از آن اطاعت نکند" این جمله شرطی نوع سوم است و بدین معنی است که احتمال وقوع رخداد وجود دارد. اطاعت مداوم نشانی است در تداوم رابطه از روی ایمان. اطمینان (موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۵: ۱۳ را مطالعه کنید) بر اساس تغییر در شیوه زندگی و زندگی مطیعانه و استقامت است (موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ را مطالعه کنید، مراجعه کنید به کتب یعقوب و اول یوحنا).

۱۲: ۴۷ الی ۴۸ "زیرا نیامده‌ام تا بر جهانیان داوری کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را نجات بخشم" اساسا عیسی آمد تا جهان را آزاد کند، ولی همین حقیقت آمدن او انسانها را مجبور می‌کند که خودشان تصمیم بگیرند. اگر رد و انکار کنند، آنها خودشان بر خودشان داوری می‌کنند (موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ را مطالعه کنید، به انجیل یوحنا ۳: ۱۷ الی ۲۱ مراجعه کنید).

۱۲: ۴۹ الی ۵۰ عیسی با اقتدار خدا صحبت کرد، نه خودش.

۵۰: ۱۲

NASB, NKJV,  
NRSV, TEV

NET

NJB

REB

NIV

Net (footnote)

گزینه اول مفهوم واقعی متن یونانی است. بقیه سعی می‌کنند که آن را ترجمه کنند.

NASB عبارت مترادفی در انجیل یوحنا ۶: ۶۸ دارد، در حالیکه مایکل مک گیل در *NT TransLine* انجیل یوحنا ۱۷: ۸ را دارد. کتاب *Jerome Biblical Commentary* صفحه ۴۵۱ انجیل یوحنا ۱۰: ۱۸ را به عنوان متن مترادف دارد. بدیهی است که این متن مبهم است.

در انجیل یوحنا نوسانات زیادی میان مفرد و جمع فرمان وجود دارد.

### موضوع خاص: "فرمان/حکم" در نوشته‌های یوحنا

#### (SPECIAL TOPIC: USE OF "COMMANDMENT" IN JOHN'S WRITINGS)

۱. یک مرتبه در مورد شریعت موسی استفاده شده است، انجیل یوحنا ۸: ۵
۲. حکم پدر به عیسی
  - a. کنترل بر روی قربانی رستگاری شدن خودش، انجیل یوحنا ۱۰: ۱۸، ۱۲: ۴۹ الی ۵۰، ۱۴: ۳۱
  - b. جهان محبت عیسی بر پدر را خواهد شناخت، انجیل یوحنا ۱۴: ۳۱
  - c. عیسی از حکم پدر اطاعت کرد، انجیل یوحنا ۱۵: ۱۰
۳. حکم عیسی به مومنین
  - a. در محبت او بمانند، انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵، ۱۵: ۱۰
  - b. به یکدیگر محبت کردن؛ همانطور که او به آنها محبت کرد، انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴، ۱۵: ۱۲ و ۱۷، اول یوحنا ۲: ۷ و ۸، ۳: ۱۱ و ۲۳، ۴: ۷ و ۲۱، دوم یوحنا ۵
  - c. احکام را نگهداشتن، انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵، ۱۵: ۱۰ و ۱۴، اول یوحنا ۲: ۳، ۴ و ۳، ۲۲ و ۲۴، ۵: ۱ الی ۳، دوم یوحنا ۶
۴. حکم پدر به مومنین
  - a. ایمان داشتن به عیسی، اول یوحنا ۳: ۲۳ (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹)
  - b. به یکدیگر محبت کردن، دوم یوحنا ۳: ۲۳

#### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفا تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا مریم خواهر ایلعازر پاهای عیسی را روغن مالی کرد؟

۲. چرا تفاوت‌های اندکی در اناجیل متی، مرقس و یوحنا در مورد این واقعه وجود دارد؟
۳. اهمیت ملاقات جمعیت با عیسی با شاخه زیتون و نقل از مزمور ۱۱۸ در چیست؟
۴. چرا عیسی از درخواست صحبت یونانیان با وی منقلب شد؟
۵. چرا روح عیسی عمیقاً ناراحت بود؟ (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۲۷)
۶. توضیح دهید چرا یوحنا از ایمان با چندین مفهوم استفاده کرده است.

## یوحنا ۱۳ تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
شستن پاهای شاگردان	استاد خادم می‌شود	شام آخر	عیسی پاهای شاگردانش را می‌شوید	شستن پاها
۱۱:۱۳ الی ۱۱	۱۱:۱۳ الی ۱۱	۱۱:۱۳ الی ۱۱	۱:۱۳ ۱۳:۲ الی ۶	۱:۱۳ ۱۳:۲ الی ۵ ۱۳:۶ الی ۱۱
			۷:۱۳ ۱۳:۸ الف ۱۳:۸ ب ۹:۱۳	
	ما هم باید خدمت کنیم		۱۱ الی ۱۰:۱۳	
۱۱:۱۳ الی ۱۱	۱۱:۱۳ الی ۱۱	۱۱:۱۳ الی ۱۱	۱۳:۱۲ الی ۱۷	۱۳:۱۲ الی ۱۶ ۱۳:۱۷ الی ۲۰
			۱۳:۱۸ الی ۲۰	
عیسی خیانت به خودش را پیش‌گویی می‌کند			عیسی خیانت را پیش‌گویی می‌کند	خیانت یهودا پیش‌گویی می‌شود
۱۳:۲۱ الی ۳۰		۱۳:۲۱ الی ۳۰	۱۳:۲۱ ۱۳:۲۲ الی ۲۴ ۱۳:۲۵ ۱۳:۲۶ الی ۲۹ ۱۳:۳۰	۱۳:۲۱ الی ۳۰
	فرمان جدید		فرمان جدید	وداع
۱۳:۳۱ الی ۳۵	۱۳:۳۱ الی ۳۵	۱۳:۳۱ الی ۳۵	۱۳:۳۱ الی ۳۵	۱۳:۳۱ الی ۳۵
انکار پطرس پیش‌گویی می‌شود	عیسی انکار پطرس را پیش‌گویی می‌کند		عیسی انکار پطرس را پیش‌گویی می‌کند	
۱۳:۳۶ الی ۳۸	۱۳:۳۶ الی ۳۸	۱۳:۳۶ الی ۳۸	۱۳:۳۶ الف ۱۳:۳۶ ب ۱۳:۳۷ ۱۳:۳۸	۱۳:۳۶ الی ۳۸

چرخه سوم مطالعه به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف

۲. دومین پاراگراف

بینش مفهومی نسبت به آیات ۱۳: ۱ الی ۳۸

۱. انجیل یوحنا با فصل ۱۲ معجزات عیسی را به پایان می‌رساند. فصل ۱۳ هفته آخر را شروع می‌کند.
۲. یادداشت مطالعه انجیل NASB تفسیر جالبی دارد در مورد "اسم یونانی *agape* (عشق) و فعل *agapaō* (عشق ورزیدن) که فقط هشت مرتبه در فصول ۱ الی ۱۲ آمده است ولی ۳۱ مرتبه در فصول ۱۳ الی ۱۷ تکرار شده است".
۳. یوحنا شام خدا را آن طور که سایر اناجیل ثبت کرده اند، ثبت نکرده است. او فقط در مورد مکالمات طبقه بالا در آن شب اطلاعاتی می‌دهد (فصول ۱۳ الی ۱۷ درصد مهمی از انجیل یوحنا را تشکیل می‌دهند. این فصول باید شخص عیسی و کارش را به شیوه‌های قدرتمند و قوی نشان دهد). برخی این حذف را تلاش تعمدی برای ضعیف کردن رشد تقدس‌گرایی در کلیسای اولیه می‌بینند. یوحنا هرگز تعمید عیسی یا شام آخر را با دقت توصیف نکرد.
۴. متن تاریخی انجیل یوحنا ۱۳ را می‌توانید در انجیل لوقا ۲۲: ۲۴ ملاحظه کنید. شاگردان هنوز در حال جدال بر سر این هستند که کدامیک از آنها بهترین است.
۵. بعد فیزیکی فصلهای ۱۳ الی ۱۷ در اتاق طبقه بالا در اورشلیم (یا احتمالاً فصلهای ۱۵ الی ۱۷ در راه گتسمانه است، مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱۴: ۳۱)، احتمالاً منزل یوحنا مرقس، شبی که به عیسی توسط یهودا خیانت شد.
۶. به نظر می‌رسد منظور خاصی از اینکه عیسی پاها را شست وجود داشته باشد.
  - a. ۱۱ الی ۶ کارش بر روی صلیب از طرف ما را پیش‌بینی می‌کند
  - b. ۱۲ الی ۲۰ یک درس عینی در ارتباط با انسانیت است (در نور لوقا ۲۲: ۲۴).

مطالعه کلمه و عبارات

**NASB: انجیل یوحنا ۱۳: ۱ الی ۱۱**

۱ پیش از عید پسخ، عیسی آگاه از اینکه ساعت او رسیده است تا از این جهان نزد پدر برود، کسان خود را که در این جهان دوست می‌داشت، تا به حد کمال محبت کرد".

۲ هنگام شام بود. ابلیس پیشتر در دل یهودای آسخریوطی، پسر شمعون، نهاده بود که عیسی را تسلیم دشمن کند. ۳ عیسی که می‌دانست پدر همه چیز را به دست او سپرده است و از نزد خدا آمده و به نزد او می‌رود، ۴ از شام برخاست و ردا از تن به در آورد و حوله‌ای برگرفته، به کمر بست. ۵ سپس آب در لگنی ریخت و شروع کرد به شستن پاهای شاگردان و خشک کردن آنها با حوله‌ای که به کمر داشت. ۶ چون به شمعون پطرس رسید، او وی را گفت: "سرور من، آیا تو می‌خواهی پای مرا بشویی؟" ۷ عیسی پاسخ داد: "اکنون از درک آنچه می‌کنم ناتوانی، اما بعد خواهی فهمید." ۸ پطرس به او گفت: "پاهای مرا هرگز نخواهی شست!" عیسی پاسخ داد: "تا تو را نشویم سهمی با من نخواهی داشت." ۹ پس شمعون پطرس گفت: "سرور من، نه تنها پاهایم، بلکه دستها و سرم را نیز بشوی!" ۱۰ عیسی پاسخ داد: "آن که استحمام کرده، سراپا پاکیزه است و به شستن نیاز ندارد، مگر پاهایش. باری، شما پاکید، اما نه همه." ۱۱ زیرا می‌دانست چه کسی او را تسلیم دشمن خواهد کرد، و از همین رو گفت: "همه شما پاک نیستید".

۱۳: ۱ "پیش از عید پسخ" انجیل یوحنا و سایر اناجیل بر سر اینکه این روز قبل از شام پسخ بود یا خود شام پسخ با هم اختلاف نظر دارند. در هر دو، غذا روز سه شنبه صرف شد و مصلوب شدن در روز جمعه (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۱، انجیل مرقس ۱۵: ۴۳، انجیل لوقا ۲۳: ۵۴). غذای پسخ آزادی اسرائیل از مصر را جشن می‌گیرد (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲). یوحنا تصریح می‌کند که روز قبل از غذای پسخ بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۲۸، ۱۹: ۱۴ و ۳۱ و ۴۲).

این احتمال هست که آنها از تقویمهای متفاوتی استفاده کرده باشند (یعنی تقویم خورشیدی از کتاب روز جشن و انوش، به عنوان راهی برای نشان دادن رد کردن کشیشان فعلی)، که پسخ یک روز زودتر بود.

کتاب *Jerome Biblical Commentary* تحقیق فعلی را در صفحه ۴۵۱ خلاصه کرده و تصور می‌کند که "روز قبل" یوحنا درست است و اینکه سایر اناجیل شام پسخ را نمادین کرده‌اند. همیشه باید یادآور کنیم که اناجیل، دلایل تاثیرات و ثبت رخدادها آن غربی نیستند. تاریخ به شیوه‌های متفاوتی نوشته می‌شود، نه درست و نه غلط. تاریخ توصیف گذشته برای ارائه و حل مشکلات، نیازها و دیدگاه‌های امروز است. مسئله اینجاست که چه کسی و چرا تاریخ را نوشت. بهترین بحث در مورد سبک روایت تاریخی و اناجیل را در کتاب *How To Read the Bible For All Its Worth* اثر گوردون فی و داگلاس استوارت صفحات ۸۹ الی ۱۲۶ می‌توانید مطالعه کنید.

■ "عیسی آگاه از اینکه ساعت او رسیده است" آگاه" وجه وصفی فعال کامل است (مانند انجیل یوحنا ۱۳: ۳). عیسی رابطه منحصر به فرد خود با پدر را حداقل از سن ۱۲ سالگی درک کرده بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۴۱ الی ۵۱). آمدن یونانیان برای دیدن او در انجیل یوحنا ۱۲: ۲۰ الی ۲۳ نشان داد که زمان مرگ و جلالش فرا رسیده است (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۲: ۴، ۷: ۶ و ۸ و ۳۰، ۸: ۲۰، ۱۲: ۲۳ و ۲۷، ۱۷: ۱)."

■ "تا از این جهان نزد پدر برود" انجیل یوحنا به تأکید بر دوالیسم عمودی ادامه می‌دهد، عیسی توسط پدر فرستاده شد (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۸: ۴۲) و اینک باز می‌گردد. سایر اناجیل عیسی را در قالب تعلیم دادن دوالیسم افقی دو عصر یهود به تصویر کشیده‌اند، عصری که بوده و عصر پادشاهی خدا که هنوز نیامده است.

۱. فقط یک خدای مقدس وجود دارد
۲. مخلوق خاص او، نوع بشر، در گناه و یاغیگری افتاد،
۳. خدا یک ناجی فرستاد (یعنی مسیح)
۴. نوع بشر باید با ایمان، توبه، اطاعت و استقامت پاسخ دهد
۵. یک نیروی اهریمنی فردی در مخالفت با خدا و اراده او وجود دارد
۶. تمامی مخلوقات آگاه زندگی خود را به خدا می‌دهند

فعل "رفتن" (metabainō) در نوشته‌های یوحنا در مورد انتقال از موجودیت فیزیکی افتاده (یعنی عصر گناه و یاغیگری) به عصر جدید معنویت و حیات جاویدان مفهوم دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۴، ۱۳: ۱، اول یوحنا ۳: ۱۴، به غیر از استفاده آن در انجیل یوحنا ۷: ۱۳).

■ "کسان خود را که در این جهان دوست می‌داشت" این عبارت یونانی در نسخه پاپیروس مصری (Moulton, Milligan, The Vocabulary of the Greek New Testament) برای خویشاوندان نزدیک استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۸: ۱۹ الی ۲۱).

■ "که در این جهان" یوحنا از اصطلاح جهان (kosmos) در چندین مفهوم مختلف استفاده کرده است.

۱. این سیاره (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۰، ۱۱: ۹، ۱۶: ۲۱، ۱۷: ۷ و ۱۱ و ۲۴، ۲۱: ۲۵)
۲. نوع بشر (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۳: ۱۶، ۷: ۴، ۱۱: ۲۷، ۱۲: ۱۹، ۱۴: ۲۲، ۱۸: ۲۰ و ۳۷)
۳. بشر یاغی (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱: ۱۰ و ۲۹، ۳: ۱۶ الی ۲۱، ۴: ۴۲، ۶: ۳۳، ۷: ۷، ۹: ۳۹، ۱۲: ۳۱، ۱۵: ۱۸، ۱۷: ۲۵)

موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ را مطالعه کنید.

■ "تا به حد کمال محبت کرد" این ترجمه اصطلاح یونانی (telos) است که به معنی هدف کامل شده است. این اشاره به کار رستگاری عیسی بر روی صلیب دارد. حالتی از همین کلمه آخرین کلام عیسی بر روی صلیب بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۰)، "به پایان رسید"، که در نسخه پاپیروس مصری گفته شده "به صورت کامل انجام شد!"

۱۳: ۲ "در حین شام" در این نقطه، این تغییر در نسخه دستنویس یونانی است. این تغییر شامل فقط یک کلمه یونانی است.

۱. ginomenou وجه وصفی حاضر (یعنی در حین شام)، W, L, B, 8, MSS
۲. Genomenou وجه وصفی آئوریست (یعنی بعد از شام)، D, A, 8<sup>2</sup>, MSS P<sup>66</sup>

UBS<sup>4</sup> به گزینه اول رتبه B (تقریباً حتمی) را می‌دهد.

این احتمالاً به یکی از معانی زیر است:

۱. بعد از شام
۲. بعد از نخستین جام برکت، وقتی که مراحل لازم برای شستشوی دستها انجام می‌شود
۳. بعد از سومین جام برکت

موضوع خاص: عید پس

■ "ابلیس پیشتر در دل یهودای آسخریوطی، پسر شمعون، نهاده بود" این وجه وصفی فعال کامل است. عیسی از همان ابتدا در مورد یهودا می‌دانست (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۷۰). شیطان (به موضوع خاص مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ مراجعه کنید) مدت‌ها بود که یهودا را وسوسه می‌کرد، ولی در انجیل یوحنا ۱۳: ۲۷ شیطان کنترل کامل او را برعهده گرفت. موضوع خاص: قلب در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۰ مراجعه کنید. یادداشت کامل در مورد یهودا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۸: ۲ را هم مطالعه کنید.

۱۳:۳ "عیسی که می‌دانست پدر همه چیز را به دست او سپرده است" این وجه وصفی کامل فعال است، همانند انجیل یوحنا ۱:۱۳، و با یک آئوریست فعال اخباری ادامه می‌یابد. جمله فوق یکی از حیرت‌انگیزترین اظهارات عیسی در مورد شناخت خود و منبع اقتدارش است (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۳:۳۵، ۱۷:۲، انجیل متی ۲۸:۱۸). زمان آئوریست یک اهمیت دارد. پدر به عیسی همه چیز را قبل از مصلوب شدن سپرده بود. آنها نه به عنوان پاداش اطاعت وی بودند، بلکه به واسطه اینکه او که بود! او می‌دانست کیست و پاهای آنانی را شست که بر سر این بحث می‌کردند که کدامیک از آنها مهمترین فرد است!

■ "از نزد خدا آمده" این دومین مرتبه از سه مرتبه‌ای است که در انجیل یوحنا ۱۳:۳ گفته شده که عیسی می‌دانست:

۱. پدر همه چیز را در دستان او سپرده است

۲. از جانب خدا آمده است

۳. به نزد خدا باز می‌گردد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷:۳۳، ۱۴:۱۲ و ۱۶:۲۸، ۵ و ۱۰ و ۱۷ و ۲۸، ۲۰:۱۷)

دو مورد آخر بخش بالای دوالیسم عمودی هستند که در انجیل یوحنا متداول است.

ردیف ۲، عبارت منحصر به فردی در انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸:۴۲، ۱۳:۳، ۱۶:۲۸ و ۳۰، ۱۷:۸). هر دو استنتاج مبدا و مکان را دارد (یعنی خدایی از بهشت).

۱۳:۴ "از شام برخاست" به خاطر داشته باشید که آنها بر روی کتف چپ لم می‌دادند و پاهایشان به عقب بود، بر روی صندلی نمی‌نشستند.

■ "ردا از تن به در آورد" حالت جمع اشاره به ردای بیرونی عیسی دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹:۲۳). جالب است که همین فعل در انجیل یوحنا ۱۰:۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ برای دادن زندگی عیسی استفاده شده (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳:۳۷) و می‌تواند یکی دیگر از تخصص‌های دوگانه یوحنا باشد. به نظر می‌رسد که شستشوی پاها خیلی بیشتر از یک درس عینی برای انسانها باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳:۶ الی ۱۰).

۱۳:۵ "شروع کرد به شستن پاهای شاگردان" این اصطلاح یونانی فقط برای "شستن بخشی از بدن" استفاده می‌شد. این کلمه در انجیل یوحنا ۱۳:۱۰ برای حمام کامل استفاده شده است. شستن پاها وظیفه برده بود. حتی روحانیان چنین کاری را از شاگردان خود توقع نداشتند. عیسی با آگاهی از خدایی بودن خود، مایل بود که پاهای این شاگردان حسود و جاه طلب را بشوید (حتی یهودا)!

۱۳:۶ سوال پطرس یک شیوه لفاظی برای رد کردن حرکت عیسی بود. پطرس اغلب فکر می‌کرد که می‌داند عیسی چه کار باید انجام دهد چه کاری نباید انجام دهد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶:۲۲).

۱۳:۷ شاگردانی که با عیسی زندگی می‌کردند، هیچوقت اعمال و آموزشهایش را درک نمی‌کردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲:۲۲، ۱۰:۶، ۱۲:۱۶، ۱۴:۲۶، ۱۶:۱۸). این درک نادرست راهی بود برای بیان دوالیسم عمودی.

۱۳:۸ "پاهای مرا هرگز نخواهی شست" یک عبارت قوی منفی مضاعف است که به معنی "نه، هرگز و تحت هیچ شرایطی" می‌باشد.

■ "تا تو را نشویم سهمی با من نخواهی داشت" این عبارت شرطی نوع سوم است. این آیه دلالت بر آن دارد که اتفاقاتی فراتر از دروس عملی محض رخ داده است. به نظر می‌رسد آیات ۶ الی ۱۰ در رابطه با کارهای عیسی بر روی صلیب برای بخشش گناهان باشد.

عبارت دوم ممکن است منعکس کننده اصطلاح عهد عتیقی در رابطه با به ارث بردن باشد (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۱۲:۱۲، دوم سموئیل ۲۰:۱، اول پادشاهان ۱۲:۱۶). این یک عبارت قوی برای استثنا کردن است.

۱۳:۹ حرف منفی یونانی "نه" (*mē*) دلالت بر امر کردن دارد، "شستن"

۱۳:۱۰ "آن که استحمام کرده" عیسی به صورت استعاره‌ای از رستگاری صحبت می‌کند. پطرس شسته شد (نجات یافت، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵:۳، تیتوس ۳:۵)، ولی لازم بود به توبه‌اش ادامه دهد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱:۹) تا رابطه دوستی خود را حفظ کند.

احتمال دیگر متن این است که عیسی از خیانت یهودا صحبت می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳:۱۱ و ۱۸). بنابراین استعاره حمام کردن یا اشاره می‌کند به (۱) بدن پطرس، یا (۲) گروه شاگردان.

■ "شما پاکید، اما نه همه" "شما" جمع است، اشاره دارد به حلقه داخلی شاگردان، بجز یهودا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳:۱۱ و ۱۸، ۶:۷۰).

"پاک" اشاره به پیام عیسی دارد که آنها پذیرفتند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵:۳). آنها پاک هستند زیرا باور کرده‌اند / اعتماد کرده‌اند / ایمان آورده‌اند / پذیرفته‌اند چه کسی پاک است، عیسی.



برای عبارت "نه همه" موضوع خاص ارتداد در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۶۴ را مطالعه کنید.

۱۳: ۱۱ انجیل TEV و NET این آیه را در داخل پرانتز گذاشته‌اند، و آن را به عنوان یکی از توضیحات نویسنده تلقی کرده‌اند.

### NASB: انجیل یوحنا ۱۳: ۱۲ الی ۲۰

۱۲ پس از آنکه عیسی پاهای ایشان را شست، ردا بر تن کرد و باز بر سفره شام نشست. آنگاه از ایشان پرسید: "آیا دریافتید آنچه برایتان کردم؟" ۱۳ شما مرا استاد و سرورتان می‌خوانید و درست هم می‌گویید، زیرا چنین هستیم. ۱۴ پس اگر من که سرور و استاد شمایم پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشویید. ۱۵ من با این کار، سرمشقی به شما دادم تا شما نیز همان‌گونه رفتار کنید که من با شما کردم. ۱۶ واقعا، واقعا، به شما می‌گویم، نه غلام از ارباب خود بزرگتر است، نه فرستاده از فرستنده خود. ۱۷ اکنون که اینها را می‌دانید، خوشا به حالتان اگر بدانها عمل کنید. ۱۸ آنچه می‌گویم درباره همه شما نیست. من آنان را که برگزیده‌ام، می‌شناسم. اما این گفته کتب مقدس باید به حقیقت پیوندد که "آن که نان مرا می‌خورد، با من به دشمنی برخاسته است." ۱۹ پس اکنون پیش از وقوع، به شما می‌گویم تا هنگامی که واقع شد، ایمان آورید که من هستم. ۲۰ آمین، آمین، به شما می‌گویم، هر که فرستاده مرا بپذیرد، مرا پذیرفته، و هر که مرا پذیرفت، فرستنده مرا پذیرفته است."

۱۳: ۱۲ الی ۲۰ برخلاف انجیل یوحنا ۱۳: ۶ الی ۱۰، در اینجا عیسی عمل خود را به عنوان یک کار انسانی توضیح می‌دهد. شاگردان بحث می‌کردند که کدامیک مهمتر است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۲۴). در این متن عیسی کار یک برده را انجام داده و توضیح می‌دهد که چه منظوری داشته و چکار باید کرد.

۱۳: ۱۴ "اگر" این یک عبارت شرطی نوع اول است که از دیدگاه نگارنده شرط درست است.

■ "استاد و سرور" به حرف مشخص در انجیل یوحنا ۱۳: ۱۳ و ۱۴ توجه کنید. همچنین دقت کنید که عناوین برعکس هستند. او کسی است که با اقتدار سخن می‌گوید. او پدر را نشان داد و انتظار اطاعت و وفاداری دارد. کاری که او کرد را بقیه باید انجام دهند (انجیل یوحنا ۱۳: ۱۵).

۱۳: ۱۴ الی ۱۵ "شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشویید" آیا این اظهار به معنی این است که این حرکت فروتنانه باید دستورالعمل کلیساهای سوم باشد؟ اکثر گروه‌های مسیحی گفته‌اند نه، زیرا

۱. انجام شدن چنین عملی هرگز در اعمال رسولان به ثبت نرسیده است
  ۲. در نامه‌های عهد جدید از آن حمایت نشده است
  ۳. هرگز چنین دستوری آن طور که در مورد تعمید (مراجعه شود به انجیل متی ۱۵: ۱۲ الی ۱۳) یا شام آخر (اول قرن‌تین ۱۱: ۱۷ الی ۳۴) گفته شده، برای این کار تعریف نشده است.
- این بدین معنی نیست که چنین عملی می‌تواند یک کار مهم در عبادت باشد.

مثالی که عیسی به آنان نشان داد صرفاً فروتنی نبود، بلکه یک فداکاری بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۲ الی ۱۳). اول یوحنا ۳: ۱۶ این را به خوبی بیان می‌دارد. عیسی تا حد کمال محبت کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱). آنها هم باید تا آنجا که می‌توانند محبت کنند (یعنی یک زندگی فداکارانه، بازگشت از سقوط).

۱۳: ۱۶ "واقعا، واقعا، به شما می‌گویم" این عبارت در مفهوم همان "آمین، آمین" (همانند انجیل یوحنا ۱۳: ۲۰)، و یک حالت عهد عتیقی برای "ایمان" است (مراجعه شود به عبرانیان ۲: ۴). عیسی تنها کسی بود که (در همه مکتوبات یونانی) از آن برای شروع صحبتش استفاده می‌کرد. معمولاً برای (۱) موافقت یا (۲) تائید یک جمله یا عمل به کار می‌برد. وقتی که در ابتدای جمله و دو بار به کار می‌برد، برای اعتبار و جلب توجه بود. موضوع خاص: آمین در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۵۱ را مطالعه کنید.

■ "نه غلام از ارباب خود بزرگتر است" این جمله مقدماتی برای صحبت در مورد حقیقت است.

۱. انجیل یوحنا ۱۳: ۱۶، کسی که فرستاده شده از فرستنده خود بزرگتر نیست
۲. انجیل یوحنا ۱۵: ۲۰
  - a. اگر مرا آزار دهند، شما را نیز آزار دهند
  - b. اگر کلام مرا نگاه دارند، کلام شما را نیز نگاه می‌دارند
۳. انجیل لوقا ۶: ۴۰ (مشابه)، ولی هر کس، بعد از اینکه به خوبی آموزش دید، همانند آموزگار خودش خواهد بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۴)
۴. انجیل لوقا ۲۲: ۲۷ (مشابه)، ولی من میان شما هستم به عنوان کسی که خدمتگزار است

۱۳:۱۷ "اکنون که اینها را می‌دانید، خوشا به حالتان اگر بدانها عمل کنید" "اگر" اول جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده درست است. اگر بدانیم، بدان عمل می‌کنیم (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۴ الی ۲۷، انجیل لوقا ۶: ۴۶ الی ۴۹، رومیان ۲: ۱۳، جیمز ۱: ۲۲ الی ۲۵، ۴: ۱۱)! آگاهی هدف نیست، بلکه زندگی همانند عیسی هدف است. این منعکس کننده فعل عبری *shema*، "شنیدن و بدان عمل کردن" است (مراجعه شود به کتاب تثبیه ۴: ۶).

۱۳:۱۸ "گفته کتب مقدس باید به حقیقت پیوندد" این به یهودا اشاره می‌کند. این راز تلاقی تقدیر و آزادی اراده است.

عیسی و شاگردانش به صحبت کتاب مقدس ایمان داشتند! وقتی صحبت می‌کرد، باید بدان اعتماد می‌شد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۹). چندین مرتبه یوحنا عبارت "کتب مقدس باید به حقیقت پیوندد" را تکرار می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۱۴، ۱۳: ۱۸، ۱۵: ۲۵، ۱۷: ۱۲، ۱۹: ۲۴ و ۳۶). اغلب متن عهد عتیق به صورت کامل درک نمی‌شد تا اینکه اتفاقی در زندگی مسیح (هوشع ۱۱: ۱) یا تحقق چندگانه در یک رخداد عهد جدید صورت گیرد (اشعیا ۷: ۱۴، یا دانیال ۹: ۲۷، ۱۱: ۳۱، ۱۲: ۱۱).

■ "با من به دشمنی برخاسته است" این نقل قولی از مزمو ۹: ۴۱ است. سنت شرقی با هم غذا خوردن نشان دوستی و تحکیم پیمان است که یهودا به آن توهین کرد. در خاور نزدیک نشان دادن کف پا نشان دیگری از تحقیر است.

۱۹:۳ این آیه هدف معجزات و پیش‌گوییهای عیسی را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۳۱). در انجیل یوحنا ایمان یک تجربه در حال رشد و تداوم است. عیسی به طور مرتب اعتماد/ایمان/باور شاگردانش را بسط می‌داد. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۹: ۷ مراجعه کنید.

عیسی ایمان آنان را با

۱. کلامش
۲. رفتارش
۳. دانش قبلی‌اش

توسعه می‌داد.

عیسی یک راه جدید بنیادین برای اینکه درست با خدا باشیم ارائه کرد. این راه تمامی سنتهای مردانه یهودیان و باورهایشان را قطع می‌کند.

۱. او و نه موسی مورد تمرکز است
۲. رحمت و نه عملکرد مهم است

■ "که من هستم" این اشاره به نام خدای یهوه است، که از فعل عبری "بودن" می‌آید (مراجعه شود به "من هستم" در کتاب خروج ۳: ۱۴). عیسی در اینجا به وضوح اعلام می‌کند که از خداست و مسیح است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۸: ۲۴ و ۲۸، ۵۸، ۱۳: ۱۹ و ۱۸، ۵ و ۶ و ۸، به انجیل متی ۲۴: ۵ و انجیل مرقس ۱۳: ۶ و انجیل لوقا ۲۱: ۸ نیز توجه کنید).

به موضوع خاص: نام خدا (عهد جدید) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۲۰ مراجعه کنید.

۱۳:۲۰ معمولاً یوحنا از اصطلاح "باور کردن" (*pisteuō*) "ایمان آوردن" (*pisteuō eis*) یا "باور کرد که" (*pisteuō hoti*) برای مشخص کردن مسیحیان استفاده می‌کند (به موضوع خاص: استفاده یوحنا از باور/ایمان در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ مراجعه کنید)، ولی او از اصطلاحات دیگری مانند "دریافت کردن" یا "استقبال کردن" (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۵: ۴۳، ۱۳: ۲۰) هم استفاده می‌کند. انجیل هم از فرد و پذیرفتن حقیقت انجیلی استقبال می‌کند، و همچنین از تغییر زندگی فرد.

■ "هر که فرستاده مرا بپذیرد، مرا پذیرفته، و هر که مرا پذیرفت، فرستنده مرا پذیرفته است" این عبارت بسیار قوی در مورد اقتدار شاگردان عیسی است. می‌تواند به چندین شیوه عمل کند

۱. ماموریت سفر ۱۲ نفر (انجیل متی ۱۰: ۴۰) و هفتاد (انجیل لوقا ۱۰: ۱۶)
۲. اقرار کلیسا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۰)

پیام عیسی، قدرت تغییر زندگی بدون در نظر گرفتن اینکه چه کسی آن را اعلام می‌کند، را دارد. اقتدار در پیام است (یعنی انجیل)، نه پیام زمینی.

**NASB: انجیل یوحنا ۱۳: ۲۱ الی ۳۰**

۲۱ عیسی پس از آنکه این را گفت، در روح مضطرب شد و آشکارا اعلام داشت: "واقعا، واقعا، به شما می‌گویم، یکی از شما مرا تسلیم دشمن

خواهد کرد".<sup>۲۲</sup> شاگردان به یکدیگر نگریسته، در شگفت بودند که این را درباره‌ی که می‌گوید.<sup>۲۳</sup> یکی از شاگردان، که عیسی دوستش می‌داشت، نزدیک به سینه‌ی او تکیه زده بود.<sup>۲۴</sup> شمعون پطرس با اشاره از او خواست تا از عیسی بپرسد منظورش کیست.<sup>۲۵</sup> پس او کمی به عقب متمایل شد و بر سینه‌ی عیسی تکیه زد و پرسید: "سرور من، او کیست؟"<sup>۲۶</sup> عیسی پاسخ داد: "همان که این تکه نان را پس از فرو بردن در کاسه به او می‌دهم". آنگاه تکه‌ای نان در کاسه فرو برد و آن را به یهودا پسر شمعون اسخریوطی داد.<sup>۲۷</sup> یهودا چون لقمه را گرفت، در دم شیطان به درون او رفت. آنگاه عیسی به او گفت: "آنچه در پی انجام آئی، زودتر به انجام رسان."<sup>۲۸</sup> اما هیچ‌یک از کسانی که بر سفره نشسته بودند، منظور عیسی را دریافتند.<sup>۲۹</sup> بعضی گمان بردند که چون یهودا مسئول دخل و خرج است، عیسی به او می‌گوید که آنچه برای عید لازم است بخرد، یا آنکه چیزی به فقرا بدهد.<sup>۳۰</sup> پس از گرفتن لقمه، یهودا بی‌درنگ بیرون رفت. و شب بود.

۱۳: ۲۱ "او در روح مضطرب شد" خیانت یهودا واقعا عیسی را منقلب کرد (همین کلمه در مورد عیسی در انجیل یوحنا ۱۲: ۲۷ استفاده شده است. عیسی یهودا را به دلیل قابلیت معنوی او انتخاب کرد، ولی هرگز به ثمر نشست (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۸).

■ "واقعا، واقعا" به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۵۱ مراجعه کنید.

۱۳: ۲۲ این آیه حیرت‌انگیزی است. حلقه داخلی شاگردان می‌ترسیدند که برنامه از پیش تعیین شده ممکن است آنها را خائن سازد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۱۹). این با جبرگرایی مشکل دارد. اعمال خدا آزادی اراده انسان را نقض نمی‌کنند، بلکه عواقب آنها را تشدید کرده و نهایی می‌سازند.

۱۳: ۲۳ "او را دوست می‌داشت" به نظر می‌رسد که این اشاره به خود یوحنا داشته باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۲۳ و ۲۵، ۱۹: ۲۶ الی ۲۷، ۳۴ الی ۳۵، ۲۰: ۲ الی ۵ و ۸، ۲۱: ۷ و ۲۰ الی ۲۴). فصل ۱۹، انجیل یوحنا ۱۳: ۲۶ این موضوع را تأیید می‌کند. نام یوحنا هرگز در این انجیل ذکر نشده است. آیا عیسی شاگردان محبوب داشت؟ البته، او یک حلقه داخلی داشت (پطرس، یعقوب و یوحنا) و یک خانواده خاص (ایلغاز، مریم و مارتا).

۱۳: ۲۵ این آیه مشخص کننده خوراک معمولی در فلسطین قرن اول است. شاگردان دور یک میز کوتاه شبیه نعل اسب بر کتف چپ لم می‌دادند و پاهایشان به سمت عقب بود و با دست راست غذا می‌خوردند. یوحنا در سمت راست عیسی و یهودا در سمت چپ او بودند (محل افتخار). دلیل این ترتیب نشستن در کتاب مقدس ذکر نشده است. یوحنا به عقب لم می‌دهد و از عیسی سوالی را می‌پرسد.

۱۳: ۲۶ "همان که این تکه نان را پس از فرو بردن در کاسه به او می‌دهم" این نشان افتخار بود (مراجعه شود به روت ۲: ۱۴). یهودا در سمت چپ عیسی لمیده بود، که همچنین مکان افتخار بود. عیسی هنوز می‌خواست که یهودا را به راه راست بیاورد!

لقمه یک بشقاب از سبزیجات با سس بود (به موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۱۳: ۲ مراجعه کنید). متن مترادف مرقس (۱۴: ۲۰) می‌گوید "با من". این یک شهادت عینی در ابهام جزئیات است.

موضوع خاص: یهودا اسخریوطی را مطالعه نمایید.

۱۳: ۲۷ "شیطان به درون او رفت" این تنها جایی در انجیل یوحنا است که از شیطان نام برده می‌شود. در زبان عبری به معنی "دشمن" است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۳ و انجیل یوحنا ۱۳: ۲). موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ را مطالعه کنید. آیا یهودا مسئول نیست چون شیطان به درون او رفته بود؟ در انجیل تنشی میان اعمال قلمرو معنوی (خدا قلب فرعون را سخت کرده بود) و مسئولیت انسان در قلمرو فیزیکی وجود دارد. انسانها یقیناً آن طور که تصور می‌کنند در انتخابهای خود آزاد نیستند. همه ما از نظر تاریخی، تجربه‌ای، ژنتیکی حالت داده شده هستیم. به این، عوامل تعیین‌کننده‌ای همچون فیزیکی و قلمرو معنوی نیز اضافه می‌شود (خدا، روح القدس، فرشتگان، شیطان، و اهریمنان). این رازی است. با این وجود، انسانها از ماشین ساخته نشده‌اند، ما مسئول اعمال و انتخابهای خود و عواقب آنها هستیم. یهودا عمل کرد! او به تنهایی کاری نکرد! ولی از نظر اخلاقی مسئول اعمال خود است. خیانت یهودا پیش‌بینی شده بود (انجیل یوحنا ۱۳: ۱۸). شیطان آغازگر بود (موضوع خاص: شیطان فردی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ را مطالعه کنید). تاسف‌انگیز است که یهودا بطور کامل هرگز عیسی را شناخت و به او اعتماد نکرد.

۱۳: ۲۹ "یهودا مسئول دخل و خرج است" یهودا مسئول پول گروه بود. (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۶). به یادداشت کامل در بخش انجیل یوحنا ۱۸: ۲ مراجعه کنید.

۱۳: ۳۰ "شب بود" این یک عنصر زمانی است یا ارزیابی معنوی؟ یوحنا اغلب از این عبارات ابهام‌آمیز که می‌توان آنها را به چند روش درک کرد استفاده می‌کند.

۳۱ پس از بیرون رفتن یهویدا، عیسی گفت: "اکنون پسر انسان جلال یافت و خدا در او جلال یافت. ۳۲ اگر خدا در او جلال یافت، پس خدا نیز او را در خود جلال خواهد داد و او را بی درنگ جلال خواهد داد. ۳۳ فرزندان عزیز، اندک زمانی دیگر با شما هستیم. مرا خواهید جست و همان گونه که به یهودیان گفتیم، اکنون به شما نیز می گویم که آنجا که من می روم، شما نمی توانید آمد. ۳۴ حکمی تازه به شما می دهم، و آن این که یکدیگر را محبت کنید. همان گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. ۳۵ از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید."

۱۳: ۳۱ الی ۳۸ این آیات بخشی از متن بزرگتری هستند که حاوی یک سری از سوالات شاگردان است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۶، ۱۴: ۵ و ۸ و ۲۲، ۱۶: ۱۷ الی ۱۹) که در مکالمه در اتاق طبقه بالا در شبت شام آخر می پرسند. بدیهی است که اظهارات عیسی در باره رفتن باعث شد که شاگردان سوالات بسیاری بر اساس درک نادرست از کلمات عیسی داشته باشند

۱. پطرس (انجیل یوحنا ۱۳: ۳۶)
۲. توما (انجیل یوحنا ۱۴: ۵)
۳. فیلیپس (انجیل یوحنا ۱۴: ۸)
۴. یهویدا (نه یهویدای اسخربوطی) (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۲)
۵. برخی از شاگردانش (انجیل یوحنا ۱۶: ۱۷ الی ۱۹)

۱۳: ۳۱ "پسر انسان" این عنوانی است که عیسی برای خود انتخاب کرده بود. زمینه آن از حزقیال ۲: ۱ و دانیال ۷: ۱۳ است. این اصطلاح دلالت بر خصیصه انسانی و الهی دارد. عیسی از آن استفاده می کرد زیرا از آن در روحانیت یهود استفاده نمی شد، بنابراین، هیچ زمینه و دلالت ملی گرای یا نظامیگری نداشت و دو طبیعت او را در هم ادغام می کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱ الی ۳).

۱۳: ۳۲ یک تغییر دستنویس یونانی در این آیه است. متن طولانیتر در NASB، NRSV، TEV و NJB دیده می شود. این متن توسط دستنویسهای <sup>c</sup>، <sup>a</sup>، <sup>k</sup>، <sup>c2</sup>، <sup>A</sup> و <sup>K</sup> Textus Receptus پشتیبانی می شود. این عبارت (اگر خدا در او جلال یابد) از MSS P<sup>66</sup>، <sup>a\*</sup>، <sup>B</sup>، <sup>C\*</sup>، <sup>L</sup>، <sup>D</sup>، <sup>W</sup> و <sup>X</sup> حذف شده است. به نظر می رسد که اینها دستنویسهای بهتری باشند. ولی این احتمال هم هست که منشیها به خاطر پاراللیسم (همسویی) گیج شده باشند و صرفا اولین عبارت را حذف کرده باشند.

■ "جلال یافت" این اصطلاح چهار یا پنج مرتبه در انجیل یوحنا ۱۳: ۳۱ و ۳۲، دویا سه مرتبه در قالب آئوریست و دو مرتبه در زمان آینده استفاده شده است. این اصطلاح به برنامه رستگاری خدا از طریق مرگ عیسی و معراج او اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۹، ۱۲: ۱۶ و ۲۳، ۱۷: ۱ و ۵). در اینجا به رخداد در شرف وقوع در زندگی عیسی اشاره داشته و به صورت رخداد گذشته (آئوریست)، کاملا قطعی بیان شده اند. یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

۱۳: ۳۳ "فرزندان عزیز" یوحنا مثل یک پیرمرد از شهری یا منطقه ای در افسس می نویسد، و از این عنوان برای خطاب به شنوندگان / خوانندگان اول یوحنا ۲: ۱ و ۱۲ و ۲۸، ۳: ۷ و ۱۸، ۴: ۴، ۵: ۲۱ استفاده می کند. در اینجا استعاره عیسی راه دیگری برای شناسایی او با پدر است. او پدر، برادر، ناجی، دوست و سرور است. یا به بیان دیگر، او هم خدای متعالی و هم دوست ماندگار است.

■ "اندک زمانی دیگر با شما هستیم. مرا خواهید جست و همان گونه که به یهودیان گفتیم" چندین ماه قبل عیسی این را به سران یهود گفته بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۳)، اینک به شاگردان خود می گوید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۵، ۱۴: ۱۹، ۱۶: ۱۶ الی ۱۹). بنابراین مشهود است که عنصر زمان به نوعی مبهم است.

■ "آنجا که من می روم، شما نمی توانید آمد" رهبران یهود اصلا نمی توانند بروند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۴ و ۳۶، ۸: ۲۱). شاگردان تا زمان مرگ نمی توانند با او باشند. مرگ یا خلسه، شاگردان را با او مجددا همراه خواهد کرد (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۵: ۸، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸).

۱۳: ۳۴ "حکمی تازه به شما می دهم، و آن این که یکدیگر را محبت کنید" به یکدیگر محبت کردن یک حکم جدید نبود (مراجعه شود به لایوان ۱۹: ۱۸، برای فرمان موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۵۰ را مطالعه کنید). آنچه جدید بود آن بود که مومنین باید همانطور که به ایشان محبت می کرد، به یکدیگر محبت کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۲ و ۱۷، اول یوحنا ۲: ۷ الی ۸، ۳: ۱۱ و ۱۶ و ۲۳، ۴: ۷ الی ۸، ۱۰ الی ۱۲، ۱۹ الی ۲۰، دوم یوحنا ۵).

انجیل بمانند کسی است که باید به او خوش آمد گفت، بدنی از که باید به آن ایمان آورد و در آن زندگی کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵ و ۲۱ و ۲۳).

۴: ۷ الی ۸، ۱۰ الی ۱۲، اول یوحنا ۵: ۳، دوم یوحنا ۵ و ۶، انجیل لوقا ۶: ۴۶). خیر خوش دریافت شد، به آن ایمان آورده شد و در آن زندگی می‌شود. یا زندگی با عشق است یا اصلاً زندگی نیست.

همانند اظهار بروس کورلی در مقاله‌ای بنام **Biblical Theology of the New Testament** در کتاب **Foundations For Biblical Interpretation**: "مردم مسیح با رفتار از روی عشق مشخص می‌شوند، جائیکه رحمت توسط کار روح القدس به عشق تبدیل می‌گردد (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۶ و ۲۵، ۲: ۶، جیمز ۳: ۱۷ الی ۱۸، انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴ الی ۳۵، اول یوحنا ۴: ۷)" صفحه ۵۶۲.

۱۳: ۳۵ "از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید" عشق مشخصه‌ای است که شیطان نمی‌تواند با آن مقابله کند. مومنین باید با مشخصه عشق متمایز گردند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱۳: ۱۴، ۴: ۷ الی ۲۱).

■ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است و معنی آن احتمال وقوع رخداد است. اعمال ما نسبت به سایر مسیحیان رابطه ما با مسیح را تأیید می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۹ الی ۱۱، ۴: ۲۰ الی ۲۱).

#### **NASB: انجیل یوحنا ۱۳: ۳۶ الی ۳۸**

<sup>۳۶</sup> شمعون پطرس گفت: "سرور من، کجا می‌روی؟" عیسی پاسخ داد: "تو اکنون نمی‌توانی به جایی که می‌روم از پی من بیایی؛ اما بعدها از پی‌ام خواهی آمد." <sup>۳۷</sup> پطرس گفت: "سرورم، چرا اکنون نتوانم از پی‌ات بیایم؟ من جانم را در راه تو خواهم نهاد." <sup>۳۸</sup> عیسی گفت: "آیا جانت را در راه من خواهی نهاد؟ آمین، آمین، به تو می‌گویم، پیش از آنکه خروس بانگ زند، سه بار مرا انکار خواهی کرد."

۱۳: ۳۶ "شمعون پطرس به او گفت" این نخستین سوال از مجموعه سوالات شاگردان در باره اظهار عیسی در انجیل یوحنا ۱۳: ۳۱ الی ۳۵ است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۶، ۱۴: ۵ و ۸ و ۲۲، ۱۶: ۱۷ الی ۱۹). من خیلی خوشحال هستم که شاگردان این سوالات را پرسیدند و یوحنا آنها را به خاطر سپرد و ثبت کرد!

۱۳: ۳۷ "من جانم را در راه تو خواهم نهاد" پطرس این را جدی گفت! اما این نشان می‌دهد که انسان سقوط کرده تا چه اندازه ضعیف است و تا چه اندازه نسبت به خداوندش متعهد است، که دقیقاً این کار را کرد.

۱۳: ۳۸ "آمین، آمین" به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۵۱ مراجعه کنید.

■ "پیش از آنکه خروس بانگ زند، سه بار مرا انکار خواهی کرد" این باید خروس رومی باشد. یهودیان اجازه نمی‌دادند که در شهر حیوان باشد زیرا آن را زمین مقدس می‌دانستند. به همین دلیل است که اکثر مردم ثروتمند بیرون از دیوارهای شهر در کوه زیتون باغ داشتند (و به کود نیاز داشتند). باغ گتسمانه یکی از این باغها بود.

عیسی پیشگویی کرد تا ایمان آوردن به او را تشویق کند. حتی چیزی تا این حد منفی دانش و کنترل او را بر روی رخدادهای آینده افشا می‌نماید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۷ الی ۱۸، ۲۵ الی ۲۷، انجیل متی ۲۶: ۳۱ الی ۳۵، انجیل مرقس ۱۴: ۲۷ الی ۳۱، انجیل لوقا ۲۲: ۳۱ الی ۳۴).

#### **سوالاتی برای بحث**

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا یوحنا مراسم اصلی شام آخر را ثبت نکرد؟
۲. چرا عیسی پاهای شاگردانش را شست؟ آیا ما باید پاهای همدیگر را بشویم؟
۳. چرا عیسی یهودا را برای شاگردی خود انتخاب کرد؟
۴. چگونه یک نفر می‌تواند دریابد که واقعا یک مسیحی است؟

## یوحنا ۱۴

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
عیسی در راه به سوی پدر	راه به سوی حقیقت و زندگی	رابطه مومنین با مسیح جلال یافته	عیسی، در راه به سوی پدر	سخنرانی وداع
۱۴: ۱ الی ۱۴	۱۴: ۱ الی ۶	۱۴: ۱ الی ۷	۱۴: ۱ الی ۴ ۵: ۱۴	۱۴: ۱ الی ۴ ۱۴: ۵ الی ۷
	پدر آشکار شد ۱۴: ۷ الی ۱۱		۱۴: ۶ الی ۷	
		۱۴: ۸ الی ۱۴	۸: ۱۴	۱۴: ۸ الی ۲۱
	دعاهای پاسخ داده شده ۱۴: ۱۲ الی ۱۴		۱۴: ۹ الی ۱۴	
وعده روح	عیسی به کمک کننده دیگری قول می‌دهد ۱۴: ۱۵ الی ۱۸	۱۴: ۱۵ الی ۱۷	۱۴: ۱۵ الی ۱۷	
۱۴: ۱۵ الی ۲۴	بیدار بودن پدر و پسر ۱۴: ۱۹ الی ۲۴	۱۴: ۱۸ الی ۲۴	۱۴: ۱۸ الی ۲۰	
			۲۱: ۱۴	
			۲۲: ۱۴	۱۴: ۲۲ الی ۳۱
	هدیه صلح خدا ۱۴: ۲۵ الی ۳۱	۱۴: ۲۵ الی ۳۱	۱۴: ۲۳ الی ۲۴ ۱۴: ۲۵ الی ۲۶ ۱۴: ۲۷ الی ۳۱ الف ۳۱: ۱۴ ب	
۱۴: ۲۵ الی ۳۱				

چرخه سوم مطالعه به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

#### زمینه برای انجیل یوحنا ۱۴: ۱ الی ۳۱

A. از فصل ۱۳ الی ۱۷ هیچ تقسیم‌بندی نباید صورت گیرد زیرا یک مفهوم واحد است، مکالمه اتاق طبقه بالا در شب شام آخر. بدیهی است که اظهارات عیسی درباره رفتن باعث گردید شاگردان سوالات بسیاری داشته باشند. این متن بر اساس درک نادرست شاگردان از کلمات عیسی تنظیم شده است

۱. پطرس (انجیل یوحنا ۱۳: ۳۶)
۲. توما (انجیل یوحنا ۱۴: ۵)

۳. فیلیپس (انجیل یوحنا ۱۴: ۸)

۴. یهودا (نه یهودای اسخریوطی) (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۲)

۵. برخی از شاگردانش (انجیل یوحنا ۱۶: ۱۷ الی ۱۹)

به خاطر داشته باشید که یوحنا از شیوه مکالمه برای بیان حقیقت استفاده می‌کند!

B. این سوالات هنوز به مومنین کمک می‌کنند

۱. اینها نشان می‌دهند که حتی شاگردان که حضورا با عیسی بوده‌اند، همیشه صحبت‌های او را درست درک نمی‌کردند

۲. برخی از کلمات گرانبها و عمیق عیسی در پاسخ به این سوالات صادقانه که از درک نادرست ناشی شده، مطرح می‌شوند.

C. فصل ۱۴ با بحث عیسی در مورد آمدن یک کمک کننده آغاز می‌شود.

۱. ارجاعات عیسی به روح القدس در گفتگوی اتاق طبقه بالایی مستقیما به ترس و اضطراب شاگردان از رفتن عیسی مرتبط (و محدود) است

(مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۳ و ۳۶). مایکل مک گیل در کتاب *New Testament TransLine* صفحه ۳۵۵ بینش برجسته‌ای

از پاسخهای عیسی به این ترسها دارد.

a. "روزی با من خواهید بود در جایی که می‌روم"، انجیل یوحنا ۱۴: ۱ الی ۱۱

b. "به نفع شما خواهد بود که من بروم"، انجیل یوحنا ۱۴: ۱۲ الی ۱۷

c. "نزد شما خواهم آمد و خود را به شما نشان خواهم داد"، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۸ الی ۲۶

d. "برای شما آرامش به جا می‌گذارم"، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷ الی ۳۱

۲. این بحث از بشارت روح القدس به این قلمرو محدود شده است. جنبه‌های حساس زیادی در بشارت او وجود دارند که به هیچ وجه در این

متن در مورد آنها بحث نشده است.

۳. وظایف روح القدس به عنوان:

a. آشکار کننده حقیقت

b. تسلی دهنده حقیقت تاکید شده است.

مطالعه کلمه و عبارات

**NASB: انجیل یوحنا ۱۴: ۱ الی ۷**

۱ "دل شما مضطرب نباشد. به خدا ایمان داشته باشید؛ به من نیز ایمان داشته باشید. <sup>۲</sup> در خانه پدر من منزل بسیار است، وگرنه به شما می‌گفتم. می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم. <sup>۳</sup> و آنگاه که رفته‌م و مکانی برای شما آماده کردم، باز می‌آیم و شما را نزد خود می‌برم، تا آنجا که من هستم شما نیز باشید. <sup>۴</sup> جایی که من می‌روم راهش را می‌دانید. <sup>۵</sup> "توما به او گفت: "ما حتی نمی‌دانیم به کجا می‌روی، پس چگونه می‌توانیم راه را بدانیم؟" <sup>۶</sup> عیسی به او گفت: "من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ‌کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی‌آید. <sup>۷</sup> اگر مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید؛ اما پس از این او را می‌شناسید و او را دیده‌اید."

۱۴: ۱ "نباشد" این زمان حال مجهول امری است با حرف نفی که معمولا به معنی متوقف کردن یک عمل در حال اجرا است. "دل شما مضطرب نباشد".

توضیح عیسی در مورد رفتن باعث اضطراب زیادی شد.

■ "دل شما" به حالت جمع توجه کنید. عیسی با تمام یازده نفر صحبت می‌کرد. استفاده عبری "قلب" دلالت بر فرد به عنوان یک کامل دارد: ذهن، اراده و احساسات (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۵، انجیل متی ۲۲: ۳۷). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۰ را مطالعه کنید.

■ "به خدا ایمان داشته باشید؛ به من نیز ایمان داشته باشید" اینها یا دو حال فعال امری دلالتی هستند (NASB, REB) یا دو حال اخباری دلالتی یا ترکیب هر دو (NET BIBLE, NJB, NKJV) می‌گویند اولی اخباری و دومی امری هستند. ایمان مداوم و همیشگی است. ساختار متعادل دستور زبان این آیه نشان می‌دهد که عیسی ادعای برابری با خدا را دارد. همچنین به خاطر داشته باشید که اینها یهودیانی بودند که به یکتاپرستی معتقد بودند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۴ الی ۶) و با این حال مفهوم گفته‌های عیسی را تشخیص می‌دادند (موضوع خاص: تثلیث در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ را مطالعه کنید). یک چیز در اشرف مخلوقات هست که باید بدان ایمان داشت و آن کاملا مسیحی شدن است. این عبارت بر روی دکترین عقیده تمرکز ندارد، بلکه بر شخص عیسی مسیح تمرکز دارد.

۱۴: ۲ "در خانه پدر من" "خانه" در جشن خیمه‌ها یا معبد عهد عتیق استفاده شده است (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷)، با این وجود، در این متن بدیهی است که به خانواده خدا یا سکنی گزیدن با او در معبدش دلالت دارد (مراجعه شود به مزمور ۲۳: ۶، ۴۷: ۴ الی ۶).

"مکانهای مسکونی"	NASB, NRSV
"عمارتها"	NKJV
"اتاقها"	TEV
"مکانهای بسیار"	NJB

در ترجمه **KJV** عمارتها فریبنده است. اصطلاح یونانی یعنی "مکانهای سکونت دائمی" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳). تصور بر این است که همه مومنین اتاقهای خودشان را در خانه پدر دارند (مراجعه شود به **TEV**، **NJB**)، بیشتر شبیه یک پانسیون که همه هر روز با هم غذا می‌خورند.

جالب است که این حالت از همان ریشه یونانی "پایداری" است، که یک مفهوم کلیدی در انجیل یوحنا است (مراجعه شود به فصل ۱۵). سکونت ما با پدر با پایداری ما در پسر تحقق می‌یابد.

■ "اگر" این عبارت شرطی تقریباً حالت دوم است که "بر خلاف واقعیت" نامیده می‌شود. اتاقهای بسیاری موجود هستند. این عبارت را به سختی می‌توان ترجمه کرد.

"اگر چنین نبود، به شما می‌گفتم"	NASB, REB, NIV
"اگر چنین نبود، به شما می‌گفتم"	NKJV
"به شما نمی‌گفتم اگر اینطور نبود"	TEV
"وگرنه به شما می‌گفتم"	NJB, NET
"و اگر نبود، به شما می‌گفتم"	Young's literal translation
"اگر این نبود، به شما می‌گفتم"	New Berkley Version
"اگر اینها نبودند، به شما می‌گفتم"	Williams Translation

■ "می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم" این بدین معنی نیست که به مفهوم فیزیکی دلالت بر بهشت داشته باشد، تا قبل از این آماده نبود، ولی زندگی، تعلیم و مرگ عیسی اجازه می‌دهد که بشر خطاکار نزدیک شود و با خدای مقدس هم‌خانه شود. عیسی به عنوان راهنما و پیشرو قبل از مومنین می‌رود (مراجعه شود به عبرانیان ۶: ۲۰).

۱۴: ۳ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است و معنی آن احتمال وقوع عمل است. عیسی به آنها گفته بود بزودی نزد پدر خواهد رفت (یعنی انجیل یوحنا ۷: ۳۳، ۱۶: ۵ و ۱۰ و ۱۷ و ۲۸) و مکانی را برای آنها آماده خواهد کرد.

مقاله کمک به مترجمین از **United Bible Societies** اثر نیومن و وایدرد در مورد انجیل یوحنا می‌گوید که این عبارت باید بصورت "بعد از این که رفتم" یا "وقتی که رفتم" یا "پس از اینکه رفتم" درک شود. (صفحه ۴۵۶).

■ "باز می‌آیم و شما را نزد خود می‌برم" این اشاره به آمدن دوم یا مرگ عیسی دارد (مراجعه شود به دوم قرن‌تیان ۵: ۸، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸). این رفاقت رو در رو با عیسی منعکس کننده رفاقت با عیسی و با پدر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۲). مسیحیان در صمیمیت میان عیسی و پدر شرکت می‌کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، ۱۷: ۱).

فعلی که اینجا استفاده شده، دریافت کردن (*paralambanō*) دلالت بر "خوش آمد گویی بر فرد" است. بهشت، دوستی شخصی با خدا است. این با انجیل یوحنا ۱: ۱۲ (*lambanō*) متفاوت است. به سختی می‌توان معنی دقیق این دو اصطلاح همپوشان را درک کرد. اغلب آنها با همدیگر مترادف هستند.

■ "تا آنجا که من هستم شما نیز باشید" بهشت جایی است که عیسی در آن هست (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۴)! بهشت در واقع دوستی رو در رو با تثلیث خداست! در عهد جدید اینکه دوستی کامل کی تحقق می‌یابد مشخص نیست.

۱. با مرگ، دوم قرن‌تیان ۵: ۸

۲. با آمدن دوم عیسی، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸

انجیل به صورت حیرت‌انگیزی، در مورد پس از مرگ سکوت می‌کند. یک کتاب کوچک خوب، کتاب **The Bible On the Life Hereafter** اثر ویلیام هندریکسن می‌باشد.



## موضوع خاص: مردگان، کجا هستند؟ (SHEOL/HADES, GEHENNA, TARTARUS)

### (SPECIAL TOPIC: THE DEAD, WHERE ARE THEY? (SHEOL/HADES, GEHENNA, TARTARUS))

#### I. عهد عتیق

A. همه انسانها به *Sheol* (دنیای زیر زمین در زبان عبری) می‌روند (هیچ ریشه‌ای برای این کلمه موجود نیست و ریشه آن مشخص نیست، BDB 982, KB 1368)، و شیوه‌ای است برای اشاره به مکانی که مردگان را در آنجا گذاشته و در آنجا زندگی می‌کنند یا قبر است، بیشتر در ادبیات عرفانی و اشعیا استفاده شده است. در عهد عتیق هستی در سایه، هشیار ولی بدون لذت وجود دارد (مراجعه شود به یعقوب ۱۰: ۲۱ الی ۲۲، ۳۸: ۱۷).

#### B. مشخصه های شئول (*Sheol*)

۱. با داوری خدا همراه است (آتش)، تشبیه ۳۲: ۲۲
۲. زندانی با دروازه، یعقوب ۳۸: ۱۷، مزمور ۹: ۱۳، ۱۰۷: ۱۸
۳. سرزمین بدون بازگشت، یعقوب ۷: ۹ (اصطلاح اکادادی برای مرگ)
۴. سرزمین/قلمرو تاریکی، یعقوب ۱۰: ۲۱ الی ۲۲، ۱۷: ۱۳، ۱۸: ۱۸
۵. مکان سکوت، مزمور ۲۸: ۱، ۳۱: ۱۷، ۹۴: ۱۷، ۱۱۵: ۱۷، اشعیا ۴۷: ۵
۶. همراه با مجازات حتی قبل از روز داوری، مزمور ۱۸: ۴ الی ۵
۷. همراه با شیطان (تخریب، موضوع خاص: شیطان را مطالعه کنید)، که در آن خدا نیز حضور دارد، یعقوب ۲۶: ۶، مزمور ۱۳۹: ۸، عاموس ۹: ۲
۸. همراه با گودال است (قبر)، مزمور ۱۶: ۱۰، ۸۸: ۳ الی ۴، اشعیا ۱۴: ۱۵، حزقیال ۳۱: ۱۵ الی ۱۷
۹. افراد شرور زنده وارد شئول می‌شوند، اعداد ۱۶: ۳۰ الی ۳۳، یعقوب ۷: ۹، مزمور ۵۵: ۱۵
۱۰. انسان حیوان‌نمایی با دهان بزرگ، اعداد ۱۶: ۳۰، امثال ۱: ۱۲، اشعیا ۵: ۱۴، حبوق ۲: ۵
۱۱. به مردم آنجا رفتیم (یعنی روح مردگان) گفته می‌شود، یعقوب ۲۶: ۵، امثال ۲: ۱۸، ۲۱: ۱۶، ۲۶: ۱۴، اشعیا ۱۴: ۹ الی ۱۱
۱۲. با این وجود، حتی در اینجا نیز یهوه حاضر است، یعقوب ۲۶: ۶، مزمور ۱۳۹: ۸، امثال ۱۵: ۱۱

#### II. عهد جدید

A. کلمه عبری شئول در زبان یونانی به *Hades* (ترجمه می‌شود (دنیای دیده نشده))

B. مشخصه‌های *Hades* (همانند شئول است)

۱. اشاره به مرگ دارد، انجیل متی ۱۶: ۱۸
۲. به مرگ مرتبط است، مکاشفه ۱: ۱۸، ۶: ۸، ۲۰: ۱۳ الی ۱۴
۳. اغلب شبیه مکانی برای مجازات دائمی است (*Gehenna* یا جهنم)، انجیل متی ۱۱: ۲۳ (نقل از عهد عتیق)، انجیل لوقا ۲۳: ۴۳

#### C. احتمالاً مجزا شده (روحانیون)

۱. بخش نیکی آن بهشت نامیده می‌شود (مراجعه شود به دوم قرن‌تینان ۱۲: ۴، مکاشفه ۲: ۷)، انجیل لوقا ۲۳: ۴۳
۲. بخش پلیدی آن که تارتاروس نامیده می‌شود، مکانی به مراتب پائینتر از حادس، دوم پطرس ۲: ۴، که در آن شیاطین هستند (مراجعه شود به پیدایش ۶، اول انوش). پرتگاه (*Abyss*)، انجیل لوقا ۸: ۳۱، رومیان ۱۰: ۷، مکاشفه ۹: ۱ الی ۲ و ۱۱، ۱۱: ۱۷، ۷: ۱ و ۲۰: ۳

#### D. جهنما (جهنم)

۱. منعکس کننده یک عبارت عهد عتیقی است، "دره پسران هینوم"، (جنوب اورشلیم). مکانی بود که خدای آتش فینقیان، مولک (KB591, BDB 574) با قربانی کردن کودکی پرستش و عبادت می‌شد (مراجعه شود به دوم پادشاهان ۱۶: ۳، ۲۱: ۶، دوم قرن‌تینان ۲۸: ۳، ۳۳: ۶)، که در لایوان ۱۸: ۲۱، ۲۰: ۲ الی ۵ منع شده بود.
۲. ارمیا این مکان را از محل عبات کفار و بت پرستان تبدیل به محل داوری یهوه کرد (مراجعه شود به ارمیا ۷: ۳۲، ۱۹: ۶ الی ۷).
۳. این مکان تبدیل به محل داوری آتشین در اول انوش ۹۰: ۲۶ الی ۲۷ و خوبشان ۱: ۱۰۳
۳. یهودیان روزگار عیسی اجدادشان از حضور در مراسم عبادت بت پرستان و کفار به خاطر قربانی کردن کودکان ترسانده بودند، به همین دلیل آنها این مکان را تبدیل به زباله‌دانی شهر اورشلیم کرده بودند. بسیاری از استعاره‌های داوری جاودانی عیسی از

این مکان می‌آیند (آتش، دود، کره‌ها، بوی تعفن، مراجعه شود به انجیل مرقس ۹: ۴۴ و ۴۶). اصطلاح جهنم/جهنم فقط توسط عیسی استفاده شده است (به استثنای یعقوب ۳: ۶).

#### ۴. استفاده عیسی از جهنم

- a. آتش، انجیل متی ۵: ۲۲، ۱۸: ۹، انجیل مرقس ۹: ۴۳
  - b. همیشگی، انجیل مرقس ۹: ۴۸ (انجیل متی ۲۵: ۴۶)
  - c. محل خراب شدن (هم روح و هم جسم)، انجیل متی ۱۰: ۲۸
  - d. همسو با شئول، انجیل متی ۵: ۲۹ الی ۳۰، ۱۸: ۹
  - e. پلیدی را بیان می‌دارد مانند "فرزند جهنم"، انجیل متی ۲۳: ۱۵
  - f. نتیجه حکم داوری، انجیل متی ۲۳: ۳۳، انجیل لوقا ۱۲: ۵
  - g. مفهوم جهنم همسو با مرگ دوم است (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۱۱، ۲۰: ۶ و ۱۴) یا دریاچه آتش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۴۲ و ۵۰، مکاشفه ۱۹: ۲۰، ۲۰: ۱۰ و ۱۴ الی ۱۵، ۲۱: ۸). احتمال دارد که دریاچه آتش تبدیل به محل دائمی انسانها (از شئول) و شیطان (از تارتاروس، دوم پطرس ۲: ۴، یهوذا ۱: ۶ یا هاویه، مراجعه شود به انجیل لوقا ۸: ۳۱، مکاشفه ۹: ۱ الی ۱۱، ۲۰: ۱ و ۳) شود.
  - h. این برای انسانها نبود، بلکه برای شیطان و فرشتگان او بود، مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۴۱
- E. این احتمال هست، به واسطه همپوشانی حادثه و شئول و جهنم که:
۱. همه انسانها به شئول/حادثه بروند
  ۲. کارهای (نیک و بد) آنها پس از داوری تشدید می‌شود، ولی مکان پلیدی بود، به همین دلیل انجیل KJV حادثه را قبر و جهنم را جهنم ترجمه کرده است.
  ۳. تنها جایی در انجیل که مجازات قبل از داوری را ذکر کرده، تمثیل انجیل لوقا ۱۶: ۱۹ الی ۳۱ (ایلغاز و مرد ثروتمند) است. شئول به عنوان مکان فعلی مجازات توصیف شده (مراجعه شود به تثنیه ۳۲: ۲۲، مزبور ۱۸: ۱ الی ۵). با این حال، کسی نمی‌تواند برای آن دکترینی یا تمثیلی تعریف کند.

### III.

حالت میان مرگ و بازگشت از مرگ

- A. انجیل جاودانگی روح را تعلیم نمی‌دهد، که یکی از چندین نگرش باستانی در مورد پس از مرگ است، و تصریح می‌کند که:
۱. روح انسان قبل از زندگی فیزیکی وجود داشته است
  ۲. روح انسان قبل و بعد از مرگ فیزیکی جاویدان است
  ۳. اغلب جسم فیزیکی به عنوان زندان دیده می‌شود و مرگ آن را به حالت قبل از وجود تبدیل می‌کند
- B. عهد جدید به حالت جدا شدن از بدن میان مرگ و رستاخیز اشاره می‌کند
۱. عیسی از حالت جدایی میان بدن و روح صحبت می‌کند، انجیل متی ۱۰: ۲۸
  ۲. ابراهیم ممکن است جسم داشته باشد، انجیل مرقس ۱۲: ۲۶ الی ۲۷، انجیل لوقا ۱۶: ۲۳
  ۳. موسی و الیاس در زمان تغییر شکل بدن فیزیکی داشتند، انجیل متی ۱۷
  ۴. پولس تصریح می‌کند که در زمان آمدن دوم، مومنینی که با عیسی می‌آیند ابتدا بدن جدیدی می‌گیرند، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸
  ۵. پولس تصریح می‌کند که مومنین در روز رستاخیز بدن معنوی جدیدی می‌گیرند، اول قرنتیان ۱۵: ۲۳ و ۵۲
  ۶. پولس تصریح می‌کند که مومنین به حادثه نمی‌روند، ولی در زمان مرگ با عیسی هستند، دوم قرنتیان ۵: ۶ و ۸، فیلیپیان ۱: ۲۳. عیسی بر مرگ غلبه کرد و پارسایان را با خود به بهشت برد، اول پطرس ۳: ۱۸ الی ۲۲.

### IV. بهشت

- A. این اصطلاح به سه مفهوم در انجیل استفاده شده است
۱. اتمسفر بالای زمین، پیدایش ۱: ۱ و ۸، اشعیا ۴۲: ۵، ۴۵: ۱۸
  ۲. بهشت درخشان، پیدایش ۱: ۱۴، تثنیه ۱۰: ۱۴، مزبور ۱۴۸: ۴، عبرانیان ۴: ۱۴، ۷: ۲۶
  ۳. محل پادشاهی خدا، تثنیه ۱۰: ۱۴، اول پادشاهان ۸: ۲۷، مزبور ۱۴۸: ۴، افسسیان ۴: ۱۰، عبرانیان ۹: ۲۴ (بهشت سوم، دوم قرنتیان ۱۲: ۲)

B. انجیل مطالب زیادی در مورد پس از زندگی بیان نمی‌کند، احتمالا به این دلیل که انسان گمراه نمی‌تواند یا توان درک آن را ندارد (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۲: ۹)

C. بهشت هم مکان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲ الی ۳) و هم فرد (دوم قرن‌تین ۵: ۶ و ۸) است. بهشت می‌تواند باغ احیا شده عدن باشد (پیدایش ۱ الی ۲، مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). زمین پاک شده و احیا می‌گردد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۳: ۲۱، رومیان ۸: ۲۱، دوم پطرس ۳: ۱۰). تصویر خدا (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) در مسیح احیا می‌شود. اینک دوستی صمیمانه باغ عدن دوباره امکانپذیر است.

با این حال، این می‌تواند استعاره‌ای باشد (بهشت به عنوان یک شهر مکعب شکل عظیم مکاشفه ۲۱: ۹ الی ۲۷) و نه فقط مفهومی. اول قرن‌تین ۱۵ تفاوت‌های میان بدن فیزیکی و بدن معنوی را به عنوان بذر گیاه بالغ توصیف می‌کند. اول قرن‌تین ۲: ۹ (نقل قولی از اشعیا ۶۴: ۴ و ۶۵: ۱۷) وعده بزرگی است. می‌دانم که وقتی او را ببینیم، همانند او خواهیم بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲).

V. منابع مفید

A. William Hendriksen, *The Bible On the Life Hereafter*

B. Maurice Rawlings, *Beyond Death's Door*

۱۴: ۴ "شما راه را می‌دانید" گفته عیسی باعث شد که توما تردید خود را در باره دانستن راه ابراز دارد. پاسخ عیسی با سه اصطلاح متفاوت اغلب در عهد عتیق بیان شده است.

۱۴: ۶ "من راه هستم" در عهد عتیق از ایمان انجیلی به عنوان راه و شیوه زندگی صحبت می‌شود (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۵: ۳۲ الی ۳۳، ۳۱: ۲۹، مزمور ۲۷: ۱۱، اشعیا ۳۵: ۸). عنوان کلیسای اولیه "راه" بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲، ۱۹: ۹ و ۲۳، ۲۴: ۱۴ و ۲۲). عیسی تاکید می‌کرد که او تنها راه به سوی خدا است. این ذات الهیات انجیل یوحنا است. شیوه زندگی و اعمال خوب شواهد ایمان فردی هستند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۹ و ۱۰)، نه ابزاری برای صداقت. مراجعه کنید به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۱۲).

■ "راستی" کلمه "راستی" در فلسفه یونانی مفهوم "راستی" در برابر "دروغ" یا "واقعیت" در برابر "توهم" دارد. با این وجود، این شاگردان که به زبان آرامی سخن می‌گفتند صحبت‌های عیسی را با مفهوم عهد عتیقی آن که "وفاداری" یا "صداقت" است، درک می‌کردند (مراجعه شود به مزمور ۲۶: ۳، ۸۶: ۱۱، ۱۱۹: ۳۰). "راستی" و "زندگی" مشخصه "راه" هستند. اصطلاح "راستی" اغلب در انجیل یوحنا استفاده می‌شد تا کارهای خداوند را توصیف کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴، ۴: ۲۳ الی ۲۴، ۸: ۳۲، ۱۴: ۱۷، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳، ۱۷: ۱۷ و ۱۹). موضوع خاص حقیقت/راستی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

■ "زندگی" کلمه "زندگی" (*zoā*) در انجیل یوحنا برای توصیف زندگی عصر جدید استفاده شده است. در عهد عتیق، از سبک زندگی از روی ایمان مومن، به عنوان شیوه زندگی صحبت می‌شود (مراجعه شود به مزمور ۱۶: ۱۱، امثال ۶: ۲۳، ۱۰: ۱۷). هر سه این اصطلاحات در رابطه با شیوه زندگی از روی ایمان هستند که فقط در رابطه فردی با عیسی دیده می‌شوند.

■ "هیچ‌کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی‌آید" عجب ادعای شوکه کننده‌ای! خیلی محدود کننده و البته کاملا مشخص که عیسی معتقد بود فقط به واسطه یک رابطه شخصی با او می‌توان خدا را شناخت (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۰ الی ۱۲). اغلب به این مطلق بودن مسیحیت گفته می‌شود. هیچ حد وسطی وجود ندارد. یا این مطلب درست است یا مسیحیت دروغ است! به چندین شیوه این مشابه انجیل یوحنا ۱۰ است.

■ "اگر" یک تفاوت در نسخ دستنویس در رابطه با نوع عبارت شرطی وجود دارد. متن یونانی *United Bible Societies* از شرط نوع اول پشتیبانی می‌کند، همانند نسخ دستنویس یونانی <sup>66</sup>P، D و ۸. در نتیجه این عبارت به این صورت ترجمه می‌شود "اگر من را می‌شناختید که می‌شناسید، پس پدرم را نیز می‌شناختید، که می‌شناسید".

می‌تواند جمله شرطی نوع دوم هم باشد که اغلب "برخلاف حقیقت" نامیده می‌شود. در این صورت جمله عبارت بدین شکل می‌شود "اگر من را می‌شناختید که نمی‌شناسید، پس پدرم را نیز می‌شناختید، که نمی‌شناسید". این حالت توسط دستنویس‌های A، B، C، D<sup>b</sup>، K، L و X پشتیبانی می‌شود. این عبارت سختی است زیرا تصور می‌کنیم که شاگردان به واسطه عیسی به عنوان مسیح که توسط بیهوش فرستاده شده رستگار شده بودند. پذیرش حقیقت جدید و نهایتا انحصاری باید سخت باشد. انجیل یوحنا به نظر می‌رسد که از سطوح مختلف ایمان صحبت می‌کند. این متن به نظر می‌رسد که از حالت دوم شرط پشتیبانی می‌کند. همچنین به همین حالت در انجیل یوحنا ۱۴: ۲ و ۲۸ توجه کنید.

■ "من را می‌شناختید" عیسی تمامی شاگردان را مجددا خطاب می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۹). اصطلاح "شناختن" در مفهوم عهد عتیقی

آن استفاده شده است، که از رابطه صمیمی صحبت می‌کند نه فقط شناختن (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱، ارمیا ۱: ۵).

■ **پدرم را نیز می‌شناختید** دیدن عیسی دیدن خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ الی ۱۸، ۵: ۲۵، ۱۲: ۴۴ الی ۴۵، دوم قرتیان ۴: ۴، کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۳)! عیسی آشکارکننده کامل خدای نامرئی است. هر کس که عیسی را انکار کند، نمی‌تواند ادعا کند که خدا را می‌شناسد (مراجعه کنید به اول یوحنا ۵: ۹ الی ۱۲).

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۴: ۸ الی ۱۴

<sup>۸</sup>فیلیپس به او گفت: "سرور ما، پدر را به ما بنما، که همین ما را کافی است." <sup>۹</sup>عیسی به او گفت: "فیلیپس، دیری است با شما هستم و هنوز مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دیده، پدر را دیده است؛ پس چگونه است که می‌گویی "پدر را به ما بنما"؟ آیا باور نداری که من در پدرم و پدر در من است؟ سخنانی که من به شما می‌گویم از خودم نیست، بلکه پدری که در من ساکن است، اوست که کارهای خود را به انجام می‌رساند. <sup>۱۱</sup>این سخن مرا باور کنید که من در پدرم و پدر در من است؛ وگرنه به سبب آن کارها این را باور کنید.

<sup>۱۲</sup>"آمین، آمین. به شما می‌گویم، آن که به من ایمان داشته باشد، او نیز کارهایی را که من می‌کنم، خواهد کرد، و حتی کارهایی بزرگتر از آن خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم. <sup>۱۳</sup>و هرآنچه به نام من درخواست کنید، من آن را انجام خواهم داد، تا پدر در پسر جلال یابد. <sup>۱۴</sup>اگر چیزی به نام من از من بخواهید، آن را انجام خواهم داد.

۸: ۱۴ **فیلیپس به او گفت** "ظاهراً فیلیپس (۱) تصویری از خدا می‌خواست (تجلی خدا به انسان یا *Theophany*) چیزی شبه موسی، اشعیا یا حزقیال یا (۲) او کاملاً سخنان عیسی را اشتباه درک کرده بود. عیسی با تأیید اینکه وقتی فیلیپس او را دیده و شناخته، خدا را هم دیده و شناخته به او پاسخ داد (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۱۳).

NASB	"برای ما کافی است"
NKJV	"برای ما کفایت می‌کند"
NRSV	"ما اقناع می‌شویم"
TEV	"این تمام چیزی است که می‌خواهیم"
NJB	"پس ما اقناع خواهیم شد"

این شاگردان نوعی تأییدیه همانند فریسیان می‌خواستند. با این وجود، مومنین در مسائل معنوی باید با ایمان گام بردارند نه بر اساس آنچه که می‌بینند (مراجعه شود به دوم قرتیان ۴: ۱۸، ۵: ۷).

۹: ۱۴ **دیری است با شما هستم** توجه کنید که این جمله جمع است. فیلیپس سوالی را پرسید که همه به آن فکر می‌کردند.

■ **"کسی که مرا دیده، پدر را دیده است"** این وجه وصفی کامل فعال و یک فعل کامل فعال است که یعنی "دیده است و دیدن همچنان ادامه دارد". عیسی به صورت کامل خدا را آشکار می‌کند (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۳).

۱۰: ۱۴ سوال عیسی در یونانی انتظار پاسخ "بله" دارد. موضوع خاص "پایداری" در نوشته‌های یوحنا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید. ■ **"تو...شما"** اولی مفرد و اشاره به فیلیپس دارد. دومی جمع بوده و اشاره به گروه شاگردان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۷ و ۱۰).

■ **"سخنانی که من به شما می‌گویم از خودم نیست"** در همه کارها عیسی از طرف پدر عمل می‌کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۴، ۵: ۱۹ و ۳۰، ۱۶: ۷ و ۱۸، ۸: ۲۸، ۱۰: ۳۸، ۱۲: ۴۹). تعالیم عیسی گفته‌های خدا هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۴).

■ **"بلکه پدری که در من ساکن است، اوست که کارهای خود را به انجام می‌رساند"** این رفاقت با خدا و پسر (یعنی انجیل یوحنا ۷: ۱۴، ۸: ۲۸، ۱۰: ۳۸)، که در دعای والای عیسی در فصل ۱۷ بر آن تأکید می‌شود، تبدیل به اساس پایبندی مومنین در مسیح در فصل ۱۵ می‌شود. انجیل یوحنا رستگاری را به عنوان (۱) دکنترین، (۲) رفاقت، (۳) اطاعت، (۴) استقامت آشکار می‌کند.

۱۱: ۱۴ **"باور کنید"** این عبارت حال امری فعال یا حال فعال اخباری است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱). متون یونانی (P<sup>66</sup>، P<sup>75</sup>، D، L و W) فعال "باور کردن" و بدنبالش (*hoti*) "که" که دلالت بر این دارد که آنها باید حقیقت در مورد یکی بودن عیسی و پدر را بپذیرند. در سایر نوشته‌های باستانی (MSS A و B) حالت مفعولی "در من" اضافه شده است، و عنصر فردی ایمان را نشان می‌دهد. اساتید یونانی *United Bible Societies* معتقدند که اولین گزینه اصل بوده است (مراجعه شود به بروس ام مترگر، *A Textual Commentary on the Greek New Testament* B که این گزینه رتبه B-

تقریباً مطمئن - می‌دهد. (صفحه ۲۴۴). بیشتر ترجمه‌های مدرن "در من" را حفظ کرده‌اند ولی "که" به آن اضافه کرده‌اند (که نشان می‌دهد باید متن را باور کرد).

■ **وگرنه به سبب آن کارها این را باور کنید** عیسی به آنها می‌گوید که به کارهایش ایمان آورند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۳۶، ۱۰: ۲۵ و ۳۸). کارهای او نبوت عهد عتیق را به انجام رساندند. کارهای او فاش کردند که کیست! شاگردان، همانند بقیه ما، باید ایمان خود را تقویت کنیم.

۱۴: ۱۲ "آمین، آمین" به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۵۱ مراجعه کنید.

■ **"آن که به من ایمان داشته باشد، او نیز کارهایی را که من می‌کنم، خواهد کرد"** ایمان داشتن یک فعالیت صرفاً فکری نیست بلکه عملکرد از روی کلام است. عبارت "حتی کارهایی بزرگتر از آن خواهد کرد" زمان آینده فعال اخباری دلالتی است که باید بدین شیوه ترجمه شود "او کارهای بزرگتر خواهد کرد". این احتمالاً اشاره دارد به

۱. بعد جغرافیایی (انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰)

۲. ماموریت کفار

۳. روح که با هر مومنی باشد

۴. عبادت روحانی عیسی (مراجعه شود به عبرانیان ۷: ۲۵، ۹: ۲۴)

به موضوع خاص: عبادت، نامحدود با این حال محدود در بخش مربوط به اول یوحنا ۳: ۲۲، B2 مراجعه شود.

عبارت آخر "او انجام خواهد داد" برای مسیحیت انجیلی حساس است. همانطور که پدر پسر را فرستاد، پسر شاگردانش را فرستاد. بودن در مسیح، داشتن حیات جاویدان یعنی کار بزرگ و فعال قلب و ذهن. مسیحیت یک فرقه یا عقیده نیست که برای یک روز بارانی آن را دریافت کنیم. جهت جدیدی در زندگی است، یک جهان‌بینی جدید! همه چیز را تغییر می‌دهد. باید یک شیوه زندگی تعمیدی، روزانه، در مسیر پادشاهی و فداکارانه باشد.

کلیسا باید

۱. بشارت هر مومن

۲. اولویت در ماموریت بزرگ

۳. خدمت تعمیدی بدون خودخواهی

۴. اینک همانند مسیح بودن

را بازپس بگیرد.

۱۴: ۱۳ الی ۱۴ "هر آنچه به نام من درخواست کنید، من آن را انجام خواهیم داد" توجه کنید که عیسی ادعا می‌کند که او به دعا‌های ما بر اساس سرشت خود پاسخ می‌دهد. در اعمال رسولان ۷: ۵۹ استفان بنام عیسی دعا می‌کند. در دوم قرنتیان ۱۲: ۸ پولس بنام عیسی دعا می‌کند. در انجیل یوحنا ۱۵: ۱۶ و ۱۶: ۲۳ مومنین باید پدر را خطاب کنند. درخواست کردن بنام عیسی در انتهای عبادت نیاز به فرمول جادویی ندارد، بجز عبادت در اراده و ذات عیسی.

این مثال خوبی است از نیاز به مشاوره در متون هم سو، قبل از اینکه اظهارات دگماتیک در موضوعات انجیلی ابراز داریم. فرد باید در هر آنچه درخواست می‌کند تعادلی برقرار کند با

۱. "بنام من" (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ الی ۱۴، ۱۵: ۷ و ۱۶، ۱۶: ۲۳)

۲. "به درخواست خود ادامه دهید" (انجیل متی ۷: ۷ الی ۸، انجیل لوقا ۱۱: ۵ الی ۱۳، ۱۸: ۱ الی ۸)

۳. "موافقت دو نفر" (انجیل متی ۱۸: ۱۹)

۴. "ایمان داشتن" (انجیل متی ۲۱: ۲۲)

۵. "بدون تردید" (انجیل مرقس ۱۱: ۲۲ الی ۲۴، جیمز ۱: ۶ الی ۷)

۶. "بدون خودخواهی" (جیمز ۴: ۲ الی ۳)

۷. "دستورات او را حفظ کنید" (اول یوحنا ۳: ۲۲)

۸. "بر اساس اراده خدا" (انجیل متی ۶: ۱۰، انجیل یوحنا ۵: ۱۴ الی ۱۵)

نام عیسی معرف ذات او است. راه دیگری برای اشاره به فکر و قلب عیسی است. عبارت اغلب در انجیل یوحنا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ الی ۱۴ و ۲۶، ۱۵: ۱۶، ۱۶: ۲۳ الی ۲۶) دیده می‌شود.

هر چه بیشتر فرد شبیه به عیسی باشد، بیشتر یقین هست که به دعایش پاسخ داده مثبت شود. بدترین کاری که خدا به صورت معنوی می تواند برای بیشتر مومنین انجام دهد این است که به دعاهاى خودخواهانه و مادى پاسخ دهد. به یادداشت مربوط به بخش اول یوحنا ۳: ۲۲ مراجعه کنید.

## موضوع خاص: دعای موثر

### (SPECIAL TOPIC: EFFECTIVE PRAYER)

A. مرتبط با رابطه فردی با تثلیث خدا

۱. در رابطه با اراده پدر

a. انجیل متی ۶: ۱۰

b. اول یوحنا ۳: ۲۲

c. اول یوحنا ۵: ۱۴ الی ۱۵

۲. پایداری در عیسی

a. انجیل یوحنا ۱۵: ۷

۳. دعا بنام عیسی

a. انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۱۴

b. انجیل یوحنا ۱۵: ۱۶

c. انجیل یوحنا ۱۶: ۲۳ الی ۲۴

۴. دعا در روح

a. افسسیان ۶: ۱۸

b. یهودا ۱: ۲۰

B. در رابطه با انگیزه های فردی

۱. تردید نداشتن

a. انجیل متی ۲۱: ۲۲

b. یعقوب ۱: ۶ و ۷

۲. تقاضای بیمورد داشتن

a. یعقوب ۴: ۳

۳. از روی خودخواهی درخواست کردن

a. یعقوب ۴: ۲ و ۳

C. در رابطه با گزینه های فردی

۱. استقامت

a. انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۸

b. کولسیان ۴: ۲

c. یعقوب ۵: ۱۶

۲. اختلاف نظر

a. اول پطرس ۳: ۷

۳. گناه

a. مزمو ۶۶: ۱۸

b. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲

c. اشعیا ۶۴: ۷

به دعاها پاسخ داده می شود، ولی همه دعاها مستجاب نمی شوند. دعا یک رابطه دو طرفه است. بدترین کاری که خدا می تواند انجام دهد برآورده کردن درخواستهای نامناسب است.

موضوع خاص: نام خدا (عهد جدید)

■ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که معنی آن احتمال وقوع رخداد است.

■ "هرآنچه به نام من درخواست کنید" معمولاً از مومنین درخواست می‌شود دعای خود را در روح، از طریق پسر با پدر بگویند. این آیه تنها آیه در انجیل یوحنا است که دعا را مسقتیم از طریق خود هدایت می‌کند.  
این امر می‌تواند دلیل آن باشد که چرا برخی دستنوشته‌های باستانی یونانی، عبارت "من را" را حذف کرده‌اند (مثلاً MSS، A، D، L و برخی نسخه‌های قدیمی لاتین، والگیت، کپتیک (Coptic)، اتیوپیایی، و اسلاو).<sup>4</sup> UBS به اضافه کردن رتبه B می‌دهد (تقریباً یقین). در نسخه‌های MSS، P<sup>66</sup>، P<sup>75</sup>، B، W و برخی نسخه‌های قدیمی والگیت و سوریه‌ای اضافه شده است.

**NASB: انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵ الی ۱۷**

<sup>۱۵</sup> "اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت." <sup>۱۶</sup> و من از پدر خواهم خواست و او مدافعی دیگر به شما خواهد داد که همیشه با شما باشد،<sup>۱۷</sup> یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را بپذیرد، زیرا نه او را می‌بیند و نه می‌شناسد؛ اما شما او را می‌شناسید، چرا که نزد شما مسکن می‌گزیند و در شما خواهد بود.

۱۵: ۱۴ "اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت" این جمله شرطی نوع است که از احتمال وقوع یک رخداد سخن می‌گوید. عشق به خدا در مسیح با اطاعت بیان شده است. "نگاه خواهید داشت" زمان آینده فعال اخباری است که به جای حال امری استفاده شده است (فرایبرگ، *Analytical Greek New Testament*، صفحه ۳۳۷).

اطاعت بی‌نهایت مهم است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۱، ۱۴: ۲۱ و ۲۳ الی ۲۴، ۱۵: ۱۰، اول یوحنا ۲: ۳ الی ۵، ۳: ۲۲ و ۲۴، ۵: ۳، دوم یوحنا ۶، انجیل لوقا ۶: ۴۶). آیات ۲۱، ۲۳ و ۲۴ نیز بر همین حقیقت تأکید می‌کنند. اطاعت، مدرک ایمان آوردن واقعی است (مراجعه شود به یعقوب و اول یوحنا).

نسخه NKJV حالت امری دارد "احکام مرا نگاه دارید"، که توسط MSS A, D, W، والگیت و بسیاری از پدران کلیساها حمایت می‌شود.

۱۶: ۱۴ "به شما خواهد داد" به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ مراجعه کنید.

NASB, NKJV, TEV "حامی دیگر"

NRSV "مدافع دیگر"

NJB "میانجی دیگر"

اصطلاح "دیگر" ترجمه کلمه یونانی **allos** است که به معنی "یکی دیگر از همین نوع" می‌باشد. روح‌القدس "عیسی دیگر" خطاب شده است (G. Campbell Morgan، موضوع خاص زیر را مطالعه کنید).

اصطلاح دوم، اصطلاح یونانی **paraklētōs** است که در مورد عیسی در اول یوحنا ۲: ۱ (به عنوان میانجی) و در مورد روح‌القدس در انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ و ۱۶: ۷ الی ۱۴ استفاده شده است. ریشه این اصطلاح به معنی کسی که برای کمک فرا خوانده شده، در مفهوم قانونی است. بنابراین اصطلاح "میانجی" دقیقاً این کلمه را ترجمه می‌کند. حالتی از همین ریشه یونانی "راحت" (**parakalēō**) اولین بار در مورد پدر در دوم قرن‌تیان ۱: ۳ الی ۱۱ استفاده شده است.

ترجمه اسم "میانجی" (**paraklētōs**) از سیستم قانونی روم می‌آید. ترجمه تسلی دهنده اولین بار توسط ویکلیف استفاده شد و منعکس کننده استفاده حالت فعل (**parakalēō**) در انجیل یونانی بود (یعنی دوم سموئیل ۱۰: ۴، اول قرن‌تیان ۱۹: ۳، یعقوب ۱۶: ۲، مزبور ۶۹: ۲۰، جامعه ۴: ۱، اشعیا ۳۵: ۴). می‌تواند متضاد شیطان باشد (متهم کننده).

هم فیلو و هم جوزفوس این اصطلاح را در مفهوم "میانجی" یا "مشاور" استفاده کرده‌اند.

**موضوع خاص: عیسی و روح**

**(SPECIAL TOPIC: JESUS AND THE SPIRIT)**

جریان روانی میان کار روح و پسر وجود دارد. G. Campbell Morgan می‌گوید بهترین نام برای روح "عیسی دیگر" است (با این حال، آنها از یکدیگر متمایز و بوده و زندگی جاویدان دارند). فهرست زیر مقایسه مشخصه کار و عناوین پسر و روح هستند

- A. روح "روح عیسی" یا عبارات خطاب گفته می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۷، غلاطیان ۴: ۶، اول پطرس ۱: ۱۱)
۱. "حقیقت"
    - a. عیسی (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶)
    - b. روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۶: ۱۳)
  ۲. "حامی"
    - a. عیسی (اول یوحنا ۲: ۱)
    - b. روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷)
  ۳. "مقدس"
    - a. عیسی (انجیل مرقس ۱: ۲۴، انجیل لوقا ۱: ۳۵، اعمال رسولان ۳: ۱۴، ۴: ۲۷ و ۳۰)
- B. هر دو با اصطلاحات مشابه خطاب می‌شوند
۱. عیسی (انجیل متی ۲۸: ۲۰، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰ و ۲۳)، ۱۵: ۴ و ۵، رومیان ۸: ۱۰، دوم قرنتیان ۱۳: ۵، غلاطیان ۲: ۲۰، افسسیان ۳: ۱۷، کولسیان ۱: ۲۷)
  ۲. روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ الی ۱۷، رومیان ۸: ۹ و ۱۱، اول قرنتیان ۳: ۱۶، ۶: ۱۹، دوم تیموتائوس ۱: ۱۴)
  ۳. پدر (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، دوم قرنتیان ۶: ۱۶)
- C. هر دو در مومنین مقیم هستند
- D. وظیفه روح شهادت دادن برای عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۹، ۱۶: ۱۳ الی ۱۵)

■ "که همیشه با شما باشد" سه حرف اضافه متفاوت برای اشاره به روح القدس استفاده شده است.

۱. متا (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶)، "با"

۲. پارا (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷)، "در کنار"

۳. ان (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷)، "در"

توجه کنید که روح القدس با ما، در کنار ما و درون ما است. وظیفه او است که زندگی عیسی را در مومنین آشکار کند. او تا پایان عصر با آنها خواهد بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۸، انجیل متی ۲۸: ۲۰).

توجه داشته باشید که روح القدس "او" (مذکر) خطاب می‌شود و دلالت بر این دارد روح القدس فرد است. اغلب در انجیل KJV روح القدس با حالت خنثی (it) خطاب می‌شود ولی به دلیل این است که در زبان یونانی کلمه "روح" خنثی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ و ۲۶، ۱۵: ۲۶). او سومین فرد در تثلیث است (به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ مراجعه کنید). اصطلاح تثلیث یک اصطلاح انجیلی نیست، ولی اگر عیسی از جنس خداست و روح القدس فرد است، پس نوعی اتحاد سه گانه برقرار است. خدا یک ذات الهی است ولی در قالب سه ظهور فردی و دائمی (موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ را مطالعه کنید. همچنین مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۶ الی ۱۷، ۱۷: ۲۸، ۱۹: ۱۹، اعمال رسولان ۲: ۳۳ الی ۳۴، رومیان ۸: ۹ الی ۱۰، اول قرنتیان ۱۲: ۴ الی ۶، دوم قرنتیان ۱: ۲۱ الی ۲۲، ۱۳: ۱۴، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴، ۲: ۱۸، ۴: ۴ الی ۶، تیتوس ۳: ۴ الی ۶، اول پطرس ۱: ۲).

برای "همیشه" به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۸ مراجعه کنید.

۱۷: ۱۴ "روح راستی" "راستی" همان مفهومی را دارد که انجیل یوحنا ۱۴: ۶ دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳، اول یوحنا ۴: ۶). موضوع خاص: در مورد حقیقت/راستی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید. او مخالف شیطان است، پدر دروغها (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۴).

■ "او را" "این" خنثی است تا با اصطلاح "روح" مطابق باشد (pneuma). با این وجود، در جاهای دیگر در نسخه یونانی اسم مذکر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷ و ۸ و ۱۳ و ۱۴). روح القدس واقعا زن یا مرد نیست، روح است. مهم است که به خاطر بسپاریم که او همچنین یک شخصیت برجسته است (موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ را مطالعه کنید).



■ "جهان نمی‌تواند او را بپذیرد" روح القدس فقط می‌تواند در کسانی که به عیسی ایمان دارند، وارد شود (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱: ۱۰ الی ۱۲). او هر آنچه مومن نیاز داشته باشد تامین می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱ الی ۱۱). دنیای بی ایمان (kosmos - موضوع زیر را مطالعه کنید) نمی‌تواند مسائل معنوی را درک کند و یا قدر آنها را بداند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۲: ۱۴، دوم قرنتیان ۴: ۴).

موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان)

■ "می‌شناسد.... می‌شناسید" این احتمالاً یکی دیگر از دو مفهوم بودن‌های انجیل یوحنا است. مفهوم عبری رابطه صمیمی و شخصی است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱، ارمیا ۱: ۵). معنی یونانی آن شناختن است. انجیل هم شخصی و هم شناختنی است.

■ "نزد شما مسکن می‌گزیند" سکنی گزیدن یک مفهوم کلیدی در نوشته‌های یوحنا است (یعنی فصل ۱۵)، موضوع خاص مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید). پدر در پسر سکنی گزیده، روح القدس در مومنین سکنی می‌گزیند و مومنین در پسر. این سکنی گزیدن زمان حال است، نه یک تصمیم مجرد یا پاسخ احساسی.

■ "و در شما خواهد بود" این را می‌توان به صورت "در میان شما" (حالت جمع، مراجعه شود به یادداشت NRSV) یا "در شما" (جمع، مراجعه شود به TEV، NRSV، NKJV، NASB و NJB). زنده ماندن مومن توسط خدا وعده هیجان انگیزی است. عهد جدید تصریح می‌کند که همه سه نفر تثلیث مومنین را زنده نگاه می‌دارند.

۱. عیسی (انجیل متی ۲۸: ۲۰، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰ و ۲۳، ۱۵: ۴ الی ۵، رومیان ۸: ۱۰، دوم قرنتیان ۱۳: ۵، غلاطیان ۲: ۲۰، افسسیان ۳: ۱۷، کولسیان ۱: ۲۷).

۲. روح القدس (انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ الی ۱۷، رومیان ۸: ۱۱، اول قرنتیان ۳: ۱۶، ۱۶: ۶، ۱۹: ۶، دوم تیموتائوس ۱: ۱۴)

۳. پدر (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، دوم قرنتیان ۶: ۱۶)

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۴: ۱۸ الی ۲۴

۱۸ "شما را بی‌کس نمی‌گذارم؛ نزد شما می‌آیم. پس از اندک زمانی جهان دیگر مرا نخواهد دید، اما شما خواهید دید، و چون من زنده‌ام، شما نیز خواهید زیست. <sup>۲۰</sup> در آن روز، خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما. <sup>۲۱</sup> آن که احکام مرا دارد و از آنها پیروی می‌کند، اوست که مرا دوست می‌دارد؛ و آن که مرا دوست می‌دارد، پدرم او را دوست خواهد داشت و من نیز او را دوست داشته، خود را بر او ظاهر خواهم ساخت."

۲۲ "یهودا، نه اسخریوطی، از او پرسید: "سرور من، چگونه است که می‌خواهی خود را بر ما ظاهر کنی، اما نه بر این جهان؟" <sup>۲۳</sup> عیسی پاسخ داد: "اگر کسی مرا دوست بدارد، کلام مرا نگاه خواهد داشت، و پدرم او را دوست خواهد داشت، و ما نزد او خواهیم آمد و با او مسکن خواهیم گزید. <sup>۲۴</sup> آن که مرا دوست نمی‌دارد، کلام مرا نگاه نخواهد داشت؛ و این کلام که می‌شنوید از من نیست، بلکه از پدری است که مرا فرستاده است."

۱۴: ۱۸ "شما را بی‌کس نمی‌گذارم؛ نزد شما می‌آیم" عیسی به تمامی وعده‌هایی که به شاگردانش داده بود تا عصر یکشنبه پس از پسخ در اولین ظهورش بر آنان در اتاق طبقه بالا عمل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ الی ۳۱). برخی مفسرین، اما، متن را بدین گونه می‌بینند که به آمدن روح القدس در پنتیکاست (اعمال رسولان ۲) یا آمدن دوم او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۳) اشاره دارد.

۱۴: ۱۹ "پس از اندک زمانی جهان دیگر مرا نخواهد دید، اما شما خواهید دید" آیه ۲۰ نشان می‌دهد که این اشاره با بعد از قیام او از مردگان و ظهور عیسی اشاره دارد. این جمله‌ای است که یهودا در انجیل یوحنا ۱۴: ۲۲ آن را گرفت و در پی آن سوال دیگری را پرسید. شاگردان هنوز از او انتظار داشتند که یک پادشاهی مسیحانه زمینی (انجیل متی ۲۰: ۲۰ الی ۲۸، انجیل مرقس ۱۰: ۳۵ الی ۴۵) برقرار کند و وقتی که او گفت جهان دیگر مرا نخواهد دید بسیار گیج شدند. پاسخ عیسی به یهودا (نه یهودای اسخریوطی) در انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳ و ۲۴ این بود که او خود را در زندگی افراد مسیحی آشکار آشکار خواهد کرد و در نتیجه جهان او را از طریق آنان خواهد دید!

■ "چون من زنده‌ام، شما نیز خواهید زیست" رستاخیز عیسی نمایش قدرت خدا و تمایل او در دادن زندگی بود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹ الی ۱۱، اول قرنتیان ۱۵: ۲۰ الی ۲۳ و ۵۰ الی ۵۸).

۱۴: ۲۰ "در آن روز" این عبارت معمولاً در مفهوم اسکاتولوژیک استفاده می‌شود. (موضوع خاص زیر را مطالعه کنید)، ولی می‌تواند به ظهور پس از رستاخیز عیسی یا آمدن کامل روح القدس در پنتیکاست اشاره داشته باشد.

## موضوع خاص: آن روز

### (SPECIAL TOPIC: THAT DAY)

این عبارت، "در آن روز" یا "تو آن روز"، شیوه بیان پیامبران قرن هشتم برای سخن گفتن از دیدار خدا (حضور)، هم برای داوری و هم برای رستاخیز بود.

یوشع		عاموس		میکاه	
مثبت	منفی	مثبت	منفی	مثبت	منفی
۱۱ : ۱	۵ : ۱	۱۴ : ۱ (۲)		۴ : ۲	
	۳ : ۲	۱۶ : ۲		۶ : ۳	
		۱۴ : ۳	۶ : ۴		
۱۵ : ۲					
۱۶ : ۲	۵ : ۴	۱۸ : ۵ (۲)		۱۰ : ۵	
۱۸ : ۲	۹ : ۵	۲۰ : ۵		۴ : ۷	
۲۱ : ۲	۲ : ۶	۳ : ۶	۱۱ : ۷ (۲)		
	۵ : ۷	۳ : ۸	۱۲ : ۷		
	۵ : ۹	۱۱ : ۹			
	۱۴ : ۱۰	۱۰ : ۸			
		۱۳ : ۸			

این الگو برای پیامبران متداول بود. خدا به موقع بر علیه گناه اقدام می کند، ولی همچنین یک روزی را برای کسانی که مایلند دل و اعمال خود را تغییر دهند (دل جدید، فکر جدید و یک روح جدید دریافت کنند، مراجعه کنید به حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۲۷) برای توبه و بخشش پیشنهاد می کند! هدف خدا از توبه و رستاخیز کامل خواهد شد! او مردمانی را خواهد داشت که منعکس کننده شخصیت او خواهند بود. هدف خلقت (رفاقت میان و انسان) تحقق خواهد یافت.

■ "خواهید دانست" اغلب دانستن مفهوم عبری رابطه دوستی صمیمانه فردی دارد، ولی در اینجا در پی آن "که" (*hoti*) آمده که محتوای شناختی را روشن می کند. این کلمه، همانند "باور" دارای دو مفهوم است. یوحنا این نوع کلمات را برای بیان پیام خوش انتخاب کرد. مومنین او را می شناسند (به او ایمان دارند/ او را باور دارند)، ولی همچنین حقیقت را درباره او می دانند (باور دارند که). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ را مطالعه کنید.

■ "من در پدر هستم و شما در من و من در شما" یوحنا اغلب بر یکی بودن عیسی و پدر تاکید می کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۳۸، ۱۴: ۱۰ الی ۱۱، ۱۷: ۲۱ الی ۲۳). او این حقیقت را اضافه می کند که همانطور که پدر و پسر صمیمانه به یکدیگر مرتبی هستند، همانطور هم عیسی و پیروانش به هم مرتبط هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷)!

۱۴: ۲۱ "آن که احکام مرا دارد و از آنها پیروی می کند" اینها دو وجه وصفی معلوم حاضر هستند. اطاعت حساس است (به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵ مراجعه شود). گواهی تغییر واقعی کیش است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳).

شاگردان یهودی بودند و اغلب از اصطلاحات آرامی در نوشته های خود استفاده می کردند. دعای یهودی که در زمان هر عبادت آغاز می شود تثنیه ۶: ۴ الی ۵، *shema* نامیده می شود، که معنی آن "بشنو تا بدان عمل کنی" است! این نکته توضیحات یوحنا است (مراجعه شود به جیمز ۲: ۱۴ الی ۲۶).

■ "خود را بر او ظاهر خواهیم ساخت" این اشاره دارد بر یا (۱) ظهور پس از قیام از مردگان (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۰: ۴۰ الی ۴۱) یا (۲) فرستادن روح القدس برای آشکار کردن و حالت مسیح دادن به مومن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، رومیان ۸: ۲۹، غلاطیان ۴: ۱۹).

■ عیسی باور داشت و تصریح کرد که او (۱) نماینده پدر است، (۲) از طرف پدر صحبت می‌کند و (۳) پدر را آشکار کرده است. برای مومنین این کلام اقتدار توسط عیسی که بوسیله شاگردان نویسنده ثبت شده تنها منبع اطلاعات روشن درباره خدا و اهدافش است. مومنین تأیید می‌کنند که اقتدار عیسی و کتب مقدس (که درست ترجمه شده) نهایت اقتدار، خرد، تجربه و سنت بوده، کمک‌کننده هستند ولی نباید به اینها بسنده کرد.

سلاست بیانی میان کار روح القدس و پسر وجود دارد. **G. Campbell Morgan** گفت که بهترین نام برای روح القدس "عیسی دیگر" است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ را مطالعه کنید.

۱۴: ۲۲ به یادداشت آیه ۱۹ مراجعه کنید.

■ "یهودا (نه یهودای اسخریوطی)" این نام دیگر تادئوس است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۳، انجیل مرقس ۳: ۱۸). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۴۵ را مطالعه کنید.

۱۴: ۲۳ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که معنی آن احتمال وقوع رخداد است. عشق شاگردان به عیسی در عشق آنها به یکدیگر دیده می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵ و ۲۱).

۱۴: ۲۴ "شما" سوال تفسیری این است که "طرف خطاب شما کیست؟" از نظر دستور زبان اسم در فعل "شنیدن" است (حال فعال اخباری، دوم شخص جمع). این می‌تواند اشاره کند به:

۱. مردم جهان که پیام عیسی را رد می‌کنند
۲. شاگردان که کلام عیسی را به عنوان کلام پدر پذیرفتند (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۰ الی ۱۱)

#### **NASB: انجیل یوحنا ۱۴: ۲۵ الی ۳۱**

<sup>۲۵</sup>"این چیزها را زمانی به شما گفتم که هنوز با شما هستم. اما آن مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هرآنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد.<sup>۲۷</sup> برای شما آرامش به جا می‌گذارم؛ آرامش خود را به شما می‌دهم. آنچه من به شما می‌دهم، نه چنان است که جهان به شما می‌دهد. دل شما مضطرب و هراسان نباشد.<sup>۲۸</sup> شنیدید که به شما گفتم، "من می‌روم، اما باز نزد شما می‌آیم." اگر مرا دوست می‌داشتید، شادمان می‌شدید که نزد پدر می‌روم، زیرا پدر از من بزرگتر است.<sup>۲۹</sup> اکنون این را پیش از وقوع به شما گفتم، تا چون واقع شود ایمان آورید.<sup>۳۰</sup> فرصت چندانی باقی نمانده که با شما سخن بگویم، زیرا رئیس این جهان می‌آید. او هیچ قدرتی بر من ندارد؛<sup>۳۱</sup> اما من کاری را می‌کنم که پدر به من فرمان داده است، تا جهان بدانند که پدر را دوست می‌دارم. برخیزید، برویم.

۱۴: ۲۵ "این چیزها" این باید اشاره به تعالیم اتاق طبقه بالا باشد (فصلهای ۱۳ الی ۱۷، ولی فقط در انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵، ۱۱، ۱۶، ۱ و ۴ و ۶ و ۲۵ و ۳۳ آمده است).

■ "روح القدس" این عنوان برای سومین شخص تثلیث فقط در انجیل یوحنا ۱: ۳۳، ۲۰: ۲۲ و اینجا ذکر شده است (به موضوع خاص: آن مقدس در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۲۰ مراجعه شود). با این وجود، با چندین اسم دیگر هم در انجیل یوحنا اسم برده شده است (Paraclete، روح راستی، روح)

عبارت‌های زیادی در عهد جدید وجود دارند که با اسامی فردی به روح اشاره می‌کنند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۳: ۲۹، انجیل لوقا ۱۲: ۱۲، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷ الی ۱۵، موضوع خاص زیر را مطالعه کنید). متون دیگری هستند که از اسم به صورت خنثی استفاده کرده‌اند زیرا در زبان یونانی کلمه روح (*pneuma*) خنثی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، رومیان ۸: ۲۶).

در این مرحله نکته‌ای در مورد مفهوم تثلیث اضافه می‌کنم. اصطلاح "تثلیث" یک کلمه انجیلی نیست، ولی در چندین متن سه ظهور فردی از یک خدا با همدیگر دیده شده است (موضوع خاص: زیر را مطالعه کنید). اگر عیسی از جنس خداست و روح فرد پس از دید الهیات به عنوان یکتاپرست (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۴ الی ۶) ما مجبور نیستیم وارد یک تثلیث در حال افزایش شویم، بلکه اینها افراد جاویدان هستند.

موضوع خاص: تثلیث

■ "پدر او را به نام من می‌فرستد" نبرد عظیمی در کلیسای اولیه (قرن چهارم) درباره اینکه روح القدس از پدر می‌آید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۴، ۱۶: ۱۶، ۱۶: ۲۶) یا از پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷، انجیل لوقا ۲۴: ۴۹، اعمال رسولان ۲: ۳۳) وجود داشت. نکته الهیاتی در جدل آریوس - اتاناسیوس الهیت کامل و جاودانگی و برابری میان خدا به عنوان پدر و عیسی به عنوان پسر بود.

■ "او همه چیز را به شما خواهد آموخت" این باید واجد شرایط باشد. روح در همه زمینه‌های دانش به مومنین تعلیم نمی‌دهد، بلکه در مورد حقیقت معنوی تعلیم می‌دهد، به خصوص در رابطه با شخص عیسی و کار او و انجیل (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۳ الی ۱۴، اول یوحنا ۲: ۲۰ و ۲۷).

موضوع خاص: شخصیت روح

■ "و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد" اهداف روح عبارتند از

۱. محکوم کردن انسانها از گناه
۲. آوردن آنها به سوی عیسی
۳. تعمید آنها در عیسی
۴. حالت دادن عیسی در آنها
۵. کمک به شاگردان که هر آنچه عیسی به آنها تعلیم داده بود را به خاطر آورند و معنی آنها را برایشان روشن سازد تا بتوانند آنها را در کتاب مقدس به ثبت برسانند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۲، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳)

عیسی خودش هم پس از رستاخیزش آنها را آموزش داد، به خصوص درباره اینکه چگونه عهد عتیق به او اشاره می‌کند و در او تحقق می‌یابد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۱۳).

۱۴: ۲۷ "برای شما آرامش به جا می‌گذارم؛ آرامش خود را به شما می‌دهم" آرامش مومنین به شرایط بستگی ندارد، بلکه به آرامش بر اساس وعده‌ها و حضور عیسی بستگی دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۳۳، فیلیپیان ۴: ۷، کولسیان ۳: ۱۵).

"آرامش" در هر دو مفهوم عینی استفاده شده است، تجدید رابطه با خدا و مفهوم موضوعی، یک احساس امنیت یا ثبات در شرایط سخت. منعکس کننده تهنیت یهودی، *Shalom*، است که یعنی هم نبود مشکلات و هم وجود رضایت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ و ۲۱ و ۲۶، سوم یوحنا ۱۴، افسسیان ۲: ۱۴، اعداد ۶: ۲۶، مزبور ۲۹: ۱۱، اشعیا ۹: ۶). مشخص کننده عصر جدید است.

### موضوع خاص: صلح/آرامش (عهد جدید)

این اصطلاح یونانی به معنی "به هم پیوستن آنچه شکسته شده است" می‌باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷، ۱۶: ۳۳، فیلیپیان ۴: ۷). عهد جدید به سه روش از صلح صحبت می‌کند:

۱. به عنوان جنبه مفعولی صلح با خدا از طریق مسیح (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۲۰)
۲. به عنوان جنبه فاعلی در راستی با خدا بودن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷، ۱۶: ۳۳، فیلیپیان ۴: ۷)
۳. که خدا در یک بدن جدید با مسیح یکی شده، هر دو را یهودیان و عرفا باور دارند (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۴ الی ۱۷، کولسیان ۳: ۱۵)

Newman and Nida, *A Translator's Handbook on Paul's Letter to the Romans* تفسیر جالبی در مورد صلح دارند:

"هم در عهد قدیم و هم در عهد جدید اصطلاح "صلح" طیف معنی گسترده‌ای دارد. اساسا خوشبختی زندگی یک نفر را توصیف می‌کند، حتی در میان یهودیان به عنوان فرمولی برای درود و تبریک پذیرفته شده است. این اصطلاح چنین معنی عمیقی دارد که همچنین می‌تواند توسط یهودیان برای توصیف رستگاری مسیحی استفاده شود. به دلیل این واقعیت، مواقعی هست که تقریبا به صورت مترادف با "در رابطه درست با خدا بودن" به کار می‌رود. در اینجا این اصطلاح برای توصیف هماهنگی رابطه برقرار شده میان انسان و خدا بر مبنای اینکه خدا انسان را در کنار خود قرار داده استفاده شده است" (صفحه ۹۲).

■ "به جا می‌گذارم" Grant Osborne در کتاب *The Hermeneutical Spiral* صفحه ۲۱ تفسیر فوق العاده‌ای در باره اولویت متن در مورد تعیین مفهوم کلمه دارد.

#### "زمینه منطقی"

در یک مفهوم دقیق و واقعی، زمینه منطقی عامل و پایه ترجمه و تفسیر است. من به شاگردانم می‌گویم اگر هر کسی نیمه خواب باشد نمی‌تواند سوالی را که می‌پرسم بشنود، پنجاه درصد احتمال وجود دارد که اگر به سوال پاسخ دهد، درست باشد. اصطلاح خودش آرایه وسیعی از تاثیرات را بر روی متن دارد. اینها را می‌توان به بهترین شکل به عنوان یک سری از دایره‌های متحدالمرکز که از خود متن به سوی خارج در حرکتند به تصویر کشید.

هرچه به سوی مرکز نزدیکتر می‌شویم، میزان تاثیر بر روی مفهوم متن بیشتر می‌شود. موضوع، برای مثال، نوع نوشته و همسوها را مشخص می‌کند، ولی اینها به اندازه بقیه نوشته در متن تاثیرگذار نیستند. ما می‌توانیم، برای مثال، کتاب مکاشفه را به عنوان مکاشفه شناسایی کنیم، با این حال، مکاشفه تعاملی و هلنیستی همسوهای مهمی را ارائه می‌دهد، بیشتر نمادها از عهد عتیق برگرفته شده‌اند. در آن سوی دیگر قیاس، متن اصلی داور نهایی برای تمامی تصمیمات در خصوص معنی یک کلمه یا مفهوم است. هیچ تضمینی نیست که پولس از اصطلاحی به همان شیوه‌ای که در فیلیپیان ۱ استفاده کرده در فیلیپیان ۲ هم استفاده کرده باشد. به بیان خیلی ساده، زبان به این شیوه عمل نمی‌کند، برای هر کلمه معانی بسیاری وجود دارند و استفاده نویسنده بستگی به متن حاضر دارد تا استفاده آن در نوشته‌های قبلی. مثالی خوب اصطلاح *ahiemi* در انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷ است، "شما را در آرامش ترک می‌کنم" و انجیل یوحنا ۱۶: ۲۸ "دوباره جهان را ترک می‌کنم". به سختی می‌توان معنی یکی را با معنی دیگری ترجمه کرد زیرا استفاده آنها کاملاً متضاد است. در اولی، عیسی به شاگردانش چیزی می‌دهد، در دومی، چیزی از آنها می‌گیرد (خودش!). حتی مثل یوحنا ۱: ۱۹ کمتر به مفهوم بخشش پرداخته می‌شود. متن بعدی کمک می‌کند که حدود معنی را مشخص کنیم (معانی دیگری که لغت می‌تواند داشته باشد)، ولی فقط خود متن می‌تواند احتمالات را کاهش داده و معنی واقعی را مشخص کند" (صفحه ۲۱).

■ "دل شما مضطرب و هراسان نباشد" این زمان حال امری مجهول است با حرف اضافه نفی که معمولاً به معنی "متوقف کردن عمل در حال انجام" می‌باشد، تکراری از انجیل یوحنا ۱۴: ۱.

۱۴: ۲۸ "اگر مرا دوست می‌داشتید" این جمله شرطی نوع دوم همانند انجیل یوحنا ۱۴: ۷ است که به آن "بر خلاف واقعیت" گفته می‌شود. بهتر است که عیسی نزد پدر برود و روح را بفرستد، ولی البته، آنها در این زمان این مطلب را تشخیص ندادند.

■ "زیرا پدر از من بزرگتر است" این عبارتی نیست که تمرکزش بر نابرابری میان پدر و پسر باشد، بلکه با تثلیث و رابطه آن با رستگاری نوع بشر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۲۹ الی ۳۰). این فرمانبرداری پسر فقط برای یک دوره زمانی بود، در طول دوره اقامتش بر روی زمین تا برنامه رستگاری پدر را تحقق بخشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۴ الی ۵، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱). با این حال، مفهومی هست که در آن پدر، که فرستنده است، نفر اصلی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۶، اول قرنیتیان ۱۵: ۲۷ الی ۲۸، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴).

۱۴: ۲۹ "اکنون این را پیش از وقوع به شما گفتم" این را برای قویتر کردن آنها ایمان گفت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۹، ۱۶: ۴).

۳۰: ۱۴

NASB "حاکم جهان"

NKJV, NRSV, TEV "حاکم این جهان"

NJB "شاهزاده این دنیا"

این اشاره به شیطان دارد، که قلمرو فعالیت او اینک زمین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱، ۱۶: ۱۱، دوم قرنیتیان ۴: ۴، "خدای این جهان"، افسسیان ۲: ۲، "شاهزاده قدرت فضا"). احتمالاً عیسی رفتن یهودا و آمدن شیطان را دیده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۲۷). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ را مطالعه کنید.

NASB, NKJV "او هیچ در من ندارد"

NRSV, TEV, NJB "او هیچ قدرتی بر روی من ندارد"

معنی این عبارت این است که شیطان هیچ دلیلی برای متهم کردن، قدرتی بر روی یا وجه اشتراکی با عیسی ندارد (مراجعه شود به عبرانیان ۴: ۱۵).

۱. جیمز مفات این جمله را به صورت "هیچ تصرفی بر من ندارد" ترجمه کرده است

۲. ویلیام اف بک به عنوان "او هیچ ادعایی بر من ندارد" ترجمه کرده است

۳. New English Bible به صورت "هیچ حقی بر من ندارد" ترجمه کرده است

۴. Twentieth Century New Testament به صورت "هیچ وجه اشتراکی با من ندارد" ترجمه کرده است

۱۴: ۳۱ "تا جهان بدانند" شیطان تحت اراده خدا است و به خاطر برنامه نهایی خدا برای رستگاری نوع بشر آلت دست قرار گرفته است. به کتاب *The Theology of the Old Testament* اثر A. B. Davidson صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶ مراجعه کنید.

■ "اما من کاری را می‌کنم که پدر به من فرمان داده است" اراده خدا بود که عیسی بمیرد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۱۰ الف و ب، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنیتیان ۵: ۲۱). به موضوع خاص: استفاده حکم در نوشته‌های یوحنا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۵۰ مراجعه کنید.

■ "برخیزید، برویم" این زمان حال میانی امری دلالتی و عبارتی بسیار سخت است زیرا در انجیل متی و مرقس زمانی که گروه پلیس ها به عیسی نزدیک می شوند، آمده است. دقیقا چرا در این متن (فصلهای ۱۳ الی ۱۷) اتاق طبقه بالایی استفاده شده مشخص نیست. احتمالا عیسی اتاق طبقه بالا را ترک کرده بود و در راه گتسمانه در حال آموزش و تعلیم بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱).

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده اند. آنها صرفا تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. تفاوت میان خداپرستی، خداگرایی و مسیحیت بر اساس آیه ۱ را توضیح دهید.
۲. سابقه عهد عتیقی سه اسم که در آیه ۶ آمده را توضیح دهید
۳. آیا کسی می تواند الهیات دعا بر پایه آیه ۱۳ به تنهایی ایجاد کند؟
۴. هدف اصلی روح القدس چیست؟ (هم برای گمراهان و هم نجات یافتگان)
۵. آیا شیطان در اراده خدا هست؟

## یوحنا ۱۵ تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
عیسی تاک حقیقی	تاک حقیقی	الگوی زندی مومنین مسیحی	عیسی تاک حقیقی	تاک حقیقی
۱۰:۱۵ الی ۱۰	۸:۱۵ الی ۸ عشق و لذت کامل شد ۱۷:۹ الی ۱۷	۱۱:۱۵ الی ۱۱	۴:۱۵ الی ۴ ۱۰:۱۵ الی ۱۰	۷:۱۵ الی ۷
۱۷:۱۱ الی ۱۷		۱۷:۱۲ الی ۱۷	۱۷:۱۱ الی ۱۷	
نفرت جهان	نفرت جهان		نفرت جهان	شاگردان و جهان ۴:۱۵ الی ۱۸
۲۵:۱۸ الی ۲۵	۲۵:۱۸ الی ۲۵ رد شدن	۲۵:۱۸ الی ۲۵	۲۵:۱۸ الی ۲۵	
۴:۱۶ الی ۲۶:۱۵	۴:۱۶ الی ۲۶:۱۵	۲۷:۲۶ الی ۲۷	۴:۱۶ الی ۲۶:۱۵	

چرخه سوم مطالعه به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

### زمینه برای انجیل یوحنا ۱:۱۵ الی ۲۷

۱. این یک عبارت فوق‌العاده و در عین حال آزار دهنده است. به عشق خدا و وعده تحقق، آن را به مومنین وعده می‌دهد و در عین حال، هشدارهای جدی هم می‌دهد. در این زمینه به سختی می‌توان در مورد سنتهای مذهبی بحث کرد. اجازه دهید از یکی از مفسرین مورد علاقه‌ام نقل قولی را ارائه دهم، اف. اف. بروس در کتاب خود *Answers to Questions* می‌گوید:

"انجیل یوحنا ۱:۱۵ و ۴ و ۶، معنی این عبارت "مگر اینکه ثابت قدم باشید" و "اگر مردی ثابت قدم نباشد" در انجیل یوحنا ۱:۱۵ و ۴ و ۶ چیست؟ آیا ممکن است که در عیسی ثابت قدم نبود؟

عباراتی مانند اینها به خودی خود سخت نیستند، مشکل وقتی نمود پیدا می‌کند که سعی می‌کنیم آنها را با خداشناسی خود و در چهارچوب کتاب مقدس درآوریم، بجای اینکه از آنها به عنوان مبنایی برای خداشناسی خود استفاده کنیم. در همان زمانی که خدای ما داشت صحبت می‌کرد، یک نمونه برجسته از کسی که نتوانست در راه او ثابت قدم باشد، یعنی یهودا اسخریوطی، دیده می‌شود. یهودا همانند یازده شاگرد دیگر انتخاب شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶:۱۳، انجیل یوحنا ۶:۷۰)، وابستگی آنها به خدا هیچ افتخار یا نفع مادی برایشان نداشت که او هم نفعی و از آن بهره‌بردار. پیام ساده کتاب مقدس که استقامت نهایی قدیسان را تعلیم می‌داد نباید به عنوان عذری برای لغزش پیام از خطر ارتداد صحبت می‌کند، مورد سو استفاده قرار گیرد" (صفحات ۷۱ و ۷۲).

۲. جالب است که چه تعداد زمانهای آئوریست در این متن که از دیدگاه الهیات انتظار می‌رود از زمان حال استفاده شود، استفاده شده‌اند. این زمانهای آئوریست به نظر می‌رسند در مفهوم جمع‌بندی کل زندگی فرد برای دیدن آن به عنوان کل استفاده شوند.

۳. بخش‌بندی پاراگراف‌های فصل ۱۵ مشخص نیستند. انجیل یوحنا، همانند اول یوحنا، مثل یک پرده نقش‌دار رنگارنگ است. الگوها مرتب تکرار می‌شوند.
۴. اصطلاح "پایداری" (*menō*) حدود ۱۱۲ مرتبه در عهد جدید تکرار شده است. چهار مورد در انجیل یوحنا و ۲۶ مورد در نامه‌های او. این یک اصطلاح الهیاتی مهم برای یوحنا بوده است. هر چند فصل ۱۵ بیان کلاسیک حکم عیسی است که ما در او ثابت قدم بمانیم، این اصطلاح تمرکز وسیعتری در انجیل یوحنا دارد.
- a. قانون برای همیشه پایدار است (انجیل متی ۵: ۱۷ الی ۱۸)، همینطور هم مسیح (۱۲: ۳۴)
- b. کتاب عبرانیان به معنی جدید مکاشفه اشاره می‌کند، نه از طریق خدمتگزار بلکه از طریق پایداری در پسر (عبرانیان ۱: ۱ الی ۳، انجیل یوحنا ۸: ۳۵)
- c. از عیسی خواسته شد تا غذایی فراهم کند که ماندگار باشد (۶: ۲۷) و میوه‌هایی به وجود آورد که ماندگار باشند (۱۵: ۱۶). هر دوی این استعاره‌ها یک حقیقت را بیان می‌کنند، نیاز ما به مسیح (۱) هم در آغاز و (۲) به صورت مستمر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۳)
- d. یحیی تعمید دهنده در زمان تعمید عیسی روح را دید که بر روی او پائین می‌آید (۱: ۳۲)
۵. موضوع خاص: پایداری در بخش اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید
۶. در آیات ۱۱ الی ۱۶ به شاگردان وعده شادی عیسی داده شد، در حالیکه در آیات ۱۷ الی ۲۷ به شاگردان وعده شکنجه عیسی داده شد. متن شکنجه در ۱۶: ۴ ادامه دارد. با این حال، به واسطه آن مومنین باید همانطور که عیسی به آنان محبت کرد، آنان هم به یکدیگر محبت کنند.

#### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: انجیل یوحنا ۱: ۱۵ الی ۱۱

<sup>۱</sup>"من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است. <sup>۲</sup>هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را قطع می‌کند، و هر شاخه‌ای که میوه آورد، آن را هرّس می‌کند تا بیشتر میوه آورد. <sup>۳</sup>شما هم اکنون به سبب کلامی که به شما گفته‌ام، پاک هستید. <sup>۴</sup>در من بمانید، و من نیز در شما می‌مانم. چنانکه شاخه نمی‌تواند از خود میوه آورد اگر در تاک نماند، شما نیز نمی‌توانید میوه آورید اگر در من نمانید."

<sup>۵</sup>"من تاک هستم و شما شاخه‌های آن. کسی که در من می‌ماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد؛ زیرا جدا از من، هیچ نمی‌توانید کرد. <sup>۶</sup>اگر کسی در من نماند، همچون شاخه‌ای است که دورش می‌اندازند و خشک می‌شود. شاخه‌های خشکیده را گرد می‌آورند و در آتش افکنده، می‌سوزانند. <sup>۷</sup>اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، هر آنچه می‌خواهید، درخواست کنید که برآورده خواهد شد. <sup>۸</sup>جلال پدر من در این است که شما میوه بسیار آورید؛ و این‌گونه شاگرد من خواهید شد."

<sup>۹</sup>"همان‌گونه که پدر مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام؛ در محبت من بمانید. <sup>۱۰</sup>اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند؛ چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبت او می‌مانم. <sup>۱۱</sup>این سخنان را به شما گفتم تا شادی من در شما باشد و شادی شما کامل شود."

۱: ۱۵ "من تاک حقیقی هستم" این یکی از "من هستم"‌های معروف عیسی در انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۶: ۳۵، ۸: ۱۲، ۱۰: ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۴، ۱۱: ۲۵، ۱۴: ۶). در عهد عتیق ساقه تاک نماد اسرائیل است (مراجعه شود به مزمور ۸۰: ۸ الی ۱۶، اشعیا ۵: ۱ الی ۷، ارمیا ۲: ۲۱، حزقیال ۱۵: ۱۰، هوشع ۱۰: ۱۰، انجیل متی ۲۱: ۳۳، انجیل مرقس ۱۲: ۱ الی ۱۲، رومیان ۱۱: ۱۷). در عهد عتیق این مثالها همیشه مفهوم منفی دارند. عیسی تأیید می‌کند که او اسرائیلی ایده‌ال بود (مراجعه شود به اشعیا ۵۳). همانطور که پولس از بدن عیسی، عروس مسیح، و ساختمان خدا به عنوان استعاره برای کلیسا استفاده کرد، یوحنا هم از تاک استفاده کرد. این دلالت بر این دارد که کلیسای اسرائیل راستین است به دلیل رابطه‌اش با عیسی، تاک حقیقی (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱۶، اول پطرس ۲: ۵ و ۹، مکاشفه ۱: ۶). موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید. یادداشت بخش انجیل یوحنا ۸: ۱۲ را هم مطالعه کنید.

برخی مفسرین تصریح کرده‌اند که مکالمه اتاق طبقه بالا با ۱۴: ۳۱ خاتمه می‌یابد، "بیانید از اینجا برویم". اگر چنین باشد، پس فصلهای ۱۵ الی ۱۷ در طول مسیر گتسمانه تعلیم داده شده بودند. دوباره، اگر چنین باشد، پس احتمالاً تصویر "تاک" نماد بصری است که تاکستان‌های طلایی در ساختمان معبد در حین اینکه عیسی با آن یازده نفر در شب از محراب عبور می‌کردند، برگرفته شده است.

■ "و پدرم باغبان است" باز هم عیسی رابطه صمیمانه خود با پدر و در عین حال فرمانبرداری از اراده پدر را بیان می‌کند.

۱۵: ۲ "هر شاخه‌ای در من که میوه نیاورد، آن را قطع می‌کند، و هر شاخه‌ای که میوه آورد، آن را هرّس می‌کند تا بیشتر میوه آورد" زمان حال مجهول دو مرتبه در این آیه ابراز شده است. میوه ثمر دادن، نه رویش، مدرکی بر رستگاری است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۶ و ۲۰، ۱۳: ۱۸، ۲۱: ۱۸ الی ۲۲،



انجیل لوقا ۶: ۴۳ الی ۴۵). متن دلالت بر این دارد که عیسی از (۱) خیانت یهودا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۶، ۱۳: ۱۰، ۱۷: ۱۲) و یا (۲) شاگردان دروغین (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ الی ۲۵، ۸: ۳۰ الی ۴۷، اول یوحنا ۲: ۱۹، دوم پطرس ۲) صحبت می کرده است. در انجیل یوحنا سطوح مختلفی از ایمان وجود دارد.

■ **"آن را هرس می کند"** مفهوم واقعی این عبارت "تطهیر می کند" است. این کلمه توسط فیلو برای هرس کردن تاکستان استفاده شده است (BDBD 386). این کلمه فقط در عهد جدید یافت می شود. این کلمه دیگری است که توسط یوحنا برای مفاهیم دوگانه انتخاب شده است (یعنی هرس کردن و تطهیر کردن، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۳، ۱۳: ۱۰). این زمان حال فعال دلالتی اخباری است. در رنج کشیدن مومنین در زندگی هدفی وجود دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۷ الی ۲۲). ثمردهی را به حداکثر می رساند، بعدها را نشان داده و آنها را به خدا واگذار می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۰ الی ۲۳، رومیان ۸: ۱۷، اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۶). برای این موضوع سخت دو کتاب عملی (۱) *Principles of Spiritual Growth* اثر مایلز استنفورد و (۲) *The Christian's Secret of a Happy Life* اثر هانا ویتهاال اسمیت را بخوانید.

این احتمال هست که به دلیل متن یکپارچه فصلهای ۱۳ الی ۱۷ برگردیم به عقب و این را به تطهیر پاهای فصل ۱۳ مرتبط کنیم. آنها قبلا حمام کرده بودند (نجات یافته بودند)، ولی پاهایشان باید شسته می شد (بخشش مداوم). این فعل زمان حال که همانند اول یوحنا ۱: ۹ به شاگردان خطاب شد به نظر می رسد که تأیید کننده باشد. نه فقط اطاعت برای پایداری لازم است بلکه توبه مداوم هم لازم است.

هدف رنج کشیدن در زندگی مومن می تواند جنبه های مختلف داشته باشد

۱. بسط شبیه عیسی شدن (مراجعه شود به عبرانیان ۵: ۸)

۲. تنبیه موقتی برای گناه

۳. خیلی ساده، زندگی در دنیای سقوط کرده

همیشه سخت است که بتوان منظور خدا را درک کرد، ولی شماره ۱ همیشه نتیجه محتمل است.

۳: ۱۵ **"پاک هستید"** اصطلاح هرس کردن (*kathairō*) در انجیل یوحنا ۱۵: ۲ از همان ریشه اصطلاح "پاک کردن" (*katharos*) است. کل این متن حاوی مدارکی است که نشان دهنده این است که شاگردان راستین هستند. اصطلاح "هم اکنون" در متن یونانی تأکید کننده است که به بقیه یازده نفر در مورد امنیت وضعیت خود در مسیح تضمین می دهد (با همین ریشه که برای یهودای اسخریوطی در انجیل یوحنا ۱۳: ۱۰ استفاده شد، مقایسه کنید).

■ **"شما هم اکنون به سبب کلامی که به شما گفته ام"** (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷، افسسیان ۵: ۲۶، اول پطرس ۱: ۲۳).

۴: ۱۵

NASB, NKJV "شما در من پایدار باشید و من در شما"

NRSV "شما در من پایدار باشید و من در شما پایدار میمانم"

TEV "با من متحد بمانید و من در شما متحد میمانم"

NJB "در من باشید و من در شما"

این عبارت امری فعال آئوریستی جمع است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۵۶ اول یوحنا ۲: ۶). سوال دستوری این است که آیا عبارت دوم، توصیفی است یا مقایسه ای؟ دفعات بیشماری در این عبارت دکتترین الهیات در خصوص استقامت قدیسان راستین تأکید می شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۴، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳، اول قرنتیان ۱۵: ۲، غلاطیان ۶: ۹، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱، ۷: ۲۱، موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۲۱ را مطالعه کنید). رستگاری راستین پاسخ اولیه و با تداوم است. تضمین انجیلی مرتبط است به:

۱. استقامت در ایمان

۲. سبک زندگی در توبه

۳. اطاعت مداوم (مراجعه شود به یعقوب و اول یوحنا)

۴. ثمر دادن (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۳)

به موضوع خاص در مورد پایداری در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ مراجعه کنید.

■ **"چنانکه شاخه نمی تواند از خود میوه آورد"** این نشان دهنده اولویت در قوانین الهی است. برای میوه به یادداشت بخش انجیل یوحنا ۱۵: ۵ مراجعه کنید.

■ **"اگر در تاک نماند، شما نیز نمی توانید میوه آورید اگر در من نمانید"** اینها هر دو جمله شرطی نوع سوم هستند که به معنی احتمال وقوع رخداد است. تاثیرگذاری معنوی ما به رابطه مداوم ما با عیسی مرتبط است.

■ "شما نیز نمی‌توانید میوه آورید اگر در من نمایند" این زمان حال فعال است و بدنبالش حال فعال اخباری. دوستی مداوم (یعنی رابطه ایمان فردی) منشا ثمر دهی مداوم است. میوه می‌تواند به گرایش مومنین و همچنین اعمال او اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۵ الی ۲۳، غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳، اول قرنتیان ۱۳). به مومنین در صورت پایداری، وعده میوه موثر و بادوام داده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۶).

■ "زیرا جدا از من، هیچ نمی‌توانید کرد" این جمله منفی مضاعف قوی است. این بیان منفی حقیقت مثبت انجیل یوحنا ۱۵: ۵ و فیلیپیان ۴: ۱۳ است.

۱۵: ۶ "اگر کسی در من نماند، همچون شاخه‌ای است که دورش می‌اندازند و خشک می‌شود" این جمله شرطی نوع سوم است. چوب تاک بدون هیچ هدف خاص بلا استفاده است (هیزم آتش) زیرا سریع می‌سوزد و بسیار داغ است (مراجعه شود به حزقیال ۱۵). به نظر می‌رسد که اشاره به یهودا و احتمالا اسرائیل دارد. اگر نه، به ایمان دروغین اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۴۱ الی ۴۲ و ۵۰، و اول یوحنا ۲: ۱۹).

چنین تعبیری یقینا یک تصویر اسکاتولوژیک است. روز "گردآوری" و "روز سوزاندن" وجود دارد. چگونه زندگی کردن ما منشا زندگی ما را نشان می‌دهد (یعنی خدا یا شیطان). با میوه هرکدام می‌توان آنها را بشناسید (مراجعه شود به انجیل متی ۷، غلاطیان ۶: ۷).

■ "آتش" به موضوع خاص زیر مراجعه کنید.

## موضوع خاص: آتش (BDB 77, KB 92)

(SPECIAL TOPIC: FIRE)

در کتاب مقدس، آتش هم مفهوم مثبت و هم مفهوم منفی دارد.

۱. مثبت

- a. گرما (مراجعه شود به اشعیا ۴۴: ۱۵، انجیل یوحنا ۱۸: ۱۸)
- b. نور (مراجعه شود به اشعیا ۵۰: ۱۱، انجیل متی ۲۵: ۱ الی ۱۳)
- c. آشپزی (مراجعه شود به خروج ۱۲: ۸، اشعیا ۴۴: ۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۲۱: ۹)
- d. پاک کننده (مراجعه شود به اعداد ۳۱: ۲۲ الی ۲۳، امثال ۱۷: ۳، اشعیا ۱: ۲۵، ۶: ۶ الی ۸، ارمیا ۶: ۲۹، ملاکی ۳: ۲ الی ۳)
- e. تقدس خدا (مراجعه شود به پیدایش ۱۵: ۱۷، خرج ۳: ۲، ۱۹: ۱۸، حزقیال ۱: ۲۷، عبرانیان ۱۲: ۲۹)
- f. رهبری خدا (خروج ۱۳: ۲۱، اعداد ۱۴: ۱۴، اول پادشاهان ۱۸: ۲۴)
- g. قدرت بخشیدن خدا (اعمال رسولان ۲: ۳)
- h. محافظت کردن (مراجعه شود به زکریا ۲: ۵)

۲. منفی

- a. سوزاندن (مراجعه شود به یوشع ۶: ۲۴، ۸: ۸، ۱۱: ۱۱، انجیل متی ۲۲: ۷)
  - b. نابود کردن (مراجعه شود به پیدایش ۱۹: ۲۴، لاویان ۱۰: ۱ الی ۲)
  - c. خشم (مراجعه شود به اعداد ۲۱: ۲۸، اشعیا ۱۰: ۱۶، زکریا ۱۲: ۶)
  - d. مجازات (مراجعه شود به پیدایش ۳۸: ۲۴، لاویان ۲۰: ۱۴، ۲۱: ۹، یوشع ۷: ۱۵)
  - e. نشانه‌های اسکاتولوژی دروغین (مراجعه شود به مکاشفه ۱۳: ۱۳)
۳. خشم خدا اغلب با تصویری از آتش مجسم می‌شود
- a. خشم او می‌سوزاند (مراجعه شود به هوشع ۸: ۵، صفیا ۳: ۸)
  - b. او آتش می‌زند (مراجعه شود به نحمیا ۱: ۶)
  - c. آتش جاودانی (مراجعه شود به ارمیا ۱۵: ۱۴، ۱۷: ۴، انجیل متی ۲۵: ۴۱، یهودا آیه ۷)
  - d. داوری اسکاتولوژیک (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۰، ۵: ۲۲، ۱۳: ۴۰، انجیل یوحنا ۱۵: ۶، دوم تسالونیکیان ۱: ۷، دوم پطرس ۳: ۷ الی ۱۰، مکاشفه ۸: ۷، ۱۶: ۸، ۲۰: ۱۴ الی ۱۵)
۴. آتش اغلب در قالب تجلی خدا بر انسان نمایان می‌شود

- a. پیدایش ۱۵: ۱۷
- b. خروج ۳: ۲
- c. خروج ۱۹: ۱۸
- d. مزبور ۱۸: ۷ الی ۱۵، ۲۹: ۷

e. حزقیال ۱: ۴ و ۲۷، ۱۰: ۲

f. عبرانیان ۱: ۷، ۱۲: ۲۹

۵. همانند بسیاری از استعاره‌ها در انجیل (یعنی خمیر مایه، شیر)، آتش می‌تواند بسته به متن برکت یا نفرین باشد.

۱۵: ۷ "اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند" این جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع عمل می‌باشد. به صورت خودکار به دعاها پاسخ داده نمی‌شود. عیسی استعاره‌ها را از پایداری خود در شاگردان به پایداری در کلامش تغییر می‌دهد. عیسی پدر را افشا می‌کند و همچنین تعالیمش را. بدون تردید آنها منابع مکاشفه هستند. انجیل هم فرد و هم پیام است.

■ "هرآنچه می‌خواهید، درخواست کنید که برآورده خواهد شد" این جمله آنوریست امری میانی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۶). این عبارت خیلی بد اثبات شده است. در جستجوی تعالیم کتب مقدس مراقب باشید و بر متون منفرد تاکید نکنید (به یادداشت ۱۴: ۱۳ مراجعه کنید). موضوع خاص: عبادت، نامحدود ولی محدود در بخش مربوط به اول یوحنا ۳: ۲۲ مراجعه کنید).

۱۵: ۸ "جلال پدر من در این است" زندگی شبیه عیسی مومنین برای خدا جلال می‌آورد و اثبات می‌کند که آنها شاگردان راستین هستند. در انجیل یوحنا ۱۳: ۳۱ و ۳۲، ۱۴: ۱۳، ۱۷: ۴، و انجیل متی ۹: ۸، ۱۵: ۳۱ پدر با کارهای پسر جلال می‌یابد و اینک با کارهای مومنین (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۶). به یادداشت بخش انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

NASB	"پس اثبات کنید که شاگردان من هستید"
NKJV	"پس شاگردان من خواهید بود"
NRSV, TEV	"شاگردان من شوید"
NJB	"شاگردان من باشید"
REB	"پس شاگردان من باشید"
NIV, Goodspeed	"خودتان را به عنوان شاگردان من نشان دهید"
NET Bible	"نشان دهید که شاگردان من هستید"
JB	"پس شاگردان من خواهید بود"

تفاوتها به واسطه تفاوت صرف فعل است

۱. وجه شرطی آنوریست، MSS P<sup>66</sup>, B, D, L

۲. آینده اخباری، A, MSS ۸

زندگی (میوه) مومنین نشان می‌دهد که کی هستند. صرف فعل به مهمی واقعیت تغییر و زندگی موثر اکنده از محبت، اطاعت و خدمت نیست. اینها نشانه‌های مومن راستی هستند! ما با محبت، اطاعت و خدمت نجات نمی‌یابیم (افسیسیان ۲: ۸ و ۹)، بلکه آنها شواهدی هستند که ما مومن هستیم (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۰).

اصطلاح شاگردان در انجیل یوحنا برای آنان که مومنین راستین و پیروانی که اراده خدا را انجام می‌دهند و منعکس کننده ذات او هستند، استفاده شده است. یوحنا از اصطلاح کلیسا (*ekklēsia*) حتی برای یکبار هم استفاده نکرده است، بنابراین کلمه "شاگردان" تبدیل به راهی می‌شود برای معنی کردن رفاقت و گردهمایی‌های مسیحی. شاگردی زندگی روزانه زندگی در عصر زندگی و خروج از عصر قدیمی است. این با محبت، نور، اطاعت و خدمت مشخص می‌شود. با اینها دیگران آنان را به عنوان شاگردان عیسی می‌شناسند.

۱۵: ۹ "همان‌گونه که پدر مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام" این رابطه زنجیری محبت کردن خانواده خدا را مشخص می‌کند، پدر پسر را دوست دارد، پسر پسرانش را دوست دارد، پیروانش همدیگر را دوست دارند.

■ "در محبت من بمانید" این زمان آنوریست امری فعال است. به مومنین دستور داده شده که پایدار بمانند در:

۱. عبادت کردن (انجیل یوحنا ۱۵: ۷، ۱۴: ۱۴)

۲. اطاعت (انجیل یوحنا ۱۵: ۱۰ و ۱۴ و ۱۷ و ۲۰، ۱۴: ۱۵ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۴)

۳. شمع (انجیل یوحنا ۱۵: ۱۱)

۴. محبت (انجیل یوحنا ۱۵: ۱۲، ۱۴: ۲۱ و ۲۳ و ۲۴)

اینها همگی شواهد رابطه فردی با خدا هستند. به موضوع خاص پایداری در بخش اول یوحنا ۲: ۱۰ مراجعه کنید.

۱۰:۱۰ "اگر احکام مرا نگاه دارید" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که یعنی احتمال وقوع رخداد. اطاعت گواهی بر شاگردی راستین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱، ۱۴: ۱۵ الی ۲۱ و ۲۳ الی ۲۴، انجیل لوقا ۶: ۴۶). عیسی از آن به عنوان مثالی از وفاداری خود نسبت به پدر استفاده می‌کند.

■ "محبت" این اصطلاح یونانی برای محبت/عشق (*agapē*) زیاد در نسخه‌های کلاسیک و یونانی کوبین استفاده نشده بود، تا زمانی که کلیسا شروع به استفاده از مفاهیم خاصی کرد. از این اصطلاح برای از خود گذشتگی، فداکاری، وفاداری و محبت فعال شروع به استفاده کردند. محبت کردن یک عمل است نه یک احساس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶). اصطلاح عهد جدیدی *agapē* از دیدگاه الهیات مشابه اصطلاح عهد عتیقی *hesed* است که به معنی پیمان محبت و وفاداری است.

■ "چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام" این زمان کامل فعال اخباری است. همانطور که عیسی با پدر رابطه است، مومنین هم با او رابطه دارند. وحدتی میان پدر و پسر وجود دارد که میان مومنین هم به وجود می‌آید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳).

۱۱:۱۰ "شادی شما کامل شود" مومنین باید شادی عیسی را داشته باشند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۳). شادی مدرک دیگری از شاگردی راستین است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۱ [دو مرتبه]، ۱۶: ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۴، ۱۷: ۱۳). در این جهان درد و بحران وجود دارد، در مسیح شاد، شادی کامل، شادی او.

نیدودته (*NIDOTTE*) جلد اول، صفحه ۷۴۱ تفسیر خوبی دارد درباره اینکه چگونه شادی و کامل با یکدیگر در نوشته‌های یوحنا استفاده شده‌اند.

"در انجیل یوحنا و نامه‌های یوحنا اغلب رابطه‌ای میان شادی (*chara*) به عنوان فاعل و فعل *plēroō* وجود دارد که باید پر شود. این لذت، لذت عیسی است (انجیل یوحنا ۱۵: ۱۱، ۱۷: ۱۳) که او با آمدنش (۳: ۲۹)، کلامش (۱۵: ۱۱، ۱۷: ۱۳) و بازگشتش (۱۶: ۲۲) نزد شاگردانش (۱۵: ۱۱، ۱۷: ۱۳) می‌آورد. این شادی جایگزین اندوهی می‌شود که قلب آنها را پر کرده است (۱۶: ۱۶ و ۲۰). بنابراین لذت عیسی تبدیل به لذت آنها می‌شود (۱۵: ۱۱، ۱۶: ۲۴، مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۴). این لذت به زندگی شاگردان در گام برداشتن با عیسی شخصیت می‌دهد، کامل می‌شود (انجیل یوحنا ۳: ۲۹، ۱۵: ۱۱، ۱۶: ۲۴، ۱۷: ۱۳، اول یوحنا ۱: ۴، دوم یوحنا ۱۲). متن این حقیقت که خداست که این لذت را کامل می‌کند، را بیان می‌دارد."

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۵: ۱۲ الی ۱۷

۱۲ "حکم من این است که یکدیگر را محبت کنید، چنانکه من شما را محبت کرده‌ام.<sup>۱۳</sup> محبتی بزرگتر از این وجود ندارد که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند.<sup>۱۴</sup> دوستان من شما را اگر آنچه به شما حکم می‌کنم، انجام دهید.<sup>۱۵</sup> دیگر شما را بنده نمی‌خوانم، زیرا بنده از کارهای اربابش آگاهی ندارد. بلکه شما را دوست خود می‌خوانم، زیرا هر آنچه از پدر شنیده‌ام، شما را از آن آگاه ساخته‌ام.<sup>۱۶</sup> شما نبودید که مرا برگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و مقرر داشتم تا بروید و میوه آورید و میوه شما بماند، تا هر چه از پدر به نام من درخواست کنید به شما عطا کند.<sup>۱۷</sup> حکم من به شما این است که یکدیگر را محبت کنید.

۱۲:۱۰ "حکم من این است" عیسی اغلب این موضوع را تکرار می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴، ۱۵: ۱۷، اول یوحنا ۳: ۱۱ و ۲۳، ۴: ۷ الی ۱۱، ۱۲ الی ۱۹، ۲۱ الی ۲۱، دوم یوحنا ۵).

■ "که یکدیگر را محبت کنید" این زمان حال فعال امری است، فرمان در حال ادامه. محبت ثمره روح است (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۲۲). محبت احساس نیست، بلکه عمل است. با اصطلاحات عملی تعریف می‌شود (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۲۲ الی ۲۳، اول قرنتیان ۱۳).

■ "چنانکه من شما را محبت کرده‌ام" این زمان آنوریست فعال اخباری است. این احتمالاً یک اشاره مجازی به صلیب است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۳). دوباره، این نوع مخصوص مهر ورزیدن عیسی است که مومنین باید از خود نشان دهند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵، غلاطیان ۲: ۲۰، اول یوحنا ۳: ۱۶).

۱۳:۱۰ "که کسی جان خود را در راه دوستانش فدا کند" این اشاره به کفاره دادن به جای دیگران است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، رومیان ۵: ۷ الی ۸، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، اشعیا ۵۳). این محبت کردن در عمل است! این چیزی است که از شاگردان خواسته شد که انجام دهند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶).

۱۴:۱۰ "دوستان من شما را محبت کنید" این اسم یونانی *philos* است، که اغلب با دوستی محبت‌آمیز همراه است (*phileō*). در یونانی کوبین "*agapaō*" و "*phileō*" اغلب به عنوان افعال مترادف برای محبت الهی استفاده می‌شوند (مقایسه کنید با ۱۱: ۳ [*phileō*] و ۵ [*agapaō*], *phileō* همچنین برای محبت خدا در انجیل یوحنا ۵: ۲۰ استفاده شده است).

■ "اگر آنچه به شما حکم می‌کنم، انجام دهید" این جمله شرطی نوع سوم است و به معنی احتمال وقوع رخداد می‌باشد. حالت دوستی، که اطاعت است، را ارائه می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵ و ۲۳ الی ۲۴، ۱۵: ۱۰، انجیل لوقا ۶: ۴۶). همانطور که عیسی در پدر پایدار بود و در محبت او ماند،

شاگردانش هم باید چنین باشند!

۱۵: ۱۵ "عیسی به شاگردانش درباره (۱) حقیقت راجع به خدا و (۲) رخدادهای آتی را خبر می‌دهد. او قدرت خود را نشان می‌دهد ایمان و اعتماد تا شاگردانش بیشتر شود. عیسی با شاگردانش آنچه را که از پدر شنیده بود در میان می‌گذارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۲، ۸: ۲۶ و ۴۰، ۱۲: ۴۹، ۱۵: ۱۵)، آنها باید این را به یکدیگر منتقل می‌کردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۸: ۲۰).

۱۶: ۱۵ "شما نبودید که مرا برگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم" چندین نکته کلیدی دستور زبانی در این عبارت وجود دارد.

۱. هر دو فعل حال میانی اخباری هستند - عیسی خودش یکبار و برای همیشه آنها را انتخاب کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۷۰، ۱۳: ۱۸، ۱۵: ۱۶ و ۱۹)
۲. "alla" قوی - (بلکه) حرف نفی
۳. "ego" محرز یا "من" گفتن

در اینجا تعادل میان پاسخ انسان و انتخاب وجود دارد. هر دو تعالیم انجیلی هستند. خدا همیشه شروع کننده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵، ۱۵: ۱۶ و ۱۹) ولی انسانها باید پاسخ دهند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، ۱۵: ۴ و ۷ و ۹). کارهای خدا با نوع بشر همیشه در قالب رابطه پیمان هستند (اگر... پس). موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۳: ۱۶ را مطالعه کنید.

فعل "انتخاب کردن" در این متن اشاره به ۱۲ نفر دارد. اصطلاح "انتخاب شده" مفهوم "انتخاب شده برای خدمت" در عهد عتیق را دارد و فقط در عهد جدید مفهوم "انتخاب شده برای رستگاری" را دارد. مومنین عهد جدید برای شبیه عیسی بودن انتخاب می‌شوند که این خدمت، از خود گذشتگی و فداکاری برای پادشاهی خدا است، یک همکاری خوب. یک نمایش واضح است که خود-محوری سقوط کرده از بین رفته است.

آنچه عیسی در رابطه با دوازده نفر در انجیل یوحنا میگوید یک مشخصه است که دلالتها و کاربردهایی برای تمامی مومنین دارد. آنها معرف نخستین ثمره شاگردی هستند ولی رابطه

۱. در شهادت عینی منحصر به فرد است و
۲. برای تمامی مومنین دلالت بر این دارد که اراده و خواست عیسی برای آنها، اراده و خواست او برای تمامی کسانی است که او را پیروی و دنبال می‌کنند

■ "من شما را برگزیدم و مقرر داشتم تا بروید و میوه آورید و میوه شما بماند" اینها سه وجه شرطی حال فعال هستند: (۱) بروید، (۲) میوه آورید و (۳) میوه بماند (پایداری). مومنین در ماموریت هستند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ و ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ و ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸). جنبه الهیات اصطلاح "برگزیدم" را میتوان در اعمال رسولان ۲۰: ۲۸، اول قرنتیان ۱۲: ۲۸، دوم تیموتائوس ۱: ۱۱ دید. همچنین برای مرگ عیسی از طرف مومنین هم استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ الی ۱۸، ۱۵: ۱۳).

■ "به نام من" مومنین باید شخصیت عیسی را به وجود آورند. این عبارت مترادف "با اراده خدا" در اول یوحنا ۵: ۱۴ است. محبت و دعای پاسخ داده شده در اینجا به یکدیگر وصل می‌شوند، همانند انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ الی ۱۵. موضوع خاص: بنام خدا در انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ الی ۱۴ را مطالعه کنید.

۱۷: ۱۵ "حکم من به شما این است که یکدیگر را محبت کنید" به یادداشت مربوط به آیه ۱۲ مراجعه کنید. دعای پاسخ داده شده به محبت و ماموریت مرتبط است!

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۲۵

۱۸ "اگر دنیا از شما نفرت دارد، به یاد داشته باشید که پیش از شما از من نفرت داشته است. <sup>۱۹</sup> اگر به دنیا تعلق داشتید، دنیا شما را چون کسان خود دوست می‌داشت. اما چون به دنیا تعلق ندارید، بلکه من شما را از دنیا برگزیده‌ام، دنیا از شما نفرت دارد. <sup>۲۰</sup> کلامی را که به شما گفتم، به یاد داشته باشید: "بنده از ارباب خود بزرگتر نیست". اگر مرا آزار رسانیدند، با شما نیز چنین خواهند کرد؛ و اگر کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را نیز نگاه خواهند داشت. <sup>۲۱</sup> اما این همه را به سبب نام من با شما خواهند کرد، زیرا فرستنده مرا نمی‌شناسند. <sup>۲۲</sup> اگر نیامده و با ایشان سخن نگفته بودم، گناه نمی‌داشتند؛ اما اکنون دیگر عذری برای گناهشان ندارند. <sup>۲۳</sup> کسی که از من نفرت داشته باشد، از پدر من نیز نفرت دارد. <sup>۲۴</sup> اگر در میان کارهایی نکرده بودم که جز من هیچ‌کس نکرده است، گناه نمی‌داشتند؛ اما اکنون، با اینکه آن کارها را دیده‌اند، هم از من و هم از پدرم نفرت دارند. <sup>۲۵</sup> این گونه، کلامی که در تورات خودشان آمده است به حقیقت می‌پیوندد که: "بی سبب از من نفرت داشتند".

۱۸: ۱۸ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است که تصور می‌کند از دیدگاه نویسنده و یا از دیدگاه متن درست باشد. جهان، سیستم انسان سقوط کرده، از پیروان عیسی متنفر است.

■ "جهان" عیسی از این اصطلاح به شیوه‌های مختلف استفاده می‌کند: (۱) سیاره، به عنوان استعاره برای تمامی نوع بشر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶) و (۲) جامعه بشری که به دور از خدا سازماندهی شده و عمل می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۸، اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ را مطالعه کنید.

■ "از شما متنفر است" این زمان حال اخباری است، جهان به نفرت ادامه می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۰).

■ "به یاد داشته باشید" این زمان حال امری فعال است. آگاهی مومنین از حقیقت عهد جدید به آنها کمک می‌کند که با آزار و اذیت جهان سقوط کرده مقابله کنند.

■ "که پیش از شما از من نفرت داشته است" این زمان حال فعال اخباری است. ضمیر "از من" تأکیدی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۷). این آیه مخالفت جهان با خدا، مسیح او و مردمش را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۴، اول یوحنا ۳: ۱۳).

مومنین در محبت عیسی یکسان هستند و آزار دیدن او شریک (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۷، دوم قرنتیان ۱: ۵ و ۷، فیلیپیان ۳: ۱۰، اول پطرس ۴: ۱۳). شناسایی با مسیح آرامش، شادی و آزار و حتی مرگ را همراه دارد!

۱۹: ۱۹ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع دوم است که خلاف واقعیت نامیده می‌شود. این عبارت باید به این شیوه ترجمه شود: "اگر شما از این جهان بودید، که نیستید، پس جهان شما را دوست می‌داشت، ولی ندارد".

۲۰: ۱۵ "به یاد داشته باشید" این زمان امری حال فعال است، همانند انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸، یا زمان حال فعال اخباری، احتمالاً یک سوال.

■ "بنده از ارباب خود بزرگتر نیست" وقتی این آیه را با ۱۳: ۱۶ مقایسه می‌کنیم، مشخص می‌شود که عیسی ضرب المثله را به شیوه‌های مختلف بیان می‌کرده است.

■ "اگر مرا آزار رسانیدند، ..... اگر کلام مرا نگاه داشتند" اینها دو جمله شرطی نوع اول هستند که از دیدگاه نویسنده درست تلقی می‌شوند. اصطلاح "آزار رساندن" یعنی دنبال کردن یک حیوان وحشی. آزار رساندن یک کار عادی در جهان سقوط کرده علیه پیروان عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰، انجیل یوحنا ۱۶: ۱ الی ۳، ۱۷: ۱۴، اعمال رسولان ۱۴: ۲۲، رومیان ۵: ۳ الی ۴، ۸: ۱۷، دوم قرنتیان ۴: ۱۶ الی ۱۸، ۶: ۳ الی ۱۰، ۱۱: ۲۳ الی ۳۰، فیلیپیان ۱: ۲۹، اول تسالونیکیان ۳: ۳، دوم ایموتائوس ۳: ۱۲، یعقوب ۱: ۲ الی ۴، اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۶).

با این وجود، توجه کنید که هر چند برخی کلام شاگردان را رد می‌کنند و حتی به آنان آزار می‌رسانند، کسان دیگری هستند که می‌شنوند و پاسخ می‌دهند! آنان خودشان اثبات این واقعیت هستند.

۱۵: ۲۱ "زیرا فرستنده مرا نمی‌شناسند" بدیهی است که این اشاره به پدر دارد. دلالت بر این دارد که یهودیان و کفار خدا را نمی‌شناسند. شناختن در مفهوم سامی (عهد عتیق) رابطه شخصی استفاده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱، ارمیا ۱: ۵). دنیای منحرف مومنین را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد زیرا (۱) آنان متعلق به عیسی هستند، که او را هم مورد آزار و اذیت قرار دادند، و (۲) خدا را نمی‌شناسند.

۱۵: ۲۲ "اگر نیامده بودم" این هم یک عبارت شرطی نوع دوم دیگر است که به معنی بر خلاف واقعیت است. باید به این گونه ترجمه شود: اگر نیامده بودم و با آنان سخن نگفته بودم، که انجام دادم، پس آنها گناه نداشتند، که دارند". مسئولیت با آگاهی مرتبط است (موضوع خاص: گناه نابخشودنی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۱ را مطالعه کنید). در این متن، شاخه‌های بی ثمر (یعنی یهودا و یهودیان) فرصت خوبی برای آگاهی داشتند، به مراتب بیشتر از آنان که فقط برای مکاشفه داشتند (یعنی کفار و پیروان سایر ادیان، مراجعه شود به رموز ۱۹: ۱ الی ۶، رومیان ۱: ۱۸ الی ۲۰ یا ۲: ۱۴ الی ۱۵).

۱۵: ۲۳ تداوم مخالفت با عیسی تداوم مخالفت با خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۴).

۱۵: ۲۴ "اگر" این هم یک عبارت شرطی نوع دوم دیگر است که یعنی "بر خلاف واقعیت". باید بدین گونه ترجمه شود: اگر کارها را در بین آنان انجام نداده بودم، که هیچ کس دیگری انجام نداده بود (ولی من انجام دادم)، پس آنها گناه (تقصیر) نداشتند، که دارند.

نور مسئولیت به همراه می‌آورد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۵، ۸: ۱۲، ۱۲: ۳۵ و ۴۶، اول یوحنا ۱: ۵، ۲: ۸ و ۹، ۱۱، انجیل متی ۶: ۲۳).

■ "با اینکه آن کارها را دیده‌اند، هم از من و هم از پدرم نفرت دارند" اینها هر دو زمان کامل اخباری فعال هستند که نشان دهنده طرز برخورد تعیین شده است. رد کردن عیسی، رد کردن پدر است (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۹ الی ۱۳).

۱۵: ۲۵ جالب است که اصطلاح "شریعت" یا "تورات" برای توضیح نقل قول از مزمور ۳۵: ۱۹، ۶۹: ۴ استفاده شده است. معمولاً این اصطلاح برای نوشته‌های موسی، کتاب پیدایش و تثنیه استفاده می‌شود.

راز رد کردن عیسی توسط یهودیان با وجود مکاشفه‌های بدیهی و مشهود به مشخصه بی‌ایمانی ارادی مربوط می‌شود (مراجعه شود به اشعیا ۶: ۹ الی ۱۳، ارمیا ۵: ۲۱، رومیان ۳: ۹ الی ۱۸).

#### **NASB: انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶ و ۲۷**

<sup>۲۶</sup>"اما چون آن مدافع که از نزد پدر برای شما می‌فرستم بیاید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌شود، او خود درباره من شهادت خواهد داد،<sup>۲۷</sup> و شما نیز شهادت خواهید داد، زیرا از آغاز با من بوده‌اید.

۱۵: ۲۶ "اما چون آن مدافع که از نزد پدر برای شما می‌فرستم بیاید" هم پدر و هم پسر روح القدس را می‌فرستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷). کار رستگاری نیازمند هر سه فرد در تثلیث است.

■ "روح راستی" این برای اشاره به روح القدس به عنوان آشکار کننده پدر استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳). موضوع خاص حقیقت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

■ "او خود درباره من شهادت خواهد داد" وظیفه روح شهادت دادن به عیسی و تعالیم او است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۶: ۱۳ الی ۱۵، اول یوحنا ۵: ۷).

۱۵: ۲۷ "شما نیز شهادت خواهید داد" "شما نیز" تأکیدی است. این زمان حال اخباری فعال است. این باید به الهام نگارندگان عهد جدید اشاره داشته باشد (یعنی شاگردان و دوستان آنان) که در طول زندگی زمینی عیسی با او بودند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۴۸). موضوع خاص: شهادتها برای عیسی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۸ و فردیت روح القدس در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ را مطالعه کنید.

#### **سوالاتی برای بحث**

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. پایداری شامل چیست؟
۲. اگر مومن از پایداری بماند، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟
۳. شواهد شاگردی راستین را فهرست کنید
۴. اگر رنج کشیدن برای مسیحیان عادی است، این امروز به ما چه می‌گوید؟
۵. انجیل یوحنا ۱۵: ۱۵ را با کلمات خود توضیح دهید.

## یوحنا ۱۶

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
نفرت جهان	شروع انکار کردن			شاگردان و جهان
۴:۱۶ الی ۱۸:۱۵	۴:۱۶ الی ۲۶:۱۵	رابطه مسیحیان با جهان	۴:۱۶ الی ۱۸:۱۵	۴:۱۶ الی ۱۸:۱۵
کار روح		۱:۱۶ الی ۴الف	کار روح القدس	آمدن روح القدس
۱۱:۱۶ الی ۴ب الی ۱۱	کار روح القدس	۱۱:۱۶ الی ۴ب الی ۱۱	۱۱:۱۶ الی ۴ب الی ۱۱	۱۵:۱۶ الی ۴ب الی ۱۵
	۱۵:۱۶ الی ۵			
۱۵:۱۶ الی ۱۲		۱۵:۱۶ الی ۱۲	۱۵:۱۶ الی ۱۲	
اندوه به شادی تبدیل	اندوه به شادی تبدیل		ناراحتی و شادی	عیسی باید خیلی زود
خواهد شد	خواهد شد			بازگردد
۲۴:۱۶ الی ۱۶	۲۴:۱۶ الی ۱۶	۲۴:۱۶ الی ۱۶	۱۶:۱۶	۱۶:۱۶
			۱۸:۱۶ الی ۱۷	۲۸:۱۶ الی ۱۷
			۲۲:۱۶ الی ۱۹	
			۲۴:۱۶ الی ۲۳	
من غلبه کردم	عیسی بر جهان غلبه کرد		پیروزی بر جهان	
۳۳:۱۶ الی ۲۵	۳۳:۱۶ الی ۲۵	۲۸:۱۶ الی ۲۵	۲۸:۱۶ الی ۲۵	
		۳۳:۱۶ الی ۲۹	۳۰:۱۶ الی ۲۹	۳۳:۱۶ الی ۲۹
			۳۳:۱۶ الی ۳۱	

چرخه سوم مطالعه به سمنار تفسیر انجیل رجوع شود

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم‌بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام‌دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

#### زمینه برای انجیل یوحنا ۱:۱۶ الی ۱:۳۳

A. مفهوم واقعی متن در انجیل یوحنا ۱:۱۵ الی ۱:۱۶ الی ۴ الف قرار دارد. تقسیمات فصل تحت الهام نیستند و بیشتر اضافات بعدی مانند پاراگراف‌بندی، علامتگذاری و تقسیم‌بندی آیات از این نوع هستند.

B. وظیفه روح القدس برای منحرفین در انجیل یوحنا ۱:۱۶ الی ۱:۱۱ تعریف می‌شود، وظیفه او در انجیل یوحنا ۱:۱۶ الی ۱:۱۵ نجات دادن است. ساموئل جی میکولاسکی مطلب کوتاه جالبی در مورد فعالیت روح در عهد جدید در مقاله‌اش بنام *The Theology of the New Testament* در کتاب *The Exposition Bible Commentary* جلد اول دارد:

"دکترین تقدس، در عین حالی که به توجیه نزدیک است، اما از آن متمایز نیست. همانند عهد عتیق، تقدس ابتدا به جدایی تعالی خدا و دوم به کیفیت اخلاقی و رابطه خدایسندانه اشاره می‌کند. تقدس کار روح القدس است که رابطه با مسیح را احیا کرده و زندگی معنوی در او را احیا می‌کند. زبان عهد جدید مستلزم تعمید در روح است (مراجعه شود به اول قرن‌تینان ۱۲:۱۳)، مهر روح (افسیسیان ۱:۱۳ و ۱:۱۴، ۴:۳۰)، زنده ماندن روح (انجیل یوحنا ۱:۱۴، رومیان ۵:۵، ۵:۸ الی ۹:۱۱، اول قرن‌تینان ۳:۱۶، ۶:۱۹، دوم تیموتائوس ۱:۱۴)، هدایت



توسط روح (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۶: ۱۲ الی ۱۵)، پر شدن از روح (افسیسیان ۵: ۱۸) و میوه روح (غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳). تقدس با توجه رابطه دارد، که در کنار خدا می‌ایستد (عبرانیان ۱۰: ۱۰) و به می‌توان آن به عنوان بسط یک ایده آل جدید فکر کرد" (صفحه ۴۷۴).  
 C. آیه ۱۷ همانند ۱۳: ۳۶، ۱۴: ۵ و ۸ و ۲۲ یک سوال دیگر شاگردان است.  
 D. بسیاری معتقدند که "بیائید از اینجا برویم" انجیل یوحنا ۱۴: ۳۱ همراه با ۱۸: ۱ نشان می‌دهند که عیسی فصلهای ۱۵ الی ۱۷ را در طول راه به گنسمانه از میان معبد و خیابانهای اورشلیم صحبت می‌کرد، نه در اتاق طبقه بالا.

#### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۶: ۱ الی ۴

"این چیزها را به شما گفتم تا نلغزید. شما را از کنیسه‌ها اخراج خواهند کرد و حتی زمانی می‌رسد که هر که شما را بکشد، می‌پندارد که خدا را خدمت کرده است. این کارها را خواهند کرد، زیرا نه پدر را می‌شناسند، نه مرا. اینها را به شما گفتم تا چون زمان وقوعشان فرا رسد، به یاد آورید که شما را آگاه کرده بودم. آنها را در آغاز به شما نگفتم، زیرا خود با شما بودم."

۱:۱۶

NASB	"تا شما را از لغزیدن حفظ کنم"
NKJV	"که شما به لغزش نیافتید"
NRSV	"که از لغزیدن در امان باشید"
TEV	"تا ایمان خود را رها نکنید"
NJB	"تا شما سقوط نکنید"

این اصطلاح یونانی (وجه آتوریست شرطی مجهول BAGD 752, skandalizō) در ابتدا برای تله‌های طعمه‌دار برای گرفتن حیوانات استفاده می‌شد. اغلب به صورت "به کنار افتادن" ترجمه می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۲۱، ۲۴: ۱۰، انجیل مرقس ۴: ۱۷، ۱۴: ۲۷ و ۲۹). استفاده استعاره‌ای آن در این متن اشاره به مومنینی دارد که توسط اعمال ناشی از نفرت یهودیان، حتی سران یهود، دستگیر نمی‌شوند.

۱۶: ۲ "شما را از کنیسه‌ها اخراج خواهند کرد" این اشاره به تکفیر یهودیسم دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۹: ۲۲ و ۳۴، ۱۲: ۴۲).

نکات بسیاری در مورد فرایندهای تکفیر و اخراج یهودیان وجود دارند که ناشناخته هستند. اخراجهای موقتی و دائمی از خدمات کنیسه وجود دارند. بعدها، پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، در جمینا فلسطین، روحانیون یک فتوای نفرین در رابطه با مسیح صادر کردند که توسط آن می‌خواستند تمامی مسیحیان را از خدمات کنیسه‌ها اخراج کنند. این چیزی است که نهایتاً منجر به جدایی پیروان مسیح و کنیسه‌های یهودی شد.

■ "حتی زمانی می‌رسد که هر که شما را بکشد، می‌پندارد که خدا را خدمت کرده است" این دقیقاً چیزی است که رهبران یهود (مراجعه شود به اشعیا ۶۶: ۵، انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، ۱۰: ۳۲) فکر می‌کردند. شائول از تارسوس (پولس) مثال خوبی از یک متعصب مذهبی گمراه شده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۶: ۹ الی ۱۱، غلاطیان ۱: ۱۳ الی ۱۴).

۱۶: ۳ "این کارها را خواهند کرد" صمیمیت و تعهد برای اشرف مخلوقات کافی نیستند. کارهای شیطانی، خطا و کوه فکری مذهبی اغلب به نام خدا صورت می‌گیرند.

■ "زیرا نه پدر را می‌شناسند، نه مرا" اصطلاح "شناختن" اشاره به مفهوم عهد عتیقی رابطه فردی صمیمانه دارد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱، ارمیا ۵: ۱). این یک بیان قوی در مورد انکار عیسی است که نهایتاً انکار خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۹، ۱۵: ۲۱، اول یوحنا ۵: ۹ الی ۱۲).

یوحنا اغلب از کوری معنوی و نادیده گرفتن جهان سخن می‌گوید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۰، ۸: ۱۹ و ۵۵، ۱۵: ۲۱، ۱۶: ۳، ۱۷: ۲۵). با این وجود، هدف آمدن پسر نجات جهان بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶) و آشکار کردن پدر تا اینکه جهان او را توسط مسیح بشناسد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۳)

۱۶: ۴ پیش‌گویی‌های عیسی به عنوان ابزاری برای تشویق ایمان/اعتماد/باور شاگردان در میانه دوران آزار و اذیت و انکار بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۹، ۱۴: ۲۹).

■ "در آغاز" اشاره به شروع بشارت عیسی و فراخواندن آن دوازده نفر خاص دارد.

۵: "اکنون نزد فرستنده خود می‌روم، و هیچ‌یک نمی‌پرسید، "کجا می‌روی؟" اما به سبب شنیدن سخنانم، دل شما آکنده از غم شده است. با این حال، من به شما راست می‌گویم که رفتنم به سود شماست. زیرا اگر نروم، آن مدافع نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم. <sup>۸</sup> چون او آید، جهان را مجاب خواهد کرد که به لحاظ گناه و عدالت و داوری، تقصیرکار است. <sup>۹</sup> به لحاظ گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند. <sup>۱۰</sup> به لحاظ عدالت، زیرا نزد پدر می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید. <sup>۱۱</sup> و به لحاظ داوری، زیرا رئیس این جهان محکوم شده است.

۱۶: ۵ "اکنون نزد فرستنده خود می‌روم، و هیچ‌یک نمی‌پرسید، کجا می‌روی؟" به نظر می‌رسد پطرس همین سوال را در فصل ۱۳: ۳۶ پرسید، ولی بلافاصله ذهن او با درد اینکه عیسی آنها را ترک می‌کند، مشوش شد، و بعد این سوال که بر سر آنها چه خواهد آمد برایش پیش آمد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۶). انجیل یوحنا ۱۴: ۱ الی ۳ از معراج عیسی به بهشت می‌گوید مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۹ الی ۱۱).

اینجا محل مناسبی برای این است که به خود یادآوری کنیم که اناجیل مکالمات تحت الفظی و کلمه به کلمه عیسی نیستند. آنها مطالب خلاصه‌ای هستند که سالها بعد با اهداف خداشناسی نگاشته شده‌اند. نویسندگان اناجیل، تحت الهام، امکان انتخاب، مرتب کردن، و تطبیق دادن کلمات عیسی را داشتند (به کتاب گوردون فی و داگلاس استورات بنام *How To Read the Bible For All Its Worth* مراجعه کنید). من معتقد نیستم که آنان حق داشتند که حرف در دهان عیسی بگذارند. این ساختار دادن الهیات کلمات، تعالیم و اعمال عیسی برای بشارت مخاطبین خاص، صورت گرفته است و احتمالا بسیاری از تفاوت‌های میان اناجیل را توضیح می‌دهد!

۱۶: ۶ "دل شما آکنده از غم شده است" این زمان کامل اخباری فعال است. تجربه اتناق طبقه بالا یک اندوه بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱، ۱۶: ۶ و ۲۲). اصطلاح "دل" در زبان عبری در مفهوم تمام ذهن، احساسات و اراده فرد استفاده می‌شود. به موضوع خاص: قلب در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۰ مراجعه کنید.

۱۶: ۷ "رفتنم به سود شماست" جسم فیزیکی عیسی فقط می‌توانست در هر زمان در یک جا باشد، که توانایی او را هم در تعلیم دادن و هم بشارت دادن به تمامی شاگردانش محدود می‌کرد. همچنین در طول زندگی زمینی، او اساسا بر اسرائیل تمرکز کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۱۶، ۱۵: ۲۴). آمدن روح القدس زمینه جدیدی را باز می‌کند که بشارت را بسط دهد (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

اصطلاح "سود" در اینجا یعنی "مصلحت" و در انجیل یوحنا ۱۱: ۵۰ و ۱۸: ۱۴ هم در رابطه با مرگ عیسی استفاده شده است. عبارت "رفتن" می‌تواند تمامی رخدادهای هفته آخر عیسی را شامل شود.

■ "زیرا اگر نروم، آن مدافع نزد شما نخواهد آمد" دو عبارت شرطی نوع سوم در این آیه وجود دارند که بر احتمال وقوع رخداد دلالت دارند. عیسی باید می‌رفت تا روح القدس به طور کامل و پر بیاید! اصطلاح *paracletos* می‌تواند به "مدافع" یا "تسلی دهنده" یا "یاور" ترجمه شود (مراجعه شود به ۱۶: ۱۴ و ۲۶: ۱۵، ۲۶: ۱۵، به یادداشت کامل در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ مراجعه شود). این کلمه فقط در نوشته‌های یوحنا دیده می‌شود. در کتب یونانی این کلمه برای وکیل مدافعی استفاده می‌شد که برای کمک فرا خوانده می‌شد. در انجیل یوحنا ۱۶: ۸ الی ۱۱ روح به عنوان مدعی برای جهان عمل می‌کند، با این وجود، در انجیل یوحنا ۱۶: ۱۲ الی ۱۵ روح از طرف مومنین به عنوان وکیل عمل می‌کند.

همین اصطلاح *paracletos* برای پسر در اول یوحنا ۲۱ استفاده شده است. ریشه یونانی می‌تواند به "راحتی" ترجمه گردد. در این مفهوم در مورد پدر در دوم قرنتیان ۱: ۳ الی ۱۱ استفاده شده است.

■ "او را نزد شما می‌فرستم" روح هم از طرف پدر و هم پسر آمد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶).

۱۶: ۸ "چون او آید، جهان را مجاب خواهد کرد" توجه کنید که هر سه زمینه (گناه، عدالت و داوری) شهادت روح مرتبط به نیاز نوع بشر و کار رستگاری عیسی است. اصطلاح "مجاب" یک اصطلاح حقوقی برای "بازجویی" است.

G. B. Caird در کتاب *The Language and Imagery of the Bible* صفحه ۱۵۹ درک جالبی از این سه مورد دارد. جهان را مجاب کنید که:

۱. اشتباه بود که عیسی را محاکمه و اعدام کرد
۲. در مورد معنی کلمه گناه در اشتباه بود
۳. در مورد معنی کلمه عدالت در اشتباه بود
۴. در مورد معنی کلمه قضاوت در اشتباه بود

در این صورت روح به صورت کامل انجیل را در عیسی آشکار می‌ساخت. دیانت نمی‌تواند آنها را نجات دهد. قضاوت منتظر تمامی کسانی است که عیسی را انکار کنند! ایمان نیاوردن "گناه" است! عیسی تنها راه برای زندگی با خدا است!

کلمه "جهان" به انسانها، و جامعه‌ای که به دور از خدا رفتار می‌کنند، اشاره دارد. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ را مطالعه کنید.

۱۶: ۹ "به لحاظ گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند" انجیل با آگاه بودن نسبت به گناه آلود بودن نوع بشر و نیاز به دخالت خدا، آغاز می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۳: ۹ الی ۱۸ و ۲۳: ۶، ۲۳، افسسیان ۲: ۱ الی ۳). گناه مانع اصلی در رستگاری این جنبه کالواری نیست، بلکه ایمان نیاوردن نوع بشر به کار و شخص عیسی مسیح مانع است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۶ الی ۲۱، ۲۴ و ۲۶). اصطلاح ایمان عناصر شناختی و احساسی دارد ولی اساسا اختیاری است (مراجعه شود به موضوع خاص در انجیل یوحنا ۲: ۲۳). بر ارزشمند بودن مومن یا کارآیی او تمرکز ندارد بلکه بر توبه و ایمان و پاسخ به وعده خدا در مسیح بستگی دارد (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۰).

۱۶: ۱۰ "به لحاظ عدالت" این می‌تواند اشاره کند به

۱. کار رستگاری عیسی بر کالواری و قیام او از مردگان به عنوان واحد دیده شوند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۰)
۲. آنان که فکر می‌کنند بدون ایمان به مسیح، با خدا و بر حق هستند، وقتی که واقعیت این است که مسیح تنها با خدا حقیقت است، در رستاخیز دیده می‌شوند.

۱۶: ۱۱ "به لحاظ داور، زیرا رئیس این جهان محکوم شده است" روزی می‌آید که فرشتگان و نوع بشر گمراه در برابر خدای عادل می‌ایستند (مراجعه شود به فیلیپیان ۲: ۹ الی ۱۱). شیطان، هر چند همچنان قدرت بزرگ در این دنیا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱، ۱۴: ۳۰، دوم قرنتیان ۴: ۴، افسسیان ۲: ۲، اول یوحنا ۵: ۱۹)، ولی شکست خورده است (زمان کامل مجهول). فرزندان او خشم خدا را می‌بینند.

### NASB: انجیل یوحنا ۱۶: ۱۲ الی ۱۵

"بسیار چیزهای دیگر دارم که به شما بگویم، اما اکنون یارای شنیدنش را ندارید. <sup>۱۳</sup> اما چون روح راستی آید، شما را به تمامی حقیقت راهبری خواهد کرد؛ زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه آنچه را می‌شنود بیان خواهد کرد و از آنچه در پیش است با شما سخن خواهد گفت. <sup>۱۴</sup> او مرا جلال خواهد داد، زیرا آنچه را از آن من است گرفته، به شما اعلام خواهد کرد. <sup>۱۵</sup> هر آنچه از آن پدر است، از آن من است. از همین رو گفتم آنچه را از آن من است گرفته، به شما اعلام خواهد کرد.

۱۶: ۱۲ "اما اکنون یارای شنیدنش را ندارید" اصطلاح "بارا نداشتن/تحمیل نداشتن" در مورد حیواناتی که بار حمل می‌کنند، استفاده می‌شود. برخی از چیزهایی که آنها نمی‌توانستند درک کنند عبارتند از:

۱. رنج کشیدن عیسی
۲. قیام عیسی از مردگان
۳. ماموریت جهانی کلیسا

خوانندگان عصر مدرن باید به خاطر داشته باشند که در بسیاری جهات، زندگی مسیح معرف دوره تغییر است. شاگردان بسیاری چیزها را تا پس از رستاخیز و ظهور مجدد عیسی و آمدن روح در پنتیکاست درک نکردند.

با این وجود، ما باید به خاطر داشته باشیم که انجیل سالها بعد به منظور بشارت برای شنوندگان مشخص نوشته شدند. بنابراین، آنها منعکس کننده الهیات بالغتری هستند.

۱۶: ۱۳ "روح راستی" راستی (*alētheia*) با مفهوم عهد عتیقی قابل اعتماد بودن و در مرحله دوم صداقت در اینجا استفاده شده است. در انجیل یوحنا ۱۴: ۶ عیسی گفت که او حقیقت است. این عنوان برای روح القدس، بر نقش او به عنوان آشکار کننده عیسی تاکید می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳ الی ۱۴، اول یوحنا ۴: ۶، ۵: ۷). به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۶: ۵۵ مراجعه کنید.

■ "شما را به تمامی حقیقت راهبری خواهد کرد" این اشاره به حقیقت مطلق در همه زمینه‌ها ندارد، بلکه فقط در زمینه حقیقت معنوی و تعالیم عیسی راهبری می‌کند. این اساسا به تحت الهام بودن نویسندگان عهد جدید دارد. روح، آنها را به شیوه منحصر به فرد و با اقتدار (تحت الهام) هدایت کرد. در مفهوم دیگر، در رابطه با کار، روشن کردن خوانندگان بعدی به حقیقت انجیل توسط روح است. موضوع خاص در مورد حقیقت/راستی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و شخصیت روح در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ مراجعه کنید.

### موضوع خاص: نورانی/نور افشانی

(SPECIAL TOPIC: ILLUMINATION)

در گذشته به وضوح خدا خود را بر انسان آشکار ساخته است (به عنوان مثال، با خلقت، سیل، پاتریارها، خروج، فتح، و غیره). در الهیات به این کار "مکاشفه" گفته می‌شود. او افراد خاصی را انتخاب کرد تا خود-آشکارسازی او را به ثبت برسانند (برای نمونه، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۶: ۱۲ الی

۱۵). در الهیات به این "وحی" گفته می‌شود. او روح خود را فرستاد تا به خوانندگان کمک کند او، وعده‌هایش و مقرراتش را درک کنند، به خصوص در مورد آمدن مسیح. در الهیات به این "نورانی یا نورافشانی" گفته می‌شود. مشکل از اینجا ناشی می‌شود که اگر روح باید در درک خدا کمک کند، پس چرا اینهمه تفسیر و ترجمه در مورد او، اراده او و راهش وجود دارد؟

بخشی از مشکل ناشی از پیش‌زمینه ذهنی و تجربیات شخصی خواننده است. اغلب یک موضوع شخصی با استناد از انجیل به شیوه‌ای سلیقه‌ای برداشت و حمایت می‌شود. اغلب خطوط الهیات بر انجیل تحمیل می‌شوند و اجازه می‌دهند که فقط در مورد یک زمینه خاص و به شیوه‌ای خاص صحبت کند. نورافشانی نمی‌تواند با الهام برابری کند، هر چند روح القدس درگیر هر یک باشد. الهام (موضوع خاص: الهام را مطالعه کنید) با عهد جدید خاتمه یافته است (یعنی یهودا ۳: ۲۰). بیشتر متون عهد جدید که در رابطه با نورافشانی هستند به دانش درباره انجیل و زندگی شبیه عیسی اشاره می‌کنند (رومیان ۸: ۱۲ الی ۱۷، اول قرنتیان ۲: ۱۰ الی ۱۳، افسسیان ۱: ۱۷ الی ۱۹، فیلیپیان ۱: ۹ الی ۱۱، کولسیان ۱: ۹ الی ۱۳، اول یوحنا ۲: ۲۰ الی ۲۷). این، در واقع، یکی از وعده‌های "پیمان جدید" است (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۲۴ به خصوص آیه ۳۴).

بهترین گرایش برای اینکه اجازه دهیم روح به مومنین کمک کند مکاشفه را درک کنند، می‌تواند تلاش بر تصریح عقیده اصلی پاراگراف باشد، نه تفسیر تمامی جزئیات متن. این یک تفکر موضوعی است که حقیقت اصلی نگارنده را در بر دارد. مشخص کردن کتاب یا یک بخش متن کمک می‌کند فرد نیت نویسنده اصلی که تحت الهام بوده را درک کند. هیچ مترجم و مفسری تحت الهام نیست. ما نمی‌توانیم شیوه تفسیر نویسنده انجیل را بازسازی کنیم. ما می‌توانیم و باید تلاش کنیم که درک کنیم آنها به مردم روزگار خود چه می‌گفتند و بعد آن حقیقت را به شیوه روزگار خود بیان کنیم. بخشهایی در انجیل هستند که (تا یک زمان یا دوره مشخص) مبهم و یا پنهان هستند. همیشه اختلاف نظرهایی بر برخی متون و موضوعات وجود دارند ولی ما باید به وضوح حقیقت اصلی را بیان کنیم و به هر فرد مومن این آزادی را بدهیم که در چهارچوب نویسنده اصلی تحت الهام آن را برای خود تفسیر کند. مفسرین باید در نوری که دارند گام بردارند، همیشه برای نور بیشتر از انجیل و روح آماده و پذیرا باشند. خدا بر اساس سطح درک ما و اینکه چگونه با آن درک زندگی می‌کنیم، در مورد ما قضاوت خواهد کرد.

■ "زیرا او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه آنچه را می‌شنود بیان خواهد کرد و از آنچه در پیش است با شما سخن خواهد گفت" آنچه در پیش است اشاره به رویدادهای رستگاری سریع دارد: کالواری، رستاخیز، معراج و پنتیکاست. این به بشارت و پیش‌بینی آینده و نبوت اشاره نمی‌کند (مثلا ای‌گابوس، اعمال رسولان ۲۱: ۱۰، به موضوع خاص: نبوت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۴: ۱۹ مراجعه کنید).

روح حقیقت را از پدر دریافت می‌کند، همانطور که عیسی دریافت کرد و آن را به مومنین منتقل می‌کند، همانطور که عیسی منتقل کرد. فقط محتوای پیام روح نیست که از پدر است، بلکه متدولوژی هم هست (یعنی شخصی، موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ را مطالعه کنید). پدر در بالاترین مقام عمل می‌کند (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۲۷ الی ۲۸).

۱۶: ۱۴ الی ۱۵ "او مرا جلال خواهد داد، زیرا آنچه را از آن من است گرفته، به شما اعلام خواهد کرد" کار اصلی روح بلند کردن و تشریح کردن عیسی به عنوان مسیح است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۵). روح هرگز درخشش خود را بر خود نمی‌تاباند، بلکه همیشه بر روی عیسی می‌تاباند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶).

■ "هرآنچه از آن پدر است، از آن من است" عجب ادعای عجیبی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۵، ۵: ۲۰، ۱۳: ۳، ۱۷: ۱۰، انجیل متی ۱۱: ۲۷). این مشابه انجیل متی ۲۸: ۱۸، افسسیان ۱: ۲۰ الی ۲۲، کولسیان ۲: ۱۰، اول پطرس ۳: ۲۲ است.

در تثلیث یک نظم اجرایی وجود دارد، البته، نابرابری نیست. همانطور که عیسی منعکس کننده پدر است، روح هم منعکس کننده عیسی است.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۶: ۱۶ الی ۲۴

۱۶ "پس از اندک زمانی، دیگر مرا نخواهید دید و پس از اندک زمانی دیگر، باز مرا خواهید دید." ۱۷ آنگاه بعضی از شاگردان او به یکدیگر گفتند: "مقصود او از این سخن چیست که، "پس از اندک زمانی، دیگر مرا نخواهید دید، و پس از اندک زمانی دیگر، باز مرا خواهید دید؟" یا از اینکه می‌گوید "زیرا نزد پدر می‌روم؟" ۱۸ پس به یکدیگر می‌گفتند: "این 'اندک زمان' که می‌گوید، چیست؟ مقصود او را در نمی‌یابیم؟" ۱۹ اما عیسی از پیش می‌دانست که می‌خواهند از او سؤال کنند؛ پس به ایشان گفت: "آیا در این باره با هم بحث می‌کنید که گفتیم، "پس از اندک زمانی، دیگر مرا نخواهید دید، و پس از اندک زمانی دیگر، باز مرا خواهید دید؟" ۲۰ آمین، آمین، به شما می‌گویم، شما زاری و ماتم خواهید کرد، اما جهان شادمان خواهد شد؛ شما غمگین خواهید بود، اما غم شما به شادی بدل خواهد شد. ۲۱ زن به هنگام زایمان درد می‌کشد، از آن رو که ساعت او فرا رسیده است؛ اما چون فرزندش به دنیا آمد، درد خود را دیگر به یاد نمی‌آورد، چرا که شاد است از این که انسانی به دنیا آمده است. ۲۲ به همین سان، شما نیز اکنون اندوهگینید؛ اما باز شما را خواهیم دید و دل شما شادمان خواهد شد و هیچ‌کس آن شادی را از شما

نخواهد گرفت. ۲۳ در آن روز، دیگر چیزی از خود من نخواهید خواست. آمین، آمین، به شما می‌گویم، هر چه از پدر به نام من بخواهید، آن را به شما خواهد داد. ۲۴ تا کنون به نام من چیزی نخواسته‌اید؛ بخواهید تا بیابید و شادی‌تان کامل شود.

۱۶:۱۶ "پس از اندک زمانی" این عبارت اغلب در انجیل یوحنا تکرار می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۳، ۱۲: ۳۵، ۱۳: ۳۳، ۱۴: ۱۹). نظرات زیادی در مورد اینکه معنی این عبارت اصطلاحی چیست وجود دارد.

۱. ظهور پس از رستاخیز
۲. آمدن دوم
۳. آمدن عیسی از طریق روح القدس

در نور متن، شماره ۱ تنها احتمال است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۲). شاگردان با این جمله سردرگم شدند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۷ الی ۱۸).

۱۶:۱۷ "آنگاه بعضی از شاگردان او به یکدیگر گفتند" این هم یک سوال دیگر همانند انجیل یوحنا ۱۳: ۳۶ است، ۱۴: ۵ و ۸ و ۲۲ است. عیسی از این سوالات استفاده می‌کرد تا به آنان قوت قلب دهد و خود را آشکار نماید. این مشخصه انجیل یوحنا است که او از مکالمات برای آشکار ساختن حقیقت استفاده می‌کند. در انجیل یوحنا بیست و هفت مکالمه با و بدون عیسی وجود دارند. همچنین یک مشخصه دیگر انجیل یوحنا این است که شنوندگان عیسی آنچه او می‌گفت را درک نمی‌کردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۸). او از بالاست، آنها از پائین هستند.

■ "زیرا نزد پدر می‌روم" عیسی این را در انجیل یوحنا ۱۶: ۵، هنگامیکه عبارت "پس از اندک زمانی" را در ۱۶: ۱۶ گفت. به بیانی این یک مرجع خاص مسیحی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱ و ۳، ۱۶: ۲۸، ۱۷: ۲۴).

■ "مرا نخواهید دید..... مرا خواهید دید" دو کلمه متفاوت برای دیدن در انجیل یوحنا ۱۶: ۱۶ و ۱۷ وجود دارند. به نظر می‌رسد که آنها مترادف با یکدیگر باشند. اگر چنین باشد، فقط یک مقطع زمانی وجود دارد که به آن اشاره می‌شود و آن احتمالاً زمان میان مرگ عیسی بر روی صلیب و صبح روز قیام او از مردگان است.

دیگران تصور می‌کنند که دو فعل و عبارتها اشاره به دیدن فیزیکی و بینش معنوی دارند و بنابراین به (۱) زمان میان کالواری و صبح یکشنبه یا (۲) زمان میان معراج و آمدن دوم او اشاره می‌کنند.

این حقیقت که فعل اول (*theōreō*) هم در انجیل یوحنا ۱۶: ۱۶ و هم ۱۷ هر دو زمان حال و دومی (*horaō*) هم در انجیل یوحنا ۱۶: ۱۶ و هم ۱۷ هر دو زمان آینده هستند، از نظریه مترادفها پشتیبانی می‌کند.

۱۶:۱۸ "پس به یکدیگر می‌گفتند" این زمان غیر کامل است که می‌تواند به معنی (۱) آنها مرتب می‌گفتند و می‌گفتند یا (۲) شروع به گفتن کردند.

■ "این 'اندک زمان' که می‌گوید، چیست" آنها که با او بودند، که کلام او را شنیدند و معجزاتش را دیدند، همیشه درک نمی‌کردند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۷ و ۴۳، ۱۰: ۶، ۱۲: ۱۶، ۱۸: ۴). این چیزی است که بشارت روح آن را تسکین می‌دهد.

۱۶:۱۹ "اما عیسی از پیش می‌دانست که می‌خواهند از او سؤال کنند" عیسی اغلب از فکر مردم خبر داشت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۵، ۶: ۶۱ و ۶۴، ۱۳: ۱۱). مشکل می‌تواند یقین داشت که این (۱) به واسطه طبیعت الهی او بوده، (۲) بینش او نسبت به مردم و وضعیت بوده، یا (۳) هر دو.

۱۶:۲۰ "آمین، آمین، به شما می‌گویم" این به مفهوم واقعی "آمین، آمین" است (مراجعه شود به موضوع خاص در بخش مربوط به ۱: ۵۱). "آمین" یک اصطلاح عهد عتیقی (*aman, emeth, emunah*) برای ایمان (مراجعه شود به حقوق ۲: ۴) است. صرف اولیه این اصطلاح "محکم بودن" یا "مطمئن بودن" است. از این اصطلاح به صورت تصور ناپذیری برای ارزشمند بودن خدا استفاده می‌شد که زمینه انجیلی برای مفهوم ایمان/وفاداری است. عیسی تنها کسی بود که جملاتش را با این اصطلاح آغاز می‌کرد. به نظر می‌رسد که مفهوم "این یک بیان ارزشمند و مهم است، با دقت گوش کنید" داشته باشد.

■ "شما زاری و ماتم خواهید کرد" این به معنی بیان اندوه با صدای بلند است که مشخصه ابراز ناراحتی و اندوه در میان یهودیان است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۳۱ و ۳۳، ۲۰: ۱۱). سه مرتبه عیسی ضمیر جمع "شما" را وقتی که از اندوه شاگردانش صحبت می‌کرد، استفاده کرد (انجیل یوحنا ۱۶: ۲۰ [دو مرتبه] و انجیل یوحنا ۱۶: ۲۲). رهبری یعنی:

۱. خدمتگزاری
۲. طرد شدن از سوی جهان
۳. مورد آزار و اذیت قرار گرفتن مثلاً از جانب اربابان

■ "شما غمگین خواهید بود، اما غم شما به شادی بدل خواهد شد" عجب وعده معرکه‌ای به شاگردان در میانه ابهام و درک نکردن. هر آنچه عیسی وعده کرده بود به این گروه شاگردان در نخستین ظهور او پس از قیام در اولین شنبه شب پس از قیام او از مردگان در اتاق طبقه بالا تحقق یافت.

۱. آنها را ترک نخواهد کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۸، ۱۶: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۱۹)

۲. نزد آنها خواهد آمد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۸، ۱۶: ۱۶ و ۱۹، ۲۰: ۱۹)

۳. به آنها آرامش خواهد داد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۲، ۲۰: ۱۹)

۴. روح را به آنها خواهد داد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶، ۲۰: ۲۲)

۱۶: ۲۱ "زن به هنگام زایمان درد می‌کشد" استعاره برای زایمان در عهد قدیم و عهد جدید متداول است. از آن معمولا برای تاکید بر ناگهانی و اجتناب ناپذیر بودن تولد استفاده می‌شود، ولی در اینجا تمرکز بر گرایش مادر، قبل و بعد از آن است. این استعاره اغلب به تولد دردهای عصر جدید اشاره دارد (مراجعه شود به اشعیا ۲۶: ۱۷ الی ۱۸، ۶۶: ۷ الی ۱۴، انجیل مرقس ۱۳: ۸). این دقیقا چیزی است که عیسی بدان اشاره می‌کرد و این دقیقا دلیل آن است که چرا شاگردان، کلمات عیسی را درک نمی‌کردند، زیرا از آینده صحبت می‌کرد!

۱۶: ۲۳ "در آن روز" این هم یک اصطلاح عبری دیگر است (همانند زایمان، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۱) که اشاره به آمدن عصر جدید می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰، ۱۶: ۲۵ و ۲۶).

■ "دیگر چیزی از خود من نخواهید خواست" دو کلمه متفاوت برای "پرسیدن" و "سوال کردن" در این آیه وجود دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۶). اولی دلالت بر "پرسیدن سوالی" دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۵ و ۱۹ و ۳۰). اگر این ترجمه درست باشد، عیسی به تمامی سوالاتی که در متن فصلهای ۱۳ الی ۱۷ پرسیده شده اشاره می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۶، ۱۴: ۵ و ۸ و ۲۲، ۱۶: ۱۷ الی ۱۸). بعد اصطلاح دوم اشاره به آمدن روح القدس می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ الی ۱۶، ۳۱ الی ۳۱، ۲۶ الی ۲۶، ۲۷ الی ۱۶ الی ۱۵) که به سوالات آنها پاسخ خواهد داد.

به طریقی این عبادت به من وعده "پیمان جدید" ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، که آمدن عصر جدید منجر به کامل شدن آگاهی تمامی مومنین می‌شود را یادآوری می‌کند.

NASB "اگر هر چیزی به نام من از پدر بخواهید"

NKJV "هر چه به نام من از پدر بخواهید"

NRSV "اگر به نام من هر چیزی از پدر بخواهید"

TEV "پدر هر آنچه به نام من از او بخواهید به شما میدهد"

NJB "هر چه از پدر بخواهید به نام من به شما اعطا خواهد کرد"

این یک جمله نسبی نامحدود است، نه یک جمله شرطی. باید درک کرد که صرفا با نام عیسی دعای خود را خاتمه دادن یک فرمول تشریفاتی نیست، بلکه دعا در اراده، فکر و شخصیت عیسی است (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۳). به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱۵: ۱۶ مراجعه کنید. موضوع خاص: عبادت نامحدود با اینحال محدود در بخش اول یوحنا ۳: ۲۲ را مطالعه کنید.

در رابطه با عبارت "بنام من" تفاوتی در نسخ دستنویس وجود دارد. باید با "خواستن" همراه باشد یا "دادن" یا هر دو؟ متن یک دعا است، بنابراین، احتمالا باید با خواستن همراه باشد، هر چند در واقعیت، همه چیز از جانب پدر و از طریق عیسی می‌آید ("نام من"، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۱۴، ۱۶: ۱۵ و ۲۴ و ۲۶). موضوع خاص: نام خدا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ الی ۱۴ را مطالعه کنید.

۱۶: ۲۴ "بخواهید تا بیابید" "بخواهید" زمان حال امری فعال است. این بر دعاهای مومنین تمرکز دارد که مداوم است. به یک مفهوم، مومنین باید فقط یکبار درخواست کنند، و ایمان داشته باشند، ولی به مفهومی دیگر، عبادت یک رفاقت مداوم و مستمر و اعتماد به خداست، مرتب درخواست کنید (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۷ الی ۸، انجیل لوقا ۱۱: ۵ الی ۱۳، ۱۸: ۱ الی ۸).

■ "تا شادی تان کامل شود" وجه وصفی کامل مجهول با الفاظ زائد است (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۴). دعاهای مستجاب شده دلیلی برای شادی ما هستند! شادی مشخصه پیروان عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۱، ۱۶: ۲۰ و ۲۱ و ۲۴، ۱۳، ۱۷).

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۶: ۲۵ الی ۲۸

۲۵ "اینها را به تمثیل به شما گفتم؛ اما زمانی فرا خواهد رسید که دیگر این‌گونه با شما سخن نخواهم گفت، بلکه آشکارا درباره پدر به شما خواهم گفت. ۲۶ در آن روز، به نام من درخواست خواهید کرد. و به شما نمی‌گویم که من از جانب شما از پدر خواهم خواست، ۲۷ چرا که پدر خود شما را دوست می‌دارد، زیرا شما مرا دوست داشته و ایمان آورده‌اید که از نزد خدا آمده‌ام. ۲۸ من از نزد پدر آمدم و به این جهان وارد شدم؛ و حال این جهان را ترک می‌گویم و نزد پدر می‌روم."

۱۶: ۲۵ "زبان تمثیلی" تعالیم عیسی تاثیر دوجانبه داشتند: (۱) قدرت درک را باز می‌کردند و (۲) قدرت درک را می‌گرفتند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۰ الی ۱۱، اشعیا ۶: ۹ الی ۱۰، ارمیا ۵: ۲۱). قلب شنونده کلید درک موثر است. با این وجود، حقایقی وجود داشتند که حتی نجات یافتگان تا پس از رخدادهای هفته شادی (مصلوب شدن، قیام از مردگان، ظهور مجدد، معراج) و پنتیکاست، نمی‌توانستند آنها را دریابند.

ظهور پس از قیام در جاده عمانوس (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۱۳ الی ۳۵) می‌تواند سرخی دهد که چگونه عیسی شاگردان را تعلیم می‌داد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۵ الی ۲۷ و ۲۹). او خودش در ظهور پس از قیام نشان داد که چگونه عهد عتیق بشارت او را پیش بینی کرده بود. این برای موعظه‌های پطرس در اعمال رسولان تبدیل به الگویی شد (کاریگما، موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۳۹ را مطالعه کنید).

■ آشکارا درباره پدر به شما خواهیم گفت" موضوع خاص: جسارت (*Parrhēsia*) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۴ را مطالعه کنید.

۱۶: ۲۶ "در آن روز، به نام من درخواست خواهید کرد. و به شما نمی‌گویم که من از جانب شما از پدر خواهم خواست" این آیه حقیقت مهمی را بیان می‌دارد. بسیاری از مسیحیان عصر مدرن احساس می‌کنند که نمی‌توانند به صورت مستقیم به خدا نزدیک شوند. با این وجود، انجیل می‌آموزد که:

۱. روح برای مومنین دعا می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۶ الی ۲۷)

۲. پسر در اول یوحنا ۲: ۱ میانجی مومنین می‌شود

۳. به خاطر مسیح مومنین می‌توانند مستقیم به خدا نزدیک شوند

۱۶: ۲۷ "چرا که پدر خود شما را دوست می‌دارد" اصطلاح "دوست داشتن" معادل *phileō* است که در انجیل یوحنا ۵: ۲۰ هم برای عشق پدر به عیسی استفاده شده است. عجب عبارت حیرت‌انگیزی که در عین حال انجیل یوحنا ۳: ۱۶ را نیز تقویت می‌کند (و از *agapaō* استفاده می‌کند). خدای بی تفاوت نیست که عیسی ستایش می‌کند، بلکه خدای مهرورز است که توسط او کارهای عیسی برای رستگاری تحقق می‌یابند.

NASB  
NKJV, NRSV,  
TEV, NJB  
"از پدر"  
"از خدا"

دو دستنوشته متفاوت یونانی وجود دارند: (۱) "خدا" یا "پدر" و (۲) بودن یا نبودن حرف تعریف. در *MSS P<sup>5</sup>, A, N* "خدا" (God) نوشته شده در حالی که در *MSS C<sup>3</sup> و W* آن خدا (The God) نوشته شده است. به نظر می‌رسد که کاربرد کلمه نامعمول باشد. این یکی از موارد انتقاد متنی است (به ضمیمه مراجعه شود) که سخت‌ترین و نامعمول‌ترین کلمه احتمالاً اصل بوده و منشیها سعی به تغییر آن داشته‌اند. عهد جدید UBS به آن رتبه C (به سختی می‌توان در مورد آن تصمیم گرفت) داده‌اند.

با این وجود، "پدر" در *8<sup>1</sup>* و پدر در *B, C\*, D* و *L* دیده می‌شود.

■ "زیرا شما مرا دوست داشته و ایمان آورده‌اید که از نزد خدا آمده‌ام" اینها دو زمان کامل فعال اخباری هستند. دوست داشتن و ایمان آوردن به عیسی مرحله دوستی با پدر را برقرار می‌سازد. جمله جالبی در *A Translator's Handbook on the Gospel of John* اثر بارکلی نیومن و یوجین نیدا دیده می‌شود:

"این عبارت دلالت بر این دارند که برای یوحنا مفاهیم محبت کردن، اطاعت و ایمان متفاوت از بیان رابطه فرد با پسر است" (صفحه ۵۱۸).

برای "ایمان آوردن" به موضوع خاص: استفاده یوحنا از ایمان/باور در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ مراجعه کنید.

۱۶: ۲۸ "من از نزد پدر آمدم و به این جهان وارد شدم" این زمان آنوریست است که به دنبالش زمان کامل آمده است. عیسی در بیت اللحم به دنیا آمد و نتایج آمدنش پایداری بود ("من همیشه با شما هستم"، مراجعه کنید به انجیل متی ۲۸: ۲۰).

این حقیقت که عیسی از نزد پدر آمد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۳۰، ۸: ۴۲، ۱۳: ۳، ۱۷: ۸) تصریح می‌کند که:

۱. از قبل وجود داشته است

۲. ماهیت خدایی دارد

۳. پدر را به صورت کامل آشکار می‌کند

■ "حال این جهان را ترک می‌گویم و نزد پدر می‌روم" این اشاره به معراج قریب الوقوع و شروع بشارت "یاور" (روح) و بشارت روحانی عیسی است (مراجعه شود به عبرانیان ۷: ۲۵، ۹: ۲۴، اول یوحنا ۲: ۱). همانطور که از پیش وجود داشتن در انجیل یوحنا ۱: ۱ تصریح شده، پس تجدید حیات عیسی و جلال و قدرتش در این آیه تصریح می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۵ و ۲۴).

۲۹ آنگاه شاگردانش گفتند: "اکنون آشکارا سخن می‌گویی، نه به تمثیل. ۳۰ حال دیگر می‌دانیم که از همه چیز آگاهی و حتی نیاز نداری کسی سؤالش را با تو در میان نهد. از همین رو، ایمان داریم که از نزد خدا آمده‌ای". ۳۱ عیسی به آنها گفت: "آیا اکنون واقعاً ایمان دارید؟ ۳۲ اینک زمانی فرا می‌رسد، و برآستی که هم‌اکنون فرا رسیده است، که پراکنده خواهید شد و هر یک به خانه و کاشانه خود خواهید رفت و مرا تنها خواهید گذاشت؛ اما من تنها نیستم، زیرا پدر با من است. ۳۳ اینها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. در دنیا برای شما زحمت خواهد بود؛ اما دل قوی دارید، زیرا من بر دنیا غالب آمده‌ام".

۱۶: ۲۹ "آشکارا سخن می‌گویی" موضوع خاص جسارت (*Parrhēsia*) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۴ را مطالعه کنید.

۱۶: ۳۰ این جمله را باید در نور عیسی سوال شاگردان در انجیل یوحنا ۱۶: ۱۹ را می‌دانست، درک کرد. این بیان منعکس کننده رشد آنها است ولی هنوز ایمان آنها کامل نیست. آنها بسیار دیده و شنیده‌اند، آیا این واقعه (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۱۹) واقعا به عنوان یک نقطه آغاز برای شروع درک آنها بود؟ به نظر من این شبیه یکی از اغراقهای تعمدی از روی حسن نیت پطرس است (به کتاب *The Jerome Biblical Commentary* صفحه ۴۵۶ مراجعه کنید).

۱۶: ۳۱ "آیا اکنون واقعاً ایمان دارید" این می‌تواند سوال یا صرفاً یک بیان باشد. بیشتر ترجمه‌های انگلیسی مدرن آن را به عنوان سوال تلقی می‌کنند. حتی در این نقطه حساس، ایمان شاگردان کامل نبود. ایمان اولیه ولی ضعیف مومنین مدرن هم، وقتی آنها به عیسی بر اساس نوری که دارند به آن پاسخ دهند، توسط خدا پذیرفته می‌شود. فقدان ایمان شاگردان که در زمان محاکمه و مصلوب شدن او را رها کردند، کاملاً مشهود است.

۱۶: ۳۲ "پراکنده خواهید شد و هر یک به خانه و کاشانه خود خواهید رفت و مرا تنها خواهید گذاشت" ظاهراً فقط یوحنا در زمان محاکمه و مصلوب شدن او حاضر بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۶: ۳۱، از زکریا ۱۳: ۷). انجیل یوحنا ۲۱: ۱ الی ۳ می‌گوید که بسیاری از شاگردان به خانه خود برگشته و به شغل ماهیگیری خود می‌پرداختند.

عیسی دوستان خود را از دست داده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۸ و ۴۰ الی ۴۱ و ۴۳ و ۴۵)، ولی هرگز همراهی خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۶ و ۲۹) را تا زمان مصلوب شدن که تمامی گناهان جهان را با خود حمل کرد از دست نداد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۴۵ الی ۴۶).

NASB	"به خانه خودش"
NKJV	"به خانه‌اش"
NRSV	"به خانه‌اش"
NJB	"به راه خود"
TEV	"خانه‌تان"
REB, NET,	"به خانه خودش"
NIV	

در NKJV مفهوم واقعی عبارت به کار رفته است. بیشتر ترجمه‌های انگلیسی تصور می‌کنند که اشاره به خانه خودشان دارد. بالتمن تصریح می‌کند که اشاره به مایملک و دارایی دارد (NIDOTTE، جلد ۲، صفحه ۸۳۹)، یعنی اشاره به عیسی به عنوان خالق (انجیل یوحنا ۱: ۳، اول قرن‌تینان ۸: ۶، کولسیان ۱: ۱۶، عبرانیان ۱: ۲).

۱۶: ۳۳ "در من آرامش داشته باشید" این زمان حال فعال با وجه شرطی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷). هم فاعل و هم مفعول آرامش هستند و در مسیح یافت می‌شوند. موضوع خاص: آرامش در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷ مراجعه شود.

■ "جهان" یوحنا از کلمه جهان در این متن برای اشاره به جامعه سازمان یافته انسانی اشاره می‌کند که به دور از خدا است. موضوع خاص: جهان (کاسموس) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ را مطالعه کنید.

■ "برای شما زحمت خواهد بود" آنها شاهد شکنجه‌ای که عیسی با آن مواجه شد، بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۲۵، انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۲، اعمال رسولان ۱۴: ۲۲، اول تسالونیکیان ۳: ۳). شکنجه (*thlipsis*) راهی برای مشخص شدن پیروان واقعی عیسی بود.

در مکاشفه، الهیات مشخصی میان "خشم" و "شکنجه" وجود دارد. خشم خدا هرگز بر مومن نمی‌نشیند، ولی خشم بی‌ایمانان بر مومنین قرار می‌گیرد. جهان خودش را با حمله به "نور جهان" به عنوان فرزندان شیطان می‌شناساند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۸، ۳: ۱۷ الی ۲۱)!

■ "دل قوی دارید" این عبارت امری فعال حال است (مراجعه شود به انجیل متی ۹: ۲ و ۲۲، ۱۴: ۲۷، انجیل مرقس ۶: ۵۰، ۱۰: ۴۹، اعمال رسولان ۲۳:



۱۱) / همانند کلام یهوه به یوشع به نظر می‌رسد (مراجعه شود به یوشع ۱: ۶ و ۹ و ۱۸، ۱۰: ۲۵).

■ "من بر دنیا غالب آمده‌ام" این زمان کامل فعال اخباری است. پیروزی حتی قبل از گتسمانه، قبل از کالواری، قبل از آرامگاه خالی تضمین شده بود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۷، اول قرنتیان ۱۵: ۵۷، دوم قرنتیان ۲: ۱۴، ۴: ۷ الی ۱۵)! هیچ دوالیسم دیگری وجود ندارد. کنترل همه چیز با خداست.

همانطور که عیسی با محبت و اطاعت از پدر بر جهان غالب آمد، مومنین هم از طریق او فاتح خواهند بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۳ الی ۱۴، ۴: ۴، ۵: ۴ الی ۵، مکاشفه ۳: ۲۱، ۱۲: ۱۱).

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چه ارتباطی میان فصل ۱۵ و ۱۶ وجود دارد؟
۲. در رابطه به آیه ۵، چگونه آیه ۱۳: ۳۶ را درک می‌کنیم؟
۳. بشارت روح القدس بر جهان گمراه چیست؟
۴. بشارت روح القدس بر مومنین چیست؟
۵. چرا برای آیات ۲۶ و ۲۷، یک چنین حقیقت مهمی، نور گرایشهای مذهبی نیاز است؟

## یوحنا ۱۷

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
دعای عیسی	عیسی برای خودش دعا می‌کند	دعای روحانی عیسی	عیسی برای شاگردانش دعا می‌خواند	دعای عیسی
۱۷: ۱ الی ۵	۱۷: ۱ الی ۵	۱۷: ۱ الی ۵	۱۷: ۱ الی ۵	۱۷: ۱ الی ۲۳
	عیسی برای شاگردانش دعا می‌خواند			
۱۷: ۶ الی ۱۹	۱۷: ۶ الی ۱۹	۱۷: ۶ الی ۱۹	۱۷: ۶ الی ۸	
	عیسی برای تمامی مومنین دعا می‌کند			
۱۷: ۲۰ الی ۲۶	۱۷: ۲۰ الی ۲۶	۱۷: ۲۰ الی ۲۴	۱۷: ۲۰ الی ۲۳	
			۱۷: ۲۴ الی ۲۶	۱۷: ۲۴ الی ۲۶
		۱۷: ۲۵ الی ۲۶		

چرخه سوم مطالعه به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

#### زمینه برای آیات ۱ الی ۲۶

##### A. نکات تاریخی

۱. این فصل حاوی دعای روحانی عیسی برای

a. خودش (انجیل یوحنا ۱۷: ۱ الی ۵)

b. شاگردانش (انجیل یوحنا ۱۷: ۶ الی ۱۹)

c. پیروان آتی (انجیل یوحنا ۱۷: ۲۰ الی ۲۶)

این دعا در جو اعتماد ادا شد نه نفرت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۳۳)

۲. این طولانی‌ترین دعای ثبت شده عیسی است

۳. مشکل می‌توان این فصل را به موضوعات مختلف تقسیم کرد زیرا یک انگیزه بارها و بارها تکرار شده است، و مشخصه نوشته‌های یوحنا می‌باشد. این یک الگوی تکراری است. کلمات کلیدی عبارتند از: "شکوه"، "دادن"، "شناختن"، "فرستادن"، "نام"، "جهان"، و "یک".

۴. در این فصل هیچ اشاره‌ای به روح القدس نشده است. به دلیل برجستگیهای او در فصلهای ۱۴ الی ۱۶، این امر غیر معمول است.

B. مشخصه‌های شاگردان در آیات ۶ الی ۱۹

۱. آنها منتخب هستند
  ۲. آنها مطیع هستند
  ۳. آنها خدا و مسیح را می‌شناسند
  ۴. آنها حقیقت را پذیرفتند
  ۵. عیسی برای آنها دعا کرد
  ۶. آنها در جهان ماندند
  ۷. با قدرت او آنها ماندند
  ۸. همانطور که پدر و عیسی یکی هستند، آنان نیز یکی هستند
  ۹. آنها شادی او را دارند
  ۱۰. آنها از این جهان نیستند
  ۱۱. آنها به حقیقت تخصیص داده شدند
  ۱۲. آنها فرستاده شدند، همانطور که عیسی فرستاده شد
  ۱۳. آنها مورد محبت هستند، همانطور که پدر به عیسی محبت می‌کرد
- C. اصطلاح "شکوه" در انجیل یوحنا

۱. بیش از ۲۵ کلمه عبری هستند که از کلمه یونانی doxa در نسخه یونانی انجیل (Septuagint-LXX) ترجمه شده‌اند. کلمه اصلی عهد عتیق kabod است که یعنی "متفاوت"، "وزن"، "سنگینی"، "ارزش"، "اعتبار"، "شرافت"، یا "روشنی".
۲. اصطلاح یونانی doxa از مصدر "فکر کردن" می‌آید و به مفهوم شهرت است.
۳. مفاهیم زیادی برای این کلمه در انجیل یوحنا وجود دارند:
  - a. جلال خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۵ و ۲۴: ۱، ۱۴: ۱۲، ۴۱: ۱۲، ۱۶)
  - b. آشکار شدن پدر توسط معجزات، تعالیم و کارهای هفته عشق عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۴ و ۱۰ و ۲۲: ۱، ۱۴: ۲، ۱۱)
  - c. به خصوص صلیب (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱ و ۴، ۷: ۳۹، ۱۲: ۲۳، ۱۳: ۳۱ و ۳۲)

بدیهی است انعطاف‌پذیری میان این کاربردها وجود دارد. حقیقت اصلی این است که خدای پنهان به صورت انسان (یعنی عیسی مسیح) با کارها و اعمالش آشکار می‌شود.

#### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۷: ۱ الی ۵

پس از این سخنان، عیسی به آسمان نگریست و گفت: "پدر، ساعت رسیده است. پسر را جلال ده تا پسر تو را جلال دهد. زیرا او را بر هر بشری قدرت داده‌ای تا به همه آنان که به او عطا کرده‌ای، حیات جاویدان بخشد. و این است حیات جاویدان، که تو را، تنها خدای حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند. من کاری را که به من سپردی، به کمال رساندم، و این‌گونه تو را بر روی زمین جلال دادم. پس اکنون ای پدر، تو نیز مرا در حضور خویش جلال ده، به همان جلالی که پیش از آغاز جهان نزد تو داشتم."

۱۷: ۱ "پس از این سخنان" این باید اشاره به صحبت‌های اتاق طبقه بالا در فصل‌های ۱۳ الی ۱۶ داشته باشد.

■ "به آسمان نگریست" این حالت معمول عبادت و دعا میان یهودیان است: دستها، سر و چشمان به بالا به سوی بهشت گویی با خدا صحبت می‌کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۱، انجیل مرقس ۷: ۳۴، انجیل لوقا ۱۸: ۱۳، مزمور ۱۲۳: ۱). عیسی اغلب دعا می‌کرد. به وضوح این امر در انجیل لوقا ۳: ۲۱، ۵: ۱۶، ۶: ۱۲، ۹: ۱۸، ۱۱: ۱، ۲۲: ۴۱ الی ۴۵، ۲۳: ۳۴ مکتوب شده است.

■ "پدر" عیسی اغلب خدا را با این اصطلاح خطاب می‌کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۱، ۱۲: ۲۷ و ۲۸، انجیل متی ۱۱: ۲۵ الی ۲۷، انجیل لوقا ۲۲: ۴۲، ۲۳: ۳۴). عیسی به زبان آرامی سخن می‌گفت. اصطلاح آرامی که عیسی استفاده می‌کرد *Abba* بود که کودکانه برای صدا کردن پدرشان در منزل استفاده می‌کنند، همانند "Daddy" یا "بابا" (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۳۶). این باید برای کسانی که شاگرد عیسی نبودند شوکه‌کننده و اهانت آمیز می‌بوده باشد.

■ "ساعت رسیده است" این نشان می‌دهد که عیسی از هدف و دوره بشارتش آگاهی داشت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۴، ۷: ۶ و ۸ و ۳۰، ۸: ۲۰، ۱۲: ۲۳، ۱۳: ۱). او در شرایط ناشناخته خود را نباخت.

■ "پسرت را جلال ده" این زمان آنوریست فعال امری است. عیسی همیشه به مرگ خود با اصطلاحات مشابه در انجیل یوحنا اشاره می‌کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۴، ۷: ۳۹، ۱۲: ۲۳، ۱۳: ۳۱ الی ۳۲). این اصطلاح همچنین به از پیش وجود داشتن عیسی هم مرتبط است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۷: ۵ و ۲۴). اعمال عیسی پدر را جلال داد. یک شرایط متقابل وجود داشت. به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و زمینه برای آیات بند ۳ مراجعه کنید.

برای "پسر" موضوع خاص مربوط به بخش اول یوحنا ۳: ۸ را مطالعه کنید

اختلافاتی در نسخ دستنویس در مورد "پسر" وجود دارد:

۱. پسر با حرف تعریف در  $W, C^*, B, \alpha, MSS P^{60}$

۲. پسر با ضمیر اضافه در  $MSS A, D, C^2$

$UBS^4$  به حالت شماره ۱ رتبه B می‌دهد (تقریباً یقین).

۱۷: ۲ "او را بر هر بشری قدرت داده‌ای" این اظهار فوق العاده‌ای از یک روستایی نجار است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۷، انجیل متی ۱۱: ۲۷، ۲۸: ۱۸، انجیل لوقا ۱۰: ۲۲). اصطلاح "قدرت" (*exousia*) مشابه همان اصطلاحی است که در انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۵: ۲۷، ۱۹: ۱۰ و ۱۱ استفاده شده است. می‌توان آن را به "حق قانونی" یا "قدرت" ترجمه کرد.

عبارت "هر بشری" مفرد است (کلمه عبری که به نوع بشر اشاره می‌کند، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۶: ۱۲، مزمور ۶۵: ۲، ۱۴۵: ۲۱، اشعیا ۴۰: ۵، ۶۶: ۲۳، یوشع ۲: ۲۸).

■ "به همه آنان که به او عطا کرده‌ای" اصطلاح "به همه آنان که" خنثی و مفرد است (مراجعه کنید به انجیل یوحنا ۷ و ۲۴)، که بر شاگردان، یعنی بدن عیسی متمرکز است، نه بر افراد! فعل زمان اخباری کامل فعال دلالتی است که از هدیه‌ای پایدار صحبت می‌کند. این عبارت آگاهی از قبل وجود داشته و انتخاب را تأیید می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۶ و ۹ و ۱۲، ۶: ۳۷ و ۳۹، رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰، افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴). در عهد عتیق انتخاب برای خدمت بود، در حالیکه در عهد جدید برای رستگاری جاودانی معنوی و امنیت است. مومنین همچنین برای خدمت فرا خوانده می‌شوند. انتخاب فقط برای کارهای الهی نیست، بلکه باید با پیمان به مسئولیت فرد مرتبط شود. تمرکز آن بر مرگ نیست، بلکه بر زندگی است! مومنین برای "تقدس" انتخاب می‌شوند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴)، نه اینکه موقعیت ممتازی باشد (که به آن فخر فروشی کنند). این عبارت را نباید بدین گونه درک کرد که خداوند فقط برخی را به عیسی می‌دهد و بقیه را نمی‌دهد.

### موضوع خاص: انتخاب

■ "حیات جاویدان بخشد" حیات جاویدان هدیه‌ای از جانب خدا از طریق عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۱ و ۲۶، ۶: ۴۰ و ۴۷، ۱۰: ۲۸، اول یوحنا ۲: ۲۵، ۵: ۱۱). معنی آن: "زندگی خدا"، "زندگی عصر جدید"، یا "زندگی پس از قیام از مردگان" است. اساساً کمیت نیست بلکه کیفیت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۰).

۱۷: ۳ "این است حیات جاویدان" این مفهوم "حیات جاویدان" است که توسط یوحنا اضافه شده. این آیه دو حقیقت اصلی مسیحیت را نشان می‌دهد (۱) یکتاپرستی (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۶: ۴ الی ۶) و (۲) عیسی به عنوان نسلی از داوود (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷). این "حیات جاویدان" چیزی نیست که برای آینده ذخیره شده باشد، بلکه هم اینک و از طریق عیسی موجود است.

■ "که تو را، تنها خدای حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند" این وجه شرطی حال فعال است. این فقط به دانش شناختی درباره خدا اشاره نمی‌کند، هر چند حقیقتی است که باید تأیید شود، ولی در مفهوم سامی رابطه فردی. با این وجود، حقیقت این است که عیسی مسیح است، مکاشفه کامل تنها خدای راستین (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲ و ۱۴، کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۳)، و افراد باید باور کنند، ایمان آورند، دریافت کنند، توبه کنند، اطاعت کنند و در او بمانند و استقامت کنند.

■ "تنها خدای حقیقی" عهد عتیق در تصریح و تأیید وجود فقط و فقط یک خدا منحصر به فرد است (مراجعه شود به کتاب خروج ۸: ۱۰، ۹: ۱۴، کتاب تثنیه ۴: ۳۵ و ۳۹، اول سموئیل ۲: ۲، دوم سموئیل ۷: ۲۲، اول پادشاهان ۸: ۲۳، اشعیا ۳۷: ۲۰، ۴۴: ۶ و ۷ و ۱۴ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۲، ۴۶: ۹، انجیل یوحنا ۵: ۴۴، اول قرنتیان ۸: ۴ و ۶، اول تیموتائوس ۱: ۱۷، ۲: ۵، یهودا ۱: ۲۵). منصفانه باید گفت که معرفی خدا به عنوان یگانه تک در عهد عتیق

بر خلاف زمینه ذهنی جهان بینی شرقی چند خدایی است. فقط یک خدا وجود دارد (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۵: ۱۱، تثنیه ۳: ۲۴، مزمور ۸۶: ۸، ۸۹: ۶).

#### موضوع خاص: یکتاپرستی

موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته‌های یوحنا)

■ "و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای" این می‌تواند یکی از توضیحات یوحنا باشد. این تاکید بر عیسی به عنوان "فرستاده شده" از جانب پدر یک دوالیسم عمودی تکراری در انجیل یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۷ و ۳۴، ۵: ۳۶ و ۳۸، ۶: ۲۹ و ۳۸ و ۵۷، ۷: ۲۹، ۸: ۴۲، ۱۰: ۳۶، ۱۱: ۴۲، ۱۷: ۳ و ۸ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵، ۲۰: ۲۱). روحانیون از اصطلاح *apostellō* برای اشاره به کسی که به عنوان نماینده رسمی فرستاده شده، استفاده می‌کردند. موضوع خاص: فرستاده (*apostellō*) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۴ را مطالعه کنید.

۱۷: ۴ "تورا بر روی زمین جلال دادم" (یادداشت مندرج در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۲ را مطالعه کنید). اصطلاح "جلال" می‌تواند در مفهوم (۱) "جلال دادن به" یا (۲) "آشکار کردن جلال" باشد. آیه شماره ۶ به مورد ۲ اشاره دارد. یکی از وظایف اصلی عیسی آشکار ساختن پدر بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۸).

■ "کاری را که به من سپردی، به کمال رساندم" ریشه یونانی، *telos*، به معنی "به صورت کامل انجام دادن" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۳۴، ۵: ۳۶، ۱۹: ۳۰). این یک کار سه جانبه بود.

۱. آشکار ساختن پدر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۸)
۲. رستگاری انسان گمراه (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱)
۳. نمونه انسان واقعی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۱، اول پطرس ۲: ۲۱)
۴. همچین، کار میانجیگری عیسی همچنان ادامه پیدا می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱، عبرانیان ۷: ۲۵، ۹: ۲۴)

۱۷: ۵ "جلال دادن..... جلال" این آیه بر از پیش وجود داشتن مسیح تاکید می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۱۵، ۶: ۶۲، ۸: ۵۸، ۱۶: ۲۸، ۱۷: ۱۱ و ۱۳ و ۲۴، دوم قرنتیان ۸: ۹، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۱: ۳، ۱۰: ۵ الی ۸). عیسی با معجزات و نشانه‌هایش "جلال" را بر شاگردانش آشکار نمود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴، ۲: ۱۱، ۱۱: ۱۱ و ۱۲، ۴۰، ۱۲: ۲۸). اینک اوج "جلال" او، مرگ، قیام و معراج و و بازگشت به جلال بهشت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۴، فیلیپیان ۲: ۵ الی ۶). فعل این عبارت آنوریست امری فعال است که به عنوان درخواست از پدر استفاده شده است. یادداشت کامل در مورد "جلال" در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۷: ۶ الی ۱۹

۶ "من نام تو را بر آنان که از جهانیان به من بخشیدی، آشکار ساختم. از آن تو بودند و تو ایشان را به من بخشیدی، و کلامت را نگاه داشتند. اکنون دریافته‌اند که هرآنچه به من بخشیده‌ای، براستی از جانب توست. <sup>۸</sup> زیرا کلامی را که به من سپردی، بدیشان سپردم، و ایشان آن را پذیرفتند و به یقین دانستند که از نزد تو آمده‌ام، و ایمان آوردند که تو مرا فرستاده‌ای. <sup>۹</sup> درخواست من برای آنهاست؛ من نه برای دنیا بلکه برای آنهایی درخواست می‌کنم که تو به من بخشیده‌ای، زیرا از آن تو هستند. <sup>۱۰</sup> هرآنچه از آن من است، از آن توست و هرآنچه از آن توست، از آن من است؛ و در ایشان جلال یافته‌ام. <sup>۱۱</sup> بیش از این در جهان نمی‌مانم، اما آنها هنوز در جهانند؛ من نزد تو می‌آیم. ای پدر قدوس، آنان را به قدرت نام خود که به من بخشیده‌ای حفظ کن، تا یک باشند، چنانکه ما هستیم. <sup>۱۲</sup> من آنها را تا زمانی که با ایشان بودم، حفظ کردم، و از آنها به قدرت نام تو که به من بخشیده‌ای، محافظت نمودم. هیچ‌یک از ایشان هلاک نشد، جز فرزند هلاکت، تا گفته کتب مقدس به حقیقت پیوندد. <sup>۱۳</sup> اما حال نزد تو می‌آیم، و این سخنان را زمانی می‌گویم که هنوز در جهانم، تا شادی مرا در خود به کمال داشته باشند. <sup>۱۴</sup> من کلام تو را به ایشان دادم، اما دنیا از ایشان نفرت داشت، زیرا به دنیا تعلق ندارند، چنانکه من تعلق ندارم. <sup>۱۵</sup> درخواست من این نیست که آنها را از این دنیا ببری، بلکه می‌خواهم از آن شرور حفظشان کنی. <sup>۱۶</sup> آنها به این دنیا تعلق ندارند، چنانکه من نیز تعلق ندارم. <sup>۱۷</sup> آنان را در حقیقت تقدیس کن؛ کلام تو حقیقت است. <sup>۱۸</sup> همان گونه که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنان را به جهان فرستاده‌ام. <sup>۱۹</sup> من خویشان را به خاطر ایشان تقدیس می‌کنم، تا ایشان نیز به حقیقت تقدیس شوند.

۱۷: ۶ "من نام تو را بر آنان که از جهانیان به من بخشیدی، آشکار ساختم" اسامی عبری منعکس کننده شخصیت هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱ و ۱۲ و ۲۵ الی ۲۶، مزمور ۹: ۱۰). این عبارت همچنین از دیدگاه خدانشناسی تصریح می‌کند که دیدن عیسی همان دیدن خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۱۲: ۴۵، ۱۴: ۸ الی ۱۱، کولسیان ۱: ۱۵، عبرانیان ۱: ۳).

از دیدگاه خداشناسی، "اسم" نقش مهمی در مکالمات اتاق طبقه بالا ایفا می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۱۴ و ۲۶، ۱۵: ۱۶ و ۲۱، ۱۶: ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ و ۱۷: ۶ و ۱۱ و ۱۲ و ۲۶). در فصل ۱۷، دو عنوان منحصر به فرد برای خدا استفاده شده است.

۱. پدر مقدس، انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱

۲. پدر عادل، انجیل یوحنا ۱۷: ۲۵

■ "از آن تو بودند و تو ایشان را به من بخشیدی" از نظر خداشناسی، این از انتخاب صحبت می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲ و ۹ و ۲۴، ۶: ۳۷ و ۳۹). هیچکس نمی‌تواند بیاید مگر اینکه:

۱. خدا بدهد

۲. روح جذب کند (انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)

۳. آنها دریافت کنند (انجیل یوحنا ۱: ۱۲)، ایمان آورند (انجیل یوحنا ۳: ۱۶)

■ "کلامت را نگاه داشتند" اطاعت مهم است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۱ و ۵۵، ۱۴: ۲۳، ۱۵: ۱۰ و ۲۰). این در همان مفهوم عهد عتیقی "بی‌گناه" استفاده شده است (مراجعه شود به نوح، پیدایش ۶: ۹، ابراهیم، پیدایش ۱۷: ۱، اسرائیل، تثنیه ۱۸: ۱۳، یعقوب، یعقوب ۱: ۱). دلالت بر اطاعت کامل یا بدون گناه بودن نمی‌کند، بلکه دلالت بر نیاز به شنیدن و انجام هر آنچه آشکار شده است، دارد، تا اینجا اشاره به ایمان شاگردان به عیسی، پایداری در عیسی، و محبت کردن به یکدیگر همانطور که عیسی به آنها محبت می‌کرد، دارد.

۱۷: ۷ "اکنون دریافته‌اند" این زمان کامل فعال خبری است که به دنبال آن "که" (*hoti*) آمده، و اشاره به محتوای پیام دارد. برای استفاده یوحنا از اصطلاح "*hoti*" به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ و ۲۴ مراجعه کنید.

■ "هرآنچه به من بخشیده‌ای، برآستی از جانب توست" عیسی از آنچه توسط پدر بر او آشکار گشته سخن می‌گفت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۸، ۱۶: ۱۲، ۱۷: ۴۸ الی ۴۹).

۱۷: ۸ "ایشان آن را پذیرفتند" آنها پیام عیسی در مورد خدا را پذیرفتند. هیچ موضوع مستقیمی در اینجا بیان نشده است. در انجیل یوحنا ۱: ۱۲ موضوع مستقیم پذیرفتن/قبول کردن اشاره به خود عیسی دارد، در اینجا، پیام درباره خدا است که عیسی آورده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۴). این دو جنبه انجیل را (۱) به عنوان فرد و (۲) یک پیام، مشخص می‌کند.

■ "آنها پذیرفتند... آنها ایمان آوردند" اینها زمان آنوریست فعال اخباری هستند. این حقایق به منشا خدایی بودن عیسی و پیام اشاره دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۹، ۶: ۶۸ الی ۶۹، ۱۲: ۴۸ الی ۴۹، ۱۶: ۳۰، ۱۷: ۱۸ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۵).

۱۷: ۹ "درخواست من برای آنهاست" عیسی میانجی (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۵، عبرانیان ۸: ۶، ۹: ۱۵، ۱۲: ۲۴) و مدافع (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱) ما است. پدر هم در این کارها دخیل است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۶ الی ۲۷)، همانطور هم روح (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۶ الی ۲۷). هر سه این افراد تثلیث در تمامی جنبه‌های رستگاری دخیل هستند.

■ "جهان" اصطلاح *Kosmos* هیجده مرتبه در این فصل تکرار شده است. عیسی به (۱) زمین (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۵ و ۲۴) و (۲) رابطه مومنین با تباهی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۰، ۱۷: ۶ و ۹ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۱ و ۲۳) توجه دارد. در نوشته‌های یوحنا این اصطلاح به صورت منحصر به فرد یعنی "جامعه بشری سازمان یافته‌ای که به دور از خدا عمل می‌کند". گاهی اوقات این اصطلاح دلالت بر (۱) کره زمین، (۲) تمامی موجودات بر روی زمین، و یا (۳) زندگی به دور از خدا اشاره دارد. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ را مطالعه کنید.

۱۷: ۱۰ "هرآنچه از آن من است، از آن توست و هرآنچه از آن توست، از آن من است" این یکی بودن تثلیث را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱ و ۲۱ الی ۲۳، ۱۶: ۱۵). برای تثلیث به موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ مراجعه شود.

■ "در ایشان جلال یافته‌ام" این زمان کامل مجهول اخباری است. زندگی یک شاگرد باعث افتخار شدن عیسی است همانطور که عیسی باعث افتخار پدر شد. چه مسئولیت حیرت‌انگیزی!

۱۷: ۱۱ "بیش از این در جهان نمی‌مانم" این اشاره به (۱) آینده قریب الوقوع (معراج) وقتی که عیسی به نزد پدر می‌رود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۹ الی ۱۰) و یا (۲) بشارت عمومی عیسی دارد.

■ "پدرِ قدّوس" این اصطلاح "قدوس" فقط برای پدر در اینجا در عهد جدید استفاده شده است (همچنین در عنوان "آن مقدس" در اول پطرس ۱: ۱۵ استفاده شده است) همانطور که در عهد عتیق استفاده شده است. این صفت (*hagios*) همچنین اغلب به روح هم منتسب می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۳، ۱۴: ۲۶، ۲۰: ۲۲). از همین ریشه یونانی مشابه (*hagiasmos*) در مورد شاگردان در انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷ و عیسی در انجیل یوحنا ۱۷: ۱۹ (*hagiazō*) استفاده شده است.

ریشه اصطلاح "دور بودن از خدمت خدا" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷ و ۱۹). این اصطلاح در مورد افراد، مکانها و چیزهایی که اصطلاحاً برای استفاده خدا به کار می‌روند، استفاده می‌شود. توصیف کننده شخصیت خدای متعالی (آن مقدس اسرائیل) است و متفاوت از چیزهای گمراه فیزیکی، زمینی است. عیسی مقدس بود، همانطور هم پیروانش شبیه او می‌شوند، تا "تقدس" را منعکس کنند. ریشه اصطلاح "قدیس" (*saint*) از اصطلاح مقدس (*holy*) می‌آید. مومنین مقدس هستند زیرا در مسیح هستند، ولی آنها باید برای او زندگی کنند، شبیه او باشند و در او باشند تا مقدس شوند.

## موضوع خاص: آن مقدس (*The Holy One*)

### SPECIAL TOPIC: THE HOLY ONE

- I. "آن مقدس اسرائیل" عنوان مورد علاقه اشعیا برای خداوند است (مراجعه شود به اشعیا ۱: ۴، ۱۹: ۵، ۱۷: ۱۰ و ۲۰، ۱۲: ۶، ۱۷: ۷، ۱۹: ۲۹ و ۲۳، ۱۱: ۳۰ و ۱۲ و ۱۵، ۳۱: ۱، ۳۷: ۲۳، ۴۰: ۲۵، ۴۱: ۱۴ و ۱۶ و ۲۰، ۴۳: ۳ و ۱۴ و ۱۵، ۴۵: ۱۱، ۴۷: ۴، ۴۸: ۱۷، ۴۹: ۷، ۵۴: ۵، ۵۵: ۵، ۶۰: ۹ و ۱۴). از آنجا که او "مقدس" است، مردم او هم باید مقدس باشند (مراجعه شود به لاویان ۲: ۱۹، انجیل متی ۵: ۴۸، اول پطرس ۱: ۱۶). این عنوان، به عبارتی، بیان کننده غیر ممکن بودن گناه آلود بودن انسان سقوط کرده است که با استاندارد مقدس ارزیابی می‌شود. پیمان موسی را غیر ممکن است بتوان حفظ کرد (مراجعه شود به یوئیل ۱۹: ۲۴، اعمال رسولان ۱۵، غلاطیان ۳، کتاب عبرانیان). پیمان قدیمی راهی برای نشان دادن غیر ممکن بودن مطابقت دادن انسان با استاندارد خدا است (غلاطیان ۳)، با این حال، خدا با آنها بود، برای آنها بود، آنها را برای پاسخ دادن به شرایط سقوط کرده خود آماده می‌ساخت (یعنی "پیمان جدید در عیسی"). او استانداردهای خود را پائین نمی‌آورد، ولی آنها را در مسیح خود ارائه می‌کند. پیمان جدید (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸) یک پیمان ایمان و توبه است، نه عملکرد انسان، بلکه از طریق آن دوست داشتن مسیح را ایجاد می‌کند (مراجعه شود به جیمز ۲: ۱۴ الی ۲۶). خدا مردمی را می‌خواهد که منعکس کننده شخصیت او به ملتها باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸).
- II. "آن مقدس" می‌تواند اشاره داشته باشد به:

۱. خدای پدر (مراجعه شود به عبارتهای مختلف در عهد عتیق در مورد "آن مقدس اسرائیل")
  ۲. خدای پسر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۴، انجیل لوقا ۴: ۳۴، انجیل یوحنا ۶: ۶۹، اعمال رسولان ۳: ۱۴، اول یوحنا ۲: ۲۰)
  ۳. خدای روح القدس (عنوانش، "روح مقدس" مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۳، ۱۴: ۲۶، ۲۰: ۲۲)
- اعمال رسولان ۱۰: ۳۸ آیه‌ای است که تمامی این سه که در اصل خدا هستند، دارای تدهین می‌باشند. عیسی تدهین شد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۴: ۱۸، اعمال رسولان ۴: ۲۷، ۱۰: ۳۸). این مفهوم بسط داده می‌شود تا تمامی مومنین را هم شامل شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۷). آن تدهین شده تبدیل به آن تدهین شدگان می‌شود! این می‌تواند مترادف با ضد مسیح و ضد مسیحیان باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸). حرکت نمادین تدهین فیزیکی عهد عتیق با روغن (مراجعه شود به کتاب خروج ۲۹: ۷، ۳۰: ۲۵، ۳۷: ۲۹) در ارتباط با کسانی است که توسط خدا فرا خوانده شده و برای کار خاصی انتخاب شده‌اند (مانند رسولان، کشیشان، و پادشاهان). کلمه مسیح ترجمه عبری اصطلاح "آن تدهین شده" یا مسایح است.

■ "آنان را به قدرت نام خود که به من بخشیده‌ای حفظ کن" عیسی دعا می‌کند (آئوریست فعال امری) برای محافظت و حضور فردی قدرتمند که بیهوه به او بخشیده است (کامل اخباری دلالتی فعال) تا به شاگردانش ارائه شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۲). این به آنان قدرت می‌دهد که جهان گمراه را بشارت دهند، همانطور که او به جهان گمراه بشارت داد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۸). این یکی از مزایای اتحاد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۱) میان اینها است:

۱. پدر
۲. پسر
۳. شاگردان

■ "تا یک باشند، چنانکه ما هستیم" این وجه شرطی حال است. اشاره به رابطه یکی بودن خدای سه گانه است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۱ و ۲۲ و ۲۳، ۱۰: ۳۰، ۱۴: ۱۰). این هم یک درخواست و مسئولیت عظیم برای مسیحیان است! فراخوانی برای اتحاد در دنیای امروز ما وجود ندارد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱ الی ۶). اتحاد، و نه یکسانی، راهی برای تجدید حیات کلیسای از هم پاشیده خدا است.

۱۷: ۱۲ "من آنها را تا زمانی که با ایشان بودم، حفظ کردم، و از آنها به قدرت نام تو که به من بخشیده‌ای، محافظت نمودم" فعل اول غیر کامل و دومی آئوریستی است. این افعال مترادف هستند. قدرت عبارت حفاظت مداوم عیسی است (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۳ الی ۹).

M. R. Vincent در کتاب *Word Studies in the New Testament* اثر، جلد اول تمایزی میان این دو اصطلاح قائل می‌شود. او می‌گوید که اولی (*tēreō*) یعنی حفظ کردن/نگاه داشتن و دومی (*phulassō*) یعنی محافظت کردن (صفحه ۴۹۶).

در کتاب *Theological Dictionary of the New Testament* جلد اول، گرهارد کیتل می‌گوید "به طور کلی، زمینه دوم و چهارم می‌توانند در رابطه با این جهان به صورت مختصر باشند، در حالی که اول و سوم زمینه‌هایی هستند در رابطه با جهان بعدی، همانند پولس و یوحنا" صفحه ۳۹۴. تعریفی که او ارائه می‌دهد عبارتند از:

۱. کشتن یا نابود کردن
۲. از دست دادن یا رنج کشیدن از
۳. از بین بردن
۴. گم شدن

این اصطلاح اغلب برای تصریح دکترین نابودی استفاده می‌شود، یعنی، که مردم نجات نیافته پس از داوری نابود می‌شوند. به نظر می‌رسد این اصطلاح، دانیال ۱۲: ۲ را نقض کند. همچنین فاقد تمایز میان مفاهیم استفاده شده در سایر اناجیل در مقابل یوحنا و پولس هستند، که به صورت استعاره‌ای از آن برای تخریب معنوی، گمراهی استفاده می‌کنند نه تخریب فیزیکی. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۰ را مطالعه کنید.

■ "جز فرزند هلاکت" بدیهی است که این اشاره به یهودا اسخریوطی دارد. همین عبارت در دوم تسالونیکیان ۲: ۳ در مورد "مرد گناه" (ضد مسیحی پایان زمان) استفاده شده است. این اصطلاح عبری به معنی "کسی که تقدیرش گمراهی است" می‌باشد. با اصطلاح "گم شدن" که بیشتر در این آیه استفاده شده بازی شده است. "هیچکس گمراه نیست مگر اینکه تقدیرش گمراهی باشد".

**موضوع خاص: ارتداد (APHISTĒMI)** در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۶۴ را مطالعه کنید.

■ "گفته کتب مقدس به حقیقت پیوندد" این اشاره به مزمور ۴۱: ۹ دارد، که در انجیل یوحنا ۱۳: ۱۸، ۶: ۷۰ الی ۷۱ نقل قول شده است.

۱۷: ۱۳ "اما حال نزد تو می‌آیم" این می‌تواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد:

۱. دعای عیسی (انجیل یوحنا ۱۷)
۲. معراج عیسی (انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱، اعمال رسولان ۱)

■ "این سخنان را زمانی می‌گویم که هنوز در جهانم" این عبارت می‌تواند باز گردد به:

۱. ۱۱: ۴۲، عیسی بلند صحبت می‌کند تا همه بتوانند بشنوند
۲. ۱۵: ۱۱، کلمات عیسی مستقیماً در رابطه با شادی شاگردان است

■ "تا شادی مرا در خود به کمال داشته باشند" این وجه شرطی حال فعال و ضمیر مفعولی کامل مجهول است. عجب وعده حیرت انگیزی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۱، ۱۶: ۲۴). یوحنا همین عبارت را مجدداً استفاده می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۴، دوم یوحنا ۱۲).

۱۷: ۱۴ "من کلام تو را به ایشان دادم" اصطلاح "کلام" در اینجا *logos* است. این اصطلاح یونانی مترادف *rhēma* بوده و در آیه ۸ استفاده شده است. این تأیید مکاشفه الهی از طریق شخص عیسی، تعالیم و مثالهایش است. عیسی کلام را می‌گوید و خود کلام است. کلمه هم فردی و هم مفهوم متنی دارد. ما شخص آورنده خبر خوش را می‌پذیریم و به پیام خبر خوش پاسخ می‌دهیم!

■ "دنیا از ایشان نفرت داشت" طرد شدن از جهان نشان پذیرش توسط عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۲۰، اول یوحنا ۳: ۱۳).

■ "زیرا به دنیا تعلق ندارند" مومنین در جهان هستند ولی به این جهان تعلق ندارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۶، اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷).

■ "چنانکه من نیز تعلق ندارم" "جهان" اشاره به این عصر گمراهی انسانها و شورش فرشتگان اشاره دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۳). این هم یک مثال دیگر از دوالیسم عمودی یوحنا است.

۱۷: ۱۵ "درخواست من این نیست که آنها را از این دنیا ببری" مسیحیان ماموریتی در این جهان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۸، انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸). این زمان آن نیست که به خانه بروند!

NASB, NKJV "آن شیطان"

NRSV "آن شیطان"



این اصطلاح یا مذکر یا خنثی است. این مفهوم اغلب نیروی شیطانی فرد با بیان می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱، ۱۳: ۲۷، ۱۴: ۳۰، ۱۶: ۱۱)، بنابراین، آیه همانند انجیل متی ۵: ۳۷، ۶: ۱۳، ۱۳: ۱۹ و ۳۸ باید "آن شیطان" باشد (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۳: ۳، اول یوحنا ۲: ۱۳ الی ۱۴، ۳: ۱۲، ۵: ۱۸ الی ۱۹). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ را مطالعه کنید.

**۱۷: ۱۷ "تقدیس کن"** این زمان آنوریست فعال امری از ریشه "مقدس" (*hagios* - "holy") است و می‌تواند به یکی از معانی زیر باشد:

۱. از مومنین خواسته می‌شود که همانند مسیح باشند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۹، رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، ۷: ۱، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، ۴: ۱۳، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳ و ۷، ۵: ۲۳، اول پطرس ۱: ۱۵). این فقط می‌تواند از طریق دانستن حقیقت رخ دهد که هم کلام زنده است (عیسی، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ الی ۱۴) و کلام مکتوب (انجیل، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۵).

۲. "تقدیس کردن" در مفهوم عهد عتیق اساسا یعنی "جدا کردن برای خدمت خدا". آیه ۱۸ هدف تقدیس را مشخص می‌سازد.

سوال این نیست که شماره ۱ درست است یا شماره ۲. هر دو درست هستند. زندگی عیسی لزوم هر دو را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۹).

این احتمال هست که یوحنا، به عنوان تقلیدی از کشیشان عهد عتیق که در خدمت خدا بودند، شاگردان را برای خدمت به خدا مقدس شمرده باشد. آنها به عنوان واسطه قدیسان عهد عتیق خدمت می‌کردند، ولی خدمت شاگردان به عنوان آشکار کننده کامل عهد جدید، فدا شدن یکبار و برای همه مسیح است (کتاب عبرانیان را که عهد عتیق و عهد جدید را مقایسه می‌کند، مطالعه نمایید).

■ **"در حقیقت؛ کلام تو حقیقت است"** حقیقت اشاره به پیام عیسی درباره خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ الی ۳۲). عیسی هم در پیام *Logos*، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۱۴) و هم در حقیقت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶) خدا فرا خوانده شد. به روح اغلب به عنوان روح حقیقت اشاره می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳). توجه داشته باشید که مومنین هم با حقیقت تقدیس می‌شوند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۹، مفعول مجهول کامل) و توسط روح (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۲). برای بحث کاملتر در مورد ریشه "حقیقت، راست" به موضوع خاص: حقیقت/راستی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ مراجعه کنید.

احتمال این هست که "کلام تو حقیقت است" ممکن است اشاره یا نقل قولی از *LXX* مزمور ۱۱۹: ۱۴۲ باشد، "عدالت تو عدالت بدی است، و قانون آن حقیقت است". یقینا این احتمال هست که عیسی به عنوان یکی از اینها دیده شده باشد:

۱. موسی جدید (تثنیه ۱۸: ۱۵)
۲. شاگردان او به عنوان کشیشان جدید (استفاده از فعل تقدیس کردن)
۳. زندگی او به عنوان آشکار کننده تنها خدای راستین
۴. واحد بودن تثلیث خدا و شاگردان به عنوان تحقق دهندگان هدف خلقت (پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷)
۵. عیسی به تحقق بخشنده پیدایش ۳: ۱۵

**۱۸: ۱۷ "همان گونه که تو مرا به جهان فرستادی"** زندگی مطیعانه و خدمتگزارانه عیسی، حتی تا زمان مرگ (دوم قرنتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵، غلاطیان ۲: ۲۰، اول یوحنا ۳: ۱۶) الگویی را برای پیروانش تعیین می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۹). او آنها را به دنیای منحرف می‌فرستد، همانگونه که خودش در انجیل یوحنا ۲۰: ۲۱ فرستاده شد. آنها باید در جهان دست به کار شوند، نه اینکه راهی صومعه شوند و از آن دوری کنند. موضوع خاص: فرستادن (*Apostellō*) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۴ را مطالعه کنید.

**۱۹: ۱۷ "من خویشتن را به خاطر ایشان تقدیس می‌کنم"** در این متن این باید اشاره به کالواری داشته باشد! عیسی خود را وقف انجام اراده پدر کرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵).

■ **"تا ایشان نیز به حقیقت تقدیس شوند"** این یک عبارت *hina* است (عبارت منظوردار) با الفاظ اضافی و ضمیر مجهول کامل، و دلالت بر این دارد که نتایج قبلا حاصل شده و با قدرت ادامه دارد. با این وجود، عنصر احتمالی هم بر اساس یکی از موارد زیر وجود دارد:

۱. کار قریب الوقوع عیسی بر روی صلیب، قیام و معراجش
  ۲. پاسخ همراه با توبه مداوم به عیسی و تعالیم او
- موضوع خاص در مورد حقیقت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

<sup>۲۰</sup> "درخواست من تنها برای آنها نیست، بلکه همچنین برای کسانی است که به واسطهٔ پیام آنها به من ایمان خواهند آورد،<sup>۲۱</sup> تا همه یک باشند، همان گونه که تو ای پدر در من هستی و من در تو. چنان کن که آنها نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای.<sup>۲۲</sup> و من جلالی را که به من بخشیدی، بدیشان بخشیدم تا یک گردند، چنانکه ما یک هستیم؛<sup>۲۳</sup> من در آنان و تو در من. چنان کن که آنان نیز کاملاً یک گردند تا جهان بداند که تو مرا فرستاده‌ای، و ایشان را همان گونه دوست داشتی که مرا دوست داشتی.<sup>۲۴</sup> ای پدر، می‌خواهم آنها که به من بخشیده‌ای با من باشند، همان جا که من هستم، تا جلال مرا بنگرند، جلالی که تو به من بخشیده‌ای؛ زیرا پیش از آغاز جهان مرا دوست می‌داشتی.

۱۷: ۲۰ "برای کسانی است که به واسطهٔ پیام آنها به من ایمان خواهند آورد" این زمان حال است که به عنوان آینده هم عمل می‌کند. این اشاره به مومنین بعدی اشاره دارد و در انجیل یوحنا ۱۰: ۱۶، حتی به کفار و پیروان سایر ادیان اشاره دارد. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ مراجعه کنید.

■ "به واسطهٔ پیام آنها" این اصطلاح *logos* است. به واسطه استفاده آن در انجیل یوحنا ۱۷: ۱۴ و اینکه مترادف *rhēma* در انجیل یوحنا ۱۷: ۲۱ است، این باید اشاره به عبور شاگردان از پیام آشکار کننده عیسی باشد.

۱۷: ۲۱ "تا همه یک باشند" این وحدت چیز دیگری بیش از وحدت تثلیث نیست (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱ و ۲۲ و ۲۳، افسسیان ۴: ۱ الی ۶). این یک جنبه تعالیم عیسی است که پیروانش آن را دنبال نکرده‌اند.

■ "تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای" این وجه شرطی حال فعال است. هدف این وحدانیت ترویج بشارت است. آیه ۲۳ هم دقیقاً همین ساختار و تأکید را دارد!

در دعای عیسی تنشی وجود دارد. او برای جهان دعا نمی‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۹)، با این وجود، او پیروانش را با همراه با پیامش به این جهان می‌فرستد که منجر به آزار و اذیت آنان می‌شود، زیرا خدا جهان را دوست دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۱ و ۲۳، ۳: ۱۶). خدا می‌خواهد که جهان ایمان آورد (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۲: ۴، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹). خدا همه کسانی را که در تصویر او ساخته شده و شبیه او هستند را دوست دارد. عیسی به خاطر گناهان همه جهان مرد. موضوع خاص: فرستادن (*Apostellō*) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۴ را مطالعه کنید.

۱۷: ۲۲ "جلالی که تو به من بخشیده‌ای را بدیشان بخشیدم" هر دو اینها زمان کامل فعال اخباری هستند. جلال باید اشاره به پیام آشکار کننده باشد. آنها کلام عیسی را حفظ خواهند کرد، همانطور که عیسی کلام پدر را حفظ کرد. این باعث می‌شود که آنها هم مورد سرزنش قرار گیرند! A. T. Robertson در کتاب خود بنام *Word Pictures in the New Testament* جلد پنجم می‌گوید "این جلال کلام زنده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۲: ۲۲) نه جلال کلام جاویدان که در انجیل یوحنا ۱۷: ۲۴ بدان اشاره شده است" (صفحه ۲۸۰). یادداشت کامل در مورد جلال/شکوه را در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ مطالعه کنید.

۱۷: ۲۳ "تا یک گردند، چنانکه ما یک هستیم" این یک عبارت *hina* مجهول کامل با حروف اضافی، همانند انجیل یوحنا ۱۷: ۱۹ است. در انجیل یوحنا ۱۷: ۱۹ یک عنصر احتمالی بر اساس (۱) کار قریب الوقوع عیسی یا (۲) ایمان مداوم آنها وجود دارد. پیامش این است که آنها توسط عامل عیسی با یکدیگر متحد شده و اینکه باقی می‌مانند! هدف این اتحاد ترویج بشارت است.

■ "ایشان را همان گونه دوست داشتی که مرا دوست داشتی" این یک وعده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۲۷ و ۱۴: ۲۱ و ۲۳)، ولی شرطی دارد. خدا با انسانها به وسیله پیمان رابطه برقرار می‌کند (اگر... پس).

محبت کردن (*agapeō*) هشت مرتبه در انجیل یوحنا ۱ الی ۱۲ تکرار شده ولی در انجیل یوحنا ۱۳ الی ۱۷ ۳۱ مرتبه تکرار شده است. مکالمات اتاق طبقه بالا شخصیت خدای پدر را از طریق کلام و اعمال پسر آشکار می‌کند و بزودی، پس از قیام، و به خصوص پنتیکاست، از طریق شاگردان. خدا محبت است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۷ الی ۲۱).

۱۷: ۲۴ "می‌خواهم آنها که به من بخشیده‌ای با من باشند، همان جا که من هستم" عیسی به جلال خود باز می‌گردد تا مکانی را برای پیروانش مهیا سازد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱ الی ۳). این جهان خانه ما نیست همانطور که خانه او نبود. مخلوق او هستند (پیدایش ۱ الی ۲) و احیا خواهد شد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲).

■ "تا جلال مرا بنگرند، جلالی که تو به من بخشیده‌ای" بدیهی است اصطلاح جلال در این آیه نمی‌تواند به همان معنی باشد که در آیه ۱۷: ۲۲ آمده. به نظر می‌رسد در اینجا در بر دارنده از پیش وجود داشتن و سلطنتی بودن عیسی باشد.

■ "پیش از آغاز جهان" تثلیث خدا در توبه فعال بود حتی قبل از خلقت. این عبارت چندین مرتبه در عهد جدید تکرار شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۲۴، انجیل لوقا ۱۱: ۵۰، افسسیان ۴: ۱، عبرانیان ۳: ۹، ۲۶، اول پطرس ۱: ۲۰، مکاشفه ۱۳: ۸، ۱۷: ۸).

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۷: ۲۵ الی ۲۶

۲۵ "ای پدرِ عادل، دنیا تو را نمی‌شناسد، اما من تو را می‌شناسم، و اینها دانسته‌اند که تو مرا فرستاده‌ای. <sup>۲۶</sup> من نام تو را به آنها شناساندم و خواهم شناساندم، تا محبتی که تو به من داشته‌ای، در آنها نیز باشد و من نیز در آنها باشم."

۱۷: ۲۵ "پدرِ عادل" این عنوان فقط در اینجا در عهد جدید ذکر شده است. این عنوان همسو و مترادف با "پدر مقدس" در انجیل یوحنا ۱۷: ۱۱ است. این اصطلاح از کلمه عبری که برای "اندازه گیری نی" است، می‌آید. خدا معیار و استاندارد داوری است! موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۲۹ را مطالعه کنید.

■ "دنیا تو را نمی‌شناسد" جهان، جامعه بشری سازمان یافته که به دور از خدا عمل می‌کند (استفاده منحصر به فرد عیسی)، خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۵) و پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۰) را نیز نمی‌شناسد. شیطانی و ضعیف است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۹ الی ۲۰، ۷: ۷).

■ "اما من تو را می‌شناسم" عیسی بالاترین و خالص‌ترین منبع اطلاعات در مورد خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۳: ۱۱).

۱۷: ۲۶ "من نام تو را به آنها شناساندم" اشاره به آشکار کردن شخصیت و برنامه پدر برای رستگاری نوع بشر توسط عیسی دارد (مراجعه شود به انجیلیوحنا ۱۷: ۶ و ۱۱ و ۱۲، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸). اصطلاح شناختن پنج مرتبه در انجیل یوحنا ۱۷: ۲۵ الی ۲۶ تکرار شده است.

■ "و خواهم شناساندم" این عبارت یا اشاره می‌کند به (۱) تداوم آشکار کردن عیسی از طریق روح که تعالیم او را روشن می‌سازد یا (۲) رخدادهای رستگاری (هفته محبت) که نزدیک است. محتوای متن دلالت بر شماره ۱ دارد. رستگاری در بردارنده یک فرد و یک پیام است، یک تصمیم و یک شیوه زندگی، یک ایمان اولیه و تداوم آن. در بردارنده هم مفهوم یونانی و هم عبری کلمه "دانستن" است.

#### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا این دعا از دید خداشناسی بسیار مهم است؟
۲. آیا یهودا مومنی بود که از جلال شکوه سقوط کرد؟
۳. هدف اتحاد ما چیست؟
۴. چرا از پیش وجود داشتن عیسی مهم است؟
۵. اصطلاحات کلیدی این متن را توضیح دهید:

- a. جلال یافتن
- b. دادن
- c. دانستن
- d. فرستادن
- e. نام
- f. جهان

## یوحنا ۱۸

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
خیانت و دستگیری عیسی	خیانت و دستگیری در گتسمانه	دستگیری، محاکمه، مصلوب کردن و دفن عیسی	دستگیری عیسی	دستگیری عیسی
۱۸: ۱ الی ۱۱	۱۸: ۱ الی ۱۱	۱۸: ۱ الی ۱۱	۱۸: ۱ الی ۴ ۱۸: ۵ الف ۱۸: ۵ ب ۱۸: ۵ ث الی ۷ الف ۱۸: ۷ ب ۱۸: ۸ الی ۹ ۱۸: ۱۰ الی ۱۱	۱۸: ۱ الی ۹
عیسی در مقابل کاهن اعظم	در مقابل کاهن اعظم		عیسی قبل از حنا	عیسی قبل از حنا و قیافا، پطرس او را انکار کرد
۱۸: ۱۲ الی ۱۴	۱۸: ۱۲ الی ۱۴	۱۸: ۱۲ الی ۱۴	۱۸: ۱۲ الی ۱۴	۱۸: ۱۲ الی ۱۴
کار عیسی توسط پطرس	پطرس عیسی را انکار کرد		پطرس عیسی را انکار کرد	
۱۸: ۱۵ الی ۱۸	۱۸: ۱۵ الی ۱۸	۱۸: ۱۵ الی ۱۸	۱۸: ۱۵ الی ۱۷ الف ۱۷: ۱۸ ب ۱۸: ۱۸	۱۸: ۱۵ الی ۱۸
کاهن اعظم از عیسی بازجویی می‌کند	عیسی توسط کاهن اعظم مورد بازجویی قرار گرفت		کاهن اعظم از عیسی بازجویی می‌کند	
۱۸: ۱۹ الی ۲۴	۱۸: ۱۹ الی ۲۴	۱۸: ۱۹ الی ۲۴	۱۸: ۱۹ الی ۲۱ ۲۲: ۱۸ ۲۳: ۱۸ ۲۴: ۱۸	۱۸: ۱۹ الی ۲۴
پطرس دوباره عیسی را انکار کرد	پطرس دوبار دیگر انکار می‌کند		پطرس دوباره عیسی را انکار کرد	
۱۸: ۲۵ الی ۲۷	۱۸: ۲۵ الی ۲۷	۱۸: ۲۵ الی ۲۷	۱۸: ۲۵ الف ۲۵: ۱۸ ب ۲۶: ۱۸ ۲۷: ۱۸	۱۸: ۲۵ الی ۲۷
عیسی در برابر پیلاتس	در دادگاه پیلاتس		عیسی در برابر پیلاتس	عیسی در برابر پیلاتس
۱۸: ۲۸ الی ۳۸ الف	۱۸: ۲۸ الی ۳۸	۱۸: ۲۸ الی ۳۲	۱۸: ۲۸ الی ۲۹ ۳۰: ۱۸ ۳۱ الف ۳۱ ب الی ۳۲	۱۸: ۲۸ الی ۳۲
		۱۸: ۳۳ الی ۳۸ الف	۳۳: ۱۸ ۳۴: ۱۸ ۳۵: ۱۸ ۳۶: ۱۸	

		الف ۳۷ : ۱۸
		ب ۳۷ : ۱۸
		الف ۳۸ : ۱۸
عیسی محکوم به مرگ شد	گرفتن جای باراباس	عیسی به مرگ محکوم شد
(۱۸ : ۳۸ ب الی ۱۹ : ۱۶		(۱۸ : ۳۸ ب الی ۱۹ : ۱۶
(ث		(الف
۱۸ : ۳۸ ب الی ۱۹ : ۷		۱۸ : ۳۸ ب الی ۱۹ : ۷
	۱۸ : ۳۹ الی ۴۰	۱۸ : ۳۸ ب الی ۳۹
		۱۸ : ۴۰ الی ۱۹ : ۳

### چرخه سوم مطالعه به سیمینار تفسیر انجیل رجوع شود

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

#### زمینه برای آیات ۱ : ۱۸ الی ۴۰

- A. یوحنا عذاب عیسی در گتسمانه را حذف کرد (هر چند فصل ۱۷ می تواند همسو باشد). ظاهرا به دلیل این بود که او بر شخصیت پویای عیسی که در تمامی حالات تحت کنترل بود، تاکید می کرد. او خود زندگی اش را تقدیم کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰ : ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸).
- B. ترتیب رخدادهای این فصل به نوعی با سایر اناجیل متفاوت است. این تفاوت می تواند وابسته به یکی از موارد زیر باشد:
  ۱. ماهیت شهادتهای عینی
  ۲. اهداف خداشناسی نگارنده
- C. انجیل یوحنا خیلی با سایر اناجیل تفاوت دارد. چرا و چگونه سوالاتی هستند که اساتید نمی توانند به آنها پاسخ دهند. بهترین بحثی که در این زمینه داشتیم در کتاب گوردون فی و داگلاس استوارت بنام *How To Read the Bible For All Its Worth* است که چندین نظریه را ارائه می کند، دیده می شود. ظاهرا نویسندگان انجیل که تحت الهام بودند، این آزادیها را
  ۱. انتخاب
  ۲. مطابقت دادن
  ۳. تنظیم و سازماندهی مجدد کردن
- D. یک کتاب مرجع خوب در این فصل و در باره مقامات قانونی محاکمه عیسی (مراجعه شود به سانهدرین، ۴ : ۱) کتاب آ. ان. شروین-وایت به نام *Roman Society and Roman Law in the NT* است.

#### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: انجیل یوحنا ۱ : ۱ الی ۱۱

۱ عیسی پس از ادای این سخنان، با شاگردانش به آن سوی دره قدرون رفت. در آنجا باغی بود، و عیسی و شاگردانش به آن درآمدند. ۲ اما یهودا، تسلیم کننده او، از آن محل آگاه بود، زیرا عیسی و شاگردانش بارها در آنجا گرد آمده بودند. ۳ پس یهودا گروهی از سربازان و نیز مأموران سران کاهنان و فریسیان را برگرفته، به آنجا آمد. ایشان با چراغ و مشعل و سلاح به آنجا رسیدند. ۴ عیسی، با آنکه می دانست چه بر وی خواهد گذشت، پیش رفت و به ایشان گفت: "که را می جوئید؟" ۵ پاسخ دادند: "عیسای ناصری را". گفت: "من هستم". یهودا، تسلیم کننده او نیز با

آنها ایستاده بود. <sup>۶</sup> چون عیسی گفت، "من هستم"، آنان پس رفته بر زمین افتادند. <sup>۷</sup> پس دیگر بار از ایشان پرسید: "که را می جویید؟" گفتند: "عیسای ناصری را." <sup>۸</sup> پاسخ داد: "به شما گفتم که خودم هستم. پس اگر مرا می خواهید، بگذارید اینها بروند." <sup>۹</sup> این را گفت تا آنچه پیشتر گفته بود به حقیقت پیوندد که: "هیچ یک از آنان را که به من بخشیدی، از دست ندام."  
<sup>۱۱</sup> آنگاه شمعون پطرس شمشیری را که داشت، برکشید و ضربتی بر خادم کاهن اعظم زد و گوش راستش را برید. نام آن خادم مالخوس بود.  
<sup>۱۱</sup> عیسی به پطرس گفت: "شمشیر خویش در نیام کن! آیا نباید جامی را که پدر به من داده است، بنوشم؟"

۱:۱۸ "دره قدرون" اصطلاح "دره" یعنی "نهر زمستانی" یا "وادی". "قدرون" (BDB 871) یعنی (۱) درختان سرو یا (۲) سیاه. این وادی بود که در تابستان کاملا خشک ولی در طول زمستان در آن آب جاری است. مکانی بود که خون قربانیان از کوه موری به آن سرازیر می شد. می تواند منشا توصیف "سیاه" باشد. این مکان میان کوه معبد و موه زیتون بود (مراجعه شود به LXX دوم سمونل ۱۵: ۲۳، دوم پادشاهان ۲۳: ۴ و ۶ و ۱۲، دوم تواریخ ۱۵: ۱۶، ۲۹: ۱۶، ۳۰: ۱۴، ارمیا ۳۱: ۴۰).

در این مقطع اختلافی در نسخ دستنویس یونانی وجود دارد:

۱. در مورد درختان سرو (*kedrōn*) در L, C, B, MSS ۸<sup>c</sup> و چندین دستنویس دیگر
۲. در مورد درخت سرو (*kedrou*) در W و D, MSS ۸<sup>c</sup>
۳. در مورد قدرون در MSS A و S

UBS<sup>4</sup> از گزینه شماره ۳ استفاده می کند.

■ "باغ" این فصل به صورت کامل عذاب عیسی در گتسمانه را حذف کرده است، ولی محل دستگیری او در باغی بوده است. اینجا محل استراحت مورد علاقه عیسی بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۲، انجیل لوقا ۲۲: ۳۹). عیسی ظاهرا در طول آخرین هفته زندگی خود در اینجا می خوابیده است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۱: ۳۷).

در اورشلیم داشتن باغ مجاز نبود زیرا کود، شهر را کثیف می کرد. اما بسیاری افراد ثروتمند در کوه زیتون تاکستان و باغ داشتند.

۱۸: ۲ این هم یک توضیح دیگر از سوی نگارنده است.

■ "یهودا" حدس و گمانهای زیادی در مورد یهودا و انگیزه های او وجود دارند. اغلب در انجیل یوحنا از او نام برده شده و بدگویی می شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۷۰ الی ۷۱، ۱۲: ۴، ۱۳: ۲ و ۲۶ و ۲۷، ۱۸: ۲ و ۳ و ۵). در قالب نمایش مدرن، "عیسی مسیح سوپر استاری" است که او را به عنوان شاگردی وفادار ولی ناامید کننده می بیند که سعی می نماید عیسی را وادار به تحقق نقش عهد عتیقی مسیح یهود کند - که سرنگونی روم، مجازات ضعفا و برقرار کردن اورشلیم به عنوان پایتخت جهان است. با این وجود، یوحنا انگیزه او را به عنوان طمعی که ناشی از شیطان است، نشان می دهد.

مسئله اصلی دیدگاه خداشناسی، پادشاهی خدا و آزادی اراده است. آیا خدا یا عیسی او را تحت کنترل داشتند؟ آیا اگر شیطان او را کنترل می کرد، یهودا مسئول اعمالش بود یا خدا تقدیر او را تعیین کرده بود و باعث شده بود که او به عیسی خیانت کند؟ انجیل این سوالات را به صورت صریح پاسخ نمی دهد. خدا کنترل همه چیز را بر عهده دارد. خدا عادل است نه اینکه با افراد بازی کند.

کتاب جدیدی هست که سعی می کند از یهودا دفاع کند - *Judas Betrayor or Friend of Jesus?* نوشته ویلیام کلاسن، انتشارات فورترس، سال ۱۹۹۶. من با این کتاب موافق نیستم زیرا شهادت یوحنا علیه یهودا را بی ارزش نشان می دهد، ولی جالب و تفکر برانگیز است.

موضوع خاص: انتخاب

## موضوع خاص: یهودا اسخربوطی

### SPECIAL TOPIC: ISCARIOT

یهودا برای سالها دید و شنید و با سرورمان عیسی رفاقت نزدیک داشت، ولی ظاهرا هنوز رابطه فردی با او از طریق ایمان نداشت (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۷ الی ۲۳). پطرس هم به همان شدت یهودا وسوسه شد ولی نتایج آن تفاوت فاحشی داشت (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۷۵). بحثهای زیادی حول خیانت یهودا صورت گرفته است:

۱. اساسا مسائل مالی بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱۲)
۲. اساسا مسائل سیاسی بود (مراجعه شود به William Klassen, *Judas Betrayor or Friend of Jesus?*)

۳. مسائل معنوی (مراجعه شود به انجیل لوقا ۳:۲۲، انجیل یوحنا ۶:۷۰، ۱۳:۲ و ۲۷)

در مورد نفوذ شیطان یا جن زده شدن (موضوع خاص: جن زدگی در عهد جدید را مطالعه کنید) منابع متعددی وجود دارند (به ترتیبی به آنها اعتماد دارم فهرست کرده‌ام)

۱. Merrill F. Unger, *Biblical Demonology, Demons in the World Today*
۲. Clinton E. Arnold, *Three Crucial Questions About Spiritual Warfare*
۳. Kurt Koch, *Christian Counseling and Occultism, Demonology Past and Present*
۴. C. Fred Dickason, *Demon Possession and the Christian*
۵. John P. Newport, *Demons, Demons, Demons*
۶. John Warwick Montgomery, *Principalities and Powers*

مراقب اسطوره‌های فرهنگی و خرافات باشید. شیطان در انجیل متی ۱۶:۲۳ بر پطرس تاثیر گذاشت تا به همان شیوه او را بر علیه عیسی وسوسه کند - بجای دیگری مردن. شیطان مُصر است. او هر شیوه‌ای برای متوقف کردن کار رستگاری عیسی از طرف ما را امتحان می‌کند.

۱. وسوسه عیسی، انجیل لوقا ۴
۲. استفاده از پطرس
۳. استفاده از یهوذا و سانهدرین

عیسی حتی یهوذا را در انجیل یوحنا ۶:۷۰ به عنوان شیطان توصیف می‌کند. انجیل در مورد شیطان و نفوذ او بر مومنین بحث نمی‌کند. ولی مشخص است که مومنین تحت تاثیر گزینه‌های اختیاری و شیطان درونی قرار می‌گیرند (موضوع خاص: شیطان فردی را مطالعه کنید).

ریشه یابی "اسخریوطی" مبهم است ولی احتمالاتی وجود دارند:

۱. *Keruith*, شهر یهودیه (مراجعه شود به یوشع ۱۵:۲۵)
۲. *Kartan*, شهری در جلیل (مراجعه شود به یوشع ۲۱:۳۲)
۳. *Karōides*, نام درخت خرما که در اورشلیم یا جریکورشده می‌کند
۴. *Scortea*, پیش بند یا کیف چرمی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳:۲۹)
۵. *Ascara*, خفه کردن (عبری) از انجیل متی ۲۷:۵
۶. چاقوی آدم‌کش مزدور (یونانی)، به معنی اینکه او همانند شعمون یک زیلوت بود (مراجعه شود به انجیل لوقا ۶:۱۵)

۳:۱۸

"یک کوهورت رومی"	NASB
"یک گروه از نظامیان"	NKJV
"یک گروه از سربازان"	NRSV
"یک گروه از سربازان رومی"	TEV
"یک کوهورت"	NJB

یک کوهورت اشاره به یک واحد نظامی دارد، که یک دهم هنگ بوده و می‌تواند یا ۶۰۰ سرباز مستقر در پادگان آنتونیو، در کنار معبد باشد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۱: ۳۱ و ۳۳). مهم است که یک چنین گروه عظیمی فرا خوانده شده بود. رومیان برای یک شورش در اورشلیم در طول این جشنها آماده شده بودند. آنها تمامی احتیاطهای لازم را برای انتقال سربازان از سزاریا در کنار دریا انجام داده بودند. این کار معمولاً چند روز طول می‌کشید، آنها می‌توانستند این کار را فقط با اجازه دولت روم و همکاری آنها انجام دهند.

■ "مأموران سران کاهنان" لایوان پلیس معبد همراه ارتش روم بودند. آنها پیشتر یکبار در دستگیری عیسی شکست خورده بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۳۲ و ۴۵).

■ "سلاح‌ها" سربازان رومی شمشیر حمل می‌کردند، و پلیس‌های معبد گرز داشتند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۴۳، انجیل مرقس ۱۴: ۴۳، انجیل لوقا ۲۲: ۵۲).

■ "عیسی، با آنکه می‌دانست چه بر وی خواهد گذشت" این یک تاکید قوی بر آگاهی و کنترل خود عیسی بر دستگیری، محاکمه و مصلوب شدنش است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸). تصادفی نبود که عیسی مصلوب شد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸). این موضوع مشخصه انجیل یوحنا است و می‌تواند دلیل این باشد که چرا یوحنا درگیری گتسمانه عیسی را ثبت نکرد.

۵: ۱۸

NASB, NJB  
NKJV,  
NRSV, TEV  
"عیسی ناصری"  
"عیسی از ناصره"

بحثهایی در مورد ریشه "ناصری" وجود دارد. این احتمال هست که به معنی (۱) ناصری (Nazarene) یا (۲) ناصره (Nazarite) (مراجعه شود به اعداد ۶) و یا (۳) اصل ناصره باشد. استفاده عهد جدید (مراجعه شود به انجیل متی ۲: ۲۳) شماره ۳ را تأیید می‌کند. برخی حتی حروف بیصدای عبری nitz را به عنوان مسیحی "شاخه" (مراجعه شود به اشعیا ۱۱: ۱، ۱۴: ۱۹، ۶۰: ۲۱) ربط می‌دهند.

موضوع خاص: عیسی ناصری

■ "من هستم" از نظر مفهومی این همان "من هستم" است (موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۲۰ را مطالعه کنید)، که یهودیان آن را به یهوه ربط می‌دهند، نام پیمان خدا (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۱۴ و اشعیا ۴۱: ۴). عیسی این تصریح جالب خدایی بودن را به همان شیوه دستور زبانی زیبا (ego eimi) در انجیل یوحنا ۴: ۲۶، ۸: ۲۴ و ۲۸ و ۵۸ و ۱۳: ۱۹ بیان می‌دارد. در این متن، این عبارت سه مرتبه برای تاکید تکرار می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۶ و ۸). این ساختار دستور زبانی متفاوت از عبارتهای "من هستم" معروف عیسی است.

■ "یهودا، تسلیم‌کننده او نیز با آنها ایستاده بود" این هم یک توضیح دیگر نگارنده و بر اساس شهادت عینی نگارنده انجیل یوحنا است.

۱۸: ۶ "آنان پس رفته بر زمین افتادند" یوحنا برای تاکید بر شخصیت پویا و حضورش این واقعه را ثبت کرد.

این دلالت بر ادای احترام ندارد (تعظیم کردن در برابر کسی) بلکه بر ترس دلالت دارد.

۱۸: ۷ "پس دیگر بار از ایشان پرسید" احتمالاً عیسی می‌خواست توجه را از شاگردان به سوی خودش منحرف کند. این با متن بعدی در آیه ۸ مطابقت دارد.

۱۸: ۸ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است. آنها از او سوال می‌کنند.

■ "بگذارید اینها بروند" این زمان آنوریست فعال امری است. تحقق نبوت از زکریا ۱۳: ۷ (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۱، انجیل یوحنا ۱۶: ۳۲).

۱۸: ۹ "این را گفت تا آنچه پیشتر گفته بود به حقیقت پیوندد" به نظر می‌رسد که این اشاره‌ای به انجیل یوحنا ۱۶: ۳۲ داشته باشد ولی ۱۷: ۱۲ نقل شده است.

۱۸: ۱۰ "آنگاه شمعون پطرس شمشیری را که داشت، برکشید و ضربتی بر خادم کاهن اعظم زد و گوش راستش را برید" هدف پطرس گوش او نبود، بلکه سرش بود! این تمایل پطرس را نشان می‌دهد که آماده بود بجای عیسی بمیرد. عمل پطرس می‌تواند از درک نادرست بیان در انجیل لوقا ۲۲: ۳۶ الی ۳۸ باشد. انجیل لوقا ۲۲: ۵۱ به ما می‌گوید که عیسی با یک لمس گوش مرد را شفا داد.

■ "نام آن خادم مالخوس بود" فقط یوحنا در یادداشت توضیحی خود نام این فرد را ذکر می‌کند. این هم یک شهادت عینی تلقی می‌شود. نویسنده انجیل یوحنا در باغ حاضر بود.

۱۸: ۱۱ "جام" این استعاره‌ای است که در عهد عتیق به عنوان سرنوشت فرد استفاده شده است، معمولاً مفهوم منفی دارد (مراجعه شود به مزمو ۱۱: ۶، ۶۰: ۳، ۷۵: ۸، اشعیا ۵۱: ۱۷ و ۲۲، ارمیا ۲۵: ۱۵ و ۱۶ و ۲۷ الی ۲۸).

حالت دستور زبانی سوال عیسی انتظار پاسخ "بله" را دارد. پطرس مجدداً به عنوان کسی عمل کرد که فکر می‌کند می‌داند بهترین کاری که می‌توان کرد چیست (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۲۲، انجیل یوحنا ۱۳: ۸).

استفاده "جام" در اینجا کاملاً متفاوت از استفاده "جام" در سایر اناجیل در مور عذاب عیسی در گتسمانه است. برای یوحنا، عیسی کنترل کامل همه چیز را در دست دارد! یوحنا عیسی را با اعتماد به نفس معرفی می‌کند نه ترسو (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۴، ۱۳: ۱ و ۱۱)!



<sup>۱۲</sup> آنگاه سربازان، همراه با فرمانده خویس و مأموران یهودی عیسی را گرفتار کردند. آنها دستهای او را بستند <sup>۱۳</sup> و نخست نزد حنا بردند. او پدرزن قیافا، کاهن اعظم آن زمان بود. <sup>۱۴</sup> قیافا همان بود که به یهودیان توصیه کرد بهتر است یک تن در راه قوم بمیرد.

۱۲: ۱۸

NASB	"کوهورت رومی و فرمانده"
NKJV	"یگان نظامی و کاپیتان"
NRSV	"سربازان و افسرشان"
TEV	"سربازان رومی و افسر فرمانده"
NJB	"کوهورت و فرمانده آن"

اسامی واحدهای نظامی رومی از تعداد یک یگان کامل سربازان گرفته می‌شد

۱. کوهورت: اشاره به یک واحد ۶۰۰ نفری از سربازان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳)

۲. فرمانده - از عدد ۱۰۰۰ است (سرخدار، یعنی اعمال رسولان ۲۱: ۲۲، ۳۱: ۲۴، ۲۴: ۲۳، ۱۰: ۲۴، ۷)

این عناوین مشخص نمی‌کنند که واحد نظامی که عیسی را دستگیر کرد، چقدر بزرگ یا کوچک بودند. در فلسطین، شماره ۲ فقط به معنی فرمانده و رهبر یک گروه کوچک از سربازان بود.

■ "دستهای او را بستند" این عبارت دلالت بر این ندارد که آنها از عیسی می‌ترسیدند، بلکه به نظر می‌رسد که این صرفاً یک کار معمول بوده است (مراجعه شود به آیه ۲۴).

۱۸: ۱۳ "نخست نزد حنا بردند" بحثهای زیادی میان ترتیب وقوع این محاکمه‌ها در برابر حنا و قیافا وجود دارد. سایر اناجیل هرگز از ملاقات با حنا، نامی نبرده‌اند. آیه ۲۴ به نظر می‌رسد یادداشت پی‌نویس در انجیل یوحنا باشد، ولی بخش کامل سایر اناجیل از محاکمه عیسی باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۵۷، انجیل مرقس ۱۴: ۵۳).

در عهد عتیق، سمت کاهن اعظم مادام‌العمر بود و هر فرد باید از نوادگان آرون بوده باشد. با این وجود، رومیان این مقام را به یک عنوان سیاسی تبدیل کردند که توسط خانواده‌های فریسی قابل خرید بود. کاهن اعظم مجری و ناظر بر تمامی معاملات بخش زنان در معبد بود. تطهیر معبد توسط عیسی، این خانواده را خشم آورده بود.

بر طبق فلاویوس جوزفوس، حنا از سال ۶ الی ۱۴ میلادی به عنوان کاهن اعظم بود. او توسط کویرینیوس، حاکم سوریه منسوب شده بود و توسط والریوس گرانوس عزل گردید. اقوام او (۵ پسر و یک نوه) جانشینان او در این مقام بودند. قیافا (سال ۱۸ الی ۳۶ میلادی)، داماد او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۳)، جانشین بلافصل او بود. حنا قدرت واقعی در پشت این مقام بود. یوحنا او را به عنوان نخستین فرد که عیسی را به نزد او بردند توصیف کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۳ و ۱۹ الی ۲۲).

۱۸: ۱۴ "قیافا" توجه عمده یوحنا بر قیافا بر این بود که او ناآگاهانه مرگ عیسی را پیشگویی کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۵۰). او داماد حنا بود و از ۱۸ الی ۳۶ میلادی کاهن اعظم بود. به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۹ مراجعه کنید.

<sup>۱۵</sup> شمعون پطرس و شاگردی دیگر نیز از پی عیسی روانه شدند. آن شاگرد از آشنایان کاهن اعظم بود. پس با عیسی به حیاط خانه کاهن اعظم درآمد. <sup>۱۶</sup> اما پطرس پشت در ایستاد. پس آن شاگرد دیگر که از آشنایان کاهن اعظم بود، بیرون رفت و با زنی که دربان بود، گفتگو کرد و پطرس را به داخل برد. <sup>۱۷</sup> آنگاه آن خادمه دربان از پطرس پرسید: "آیا تو نیز از شاگردان آن مرد نیستی؟" پطرس پاسخ داد: "نیستم". <sup>۱۸</sup> هوا سرد بود. خادمان و مأموران آتشی با زغال افروخته و بر گرد آن ایستاده بودند و خود را گرم می‌کردند. پطرس نیز با آنان ایستاده بود و خود را گرم می‌کرد.

۱۵: ۱۸ "شمعون پطرس و شاگردی دیگر نیز از پی عیسی روانه شدند" بحثهای زیادی در مورد هویت این شاگرد دیگر وجود دارد.

۱. تئوری سنتی می‌گوید که این شاگرد، به واسطه عبارت مشابهی که در انجیل یوحنا ۲۰: ۲ و ۳ و ۴ و ۸ آمده، خود یوحنا است. همچنین احتمال ارتباط دیگر با انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵ است که از مادر یوحنا نام برده می‌شود، که احتمالاً مادر مریم بود، که بدین معنی است که او ممکن است لاوی بوده باشد، و بنابراین از یک خانواده کشیش (مراجعه شود به شهادت پلیکراپ).

۲. این ممکن است یک پیرو گمنام محلی همانند نیکودیموس یا یوسف از آریماتئا به واسطه ارتباط با کاهن اعظم و خانواده او باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۵ الی ۱۶).

■ **"آن شاگرد از آشنایان کاهن اعظم بود"** این یک اصطلاح قوی در مورد آشنایی است و به نظر می‌رسد به معنی "دوست نزدیک" باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲: ۴۴ و ۲۳: ۴۹). اگر یوحنا باشد، این ممکن است به شغل ماهیگیری او مرتبط باشد که خانواده‌اش به صورت منظم به اورشلیم ماهی می‌بردند. ۱۷: ۱۸ "آنگاه آن خادمه دربان از پطرس پرسید: "آیا تو نیز از شاگردان آن مرد نیستی؟" این حالت دستور زبانی همانند انجیل یوحنا ۲۵، انتظار پاسخ "نه" دارد. به نظر می‌رسد کسانی که با عیسی در ارتباط بودند، سعی می‌کردند از اسم او استفاده نکنند. ممکن است او این سوال را پرسیده باشد به دلیل: (۱) رابطه پطرس با یوحنا، یا (۲) لهجه جلیلی پطرس.

■ **"نیستم"** ممکن است پطرس حاضر بوده باشد که به خاطر عیسی بمیرد، ولی آمادگی این را نداشت که صادقانه به سوال یک زن برده پاسخ دهد! در سایر اناجیل، این سه انکار در پی یکدیگر آمده‌اند، ولی در انجیل یوحنا در میان بازجویی عیسی توسط حنا تفکیک شده‌اند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۲۴).

عبارت "من هستم" پطرس دقیقاً مخالف عبارت "من هستم" عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۵).

۱۸: ۱۸ این ماجرا بر اساس شهادت عینی و با جزئیات بیان شده است. هر دو آیه ۱۸ و ۲۵ دارای الفاظ زائد غیر کامل هستند.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۸: ۱۹ الی ۲۴

۱۹ پس کاهن اعظم از عیسی درباره شاگردان و تعالیمش پرسید. <sup>۲۰</sup> او پاسخ داد: "من به جهان آشکارا سخن گفته‌ام و همواره در کنیسه و در معبد که محل گرد آمدن همه یهودیان است، تعلیم داده‌ام و چیزی در نهان نگفته‌ام. <sup>۲۱</sup> چرا از من می‌پرسی؟ از آنان پیرس که سخنان مرا شنیده‌اند! آنان نیک می‌دانند به ایشان چه گفته‌ام." <sup>۲۲</sup> چون این را گفت، یکی از نگهبانان که آنجا ایستاده بود، بر گونه‌اش سیلی زد و گفت: "این گونه به کاهن اعظم پاسخ می‌دهی؟" <sup>۲۳</sup> عیسی جواب داد: "اگر خطا گفتم، بر خطایم شهادت ده؛ اما اگر راست گفتم، چرا مرا می‌زنی؟" <sup>۲۴</sup> آنگاه حنا او را دست‌بسته نزد قیافا، کاهن اعظم، فرستاد.

۱۸: ۱۹ "پس کاهن اعظم از عیسی درباره شاگردان و تعالیمش پرسید" این اشاره به حنا دارد نه قیافا. حنا قدرت در پس پرده حکومت بود. او از سال ۶ تا ۱۵ میلادی حکومت کرد. بلافاصله پس از او دامادش و بعد پنج پسرانش و نوادگانش بر مسند بودند. حنا قدرت تجارت در محوطه معبد را داشت، و بیشتر می‌خواست عیسی را که معبد را پاکسازی کرده بود (احتمالاً دو مرتبه) بازجویی کند. جالب است که حنا در مورد شاگردان عیسی و همچنین تعالیم او نگران بود.

۱۸: ۲۰ یقیناً این درست است که عیسی به صورت عمومی تعلیم می‌داد. همچنین این هم درست است که بسیاری از تعالیم او بر عام پنهان بودند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۴: ۱۰ الی ۱۲). علت اصلی کوری معنوی شنوندگان بود.

کلمات و روشهای عیسی به طرق متفاوت در انجیل یوحنا و سایر اناجیل ثبت شده‌اند. در سایر اناجیل، هیچ عبارت "من هستم" دیده نمی‌شود. تعلیم عیسی به صورت تمثیل بودند، یوحنا هیچ تمثیلی را ثبت نکرده است. به نظر من تفاوتها می‌توانند توسط تعالیم عمومی عیسی ثبت شده در سایر اناجیل توضیح داده شوند و یوحنا فقط تعالیم خصوصی را ثبت کرده است.

۱۸: ۲۱ "چرا از من می‌پرسی" در انجیل یوحنا ۱۸: ۲۰ عیسی ماهیت طبیعی تعالیم و بشارت خود را تصریح می‌کند. عیسی به حنا خطاب می‌کند که سوالات او بر اساس شریعت یهود و نیز آگاهی عمومی غیر قانونی هستند.

۱۸: ۲۲ "یکی از نگهبانان که آنجا ایستاده بود، بر گونه‌اش سیلی زد و گفت" این اصطلاح در اصل به معنی "کشیده زدن" و یا "با ترکه زدن" است. می‌تواند به معنی سیلی زدن با دست باز باشد. این اشاره به اشعیا ۵۰: ۶ دارد. عیسی تصریح می‌کند که اگر کار اشتباهی انجام داده به آن متهم شود، در غیر این صورت چرا کتک می‌خورد؟

۱۸: ۲۳ "اگر...اگر" اینها هر دو عبارات شرطی نوع اول هستند که از دیدگاه نگارنده و یا از دیدگاه نگارش، درست هستند. در اینجا، اولی یک شیوه مفهومی برای نشان دادن یک دروغ حقیقی است. عیسی حنا را برای ارائه دادن شواهد به چالش می‌کشد.

۱۸: ۲۴ ترتیب این محاکمه در سایر اناجیل معکوس است.

### NASB: انجیل یوحنا ۱۸: ۲۵ الی ۲۷

۲۵ در همان حال که شمعون پطرس ایستاده بود و خود را گرم می کرد، برخی از او پرسیدند: "آیا تو نیز یکی از شاگردان او نیستی؟" او انکار کرد و گفت: "نه! نیستم." ۲۶ یکی از خادمان کاهن اعظم که از خویشان آن کس بود که پطرس گوشش را بریده بود، گفت: "آیا من خود تو را با او در آن باغ ندیدم؟" ۲۷ پطرس باز انکار کرد. همان دم خروسی بانگ برآورد.

۱۸: ۲۶ "یکی از خادمان کاهن اعظم که از خویشان آن کس بود که پطرس گوشش را بریده بود، گفت" تناقضاتی در میان اناجیل در خصوص اینکه چه کسی از پطرس این سوالات را پرسید وجود دارد.

۱. در انجیل مرقس، این یک پیشخدمت است که اولین سوال را می پرسد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۴: ۶۹)
۲. در انجیل متی، یک دختر خدمتکار دیگر است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۷۱)
۳. در انجیل لوقا یک مرد است (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۲: ۵۸)
۴. در انجیل یوحنا یکی از بردگان / خدمتکاران کاهن اعظم

از دیدگاه تاریخی بدیهی است که یک نفر در کنار آتش این سوالات را پرسید و دیگری هم به ملحق شدند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۸).

۱۸: ۲۶ "آیا من خود تو را با او در آن باغ ندیدم" بر خلاف دو سوال اول در انجیل یوحنا ۱۸: ۱۷ و ۲۵، این حالت دستوری انتظار پاسخ "بله" را دارد.

۱۸: ۲۷ "پطرس باز انکار کرد" از انجیل مرقس ۱۴: ۷۱ و انجیل متی ۲۶: ۷۴ در می یابیم که پطرس با لعنت و سوگند انکار کرد.

■ "همان دم خروسی بانگ برآورد" زمانبندی وقوع این رخداد در هر چهار انجیل دلالت بر این دارد که بین ساعت ۱۲ شب تا ۳ بامداد رخ داده است. یهودیان اجازه نداشتند که در داخل شهر مرغ و خروس نگاهداری کنند، بنابراین باید یک خروس رومی باشد.

انجیل لوقا تصریح می کند که در این زمان عیسی به پطرس نگاه می کند. تصور می شود که قیافا و حنا در یک خانه زندگی می کنند و محافظین عیسی را از نزد حنا به نزد قیافا و سانهدرین بردند. در این جابجایی بود که عیسی به پطرس نگاه کرد. این تماما حدس است زیرا اطلاعات تاریخی کاملی در اختیار نداریم تا در مورد توالی رخدادهای این محاکمه در این شبها متعصب باشیم.

### NASB: انجیل یوحنا ۱۸: ۲۸ الی ۳۲

۲۸ عیسی را از نزد قیافا به کاخ فرماندار بردند. سحرگاه بود. آنان خود وارد کاخ نشدند تا نجس نشوند و بتوانند پسخ را بخورند. ۲۹ پس پیلاطس نزد ایشان بیرون آمد و پرسید: "این مرد را به چه جرمی متهم می کنید؟" ۳۰ جواب داد، گفتند: "اگر مجرم نبود، به تو تسلیمش نمی کردیم." ۳۱ پیلاطس به ایشان گفت: "شما خود او را ببرید و بنا بر شریعت خویش محاکمه کنید." یهودیان گفتند: "ما اجازه اعدام کسی را نداریم." ۳۲ بدین سان گفته عیسی در مورد چگونگی مرگی که در انتظارش بود، به حقیقت می پیوست.

۱۸: ۲۸

JB NASB, NKJV, "پرتئوریوم"  
NRSV "مقر پیلاطس"  
TEV "کاخ فرماندار"

این اصطلاح یونانی اشاره به محل اقامت رسمی حاکم رومی در زمانی که در اورشلیم بودند، است. این ممکن است پادگان آنتونیو باشد، که در کنار معبد یا کاخ هیروود بزرگ بوده است.

### موضوع خاص: گارد محافظ (PRÆTORIAN)

#### (SPECIAL TOPIC: PRÆTORIAN GUARD)

در ابتدا اصطلاح "praetorian" به خیمه افسران رومی (praetor) اشاره داشت، ولی پس از فتح روم تبدیل به مفهوم مدیریتی شد در قالبی که اشاره به مقر فرماندهی یا اقامت فرماندهای سیاسی/نظامی داشت (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۲۷، انجیل یوحنا ۱۸: ۲۸ و ۳۳، ۱۹: ۹، اعمال رسولان ۲۳: ۳۵، فیلیپیان ۱: ۱۳).

با این حال، در روم قرن اول این اصطلاح برای افسرانی استفاده می شد که گارد سلطنتی را تشکیل می دادند. این گروه سربازان نخبه توسط آگوستوس در ۲۷ قبل از میلاد تشکیل شد ولی نهایتاً در روم توسط تائیریوس متمرکز شدند. آنها

۱. همگی از یک درجه نظامی برخوردار بودند

۲. حقوق دو برابر دریافت می کردند

۳. امتیازات خاصی داشتند (بجای ۲۵ سال، پس از ۱۶ سال خدمت بازنشسته می شدند)

۴. فوق العاده قدرتمند شدند به صورتی که انتخاب و تصمیم آنان برای امپراتور همیشه محترم بود

در دوران کنستانتین، این گروه سیاسی نخبه و قدرتمند بالاخره منحل شد.

■ "سحرگاه بود" از سوابق و مستندات رومی می دانیم که در فلسطین مقامات رومی صبح زود و سپیده دم ملاقاتهای خود را انجام می دادند. ظاهراً، این درست بود که در سحرگاه مقامات سازهدرین ملاقات کردند تا برخی شواهد ظاهری و قانونی برای محاکمه شبانه خود ارائه دهند. آنها بلافاصله عیسی را نزد پیلاتس بردند.

■ "آنان خود وارد کاخ نشدند تا نجس نشوند و بتوانند پسخ را بخورند" با وارد شدن به محل اقامت یک کافر آنها برای شام پسخ نجس می شدند. این یک دوگانگی است که آنها خیلی در مورد آداب مراسم سختگیر بودند ولی هیچ ابایی نداشتند که کسی را محکوم به مرگ کنند.

این آیه مرکز جدلها بر سر تناقضات تاریخی میان دیگر اناجیل است که تصریح می کنند عیسی شام پسخ را با شاگردانش خورد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۱۷، انجیل مرقس ۱۴: ۱۲، انجیل لوقا ۲۲: ۱). و انجیل یوحنا که تصریح می کند این واقعه یک روز قبل (پنج شنبه)، روز آماده سازی جشن سنتی پسخ روی داده است. استاد برجسته یوحناشناس کاتولیک رم ریموند براون، در تفسیر انجیل جروم این تفسیر را ارائه می دهد:

"چنانچه زمانبندی تاریخی رخدادها بر اساس سنن نسبت به شهادتهای یوحنا ترجیح داده شوند، این متن - یعنی گزارش شهادت کسی که به خوبی با سنتها آشنایی داشت - مشکلات لاینحلی را به وجود می آورد. به عبارت دیگر، چنانچه بپذیریم که شهادت عینی از آنچه یوحنا ارائه می دهد، نزدیکتر به رخدادهای واقعی است تا زمانبندی آداب و سنتها، در این صورت قابل درک تر می شود." (صفحه ۴۵۸)

همچنین این احتمال هست که به پسخ از دو تاریخ متفاوت مشاهده شده باشد، در پنج شنبه و در جمعه. همچنین مسئله دیگری اضافه می شود که اصطلاح پسخ را می توان برای جشن یک روزه و جشن هشت روزه استفاده کرد (پسخ که با نان خاص همراه می شود، مراجعه شود به خروج ۱۲).

■ "بتوانند پسخ را بخورند" هنوز مسائلی در رابطه با تاریخ دقیق شام آخر وجود دارد. به نظر می رسد که سایر اناجیل دلالت بر این دارند که غذای پسخ بود، ولی یوحنا می گوید که روز قبل از غذای رسمی پسخ بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۱۴ و این آیه). پاسخ می تواند در

۱. این حقیقت باشد که اصطلاح پسخ می تواند اشاره به هفته، غذا و یا روز بخصوص شبات داشته باشد

۲. این حقیقت باشد که برخی گروه های جدایی طلب یهود (مثلاً اسن ها) از تقویم قمری کتاب تعاملی جبیلی پیروی می کردند

۳. این حقیقت باشد که معنی دوگانه یوحنا عیسی را به عنوان بره قربانی پسخ (۱: ۲۹) نشان می دهد، که روز قبل از پسخ سلاخی می شود.

۱۸: ۲۹ خدا از شخصیت پیلاتس بیشتر شبیه شخصیت فرعون در کتاب خروج استفاده می کند. او به عنوان نایب یهودیه در سال ۲۶ میلادی توسط امپراتور تیریبیوس منصوب شد. او جایگزین والربوس گراتوس (که حنا را از مقام کاهن اعظم برکنار کرده بود) شد. پونتیبوس پیلاتس پنجمین نایب روم بود. او پادشاهی آرکه لائو (پسر هیروود کبیر) را اداره می کرد، که شامل سامره و یهودیه، غزه و بحر المیت بود. بیشتر اطلاعات درباره پیلاتس از نوشته های فلاویوس جوزفوس بدست می آیند.

## موضوع خاص: پونتیبوس پیلاتوس

(SPECIAL TOPIC: PONTIUS PILATE)

I. شخص

A. محل و تاریخ تولد نامشخص

B. جزو ارتش سواره نظام (از رده متوسط جامعه روم بالاتر)

C. ازدواج کرده بود ولی در مورد فرزندانش اطلاعی در دست نیست

D. انتصاب های مدیریتی قبلی (که باید تعدادشان زیاد باشد) مشخص نیست

II. شخصیت

A. دو دیدگاه متفاوت

۱. فیلو (Legatio and Gaium, 299-305) و جوزفوس (Antiq. 18.3.1 and Jewish Wars 2.9.2-4) او را به عنوان

دیکتاتور بی رحیم تجسم می کردند.

۲. عهد جدید (اناجیل، اعمال رسولان) او را به عنوان نایب رومی ضعیف که به راحتی می‌تواند بازیچه قرار گیرد نشان می‌دهند.
- B. *Paul Barnett, Jesus and the Rise of Early Christianity* توضیحات احتمالی را در مورد این دو دیدگاه ارائه می‌دهند.
۱. در سال ۲۶ میلادی به توصیه سجانوس، مشاور ارشد و ضد یهود تیبیریوس، به عنوان نایب توسط تیبیریوس که فردی طرفدار یهودیان بود (مراجعه شود به Philo, *Legatio and Gaium*, 160-161) منصوب شد.
۲. تیبیریوس قدرت سیاسی خود را در برابر L. Aelius Sejanus افسر گارد خودش که قدرت اصلی پشت پرده بود و یهودیان متنفر بود، از دست داده بود (Philo, *Legatio land Gaium*, 159-160).
۳. پیلاتوس شاگرد سجانوس بود و تلاش می‌کرد او را با کارهایش تحت تاثیر قرار دهد
- a. آوردن استانداردهای رومی به اورشلیم (در سال ۲۶ میلادی)، که سایر حاکمین قبلی انجام نداده بودند. این نمادهای خدایان رومی یهودیان را برافروخته می‌کرد (مراجعه شود به *Josephus' Antiq.* 18.3.1; *Jewish Wars* 2.9.2-3)
- b. ضرب سکه (۲۹ الی ۳۱ میلادی) که تصاویر پرستش رومی بر روی آنها ضرب شده بود و جوزفوس می‌گوید او به عمد سعی داشت قوانین و سنتهای یهود را از بین ببرد (مراجعه شود به *Josephus, Antiq.* 18.4.1-2)
- c. از خزانه معبد پول برمی‌داشت صرف کانال کشی اورشلیم کند (مراجعه شود به *Josephus, Antiq.* 18.3.2; *Jewish Wars* 2.9.3)
- d. جلیلی‌های زیادی را در حالیکه برای پسخ در اورشلیم قربانی هدیه می‌کردند به قتل رساند
- e. در سال ۳۱ میلادی نیروهای محافظی رومی را به اورشلیم آورد. پسر هیروود بزرگ از او درخواست کرد که آنها را ببرد، ولی او این کار را نکرد در نتیجه، آنها به تیبیریوس نامه نوشتند و تقاضا کردند که آنها به سزاریه به کناره دریا منتقل شوند (مراجعه شود به *Philo, Legatio and Gaium*, 299-305)
- f. سامریان زیادی را در کوه گریزیم (سالهای ۳۶/۳۷ میلادی) در حالیکه در جستجوی اشیا مقدس مذهبی گم شده خود بودند، قتل عام کرد. این باعث شد مافوق محلی پیلاتس (*Vitellius, Prefect of Syria*) او را از سمت خود برکنار کرده و به روم بازگرداند (مراجعه شود به *Josephus, Antiq.* 18.4.1-2).
- C. سجانوس در سال ۳۱ میلادی اعدام شد و تیبیریوس قدرت کامل سیاسی خود را مجدداً احیا کرد، بنابراین گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ فوق احتمالاً توسط پیلاتس انجام شدند تا اعتماد سجانوس را بدست آورد، شماره ۵ و ۶ می‌توانند تلاشی برای جلت اعتماد تیبیریوس باشند ولی شکست خوردند.
- D. بدیهی است با احیا قدرت امپراتور طرفدار یهودیان، به اضافه یک نامه رسمی به حاکم محلی از طرف تیبیریوس که با یهودیان مهربان باشند (مراجعه شود به *Philo, Legatio and Gaium*, 160-161)، باعث شد که رهبران یهود در اورشلیم بر آسیب‌پذیری سیاسی پیلاتوس در برابر تیبیریوس برتری یافته و او را بازیچه قرار دهند و مجبورش کنند که عیسی را مصلوب کند. این نظریه بارت دو دیدگاه در باره پیلاتوس را به شیوه‌ای محتمل در کنار هم قرار می‌دهد.
- III. سرنوشت او
- A. پس از مرگ تیبیریوس او به روم فراخوانده شد (سال ۳۷ میلادی)
- B. او به مقام دیگری منصوب نشد
- C. پس از این، از زندگی او اطلاعی در دست نیست. بعدها نظریات زیادی مطرح شدند ولی هیچکدام بر اساس واقعیت نیستند.

۱۸: ۳۰ "اگر مجرم نبود، به تو تسلیمش نمی‌کردیم" این عبارت جمله شرطی نوع دوم است که اغلب "برخلاف واقعیت" نامیده می‌شود. عیسی مجرم نبود. این طعنه پیلاتس برای رد اتهامات مذهبی بی‌ارزش یهودیان بود.

فعل "تحويل دادن" مشابه همان فعلی است که معمولاً وقتی که در مورد یهودا صحبت می‌شود، "خیانت کردن" ترجمه می‌گردد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۶۴ و ۷۱، ۱۲: ۴، ۱۳: ۲ و ۱۱ و ۲۱، ۱۸: ۲ و ۵). این اصطلاح از نظر مفهومی به معنی "تحويل دادن به مقامات" یا "واگذار کردن به یک سنت" است. در رابطه با یهودا، این اصطلاح در معنی توسط مترجمین انگلیسی شدت پیدا کرده است.

۱۸: ۳۱ "ما اجازه اعدام کسی را نداریم" رهبران یهود عیسی را متهم به ارتداد کرده بودند، ولی آنها از اتهام قیام و شورش استفاده کرده بودند که توسط رومیان اعدام شود. برای رهبران یهود خیلی مهم بود که عیسی به واسطه کتاب تثنیه ۲۱: ۲۳ مصلوب شود (مصلوب کردن در قرن اول توسط روحانیون به عنوان مورد لعن خدا قرار گرفتن درک می‌شد). عیسی این را در انجیل یوحنا ۱۸: ۳۲، ۳: ۱۴، ۸: ۲۸، ۱۲: ۳۲ و ۳۳، غلاطیان ۳: ۱۳ پیش‌بینی کرده بود.

۱۸: ۳۲ "بدین‌سان گفته عیسی در مورد چگونگی مرگی که در انتظارش بود، به حقیقت می‌پیوست" چرا رهبران یهود می‌خواستند عیسی مصلوب شود؟ از اعمال رسولان ۷ مشخص است که آنها مردم را به اتهام ارتداد با سنگسار فوراً اعدام می‌کردند. احتمالاً این موضوع در رابطه با نفرین الهی عهد عتیق

کتاب تثنیه ۲۱: ۲۲ الی ۲۳ است. اساساً این اشاره به نمایش عمومی پس از مرگ دارد، ولی روحانیون معاصر این آیه را در نور مصلوب کردن رومیان تفسیر کردند. آنها می‌خواستند عیسی، کسی که ادعای مسیح بودن دارد، مورد لعن خدا قرار گیرد. این برنامه خدا برای رستگاری انسان گمراه بود. عیسی، بره خدا (یعنی ۱: ۲۹)، خودش را به عنوان جایگزین پیش کش کرد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳، دوم قرتیان ۵: ۲۱). عیسی تبدیل به لعنتی بر ما شد (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳).

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۸: ۳۳ الی ۳۸ الف

<sup>۳۳</sup> پس پیلاتس به کاخ بازگشت و عیسی را فرا خوانده، به او گفت: "آیا تو پادشاه یهودی؟" <sup>۳۴</sup> عیسی پاسخ داد: "آیا این را تو خود می‌گویی، یا دیگران درباره من به تو گفته‌اند؟" <sup>۳۵</sup> پیلاتس پاسخ داد: "مگر من یهودی‌ام؟ قوم خودت و سران کاهنان، تو را به من تسلیم کرده‌اند؛ چه کرده‌ای؟" <sup>۳۶</sup> عیسی پاسخ داد: "پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان بود، خادمانم می‌جنگیدند تا به دست یهودیان گرفتار نیایم. اما پادشاهی من از این جهان نیست." <sup>۳۷</sup> پیلاتس از او پرسید: "پس تو پادشاهی؟" عیسی پاسخ داد: "تو خود می‌گویی که من پادشاهم. من از این رو زاده شدم و از این رو به جهان آمدم تا بر حقیقت شهادت دهم. پس هر کس که به حقیقت تعلق دارد، به ندای من گوش فرا می‌دهد." <sup>۳۸</sup> پیلاتس پرسید: "حقیقت چیست؟"

۱۸: ۳۳ "کاخ" به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۸: ۲۸ مراجعه کنید.

■ "آیا تو پادشاه یهودی؟" عیسی به خیانت محکوم شده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۱۱، انجیل مرقس ۱۵: ۲، انجیل لوقا ۲۳: ۲ و انجیل یوحنا ۱۹: ۳ و ۱۲ و ۱۵ و ۱۹ الی ۲۲).

۱۸: ۳۴ "آیا این را تو خود می‌گویی، یا دیگران درباره من به تو گفته‌اند؟" اگر پیلاتس سوالی در رابطه با پادشاهی سیاسی می‌کرد، عیسی آن را انکار می‌کرد. اگر یهودیان این را گفته بودند، پس این اشاره به مسیح بودن دارد و عیسی آن را تأیید می‌کرد. مشخص بود که پیلاتس آمادگی بحث بر سر پیچیدگیهای تفکرات یهودیان نداشت (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳۵).

۱۸: ۳۵ اولین سوال انتظار پاسخ نه را دارد. پیلاتس تحقیر خود را نسبت به دین یهود ابراز می‌دارد.

۱۸: ۳۶ "اگر پادشاهی من از این جهان بود، خادمانم می‌جنگیدند" این عبارت جمله شرطی نوع دوم است که خلاف واقعیت نامیده می‌شود. باید بدین گونه ترجمه شود که "اگر پادشاهی من از این جهان بود، و نیست، پس خادمانم می‌جنگیدند، که نمی‌جنگند." عبارت "خادمانم" می‌تواند اشاره به (۱) شاگردان یا (۲) فرشتگان داشته باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۵۳).

۱۸: ۳۷ "پیلاتس از او پرسید: 'پس تو پادشاهی؟'" این نهایت دوگانگی لبها در این نماد قدرت زمینی است (یعنی روم)، که با عیسی و پادشاهی معنوی او مقابله می‌کند. این سوال انتظار پاسخ "بله" را دارد.

■ "تو خود می‌گویی که من پادشاهم. من از این رو زاده شدم و از این رو به جهان آمدم تا بر حقیقت شهادت دهم" عبارت اول را به واسطه ابهامش به سختی می‌توان ترجمه کرد. این یک تأیید صلاحیت است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۱۱، انجیل مرقس ۱۵: ۲، انجیل لوقا ۲۳: ۳). عیسی می‌دانست که کیست (دو فعل زمان کامل)، و چرا آمده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱ و ۳، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل لوقا ۲: ۴۹، انجیل متی ۱۶: ۲۲). پیلاتس درک نکرده بود.

■ "از این رو زاده شدم" عیسی به وظیفه‌اش مبنی بر آشکار ساختن پدر اشاره می‌کند (یعنی، "شهادت بر حقیقت"). اساساً سه دلیل وجود دارد که چرا عیسی آمد:

۱. که به صورت تمام و کمال شخصیت و اهداف خدا را آشکار نمایم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸ و ۳: ۳۲)
۲. که به عنوان بره معصوم خدا بمیرم تا گناه را از جهان برگیرم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹)
۳. تا به مومنین نمونه‌ای نشان دهم که چگونه باید زندگی کرد و خدا را راضی نمود

■ "پس هر کس که به حقیقت تعلق دارد، به ندای من گوش فرا می‌دهد" من همیشه تحت تاثیر عباراتی مثل "هرکسی"، "هر کس"، "هر کس که" قرار می‌گیرم. بیهوش پیدایش ۳: ۱۵ را در مسیح تحقق می‌بخشد. عیسی تصویر خدا را در میان گمراهان احیا کرد. دوستی صمیمانه و فردی دوباره امکانپذیر است (اسکاتولوژی تشخیص داده شده).

فقط کسانی که چشم و گوش معنویت دارند (یعنی انجیل یوحنا ۱۰: ۳ و ۱۶ و ۲۷، ۱۸: ۳۷) می‌توانند حقیقت را درک کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۱۵، ۱۳: ۹ و ۱۶ و ۴۳، انجیل مرقس ۴: ۹ و ۲۳، انجیل لوقا ۸: ۸، ۱۰: ۲۳ و ۲۴، ۱۴: ۳۵، مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۹، ۳: ۶ و ۱۳ و ۲۲). عیسی حقیقت است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶)! وقتی که صحبت می‌کند، پیرانش گوش می‌دهند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱ الی ۵).

در انجیل یوحنا "دیدن" یا "شنیدن" حقیقت از دیدگاه الهیات معادل پذیرفتن "حیات جاویدان" است.

۱۸: ۳۸ "پیلاتس پرسید: "حقیقت چیست؟" پیلاتس این سوال را پرسید ولی ظاهراً قبل از اینکه پاسخ خود را دریافت کند، رفت. پیلاتس می‌خواست اطمینان حاصل کند که عیسی تهدیدی برای امپراتوری روم نیست. او این کار را کرد. سپس او سعی کرد عیسی را آزاد کند زیرا سنت یهود در آن روز در طول پاسخ بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳۹، انجیل متی ۲۷: ۱۵). یوحنا، همانند لوقا می‌نویسد تا نشان دهد که مسیحیت تهدیدی برای امپراتوری روم نبود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳۸ ب، ۱۹: ۴، انجیل لوقا ۲۳: ۴ و ۱۴ و ۲۲).

#### **NASB: انجیل یوحنا ۱۸: ۳۸ ب الی ۴۰**

چون این را گفت، باز نزد یهودیان بیرون رفت و به آنها گفت: «من هیچ سببی برای محکوم کردن او نیافتم. <sup>۳۹</sup> اما شما را رسمی هست که در عید پسخ یک زندانی را برایتان آزاد کنم؛ آیا می‌خواهید پادشاه یهود را آزاد کنم؟» <sup>۴۰</sup> آنها در پاسخ فریاد سر دادند: "او را نه، بلکه باراباس را آزاد کن!" اما باراباس راهزن بود.

۱۸: ۳۹ "شما را رسمی هست" این در انجیل متی ۲۷: ۱۵ و انجیل لوقا ۲۳: ۱۷ توضیح داده شده است (ولی در مستندات تاریخی خارج از عهد عتیق چنین رسمی ناشناخته است).

۱۸: ۴۰ "او را نه، بلکه باراباس را آزاد کن" این یک دوگانگی شدید است زیرا باراباس عضو گروه زیلوت و به همان اتهام عیسی محکوم بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۷، انجیل لوقا ۲۳: ۱۹ و ۲۵). جمعیت ظاهراً منتظر بودند که از قهرمان خود حمایت کنند. مقامات یهود از این موقعیت جهت اطمینان از محکوم شدن عیسی استفاده کردند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۱۱).

اینهم یک دوگانگی عجیب دیگر است زیرا اسم "باراباس" یعنی "پسر یک پدر". یوحنا با این کلمات در طول انجیل یوحنا بازی کرده است! جمعیت "پسر پدر" را بجای "پسر آن پدر" می‌خواستند. تاریکی به صورت کامل آمد!

#### **سوالاتی برای بحث**

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا عیسی به جایی رفت که می‌دانست یهودا او را پیدا می‌کند؟
۲. چرا یهودا شکنجه عیسی در گتسمانه را حذف کرد؟
۳. چرا سانه‌درین عیسی را نزد پیلاتس بردند؟
۴. چرا ترتیب زمانی رخدادها میان انجیل یوحنا و سایر اناجیل اینقدر گیج کننده است؟
۵. چرا یوحنا این گونه نشان می‌دهد که پیلاتس می‌خواهد عیسی را آزاد کند؟

## یوحنا ۱۹

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
عیسی به مرگ محکوم شد	سربازان عیسی را تمسخر می‌کنند		عیسی به مرگ محکوم می‌شود	عیسی در برابر پیلاتس
(۱۸: ۳۸ ب الی ۱۹: ۱۶ الف)		(۱۸: ۳۸ ب الی ۱۹: ۱۷)	(۱۸: ۳۸ ب الی ۱۹: ۱۶)	(۱۸: ۲۸ الی ۱۹: ۱۱)
۱۸: ۳۳ ب الی ۱۹: ۷		۱۸: ۳۳ ب الی ۱۹: ۷	۱۸: ۴۰ الی ۱۹: ۳	۱۸: ۳۳ الی ۱۹: ۳
	۱۹: ۱ الی ۴			۱۹: ۴ الی ۷
	تصمیم پیلاتس		۱۹: ۴ الی ۵	
	۱۹: ۵ الی ۱۶			
			۱۹: ۱۶ الف	
			۱۹: ۱۶ ب	
			۱۹: ۷	
۱۹: ۸ الی ۱۲		۱۹: ۸ الی ۱۲	۱۹: ۸ الی ۹ الف	۱۹: ۸ الی ۱۱
			۱۹: ۹ ب الی ۱۰	
			۱۹: ۱۱	
			۱۹: ۱۲	عیسی به مرگ محکوم می‌شود
				۱۹: ۱۲ الی ۱۶ ب
۱۹: ۱۳ الی ۱۶ الف		۱۹: ۱۳ الی ۱۶ الف	۱۹: ۱۳ الی ۱۴	
			۱۹: ۱۵ الف	
			۱۹: ۱۵ ب	
			۱۹: ۱۵ پ	
			۱۹: ۱۶ الف	
مصلوب شدن عیسی	پادشاه بر روی صلیب		عیسی مصلوب می‌شود	مصلوب شدن
۱۹: ۱۶ ب الی ۲۲		۱۹: ۱۶ ب الی ۲۵ الف	۱۹: ۱۶ ب الی ۲۱	۱۹: ۱۶ ب الی ۲۲
	۱۹: ۱۷ الی ۲۴			
			۱۹: ۲۲	لباس عیسی پاره می‌شود
۱۹: ۲۳ الی ۲۷			۱۹: ۲۳ الی ۲۴	۱۹: ۲۳ الی ۲۴
	مادرت را ببین			عیسی و مادرش
	۱۹: ۲۵ الی ۲۷	۱۹: ۲۵ ب الی ۲۷	۱۹: ۲۵ الی ۲۶	۱۹: ۲۵ الی ۲۷
			۱۹: ۲۷	
مرگ عیسی	تمام شد		مرگ عیسی	مرگ عیسی
۱۹: ۲۸ الی ۳۰	۱۹: ۲۸ الی ۳۰	۱۹: ۲۸ الی ۳۰	۱۹: ۲۸	۱۹: ۲۸
			۱۹: ۲۹ الی ۳۰ الف	
			۱۹: ۳۰ ب	
سوراخ کردن پهلوی عیسی	پهلوی عیسی سوراخ می‌شود		پهلوی عیسی سوراخ می‌شود	پهلوی سوراخ شده
۱۹: ۳۱ الی ۳۷	۱۹: ۳۱ الی ۳۷	۱۹: ۳۱ الی ۳۷	۱۹: ۳۱ الی ۳۷	۱۹: ۳۱ الی ۳۷



دفن	دفن عیسی	عیسی در گور یوسف دفن می‌شود	دفن عیسی
۱۹: ۳۸ الی ۴۲	۱۹: ۳۸ الی ۴۲	۱۹: ۳۸ الی ۴۲	۱۹: ۳۸ الی ۴۲

چرخه سوم مطالعه به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۹: ۱ الی ۷

۱ "آنگاه پیلاتس عیسی را گرفته، دستور داد تازیانه‌اش زنند.<sup>۲</sup> و سربازان تاجی از خار بافته، بر سرش نهادند و ردایی ارغوانی بر او پوشاندند،<sup>۳</sup> و نزدش آمده، می‌گفتند: "درود بر تو، ای پادشاه یهود!" و او را سیلی می‌زدند.

۴ سپس پیلاتس دیگر بار بیرون آمد و یهودیان را گفت: "اینک او را نزد شما بیرون می‌آورم تا بدانید که من هیچ سببی برای محکوم کردن او نیافتم"<sup>۵</sup> پس عیسی تاج خار بر سر و ردای ارغوانی بر تن بیرون آمد. پیلاتس به آنها گفت: "اینک آن انسان"<sup>۶</sup>. چون سران کاهنان و نگهبانان معبد او را دیدند، فریاد برآورده، گفتند: "بر صلیب کن! بر صلیب کن!" پیلاتس به ایشان گفت: "شما خود او را ببرید و مصلوب کنید، چون من سببی برای محکوم کردن او نیافتم"<sup>۷</sup>. یهودیان در پاسخ او گفتند: "ما را شریعتی است که بنا بر آن او باید بمیرد، زیرا ادعا می‌کند پسر خداست".

۱۹: ۱ "آنگاه پیلاتس عیسی را گرفته، دستور داد تازیانه‌اش زنند" مدت زمان و تعداد تازیانه‌ها مشخص نیست. تمامی زندانیانی که به مصلوب شدن محکوم می‌شدند، تازیانه می‌خورند. تجربه بسیار بیرحمانه‌ای که منجر به مرگ بسیاری از آنان می‌شد. با این وجود، در متن، به نظر می‌رسد که پیلاتس عیسی را تازیانه زد تا شاید ترحم آنها را بدست آورده و رهایش سازند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۳: ۱۶ و ۲۲، انجیل یوحنا ۱۹: ۱۲). این ممکن است تحقق نبوت اشعیا ۵۳: ۵ باشد.

تازیانه‌های رومیان بسیار دردناک و بیرحمانه بود که مختص غیر رومیان بود. تازیانه‌هایی از نوارهای چرمی با تکه‌های استخوان یا فلز که به انتهای هر ریسمان گره خورده بودند، استفاده می‌شدند و دستان فردی که تازیانه می‌خورد، به چوبی کوتاه بسته می‌شد تا خم شود. تعداد ضربات مشخص نشده است. این کار همیشه قبل از مصلوب کردن انجام می‌شد (مراجعه شود به Livy XXXIII: 36).

اناجیل از کلمات متفاوتی برای توصیف تازیانه خوردنها به دست رومیان استفاده می‌کند.

۱. انجیل متی ۲۷: ۱۶، انجیل مرقس ۱۵: ۱۵ - *phragelloō* تازیانه زدن
۲. انجیل لوقا ۲۳: ۱۶ و ۲۲ - *paideuō* که برای تنبیه کردن کودکان و آموزش نظم به آنها استفاده می‌شد (مراجعه شود به عبرانیان ۱۲: ۶ الی ۷، و ۱۰) ولی در اینجا همانند دوم قرن‌تین ۶: ۹ برای کتک زدن استفاده شده است
۳. انجیل یوحنا ۱۹: ۱ - *mastigoō* این اصطلاح اساساً نام یک نوع تازیانه است، انجیل متی ۱۰: ۱۷، ۲۰: ۱۹، ۲۳: ۳۴، اعمال رسولان ۲۲: ۲۴ الی ۲۵، عبرانیان ۱۱: ۳۶

اینها ممکن است همه مترادف باشند و ممکن هم هست که به دو نوع متفاوت کتک زدن اشاره داشته باشند.

۱. تازیانه‌های کمتر توسط پیلاتس
۲. تازیانه زدن قبل از مصلوب کردن

۱۹:۲ "سربازان تاجی از خار بافته، بر سرش نهادند" این یک حالت شکنجه بود که خارها بر پیشانی عیسی فشرده می شدند. با این حال، احتمال این هم هست که معرف نوعی تاج از برگهای نخل باشد که به شیوه دیگری از نشان دادن عیسی به عنوان پادشاه است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۲۷ الی ۳۱، انجیل مرقس ۱۵:۱۵ الی ۲۰).

اصطلاح یونانی "تاج" (*stephanos*) برای پیروزیهای ورزشی استفاده می شد و یا امپراتور تاجی از گل سرخ یا لاله بر سر می گذاشت.

■ "و ردایی ارغوانی بر او پوشاندند" رنگ ارغوانی (*porphyros*) نشان سلطنت بود، این رنگ بسیار گرانتیتم بود و از صدف حلزون درست می شد. قرمز متمایل به زرد رنگ جامه افسران رومی بود (انجیل مرقس ۱۵:۱۷ و ۲۰). رنگ قرمز متمایل به زرد از فلس حشره ای درست می شد که بر روی درختان بلوط یافت می شدند. این لباس اشاره به شنل سلطنتی دارد که توسط پادشاه بر تن می شد، ولی واقعیت این است که احتمالاً شنل رنگ پریده یک افسر رومی بوده باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۲۸).

۱۹:۳

**NASB** "و آنها به نزد او آمدند و گفتند"

**NKJV** "سپس آنها گفتند"

**NRSV** "مرتب جلو آمده به او می گفتند"

**TEV** "نزد او آمده و می گفتند"

**NJB** "مرتب به نزد او آمده و به او می گفتند"

اینها زمان غیر کامل هستند. ظاهراً سربازان یکی پس از دیگری این کار را می کردند. در کل، این تحقیر کردنها، یهودیان را بیشتر مسخره می کرد تا عیسی را. ظاهراً پیلاتس با این کار می خواست کاری کند که به عیسی ترحم کنند ولی کارگر نیافتاد.

مجدداً در نوشته های یوحنا اغلب بیانات نبوت از دهان مخالفان بیرون می آید. این سربازان بیش از آنچه که درک می کردند، بر زبان می آوردند.

■ "و او را سبلی می زدند" این کلمه اساساً به مفهوم "با شلاق زدن" است، ولی در اینجا به معنی "با دست باز کشیده زدن" است. این هم می تواند بیشتر به مفهوم ادای احترام سلطنتی باشد تا بیرحمانه بر صورت کسی زدن.

۱۹:۴

**NASB** "من هیچ سبلی برای محکوم کردن او نیافتم"

**NKJV** "من هیچ خطایی برای علیه او نیافتم"

**NRSV** "من هیچ دلیلی برای محکوم کردن او نیافتم"

**TEV** "من هیچ دلیلی برای محکوم کردن او نمی بینم"

**NJB** "من هیچ دلیلی برای محکوم کردن او نیافتم"

یکی از اهداف یوحنا این بود که نشان دهد مسیحیت هیچ تهدیدی علیه دولت روم یا مقامات آن نیست. یوحنا ثبت کرده که بارها پیلاتس سعی داشته است که عیسی را رها کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸:۳۸، ۱۹:۶، انجیل لوقا ۲۳:۴ و ۱۴ و ۲۲).

۱۹:۵

**NASB, NKJV** "این مرد را شاهد باشید"

**TEV, NET** "ببینید! مرد اینجاست!"

**NRSV, NJB, REB** "اینک آن انسان"

به چندین شیوه می توان این عبارت را درک کرد

۱. عیسی را به صورت یک پادشاه مسخره لباس پوشاندند

۲. عیسی کتک خورد تا ترحم نسبت به او ایجاد شود

۳. اشاره ای به زکریا ۶:۱۲ (مرجع مسیحی "شاخه")

۴. تأیید آتی که عیسی انسان بود (ضربه ای بر علیه عرفان روز یوحنا)

۵. اشاره به بیان "پسر انسان" آرامی، (*bar nashā*)، اشاره دیگری به مسیحیت پنهان)

۱۹:۶ "فریاد برآورده، گفتند: "بر صلیبش کن! بر صلیبش کن!" دلیل اینکه رهبران یهود می خواستند عیسی مصلوب شود، نفرین کتاب تثنیه ۲۱:۲۳ بود که به اجرا درآمده بود. این یکی از دلایلی بود که احتمالاً پولس نسبت به مسیح خدا بودن عیسی ناصری دچار تردید بزرگی شده بود. با این وجود، از

غلاطیان ۳: ۱۳ درمی یابیم که عیسی، لعنتی که بر روی ما بود را بر صلیبش با خود حمل کرد (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۱۴).

■ "من سببی برای محکوم کردن او نیافته‌ام" پیلاتس سه مرتبه این را تکرار کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۸ و ۱۹: ۴).

۱۹: ۷ "او باید بمیرد، زیرا ادعا می کند پسر خداست" عیسی ادعا می کرد که با خدا یکی است، پسر او است. یهودیان که این اظهارات را می شنیدند و نیت او را درک می کردند، تردیدی نداشتند که او از خداست (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۸، ۸: ۵۳ الی ۵۹، ۱۰: ۳۳). اتهام اصلی یهودیان علیه عیسی ارتداد بود (مراجعه شود به انجیل متی ۹: ۳، ۲۶: ۶۵، انجیل مرقس ۲: ۷، ۱۴: ۶۴، انجیل لوقا ۵: ۲۱، انجیل یوحنا ۱۰: ۳۳ و ۳۶). مجازات اتهام ارتداد، سنگسار بود (مراجعه شود به لایوان ۲۴: ۱۶). اگر عیسی دوباره متولد نشده بود، از قبل وجود نداشت و از خدا نبود، باید سنگسار می شد!

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۹: ۸ الی ۱۲

۸ چون پیلاتس این را شنید، هراسانتر شد، و باز به درون کاخ بازگشت و از عیسی پرسید: "تو از کجا آمده‌ای؟" اما عیسی پاسخی به او نداد. ۹ پس پیلاتس او را گفت: "به من هیچ نمی گویی؟ آیا نمی دانی قدرت دارم آزادت کنم و قدرت دارم بر صلیب کشم؟" عیسی گفت: "هیچ قدرت بر من نمی داشتی، اگر از بالا به تو داده نشده بود؛ از این رو، گناه آن که مرا به تو تسلیم کرد، بسی بزرگتر است." ۱۰ از آن پس پیلاتس کوشید آزادش کند، اما یهودیان فریادزنان گفتند: "اگر این مرد را آزاد کنی، دوست قیصر نیستی. هر که ادعای پادشاهی کند، بر ضد قیصر سخن می گوید."

۱۹: ۸ "چون پیلاتس این را شنید، هراسانتر شد" همسر پیلاتس پیشتر در مورد عیسی به او هشدار داده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۱۹)، و اینک رهبران یهود ادعا می کردند که او تصریح کرده است که پسر خدا است. پیلاتس که ترسیده بود، هراسانتر شد. در اعتقادات رومیان و یونانیان کاملاً امکانپذیر بود که خدایان در قالب انسان به دیدار انسانها بیایند.

۹: ۱۹

NASB, NKJV, "اهل کجایی"

NRSV

TEV, NJB, NIV "تو از کجا آمده‌ای"

پیلاتس در مورد شهری که از آنجا آمده بود سوال نمی کرد، بلکه از جایی که آمده بود می پرسید. پیلاتس اهمیت کسی را که در مقابلش بود را احساس می کرد. از توضیحات او در انجیل یوحنا ۱۸: ۳۸ عیسی او را شناخته بود و می دانست که پیلاتس به حقیقت علاقه ای ندارد بلکه به تسهیل روابط سیاسی علاقمند است و بنابراین پاسخ نداد.

پیلاتس هم به جمع کسانی پیوست که از عیسی حیرت زدن شده بودند ولی منشا او را درک نمی کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۲، ۶: ۴۲، ۷: ۲۷ الی ۲۸، ۴۱ الی ۴۲، ۸: ۱۴، ۹: ۲۹ الی ۳۰). این هم بخش دیگری از دوالیسم عمودی یوحنا است. عیسی از بالا است و هیچ کس از پائین نمی تواند بدون خواست پدر او را بشناسد / درک کند / ببیند / بشنود (مراجعه شود به ۶: ۴۴ و ۶۵، ۱۰: ۲۹).

■ "عیسی پاسخی به او نداد" پیلاتس باید پاسخ او را به خاطر داشته باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۳۷)! برخی این را به عنوان تحقق اشعیا ۵۳: ۷ می بینند.

۱۹: ۱۰ "و قدرت دارم بر صلیب کشم" پیلاتس تصریح می کند که از نظر سیاسی اختیار زندگی و مرگ دارد، با این وجود، در برابر جمعیت یاغی می تواند از این حق چشم پوشی کند. از نظر دستور زبانی سوال پیلاتس انتظار پاسخ "بله" دارد.

۱۹: ۱۱ "هیچ قدرت بر من نمی داشتی، اگر از بالا به تو داده نشده بود" این عبارت جمله شرطی نوع دوم است که "بر خلاف واقعیت" نامیده می شود. عیسی توسط پیلاتس مرعوب نشده بود. او می دانست که کیست و چرا آمده است! انجیل تصریح می کند که خدا در پس تمامی اختیارات نوع بشر است (مراجعه شود به رومیان ۱۳: ۱ الی ۷).

■ "گناه آن که مرا به تو تسلیم کرد، بسی بزرگتر است" با یکبار خواندن، به نظر می رسد که این اشاره به یهودای اسخریوطی دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۶۴ و ۷۱، ۱۳: ۱۱) ولی بیشتر مفسرین معتقدند که این به قیافا اشاره دارد که رسماً عیسی را به رومیان تحویل داد. این عبارت می تواند در مجموع بدین صورت درک شود که به (۱) رهبران غیر قانونی یهودی، یا (۲) مردم یهود در کل (مراجعه شود به انجیل متی ۲۱: ۳۳ الی ۴۶، انجیل مرقس ۱۲: ۱ الی ۱۲، انجیل لوقا ۲۰: ۹ الی ۱۹، رومیان ۹ الی ۱۱) اشاره می کند.

۱۹: ۱۲ "پیلاتس کوشید آزادش کند" این زمان غیر کامل است که به معنی تکرار عمل در گذشته دارد. او چندین مرتبه تلاش کرده بود.

■ "اگر این مرد را آزاد کنی، دوست قیصر نیستی" این یک عبارت شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع یک عمل است. رهبران یهود تهدید می کردند که بر علیه پیلاتس به مقامات مافوق او در رم (که با آگوستوس یا وسپاسیان شروع می شود) اگر او به خواست آنان عمل نکند و عیسی را محکوم به مرگ ننماید، گزارش خواهند فرستاد.

سزار عنوان امپراتور روم بود. این عنوان از ژولیوس سزار آمده و بعداً آگوستوس از آن استفاده کرد.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۹: ۱۳ الی ۱۶

۱۳ چون پیلاتس این سخنان را شنید، عیسی را بیرون آورد و خود بر مسند داوری نشست، در مکانی که به 'سنگفرش' معروف بود و به زبان عبرانیان 'جَباتا' خوانده می شد. <sup>۴</sup> آن روز، روز 'تهیه' عید پَسَخ و نزدیک ساعت ششم از روز بود. پیلاتس به یهودیان گفت: "اینک پادشاه شما!" <sup>۵</sup> آنها فریاد برآوردند: "او را از میان بردار! او را از میان بردار و بر صلیبش کن!" پیلاتس گفت: "آیا پادشاهتان را مصلوب کنم؟" سران کاهنان پاسخ دادند: "ما را پادشاهی نیست جز قیصر." <sup>۶</sup> سرانجام پیلاتس عیسی را به آنها سپرد تا بر صلیبش کشند.

۱۹: ۱۳ "چون پیلاتس این سخنان را شنید، عیسی را بیرون آورد و خود بر مسند داوری نشست" این متن مبهم است زیرا مشخص نیست که چه کسی بر روی صندلی داوری نشست. هر دو ترجمه ویلیامز و گاد اسپید تصریح می کنند که این عیسی خود بود که بر روی صندلی داوری نشست تا بدین شیوه پادشاه یهود را تحقیر کنند. با این حال، متن دلالت بر پیلاتس دارد که باید حکم را صادر می کرد.

NASB, NKJV, "در مکانی که به 'سنگفرش' معروف بود و به زبان عبرانیان 'جَباتا' خوانده می شد"

NJB

"در مکانی که به 'سنگفرش' معروف یا زبان عبرانیان 'جَباتا' خوانده می شد"

NRSV

"در مکانی که به 'سنگفرش' معروف بود (به زبان عبرانیان 'جَباتا' خوانده می شد)"

TEV

استفاده یوحنا از کلمات عبری/آرامی و مفاهیم آنها نشان می دهد که خوانندگان هدف یوحنا برای انجیلش کفار بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷). این پیاده رو سنگفرش محل اعلام احکام قانونی رومیان بود. اصطلاح آرامی جباتا به معنی "سنگهای بلند شده" یا "مکان بلندتر" است.

۱۹: ۱۴ "آن روز، روز 'تهیه' عید پَسَخ بود" یک تناقض کاملاً مشهود میان انجیل یوحنا و سایر اناجیل در ارتباط با تاریخها وجود دارد. در سایر اناجیل عیسی قبل از دستگیری غذای روز پسخ را با شاگردانش می خورد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۴۲)، ولی در انجیل یوحنا مراسم خوراک یک روز قبل از عید و در روز تهیه برگزار می شود. به یادداشت کامل در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۸: ۲۸ مراجعه کنید.

■ "نزدیک ساعت ششم از روز بود" جدول رخدادهای زمانی محاکمه عیسی در برابر پیلاتس و مصلوب شدن او

انجیل متی	انجیل مرقس	انجیل لوقا	انجیل یوحنا
حکم پیلاتس			ساعت ششم (۱۹: ۱۴)
مصلوب شدن	ساعت سوم (۱۵: ۲۵)		
شروع تاریکی	ساعات ششم تا نهم (۲۷):	ساعات ششم تا نهم (۲۳: ۴۴)	ساعات ششم تا نهم
	(۴۵)		
عیسی فریاد می زند	ساعت نهم (۲۷: ۴۶)	ساعت نهم (۱۵: ۳۴)	

وقتی که این زمانها را با یکدیگر مقایسه می کنیم، دو امر بدیهی مشخص می شوند:

۱. آنها مشابه هم هستند. یوحنا از زمانبندی رومی که از ساعت ۱۲ بامداد شروع می شود، استفاده می کند (مراجعه شود به Gleason L. Archer, *Encyclopedia of Bible Difficulties*, صفحه ۳۶۴)، و سایر اناجیل از زمانبندی یهودی استفاده می کنند که از ساعت ۶ صبح شروع می شود.
۲. یوحنا زمان دیرتری را برای مصلوب شدن عیسی تصریح می کند که این هم مثال دیگری است از تفاوتهای میان انجیل یوحنا و سایر اناجیل.

از انجیل یوحنا ۱: ۳۹ و ۴: ۶ این چنین به نظر می رسد که او از ساعت یهودی استفاده می کند نه ساعت رومی (مراجعه شود به M. R. Vincent, *Word Studies*, جلد اول، صفحه ۴۰۳).

اعلام ساعتها در اناجیل می تواند همگی نمادین باشند زیرا آنها در ارتباط هستند با:

۱. زمان قربانی کردنهای روزانه در معبد (۹ صبح و ۳ بعد از ظهر، مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۱۵، ۳: ۱)
۲. فقط بعد از ظهر زمانی سنتی بود که بره پسخ را در ۱۴ نisan قربانی می کردند

انجیل یک کتاب شرقی است و برخلاف کتب تاریخی غربی، بر زمانبندی دقیق تمرکز ندارد.

■ "اینک پادشاه شما" همانطور که آیه ۵ می‌تواند اشاره‌ای به زکریا ۶: ۱۲ باشد، این آیه هم می‌تواند اشاره‌ای به زکریا ۹: ۹ باشد (مراجعه شود به F. F. Bruce, *Answers to Questions*, صفحه ۷۲).

۱۹: ۱۴ جمله اول یک توضیح دیگر از سوی نگارنده است.

۱۹: ۱۵ "اورا از میان بردار! اورا از میان بردار و بر صلیبش کن" این عبارت سه فعل آئوریست فعال امری دارد. ریشه "مصلوب کردن" به معنی "بلند کردن" یا "برخیزاندن" است، این می‌تواند یکی از دوگانگیهای نگارشی یوحنا باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۴، ۸: ۲۸، ۱۲: ۳۲).

■ "سران کاهنان پاسخ دادند: "ما را پادشاهی نیست جز قیصر" دوگانگی حیرت انگیز است. این سران یهود آنها خودشان مرتد بودند، همان اتهامی که عیسی را بدان متهم می‌کردند. در عهد عتیق فقط خدا پادشاه مردم است (مراجعه شود به اول سموئل ۸).

۱۹: ۱۶ "آنها" در انجیل متی ۲۷: ۲۶ الی ۲۷ و انجیل مرقس ۱۵: ۱۵ الی ۱۶ این ضمیر اشاره به سربازان رومی دارد. در انجیل یوحنا می‌تواند اشاره به پیلاتس داشته باشد که عیسی را تسلیم خواست رهبران یهود می‌کند.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۹: ۱۷ الی ۲۲

۱۷ عیسی صلیب بر دوش بیرون رفت، به سوی محلی به نام جمجمه که به زبان عبرانیان جُلجُتا خوانده می‌شود.<sup>۱۸</sup> آنجا او را بر صلیب کردند. با او دو تن دیگر نیز در دو جانبش مصلوب شدند و عیسی در میان قرار داشت.<sup>۱۹</sup> پیلاتس کتیبه‌ای نوشت و آن را بر بالای صلیب نصب کردند. بر آن نوشته شده بود: 'عیسای ناصری، پادشاه یهود'.<sup>۲۰</sup> بسیاری از یهودیان آن کتیبه را خواندند، زیرا جایی که عیسی بر صلیب شد نزدیک شهر بود و آن کتیبه به زبان عبرانیان و لاتینی و یونانی نوشته شده بود.<sup>۲۱</sup> پس سران کاهنان یهود به پیلاتس گفتند: "منویس پادشاه یهود، بلکه بنویس این مرد گفته است که من پادشاه یهودم".<sup>۲۲</sup> پیلاتس پاسخ داد: "آنچه نوشتم، نوشتم".

۱۹: ۱۷ "عیسی صلیب بر دوش بیرون رفت" شکل صلیب در فلسطین قرن نخست مشخص نیست، صلیب می‌توانست به یکی از اشکال حرف T یا t یا حرف X باشد. گاهی اوقات چندین زندانی بر روی یک داربست مصلوب می‌شدند. شکل صلیب هر چه که می‌بود، زندانی محکوم شده که تازیانه خورده بود، باید بخشی از صلیب را به محل مصلوب شدن با خود حمل می‌کرد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۳۲، انجیل مرقس ۱۵: ۲۱، انجیل لوقا ۱۴: ۲۷، ۲۳: ۲۶).

■ "محلی به نام جمجمه که به زبان عبرانیان جُلجُتا خوانده می‌شود" معنی دقیق این عبارت مشخص نیست. اصطلاح عبری/آرامی به تپه‌ای که شبیه یک جمجمه کامل باشد اشاره نمی‌کند، بلکه به یک تپه کم ارتفاع خشک در خیابان اصلی دراورشلیم اشاره می‌کند. رومیان برای ارباب شورشیان مصلوب می‌کردند. در باستان شناسی مدرن دقیق دیوارهای باستانی شهر مشخص نیست. عیسی در بیرون از دیوارهای شهر در مکانی که به محل اعدامهای عمومی معروف بود، کشته شد!

۱۹: ۱۸ "آنجا او را بر صلیب کردند" هیچیک از اناجیل وارد جزئیات فیزیکی مصلوب کردن نشده‌اند. رومیان مصلوب کردن را از کارتاژین‌ها فراگرفته بودند، که آنها هم از پارسیان یاد گرفته بودند. حتی شکل دقیق صلیب هم مشخص نیست. با این وجود، می‌دانیم که یک مرگ تدریجی و بیرحمانه بود! این کار برای فرد چندین روز با درد زیاد همراه بود. مرگ معمولاً بر اثر جراحت صورت می‌گرفت. هدف از این کار ترساندن شورشیان و یاغیانی که بر علیه امپراتوری روم بودند، بود.

■ "دو تن دیگر" این نبوت اشعیا ۵۳: ۹ را تحقق می‌بخشد که در انجیل متی ۲۷: ۳۸، انجیل مرقس ۱۵: ۲۷ و انجیل لوقا ۲۳: ۳۳ ثبت شده بود.

۱۹: ۱۹ "پیلاتس کتیبه‌ای نوشت" احتمالاً پیلاتس این دستور داده کسی این عنوان را (*titlon*) بر روی یک تکه چوب به صورت پلاکارد بنویسد. متی از این به عنوان "اتهام" (*aitian*) مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۳۷) یاد می‌کند در حالیکه مرقس و لوقا به آن "تقصیرنامه" گفته‌اند (*epigraphē*) مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۲۶، انجیل لوقا ۲۳: ۳۸).

۱۹: ۲۰ "به زبان عبرانیان و لاتینی و یونانی نوشته شده بود" اصطلاح "عبرانیان" اشاره به زبان آرامی دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲، ۱۹: ۱۳ و ۱۷، ۲۰: ۱۶، جوزفوس، *Antiq* ۱/۱۳/۲). تفاوتها میان کلمات دقیقی که برای اتهام عیسی که بر بالای سرش بر روی صلیب نوشته بود، خیلی جالب هستند و باید به آنها توجه شود.

۱. انجیل متی ۲۷: ۳۷ "این است عیسی، پادشاه یهودیان"
۲. انجیل مرقس ۱۵: ۲۶ "پادشاه یهودیان"
۳. انجیل لوقا "این است پادشاه یهودیان"
۴. انجیل یوحنا ۱۹: ۱۹ "عیسی ناصری، پادشاه یهودیان"

هر کدام متفاوت از دیگری هستند، ولی اساساً همگی یکسان می‌باشند. در مورد بیشتر رخدادهای تاریخی و جزئیات میان اناجیل، این امر درست است. هر نگارنده خاطرات خود را با شیوه‌های کمی متفاوت از دیگری نوشته است، ولی همه آنها یک شهادت عیسی هستند.

پیلانتس می‌خواست با همان عبارتی که سران یهود از آن می‌ترسیدند، و قرارداد آن بر بالای سر عیسی، آنها را اذیت کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۲۱ الی ۲۲).

۱۹: ۲۲ "آنچه نوشتیم، نوشتیم" اینها دو فعال زمان کامل هستند که تأکید بر کامل شدن کاری دارند و اینکه آنچه نوشته شده است، نهایی است.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۹: ۲۳ الی ۲۴

<sup>۳۳</sup> چون سربازان عیسی را به صلیب کشیدند، جامه‌های او را گرفته، به چهار سهم تقسیم کردند و هر یک سهمی برگرفتند. و جامه زیرین او را نیز ستاندند. اما آن جامه درز نداشت، بلکه یکپارچه از بالا به پایین بافته شده بود. <sup>۳۴</sup> پس به یکدیگر گفتند: "این را تکه نکنیم، بلکه قرعه بیفکنیم تا ببینیم از آن که شود." بدین‌سان گفته کتب مقدس به حقیقت پیوست که: "جامه‌هایم را میان خود تقسیم کردند و بر تن پوش من قرعه افکندند" پس سربازان چنین کردند.

۱۹: ۲۳ "جامه‌های او را گرفته، به چهار سهم تقسیم کردند و هر یک سهمی برگرفتند" سربازان بر سر لباس عیسی قمار کردند. این فقط اشاره به جامه بیرونی او دارد. مشخص نیست که چگونه لباس عیسی به چهار قسمت تقسیم شد. این باید اشاره به کفشها، شال عبادت (*tallith*)، شال کمر بند، و جامه بیرونی او داشته باشد. مشخص نیست که آیا عیسی تورانی بر سر می‌گذاشت یا نه. با برهنگی کامل بر یهودیان توهین می‌شد. این هم یک تحقق دیگر نبوت در انجیل یوحنا ۱۹: ۲۴ است (مراجعه شود به مزمور ۲۲: ۱۸).

■ "لباس زیر" به لباس بیرونی عیسی با کلمه *himatia* به صورت جمع اشاره شده است. ردای بلند زیر جامه که بر روی بدن بود، لباس زیر نامیده می‌شد (*chiton*). تمایز میان اینها را می‌توانید در انجیل متی ۵: ۴۰ و انجیل لوقا ۶: ۲۹ ملاحظه کنید. دورکاس همه این لباسها را دوخته بود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۳۹). ظاهراً یهودیان قرن نخست یک لباس زیر اضافی می‌پوشیدند که نام آن لباس کمر بود. عیسی را به صورت کامل برهنه نکردند.

آخرین عبارت در انجیل یوحنا ۱۹: ۲۳ یک توضیح دیگر از جانب نگارنده است.

■ "اما آن جامه درز نداشت، بلکه یکپارچه از بالا به پایین بافته شده بود" ممکن است از دیدگاه خدانشناسی این دارای اهمیت باشد. لباس زیر مانند این غیر معمول بود و ممکن است گران قیمت بوده باشد. از شخصیت عیسی به دور است که چنین لباس گرانبه‌ای داشته باشد. از جوزفوس (*Antiq* ۳/۷)، می‌دانیم که کاهن اعظم، به عنوان سنت روحانیون که موسی تأکید کرد، لباسی این چنین می‌پوشید. این می‌تواند اشاره‌ای باشد به عیسی به عنوان:

۱. کشیش اعظم (مراجعه شود به عبرانیان)

۲. کسی که قانون جدیدی وضع می‌کند

معنی دوگانه همیشه در انجیل یوحنا دیده می‌شود، ولی مفسرین باید همیشه سخت تلاش کنند نه اینکه به تمثیلی از جزئیات قناعت کنند.

۱۹: ۲۴ "بدین‌سان گفته کتب مقدس به حقیقت پیوست" مزمور ۲۲ زمینه مصلوب کردن را توصیف می‌دهد.

۱. مزمور ۲۲: ۱ الی ۲ - انجیل متی ۲۷: ۴۶، انجیل متی ۱۵: ۳۴

۲. مزمور ۲۲: ۷ الی ۸ - ۲۷: ۲۹ و ۴۳، انجیل مرقس ۱۵: ۲۹، انجیل لوقا ۲۳: ۳۵

۳. مزمور ۲۲: ۱۵ - انجیل متی ۲۷: ۴۸ - انجیل مرقس ۱۵: ۳۶، انجیل لوقا ۲۳: ۳۶، انجیل یوحنا ۱۹: ۲۸ و ۲۹

۴. مزمور ۲۲: ۱۶ - انجیل متی ۲۷: ۳۵، انجیل مرقس ۱۵: ۲۴، انجیل یوحنا ۲۰: ۲۵

۵. مزمور ۲۲: ۱۸، انجیل متی ۲۷: ۳۵، انجیل مرقس ۱۵: ۲۴، انجیل لوقا ۲۳: ۳۴، انجیل یوحنا ۱۹: ۲۴

۶. مزمور ۲۲: ۲۷ الی ۲۸ - انجیل متی ۲۷: ۵۴، انجیل مرقس ۱۵: ۳۹، انجیل لوقا ۲۳: ۴۷، (انجیل یوحنا ۲۰: ۳۱، انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸)

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵ ب الی ۲۷

<sup>۳۵</sup> نزدیک صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، و نیز مریم زن گلوپاس و مریم مجدلیه ایستاده بودند. <sup>۳۶</sup> چون عیسی مادرش و آن شاگردی را که دوست می‌داشت در کنار او ایستاده دید، به مادر خود گفت: "بانو، اینک پسرت". <sup>۳۷</sup> سپس به آن شاگرد گفت: "اینک مادرت". از آن ساعت، آن شاگرد، او را به خانه خود برد.

۱۹: ۲۵ "نزدیک صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، و نیز مریم زن گلوپاس و مریم مجدلیه ایستاده بودند" بحثهای زیادی میان اینکه سه نفر یا چهار نفر آنجا بودند وجود دارد. این احتمال هست که چهار نفر بودند زیرا دو خواهر به اسم مریم نبودند. از خواهر مریم سالومه، در انجیل مرقس ۱۵: ۴۰ و

۱:۱۶ نام برده شده است. اگر این درست باشد، پس به معنی این است که یعقوب، یوحنا، و عیسی پسر خاله بودند. یک سنت قرن دوم (*Hegesippus*) می‌گوید که کلوپاس برادر یوسف بود. مریم مجدلیه کسی بود که عیسی از او هفت دیو بیرون رانده بود، و اولین کسی بود که انتخاب کرد تا پس از رستاخیز بر او ظاهر شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰:۱ الی ۲، ۱۱: الی ۱۸، انجیل مرقس ۱۶: ۱۱، انجیل لوقا ۲۴: ۱ الی ۱۰).

۱۹:۲۶ "آن شاگردی را که دوست می‌داشت" از آنجا که در انجیل از یوحنا نامی برده نشده است، بسیاری تصور می‌کنند که این یک شیوه معرفی خودش است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۲۳، ۱۹: ۲۶، ۲۱: ۷ و ۲۰). در هر یک از اینها او از اصطلاح *agapaō* استفاده می‌کند ولی در انجیل یوحنا ۲۰: ۲ از همان عبارت ولی با *phileō* استفاده می‌کند. در انجیل یوحنا این اصطلاحات مترادف هستند، ۳: ۳۵ *agapaō*، ۵: ۲۰ *phileō* را، زمانی که به محبت پدر به پسر اشاره می‌کند، با هم مقایسه کنید.

۱۹:۲۷ "از آن ساعت، آن شاگرد، او را به خانه خود برد" این الزاما بدین معنی نیست که بلافاصله یوحنا مریم را به خانه خود برد، هر چند می‌تواند دلالت بر این حقیقت داشته باشد که از وی در میان سایر زنان در انجیل متی ۲۷: ۵۶ و انجیل مرقس ۱۵: ۴۰ نامی برده نشده است. سنت می‌گوید که یوحنا مریم را تا زمان مرگ دوست داشت و سپس به آسیای صغیر (به خصوص افسس) جایی که او بشارت طولانی و موفق داشت، کوچ کرد. به خواست بزرگان افسس بود که یوحنا، به عنوان یک پیر مرد، خاطراتش را از زندگی عیسی بنویسد (یعنی انجیل یوحنا را).

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۹: ۲۸ الی ۳۰

<sup>۲۸</sup> آنگاه عیسی آگاه از اینکه همه چیز به انجام رسیده است، برای آنکه کتب مقدس تحقق یابد، گفت: "تشنه‌ام" <sup>۲۹</sup> در آنجا ظرفی بود پر از شراب ترشیده. پس اسفنجی آغشته به شراب بر شاخه‌ای از زوفا گذاشته، پیش دهان او بردند. <sup>۳۰</sup> چون عیسی شراب را چشید، گفت: "به انجام رسید". سپس سر خم کرد و روح خود را تسلیم نمود.

۱۹:۲۸ "آنگاه عیسی آگاه از اینکه همه چیز به انجام رسیده است، برای آنکه کتب مقدس تحقق یابد، گفت: "تشنه‌ام" مبهم است که کتب مقدس به "همه چیز به انجام رسیده است" اشاره می‌کند یا "من تشنه‌ام". اگر به شیوه سنتی بررسی کنیم، پس "من تشنه‌ام" اشاره به مزمور ۶۹: ۲۱ دارد.

۱۹:۲۹ "در آنجا ظرفی بود پر از شراب ترشیده بود" این یک شراب ارزان قیمت بود، شراب ترش. هم برای سربازان و هم برای مصلوبین بود. به آنان هر بار اندکی می‌دادند تا مدت زمان مصلوب بودن طولانیتر باشد.

■ "شراب ترشیده" منظور در واقع همان سرکه است که نوشیدنی مردم فقیر بود. توجه داشته باشید که عیسی شرابی را که زنان اورشلیم به او تعارف کرده بودند، قبول نکرد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۲۳، انجیل متی ۲۷: ۳۴). احتمالا دلیل اینکه عیسی این نوشیدنی را پذیرفت تحقق بخشیدن به مزمور ۲۲: ۱۵ بود. او بسیار آفتاب سوخته شده بود و حرف دیگری برای گفتن داشت.

■ "بر شاخه‌ای از زوفا" برخی این را به عنوان استفاده نمادین از یک گیاه خاص که برای مراسم پسخ استفاده می‌شد (مراجعه شود به خروج ۱۲: ۲۲) قلمداد می‌کنند. دیگران معتقدند که در نوشته‌های باستانی مفهوم این اصطلاح عوض شده و اساسا به معنی "صخره"، "زوبین"، و "عصا" می‌باشد (مراجعه شود به NEB ولی REB آن را به زوفا تغییر داده است). در انجیل متی ۲۷: ۴۸ و انجیل مرقس ۱۵: ۳۶ "نی" نوشته شده است.

علت بسیاری از این اختلاف نظرات در نسخ دستنویس این است که نی شاخه درازی ندارند (فقط حدود ۶۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر)، ولی این را هم باید به خاطر داشت که صلیبها زیاد از زمین بلند نمی‌شدند.

تصاویر سنتی ما از صلیب می‌توانند باعث درک نادرست انجیل یوحنا ۳: ۱۴ می‌شوند. احتمالا پاهای عیسی ۳۰ الی ۶۰ سانتیمتر از زمین فاصله داشتند.

۱۹:۳۰ "به انجام رسید" این زمان کامل مجهول اخباری دلالتی است. از سایر اناجیل درمی‌یابیم که او با صدای بلند فریاد می‌زند (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۵: ۳۷، انجیل لوقا ۲۳: ۴۶، انجیل متی ۲۷: ۵۰). این اشاره به کار رستگاری دارد که خاتمه یافته است. این حالت اصطلاح (*telos*) در زبان مصری پاپیری (Moulton and Milligan) یک اصطلاح تجاری به معنی "به صورت کامل پرداخت شد" است.

■ "سر خم کرد و روح خود را تسلیم نمود" عبارت "سر خم کرد" یک اصطلاح به معنی به خواب رفتن است. مرگ عیسی برای او لحظه آرامی بود. استنتاج این است که در مرگ روح فرد از جسم فیزیکی جدا می‌شود. به نظر می‌رسد که این بیان کننده حالت ترک بدن میان مرگ و روز رستاخیز باشد (مراجعه شود به دوم فرنتیان ۵، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳ الی ۱۸، به کتاب *The Bible On the Life Hereafter* اثر William Hendriksen مراجعه کنید).

انجیل مرقس ۱۵: ۳۷ و لوقا ۲۳: ۴۶ با یکدیگر در این رابطه همسو بوده می‌گویند "او نفس آخر را کشید". واژه عبری برای "روح" و "نفس" یکی است. نفس آخر او به شکل روحش بدنش را ترک کرد دیده می‌شود (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۷).

آن روز، روز 'تهیه' بود، و روز بعد، شَبَات بزرگ. از آنجا که سران یهود نمی خواستند اجساد تا روز بعد بر صلیب بماند، از پیلاتس خواستند تا ساق پاهای آن سه تن را بشکنند و اجسادشان را از صلیب پایین بیاورند.<sup>۳۲</sup> پس سربازان آمدند و ساق پاهای نخستین شخص و آن دیگر را که با عیسی بر صلیب شده بود، شکستند.<sup>۳۳</sup> اما چون به عیسی رسیدند و دیدند مرده است، ساقهای او را نشکستند.<sup>۳۴</sup> اما یکی از سربازان نیزه‌ای به پهلوی او فرو برد که در دم خون و آب از آن روان شد.<sup>۳۵</sup> آن که این را دید، شهادت می‌دهد تا شما نیز ایمان آورید. شهادت او راست است و او می‌داند که حقیقت را می‌گوید.<sup>۳۶</sup> اینها واقع شد تا کتب مقدس به حقیقت پیوندد که: "هیچ‌یک از استخوانهایش شکسته نخواهد شد"،<sup>۳۷</sup> و نیز بخشی دیگر از کتاب که می‌گوید: "بر آن که نیزه‌اش زدند، خواهند نگرست".

۱۹: ۳۱ "آن روز، روز 'تهیه' بود، و روز بعد، شَبَات بزرگ. از آنجا که سران یهود نمی خواستند اجساد تا روز بعد بر صلیب بماند" یهودیان بسیار نسبت به آلوده شدن مراسم و زمین توسط جسد، اهمیت می‌دادند (مراجعه شود به کتاب تثنیه ۲۱: ۲۳)، به خصوص در شبات پسخ در سرزمین مقدس.

■ "روز بعد، شَبَات بزرگ" این عبارت را به دو شیوه می‌توان تفسیر کرد:

۱. در این سال خاص، شبات و غذای پسخ با هم همزمان شده بودند (یهودیان از تقویم قمری استفاده می‌کردند)

۲. جشن نان مقدس و پسخ در این با هم همزمان شده بودند

جشن پسخ و نان (مراجعه شود به کتاب خروج ۱۲) یک جشن هشت روزه بودند.

■ "خواستند تا ساق پاهای آن سه تن را بشکنند و اجسادشان را از صلیب پایین بیاورند" ظاهرا این حالت قبلا پیش آمده بود. از یک پتک بزرگ برای شکستن پاهای کسانی که مصلوب شده بودند استفاده می‌شد. مصلوب شدن معمولا همراه با مرگ به وسیله آسیب دیدگی و جراحت بود. معمولا با شکسته شدن پاها این کار بلافاصله رخ می‌داد زیرا فرد نمی‌توانست از شدت درد پاهای خود را جمع کند و نفس بکشد.

۱۹: ۳۳ "اما چون به عیسی رسیدند و دیدند مرده است، ساقهای او را نشکستند" این می‌تواند تحقق نبوتی باشد که در خروج ۱۲: ۴۶، اعداد ۹: ۱۲ و مزمور ۳۴: ۲۰ در مورد آن گفته شده بود.

۱۹: ۳۴ "یکی از سربازان نیزه‌ای به پهلوی او فرو برد که در دم خون و آب از آن روان شد" این شهادت عینی پزشکی با جزئیات است که نشان می‌دهد او واقعا مرده بود و بخش انسان بودن عیسی مسیح را تأیید می‌کرد. انجیل یوحنا، و همچنین اول یوحنا در دورانی نوشته شدند که عرفانی در حال رشد بود که خدایی بودن عیسی را تأیید، ولی انسان بودن او را انکار می‌کرد.

۱۹: ۳۵ این آیه توضیحی از سوی یوحنا است، که تنها شاهد عینی بر تمامی رخدادهای (۱) شب محاکمه، (۲) محاکمه توسط رومیان، و (۳) مصلوب شدنش بود. این توضیح در مورد مرگ عیسی همسو با ۲۰: ۳۰ الی ۳۱ است که هدف بشارت انجیل را نشان می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۱: ۲۴). موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) را مطالعه کنید.

در مورد فعل آخرین جمله اختلافی در نسخه دستنویس انجیل وجود دارد. برخی متون زمان حال و برخی زمان آن‌وریستی را نشان می‌دهند. اگر در ابتدا زمان فعل آن‌وریستی بوده، تمرکز آن بر غیر مومنین بود، همانند ۲۰: ۳۰ الی ۳۱. با این وجود، اگر حال است تمرکز آن بر تداوم و بسط ایمان است. به نظر می‌رسد انجیل یوحنا بر هر دو گروه توجه دارد.

■ "حقیقت.... حقیقت" به موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ مراجعه کنید.

۱۹: ۳۶ این ممکن است اشاره‌ای به بره پسخ از کتاب خروج ۱۲: ۴۶، اعداد ۹: ۱۲ یا مزمور ۳۴: ۲۰ باشد بستگی به این دارد که به کدام عبارت اشاره می‌کند: (۱) سوارخ کردن یا (۲) شکستن. عیسی خودش کتب مقدس را در کلیسای اولیه در طول ۴۰ روزی که پس از رستاخیز بر زمین بود، نشان داد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۲۷، اعمال رسولان ۱: ۲ الی ۳). موعظه کلیسای اولیه (در اعمال رسولان) منعکس کننده تحقق نبوت‌های عهد عتیق است که عیسی آنها را نشان داد.

۱۹: ۳۷ این نقل قولی از زکریا ۱۲: ۱۰ است که یکی از بزرگترین وعده‌ها می‌باشد:

۱. روزی اسرائیل با ایمان به عیسی مسیح روی می‌آورد (مراجعه شود به مکاشفه ۱: ۷)

۲. بسیاری از یهودیان که ایمان آورده بودند برای عیسی عزاداری می‌کردند

۳. این اشاره به سربازان رومی دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۵۴) که معرف کفار و پیروان سایر ادیان بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۲).



جالب است که این نقل قول به صورت بدیهی از متن عبری مازراتی آمده، نه از انجیل یونانی که معمولاً توسط نگارندگان انجیل از آن نقل قول می‌شود. در کتاب مقدس یونانی "مسخره می‌کنند" ولی متن مازراتی "سوراخش می‌کنند" آمده است.

#### NASB: انجیل یوحنا ۱۹: ۳۸ الی ۴۲

آنگاه یوسف، اهل رامه، از پیلاطس اجازه خواست که جسد عیسی را بگیرد. یوسف از پیروان عیسی بود، اما در نهان، زیرا از یهودیان بیم داشت. پیلاطس به او اجازه داد. پس آمده، جسد عیسی را برگرفت. <sup>۳۹</sup> نیکودیموس نیز که پیشتر شبانه نزد عیسی رفته بود، آمد و با خود آمیخته‌ای از مر و عود به وزن یکصد لیترا آورد. <sup>۴۰</sup> پس آنها جسد عیسی را برگرفته، آن را به رسم تدفین یهود با عطریات در کفن پیچیدند. <sup>۴۱</sup> آنجا که عیسی بر صلیب شد، باغی بود و در آن باغ مقبره‌ای تازه وجود داشت که هنوز مرده‌ای در آن گذاشته نشده بود. <sup>۴۲</sup> پس چون روز 'تهیه' یهود بود و آن مقبره نیز نزدیک، جسد عیسی را در آن گذاشتند.

۱۹: ۳۸ الی ۳۹ "یوسف... نیکودیموس" این دو ثروتمند با نفوذ اعضای سانه‌درین و از پیروان پنهان عیسی بودند که در این زمان حساس و خطرناک خود را افشا کردند.

۱۹: ۳۹ "آمیخته‌ای از مر و عود به وزن یکصد لیترا آورد" این ماده سنتی معطر برای تدفین بود که یهودیان در قرن نخست از آن استفاده می‌کردند. این مقدار به نوعی زیاده روی است، بسیاری این را به عنوان نمادین برای عیسی به عنوان پادشاه تلقی می‌کنند (مراجعه شود به دوم قرن‌تیان ۱۶: ۱۴). موضوع خاص تدهین در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۱: ۲ را مطالعه کنید.

کلمه یونانی برای "آمیخته" (*migma*) در <sup>66</sup> P<sup>66</sup>, MSS, AR<sup>2</sup>, D, L دیده می‌شود و بسیاری از پدران کلیسا و نسخه‌های مختلف انجیل آن را به "بسته" (*eligma*) در <sup>4</sup> MSS, W, B و برخی نسخ قطبی تغییر دادند. <sup>4</sup> UBS به "آمیخته" رتبه B را می‌دهد (تقریباً یقین).

#### موضوع خاص: مراسم تدفین

#### SPECIAL TOPIC: BURIAL PRACTICES

##### A. بین‌النهرین

۱. تدفین مناسب برای زندگی پس از مرگ بسیار مهم بود، زیرا اغلب به عنوان ادامه این زندگی به آن نگاه می‌شد (موضوع خاص: مردگان کجا هستند؟ را مطالعه کنید)
۲. مثالی از نفرین بین‌النهرینی این بود که "زمین جسدت را نگیرد".

##### B. عهدعتیق

۱. تدفین مناسب بسیار مهم بود (مراجعه شود به امثال ۳: ۶).
۲. بسیار سریع انجام می‌شد (مراجعه شود به سارا در پیدایش ۲۳ و راشل در پیدایش ۳۵: ۱۹ و به تثنیه ۲۳: ۲۱ توجه کنید)
۳. تدفین نامناسب نشانی از ترد و گناه بود
  - a. تثنیه ۲۶: ۲۸
  - b. اشعیا ۲۰: ۱۴
  - c. ارمیا ۲: ۸، ۱۹: ۲۲
۴. در صورت امکان تدفین در مکانی در اطراف خانه و آرامگاه خانوادگی انجام می‌شد (مثلاً "با پدرانش آرمید").
۵. مومیایی انجام نمی‌شد، آنطور که در مصر انجام می‌شد. انسان از خاک آمده و باید به خاک بازگردد (پیدایش ۳: ۱۹، مزمور ۱۴: ۱۰۳، ۲۹: ۱۰۴). همچنین به موضوع خاص: مراسم ترحیم مراجعه کنید.
۶. در روحانیت یهود برقراری توازن میان ادای احترام مناسب و درخور و خاکسپاری با مفهوم نابودی آن در رابطه با جسد مرده بسیار مشکل بود.

##### C. عهد جدید

۱. تدفین خیلی سریع پس از مرگ انجام می‌شد، معمولاً ظرف ۲۴ ساعت. یهودیان اغلب برای سه روز به قبر نگاه می‌کردند، آنها اعتقاد داشتند که ممکن است طی یک دوره زمانی مشخص روح دوباره به بدن باز گردد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳۹: ۱۱).
۲. تدفین شامل شستن/تمیز کردن جسد و پیچیدن آن با ادویه‌جات معطر بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴۴: ۱۱، ۳۹: ۱۹ الی ۴۰).
۳. در فلسطین قرن اول، تمایز خاصی میان مراسم تدفین مسیحیان و یهودیان (یا چیزهایی که در قبر می‌گذارند) وجود نداشت

## موضوع خاص: خوشبو کننده هایی که برای تدفین استفاده میشدند

### (SPECIAL TOPIC: BURIAL SPICES)

A. مر، عطری از درختان عربی (BDB 600, KB 629). به *UBS, Fauna and Flora of the Bible*، صفحات ۱۴۷ و ۱۴۸ مراجعه شود)

۱. از این ماده ۱۲ مرتبه در عهد عتیق استفاده شده است، بیشتر در نوشته های عرفانی به عنوان عطر نام برده شده (مراجعه شود به مزمور ۴۵:۸، غزل غزلهای ۱:۱۳، ۴:۱۴، ۱:۵ و ۵)

۲. یکی از هدایایی بود که مگی برای عیسی نوزاد برده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲:۱۱)

۳. نمادگرایی آن قابل توجه است

a. در "روغن مقدس تدهین" از آن استفاده میشود (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۰:۲۳ الی ۲۵)

b. برای هدیه دادن به پادشاه استفاده شده است (انجیل متی ۲:۱۱)

c. از آن برای تدهین عیسی در موقع دفن استفاده شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹:۳۹، و به صورت نمادین در انجیل یوحنا ۱۱:۲). این کار بر اساس سنتهای یهودی که در تلمود توصیف شده انجام میشود (Berakoth 53a)

d. توسط زنان اورشلیم به مردان محکوم در راه مصلوب شدن داده میشد تا آن را بنوشند

B. الوئه، یک نوع چوب معطر (BDB 14 III, KB 19)

۱. مرتبط با عطرهاي خوشبو است (مراجعه شود به اعداد ۶:۲۴، مزمور ۸:۴۵، امثال ۱۷:۷، غزل غزلهای ۴:۱۴، به *UBS, Fauna and Flora of the Bible* صفحات ۹۰ و ۹۱ مراجعه شود).

۲. همراه با مر توسط مصریان در طی مراحل مومیایی کردن استفاده میشد.

۳. نيقوديموس مقدار زيادی از آن را با خود برد و عیسی را با آن تدهین کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹:۳۹). این کار بر اساس سنتهای یهودی که در تلمود توصیف شده انجام شد (Berakoth 6a)

۱۹: ۴۰ "پس آنها جسد عیسی را برگرفته، آن را به رسم تدفین یهود با عطریات در کفن پیچیدند" کفن کردن دو دلیل داشت: (۱) از بین بردن بود و (۲) مرتب و صاف نگاهداشتن جسد.

۱۹: ۴۱ "آنجا که عیسی بر صلیب شد، باغی بود و در آن باغ مقبره‌ای تازه وجود داشت" این مهم است که باید درک کنیم چرا نيقوديموس و يوسف با عجله کار می‌کردند. عیسی در ساعت ۳ بعد از ظهر مرد و باید تا ساعت ۶ بعد از ظهر در مقبره قرار می‌گرفت که شروع پسخ شبات یهود بود.

■ "در آن باغ مقبره‌ای تازه وجود داشت که هنوز مرده‌ای در آن گذاشته نشده بود" این یک وجه شرطی مجهول کامل است. از انجیل متی ۲۷: ۶۰ می‌دانیم که این قبر خود یوسف بود. این تحقق اشعیا ۵۳: ۹ بود که در انجیل متی ۲۷: ۵۷ نقل شده است.

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا سربازان عیسی را مسخره می‌کردند؟

۲. اهمیت تلاشهای مکرر پیلاتس در سعی بر آزاد ساختن عیسی چیست؟

۳. چرا بیانات کشیش یهودی در آیه ۱۵ بسیار حیرت انگیز است؟

۴. چرا جزئیات مصلوب شدن عیسی در انجیل مختلف متفاوت است؟

۵. چگونه کتاب تثنیه ۲۱: ۲۳ با مصلوب شدن عیسی رابطه دارد؟

## یوحنا ۲۰

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
قیام عیسی از مردگان ۱۰:۲۰ الی ۱۰	قبر خالی ۱۰:۲۰ الی ۱۰	قیام عیسی از مردگان ۱۰:۲۰ الی ۱۰	قبر خالی ۱۰:۲۰ الی ۱۰	قبر خالی ۱-۲۰ الی ۲ ۲۰:۳ الی ۱۰
ظهور عیسی بر مریم مجدلیه ۱۸:۲۰ الی ۱۱	مریم مجدلیه خدای برخاسته را می‌بیند ۱۸:۲۰ الی ۱۱	۱۸:۲۰ الی ۱۱	عیسی بر مریم مجدلیه ظاهر می‌شود ۲۰:۱۱ الی ۱۳ الف ۲۰:۱۳ ب ۲۰:۱۴ الی ۱۱۵ الف ۲۰:۱۵ ب ۲۰:۱۶ الف ۲۰:۱۶ ب ۲۰:۱۷ ۲۰:۱۸	ظاهر شدن بر مریم مجدلیه ۱۸:۲۰ الی ۱۱
ظاهر شدن عیسی بر شاگردان ۲۳:۱۹ الی ۲۳	به شاگردان ماموریت داده می‌شود ۲۳:۱۹ الی ۲۳	۲۳:۱۹ الی ۲۳	عیسی بر شاگردانش ظاهر می‌شود ۲۳:۱۹ الی ۲۳	ظهور عیسی بر شاگردان ۲۳:۱۹ الی ۲۳
عیسی و توما ۲۹:۲۴ الی ۲۹	دیدن و ایمان آوردن ۲۹:۲۴ الی ۲۹	۲۹:۲۴ الی ۲۹	عیسی و توما ۲۴:۲۵ الی الف ۲۵:۲۵ ب ۲۶:۲۷ الی ۲۶ ۲۸:۲۸ ۲۹:۲۹	۲۹:۲۴ الی ۲۹
هدف کتاب ۳۱:۳۰ الی ۳۱	که شاید ایمان آورید ۳۱:۳۰ الی ۳۱	۳۱:۳۰ الی ۳۱	هدف کتاب ۳۱:۳۰ الی ۳۱	نخستین جمع بندی ۳۱:۳۰ الی ۳۱

چرخه سوم مطالعه به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح‌القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندی‌های خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

مطالعه کلمه و عبارات

**NASB:** انجیل یوحنا ۱:۲۰ الی ۱۰

<sup>۱</sup>در نخستین روز هفته، سحرگاهان، هنگامی که هوا هنوز تاریک بود، مریم مجدلیه به مقبره آمد و دید که سنگ از برابر آن برداشته شده است. <sup>۲</sup>پس دوان دوان نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی دوستش می‌داشت، رفت و به آنان گفت: "سرورمان را از مقبره برده‌اند و

نمی‌دانیم کجا گذاشته‌اند".<sup>۳</sup> پس پطرس همراه با آن شاگرد دیگر بیرون آمده، به سوی مقبره روان شدند.<sup>۴</sup> و هر دو با هم می‌دویدند؛ اما آن شاگرد دیگر تندتر رفته، از پطرس پیش افتاد و نخست به مقبره رسید.<sup>۵</sup> پس خم شده، نگریست و دید که پارچه‌های کفن در آنجا هست، اما درون مقبره نرفت.<sup>۶</sup> شمعون پطرس نیز از پی او آمد و درون مقبره رفته، دید که پارچه‌های کفن در آنجا هست،<sup>۷</sup> اما دستمالی که گرد سر عیسی بسته بودند نه در کنار پارچه‌های کفن، بلکه جداگانه تا شده و در جایی دیگر گذاشته شده است.<sup>۸</sup> پس آن شاگرد دیگر نیز که نخست به مقبره رسیده بود، به درون آمد و دید و ایمان آورد.<sup>۹</sup> زیرا هنوز کتب مقدس را درک نکرده بودند که او باید از مردگان برخیزد.<sup>۱۰</sup> آنگاه آن دو شاگرد به خانه خود بازگشتند.

۲۰: ۱ "در نخستین روز هفته" این روز یکشنبه بود، اولین روز کاری پس از هفته شبات پسخ، وقتی که اولین میوه‌ها به معبد تقدیم می‌شدند. عیسی نخستین میوه از مردگان بود (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۵: ۲۳). ظهور عیسی در سه یکشنبه شب متوالی منجر به این شد که مسیحیان در روزهای یکشنبه عبادت کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ و ۲۶، انجیل لوقا ۲۴: ۳۶، اعمال رسولان ۲۰: ۷، اول قرن‌تین ۱۶: ۲).

■ "مریم مجدلیه" این یکی از زنانی بود که عیسی و شاگردان را همراهی می‌کردند. در جلیل عیسی چندین دیورا را از او بیرون رانده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۶: ۹ و انجیل لوقا ۸: ۲). او در زمان مصلوب شدن عیسی در آنجا حضور داشت. به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵ مراجعه کنید.

هر چند انجیل یوحنا مشخص نمی‌کند که مریم مجدلیه به چه منظوری آمده بود، ولی انجیل مرقس ۱۶: ۱ و انجیل لوقا ۸: ۲ می‌گویند که چندین زن (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۲) زودتر آمدند تا بدن و کفن عیسی را تدهین کرده و عطر بزنند. ظاهراً آنها از تدهین توسط یوسف و نیقودیموس اطلاع نداشتند و یا فکر می‌کردند باید کاملتر شود.

■ "هنگامی که هوا هنوز تاریک بود" ظاهراً او (مریم مجدلیه) و سایرین هنوز هوا تاریک بود که خانه را ترک کردند، ولی زمانی که رسیدند، سحر بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱، انجیل مرقس ۱۶: ۲).

■ "سنگ از برابر قبر برداشته شده است" این عبارت به مفهوم "توسط کسی به کناری گذاشته شده است" (ضمیر مفعولی مجهول کامل) می‌باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۲). به خاطر داشته باشید که برداشته شده بود تا بتوان به چشم داخل قبر را دید، نه اینکه اجازه داده شود که عیسی بیرون بیاید. او می‌دانست که بدن برخاسته از مرگ محدودیت‌های بدن زمینی را ندارد (یعنی ۲۰: ۱۹ و ۲۶).

■ "پس او دوان رفت" ظاهراً او قبر خالی را رها کرد تا به شاگردان اطلاع دهد که عیسی آنجا نبوده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۵).

■ "آن شاگرد دیگر که عیسی او را دوست داشت" این کلمه یونانی برای دوست داشتن *phileō* است که به مفهوم "دوست داشتن برادرانه" است. با این وجود، در زبان یونانی کوبین (۳۰۰ قبل از میلاد الی ۳۰۰ بعد از میلاد) به صورت مترادف با *agapaō* استفاده می‌شد. به نظر می‌رسد که شاگرد اشاره شده یوحنا، نویسنده انجیل باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۴ الی ۸، و ۱۳: ۲۳). در اینجا او با پطرس همراه است.

■ "سرورمان را از مقبره برده‌اند" این زمان آتوریست فعال اخباری دلالتی است (یعنی عمل به صورت کامل انجام شده است). عیسی رفته بود. از نظر مریم، "آنها" به رهبران یهود اشاره می‌کند. ظاهراً، شاگردان حاضر در اتاق طبقه بالا از قیام عیسی از مردگان حیرت زده شده بودند!

■ "ما" این شامل مریم مجدلیه، مریم مادر عیسی، سالومه، جوانا و سایر زنان می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱، انجیل مرقس ۱۶: ۱، انجیل لوقا ۲۴: ۱۰).

■ "اما آن شاگرد دیگر تندتر رفته، از پطرس پیش افتاد و نخست به مقبره رسید" احتمالاً یوحنا جوانترین شاگرد بود.

■ "خم شده" قبرهای آن دوران ورودی کوتاهی داشتند که حدود ۹۰ الی ۱۲۰ سانتیمتر بود. برای وارد شدن به غار/سوراخ باید شخص دولا می‌شد (انجیل یوحنا ۲۰: ۱۱).

■ "دید" این به مفهوم "نگاه انداختن" است. این به دلیل کنتراست میان نور صبح و تاریکی قبر است.

■ "پارچه‌های کفن در آنجا هست" اینکه کجا و چگونه پارچه کفن قرار گرفته بود، در متن یونانی مشخص نیست. اگر جسد دزدیده شده بود، کفن هم باید برده می‌شد زیرا عطر همانند چسب عمل می‌کرد!

■ "شمعون پطرس" سیمون/شمعون (سفاس) نام عبری (آرامی) او بود و پیتر (پطرس) نام یونانی او بود که عیسی برایش انتخاب کرده بود. در زبان یونانی این اسم به معنی "تخته سنگ" است (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۸). در زبان آرامی تفاوتی میان پطرس و پطرا وجود ندارد.

■ "دستمالی که گرد سر" صورت با دستمال جداگانه‌ای پیچیده می‌شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۴۴). این احتمال هست که این دستمال (۱) بر روی صورت قرار می‌گرفت، (۲) دور صورت پیچیده می‌شد (مراجعه شود به NJB) یا (۳) فک را محکم می‌بست (مراجعه شود به TEV).

■ "جداگانه تا شده و در جایی دیگر گذاشته شده است" این هم یک ضمیر مفعولی مجهول کامل دیگر است که دلالت بر توجه خاص کسی بر تا کردن آن دارد. ظاهراً این چیزی است که توجه یوحنا را به خود جلب کرده بود و ایمانش را تحریک کرده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۸).

۲۰: ۸ "دید و ایمان آورد" یوحنا شواهد فیزیکی را دید و ایمان آورد که عیسی زنده است! ایمان به رستاخیز و قیام از مردگان تبدیل به یک نکته الهیاتی حساس می‌شود

۱. رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳

۲. اول قرن‌تینان ۱۵

اول قرن‌تینان ۱۵: ۱۲ الی ۱۹ یک مثال خوب از عواقبی را بیان می‌کند که اگر عیسی از مردگان بر نمی‌خاست، چه می‌شد. رستاخیز عیسی تبدیل به محور حقیقت در مراسم روحانی اولیه در اعمال رسولان بنام گریگما (*Kerygma*) شد. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۳۹ را مطالعه کنید.

۲۰: ۹ "هنوز کتب مقدس را درک نکرده بودند" این هم یک توضیح دیگر توسط نگارنده است و می‌تواند به مزمور ۱۶: ۱۰ اشاره داشته باشد که پطرس در روز پنتیکاست در اعمال رسولان ۲: ۲۷ نقل می‌کند. با این وجود، می‌تواند به اشعیا ۵۳: ۱۰ الی ۱۲ یا هوشع ۶: ۲ هم اشاره داشته باشد. سانهدرین پیش‌گویی عیسی از رستاخیزش را درک کرده بودند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷: ۶۲ الی ۶۶)، در حالیکه شاگردانش درک نکرده بودند.

این آیه می‌تواند از نظر خداشناسی به عنوان مستحکم کننده این حقیقت که روح هنوز به صورت کامل بر شاگردان حلول نکرده بود، عمل کند. وقتی که روح حلول کند؛ به شاگردان کمک می‌کند که کلام و اعمال عیسی را درک کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۲، ۱۴: ۲۶).

۲۰: ۱۰ این می‌تواند به یکی از این معانی باشد: (۱) آنها به جلیل بازگشتند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۲، ۲۸: ۷ و ۱۰ و ۱۶، یوحنا ۲۱ آنها را در جلیل مشغول ماهیگیری (دید) یا (۲) آنها به اقامتگاه خود در اورشلیم بازگشتند. از آنجا که اتفاقات بعد از رستاخیز در اتاق طبقه بالا رخ می‌دهند، گزینه دوم محتملتر است.

#### NASB: انجیل یوحنا ۲۰: ۱۱ الی ۱۸

۱۱ و اما مریم، بیرون، نزدیک مقبره ایستاده بود و می‌گریست. او گریان خم شد تا به درون مقبره بنگرد. <sup>۱۲</sup> آنگاه دو فرشته را دید که جامه‌های سفید بر تن داشتند و آنجا که پیکر عیسی نهاده شده بود، یکی در جای سر و دیگری در جای پاهای او نشسته بودند. <sup>۱۳</sup> آنها به او گفتند: «ای زن، چرا گریانی؟» او پاسخ داد: «سرورم را برده‌اند و نمی‌دانم کجا گذاشته‌اند.» <sup>۱۴</sup> چون این را گفت، برگشت و عیسی را آنجا ایستاده دید، اما نشناخت. <sup>۱۵</sup> عیسی به او گفت: «ای زن، چرا گریانی؟ که را می‌جویی؟» مریم به گمان اینکه باغبان است، گفت: «سرورم، اگر تو او را برداشته‌ای، به من بگو کجا گذاشته‌ای تا بروم و او را برگیرم.» <sup>۱۶</sup> عیسی صدا زد: «ماری!» مریم روی به جانب او گرداند و به زبان عبرانیان گفت: «رَبَّوْنی!» (یعنی استاد). <sup>۱۷</sup> عیسی به او گفت: «بر من می‌آویز، زیرا هنوز نزد پدر صعود نکرده‌ام. بلکه نزد برادرانم برو و به آنها بگو که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما صعود می‌کنم.» <sup>۱۸</sup> مریم مجدلیه رفت و شاگردان را خبر داد که «خداوند را دیده‌ام!» و آنچه به او گفته بود، بدیشان بازگفت.

۲۰: ۱۱ "می‌گریست" این به مفهوم زاری کردن است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۳۱). این زمان غیر کامل است، که از تداوم عملی در زمان گذشته خبر می‌دهد. تدفین و عزاداری شرقی بسیار احساسی است و این از مشخصه‌های آن است.

۲۰: ۱۲ "دو فرشته" یوحنا و لوقا (۲۴: ۲۳) در مورد وجود دو فرشته با یکدیگر اتفاق نظر دارند. انجیل متی که معمولاً هر چیزی را دوتا بیان می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۲۸، ۹: ۲۷، ۲۰: ۳۰)، فقط یک فرشته را مطرح می‌کند. این مثالی از تفاوت‌های غیر قابل توضیح میان انجیل است.

اناجیل شهادت‌های عینی منتخب هستند که ترکیبی از گفته‌ها و کارهای عیسی می‌باشند که از زبان خودشان (تحت الهام) و با دید خداشناسی برای گروه‌های مخاطب خاص خود نقل می‌کنند. خوانندگان عصر حاضر اغلب سوالاتی مطرح می‌کنند مانند اینکه (۱) کدامیک از اناجیل از تاریخی دقیق و درست هستند، یا (۲) در جستجوی جزئیات تاریخی درباره یک رخداد یا آموزش‌های عیسی هستند تا آنچه که نویسندگان تحت الهام ثبت شده است. مفسرین ابتدا باید نیت اصلی نگارنده را بر اساس آنچه که در هر یک از اناجیل ثبت شده، درک نمایند. ما به جزئیات تاریخی دقیقتر برای درک انجیل نیاز نداریم.

■ "جامه سفید" دنیای معنوی یا موجودات روحانی با پوشیدن لباس سفید توصیف می‌گردند.

۱. ردای عیسی در زمان تغییر شکل - انجیل متی ۱۷: ۲، انجیل مرقس ۱۶: ۵، انجیل لوقا ۹: ۲۹

۲. فرشتگان در قبر - انجیل متی ۲۸: ۳، انجیل مرقس ۱۶: ۵، انجیل لوقا ۲۴: ۴، انجیل یوحنا ۲۰: ۱۲

۳. فرشتگان در زمان معراج - اعمال رسولان ۱: ۱۰

۴. قدیسان با عیسی جلال یافته - مکاشفه ۳: ۴ الی ۵ و ۱۸

۵. بزرگان (فرشتگان) اطراف بارگاه خدا - مکاشفه ۶: ۱۱

۶. شهیدان در راه خدا - مکاشفه ۶: ۱۱
۷. تمامی رستگارشندگان - مکاشفه ۷: ۹ و ۱۳ الی ۱۴ (مراجعه شود به دانیال ۱۲: ۱۰)
۸. ارتش فرشتگان در بهشت - مکاشفه ۱۹: ۱۴
۹. تصویر عهد عتیق برای بخشش - مزمور ۵۱: ۷، اشعیا ۱: ۱۸ (به صورت نمادین برای نشان دادن خلوص خدا، مراجعه شود به دانیال ۷: ۹)

۲۰: ۱۴ "عیسی را آنجا ایستاده دید، اما نشناخت" مریم مجدلیه عیسی را نشناخت. دلایل احتمالی بدین شرح هستند:

۱. اشک در چشمانش بود
  ۲. او از تاریکی به سمت نور نگاه می کرد
  ۳. ظاهر شدن عیسی به نوعی متفاوت بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۷ و انجیل لوقا ۲۴: ۱۶ و ۳۷)
- ۲۰: ۱۵ "سرورم" این کلمه معادل اصطلاح یونانی *Kurios* است. در اینجا به مفهوم غیر الهیاتی استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۲۱). می تواند به معنی "آقا"، "ارباب"، "سرور"، "شوهر" باشد. مریم تصور می کرد که (۱) با باغبان یا (۲) مالک باغ صحبت می کند. اما به کاربرد الهیاتی آن در انجیل یوحنا ۲۰: ۲۸ توجه کنید.

■ "اگر" این یک عبارت شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسندگان درست است. او تصور می کرد که کسی جسد را دزدیده است.

۲۰: ۱۶ "ماری..... زبونی" ماری همان مریم است. هر دو این اصطلاحات به زبان آرامی هستند (عبری یعنی آرامی، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲، ۱۹: ۱۳ و ۱۷ و ۲۰). ظاهراً عیسی او را به شیوه خاصی صدا کرد. او باید همین کار را با دو نفر دیگر هم که در جاده مسیر عمانوس دیده بود، کرده باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۳۰ الی ۳۱). حرف "ی" در انتهای "ربون" می تواند بیانگر "ربی من" یا "سرورم" یا "استادم" باشد.

### موضوع خاص: ظاهر شدنهای عیسی پس از رستاخیز

#### (SPECIAL TOPIC: JESUS' POST-RESURRECTION APPEARANCES)

عیسی برای تأیید قیامش، خود را به چندین نفر نشان داد

۱. زن در مقبره، انجیل متی ۲۸: ۹
۲. یازده شاگرد در گردهمایی در جلیل، انجیل متی ۲۸: ۱۶
۳. شمعون، انجیل لوقا ۲۴: ۳۴
۴. دو نفر در جاده به سمت عمانوس، انجیل لوقا ۲۴: ۱۵
۵. شاگردان در اتاق طبقه بالا، انجیل لوقا ۲۴: ۳۶
۶. مریم مجدلیه، انجیل یوحنا ۲۰: ۱۵
۷. ده شاگرد در اتاق طبقه بالا، انجیل یوحنا ۲۰: ۲۰
۸. یازده شاگرد در اتاق طبقه بالا، انجیل یوحنا ۲۰: ۲۶
۹. هفت شاگرد در کنار دریای جلیل، انجیل یوحنا ۲۱: ۱
۱۰. کیفا (پطرس)، اول قرن تیان ۱۵: ۵
۱۱. دوازده (شاگرد)، اول قرن تیان ۱۵: ۵
۱۲. ۵۰۰ نفر از برادران، اول قرن تیان ۱۵: ۶، همچنین انجیل متی ۲۸: ۱۶ و ۱۷
۱۳. یعقوب (از خانواده زمینی اش)، اول قرن تیان ۱۵: ۷
۱۴. تمامی شاگردان، اول قرن تیان ۱۵: ۷
۱۵. پولس، اول قرن تیان ۱۵: ۸ (اعمال رسولان ۹)

بدیهی است برخی از موارد فوق به یک نمایان شدن واحد اشاره دارند. عیسی می خواست آنان مطمئن شوند که او زنده است.

۱۷: ۲۰

NASB "بر من نچسب"

NKJV "به من نچسب"

NRSV "من را نگیر"

در KJV "به من دست نزن" آمده است. این زمان حال متوسط امری با ضمیر مفعولی منفی است که معمولاً به مفهوم "متوقف کردن عمل در حال انجام" می‌باشد. مریم او را بغل کرده و نگاه داشته بود! این هیچ مفهوم الهیاتی در مورد لمس کردن بدن عیسی قبل از معراج ندارد. در انجیل یوحنا ۲۰: ۲۷ عیسی به توما اجازه می‌دهد او را لمس کند و در انجیل متی ۲۸: ۹ به زن اجازه می‌دهد پاهای او را لمس کند.

■ "هنوز صعود نکرده‌ام" این زمان کامل فعال اخباری است. عیسی تا ۴۰ روز پس از رستاخیزش صعود نخواهد کرد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۹).  
■ "نزد برادرانم برو" خدای از میان مردگان برخاسته و جلال یافته این بزدلان را "برادران" می‌خواند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۲: ۵۰).

■ "من صعود می‌کنم" این زمان حال است. این اتفاق واقعا تا قبل از چهل روز که در میان آنها بود، رخ نخواهد داد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۵۰ الی ۵۲، اعمال رسولان ۱: ۲ الی ۳). یوحنا دائماً از این دوالیسم عمودی "بالا" و "پائین" استفاده می‌کند. عیسی از پدر است (از پیش وجود داشته است) و او به نزد پدر باز می‌گردد (جلال می‌یابد).

■ "نزد پدرم و پدر شما" عجب بیان فوق العاده‌ای. با این وجود، باید گفتدلالیت بر این ندارد که فرزندی مومنین همانند فرزندی عیسی است. او یگانه فرزند پدر است (انجیل یوحنا ۳: ۱۶)، تماماً خدا و تماماً انسان. مومنین فقط از طریق او تبدیل به اعضای یک خانواده می‌شوند. او هم خدا و سرور و هم برادر است!  
۱۸: ۲۰ مریم هم یک شاهد عینی است!

#### NASB: انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ الی ۲۳

۱۹ شامگاه همان روز، که نخستین روز هفته بود، آنگاه که شاگردان گرد هم بودند و درها از ترس یهودیان قفل بود، عیسی آمد و در میان ایشان ایستاد و گفت: "آرامش بر شما!"<sup>۲۰</sup> چون این را گفت، دستها و پهلوی خود را به آنان نشان داد. شاگردان با دیدن خداوند شادمان شدند.  
۲۱ عیسی باز به آنان گفت: "سلام بر شما! همان‌گونه که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم."<sup>۲۲</sup> چون این را گفت، دمید و فرمود: "روح القدس را بیایید. اگر گناهان کسی را ببخشایید، بر آنها بخشیده خواهد شد؛ و اگر گناهان کسی را نابخشوده بگذارید، نابخشوده خواهد ماند."<sup>۲۳</sup>

۱۹: ۲۰ "شامگاه همان روز" زمان یهود با طلوع و غروب خاتمه می‌یابد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۵)، که در اینجا حدود ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه بود.

■ "که نخستین روز هفته بود" یکشنبه نخستین روز کاری بود، همانند دوشنبه ما. این تبدیل به روز گردهمایی کلیسا برای قیام عیسی بود. او خودش این الگورا با سه بار ظاهر شدن در سه روز یکشنبه متوالی ایجاد کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ و ۲۶، انجیل لوقا ۲۴: ۳۶، اعمال رسولان ۲۰: ۷، اول قرنیتیان ۱: ۱۶).

مومنین نسل اول ملاقاتهای خود را در روزهای شنبه در کنیسه محلی و در روزهای عید در معبد برگزار می‌کردند. با این وجود، روحانیون "سوگند نفرینی" را صادر کردند که اعضای کنیسه باید عیسی را به عنوان مسیح انکار می‌کردند (پس از سال ۷۰ میلادی). در این مقطع مراسم روز شنبه متوقف شد ولی مومنین به گردهماییهای خود در روز یکشنبه که روز رستاخیز بود، برای یادبود عیسی، ادامه دادند.

■ "درها قفل بود" این وجه شرطی کامل مجهول است. حالت جمع دلالت بر این دارد که هم دربهای طبقه پائین و هم دربهای طبقه بالا قفل شده بودند. دلیل بیان این امر (۱) تاکید بر ظهور عیسی یا (۲) نشان دادن ترس از دستگیری بود.

■ "شاگردان" توما حاضر نبود. سایر شاگردان به اضافه یازده شاگرد عیسی حاضر بودند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۳۳).

■ "آرامش بر شما" این هیجان، و احتمالاً ترس آنها را نشان می‌دهد. عیسی به آنها وعده آرامش داده بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۷، ۱۶: ۳۳). احتمالاً منعکس کننده سلام عبری (*shalom*) است. عیسی این را سه مرتبه تکرار می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ و ۲۱ و ۲۶).

۲۰: ۲۰ "چون این را گفت، دستها و پهلوی خود را به آنان نشان داد" ظاهراً انجیل یوحنا به سوراخ پهلوی عیسی بیشتر از سایر انجیل توجه کرده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۷ و ۲۰: ۲۵). پاهای او ذکر نشده اند. فقط در انجیل لوقا ۲۴: ۳۹ و مزمور ۲۲: ۱۶ به آنها اشاره شده است. بدن جلال یافته عیسی حاوی نشانهای مصلوب شدن او بود (مراجعه شود به اول قرنیتیان ۱: ۲۳، غلاطیان ۳: ۱).

■ "خداوند" این عنوان به مفهوم کاملاً الهیاتی که در رابطه با یهوه در عهد عتیق است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳: ۱۴) اشاره دارد. به کار بردن عنوان عهد عتیقی برای خدا شیوه‌ای برای نگارندگان عهد جدید بود تا تماماً خدایی بودن عیسی را تصریح کنند. به موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا

۲۰: ۲۱ "همانگونه که پدر مرا فرستاد" این زمان کامل فعال اخباری دلالتی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۱۸). کلیسا یک تعهد الهی دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۷، اعمال رسولان ۱: ۸). مومنین به ماموریت قربانی شدن هم می‌روند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵، اول یوحنا ۳: ۱۶)/

عیسی از دو اصطلاح متفاوت برای فرستادن استفاده می‌کند که در انجیل یوحنا مترادف هستند. به وضوح می‌توان این را در فصل ۸ که *pempō* برای فرستاده شدن عیسی توسط پدر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۶ و ۱۸ و ۲۶ و ۲۹)، و *apostellō* در انجیل یوحنا ۸: ۴۲ استفاده شده است. همین امر در مورد فصلهای ۵ و ۶ هم درست است. موضوع خاص: فرستادن (*Apostellō*) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۵: ۲۴ را مطالعه کنید.

۲۰: ۲۲ "بر آنها دمید" این یک بازی کلمات با اصطلاح "نفس کشیدن" است. اصطلاح *rauch* در زبان عبری و *pneuma* در زبان یونانی به معنی "نفس"، "باد" و یا "روح" هستند. همین فعل در انجیل دستنویس یونانی Septaugint در مورد اقدامات خلقت خدا در پیدایش ۲: ۷ و احیا اسرائیل در حزقیال ۳۷: ۵ و ۹ استفاده شده است. ضمیر "آنها" اشاره به گروهی وسیعتر از شاگردان دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۳۳).

■ "روح‌القدس را بیابید" این زمان آتوریست فعال امری است. حال چگونه با آمدن روح در پنتیکاست ارتباط دارد، مشخص نیست. عیسی بر هر آنچه به شاگردان در اولین ظهورش وعده داده بود؛ عمل کرد. عبارت فوق اشاره به تجهیز کردن آنها توسط عیسی برای ماموریت بشارت جدید است همانطور که روح او را در زمان تعمیدش بر او حلول کرد.

این آیه در کلیسای اولیه در موقع نبرد بر سر این سوال که روح از جانب پدر می‌آید یا از جانب پدر و پسر مورد استفاده قرار می‌گرفت. در واقعیت هر سه این افراد تثلیث در تمامی اعمال رستگاری دخیل هستند.

در کتاب *A Theology of the New Testament* اثر جورج لاد تفسیر احتمالی این عبارت را خلاصه می‌کند:

"این عبارت مشکلاتی را در نور آمدن روح در پنتیکاست ایجاد می‌کند، که می‌تواند به یکی از این سه روش آن را حل کرد. یا یوحنا در مورد پنتیکاست اطلاع نداشت و این داستان را جایگزین کرد تا بر پنتیکاست یوحنایی تاثیر گذارد، یا در واقع دو هدیه روح وجود دارد، و یا دمیدن عیسی بر شاگردان یک عمل تمثیلی و نمادین برای آمدن واقعی روح در پنتیکاست است" (صفحه ۲۸۹).

پی‌نویس شماره ۲۴ (صفحه ۱۹۶۵) در انجیل NET تصریح می‌کند که این پیدایش ۲: ۷ (LXX) را بیاد می‌آورد. از آنجا که زندگی فیزیکی در کتاب پیدایش داده شد، زندگی جاودانی در عهد جدید داده می‌شود. این تاکید بر "نفس خدا" همسو با حزقیال ۳۷ است که پیهو به مردمش با نفس روح زندگی جدید می‌دهد.

۲۰: ۲۳ "اگر گناهان کسی را ببخشاید" اینها دو عبارت شرطی نوع سوم با یک حرف اضافه هستند که معمولاً در جملات شرطی نوع دوم استفاده می‌شوند. این شرط مرکب، احتمال افزایش هم کسانی که پیام خوش را پخش می‌کنند و هم کسانی که با ایمان به آن پاسخ می‌دهند، را می‌دهد. کسی که دانش خیر خوش را دارد آن را پخش می‌کند و کسی آن را می‌شنود و تصمیم می‌گیرد که آن را بپذیرد. هر دو جنبه لازم هستند. این آیه به روحانیون قدرت یا اختیار مطلق نمی‌دهد، بلکه قدرت جذاب زندگی بخشیدن به شهادتهای ایمان آوردندگان می‌دهد. این اختیار/قدرت در طول سفر ماموریتی هفتاد نفر در طول زندگی عیسی مشاهده شد.

■ "بر آنها بخشیده خواهد شد" این ساختار دستور زبانی یک جمله کامل مجهول اخباری است. بیان مجهول دلالت بر بخشش خداوند دارد، که به صورت کامل از طریق اعلان انجیل مهیا است. مومنین کلید پادشاهی را در اختیار دارند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۹) اگر از آن استفاده کنند. این وعده به کلیسا است، نه افراد. این امر از دیدگاه خداشناسی همانند "بستن... گشودن" در انجیل متی ۱۸: ۱۸ است.

#### NASB: انجیل متی ۲۰: ۲۴ الی ۲۵

۲۴: ۲۴ "هنگامی که عیسی آمد، توما، یکی از آن دوازده تن، که دوقلو نیز خوانده می‌شد، با ایشان نبود. پس دیگر شاگردان به او گفتند: "خداوند را دیده‌ایم!" اما او به ایشان گفت: "تا خود نشان می‌خه را در دستهایش نبینم و انگشت خود را بر جای می‌خه نگذارم و دست خویش را در سوراخ پهلویش ننهیم، ایمان نخواهم آورد".

۲۰: ۲۴ "هنگامی که عیسی آمد، توما، یکی از آن دوازده تن، که دوقلو نیز خوانده می‌شد، با ایشان نبود" دیدیموس در زبان یونانی یعنی "دوقلو" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶). اغلب مردم از این عبارت برای خطاب کردن توما به کسی که تردید دارد استفاده می‌کنند، ولی ۱۱: ۱۶ را به خاطر داشته باشید. توما بیش از هر کس دیگری در انجیل یوحنا ظاهر می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۱۶، ۱۴: ۵، ۲۰: ۲۴ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹، ۲۱: ۲).



۲۰:۲۵ "تا.... ایمان نخواهم آورد" در اینجا تا جمله شرطی نوع سوم است با قدرت منفی مضاعف. بدون دیدن و لمس کردن "من هرگز، به هیچ وجه ایمان نمی‌آورم". عیسی به این درخواست احترام می‌گذارد. عیسی با (۱) معجزاتش و (۲) پیش‌گوییهایش بر روی ایمان شاگردانش کار می‌کند. پیام عیسی به صورت بسیار ریشه‌ای جدید است، به آنها زمان می‌دهد تا تصریحات و دلالت‌های انجیل را درک تحلیل کنند.

■ "علائم" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید.

#### NASB: انجیل یوحنا ۲۰:۲۶ الی ۲۹

۲۶: پس از هشت روز، شاگردان عیسی باز در خانه بودند و توما با آنها بود. در آن حال که درها قفل بود، عیسی آمد و در میان ایشان ایستاد و گفت: "سلام بر شما!"<sup>۲۷</sup> آنگاه به توما گفت: «انگشت خود را اینجا بگذار و دستهایم را ببین، و دست خود را پیش آور و در سوراخ پهلویم بگذار و بی‌ایمان مباش، بلکه ایمان داشته باش".<sup>۲۸</sup> توما به او گفت: "خداوند من و خدای من!"<sup>۲۹</sup> عیسی گفت: "آیا چون مرا دیدی ایمان آوردی؟ خوشا به حال آنان که نادیده، ایمان آورند".

۲۰:۲۶ "پس از هشت روز" این یک اصطلاح عبری برای بیان یک هفته است. این هم یک یکشنبه دیگر بود. عیسی در اتاق طبقه بالا در سه یکشنبه شب متوالی بر شاگردانش ظاهر شد (احتمالاً در خانه یوحنا و مرقس) که این تبدیل بر روز عبادت مسیحیان گردید. به یادداشت مربوط به بخش انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ مراجعه کنید.

۲۰:۲۷ "و بی‌ایمان مباش، بلکه ایمان داشته باش" این زمان حال متوسط امری با ضمیر مفعولی منفی است که معمولاً به مفهوم متوقف کردن یک عمل در حال انجام می‌باشد. تمامی مومنین یک ترکیب عجیب از تردید و ایمان هستند!

۲۰:۲۸ اقرار توما می‌تواند از نگاه خداشناسی به آیه ۱۷ مرتبط باشد. اقرار توما ممکن است یک زمینه عهد عتیقی داشته باید که در آن هر زمان عنوان یهوه الوهیم (*Elohim* - یعنی کتاب پیدایش ۲: ۴) با همدیگر گفته می‌شوند، این اسم به "خدای سرور" ترجمه می‌گردد. عیسی به صورت کامل این تصریح حیرت‌انگیز خدایی بودنش را می‌پذیرد. در فصل ۱، آیه ۱، انجیل یوحنا خدایی بودن عیسی ناصری تصریح می‌شود.

عیسی خدایی بودنش را بارها در انجیل یوحنا تصریح می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۵۸، ۱۰: ۱۰، ۳۰: ۱۴، ۹: ۲۰، ۲۸) و نگارنده خدایی بودن او را در ۱: ۱ و ۱۴ الی ۱۸، ۵: ۱۸ تصریح می‌کند. سایر نگارندگان دیگر اناجیل هم به وضوح خدایی بودن عیسی را تصریح می‌کنند (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۰: ۲۸، رومیان ۹: ۵، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۷، دوم تسالونیکیان ۱: ۱۲، تیتوس ۲: ۱۳، عبرانیان ۱: ۸، دوم پطرس ۱: ۱ و ۱۱، اول یوحنا ۵: ۲۰).

۲۰:۲۹ این عبارت آغازین می‌تواند یک جمله خبری و یا یک سوال باشد که پاسخ آن "بله" است. ساختار دستور زبانی آن مبهم است.

#### NASB: انجیل یوحنا ۲۰:۳۰ الی ۳۱

۳۰: عیسی معجزات بسیار دیگر در حضور شاگردان به ظهور رسانید که در این کتاب نوشته نشده است.<sup>۳۱</sup> اما اینها نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی همان مسیح، پسر خداست، و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید.

۲۰:۳۰ آیات ۳۰ الی ۳۱ مشخصاً موضوع و هدف انجیل هستند. این یک تراکت بشارتی است! نویسندگان اناجیل، تحت الهام، این حق را داشتند تا با توانایی داده شده از سوی خدا به آنان اعمال و بیانات عیسی را انتخاب و مرتب کرده، آنها را مطابقت داده و یا خلاصه کنند تا بتوانند به راحتی با مخاطبین منتخب، یهودیان، رومیان و کفار و پیروان سایر ادیان ارتباط برقرار کنند و حقیقت بزرگ عیسی را به آنان بشارت دهند. عهد جدید تلمود مسیحی نیست.

کارل اف هنری، در مقدمه *The Authority and Inspiration of the Bible* در کتاب *The Expositor's Bible Commentary* جلد اول می‌گوید:

"اعم از اینکه با خلقت سرو کار داشته باشد یا تاریخ رستگاری باشد که به آن تولد دوباره هم اضافه شده باشد، انجیل هدفش ارائه زمان و تاریخ رخدادها نیست. ولی هدف بیان شده نوشته‌های انجیلی ارائه هر آنچه انسان برای نجات و رستگاری و اطاعت از خالقش لازم دارد و کفایت می‌کند، است. هر چند، گاهی اوقات، نویسندگان اناجیل به فردی که کارهای خدا را برای نجات بشر انجام می‌دهد، از زوایای مختلف و برای اهداف مختلف می‌نگرند، آنچه به ما می‌گویند قابل اعتماد و کفایت کننده است. انجیل متی بیشتر از ترتیب زمانی بشارت بر اساس ترتیب موضوعی و برای ارائه راهنمایی برای خدمت پیروی می‌کند. انجیل لوقا بیشتر موادی را که در انجیل مرقس دیده می‌شوند حذف و بر ترتیب موادی که دکنترین مذهبی را اصلاح می‌کند تمرکز دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴). یوحنا به وضوح بر مسائل منتخب در چهارمین انجیل به صورت ریشه‌ای دست می‌گذارد (۲۰: ۳۰ و ۳۱)" (صفحات ۲۷ و ۲۸).

■ "معجزات بسیار دیگر در حضور شاگردان به ظهور رسانید" این "معجزات" را می‌توان به شیوه‌های مختلف درک کرد:

۱. معجزاتی که نشان می‌دادند او واقعاً زنده است

a. دست زدن به زخمهایش

- b. با آنها غذا خوردن (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۴۳)
۲. معجزات خاص ثبت نشده‌ای که در اتاق طبقه بالا در حضور آنان انجام گرفتند
۳. اشاره به کارهایی که در طول زندگی انجام داد (تمرکز بر گذشته) و آماده کردن آنها برای ثبت و نگارش اناجیل (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ الی ۴۸)

۳۱:۲۰

**NASB, NKJV, TEV, NJB** "که شاید ایمان آورید"  
**NRSV** "باشد که ایمان آورید"

در برخی نسخ دستنویس اولیه یونانی، P<sup>66</sup>، B، و متون یونانی که توسط اورینگن مورد استفاده قرار می‌گرفت، وجه شرطی حال قید شده است، و دلالت بر این دارد که انجیل یوحنا برای تشویق کردن مومنین بر تداوم ایمان نوشته شده است.

در سایر نسخ یونانی (یعنی A<sup>2</sup>, C, D, L, N, W) وجه شرطی آتوریست قید شده، که دلالت بر این دارد که انجیل یوحنا برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند نوشته شده است. UBS<sup>4</sup> به متونی که در آنها زمان آتوریست استفاده شده رتبه C می‌دهد و معنی آن این است که به سختی می‌توان تصمیم‌گیری کرد. این آیه بیان‌کننده هدف انجیل است. انجیل یوحنا همانند سایر اناجیل، یک تراکت بشارتی است.

■ "مسیح" این ترجمه یونانی از کلمه عبری "مسیح" است که مفهومش "آن تدهین شده" می‌باشد. او از نوادگان عهد عتیقی داوود بود که نبوت او برقراری عصر عدالت و راستی بود. عیسی ناصری (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۵) مسیح یهود است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷).

این اسم برای عیسی را در انجیل قبلا دیده‌ایم (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۱: ۲۷). با این وجود، عنوان ارباب/Lord و نه مسیح در متون کفار در مورد عیسی استفاده شده است (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳، فیلیپیان ۲: ۹ الی ۱۱).

مفهوم مسیح دلالت‌های اسکاتولوژیک دارد: (۱) برای فرسیسان انتظارات سیاسی و ملی و (۲) در نوشته‌های یهودی مربوط به آخر زمان انتظارات جهانی و آسمانی دارد.

■ "پسر خدا" در سایر اناجیل این عنوان به صورت پراکنده مورد استفاده قرار گرفته است (احتمالا به دلیل درک نادرست آن توسط کفار)، ولی در انجیل یوحنا استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۳۴ و ۴۹). این شیوه منحصر به فرد یوحنا برای تصریح رابطه عیسی با پدر بود (استفاده از *huios*) و یوحنا از این استعاره آشنا به شیوه‌های مختلف استفاده کرده است:

۱. به صورت یک عنوان یا لقب
۲. در رابطه با تنها زاده شده (*monogenēs*)، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۳: ۱۶، اول یوحنا ۴: ۹
۳. ذکر آن در زمانی که از عنوان "پدر" استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۱۷)

**سوالاتی برای بحث**

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چه کسی وارد قبر شد؟ کی؟ چرا؟
۲. چرا شاگردان انتظار قیام از مردگان را نداشتند؟ آیا کسی انتظار آن را داشت؟
۳. چرا مریم عیسی را نشناخت؟
۴. چرا عیسی به مریم گفت که به او نچسبید؟
۵. با کلمات خود آیات ۲۲ الی ۲۳ را توضیح دهید.
۶. آیا منصفانه است که توما، سست ایمان خوانده شود؟
۷. کلمه ایمان را آن طور که در روزگار عیسی درک می‌شد و نه امروز توصیف کنید

## یوحنا ۲۱

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
ظاهر شدن عیسی بر هفت تن از شاگردان ۲۱: ۱ الی ۳	صبحانه کنار دریا ۲۱: ۱ الی ۳	خاتمه ۲۱: ۱ الی ۳ ۲۱: ۴ الی ۸	عیسی بر هفت شاگرد ظاهر می‌شود ۲۱: ۱ الی ۳ الف ۲۱: ۳ الی ۵ الف ۲۱: ۵ ب ۲۱: ۶ ۲۱: ۷ الی ۱۰ ۲۱: ۹ الی ۱۴ ۲۱: ۱۱ الی ۱۴	ظاهر شدن در ساحل تیریه ۲۱: ۱ الی ۳ ۲۱: ۴ الی ۸ ۲۱: ۹ الی ۱۴
عیسی و پطرس ۲۱: ۱۵ الی ۱۹	عیسی پطرس را باز می‌گرداند ۲۱: ۱۵ الی ۱۹	۲۱: ۱۵ الی ۱۹	عیسی و پطرس ۲۱: ۱۵ الف ۲۱: ۱۵ ب ۲۱: ۱۵ پ الی ۱۶ الف ۲۱: ۱۶ ب ۲۱: ۱۶ پ الی ۱۷ الف ۲۱: ۱۷ ب ۲۱: ۱۷ پ الی ۱۹	۲۱: ۱۵ الی ۱۹
عیسی و آن شاگرد محبوبش ۲۱: ۲۰ الی ۲۳ ۲۱: ۲۴ ۲۱: ۲۵	آن شاگرد محبوب و انجیل او ۲۱: ۲۰ الی ۲۵	۲۱: ۲۰ الی ۲۳ ۲۱: ۲۴ الی ۲۵	عیسی و سایر شاگردان ۲۱: ۲۰ الی ۲۱ ۲۱: ۲۲ ۲۱: ۲۳ ۲۱: ۲۴ جمع بندی ۲۱: ۲۵	۲۱: ۲۰ الی ۲۳ جمع بندی دوم ۲۱: ۲۴ ۲۱: ۲۵

چرخه سوم مطالعه به سمینار تفسیر انجیل رجوع شود

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندی‌های خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف و غیره

## بینش مفهومی نسبت به آیات ۱ الی ۲۵

- A. بحثهای زیادی در مورد فصل ۲۱ وجود دارد که آیا این یک فصل اضافه شده است یا نه زیرا به نظر می‌رسد که انجیل یوحنا در ۲۰: ۳۱ به پایان می‌رسد. با این وجود، هیچ نسخه دستنویس یونانی وجود ندارد که فصل ۲۱ از آن حذف شده باشد.
- B. در مورد آیه ۲۵ اغلب این طور تصور می‌شود که بعداً اضافه شده باشد زیرا در برخی دستنویسها انجیل یوحنا ۷: ۵۳ الی ۸: ۱۱ بعد از آیه ۲۴ اضافه شده است. همچنین در نسخه دستنویس *Sinaiticus*، آیه ۲۵ حذف شده است و باید برگشت و نشانه گذاریها را از آن حذف کرد تا بتوان آیه ۲۵ را اضافه کرد.
- C. هر چند فصل ۲۱ بخش مرتبطی از انجیل یوحنا نیست، اما بطور یقین گفته‌های خود یوحنا است. این فصل به دو سوال کلیسای اولیه پاسخ می‌دهد:

۱. آیا پطرس مجدداً منصوب شد؟
۲. داستان مربوط به طول عمر یوحنا چیست؟

## مطالعه کلمه و عبارات

### NASB: انجیل یوحنا ۲۱: ۱ الی ۳

۱ پس از این وقایع، عیسی بار دیگر خود را در کنار دریاچه تِبریه بر شاگردان نمایان ساخت. او این چنین نمایان گشت: <sup>۲</sup> روزی شمعون پطرس، توما معروف به دوقلو، تثنائیل از مردمان قانای جلیل، پسران زبیدی و دو شاگرد دیگر با هم بودند. <sup>۳</sup> شمعون پطرس به آنها گفت: «من به صید ماهی می‌روم.» آنها گفتند: «ما نیز با تو می‌آییم.» پس بیرون رفته، سوار قایق شدند. اما در آن شب چیزی صید نکردند.

۲۱: ۱ "دریاچه تِبریه" تِبریه مقرر فرماندهی رومیان در جلیل بود. به این دریاچه، "دریاچه جلیل" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۱) یا "دریاچه جنیسارت" (مراجعه شود به انجیل متی ۱۴: ۳۴، انجیل مرقس ۶: ۳۵، انجیل لوقا ۵: ۱) و در عهد عتیق "دریاچه کنرت" (مراجعه شود به اعداد ۳۴: ۱۱، تثنیه ۳: ۱۷، یوسع ۱۱: ۲، ۱۲: ۳، ۱۳: ۲۷، ۱۹: ۳۵، اول پادشاهان ۱۵: ۲۰) هم گفته می‌شود.

- "او این چنین نمایان گشت" این فعل به مفهوم "به طور کامل و یا به وضوح نشان دادن" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۱، ۲: ۱۱، ۷: ۴، ۹: ۳، اول یوحنا ۱: ۲، ۲: ۲۸، ۳: ۲، ۴: ۹). در انجیل متی گردهمایی در جلیل است که در کوه صورت می‌گیرد (مراجعه شود به ۲۶: ۳۲، ۲۸: ۷ و ۱۰ و ۱۶). در انجیل یوحنا عیسی خود را در کنار دریاچه تِبریه نمایان ساخت. در این مواجهه، عیسی بر روی دو سوال که کلیسای اولیه به آنها علاقمند بود تمرکز می‌کند:

  ۱. آیا پطرس مجدداً به عنوان رهبر گمارده شد؟
  ۲. این افسانه که یوحنا تا قبل از بازگشت عیسی نخواهد مرد چیست؟

۲۱: ۲ "شمعون پطرس، توما معروف به دوقلو، تثنائیل از مردمان قانای جلیل، پسران زبیدی و دو شاگرد دیگر با هم بودند" موضوع خاص: اسامی شاگردان در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۴۵ مراجعه کنید. ظاهراً هفت نفر از یازده شاگرد به ماهیگیری مشغول شده بودند.

■ "فرزندان زبیدی" این اشاره به جیمز یا یعقوب و یوحنا (جانان، مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۲۱) دارد. نه از یعقوب و نه از یوحنا در انجیل یوحنا نامی برده نشده است.

۲۱: ۳ "شمعون پطرس به آنها گفت: «من به صید ماهی می‌روم.»" این زمان حال است. نظریات زیادی در مورد این سفر ماهیگیری وجود دارد.

۱. این سفر تفریحی برای گذراندن وقت تا زمان ملاقات با عیسی بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۲، ۲۸: ۷ و ۱۰)
۲. برای پول درآوردن بود
۳. بازگشت پطرس به شغل ماهیگیری بود

این فصل بسیار شبیه انجیل یوحنا ۵ است.

■ "در آن شب چیزی صید نکردند" توجه کنید که افراد که قدرت درمان بیماران و بیرون راندن دیوها را داشتند، قدرت معجزه کردن در تمامی اوقات را نداشتند. این فعل در هیچ جای دیگر در عهد جدید برای ماهیگیری استفاده نشده است. معمولاً از این فعل برای دستگیری کسی استفاده می‌شود.

### NASB: انجیل یوحنا ۲۱: ۴ الی ۸

۴ سحرگهان، عیسی در کنار ساحل ایستاد؛ اما شاگردان دریافتند که عیسی است. <sup>۵</sup> او به آنها گفت: «ای فرزندان، ماهی برای خوردن ندارید؟» پاسخ دادند: "نه!" <sup>۶</sup> گفت: "تور را به جانب راست قایق بیندازید که خواهید یافت." ایشان چنین کردند و از فراوانی ماهی قادر نبودند تور را به درون قایق بکشند. <sup>۷</sup> شاگردی که عیسی دوستش می‌داشت، به پطرس گفت: «سرورمان است!» شمعون پطرس چون شنید که خداوند

است، در دم جامه خود را گرد خویش پیچید - زیرا آن را از تن به در آورده بود - و خود را به دریا افکند. اما دیگر شاگردان با قایق آمدند، در حالی که تور پر از ماهی را با خود می کشیدند، زیرا فاصله آنها با ساحل فقط دویست ذراع بود.

۲۱: ۴ "اما شاگردان دریافتند که عیسی است" نظریات زیادی در مورد علت ناتوانی شاگردان در خصوص شناسایی عیسی وجود دارد.

۱. بسیار تاریک بود
۲. فاصله او خیلی زیاد بود
۳. آنها خیلی خسته بودند
۴. عیسی کمی متفاوت به نظر می رسید (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۱: ۱۲، انجیل متی ۲۸: ۱۶ الی ۱۷، انجیل لوقا ۲۴: ۱۳)
۵. توسط خدا منع شده بودند که بتوانند او را شناسایی کنند (مراجعه شود به انجیل لوقا ۲۴: ۱۶)

۲۱: ۵ "فرزندان" این کلمه به صورت استعاره ای استفاده شده است. دو اصطلاح به صورت متداول برای "بچه های کوچک" در عهد جدید استفاده شده است. این یکی (*paidion*) کمتر استفاده شده و از دیگری (*teknon*) که به صورت متداول در انجیل یوحنا و اول یوحنا استفاده می شود متفاوت است. این اصطلاح در انجیل فقط در یوحنا ۴: ۴۹، ۱۶: ۲۱ و در اینجا استفاده شده است. این اصطلاحات به نظر می رسند به صورت مترادف در اول یوحنا و *paidion* در ۲: ۱۳ و ۱۸ استفاده شده باشند ولی *Teknon* در یوحنا ۲: ۱ و ۱۲ و ۲۸ استفاده شده است.

■ "ماهی برای خوردن ندارد" اصطلاح ماهی (*proshagion*) در واقع به مفهوم هر نوع خوردنی با نان است، ولی در این متن "ماهی" مصداق دارد. این سوال انتظار پاسخ "نه" را دارد.

۲۱: ۶ عیسی به همان شیوه ای با آنها برخورد کرد که نخستین بار آنها را صدا کرده بود، انجیل لوقا ۵: ۱ الی ۱۱. به عنوان مشخصه این فصل، (به یادداشت مربوط به انجیل یوحنا ۲۱: ۱۵ مراجعه کنید) دو اصطلاح متفاوت یونانی برای قایق استفاده شده است، *ploion* در انجیل یوحنا ۲۱: ۳ و ۶ و *plouaron* (قایق کوچک) در انجیل یوحنا ۲۱: ۸. یوحنا این تنوع مفهومی را چندین مرتبه در این فصل نشان می دهد.

۲۱: ۷ "شاگردی که عیسی دوستش می داشت" این اشاره به نگارنده انجیل، یوحنا شاگرد دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۲۳، ۲۰: ۲ و ۳ و ۸، ۲۱: ۲۰). یوحنا هرگز اسمش را در انجیل نیاورده است.

NASB	"او جامه بیرونی خود را پوشید (زیرا برای کار کردن آن را درآورده بود)"
NKJV	"لباس بیرونیش را پوشید (زیرا آن را درآورده بود)"
NRSV	"لباسی پوشید زیرا برهنه بود"
TEV	"لباس بیرونیش را دورش پیچید (زیرا لباسش را درآورده بود)"
NJB	"پطرس لباس بیرونیش را دورش پیچید (زیرا چیزی بر تن نداشت)"

در فلسطین قرن نخست مردم ردای بلندی را بر روی زیر جامه برتن می کردند که لباس بیرونی بود و لباس زیر را به صورت کامل می پوشاند. پطرس ردای بیرونش را درآورده بود و لباس زیرش را تا کمر پائین کشیده بود.

■ "سرورمان است" اصطلاح *kurios* کلمه یونانی است به معنی "استاد"، "آقا"، "ارباب"، "مالک" یا "سرور". در برخی متون این اصطلاح به بیان ساده برای نشان دادن احترام به کار می رود، ولی در اینجا و در مفهوم خداشناسی، برای تصریح الهی بودن عیسی استفاده شده است. در این متن ماهیگیران این فرد را در ساحل به عنوان سرور قیام کرده و جلال یافته شناختند.

مبدا ترجمه از استفاده آن در عهد عتیق می آید، جایی که بیهوه به عنوان سرور ترجمه شده است. از آنجا که یهودیان از بر زبان آوردن نام خدا می ترسیدند، آن را جایگزین با کلمه *Adonai* کردند که به *kurios* اشاره می کند. موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۶: ۲۰ را مطالعه کنید.

سرور اصطلاحی است که در فیلیپیان ۲: ۹ الی ۱۱ بالاتر از هر اسم دیگری است. این بخشی از مراسم اقرار و تعمید کلیسای اولیه بود: "عیسی سرورم است" (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳).

۲۱: ۸ "دیگر شاگردان" ظاهراً تمامی اعضای حلقه داخلی شاگردان همراه پطرس و یوحنا برای کسب معاش و پول درآوردن به ماهیگیری رفته بودند (آنها دیگر نمی توانستند به زنی که همراه با عیسی مسافرت می کرد اتکا کنند).

■ "تور پر از ماهی" حتی در زمان دیر وقت عیسی هنوز بر روی این سه موضوع کار می کرد:

۱. ساختن ایمان آنان
۲. تامین نیازهایشان

**NASB: انجیل یوحنا ۲۱: ۹ الی ۱۴**

۹ چون به ساحل رسیدند، دیدند آتشی با زغال افروخته است و ماهی بر آن نهاده شده، و نان نیز هست. ۱۰ عیسی به ایشان گفت: "از آن ماهیها که هم‌اکنون گرفتید، بیاورید." ۱۱ شمعون پطرس به درون قایق رفت و تور را به ساحل کشید. توڑ پر از ماهیهای بزرگ بود، به تعداد صد و پنجاه و سه ماهی. و با اینکه شمار ماهیها بدین حد زیاد بود، تور پاره نشد. ۱۲ عیسی به ایشان گفت: «بیاوید صبحانه بخورید.» هیچ‌یک از شاگردان جرأت نکرد از او بپرسد، «تو کیستی؟» زیرا می‌دانستند که خداوند است. ۱۳ عیسی پیش آمده، نان را برگرفت و به آنها داد، و نیز ماهی را. ۱۴ این سوّمین بار بود که عیسی پس از برخاستن از مردگان بر شاگردان خویش نمایان می‌شد.

۹: ۲۱ "آتشی با زغال افروخته است و ماهی بر آن نهاده شده، و نان نیز هست" هدف این صبحانه زود هنگام برای دوستی و برای تفکر در الهیات است. دلالت‌های خداشناسی بدین شرح هستند:

۱. این بخش در رابطه با انکار پطرس و نمایش آن به صورت یک هیزم سوزان دیگر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۸) است. این اصطلاح در بخش‌های مختلف دیده می‌شود.

۲. انجیل یوحنا و اول یوحنا برای مبارزه با کفر که حقیقت انسان در عیسی، مسیح را انکار می‌کند، می‌باشد. عیسی با آنها غذا خورد.

۱۰: ۲۱ دو اصطلاح متفاوت برای ماهی در این پاراگراف وجود دارد. (۱) در یوحنا ۲۱: ۹ و ۱۰ و ۱۳ این اصطلاح *opsarion* یعنی ماهی کوچک و (۲) در یوحنا ۲۱: ۶ و ۸ و ۱۱ اصطلاح *ichthus* به معنی ماهی بزرگ می‌باشد. به نظر می‌رسد در این متن هر دو قابل جایگزینی با یکدیگر می‌باشند.

۱۱: ۲۱ "صد و پنجاه و یک" به نظر می‌رسد این عدد هیچ اهمیتی در متن نداشته باشد، فقط یک شهادت عینی است. با این وجود، گرایش نامناسب کلیسای اولیه بر تمثیل بودن تمامی اعداد معتقد است که این آیه به یکی از معانی زیر است:

۱. سایرل می‌گوید که ۱۰۰ نماینده کفار، ۵۰ برای یهودیان و ۳ برای تثلیث است.
۲. آگوستین تصریح می‌کند که این عدد اشاره به ۱۰ فرمان و هفت برکت روح که برابر با عدد هفده است، می‌کند. اگر اعداد ۱، ۲، ۳، ۴ الی ۱۷ را با یکدیگر جمع کنیم، حاصل عدد ۱۵۳ می‌شود. آگوستین می‌گوید این اعداد از طریق قوانین و شریعت به عیسی منتقل گردیدند.
۳. جروم می‌گوید ۱۵۳ نوع مختلف ماهی وجود دارند، بنابراین، به صورت نمادین این عدد معرف تمامی مللی است که به عیسی ایمان می‌آورند. این روش مجازی تفسیر از هوش مفسرین سخن می‌گوید نه از قصد اولیه نویسنده تحت الهام.

■ "و با اینکه شمار ماهیها بدین حد زیاد بود، تور پاره نشد" این یا یک شهادت عینی معمولی با جزئیات است و یا بیان یک معجزه.

۱۴: ۲۱ "این سوّمین بار بود که عیسی پس از برخاستن از مردگان بر شاگردان خویش نمایان می‌شد" این اشاره به دو مرتبه‌ای است که در فصل ۲۰ بر شاگردان نمایان شد و این مرتبه هم به آنها اضافه می‌شود.

**NASB: انجیل یوحنا ۲۱: ۱۵ الی ۱۹**

۱۵ پس از صبحانه، عیسی از شمعون پطرس پرسید: "ای شمعون، پسر یوحنا، آیا مرا بیش از اینها محبت می‌کنی؟" او پاسخ داد: "بله سرورم؛ تو می‌دانی که دوستت می‌دارم." عیسی به او گفت: "از بره‌های من مراقبت کن." ۱۶ بار دوّم عیسی از او پرسید: "ای شمعون، پسر یوحنا، آیا مرا محبت می‌کنی؟" پاسخ داد: "بله سرورم؛ می‌دانی که دوستت می‌دارم." عیسی گفت: "گوسفندان مرا شبانی کن." ۱۷ بار سوّم عیسی به او گفت: "ای شمعون، پسر یوحنا، آیا مرا دوست می‌داری؟" پطرس از اینکه عیسی سه بار از او پرسید، "آیا مرا دوست می‌داری؟" آزرده شد و پاسخ داد: "سرورم، تو از همه چیز آگاهی؛ تو می‌دانی که دوستت می‌دارم." عیسی گفت: "از گوسفندان من مراقبت کن. ۱۸ آمین، آمین، به تو می‌گویم، زمانی که جوانتر بودی کمر خویش برمی‌بستی و هر جا که می‌خواستی می‌رفتی؛ اما چون پیر شوی دستهایت را خواهی گشود و دیگری کمر تو را بر بسته، به جایی که نمی‌خواهی خواهد برد." ۱۹ عیسی با این سخن به چگونگی مرگی اشاره می‌کرد که پطرس با آن خدا را جلال می‌داد. سپس عیسی به او گفت: "از پی من بیا."

۱۵: ۲۱ "شمعون، پسر یوحنا" توجه کنید که عیسی او را "شمعون پطرس" خطاب نمی‌کند، این مرد هر چیزی بود به غیر از تخته سنگ!

در نسخ دستنویس تفاوت‌های در نام پدر شمعون وجود دارد.

۱. یوحنا - W, L, D, C\*, B, K¹

۲. یونا - C², A

۳. حذف شده است - K\*

UBS<sup>4</sup> به گزینه شماره ۱ رتبه B را می‌دهد (تقریباً یقین) و بدنالش ۱: ۴۲ (P<sup>66</sup>, P<sup>72</sup>, B\*, L, W).

■ "دوست داشتن... دوست داشتن.... دوست داشتن" یک تکرار سه مرتبه‌ای بدیهی است و به نظر می‌رسد در رابطه به سه مرتبه انکار عیسی در حیات کاهن اعظم باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۷ و ۲۵ و ۲۷). در سراسر این بخش همسوییها و تضادهایی وجود دارند.

۱. دوست داشتن (*phileō*) در مقابل دوست داشتن (*agapaō*)

۲. بره در مقابل گوسفند

۳. دانستن (*ginoskō*) در برابر دانستن (*oida*)

بحثهای زیادی وجود دارند که آیا این بیان صرفاً یک تنوع مفهومی است یا تعمدی در تضاد میان اینها وجود دارد. یوحنا اغلب از تنوع استفاده می‌کند، به خصوص در این فصل (دو اصطلاح برای "کودکان"، "قایق" و "ماهی"). به نظر می‌رسد تمایزاتی در این متن میان کلمات یونانی *phileō* و *agapaō* وجود دارند، ولی نمی‌تواند ملاک قرار گیرد زیرا در یونانی کوبین اینها مترادف هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۵، ۲۰: ۱۱، ۳ و ۵).

■ "آیا مرا بیش از اینها محبت می‌کنی" حالت دستور زبانی برای فاعل مبهم است. برخی تصریح می‌کنند که به یکی از اینها اشاره دارد:

۱. ماهیگیری به عنوان تفریح

۲. گفته قبلی پطرس در مورد محبت کردن عیسی بیش از سایر شاگردان (مراجعه شود به انجیل متی ۲۶: ۳۳، انجیل مرقس ۱۴: ۲۹، و انجیل یوحنا ۱۳: ۳۷).

۳. اولی باید خدمتگزار همه باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۹: ۴۶ الی ۴۸، ۲۲: ۲۴ الی ۲۷)

■ "از بره‌های من مراقبت کن" این زمان حال امری فعال است. هر سه این عبارتها از یک حالت دستور زبانی استفاده می‌کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۱: ۱۶ و ۱۷)، فقط کلمات آنها متفاوت هستند (شبان گوسفندانم باش و از بره‌های من مراقبت کن).

۲۱: ۱۷ "سرورم، تو از همه چیز آگاهی" پطرس یاد می‌گیرد که سریع صحبت نکند. او الهیات را خوب بیان می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۵، ۶: ۶۱ و ۶۴، ۱۳: ۱۱، ۱۶: ۳۰).

■ "تو می‌دانی که دوستت می‌دارم" این یک تغییر در کلمه یونانی است برای دانستن میان انجیل یوحنا ۲۱: ۱۶ (*oida*) و انجیل یوحنا ۲۱: ۱۷ (*oida* and *ginoskō*). علت دقیق مشخص نیست و ممکن است فقط یک تنوع باشد.

۲۱: ۱۸ "دسته‌هایت را خواهی گشود" این ممکن است یک اصطلاح فنی باشد که (۱) در کلیسای اولیه استفاده می‌شد و یا (۲) در ادبیات یونانی برای مصلوب شدن استفاده می‌شده است.

۲۱: ۱۹ "به چگونگی مرگی اشاره می‌کرد که پطرس با آن خدا را جلال می‌داد" روایت است که پطرس با سر و ته مصلوب شدن مرد. در کتاب *The Ecclesiastical History* جلد ۳: ۱ یوسیبوس می‌گوید "چنین اعتقاد است که پطرس در پونتئوس، غلاطیا، کاپادوسیا و آسیا برای یهودیان در غربت موعظه می‌کرد. پس از رفتن به روم به درخواست خودش به صورت سر و ته مصلوب شد." به یادداشت مربوط به بخش انجیل ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

■ "از پی من بیا" این زمان حال امری فعال است، همانند زمان مربوط به انجیل یوحنا ۲۱: ۲۲. این در رابطه با تجدید و تأیید مجدد فراخواندن پطرس به رهبری است (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱۹ الی ۲۰).

#### NASB: انجیل یوحنا ۲۱: ۲۰ الی ۲۳

"آنگاه پطرس برگشت و دید آن شاگردی که عیسی دوستش می‌داشت از پی آنها می‌آید. او همان بود که در وقت شام بر سینه عیسی تکیه زده و از او پرسیده بود، "سرورم، کیست که تو را تسلیم دشمن خواهد کرد؟" چون پطرس او را دید، از عیسی پرسید: "سرور من، پس او چه می‌شود؟" عیسی به او گفت: "اگر بخواهم تا بازگشت من باقی بماند، تو را چه؟ تو از پی من بیا!" پس این گمان در میان برادران شایع شد که آن شاگرد نخواهد مرد، حال آنکه عیسی به پطرس نگفت که او نخواهد مرد، بلکه گفت "اگر بخواهم تا بازگشت من باقی بماند، تو را چه؟"

۲۰: ۲۱ "آن شاگردی که عیسی دوستش می‌داشت" این به کسی باز می‌گردد که در انجیل یوحنا ۱۳: ۲۵ ذکر شده است. چرا از او به این شیوه مرموز یاد می‌شود، مشخص نیست (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۲۳، ۱۹: ۲۶، ۲۰: ۲، ۲۱: ۷ و ۲۰). نظریات احتمالی بدین شرح هستند:

۱. نوشته‌های اولیه یهودی قرن نخست از نویسنده نام نبرده‌اند

۲. یوحنا وقتی که شاگرد عیسی شد جوان بود

۳. یوحنا تنها شاگردی بود که در طول محاکمه و مصلوب شدن با عیسی بود

۲۱:۲۲ "اگر بخواهم تا بازگشت من باقی بماند، تو را چه" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است. باید به خاطر داشته باشیم که ما با برکات و بشارت‌های خود سروکار داریم و برنامه‌های خدا برای دیگران به ما ربطی ندارند! دلیل احتمالی برای فصل ۲۱ پاسخ دادن به سو تفاهم بر سر همین مسئله است. ظاهراً شایعاتی بیشتر (احتمالاً از سوی کفار) وجود داشته که یوحنا تا آمدن دوم زنده خواهد ماند (یوحنا از حضورش [Parousia] سخن نمی‌گوید).

■ "تو از پی من بیا" این عبارت تقریباً دعوت فردی انجیل یوحنا را خلاصه می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۳، ۱۰: ۲۷، ۱۲: ۲۶، ۲۱: ۱۹ و ۲۲). این تأیید بر جنبه فردی انجیل دارد، در حالیکه "ایمان داشتن" بر جنبه محتوایی انجیل تأکید دارد.

#### NASB: انجیل یوحنا ۲۱:۲۴

۲۴ همان شاگرد است که بر این چیزها شهادت می‌دهد و اینها را نوشته است. ما می‌دانیم که شهادت او راست است.

■ "اینها را نوشته است" آیا این اشاره به (۱) انجیل یوحنا ۲۱: ۲۰ الی ۲۳ یا (۲) فصل ۲۱ یا (۳) کل انجیل اشاره دارد؟ پاسخ نامشخص است.

■ "ما می‌دانیم که شهادت او راست است" گروه مشخصی که با ضمیر "ما" بدان اشاره شده مشخص نیست. بدیهی است که دیگرانی برای تأیید حقیقت انجیل یوحنا آورده شده‌اند. احتمالاً می‌تواند اشاره به پیران افسسیان باشد. این منطقه‌ای بود که یوحنا در آنجا زندگی می‌کرد، بشارت می‌داد و مرد. روایات اولیه تصریح می‌کنند که بزرگان افسسیان به یوحنا سالخورده اصرار می‌کنند که انجیل خود را بنویسد زیرا همه دیگر شاگردان مرده بودند و عرفان در مورد عیسی در حال گسترش بود. موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۸ را مطالعه کنید.

#### NASB: انجیل یوحنا ۲۱:۲۵

۲۵ عیسی کارهای بسیار دیگر نیز کرد که اگر یک به یک نوشته می‌شد، گمان نمی‌کنم حتی تمامی جهان نیز گنجایش آن نوشته‌ها را می‌داشت.

۲۱:۲۵ به دو دلیل بر سر آیه ۲۵ نزاع وجود دارد: (۱) در چندین دستنویس انجیل یوحنا ۷: ۵۳ الی ۸: ۱۱ میان آیات ۲۴ و ۲۵ وارد شده است (۲) در دستنویس Sinaiticus (۸) منشیها علامتگذارها را حذف و بعداً در ۲۱: ۲۵ اضافه کرده‌اند. این امر در موره بریتانیا با استفاده از اشعه ماورا بنفش مشاهده شده است. این آیه به خصوص به ما می‌گوید که نویسندگان انجیل در نگارشهای خود از مباحث انتخابی استفاده می‌کردند. سوال هرمنوتیک (هرمنوتیک علم روش‌شناسی و نظریه و تفسیر و ترجمه انجیل است) این است که همیشه باید پرسید "چرا به این شیوه نوشتند و چرا هر چهار انجیل را با هم ادغام نکرده و یک کتاب نوشتند؟" (به کتاب *How To Read the Bible For All Its Worth* نوشته گوردون فی و داگلاس استورات مراجعه کنید).

#### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چگونه انجیل یوحنا ۲۱ شبیه انجیل لوقا ۵ است؟
۲. چرا شاگردان بلافاصله عیسی را نشناختند؟
۳. کدام شاگرد است که عیسی دوستش می‌داشت؟
۴. چرا عیسی سه مرتبه از پطرس در باره اینکه او را دوست دارد یا نه سوال کرد؟
۵. آیا عیسی تصریح کرد که یوحنا تا زمانیکه او مجدداً بیاید زنده خواهد ماند؟
۶. در آیه ۲۴ به چه کسی اشاره می‌شود؟
۷. آیا آیه ۲۵ اصل است؟



## مقدمه‌ای بر اول یوحنا

### منحصر به فرد بودن کتاب

- A. کتاب اول یوحنا نه یک نامه شخصی است و نه نامه‌ای به یک کلیسا بلکه یک "یادداشت دفتری از مقرر فرماندهی" است (نامه شرکتی).
۱. هیچ معرفی مرسوم در آن به عمل نیامده (از چه کسی و برای چه کسی).
  ۲. هیچ سلام شخصی خاصی یا پیام پایانی خاصی در آن قید نشده است.
- B. از هیچ فردی اسمی آورده نشده است. این امر بسیار نامتعارف است مگر در کتبی که برای چندین کلیسا نوشته شده باشند مانند افسسیان یا یعقوب. تنها نامه عهد عتیق که در آن اسم نویسنده ذکر نشده به زبان عبری است. با این وجود، بدیهی است که اول یوحنا برای مومنینی نوشته شده است که در حال حاضر در خصوص معلمین دروغین در داخل کلیسا مشکل دارند (عرفان).
- C. این کتاب یک رساله قدرتمند الهیات است
۱. مرکزیت عیسی
  - a. تماما خدا و تماما انسان
  - b. رستگاری از طریق ایمان به مسیح حاصل می‌شود، یک تجربه اسطوره‌ای یا دانش پنهان نیست (معلمین دروغین)
  ۲. درخواست برای زندگی به شیوه مسیحی (سه آزمون اصیل مسیحیت)
  - a. عشق برادرانه
  - b. اطاعت
  - c. انکار سیستم جهان سقوط کرده
۳. تضمین رستگاری ابدی از طریق ایمان به عیسی ناصری (۲۷ مرتبه "شناختن" استفاده شده است)
  ۴. چگونه معلمین دروغین را شناخت
- D. نوشته‌های یوحنا (به خصوص اول یوحنا) کمترین پیچیدگی یونانی کوبین را در میان سایر نویسندگان عهد جدید دارد، با این وجود، کتابهای او، و بر خلاف سایرین، اعماق حقیقت جاودان خدا در عیسی مسیح را شخم می‌زند (مانند خدا نور است، اول یوحنا ۱: ۵، خدا عشق است، اول یوحنا ۴: ۸ و ۱۶، خدا روح است، انجیل یوحنا ۴: ۲۴).
- E. این احتمال هست که اول یوحنا به عنوان cover letter برای انجیل یوحنا بوده باشد. ارتداد قرن اول زمینه چهار کتاب را شکل می‌دهد. انجیل قدرت بشارت و دعوت دارد، در حالیکه اول یوحنا برای مومنین نوشته شده است (یعنی شاگردان و پیروان). مفسر برجسته وستکات تصریح می‌کند که انجیل خدایی بودن عیسی را تأیید می‌کند، در حالیکه اول یوحنا انسان بودن او را تأیید می‌کند. این کتابها مکمل همدیگر هستند.
- F. یوحنا با اصطلاحات سیاه و سفید (دوالیسم) می‌نویسد. این مشخصه کتیبه بحرالمیت و معلمین عرفان دروغین است. ساختار دوالیسم مفهومی اول یوحنا هم کلامی (روشنی در برابر تاریکی) و هم سبکی (یک بیان منفی و بدنبالش یک بین مثبت) است. این با انجیل یوحنا تفاوت دارد که از دوالیسم عمودی استفاده می‌کند (عیسی از بالا و تمامی انسانها از پائین).
- G. به واسطه طرح مکرر موضوعات، مشکل می‌توان طرح کلی اول یوحنا را ترسیم کرد. این کتاب همانند یک پرده‌ای بافته شده از حقایق است که الگوی آن مرتب تکرار می‌شود (مراجعه شود به *Tapestries of Truth, The Letters of John* اثر بیل هندریکس).

### نویسنده

- A. اول یوحنا بخشی از جدل بر سر نویسندگی مجموعه نوشته‌های یوحنا است - انجیل یوحنا، اول یوحنا، دوم یوحنا، سوم یوحنا و مکاشفه.
- B. دو وضعیت ابتدایی وجود دارند.
۱. سنتی
  - a. در کلیسای اولیه تمامی پدران با یکدیگر متفق القول بودند که یوحنا، شاگرد محبوب، نگارنده اول یوحنا است.
  - b. خلاصه‌ای از شواهد کلیسای اولیه
- (۱) کلمنت روم (سال ۹۰ میلادی) اشاراتی به اول یوحنا می‌نماید
  - (۲) پلیکارپ از سیمونا، فیلیپیان ۷ (۱۱۰ تا ۱۴۰ میلادی) از اول یوحنا نقل می‌کند
  - (۳) شهید جاستین، Dialogue، ۱۲۳: ۹ (۱۵۰ الی ۱۶۰ میلادی) از اول یوحنا نقل می‌کند
  - (۴) اشاراتی به اول یوحنا در نوشته‌های زیر هست
- a) ایگناتیوس از آنتیوک (تاریخ نوشته مشخص نیست ولی حدودا اوایل ۱۰۰ میلادی است)
- b) پاپیاس از هیراپولیس (بین ۵۰ تا ۶۰ میلادی متولد شده و حدود ۱۵۵ میلادی شهید شد)

- ۵) ایرانوس از لیون (۱۳۰ الی ۲۰۲ میلادی) اول یوحنا را از مشخصه‌های یوحنا اعلام می‌کند. ترتولیان، رساله‌نویس که ۵۰ کتاب بر علیه عرفان نوشته، اغلب از اول یوحنا نقل قول می‌کند.
- ۶) سایر نویسندگان اولیه که نوشتن آن را به یوحنا‌ی شاگرد منتسب می‌دانند کلمنت، اوریگن و دیونسیوس هستند که هر سه اهل اسکندریه از موراتورین (۱۸۰ تا ۲۰۰ میلادی)، اوسیبوس (قرن سوم)
- ۷) جروم (نیمه دوم قرن چهارم) تأیید می‌کند که یوحنا نویسنده آن است ولی ضمناً تأیید هم می‌کند که برخی مخالف آن هستند.
- ۸) تئودور از موپسوئستیا (*Mopsuestia*)، اسقف آنتیوک از ۳۹۲ الی ۴۲۸ میلادی، انکار می‌کند که یوحنا نویسنده این کتاب است.

C. شاید یوحنا، ما از یوحنا‌ی شاگرد چه می‌دانیم؟

- ۱) او فرزند زبیدی و سالومه بود
- ۲) او ماهیگیری در کنار دریای جلیل بود و با برادرش یعقوب ماهیگیری می‌کردند (و احتمالاً مالک چندین قایق ماهیگیری هم بودند)
- ۳) برخی معتقدند که مادرش خواهر مریم، مادر عیسی بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۲۵)، انجیل مرقس ۱۵: ۲۰)
- ۴) ظاهراً او ثروتمند بود زیرا
- a) چندین خدمتکار استخدام کرده بود (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۲۰)
- b) مالک چندین قایق ماهیگیری بود
- c) در اورشلیم خانه داشت
- ۵) یوحنا به خانه کاهن اعظم در اورشلیم رفت و آمد داشت، که نشان می‌دهد دارای اعتبار و حسن شهرت بوده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۸: ۱۵ الی ۱۶)
- ۶) این یوحنا بود که از مریم، مادر عیسی مراقبت می‌کرد و نسبت به او مسئول بود
- d) کلیسای اولیه متفق القول شهادت دادند که یوحنا از سایر شاگردان بیشتر عمر کرد، و پس از مرگ مریم در اورشلیم او به آسیای صغیر رفت و در افسس بزرگترین شهر آن منطقه اقامت کرد. او از این شهر به جزیره پاتموس تبعید شد (در نزدیک ساحل) و بعداً آزاد شد و به افسس بازگشت (اوسیبوس از پلیکارپ، پاپیاس و ایرنانیئوس نقل می‌کند)

۲. اساتید مدرن

- a. جمع کثیری از اساتید تشابه میان تمامی نوشته‌های یوحنا‌یی را به رسمیت می‌شناسند، به خصوص جمله‌بندی، حالات دستور زبان، شیوه نگارش و املا. مثال خوبی از این امر تضادی است که از مشخصه‌های این نوشته‌ها است: زندگی در برابر مرگ، حقیقت در برابر دروغ و خطا. مشابه این دوگانگی شدید را می‌توان در سایر نوشته‌های آن دوران دید، کتیبه بحرالامیت و نوشته‌های عرفانی اولیه.
- b. نظریات بیشماری در مورد ارتباط درونی میان پنج کتابی که منتسب به یوحنا هستند وجود دارند. برخی گروه‌ها تصریح می‌کنند که نویسنده همه آنها یک نفر، دو یا سه نفر یا بیشتر هستند. به نظر می‌رسد که محتمل‌ترین وضعیت این است که همه نوشته‌های یوحنا‌یی در نتیجه تفکرات یک نفر هستند، حتی اگر احتمال آن باشد که توسط چند نفر از شاگردانش نوشته شده باشند.
- c. عقیده شخصی من این است که یوحنا، شاگرد سالخورده، در پایان دوره بشارت خود در افسس آنها را نوشته است.
۳. اینکه چه کسی نویسنده است، به علم تفسیر مربوط می‌شود نه الهام و وحی. در نهایت، نویسنده کتب الهی خدا است!

تاریخ - بدیهی است که این به نویسنده مرتبط می‌شود

- A. اگر یوحنا‌ی شاگرد، این نامه‌ها و بخصوص اول یوحنا را نوشته باشد، پس در مورد حدود زمانی دوره اواخر قرن اول صحبت می‌کنیم. این زمان فرصت می‌دهد که سیستم الهیات/فلسفه عرفان دروغین بسط یابد و همچنین اصطلاح و ادبیات اول یوحنا ("فرزندان کوچک") هم مصداق پیدا می‌کند و این چنین به نظر می‌رسد یک مرد سالخورده با گروه جوانی از مومنان سخن می‌گوید. جروم می‌گوید یوحنا تا ۶۸ سال پس از به صلیب کشیده شدن عیسی زندگی کرد. با این توصیف این وضعیت با شرایط مطابقت پیدا می‌کند.
- B. آتی رابرتسون فکر می‌کند اول یوحنا بین سالهای ۸۵ تا ۹۵ میلادی نوشته شده باشد، در حالیکه انجیل تا سال ۹۵ میلادی نوشته شده است.
- C. *The New International Commentary Series on 1 John* اثر هاوارد مارشال تصریح می‌کند که این تاریخ بین ۶۰ الی ۱۰۰ میلادی بوده است که این دوره به دوره تخمینی نوشته‌های یوحنا‌یی توسط اساتید مدرن نزدیک است.

دریافت کنندگان

- A. روایتها تصریح می‌کنند که این کتاب برای بخش رومی آسیای صغیر (ترکیه غربی) که افسس بزرگترین شهر آن منطقه در آن بود نوشته شده است.

- B. این نامه‌ها برای گروه خاصی از کلیساهای آسیای صغیر که درگیر مشکلاتی با معلمین دروغین (مانند کولسیان و افسسیان) بودند ارسال شده بودند
۱. عرفانی که انسان بودن مسیح را انکار و تصریح می‌کرد خدا است
  ۲. عرفان متضاد که الهیات را از اخلاقیات جدا می‌کرد
- C. آگوستین (قرن چهارم میلادی) می‌گوید برای پارتها (بابل) نوشته شده است. کاسیودروس (اوایل قرن ششم) هم از او پیروی کرد. این نظریه احتمالا از ابهام در عبارت "خانم منتخب" دوم یوحنا ۱ و عبارت "آن زن که در بابل است"، اول پطرس ۵: ۱۳ نشأت می‌گیرد.
- D. بخش موراتوریان، یعنی فهرست استاندارد اولیه کتب عهد جدید بین سالهای ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شد، و تصریح می‌کند که این نامه پس از تشویق شاگردان و اسقف‌ها (در آسیای صغیر) نوشته شده است.

## ارتداد

- A. این نامه خودش مشخص است که در واکنش به تعالیم دروغین نوشته شده است (مثلا "اگر بگوئیم... اول یوحنا ۱: ۶ و "او که می‌گوید... اول یوحنا ۲: ۲۹ و ۴: ۲۰)
- B. می‌توانیم برخی ایده‌های اولیه ارتداد را از درون نوشته‌های اول یوحنا فراگیریم
۱. انکار تولد عیسی مسیح
  ۲. انکار مرکزیت عیسی مسیح در رستگاری
  ۳. فقدان شیوه زندگی مسیح گونه مناسب
  ۴. تاکید بر آگاهی و دانش (عموما دانش پنهان و رازها)
  ۵. گرایش به سوی انحصارگرایی
- C. وضعیت قرن اول
- دنیای روم قرن اول، دوران انتخاب میان مذاهب شرق و غرب بود. خدایان یونانی و پانتئون‌های رومی در بدنامی بودند. مذاهب رمز و راز بسیار محبوب بودند به واسطه تاکید بر رابطه فردی با خدا و دانش پنهان. فلاسفه سکولار یونانی محبوبیت داشتند دیدگاه‌های آنان با سایر جهانبینی‌ها ادغام می‌شد. در این جهان انتخاب مذهب، انحصارگرایی مسیحیت در ایمان (عیسی تنها راه به سوی خدا، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶) مطرح شد. زمینه دقیق عرفان هر چه که باشد، تلاشی بود برای اینکه مسیحیت راه باریکی به نظر رسد و از نظر عقلانی برای طیف وسیعی از یونانیان و رومیان قابل قبول باشد.
- D. گزینه‌های احتمالی که کدام گروه از عرفان را یوحنا مورد خطاب قرار داده است
۱. عرفان بدوی
- a. به نظر می‌رسد تعالیم اولیه عرفان در قرن اول تاکید بر دوالیسم هستی‌شناسی (دوالیسم جاودانی) میان روح و جسم بود. روح (خدای والا) خوب تلقی می‌شد، در حالیکه جسم بصورت ذاتی و به طور موروثی شیطانی بود. این دوگانگی شباهت با ایده‌آل افلاطونی در برابر فیزیکی، بهشتی در برابر زمینی، نامرئی در برابر مرئی بود. همچنین تاکید بیش از حد بر روی دانش پنهان بود (رمزها، کدهای رموزی که اجازه می‌دهد روح انسان از دنیای فرشتگان [aeons] عبور کند و به طرف بالا به سوی خدا برود و این برای رستگاری لازم است).
- b. دو حالت عرفان وجود دارند که ظاهرا می‌توانند زمینه‌ای برای اول یوحنا باشند.
- (۱) عرفان عقلانی، که انسان واقعی بودن عیسی را انکار می‌کند زیرا جسم شیطانی است
  - (۲) عرفان قرن‌تیان، که معتقد است عیسی در میانه یکی از سطوح فرشتگان و در حد میانی خدای خوب و جسم شیطانی است. این "روح مسیح" جسم عیسی انسان را در زمان تعمید و قبل از مصلوب شدن ترک می‌کند.
  - (۳) از این دو گروه برخی ریاضت (اگر جسم بخواهد، شیطانی است)، دیدگاه دیگر، یعنی آنتی‌نومیانیسم (اگر جسم بخواهد، بدان عمل کن) را تجربه می‌کردند. هیچ سند مکتوبی در مورد توسعه یک سیستم عرفانی در قرن اول وجود ندارد. تا اواسط قرن دوم سندی وجود ندارد ولی از اواسط قرن دوم به بعد اسناد مدارک متعددی وجود دارند. برای اطلاعات بیشتر در مورد عرفان به منابع زیر مراجعه کنید

(a) *The Gnostic Religion* نوشته Hans Jonas از انتشارات بیکن

(b) *The Gnostic Gospels* نوشته Elaine Pagels از انتشارات رندم هاوس

(c) *The Nag Hammadi Gnostic Texts and the Bible* نوشته Andrew Helmbold

۲. ایگناتیوس به نوع دیگری از ارتداد در نوشته‌هایش خطاب به سمیرناییان اشاره می‌کند. آنها قیام عیسی را منکر بوده و در یک سبک زندگی دوگانه زندگی می‌کرد.

۳. با این وجود، یک احتمال ضعیفتر در مورد منشأ ارتداد مئاندر از آنتیوک است که از نوشته‌های ایرنئیوس *Against Heresies XXIII* او را می‌شناسیم. او شاگرد شمعون سامره ای و مدافع دانش اسرار بود.

#### E. ارتداد امروز

۱. وقتی که مردم سعی می‌کنند حقیقت مسیحیت را با سایر مکاتب فکری ادغام کنند، روح ارتداد در میان ما حاضر خواهد بود.
۲. وقتی که مردم بر دکتربین "درست" تاکید کنند تا رابطه فردی و زندگی بر اساس ایمان را کنار بگذارند، روح ارتداد در میان ما حاضر خواهد بود.
۳. وقتی که مردم مسیحیت را تبدیل به یک نخگی فکری بکنند، روح ارتداد در میان ما حاضر خواهد بود.
۴. وقتی که افراد مذهبی به ریاضت و آنتیسمیسم (کنار گذاشتن قوانین اخلاقی و رهایی از مراسم مذهبی) روی آورند، روح ارتداد در میان ما حاضر خواهد بود.

#### هدف

A. تمرکز عملی بر مومنین دارد برای اینکه

۱. به آنها لذت داده شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴)
۲. تشویق شوند به شیوه خداپسندانه زندگی کنند (مراجعه شود به ۱: ۷ و ۲: ۱!)
۳. به آنها دستور دهد (و یادآوری کند) که به یکدیگر محبت کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۷ الی ۲۱) و نه به جهان (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷).
۴. رستگاری در مسیح را به آنان تضمین کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۳).

B. تمرکز، دکتربینی برای مومنین دارد برای اینکه

۱. برای رد کردن خطای جدا کردن الهی بودن و انسانی بودن عیسی
۲. برای رد کردن خطای تفکیک کردن معنویت و روحانیت در روشنفکری که زندگی خداپسندانه در آن جایی ندارد
۳. برای رد کردن این اشتباه که با انزوا و دوری از دیگران می‌توان نجات یافت و رستگار شد

#### چرخه مطالعه اول

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوع کلی کتاب را با کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب
۲. نوع ادبیات کتاب

#### چرخه مطالعه دوم

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. کل کتاب انجیلی را یکجا بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کنید و آنها را در یک جمله بیان کنید.

۱. موضوع اولین نکته
۲. موضوع دومین نکته
۳. موضوع سومین نکته
۴. موضوع چهارمین نکته
۵. ....

## اول یوحنا ۱: ۱ الی ۲: ۲

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن\*

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
کلام زندگی	آنچه دیده، شنیده و لمس شد	مقدمه	کلام زندگی	کلام حیات و رفاقت با پدر و پسر
۱: ۱ الی ۴	۱: ۱ الی ۴	۱: ۱ الی ۴	۱: ۱ الی ۴	۱: ۱ الی ۴
خدا نور است	اساس رفاقت با او	گرایش درست بر برابر گناه	خدا نور است	گام برداشتن در نور (۱: ۵ الی ۲: ۲۸)
۱: ۵ الی ۱۰	۱: ۵ الی ۲: ۲	۱: ۵ الی ۱۰	۱: ۵ الی ۷	۱: ۵ الی ۷
				شرط نخست: دوری از گناه
			۱: ۸ الی ۱۰	۱: ۸ الی ۲: ۲

\* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر یک از ترجمه‌های مدرن پاراگرافها را تقسیم‌بندی و خلاصه کرده‌اند. هر پاراگراف یک موضوع، حقیقت و یا تفکر اصلی دارد.

هر نسخه آن موضوع را به شیوه خاص و متمایز خود تحت پوشش قرار می‌دهد. در حین اینکه متن را مطالعه می‌کند، از خود سوال کنید کدامیک از ترجمه‌ها با آنچه شما خودتان از موضوع و تقسیم‌بندی آیه درک کردید بیشتر مطابقت دارد.

در هر فصل، ما باید اول انجیل را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات (پاراگرافهای) آن را شناسایی کنیم، سپس درک خود را با نسخه مدرن مقایسه کنیم. فقط زمانی که ما نیت نویسنده اصلی را، با دنبال کردن منطق خودش و آنچه که ارائه داده درک کردیم، می‌توانیم انجیل را واقعا درک کنیم. فقط نویسنده اصلی تحت الهام و وحی بوده است - خوانندگان حق ندارند که پیام را عوض کرده و یا تغییر دهند. خوانندگان انجیل مسئولیت دارند تا حقیقت تحت الهام را با روزگار خود و زندگی خود مطابقت دهند.

توجه کنید که تمامی اصطلاحات فنی و اختصارات به صورت کامل در اسناد زیر توضیح داده شده‌اند: اصطلاحات دستور زبان یونانی، موضوع خاص: انتقاد متنی و واژه نامه.

#### چرخه سوم مطالعه

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم‌بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف
۴. و غیره

#### زمینه الهیات

A. این متن در واقع پیش درآمدی بر انجیل یوحنا است (۱: ۱ الی ۱۸، قبل از خلقت فیزیکی)، که به پیدایش ۱: ۱ (پیدایش فیزیکی) مرتبط است. با این وجود، به آغاز بشارت عمومی عیسی اشاره می‌کند.

B. تاکید بر این موارد است

۱. تماما انسان بودن عیسی مسیح

a. صفت‌های مفعولی که در رابطه با انسان بودن او دارند: بینش، صدا، لمس کردن (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱ و ۳). عیسی واقعا انسان و فیزیکی بود

b. القاب کامل عیسی

(۱) کلام زندگی (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱)

(۲) فرزندش عیسی مسیح (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۳)

۲. خدایی بودن عیسی ناصری

a. از پیش وجود داشتن (اول یوحنا ۱: ۱ و ۲)

b. تولدش (اول یوحنا ۱: ۲)

این حقایق بر علیه تعالیم جهانبینی عرفانی معلمین دروغین هستند.

## نحو

A. آیات ۱ الی ۴

۱. آیات ۱ الی ۳ الف در زبان یونانی یک جمله را تشکیل می دهند.

۲. فعل اصلی "اعلام کردن" در اول یوحنا ۱: ۳ قرار دارد. تاکید بر محتوای موعظه شاگرد است.

۳. چهار عبارت مرتبط در اول یوحنا ۱: ۱ قرار دارند که برای تاکید در ابتدای جمله قرار گرفته اند.

a. آنچه از آغاز وجود داشت

b. آنچه شنیده ایم

c. آنچه با چشمان خود دیده ایم

d. آنچه بدان نگاه کرده ایم و با دستان خود لمس کرده ایم

۴. به نظر می رسد آیه ۲ یک متن داخل پرانتز در مورد تولد عیسی باشد. این حقیقت که از نظر دستور زبانی بسیار عجیب است، باعث جلب توجه می شود.

۵. آیات ۳ و ۴ هدف اعلان یوحنا شاگرد را تعریف میکنند: رفاقت و لذت. شهادتهای عینی شاگرد یکی از شرایط تقدیس در کلیساهای نخستین بود.

۶. به جریان حرکت زمان افعال در آیه ۱ توجه کنید.

a. غیر کامل (از پیش وجود داشته)

b. کامل، کامل (حقیقت اطاعت کردن)

c. آنوریست، آنوریست (مثالهای خاص و مشخص)

B. آیات ۱: ۵ الی ۲: ۲

۱. ضمائر در اول یوحنا ۱: ۵ الی ۲: ۲ بسیار مبهم هستند، ولی من فکر می کنم که تقریباً تمامی آنها به استثنای اول یوحنا ۱: ۵، اشاره به پدر دارند (مشابه افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴).

۲. تمامی "اگر"ها جمله شرطی نوع سوم هستند که از احتمال وقوع رخداد سخن می گویند.

۳. تنوع الهیاتی مهمی میان اینها وجود دارند:

a. در رابطه با "گناه"، زمان فعل حاضر در مقابل آنوریست

b. مفرد و جمع، "گناه" در برابر "گناهان"

## مرتدها

A. ادعاهای دروغین مرتدها را می توان در اول یوحنا ۱: ۱ و ۶ و ۸ و ۱۰، ۲: ۴ و ۶ و ۹ دید

B. آیات ۵ الی ۱۰ در رابطه با تلاش خداشناسانه بر جدایی خدای دانا (الهیات) از خدای دنباله‌رو (اخلاقیات) دارد. این معرف عرفانی است که بیش از حد بر دانش تاکید می کند. آنان که خدا را می شناسند، ویژگیهای او را در شیوه زندگی کردن خود نشان می دهند.

C. آیات ۱: ۸ الی ۲: ۲ را باید در توازن با آیات ۳: ۶ الی ۹ دید. آنها دوروی یک سکه هستند. آنها احتمالاً نشان دهنده دو خطای متفاوت هستند:

۱. خطاهای خداشناسی (گناه نیستند)

۲. خطاهای اخلاقی (گناه اهمیت ندارد)

D. اول یوحنا ۲: ۱ الی ۲ تلاشی است بر برقراری توازن میان گناهان کوچک (آنتینومیانیسم) و مسئله داوری مکرر مسیحیت، قوانین فرهنگی و با ریاضت.

## NASB: اول یوحنا ۱: ۱ الی ۴

آنچه از آغاز بود، آنچه شنیده و با چشمان خود دیده ایم، آنچه بدان نگرستیم و با دستهای خود لمس کردیم، یعنی کلام حیات، آن را به شما اعلام می‌کنیم. <sup>۲</sup> حیات ظاهر شد؛ ما آن را دیده ایم و بر آن شهادت می‌دهیم. ما حیات جاویدان را به شما اعلام می‌کنیم، که با پدر بود و بر ما ظاهر شد. <sup>۳</sup> ما آنچه را دیده و شنیده ایم به شما نیز اعلام می‌کنیم تا شما نیز با ما رفاقت داشته باشید؛ رفاقت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. <sup>۴</sup> ما این را به شما می‌نویسیم تا شادی مان کامل گردد.

۱: ۱ "آنچه" کتاب با ضمیر اشاره خنثی آغاز می‌شود. از دو جنبه پیام خدا سخن می‌گوید که اینها هستند:

۱. پیام درباره عیسی
۲. شخص خود عیسی

انجیل پیام، فرد و شیوه زندگی است.

■ "بود" این زمان غیر کامل اخباری است. از پیش وجود داشتن عیسی را تصریح می‌کند (این یک موضوع تکراری در نوشته‌های یوحنا است، مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۲، انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۱۵: ۳، ۱۳: ۸، ۵۷ الی ۵۸، ۱۷: ۵). این یکی از شیوه‌های تصریح کردن خدایی بودن عیسی است. عیسی پدر را نشان داد زیرا از ابتدا با پدر بوده است.

■ "از آغاز" این یک اشاره بدیهی به کتاب پیدایش ۱ و انجیل یوحنا ۱ است، ولی در اینجا اشاره به شروع بشارت عمومی عیسی دارد (به موضوع خاص: منشا در انجیل یوحنا ۱: ۱ مراجعه کنید). آمدن عیسی "برنامه پشتیبان" نبود. انجیل همیشه برنامه خدا برای رستگاری بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، اعمال رسولان ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹). این عبارت در این متن به شروع ملاقات ۱۲ شاگرد با عیسی اشاره می‌کند. یوحنا اغلب از این مفهوم منشا (*Archē*) استفاده می‌کند. در بیشتر جاهایی که دیده می‌شود، به دو گروه کلی طبقه بندی می‌شوند:

۱. از زمان خلقت

- a. انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۲ (عیسی در آغاز)
  - b. انجیل یوحنا ۸: ۴۴، اول پادشاهان ۳: ۸ (شیطان از آغاز قاتل و دروغگو بود)
  - c. مکاشفه ۳: ۱۴، ۲۱: ۶ و ۱۲ (عیسی در آغاز و در پایان)
۲. از زمان تولد عیسی و شروع بشارت او
- a. انجیل یوحنا ۸: ۲۵، اول یوحنا ۲: ۷ (دو مرتبه)، ۳: ۱۱، دوم یوحنا ۵ و ۶ (تعالیم عیسی)
  - b. انجیل یوحنا ۱۵: ۲۷، ۱۶: ۴ (با عیسی)
  - c. اول یوحنا ۱: ۱ (از آغاز بشارت عیسی)
  - d. اول یوحنا ۲: ۱۳ و ۲۴ (دو مرتبه) (از اعتماد بر عیسی)
  - e. انجیل یوحنا ۶: ۶۴ (از انکار عیسی)
۳. در متن شماره ۲ غلبه دارد.

## موضوع خاص: مقایسه انجیل یوحنا ۱ با اول یوحنا ۱

## (SPECIAL TOPIC: John 1 Compared to 1 John 1)

انجیل	نامه
در ابتدا (۱: ۱ و ۲)	از آغاز (۱: ۱)
کلام ( <i>logos</i> ) (۱: ۱)	کلام ( <i>logos</i> ) (۱: ۱)
زندگی (۱: ۴)	زندگی (۱: ۱ و ۲)
نور در عیسی (۱: ۴)	نور در خدا (۱: ۵)
نور آشکار کرد (۱: ۴)	نور آشکار کرد (۱: ۵)

تاریکی (۵:۱)

تاریکی (۵:۱)

شهادت به نور (۱: ۶ الی ۸)

شهادت به نور (۱: ۳ و ۵)

انسانها به سوی خدا برده شدند (۱: ۷ و ۱۲ الی ۱۳)

انسانها به سوی خدا برده شدند (۱: ۳)

شکوهش را ببینید (۱: ۱۴)

شکوهش را ببینید (۱: ۱ الی ۳)

■ "ما" این دلالت بر جمع دارد و با این حال بر شهادت فردی شاگردان هم دلالت دارد (یعنی نگارندگان عهد جدید). این شهادت جمعی از مشخصه‌های اول یوحنا است. بیش از پنجاه مرتبه استفاده شده است.

■ "شنیده‌ایم... دیده‌ایم" اینها هر دو زمان کامل فعال اخباری دلالتی هستند که بر نتایج اطاعت تاکید می‌کنند. یوحنا با تکرار استفاده از ضمائر در رابطه با پنج احساس در اول یوحنا ۱: ۱ و ۳، بر انسان بودن عیسی تصریح می‌کند. بدین وسیله او ادعا می‌کند که شاهد عینی بر زندگی و تعالیم عیسی ناصری بوده است.

■ "نگریسته‌ایم... لمس کرده‌ایم" اینها هر دو زمانهای آتوریست اخباری دلالتی هستند که بر رخدادهای مشخصی تاکید می‌کنند. "نگریسته‌ایم" به معنی "از نزدیک مشاهده کردن" است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴)، "لمس کرده‌ایم" یعنی "از نزدیک و با احساس کردن آزمودن" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۲۰ و ۲۷، انجیل لوقا ۲۴: ۳۹).

اصطلاح یونانی برای "لمس کردن" یا "دست زدن" (*psēlaphaō*) فقط در دو آیه در عهد جدید دیده می‌شود. در اینجا و در انجیل لوقا ۲۴: ۳۹. در انجیل لوقا در مورد دیدار با عیسی پس از قیام استفاده شده است. اول یوحنا به همان شیوه استفاده می‌کند.

■ "کلام زندگی" کاربرد اصطلاح *logos* برای جلب توجه معلمین دروغین یونانی به خدمت گرفته شده است، همانند مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱). در فلسفه یونانی این کلمه بسیار استفاده شده است. در زندگی عبری هم این کلمه زمینه‌ای دارد (مراجعه شود به مقدمه‌ای بر انجیل یوحنا ۱، C). این عبارت در اینجا هم به محتوای انجیل و هم به فرد انجیل اشاره می‌کند.

۱: ۲ این آیه یک متن داخل پرانتز در تعریف "زندگی" است.

■ "زندگی" "*Zōē*" (دو مرتبه در اول یوحنا ۱: ۲) به صورت مکرر در نوشته‌های یوحنا برای زندگی معنوی، زندگی پس از قیام و زندگی عصر جدید، یا زندگی خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴، ۳: ۱۵ و ۳۶ دو مرتبه، ۴: ۱۴ و ۳۶، ۵: ۲۴ دو مرتبه و ۲۶ دو مرتبه، ۲۹، ۳۹ و ۴۰، ۶: ۲۷ و ۳۳ و ۳۵ و ۴۰ و ۴۷ و ۴۸ و ۵۱ و ۵۳ و ۵۴ و ۶۳ و ۶۸ و ۸: ۱۲، ۱۰: ۱۰ و ۲۸ و ۱۱: ۲۵، ۱۲: ۲۵ و ۲۵، ۱۴: ۶، ۱۷: ۲ و ۳، ۲۰: ۳۱، اول یوحنا ۱: ۱ و ۲، ۲: ۲۵، ۳: ۱۴ الی ۱۵، ۵: ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۰) استفاده شده است. عیسی خود را "زندگی" می‌نامد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۶).

■ "اعلام می‌کنیم" این فعل دو مرتبه در این آیه استفاده شده است و هر دو زمان آتوریست مجهول اخباری دلالتی هستند. حالت مجهول اغلب برای نماینده خدای پدر استفاده می‌شود. این اصطلاح (*phaneroō*) دلالت بر "آوردن در نوری که از پیش وجود داشته است" دارد. این اصطلاح مورد علاقه یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۳۱، ۳: ۲۱، ۹: ۳، ۱۷: ۶، اول یوحنا ۱: ۲ دو مرتبه، ۲: ۱۹، ۳: ۵ و ۸ و ۱۰، ۴: ۹). فعل زمان آتوریست بر تولد تاکید دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴) که معلمین دروغین آن را انکار می‌کنند.

■ "شهادت می‌دهیم" این اشاره به تجربه شخصی خود یوحنا دارد (زمان حال اخباری دلالتی). این اصطلاح اغلب برای شهادت دادن در محاکمه مورد استفاده قرار می‌گیرد. به موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۸ مراجعه کنید.

■ "اعلان کردن" این اشاره به شهادت مجاز یوحنا دارد (زمان حال اخباری) که اظهار شد و در موعظه‌ها و نوشته‌هایش به ثبت رسیدند. این فعل اصلی اول یوحنا ۱: ۱ الی ۳ است. این فعل دو مرتبه تکرار شده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۲ و اول یوحنا ۱: ۳).

■ "با پدر بود" همانند اول یوحنا ۱: ۱ این هم یک تصریح دیگر در خصوص از پیش وجود داشتن عیسی است. عبارات همانند انجیل یوحنا ۱: ۱ است. خدا در کالبد انسان متولد شد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴). شناختن عیسی شناختن خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۸ الی ۱۱). این هم یک مثال دیگر از دوالیسم عمودی یوحنا است.

۱: ۳ "ما آنچه را دیده و شنیده‌ایم به شما نیز اعلام می‌کنیم" این پنجمین عبارت در مورد نزدیکی است که تفکر اول یوحنا ۱: ۱ را پس از پرانتز اول یوحنا ۱: ۲ از سر می‌گیرد. افعال احساسی که در اول یوحنا ۱: ۱ دیده می‌شوند، تکرار می‌گردند.



■ "به شما نیز اعلام می‌کنیم" این فعل اصلی در اول یوحنا ۱: ۱ الی ۳ است. زمان این فعل حال فعال اخباری است. شناختن خدا نیازمند رفاقت با فرزندان است!

■ "تا شما نیز با ما رفاقت داشته باشید" این جمله هدفمند (*hina*) است با ضمیر مفعولی حال فعال. هدف اعلام شده انجیل این بود که آنان که هرگز اسم عیسی را نشنیده و او را ندیده بودند شاید توسط شهادت شاگردان نجات یابند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۷: ۲۰، ۲۰: ۲۹ الی ۳۱). رفاقت در رحمت آشکار است که شادی، آرامش و اطمینان ایجاد می‌کند! کلیسا جمعیتی از مومنین است، اجتماعی از مومنین! انجیل برای تمام جهان است.

■ "با پدر ... با پسرش" این عبارتها از نظر دستور زبانی از نظر حرف اضافه و فاعل مشخص با یکدیگر همسو هستند. این نحوه خدایی بودن و برابر بودن عیسی را تصریح می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۱۸، ۱۰: ۳۳، ۱۹: ۷). غیر ممکن است که بتوان پدر (خدای والا) را بدون پسر (خدای متولد شده) داشت چنانکه معلمین دروغین می‌گویند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۳، ۵: ۱۰ الی ۱۲). این رفاقت با پدر و پسر بسیار مشابه دوستی دوجانبه در عبارت ۱۴: ۲۳ است.

۱: ۴ "ما این را به شما می‌نویسیم" این می‌تواند اشاره به کل کتاب و یا فقط به اول یوحنا ۱: ۱ الی ۳ داشته باشد. مشابه همین ابهام در اول یوحنا ۲: ۱ دیده می‌شود. نویسنده یکی از هداقتش را در اینجا مطرح می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱).

■ "تا شادی‌مان کامل گردد" این وجه شرطی کامل مجهول است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۱، ۱۶: ۲۰ و ۲۲، ۲۴، ۱۷: ۱۳، دوم یوحنا ۱۲، سوم یوحنا ۴). شادی مومنین با دوستی با پدر، پسر و روح القدس کامل می‌شود. در نور اختلالات معلمین دروغین، این یک عنصر مهم است. اهداف بیان شده توسط یوحنا در نگارش این کتاب به شرح زیر می‌باشند:

۱. دوستی با خدا و فرزندان
۲. شادی
۳. اطمینان
۴. در بعد منفی، هدف او تجهیز کردن مومنین علیه الهیات دروغین معلمین عرفان است

در نسخه یونانی بیان متفاوتی در این آیه دیده می‌شود

۱. "شادی ما"، MSS A, B, L, NASB, NRSV, NJB, REB, NIV
۲. "شادی شما"، MSS A, C; NKJV

UBS<sup>4</sup> شماره ۱ را ترجیح می‌دهد. آیا "ما" اشاره به شهادتهای عینی شاگردان دارد یا مومنین؟ به واسطه اعتماد الهیات به اول یوحنا نسبت به اطمینان مسیحیت، من تصور می‌کنم منظور تمامی مومنین باشد.

#### NASB: اول یوحنا ۱: ۵ الی ۲: ۲

این است پیامی که از او شنیده‌ایم و به شما اعلام می‌کنیم: خدا نور است و هیچ تاریکی در او نیست. <sup>۱</sup> اگر بگوییم با او رفاقت داریم، حال آنکه در تاریکی گام می‌زنیم، دروغ می‌گوییم و به راستی عمل نمی‌کنیم. <sup>۲</sup> اما اگر در نور گام برداریم، چنانکه او در نور است، با یکدیگر رفاقت داریم و خون پسر او عیسی ما را از هر گناه پاک می‌سازد. <sup>۳</sup> اگر بگوییم ببری از گناهیم، خود را فریب داده‌ایم و راستی در ما نیست. <sup>۴</sup> ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و از هر نادرستی پاکمان می‌سازد. <sup>۵</sup> اگر بگوییم گناه نکرده‌ایم، او را دروغگو جلوه می‌دهیم و کلام او در ما جایی ندارد. <sup>۶</sup> ای فرزندانم، این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اما اگر کسی گناهی کرد، شفيعی نزد پدر داریم، یعنی عیسی مسیح پارسا. <sup>۷</sup> او خود کفاره گناهان ما است، و نه گناهان ما فقط، بلکه گناهان تمامی جهان نیز.

۱: ۵ "پیامی که از او شنیده‌ایم" ضمیر "ما" اشاره به یوحنا و سایر شاهدان و شنودگان عینی و پیروان عیسی در طول زندگی زمینی او دارد. یوحنا مستقیماً با خوانندگان (شما) در اول یوحنا ۲: ۱ صحبت می‌کند، احتمالاً به کلیساهای آسیای صغیر اشاره دارد.

فعل "شنیده‌ایم" زمان کامل فعال اخباری است. این منعکس کننده تکرار مشهود شرایط در اول یوحنا ۱: ۱ الی ۴ در قالب فیزیکی است. به بیانی، این یوحنا شاگرد است که حضور شخصی خود را در دوره‌های آموزشی عیسی تأیید می‌کند. یوحنا آشکار شدن عیسی را مرور می‌کند! حتی این احتمال هست که عبارات منحصر به فرد "من هستم" انجیل یادآور تعالیم خصوصی عیسی برای یوحنا باشند.

■ "از او" عبارت "از او" تنها ضمیری است که در طول تمام بخش اول یوحنا ۱: ۵ الی ۲: ۲ به عیسی اشاره می‌کند. عیسی آمد تا پدر را نشان دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸). اگر از لحاظ خداشناسی بخواهیم صحبت کنیم، آمدن عیسی سه هدف داشت:

۱. نشان دادن پدر (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۵)

۲. نشان دادن مثال و الگویی به مومنین برای پیروی (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۷)

۳. از طرف انسان گناهکار مردن (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۷، ۲: ۲)

■ "خدا نور است" هیچ حرف تعریفی وجود ندارد. این تأکیدی بر نشان دادن و جنبه اخلاقی ماهیت خدا است (مراجعه شود به مزمور ۲۷: ۱، اشعیا ۶۰: ۲۰، میکا ۷: ۸، اول تیموتائوس ۶: ۱۶، یعقوب ۱: ۱۷). معلمین دروغین عرفان می‌گویند که نور اشاره به دانش و آگاهی دارد ولی یوحنا تصریح می‌کند که به خلوص اخلاق هم اشاره دارد. "روشنایی" و "تاریکی" اصطلاحات متداولی بودند (دوالیسم اخلاقی که از این اصطلاحات استفاده می‌کند در کتیبه بحرالمیت و عرفان اولیه یافت می‌شوند). این اصطلاحات در رابطه با دوالیسم میان نیکی و شیطانی هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۵، ۸: ۱۲، ۱۲: ۴۶) و احتمالاً کالبد در مقابل روح در دوالیسم عرفانی. این یکی از تصریحات ساده و در عین حال خدا شناسی عمیق یوحنا در مورد خدا است. سایرین عبارتند از: (۱) "خدا محبت است" (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۸ و ۱۶) و (۲) "خدا روح است" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۴). خانواده خدا، همانند عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۲، ۹: ۵)، باید منعکس کننده شخصیت او باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۴). این محبت، بخشش و خلوص تغییر یافته و تغییر دهنده زندگی، یکی از شواهد تغییر واقعی است.

■ "هیچ تاریکی در او نیست" در این عبارت دو نفی برای تأکید آمده است. این تصریحی است بر قابل تغییر نبودن شخصیت خدا (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۶: ۱۶، یعقوب ۱: ۱۷، مزمور ۱۰۲: ۲۷، ملاکی ۳: ۶).

۱: ۶ "اگر بگوییم" این یکی از چندین عبارت شرطی نوع سوم است که اشاره به ادعاهای معلمین دروغین دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۸ و ۱۰، ۲: ۴ و ۶ و ۹). این اظهارات تنها راه برای شناسایی و تصریح معلمین دروغین است. به نظر می‌رسد آنها عرفای اولیه باشند.

به تکنیک ادبی یک چنین اعتراضی سخن تلخ گفته می‌شود. این شیوه مطرح کردن حقیقت در قالب سوال و جواب بود. این شیوه را می‌توان به وضوح در ملاکی (مراجعه شود به ملاکی ۱: ۲ و ۶ و ۷ و ۱۲، ۲: ۱۴ و ۱۷، ۳: ۷ و ۱۴) و در رومیان (مراجعه شود به رومیان ۲: ۳ و ۱۷ و ۲۱ الی ۲۳، ۳: ۱ و ۷ الی ۸ و ۹ و ۳۱، ۴: ۱: ۶، ۱: ۷) دید.

■ "بگوییم با او رفاقت داریم" یونانیان ادعا می‌کردند که رفاقت فقط بر اساس دانش و آگاهی است. این یکی از ابعاد فلسفه یونانی افلاطون بود. با این وجود، یوحنا تصریح می‌کند که مسیحیان باید همانند مسیح زندگی کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۷، لایوان ۱۹: ۲، ۲۰: ۷، انجیل متی ۵: ۴۸).

■ "حال آنکه در تاریکی گام می‌زنیم" "گام می‌زنیم" وجه شرطی حال فعال است. این یک استعاره انجیلی است که به شیوه زندگی بر اساس اخلاقیات اشاره می‌کند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱ و ۱۷، ۵: ۲ و ۱۵). خدا نوری بدون هیچگونه تاریکی است. فرزندانش هم باید مثل او باشند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸).

■ "دروغ می‌گوییم و به راستی عمل نمی‌کنیم" اینها هر دو افعال زمان حال هستند. یوحنا چندین گروه از مردمان مذهبی را دروغگو خطاب می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱۰، ۲: ۴ و ۴، ۲۲: ۴، ۲۰: ۴، اشعیا ۲۹: ۱۳). اعمال و شیوه زندگی واقعا قلب انسان را نشان می‌دهند. (مراجعه شود به انجیل متی ۷). موضوع خاص: حقیقت در نوشته‌های یوحنا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ را مطالعه کنید.

۱: ۷ "اما اگر در نور گام برداریم" این زمان حال دیگر است که بر تداوم و ادامه عمل تأکید می‌کند. "قدم زدن" یک استعاره عهد جدیدی برای زندگی مسیحی است (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱ و ۱۷، ۵: ۲ و ۱۵).

نوجه کنید که چگونه در اغلب موارد گام برداشتن و افعال زمان حال چگونه به زندگی مسیحی مرتبط هستند. حقیقت چیزی است که ما با آن زندگی می‌کنیم نه اینکه چیزی باشد که از آن اطلاع داشته باشیم! حقیقت یک مفهوم کلیدی در انجیل یوحنا است. موضوعات خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

■ "چنانکه او در نور است" مومنین باید همانند خدا فکر کنند و زندگی کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸). ما باید منعکس کننده شخصیت او بر جهان گمراه باشیم. رستگاری بازایی چهره خدا بر نوع بشر است (پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷)، که با سقوط انسان در پیدایش ۳ آسیب دید.

■ "یکدیگر رفاقت داریم" اصطلاح رفاقت ترجمه اصطلاح یونانی *koinōnia* است، که به معنی حضور و نزدیک بودن دو فرد می‌باشد (به موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۱: ۳ مراجعه کنید). مسیحیت بر اساس به اشتراک گذاشتن شیوه زندگی مسیح است. اگر ما زندگی او را در بخشش دیگران بپذیریم، پس ما باید بشارت محبت کردن او را هم بپذیریم (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶). شناختن خدا یک حقیقت جزمی نیست، بلکه با شروع رفاقت و زندگی خداپسندانه شروع می‌شود. هدف مسیحیت نه فقط پس از مرگ به بهشت رفتن است بلکه اینک همانند مسیح زندگی کردن هم هست. کفار یونانی گرایش به انحصارطلبی داشتند. با این وجود، وقتی کسی به صورت درست با خدا ارتباط برقرار کند، به صورت درست هم با دوستان مسیحی ارتباط برقرار می‌کند. فقدان محبت نسبت به دیگر مسیحیان یک نشانه بارز از وجود مشکل در رابطه ما با خدا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۲۰ الی ۲۱، و همچنین انجیل متی ۵: ۷، ۶: ۱۴ الی ۱۵، ۱۸: ۲۱ الی ۳۵).

■ **"خون عیسی"** این اشاره به مرگ ناشی از قربانی شدن مسیح دارد (مراجعه شود به اشعیا ۵۲: ۱۳ الی ۵۳، انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱). این بسیار شبیه به ۲: ۲ است، "با فداکاری کفاره دادن (استمالت) برای گناهان ما". این است تأکید یحیی تعمید دهنده "این است بره خدا که گناه از جهان برمی‌گیرد" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۲۹). یک معصوم بجای یک گناهکار مرد!

عرفای اولیه انسان بودن عیسی را انکار می‌کردند. ذکر خون عیسی توسط یوحنا تأکیدی بر انسان واقعی بودن عیسی دارد. در رابطه با نام، تفاوت‌هایی در نسخ دستنویس وجود دارند

۱. عیسی - NET, REB, NJB, NRSV, NASB

۲. مسیح - C, B, MSS

۳. عیسی مسیح - NKJV

این مثالی است که توسط Bart D. Ehrman در *The Orthodox Corruption of Scripture*، صفحه ۱۵۳ استفاده شده تا نشان دهد چگونه نسخ دستنویس اولیه سعی داشتند تا متن دقیقتر بوده و بتوانند مردها را رد کنند. گزینه شماره ۳ تلاشی بود به عنوان میانجی با نسخه MSS.

■ **"ما را از هر گناه پاک می‌سازد"** این زمان حال اخباری فعال است. اصطلاح "گناه" مفرد بوده و هیچ حرف اضافه‌ای ندارد. این دلالت بر هر گونه گناه دارد. توجه کنید که این آیه تمرکزش بر یکبار پاک شدن گناهان نیست (رستگاری، اول یوحنا ۱: ۷). بلکه پاک ساختن مستمر است (زندگی مسیح گونه، اول یوحنا ۱: ۹). هر دو بخشی از تجربه مسیحیت هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۰).

۸: ۱ **"اگر بگوییم بَری از گناهیم"** این یک جمله شرطی نوع سوم دیگر است. گناه یک واقعیت معنوی در دنیای سقوط کرده در گناه است، حتی برای مومنین (مراجعه شود به رومیان ۷) است. انجیل یوحنا اغلب این مسئله را بیان می‌دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۹: ۴۱، ۱۵: ۲۲ و ۲۴، ۱۹: ۱۱). این آیه تمامی ادعاهای باستانی و جدید را که ادعای مسئولیت فردی و اخلاقی دارند را رد می‌کند.

■ **"خود را فریب داده‌ایم"** جمله یونانی به رد کردن فردی و آزادی حقیقت اشاره می‌کند، نه نادیده انگاشتن آن.

■ **"راستی در ما نیست"** راه پذیرش توسط خدای مقدس انکار کردن نیست، بلکه قبول کردن گناهانمان و پذیرش شرط او در مسیح است (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱). راستی می‌تواند به پیام درباره عیسی یا شخص عیسی اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

۸ و ۹ **"اگر"** اینها هر دو جمله شرطی نوع سوم هستند که به معنی احتمال وقوع رخداد هستند.

۹: ۱ **"اعتراف"** این یک اصطلاح مرکب یونانی است که از "سخن گفتن" و "مشابه" می‌آید. مومنین همچنان با خدا موافق هستند که آنها تقدس او را خدشه‌دار کرده‌اند (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۳). زمان آن حال است، که دلالت بر عمل در حال وقوع دارد. اعتراف دلالت بر این موارد دارد:

۱. انواع مشخصی از گناهان (اول یوحنا ۱: ۹)

۲. پذیرش گناهان در ملا عام (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۳۲، یعقوب ۵: ۱۶)

۳. دوری کردن از گناهان خاص (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۶، انجیل مرقس ۱: ۵، اعمال رسولان ۱۹: ۱۸، یعقوب ۵: ۱۶)

در اول یوحنا اغلب از این اصطلاح استفاده شده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۹، ۴: ۲ و ۳ و ۱۵، دوم یوحنا ۷). مرگ عیسی وسیله‌ای برای بخشش است ولی انسان گناهکار باید پاسخ دهد و با حفظ ایمانش به آن ادامه دهد تا نجات یابد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶). **موضوع خاص: اعتراف** در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۹: ۲۲ الی ۲۳ را مطالعه کنید.

■ **"گناهان ما"** به جمع بودن کلمه دقت کنید. اشاره به گناهان خاصی دارد.

■ **"او که امین است"** این اشاره به خدای پدر دارد (مراجعه شود به تثنیه ۷: ۹، ۳۲: ۴، مزمور ۳۶: ۵، ۴۰: ۱۰، ۸۹: ۱ و ۲ و ۵ و ۸، ۹۲: ۲، ۱۱۹: ۹۰، اشعیا ۴۹: ۷، رومیان ۳: ۳، اول قرنتیان ۱: ۹، ۱۰: ۱۳، دوم قرنتیان ۱: ۱۸، اول تسالونیکیان ۵: ۲۴، دوم تیموتائوس ۲: ۱۳). شخصیت پدر غیر قابل تغییر، با ثبات، بخشنده، و امین خدا مطمئن‌ترین امید است! این عبارت با ثبات بودن کلام خدا را تشدید می‌کند (مراجعه شود به عبرانیان ۱۰: ۱۱، ۲۳: ۱۱). این هم می‌تواند به وعده پیمان جدید که در ارمیا ۳۱: ۳۴ داده شد که قول بخشش از گناهان را داده بود اشاره داشته باشد.

■ **"و عادل است"** این اصطلاح نامعمول در متن در رابطه با خدای مقدس، آزادانه مردم غیر مقدس را می‌بخشاید. با این وجود، از دیدگاه خداشناسی درست است زیرا خدا گناهان ما را جدی می‌گیرد، اما ابزاری هم برای بخشایش با جایگزین شدن مرگ مسیح فراهم می‌آورد (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱). موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۲۹ را مطالعه کنید.

■ "می‌آمرد .... پاکمان می‌سازد" اینها هر دو وجه شرطی آئوریست فعال هستند. این دو اصطلاح در این متن مترادف هستند آنها هر دو به رستگاری فرد گمراه و پاکسازی مستمر که برای رفاقت با خدا ضروری هستند اشاره می‌کنند (مراجعه شود به اشعیا ۱: ۱۸، ۳۸: ۱۷، ۴۳: ۲۵، ۴۴: ۲۲، مزمور ۱۰۳: ۳ و ۱۱ الی ۱۳، میکاه ۷: ۱۹). معلمین دروغین که انجیل را انکار کردند، به رستگاری نیاز داشتند. مومنین که همچنان به ارتکاب گناه ادامه می‌دهند، به تجدید حیات رابطه دوستی نیاز دارند. به نظر می‌رسد که یوحنا گروه نخست را به صورت ضمنی و به گروه دوم را به صراحت مورد خطاب قرار می‌دهد.

۱۰: ۱ "اگر ما بگوئیم" به یادداشت مربوط به اول یوحنا ۱: ۶ مراجعه کنید.

■ "گناه نکرده‌ایم" این زمان کامل اخباری فعال است و دلالت بر این دارد که فرد هرگز نه در گذشته و نه در حال گناه نکرده است. اصطلاح "گناه" مفرد بوده و به گناه در کل اشاره می‌کند. معنی اصطلاح یونانی "از دست دادن نشان" است. این یعنی که گناه چیزهای اضافه و حذف شده در کلام خدا است. معلمین دروغین ادعا می‌کردند رستگاری فقط در ارتباط با دانش و آگاهی است و نه در زندگی.

■ "او را دروغگو جلوه می‌دهیم" انجیل بر پایه گناه آلود بودن تمام نسل نشر است (مراجعه شود به رومیان ۳: ۹ الی ۱۸ و ۲۳، ۵: ۱، ۱۱: ۳۲). یا خدا (مراجعه شود به رومیان ۳: ۴) و یا آنها که ادعای بیگناهی دارند، دروغگو هستند.

■ "کلام او در ما جایی ندارد" این شامل جنبه دوگانه اصطلاح *logos* است، هم به عنوان پیام و هم به عنوان فرد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱ و ۸، انجیل یوحنا ۱۴: ۶). یوحنا اغلب از این به عنوان "حقیقت" اشاره می‌کند.

■ "ای فرزندانم" یوحنا از دو اصطلاح کوچک متفاوت برای فرزندان در اول یوحنا استفاده می‌کند:

۱. *teknion* (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱ و ۱۲ و ۳: ۷ و ۱۸، ۴: ۴، ۵: ۲۱، انجیل یوحنا ۱۳: ۳۳)

۲. *paidion* (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۴ و ۱۸)

اینها هر دو با هم مترادف هستند و هیچگونه وجه تمایز الهیاتی با یکدیگر ندارند. این اصطلاحات محبت آمیز، احتمالاً ناشی از سن بالای یوحنا در زمان نگارش بوده است.

عیسی از اصطلاح "فرزندان" برای اشاره به شاگردان در انجیل یوحنا ۱۳: ۳۳ استفاده کرده است.

■ "این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید" این وجه شرطی آئوریست فعال است. یوحنا تمایز مشخصی میان زمان حال، شیوه گناه کردن به صورت عادی در زندگی روزمره (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۶ و ۹) و اعمال گناه فردی که برای وسوسه مسیحیان صورت می‌گیرد، قائل می‌شود. او تلاش می‌کند که تعادلی میان این دو حد نهایت ایجاد کند:

۱. گناه کوچک انجام دادن (مراجعه شود به رومیان ۶: ۱، اول یوحنا ۱: ۸ الی ۱۰، ۳: ۶ الی ۹، ۵: ۱۶)

۲. خشونت مسیحی و شکنندگی بر پایه گناهان فردی

این دو نهایت احتمالاً منعکس کننده دو مکتب آموزشی عرفان هستند. یک گروه احساس می‌کرد که رستگاری یک موضوع روشنفکرانه است، مهم نیست چگونه فرد زندگی می‌کند زیرا کالبد شیطنانی است. گروه دیگر عرفا هم باور داشتند که کالبد شیطنانی است و بنابراین باید نیازها را محدود کرد.

■ "اما اگر کسی گناهی کرد" این عبارت شرطی درجه سوم است که از احتمال وقوع رخدادی سخن می‌گوید. حتی گناهان مسیحیان (مراجعه شود به رومیان ۷).

■ "شفیعی نزد پدر داریم" این زمان حال اخباری است که اشاره به شفاعت مداوم عیسی به عنوان حامی بهشتی داشته (*paraklētos*) و یک اصطلاح قانونی برای وکلای مدافع یا "همراهی که برای کمک فراخوانده شده" (از *para*، به اضافه *kaleō*، صدا زدن یا فراخواندن) است. این اصطلاح در گفتگوهای اتاق طبقه بالا در انجیل یوحنا، برای روح القدس، و حامی زمینی ما استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ و ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۷). با این وجود، این اصطلاح تنها برای عیسی استفاده شده است (هر چند بر انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶، رومیان ۸: ۳۴، عبرانیان ۴: ۱۴ الی ۱۶، ۷: ۲۵، ۹: ۲۴ هم دلالت دارد). پولس از مفهوم مشابه برای شفاعت مسیح در رومیان ۸: ۳۴ استفاده کرد. در همین متن، او همچنین از شفاعت روح القدس در رومیان ۸: ۲۶ سخن می‌گوید. ما شفیعی در بهشت داریم (عیسی) و شفیعی در میانمان (روح القدس) که هر دوی اینها را پدر دوست داشتنی از طرف خود فرستاده است.

■ "یعنی عیسی مسیح پارسا" این مشخصه در رابطه با خدای پدر در اول یوحنا ۱: ۹ استفاده شده است. نویسندگان عهد جدید از شیوه‌های نگارشی متعدد برای تصریح الهی بودن عیسی استفاده می‌کنند.

۱. عنوانی که برای خدا استفاده شده برای عیسی هم استفاده شده

۲. بیان کارهای خدا که توسط عیسی انجام شده است

۳. استفاده از عبارات همسو از نظر دستور زبانی که به هر دو اشاره دارند (فاعل یا مفعول فعل)

از بدون گناه بودن عیسی سخن می‌گوید (مقدس، همانند خدا بودن) مسیح (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۲: ۱۸، ۴: ۱۵، ۷: ۲۶، اول پطرس ۲: ۲۲). او ابزار پدر بود تا برای مردم پارسایی را به ارمغان آورد.

۲:۲

**NASB, NKJV** "او خودش عامل بخشوده شدن گناهان ما است"  
**NRSV** "او قربانی جایگزین برای گناهان ما است"  
**TEV** "مسیح خود ابزاری است که توسط او گناهان ما بخشوده می‌شود"  
**NJB, RSV** "او قربانی برای بخشش گناهان ما است"

اصطلاح *hilasmos* در انجیل Septuagint برای هدایت کشتی پیمان استفاده شده و به آن صندلی رحمت یا مکان کفاره گفته می‌شود. عیسی خود را بجای ما گناهکاران در برابر خدا قرار داد (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۰، رومیان ۳: ۲۵).

در دنیای یونان-روم این کلمه به مفهوم احیا دوستی با خدای متعال و پرداخت بهای آن است، ولی مفهوم این کلمه در انجیل Septuagint چنین نیست (به خاطر داشته باشید که نگارندگان انجیل به استثنای لوقا تفکر عبری داشتند که به یونانی کوبین می‌نوشتند). این کلمه در انجیل Septuagint و عبرانیان ۹: ۵ استفاده شده و ترجمه‌ای که برای آن به کار رفته "صندلی رحمت" است، که کشتی پیمان را که در قدس الاقداس معبد اورشلیم قرار دارد، مکانی که قربانیان در روز کفاره از طرف مردم اهدا می‌شوند (مراجعه شود به لایوان ۱۶).

با این اصطلاح باید به نحوی برخورد شود که نفرت خدا از گناه را کاهش ندهد، اما نگرش مثبت رستگاری او نسبت به گناهکاران را تأیید کند. بحث جالبی در کتاب جیمز استوارت "مردی در مسیح"، صفحه ۲۱۴-۲۲۴ وجود دارد. یکی از راههای انجام این کار این است که اصطلاح را ترجمه کنید تا کار خداوند در مسیح را نشان دهد: "قربانی جایگزین" یا "قربانی با اختیار جایگزینی".

ترجمه‌های انگلیسی مدرن در چگونگی ترجمه اصطلاح قربانی تفاوت‌هایی دارند. اصطلاح "جایگزین" دلالت بر این دارد که عیسی خشم خدا را تسکین داد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۸، ۵: ۹، افسسیان ۵: ۶، کولسیان ۳: ۶). به تقدس خدا با گناه کردن نوع بشر اهانت شد. با بشارت عیسی به این مسئله رسیدگی شد (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۵، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۲: ۱۷).

برخی اساتید (مانند C. H. Dodd) احساس می‌کنند که کفار (یونانیان) مفهوم (تسکین دادن خشم خدا) را نباید به یهوه دلالت داد، بنابراین اصطلاح "کفاره دادن" را ترجیح می‌دهند که بشارت عیسی با گناهان نوع بشر در برابر خدا را نشان می‌دهد. با این وجود، از لحاظ انجیلی هر دو درست هستند.

■ "او خود کفاره گناهان ما است، و نه گناهان ما فقط، بلکه گناهان تمامی جهان نیز" این اشاره به کفاره به میزان نامحدود دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۴، انجیل یوحنا ۱: ۲۹، ۳: ۱۶ و ۱۷، ۱۲: ۴۷، رومیان ۵: ۱۸، اول تیموتائوس ۴: ۱۰، تیتوس ۲: ۱۱، عبرانیان ۲: ۹، ۷: ۲۵). عیسی برای گناه و گناهان تمام جهان مرد (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۱۵). گناه تنها چیزی نیست که جهان را از نجات و رستگاری دور نگاه می‌دارد، بلکه بی‌ایمانی هم هست. با این وجود، انسانها باید با ایمان، توبه و استقامت پاسخ دهند و به آن پایبند باشند.

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. چرا یوحنا افعال زیادی را در رابطه با ۵ حس استفاده می‌کند؟
۲. اصطلاحات مربوط به قربانی کردن که در اول یوحنا ۱: ۷ و ۹ یافت می‌شوند را فهرست کنید.
۳. باورهای مرتدتها را که یوحنا با آنها مبارزه می‌کرد، توضیح دهید
۴. چگونه اول یوحنا ۱: ۹ با عرفان و مومنین در ارتباط است؟

## اول یوحنا ۲: ۳ الی ۲۷

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
مسیح مدافع ما	مبنای رفاقت با او (۱: ۵ الی ۲: ۲)	اطاعت	مسیح یاور ما	در نور قدم زدن (۱: ۵ الی ۲: ۲۸) شرط اول: کار گذاشتن گناه (۱: ۸ الی ۲: ۳)
۲: ۱ الی ۶	آزمایش شناختن او	۲: ۱ الی ۲	۲: ۱ الی ۲	شرط دوم: پایبندی به احکام، به خصوص محبت کردن ۲: ۳ الی ۱۱
حکم جدید	۲: ۳ الی ۱۱	۲: ۳ الی ۶	۲: ۳ الی ۶	۲: ۳ الی ۱۱
۲: ۷ الی ۱۴	وضعیت روحانی آنها	به یکدیگر محبت کردن ۲: ۷ الی ۱۱	حکم جدید ۲: ۷ الی ۸	شرط سوم: دل‌کندن از دنیا ۲: ۱۲ الی ۱۷
	۲: ۱۲ الی ۱۴	۲: ۱۲ الی ۱۴	۲: ۱۲ الی ۱۳	
	عاشق دنیا نباشید	ارزیابی واقعی جهان	۲: ۱۴	
۲: ۱۵ الی ۱۷	۲: ۱۵ الی ۱۷	۲: ۱۵ الی ۱۷	۲: ۱۵ الی ۱۷	شرط چهارم: آمادگی بر علیه دشمنان مسیح
ضد مسیح	نیرنگهای آخرین ساعت	وفاداری به ایمان واقعی	دشمن مسیح	
۲: ۱۸ الی ۲۵	۲: ۱۸ الی ۲۳	۲: ۱۸ الی ۲۵	۲: ۱۸ الی ۱۹	۲: ۱۸ الی ۲۸
	سعی کنید حقیقت در شما پایدار بماند		۲: ۲۰ الی ۲۱	
	۲: ۲۴ الی ۲۷		۲: ۲۲ الی ۲۳	
۲: ۲۶ الی ۲۷		۲: ۲۶ الی ۲۷	۲: ۲۴ الی ۲۵	
			۲: ۲۶ الی ۲۷	

#### چرخه سوم مطالعه

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف
۴. و غیره

#### بینش متنی نسبت به آیات ۲: ۳ الی ۲۷

A. به سختی می‌توان طرح کلی اول یوحنا را به واسطه موضوعات تکراری ترسیم کرد. با این وجود، اکثر مفسرین موافق هستند که فصل ۲ ادامه موضوعات فصل ۱ است، که مشخصه‌های رفاقت با خدا را هم مثبت و هم منفی در بر می‌گیرد.

B. یک ساختار همسو میان فصلهای ۱ و ۲ وجود دارد. یوحنا پیامی را بر علیه عرفان ارائه می‌دهد.

### فصل ۱

### فصل ۲

۱. اگر می‌گوئیم... (اول یوحنا ۲: ۶ الی ۷) ۱. آن که می‌گوید... (اول یوحنا ۲: ۴ الی ۵)
۲. اگر می‌گوئیم... (اول یوحنا ۲: ۸ الی ۹) ۲. آن که می‌گوید... (اول یوحنا ۲: ۶)
۳. اگر می‌گوئیم... (اول یوحنا ۲: ۱۰) ۳. آن که می‌گوید... (اول یوحنا ۲: ۸ الی ۱۱)

C. این متن چندین آزمون و مدرک که ماهیت واقعی مومن را نشان می‌دهند ارائه می‌کند (اول یوحنا ۲: ۳ الی ۲۵)

۱. تمایل در اعتراف به گناه (در آغاز و ادامه آن) (اول یوحنا ۱: ۸)
۲. شیوه زندگی مطیعانه (اول یوحنا ۲: ۳ الی ۶)
۳. زندگی همراه با محبت (اول یوحنا ۲: ۷ الی ۱۱)
۴. غلبه بر شیطان (اول یوحنا ۲: ۱۲ الی ۱۴)
۵. چشم پوشی از دنیا (اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷)
۶. پایداری (اول یوحنا ۲: ۱۹)
۷. دکتترین درست (اول یوحنا ۲: ۲۰ الی ۲۴، ۴: ۱ الی ۳)

D. مفاهیم خاص خدانشناسی (در اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹)

۱. "ساعت آخر" (اول یوحنا ۲: ۱۸)

a. این عبارت و عبارات مشابه، همانند "آخرین روزها"، اشاره به دوره زمانی از تولد عیسی در بیت‌الحم تا بازگشت مجدد او دارند. پادشاهی آمده است، ولی هنوز به صورت کامل تحقق نیافته است.

b. مردم اسرائیل در طول دوره *interbiblical* شروع به زندگی در دو عصر کردند، عصر حاضر شیطانی و عصر عدالت که روح آن را هدایت می‌کند، و هنوز آینده تلقی می‌شود. آنچه که عهد عتیق به وضوح مشخص نکرد، دو بار آمدن مسیح است، بار اول به عنوان ناجی و نجات دهنده و بار دوم به عنوان تحقق دهنده به آن. این دو عصر همپوشانی دارند. موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۷ را مطالعه کنید.

c. این استفاده استعاره‌ای از اصطلاح "ساعت" (*kairos*) به عنوان یک دوره زمانی نامشخص است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۱ و ۲۳، ۵: ۲۵ و ۲۸، ۱۶: ۲).

۲. ضد مسیح (اول یوحنا ۲: ۱۸)

فقط یوحنا از اصطلاح ضد مسیح استفاده می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸ و ۲۲، ۴: ۳، دوم یوحنا ۷). توجه کنید که در اول یوحنا ۲: ۱۸ هم مفرد و هم به صورت جمع استفاده شده است (مراجعه شود به دوم یوحنا ۷).

a. اینها اشاراتی هستند که فرد آخر زمان در نوشته‌های انجیلی سایر نویسندگان

۱. دانیال - دیو چهارم (مراجعه شود به اول یوحنا ۷: ۷ الی ۸ و ۲۳ الی ۲۶، ۹: ۲۴ الی ۲۷)

۲. عیسی - مکروه و برانگر (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۳، انجیل متی ۲۴)

۳. یوحنا - هیولا از دریا بیرون می‌آید (مراجعه شود به مکاشفه ۱۳)

۴. پولس - انسان گناه - مراجعه شود به دوم تسالونیکیان (۲)

b. یوحنا هم میان فرد اسکاتولوژیک و روح یا گرایشی که همیشه در جهان حاضر است تمایز قائل می‌شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸، ۴: ۳، دوم یوحنا ۷، انجیل مرقس ۱۳: ۶ و ۲۲، انجیل متی ۲۴: ۵ و ۲۴)

c. پیشوند *anti* در زبان یونانی می‌تواند به معنی (۱) ضد و یا (۲) بجای باشد. این نکته به همان میزان که استفاده مفرد و جمع کلمه در اول یوحنا ۲: ۱۸ اهمیت داشت، اهمیت دارد. تاریخ تکرار کسانی است که بر ضد خدا و مسیح او بودند.

۱. آنتیوخوس اپیفانس (شیپور کوچک دانیال ۸، ۱۱: ۳۶ الی ۴۵)

۲. نرون و دمتیان (ادعای خدایی می‌کردند ولی نه مسیح بودن)

۳. کمونیسم ضد خدا

۴. انسان‌گرایی سکولار

اما این موضوع همچنین بر کسانی که ضد مسیح نیستند، ولی ادعای مسیح بودن دارند هم دلالت دارد (شماره ۲)

۱. معلمین دروغین انجیل مرقس ۱۳: ۶ و ۲۲ و انجیل متی ۲۴: ۵ و ۲۴

۲. رهبران فرقه‌های مدرن

۳. ضد مسیح (دانیال ۷: ۸ و ۲۳ الی ۲۶، ۹: ۲۴ الی ۲۷، دوم تسالونیکیان ۲: ۳، و مکاشفه ۱۳)

d. مسیحیان در هر عصری با معلمین دروغینی برخورد خواهند کرد که منکر مسیح هستند و مسیح‌های دروغینی که مسیح نیستند. با این وجود، در آخرین روز، یک تولد شیطانی (ضد مسیح) هر دو را انجام خواهد داد!

۳. "ایستادگی در شما" (اول یوحنا ۲: ۱۹ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۸)

a. بیشتر مبلغین نیاز به تصمیم اولیه فردی در اعتماد/ایمان/باور در مسیح را اظهار می‌دارند، و این بطور یقین درست است. با این وجود،

تاکید انجیل بر تصمیم نیست بلکه بر شاگردی است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۹ الی ۲۰)

b. دکترین امنیت مومن باید به صورت جدایی ناپذیر با دکترین پایداری مرتبط باشد. موضوع خاص: استقامت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ را مطالعه کنید این یک گزینه یا این یا آن نیست، بلکه یک واقعیت دوگانه انجیلی است. در واقعیت، "پایداری" یک هشدار انجیلی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵)!

c. سایر متون در مورد پایداری عبارتند از انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۱۲: ۱ الی ۹ و ۱۸ الی ۲۳، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳، انجیل یوحنا ۸: ۳۱، ۱۵: ۱ الی ۲۷، اول قرنتیان ۱۵: ۲، غلاطیان ۶: ۱، مکاشفه ۲: ۲ و ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱، ۲۱: ۷. موضوع خاص: استقامت در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید.

### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: اول یوحنا ۲: ۳ الی ۶

"از این جا می‌دانیم او را می‌شناسیم که از احکامش اطاعت می‌کنیم. آن که می‌گوید او را می‌شناسد، اما از احکامش اطاعت نمی‌کند، دروغگوست و راستی در او جایی ندارد. اما آن که از کلام او اطاعت می‌کند، محبت به خدا برآستی در او به کمال رسیده است. از این جا می‌دانیم که در او هستیم: آن که می‌گوید در او می‌ماند، باید همان‌گونه رفتار کند که عیسی رفتار می‌کرد.

۳: "از این جا می‌دانیم او را می‌شناسیم" در مفهوم وقتی، این جمله می‌گوید "می‌دانیم که او را شناخته‌ایم". این زمان حال فعال اخباری دلالتی است که در پی آن یک زمان کامل اخباری آمده و تاکید می‌کند که مسیحیان این کلیساهای آسیب دیده می‌توانند اطمینان کامل بر رستگاری در نور تعالیم معلمین دروغین عرفان داشته باشند.

کلمه "شناختن" در مفهوم عبری آن به معنی رابطه فردی استفاده شده است (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱، ارمیا ۱: ۵) و مفهوم یونانی آن حقایق و واقعیات درباره چیزی یا فردی است. انجیل هم فرد و هم کالبد حقیقت است. در این عبارت بر موارد زیر تاکید می‌شود:

۱. می‌توانیم خدا را بشناسیم

۲. می‌توانیم بفهمیم او برای زندگی ما چه می‌خواهد

۳. می‌توانیم بدانیم که می‌دانیم! (مراجعه شود به اول یوحنا ۱۵: ۳)

یکی از تضمینهای رابطه ما با خدا در اعمال و انگیزه‌هایمان آشکار می‌گردد (مراجعه شود به انجیل متی ۷)، یعقوب، اول پطرس). این موضوع تکراری در اول یوحنا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳ و ۵، ۳: ۲۴، ۴: ۱۳، ۵: ۲ و ۱۳).

یوحنا در نوشته‌ها خود از دو کلمه یونانی برای "شناختن" استفاده می‌کند (*oida* و *ginōskō*) که اغلب (۲۷ مرتبه در ۵ فصل اول اول یوحنا) با یکدیگر مترادف هستند. به نظر می‌رسد هیچ تمایز معنایی قابل تشخیصی در زبان یونانی کوبین میان این دو اصطلاح وجود ندارند. این یک انتخاب سلیقه‌ای است. همچنین خیلی جالب است که یوحنا از اصطلاح شدیدتر *epiginōskō* استفاده نکرده است.

یوحنا برای تشویق مومنین و رد کردن مرتدها می‌نویسد. انجیل یوحنا و اول یوحنا از اصطلاح شناختن بیش از سایر دیگر کتابهای عهد جدید استفاده می‌کند. اول یوحنا کتاب تضمین بر اساس دانش انجیل و تحقق یافتن شیوه زندگی در محبت و اطاعت است (مراجعه شود به کتاب یعقوب).

■ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع رخداد می‌باشد.

■ "از احکامش اطاعت می‌کنیم" به عنصر شرطی توجه کنید (وجه شرطی حال فعال). در خصوص پیشنهاد خدا، پیمان بی قید و شرط است ولی در خصوص توبه از روی ایمان نوع بشر و پاسخ همراه با اطاعت، مشروط است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳ الی ۵، ۳: ۲۲ و ۲۴، ۵: ۲ و ۳، انجیل یوحنا ۸: ۵۱ الی ۵۲، ۱۴: ۱۵ و ۲۱ و ۲۳، ۱۵: ۱۰، مکاشفه ۲: ۲۶، ۳: ۸ و ۱۰، ۱۲: ۱۴، ۱۷: ۱۲). یکی شواهد پاسخ واقعی پیروی در نور است (هم عیسی و هم انجیل، مراجعه شود به انجیل لوقا ۶: ۴۶). حتی در عهد عتیق اطاعت بهتر از مراسم قربانی کردن بود (مراجعه شود به اول سموئیل ۱۵: ۲۲، ارمیا ۷: ۲۲ الی ۲۳). اطاعت



رستگاری مطمئنی به ارمغان نمی‌آورد، بلکه مدرکی برای رستگاری است. مبنا نیست (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۹)، بلکه ثمر است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۱۰).

■ "آن که می‌گوید" این یک انتقاد از جانب یوحنا به شکل یک انتقاد تلخ است.

■ "اورا می‌شناسد" این یکی از چندین تصریحات در مورد معلمین دروغین است (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۶ و ۸ و ۱۰، ۲: ۴ و ۶ و ۹). این یک کلام تند ("آن که می‌گوید") مشابه ملاکی، رومیان و یعقوب است. معلمین دروغین ادعای شناختن خدا می‌کردند (زمان کامل) ولی سعی می‌کردند رستگاری را از زندگی خداپسندانه تفکیک کنند. آنها عدالت را از تقدس جدا می‌کردند. آنها ادعای دانش والای خدا را می‌کردند ولی شیوه زندگی ایشان انگیزه‌های واقعی آنها را آشکار می‌ساخت.

■ "اما از احکامش اطاعت نمی‌کند" این صفت مفعولی کامل فعال است که از عمل شیوه زندگی به صورت عادت سخن می‌گوید. زندگی ما گرایش معنوی زندگیمان را آشکار می‌سازد (مراجعه شود به انجیل متی ۷). آیه ۴ حقیقت را به صورت منفی نشان می‌دهد در حالیکه آیه ۵ همان حقیقت را به شکل مثبت نشان می‌دهد.

■ "دروغگوست" هیچ چیز بدتر از فرد خود را فریب دهد. اطاعت مدرک ایمان واقعی است. باید آنها را از روی ثمره‌شان بشناسید (مراجعه شود به انجیل متی ۷).

یوحنا مردمان مذهبی مختلفی را (معلمین، واعظین) دروغگو خطاب می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۶، ۲: ۴ و ۲۲، ۴: ۲۰). آنها مذهبی هستند ولی در مسیر درست با خدا نیستند.

■ "اما آن که از کلام او اطاعت می‌کند" این وجه شرطی حال فعال است که سخن از شیوه زندگی به صورت عادت دارد. نویسندگان *UBS A Handbook on The Letters of John* (Haas, Jonge, Swellenrebel) تفسیر جالبی در مورد این ساختار یونانی ارائه می‌کنند. "یک ضمیر نسبی با حرف اضافه یونانی *an* یا *ean* و بدنبال آنها فعل به صورت وجه شرطی در اول یوحنا ۳: ۱۷ و ۲۲، ۴: ۱۵، ۵: ۱۵، سوم یوحنا تکرار می‌شود. به نظر می‌رسد این شیوه شرایطی را که در کل رخ می‌دهند، بیان می‌کند" (صفحه ۴۰). اطاعت جنبه حیاتی پیمان ایمان است. این محور پیام اول یوحنا و یعقوب است. کسی نمی‌تواند بگوید خدا را می‌شناسد و با این حال هم کلام زنده و هم کلام مکتوب را با شیوه زندگی آلوده به گناه انکار کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۶ و ۹).

■ "محبت به خدا برآستی در او به کمال رسیده است" این زمان مجهول کامل اخباری دلالتی است که از کامل شدن انجام عمل سخن می‌گوید (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۲ و ۱۷ و ۱۸). اگر از نظر دستور زبانی صحبت کنیم، مشخص نیست که حالت مضاف الیه از کدامیک از این موارد سخن می‌گوید:

۱. محبت خدا به ما (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۲)
۲. عشق ما به خدا (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۳)
۳. به طور کلی محبت خدا در قلبهای ما

اصطلاح کامل *telos* مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۲ و ۱۷ و ۱۸) یعنی بالغ، کامل یا به طور کامل تجهیز شده برای ماموریتی خاص (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۲) نه بدون گناه (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۸ و ۱۰).

■ "از این جا می‌دانیم که در او هستیم" در اینجا مجدداً بر توانایی مومنین در با اطمینان ایمان داشتن در رابطه خود با خدا تاکید می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۰ و ۲۳، ۱۵: ۴ الی ۱۰، ۱۷: ۲۱ و ۲۳ و ۲۶، اول یوحنا ۲: ۲۴ الی ۲۸، ۳: ۶ و ۲۴، ۴: ۱۳ و ۱۶).

۲: ۶ "می‌ماند" موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید. عهد جدید همچنین تصریح می‌کند که هم پدر و هم پسر در ما پایدار هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، و ۱۷: ۲۱). توجه کنید که در عبارتی که بر تضمین تاکید دارد نیازی برای آن وجود دارد و هشدار از الزام داده می‌شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۶، حال نامحدود، "در او پایدار است"). انجیل یک پیمان مشروط با حقوق و مسئولیتهای خاص است!

■ "باید همان‌گونه رفتار کند که عیسی رفتار می‌کرد" این یک تاکید دیگر بر ایمان واقعی به عنوان ایمان در شیوه زندگی است (مراجعه شود به یعقوب ۲: ۱۴ الی ۲۶). ایمان نه فقط یک تصمیم، بلکه رابطه مستمر با عیسی است که طبیعتاً منجر به شیوه زندگی به سبک عیسی می‌شود. زندگی جاویدان مشخصه‌های قابل مشاهده‌ای دارد. این با ۱: ۷ همسو است. هدف مسیحیت این نیست که وقتی مردیم به بهشت برویم بلکه این است که هم اکنون همانند عیسی زندگی کنیم (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹ الی ۳۰، دوم قرنتیان ۳: ۱۸، غلاطیان ۴: ۱۹، افسسیان ۱: ۴، اول تسالونیکیان ۳: ۱۳، ۴: ۳، اول پطرس ۱: ۱۵)! ما نجات می‌یابیم که خدمت کنیم. ما به ماموریت فرستاده می‌شویم همانطور که او فرستاده شد. همانطور که او جانش را به خاطر دیگران تقدیم کرد، ما هم باید همین کار را انجام دهیم، باید خود را به عنوان خدمتگزار ببینیم (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶).

"او" در اینجا به مفهوم "آن شخص خاص" است که در نوشته‌های یوحنا اصطلاح مرسوم است برای اشاره به عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲۱، ۱۹: ۳۵، اول یوحنا ۲: ۶، ۳: ۳ و ۵ و ۷ و ۱۶، ۴: ۱۷). اغلب این اصطلاح به شیوه خاصی به کار می‌رود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۷: ۱۱، ۹: ۱۲ و ۲۸، ۱۹: ۲۱).

اگر "آن فرد خاص" اشاره به عیسی دارد، پس "در او" به چه کسی اشاره می‌کند؟ یوحنا اغلب از ابهامات تعمدی استفاده می‌کند. می‌تواند به پدر اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۵ الی ۲ و ۹ الی ۱۰) یا به پسر (انجیل یوحنا ۱۵: ۴ الی ۶). همین ابهام را می‌توان در خصوص "آن مقدس" در اول یوحنا ۲: ۲۰ مشاهده کرد.

#### **NASB: اول یوحنا ۲: ۷ الی ۱۱**

<sup>۷</sup> ای عزیزان، حکمی تازه به شما نمی‌نویسم، بلکه حکمی دیرین که از آغاز داشته‌اید. این حکم دیرین، همان پیام است که شنیدید.<sup>۸</sup> در عین حال، حکمی که به شما می‌نویسم حکمی تازه است که حقیقت آن در او و نیز در شما نمایان است، زیرا تاریکی سپری می‌شود و نور حقیقی هم‌اکنون درخشیدن آغاز کرده است.

<sup>۹</sup> آن که می‌گوید در نور است اما از برادر خود نفرت دارد، هنوز در تاریکی به سر می‌برد.<sup>۱۰</sup> اما آن که برادر خود را محبت می‌کند، در نور ساکن است و در او هیچ سبب لغزش نیست.<sup>۱۱</sup> اما آن که از برادر خود نفرت دارد، در تاریکی است و در تاریکی گام برمی‌دارد. او نمی‌داند کجا می‌رود، زیرا تاریکی چشمانش را کور کرده است.

۲: ۷ "ای عزیزان" یوحنا اغلب خوانندگان را با اصطلاحات احساسی مورد خطاب قرار می‌دهد (مراجعه کنید به اول یوحنا ۲: ۱). این اصطلاح توسط پدر در زمان تعمید عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷) و تغییر شکل (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۵) استفاده شده است. این یک اسم متداول در نوشته‌های یوحنا برای نجات یافتن است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲ و ۲۱، ۴: ۱ و ۷ و ۱۱ و سوم یوحنا ۱ و ۲ و ۵ و ۱۱).

در *Textus Receptus* اصطلاح برادران نوشته شده (MSS K, L, NKJV) ولی از این اصطلاح فقط در اول یوحنا ۳: ۱۳ استفاده شده است. "ای عزیزان" در نسخ یونانی (A, B, C, P, Vulgate, Peshitta, Coptic, ۸) و ارمنی (پشتیبانی می‌شود به *A Textual Commentary On the Greek New Testament* اثر Bruce Metzger، صفحه ۷۰۸ مراجعه کنید).

■ "حکمی تازه به شما نمی‌نویسم" این یکی از مشخصه‌های نوشته‌های یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴، ۱۵: ۱۲ و ۱۷). حکم از بعد زمانی جدید نیست، ولی از لحاظ کیفیت جدید است. به مومنین فرمان داده می‌شود تا همانطور که عیسی به آنها محبت کرد، به یکدیگر محبت کنند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴).

حکم قدیمی را می‌توان به دو مفهوم درک کرد:

۱. قانون موسی (مراجعه شود به لاویان ۱۹: ۱۸)

۲. تعالیم عیسی که در انجیل یوحنا به ثبت رسیده‌اند (انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴، ۱۵: ۱۲ و ۱۷)

■ "حکم دیرین" در اول یوحنا ۲: ۳ کلمه "حکم/فرمان" جمع است، ولی در اینجا مفرد است. به نظر می‌رسد این دلالت بر آن داشته باشد که محبت به تمامی احکام تحقق می‌بخشد (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۲۲، اول قرنتیان ۱۳: ۱۳). محبت الزام انجیل است.

■ "که از آغاز داشته‌اید" این زمان غیر کامل فعال اخباری دلالتی است که اشاره به نخستین برخورد شنوندگان با پیام انجیل دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۴، ۱: ۱، ۳: ۱۱، دوم یوحنا ۵ الی ۶).

■ "شنیدید" *Textus Receptus* عبارت "از آغاز" را اضافه می‌کند. (در بخش پیشتر همین آیه استفاده شده است).

۲: ۸ "که حقیقت آن در او" نوع ضمیر استفاده شده از مونث در اول یوحنا ۲: ۷ که با حکم مطابقت دارد عوض شده است به خنثی تغییر یافته و در سراسر انجیل مورد استفاده قرار گرفته است. مشابه همین تغییر در نوع ضمیر در افسسیان ۲: الی ۹ هم دیده می‌شود.

■ "تاریکی سپری می‌شود" این زمان حال متوسط اخباری دلالتی است (بر طبق *Word Pictures in the New Testament* اثر A. T. Robertson، صفحه ۲۱۲). برای کسانی که خدا را در عیسی می‌شناسند، عصر جدید طلوع کرده است و به طلوع خود در قلبها و اذهان ادامه می‌دهد (اسکاتولوژی مشخص).

■ "نور حقیقی هم‌اکنون درخشیدن آغاز کرده است" عیسی نور جهان است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴ الی ۵ و ۹، ۸: ۱۲)، که استعاره‌ای برای حقیقت، رستگاری و خلوص اخلاقی و فکری است. به یادداشت مربوط به اول یوحنا ۱: ۵ و ۱: ۷ مراجعه کنید. عصر جدید طلوع کرده است!

۹: ۲ " اما از برادر خود نفرت دارد" این ضمیر فاعلی حال فعال است که از یک گرایش در حال انجام و ادامه سخن می گوید. نفرت یکی از شواهد تاریکی است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۱ الی ۲۶).

۱۰: ۲ "اما آن که برادر خود را محبت می کند، در نور ساکن است" افعال زمان حال بر این عبارت حاکم هستند. محبت یکی از شواهد رستگاری مومن و رابطه فردی با دانش حقیقت و نور است. این فرمان جدید و در عین حال قدیمی است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۱ و ۲۳، ۴: ۳ و ۱۱ و ۲۱).

#### موضوع خاص: مراسم تدفین

"و هیچ دلیلی برای لغزش در او نیست"	NASB, NKJV
"در چنین فردی دلیلی برای لغزش نیست"	NRSV
"هیچ چیزی در ما نیست که بتواند باعث شود فرد دیگری گناه کند"	TEV
"هیچ چیز در او نیست که به راه خطا برود"	NJB

دو احتمال برای ترجمه این آیه وجود دارد:

۱. مومنی که در محبت گام برمی دارد شخصا نمی لغزد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۱)
۲. مومنی که در محبت گام برمی دارد باعث به راه خطا رفتن فرد دیگری نمی شود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۸: ۶، رومیان ۱۴: ۱۳، اول قرنتیان ۱۳: ۸)

هر دو درست هستند. انجیل هم به نفع مومن است و هم دیگران (هم سایر مومنین و هم بی ایمانان و پیروان سایر ادیان).

در عهد عتیق "لغزش" در مقابل ایمان است (موضع پایدار). اراده و فرمان خدا با راه مشخص و روشن به تصویر کشیده شده است. به این شیوه است که "قدم زدن / گام برداشتن" می تواند به عنوان استعاره برای شیوه زندگی باشد.

موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق در انجیل یوحنا ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

۱۱: ۲ "اما از برادر خود نفرت دارد، هنوز در تاریکی به سر می برد" در اینجا "نفرت دارد" زمان حال فعال است که به دنبال آن زمان حال اخباری فعال دلالتی آمده است (به سر می برد/قدم می زند). نفرت نشانه ایمان نداشتن است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۵، ۴: ۲۰). نور و تاریکی، محبت و نفرت نمی توانند همزمان در یک فرد وجود داشته باشند. این یکی از اظهارات متداول سفید یا سیاه یوحنا است. او از ایده آن می گوید! اغلب، مومنین درگیر تعصب، بی محبتی و نادیده گرفته شدن هستند! انجیل تغییر همزمان و پیشرفت آن را به ارمغان می آورد.

■ "تاریکی چشمانش را کور کرده است" این می تواند یا به مومنین که همچنان در ماهیت گناه خود مانده اند اشاره داشته باشد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۵ الی ۹) و یا کارهای شیطان (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۴: ۴). سه دشمن برای نوع بشر وجود دارند: (۱) سیستم دنیای سقوط کرده، (۲) شخصیت و سوسه انگیز، یعنی شیطان، و (۳) طبیعت انسانی سقوط کرده خودمان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۲ الی ۳ و ۱۶، یعقوب ۴).

#### NASB: اول یوحنا ۲: ۱۲ الی ۱۴

۱۲ ای فرزندان، به شما می نویسم، زیرا گناهانتان به خاطر نام او آمرزیده شده است. ۱۳ ای پدران، به شما می نویسم، زیرا او را که از آغاز است، شناخته اید. ای جوانان، به شما می نویسم، زیرا بر آن شریر غلبه یافته اید. ای بچه ها، به شما می نویسم، زیرا پدر را شناخته اید. ۱۴ ای پدران، به شما می نویسم، زیرا او را که از آغاز است، شناخته اید. ای جوانان، به شما می نویسم، زیرا توانا اید و کلام خدا در شما ساکن است، و بر آن شریر غلبه یافته اید

۱۲: ۲ الی ۱۴ تمامی افعال در این آیات (به استثنای "می نویسم" [NASB 1970]، نوشته ام [NASB 1995]، UBS<sup>4</sup> به گزینه دوم رتبه A [یقین] می دهد) زمان کامل هستند، که از وقوع عملی در گذشته صحبت می کنند که منجر به ادامه وضعیت شده اند. همانطور که متن قبلی خطاب به معلمین دروغین بود، این متن خطاب به مومنین است. سه عنوان به مومنین اطلاع شده است: "فرزندان کوچک"، "پدران"، و "مردان جوان". این پاراگراف به راحتی در قالب شواهد شیوه زندگی و تضمین قرار نمی گیرد. ممکن است که ما با سه گروه سرو کار نداشته باشیم بلکه با وضعیتی که شرایط موجود مسیحیان را توصیف می کند سروکار داشته باشیم.

چهار چیز فهرست شده اند که مومنین از آنها آگاهی دارند:

۱. اینکه گناهانشان بخشیده می شوند (اول یوحنا ۲: ۱۲)
۲. اینکه از طریق عیسی بر شیطان غلبه می کنند (اول یوحنا ۲: ۱۳)

۳. اینکه می‌دانند با پدر (اول یوحنا ۲: ۱۴) و پسر (اول یوحنا ۲: ۱۳ و ۱۴) رابطه دوستانه دارند

۴. اینکه آنها در کلام خدا محکم و قوی هستند

به صورت دستور زبانی این در (۱) عبارت "به شما می‌نویسم" و شش *hoti* (برای اینکه) بیان شده است.

۲: ۱۲ "زیرا گناهانتان به خاطر نام او آمرزیده شده است" تنها امید برای بخشش بشارت عیسی است (زمان اخباری مجهول کامل). در درک زبان در زبان عبری، نام برابر با شخصیت فرا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲۳، دوم یوحنا ۷، رومیان ۱۰: ۱، ۱۳، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱).

یک مجموعه عبارات شش *hoti* در اول ۲: ۱۲ الی ۱۴ وجود دارند. آنها ممکن است عبارات هدف باشند (NJB, NRSV, NASB). "برای اینکه" یا خیلی ساده یک شیوه مفهومی برای بیان حقیقت (NET)، "که".

۲: ۱۳ "او را که از آغاز است" ضمیری که در اول یوحنا هستند، مبهم می‌باشند و می‌توانند به خدای پدر یا خدای پسر اشاره داشته باشند. در متن این به عیسی اشاره می‌کند. این یک بیان از پیش وجود داشتن است و بدینوسیله، خدایی بودن او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۱۵، ۳: ۱۳، ۸: ۴۷ الی ۵۹، ۱۷: ۵ و ۲۴، دوم قرنتیان ۸: ۹، فیلیپیان ۲: ۶ و ۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۱: ۳).

■ "بر آن شریب غلبه یافته‌اید" این وعده و هشدار است که مرتب در اول یوحنا تکرار می‌شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۴، ۴: ۵، ۵: ۱۸ الی ۱۹). این عبارت با زمان اخباری کامل فعال بیان شده است که صحبت از نقطه اول فرایند می‌کند. در اینجا، دوباره، یوحنا با اصطلاحات سیاه و سفید می‌نویسد (این پیروزی اسکاتولوژی تشخیص داده شده بیشتر یادآور انجیل یوحنا است). برندگان مومنین هستند، با این حال، به واسطه تنش "از پیش ولی نه هنوز" پادشاهی خدا، آنها همچنان درگیر گناه، وسوسه، آزار و اذیت و مرگ هستند.

■ "آن شریب" این اشاره به شیطان دارد، که مجدداً در اول یوحنا ۲: ۱۴ به آن اشاره شده است. آیات ۱۳ و ۱۴ همسو هستند. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "پدر را شناخته‌اید" مفهوم انجیلی "شناختن" شامل مفهوم عبری احساس رابطه فردی صمیمی (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۱، ۱: ۵) و مفهوم یونانی "حقایق در مورد" است. انجیل هم فردی است که (به عیسی) خیر مقدم می‌گوید، یک پیام (دکترین) برای پذیرش و عمل بر اساس آن و شیوه زندگی بر آن اساس است.

#### موضوع خاص: دانستن (بر مبنای تثنیه)

۲: ۱۴ "تواناید" توجه داشته باشید که قدرت آنان در اطاعت از کلام خدا است. این مشابه هشدارهای پولس در فاسسیان ۶: ۱۰ الی ۱۸ است. کلامی که باید از آن اطاعت شود انجیل است. هم مفهومی است و هم فردی، خدا قدم جلو گذاشت و فرد می‌پذیرد، هم تصمیم و هم شاگردی است، هر دو حقیقت و قابل اعتماد هستند.

■ "کلام خدا در شما ساکن است" این مفهوم کلام خدا را شخصی می‌کند (انجیل، مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۴). این اشاره به انجیل یوحنا ۱۵ است. در مفهوم منفی در انجیل یوحنا ۵: ۳۸ و ۸: ۳۷ استفاده شده است.

■ "بر آن شریب غلبه یافته‌اید" این تاکیدی بر استقامت قدیسان واقعی است. مجدداً این مفهوم در اول یوحنا ۲: ۱۷ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۸، ۵: ۱۸ و دوم یوحنا ۸ دیده می‌شود. دکنترین امنیت مومن نیاز به تعادل با این حقیقت دارد که آنانی که واقعا رستگار شده‌اند، تا پایان حفظ می‌شوند (مراجعه شود به مکاشفه ۲: ۷ و ۱۱ و ۱۷ و ۲۶، ۳: ۵ و ۱۲ و ۲۱). موضوع خاص نیاز به استقامت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ را مطالعه کنید. این دلالت بر این ندارد که در حال حاضر گناه نمی‌کنیم، هر چند یک احتمال نظری در کار خاتمه یافته مسیح است (مراجعه شود به رومیان ۶).

#### NASB: اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷

<sup>۱۵</sup> دنیا و آنچه را در آن است، دوست مدارید. اگر کسی دنیا را دوست بدارد، محبت پدر در او نیست. <sup>۱۶</sup> زیرا هر چه در دنیا است، یعنی هوای نفس، هوسهای چشم و غرور مال و مقام، نه از پدر بلکه از دنیا است. <sup>۱۷</sup> دنیا و هوسهای آن گذراست، اما آن که اراده خدا را به جا می‌آورد، تا ابد باقی می‌ماند.

۱۵: ۲ "دوست مدارید" این زمان حال فعال امری با حرف اضافه نفی است، که به معنی متوقف کردن عمل در حال انجام است. دوست داشتن دنیا مشخصه گروه معلمین دروغین است.

■ "دنیا" این اصطلاح در دو مفهوم کاملاً متفاوت در عهد جدید استفاده شده است: (۱) سیاره فیزیکی و یا جهان خلق شده (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱، ۱۶: ۱۶، ۳۳: ۱، اول یوحنا ۴: ۱۴) و (۲) جامعه انسانی که به دور از خدا سازماندهی شده و اداره می‌شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷، ۳: ۱)

و ۱۳، ۴: ۴ الی ۵، ۵: ۵ الی ۵ و ۱۹). الی اشاره به خلقت اولیه دارد (مراجعه شود به پیدایش ۱ الی ۲) و دومی به مخلوقات سقوط کرده دارد (مراجعه شود به پیدایش ۳). مراجعه شود به موضوع خاص: جهان در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷).

■ **"دنیا و آنچه در آن است"** به نظر می‌رسد که اشاره به دوست داشتن به اشیا مادی دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۶) یا چیزهایی که دنیا ارائه می‌دهد: قدرت، پرستیژ، نفوذ، و غیره (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۲، یعقوب ۱: ۲۷). این سیستم دنیای سقوط کرده تلاش می‌کند که تمامی نیازهای انسان را به دور از خدا ارائه دهد. زندگی را به شیوه‌ای شکل می‌دهد که انسانها را مستقل نشان دهد. رسومی که همه ما آنها را دوست داریم و وقتی اجازه می‌دهند جدا از خدا باشیم، می‌توانند تبدیل به بت پرستی شوند. مثالهایی از این قبیل شامل (۱) سیستم دولتی انسانی، (۲) سیستم آموزشی انسانی، (۳) سیستم اقتصادی انسانی، (۴) سیستم پزشکی انسانی، و غیره.

همانطور که آگوستین به زیبایی بیان کرد، "در زندگی انسان شکافی به شکل خدا وجود دارد". ما سعی می‌کنیم آن شکاف را با چیزهای زمینی پر کنیم، ولی فقط می‌توانیم با تحقق یافتن در او به آرامش برسیم. استقلال نفرین بهشت است.

■ **"اگر"** این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع عملی می‌باشد. آنچه دوست داریم شاهدهی بر این است که متعلق به چه کسی هستیم... خدا... یا شیطان.

۲: ۱۶ **"یعنی هوای نفس"** این اشاره به چیزهایی دارد که انسان در خودش جستجو می‌کند (مراجعه شود به غلاطیان ۵: ۱۶ الی ۲۱، افسسیان ۲: ۳، اول پطرس ۲: ۱۱). موضوع خاص: گوشت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ **"هوسهای چشم"** یهودیان معتقد بودند که چشمها پنجره‌ای به روح هستند. گناه در فکر شروع می‌شود و راه خود را برای عمل کردن به بیرون پیدا می‌کند. عمل فرد در شیوه حاکم بر زندگی او بسط پیدا می‌کند (مراجعه شود به امثال ۲۳: ۷).

■ **"غرور مال و مقام"** این اشاره به غرور انسان دور از خدا دارد (انسانها به منابع خودشان اتکا می‌کنند). در *The Jerome Bible Commentary*, Raymond Brown, vol. II یک استاد برجسته یوحنا شناس، این چنین می‌گوید:

"با این وجود، غرور که در یعقوب ۴: ۱۶ هم دیده می‌شود، معنی اخلاقی فعالی نسبت به غرور محض دارد: دلالت بر تکبر، افتخار، و اعتقاد به خودکفایی دارد" (صفحه ۴۰۸).

اصطلاح زندگی، به زندگی زمینی، فیزیکی و موقتی در این سیاره اشاره دارد (آنچه نوع بشر با حیوان و گیاهان مشترک است، مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۷). این شخصیت پردازها هر دو گروه معلمین دروغین و انسان گناهکار سقوط کرده را توصیف می‌کنند. خدا به ما کمک می‌کند، آنها همچنین مسیحیان بی تجربه را هم توصیف می‌کنند.

■ **"نه از پدر بلکه از دنیاست"** دو دلیل وجود دارد که مسیحیان نباید دنیا را دوست داشته باشند:

۱. که محبت از پدر نیست (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۶)
۲. دنیا گذرا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۹).

۲: ۱۷ **"دنیا گذرا است"** این زمان حال میانی اخباری است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۸). این در رابطه با دو عصر یهودی است. عصر جدید و تحقق یافته می‌آید، عصر قدیم گناه و شورش گذرا است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۸ الی ۲۵).

موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد

■ **"اما آن که اراده خدا را به جا می‌آورد، تا ابد باقی می‌ماند"** توجه کنید که چگونه حیات جاویدان (یعنی اطاعت در عصر) با شیوه محبت‌آمیز زندگی مرتبط است، نه فقط ایمان قبلی (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، یعقوب ۲: ۱۴ الی ۲۶). به موضوع خاص اراده خدا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۴: ۳۴ مراجعه کنید.

**NASB: اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۲۵**

<sup>۱۸</sup> بچه‌ها، این ساعت آخر است و چنانکه شنیده‌اید 'ضد مسیح' می‌آید، هم اکنون نیز ضد مسیحان بسیار ظهور کرده‌اند، و از همین درمی‌یابیم که ساعت آخر است. <sup>۱۹</sup> آنها از میان ما بیرون رفتند، اما از ما نبودند؛ چه اگر از ما بودند، با ما می‌ماندند. ولی رفتنشان نشان داد که هیچ‌یک از ایشان از ما نبودند.

<sup>۲۰</sup> اما شما مسیحی از آن قدوس یافته‌اید و همگی دارای معرفت هستید. <sup>۲۱</sup> من اینها را به شما می‌نویسم، نه از آن رو که حقیقت را نمی‌دانید، بلکه از آن رو که آن را می‌دانید، و نیز می‌دانید که هیچ دروغی از حقیقت پدید نمی‌آید. <sup>۲۲</sup> دروغگو کیست، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار می‌کند. چنین کسی همان 'ضد مسیح' است که هم پدر و هم پسر را انکار می‌کند. <sup>۲۳</sup> هر که پسر را انکار کند، پدر را هم ندارد و هر که پسر را

اقرار کند، پدر را نیز دارد.

۴ بگذارید آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند؛ اگر آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند، شما نیز در پسر و در پدر خواهید ماند. ۲۰ و این است آنچه او به ما وعده داده است، یعنی حیات جاویدان.

۲: ۱۸ "بچه‌ها" به یادداشت مربوط به اول یوحنا ۲: ۱ مراجعه کنید.

■ "این ساعت آخر است" این به مفهوم واقعی "ساعت آخر" بدون حرف اضافه است (فقط در اینجا دیده می‌شود). همانند "آخرین روزها"، یکی از عباراتی است که در عهد جدید برای آمدن دوم عیسی توصیف شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۹ الی ۴۰ و ۴۴) و یک مفهوم مهم در انجیل یوحنا است زیرا در روزگار ما بسیاری از مفسرین تحت تاثیر اسکاتولوژی تشخیص داده شده C.H. Dodd (یک اصل مهم هزاره گرای) قرار گرفته‌اند. بطور یقین درست است که یوحنا به صورت منحصر به فرد و با قدرت تعلیم می‌داد که پادشاهی خدا در عیسی آمده است. با این وجود، متن نشان می‌دهد این آینده‌ای است که تحقق خواهد یافت (رخداد یا دوره‌ای). هر دو درست هستند. به بیان دیگر، تنش عهد جدید (پارادوکس) میان "قبلا و با این حال نه هنوز" (یعنی آمدن) دو عصر پیوسته است که اینک در زمان یکدیگر را همپوشانی می‌کنند.

■ "ضد مسیح .... ضد مسیحیان" این عبارت توصیفی هم مفرد و هم جمع است، هیچکدام از اصطلاحات حرف اضافه ندارند (C, B, MSS ۸\*). فقط یوحنا در عهد جدید از این اصطلاح استفاده می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸ و ۲۲، ۴: ۳، دوم یوحنا ۷). توضیحات بیشتر را در بینش به متن ۲: ۳ الی ۲۷ مطالعه کنید.

■ "می‌آید" این زمان حال میانی اخباری (دپوننت) دلالتی است. در یونانی کوبین برخی از حالات فعل یونانی استفاده خود را از دست می‌دهند برخی حالات دیگر عملکرد خود را نشان می‌دهند. افعال دپوننت در حالت میانی یا مجهول هستند، ولی با مفهوم فعال ترجمه می‌شوند. در اینجا حال استفاده می‌شود تا قطعیت رخداد در آینده را نشان دهد. ضد مسیح، مفرد، می‌آید و بسیاری معلمین دروغین یا مسیح‌های دروغین مشابه او پیشتر آمده‌اند (ضدمسیحیان).

از دید خدانشناسی این امکان هست که از آنجا که شیطان زمان آمدن مسیح را نمی‌داند، او پیشتر کسی را آماده کرده که در هر زمان و فرصتی وارد رهبری این دنیا شود.

■ "ظهور کرده‌اند" این زمان فعال کامل اخباری دلالتی است. روح ضد مسیح حاضر و در این دنیای سقوط کرده فعال است (یعنی معلمین دروغین)، با این حال، یک ظهور آتی وجود دارد. برخی مفسرین آن را به عنوان اشاره به اپراتوری روم در روزگار عیسی درک کرده، در حالیکه دیگران آن را به عنوان اپراتوری جهانی در روز آخر تلقی می‌کنند. در بسیاری حالات، هر دو درست هستند. آخرین ساعت با تولد دوباره مسیح آغاز شد و تا تحقق کامل ادامه خواهد یافت (آمدن دوم مسیح).

۲: ۱۹ "آنها از میان ما بیرون رفتند، اما از ما نبودند" این مثال خوبی از تعالیم دروغین از کلیسا است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۱ الی ۲۳، ۱۳: ۱ الی ۹، ۱۸ الی ۲۳، ۲۴ الی ۳۰). فقدان حقیقت، محبت و استقامت در آنها شواهدی هستند که آنان ایمان نیاورده‌اند. ارتداد همیشه از درون شروع می‌شود. آیه ۱۹ منعکس کننده موارد زیر است:

۱. معلمین دروغین رفته‌اند (آتوریست)

۲. آنها هیچوقت واقعا جزئی از ما نبوده‌اند (غیر کامل)

۳. اگر بخشی از ما بوده‌اند، نمی‌رفتند (جمله شرطی نوع دوم با فعل جمع کامل)

موضوع خاص: ارتداد (APHISTĒMI) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۶۴ را مطالعه کنید.

■ "اگر" این عبارت شرطی نوع دوم است که به آن بر خلاف واقعیت گفته می‌شود. این عبارت بدین شکل باید ترجمه شود: "اگر آنها به ما تعلق داشتند، که ندارند، پس آنها با ما می‌ماندند؛ که نماندند".

■ "با ما می‌ماندند" این عبارت جمع کامل است که سخن از کامل شدن عملی در گذشته می‌گوید. این یکی از چندین اشارات به دکتین استقامت و پایداری است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۴ و ۲۷ و ۲۸). ایمان واقعی باقی می‌ماند و ثمر می‌دهد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۳: ۱ الی ۲۳). موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۸: ۳۱ را مطالعه کنید.

■ "اما شما مسیحی از آن قدوس یافته‌اید" "شما" جمع است که در متن یونانی تاکید بر تمایز با آنانی که رفاقت با مسیح را کنار گذاشتند، دارد. این احتمال هست که عرفا تحت تاثیر ادیان رمز و راز قرار گرفته و مسح خاصی را آموزش می‌دادند که دانش و شناسایی خدا را به همراه داشت. یوحنا تصریح می‌کند که این مومنان بودند نه عرفا که مسح (شروع خاص) از خدا داشتند.

موضوع خاص: آن مقدس (The Holy One)

■ "مسح" موضوع خاص: تدهین در انجیل در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۲ را مطالعه کنید

NASB	"و هر آنچه می‌دانید"
NKJV	"و شما همه چیز می‌دانید"
NRSV	"و شما تمامی آگاهی را دارید"
TEV	"و بنابراین شما حقیقت را می‌دانید"
NJB	"و همه آگاهی را در خواهید یافت"

در نور معلمین مغرور و دروغین عرفان این عبارت مهمی در مورد دانش پنهان آنان است. یوحنا تصریح می‌کند که مومنین دانش مسیحی ابتدایی داشتند (اول یوحنا ۲: ۲۷ و انجیل یوحنا ۱۶: ۷ الی ۱۴ و ارمیا ۳۱: ۳۴)، هیچ دانش جامعی در مذهب یا در سایر قلمروهای آگاهی نداشتند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲). برای یوحنا حقیقت هم مفهومی و فردی است همانطور که تدهین و مسح می‌توانند اشاره به انجیل و یا روح داشته باشند.

یک نگارش دیگر از این عبارت در نسخه دستنویس یونانی وجود دارد. نسخه NKJV از نسخ یونیکال A, C, K پیروی می‌کند و *panta* در آن نوشته شده است، یک جمع خنثی که به عنوان مفعول بیواسطه به کار رفته است، در حالیکه NASB از دستنویس P, B, 8 پیروی می‌کند و *pantes* جمع مذکر استفاده شده است که تمرکز بر "همه شما" دارد. در نور ادعاهای انحصاری معلمین دروغین، آخرین گزینه بهترین است. <sup>4</sup>UBS امتیاز B (تقریباً یقین) می‌دهد. تدهین و آگاهی به تمامی مومنین داده می‌شود نه به تعداد منتخب اندکی روشنفکر، یا روحانی.

۲: این یکی از بسیار آیتانی است که تصریح می‌کنند خوانندگان یوحنا تضمین رستگاری ایمان دارند و حقیقت را می‌دانند. در این آیه تضمین بر اساس مسح از روح که به مومنین گرسنگی دانش انجیلی دارند، داده می‌شود.

۲۲: "دروغگو کیست" این عبارت حرف تعریف مشخص دارد، بنابراین، یوحنا به یکی از اینها اشاره می‌کند:

۱. یک معلم دروغین به خصوص (احتمالاً سرینتوس)

۲. "دروغ بزرگ" و انکار انجیل (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۰).

دروغگو همسوا با ضد مسیح است. روح ضد مسیحی در هر عصری حاضر است، یک معنی ابتدایی (دو مفهوم برای پیشوند "ضد") "کسی که منکر آن است که عیسی، همان مسیح است" یا "آن که سعی می‌کند دیگری را جایگزین مسیح کند" می‌باشد.

■ "که مسیح بودن عیسی" The Jerome Biblical Commentary، صفحه ۴۰۸ به نکته خوبی اشاره می‌کند.

"منظور نویسنده این نیست که خیلی ساده تحقق یافتن عهد جدید توسط عیسی و توقعات یهودیان از مسیح نیست. در اینجا مسیح مفهوم کامل خود را به عنوان ترجیح عهد جدید برای انتصاب عیسی به عنوان مسیح که حرفه‌ایش و کارهایش تأیید بر ناجی الهی نوع بشر است، دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲: ۳۱، رومیان ۱: ۴).

این احتمال هست که این تأیید دکنترین به عنوان یکی از موارد زیر عمل کند

۱. جدل و مناظره علیه عرفان

۲. فرمول اعتقادی فلسطینی که به وضوح کنیسه را از کلیسا جدا می‌کند، می‌تواند منعکس کننده فرمولهای بعد از جمینا (سال ۷۰) روحانیون باشد.

۳. همانطور که عیسی سرور است، می‌تواند تأیید تعمید هم باشد.

۲۲: ۲ الی ۲۳ "هر که پسر را انکار کند" ظاهراً معلمین دروغین عرفان ادعا می‌کردند که خدا را می‌شناسند، ولی مکان عیسی مسیح را انکار، غیر متمرکز، و کم بها می‌کردند (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶، ۵: ۱۱ الی ۱۲، انجیل یوحنا ۵: ۲۳).

بر اساس نوشته‌های عرفای قرن دوم میلادی، تفاسیر عهد جدید و پدران کلیساهای اولیه، باورهای زیر پدیدار شدند:

۱. عرفا سعی می‌کردند مسیحیت را با فلسفه یونانی (افلاطون) و ادیان رمز و راز شرقی در هم آمیزند

۲. آنها تعلیم می‌دادند که عیسی الهی بود و انسان نبود زیرا روح نیک است ولی کالبد (جسم و گوشت) شیطانی است. بنابراین تناسخ فیزیکی خدا احتمالش وجود ندارد.

۳. آنها دو چیز در مورد رستگاری تعلیم می‌دادند:

a. یک گروه تصریح می‌کرد که یک دانش دنیای فرشتگان (*aeon*) رستگاری روح را بدون توجه و رابطه با اعمال بدن در قالب فیزیکی با خورد آورد

b. گروه دیگری اصول ریاضت را آشکار کرد (مراجعه شود به کولسیان ۲: ۲۰ الی ۲۳). آنها تصریح می‌کردند که انکار کامل خواسته‌ها و نیازهای جسمانی برای رستگاری واقعی لازم است.

۲: ۲۳ این آیه در Textus Receptus، بدنبال دستنویسهای یونیکال K و L به صورت تصادفی متن اصلی را با حذف عبارت موازی دوم که به پدر اشاره می‌کرد و قویا توسط نسخه دستنویس یونیکال یونانی A، B و C پشتیبانی می‌شود، کوتاه کرد.

■ "هر که اقرار کند" این دقیقا بر خلاف "هر کس که انکار کند" در اول یوحنا ۲: ۲۲ [دو مرتبه] و ۲۳ [یک مرتبه] و ۲۶ [یک مرتبه] است. موضوع خاص اعتراف/اقرار در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۹: ۲۲ الی ۲۳ را مطالعه کنید.

■ "پسر" رفاقت با خدا فقط از طریق ایمان در پسر ممکن است (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۰ الی ۱۲ و ۱۳). ایمان در عیسی تنها گزینه نیست. او تنها راه به سوی پدر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۳، ۱۴: ۶، انجیل لوقا ۱۰: ۱۶).

■ "بگذارید" این یک تضاد محرز میان خوانندگان انجیل یوحنا و معلمین دروغین و پیروانی که از آنان باقی مانده‌اند را نشان می‌دهد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۷).

■ "بگذارید آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند؛ اگر آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند" این زمان حال فعال امری با تاکید دستور زبانی بر "شما" (که در نسخه یونانی در ابتدای جمله آمده) برای مقابله با پیام معلمین دروغین است. به انجیل شخصیت داده شده و به عنوان میهمان پذیرفته شده توصیف می‌شود. این اولین از دو دلیل ارائه شده برای غلبه مسیحیان بر معلمین دروغین (دروغگویان) است. دومی در اول یوحنا ۲: ۲۰ و ۲۷ دیده می‌شود، جایی که مسح روح ذکر شده است. دوباره، انجیل به عنوان هم شخص و هم پیام با عبارت "از آغاز" به یکدیگر مرتبط می‌شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۳ و ۱۴ و ۲۴ [دو مرتبه]). کلام خدا هم محتوا و هم فرد است، هر دو نوشته و زنده هستند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۸ و ۱۰، ۲: ۲۰ و ۲۴)! به موضوع خاص: پایداری در نوشته‌های یوحنا در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "اگر" این عبارت شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع رخداد است. این ادامه هشدار و احتیاط در رابطه با "اطاعت" است. پایان داده به اطاعت نشان می‌دهد که آنها هرگز جدا از هم نبوده‌اند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸ و ۱۹). شاهد شیوه زندگی از روی اطاعت، ایمان را تضمین می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵). اطاعت پیامی است که شنیده شده و دریافت می‌شود و رفاقتی است با هم پسر و هم پدر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳) که در انتخاب شیوه زندگی آشکار می‌گردد، هم مثبت (محبت) و هم منفی (انکار دنیا).

۲: ۲۵ "این است آنچه او به ما وعده داده است، یعنی حیات جاویدان" دوباره ضمائر در اول یوحنا ۲: ۲۵ بسیار مبهم هستند و می‌توانند به خدای پدر و یا خدای پسر اشاره داشته باشند. شاید این کار تعمدی بوده (همانند دوم پطرس ۱). ظاهرا این عبارت بسیار شبیه انجیل یوحنا ۳: ۱۵ الی ۱۶ و ۶: ۴۰ است. امید مومن به شخصیت و وعده‌های خدا است (مراجعه شود به اشعیا ۴۵: ۲۳، ۵۵: ۱۱). رابطه صیمانه ما با تثلیث خدا امید به وجود می‌آورد، بله، وعده حیات جاویدان (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۳). حیات جاویدان مشخصه‌های قابل مشاهده دارد.

#### NASB: اول یوحنا ۲: ۲۶ الی ۲۷

۲۶ من اینها را به شما درباره کسانی نوشتم که گمراهان می‌کنند. اما درباره شما باید بگویم آن مسح که از او یافته‌اید، در شما می‌ماند و نیازی ندارید کسی به شما تعلیم دهد، بلکه مسح او درباره همه چیز به شما تعلیم می‌دهد. آن مسح، حقیقی است، نه دروغین. پس همان گونه که به شما تعلیم داده است، در او بمانید.

۲: ۲۶ "درباره کسانی نوشتم که گمراهان می‌کنند" این زمان حال فعال است. در هر عصری گمراه کنندگانی وجود دارند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۵، ۲۴: ۱۱ و ۲۴: ۷). اینان اغلب مذهبی نمایانی هستند که حضور دارند و در گردهماییهای مسیحیان فعال هستند.

۲: ۲۷ "مسح" به نظر می‌رسد که این بر نتایج تدهین و مسح تاکید دارد، نه بر ابزارها (روح) یا عناصری (حقایق انجیلی) که با آن در ارتباط هستند. تدهین یا مسح یک مفهوم خاص فراخواندن و تجهیز کردن عهد عتیقی است برای آماده کردن فرد برای وظیفه‌ای که خدا برایش تعیین کرده است. پیامبران، کشیشان، و پادشاهان تدهین می‌شدند. این اصطلاح از لحاظ ریشه‌ای با اصطلاح مسیح مرتبط است. در اینجا به ثبات نتایج که روح قلب و ذهن مومن را روشن می‌سازد و انجیل را به او می‌نمایاند اشاره می‌کند. موضوع خاص: تدهین در انجیل را در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۱ مطالعه کنید.

معلمین دروغین مکاشفه خاصی از سوی خدا را ادعا می‌کردند (یک مسح خاص). یوحنا تصریح می‌کند که تمامی مومنین قبلا مسح واقعی را وقتی به آن یگانه تدهین شده ایمان آورند، با لبریز شدن از روح القدس و اطاعت از کلام خدا بدست آورده‌اند.



■ "که از او یافته‌اید" این زمان آئوریست فعال اخباری است که بر برخی کارهای کامل شده در گذشته اشاره می‌کند. "مسح" همسو با "شما شنیده‌اید" در اول یوحنا ۲: ۲۴ است / انجیل باید پذیرفته شود (۱) شخصا و با ایمان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶) و (۲) به عنوان بدنه حقیقت (مراجعه شود به دوم یوحنا ۹ الی ۱۰، اول قرنتیان ۱۵: ۱ الی ۴، یهودا ۳). هر دو این اعمال و کارها با وساطت روح القدس انجام می‌شوند.

■ "و نیازی ندارید کسی به شما تعلیم دهد" آیه ۲۷ با اول یوحنا ۲: ۲۰ همسو است (یعنی پیمان جدید، مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۴). یوحنا از موضوع تکراری استفاده می‌کند (اول یوحنا ۲: ۲۰ و ۲۴ و ۲۷). روح القدس، و نه معلمین دروغین عرفان، معلم غایی و ضروری ما است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶). با این وجود، بدین معنی نیست که دفتر و هدایای معلم در کلیسای اولیه و امروز فعال نیستند (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱۱، اعمال رسولان ۱: ۱۳، اول قرنتیان ۱۲: ۲۸). خیلی ساده، بدین معنی است که چیزهای اولیه در ارتباط با رستگاری از روح القدس و انجیل می‌آیند، نه از هر گونه معلم خاص برکت داده شده، هر چند که او گاهی اوقات از آنان به عنوان ابزار استفاده می‌کند.

■ "بلکه مسح او درباره همه چیز به شما تعلیم می‌دهد. آن مسح، حقیقی است، نه دروغین" این اشاره به حقیقت معنوی دارد. هر فرد مسیحی روح القدس را دارد که وجدان او را هدایت می‌کند. ما باید نسبت به رهبری ظریف روح در زمینه‌های حقیقت و اخلاق حساس باشیم.

■ "پس همان گونه که به شما تعلیم داده است، در او بمانید" این زمان حال فعال امری است. یوحنا از مفهوم اطاعت به طور گسترده به عنوان عنصر ایمان و تضمین ایمان برای خوانندگان در نامه‌هایش استفاده می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵). ایمان انجیلی پیمانی است که در آن خدا پیش قدم شده و دستور کار را تعیین می‌کند، ولی انسانها باید پاسخ دهند و به آن ادامه دهند (اطاعت). هم یک جنبه الهی و جنبه انسانی در اطاعت وجود دارد. موضوع خاص: پایداری در نوشته‌های یوحنا را مطالعه کنید.

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. باورهای معلمین دروغین را توصیف کنید

۲. مدرکی ارائه کنید که به واسطه آن می‌توانیم بدانیم که ما واقعا رستگار شده‌ایم.

۳. رابطه میان گناه از روی عادت و اعمال مشتق از گناه را بیان کنید

۴. رابطه میان استقامت قدیسان و امنیت مومن را توصیف کنید

۵. سه دشمنان انسان را فهرست و تعریف کنید

## اول یوحنا ۲: ۲۸ الی ۳: ۲۴

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
فرزندان خدا (۲: ۲۸ الی ۳: ۱۰)	فرزندان خدا	وفاداری به ایمان واقعی (۲: ۱۸ الی ۲۹)	دشمن مسیح (۲: ۱۸ الی ۲۹)	زندگی کردن همانند فرزندان خدا (۲: ۲۹ الی ۴: ۶)
۲: ۲۸ الی ۳: ۳	۲: ۲۸ الی ۳: ۳	۲: ۲۸ ۲: ۲۹ رابطه زیر مجموعه‌ای درست هدایت می‌شود ۳: ۱ الی ۱۰	۲: ۲۸ الی ۲۹ فرزندان خدا	۲: ۲۹ الی ۳: ۲
	گناه و فرزند خدا			شرط اول: کنار گذاشتن گناه ۳: ۳ الی ۱۰
۳: ۴ الی ۱۰	۳: ۴ الی ۹		۳: ۴ الی ۶ ۳: ۷ الی ۸ ۳: ۹ الی ۱۰	
به یکدیگر محبت کنید	امر به محبت ۳: ۱۰ الی ۱۵	به یکدیگر محبت کنید	به یکدیگر محبت کنید	شرط دوم: حفظ فرامین، به خصوص زندگی ۳: ۱۱ الی ۲۴
۳: ۱۱ الی ۱۸	محبت کردن ۳: ۱۶ الی ۲۳ روح حقیقت و روح خطا ۳: ۲۴ الی ۶: ۴	۳: ۱۱ الی ۱۸	۳: ۱۱ الی ۱۲ ۳: ۱۳ الی ۱۸ شهامت در برابر خدا ۳: ۱۹ الی ۲۴	
اعتماد به نفس در برابر خدا		تضمین مسیحیان ۳: ۱۹ الی ۲۴		

#### چرخه سوم مطالعه

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف
۴. و غیره

#### بینش متنی

- A. فصل ۲ در خصوص معلمین دروغین عرفان است (به خصوص عرفان دوکسی که انسان بودن عیسی را انکار می‌کند)
- B. فصل ۳ ادامه اشاره به معلمین دروغین است که رستگاری (عدالت) را از اعمال اخلاقی (تقدیس) جدا می‌سازد با این وجود، فصل ۳ بیشتر مومنین را مستقیماً مورد خطاب قرار می‌دهد.

NASB: اول یوحنا ۲: ۲۸ الی ۳: ۳

۲۸ پس حال، ای فرزندان، در او بمانید تا آنگاه که او ظهور کند اطمینان داشته باشیم و هنگام آمدنش از وی شرمنده نشویم.<sup>۲۹</sup> اگر دریافته‌اید که او پارساست، پس می‌دانید آن که پارسایی را به عمل می‌آورد، از او مولود شده است.

۱ ببینید پدر چه محبتی به ما ارزانی داشته است تا فرزندان خدا خوانده شویم! و چنین نیز هستیم! از همین روست که دنیا ما را نمی‌شناسد، چرا که او را نشناخت. <sup>۲</sup> ای عزیزان، اینک فرزندانِ خداییم، ولی آنچه خواهیم بود هنوز آشکار نشده است. اما می‌دانیم آنگاه که او ظهور کند، مانند او خواهیم بود، چون او را چنانکه هست خواهیم دید. <sup>۳</sup> هر که چنین امیدی بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد، چنانکه او پاک است.

۲۸: بحث زیادی میان مفسرین وجود دارد که پاراگراف باید از آیه ۲۸ شروع شود یا ۲۹ یا ۳: ۱. به دلیل تکرار میان اول یوحنا ۳: ۲۷ و ۲۸، تقسیم‌بندی پاراگراف باید احتمالا اینجا باشد.

■ "فرزندان" به یادداشت مربوط به اول یوحنا ۲: ۱ مراجعه کنید.

■ "در او بمانید" این زمان حال فعال امری است. این سومین حال امری است که برای ترویج استقامت مسیحی استفاده شده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۵ و ۲۴). موضوع خاص: پایداری در نوشته‌های یوحنا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ و استقامت در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید.

ضمایر مرجع را اغلب مشکل بتوان شناسایی کرد، ولی در این پاراگراف مشخص و بدیهی هستند:

۱. "در او"، اول یوحنا ۳: ۲۸ الف - عیسی
۲. "از او"، اول یوحنا ۳: ۲۸ ب - عیسی
۳. "او"، اول یوحنا ۳: ۲۸ ب - عیسی
۴. "عدالت او" اول یوحنا ۳: ۲۹ - پدر
۵. "متولد شده از او"، اول یوحنا ۳: ۲۹ - پدر (یادداشت را مطالعه کنید)
۶. "او را می‌شناسد"، اول یوحنا ۳: ۱ - پدر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۱ و ۱۶: ۲ الی ۳)
۷. "او ظاهر می‌شود"، اول یوحنا ۳: ۲ - عیسی
۸. "مانند او"، اول یوحنا ۳: ۲ - عیسی
۹. "او را دید"، اول یوحنا ۳: ۲ - عیسی
۱۰. "او هست"، اول یوحنا ۳: ۲ - عیسی
۱۱. "بر او"، اول یوحنا ۳: ۳ - عیسی
۱۲. "همانطور که او خالص است"، اول یوحنا ۳: ۳ - عیسی

متن، متن، متن!

■ "هنگام آمدنش" این جمله شرطی نوع سوم است، همانند اول یوحنا ۳: ۲۹ و همچنین "آنگاه که او ظهور کند" در اول یوحنا ۳: ۲. این به معنی نقل کردن یک رخداد غیر حتمی نیست، بلکه یک زمان نامشخص (مشابه با استفاده عهد جدید از اصطلاح "امید داشتن"، مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۳).

■ "اطمینان داشته باشیم" اصطلاح یونانی برای "اطمینان" (*parrhēsia*) از ریشه "به آزادی سخن گفتن" است. اطمینان یک شیوه جاری زندگی بر اساس آگاهی و اعتماد مومن بر انجیل عیسی مسیح است.

موضوع خاص: جسارت (*parrhēsia*) را در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۴ مطالعه کنید.

"با شرمندگی خود را کنار نکشیم"	NASB
"در مقابلش خجالت نکشیم"	NKJV
"در مقابلش خجالتزده باشیم"	NRSV
"با شرمندگی خود را پنهان نکنیم"	TEV
"با خجالت سر خود را پائین نیاندازیم"	NJB

این وجه شرطی اُتوریست مجهول (دیپوننت) است که می‌توان به یکی از حالات زیر آن را درک کرد:

۱. مومن خودش خجالت می کشد (NASB, TEV, NJB)

۲. کاری می شود که مومن خجالت بکشد (NRSV)

مومنین باید در جستجوی بازگشت مسیح و شادی حاصل از آن باشند، ولی آنان که در خودخواهی و دنیاپرستی زندگی کرده اند، یقیناً با ظهور او شگفت زده و شرمند خواهند شد! داوری مومنین خواهد بود (مراجعه شود به دوم قرن تیان ۵: ۱۰).

■ "هنگام آمدنش" این اشاره به آمدن دوم دارد. این کلمه، *Parousia*، در میان تمامی نوشته های یوحنا، فقط در اینجا استفاده شده است و مفهوم دیدار قریب الوقوع پادشاه دارد.

این به مفهوم "تا *Parousia*" است که یعنی "حضور" و در مورد دیدارهای سلطنتی استفاده می شده است. اصطلاحات دیگر عهد جدیدی برای آمدن دوم به شرح زیر هستند:

۱. *epiphaneia* "ملاقات رو در رو"

۲. *apokalypis* "آشکار شدن"

۳. "روز سرور / خدا" و نگارشهای متفاوت این عبارت

### عناوین عهد عتیق برای آن موعود که می آید

#### (Special Topic: NT Terms for Christ's Return)

۱. پیامبر - تثنیه ۱۸: ۱۵ و ۱۸

۲. پادشاه

a. از قبیله یهود، پیدایش ۴۹: ۱۰، مزمور ۶۰: ۷، ۱۰۸: ۸

b. از خانواده داوود، دوم سموئیل ۷ (از ایشا، اشعیا ۱۱: ۱)

c. از سایر متون، اول سموئیل ۲: ۱۰، مزمور ۸۹: ۳ و ۴، اشعیا ۹: ۱۱، ارمیا ۳۰: ۸ و ۹، حزقیال ۳۷: ۲۱ و ۲۲، زکریا ۹: ۹ و ۱۰

۳. پادشاه / کشیش

a. مزمور ۱۱۰ (پادشاه، ۱-۳، کشیش، بخش ۴)

b. زکریا ۴: ۱۴ (دو درخت زیتون، دو تدهین شده، زروبابل (عصای داوود) و یوشع (عصای آرون))

۴. آن تدهین شده (به موضوع خاص: مسیح مراجعه شود)

a. پادشاه خدا، مزمور ۲: ۲، ۴۵: ۷

b. حضور روح القدس، اشعیا ۱۱: ۲، ۶۱: ۱

c. آن که می آید، دانیال ۹: ۲۶

d. سه رهبر عهد عتیق تدهین شدند به عنوان نشانی مبنی بر فراخواندن توسط خدا و قدرت داده شدن به آنها (مراجعه شود به داوران

۹: ۸ و ۱۵، اول سموئیل ۲: ۱۰، ۹: ۱۶، ۲۴: ۱۰، دوم سموئیل ۱۹: ۲۱، ۲۳: ۱، مزمور ۱۸: ۵۰)، کشیشان (مراجعه شود به

کتاب خروج ۲۸: ۴۱، لاویان ۴: ۳، ۶: ۲۲)، و پیامبران (مراجعه شود به اول پادشاهان ۱۹: ۱۶)

۵. پسر پادشاه

a. مزمور ۲: ۷ و ۱۲

b. پادشاه اسرائیل به نماد پادشاهی خدا (مراجعه شود به اول سموئیل ۸)

۶. پسر انسان (دانیال ۷: ۱۳، به موضوع خاص: پسر انسان مراجعه شود)

a. انسان، مزمور ۸: ۴، حزقیال ۲: ۱

b. خدا، دانیال ۷: ۱۳

۷. عناوین رستگاری خاص

a. خدمتگزار رنج دیده، اشعیا ۵۲: ۵۳ الی ۱۳: ۵۳

b. چوپان رنج دیده، زکریا ۱۲ الی ۱۴

c. سنگ زیرین، مزمور ۱۱۸، اشعیا ۸: ۱۴ الی ۱۵، ۲۸: ۱۶ (به موضوع خاص: سنگ زیرین مراجعه شود)

d. فرزند خاص، اشعیا ۷: ۱۴، ۹: ۶ و ۷، میکاه ۵: ۲

e. شاخه، اشعیا ۴: ۲، ۱۱: ۱ الی ۵، ۵۳: ۲، ارمیا ۲۳: ۵ الی ۶، ۳۳: ۱۵، زکریا ۳: ۸، ۶: ۱۲ (به موضوع خاص: عیسی ناصری

مراجعه شود)

عهد عتیق از این مراجع پراکنده درباره نماینده اش برای رستگاری خاص استفاده می کند و آنها را توضیح داده و شفاف می سازد تا به حدی که به این درک برسیم که عیسی به عنوان آن فرد خاصی است که خدا وعده داده بود (مراجعه شود به انجیل متی ۱۶: ۱۳، ۲۰، یوحنا ۱۱: ۲۵ الی ۲۷). دو آمدن مسیح ابزاری هستند که توسط آن عملکردها و عناوین متفاوت و پراکنده به یکدیگر مرتبط می شوند (به موضوع خاص: این عصر و عصری که خواهد آمد مراجعه شود).

برای مطالعه خوب در باره تمایز میان فرزند انسان به عنوان نماد اختیار در مقابل خدمتگزار رنج دیده، به *A Theology of the New Testament* نوشته George E. Ladd صفحات ۱۴۹ الی ۱۵۸ مراجعه کنید.

۲۹: "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع رخداد است. در اینجا اشاره به دانش متصور است که مومنین از آن برخوردار هستند و آن را به اشتراک می گذارند، ولی معلمین دروغین آن را ندارند.

■ "می دانید" در قالب دستور زبانی این یا زمان حال فعال اخباری است که دانش موجود را بیان می دارد، یا زمان حال فعال امری است که از دانش مورد نیاز مومنین سخن می گوید. استفاده یوحنا از "دانستن" به عنوان مالکیت هر آنچه روح دارد دلالت بر اخباری و دلالتی بودن دارد.

■ "او" این اشاره به عیسی دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱ و ۲۸، ۳: ۷). با این وجود، ضمیر انتهایی "متولد شده از او" به نظر می رسد که اشاره به خدای پدر دارد زیرا عبارت متولد شده از خدا اغلب استفاده شده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۹، ۴: ۷، ۵: ۱ و ۴ و ۱۸، انجیل یوحنا ۱: ۱۳).

■ "پارسا... پارسایی" این مشخصه ای است که از خانواده انتظار آن می رود.

## موضوع خاص: صداقت/پارسایی

### SPECIAL TOPIC: RIGHTEOUSNESS

"صداقت" یکی از موضوعات حساس است که هر دانشجوی انجیل باید مطالعات فردی جامعی در خصوص این مفهوم انجام دهد.

در عهد عتیق، شخصیت خدا به صورت "عادل" و "صادق/صالح" (فعل، BDB 842, KB 1003، اسم مذکر، BDB 841, KB 1004، اسم مونث، BDB 842, KB 1006) توصیف شده است. این اصطلاح بین النهرینی از "ساقه نی" می آید که از آن در ساختمان به عنوان ابزاری برای تشخیص صاف بودن سطح افقی دیوارها و پرچینها استفاده می شد. خدا این اسم را برای استفاده استعاره ای برای ماهیت خودش انتخاب کرد. او یک سطح کاملا صاف است (مانند خطکش) که توسط آن همه چیز ارزیابی می شوند. این مفهوم صادق بودن و همچنین حق دآوری او را تصریح می کند.

انسان با تصویری از خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۱: ۵ و ۳، ۶: ۹). نوع بشر برای دوستی با خدا خلق شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۸: ۳). کل خلقت مرحله ای است برای تعامل میان خدا و نوع بشر. خدا می خواست بالاترین مخلوقش، یعنی نوع بشر، او را بشناسد، دوستش داشته باشد، به او خدمت کند، و مانند او باشد! وفاداری نوع بشر آزمایش شد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳) و اولین زوج در آزمایش شکست خوردند. این باعث شد رابطه خدا با انسان قطع شود (مراجعه شود به رومیان ۱۲: ۵ الی ۲۱).

خدا قول داد که این دوستی را مجددا برقرار کند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۳: ۱۵، به موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه مراجعه شود). او این کار را با اراده خود و توسط پسرش انجام داد. انسانها توانایی مرمت این شکاف را نداشتند (مراجعه شود به رومیان ۱: ۱۸ الی ۳: ۲۰، مکاشفه ۵).

پس از سقوط، نخستین گام خدا برای برقراری مجدد این رابطه، مفهوم پیمان بر اساس دعوت انسان به توبه، وفاداری و پاسخ به اطاعت از وی بود (مراجعه شود به ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸). به واسطه سقوط، انسانها فاقد توانایی دادن پاسخ مناسب بودند (مراجعه شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱، غلاطیان ۳). خدا خودش باید نخستین گام را برمی داشت تا پیمان شکنی انسانها را مرمت کند. او این کار را با اقدامات زیر انجام داد:

۱. از طریق کارهای مسیح نوع بشر را صادق اعلام کردن (عدالت قضایی)
۲. از طریق مسیح به رایگان صداقت را به نوع بشر دادن (عدالت محسوب شده)
۳. دادن روح به نوع بشر که صداقت را ایجاد می کند (مسیح گونه بودن، بازیابی تصویری از خدا)
۴. تجدید دوستی باغ عدن (کتاب پیدایش ۱ الی ۲ را با مکاشفه ۲۱ الی ۲۲ مقایسه کنید)

با این وجود، خدا می‌خواهد که به پیمان‌ش پاسخ دهیم. خدا حکم می‌کند (به رایگان می‌دهد، مراجعه شود به رومیان ۸:۵، ۲۳:۶) و تأمین می‌کند ولی انسانها باید پاسخ داده و آن را ادامه دهند با

۱. توبه
۲. ایمان
۳. پیروی شیوه زندگی
۴. استقامت

بنابراین، صداقت یک پیمان و اقدام دوجانبه میان خدا و بالاترین مخلوقش است، بر اساس شخصیت خدا، کار عیسی و فعال کردن روح القدس، که به آن هر فرد باید شخصا و به صورت مداوم پاسخ مناسب بدهد. به این مفهوم "دادن حق با لطف و از طریق ایمان" گفته می‌شود (مراجعه شود به افسسیان ۸:۲ الی ۹:۹). این مفهوم در گاسپلها فاش می‌شود، ولی نه با این کلمات. در ابتدا توسط پولس، که از اصطلاح یونانی صداقت به اشکال مختلف بیش از یکصد مرتبه استفاده شده مطرح شد.

پولس که یک روحانی آموزش دیده است، از اصطلاح dikaiosunē در مفهوم عبری کلمه tsaddiq که در نسخه عبری انجیل به کار رفته، استفاده می‌کند، نه از نسخه یونانی. در نوشته‌های یونانی این کلمه به کسی گفته می‌شود که توقعات خدا و جامعه را برآورده می‌کند (مانند نوح، یعقوب). در مفهوم عبری همیشه در قالب کلمات پیمان است (به موضوع خاص: پیمان مراجعه شود). بیهوه خدای عادل، با اخلاق و معنوی است. او می‌خواهد مردمش منعکس کننده شخصیتش باشند. انسان آزاد شده تبدیل به مخلوق جدیدی می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵:۱۷، غلاطیان ۶:۱۵). این تازگی حاصلش تازگی شیوه جدید زندگی خداپسندانه است (مراجعه شود به انجیل متی ۵:۷، غلاطیان ۲۲:۵ الی ۲۴، جیمز، اول یوحنا). از آنجا که اسرائیل یک حکومت مذهبی بود، هیچ تعریف واضحی میان سکولار و روحانی (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در قالب کلمات عبری و یونانی به کلمه "justice" (عدالت) (در رابطه با جامعه) و "صداقت" در رابطه با مذهب ترجمه شده است.

خبر خوب عیسی این است که رابطه انسان سقوط کرده با خدا تجدید می‌شود. این کار با عشق، رحم و لطف خدا انجام می‌شود، زندگی، مرگ و قیام از مردگان پسرش و با اظهار عشق روح القدس و جلب توجه به سوی خبر خوش. Justification یک حرکت آزاد از جانب خداست، ولی باید در قالب خداپسندانه باشد (وضعیت آگوستین، که منعکس کننده شکل بخشی مجدد که بر آزادی گاسپل و کلیسای کاتولیک رم تاکید بر زندگی تغییر یافته بر اساس عشق و وفاداری نسبت به خدا). برای اصلاح کنندگان کلمه "صداقت خدا" حالت اضافه عینی است (این عمل که انسان گناهکار برای قابل پذیرش شود) [تقدیس موقعیتی]، در حالیکه برای کاتولیکها این یک مضاف الیه است، که فرایند بیشتر تبدیل شدن به خدا است [تقدیس تجربی در حال پیشرفت]. در واقعیت یقینا این هر دو است.

در دیدگاه من از تمام انجیل، از کتاب پیدایش ۴ گرفته تا مکاشفه ۲۰، حکایت از این دارد که خدا رابطه دوستی با بهشت را تجدید می‌کند. انجیل از دوستی خدا با انسان از همان ابتدا شروع می‌شود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱ الی ۲) و انجیل با همین شیوه خاتمه می‌یابد (مکاشفه ۲۱ الی ۲۲). تصویر و هدف خدا بازیابی می‌شود.

برای مستندسازی بحث فوق به عبارتهای منتخب از عهد جدید در زیر بر اساس گروه کلمات یونانی مراجعه کنید

۱. خدا صادق است اغلب با اینکه خدا قاضی است مرتبط می‌باشد)

a. رومیان ۳:۲۶

b. دوم تسالونیکیان ۵:۱ الی ۶

c. تیموتائوس ۴:۸

d. مکاشفه ۵:۱۶

۲. عیسی صادق است

a. اعمال رسولان ۳:۱۴، ۷:۵۲، ۲۲:۱۴ (عنوان مسیح)

b. انجیل متی ۲۷:۱۹

c. اول یوحنا ۲:۱ و ۲۹، ۳:۷

۳. اراده خدا برای مخلوقش صداقت است

a. لایوان ۱۹:۲

b. انجیل متی ۵:۴۸ (مراجعه شود به ۵:۱۷ الی ۲۰)

۴. ابزار خدا برای تامین و ایجاد صداقت

a. رومیان ۳:۲۱ الی ۳۱

b. رومیان ۴

c. غلاطیان ۳:۶ الی ۱۴

d. رومیان ۵:۶ الی ۱۱

۵. داده شده توسط خدا

a. رومیان ۳:۲۴، ۳:۲۳، ۶:۲۳

b. اول قرنتیان ۱:۳۰

c. افسسیان ۲:۸ الی ۹

۶. دریافت با ایمان

a. رومیان ۱:۱۷، ۳:۲۲، ۳:۲۶، ۴:۳ و ۵ و ۱۳، ۹:۳۰، ۱۰:۴ و ۱۰:۶ و ۱۰

b. دوم قرنتیان ۵:۷ و ۲۱

۷. توسط کارهای پسر

a. رومیان ۵:۲۱

b. دوم قرنتیان ۵:۲۱

c. فیلیپیان ۲:۶ الی ۱۱

۸. اراده خدا این است که پیروانش صادق باشند

a. انجیل متی ۵:۳ الی ۵:۴۸، ۷:۲۴ الی ۲۷

b. رومیان ۲:۱۳، ۵:۱ الی ۵، ۶:۱ الی ۲۳

c. افسسیان ۱:۴، ۱:۱۰، ۲:۱۰

d. اول تیموتائوس ۶:۱۱

e. دوم تیموتائوس ۲:۲۲، ۲:۱۶، ۳:۱۶

f. اول یوحنا ۳:۷

g. اول پطرس ۲:۲۴

۹. خدا جهان را با صداقت داوری میکند

a. اعمال رسولان ۱۷:۳۱

b. دوم تیموتائوس ۴:۸

۱۰. صداقت یک مشخصه خدا است، که آن را توسط مسیح به انسان گناهکار می‌دهد.

a. یک حکم خدا

b. هدیه‌ای از خدا

c. یک کار مسیح

d. زندگی که باید زندگی کرد

ولی صالح شدن هم فرایندی دارد که باید با نیرومندی و پایداری آن را طی کرد، که با فرارسیدن بازگشت دوم، به سرانجام خواهد رسید. دوستی با خدا در رستگاری تجدید می‌شود ولی تداوم و پیشرفت آن در طی زندگی و مواجهه رو در رو با او (مراجعه شود به اول یوحنا ۲:۳) در زمان مرگ انجام می‌شود.

برای جمع بندی این بحث، در اینجا نقل قول خوبی را برگرفته از *Dictionary of Paul and His Letters* از IVP بیان می‌دارم:

"کالوین بیش از لوتر بر جنبه رابطه‌ای صداقت و صالح بودن خدا تاکید دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه لوتر از صداقت خدا در بردارنده جنبه برائت باشد. کالوین بر طبیعت حیرت‌انگیز ارتباط یا رساندن صداقت خدا به ما تاکید می‌کند" (صفحه ۸۳۴).

از نظر من، رابطه مومن با خدا شامل این سه جنبه است:

۱. گاسپیل یک فرد است (تاکید کلیسای شرقی و کالوین)

۲. گاسپل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)

۳. گاسپل زندگی تغییر یافته است (تاکید کاتولیک)

همه اینها درست هستند و باید برای مسیحیت سالم و انجیلی با همدیگر حفظ شوند. اگر هر کسی بیش از حد تاکید کرده یا مسامحه نماید، مشکلاتی به وجود می‌آیند.

ما باید عیسی را بپذیریم!

ما باید به گاسپل ایمان داشته باشیم!

ما باید همچون مسیح بودن را ادامه دهیم!

■ "متولد شده" این زمان کامل مجهول اخباری است که به معنی برقرار شدن شرایط به وجود آمده توسط یک عامل خارجی است، خدای پدر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳). به یک استفاده دیگر از استعاره خانوادگی (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۹) برای توصیف مسیحیت (یک خانواده است) توجه کنید. یادداشت مربوط به اول یوحنا ۳: ۱ را مطالعه کنید.

۳: ۱ "ببینید پدر چه محبتی به ما ارزانی داشته است" اصطلاح محبت که در اینجا و در سراسر اول یوحنا استفاده شده است فعل *agapē* یا *agapō* (اسم، مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۵ و ۱۵، ۳: ۱ و ۱۶ و ۱۷، ۴: ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸، ۵: ۳) می‌باشد. این اصطلاح در یونانی کلاسیک استفاده می‌شد ولی نه زیاد. به نظر می‌رسد که کلیسای اولیه در نور انجیل آن را مجدداً تعریف کرده است. معنی آن بیانگر محبت مطیعانه و عمیق است. منصفانه نیست که گفته شود "خدایی که به خودش محبت می‌کند" زیرا در انجیل یوحنا به صورت مترادف با *phileō* استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۰، ۱۱: ۳ و ۳۶، ۱۲: ۲۵، ۱۵: ۱۹، ۱۶: ۲۷، ۲۰: ۲، ۲۱: ۱۵ و ۱۶ و ۱۷). با این حال، جالب است که همیشه (در اول یوحنا) در رابطه با محبت مومنین نسبت به مومنین استفاده شده است. ایمان و رفاقت با عیسی رابطه ما با خدا و نوع بشر را تغییر می‌دهد!

■ "پدر به ما ارزانی داشته است" این زمان کامل فعال اخباری است. استفاده از این زمان مرتبط با هدیه رستگاری خدا در مسیح یکی از پایه‌های انجیلی دکترین امنیت مومن است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۳۵ الی ۴۰، ۱۰: ۱، افسسیان ۲: ۵ و ۸، ۵: ۱). موضوع خاص: تضمین مسیحیت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۳۷ را مطالعه کنید.

## موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه

### (SPECIAL TOPIC: YHWH'S ETERNAL REDEMPTIVE PLAN)

باید به شمای خواننده اذعان دارم که در این نقطه من متعصب هستم. نظام خدانشناسی من بر پایه مکتب جان کالوین یا سایر مکاتب ریاکار نیست، بلکه ترویج قوی مسیحیت است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ و ۴۷، اعمال ۱: ۸). من معتقدم خدا یک برنامه جاودانی برای رستگاری تمامی بشریت دارد (برای مثال پیدایش ۳: ۱۵ و ۱۲: ۳، خروج ۱۹: ۵ و ۶، ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۱۸، ۳۶: ۲۲ الی ۳۹، اعمال ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹، رومیان ۳: ۹ الی ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ الی ۳۱)، تمامی آنها در تصور او به زیبایی خلق شدند (رجوع شود به پیدایش ۱: ۲۶ و ۲۷). تمامی آن وعده‌ها در عیسی جمع شده‌اند (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۲۸ و ۲۹، کولسیان ۳: ۱۱). عیسی راز خداست، پنهان بود ولی اینک هویدا شده است (رجوع شود به افسسیان ۲: ۱۱ و ۳: ۱۳)! انجیل عهد جدید، و نه اسرائیل کلید کتاب مقدس است.

این درک مقدماتی، تمامی تفسیرهای مرا از کتاب مقدس رنگین می‌سازد. من تمامی متون را با این ذهنیت خواندم! یقیناً این تعصب است (در تمامی تفاسیر دیده می‌شود!)، ولی این یک پیش فرض ناشی بر مبنای آگاهی به کتاب مقدس است.

تمرکز پیدایش ۱ الی ۲ بر آن است که یهوه مکانی را خلق می‌کند که او و بالاترین مخلوقش، نوع بشر می‌توانند با هم رفاقت کنند (رجوع شود به آفرینش ۱: ۲۶ و ۲۷، ۳: ۸). خلقت فیزیکی مرحله‌ای است برای این اقدام الهی.

۱. سنت آگوستین به این شخصیت حفره الهی شکل در انسان می‌دهد که فقط می‌تواند توسط خود خدا پر شود

۲. سی اس لویس به این سیاره نام "سیاره لمس شده" را می‌دهد (توسط خداوند برای بشر تهیه شده).

عهد عتیق اشارات زیادی بر این اقدام الهی دارد.

۱. آفرینش ۳: ۱۵ نخستین وعده‌ای است که یهوه نوع بشر را در فاجعه و گناه و شورش رها نمی‌کند. به اسرائیل اشاره نمی‌کند زیرا اسرائیلی وجود ندارد، یا مردم تحت پیمان، تا زمانیکه ابراهیم در آفرینش ۱۲ ظهور می‌کند.

۲. پیدایش ۱۲: ۱ الی ۳ اولین نام بردن یهوه از رستگاری توسط ابراهیم است که مردم پیرو، و اسرائیل را بوجود می‌آورد. ولی حتی در این نخستین



یادآوری، خدا مجبور بود که مراقب تمام دنیا باشد. به پیدایش ۱۲: ۳ توجه کنید!

۳. خروج ۲۰ (سفر تشبیه ۵) یهوه فرمان او (خدا) را به موسی داد تا مردم خاص خود را هدایت کند. توجه کنید که در خروج ۱۹: ۵ و ۶، یهوه رابطه خاصی را که اسرائیل خواهد داشت افشا می‌کند. ولی همچنین توجه داشته باشید که آنها، همانند ابراهیم، منتخب بودند تا جهان را برکت دهند (رجوع شود به خروج ۱۹: ۵ "تمامی زمین از آن من است"). اسرائیل باید مکانیزمی می‌بود برای ملت‌ها تا یهوه را بشناسند و به خدا روی آورند. متاسفانه آنها موفق نشدند (رجوع شود به حزقیال ۲۶: ۲۲ الی ۳۸).

۴. در اول پادشاهان ۸ سلیمان معبدی را اهدا می‌کند تا همه بتوانند بسوی یهوه بیایند (رجوع شود به اول پادشاهان ۸: ۴۳ و ۶۰).

۵. در مزمور ۲۲: ۲۷ و ۲۸، ۴: ۶۶، ۴: ۸۶، ۹: (مکاشفه ۱۵: ۴)

۶. از میان پیامبران یهوه به طور مستمر برنامه‌های رستگاری او (خدا) را آشکار می‌کرد.

a. اشعیا - ۲: ۲ الی ۴: ۱۲، ۴: ۵ و ۶، ۶: ۹ و ۱۰ الی ۱۲: ۴۵، ۲۲: ۴۹، ۵ و ۶، ۵۱: ۵ و ۴، ۵۶: ۶ الی ۸، ۶۰: ۱ الی ۳: ۶۶:

۱۸ و ۲۳

b. ارمیا ۳: ۱۷، ۴: ۲، ۱۶: ۱۹

c. میکاه ۴: ۱ الی ۳

d. مالاچی ۱: ۱۱

تاکید کلی با به کارگیری "پیمان جدید" آسانتر می‌شود (ارمیا ۳۱: ۳۱ الی ۳۴، حزقیال ۳۶: ۲۲ الی ۳۸)، که بر بخشش یهوه تاکید دارد، نه بر عملکرد انسان انحطاط یافته. این "قوت قلب جدیدی" است، "تفکری جدید"، و "روحی جدید". اطاعت ضروری ولی درونی است، نه فقط اعمال ظاهری (رجوع شود به رومیان ۳: ۲۱ الی ۳۱).

عهد جدید به وضوح برنامه رستگاری جهانی را به راه‌های مختلف به اجرا می‌گذارد.

۱. کمیسیون عالی (انجیل متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، انجیل لوقا ۲۴: ۴۶ و ۴۷، اعمال ۱: ۸)

۲. برنامه جاودانه خدا (یعنی از پیش تعیین شده) - انجیل لوقا ۲۲: ۲۲، اعمال ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۴: ۲۸، ۱۳: ۲۹

۳. خدا می‌خواهد تمامی انسان‌ها نجات یابند - انجیل یوحنا ۳: ۱۶، ۴: ۴۲، اعمال ۱۰: ۳۴ و ۳۵، تیموتائوس ۲: ۴ الی ۶، تیتوس ۲: ۱۱، دوم پطرس ۳: ۹، اول یوحنا ۲: ۲ و ۴: ۱۴

۴. مسیح عهد قدیم و عهد جدید را متحد می‌سازد - غلاطیان ۳: ۲۸ و ۲۹، افسسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳، کولسیان ۳: ۱۱. تمامی موانع و تمایزات در مسیح از بین می‌روند. عیسی "راز خداست"، که پنهان بود ولی اینک آشکار شده است (افسیان ۲: ۱۱ الی ۳: ۱۳).

عهد جدید بر عیسی تمرکز دارد، نه اسرائیل. انجیل، نه منطقه‌ای و نه جغرافیایی، بلکه در مرکزیت است. اسرائیل اولین مکاشفه بود ولی عیسی آخرین است (رجوع شود به انجیل متا ۵: ۱۷ الی ۴۸).

امیدوارم زمانی را نیز صرف خواندن این مقاله کنید: موضوع خاص: چرا به نظر می‌رسد که وعده‌ها و پیمان‌های عهد عتیق با وعده‌ها و پیمان‌های عهد جدید متفاوت هستند؟ می‌توانید آن را در [www.freebiblecommentary.org](http://www.freebiblecommentary.org) بیابید

■ "تا خوانده شویم" این وجه شرطی آئوریست مجهول است که به مفهوم عنوان افتخاری ("فرزندان خدا") که توسط خدا داده می‌شود، استفاده شده است.

■ "فرزندان خدا" اول یوحنا ۲: ۲۹ الی ۳: ۱۰ بر روی این تمرکز دارد. پیش قدم شدن خدا در رستگاری ما را تأیید می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵). یوحنا از اصطلاحات خانوادگی برای توصیف رابطه جدید مومن با خدا استفاده می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۹، ۳: ۱ و ۲ و ۹ و ۱۰، انجیل یوحنا ۱: ۱۲).

جالب است که یوحنا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳) و پطرس (مراجعه شود به اول پطرس ۱: ۳ و ۲۳) از استعاره "تولد دوباره" یا "متولد شده از بالا" استفاده می‌کنند، در حالیکه پولس از استعاره "به فرزندگی قبول کردن" (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۵ و ۲۳، ۹: ۴، غلاطیان ۴: ۱ الی ۵، افسسیان ۱: ۵) و یعقوب از استعاره خانوادگی: "تولد" (مراجعه شود به یعقوب ۱: ۱۸) یا "جلو آوردن" برای توصیف رابطه جدید با خدا از طریق عیسی، استفاده کرده‌اند. مسیحیت رابطه خانوادگی است.

■ "و چنین نیز هستیم" این زمان حال اخباری است. این عبارت در انجیل نسخه KJV دیده نمی‌شود. زیرا در نسخ دستنویس یونانی جدیدتر (یعنی K و L) که KJV بر مبنای آنها است دیده نمی‌شود. با این حال، این عبارت در بسیاری از قدیمیترین نسخ دستنویس وجود دارد (P<sup>47</sup>، A، B، UBS<sup>4</sup>) به اضافه شدن آن رتبه A (یقین) می‌دهد. به ضمیمه ۲ در مورد انتقاد متنی مراجعه کنید.

■ "دنیا ما را نمی‌شناسد" اصطلاح "دنیا" از دیدگاه خداشناسی به همان شیوه ۲: ۱۵ الی ۱۷ استفاده شده است. جهان به معنی جامعه انسانی است که توسط انسان سازماندهی شده و به دور از خدا اداره می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۱۸ الی ۱۹، ۱۷: ۱۴ الی ۱۵). شکنجه و انکار توسط جهان

شاهد دیگری است بر موقعیت ما در عیسی (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۶).

■ **"چرا که او را نشناخت"** ظاهراً این اشاره به خدای پدر است زیرا در انجیل یوحنا عیسی مرتب می‌گوید و می‌گوید که جهان او را نمی‌شناسد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۱۹ و ۵۵، ۱۵: ۱۸ و ۲۱، ۱۶: ۳). ضمیر در اول یوحنا مبهم هستند (به یادداشت مندرج در اول یوحنا ۲: ۲۸ مراجعه کنید. در این متن از نظر دستوری مرجع ضمیر پدر است، ولی اشاره الهیاتی در اول یوحنا ۳: ۲ پسر است. با این حال، در انجیل یوحنا ابهام می‌تواند تعدمی باشد زیرا دیدن عیسی همان دیدن پدر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۵، ۱۴: ۹).

■ **۲: ۳ "ولی آنچه خواهیم بود هنوز آشکار نشده است"** این سخن از ناتوانی یوحنا در توصیف رخدادهای پایان زمان دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱: ۷) یا ماهیت دقیق بدن قیام کرده دارد (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۵: ۳۵ الی ۴۹). همچنین نشان می‌دهد که ۲: ۲۷ به معنی دانش جامع در همه زمینه‌ها نیست. حتی دانش عیسی در حالیکه خودش قیام کرده بود، در مورد این رخداد محدود بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۳۶، انجیل مرقس ۱۳: ۲۲).

■ **"آنگاه که او ظهور کند"** اصطلاح "آنگاه" جمله را تبدیل به عبارت شرطی نوع سوم می‌کند. در اینجا برای سوال کردن در مورد آمدن دوم استفاده نشده است بلکه برای بیان زمان نامشخص استفاده شده است. یوحنا، هر چند اینک بر رستگاری کامل تاکید می‌کند، ولی انتظار آمدن دوم را هم دارد.

■ **"مانند او خواهیم بود"** این شامل تحقق یافتن مسیح گونه بودن ما می‌شود (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۳: ۱۸، افسسیان ۴: ۱۳، فیلیپیان ۳: ۲۱، و کولسیان ۳: ۴). اغلب به این "جلال یافتن" گفته می‌شود (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۸ الی ۳۰). این نقطه اوج رستگاری ما است! این تحول اسکاتولوژیک در رابطه با احیا کامل تصویر خدا در انسانهایی است که شبیه او خلق شده‌اند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶، ۵: ۱ و ۳، ۹: ۶). دوستی صمیمانه با خدا دوباره امکانپذیر است!

■ **"چون او را چنانکه هست خواهیم دید"** یعقوب در آرزوی دیدن خدا است (مراجعه شود به یعقوب ۱۹: ۲۵ الی ۲۷). عیسی به ما گفت که قلب پاک و خالص خدا را می‌بیند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۸). برای دین او به صورت تمام و کمال یعنی که ما باید به شکل او تغییر کنیم (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۳: ۱۲). این اشاره به جلال یافتن مومنین دارد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۲۹) در آمدن دوم. اگر "برائت" به معنی رهایی از جرمه گناه باشد و "تقدس" به معنی رهایی از قدرت گناه، پس "جلال یافتن" به معنی رهایی از وجود گناه است!

■ **۳: ۳ "هر که"** اصطلاح یونانی *pas* هفت مرتبه در ۲: ۲۹ تا ۳: ۱۰ تکرار شده است. هیچ استثنایی وجود ندارد. یوحنا حقیقت را به صورت خشن، سیاه و سفید طبقه‌بندی می‌کند. فرد یا فرزند خدا است یا فرزند شیطان (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۹، ۳: ۳ و ۴ و ۶ [دو مرتبه] و ۹ و ۱۰).

■ **"چنین امیدی"** در نوشته‌های پولس این اصطلاح اغلب به روز رستاخیز اشاره دارد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۲۳: ۶، ۲۴: ۱۵، ۲۶: ۶ الی ۷، رومیان ۸: ۲۰ الی ۲۵، اول تسالونیکیان ۲: ۱۹، تیتوس ۲: ۱۳، اول پطرس ۱: ۳ و ۲۱). بیان کننده قطعیت رخداد است، ولی عنصر زمانی مبهم است.

یوحنا اغلب از "امید" آمدن دوم همانند سایر نویسندگان عهد جدید سخن نمی‌گوید. این تنها باری است که از این اصطلاح در نوشته‌هایش استفاده می‌کند. او تمرکز بر مزایا و وظایف اطاعت در مسیح در حال حاضر است! با این وجود، دلالت بر این ندارد که او انتظار دآوری شیطان (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸) و جلال یافتن مومن (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱ الی ۳) در پایان زمان را ندارد.

■ **"خود را پاک می‌سازد، چنانکه او پاک است"** این زمان حال فعال اخباری است. خلوص مهم است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۸ و ۴۸). ما باید در فرایند تقدس همکاری کنیم (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۷: ۱، یعقوب ۴: ۸، اول پطرس ۱: ۲۲، دوم پطرس ۳: ۱۳ و ۱۴) درست همانطور که انجیل یوحنا ۱: ۱۲ از همکاری ما در فرایند تقدس صحبت می‌کند. همین تنش میان سهم خدا (پادشاهی) در رستگاری ما و سهم ما (آزادی اراده انسانی) می‌تواند به وضوح با مقایسه حزقیال ۱۸: ۳۱ با ۲۶: ۲۶ الی ۲۷ دیده می‌شود. خدا همیشه پیش قدم است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵)، ولی خواسته است که مردم باید به پیمان با توبه اولیه و ایمان و تداوم آن با ایمان، اطاعت، خدمت کردن، عبادت و پایداری پاسخ دهند.

این میتواند اشاره‌ای به دعای والای عیسی در انجیل یوحنا ۱۷، و به خصوص اول یوحنا ۳: ۱۷ و ۱۹ باشد. او خود را مقدس می‌کند و پیروانش خودشان را. به نوعی حیرت‌انگیز است که حالات متفاوتی از همین ریشه استفاده شده است:

۱. انجیل یوحنا ۱۷: ۱۷ و ۱۹ - *hagiazō* (*hagios*)، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۳۶)

۲. اول یوحنا ۳: ۳ - *hagnos* (*hagnos*)، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۰ (۵۵)

**بینش متنی نسبت به آیات ۳: ۴ الی ۱۰**

A. این عبارت محور جدل میان مسیحیان کامل‌گرا (مراجعه شود به رومیان ۶)، که گاهی اوقات تقدس نامیده می‌شود، و مسیحیانی که به گناه ادامه می‌دهند، است (مراجعه شود به رومیان ۷).

B. ما نباید اجازه دهیم که گرایش الهیاتی ما بر تفسیر این متن تأثیر گذارد. همچنین ما نباید اجازه دهیم که تا زمانیکه مطالعه مستقل ما کامل نشده و اطمینان حاصل نکرده‌ایم که یوحنا هم در فصل ۳ و در تمام کتاب اول یوحنا چه می‌گوید، سایر متون بر این متن تأثیر گذارند.

- C. این عبارت به وضوح هدفی را نشان می‌دهد که تمامی مومنین آرزویش را دارند، دور بودن کامل از گناه. همین ایده‌آل در رومیان ۶ هم ارائه شده است. از طریق قدرت مسیح ما امکان زندگی بدون گناه را داریم.
- D. این عبارت، اما، باید در قالب متنی بزرگتر کل کتاب اول یوحنا قرار گیرد.
۱. زیرا تفسیر این متن بدون در نظر گرفتن ۱: ۸ الی ۲: ۲ (مسیحیان همچنان گناه می‌کنند) نابخردانه است
  ۲. زیرا تفسیر این متن به شیوه‌ای که هدف اول یوحنا را که تضمین رستگاری در برابر ادعاهای معلمین دروغین شکست دهد، نابخردانه است.
  ۳. این عبارت باید با ادعاهای معلمین دروغین در مورد بودن گناه بودن و یا بی‌اهمیت بودن گناه ربط داده شود. احتمالاً ۱: ۸ الی ۲: ۲ با نهایت تعلیمات معلمین دروغین درگیر است، در حالی که ۳: ۱ الی ۱۰ با دیگری سروکار دارد. به خاطر داشته باشید که تفسیر نامه‌های عهد جدید همانند شنیدن نیمی از یک مکالمه تلفنی است.
- E. یک رابطه پارادوکسی میان این دو عبارت وجود دارد. گناه در زندگی مسیحیان یک مشکل تکراری در عهد جدید است (مراجعه شود به رومیان ۷). این همان تنش گفتگویی را شکل می‌دهد که تقدیر و اراده آزاد یا امنیت و استقامت ایجاد می‌کنند. پارادوکس یک تعادل الهیاتی ایجاد کرده و در نهایت را کنترل می‌کند. معلمین دروغین دو اشتباه در زمینه گناه ارائه می‌کنند.
- F. کل این بحث الهیاتی بر اساس درک نادرست تفاوت میان اینها است:
۱. موقعیت ما در مسیح
  ۲. تلاش ما در تحقق بخشیدن به موقعیت تجربی ما در زندگی روزانه
  ۳. وعده روزی پیروزی از آن ما است!
- ما در مسیح از مجازات گناه در امان هستیم (تقدس)، با این حال، همچنان با قدرت او مقابله می‌کنیم (تقدس در حال پیشرفت). و روزی از وجودش رها خواهیم شد (جلال یافتن). این کتاب به عنوان یک کل، اولویت قبول گناه کردن و تلاش برای دوری از آن را آموزش می‌دهد.
- G. گزینه دیگر از دوالیسم یوحنا ناشی می‌شود. او در قالب طبقه‌بندی سیاه و سفید می‌نویسد (که همچنین در کتیبه بحرالمیت یافت شده است). زیرا وقتی کسی در مسیح باشد در نتیجه پارسا است و وقتی در شیطان باشد، در گناه است. هیچ طبقه‌بندی سومی وجود ندارد. این به عنوان یک هشدار بیداری برای مسیحیت ثانوی، فرهنگی، نیمه وقت، فقط-تشییع جنازه، و فقط عید پاک است.
- H. برخی منابع برای این موضوع مشکل:
۱. برای هفت تفسیر سنتی این عبارت به The Epistles of John در *The Tyndale New Testament Commentaries* نوشته
  - John R. W. Stott از انتشارات Eerdmans's صفحه ۱۳۰ الی ۱۳۶)
  ۲. برای مطالعه در مورد کامل بودن به *Christian Theology*، جلد دوم، صفحه ۴۴۰ نوشته H. Orton Willie از انتشارات Beacon Hill Press مراجعه کنید
  ۳. برای مطالعه در مورد دکترین گناه مداوم در زندگی مسیحیان به *Perfectionism* نوشته B. B. Warfield از انتشارات The Presbyterian and Reformed Published Company مراجعه کنید.

#### مطالعه کلمه و عبارات

**NASB: اول یوحنا ۳: ۴ الی ۱۰**

۴ هر کس در گناه زندگی می‌کند بر خلاف شریعت عمل می‌کند؛ گناه به واقع مخالفت با شریعت است. <sup>۵</sup> شما می‌دانید که او ظهور کرد تا گناهان را از میان بردارد. در او هیچ گناهی نیست. <sup>۱</sup> آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند، اما کسی که در گناه زندگی می‌کند، او را نه دیده و نه شناخته است.

۷ ای فرزندان، کسی شما را گمراه نسازد. هر که پارسایانه عمل می‌کند، پارساست، چنانکه او پارساست. <sup>۸</sup> آن که در گناه زندگی می‌کند از ابلیس است، زیرا ابلیس از همان آغاز گناه کرده و می‌کند. از همین رو پسر خدا ظهور کرد تا کارهای ابلیس را باطل سازد. <sup>۹</sup> آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند، زیرا سرشت خدا در او می‌ماند؛ پس او نمی‌تواند در گناه زندگی کند، چرا که از خدا مولود شده است. <sup>۱۰</sup> فرزندان خدا و فرزندان ابلیس این‌گونه آشکار می‌شوند: آن که پارسایانه عمل نمی‌کند، از خدا نیست، و نه آن که برادر خود را محبت نمی‌کند.

۴: ۳

"هر کس که گناه را تجربه کند، بی قانونی را هم تجربه می‌کند"	<b>NASB</b>
"هر کس که مرتکب گناه شود، مرتکب بی قانونی هم شده است"	<b>NKJV</b>
"هر کسی که گناه کند گناهکار بی قانونی است"	<b>NRSV</b>
"هر کسی که گناه می‌کند، قانون خدا را می‌شکند"	<b>TEV</b>

ضمیر "هر کس" در اینجا و در اول یوحنا ۳: ۶ در ابتدای جمله آمده است. این عبارت در رابطه با تمام انسانها است!

این زمان حال فعال و حال فعال اخباری است. افعال زمان حال بر اعمال شیوه زندگی از روی عادت و مستمر دارای اهمیت و در تضاد با آئوریست فعال در اول یوحنا ۲: ۱ الی ۲ هستند. با این حال، مسئله الهیاتی این عبارت (مقایسه ۱: ۷ الی ۱۰ با ۳: ۶ الی ۹) نمی‌تواند به طور کامل با یک زمان فعال حل شود. این مسئله با در نظر گرفتن شرایط تاریخی دو نوع معلمین عرفان دروغین و کل متن کتاب قابل حل است.

یک نکته متمایز دیگر این عبارت استفاده از اصطلاح "بی قانونی" است. به اندازه گرایش نسبت به شورش و یاغیگری از شکستن قوانین (قوانین موسی و سلیمان) سخن نمی‌گوید. همین کلمه برای توصیف ضد مسیحیان در دوم تسالونیکیان ۲: ۳ و ۷ استفاده شده است. توصیف کاملتر گناه (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۴۱، رومیان ۱۴: ۲۳، یعقوب ۴: ۱۷، اول یوحنا ۵: ۱۷) می‌تواند مسیح گونه نبودن باشد (مراجعه کنید به اول یوحنا ۳: ۵)، نه فقط نقض قانون یا استانداردها.

**۳: ۵ "او ظاهر شد"** این زمان آئوریست مجهول اخباری است که از رستاخیز عیسی صحبت می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۸، دوم تیموتائوس ۱: ۱۰). همین فعل، *phaneroō*، دو مرتبه در اول یوحنا ۳: ۲ در مورد آمدن دوم او استفاده شده است. او اول به عنوان ناجی آمد (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۰: ۴۵، انجیل یوحنا ۳: ۱۶، دوم قرنتیان ۵: ۲۱)، اما بعد به عنوان تحقق دهنده باز خواهد گشت. Bill Hendricks یکی از محبوبترین معلمین من، در تفسیر خود *The Letters of John* می‌گوید:

"دو تا از نافذترین اظهارات در مورد هدف آمدن مسیح در این آیه و آیه ۸ یافت می‌شوند. او توسط خدا فرستاده شد تا گناهان را بگیرد (۳: ۵)، و کارهای شیطان را نابود کند (۳: ۸). جای دیگری لوقا ثبت کرده که هدف آمدن عیسی جستجو و یافتن کسانی است که گمراه شده‌اند (انجیل لوقا ۱۹: ۱۰). انجیل یوحنا می‌گوید عیسی آمد تا شاید گوسفندان زندگی سرشاری داشته باشند (انجیل یوحنا ۱۰: ۱۰). متی می‌گوید هدف آمدن عیسی دلالت بر نامش است، او باید مردمش را از گناهانشان نجات دهد. (انجیل متی ۱: ۲۱). حقیقت پایه در تمامی این اظهارات این است که عیسی مسیح برای انسان کاری کرد که برای خودش نمی‌توانست انجام دهد" (صفحه ۷۹ الی ۸۰)

■ **"گناهان را از میان بردارد"** این وجه شرطی آئوریست است. عمل مشروط به پاسخ انسان است (یعنی، توبه و ایمان). زمینه این عبارت در رابطه با دو منبع احتمالی است.

۱. روز رستگاری (مراجعه شود به لایوان ۱۶) که یکی از دو گوسفند فراری به صورت نمادین گناه را از کمپ اسرائیل برگرفت (مراجعه شود به استفاده یحیی تعمید دهنده در انجیل یوحنا ۱: ۲۹).

۲. اشاره به آنچه عیسی بر بالای صلیب انجام داد (مراجعه شود به اشعیا ۵۳: ۱۱ الی ۱۲، انجیل یوحنا ۱: ۲۹، عبرانیان ۹: ۲۸، اول پطرس ۲: ۲۴)

■ **"در او هیچ گناهی نیست"** این زمان حال فعال اخباری است. بدون گناه بودن عیسی مسیح (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۶، دوم قرنتیان ۵: ۲۱، عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶، اول پطرس ۱: ۱۹، ۲: ۲۲) مبنای نیابت و جایگزینی از طرف ما است (اشعیا ۵۳).

توجه کنید که "گناه" در بخش اول اول یوحنا ۳: ۵ جمع است و در بخش بعدی مفرد است. اولی اشاره به اعمال گناه دارد و دومی به شخصیت پارسای او. هدف این است که مومنین هم موقعیت تقدسی و پیشرفت تقدیس خود در مسیح را با یکدیگر در میان بگذارند. گناه برای مسیح و پیروانش یک بیگانه است.

موضوع خاص: آن مقدس (The Holy One)

**۳: ۶ "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند"** همانند ۳: ۴، این یک زمان حال فعال و حال فعال اخباری دیگر است. این عبارت باید در تضاد با ۱: ۸ الی ۲: ۲ و ۵: ۱۶ باشد.

■ **"کسی که در گناه زندگی می‌کند، او را نه دیده و نه شناخته است"** این آیه یک زمان حال فعال دارد که در پی آن دو زمان کامل فعال اخباری آمده است. گناهان زشت و ممتد نشان می‌دهند که فرد مسیح را نمی‌شناسد و هرگز او را نشناخته است. مسیحیانی که گناه می‌کنند

۱. ماموریت مسیح را خنثی می‌کنند

۲. هدف مسیح گونه بودن را خنثی می‌کنند

۳. ماهیت و منشا معنوی فرد را آشکار می‌کنند

**۳: ۷ "کسی شما را گمراه نسازد"** این زمان حال فعال امری با حرف اضافه نفی است که معمولا به معنی توقف عمل در حال انجام است. حضور معلمین دروغین (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۶) وضعیت تاریخی را برای درک الهیاتی مناسب اول یوحنا به صورت کل و به خصوص آیات ۱: ۷ الی ۱۰ و ۳: ۴ الی ۱۰ فراهم می‌کند.

■ "هر که پارسایانه عمل می‌کند، پارساست" این آیه را نمی‌توان از کل متن جدا کرد و برای دفاع یا محکوم کردن دکترین موقعیت (کارهای پارسایی) استفاده نمود. عهد جدید به وضوح مشخص کرده که انسانها نمی‌توانند بخاطر منافع شخصی به خدای مقدس نزدیک شوند. انسانها با تلاش خودشان به تنهایی نجات پیدا نمی‌کنند. انسانها باید به پیشنهاد رستگاری خدا در کار کامل شده مسیح پاسخ دهند. تلاشهایمان، ما را نزد خدا نمی‌برند. آنها نشان می‌دهند که ما او را دیده‌ایم. آنها به وضوح ماهیت معنوی و بلوغ پس از رستگاری ما را آشکار می‌سازند (مراجعه شود به مکاشفه ۲۲: ۱۱). ما با کار خوب نجات نمی‌یابیم، بلکه از طریق کارهای خوب نجات پیدا می‌کنیم. هدف هدیه رایگان خدا در مسیح، شبیه مسیح بودن پیروان است (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۹ و ۱۰). اراده نهایی خدا برای هر مومن فقط بهشت پس از مرگ نیست (توجیه قانونی)، بلکه اینک شبیه مسیح بودن (تقدس دائمی) است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۸، رومیان ۸: ۲۸ الی ۲۹، غلاطیان ۴: ۱۹)؛ برای مطالعه در مورد پارسایی/رستگاری به موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۲۹ مراجعه کنید.

۳: ۸ "آن که در گناه زندگی می‌کند از ابلیس است" این زمان حال فعال است. فرزندان خدا با مشاهده شیوه زندگی آنان شناخته می‌شوند، همانطور که فرزندان شیطان از شیوه زندگی آنان شناخته می‌شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۰، انجیل متی ۷: ۱۳، افسسیان ۲: ۱ الی ۳).

■ "زیرا ابلیس از همان آغاز گناه کرده و می‌کند" این حال فعال اخباری است. شیطان از همان آغاز گناه کرده و همچنان ادامه می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۴۴). آیا این اشاره به خلقت یا قیام فرشتگان دارد؟

از نگاه خداشناسی مشکل بتوان مشخص کرد که کی شیطان علیه خدا قیام کرد. به نظر می‌رسد یعقوب ۱: ۲، زکریا ۳ و اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ الی ۲۳ نشان می‌دهند که شیطان خدمتگزار خدا و یکی از فرشتگان مشاور است. ممکن است (ولی احتمال ندارد) که غرور، تعصب، خودخواهی و جاه‌طلبی پادشاهان شرقی (بابل، اشعیا ۱۴: ۳ الی ۱۴ یا تیریه، حزقیال ۲۸: ۱۲ الی ۱۶) مورد استفاده قرار گرفت تا شیطان (حزقیال ۲۸: ۱۴ الی ۱۶) قیام کند. با این حال، در انجیل لوقا ۱۰: ۱۸ عیسی گفت شیطان را دید که از بهشت همانند رعد سقوط کرد ولی این به ما نمی‌گوید که دقیقا کی. منشا و توسعه شیطان باید به واسطه عدم مکاشفه در عدم قطعیت باقی بماند. در مورد متون سیستماتیک، دگم و مبهم مراقب باشید. بهترین بحث در مورد بسط عهد عتیقی شیطان در از خدمتگزار به دشمن را می‌توانید در کتاب A. B. Davidson's *Old Testament Theology* از انتشارات T & T Clark صفحات ۳۰۰ الی ۳۰۶ مطالعه کنید. موضوع خاص: شیطان فردی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ را مطالعه کنید.

■ "پسر خدا" موضوع خاص زیر را مطالعه کنید

## موضوع خاص: پسر خدا

### (SPECIAL TOPIC: THE SON OF GOD)

این یکی از القاب اصلی عیسی در عهد جدید است. مطمئنا مفهومی الهی دارد. این لقب عیسی "پسر" یا "پسرم" را هم شامل می‌کند، همچنین خدا به عنوان "پدر" خطاب می‌شود (به موضوع خاص: پدر بودن خدا مراجعه کنید). بیش از ۱۲۴ مرتبه این لقب در عهد جدید تکرار شده است. حتی وقتی عیسی خودش را "پسر انسان" معرفی می‌کند، بر طبق دانیال ۷: ۱۳ الی ۱۴، باز هم مفهوم الهی دارد. در عهد عتیق اصطلاح "پسر" به چهار رده خاص اشاره می‌کند (به موضوع خاص: پسر... مراجعه شود).

A. فرشتگان (معمولا به صورت جمع به کار می‌رود، مراجعه شود به کتاب پیدایش ۲: ۶، ایوب ۱: ۶، ۱: ۲)

B. پادشاه اسرائیل (مراجعه شود به دوم سموئیل ۷: ۱۴، مزمر ۷: ۲، ۲۶: ۸۹ الی ۲۷)

C. مردم اسرائیل به صورت کل (مراجعه شود به کتاب خروج ۴: ۲۲ الی ۲۳، تثنیه ۱: ۱۴، هوشع ۱: ۱۱، ملاکی ۱: ۱۰)

D. داوران اسرائیلی (مراجعه شود به مزمر ۶: ۸۲)

مفهوم دوم که به عیسی مرتبط است. بدین ترتیب، "پسر داوود" و "پسر خدا" هر دو با دوم سموئیل ۷، مزمر ۲ و ۸۹ مرتبط می‌شوند. در عهد عتیق "پسر خدا" هرگز به صورت مشخص و صریح در مورد مسیح به کار نرفته است، به جز بصورت پادشاه اسکاتولوژیک به عنوان یکی از "تدهین شدگان" اسرائیل. با این وجود، در کتیبه بحر المیت، لقب مسیح یک دلالت عمومی دارد (به مراجع خاص در *Dictionary of Jesus and the Gospels*، صفحه ۷۷۰ مراجعه شود. همچنین، "پسر خدا" یک لقب مسیحی در دو اثر یهودی بنیادی در مورد مکاشفه یوحنا است (مراجعه شود به دوم اسداس ۲۸: ۷، ۳۲: ۱۳ و ۳۷ و ۱۹: ۱۴ و اول انوش ۲: ۱۰۵).

زمینه عهد جدیدی آن، چنان که به عیسی اشاره می‌کند را می‌توان به بهترین شکل در چند گروه خلاصه کرد:

۱. از قبل وجود داشتن او (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۵ الی ۳۰، ۵۶: ۸ الی ۵۹، ۱۶: ۲۸، ۱۷: ۵، دوم قرتیان ۹: ۸، فیلیپیان ۲: ۶ الی ۷، کولسیان ۱: ۱۷، عبرانیان ۳: ۱، ۵: ۱۰ الی ۸)

۲. تولد منحصر به فرد بودنش (از یک باکره) (مراجعه شود به اشعیا ۷: ۱۴، انجیل متی ۲۳: ۱، انجیل لوقا ۳: ۱ الی ۳۵)

۳. تعمیدش (مراجعه شود به انجیل متی ۳:۱۷، انجیل مرقس ۱:۱۱، انجیل لوقا ۳:۲۲، صدای خدا از بهشت که پادشاه مزمور ۲ را با خدمتگزار رنج‌دیده اشعیا ۵۳ متحد میسازد)
۴. وسوسه‌های شیطان (مراجعه شود به انجیل متی ۴:۱ الی ۱۱، انجیل مرقس ۱:۱۲ و ۱۳، انجیل لوقا ۴:۱ الی ۱۳. او وسوسه شد تا نسبت به فرزندی خود تردید کند یا حداقل ماموریت خود را به شیوه دیگری غیر از مصلوب شدن انجام دهد)
۵. تأیید او توسط اعتراف کنندگان غیر قابل قبول
- a. شیاطین (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱:۲۳ الی ۲۵، انجیل لوقا ۴:۳۱ الی ۳۷ و ۴۱، انجیل مرقس ۳:۱۱ و ۱۲، ۵:۷، به موضوع خاص: شیطان (روح ناپاک) مراجعه شود)
- b. بی‌ایمانان (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷:۴۳، انجیل مرقس ۱۴:۶۱، انجیل یوحنا ۱۹:۷)
۶. تأیید او توسط شاگردانش
- a. انجیل متی ۱۴:۳۳، ۱۶:۱۶
- b. انجیل یوحنا ۱:۳۴ و ۴۹، ۶:۶۹، ۱۱:۲۷
۷. تأیید او توسط خودش
- a. انجیل متی ۱۱:۲۵ الی ۲۷
- b. انجیل یوحنا انجیل یوحنا ۱۰:۳۶
۸. استفاده‌های استعاره‌ای او در مورد خدا به عنوان پدر
- a. استفاده او از *abba* برای خدا
- (۱) انجیل مرقس ۱۴:۳۶
- (۲) رومیان ۸:۱۵
- (۳) غلاطیان ۴:۶
- b. استفاده مکرر او از پدر (*patēr*) برای توصیف رابطه خودش با خدا
- به طور خلاصه، عنوان "پسر خدا" برای آنان که عهد عتیق و وعده‌هایش و طبقه‌بندی‌هایش را می‌دانند، مفهوم الهیاتی عظیمی دارد، ولی نویسندگان عهد جدید نسبت به استفاده آن توسط پیروان سایر ادیان به واسطه سابقه شرک آنان در مورد "خدایان" که با زنان صحبت می‌کردند که نتیجه آن تایتان‌ها و ژیان‌ها بودند، نگران بودند.

■ "ظهور کرد" این اصطلاح یونانی *phaneroō* است که به معنی "در نور آوردن به منظور اینکه به وضوح دیده شود". آیات ۵ و ۸ همسو هستند و هر دو از این فعل در حالت مجهول استفاده می‌کنند، که سخن از این دارد که مسیح به واقع در قیام از مردگان آشکار شد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱:۲). مشکل معلمین دروغین این نبود که انجیل برایشان شفاف و روشن نبود، بلکه آنها دیدگاه الهیاتی و فلسفی خاص خود را داشتند.

■ "تا کارهای ابلیس را باطل سازد" هدف ظهور عیسی در زمان و جسم/گوشت نابود کردن (وجه شرطی آنوریست فعال از *luō*) بود، که به معنی "شل کردن"، "رها کردن" یا "نابود کردن" است. عیسی این کار را در کالواری انجام داد، ولی انسانها باید به کاری به پایان رساند و هدیه رایگان پاسخ دهند (مراجعه شود به رومیان ۳:۲۴، ۶:۲۳، افسسیان ۲:۸) با دریافت او توسط ایمان (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱:۱۲، ۳:۱۶).

تنش "قبلا ولی نه هنوز" عهد جدید همچنین به نابودی شیطان مرتبط است. شیطان شکست خورده است، ولی او هنوز در جهان فعال است تا اینکه پادشاهی خدا به صورت کامل تحقق یابد.

۳:۹ "آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند" این زمان کامل مجهول است (مراجعه شود به همو در اول یوحنا ۳:۹ بخش سوم، ۲:۲۹ و ۵:۱۸) که سخن از برقرار شدن شرایطی خارج از دستور کار (خدا) دارد.

■ "گناه می‌کند" این زمان حال فعال اخباری است و متضاد با ۲:۱ است که وجه شرطی آنوریست فعال بوده و دو مرتبه تکرار شده است. دو نظریه در مورد اهمیت این عبارت وجود دارند:

۱. در رابطه با معلمین دروغین عرفان است به خصوص این حقیقت که رستگاری را محدود به مفاهیم روشنفکری می‌کرد و در نتیجه الزام به زندگی اخلاقی را حذف می‌نمود.

۲. فعل زمان حال بر تداوم، عادت بودن و گناه کردن تأکید می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۶:۱)، نه گناهان منفرد (مراجعه شود به رومیان ۶:۱۵).

این تمایز الهیاتی در رومیان ۶ به تصویر کشیده شده است (بدون گناه بودن در مسیح) و رومیان ۷ (تلاش مومن در کمتر گناه کردن).

با نگاه تاریخی، گزینه شماره ۱ بهترین گزینه است ولی فرد هنوز باید برای این نیاز به حقیقت امروز متقاضی باشد، که شماره ۲ بیان می‌کند. بحث جالبی در مورد این آیه مشکل را می‌توانید در *Hard Sayings of the Bible* نوشته Manfred و Walter Kaiser, Peter Davids, F. F. Bruce و Brauch صفحات ۷۳۶ الی ۷۳۹ مطالعه کنید.

■ "زیرا سرشت خدا در او می‌ماند" این زمان حال فعال اخباری است. نظریات زیادی وجود دارند در خصوص اینکه این عبارت یونانی دقیقا چه معنایی دارد. معانی "سرشت":

۱. آگوستین و لوتر می‌گویند که اشاره به کلام خدا دارد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۸: ۱۱، انجیل یوحنا ۵: ۳۸، یعقوب ۱: ۱۸، اول پطرس ۱: ۲۳)
۲. کالوین می‌گوید به روح القدس اشاره می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۵ و ۶ و ۸، اول یوحنا ۳: ۲۴، ۴: ۴ و ۱۳)
۳. دیگران می‌گویند به طبیعت الهی یا خود جدید اشاره دارد (مراجعه شود به دوم پطرس ۱: ۴، افسسیان ۴: ۲۴)
۴. احتمال دارد به خود مسیح به عنوان "از نسل ابراهیم" اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱: ۵۵، انجیل یوحنا ۸: ۳۳ و ۳۷، غلاطیان ۳: ۱۶)
۵. برخی می‌گویند مترادف با عبارت "از خدا متولد شده" است
۶. ظاهرا این اصطلاحی بود که توسط عرفا برای صحبت کردن از جرعه الهی در تمامی انسانها استفاده می‌کردند.

شماره ۴ احتمالا بهترین گزینه متنی از میان تمامی این نظریات است، ولی یوحنا از واژه نامه خود برای رد کردن عرفا استفاده می‌کند (یعنی شماره ۶).

۳: ۱۰ این خلاصه‌ای است از اول یوحنا ۳: ۴ الی ۹. دارای دو فعل زمان حال فعال اخباری و دو ضمیر مفعولی حال فعال است، که اشاره به عمل در حال اجرا دارند. از دید الهیات این همسو با گفته عیسی در موعظه بالای کوه است (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۶ الی ۲۰). چگونه فرد زندگی می‌کند قلب او و گرایش معنوی را آشکار می‌سازد.

■ "فرزندان خدا... فرزندان شیطان" این ریشه سامی بودن یوحنا را نشان می‌دهد. زبان عبری که یک زبان باستانی بدون صفت است، از "فرزند..." به عنوان راهی برای توصیف فرد استفاده می‌کند.

#### NASB: اول یوحنا ۳: ۱۱ الی ۱۲

۱۱ همین است پیامی که از آغاز شنیدید، که باید یکدیگر را محبت کنیم.<sup>۱۲</sup> نه چون قابیل که از آن شریر بود و برادر خود را کشت. و چرا او را کشت؟ زیرا اعمال خودش بد بود و اعمال برادرش خوب.

۳: ۱۱ "پیام" این اصطلاح یونانی (*aggelia*، معمولا *angelia*/آگهی ترجمه می‌شود) فقط در اول یوحنا ۱: ۵ و ۳: ۱۱ استفاده شده است. اولین کاربرد به نظر می‌رسد بر اساس دکنترین باشد، در حالیکه دومی اخلاقی است. این توازن یوحنایی را میان این دو جنبه مسیحیت برقرار می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۸ و ۱۰، ۲: ۲۰ و ۲۴، ۳: ۱۴).

■ "از آغاز شنیدید" این عبارت یک دستگاه ادبی است که عیسی را هم به عنوان کلام زنده خدا (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱) و آشکار کننده کلام خدا (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱، ۲: ۷ و ۱۳ و ۱۴ و ۲۴، دوم یوحنا ۵ و ۶) به هم پیوند می‌زند.

■ "باید یکدیگر را محبت کنیم" این شاهدهی است که توسط آن مومنین باید بدانند آنها واقعا رستگار شده‌اند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۰ و ۱۴). این منعکس کننده کلام عیسی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴ الی ۳۵، ۱۵: ۱۲ و ۱۷، اول یوحنا ۳: ۲۳، ۴: ۷ الی ۸ و ۱۱ الی ۱۲ و ۱۹ الی ۲۱).

■ "قابیل" زندگی قابیل در کتاب پیدایش ۴ به ثبت رسیده است. مرجع دقیق کتاب پیدایش ۴: ۴ است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۴) که قربانی پیشکش هابیل و قابیل در تضاد هستند. اعمال قابیل نفوذ سقوط انسان را آشکار می‌سازد (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۴: ۷، ۵: ۶، ۱۱ الی ۱۲، ۱۳، بخش ب). در هم سنتهای یهود و مسیحی قابیل مثالی از شورشی ضعیف است (عبرانیان ۱۱: ۴، یهودا ۱۱).

■ "که از آن شریر بود" ساختار دستور زبانی می‌تواند مذکر مفرد باشد (آن شریر، مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۰) یا خنثی مفرد (شیطان). مشابه همین ابهام دستور زبانی در انجیل متی ۵: ۳۷، ۶: ۱۳، ۱۳: ۱۳ و ۱۹، ۳۸، انجیل یوحنا ۱۷: ۱۵، دوم تسالونیکیان ۳: ۱۳، اول یوحنا ۲: ۱۳ و ۱۴، ۳: ۱۴ و ۱۲: ۵ و ۱۸ الی ۱۹ دیده می‌شود. در بسیاری موارد متن به صورت مشهود به شیطان اشاره می‌کند (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۳۷، ۱۳: ۳۸، انجیل یوحنا ۱۷: ۱۵).

#### NASB: اول یوحنا ۳: ۱۲ الی ۲۲

۱۳ ای برادران، از اینکه دنیا از شما نفرت دارد، تعجب نکنید.<sup>۱۴</sup> ما می‌دانیم که از مرگ به زندگی منتقل شده‌ایم؛ زیرا برادران را محبت می‌کنیم. هر که محبت نمی‌کند، در قلمرو مرگ باقی می‌ماند.<sup>۱۵</sup> کسی که از برادر خود نفرت دارد، قاتل است و شما می‌دانید که در هیچ قاتلی حیات جاویدان سکونت ندارد.

<sup>۱۶</sup> محبت را از آنجا شناخته‌ایم که او جان خود را در راه ما نهاد، و ما نیز باید جان خود را در راه برادران بنهیم.<sup>۱۷</sup> اگر کسی از مال دنیا برخوردار باشد و برادر خود را محتاج ببیند، اما شفقت خود را از او دریغ کند، چگونه محبت خدا در چنین کسی ساکن است؟<sup>۱۸</sup> ای فرزندان، بیایید محبت کنیم، نه به زبان و در گفتار، بلکه به راستی و در کردار!

<sup>۱۹</sup> از این خواهیم دانست که به حق تعلق داریم، و خواهیم توانست دل خود را در حضور خدا مطمئن سازیم؛<sup>۲۰</sup> زیرا هر گاه دلمان ما را محکوم کند، خدا بزرگتر از دل‌های ما است و از همه چیز آگاه است.<sup>۲۱</sup> ای عزیزان، اگر دل ما، ما را محکوم نکند، در حضور خدا اطمینان داریم<sup>۲۲</sup> و هر آنچه از او درخواست کنیم، خواهیم یافت، زیرا از احکام او اطاعت می‌کنیم و آنچه موجب خشنودی اوست، انجام می‌دهیم.

۱۳: ۳ "تعجب نکنید" این زمان حال فعال امری است با حرف اضافه نفی که اغلب به معنی متوقف ساختن عمل در حال انجام است (مراجعه شود به اول پطرس ۴: ۱۲ الی ۱۶). این دنیا منصف نیست، این دنیایی نیست که خدا می‌خواست باشد!

■ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده یا از منظر نگارشی شرط را درست تصور می‌کند.

■ "دنیا از شما نفرت دارد" از عیسی متنفر است، از پیروانش هم متنفر است. این موضوع متداول در عهد جدید است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۱۷: ۱۴، انجیل متی ۵: ۱۰ الی ۱۱، دوم تیموتائوس ۳: ۱۲) و شاهد دیگری که فرد ایمان دارد.

۳: ۱۴ "ما می‌دانیم" این زمان کامل فعال اخباری دلالتی است (*oida*) حالت کامل دارد ولی معنای آن زمان حال است. این هم یک موضوع متداول دیگر است. اطمینان فرزندان خدا با (۱) تغییر فکر و (۲) تغییر رفتار مرتبط است، که ریشه اصطلاح یونانی "توبه" در زبان‌های یونانی و عبری هستند.

■ "ما می‌دانیم که از مرگ به زندگی منتقل شده‌ایم" این هم یک زمان کامل فعال اخباری دیگر است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۲۴). یکی از شواهد عبور از مرگ به زندگی (یعنی، تضمین مسیحیت، موضوع خاص در بخش انجیل یوحنا ۶: ۳۷ را مطالعه کنید) این است که به یکدیگر محبت کنیم. دیگری این است که جهان از ما نفرت دارد.

■ "زیرا برادران را محبت می‌کنیم" این زمان حال فعال اخباری است. محبت ویژگی اصلی خانواده خدا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴ الی ۳۵، ۱۵: ۱۲ و ۱۷، دوم یوحنا ۵، اول قرنتیان ۱۳، غلاطیان ۵: ۲۲) زیرا مشخصه خود خدا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۷ الی ۲۱). محبت مبنای رابطه فرد با خدا نیست بلکه نتیجه آن است. محبت مبنای رستگاری نیست بلکه شاهد دیگر آن است.

■ "هر که محبت نمی‌کند، در قلمرو مرگ باقی می‌ماند" این وجه وصفی حال است که به عنوان فاعل با فعل حال فعال اخباری استفاده شده است. همچنان که مومنین به محبت کردن ادامه می‌دهند، بی ایمانان در نفرت باقی می‌مانند. نفرت، همانند محبت شاهد گرایش معنوی فرد است. طبقه‌بندی‌های زیبا و دوگانه یوحنا را به خاطر داشته باشید، فرد یا در قلمرو مرگ است یا زندگی. هیچ حد وسطی وجود ندارد.

۳: ۱۵ "کسی" یوحنا ۸ مرتبه از ۲: ۲۹ از این اصطلاح (*pas*) استفاده کرده است. اهمیتش در آن است که هیچ استثنایی بر آنچه یوحنا می‌گوید وجود ندارد. فقط دو نوع آدم وجود دارند: آنان که محبت می‌کنند و آنان که نفرت دارند. یوحنا زندگی را به صورت سیاه و سفید می‌بیند، هیچ حد وسطی برای یوحنا وجود ندارد.

■ "کسی که از برادر خود نفرت دارد، قاتل است" این زمان حال فعال است (نفرتی که ادامه دارد). گناه ابتدا در فکر صورت می‌گیرد. در موعظه کوه عیسی تعلیم داد که نفرت برابر با قتل است همانطور که شهوت برابر با زنا است (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۲۱ الی ۲۲).

■ "شما می‌دانید که در هیچ قاتلی حیات جاویدان سکونت ندارد" این جمله نمی‌گوید کسی که مرتکب قتل می‌شود نمی‌تواند مسیحی باشد. گناه قابل بخشش است، ولی اعمال سبک زندگی نشان دهنده قلب هستند. می‌گوید کسی که به صورت عادت نفرت دارد نمی‌تواند مسیحی باشد. محبت و نفرت انحصاری هستند. نفرت زندگی را می‌گیرد در حالیکه محبت زندگی می‌بخشد.

۳: ۱۶ "ما می‌دانیم" این زمان کامل فعال اخباری است. اصطلاح یونانی استفاده شده در اول یوحنا ۳: ۱۵ *oida* بود. در اینجا *ginōskō* است. در نوشته‌های یوحنا این دو به صورت مترادف استفاده شده‌اند.

■ "محبت را از آنجا شناخته‌ایم" عیسی نهایت مثال از اینکه محبت چیست را نشان داد. مومنین باید کار او را تکرار کنند (مراجعه شود به دوم قرنتیان ۵: ۱۴ الی ۱۵).

■ "او جان خود را در راه ما نهاد" این زمان آنوریست است که به کالواری با استفاده از کلام خود عیسی اشاره می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۱ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸، ۱۳: ۱۵).

■ "ما باید" مومنین نسبت به مثال عیسی متعهد هستند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۶، ۴: ۱۱) /



■ "جان خود را در راه برادران بنهیم" عیسی مثال و سرمشق است. همانطور که او جان خود را در راه دیگران نهاد، مسیحیان هم باید اگر لازم باشد جان خود را برای برادران بنهند. مرگ خود-محوری

۱. سقوط را برعکس می کند

۲. تصویر خدا را احیا می کند

۳. زندگی برای نیکی است (مراجعه شود به دوم قرنیتان ۵: ۱۴ الی ۱۵، فیلیپیان ۲: ۵ الی ۱۱، غلاطیان ۲: ۲۰، اول پطرس ۲: ۲۱)

۱۷: ۳ "اگر کسی از مال دنیا برخوردار باشد و برادر خود را محتاج ببیند" اینها افعال وجه شرطی حال هستند. دادن زندگی یک نفر در اول یوحنا ۳: ۱۶ اینک تبدیل به یک کمک احتمالی و عملی به برادر دیگری می شود. این آیات بسیار شبیه یعقوب هستند (مراجعه شود به یعقوب ۲: ۱۵ و ۱۶)

■ "اما شفقت خود را از او دریغ کند" این وجه شرطی آتوریست است. اصطلاح قلب به مفهوم "درون" است، یک اصطلاح عبری برای احساسات. مجدداً، اعمال ما پدرمان را آشکار می کند.

■ "محبت خدا" باز هم آیا این یک ابهام مفعولی یا فاعلی یا هدفمند است؟

۱. محبت برای خدا

۲. محبت خدا برای ما

۳. هر دو

شماره ۳ با نوشته های یوحنا بهترین تطابق را دارد.

۱۸: ۳ "بباید محبت کنیم، نه به زبان و در گفتار" اعمال بلندتر از کلمات سخن می گویند (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۲۴، یعقوب ۱: ۲۲ الی ۲۵، ۲: ۱۴ الی ۲۶).

■ "بلکه به راستی و در کردار" اصطلاح "راستی" حیرت انگیز است. اصطلاح "کردار" مترادف "عمل" است. به نظر می رسد این اصطلاح "اصل" (NJB) یا درست (TEV) باشد، همانند استفاده اصطلاح پیام در اول یوحنا ۱: ۵ و ۳: ۱۱ که هم بر دکتترین و هم بر شیوه زندگی تاکید می کند، همینطور هم اصطلاح "درست". به کردار و انگیزه باید با مهرورزیدن انگیزه داده شود (محبت خدا) و نه فقط با اعمال نمایشی که خودخواهی فرد را به عنوان دهنده یا گیرنده ارضا می کنند.

۱۹: ۳ "از این خواهیم دانست" این اشاره به اعمال محبت آمیزی که قبلاً بدانها اشاره شد، دارد. این زمان اخباری میانی (دیپونت) است که شاهد دیگری از تحول واقعی است.

■ "که به حق تعلق داریم" شیوه زندگی محبت آمیز مومنین دو نکته را نشان می دهد: (۱) که آنها در جهت راستی حرکت می کنند، و (۲) که وجدان آنها پاک است. موضوع خاص: حقیقت (مفهوم آن در نوشته های یوحنا) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ را مطالعه کنید.

۱۹: ۳ الی ۲۰ ابهامات زیادی در مورد اینکه چگونه متن یونانی این دو آیه باید ترجمه شود وجود دارد. یک تفسیر احتمالی بر داوری خدا تاکید دارد، در حالیکه دیگری بر رحم و شفقت خدا تاکید دارد. به واسطه متن، به نظر می رسد گزینه دوم مناسبتر باشد.

۲۰: ۳ الی ۲۱ هر دوی این عبارت جمله شرطی نوع سوم هستند.

۲۰: ۳

NASB "به هر شیوه که دلمان ما را محکوم کند"

NKJV "زیرا اگر دلمان ما را محکوم کند"

NRSV "هر گاه دلمان ما را محکوم کند"

TEV "اگر وجدانمان ما را محکوم کند"

NJB "حتی اگر احساساتمان ما را محکوم کند"

تمامی مومنین اندوه درونی را از اینکه بر اساس استانداردی که اراده خدا برای زندگی شان تعیین کرده زندگی نمی کنند، تجربه کرده اند (مراجعه شود به رومیان ۷). آن دردهای وجدان می توانند از روح خدا باشند (که باعث توبه می شوند) یا شیطان (که باعث تخریب خودمان می شوند). هم گناه تعمدی وجود دارد هم گناه سهوی. مومنین با خواندن کتاب خدا (یا شنیدن پیام خدا)، فرق بین این دو را می دانند. یوحنا سعی می کند مومنینی را که با استاندارد محبت زندگی می کنند ولی همچنان با گناه درگیر هستند (عمداً یا سهواً)، تسلی دهد. موضوع خاص: قلب/دل (عهد جدید) را در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۴۰ مطالعه کنید.

■ "از همه چیز آگاه است" خدا انگیزه‌های واقعی را می‌داند (مراجعه شود به اول سموئیل ۲: ۳، ۱۶: ۷، اول پادشاهان ۸: ۳۹، اول تواریخ ۲۸: ۹، دوم تواریخ ۶: ۳۰، مزبور ۷: ۹، ۴۴: ۲۱، امثال ۱۵: ۱۱، ۲۰: ۲۷، ۲۱: ۲، ارمیا ۱۱: ۲۰، ۱۷: ۹، ۱۰: ۲۰، ۱۲: ۲۰، انجیل لوقا ۱۶: ۱۵، اعمال رسولان ۱: ۲۴، ۱۵: ۸، رومیان ۸: ۲۶ و ۲۷).

۳: ۲۱ "اگر دل ما، ما را محکوم نکند" این یک عبارت شرطی نوع سوم است. مسیحیان همچنان با گناه و خود درگیر هستند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱، ۵: ۱۶ الی ۱۷). آنها هنوز با شهوت مواجه هستند و در موقعیتهای خاص اعمال نامناسب از خود نشان می‌دهند. اغلب وجدانشان آنها را محکوم می‌کند. همانند شعر "در حقیقت، عصر خورشید غروب کرد" از Henry Twells که می‌گوید:

"خداوندا، هیچکس آرامش کامل ندارد

زیرا هیچکس بطور کامل از گناه به دور نیست

و آنان که سپاسگزارند بهتر به تو خدمت می‌کنند

خطاها در وجدان می‌مانند"

آگاهی نسبت انجیل، رفاقت شیرین با عیسی، رهبری روح و علم لایتنهای خدا دل غبارآلود ما را آرام می‌سازند (مراجعه شود به مزبور ۱۰۳: ۸ الی ۱۴).

■ "در حضور خدا اطمینان داریم" این سخن از دسترسی حضور آزاد و باز نسبت به حضور خدا دارد. این اصطلاحی است که اغلب در نوشته‌های یوحنا تکرار شده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲۱، ۴: ۱۷، ۵: ۱۴، عبرانیان ۳: ۶، ۱۰: ۳۵، موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۷: ۴ را مطالعه کنید). این عبارت دو تا از مزایای تضمین را معرفی می‌کند:

۱. این که مومنین در حضور خدا اطمینان کامل دارند

۲. این که هر آنچه از او بخواهند، بدست خواهند آورد

۳: ۲۲ "هرآنچه از او درخواست کنیم، خواهیم یافت" این وجه وصفی شرطی حال فعال و حال اخباری فعال است. این منعکس کننده گفته‌های عیسی در انجیل متی ۷: ۷، ۱۸: ۱۹، انجیل یوحنا ۹: ۳۱، ۱۴: ۱۳ الی ۱۴، ۱۵: ۷ و ۱۶: ۲۳، انجیل مرقس ۱۱: ۲۴، انجیل لوقا ۱۱: ۹ الی ۱۰ است. وعده‌های این آیات بسیار با آنچه مومنین در دعا‌های خود تجربه می‌کنند، متفاوت هستند. به نظر می‌رسد این آیه وعده تحقق نامحدود به دعاها باشد. این جایی است که مقایسه سایر متون مرتبط کمک به برقراری تعادل الهیاتی می‌کنند.

## موضوع خاص: دعا، نامحدود و با این حال محدود

### (SPECIAL TOPIC: PRAYER, UNLIMITED YET LIMITED)

#### A. سایر اناجیل

۱. از مومنین خواسته می‌شود که دعا کنند و خدا یا "کارهای خوبی" را انجام می‌دهد (متی، انجیل متی ۷: ۱ الی ۱۱) و یا روح را می‌آورد (لوقا، انجیل لوقا ۱۱: ۵ الی ۱۳)

۲. در چهار چوب اصول کلیسا، مومنین تشویق می‌شوند که با یکدیگر و به صورت گروهی دعا کنند (انجیل متی ۱۸: ۱۹)

۳. در مورد داوری اورشلیم از مومنین خواسته می‌شود که با ایمان و بدون تردید پاسخگو باشند (انجیل متی ۲۱: ۲۲، انجیل مرقس ۱۱: ۲۳ الی ۲۴)

۴. در مورد دو تمثیل (انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۸، داوری غیر منصفانه و انجیل لوقا ۱۸: ۹ الی ۱۴، فریسی و گناهکار) مومنین تشویق می‌شوند که متمایز از داوران بدور از خدا و فریسیان خودپسند عمل کنند. خدا صدای افراد فروتن و توبه کار را می‌شنود (انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۱۴)

#### B. نوشته‌های یوحنا

۱. در جایی که عیسی مرد کور مادرزاد را شفا می‌دهد، کوری واقعی فریسیان آشکار می‌شود. دعا‌های عیسی (همانند دیگران) مستجاب می‌شوند زیرا او خدا را می‌شناخت و در راه او زندگی می‌کرد (انجیل یوحنا ۹: ۳۱)

۲. گفتگوی یوحنا در اتاق طبقه بالا (انجیل یوحنا ۱۳ الی ۱۷)

a. انجیل یوحنا ۱۴: ۱۲ الی ۱۴ - دعای از روی ایمان مشخص کننده این است که:

(۱) از سوی مومنین می‌آید

۲) بنام عیسی درخواست می شود

۳) آرزو می شود که خدا جلال یابد

۴) احکام حفظ می شوند (آیه ۱۵)

b. انجیل یوحنا ۱۵: ۷ الی ۱۰ - مومنینی که دعا می کنند نشانه این هستند که:

۱) پیروی از عیسی

۲) کلام او در آنها مانده است

۳) آرزو می کنند که خدا جلال یابد

۴) ثمر بیشتری ایجاد می شود

۵) احکام حفظ می شوند (آیه ۱۰)

c. انجیل یوحنا ۱۵: ۱۵ الی ۱۷ - دعای مومنین نشانه این است که:

۱) انتخاب آنها

۲) ثمر دادن آنها

۳) درخواست بنام عیسی

۴) حفظ حکم محبت کردن به یکدیگر

d. انجیل یوحنا ۱۶: ۲۳ الی ۲۴ - دعاهای مومنین نشانه این هستند که:

۱) درخواست کردن بنام عیسی

۲) تمایل به اینکه لذت لبریز شود

۳. نامه اول یوحنا (اول یوحنا)

a. اول یوحنا ۳: ۲۲ الی ۲۴ - مشخصه دعای مومنین

۱) حفظ احکام او (آیات ۲۲ و ۲۴)

۲) متناسب زندگی کردن

۳) ایمان داشتن به عیسی

۴) به یکدیگر محبت کردن

۵) پیروی کردن از او، و او در ما است

۶) داشتن نعمت روح

b. اول یوحنا ۵: ۱۴ الی ۱۶ - مشخصه دعای مومنین

۱) تکیه به خدا

۲) مطابق اراده او بودن

۳) دعا کردن مومنین برای یکدیگر دعا

C. یعقوب

۱. یعقوب ۱: ۵ الی ۷ - مومنین به محاکم فراخوانده می شوند و از آنان خواسته می شود که بدون تردید به خردشان مراجعه کنند

۲. یعقوب ۲: ۴ الی ۳ - از مومنین باید با انگیزه های مناسب سوال شود

۳. یعقوب ۵: ۱۳ الی ۱۸ - مومنینی که با مسائل سلامتی درگیر می شوند باید

a. از بزرگان بخواهند برایشان دعا کنند

b. از روی ایمان دعا کنند

c. بخواهند که گناهانشان بخشیده شود

d. نزد یکدیگر به گناهانشان اعتراف کنند و برای همدیگر دعا کنند (مشابه اول یوحنا ۵: ۱۶)

کلید دعای موثر شبیه عیسی بودن است. این به معنی بنام عیسی دعا کردن است. بدترین کاری که خدا ممکن است انجام دهد برآورده کردن دعاهای از روی خودخواهی است. ارزشمندترین جنبه دعا صرف وقت با خدا و اعتماد به خدا است.

■ "زیرا از احکام او اطاعت می کنیم و آنچه موجب خشنودی اوست، انجام می دهیم" به دو پیش نیاز برای پاسخ به دعاها توجه کنید:

۱. اطاعت

۲. تجربه انجام کارهایی که موجب خشنودی خدا می‌شوند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۹)

اول یوحنا یک کتاب "چگونه انجام دهیم" برای یک زندگی و بشارت موثر و تاثیرگذار است.

### NASB: اول یوحنا ۳: ۲۳ الی ۲۴

<sup>۲۳</sup> و این است حکم او که به نام پسرش عیسی مسیح ایمان بیاوریم و یکدیگر را محبت کنیم، چنانکه به ما امر فرمود. <sup>۲۴</sup> هر که از احکام او اطاعت می‌کند، در او ساکن است و او در وی. از این جا می‌دانیم او در ما ساکن است که روح خود را به ما بخشیده است.

۳: ۲۳ "این است حکم او ..... ایمان بیاوریم و ..... محبت کنیم" به اصطلاح "حکم" توجه کنید که مفرد است و دو جنبه دارد. اولین جنبه آن ایمان فردی است، فعل "ایمان آوردن" وجه وصفی آنوریست فعال است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۲۹ و ۴۰). جنبه دوم اخلاقی است: فعل محبت کردن، وجه وصفی حال فعال است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۱، ۴: ۷). انجیل پیامی است که باید آن را باور کرد، فردی که آن را قبول کرد و شیوه زندگی که به آن طریق زندگی کرد!

■ "که به نام پسرش عیسی مسیح ایمان بیاوریم" مفهوم ایمان آوردن در درک ایمان انجیلی بسیار مهم است. در عهد عتیق، اصطلاح "آمین" منعکس کننده "وفاداری"، "قابل اعتماد بودن"، "قابل اتکا بودن" یا "پابندی" است (موضوع خاص در مورد کلمه عهد عتیق در اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید). در عهد جدید اصطلاح یونانی (*pisteuō*) به سه کلمه متفاوت انگلیسی ترجمه می‌شود: باور، ایمان یا اعتماد (موضوع خاص در مورد کلمه یونانی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ را مطالعه کنید). این اصطلاح آنچنان منعکس کننده قابل اعتماد بودن مسیحیان نیست تا قابل اعتماد بودن خدا. شخصیت، مکاشفه و وعده‌های او هستند نه وفاداری یا پابندی انسان سقوط کرده، نه حتی انسان سقوط کرده رستگار شده که پایه محکمی را شکل می‌دهد.

مفهوم ایمان آوردن به "نام" یا دعا کردن "به اسم" منعکس کننده درک خاور نزدیک است که اسم نمایانگر فرد است.

۱. عیسی در انجیل متی ۱: ۲۱ و ۲۳ و ۲۵: ۷، ۲۲: ۱۰، ۲۲: ۱۲، ۲۱: ۱۸، ۵: ۲۰، ۱۹: ۲۹، ۲۴: ۵ و ۹، انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۲: ۲۳، ۳: ۱۸، ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۱، ۱۷: ۶، ۲۰: ۳۱
۲. پدر در انجیل متی ۶: ۹، ۲۱: ۹، ۲۳: ۳۹، انجیل یوحنا ۵: ۴۳، ۱۰: ۲۵، ۱۲: ۱۳، ۱۷: ۱۲
۳. تثلیث در انجیل متی ۲۸: ۱۹

یک یادداشت کوتاه در خصوص این آیه. در کتاب *Word Pictures in the New Testament* صفحه ۲۲۸ A. T. Robertson در مورد مشکل یک نسخه دستنویس یونانی در رابطه با فعل "ایمان آوردن" می‌گوید. نسخه دستنویس یونیکال یونانی K, B, L و وجه وصفی آنوریست فعال است در حالی که در A, C و وجه وصفی حال فعال. هر دو در متن و با شیوه نگارش یوحنا مطابقت دارند.

۳: ۲۴ "هر که از احکام او اطاعت می‌کند، در او ساکن است" هر دو اینها زمان حال هستند. اطاعت با پایداری مرتبط است. محبت شاهدهی است که ما در خدا هستیم و خدا در ما (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۲، ۱۵ الی ۱۶، انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، ۱۵: ۱۰). موضوع خاص: پایداری در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید.

- "که روح خود را به ما بخشیده است" یوحنا از شواهد خاصی برای ارزیابی مومنین واقعی استفاده می‌کند (مراجعه شود به رومیان ۴: ۱۳، ۸: ۱۴ الی ۱۶، بینش متنی نسبت به آیات ۲: ۳ الی ۲۷ را مطالعه کنید. دو مورد به روح القدس مرتبط هستند)
۱. اقرار به عیسی (مراجعه شود به رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳، اول قرنتیان ۱۲: ۳)
  ۲. زندگی کردن همانند عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵، غلاطیان ۵: ۲۲، یعقوب ۲: ۱۴ الی ۲۶)

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. موضوع یکسان در آیات ۱۱ الی ۲۴ چیست؟ (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۷ الی ۱۱)
۲. رابطه میان آیات ۱۶ و ۱۷ را توضیح دهید. چگونه تقدیم کردن جانمان را می‌توان با کمک به برادری نیازمند مقایسه کرد؟
۳. آیا آیات ۱۹ الی ۲۰ تاکید بر سختی داوری خدا دارند یا بخشش بزرگ خدا که ترسهایمان را آرام می‌کند؟
۴. چگونه اظهارات یوحنا را درباره دعا در آیه ۲۲ با زندگی روزانه خود ربط دهیم؟

۵. چگونه فرد می‌تواند تاکید ضد و نقیضی یوحنا در مورد نیاز مسیحیان به پذیرش و اقرار به گناه را با اظهار کامل بودن بدون گناه وفق داد؟
۶. چرا یوحنا چنین تاکید شدیدی بر شیوه زندگی دارد؟
۷. حقایق الهیاتی در مورد "تولد دوباره" یافتن را توضیح دهید.
۸. چگونه این متن می‌تواند با زندگی روزانه مسیحی مرتبط باشد؟

## اول یوحنا ۴

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
روح خدا و روح ضد مسیح	روح درست و روح خطا	تشخیص درست و خطا	روح درست و روح نادرست	شرط سوم: در حالت تدافعی بودن در مقابل ضد مسیحیان و در مقابل جهان
۶: ۱ الی ۶	۳: ۲۴ الی ۶: ۴	۶: ۱ الی ۶	۳: ۱ الی ۴	۶: ۱ الی ۶
			۴: ۴ الی ۶	منشا محبت و ایمان (۴: ۷ الی ۵: ۱۳)
خدا محبت است	شناختن خدا از طریق محبت	خوشبختی با محبت	خدا محبت است	منشا محبت
۴: ۷ الی ۱۲	۴: ۷ الی ۱۱	۴: ۷ الی ۱۲	۴: ۷ الی ۱۰	۴: ۷ الی ۵: ۴
	دیدن خدا از طریق محبت کردن		۴: ۱۱ الی ۱۲	
	۴: ۱۲ الی ۱۶			
۴: ۱۳ الی ۱۶		۴: ۱۳ الی ۱۶	۴: ۱۳ الی ۱۶	
۴: ۱۶ الی ۲۱	تحقق محبت کردن	۴: ۱۶ الی ۲۱	۴: ۱۶ الی ۱۸	
	۴: ۱۷ الی ۱۹			
	اطاعت با ایمان		۴: ۱۹ الی ۲۱	
	۴: ۲۰ الی ۵: ۵			

#### چرخه سوم مطالعه

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف
۴. و غیره

#### بینش متنی نسبت به آیات ۴: ۱ الی ۲۱

A. یوحنا ۴ یک متن بسیار تخصصی است در مورد اینکه چگونه کسانی را که ادعا می‌کنند از طرف خدا صحبت می‌کنند، ارزیابی و رسیدگی کرد. این متن در رابطه با موارد زیر است:

۱. این معلمین دروغین ضد مسیح خوانده می‌شوند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۲۵)
۲. آنان که تلاش به فریفتن و گمراهی می‌کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۶، ۳: ۷)
۳. احتمالاً کسانی که ادعای دانش خاصی از حقیقت معنوی دارند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲۴)

- برای درک کامل وضعیت وخیم مسیحیان اولیه، فرد باید آنانی را که ادعا می‌کردند از جانب خدا صحبت می‌کنند تشخیص دهد و شناسایی کند (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۲: ۱۰، ۱۴: ۲۹، اول تسالونیکیان ۵: ۲۰ الی ۲۱، اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶). هیچ عهد عتیق کامل و آماده‌ای وجود نداشت. تشخیص معنوی شامل هم دکتین و هم آزمونهای اجتماعی بود (مراجعه شود به یعقوب ۳: ۱ الی ۱۲).
- B. به واسطه تکرار الگوهای موضوعات مختلف، طرح کلی اول یوحنا را فوق‌العاده سخت می‌توان ترسیم نمود. این امر کاملاً در فصل ۴ مصداق دارد. به نظر می‌رسد که این فصل بر حقیقتی که در فصول قبلی تعلیم داده شدند تاکید مجدد دارد، به خصوص نیاز مومنین در محبت به یکدیگر (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۷ الی ۲۱، ۲: ۷ الی ۱۲ و ۳: ۱۱ الی ۲۴).
- C. یوحنا هم برای مبارزه با معلمین دروغین و هم برای تشویق مومنین راستین می‌نویسد. او این کار را با چندین آزمون مختلف انجام می‌دهد:
۱. آزمون دکتین (ایمان به عیسی، مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۲۵، ۴: ۱ الی ۶، ۱۴ الی ۱۶، ۵: ۱ و ۵ و ۱۰)
  ۲. آزمون شیوه زندگی (محبت کردن، مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۷ الی ۱۱، ۳: ۱۱ الی ۱۸، ۴: ۷ الی ۱۲، ۱۶ الی ۲۱، ۵: ۱ الی ۲)
- بخشهای مختلف کتاب مقدس در رابطه با معلمین دروغین مختلف است. اول یوحنا ارتداد معلمین دروغین عرفان را مورد خطاب قرار می‌دهد. مقدمه‌ای بر اول یوحنا، ارتداد را مطالعه کنید. سایر بخشهای عهد جدید سایر نادرستی‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۳، رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳، اول قرن‌تین ۱۲: ۳). هر متن را باید به صورت مستقل و جداگانه مورد مطالعه قرار داد تا دریافت چه خطایی مورد خطاب است.
- a. قانونگذاران یهود
  - b. فلاسفه یونانی
  - c. آنتینومیانها (antinomians)، کسانی که معتقدند مسیحیان مورد داوری اخلاقی قرار نمی‌گیرند)
  - d. آنان که ادعای مکاشفه معنوی یا تجربی خاصی داشته‌اند

#### مطالعه کلمه و عبارات

#### NASB: ۴: ۱ الی ۶

۱' ای عزیزان، هر روحی را باور مکنید، بلکه آنها را بیازمایید که آیا از خدا هستند یا نه. زیرا انبیای دروغین بسیار به دنیا بیرون رفته‌اند. <sup>۲</sup> روح خدا را این‌گونه تشخیص می‌دهیم: هر روحی که بر آمدن عیسی مسیح در جسم بشری اقرار می‌کند، از خداست. <sup>۳</sup> و هر روحی که بر عیسی اقرار نمی‌کند، از خدا نیست، بلکه همان روح 'ضدمسیح' است که شنیده‌اید می‌آید و هم‌اکنون نیز در دنیا است. <sup>۴</sup> شما، ای فرزندان، از خدا هستید و بر آنها غلبه یافته‌اید، زیرا آن که در شماست بزرگتر است از آن که در دنیا است. <sup>۵</sup> آنها از دنیا هستند و از همین رو آنچه می‌گویند از دنیا است و دنیا به آنها گوش می‌سپارد. <sup>۶</sup> اما از خدا هستیم و کسی که خدا را می‌شناسد، به ما گوش می‌سپارد؛ ولی آن که از خدا نیست، به ما گوش نمی‌سپارد. روح حق و روح گمراهی را این‌گونه از هم بازمی‌شناسیم.

۴: ۱ "باور مکنید" این زمان حال امری با حرف اضافه نفی است که معمولاً به معنی متوقف کردن عمل در حال انجام است. گرایش مسیحیان این است که شخصیت‌های قوی، مباحثات منطقی یا معجزات خدا را بپذیرند. ظاهراً معلمین دروغین ادعا می‌کردند (۱) که از جانب خدا صحبت می‌کنند یا (۲) مکاشفه خاصی از خدا داشته‌اند.

#### موضوع خاص: آیا مسیحیان باید یکدیگر را داوری کنند؟

■ "هر روحی" روح در مفهوم موجود انسانی استفاده شده است. یادداشت مربوط به اول یوحنا ۴: ۶ را مطالعه کنید. این اشاره به یک پیام خاص از جانب خدا دارد. ارتداد از درون کلیسا می‌آید (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۹). معلمین دروغین ادعا می‌کردند که از جانب خدا صحبت می‌کنند. یوحنا تصریح می‌کند که دو منبع روح، خدا یا شیطان، در پس کلام و اعمال انسان وجود دارد.

■ "آنها را بیازمایید" این زمان حال فعال امری است. این هم یک هدیه معنوی (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۲: ۱۰، ۱۴: ۲۹) و نیاز برای هر مومن، و همینطور دعا، یا بشارت است. این کلمه یونانی dokimazō مفهوم "آزمودن با نگاه موافقت" را دارد. مومنین باید در مورد دیگران بهترین را بخواهند مگر اینکه خلافش اثبات شود (مراجعه شود به اول قرن‌تین ۱۳: ۴ الی ۷، اول تسالونیکیان ۵: ۲۰ الی ۲۱).

#### موضوع خاص: اصطلاحات یونانی برای آزمودن و مفاهیم آنها

#### (SPECIAL TOPIC: GREEK TERMS FOR TESTING AND THEIR CONNOTATIONS)

دو اصطلاح یونانی وجود دارند که به مفهوم "آزمودن کسی برای هدفی" هستند.

این اصطلاح یک اصطلاح متالورژیست است برای آزمودن اصل بودن چیزی (به صورت استعاره برای فردی) با استفاده از آتش (موضوع خاص: آتش را مطالعه کنید). آتش ماهیت واقعی فلز را نشان می‌دهد و مواد خارجی را می‌سوزاند (یعنی خالص می‌کند). این فرایند فیزیکی تبدیل به اصطلاحی قدرتمند برای خدا ویا شیطان و یا انسانها برای آزمودن دیگران شد. این اصطلاح فقط در مفهوم مثبت آزمایش و با دید پذیرش استفاده می‌شود (موضوع خاص: خدا مردمش را می‌آزماید [عهد عتیق] را مطالعه کنید).

در عهد عتیق برای آزمودن موارد زیر استفاده شده است:

a. گاوها، انجیل لوقا ۱۴: ۱۹

b. خودمان، اول قرنتیان ۱۱: ۲۸

c. ایمان ما، یعقوب ۱: ۳

d. حتی خدا، عبرانیان ۳: ۹

تصور می‌شد که حاصل این آزمونها مثبت باشد (مراجعه شود به رومیان ۲: ۱۸، ۱۴: ۲۲، ۱۶: ۱۰، دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸، ۱۳: ۳ و ۷، فیلیپیان ۲: ۲۷، اول پطرس ۱: ۷)، بنابراین اصطلاح دربردارنده این عقیده در مورد کسی است که آزموده شده و پذیرفته می‌شود

a. ارزش دارد

b. خوب است

c. اصل است

d. ارزشمند است

e. قابل احترام است

۲. Peirazō, Peirasmus

این اصطلاح اغلب مفهوم آزمودن به منظور یافتن خطا و یا رد کردن دارد. در مورد وسوسه عیسی در بیابان استفاده شده است.

a. دربردارنده تلاش برای بدام انداختن عیسی است (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۱، ۱۶: ۱، ۱۹: ۳، ۲۲: ۱۸ و ۳۵، انجیل مرقس ۱: ۱۳، انجیل لوقا ۴: ۲، عبرانیان ۲: ۱۸)

b. این اصطلاح (Peirazōn) به عنوان لقبی برای شیطان در انجیل متی ۴: ۳، اول تسالونیکیان ۳: ۵ (یعنی "وسوسه") استفاده شده است

c. کاربرد

۱) توسط عیسی استفاده شد تا به انسانها هشدار دهد خدا را نیازماینده (مراجعه شود به انجیل متی ۴: ۷، انجیل لوقا ۴: ۱۲، [یا مسیح مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۰: ۹])

۲) همچنین به تلاش برای انجام کاری است که شکست خورده است (مراجعه شود به عبرانیان ۱۱: ۲۹)

۳) در رابطه با وسوسه و محاکمه مومنین استفاده شده است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۷: ۵، ۱۰: ۹ و ۱۳، غلاطیان ۶: ۱، اول تسالونیکیان ۳: ۵، عبرانیان ۲: ۱۸، یعقوب ۱: ۲ و ۱۳ و ۱۴، اول پطرس ۴: ۱۲، دوم پطرس ۲: ۹)

■ "زیرا انبیای دروغین بسیار به دنیا بیرون رفته‌اند" این زمان کامل فعال اخباری است (مراجعه شود به ارمیا ۱۴: ۱۴، ۲۳: ۲۱، ۲۹: ۸، انجیل متی ۷: ۱۵، ۲۴: ۱۱ و ۲۴، اعمال رسولان ۲۰: ۲۸ الی ۳۰، دوم پطرس ۲: ۱، اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۱۹ و ۲۴، ۳: ۷، دوم یوحنا ۷). معنی آن این است که آنها کلیسا را ترک کردند (کلیسای خانگی) و با اینحال بر ادعای اینکه از جانب خدا سخن می‌گویند همچنان ادامه می‌دهند.

موضوع خاص: نبوت عهد جدید در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۴: ۱۹ را مطالعه کنید.

۴: ۲ "روح خدا را این‌گونه تشخیص می‌دهیم" این حالت دستور زبانی یا حال فعال اخباری (یک بیان) و یا حال فعال امری (یک فرمان) است. همین ابهام حالت در مورد "پایداری" و "شناختن"، ۲: ۲۷ و "دانستن/شناختن"، ۲: ۲۹ وجود دارد. روح القدس همیشه عیسی را بزرگ می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳ الی ۱۵). مشابه همین آزمون را می‌توان در نوشته‌های پولس در اول قرنتیان ۱۲: ۳ دید.

■ "هر روحی که اقرار می‌کند" این زمان حال فعال اخباری دلالتی است که به کار در حال ادامه اشاره می‌کند، نه تأیید گذشته ایمان. اصطلاح یونانی "اقرار" ترکیبی است "مشابه" و "سخن گفتن"، به معنی "سخن مشابهی را گفتن" بوده و یک موضوع تکراری در اول یوحنا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۹، ۲: ۲۳، ۴: ۳ الی ۲، انجیل یوحنا ۹: ۲۲، دوم یوحنا ۷). این اصطلاح دلالت بر تأیید مشخص، عمومی و صوتی تأیید فردی و تعهد به انجیل عیسی مسیح دارد. موضوع خاص مربوط به بخش انجیل یوحنا ۹: ۲۲ را مطالعه کنید.



■ **"آمدن عیسی مسیح در جسم بشری"** این وجه وصفی کامل فعال است. یک آزمون حیاتی دکترین برای معلمین دروغین (یعنی عرفان) که یوحنا با آنان در این کتاب مبارزه می‌کند. تصریح پایه آن این است که عیسی کلا انسان است (یعنی گوشت و کالبد که عرفان آن را انکار می‌کند) و همچنین کاملاً الهی (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱ الی ۴، دوم یوحنا ۷، انجیل یوحنا ۱: ۱۴، اول تیموتائوس ۳: ۱۶). زمان کامل فعل تصریح می‌کند که انسان بودن عیسی موقتی نبوده بلکه دائمی بود. این مسئله کوچکی نیست. عیسی واقعا در انسان بودن و الهی بودنش یکی بود.

۴: ۳ **"هر روحی که بر عیسی اقرار نمی‌کند"** از دیدگاه الهیات جالب است که نسخه لاتین قدیمی عهد جدید و نویسندگان بزرگ همچون کلمنت، اوریگن از اسکندریه، ایرنائوس. ترتولیان *leui* (از دست دادن / گم کردن) داشتند که دلالت بر "جدا کردن عیسی" دارد، ظاهراً به روح انسانی و روح الهی جداگانه که توسط نوشته‌های عرفانی قرن دوم مشخص شده است. ولی این یک اضافه شدن متنی است که منعکس کننده زندگی و مرگ کلیسای اولیه در مقابله با ارتداد است (Bart Erhart, *The Orthodox Corruption of Scripture* صفحات ۱۲۵ الی ۱۳۵ را مطالعه کنید).

■ **"روح ضد مسیح"** در اینجا این اصطلاح (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۲۵) به عنوان منکر مسیح استفاده شده است نه تلاشی برای ربودن جایگاهش.

■ **"شنیده‌اید می‌آید و هم اکنون نیز در دنیا است"** این زمان کامل فعال اخباری دلالتی است و دلالت بر این دارد که یوحنا پیشتر در مورد این موضوع با آنها بحث کرده و ارتباط آن باقی مانده است. در زبان یونانی، ضمیر "او" با "روح" ضمیر خنثی مطابقت دارد. همانند ۲: ۱۸، این عبارت منعکس کننده این است که روح ضد مسیحیان هم آمده است و هم خواهد آمد. این معلمین دروغین عرفان زنجیری از اطلاعات نادرست، شیوه زندگی نادرست و کارهای نادرست را در طول سالها شکل می‌دهند، از کارهای شیطانی پیدایش ۳ تا اظهار تناسخ شیطان و پایان عصر ضد مسیحی (دوم تسالونیکیان ۲، مکاشفه ۱۳).

۴: ۴ الی ۶ **"شما... آنها... ما"** همه این ضمایر تأکیدی هستند. سه گرو مورد خطاب قرار گرفته‌اند:

۱. مومنین واقعی (یوحنا و خوانندگان)
۲. مومنین دروغین (معلمین عرفان و پیروانشان)
۳. تیم بشارتی یوحنا یا گروه الهیات

همین نوع سه گانه در عبرانیان ۶ و ۱۰ هم دیده می‌شود.

۴: ۴ **"بر آنها غلبه یافته‌اید"** این زمان کامل اخباری دلالتی فعال است. به نظر می‌رسد هم اشاره به مباحثات پیرامون دکترین و هم پیروزی زندگی مسیحی داشته باشد. عجب کلام دلگرم‌کننده و حیرت‌انگیزی برای آنها و ما است.

توجه یوحنا معطوف به پیروزی مسیحیان بر گناه و شیطان است. او از این اصطلاح (*nikaō*) شش مرتبه در اول یوحنا (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۳ و ۱۴، ۴: ۴، ۵: ۵ و ۴ و ۵)، ۱۱ مرتبه در مکاشفه و یک مرتبه در انجیل یوحنا ۱۶: ۳۳ استفاده می‌کند. این اصطلاح برای "پیروزی" فقط یکبار در انجیل لوقا (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۱: ۲۲) و دو مرتبه در نوشته‌های پولس (مراجعه شود به رومیان ۳: ۴، ۴: ۱۲، ۲۱) استفاده شده است.

■ **"زیرا آن که در شماست بزرگتر است از آن که در دنیا است"** این تأکیدی بر مقیم بودن خدا در ما است. در اینجا به نظر می‌رسد اشاره‌ای به مقیم بودن پدر باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳، دوم قرنتیان ۶: ۱۶). عهد جدید همچنین تأکید می‌کند بر: (۱) مقیم بودن پسر (مراجعه شود به انجیل متی ۲۸: ۲۰، کولسیان ۱: ۲۷) و (۲) مقیم بودن روح القدس (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹، اول یوحنا ۴: ۱۳). روح و پسر شناسایی می‌شوند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹، دوم قرنتیان ۳: ۱۷، غلاطیان ۴: ۶، فیلیپیان ۱: ۱۹، اول پطرس ۱: ۱۱). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۶ را مطالعه کنید.

عبارت "آن که در دنیا است" اشاره به شیطان دارد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱، ۱۴: ۳۰، ۱۶: ۱۱، دوم قرنتیان ۴: ۴، افسسیان ۲: ۲، اول یوحنا ۵: ۱۹) و پیروانش. اصطلاح دنیا در اول یوحنا همیشه مفهوم منفی دارد (یعنی جامعه بشری که بدور از خدا سازماندهی و اداره می‌شود)، موضوع خاص: استفاده پولس از کاسموس (جهان) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ را مطالعه کنید).

۴: ۵ **"آنها از دنیا هستند"** این منشا مفعول عنه است. اصطلاح "دنیا" در اینجا در مفهوم جامعه انسانی سقوط کرده استفاده شده است و سعی می‌کند تمامی نیازهای انسانی به دور از خدا را تأمین کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۵ الی ۱۷). اشاره به روح جمعی مستقل انسانها دارد! مثالی از این نوع قایل (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۲) است. سایر مثالها می‌توانند (۱) الیاس و پیامبران بعل (اول پادشاهان ۱۸) و (۲) ارمیا در مقابل حنانه (ارمیا ۲۸) باشند.

■ **"دنیا به آنها گوش می‌سپارد"** مدرک دیگری از معلمین مسیحی در برابر معلمین دروغین این است که چه کسانی به آنها گوش می‌دهند (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۴: ۱).

۶: "کسی که خدا را می‌شناسد، به ما گوش می‌سپارد" این وجه وصفی حال فعال است. مومنین واقعی به شنیدن و پاسخ دادن به حقیقت شاگردان راستین ادامه می‌دهند! مومنین می‌توانند معلمین/واعظین واقعی را تشخیص دهند با هم محتوای پیامشان و اینکه چه کسی آن را می‌شنود و به آنها پاسخ می‌دهد.

■ "روح حق و روح گمراهی را این‌گونه از هم باز می‌شناسیم" این می‌تواند به روح القدس اشاره داشته باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳، اول یوحنا ۴: ۶، ۵: ۷) و روح پلیدی، شیطان. مومنین باشد بتوانند منشأ پیام را تشخیص دهند. اغلب آنها به نام خدا و از جانب خدا حرف می‌زنند. یکی عیسی و شبیه عیسی بودن را بالا می‌برد و دیگری افکار انسانی و آزادی فردی را.

Robert Girdlestone, *Synonyms of the Old Testament*, بحث جالبی در مورد استفاده از اصطلاح روح در عهد جدید دارد:

۱. ارواح شیطان
۲. روح انسان
۳. روح القدس
۴. کارهایی که روح از طریق روح انسان انجام می‌دهد
  - a. نبود روح بردگی برابر روح پذیرش - رومیان ۸: ۱۵
  - b. روح ملائمت - اول قرنتیان ۴: ۲۱
  - c. روح ایمان - دوم قرنتیان ۴: ۱۳
  - d. روح خرد و مکاشفه در دانش و شناختن او - افسسیان ۱: ۱۷
  - e. نبود روح ترسویی، بلکه قدرت، محبت و نظم - دوم تیموتائوس ۱: ۷
  - f. روح خطا در برابر روح حقیقت و راستی - اول یوحنا ۴: ۶ (صفحات ۶۱ الی ۶۳)

#### NASB: اول یوحنا ۴: ۷ الی ۱۴

ای عزیزان، یکدیگر را محبت کنیم، زیرا محبت از خداست و هر که محبت می‌کند، از خدا مولود شده است و خدا را می‌شناسد. آن که محبت نمی‌کند، خدا را نشناخته است، زیرا خدا محبت است. <sup>۹</sup> محبت خدا این چنین در میان ما آشکار شد که خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد تا به واسطه او حیات داشته باشیم. <sup>۱۰</sup> محبت همین است، نه آنکه ما خدا را محبت کردیم، بلکه او ما را محبت کرد و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما باشد. <sup>۱۱</sup> ای عزیزان، اگر خدا ما را این چنین محبت کرد، ما نیز باید یکدیگر را محبت کنیم. <sup>۱۲</sup> هیچ کس هرگز خدا را ندیده است؛ اما اگر یکدیگر را محبت کنیم، خدا در ما ساکن است و محبت او در ما به کمال رسیده است. <sup>۱۳</sup> از این جا می‌دانیم که در او می‌مانیم و او در ما، زیرا که از روح خود به ما داده است. <sup>۱۴</sup> و ما دیده‌ایم و شهادت می‌دهیم که پدر، پسر خود را فرستاده است تا نجات‌دهنده جهان باشد.

۷: "یکدیگر را محبت کنیم" این وجه وصفی حال فعال است. شیوه زندگی و روزانه محبت کردن مشخصه مشترک تمامی مومنین است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۳، غلاطیان ۵: ۲۲). این موضوع تکراری در نوشته‌های یوحنا است و اساس آزمون اخلاقی می‌باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴، ۱۵: ۱۲ و ۱۷، اول یوحنا ۲: ۷ الی ۱۱، ۳: ۱۱ و ۲۳، دوم یوحنا ۵، بینش مفهومی بخش سوم را مطالعه کنید. حالت وجه وصفی بیان کننده احتمال است.

■ "زیرا محبت از خداست" خدا، و نه بشر دوستی، ترجم، یا احساسات منشأ محبت است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۶). این یک حرکت احساسی نیست بلکه هدفمند است (یعنی پدر پسر را فرستاد تا از طرف ما بمیرد، مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۰، انجیل یوحنا ۳: ۱۶).

■ "هر که محبت می‌کند، از خدا مولود شده است و خدا را می‌شناسد" افعال این عبارت مجهول کامل و حال کامل فعال اخباری دلالتی هستند. اصطلاحات محبوب یوحنا برای مومن شدن و ایمان آوردن مرتبط با تولد فیزیکی هستند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۹، ۳: ۹، ۴: ۷، ۵: ۱ و ۴ و ۱۸، انجیل یوحنا ۳: ۳ و ۷).

اصطلاح "شناختن" منعکس کننده مفهوم عبری رابطه دوستی مستمر و صمیمانه است (مراجعه شود به پیدایش ۴: ۱، ۱، ارمیا ۱: ۵). این موضوع تکراری در اول یوحنا است، بیش هفتاد و هفت مرتبه تکرار شده است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۱۰ را مطالعه کنید.

۸: "آن که محبت نمی‌کند، خدا را نشناخته است، زیرا خدا محبت است" محبت به عنوان شیوه زندگی آزمون واقعی شناختن خداست.

این یکی از اساسا ساده‌ترین اظهارات یوحنا است: "خدا محبت است" با "خدا نور است" (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۵) و "خدا روح است" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۲۴) مطابقت دارد. یکی از بهترین راه‌ها برای شناختن تفاوت میان محبت خدا و خشم خدا مقایسه تشبیه ۵: ۹ با ۵: ۱۰ و ۷: ۹ است.

۴: ۹ "محبت خدا این چنین در میان ما آشکار شد" این زمان آنوریست اخباری مجهول است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶، دوم قرن تیان ۹: ۱۵، رومیان ۸: ۳۲). خدا به وضوح نشان داده است که او ما را دوست دارد با فرستادن تنها پسرش که بجای ما بمیرد. محبت یک عمل است، نه فقط احساس. مومنین باید این کار را در زندگی روزانه تقلید کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶). شناختن خدا محبت کردن است، به همان شیوه که او محبت می کند.

■ "خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاد" این زمان کامل فعال اخباری است، تولد دوباره و نتایج آن باقی مانده اند. تمامی مزایا و محاسن خدا از طریق مسیح می آیند.

اصطلاح "یگانه" ترجمه *monogenēs* است که به معنی "منحصر به فرد"، "فقط از یک نوع" است، نه نوع از نظر جنسی. تولد از باکره یک تجربه جنسی برای خدا یا مریم نیست. یوحنا از اصطلاح چندین مرتبه استفاده کرده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۸، ۳: ۱۶ و ۱۸، اول یوحنا ۴: ۹). یادداشتهای مربوط به بخش انجیل یوحنا ۳: ۱۶ را مطالعه کنید. عیسی فرزند منحصر به فرد خدا در مفهوم هستی شناسی است. مومنین فقط در مفهوم نشات گرفته شده، فرزندان خدا هستند.

■ "تا به واسطه او حیات داشته باشیم" این وجه وصفی آنوریست فعال است که دلالت بر احتمال دارد، پاسخ از روی ایمان ضروری است. هدف تولد دوباره حیات جاویدان و زندگی ابدی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۰: ۱۰).

۴: ۱۰ "محبت همین است" عشق و محبت خدا به وضوح در زندگی و مرگ عیسی نشان داده شده است (مراجعه شود به رومیان ۵: ۶ و ۸). شناختن عیسی همان شناختن خدا است. شناختن خدا محبت کردن است!

■ "نه آنکه ما خدا را محبت کردیم" عهد جدید میان ادیان جهان منحصر به فرد است. معمولا مذهب جستجوی خدا توسط انسان است، ولی در مسیحیت خداست که در جستجوی انسان سقوط کرده می باشد. حقیقت جالب محبت ما برای خدا نیست بلکه محبت خدا بر ما است. از طریق گناهان و خودخواهیها، شورش و یاغیگری و غرور ما را جستجو می کند. حقیقت باشکوه مسیحیت این است که خدا انسان سقوط کرده را دوست دارد و پیش قدم شده و برای تغییر زندگی تماس گرفته است.

تنوعی در رابطه با حالت فعل وجود دارد

۱. دوست دارد و به آن ادامه می دهد - کامل - MS B

۲. دوست داشت - آنوریست - MS 8

UBS<sup>4</sup> به زمان کامل رتبه B می دهد (تقریبا یقین).

■ "پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما باشد" یادداشت مربوط به اول یوحنا ۲: ۲ را مطالعه کنید.

۴: ۱۱ "اگر" این عبارت شرطی نوع اول است که تصور می کند از دیدگاه نویسنده یا بر اساس متن شرط درست است. خدا ما را دوست دارد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۱)!

■ "خدا ما را این چنین محبت کرد" این چنین باید به مفهوم "به چنین شیوه ای" درک شود، همانند انجیل یوحنا ۳: ۱۶.

■ "ما نیز باید یکدیگر را محبت کنیم" چون او ما را دوست دارد، ما نیز باید یکدیگر را دوست داشته باشیم (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۰، ۳: ۱۶، ۴: ۷). این بیان الزام منعکس کننده اعمال مخرب و گرایش معلمین دروغین است.

۴: ۱۲ "هیچ کس هرگز خدا را ندیده است" این زمان کامل میانی (دپوننت) غیر فعال است. این کلمه دلالت بر سریع خیره شدن بر کسی یا چیزی است (مراجعه شود به کتاب خروج ۳۳: ۲۰ الی ۲۳، انجیل یوحنا ۱: ۱۸، ۵: ۳۷، ۶: ۴۶، اول تیموتائوس ۶: ۱۶). احتمال دارد که معلمین عرفان، به نوعی تحت تاثیر ادیان رمز و راز شرقی قرار گرفته باشند و ادعای نوعی دیدن خدا یا از جانب خدا را بنمایند. عیسی آمد تا پدر را به صورت کامل آشکار نماید. با خیره شدن بر او، خدا را می شناسیم.

■ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع رخداد است.

■ "خدا در ما ساکن است" موضوع خاص: پایداری در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید.

■ "محبت او در ما به کمال رسیده است" این وجه وصفی مجهول با الفاظ زائد است. مسیحیان مهربان مدرکی بر پایداری و کمال محبت هستند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۵، ۴: ۱۷).

۴: ۱۳ "از روح خود به ما داده است" این زمان کامل فعال اخباری است. روح القدس زنده (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲۴، رومیان ۸: ۹) و نفوذ در حال تحول او مدرکی بر رستگاری راستین ما هستند (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۶). به نظر میرسد که اول یوحنا ۴: ۱۳ فعال شهادت روح است، در حالی که اول

یوحنا ۴: ۱۴ مفعول شهادت شاگردان است. سه فرد تثلیث به وضوح در اول یوحنا ۴: ۱۳ الی ۱۴ ظاهر می‌شوند. موضوع خاص تثلیث در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ را مطالعه کنید.

۴: ۱۴ "ما دیده‌ایم و شهادت می‌دهیم" افعال کامل متوسط (دپوننت) اخباری هستند که با زمان حال اخباری فعال ترکیب شده است. از شهادت عینی یوحنا در رابطه با شخص مسیح درست همانند ۱: ۱ الی ۳ صحبت می‌کند.

اصطلاح "دیده‌ایم" همان کلمه یونانی است که در اول یوحنا ۴: ۱۲ استفاده شده که به معنی "عمدا خیره شدن به چیزی" است. موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) در بخش مربوط به اول یوحنا ۱: ۸ را مطالعه کنید.

■ "که پدر، پسر خود را فرستاده است" این زمان کامل اخباری فعال است. این واقعیت که پدر پسر خود را به این دنیا فرستاد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶) تعلیم معلمین دروغین عرفان را در مورد دوالیسم میان روح (نیکی) و کالبد (شیطانی) رد می‌کند. عیسی واقعا الهی بود و به دنیای شیطانی گناه فرستاد تا آن را و ما را (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۸ الی ۲۵) از نفرین پیدایش ۳ (مراجعه شود به غلاطیان ۳: ۱۳) رها سازد.

■ "تا نجات‌دهنده جهان باشد" این واقعیت که پدر از عیسی به عنوان ابزاری برای رستگاری و رد تعلیم معلمین دروغینی که می‌گویند رستگاری از دانش پنهان که در ارتباط با فرشتگان است، استفاده می‌کند. آنان به این سطح دسترسی فرشتگان *eons* یا حیظه قدرت فرشتگان می‌گفتند که میان خدا و زیردستانش دنیایی را شکل می‌داد که فراسوی از ماده از پیش موجود بود.

عبارت "نجات‌دهنده جهان" (۱) عنوانی برای خدایان (برای مثال ژئوس) و (۲) عنوان متداول برای سزار روم بود. برای مسیحیان فقط عیسی می‌تواند مناسب این عنوان باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۴۲، اول تیموتائوس ۲: ۴، ۴: ۱۰). این دقیقا چیزی است که باعث شکنجه و آزار و اذیت توسط نیروهای سزار در آسیای صغیر می‌شد.

به تمامی اضافات توجه کنید. او ناجی همه است (نه فقط برخی) اگر فقط آنها پاسخ دهند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، رومیان ۵: ۱۸، ۱۰: ۹ الی ۱۳).

#### **NASB: اول یوحنا ۴: ۱۵ الی ۲۱**

۱۳ "این جا می‌دانیم که در او می‌مانیم و او در ما، زیرا که از روح خود به ما داده است. ۱۴ و ما دیده‌ایم و شهادت می‌دهیم که پدر، پسر خود را فرستاده است تا نجات‌دهنده جهان باشد. ۱۵ آن که اقرار می‌کند عیسی پسر خداست، خدا در وی ساکن است و او در خدا. ۱۶ پس ما محبتی را که خدا به ما دارد شناخته‌ایم و به آن اعتماد داریم. خدا محبت است و کسی که در محبت ساکن است، در خدا ساکن است و خدا در او. ۱۷ محبت این چنین در میان ما به کمال رسیده است تا در روز داوری اطمینان داشته باشیم، زیرا ما در این دنیا همان‌گونه‌ایم که او هست. ۱۸ در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می‌راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می‌گیرد و کسی که می‌ترسد، در محبت به کمال نرسیده است. ۱۹ ما محبت می‌کنیم زیرا او نخست ما را محبت کرد. ۲۰ اگر کسی ادعا کند که خدا را محبت می‌نماید اما از برادر خود نفرت داشته باشد، دروغ‌گوست. زیرا کسی که برادر خود را، که می‌بیند، محبت نکند، نمی‌تواند خدایی را که ندیده است، محبت نماید. ۲۱ و ما این حکم را از او یافته‌ایم که هر که خدا را محبت می‌کند، باید برادر خود را نیز محبت کند.

۴: ۱۵ "آن که اقرار می‌کند عیسی پسر خداست" این وجه شرطی آنوریست فعال است. برای اعتراف/اقرار به موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۴: ۲ مراجعه کنید. یکی از سه آزمون یوحنا برای یک مسیحی راستین حقیقت الهیاتی در ارتباط با شخص عیسی و کار او است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۲ الی ۲۳، ۴: ۱ الی ۶، ۵: ۱ و ۵). این با اول یوحنا و یعقوب در مورد شیوه زندگی، محبت و اطاعت مطابقت دارد. مسیحیت فرد، بدنه حقیقت و شیوه زندگی است. بینش متنی ۳ را مطالعه کنید.

این اصطلاح، شامل کننده "آن که" دعوت بزرگ خدا برای هر کسی است که به او روی آورد. تمامی انسانها با تصویر خدا خلق شده‌اند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷، ۵: ۳، ۹: ۶). خدا در کتاب پیدایش ۳: ۱۵ به نسل بشر وعده رستگاری داد. فراخواندن ابراهیم توسط او برای رسیدن به جهان بود (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱۲: ۳، کتاب خروج ۱۹: ۵). مرگ عیسی در رابطه با مسئله گناه بود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶). هر کسی می‌تواند نجات یابد اگر به تعهدات توبه، ایمان، اطاعت، خدمتگزاری و استقامت پیمان پاسخ دهند. پیام خدا به همه است: "بیایید".

موضوع خاص: برنامه رستگاری جاودانی یهوه

■ "در خدا ساکن است و خدا در او" این منعکس کننده ساختار پیمانی رابطه خدا با نوع بشر است. خدا همیشه پیش قدم است، دستور کار را تعیین می‌کند و اساس پیمان را تأمین می‌کند، ولی انسانها باید مسئولیت داشته و در ابتدا پاسخ داده و به آن ادامه دهند.

پایداری نیاز پیمان است ولی همچنین وعده حیرت‌انگیزی است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵). تصور کنید که خالق جهان، آن مقدس اسرائیل، با انسانها پایداری می‌ماند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳)! موضوع خاص در مورد پایداری در بخش مربوط به اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید.

۴: ۱۶ "پس ما محبتی را که خدا به ما دارد شناخته‌ایم و به آن اعتماد داریم" این افعال هر دو کامل اخباری فعال هستند. اطمینان از ایمان مومنین تضمین محبت خدا در مسیح، و نه شرایط هستی، مبنای رابطه آنها است. موضوع خاص: تضمین مسیحیت در بخش مربوط به اول یوحنا ۵: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "که خدا به ما دارد" این زمان حال فعال اخباری دلالتی است که محبت ممتد خدا را بیان می‌دارد.

■ "خدا محبت است" این حقیقت مهم تکرار شده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۸).

۴: ۱۷ "محبت این چنین در میان ما به کمال رسیده است" این اصطلاح یونانی *telos* آمده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۲). دلالت بر کامل بودن، بلوغ، پر بودن و بدون گناه بودن دارد.

■ "با ما" این حرف اضافه (*meta*) را می‌توان به صورت "در ما" (TEV, NJB)، "میان ما" (NKJV, NRSV, NIV, REB) یا "با ما" (NASB) درک کرد.

■ "تا اطمینان داشته باشیم" این اصطلاح در اصل به مفهوم آزادی بیان است. یوحنا از این حالت بسط دادن (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲۱، ۵: ۱۴) استفاده می‌کند. از جسارت در نزدیک شده به خدای مقدس صحبت می‌کند (مراجعه شود به عبرانیان ۳: ۶، ۱۰: ۳۵). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۴ را مطالعه کنید.

■ "زیرا ما در این دنیا همان گونه‌ایم که او هست" مسیحیان باید محبت کنند، همانطور که عیسی محبت می‌کرد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۱۶، ۴: ۱۱). ممکن است این کار نفعی شود و مورد آزار و اذیت قرار گرفت همانگونه که او قرار گرفت، ولی همچنین بر آنان محبت شد و توسط پدر و روح حمایت شدند همانند او! روی همه انسانها از جانب خدا هدیه زندگی داده می‌شود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۱ الی ۴۶، دوم قرنتیان ۵: ۱۰، مکاشفه ۲۰: ۱۱ الی ۱۵). روز داوری برای آنان که در مسیح هستند، ترسی ندارد.

■ "در محبت ترس نیست" وقتی که خدا را به عنوان پدر می‌شناسیم، دیگر از او به عنوان داور ترسی نداریم. بالاتر از آن، روی آوردن به مسیحیت شامل ترس - ترس از داوری، از محکوم شدن، از جهنم است. با این حال، در زندگی انسانهای رستگار اتفاق حیرت‌انگیزی می‌افتد: آنچه با ترس آغاز می‌شود، بدون ترس خاتمه می‌یابد.

■ "زیرا ترس از مکافات سرچشمه می‌گیرد" این کلمه نادری است که فقط در اینجا و در انجیل متی ۲۵: ۴۶ استفاده شده است (حالت فعل در دوم پطرس ۲: ۹ موجود است)، که یک حالت اسکاتولوژی است. زمان حال فعل دلالت بر این دارد که ترس از خشم خدا هم موقتی (در زمان) و هم اسکاتولوژیک (در پایان زمان) است. انسانها با تصویر و تجسم خدا خلق شده‌اند (مراجعه شود به کتاب پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) که شامل جنبه‌های شخصیت، دانش، انتخاب و عواقب است. این یک جهان اخلاقی است. انسانها قوانین خدا را زیر پا نمی‌گذارند، آنها خود را در برابر قوانین خدا خرد می‌کنند!

۴: ۱۹ "ما محبت می‌کنیم" این زمان حال فعال اخباری دلالتی است. NKJV یک مفعول بیواسطه پس از ما محبت می‌کنیم اضافه می‌کند. گزینه‌های نسخه دستنویس به شرح زیر هستند:

۱. در یک نسخه یونیکال یونانی (۸) "خدا" (*ton theon*) قرار دارد

۲. در  $\Psi$ ، "او را" (*auton*) اضافه شده (NKJV)

۳. در والگیت "یکدیگر" اضافه شده

مفعول بیواسطه ممکن است بعدا اضافه شده باشد.  $UBS^4$  به فقط فعل رتبه A (بقین) می‌دهد.

■ "زیرا او نخست ما را محبت کرد" این تاکید تکراری اول یوحنا ۴: ۱۰ است. خدا همیشه پیش قدم است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۶: ۴۴ و ۶۵) ولی انسان سقوط کرده باید پاسخ دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶). مومنین به قابل اعتماد بودن او اعتماد می‌کنند و به وفاداری او ایمان می‌آورند. شخصیت محبت آمیز، و وفادار تثلیث خدا امید و تضمین رستگاری نوع بشر است.

۴: ۲۰ "اگر کسی ادعا کند" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع رخداد است. این مثال دیگری از نقل اظهارات معلمین دروغین توسط یوحنا است برای اینکه نکته‌ای را مشخص کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۶ و ۸ و ۱۰، ۲: ۴ و ۶). این تکنیک مفهومی "سخن سخت" نامیده می‌شود (مراجعه شود به ملاکی، رومیان، و یعقوب).

■ "که خدا را محبت می‌نماید اما از برادر خود نفرت داشته باشد" شیوه زندگی محبت‌آمیز ما به وضوح آشکار می‌سازد که ما مسیحی هستیم (مراجعه شود به انجیل مرقس ۱۲: ۲۸ الی ۳۴). اختلاف ممکن است ولی نفرت ممکن نیست (زمان حال). موضوع خاص: نژادپرستی در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۴: ۴ را مطالعه کنید.

■ "دروغگوست" یوحنا بسیاری از به اصطلاح مومنین را دروغگو می‌خواند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۴ و ۲۲، ۴: ۲۰). یوحنا همچنین اظهار می‌دارد آنان که موعظه دروغین می‌کنند، خدا را دروغگو می‌کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۶ و ۱۰، ۵: ۱۰). یقیناً آنان مذهبی‌گراهای خودپرست هستند.

۴: ۲۱ این آیه فصل را خلاصه می‌کند. محبت یک سند قابل جعل برای یک مومن راستین نیست. نفرت سند فرزند شیطان بودن است. معلمین دروغین تفرقه می‌اندازند و موجب درگیری و نزاع می‌شوند.

■ "برادر" باید اذعان کرد که اصطلاح برادر مبهم است. می‌تواند به معنی "دوستان مسیحی" یا "مردم عزیز" باشد. با این وجود، استفاده مکرر یوحنا از "برادر" برای مومنین دلالت بر اولین ملاقات دارد (مراجعه شود به اول تیموتائوس ۴: ۱۰).

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. سه آزمون مهم برای مسیحیت اصل را فهرست کنید.
۲. چگونه یک نفر می‌تواند تشخیص دهد که کسی واقعا از جانب خدا صحبت می‌کند؟
۳. دو منشا حقیقت را فهرست کنید
۴. چه چیزی در مورد عنوان "ناجی جهان" مهم است؟
۵. کارهایی که دروغگویان را آشکار می‌سازد را فهرست کنید (مثلا شبه مومنین)

## اول یوحنا ۵ تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
ایمان پیروزی بر جهان است	اطاعت از روی ایمان	ایمان فاتح	غلبه ما بر جهان	
۵ الی ۱	۴: ۲۰ الی ۵: ۵	۵ الی ۱	۵ الی ۱	منشا ایمان ۵: ۱۳ الی ۵
شهادت در رابطه با پسر	قطعیت شهادت خدا		شهادت درباره عیسی مسیح	
۵ الی ۶	۵ الی ۶	۵ الی ۶	۵ الی ۶	
دانش حیات جاویدان	اعتماد و شفقت در دعا	جمع بندی	زندگی جاویدان	دعا برای گناهکاران ۵: ۱۴ الی ۱۷
۵ الی ۱۳	۵: ۱۴ الی ۱۷	۵: ۱۳	۵ الی ۳	
	شناختن حقیقت، رد خطا	۵: ۱۴ الی ۱۷	۵ الی ۱۶	خلاصه نامه ۵: ۱۸ الی ۲۱
۵ الی ۱۶	۵: ۱۸ الی ۲۱	۵: ۱۸ الی ۲۰	۵: ۱۸	
۵ الی ۱۸			۵: ۱۹	
			۵: ۲۰	
		۵: ۲۱	۵: ۲۱	

### چرخه سوم مطالعه

#### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف
۴. و غیره

#### مطالعه کلمه و عبارات

### NASB: اول یوحنا ۵: ۱ الی ۴

ا<sup>۱</sup> هر که ایمان دارد عیسی همان مسیح است، از خدا مولود شده است؛ هر که پدر را محبت می‌کند، فرزند او را نیز محبت می‌کند. از این جا می‌دانیم فرزندان خدا را محبت می‌کنیم که خدا را محبت می‌کنیم و از احکام او اطاعت می‌نماییم. <sup>۲</sup> محبت به خدا همین است که از احکام او اطاعت کنیم و احکام او باری گران نیست. <sup>۳</sup> زیرا هر که از خدا مولود شده است، بر دنیا غلبه می‌یابد و این است غلبه‌ای که دنیا را مغلوب کرده است، یعنی ایمان ما.

۵: ۱ "هر که" (دو مرتبه) اصطلاح *pas* مرتب در اول یوحنا تکرار شده است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۹، ۳: ۳ و ۴ و ۶ [دو مرتبه] و ۹ و ۱۰ و ۴: ۷ و ۵: ۱). هیچکس از طبقه بندی الهیاتی سیاه و سفید یوحنا مستثنی نیست. این یک دعوت جهانی خدا برای پذیرش عیسی مسیح است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۶، اول تیموتائوس ۲: ۴، دوم پطرس ۳: ۹). این مشابه دعوت بزرگ پولس در رومیان ۱۰: ۹ الی ۱۳ است.

■ "ایمان دارد" این زمان وجه وصفی حال فعال است. یک کلمه یونانی (اسم - *pistis*، فعل - *pisteuō*) است که می‌توان "ایمان"، "باور" یا "اعتماد" آن را ترجمه کرد. با این حال، در اول یوحنا و رساله‌های شبانان (اول و دوم تیموتائوس و تیتوس) اغلب به مفهوم محتوای دکتربین استفاده می‌شود (مراجعه شود به

یهودا ۱: ۳ و ۲۰). در اناجیل و پولس برای اعتماد و تعهد فردی استفاده شده است. انجیل هم حقیقتی است که می‌توان آن را باور کرد و هم فردی که می‌توان به آن اعتماد کرد، و همانطور که اول یوحنا و یعقوب مشخص و روشن می‌سازند، یک زندگی آمیخته با محبت و خدمتگزاری است.

■ "عیسی همان مسیح است" خمیرمایه خطای معلمین دروغین حول شخص عیسی به عنوان انسان و کارهای او است که البته کاملاً الهی هم هست (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۵). عیسی ناصری مسیح موعود است! حیرت‌انگیز است که مسیح هم الهی (یعنی از عهد عتیق) است. این عبارت یک سوگند بود، احتمالاً در زمان تعمید (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۲)، با همراه با عبارت اضافه شده "پسر خدا" (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱۵، ۵: ۵). یقیناً این تأیید مسیح بودن عیسی در رابطه با زمینه عهد عتیقی است (یعنی یهودیان، جدید ایمانان و خدا-ترسان).

■ "از خدا مولود شده است" این زمان کامل مجهول اخباری است که بر اوج عملی که توسط یک عامل خارجی (خدا، مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۴ و ۱۸، ۲۹: ۲) در یک حالت دائمی انجام شده، تأکید می‌کند.

NASB	"فرزندی که از او بدنیا آمده را دوست دارد"
NKJV	"او را که تنها و یگانه فرزندش است دوست دارد"
NRSV	"والدین را دوست دارد فرزند را دوست دارد"
TEV	"پدر را دوست دارد فرزندش را نیز دوست دارد"
NJB	"پدر را دوست دارد پسر را دوست دارد"

این عبارت احتمالاً اشاره به پدر دارد که عیسی را دوست دارد به واسطه استفاده (۱) حالت مفرد، (۲) زمان آنوریست و (۳) تلاش معلمین دروغین که از نظر الهیات عیسی را از پدر جدا می‌دانند. با این وجود، می‌تواند به موضوع تکراری مسیحیان یکدیگر را دوست داشته باشند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۲) ربط داده شود زیرا ما همه یک پدر داریم.

۵: ۲ این آیه، همراه با آیه ۳، یکی از موضوعات اصلی اول یوحنا را تکرار می‌کند. محبت کردن و دوست داشتن. محبت خدا، با محبت ممتد بیان می‌شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۷ الی ۷: ۱۱، ۴: ۷ الی ۲۱) و اطاعت (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳ الی ۶). به شواهد یک مومن واقعی توجه کنید:

۱. خدا را دوست دارد

۲. فرزند خدا را دوست دارد (اول یوحنا ۵: ۱)

۳. فرزندان خدا را دوست دارد (اول یوحنا ۵: ۲)

۴. اطاعت می‌کند (اول یوحنا ۵: ۲ و ۳)

۵. غلبه می‌کند (اول یوحنا ۵: ۴ الی ۵)

۵: ۳ "محبت به خدا همین است که از احکام او اطاعت کنیم" حالت مضاف‌البه می‌تواند فاعلی یا مفعولی یا ترکیب آنها باشد. محبت کردن احساسات نیست بلکه انجام عملی جهت‌دار است، هم از جانب خدا و هم از جانب ما. اطاعت مهم است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳ الی ۴، ۳: ۲۲ و ۲۴، انجیل یوحنا ۱۴: ۱۵ و ۲۱ و ۲۳، ۱۵: ۱۰، دوم یوحنا ۶، مکاشفه ۱۲: ۱۷، ۱۴: ۱۲).

■ "احکام او باری گران نیست" پیمان جدید مسئولیت‌هایی دارد (مراجعه شود به انجیل متی ۱۱: ۲۹ الی ۳۰)، وقتی که عیسی از کلمه "Yoke" استفاده کرد، روحانیون از این کلمه برای قوانین موسی استفاده می‌کردند، انجیل متی ۲۳: ۴). آنها از رابطه ما با خدا جاری می‌شوند، ولی پایه رابطه را شکل نمی‌دهند، که بر اساس لطف خدا است، نه کارایی یا برتری انسان (مراجعه شود به افسسیان ۲: ۸ الی ۹ و ۱۰). خط مشی‌های عیسی بسیار متفاوت از معلمین دروغین هستند، که یا هیچ قاعده‌ای ندارند (آنتینومیان‌ها) و یا قواعد بیش از حدی دارند (قانونگرایان)! باید اذعان کنم که هر قدر بیشتر به خدا با خدمت کردن به مردم خدمت می‌کنم، بیشتر و بیشتر از دو حد نهایی لیبرالیسم و قانونگرایی می‌ترسم.

موضوع خاص: استفاده از کلمه حکم در نوشته‌های یوحنا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۲: ۵۰ را مطالعه کنید.

۴: ۵

NASB, NKJV, NRSV	"زیرا هر چه از خدا زاده می‌شود"
TEV, NJB	"چون هر فرزند خدا"

متن یونانی برای تأکید کلمه "همه" (*pas*) را دارد، همانند اول یوحنا ۵: ۱. حالت خنثی مفرد (*pan*) وقتی به صورت "هر چه" ترجمه شود استفاده می‌شود. با این وجود، متن نیازمند یک رابطه فردی است (یعنی، در مفهوم کلی) زیرا با وجه وصفی کامل مجهول "مولود" ترکیب شده است. فقط یک نفر است که به عیسی ایمان دارد و اینکه از خدا متولد شده و می‌تواند بر جهان فائق آید (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۴، ۲: ۱۳ و ۱۴).



■ "بر دنیا غلبه می‌یابد" غلبه می‌یابد یک زمان حال فعال اخباری دلالتی از *nikaō* است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۳ و ۱۴، ۴: ۵، ۴ و ۵). همین ریشه دو مرتبه بیشتر در اول یوحنا ۵: ۴ استفاده شده است.

۱. اسم، پیروزی، *nikē*

۲. وجه وصفی آئوریست، *nikaō*، "پیروز شده است"

عیسی بر جهان غلبه کرده است (زمان کامل فعال اخباری، مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۳۳). زیرا مومنینی که در او با یکدیگر متحد می‌مانند، این قدرت را هم دارند که بر جهان غلبه کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۳ الی ۱۴، ۴: ۴).

اصطلاح جهان در اینجا به معنی "جامعه انسانی که به دور از خدا سازماندهی شده و اداره می‌گردد" است. گرایش به استقلال خمیرمایه سقوط و انسان‌یابی است (مراجعه شود به پیدایش ۳). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷ را مطالعه کنید.

■ "غلبه" این حالت اسمی (*niko*) از "غلبه کرده است" می‌باشد. در پایان اول یوحنا ۵: ۴ حالت وجه وصفی آئوریست فعال از همین ریشه استفاده شده است. مومنین فاتحین هستند و در پیروزی مسیح بر جهان به پیروزی خود ادامه می‌دهند. کلمه "nike"، که امروزه به عنوان نام کارخانه تولیدکننده کفشهای تنیس بسیار معروف است، کلمه یونانی به معنی الهه پیروزی است.

■ "ایمان ما" این تنها استفاده حالت اسمی اصطلاح "ایمان" (*pistis*) در تمامی نوشته‌های یوحنا است! احتمالاً یوحنا نگران تاکید بیش از اندازه بر "الهیات درست" (به عنوان یک مکتب فکری) در برابر شبیه مسیح بودن بود. فعل (*pisteuō*) بسیار زیاد توسط یوحنا استفاده شده است. ایمان ما پیروزی به ارمان می‌آورد به واسطه:

۱. به پیروزی عیسی مرتبط است

۲. به رابطه جدید ما با خدا مرتبط است

۳. به قدرت روح القدس که در ما ساکن است مرتبط است

موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۷، ۲: ۲۳ و اول یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید.

#### NASB: اول یوحنا ۵: ۵ الی ۱۲

ه کیست آن که بر دنیا غلبه می‌یابد جز آن که ایمان دارد عیسی پسر خداست؟

اوست آن که با آب و خون آمد، یعنی عیسی مسیح. تنها نه با آب، بلکه با آب و خون؛ و روح است که شهادت می‌دهد، چون روح، حق است. زیرا سه هستند که شهادت می‌دهند: <sup>ا</sup>روح و آب و خون و این سه یک هستند. <sup>ا</sup>اگر ما شهادت انسان را می‌پذیریم، شهادت خدا بسی بزرگتر است، زیرا شهادتی است که خدا خود درباره پسرش داده است. <sup>ا</sup>هر که به پسر خدا ایمان دارد، این شهادت را در خود دارد. اما آن که شهادت خدا را باور نمی‌کند، او را دروغگو شمرده است، زیرا شهادتی را که خدا درباره پسر خود داده، نپذیرفته است. <sup>ا</sup>و آن شهادت این است که خدا به ما حیات جاویدان بخشیده، و این حیات در پسر اوست. <sup>ا</sup>آن که پسر را دارد، حیات دارد و آن که پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست.

۵: ۵ "عیسی پسر خداست" این آیه روح محتوای ایمان ما را، که در اول یوحنا ۵: ۴ ذکر شده است، تعریف می‌کند. پیروزی ما، اقرار ما در اعتماد به عیسی است، که هم تماماً انسان و هم تماماً الهی است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶). توجه داشته باشید که مومنین تأیید می‌کنند که عیسی (۱) مسیح (اول یوحنا ۵: ۱) و (۲) فرزند خدا (اول یوحنا ۵: ۱) و (۳) پسر خدا (اول یوحنا ۵: ۵ و ۱۰) است و (۴) زندگی است (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۲ و ۵: ۲۰). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۲۳ را مطالعه کنید که تمامی عبارات *hoti* مرتبط به فعل "ایمان داشتن" را فهرست می‌کند.

■ "پسر خدا" موضوع خاص: در بخش مربوط به اول یوحنا ۳: ۸ را مطالعه کنید

۵: ۶ "اوست آن که آمد" این وجه وصفی آئورست فعال است که تاکید بر تولد دوباره دارد (عیسی هم به عنوان انسان و هم خدا) و مرگ او به عنوان قربانی، که هر دوی آنها توسط معلمین دروغین انکار می‌شوند.

■ "با آب و خون" به نظر می‌رسد که آب اشاره به تولد فیزیکی عیسی (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱ الی ۹) و خون اشاره به مرگ فیزیکی او دارد. در متن عرفان معلمین دروغین انکار انسان واقعی بودن عیسی، این دو تجربه انسان بودن او را تجربه و آشکار می‌نماید.

گزینه دیگر در رابطه با معلمین عرفان دروغین (سرنیتوس) این است که آب اشاره به تعمید عیسی دارد. آنان تصریح می‌کنند که روح مسیح در زمان تعمید (آب) عیسی انسان بر او وارد شد و قبل از مرگ عیسی انسان بر بالای صلیب (خون)، مطالب مختصر خوبی را می‌توانید در مطالعه انجیلی NASB صفحه ۱۸۳۵ مطالعه کنید) بدنش را ترک کرد.

گزینه سوم در رابطه با عبارت مربوط به مرگ عیسی است. نیزه باعث شد "خون و آب" (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۴) به بیرون فواره بزند. معلمین دروغین، مرگ نیایی و بجای دیگران را بی‌بها می‌کردند.

■ **"روح است که شهادت می‌دهد"** نقش روح القدس آشکار کردن انجیل است. او آن بخش از تثلیث است که گناه را محکوم می‌کند، به سمت مسیح هدایت می‌کند، در مسیح تعمید می‌دهد و مسیح را در مومن شکل می‌دهد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۶: ۷ الی ۱۵). روح همیشه شاهد مسیح است نه خودش (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۵: ۲۶).

■ **"روح حقیقت است"** مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۵: ۲۶، ۱۶: ۱۳، اول یوحنا ۴: ۶). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و انجیل یوحنا ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

۵: ۷ ابهاماتی در ترجمه‌های انگلیسی وجود دارند در خصوص اینکه اول یوحنا ۵: ۶ و ۷ و ۸ کجا شروع و خاتمه می‌یابند. بخشی از اول ۵: ۷ در نسخه KJV وجود دارد که می‌گوید "در بهشت، پدر، کلام و روح القدس، و این سه یکی هستند" ولی در عمده نسخه‌های دستنویس یونیکال یونانی عهد جدید یافت نمی‌شود: الکساندرینوس (A)، واتیکانوس (B) یا سینایتیکوس (C)، نه در دستنویسهای خانواده بیزانس. فقط در چهار نسخه جدیدتر دیده می‌شود:

۱. MS 61، مربوط به قرن ۱۶
۲. MS 88، مربوط به قرن ۱۲، که عبارت به صورت دستنویس در حاشیه و دستنویس نوشته شده است
۳. MS 629، مربوط به قرن ۱۴ یا ۱۵
۴. MS 635، مربوط به قرن ۱۱ که عبارت به صورت دستنویس در حاشیه و دستنویس نوشته شده است

این آیه در هیچ جا توسط پدران کلیساهای اولیه، حتی در جدلهای دکتربین بر سر تثلیث نقل نشده است. در تمامی نسخ قدیمی به استثنای یک نسخه جدیدتر خانواده لاتین (*Sixto-Clementine*) وجود ندارد. در نسخه قدیمی لاتین یا والگیت جروم وجود ندارد. اولین بار در رساله‌ای توسط مرتد اسپانیولی پرسیلیان ظاهر شد، که در سال ۳۸۵ میلادی فوت کرد. توسط پدران لاتین در شمال آفریقا و ایتالیا در قرن پنجم نقل شده است. به بیان ساده، این بخشی از کلام اصلی تحت الهام اول یوحنا نیست.

دکترین انجیلی یک خدا (یکتاپرستی) ولی با سه بیان شخصیتی (پدر، پسر و روح) تا رد این آیه تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد. هرچند این درست است که انجیل هرگز کلمه "تثلیث" را به کار نبرده است، بسیاری از عبارات انجیلی در مورد هر سه فرد که به با هم عمل می‌کنند، صحبت می‌کند:

۱. در زمان تعمید (انجیل متی ۳: ۱۶ الی ۱۷)
۲. فرمان بزرگ (انجیل متی ۲۸: ۱۹)
۳. روح فرستاد (انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶)
۴. مراسم پطرس در پنتیکاست (اعمال رسولان ۲: ۳۳ الی ۳۴)
۵. بحث پولس در مورد جسم و روح (رومیان ۸: ۷ الی ۱۰)
۶. بحث پولس در مورد هدیه معنوی (اول قرنتیان ۱۲: ۴ الی ۶)
۷. برنامه سفر پولس (دوم قرنتیان ۱: ۲۱ الی ۲۲)
۸. دعای برکت پولس (دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴)
۹. بحث پولس در مورد پر بودن زمان (غلاطیان ۴: ۴ الی ۶)
۱۰. دعای پولس در مورد تمجید پدر (افسسیان ۱: ۳ الی ۱۴)
۱۱. بحث پولس در مورد بیگانگی سابق پیروان سایر ادیان و کفار (افسسیان ۲: ۱۸)
۱۲. بحث پولس در مورد یکتا بودن خدا (افسسیان ۴: ۴ الی ۶)
۱۳. بحث پولس در مورد مهربان بودن خدا (تیتوس ۳: ۴ الی ۶)
۱۴. مقدمه پطرس (اول پطرس ۱: ۲)

موضوع خاص: تثلیث در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۶ را مطالعه کنید.

۵: ۸ **"روح و آب و خون و این سه یک هستند"** در عهد قدیم دو یا سه شاهد نیاز هستند تا مسئله‌ای تأیید شود (مراجعه شود به تثنیه ۱۷: ۶، ۱۹: ۱۵). در اینجا، رخدادهای تاریخی زندگی عیسی به عنوان شهادت بر تمام انسان و تماماً الهی بودن او ارائه می‌شوند. در این آیه، "آب" و "خون" دوباره همراه با "روح" تکرار می‌شوند. اصطلاحات "آب" و "خون" قبلاً در اول یوحنا ۵: ۶ بیان شده‌اند. "روح" می‌تواند به واسطه فرود آمدن کبوتر اشاره به تعمید عیسی باشد. اختلاف نظرهایی درباره مفهوم تاریخی دقیق هر یک از اینها که معرفی چه هستند وجود دارد. آنها باید با انکار معلمین دروغین در مورد انسان بودن عیسی مرتبط باشند.

۹: ۵ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده یا از نظر جمله شرط درست است. کلیساهایی که یوحنا خطاب به آنها می‌نوشت سر در گم بودند، زیرا آنها ظاهراً تعالیم معلمین عرفان را آموزش داده یا موعظه می‌کردند.

■ "اگر ما شهادت انسان را می‌پذیریم، شهادت خدا بسی بزرگتر است" این شهادت الهی در متن به موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. شهادت روح القدس

۲. شهادت شاگردان بر زندگی زمینی عیسی و مرگ او (مثلاً ۱: ۱ الی ۳)

■ "شهادتی است که خدا خود دربارهٔ پسرش داده است" این زمان کامل فعال اخباری است که دلالت بر انجام عملی در گذشته دارد که به نقطه اوج خود رسیده است و پایدار است. این می‌تواند اشاره به صدای خدا و تأیید او در زمان تعمید عیسی باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷) یا در زمان تغییر ماهیتش (مراجعه شود به انجیل متی ۱۷: ۵، انجیل یوحنا ۵: ۳۲ و ۳۷، ۸: ۱۸) یا ثبت هر دو در کتاب مقدس (یعنی اناجیل). موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۸ را مطالعه کنید.

۱۰: ۵ "این شهادت را در خود دارد" احتمال دارد که بتوان این عبارت را به دو شیوه ترجمه کرد:

۱. شهادت داخلی موضوعی روح در مومنین (مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۶)

۲. حقیقت انجیل (مراجعه شود به مکاشفه ۶: ۱۰، ۱۲: ۱۷، ۱۹: ۱۰)

موضوع خاص: شهادتها در مورد عیسی (در انجیل یوحنا) در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۸ را مطالعه کنید.

■ "او را دروغگو شمرده است" این هم یک فعل کامل اخباری فعال دیگر است. آنان که شهادت شاگردان درباره عیسی را رد می‌کنند، خدا را انکار می‌کنند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۲) زیرا آنها خدا را دروغگو شمرده‌اند.

■ "زیرا.... نپذیرفته است" این یک زمان کامل فعال اخباری دیگر است که تأکید بر شرایط موجود را نپذیرفته است.

۱۱ الی ۱۲ "که خدا به ما حیات جاویدان بخشیده" این آنوریست فعال اخباری است که از عملی که در گذشته انجام گرفته و یا کامل شده است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۱۶). حیات جاویدان در انجیل یوحنا ۱۷: ۳ تعریف شده است. در برخی موارد این عبارت اشاره به خود عیسی دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۲، ۵: ۲۰)، در سایر موارد، هدیه‌ای از جانب خداست (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۵، ۵: ۱۱، انجیل یوحنا ۱۰: ۲۸)، که با ایمان به مسیح داده می‌شود (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۳، انجیل یوحنا ۳: ۱۶). فرد نمی‌تواند بدون ایمان فردی به پسر با خدا رابطه دوستی داشته باشد!

### NASB: اول یوحنا ۵: ۱۳ الی ۱۵

۱۳ اینها را به شما نوشتم که به نام پسر خدا ایمان دارید، تا بدانید که از حیات جاویدان برخوردارید. <sup>۱۴</sup> این است اطمینانی که در حضور او داریم که هر گاه چیزی بر طبق ارادهٔ وی درخواست کنیم، ما را می‌شنود. <sup>۱۵</sup> و اگر می‌دانیم که هر آنچه از او درخواست کنیم ما را می‌شنود، پس اطمینان داریم که آنچه از او خواسته‌ایم، دریافت کرده‌ایم.

۱۳: ۵ "به نام پسر خدا ایمان دارید" این وجه وصفی حال فعال است، که تأکید بر ایمان مستمر است. این یک استفاده جادویی یا اسطوره‌ای از نام نیست (همانند عرفان یهود بر اساس نام خدا، *Kabbalah*)، بلکه استفاده عهد عتیق از نام به عنوان جایگزین برای فرد.

■ "تا بدانید" این وجه شرطی کامل فعال است (*oida* در حالت کامل است، ولی به صورت حال ترجمه شده است). تضمین رستگاری فرد، مفهوم کلیدی است، و اغلب در اول یوحنا هدف است. دو مترادف یونانی *oida* و *ginōskō* در سراسر نامه/موعظه استفاده شده است که "دانستن/شناختن" ترجمه می‌شوند. مشخص است که تضمین میراث تمامی مومنین است! همچنین بدیهی است که به واسطه شرایط محلی و شرایط فرهنگی حال، مومنین واقعی هستند که تضمین ندارند. این آیه از منظر الهیات مشابه کلام خاتمه انجیل یوحنا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲۰: ۳۱). متن پایانی اول یوحنا (۵: ۱۳ الی ۲۰) هفت چیزی را که مومنین می‌دانند، فهرست کرده است. دانش حقیقت انجیلی جهان بینی را ارائه می‌کند که وقتی با ایمان فردی ادغام گردد سنگ زیربنای تضمین می‌شود.

۱. مومنین حیات جاویدان دارند (اول یوحنا ۵: ۱۳، *oida*، وجه شرطی کامل فعال)

۲. خدا به دعاها مومنین گوش می‌دهد (اول یوحنا ۵: ۱۵، *oida*، کامل فعال اخباری)

۳. خدا به دعاها مومنین پاسخ می‌دهد (اول یوحنا ۵: ۱۴، *oida*، کامل فعال اخباری)

۴. مومنین مولود خدا هستند (اول یوحنا ۵: ۱۸، *oida*، کامل فعال اخباری)

۵. مومنین تصویری از خدا هستند (اول یوحنا ۵: ۱۹، *oida*، کامل فعال اخباری)

۶. مومنین می‌دانند که مسیح آمده است و به آنان قدرت درک داده است (اول یوحنا ۵: ۲۰، *oida*، کامل فعال اخباری)

۷. مومنین آن حقیقت را می‌شناسند - یا پدر یا پسر (اول یوحنا ۵: ۲۰، *ginōskō*، کامل فعال اخباری)

۱۴: ۵ "این است اطمینانی که در حضور او داریم" این موضوع تکراری است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۸، ۳: ۲۱، ۴: ۱۷). جسارت یا آزادی را که با نزدیک شدن به خدا داریم را بیان می کند (مراجعه شود به عبرانیان ۴: ۱۶). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۷: ۴ را مطالعه کنید

■ "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع رخداد است.

■ "هر گاه چیزی بر طبق اراده وی درخواست کنیم" گفته های یوحنا در توانایی مومنین در درخواست کردن از خدا به نظر نامحدود است. چگونه و برای چه مومن دعا می کند یک شاهد دیگر بر مومن حقیقی است. با این حال، با بررسی بیشتر درمی یابیم که دعا کردن برای خواسته های ما نیست، بلکه برای درخواست کردن اراده خدا در زندگی ما است (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲۲، انجیل متی ۶: ۱۰، انجیل مرقس ۱۴: ۳۶). یادداشت کاملتر را در اول یوحنا ۳: ۲۲ مطالعه کنید. موضوع خاص: اراده خدا در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۴: ۳۴ را مطالعه کنید. موضوع خاص: دعا، نامحدود، ولی محدود در بخش مربوط به اول یوحنا ۳: ۲۲ را مطالعه کنید.

## موضوع خاص: نماز روحانی

### (SPECIAL TOPIC: INTERCESSORY PRAYER)

#### I. مقدمه

A. به دلیل سرمشق بودن عیسی، دعا اهمیت دارد

۱. دعای فردی، انجیل متی ۱: ۳۵، انجیل لوقا ۳: ۲۱، ۶: ۱۲، ۹: ۲۹، ۲۲: ۳۱ الی ۴۶
۲. تطهیر معبد، انجیل متی ۲۱: ۱۳، انجیل مرقس ۱۱: ۱۷، انجیل لوقا ۱۹: ۴۶
۳. الگوی دعا، انجیل متی ۶: ۵ الی ۱۳، انجیل لوقا ۱۱: ۲ الی ۴

B. دعا محسوس کردن اعتقاد فردی و توجه ما است به خدا که حضور دارد و مایل است از طرف و ما و دیگران از طریق دعاهای ما عمل کند.

C. خدا خود را محدود کرده که فقط بر اساس دعاهای فرزندان در زمینه های مختلف عمل کند (مراجعه شود به یعقوب ۴: ۲)

D. هدف اصلی دعا دوستی ما و صرف وقت با تثلیث خدا است

E. محدوده دعا هر کسی یا هر چیزی است که مورد توجه مومن است. می توانیم یک بار دعا کنیم و می توانیم بر اساس آنچه در فکر و مورد توجه ما است، بارها و بارها دعا کنیم.

F. دعا می تواند شامل عناصر مختلفی باشد

۱. تشکر و تمجید تثلیث
۲. شکرگزاری خدا برای حضورش، دوستی اش، و مقرراتش
۳. اعتراف به گناهان گذشته و حال
۴. درخواست نیازهای احساس شده
۵. نماز روحانی که تامین نیازهای دیگران را از خدا می خواهیم

G. نماز روحانی مرموز است. خدا دعاهایی که برای دیگران می کنیم را بیشتر از دعاهایی که برای خود می کنیم دوست دارد. با این حال، دعاهای ما اغلب منجر به تغییر، پاسخ و یا نیاز نه فقط در ما بلکه در آنها که برایشان دعا می کنیم نیز می شود.

#### II. انجیل

A. عهد عتیق

۱. برخی مثالها در مورد نماز روحانی

- a. ابراهیم برای سدوم دعا می کند، پیدایش ۱۸: ۲۲
- b. دعاهای موسی برای اسرائیل
  ۱. خروج ۵: ۲۲ الی ۲۳
  ۲. خروج ۳۲: ۹ الی ۱۴، ۳۱ الی ۳۵
  ۳. خروج ۳۳: ۱۲ الی ۱۶
  ۴. خروج ۳۴: ۹
  ۵. تثنیه ۹: ۱۸، ۲۵ الی ۲۹
- c. دعای سموئیل برای اسرائیل

- (۱) اول سموئیل ۷: ۵ الی ۶ و ۸ الی ۹
- (۲) اول سموئیل ۱۲: ۱۶ الی ۲۳
- (۳) اول سموئیل ۱۶ الی ۱۸
- d. دعای داوود برای فرزندش، دوم سموئیل ۱۲: ۱۶ الی ۱۸
۲. خدا در جستجوی نمازهای روحانی است، اشعیا ۵۹: ۱۶
۳. گناهان شناخته شده و اعتراف نشده و توبه نشده بر دعاها می‌گذارد
- a. مزمو ۶۶: ۱۸
- b. امثال ۲۸: ۹
- c. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲، ۶۴: ۷
- B. عهد جدید
۱. بشارت نماز روحانی پسر و روح
- a. عیسی
- (۱) رومیان ۸: ۳۴
- (۲) عبرانیان ۷: ۲۵
- (۳) اول یوحنا ۲: ۱
- b. روح القدس، رومیان ۸: ۲۶ الی ۲۷
۲. بشارت نماز روحانی پولس
- a. دعا برای یهودیان
- (۱) رومیان ۹: ۱
- (۲) رومیان ۱۰: ۱
- b. دعا برای کلیسا
- (۱) رومیان ۱: ۹
- (۲) افسسیان ۱: ۱۶
- (۳) فیلیپیان ۱: ۳ الی ۴ و ۹
- (۴) کولسیان ۱: ۳ و ۹
- (۵) اول تسالونیکیان ۱: ۲ الی ۳
- (۶) دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱
- (۷) دوم تیموتائوس ۱: ۳
- (۸) فیلیمون آیه ۴
- c. پولس از کلیسا درخواست میکند که برایش دعا کنند
- (۱) رومیان ۱۵: ۳۰
- (۲) دوم قرنتیان ۱: ۱۱
- (۳) افسسیان ۶: ۱۹
- (۴) کولسیان ۴: ۳
- (۵) اول تسالونیکیان ۵: ۲۵
- (۶) دوم تسالونیکیان ۳: ۱
۳. بشارت نماز روحانی کلیسا
- a. دعا برای یکدیگر
- (۱) افسسیان ۶: ۱۸
- (۲) اول تیموتائوس ۲: ۱
- (۳) یعقوب ۵: ۱۶
- b. درخواست دعا برای گروهی خاص

- ۱) دشمنان ما، انجیل متی ۵: ۴۴
- ۲) کارگران مسیحی، عبرانیان ۱۳: ۱۸
- ۳) حاکمان، اول تیموتائوس ۲: ۲
- ۴) بیماران، یعقوب ۵: ۱۳ الی ۱۶
- ۵) دعا برای حمایت و بخشش، اول یوحنا ۵: ۱۶

### .III شرایط برای دعاهاى مستجاب شده

#### A. رابطه ما با مسیح و روح

۱. پایداری در او، انجیل یوحنا ۱۵: ۷
۲. بنام او، انجیل یوحنا ۱۴: ۱۳ و ۱۴، ۱۵: ۱۶، ۱۶: ۲۳ الی ۲۴
۳. در روح، افسسیان ۶: ۱۸، یهودا ۲۰
۴. بر طبق اراده خدا، انجیل متی ۶: ۱۰، اول یوحنا ۳: ۲۲، ۵: ۱۴ الی ۱۵

#### B. انگیزه‌ها

۱. تردید نداشتن، انجیل متی ۲۱: ۲۲، یعقوب ۱: ۶ الی ۷
۲. فروتنی و توبه، انجیل لوقا ۱۸: ۹ الی ۱۴
۳. درخواست بیمورد، یعقوب ۴: ۳
۴. خودخواهی، یعقوب ۴: ۲ الی ۳

#### C. سایر جنبه‌ها

##### ۱. استقامت

- a. انجیل لوقا ۱۸: ۱ الی ۸
- b. کولسیان ۴: ۲
۲. درخواست مستمر
  - a. انجیل متی ۷: ۷ الی ۸
  - b. انجیل لوقا ۱۱: ۵ الی ۱۳
  - c. یعقوب ۱: ۵
۳. اختلاف نظر در خانه، اول پطرس ۳: ۷
۴. نداشتن گناه
  - a. مزمو ۶۶: ۱۸
  - b. امثال ۲۸: ۹
  - c. اشعیا ۵۹: ۱ الی ۲
  - d. اشعیا ۶۴: ۷

### .IV جمع بندی الهیاتی

- A. عجب افتخاری. عجب موقعیتی، عجب وظیفه و مسئولیتی
- B. عیسی سرمشق ما است. روح راهنمای ما است. پدر مشتاقانه منتظر است.
- C. می‌تواند شما، خانواده‌تان و جهان را تغییر دهد.

۱۵: "اگر" این جمله شرطی نوع اول است (ولی با *ean* و به صورت اخباری، A. T. Robertson, *Word Pictures in the New Testament*,

صفحه ۲۴۳ را مطالعه کنید) که از دیدگاه نویسنده تصور می‌کند شرط درست است. این یک عبارت شرطی نامعمول است

۱. بجای *ean*، در آن *ei* آمده است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۸: ۳۱، اول تسالونیکیان ۳: ۸)
۲. *Ean* به وجه شرطی مرتبط شده است (یعنی سوال کردن)، که برای ساختار جمله شرطی نوع سوم معمول است
۳. شرایط جمله شرطی نوع سوم در اول یوحنا ۵: ۱۴ و ۱۶ برقرار است
۴. الهیات دعای مسیحیت به اراده خدا (اول یوحنا ۵: ۱۴) و نام عیسی (اول یوحنا ۵: ۱۳) ربط داده شده است

■ "ما می دانیم" این یک زمان کامل اخباری فعال دیگر است، که به صورت حال ترجمه شده است، و همسو با اول یوحنا ۵: ۱۴ است. تضمین مومن است که پدر می شنود و به فرزندانش پاسخ می دهد.

#### NASB: اول یوحنا ۵: ۱۶ الی ۱۷

<sup>۱۶</sup> اگر کسی ببیند برادرش گناهی می کند که به مرگ نمی انجامد، دعا کند و خدا به او حیات خواهد بخشید. این را درباره کسی می گویم که گناهش به مرگ نمی انجامد. گناهی هست که به مرگ می انجامد. درباره چنین گناهی نمی گویم که باید دعا کرد. <sup>۱۷</sup> هر عمل نادرستی گناه است، ولی گناهی هم هست که به مرگ نمی انجامد.

۱۶: "اگر" این جمله شرطی نوع سوم است که به معنی احتمال وقوع رخداد است. آیه ۱۶ بر نیاز ما به دعا برای دوستان مسیحی خود (مراجعه شود به غلاطیان ۶: ۱، یعقوب ۵: ۱۳ الی ۱۸) با برخی محدودیتها (گناه تا زمان مرگ) تاکید می کند که به نظر می رسد مرتبط با معلمین دروغین باشد (مراجعه شود به دوم پطرس ۲).

■ "کسی ببیند برادرش گناهی می کند که به مرگ نمی انجامد" یوحنا چندین طبقه بندی از گناهان را فهرست کرده است. برخی در رابطه با (۱) رفاقت فرد با خدا، (۲) رفاقت با سایر مومنین، و (۳) رفاقت با جهان هستند. نهایت گناه انکار اعتماد/ایمان/باور به مسیح است. این گناه تا نهایت مرگ است! W. T. Connors در *Christian Doctrine* خود می گوید:

"این به معنی بی ایمانی یعنی رد پذیرش دکترین یا دگم بودن نیست. در رد نور معنویت و خلاق بی ایمانی هست، به خصوص که آن نور در عیسی مسیح باشد. این انکار مکاشفه نهایی خدا از خودش است که توسط مسیح صورت گرفت. وقتی این انکار قطعی و ارادی باشد، تبدیل به گناه تا مرگ می شود (اول یوحنا ۵: ۱۳ الی ۱۷). بنابراین تبدیل به خودکشی اخلاقی می شود. بینش معنوی فرد کور می شود. چنین چیزی اتفاق نمی افتد بجز در رابطه با درجه بالایی از روشنایی. انکار تعمدی، ارادی و مخرب عیسی به عنوان مکاشفه خدا، با دانستن اینکه او چنین مکاشفه ای را انجام داده است. تمدا به این سفید سیاه گفته می شود" (صفحه ۱۳۵ الی ۱۳۶).

#### موضوع خاص: تفسیر فرایندهای ترجمه گناه نابخشودنی

■ "خدا به او حیات خواهد بخشید" مشکل لغوی و الهیاتی در اینجا معنی اصطلاح "زندگی" (*zōē*) است. معمولا در نوشته های یوحنا این اشاره به حیات جاویدان دارد، ولی در این متن به نظر می رسد مفهوم آن احیا سلامتی و یا بخشش باشد (خیلی شبیه استفاده یعقوب از کلمه "نجات" در یعقوب ۵: ۱۳ الی ۱۵). کسی که برایش دعا شود، برادر نامیده می شود که قویا دلالت بر یک مومن دارد (بر اساس کاربرد خود یوحنا از این اصطلاح برای خوانندگانش). ۱۷: ۵ کل گناه جدی است ولی با توبه قابل بخشایش است (اولیه، مراجعه شود به انجیل مرقس ۱: ۱۵، اعمال رسولان ۲۰: ۲۱، مستمر، مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۹) و ایمان به مسیح بجز گناه بی ایمانی.

#### NASB: اول یوحنا ۵: ۱۸ الی ۲۰

<sup>۱۸</sup> ما می دانیم که هر که از خدا مولود شده است، در گناه زندگی نمی کند، بلکه آن 'مولود خدا' او را حفظ می کند و دست آن شریر به او نمی رسد. <sup>۱۹</sup> ما می دانیم که از خدا هستیم و تمامی دنیا در آن شریر لمیده است. <sup>۲۰</sup> همچنین می دانیم که پسر خدا آمده و به ما بصیرت بخشیده تا حق را بشناسیم، و ما در او هستیم که حق است، یعنی در پسر او عیسی مسیح. اوست خدای حق و حیات جاویدان.

۱۸: "ما می دانیم" یادداشت پاراگراف دوم مربوط به اول یوحنا ۵: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "هر که از خدا مولود شده است، در گناه زندگی نمی کند" این وجه وصفی کامل مجهول است. این یک تصریح سیاه و سفید اول یوحنا ۳: ۶ و ۹ است. حیات جاویدان مشخصه های قابل مشاهده ای دارد. تناقضات شیوه زندگی معلمین دروغین قلب گناهکار آنان را افشا می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۷)! یوحنا دو گروه مختلف معلمین دروغین را مورد خطاب قرار می دهد. آن که کلاما منکر گناه است (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۸ الی ۲: ۱) و گروه دیگری که به سادگی گناه کردن را نامربوط می دانند (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۴ الی ۱۰). ابتدا باید به گناه اعتراف کرد و بعد از آن پرهیز کرد. گناه مسئله است، یک مسئله مستمر (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۲۱).

بروس متزگر در *A Textual Commentary of the Greek New Testament* (صفحه ۷۱۸) تصریح می کند که تفاوتها در نسخ دستنویس ناشی از آن است که هر کدام از کاتبین تصور می کردند عبارت "مولود خدا" به چه چیز اشاره می کند.

۱. عیسی - در این صورت *auton* مناسبترین است ( $A^*$ ،  $B^*$ )

۲. مومنین - در این صورت *eauton* مناسبترین است ( $A^c$ ، ۸)

UBS<sup>4</sup> به گزینه شماره ۱ رتبه B می دهد (تقریباً یقین).

■ "بلکه آن 'مولود خدا' او را حفظ می‌کند" اولین فعل وجه وصفی آئوریست مجهول است، که دلالت بر کامل شدن انجام عملی توسط یک عامل خارجی است (یعنی روح، مراجعه شود به رومیان ۸: ۱۱). این اشاره به تولد مجدد دارد.

فعل دوم حال اخباری فعال است با "او را" (*auton*). در مفهوم واقعی، به معنی "کسی که از خدا متولد شده به حفظ او ادامه می‌دهد" است. این اشاره به حفظ مستمر مسیح توسط مومنین است. این ترجمه بر اساس نسخه دستنویس یونانی یونیکال  $A^*$ ،  $B^*$  است. این ترجمه در ترجمه‌های انگلیسی NASB، RSV و NIV یافت می‌شود.

دستنویسهای  $\mathcal{A}$  و  $\mathcal{C}$  ضمیر دیگری "خود را حفظ می‌کند" (*auton*) دارند که دلالت بر این دارد، آن که مولود خداست مسئولیت دارد خود را حفظ کند. فعل استفاده شده برای "متولد شد" در جای دیگری برای عیسی استفاده نشده است. مفهوم انعکاسی آن برای مومنین در اول یوحنا ۳: ۳ و ۵: ۲۱ استفاده شده است. این بر اساس نسخه‌های KJV و ASV است.

NASB	"و آن شیطان او را لمس نخواهد کرد"
NKJV	"آن ضعیف او را لمس نخواهد کرد"
NRSV	"آن شیطان او را لمس نخواهد کرد"
TEV	"آن شیطان نمی‌تواند به آنان آسیب برساند"
NJB	"شیطان بر آنان برتری ندارد"

این زمان حال دلالتی میانمی‌کند که به معنی شیطان نمی‌تواند او را ننگه دارد، است. تنها استفاده دیگر از این اصطلاح در نوشته‌های یوحنا در انجیل او در ۲۰: ۱۷ است. بر اساس انجیل و نیز تجربه بدیهی است که مسیحیان وسوسه می‌شوند. سه نظریه اصلی درباره مفهوم این عبارت وجود دارد:

۱. مومنین از محکوم شدن توسط شیطان رها هستند به واسطه اینکه او قوانین را نقض کرده است
۲. عیسی برای ما دعا می‌کند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱، انجیل لوقا ۲۲: ۲۳ الی ۳۳)
۳. شیطان نمی‌تواند رستگاری را از ما بگیرد (مراجعه شود به رومیان ۸: ۳۱ الی ۳۹)، هر چند او می‌تواند شهادت خدا در زندگی ما را خنثی کند و احتمالاً بر اساس اول یوحنا ۵: ۱۶ الی ۱۷، مومن را زودتر از موعد از این جهان برگیرد!

۵: ۱۹ "ما می‌دانیم که از خدا هستیم" این تضمین قطعی ایمان است، جهان بینی مومن در عیسی مسیح (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۶). همه چیزهای دیگر بر اساس این حقیقت حیرت‌انگیز هستند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۳). به یادداشت مربوط به اول یوحنا ۵: ۱۳ مراجعه شود.

■ "تمامی دنیا در آن شریر لمیده است" این زمان حال میانمی‌کند (دپوننت) اخباری است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱، ۱۴: ۳۰، ۱۶: ۱۱، دوم قرنتیان ۴: ۴، افسسیان ۲: ۲، ۶: ۱۲). این توسط (۱) گناه آدم، (۲) شورش شیطان، و (۳) انتخاب هر فرد بر گناه کردن، امکان‌پذیر می‌شود.

۵: ۲۰ "ما می‌دانیم" یادداشت کامل در پاراگراف دوم مربوط به اول یوحنا ۵: ۱۳ را مطالعه کنید.

■ "پسر خدا آمده" این زمان حال فعال اخباری، تولد دوباره پسر خدا را تصریح می‌کند. الهی بودن با بدن انسان مسئله اساسی معلمین دروغین عرفان است که جسم را شیطانی می‌دانند.

■ "به ما بصیرت بخشیده" این هم یک زمان کامل اخباری فعال است. عیسی، و نه معلمین دروغین عرفان، بینش لازم در مسیر خدا را ارائه کرده است. عیسی به صورت کامل پدر را با زندگی، تعالیم، اعمال مرگ و قیامش از مردگان، آشکار کرده است. او کلام زنده خدا است، هیچ کس جدا از او نمی‌تواند به سوی پدر برود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶، اول یوحنا ۵: ۱۰ الی ۱۲).

■ "ما در او هستیم که حق است، یعنی در پسر او عیسی مسیح. اوست خدای حق و حیات جاویدان" عبارت اول "در او هستیم که حق است" اشاره به خدای پدر دارد (موضوع خاص در بخش اول یوحنا ۶: ۵۵ و انجیل یوحنا ۱۷: ۳ را مطالعه کنید)، ولی فردی که در عبارت دوم به او اشاره می‌شود، "خدای حق" را سخت‌تر می‌توان شناسایی کرد. در متن به نظر می‌رسد که اشاره به پدر داشته باشد، ولی از دیدگاه الهیات می‌تواند به پسر هم اشاره داشته باشد. ابهام دستور زبانی می‌تواند تعمدی باشد، زیرا در بسیاری مواقع در نوشته‌های یوحنا چنین است، برای اینکه فرد در پدر باشد، باید در پسر باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۲). خدایی بودن و حقیقت هم پدر و هم پسر می‌تواند به منظور تشدید الهیاتی باشد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۳۳، ۷: ۲۸، ۸: ۲۶). عهد جدید تماماً الهی بودن عیسی ناصری را تصریح می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱ و ۱۸، ۲۰: ۲۸، فیلیپیان ۲: ۶، تیتوس ۲: ۱۳، و عبرانیان ۱: ۸). با این وجود، معلمین عرفان الهی بودن عیسی را تصریح می‌کنند (حداقل با مقیم بودن روح الهی).

**NASB: اول یوحنا ۵: ۲۱**

**"ای فرزندان، خود را از بندها محفوظ نگاه دارید.**



"از خود در برابر بتها محافظت کنید"

"خود را از بتها مصون نگاهدارید"

"خود را از خدایان دروغین مصون نگاهدارید"

"در برابر خدایان دروغین هشیار باشید"

این زمان آئوریست فعال امری است، تأییدی بر یک حقیقت کلی. آیه اشاره به مشارکت فعال مسیحیان در تقدس دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۳)، که از همدمی با عیسی مسیح لذت می‌برند (مراجعه شود به افسسیان ۱: ۴، اول پطرس ۱: ۵).

اصطلاح بتها (که فقط دو مرتبه در نوشته‌های یوحنا استفاده شده است، اینجا و در نقل قولی از عهد عتیق در مکاشفه ۹: ۲۰)، یا در رابطه با تعالیم و شیوه زندگی معلمین دروغین است و یا به خاطر کنیبه بحرالमित این اصطلاح در مفهوم گناه استفاده شده است، اصطلاح "بت" و "گناه" ممکن است با یکدیگر مترادف باشند.

### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. سه آزمون اصلی که اطمینان می‌دهند مومنین در راه مسیح هستند
۲. در اول یوحنا ۵: ۶ و ۸ اصطلاحات "آب" و "خون" به چه اشاره می‌کنند؟
۳. آیا می‌توانیم بدانیم که مسیحی هستیم؟ آیا مسیحیانی هستند که ندانند؟
۴. کدام گناه است که به مرگ ما را هدایت می‌کند؟ آیا مومن می‌تواند این گناه را مرتکب شود؟
۵. آیا این قدرت محافظتی خداست یا تلاشهای ما، که ما را از وسوسه دور نگه می‌دارد؟

## دوم یوحنا

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن\*

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تهنیت ۳-۱	درود بر بانوی منتخب ۳-۱	۲-۱ ۳	مقدمه ۳-۱	درود ۳-۱
حقیقت و محبت ۱۱-۴	گام برداشتن در فرامین عیسی ۶-۴	۶-۴	حقیقت و محبت ۶-۴	قانون محبت ۵-۴ ۶
بدرود ۱۳-۱۲	بدرود یوحنا ۱۳-۱۲	۱۱-۷ ۱۲ ۱۳	کلام پایانی ۱۱-۷ ۱۱-۹ ۱۲ ۱۳	دشمنان مسیح ۱۱-۷ ۱۲ ۱۳

\* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر یک از ترجمه‌های مدرن پاراگرافها را تقسیم‌بندی و خلاصه کرده‌اند. هر پاراگراف یک موضوع، حقیقت و یا تفکر اصلی دارد.

هر نسخه آن موضوع را به شیوه خاص و متمایز خود تحت پوشش قرار می‌دهد. در حین اینکه متن را مطالعه می‌کند، از خود سوال کنید کدامیک از ترجمه‌ها با آنچه شما خودتان از موضع و تقسیم‌بندی آیه درک کردید بیشتر مطابقت دارد.

در هر فصل، ما باید اول انجیل را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات (پاراگرافهای) آن را شناسایی کنیم، سپس درک خود را با نسخه مدرن مقایسه کنیم. فقط زمانی که ما نیت نویسنده اصلی را، با دنبال کردن منطق خودش و آنچه که ارائه داده درک کردیم، می‌توانیم انجیل را واقعا درک کنیم. فقط نویسنده اصلی تحت الهام و وحی بوده است - خوانندگان حق ندارند که پیام را عوض کرده و یا تغییر دهند. خوانندگان انجیل مسئولیت دارند تا حقیقت تحت الهام را با روزگار خود و زندگی خود مطابقت دهند.

توجه کنید که تمامی اصطلاحات فنی و اختصارات به صورت کامل در اسناد زیر توضیح داده شده‌اند: اصطلاحات دستور زبان یونانی، موضوع خاص: انتقاد متنی و واژه نامه.

#### معرفی کوتاه

بدیهی است دوم یوحنا در رابطه با پیام و شیوه مفهومی اول یوحنا است. احتمالاً توسط یک نویسنده، و در همان زمان نوشته شده‌اند. شیوه نگارش آن شیوه مرسوم نگارشی نامه‌های شخصی قرن نخست است که در حالتی نوشته شده که بر روی یک پیپروس جا شود.

همانطور که اول یوحنا برای چندین کلیسا نوشته شده (و در مفهومی برای همه کلیساها)، دوم یوحنا خطاب به یک کلیسای محلی و رهبرش نوشته شده (هرچند، همانند بیشتر نامه‌های شخصی عهد جدید آن را می‌توان خطاب به همه کلیساها خواند). پنجره حیرت انگیز کوچکی در زندگی کلیسای اولیه در آسیای صغیر است (ترکیه).

#### چرخه اول مطالعه

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات

## چرخه دوم مطالعه

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور ما باید راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جملع مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول
۲. موضوع واحد ادبی دوم
۳. موضوع واحد ادبی سوم
۴. موضوع واحد ادبی چهارم
۵. و غیره

## چرخه سوم مطالعه

### دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگراف‌ها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید. فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگراف‌ها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می‌باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف
۴. و غیره

## مطالعه کلمه و عبارات

### NASB: آیات ۱ الی ۳

۱ از شیخ کلیسا، به بانوی برگزیده و فرزندان او که ایشان را در 'حقیقت' دوست می‌دارم - و نه تنها من، بلکه همه آنان که حقیقت را شناخته‌اند - آبه سبب آن حقیقت که در ما ساکن است و تا ابد با ما خواهد بود.  
۳ فیض و رحمتی از جانب خدای پدر و از جانب عیسی مسیح، پسر آن پدر، در حقیقت و محبت با ما خواهد بود.

۱ "شیخ کلیسا (The elder)" این عنوان (*presbuteros*) برای شناسایی نویسنده دوم و سوم یوحنا استفاده شده است. در انجیل معانی زیادی برای این اصطلاح در نظر گرفته شده است.

نوشته‌های یوحنایی به شیوه‌های مختلفی نویسنده را معرفی می‌کنند.

۱. انجیل از اصطلاح "شاگرد محبوب" استفاده می‌کند
۲. اولین کلمه اسم مستعار است
۳. کلمه دوم و سوم در بردارنده عنوان شیخ کلیسا است
۴. مکاشفه، یک نوشته کاملاً غیر قابل توصیف، نویسنده را به عنوان "خادم او یوحنا" فهرست می‌کند

بحثهای زیادی میان مفسرین و اساتید در خصوص اینکه چه کسی نویسنده این نوشته‌ها است وجود دارد. تشابهات و تفاوت‌های زبانی و شیوه نگارشی بسیاری میان آنها وجود دارد. در این مرحله، هیچ توضیحی توسط معلمین انجیل پذیرفته نیست. من تأیید می‌کنم که یوحنا شاگرد، نویسنده همه اینها است، ولی این یک مسئله هرمنوتیک (علم ترجمه و تفسیر نوشته‌های باستانی بخصوص انجیل) و یا مسئله وحی و الهام نیست. در واقعیت نویسنده اصلی انجیل روح خدا است. این یک مکاشفه ارزشمند است، ولی مفسرین مدرن مفهوم واقعی فرایند این نوشته‌ها را نمی‌دانند یا درک نمی‌کنند.

■ "بانوی برگزیده و فرزندان او" مباحثات زیادی در خصوص این عنوان وجود دارد. بسیاری سعی کرده‌اند که تصریح کنند این خطاب به بانویی بنام یا *Electa*، از کلمه یونانی برای منتخب یا انتخاب شده (کلمنت اسکندریه) یا *Kiryia*، از کلمه یونانی بانو (آتناسیوس) است. با این حال، من با جروم موافقم که این به دلایل زیر اشاره به کلیسا دارد:

۱. کلمه یونانی برای کلیسا مونث است (دوم یوحنا ۱: ۱)

۲. در LXX "منتخب" اشاره به مردم به صورت کل دارد (مراجعه شود به اول پطرس ۲: ۹)
۳. این می تواند اشاره به کلیسا به عنوان عروس مسیح داشته باشد (مراجعه شود به افسسیان ۵: ۲۵ الی ۳۲، مکاشفه ۱۹: ۷ الی ۸، ۲۱: ۲)
۴. این کلیسا اعضایی دارد که فرزندان خطاب می شوند (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۱۳)
۵. این کلیسا خواهی دارد که به نظر می رسد اشاره به یک کلیسای محلی دیگر باشد (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۱۳)
۶. در سراسر این فصل با حالت مفرد و جمع کلمات بازی شده است (مفرد در دوم یوحنا ۱: ۴ و ۵ و ۱۳، جمع در دوم یوحنا ۱: ۶ و ۷ و ۸ و ۱۰ و ۱۲)
۷. این اصطلاح به شیوه مشابه در اول پطرس ۵: ۱۳ هم استفاده شده است

■ "که" جالب است که این ضمیر مذکر جمع است باید به یا "بانو" که مونث است و یا "فرزندان" که خنثی است اشاره داشته باشد. فکر می کنم این یک شیوه نگارشی یوحنا برای به صورت نمادین نوشتن باشد.

■ "دوست می دارم" یوحنا از *phileō* به صورت مترادف با *agapaō* در انجیل و مکاشفه استفاده می کند ولی در اول، دوم و سوم یوحنا فقط از *agapaō* استفاده می کند (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۳ و ۵ و ۶، اول یوحنا ۳: ۱۸).

■ "حقیقت" حقیقت موضوعی است که اغلب تکرار می شود (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۱ [دو مرتبه]، ۲ و ۳ و ۴). عبارت "این تعلیم" در دوم یوحنا ۱: ۹ [دو مرتبه] و ۱۰ مترادف با "حقیقت" است. بر این اصطلاح احتمالاً به این دلیل تاکید می شود که وجود مرتهای محلی در این نامه مشهود هستند (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۴ و ۷ الی ۱۰) همانند اول یوحنا.

"حقیقت" می تواند به یکی از این سه اشاره داشته باشد: (۱) روح القدس در یوحنا، (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷)، (۲) خود عیسی مسیح (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۲، ۱۴: ۶)، و (۳) محتوای انجیل (مراجعه شود به اول یوحنا ۳: ۲۳). موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

■ "که در ما ساکن است" این وجه وصفی حال فعال بوده و یکی از عبارات مورد علاقه یوحنا برای توصیف مومنین "ساکن بودن" است. موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۲: ۱۰ را مطالعه کنید. به نظر می رسد که این اشاره به روح القدس است که در ما ساکن است (مراجعه شود به رومیان ۸: ۹، یا پسر، رومیان ۸: ۹ الی ۱۰). تمامی افراد تثلیث در / با مومنین هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۲۳).

■ "تا ابد با ما خواهد بود" حقیقت برای همیشه با مومنین همراه و در آنان خواهد بود. عجب عبارت حیرت انگیزی در مورد تضمین. موضوع خاص در بخش مربوط به اول یوحنا ۵: ۱۳ را مطالعه کنید. حقیقت هم فرد انجیل و هم پیام انجیل است. این "حقیقت" همیشه با محبت، محبت به خدا، محبت به برادران / خواهران همپیمان و محبت به جهان گمراه است (مراجعه شود به اول یوحنا ۴: ۷ الی ۲۱).

"همیشه" به مفهوم در طی سالها است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۴: ۱۴، ۶: ۵۱ و ۵۸، ۸: ۳۵ و ۵۱، ۱۰: ۲۸، ۱۱: ۲۶، ۱۲: ۴۴، ۱۳: ۸، ۱۴: ۱۶، اول یوحنا ۲: ۱۷). موضوع خاص همیشه در انجیل یوحنا ۶: ۵۸ را مطالعه کنید.

۳ "فیض و رحمت و سلامتی" این یک معرفی مرسوم به کلمه یونانی است که با دو استثنا در قرل اول استفاده می شد. نخست، اندکی تغییر یافت تا آن را به صورت منحصر به فرد مسیحی کنند. اصطلاح یونانی "درد" *chairein* است. این اصطلاح به *charis* تغییر یافت که به معنی "فیض" است. این معرفی بسیار شبیه رساله شبانان، اول تیموتائوس ۱: ۲، دوم تیموتائوس ۱: ۲ است، دوتا از این سه اصطلاح در معرفی پولس برای غلاطیان و اول تسالونیکیان استفاده شده است.

دوم، ساختار دستور زبانی مرسوم دعایی برای آرزوی سلامتی است. با این حال، دوم یوحنا یک بیانیه حقیقت است، وعده ایستادن در کنار خدا و با نتیجه الهی مطلوب.

از نگاه خداشناسی ممکن است از خود سوال کنیم که آیا این ترتیب را رابطه میان این اصطلاحات تعمدی باشد. فیض و رحمت منعکس کننده صفات خدا هستند که از طریق مسیح رستگاری را به رایگان به انسان گمراه ارائه می کند. سلامتی منعکس کننده دریافت کننده هدیه خدا است. مومنین یک تحول کامل را تجربه می کنند. از آنجا که سقوط بر تمامی جنبه های زندگی انسان تاثیر گذاشت، بنابراین رستگاری هم آنها را احیا می کند، نخست از طریق موقعیت (تائید بر اساس ایمان)، سپس با تغییر بنیادین در جهان بینی که توسط روح مقیم فعال می گردد، که در نتیجه آن مسیح گونگی شروع به پیشرفت می کند. تصویر خدا در انسان (مراجعه شود به پیدایش ۱: ۲۶ الی ۲۷) احیا می شود.

احتمال دیگر در رابطه با نیاز برای این اصطلاح در نور معلمین دروغین است. آنها در مورد فیض و رحمت سوال می کنند و همه چیز می گویند ولی در مورد سلامتی سکوت می کنند. یک نکته جالب هم هست که این تنها جایی در نوشته های یوحنا است که "رحمت" (*eleeōi*) استفاده شده است. "رحمت" (*charis*) در انجیل فقط در اینجا، دوم یوحنا ۱: ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و مکاشفه (مراجعه شود به ۱: ۴، ۲۲: ۲۱) استفاده شده است.

■ "از جانب خدای پدر و از جانب عیسی مسیح" هر دو اسم ضمیر (*para*) دارند از نظر دستور زبانی آنها را یکسان تلقی می‌نماید. این یک شیوه دستور زبانی برای تصریح تماما الهی بودن عیسی مسیح است.

■ "پسر آن پدر" تاکید مستمر در اول یوحنا این است که فرد نمی‌تواند پدر را بدون پسر داشته باشد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۲۳، ۴: ۱۵، ۵: ۱۰). معلمین دروغین یک رابطه منحصر به فرد با خدا را ادعا می‌کنند، ولی از دیدگاه خداشناسی شخص پسر و کارهای او را بی بها جلوه می‌دهند. یوحنا دوباره و دوباره تکرار می‌کند که عیسی (۱) مکاشفه کامل پدر است و (۲) تنها راه (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۶) به سوی پدر.

#### NASB: آیات ۴ الی ۶

۴ بسی شادمان شدم که دریافتم برخی از فرزندان تو بنا بر حکمی که از پدر یافتیم، در 'حقیقت' سلوک می‌کنند. اما حال، بانوی گرامی، از تو درخواستی دارم. نه آنکه حکمی تازه به تو بنویسم، بلکه همان که از آغاز داشته‌ایم، که یکدیگر را محبت کنیم. <sup>۱</sup> و محبت این است که بنا بر احکام او سلوک نماییم. آری، همان‌گونه که از آغاز شنیده‌اید، حکم او این است که در محبت سلوک کنید.

۴ "بسی شادمان شدم" این یک آئوریست مجهول غیرفعال (دوپوننت) است. احتمالا شیخ کلیسا در مورد این کلیسا از برخی اعضای مسافر چیزهایی شنیده بود.

■ "دریافتم برخی از فرزندان تو در 'حقیقت' سلوک می‌کنند" این عبارت به یکی از موارد زیر اشاره می‌کند:

۱. زندگی خداپسندانه و محبت‌آمیز برخی در کلیسا (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۳ الی ۴)

۲. شیوه‌ای برای تائید مرته‌ها در کلیسا که برخی را به گمراهی کشانده‌اند

■ "بنا بر حکمی که از پدر یافتیم" این زمان آئوریست فعال اخباری دلالتی است که اشاره به فرمان محبت کردن به یکدیگر است، همانطور که عیسی به آنها محبت می‌کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۳۴ الی ۳۵، ۱۵: ۱۲، اول یوحنا ۳: ۱۱، ۴: ۷ و ۱۱ الی ۱۲ و ۲۱)

■ "همان که از آغاز داشته‌ایم" این زمان غیر کامل فعال اخباری دلالتی است که اشاره به شروع تعالیم عیسی دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۷ و ۲۴، ۳: ۱۱). محتوای فرمان دوباره تائید می‌شود که "به یکدیگر محبت کنید" (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۵) و "تائید کنید که عیسی مسیح در گوشت/جسم آمد" (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۷). توجه کنید که محتوا است، فرد و شیوه زندگی.

■ "که یکدیگر را محبت کنیم" این وجه وصفی حال فعال است (همانند آخرین فعل در این آیه، سلوک کردن). مشخصه مرته‌ها انحصارگرا بودن و محبت نکردن است. این سه آزمون اول یوحنا را برای اینکه بتوان فهمید آیا کسی واقعا مسیحی است را شکل می‌دهد. در کتاب اول یوحنا این سه آزمون عبارتند از: محبت کردن، شیوه زندگی و دکتترین. این آزمونها در دوم یوحنا تکرار شده‌اند:

۱. محبت کردن (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۵، اول یوحنا ۲: ۷ الی ۱۱، ۳: ۱۱ الی ۱۸، ۴: ۷ الی ۱۲، ۱۶ الی ۲۱، ۵: ۱ الی ۲)

۲. اطاعت (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۶، اول یوحنا ۲: ۳ الی ۶، ۳: ۱ الی ۱۰، ۵: ۲ الی ۳)

۳. محتوای دکتترین (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۷، اول یوحنا ۱: ۱، ۲: ۱۸ الی ۲۵، ۴: ۱ الی ۶ و ۱۴ الی ۱۶، ۵: ۱ و ۵ و ۱۰)

■ "و محبت این است" محبت (*agapē*) یک عمل مستمر است (زمان حال)، نه فقط یک احساس. محبت نشانه تمامی مومنین واقعی است (مراجعه شود به اول قرنتیان ۱۳، غلاطیان ۵: ۲۲، اول یوحنا ۴: ۷ الی ۲۱).

■ "از آغاز" به یادداشت مربوط به بخش اول یوحنا ۱: ۱ مراجعه کنید. فکر می‌کنم این عبارت در اول یوحنا و دوم یوحنا به عنوان اشاره‌ای به آغاز بشارت عمومی عیسی اشاره می‌کند.

■ "در محبت سلوک کنید" مسیحیت یک تعهد اولیه و تغییر در شیوه زندگی است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۶). شیوه زندگی، ما را نجات نمی‌دهد، ولی تائید می‌کند که ما نجات یافته‌ایم.

#### NASB: آیات ۷ الی ۱۱

۷ زیرا که فریبکاران بسیار به دنیا بیرون رفته‌اند، که بر آمدن عیسی مسیح در جسم انسانی اقرار ندارند. چنین کسان، همان فریبکار و ضد مسیح‌اند. <sup>۸</sup> بهوش باشید که ثمر کار خود را بر باد ندهید، بلکه پاداشی به کمال دریافت کنید. <sup>۹</sup> هر آن کس که از تعلیم مسیح فراتر رود و در آن پایدار نماند، خدا را ندارد، آن که در آن تعلیم پایدار ماند، هم پدر را دارد و هم پسر را. <sup>۱۰</sup> اگر کسی نزد شما آید و این تعلیم را نیاورد، او را به خانه خود مپذیرید و خوشامدش مگویید؛ <sup>۱۱</sup> زیرا آن که او را خوشامد گوید، در اعمال بدش شریک می‌شود.

۷ "زیرا که فریبکاران بسیار" کلمه "فریبکاران" از کلمه یونانی *planē* می‌آید، که از آن اصطلاح انگلیسی "planet" می‌آید. در دنیای باستان حرکت اجسام بهشتی ترسیم و مطالعه می‌شد (*zodiac*). ستارگان در الگوهای خاصی قرار می‌گرفتند، ولی برخی ستارگان (یعنی سیارات) به صورت غیر منظم حرکت می‌کردند. در آن زمان به این قبیل ستارگان "ولگرد" می‌گفتند. این اصطلاح به صورت استعاره در مورد آنان که از حقیقت فرار می‌کردند، بسط یافت.

این معلمین دروغین کسانی نبودند که صرفاً افراد گمراه یا در خطایی باشند که انجیل را نادیده می‌انگاشتند. در نوشته‌های یوحنا هم فریسیان و هم معلمین دروغین شورشیان و یاغیانی بودند در برابر نور شفافی که دریافت کرده بودند. به این دلیل است که شورش آنان به عنوان "گناه نابخشودنی" یا "گناه تا زمان مرگ" تلقی می‌شوند (مراجعه شود به یادداشت بخش اول یوحنا ۵: ۱۶). فاجعه اینجاست که آنان باعث می‌شوند دیگران هم از آنان پیروی کرده و به سوی خرابی بروند. عهد جدید به وضوح آشکار می‌کند که معلمین دروغین نمایان خواهند شد و مسائل زیادی را به وجود خواهند آورد (مراجعه شود به انجیل متی ۷: ۱۵، ۲۴، ۱۱ و ۲۴، انجیل مرقس ۱۳: ۲۲، اول یوحنا ۲: ۲۶، ۳: ۷، ۴: ۱).

■ "به دنیا بیرون رفته‌اند" در این عبارت دنیا به معنی سیاره فیزیکی ما است. این معلمین دروغین یا کلیسای مسیحی را ترک کرده‌اند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۲) و یا در ماموریت‌های بشارتی هستند (مراجعه شود به سوم یوحنا).

■ "اقرار ندارند" این اصطلاح *homologeō* است، که دلالت بر یک اعتراف و اقرار عمومی ایمان بر مسیح دارد. موضوع خاص: اعتراف/اقرار در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۹: ۲۲ الی ۲۳ را مطالعه کنید.

■ "آمدن عیسی مسیح در جسم انسانی" این فریبکاران به تعالیم دروغین خود درباره شخص مسیح ادامه می‌دهند. این آیه بر "آزمودن روحها" در اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶ هشدار می‌دهد، به خصوص آنها که در رابطه با تماماً انسان بودن عیسی هستند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۴، اول تیموتائوس ۳: ۱۶). عرفان دوالیسم میان روم (خدا) و جسم (گوشت) تصریح می‌کند. از دید آنها عیسی نمی‌تواند تماماً انسان و تماماً الهی باشد. به نظر می‌رسد دو جریان خداشناسی در تفکر عرفان اولیه وجود داشته است

۱. انکار انسان بودن عیسی (Docetic)؛ او به شکل انسان ظاهر شد ولی روح بود
۲. انکار مردن مسیح بر بالای صلیب؛ این گروه (Cerinthian) تصریح می‌کردند که روح مسیح بر جسم عیسی در زمان تعمید حلول کرد و قبل از مرگ در بالای صلیب او را ترک گفت.

این احتمال هست که زمان حال "در جسم آمدن" شیوه نگارشی یوحنا برای رد کردن عرفان سرینتیان باشد و اول یوحنا ۴: ۱ الی ۶ شیوه او برای رد کردن عرفان سرینتیان باشد.

■ "چنین کسان، همان فریبکار و ضد مسیح‌اند" در اول یوحنا ۲: ۱۸ تمایزی میان حالت جمع ضد مسیحیان و مفرد ضد مسیح وجود دارد. حالت جمع برای روزگای یوحنا آمده و آنها کلیساها را ترک کردند (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۹)، ولی در حالت مفرد اشاره به آینده دارد ("بازگشت مسیح" در دوم تسالونیکیان را مطالعه کنید. با این وجود، در این آیه، مفرد استفاده شده است، همانند جمع در اول یوحنا ۲: ۱۸ الی ۲۵).

■ "بهوش باشید" این زمان حال فعال امری است. فعل اصلی استفاده شده "دیدن" (*blepō*) است، که به صورت استعاره برای هشدار علیه شیطان استفاده شده است (مراجعه شود به انجیل متی ۲۴: ۴، انجیل مرقس ۱۳: ۵، انجیل لوقا ۲۱: ۸، اعمال رسولان ۱۳: ۴۰، اول قرنتیان ۸: ۹، ۱۰: ۱۲، غلاطیان ۵: ۱۲، عبرانیان ۱۲: ۲۵). مومنین مسئول تشخیص خطا و دروغ هستند زیرا:

۱. آنان انجیل را می‌دانند
۲. آنها روح القدس را دارند
۳. آنها دوستی مستمر با مسیح دارند

NASB "که آنچه را بدست آورده ایم، از دست ندهید"

NKJV "که آنچه را برایش کار کردیم از دست ندهیم"

NRSV "باشد آنچه را برایش کار کردیم از دست ندهیم"

TEV "برای این که آنچه را برایش کار کردیم از دست ندهیم"

NJB "یا تمامی کارهایمان از دست خواهد رفت"

نخست، به کاربرد منفی *pas* توجه کنید. دعوت انجیل برای "همه" است، ولی متاسفانه پتانسیل برای ارتداد هم دارد. پتانسیل ارتداد با دو وجه وصفی حال فعال مشخص می‌شود: "فراتر می‌رود" و "نمی‌ماند". اول، "فراتر می‌رود" می‌تواند کلمه راهنما برای معلمین دروغین باشد و دلالت بر این داشته باشد که آنها حقیقت پیشرفته‌ای فراتر از شهادت عینی شاگردان دارند. مومنین با کلام حقیقت که در آنها می‌ماند مشخص می‌شوند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۱، ۷: ۱۵، اول یوحنا ۲: ۱۴، منفی در انجیل یوحنا ۵: ۳۸، اول یوحنا ۱: ۱۰). موضوع خاص در مورد استقامت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۸: ۳۱ و شاگردان در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۶۴ را مطالعه کنید.

عبارت مضافه الیه "مسیح" می‌تواند اشاره به یکی از اینها داشته باشد

۱. تعلیم مسیح
۲. تعلیم در مورد مسیح
۳. عبارات دو مفهومی متداول یوحنا

عبارات مضاف الیه زیاد و مبهم هستند. فقط متن متواند معنی واقعی را تعیین کند ولی اغلب همانند اینجا همپوشانی دارند.

■ **"خدا را ندارد"** اصطلاحات "تعلیم عیسی" و "حقیقت" در آیه ۲ همسو هستند. معلمین دروغین و پیروان آنان هیچ حرفی ندارند (مراجعه شود به آیه ۸). آنان از نظر معنوی گمراه هستند و با خدا نیستند زیرا برای با پدر بودن باید با پسر باشند (مراجعه شود به اول یوحنا ۵: ۱۰ الی ۱۲). استفاده فعل "داشتن" (دو مرتبه، زمان حال فعال اخباری) با خدا فقط در اینجا و اول یوحنا ۲: ۲۳ دیده می‌شود.

۱۰ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه نویسنده یا بر اساس محتوای متن شرط باید درست باشد. معلمین دروغین می‌آیند.

■ **"اورا به خانه خود می‌پذیرید"** این زمان حال فعال امری است با حرف اضافه نفی که اغلب دلالت بر متوقف ساختن یک عمل در حال انجام دارد (متن باید تعیین کند).

"خانه" می‌تواند اشاره به مهمان نوازی مسیحیان داشته باشد (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۵، رومیان ۱۲: ۱۳، اول تیموتائوس ۳: ۲، تیتوس ۱: ۸، عبرانیان ۱۳: ۲، اول پطرس ۴: ۹ یا سوم یوحنا ۵ الی ۶)، ولی در متن احتمالاً اشاره به دعوت مبشر مسافر برای سخنرانی در خانه کلیسا دارد (مراجعه شود به رومیان ۱۶: ۵، اول قرنتیان ۱۶: ۹، کولسیان ۴: ۱۵، فیلیمون ۲).

■ **"و خوشامدش مگویید"** این یک زمان حال فعال امری دیگر است با حرف اضافه نفی. با این به "اصطلاح مسیحیان" همدم نشوید. هر گونه تلاش برای دوستی ممکن است درست درک نشده و موافقت تلقی شود (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱: ۱۱). خیلی سخت می‌توان این عبارت را در جامعه امروز اجرا کرد. بسیاری ادعای مسیحی بودن دارند. با این حال، برای تلاش بر اینکه با آنان سهیم باشیم باید صمیمی بود و در بحث‌ها وارد شد. هنوز، رهبران مسیحی باید هشیار باشند به عنوان مرتد شناخته نشوند. البته، این در مورد مذاهب مسیحی صادق نیست.

#### NASB: آیات ۱۲ الی ۱۳

۱۲ بسیار چیزها دارم که به شما بنویسم، لیکن نمی‌خواهم با قلم و کاغذ باشد. اما امیدوارم نزدتان بیایم و رویاروی گفتگو کنیم تا شادی‌مان کامل شود. ۱۳ فرزندانِ خواهرِ برگزیده‌ات، برای تو سلام می‌فرستند. [آمین!]

۱۲ "بسیار چیزها دارم که به شما بنویسم" این مشابه عبارت پایانی سوم یوحنا ۱: ۱۳ الی ۱۴ است.

■ **"شادی‌مان کامل شود"** این وجه شرطی مجهول کامل است. این یک موضوع متداول در نوشته‌های یوحنا است (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۳: ۲۹، ۱۵: ۱۱، ۱۶: ۲۴، ۱۷: ۱۳، اول یوحنا ۱: ۴). این شادی بر اساس موارد زیر است

۱. حضور معلم
۲. دانش حقیقت که آورده می‌شود

یوحنا در دوم یوحنا ۱: ۴ در تداوم گام برداشتن در مسیر محبت و اطاعت، شادی خود را بیان می‌دارد.

۱۳ این آیه همانند دوم یوحنا ۱: ۱ از زبان استعاره برای سخن گفتن با کلیسای خواهر و اعضایش استفاده می‌کند.

#### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید. این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. سه آزمونی که در اول یوحنا ذکر شده و در دوم یوحنا تکرار شده‌اند را فهرست کنید.
  - a.
  - b.
  - c.

۲. این نامه برای یک خانم نوشته شده یا برای یک کلیسا؟

۳. از این نامه کوتاه چگونه می‌فهمید که مردها در میان جماعت کلیسا حضور داشتند؟

۴. چه کسی یا چه چیزی در دوم یوحنا ۱: ۷ فریبکار و ضد مسیحی است؟
۵. آیا دوم یوحنا ۱: ۱۰ و ۱۱ در تضاد با حکم عهد جدید برای نشان دادن مهمان نوازی و محبت کردن با دشمنان ما است؟



## سوم یوحنا

### تقسیم‌بندی پاراگراف‌های ترجمه‌های مدرن\*

UBS <sup>4</sup>	NKJV	NRSV	TEV	NJB
تهنیت ۱	درود بر گایوس ۴-۱	۱	معرفی الف ب ۴-۲	خطاب و درود ۴-۱
۴-۲		۴-۲		

\* تقسیم‌بندی پاراگرافها، تحت تاثیر الهام صورت نگرفته، بلکه کلید درک مطلب و دنبال کردن عزم اولیه نویسنده می‌باشند. هر یک از ترجمه‌های مدرن پاراگرافها را تقسیم‌بندی و خلاصه کرده‌اند. هر پاراگراف یک موضوع، حقیقت و یا تفکر اصلی دارد.

هر نسخه آن موضوع را به شیوه خاص و متمایز خود تحت پوشش قرار می‌دهد. در حین اینکه متن را مطالعه می‌کند، از خود سوال کنید کدامیک از ترجمه‌ها با آنچه شما خودتان از موضوع و تقسیم‌بندی آیه درک کردید بیشتر مطابقت دارد.

در هر فصل، ما باید اول انجیل را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات (پاراگرافهای) آن را شناسایی کنیم، سپس درک خود را با نسخه مدرن مقایسه کنیم. فقط زمانی که ما نیت نویسنده اصلی را، با دنبال کردن منطق خودش و آنچه که ارائه داده درک کردیم، می‌توانیم انجیل را واقعا درک کنیم. فقط نویسنده اصلی تحت الهام و وحی بوده است - خوانندگان حق ندارند که پیام را عوض کرده و یا تغییر دهند. خوانندگان انجیل مسئولیت دارند تا حقیقت تحت الهام را با روزگار خود و زندگی خود مطابقت دهند.

توجه کنید که تمامی اصطلاحات فنی و اختصارات به صورت کامل در اسناد زیر توضیح داده شده‌اند: اصطلاحات دستور زبان یونانی، موضوع خاص: انتقاد متنی.

#### معرفی کوتاه

بدیهی است دوم یوحنا در رابطه با پیام و شیوه مفهومی اول یوحنا است. احتمالاً توسط یک نویسنده، و در همان زمان نوشته شده‌اند. شیوه نگارش آن شیوه مرسوم نگارشی نامه‌های شخصی قرن نخست است که در حالتی نوشته شده که بر روی یک پاپيروس جا شود.

همانطور که اول یوحنا برای چندین کلیسا نوشته شده (و در مفهومی برای همه کلیساها)، دوم یوحنا خطاب به یک کلیسای محلی و رهبرش نوشته شده (هر چند، همانند بیشتر نامه‌های شخصی عهد جدید آن را می‌توان خطاب به همه کلیساها خواند). پنجره حیرت‌انگیز کوچکی در زندگی کلیسای اولیه در آسیای صغیر است (ترکیه).

#### چرخه اول مطالعه

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید.

کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. مرکزیت موضوع کل کتاب را در قالب کلمات خود بیان کنید.

۱. موضوع کل کتاب.

۲. نوع ادبیات

#### چرخه دوم مطالعه

این مجموعه راهنمای مطالعه تفسیری می‌باشد، یعنی شما مسئول تفسیر خود از کتاب مقدس هستید. هر کدام از ما باید در نور راه برویم. شما، کتاب مقدس و روح القدس اولویت تفسیر هستید. تفسیر را نباید به هر مفسری واگذار کنید. کل کتاب مقدس را در یک نشست بخوانید. موضوعات اصلی را مشخص کرده و سپس در یک جملع مبحث را بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و غیره

## دنبال کردن عزم نویسنده در پاراگرافها

این یک راهنمای مطالعات تفسیری است، که به معنای آن است که شما مسئول تفسیر خودتان از انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر نوری که داریم حرکت کنیم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. البته نباید مفسر را نادیده بگیرید.

فصل را به صورت یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید (چرخه مطالعاتی شماره ۳). تقسیم بندیهای خود را با ۵ ترجمه فوق مقایسه کنید. پاراگرافها الهام دهنده نیستند ولی کلید منظور اصلی نویسنده می باشند، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف فقط و فقط یک موضوع دارد.

۱. اولین پاراگراف
۲. دومین پاراگراف
۳. سومین پاراگراف
۴. و غیره

## بینش مفهومی بر سوم یوحنا

## معرفی

A. این نامه کوچک سوم یوحنا نامیده می شود زیرا از دوم یوحنا اندکی کوچکتر است. من واقعا تصور می کنم که دوم یوحنا و سوم یوحنا پیام متعادلی را برای کلیسای محلی در اواخر قرن نخست شکل می دهند، احتمالا جایی در قلمرو روم در آسیای میانه.

B. دوم یوحنا در ارتباط با مسئله واعظان دوره گرد مرتد است در حالی که یوحنا ۳ در رابطه با احتیاط در کمک به واعظان دوره گرد مسیحی است.

C. از سه فرد خاص در سوم یوحنا نام برده شده است

۱. گایوس (یک مرد خدا در کلیسای پذیرنده)

a. در سایر بخشهای انجیل از سه گایوس نام برده شده است: گایوس از مقدونیه، اعمال رسولان ۱۹: ۲۹، گایوس از دربه، اعمال رسولان ۲۰: ۴، و گایوس از قرنتس، رومیان ۱۶: ۲۳، اول قرنتیان ۱: ۱۴)

b. نوشته هایی که بنام اساسنامه شاگردان شناخته می شود گایوس سوم یوحنا را به عنوان اسقف پرگاموم که توسط یوحنا منصوب شده معرفی می کند.

۲. دیوتفرس (یک مرد بی خدای در دسر ساز در کلیسای پذیرنده)

a. این تنها جایی است که در عهد جدید از این فرد نام برده می شود. این یک اسم بسیار نادر است و به معنی "پرستار زئوس" است. چقدر دوگانه است که این مرد که نام زئوس بر او گذاشته شده که به معنی "محافظ مسافران" است، خود بر ضد مسافران باشد.

b. گرایش او در سوم یوحنا ۱: ۹ الی ۱۰ آشکار شده است.

۳. دمیتربوس (حامل نامه یوحنا به این کلیسای محلی)

a. ظاهرا او یکی از مبشرین دوره گرد و حامل نامه یوحنا شاگرد در افسس است

b. سنتی که به آن اساسنامه شاگردان گفته می شود دمیتربوس را به عنوان اسقف فیلادلفیا که توسط یوحنا شاگرد منصوب شده فهرست می کند.

D. کلیسای اولیه درگیر این بود که چگونه واعظان/معلمین/مبشرین مسافر را ارزیابی و حمایت کند. یکی از نوشته های متعارف مسیحی از اوایل قرن دوم بنام *The Diache* یا *The Teaching of the Twelve Apostles* این خط مشی ها را ارائه می کند:

فصل ۱۱- در ارتباط به معلمین، شاگردان و پیامبران

"هر کس که آمد و همه اینها را به شما تعلیم داد که پیشتر من به شما گفته بودم، او را بپذیرید. ولی اگر معلم خودش برگردد و دکترین دیگری را تعلیم دهد تا این را خراب کند، حرف او را نشنوید، ولی اگر او تعلیم داد تا راستی و آگاهی نسبت به خدا بیشتر گردد، او را به عنوان سرور بپذیرید. ولی در رابطه با شاگردان و پیامبران، بر اساس حکم انجیل، عمل کنید؛ بگذارید هر شاگردی که نزد شما آید به عنوان سرور پذیرفته شود. ولی او نباید بیش از یک روز بماند؛ ولی اگر نیاز بود تا روز بعد، ولی اگر سه روز ماند، او پیامبر دروغین است. و وقتی که شاگرد رفت، نگذارید چیزی بردارد به غیر از نان، ولی اگر درخواست پول کرد، او پیامبر دروغین است" (صفحه ۳۸۰).

فصل ۱۲- پذیرفتن مسیحیان

"اما اگر هرکس به نام روح گفت، به من پول دهید، یا چیزی دیگر، نباید به او گوش دهید، ولی اگر به شما گفت به خاطر دیگران که نیازمند هستند بدهید، نباید بر او داوری کنید.

ولی بگذارید هر کس به نام خدا آمد پذیرفته شود، و پس از آن شما باید او را اثبات کنید و بشناسید، زیرا شما درک راست و چپ را دارید. اگر او که آمد یک سالک است، تا آنجا که می‌توانید به او یاری رسانید، ولی او نباید نزد شما بماند مگر برای دو یا سه روز، اگر نیاز بود. ولی اگر بخواهد با شما بماند، هنرمند بود، بگذارید کار کند و بخورد، ولی اگر هیچ معامله‌ای نداشت، بر اساس درک خود به آن به عنوان مسیحی نگاه کنید، او نباید نزد شما بیکار زندگی کند. ولی اگر این کار را نکنند، او دلال مسیح است. مراقب باشید و از اینان دوری کنید" (صفحه ۳۸۱).

## مطالعه کلمه و عبارات

NASB: آیه ۱

۱ از شیخ کلیسا، به گایوس عزیز که او را در 'حقیقت' دوست می‌دارم.

۱ "شیخ کلیسا (The elder)" این اصطلاح مترادف با اصطلاح "شبان" و "اسقف" است (مراجعه شود به تیتوس ۱: ۵ و ۷، اعمال رسولان ۲۰: ۱۷ و ۲۸). یادداشت کامل در بخش مربوط به دوم یوحنا ۱: ۱ را مطالعه کنید.

■ "عزیز" این مشخصه نامه‌های یوحنا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۷، ۳: ۲ و ۲۱: ۴، ۱ و ۷ و ۱۱، سوم یوحنا ۱: ۲ و ۵ و ۱۱)، ولی به عنوان لقب برای مومنین در اناجیل یا مکاشفه یافت نشد.

■ "گایوس" بحث‌های زیادی هستند که گایوس یا دیوترفس شبان این کلیسای محلی است یا نه. با توجه به حجم اندک اطلاعات در این مورد، بسختی می‌توان از روی تعصب اظهار نظر کرد. به خاطر سوم یوحنا ۱: ۹ که "کلیسا" و "به آنها" ذکر شده است، ممکن است که دیوترفس رهبر یک کلیسای خانگی باشد و گایوس رهبر یک کلیسای خانگی دیگر که نزدیک به هم بودند، ولی این فقط یک حدس است.

■ "که او را در حقیقت دوست می‌دارم" محبت و حقیقت در اغلب نامه‌های یوحنا با یکدیگر هستند (مراجعه شود به دوم یوحنا ۱ و ۲ و ۳ و ۴، سوم یوحنا ۱ و ۳ و ۴ و ۸ و ۱۲). حقیقت می‌تواند به یکی از اینها اشاره داشته باشد

۱. روح القدس (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷)

۲. عیسی پسر (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۸: ۳۲، ۱۴: ۶)

۳. محتوای انجیل (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲: ۲، ۳: ۲۳)

NASB: آیات ۲ الی ۴

۲ ای عزیز، دعایم این است که از هر جهت کامیاب باشی و در تندرستی به سربری، همچنان که جانت نیز کامیاب است. ۳ بسی شادمان شدم که برادران آمده، بر وفاداری‌ات به حقیقت و شیوه سلوکت در آن شهادت دادند. ۴ هیچ چیز مرا بیش از این شاد نمی‌کند که بشنوم فرزندانم در 'حقیقت' سلوک می‌کنند.

۲ "دعایم" این شیوه نگارشی آغاز نامه در زبان یونانی است. این یک دعا/آرزو برای رونق و سلامتی گیرنده است. راهی است برای تهنیت گفتن به کسی که دوست می‌داریم. نمی‌توان آن را به عنوان اثباتی برای "سلامتی، ثروت، انجیل" برای جامعه مدرن امروز امریکا تلقی کرد. به *The Disease of the Health* Wealth Gospel اثر گوردون فی مراجعه کنید. در رابطه با دیدگاه من در خصوص شفا، لطفاً به یادداشت مربوط به یعقوب ۵ در سایت مراجعه کنید. [www.freebiblecommentary.org](http://www.freebiblecommentary.org)

■ "که از هر جهت کامیاب باشی و در تندرستی به سربری" این یک دعای آغازین در دوران یونان-روم قرن اول است. هرگز به عنوان سند "سلامتی، رونق و ثروت" نیست. متون انجیلی که محتوا برداشته می‌شوند را می‌توان برای تصریح هر چیزی استفاده کرد. متن نمی‌تواند امروز معنایی داشته باشد که در دوران خودش نداشته است. تنها فرد تحت الهام و وحی، نویسنده اصلی است. ما باید تفکر او را دنبال کنیم، نه اینکه مال خود را القا کنیم.

■ "جان" این اصطلاح "psuche" (soul) تقریباً مترادف با "pneuma" است. هر دوی آنها برای اشاره به خمیرمایه فرد یا خود است (مراجعه شود به پیدایش ۲: ۷). ما یک جان هستیم، جانی نداریم.

۳ "بسی شادمان شدم" (مراجعه شود به دوم یوحنا ۴، فیلیپیان ۴: ۱۰)

■ "آمده و شهادت دادند" هر دوی اینها وجه وصفی حال هستند که بر یکی از اینها دلالت دارند

۱. اعضا این کلیسا به صورت منظم به افسس سفر می‌کردند و به یوحنا گزارش می‌دادند

۲. که مبشرینی که باز می‌گشتند در مورد سخاوت گایوس گزارش می‌دادند

احتمالاً یوحنا، مرد سالخورده، نمی‌توانست به راحتی سفر کند، ولی دوست داشت در مورد شرایط و رشد کلیساها بشنود.

■ "در 'حقیقت' سلوک می‌کنند" این عبارت از دیدگاه خدانشناسی همسو با "در نور قدم زدن" است (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۷). مسیحیت اساساً یک دین، فرقه یا موسسه نیست که به آن ملحق شد، بلکه شیوه زندگی و رابطه با عیسی مسیح است. به کلیساهای اولیه "راه" گفته می‌شد (مراجعه شود به اعمال رسولان ۹: ۲، ۱۹: ۹ و ۲۳، ۲۴: ۲۲). حقیقت فقط روشنفکری نیست (متن)، بلکه یک رابطه است (نخست با خدا از طریق مسیح که منجر به محبت به یکدیگر می‌شود). موضوع خاص در مورد حقیقت در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید.

۴ "فرزندانم" این خطاب معمول در نامه یوحنا است (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۱۲ و ۱۳ و ۱۸ و ۲۸، ۳: ۷ و ۱۸، ۴: ۴، ۵: ۲۱). در اینجا تاکید بر (۱) اقتدار شاگردی یوحنا یا (۲) اصطلاح ابراز محبت یوحنا نسبت به کلیساهای و مسیحیان قلمرو رومیان آسیای صغیر است (ترکیه غربی)، که آخرین روزهای بشارتش را در آنجا سپری کرد.

#### NASB: آیات ۵ الی ۸

ای عزیز، تو در همه کارهایت برای برادران، امانت خود را نشان می‌دهی، بخصوص اینکه نزد تو بیگانه‌اند. <sup>۱</sup>ایشان نیز در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت داده‌اند؛ پس کاری نیکو می‌کنی اگر ایشان را آن گونه که سزاوار خداست، روانه سفر کنی. <sup>۷</sup>زیرا که ایشان به خاطر آن نام عزیمت کرده‌اند و از غیر یهودیان کمکی دریافت نداشته‌اند. <sup>۸</sup>پس باید که ما چنین کسان را حمایت کنیم تا با ایشان در پیشبرد حقیقت همکاری کرده باشیم.

۵ "امانت خود را نشان می‌دهی" این اعمال گایوس دقیقاً برخلاف اعمال دیوترفس در آیات ۹ الی ۱۰ است. موضوع خاص: باور، اعتقاد، ایمان و وفاداری در عهد عتیق در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۱: ۷ و انجیل یوحنا ۱: ۱۴ را مطالعه کنید.

■ "در همه کارهایت" این ضمیر نسبی با *ean* و وجه شرطی آنوریست میانی است که شرایطی را با چشم‌انداز تحقق یافتن آن بیان می‌کند. گایوس به مبشرین دورگرد در هر زمانی و به هر شیوه‌ای کمک می‌کرد.

■ "بخصوص اینکه نزد تو بیگانه‌اند" کلیسا باید این مبشرین دوره‌گرد را می‌پذیرفت و از آنها حمایت می‌کرد، ولی به واسطه شرایط محلی، گایوس به تنهایی به این برادران که هیچ از آنها نمی‌دانست به غیر از اینکه آنها عیسی مسیح را می‌شناسند، به او خدمت می‌کنند و او را دوست دارند، کمک می‌کرد.

۶ "ایشان نیز در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت داده‌اند" مشخص است که کلیسای اولیه در افسس زمانی را برای ارائه گزارش فعالیتها داشت.

#### موضوع خاص: کلیسا (ekklesia)

#### SPECIAL TOPIC: CHURCH (EKKLESIA)

کلمه یونانی *ekklesia* از دو کلمه می‌آید "خارج از" و "فرا خواند". این کلمه کاربرد دنیوی دارد (یعنی اتباع را به گردهمایی فرا خواندن، رجوع شود به اعمال ۱۹: ۳۲ و ۳۹ و ۴۱) و به واسطه استفاده Septuagint این کلمه برای "حضر در کلیسای" اسرائیل (*Qahal*, BDB 874, KB 1078, رجوع شود به اعداد ۱۶: ۳، ۲۰: ۴، تثنیه ۳۰: ۳۱)، به عنوان یک کاربرد دینی تلقی می‌گردد. کلیسای اولیه خود را به عنوان ادامه مردم خدا در عهد عتیق می‌دانستند. آنها اسرائیل جدید بودند (رجوع شود به رومیان ۲: ۲۸ و ۲۹، غلاطیان ۳: ۲۹، ۶: ۱۶، اول پطرس ۵: ۲ و ۹، مکاشفه ۶: ۱)، تحقق ماموریت جهانی خدا (رجوع شود به پیدایش ۳: ۱۵، ۱۲: ۳، خروج ۵: ۱۹ و ۶، متی ۲۸: ۱۸ الی ۲۰، لوقا ۴۷: ۲۴، اعمال ۸: ۱، موضوع خاص: برنامه رستگاری ابدی یهوه را مطالعه کنید).

این کلمه با چندین مفهوم در اناجیل و اعمال به کار برده شده است.

۱. دیدارهای سکولار شهری، اعمال ۱۹: ۳۲ و ۳۹ و ۴۱
۲. مردم خدا در عیسی، متی ۱۶: ۱۸ و افسسیان
۳. گردهمایی محلی مومنین در عیسی، انجیل متی ۱۷: ۱۸، اعمال رسولان ۵: ۱۱ (در این آیات، کلیسا در اورشلیم)، اعمال رسولان ۱۱: ۱۳، رومیان ۵: ۱۶، اول قرنتیان ۱۶: ۱۹، کولسیان ۴: ۱۵، فیلمون آیه ۲
۴. کل مردم اسرائیل، اعمال ۷: ۳۸ در مراسم استفان
۵. مردم خدا در منطقه، اعمال رسولان ۸: ۳، غلاطیان ۱: ۲ (یهودا یا فلسطین)

کلیسا، یعنی مردمی که گرد هم آمده‌اند، نه یک ساختمان. برای صدها سال هیچ ساختمانی برای کلیسا وجود نداشت. در یعقوب (یکی از نخستین کتب مسیحی) کلیسا به کلمه *synagōgē* (انجمن) اطلاق می‌شد. این اصطلاح برای کلیسا فقط در یعقوب دیده می‌شود (رجوع شود به یعقوب ۲: ۲ و ۵: ۱۴).

- "کاری نیکو می‌کنی" این یک اصطلاح یونانی است که در پاپیروس‌های مصری (Moulton and Milligan, *The Vocabulary of the Greek Testament*) برای "لطفاً" یافت می‌شود (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۰: ۳۳).
- "ایشان را... روانه سفر کنی" این یک اصطلاح فنی برای تجهیز کردن، برایشان دعا کردن، و تامین نیازهای سفر بشارتی است (مراجعه شود به اعمال رسولان ۱۵: ۳، رومیان ۱۵: ۲۴، اول قرنتیان ۱۶: ۶، دوم قرنتیان ۱: ۱۶، تیتوس ۳: ۱۳).
- "آن گونه که سزاوار خداست" این یعنی به شیوه‌ای بسیار ارزشمند، دوست داشتنی (مراجعه شود به کولسیان ۱: ۱۰، اول تسالونیکیان ۲: ۱۲). با مومنین باید به شیوه‌ای رفتار شود که در خور کسی که به او خدمت می‌کنند، باشد (مراجعه شود به افسسیان ۴: ۱).

۷

NASB, REB	"آنها بیرون رفتند"
NKJV	"آنها به پیش رفتند"
NRSV	"آنها سفرشان را آغاز کردند"
TEV, NJB	"آنها رفتند"

این فعل متداول در موارد زیر استفاده شده است

۱. معلمین دروغین که کلیسا را ترک کردند در اول یوحنا ۲: ۱۹
۲. پیامبران دروغین که بیرون رفتند در اول یوحنا ۴: ۱
۳. فریبکاران بسیاری که به نقاط مختلف جهان رفتند در دوم یوحنا ۱: ۷
۴. شهادتهای حقیقی شاگردان که به جهان منتشر شد در سوم یوحنا ۱: ۷

NASB	"به خاطر نام"
NKJV	"به خاطر نامش"
NRSV	"به خاطر مسیح"
TEV	"در خدمت مسیح"
NJB	"تماما به خاطر نام"

این مثالی است از "نام" که برای شخص عیسی مسیح و کارهایش استفاده می‌شود. از آنجا که مومنین به نام او ایمان دارند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱: ۱۲، ۳: ۱۸، رومیان ۱۰: ۹، اول قرنتیان ۱۲: ۳، فیلیپیان ۲: ۹ الی ۱۱)، آنها به نام او نیز بخشیده می‌شوند (اول یوحنا ۲: ۱۳)، آنها همچنین به نام او نیز عمل می‌کنند (مراجعه شود به انجیل متی ۱۰: ۲۲، ۲۴: ۹، انجیل مرقس ۱۳: ۱۳، انجیل لوقا ۲۱: ۱۲ و ۱۷، انجیل یوحنا ۱۵: ۲۱، ۲۰: ۳۱، اعمال رسولان ۴: ۱۷، ۵: ۴۱، ۹: ۱۴، رومیان ۱: ۵، اول پطرس ۴: ۱۴ و ۱۶، مکاشفه ۲: ۳).

NASB	"هیچ چیزی از کافران نپذیرفتن"
NKJV	"چیزی از کافران نگرفتن"
NRSV	"حمایتی از غیر مومنین قبول نکردن"
TEV	"بدون پذیرفتن کمک از بی ایمانان"
NJB	"بدون اتکا بر بی ایمانان برای هر چیزی"

این عبارت اشاره به شهادتهایی دارد که به خدا برای کارهایش باید اعتماد کرد، شبیه گفته‌های عیسی به آن دوازده نفر در انجیل متی ۱۰: ۵ الی ۱۵ و آن هفتاد تن در انجیل لوقا ۱۰: ۴ الی ۷.

در اواخر قرن نخست از اصطلاح "کافران" برای بی ایمانان و پیروان سایر ادیان استفاده می‌شد (مراجعه شود به انجیل متی ۵: ۴۷، اول پطرس ۲: ۱۲، ۴: ۳). مومنین باید از انجیل که دل آنها را آشکار می‌سازد، پشتیبانی کنند.

در روزگار یوحنا بسیاری معلمین دوره گرد برای پول و شهرت تعلیم می‌دادند. به واعظان / معلمین / بشارت دهندگان خدا نه به خاطر کلامشان، بلکه به خاطر خدایشان که به آنان ماموریت داده بود، باید کمک می‌شد.

۸ "باید" این هشدار اخلاقی اغلب تکرار می‌شود (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۳: ۱۴، ۱۹: ۷، اول یوحنا ۲: ۶، ۳: ۱۶، ۴: ۱۱). اصطلاح *opheilō* یعنی در بدهی مالی بودن، ولی به صورت نمادین به مفهوم الزام در مدیون بودن به کسی استفاده شده است.

- "چنین کسان را حمایت کنیم" به دلیل شرایط اسفبار اخلاقی بیشتر مهمخانه‌های محلی، مهمان‌نوازی یک وظیفه مهم در کلیسای اولیه بود (مراجعه شود به انجیل متی ۲۵: ۳۵، رومیان ۱۲: ۱۳، اول تیموتائوس ۳: ۲، ۵: ۱۰، تیتوس ۱: ۸، عبرانیان ۱۳: ۲، اول پطرس ۴: ۹).
- "تا با ایشان در پیشبرد حقیقت همکاری کرده باشیم" همانطور که مومنین به مبشرین کمک می‌کنند، آنها به بشارت ایمان و حقیقت کمک می‌کنند. این یک اصل انجیلی است. خط مشی‌های عهد جدید برای مسیحیانی که کمک می‌کنند در دوم قرن‌تیمیان ۸ الی ۹ یافت می‌شوند.

#### NASB: آیات ۹ الی ۱۰

۹<sup>ا</sup> مطلبی به کلیسا نوشتیم، اما دیوترفیس که جایگاه نخست را دوست می‌دارد، اقتدار ما را گردن نمی‌نهد. 'اپس چون بیایم، به آنچه می‌کند رسیدگی خواهیم کرد، چرا که مغرضانه درباره ما بد می‌گوید، و به این هم بسنده نکرده، از پذیرش برادران سر باز می‌زند؛ و کسانی را نیز که می‌خواهند ایشان را بپذیرند، بازداشته، از کلیسا بیرون می‌رانند.

۹ "مطلبی به کلیسا نوشتیم" این می‌تواند اشاره به اول یا دوم یوحنا یا یک نامه گم شده باشد، در تمامی احتمالات، اشاره به دوم یوحنا دارد. موضوع خاص: کلیسا (ekklesia) در بخش مربوط به سوم یوحنا ۱: ۶ را مطالعه کنید.

■ "اما دیوترفیس که جایگاه نخست را دوست می‌دارد" این وجه وصفی حال فعال است. ترکیبی از اصطلاح "دوست داشتن" (*phileō*) و "جایگاه نخست را حفظ کردن" (*prōteuō*) است. در عهد جدید فقط در اینجا استفاده شده است ولی اصطلاح دوم در کولسیان ۱: ۸ در مورد جایگاه ارشد عیسی هم استفاده شده است. از این مرد به عنوان دلال قدرت یا رئیس کلیسا نام برده شده. نمی‌دانیم که او یک شبان ساده و یا یک غیر روحانی مهم بود. با این وجود، این انگیزه او را نشان می‌دهد. چنین افراد خودپسندی همیشه و در همه دورانها در کلیسا وجود داشته‌اند. این که کافر هم بوده مشخص نیست و حرفی زده نشده، ولی احتمالش هست.

James Dunn در کتاب *Unity and Diversity in the New Testament* صفحه ۳۹۲ دیوترفیس را مثالی از "کاتولیک اولیه" می‌بیند

"به خصوص، فرد گرایی یوحنا بسیار قابل اعتماد باید درک شود به صراحت به عنوان مخالفت علیه نوعی نهادینه کردن گرایشات بسیار مشهود شبانان (به صفحه ۱۲۹ مراجعه شود، مجدداً به عبرانیان و مکاشفه ۳۱: ۲ و ۳ مراجعه شود). همینطور هم نوشته‌های یوحنایی به نظر می‌رسند به نوعی بر ضد تقدس گرایی هستند که اخیراً در کاتولیک ایگناتیوس برپا شده است (داروی حیات جاویدان، افسسیان ۲۰: ۲) (به صفحه ۴۱ مراجعه شود). از همه جذابتر حمله شیخ کلیسا به دیوترفیس در سوم یوحنا ۹ است. دیوترفیس به وضوح، حد اقل، تحت کنترل این کلیسا بود: نه تنها می‌توانست از پذیرش مسیحیان مسافر سر باز زند، بلکه حتی می‌تواند کسانی او را دور می‌زدند را از کلیسا اخراج کند. به بیان دیگر، دیوترفیس همانند یک اسقف خودکامه عمل می‌کرد (مراجعه شود به ایگناتیوس، افسسیان ۶: ۱، ۷: ۲، سمیم ۸: ۱)، و این برخلاف خواست تفوق کلیسا و قدرت بود (*philoprōteuōn*)" که شیخ کلیسا نوشته بود. به بیان دیگر، با تصور اینکه سوم یوحنا از همان دایره اول و دوم یوحنا می‌آید، بهترین حالت به عنوان پاسخ به نوعی پیمان مسیحیت، یک جبرگرایی ضد نهادینه‌سازی و فردگرایی، مخالفت در برابر نفوذ در حال افزایش کاتولیک اولیه است."

■ "اقتدار ما را گردن نمی‌نهد" نه تنها دیوترفیس اقتدار یوحنای شاگرد را رد می‌کند، بلکه شدیداً سیاستهای شاگردان را رد می‌کرد و حتی از کسانی که از آنان پیروی می‌کردند، انتقام می‌گرفت.

۱۰ "اگر" این عبارت جمله شرطی نوع سوم است که از احتمال وقوع رخداد خبر می‌دهد.

■ "به آنچه می‌کند رسیدگی خواهیم کرد" به وضوح یوحنا می‌خواهد انگیزه‌ها (مراجعه شود به سوم یوحنا ۱: ۹) و اعمال (مراجعه شود به سوم یوحنا ۱: ۱۰) این مرد را مورد رسیدگی قرار دهد.

۱. NASB - "ناعادلانه ما را با کلمات زشت متهم کرد"
- NKJV - "کلمات زشت بر علیه ما گفت"
- NRSV - "اتهامات دروغین بر علیه ما منتشر کرد"
- TEV - "حرفهای وحشتناکی درباره ما زد و دروغهایی گفت"
- NJB - "اتهامات ناروایی علیه ما بیان کرد"
۲. "او خودش برادران را نپذیرفت"
۳. "آنان که می‌خواستند چنین کنند را منع کرد"
۴. "آو آنان را از کلیسا بیرون انداخت"

این مرد می‌خواست جلب توجه کند و نور را بر هرکسی نیافشاند. او همچنین هر کسی که با او مخالف بود و یا احتمال می‌داد ممکن است با او مخالفت کند از کلیسا بیرون راند.

■ "از کلیسا بیرون می‌راند" همین فعل محکم (*ekballō*) در انجیل یوحنا ۹: ۳۴ و ۳۵ استفاده شده است برای مرد نابینا که عیسی او را شفا داد و از کنیسه اخراج شد.

همچنین در مورد بیرون راندن شیطان در انجیل یوحنا ۱۲: ۳۱ استفاده شده است.

#### NASB: آیات ۱۱ الی ۱۲

۱۱ ای عزیز، بدی را سرمشق خود مساز، بلکه از نیکویی سرمشق گیر؛ زیرا نیکوکردار از خداست، اما بدکردار خدا را ندیده است.<sup>۱۲</sup> همگان دربارهٔ دیمیتریوس نیکو شهادت می‌دهند، حتی خود حق. ما نیز چنین شهادت می‌دهیم و می‌دانی که شهادت ما راست است.

۱۱ "بدی را سرمشق خود مساز" این زمان حال میانی (دپوننت) امری است که اغلب دلالت بر متوقف ساختن عمل در حال انجام می‌نماید. اصطلاح انگلیسی "mimic" (به معنی تقلید کردن) از کلمه یونانی (*mimēomai*) می‌آید. ما باید به دقت الگوهای رفتاری خود را انتخاب کنیم. آنها باید مسیحیان بالغ از نظر معنوی در کلیسا باشند (مراجعه شود به دوم تسالونیکیان ۳: ۷ و ۹، عبرانیان ۶: ۱۲، ۱۳: ۷). دیمیتریوس مثالی از الگوی خوب و دیوترفیس مثال خوبی از فرد بد است.

■ "زیرا نیکوکردار از خداست" نامه‌های یوحنا سه آزمون دارند که توسط آنان فرد می‌تواند دریابد آنان مسیحی هستند یا نه. این اشاره به آزمون اطاعت دارد (مراجعه شود به اول یوحنا ۲: ۳ الی ۶، ۲۸ الی ۲۹، ۳: ۴ الی ۱۰، ۵: ۱۸، دوم یوحنا ۶). همچنین اشاراتی در رابطه با دو آزمون دیگر وجود دارند (۱) دکترین (سوم یوحنا ۳: ۱ الی ۴) و (۲) محبت کردن (سوم یوحنا ۱: ۱ الی ۲ و ۶).

■ "بدکردار خدا را ندیده است" معلمین دروغین ادعا می‌کنند که صمیمانه خدا را می‌شناسند ولی بدون محبت و به دور از خدا زندگی می‌کنند. این منعکس کننده عرفان آزادیخواه و دور از خدا است که باور دارد رستگاری یک حقیقت معنوی است و هیچ ربطه به شیوه زندگی معنوی و رفتاری فرد ندارد.

۱۲ "همگان دربارهٔ دیمیتریوس نیکو شهادت می‌دهند" این زمان کامل مجهول اخباری دلالتی است. واقعا به نظر می‌رسد که این یک توصیه‌نامه از جانب یوحنا به گایوس در باره ماموریت بشارتی دیمیتریوس باشد، که نامه سوم یوحنا را به گایوس تحویل داد. برای سایر توصیه‌نامه‌ها در عهد عتیق به اعمال رسولان ۱۸: ۲۷، رومیان ۱: ۱۶، اول قرنتیان ۱۶: ۳، دوم قرنتیان ۳: ۱، ۸: ۱۶ الی ۲۴، کولسیان ۴: ۱۰ مراجعه کنید.

■ "حتی خود حق" به حقیقت (موضوع خاص در بخش مربوط به انجیل یوحنا ۶: ۵۵ و ۱۷: ۳ را مطالعه کنید) به عنوان شاهد خوب دیگری برای دیمیتریوس فردیت داده شده است

■ "می‌دانی که شهادت ما راست است" یوحنا شهادت ارزشمند خود برای عیسی را تصریح می‌کند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۱۹: ۳۵، ۲۱: ۲۴).

#### NASB: آیات ۱۳ الی ۱۴

۱۳ بسیار چیزها داشتیم به تو بنویسم، لیکن نمی‌خواهم با مرکب و قلم باشد.<sup>۱۴</sup> اما امیدوارم بزودی تو را ببینم و رویاروی گفتگو کنیم.

۱۳ این آیه بسیار شبیه دوم یوحنا ۱۲ است.

#### NASB: بخش دوم آیه ۱۴

۱۵ سلامتی بر تو باد! دوستان برای تو سلام می‌فرستند. دوستان را در آنجا به نام سلام بده.

■ "سلامتی بر تو باد" مشخصا اشاره‌ای است به اصطلاح عبری *shalom* (مراجعه شود به انجیل لوقا ۱۰: ۵). می‌تواند به معنی "سلام" یا "خداحافظ" باشد. این عبارت نه فقط عدم وجود مشکل را بیان می‌دارد، بلکه حضور برکت خدا را نیز بیان می‌دارد. اینان اولین کلمات عیسی به شاگردان در اطلاق طبقه بالا بودند (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۲۰: ۱۹ و ۲۱ و ۲۶). هم پولس (مراجعه شود به افسسیان ۶: ۲۳) و پطرس (مراجعه شود به اول پطرس ۵: ۱۴) از این عبارت برای خاتمه دعای خود برای مردم خدا استفاده کردند.

■ "به نام" این اصطلاحی است برای فرد فرد، شخصا و به گرمی. اغلب در نسخه‌های پایپروس مصری استفاده شده است.

#### سوالاتی برای بحث

این یک راهنمای مطالعاتی است، که بدین معنی است که شما خودتان مسئول تفسیر انجیل هستید. هر یک از ما باید در مسیر خودمان گام برداریم. شما، انجیل و روح القدس در اولویت تفسیر هستید. شما نباید این امر را به یک مفسر واگذار کنید.

این سوالات مباحثاتی به منظور کمک به شما در تفکر نسبت به مسائل اصلی این بخش از کتاب مطرح شده‌اند. آنها صرفاً تفکر برانگیز هستند نه قطعی.

۱. نظریات بسیاری در مورد اینکه چرا گایوس و دیوترفیس با یکدیگر در تضاد بودند؟
۲. چگونه دوم و سوم یوحنا به یکدیگر مرتبط هستند؟
۳. سه آزمونی که برای تضمین مسیحیان در اول یوحنا قید شده‌اند و در دوم و سوم یوحنا تکرار شده‌اند را فهرست کنید.



## اصطلاحات دستور زبان یونانی

یونانی کوبین (*Koine Greek*) که اغلب یونانی هلنی (*Hellenistic Greek*) هم گفته می‌شود، زبان متداول در منطقه مدیترانه بود که از زمان اسکندر کبیر (۳۳۶ تا ۳۲۳ قبل از میلاد) رایج شد و تا هشت صد سال (۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ بعد از میلاد) دوام یافت. این زبان صرفاً یک زبان ساده شده و کلاسیک یونانی نبود، بلکه از جهات مختلف حالت جدیدی از زبان یونانی بود که تبدیل به زبان دوم سرزمینهای باستانی خاور نزدیک و مدیترانه شده بود.

نسخه یونانی عهد جدید از برخی جهات منحصر به فرد است، زیرا نویسندگان آن به استثنای لوقا و نویسنده عبری، زبان اولش احتمالاً آرامی بود. بنابراین نوشته‌های او تحت تاثیر کلمات و چارچوب ساختاری زبان آرامی بود. همچنین آنها Septuagint (ترجمه یونانی عهد عتیق) را می‌خواندند و از آن نقل قول می‌کردند که آن هم به زبان یونانی کوبین نوشته شده بود. ولی Septuagint توسط اساتید یهودی که زبان مادری آنها یونانی نبود، نوشته شده بود.

این امر به ما یادآوری می‌کند که ما نمی‌توانیم عهد جدید را در قالب دستور زبانی درست ببینیم. منحصر به فرد است و وجوه اشتراک زیادی با (۱) Septuagint، (۲) نوشته‌های یهودی مانند نوشته‌های جوزفوس و (۳) پاپیروس‌ی که در مصر یافت شد، دارد. پس چگونه می‌توانیم عهد جدید را از نظر دستور زبانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم؟

ویژگی‌های دستور زبانی یونانی کوبین و عهد جدید روان هستند. از جهات بسیاری نوعی ساده‌سازی دستور زبان است. متن راهنمای اصلی ما می‌باشد. کلمات فقط در متون طولانی دارای معنی هستند، بنابراین ساختار دستور زبانی را فقط می‌توان در سایه (۱) شیوه نگارش یک نویسنده خاص، و (۲) یک متن خاص درک کرد.

زبان یونانی کوبین اساساً یک زبان گفتاری بود. اغلب کلید تفسیر و ترجمه نوع و فرم کلمات و افعال هستند. در بیشتر عبارات اصلی فعل اول می‌آید تا برتری آن را نشان دهد. در تحلیل فعل در زبان یونانی باید به سه بخش اطلاعات توجه کرد: (۱) تاکید اولیه زمان فعل، لحن گفتار و حس گفتار (اصول صرف و نحو و تاریخ لغوی)، (۲) معنی اصلی یک فعل خاص (واژه نگاری)، و (۳) موضوع متن (هماهنگی قسمتهای مختلف متن).

### I. زمان فعل

A. زمان یا وضع فعل شامل رابطه افعال برای تکمیل یک عمل یا کامل نشدن یک عمل است. این اغلب "کامل" یا "ناتمام گفته" می‌شود.

۱. فعل زمان کامل بر رخداد یک عمل تمرکز دارد. هیچ گونه اطلاعات بیشتری داده نمی‌شود به جز اینکه اتفاقی رخ داده است! شروع، طول مدت یا دوام و پایان آن مشخص نمی‌شود.
۲. فعل زمان ناتمام بر تداوم فرایند یک عمل تمرکز دارد. می‌توان آن را در قالب یک حرکت خطی، مدت زمان سپری شده و پیشرفت عمل توصیف کرد.

B. زمانهای افعال را می‌توان بر اساس اینکه نویسنده چگونه پیشرفت عمل را می‌بیند، طبقه‌بندی کرد

۱. رخ داد (عمل انجام شد) = آنوریستی
۲. رخ داد و نتایج آن متوقف شد = کامل
۳. در زمان گذشته در حال انجام بود و خاتمه یافت، ولی نه در حال = ماضی بعید
۴. در حال وقوع است = زمان حال
۵. در حال انجام بود = ناکامل
۶. رخ خواهد داد = آینده

یک مثال صریح از اینکه چگونه این زمان‌ها به ترجمه و تفسیر کمک می‌کنند می‌تواند فعل "نجات دادن" (save) باشد. این در چندین حالت زمانی مختلف استفاده شده است تا روند اجرا و نقطه اوج آن نشان داده شود.

۱. آنوریست - "نجات داد" (رجوع شود به رومیان ۸: ۲۴)

۲. کامل - "نجات داده شد و نتیجه آن همچنان ادامه دارد" (رجوع شود به افسسیان ۲: ۵ و ۸)

۳. حال - "نجات داده می‌شود" (رجوع شود به اول قرنتیان ۱: ۱۸، ۱۵: ۲)

۴. آینده - "نجات داده خواهد شد" (رجوع شود به رومیان ۵: ۹ و ۱۰، ۹: ۱۰)

C. با تمرکز بر روی زمان فعل، مترجمین باید بدنبال دلیلی بگردند که چرا نویسنده اصلی یک زمان خاصی را برای بیان عبارت خویش استفاده کرده است. زمان فعل "ریشه‌دار نکردن" آنوریستی بود. از آن می‌توان برای طیف وسیعی از شیوه‌هایی که متن باید تعیین کننده باشد، استفاده کرد. خیلی ساده، می‌گوید که اتفاقی رخ داده است. جنبه گذشته زمان صرفاً به منظور این است که نشان دهنده حالت باشد. اگر هر زمان دیگری استفاده شده بود، بر روی چیزی دقیقتر تاکید شده بود. ولی چه؟

۱. زمان کامل. از کامل شدن عملی با نتیجه مشخص صحبت می‌کند. در برخی شرایط، ترکیبی از زمان آنوریستی و زمان حال است.

- معمولا تمرکز بروی نتایج حاصله و یا کامل شدن عمل است (مثال: افسسیان ۲: ۵ و ۸، "از راه ایمان نجات یافته‌اید")
۲. زمان ماضی بعید. این زمان همانند زمان کامل است با این تفاوت که نتیجه آن کامل شده است. مثال: انجیل یوحنا ۱۸: ۱۶ "پطرس پشت در ایستاد".
۳. زمان حال. این زمان از عملی ناقص و خاتمه نیافته صحبت می‌کند. تمرکز آن معمولا بر روی ادامه یک رخداد است. مثال: اول یوحنا ۳: ۶ و ۹، "آن که در او می‌ماند گناه نمی‌کند". "آن که از خدا مولود شده است گناه نمی‌کند"
۴. زمان غیر کامل. در این زمان، رابطه با زمان حال مشابه رابطه میان زمان کامل و ماضی بعید است. زمان غیر کامل از کامل نشدن عملی در گذشته خبر می‌دهد. مثال: انجیل متی ۳: ۵ "مردمان اورشلیم و سراسر یهودیه و تمامی نواحی اطراف رود اردن، جملگی نزد او می‌رفتند" یا "پس همه مردم اورشلیم بیرون آمده و نزد او می‌رفتند".
۵. زمان آینده. این زمان از عملی صحبت می‌کند که باید در یک مقطع زمانی در آینده رخ دهد. تمرکز آن بر روی احتمال وقوع آن است تا حتم بر وقوع آن. مثال: انجیل متی ۵: ۴ الی ۹، "خوشا به حال ... خواهد شد".

## II. لحن گفتار

- A. لحن یا صدای گفتار از رابطه میان عمل فعل و موضوع سخن می‌گوید.
- B. لحن فعال یک شیوه معمولی، قابل انتظار، غیر تأکیدی برای بیان موضوعی است که عمل فعل بر روی آن انجام می‌گیرد.
- C. لحن مجهول یعنی موضوع عمل فعل را که توسط یک عامل خارجی انجام شده، دریافت می‌کند. عامل خارجی که عمل را ایجاد می‌کند در نسخه یونانی عهد جدید با حروف اضافه و حالات مختلف نشان داده‌اند.
۱. عامل مستقیم فردی توسط *hupo* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲، اعمال رسولان ۲۲: ۳۰)
  ۲. یک عامل فردی واسطه توسط *dia* با مفعول عنه (رجوع شود به انجیل متی ۱: ۲۲)
  ۳. یک عامل غیر فردی توسط *en* با حالت موردی
  ۴. گاهی اوقات یک عامل فردی یا غیر فردی و توسط مفعول عنه به تنهایی
- D. لحن متوسط یعنی موضوع عمل فعل را ایجاد می‌کند و همچنین به صورت مستقیم با عمل فعل در ارتباط است. این حالت اغلب لحن بلند با اهداف شخصی گفته می‌شود. این ساختار به شیوه‌ای تأکید بر موضوع جمله یا عبارت دارد. این ساختار در زبان انگلیسی وجود ندارد. احتمالات زیادی برای معانی و ترجمه آن از زبان یونانی وجود دارد. برخی مثالهای این حالت به شرح زیر هستند:
۱. انعکاسی - عمل مستقیم موضوع بر روی خودش. مثال: انجیل متی ۲۷: ۵، "خود را حلق‌آویز کرد"
  ۲. شدید - موضوع عملی را برای خودش ایجاد می‌کند. مثال: دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴، "شیطان نیز خود را به شکل فرشته نور درمی‌آورد"
  ۳. متقابل - عمل متقابل دو موضوع. مثال: انجیل متی ۲۶: ۴، "شور کردند"

## III. حس گفتار (یا "حالت")

- A. در یونانی کوبین چهار نوع حالت وجود دارد. آنها، حداقل از دیدگاه شخصی نویسنده، دلالت بر رابطه فعل با واقعیت دارند. حالت‌ها به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: آنها که بر واقعیت دلالت دارند (دلالت‌کننده) و آنها که بطور بالقوه دلالت می‌کنند (وجه شرطی، دستوری و آرزویی).
- B. حالت دلالت‌کننده حالت معمولی برای بیان عملی است که رخ داده است و یا در حال وقوع است، حداقل از دیدگاه نویسنده. اینها حالتی در دستور زبان یونانی هستند که زمان مشخصی را بیان می‌کنند، و حتی در اینجا این یک جنبه ثانویه است.
- C. حالت وجه شرطی احتمال وقوع عمل در آینده است. چیزی که هنوز اتفاق نیافتاده است، ولی احتمال وقوع آن می‌رود. این زمان وجه اشتراک زیادی با آینده دلالت‌کننده دارد. تفاوت در این است که وجه شرطی تردیدی را نشان می‌دهد. در انگلیسی این حالت معمولا با *may, would, could* و یا *might* بیان می‌شود.
- D. حالت آرزو، آرزویی را که از نظر تئوری وقوع آن ممکن است را بیان می‌دارد. یک گام جلوتر از واقعیت نسبت به وجه شرطی در نظر گرفته شد. حالت آرزویی احتمال وقوع را تحت شرایط خاصی بیان می‌دارد. حالت آرزویی در عهد جدید به ندرت استفاده شده است. بیشترین کاربرد آن توسط پولس در جمله معروف او است: "شاید که هرگز نباشد" (انجیل نسخه شاه جیمز، "خدا منع می‌کند")، پانزده مرتبه استفاده شده است (رجوع شود به رومیان ۳: ۴ و ۶ و ۳۱، ۶: ۲ و ۱۵، ۷: ۷ و ۱۳، ۹: ۱۴، ۱۱ و ۱۱، اول قرنتیان ۶: ۱۵، غلاتیان ۲: ۱۷، ۳: ۲۱، ۶: ۱۴)
- E. حالت دلالت‌کننده بر فرمانی که احتمالش هست، تأکید می‌کند، ولی تأکید بر روی قصد گوینده است. فقط احتمال قابل نقض و مشروط، انتخاب دیگر است. یک کاربرد دلالت‌کننده خاص در درخواست دعای شخص ثالث هم هست. این دستورات فقط در زمان آنوریستی در عهد جدید هستند.
- F. برخی دستورات گرامری ضمائر مفعولی را به عنوان نوع دیگری از حالت طبقه‌بندی می‌کنند. آنها در عهد جدید یونانی بسیار متداول

هستند، معمولاً به عنوان صفت شفاهی تعریف می‌شوند. تنوع زیادی در ترجمه صفات مفعولی وجود دارد. آنها در ترکیب با فعل اصلی که به آن مرتبط هستند ترجمه می‌شوند. احتمال تنوع در ترجمه صفت مفعولی بسیار زیاد است. بهترین کار این است که به ترجمه‌های مختلف مراجعه کرد. *The Bible in Twenty Six Translations* از انتشارات بی‌بکر کمک زیادی می‌کند.

G. زمان آتوریست دلالت‌کننده فعال یک شیوه معمولی و بدون نشان برای ثبت یک رخداد است. سایر زمانها، لحن یا حالت یک اهمیت تفسیری خاصی دارند که نویسنده اصلی قصد داشته تا بدان طریق ارتباط برقرار کند.

IV. برای کسی که با زبان یونانی آشنایی نداشته باشد، مطالعات ذیل کمک کرده و اطلاعات مورد نیاز را ارائه می‌کنند:

A. باربارا و تیموتی فرایبرگ. *Analytical Greek New Testament*. انتشارات بی‌بکر، سال ۱۹۸۸

B. آلفرد مارشال. *Interlinear Greek-English New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۷۶

C. ویلیام دی. ماونس. *The Analytical Lexicon to the Greek New Testament*. انتشارات زوندروان، سال ۱۹۹۳

D. ری سامرز. *Essentials of New Testament Greek*. انتشارات برادمن، سال ۱۹۵۰

E. درس مکاتباتی زبان یونانی کوین که دارای تائید آکادمیک می‌باشند نیز توسط Moody Bible Institute در شیکاگو ایلینویز قابل دسترسی است.

V. اسم

A. از نظر دستور زبان، اسمها بر اساس موردی طبقه‌بندی می‌شوند، یعنی بر اساس یک اسم که رابطه آن با فعل و سایر اجزا جمله را نشان می‌دهد، طبقه‌بندی می‌شوند. در زبان یونانی کوین، بسیار از عملکردهای مورد دلالت بر ضمائر مفعولی دارند. از آنجا که حالت مورد می‌تواند روابط مختلفی را شناسایی کند، از ضمیر مفعولی برای بسط آن استفاده می‌شود تا تفکیک سازی بهتر این اعمال انجام شود.

B. مورد در دستور زبان یونانی به هشت گروه زیر تقسیم می‌شود:

۱. حالت فاعلی برای نامگذاری استفاده می‌شد و معمولاً موضوع جمله یا عبارت بود. همچنین برای اسم‌های پیش فرض و صفت با متصل کردن به افعال "بودن" یا "شدن" استفاده می‌شد.

۲. حالت مضاف الیه برای توصیف کردن استفاده می‌شد و معمولاً یک صفت یا کیفیتی که با آن در ارتباط بود، به کلمه اطلاق می‌شد. این به سوال "چه نوعی" پاسخ می‌دهد. در زبان انگلیسی با حرف اضافه of این حالت توصیف می‌شود.

۳. حالت مفعول عنه به همان شیوه صرف شده برای مضاف الیه استفاده می‌شد، ولی برای توصیف جداسازی به کار می‌رفت. معمولاً برای بیان جدا شدن از یک نقطه در زمان، مکان، مبداء، منشا یا درجه استفاده می‌شد. در زبان انگلیسی این حالت با حرف اضافه "از" (*from*) بیان می‌شود.

۴. حالت مفعولی برای توصیف نفع شخصی استفاده می‌شد. می‌توانست به جنبه مثبت یا منفی دلالت کند. اغلب مفعول غیر مستقیم بود. اغلب در زبان انگلیسی با حرف اضافه "به" (*to*) بیان می‌شد.

۵. حالت مکانی مشابه فرم صرفی حالت مفعولی است، ولی موقعیت یا مکان را در فضا، زمان یا محدودیت‌های منطقی بیان می‌کرد. این معمولاً در زبان انگلیسی با یکی از حروف اضافه "در"، "آن"، "روی"، "میان"، "در طول"، "توسط"، و "باضافه" بیان می‌شود.

۶. حالت یابی مشابه همان حالت صرف حالت مفعولی و حالت مکانی است. از آن برای بیان ابزار یا پیوستگی استفاده می‌شد. اغلب در زبان انگلیسی با "بوسیله" یا "با" بیان می‌شد.

۷. حالت مفعولی اتهامی برای توصیف جمع‌بندی یک عمل استفاده می‌شد. این حالت محدودیت را بیان می‌کرد. استفاده اصلی آن برای مفعول بیواسطه بود. این حالت به سوال "چه اندازه" یا "تا چه حد" پاسخ می‌دهد.

۸. حالت آوایی برای بیان مستقیم استفاده می‌شد.

VI. حروف ربط

A. یونانی زبان بسیار دقیقی است زیرا کلمات ربط بسیار زیادی دارد. آنها افکار (عبارات، جملات و پاراگرافها) را به یکدیگر متصل می‌سازند. آنها بسیار متداول هستند بطوری که بودن آنها اغلب اهمیت خاصی دارد. در حقیقت، این حروف ربط مشخص‌کننده مسیر فکری نویسنده هستند. اغلب آنها در تعیین اینکه گوینده دقیقاً چه چیزی می‌خواهد بگوید بسیار مهم هستند.

B. در اینجا فهرستی از برخی حروف ربط و معنی آنها را ارائه می‌کنم (این اطلاعات بیشتر از *A Manual Grammar of the Greek New Testament* اثر H. E. Dana and Julius K. Mantey گردآوری شده‌اند).

۱. حروف ربط زمانی

a. *epēi, epeidē, hopote, hōs, hote, hotan* (موضوع) - "وقتی که"

b. *heōs* "در حالی که"

c. *hotan, epan* (موضوع) - "هر وقت"

d. *heōs, achri, mechri* (موضوع) - "تا وقتی که"

e. *priv* - (مصدر) - "قبل از"

f. *Hōs* - "از وقتی که"، "وقتی که"، "از"

۲. حروف ربط منطقی

a. هدف

(۱) *hina, hopōs, hōs* - به منظور، "که"

(۲) *hōste* (مصدر مفعولی) - "که"

(۳) *Pros* - (مصدر مفعولی) یا *eis* (مصدر مفعولی) - "که"

b. نتیجه (ارتباط نزدیکی میان حالات دستوری هدف و نتیجه وجود دارد)

(۱) *hōste* (مصدر، این متداولترین است) - "به منظور اینکه"، "بنابراین"

(۲) *hiva* (موضوع) - "تا"

(۳) *Ara* - "بنابراین"

c. دلیل یا سبب

(۱) *gar* (سبب/تاثیر یا دلیل/جمع بندی) - "برای"، "زیرا"

(۲) *dioti, hotiy* - "از"

(۳) *dia* (با حالت مفعولی) و (با حالت مفصل انتزاعی) - "زیرا"

d. استنتاج

(۱) *ara, poinun, hōste* - "بنابراین"

(۲) *dio* (قویترین حرف ربط استنتاجی) - "به چه حسابی"، "بر چه اساسی"، "بنابراین"، "به چه دلیل"

(۳) *oun* - "بنابراین"، "در نتیجه"، "بدنبال آن"

(۴) *Toinoun* - "متعاقبا"

e. حرف نقض یا مخالف

(۱) *Alla* (قویترین حرف نقض) - "ولی"، "بجز"

(۲) *De* - "ولی"، "اما"، "با این حال"، "به عبارت دیگر"

(۳) *kai* - "اما"

(۴) *mentoi, oun* - "معهدا"

(۵) *plēn* - "با این وجود"

(۶) *oun* - "معهدا"

f. مقایسه

(۱) *hōs, kathōs* - (معرفی جمله مقایسه‌ای)

(۲) *kata* - (در ترکیب، *kathosper, kathaper, katho*)

(۳) *hosos* - (در عبرانیان)

(۴) *ē* - "از"

(۵) توالی یا سری

(۶) *de* - "و"، "حالا"

(۷) *kai* - "و"

(۸) *tei* - "و"

(۹) *hina, oun* - "که"

(۱۰) *oun* - "بعد" (در انجیل یوحنا)

C. کاربردهای تأکیدی

۱. *Alla* - "قطعیت"، "اری"، "در حقیقت"

۲. *ara* - "در واقع"، "یقینا"، "واقعا"

۳. *gar* - "اما واقعا"، "یقینا" حتما"

۴. *de* - در واقع

۵. *ean* - "حتی"

۶. *kai* - "حتی"، "در واقع"، "واقعا"

۷. *mentoi* - "در واقع"

۸. *oun* - "واقعا"، "با تمام قوا"

## VII. جملات شرطی

- A. یک جمله شرطی جمله‌ای است که شامل یک یا چند شرط باشد. این ساختار دستور زبانی به تفسیر جمله کمک می‌کند زیرا شرایط یا دلایلی را ارائه می‌دهد یا عواملی را نشان می‌دهد که چرا عمل فعل اصلی انجام شده یا انجام نشده است. چهار نوع جمله شرطی وجود داشتند. آنها از آن که تصور می‌شود از دیدگاه نگارنده یا برای منظورش درست بودند شروع می‌شود و تا اینکه فقط یک آرزو بود ختم می‌شوند.
- B. جمله شرطی نوع اول برای بیان عمل یا حضوری استفاده می‌شود که از دیدگاه نگارنده و یا به خاطر منظورش تصور می‌شود درست باشد، حتی در صورتیکه "اگر" در جمله به کار رفته باشد. در بسیاری از جملات می‌توان آن را "از آنجا که" ترجمه کرد (رجوع شود به انجیل متی ۳: ۴، رومیان ۸: ۳۱). با این حال، این بدین معنی نیست که تمامی جملات شرطی نوع اول در واقعیت درست هستند. اغلب از آنها برای ایجاد یک نکته در بحث و یا مشخص کردن یک اشتباه استفاده می‌شود (رجوع شود به انجیل متی ۱۲: ۲۷).
- C. به حالت جملات نوع دوم شرطی اغلب "برخلاف واقعیت" گفته می‌شود. بیان کننده چیزی است که خلاف واقعیت است و برای ایجاد یک نکته استفاده می‌شود. مثالها:

۱. "اگر این مرد ب راستی پیامبر بود، می‌دانست این زن که لمسش می‌کند کیست و چگونه زنی است - می‌دانست که بدکاره است" (انجیل لوقا ۷: ۳۹)

۲. "اگر موسی را تصدیق می‌کردید، مرا نیز تصدیق می‌کردید، چرا که او درباره من نوشته است" (انجیل یوحنا ۵: ۴۶).

۳. "اگر همچنان در پی خشنودی مردم بودم، خادم مسیح نمی‌بودم" (غلاطیان ۱: ۱۰)

D. حالت سوم از احتمال وقوع عملی در آینده صحبت می‌کند. اغلب احتمال وقوع عملی را تصور می‌کند. معمولا بر یک احتمال دلالت دارد. عمل فعل اصلی احتمال عمل در "اگر" است. مثالهای این حالت: اول یوحنا ۱: ۶ الی ۱۰، ۲: ۴ و ۶ و ۹ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۹، ۳: ۲۱، ۴: ۲۰، ۵: ۱۴ و ۱۶.

E. حالت چهارم شرط، دورترین حالت احتمال است. این حالت به ندرت در عهد جدید به کار رفته است. در واقع، هیچ جمله شرطی نوع چارمی که در آن هر دو حالت شرط در آن قرار بگیرند، کامل نمی‌شوند. به عنوان مثال جمله شرطی چهارم در اول پطرس ۳: ۱۴ دیده می‌شود. مثال جمله شرطی نوع چارم تقریبا جمله جمع بندی در اعمال رسولان ۸: ۲۱ می‌باشد.

## VIII. ممانعت‌ها

A. زمان حال امری با پسوند *MĒ* اغلب (ولی نه انحصارا) تاکید بر متوقف کردن عملی را دارد که در حال حاضر در حال انجام است. برخی مثالها: "بر زمین گنج می‌اندوزید" انجیل متی ۶: ۱۹، "نگران زندگی خود نباشید" (انجیل متی ۶: ۲۵)، "اعضای بدن خود را تسلیم گناه نکنید تا ابزار شرارت باشند" (رومیان ۶: ۱۳)، "روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده اید، غمگین مسازید" (افسیسیان ۴: ۳۰)، "مست شراب مشوید" (افسیسیان ۵: ۱۸).

B. وجه شرطی آتوریستی با پسوند *MĒ* تاکید بر "عملی را حتی شروع یا آغاز نکن" دارد. برخی مثالها: "گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران را نسخ کنم" (انجیل متی ۵: ۱۷)، "پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم" (انجیل متی ۶: ۳۱)، "از شهادت بر خداوند ما عار مدار" (دوم تیموتائوس ۱: ۸).

C. منفی مضاعف با حالت وجه شرطی نفی کاملا محرز است. "هرگز، نه هرگز"، یا "تحت هیچ شرایطی نه". برخی مثالها: "مرگ را تا به ابد نخواهد دید" (انجیل یوحنا ۸: ۵۱)، "تا ابد گوشت نخواهم خورد" (اول قرتیان ۸: ۱۳).

## IX. حرف تعریف

A. در یونانی کوبین حرف تعریف مطلق "the" کاربردی دقیقا مشابه انگلیسی دارد. کاربرد اصلی آن به عنوان یک نشانگر است که توجه به یک کلمه، اسم یا عبارت جلب شود. کاربرد آن میان نویسندگان عهد عتیق متفاوت است. حرف تعریف مطلق می‌تواند کاربردهای زیر را داشته باشد

۱. به عنوان تضاد روش برای نشان دادن ضمیر

۲. به عنوان نشان برای اشاره کردن که موضوع یا فردی که قبلا معرفی شده

۳. شیوه‌ای برای شناسایی موضوع در یک جمله با فعل ربط. مثالها: "خدا روح است" (انجیل یوحنا ۴: ۲۴)، "خدا نور است" (اول یوحنا ۱: ۵)، "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴: ۸ و ۱۶)

B. یونانی کوبین حرف تعریف نامعین همانند "a" یا "an" نداشت. عدم وجود حرف تعیین مطلق به یکی از معانی زیر می‌تواند باشد:

۱. تمرکز بر روی مشخصه یا کیفیت چیزی

۲. تمرکز بر روی طبقه‌بندی چیزی

C. نویسندگان عهد جدید از روشهای کاملاً متنوعی برای استفاده از حرف تعریف استفاده کرده‌اند.

X. راه‌های نشان دادن تاکید در عهد عتیق یونانی

A. در عهد جدید تکنیک‌های به کار رفته برای نشان دادن تاکید میان نگارندگان کاملاً متفاوت است. رسمی‌ترین و ثابت قدم‌ترین نویسندگان لوقا و نویسندگان عبرانیان بودند.

B. پیشتر گفتیم که آئوریست دلالت کننده فعال یک روش استاندارد برای تاکید است، ولی زمان، لحن و حالت اهمیت تفسیری دارند. این دلالت بر این ندارد که آئوریست دلالت کننده فعال اغلب برای مفاهیم دستور زبانی مهمی بکار نمی‌رفت. (مثال: در رومیان ۶: ۱۰ دو مرتبه تکرار شده)

C. ترتیب کلمه در یونانی کوبین

۱. زبان یونانی کوبین زبان متفاوتی است که به ترتیب کلمات مانند زبان انگلیسی وابسته نیست. در نتیجه، نویسندگان می‌توانند از ترتیبی که انتظار می‌رود برای نشان دادن موارد زیر استفاده کنند

a. آنچه که نگارنده می‌خواست به خواننده تاکید کند

b. آنچه که نگارنده تصور می‌کرد برای خواننده حیرت‌انگیز باشد

c. آنچه نگارنده عمیقاً بدان فکر می‌کرد

۲. هنور ترتیب درست کلمات در ادبیات یونانی معضلی است. با این حال، ترتیبی که تصور می‌شود درست باشد، به شرح زیر است

a. برای وصل کردن افعال

(۱) فعل

(۲) فاعل

(۳) متمم

b. برای افعال متعدی

(۱) فعل

(۲) فاعل

(۳) مفعول

(۴) مفعول باواسطه

(۵) حرف اضافه

c. برای عبارات اسمی

(۱) اسم

(۲) تعدیل کننده

(۳) حرف اضافه

۳. ترتیب کلمات می‌تواند یک نکته بیش از حد مهم در ترجمه و تفسیر باشد. مثالها:

a. "دست رفاقت به من و برنابا دادند". عبارت "دست رفاقت" در متن اصلی و انگلیسی جدا شده و در ابتدای جمله آمده تا اهمیت آن نشان داده شود (غلاطیان ۲: ۹).

b. "با مسیح" در اول جمله آمده. مرگ او در وسط (غلاطیان ۲: ۲۰).

c. "بارها و از راه‌های گوناگون" (عبرانیان ۱: ۱) در اول جمله قرار گرفته است. این شیوه‌ای است که خدا خودش را نشان داد که متناقض است، نه واقعیت مکاشفه.

D. معمولاً مقداری تاکید نشان داده می‌شود توسط:

۱. تکرار ضمیری که قبلاً در حالت تعریف فعل معرفی شده است. مثال: "من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!" (انجیل متی ۲۸: ۲۰)

۲. نبود حرف ربطی که باید باشد، یا سایر اضافاتی که میان کلمات، عبارات یا جملات باید باشند. به این حالت غیر مرتبط گفته می‌شود. انتظار یک رابط می‌رفت، بنابراین نبود آن جلب توجه می‌کند. مثالها:

a. سعادت جاویدان، انجیل متی ۵: ۳ (تاکید در لیست)

- b. انجیل یوحنا ۱۴: ۱ (موضوع جدید)
- c. رومیان ۹: ۱ (بخش جدید)
- d. دوم قرنتیان ۱۲: ۲۰ (تاکید در لیست)
۳. تکرار کلمات یا عبارات حاضر در یک متن مشخص. مثالها: "فیض پر جلال او ستوده شود" (افسیسیان ۱: ۶ و ۱۲ و ۱۴). از این عبارت استفاده شده تا نقش هر فرد در تثلیث نشان داده شود.
۴. استفاده از یک کلمه (صدا) یا اصطلاح برای بازی میان کلمات
- a. Euphemisms - کلمات با فاعل‌های تابو را جایگزین می‌کند مانند "خواب" برای مرگ (انجیل یوحنا ۱۱: ۱۱ الی ۱۴) یا "پا" برای اندام تناسلی مرد (روت ۳: ۷ و ۸، اول سموئیل ۲۴: ۳)
- b. بیان غیر مستقیم - نام خدا را با کلمات دیگر جایگزین می‌کند، مانند "پادشاهی بهشت" (انجیل متی ۳: ۲) یا "صدایی از بهشت" (انجیل متی ۳: ۱۷)
- c. حالات سخن گفتن
- ۱) اغراق غیر ممکن (انجیل متی ۳: ۹، ۵: ۲۹ و ۳۰، ۱۹: ۲۴)
  - ۲) اظهارات زیادی ملایم (انجیل متی ۳: ۵، اعمال رسولان ۲: ۳۶)
  - ۳) تجسم شخصیت (اول قرنتیان ۱۵: ۵۵)
  - ۴) وارونه گویی (غلاطیان ۵: ۱۲)
  - ۵) شعر (فیلیپیان ۲: ۶ الی ۱۱)
  - ۶) اصوات میان کلمات
- i. کلیسا
۱. کلیسا (افسیسیان ۳: ۲۱)
  ۲. صدا کردن (افسیسیان ۴: ۱ و ۴)
  ۳. فرا خوانده شدن (افسیسیان ۴: ۱ و ۴)
- ii. آزاد
۱. زن آزاد (غلاطیان ۴: ۳۱)
  ۲. آزادی (غلاطیان ۵: ۱)
  ۳. آزاد (غلاطیان ۵: ۱)
- d. زبان اصطلاحی - زبانی است که اولاً فرهنگی و مشخص است
- ۱) استفاده تمثیلی از "غذا" (انجیل یوحنا ۴: ۳۱ الی ۳۴)
  - ۲) استفاده تمثیلی از "معبد" (انجیل یوحنا ۲: ۱۹، انجیل متی ۲۶: ۶۱)
  - ۳) اصطلاح عبری مقایسه، "نفرت" (سفر پیدایش ۲۹: ۳۱، تثنیه ۲۱: ۱۵، انجیل لوقا ۱۴: ۲۶، انجیل یوحنا ۱۲: ۲۵، رومیان ۹: ۱۳)
  - ۴) "همه" در مقابل "بسیاری". اشعیا ۵۳: ۶ (همه) را با ۵۳: ۱۱ و ۱۲ (بسیاری) مقایسه کنید. اصطلاحات مترادف هستند مانند آنچه رومیان ۵: ۱۸ و ۱۹ نشان می‌دهد.
۵. استفاده از یک عبارت کامل دستوری در مقابل یک کلمه. مثال: "خداوند عیسی مسیح".
۶. استفاده خاص *autos*
- a. وقتی که با مفعول (صفت مکانی) "همان" ترجمه شده باشد
- b. وقتی که بدون مفعول (موقعیت پیش‌بینی شده) و به عنوان ضمیر انعکاسی با شدت ترجمه شده باشد، مانند "خودش".
- E. دانشجویی که انجیل غیر یونانی را مطالعه می‌کند، می‌تواند تاکیده‌ها را به شیوه‌های مختلف شناسایی کند:
۱. استفاده تحلیلی فرهنگ لغت و مقایسه سطر به سطر متن یونانی/انگلیسی
  ۲. مقایسه ترجمه‌های مختلف انگلیسی، به خصوص ترجمه‌هایی از دیدگاه‌های مختلف. مثال: مقایسه "کلمه به کلمه" (نسخه شاه جیمز، نسخه بازبینی شده شاه جیمز، نسخه استاندارد انگلیسی، نسخه انگلیسی امروز، نسخه بازبینی شده استاندارد، نسخه استاندارد بازبینی شده جدید) با "معادل دینامیک" (ویلیامز، نسخه انگلیسی استاندارد، انجیل انگلیسی جدید، نسخه انگلیسی بازبینی شده، انجیل اورشلیم، انجیل جدید اورشلیم، نسخه انگلیسی امروز). کمک مفید در اینجا *The Bible in Twenty-Six Translations* از انتشارات بیکر است.

۳. استفاده از *The Emphasized Bible* اثر جوزف برایانت روترهام (کرگل، ۱۹۹۴)

۴. استفاده از ترجمه‌های تحت الفظی

a. *The American Standard Version* (نسخه استاندارد امریکایی) از سال ۱۹۰۱

b. *Young's Literal Translation of the Bible* از رابرت یانگ (انتشارات گاردین، ۱۹۷۶)

مطالعه دستور زبان خسته کننده است ولی برای ترجمه درست لازم است. این تعاریف، تفسیرها و مثالهای مختصر به منظور تشویق و آماده کردن خوانندگانی است که نسخه غیر یونانی را می‌خوانند تا بتوانند از توضیحات دستور زبانی که در اینجا قید شده استفاده نمایند. به طور قطع این تعاریف بیش از حد ساده شده‌اند. از آنها نباید بطور محض (دگماتیک) یا غیر قابل انعطاف استفاده شوند، بلکه به عنوان آگاهی بیشتر برای درک بهتر می‌باشند. امیدواریم که این تعاریف به درک خواننده از ترجمه‌های سایر منابع مطالعاتی مانند تفاسیر فنی عهد جدید کمک کنند.

ما باید بتوانیم تعبیر خود را بر اساس بخشهای اطلاعاتی که در متون انجیل یافت می‌شوند، تأیید نمائیم. دستور زبان یکی از کمک کننده‌ترین این موارد است. سایر اقلام شامل زمینه‌های تاریخی، متون تحت الفظی، و کاربرد کلمات امروزی عبارات مترادف می‌باشند.



## موضوع خاص: انتقاد متنی

این موضوع خاص جهت توضیح یادداشتهای متنی است که در این تفسیر یافت می‌شوند. رؤس مطالب زیر مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت:

I. منابع انگلیسی انجیل

A. عهد قدیم

B. عهد جدید

II. توضیح مختصر مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "انتقاد متنی"

III. منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

I. منابع متنی انجیل انگلیسی ما

A. عهد قدیم

۱. منبع مازراتی (MT - Masoretic Text) - متن عبری مختلط که توسط ربی آکویبا (*Rabbi Aquiba*) در سال ۱۰۰ پس از میلاد تنظیم شده است. اضافه کردن حروف صدا دار، تاکیدها، پی نویسه‌ها، علامتگذاریها و نشانه گذاریها در قرق ششم پس از میلاد شروع و در قرن نهم پس از میلاد خاتمه یافت. این کار توسط یک خانواده تحصیل کرده یهودی بنام مازراتی انجام شد. فرم متنی که مورد استفاده قرار گرفت مشابه همان فرمی است که در میشنا، تلمود، تارگومز، پشیتا و والگیت استفاده شد.

۲. سپتواگینت (LXX - Septuagint) - روایتی می‌گوید که سپتواگینت (ترجمه یونانی عهد عتیق) توسط هفتاد استاد یهودی در هفتاد روز برای کتابخانه اسکندریه تحت حمایت شاه پتولمی دوم (Ptolemy) (۲۸۵ الی ۲۴۶ قبل از میلاد) تهیه شد. این ترجمه ظاهراً به درخواست یک رهبر یهودی که در اسکندریه زندگی می‌کرد تهیه شده است. این روایت از "نامه‌های ارسطو" می‌آید. LXX عمدتاً بر اساس تفاوت‌های میان متن سنتی عبری از متن ربی آکویبا (MT) هستند.

۳. کتیبه دریای سیاه (Dead Sea Scrolls - DSS) - کتیبه دریای سیاه به زبان رومی در دوره ۲۰۰ تا ۷۰ بعد از میلاد توسط یک فرقه یهودی بنام "اسنس" (*Essenes*) نوشته شده بود. نسخه دستنویس عبری، در چندین نقطه در اطراف دریای سیاه یافت شد، که نگارشهای مختلف متن عبری MT و LXX در پی هم نشان می‌دهد.

۴. برخی مثالها که نشان می‌دهند چگونه مقایسه این متون به مترجمین کمک کرده است که عهد عتیق را بهتر درک کنند.

a. LXX به مترجمین و اساتید کمک کرده است که تا MT را درک کنند

(۱) LXX اشعیا ۵۲: ۱۴، "چنانکه بسیاری از او در حیرت شدند"

(۲) MT اشعیا ۵۲: ۱۴ "بسیاری از تو به حیرت درآمدند"

(۳) در اشعیا ۵۲: ۱۵ تمایز ضمیر در LXX تأیید می‌شود.

(a) LXX پس بسیاری از ملتها از او در حیرت خواهند شد

(b) MT پس او ملتهای زیادی را شگفت زده می‌کند

b. DSS به مترجمین و اساتید کمک کرد که MT را درک کنند

(۱) DSS اشعیا ۲۱: ۸ "آنگاه دیدبان فریاد برآورد از بالای برج من ایستاده‌ام..."

(۲) MT اشعیا ۲۱: ۸ "و من فریاد زدم، شیر! خداوند، من همیشه در روز در برج ایستاده و مراقب خواهم بود"

c. هر دو DSS و MT به روشن شدن اشعیا ۵۳: ۱۱ کمک کرده‌اند

(۱) DSS و LXX "ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد"

(۲) MT "او خواهد دید.... مصیبت روحش را، او اقناع خواهد شد"

B. عهد جدید

۱. بیش از ۵۳۰۰ دستنویس از نسخه یونانی عهد جدید وجود دارند. حدود ۸۵ نسخه بر روی پاپیروس و ۳۶۸ نسخه دستنویس با حروف بزرگ نوشته شده‌اند. بعدها، در حدود قرن نهم میلادی، یک نسخه منحصر به فرد تنظیم شد. تعداد نسخ یونانی به صورت دستنویس حدود ۲۷۰۰ نسخه می‌باشد. همچنین حدود ۲۱۰۰ کپی از فهرست کتاب مقدس برای دعا استفاده می‌شد که ما به آنها "صورت آیات" می‌گوئیم.

۲. حدود ۸۵ نسخه یونانی حاوی بخشهایی از عهد جدید بر روی پاپیروس هستند که در موزه نگهداری می‌شوند. قدمت برخی از آنها به قرن دوم میلادی باز می‌گردد، ولی بیشتر آنها مربوط به قرنهای سوم و چهارم میلادی هستند. هیچکدام از این MSSها متن کامل

کتاب مقدس را شامل نمی‌شوند. صرفاً به دلیل اینکه اینها قدیمیترین کپی‌های عهد جدید هستند، بدین معنا نیست که انواع دیگری وجود نداشته باشد. از روی بسیاری از اینها برای استفاده داخلی کپی برداری شد. در طول این فرایند، به مراقبت از آنها توجهی نشد. بنابراین در میان آنها تنوع و تفاوت وجود دارند.

۳. Codex Sinaiticus که با حرف  $\aleph$  (الف) یا (۰۱) شناخته می‌شود، در صومعه سنت کاترین در کوه سینا توسط تیشندورف پیدا شد. قدمت آن به قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. و حاوی هم LXX عهد عتیق و هم یونانی عهد عتیق است. این یکی از انواع "متون اسکندریه‌ای" است.

۴. Codex Alexandrinus که با "A" هم شناخته می‌شود، دستنویس متعلق به قرن پنجم میلادی است که در اسکندریه مصر یافت شد.

۵. Codex Vaticanus که با "B" یا (۰۳) هم شناخته می‌شود، در کتابخانه واتیکان در رم یافت شد و قدمت آن مربوط به اواسط قرن چهارم بعد از میلاد است. حاوی هم LXX عهد عتیق و هم نسخه یونانی عهد جدید است. این متن از نوع "متن اسکندریه‌ای" است.

۶. Codex Ephraemi، که با "C" یا (۰۴) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی است که بخشی از آن نابود شده است.

۷. Codex Bezae، که با "D" یا (۰۵) هم شناخته می‌شود، یک نسخه دستنویس یونانی مربوط به قرن پنجم یا ششم میلادی است. این نسخه اصلی است که نماینده چیزی است که امروز "انجیل غربی" خوانده می‌شود. حاوی اضافات بسیاری است و شاهد اصلی است برای ترجمه شاه جیمز.

۸. NT MSS را می‌توان در سه یا شاید چهار گروه/خانواده تقسیم بندی کرد که در مشخصه‌های خاصی با هم وجه اشتراک دارند.

a. متن اسکندریه‌ای از مصر

- ۱) P<sup>66</sup>, P<sup>75</sup> (حدود سال ۲۰۰ میلادی)، که اناجیل را ثبت می‌کند
- ۲) P<sup>46</sup> (حدود سال ۲۲۵ میلادی)، که نامه‌های پطرس را ثبت می‌کند
- ۳) P<sup>72</sup> (حدود سالهای ۲۲۵ تا ۲۵۰ میلادی)، که پطرس و یهودا را ثبت می‌کند
- ۴) Codex B که به آن Vaticanus هم گفته می‌شود (حدود سال ۳۲۵ میلادی) که شامل متن کامل عهد عتیق و عهد جدید است

۵) نقل قول اورینگن از این نوع متن

۶) سایر MSSها که این نوع متن را نشان می‌دهند:  $\aleph$ , C, L, W, 33

b. متن غربی از افریقای شمالی

- ۱) نقل قولهای پدران کلیسای افریقای شمالی تروتولیان، سایپریان، و ترجمه قدیمی به لاتین
- ۲) نقل قولهایی از ایرانیوس (Irenaeus)
- ۳) نقل قولهایی از تالیان و ترجمه قدیمی سیریاک
- ۴) Codex D یا "Bezae" که به این نوع متن نوشته شده

c. متن بیزانس شرقی از قسطنطنیه

- ۱) این نوع متن منعکس کننده بیش از ۸۰٪ از ۵۳۰۰ متن MSS است
- ۲) نقل قول شده از Antioch از پدران کلیسای سوریه، کاپادوسیانس (Cappadoceans)، کریسوستوم (Chrysostom) و تروودورت (Therodoret)
- ۳) Codex A فقط در انجیل

۴) Codex E (قرن هشتم) برای متن کامل عهد جدید

d. نوع احتمالاً چهارم سزاری از فلسطین

- ۱) عمدتاً فقط در انجیل مرقس دیده میشود
- ۲) برخی از اقرارها به آن در P<sup>45</sup> و W هستند

II. مسائل و نظریات "نقد کوتاه" یا "نقد متنی"

A. تنوعات چگونه به وجود آمدند

۱. غیر عمدی یا تصادفی (طیف وسیعی از پیش آمدها)

a. خطای چشمی در زمان کپی و دستنویسی که چشم دو کلمه مشابه را می‌بیند و یکی یا همه کلمات بین آنها را ناخودآگاه حذف می‌کند (homoioteleuton)

۱) خطای چشم در حذف کلمات دو حرفی یا عبارات

۲) خطای ذهن در تکرار عبارت یا جمله یک متن یونانی

- b. خطای شنیداری در زمان دستنویسی و هنگامی که فرد متن را برای کپی کننده می خواند و در این حالت خطای نوشتاری صورت می گیرد. اغلب اغلاط املائی به دلیل تشابه صوتی کلمات یونانی صورت گرفته اند.
- c. نسخ اولیه متن یونانی فصل بندی و آیه بندی نشده بود، علامتگذاری بسیار کم و اغلب نداشتند و هیچ فاصله ای میان کلمات نبود. این احتمال وجود دارد که یک کلمه از جاهای مختلف جدا شود و بدین ترتیب کلمه دیگری شده و معنی دیگری بدهد

۲. عمدی

- a. تغییراتی اعمال شدند تا ساختار دستور زبانی متن کپی شده بهبود یابد
- b. تغییراتی اعمال شدند تا متن با سایر متون انجیل همخوانی داشته باشد (هارمونی مترادفها)
- c. تغییراتی اعمال شدند تا با ادغام دو یا چند متن متفاوت یک متن مرکب طولانی به وجود آید (تالیف)
- d. تغییراتی اعمال شدند تا مشکلی که در مشاهده شده بود اصلاح گردد (مراجعه شود به اول قرن تیان ۱۱: ۲۷ و اول یوحنا ۵: ۷ و ۸)
- e. برخی اطلاعات توضیحی در مورد رخداد های تاریخی یا تفسیر مناسب متن به صورت پی نویس توسط یک نگارنده اضافه شد و نگارنده بعدی آن را به داخل متن منتقل کرد (مراجعه شود به انجیل یوحنا ۵: ۴)

B. فرضیه های اولیه نقد متنی (راهنمایهای منطقی برای تعیین اینکه کدام متن اصلی وقتی تنوع زیادی موجود است خوانده شود)

- ۱. عجیبترین و غیر معمولترین دستور زبان به کار رفته در متن احتمالا اصل است
- ۲. کوتاهترین متن احتمالا اصل است
- ۳. به متن قدیمتر بهای بیشتری داده می شود به دلیل نزدیکی تاریخی به اصل، بقیه برابر هستند
- ۴. MSS ها که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، معمولا خوانندگان اصل دارند
- ۵. متونی که از نظر دکتربین ضعیف هستند، به خصوص آنها که در ارتباط با بحثهای اصلی الهیات در دوران تغییر دستنویسها بودند مانند تثلیث در اول یوحنا ۵: ۷ الی ۸ باید ترجیح داده شود.
- ۶. متنی که به بهترین شکل بتواند سایر نسخه های متفاوت را توضیح دهد
- ۷. دو نقل قول که می توانند به برقراری توازن میان سایر نسخه های متفاوت کمک کنند و آن را نشان دهند

- a. کتاب *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر J. Harold Greenlee "هیچ دکتربین مسیحی نمی تواند نسبت به یک متن قابل بحث کوتاه بیاید، و دانشجوی عهد جدید باید آگاه باشد که متن او باید ارتدکسی تر یا از نظر دکتربین باید قویتر از نسخه اصل که تحت الهام بوده، باشد" (صفحه ۶۸).
- b. W. A. Criswell به Greg Garrison از *The Birmingham News* گفته که او (کریسول) باور ندارد که تمامی کلمات انجیل تحت الهام باشد، "حد اقل نه تمامی کلماتی که طی قرنهای توسط مترجمین به دنیای مدرن منتقل کرده اند". کریسول گفت:

"من شدیداً به نقد متن اعتقاد دارم. بدین ترتیب، فکر می کنم، نیمه آخر فصل شانزدهم انجیل مرقس ارتداد است. تحت الهام نیست، صرفاً ساختگی است... وقتی آن دستنویسهای بسیار قدیمی را مقایسه می کنیم، چنین جمع بندی که در کتاب مرقس آمده وجود ندارد. کسی آن را اضافه کرده است....."

بزرگان SBC همچنین ادعا کردند که اضافاتی هم در انجیل یوحنا ۵، در قسمتی که عیسی در کنار حوض بیت الحم است صورت گرفته است. و در مورد دو شیوه مختلف قتل یهودا صحبت می کند (مراجعه شود به انجیل متی ۲۷ و اعمال رسولان ۱). کریسول می گوید: "این صرفاً یک نگرش متفاوت نسبت قتل است". "اگر در انجیل قرار دارد، توضیحی برای آن وجود دارد. و دو شرح از قتل یهودا در انجیل وجود دارد." کریسول اضافه می کند "نقد متنی به نوبه خود، علم حیرت انگیزی است. زودگذر نیست، بی ربط نیست، پویا و مرکز...."

III. مشکلات دستنویس (نقد متن). منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

- A. *Biblical Criticism: Historical, Literary and Textual*, اثر آر. اچ. هریسون
- B. *The Text of the New Testament: Its Transmission, Corruption and Restoration* اثر بروس ام متزگر
- C. *Introduction to New Testament Textual Criticism* اثر جی. اچ. گرینلی

## واژه نامه

**Adoptionism/پذیرش/فرزندخواندگی.** این یکی از نخستین دیدگاه‌ها نسبت به رابطه عیسی با خدا بود. اساسا این دیدگاه می‌گفت که عیسی از هر جنبه یک انسان معمولی بود و به مفهومی خاص، در زمان تعمید فرزند خدا شد (مراجعه شود به انجیل متی ۳: ۱۷، انجیل مرقس ۱: ۱۱) و یا در زمان قیامت از مردگان (مراجعه شود به رومیان ۱: ۴). عیسی آنچنان زندگی نمونه‌ای داشت که خدا در مقطعی، (تعمید، قیام)، او را به عنوان "پسر" خود قبول کرد (مراجعه شود به رومیان ۱: ۴، فیلیپیان ۲: ۹). این دیدگاه کلیسای اولیه و کلیسای قرن هشتم بود. بجای اینکه خدا تبدیل به انسان شود، عمل عکس صورت گرفته و انسان تبدیل به خدا می‌شود!

سخت است بیان اینکه چگونه عیسی، خدای پسر، با وجود از پیش وجود داشتن الهی، به خاطر زندگی نمونه‌اش پاداش می‌گیرد. اگر او خدا بوده و از قبل وجود داشته، چگونه می‌تواند پاداش بگیرد؟ اگر او شکوه و جلال از قبل وجود داشتن را داشته، چگونه می‌تواند بیشتر مورد تقدیر قرار بگیرد؟ هر چند درک و هضم این برای ما مشکل است، ولی به نوعی پدر به شیوه‌ای خاص به دلیل تحقق بخشیدن کامل به اراده‌اش او را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

**Alexandrian School/مکتب اسکندرون.** این شیوه ترجمه و تفسیر انجیل در اسکندریه، مصر در قرن دوم میلادی توسعه یافت. این مکتب از اصول ترجمه و تفسیر فیولا، که از پیروان افلاطون بود استفاده می‌کند. به این شیوه اکثر روش مجازی گفته می‌شود. این روش تا دوران اصلاحات در کلیسا رواج داشت. اورینگن و اگوستین از طرفداران این مکتب و شیوه بودند. جهت اطلاعات بیشتر به *Moises Silva, Has The Church Misread The Bible? (Academic, 1987)* مراجعه کنید.

**Alexandrinus/الکساندرینوس.** این نسخه دستنویس یونانی قرن پنجم از اسکندریه، مصر شامل عهد عتیق، آپوکریفا، و بیشتر عهد جدید بوده و یکی از شواهد اصلی برای کل نسخه یونانی عهد جدید است (به استثنای انجیل متی، یوحنا و دوم قرنتیان). این دستنویس، رتبه A دریافت کرده، و دستنویس اطلاق شده به آن رتبه B (*Vaticanus*) در خواندن مطابقت دارد، و از جانب اکثر اساتید در بیشتر بخشها اصل تلقی می‌شود.

**Allegory/قیاس.** این نوعی تفسیر انجیلی است که در ابتدا توسط یهودیسم اسکندریه توسعه یافت. این روش توسط فیولا از اسکندریه محبوبیت یافت. قدرت پایه آن در میل به ساختن کتاب مقدس در رابطه با فرهنگ فرد یا سیستم فلسفی با نادیده انگاشتن ترتیبات تاریخی و یا مفهوم واقعی متن است. این روش در جستجوی مفاهیم پنهان یا معنوی در فراسوی هر متن کتاب مقدس است. باید اذعان داشت که عیسی، در انجیل متی ۱۳، و پولس در غلاطیان ۴، از تمثیل برای بیان حقیقت استفاده کرده‌اند. با این وجود، روش قیاس در قالب نوع‌شناسی است نه فقط تمثیل.

**Analytical Lexicon/تحلیل واژگانی.** این یک شیوه ابزار تحلیل است که اجازه می‌دهد فرد هر حالت کلمه یونانی را در عهد جدید شناسایی کند. در ترتیب الفبای یونانی، تلفیقی است از حالت و مفهوم پایه کلمه. با ترکیب ترجمه سطری، اجازه می‌دهد مومنینی که متن یونانی را نمی‌خوانند بتوانند اصطلاحات دستور زبانی یونانی و صرف و نحو آنها را تحلیل کنند.

**Analogy of Scripture/تشابه در کتاب مقدس.** این عبارتی است که برای توصیف دیدگاهی که تمام انجیل تحت الهام خدا است و بنابراین متناقض نبوده بلکه مکمل یکدیگر هستند، به کار می‌رود. این تصریح پیش فرض پایه‌ای است برای استفاده متون همسو در تفسیر متون انجیلی.

**Ambiguity/ابهام.** این اشاره به عدم قطعیت در نتایج حاصله در متن دارد، زمانی که دو یا چند مفهوم وجود دارند و یا وقتی که همزمان دو معنی یا مفهوم خاص به یک موضوع اشاره کند. احتمال دارد که یوحنا از روی عمد از ابهام استفاده کرده باشد (دو مفهومی).

**Anthropomorphic/انسان شناسی.** به معنی "داشتن مشخصه‌هایی که به انسان‌ها اطلاق می‌شود" است، از این اصطلاح برای توصیف زبان مذهبی ما درباره خدا استفاده می‌شود. این عبارت از اصطلاح یونانی که برای نوع بشر استفاده می‌شود آمده است. به این معنی است که ما به شیوه‌ای درباره خدا صحبت می‌کنیم که گویی انسان است. خدا در قالب اصطلاحات فیزیکی، اجتماعی و فیزیولوژیکی توصیف می‌شود که مربوط به انسانها است (مراجعه شود به پیدایش ۳: ۸، اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ الی ۲۳). البته این فقط قیاس است. هیچ طبقه‌بندی یا اصطلاحی غیر از اصطلاحات انسانی وجود ندارند که بتوان از آنها استفاده کرد. بنابراین، دانش ما در مورد خدا، هر چند درست است، ولی محدود می‌باشد.

**Antiochian School/مکتب آنتیوخیا.** این روش تفسیر انجیل در آنتیوخ سوریه در قرن سوم میلادی به عنوان واکنشی در برابر روش قیاس اسکندریه مصر بسط یافت. فشار اولیه آن بر روی تمرکز بر معانی تاریخی انجیل است. این روش انجیل را به صورت متن معمولی و انسانی ترجمه و تفسیر می‌کند. این مکتب وارد جدل بر سر این شد که آیا عیسی دارای دو ماهیت است (*Nestorianism*) یا یک ماهیت (تماما الهی و تماما انسانی). توسط کلیسای کاتولیک رم این به مکتب برجسب تاریخی زده شد و به پاس منتقل شد و اهمیت چندانی ندارد. اصول پایه‌ای تفسیر این مکتب بعدها تبدیل به اصول تفسیر اصطلاح طلبان کلاسیک پروتستان شد (اوتر و کالوین).

**Antithetical/ضد و نقیض.** این یکی از سه اصطلاحی است که در مورد رابطه میان ابیات اشعار عبری استفاده می‌شود. در رابطه با ابیات شعر است که معنی تضاد دارند (مراجعه شود به امثال ۱۰: ۱، ۱۵: ۱)

**Apocalyptic literature/ادبیات آخر زمانی.** این یک بحث غالب و حتی احتمالاً منحصر به فرد در موضوعات یهودی است. این یک شیوه نگارش رمزی بود که در دوران تهجم و اشغال یهودیان توسط قدرتهای جهانی استفاده می‌شد. تصور می‌کند که خدا رخداده‌ها را ایجاد کرده و کنترل می‌کند، و اینکه اسرائیل یکی از علائق خاص او است. این ادبیات وعده پیروزی نهایی از طریق تلاش خاص خدا را می‌دهد.

این ادبیات شدیداً نمادین و تخیلی است و اصطلاحات رمزی زیادی دارد. اغلب حقیقت را در قالب رنگها، اعداد، نگرش، رویا، فرشتگان واسطه، کلمات رمزی و دوگانگی شدید میان خوب و بد نمایش می‌دهد.

برخی از مثالهای این موضوع (۱) در عهد عتیق، حزقیال (فصلهای ۳۶ الی ۴۸)، دانیال (فصلهای ۷ الی ۱۲)، زکریا، و (۲) در عهد جدید، انجیل متی ۲۴، انجیل مرقس ۱۳، دوم تسالونیکیان و مکاشفه دیده می‌شوند.

**Apologist (Apologetics)/دفاعی.** این اصطلاح از ریشه یونانی برای "دفاع قانونی" است. مبحث خاصی در الهیات وجود دارد که در جستجوی شواهد و مباحثات مربوطه برای ایمان مسیحی است.

**A priori/استقرا.** این اصطلاح مترادف با "پیش فرض" است. شامل دلیل آوردن برای مفاهیم، اصول یا موقعیتهایی است که پیش‌تر صحت آنها پذیرفته شده است. حالتی است که بدون آزمایش یا تحلیل پذیرفته شده است.

**Arianism/آریانیسم.** آریوس شبان کلیسا در اسکندریه مصر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم بود. او تصریح کرده بود که عیسی از پیش وجود داشت ولی الهی نبود (نه در مفهوم پدر)، احتمالاً از امثال ۸: ۲۲ الی ۳۱ ایده گرفته بود. او توسط اسقف کلسیای اسکندریه به چالش کشیده شد که از سال ۳۱۸ میلادی جدلی آغاز شد و سالهای زیادی ادامه یافت. آریانیسم تبدیل به فرقه ای در کلیسای شرق شد. شورای نیکا در سال ۳۲۵ میلادی آریوس را محکوم کرد و یکسان بودن الهی و انسانی بودن پسر را تصریح کرد.

**Aristotle/ارسطو.** او یکی از فلاسفه یونان باستان و شاگرد افلاطون و معلم اسکندر کبیر بود. نفوذ او، حتی امروز، بر زمینه‌های گسترده‌ای از مطالعات مدرن حاکم است. این امر به دلیل آن است که او بر دانش بر پایه مشاهده و طبقه‌بندی تأکید داشت. این یکی از گرایش‌ها و روشهای علمی است.

**Autographs/دستخط/دستنویسته.** این نامی است که به نسخه اولیه نوشته‌های انجیل داده شده است. این نسخ اصل و دستنویس همگی از بین رفته‌اند. فقط نسخه‌ای از کپی آنها موجود است. این منشا بسیاری از متون متنوع دستنویس عبری و یونانی باستانی است.

**Bezae/بزا.** این نسخه دستنویس یونانی و لاتین قرن ششم میلادی است. به این نسخه رتبه D داده شده است. حاوی اناجیل، اعمال رسولان و برخی نامه‌های عمومی است. از مشخصه‌های آن اضافات حاشیه‌ای دستنویس بسیار زیاد است. این نسخه مبنای Textus Receptus، نسخه دستنویس قدیمی یونانی است که در ورای نسخه شاه جیمز قرار دارد.

**Bias/تعصب.** از این اصطلاح برای توصیف آمادگی و گرایش شدید نسبت به یک موضوع یا دیدگاه استفاده می‌شود. ذهنیتی است که توسط آن بی‌طرفی نسبت به یک موضوع یا دیدگاه غیر ممکن است. این یک موضوعگیری متعصبانه است.

**Biblical Authority/اقتدار کتاب مقدس.** این اصطلاح در یک مفهوم خیلی خاص استفاده می‌شود. این اصطلاح به شکل درک آنچه نویسنده اصلی در روزگار خودش گفته و اعمال این حقیقت در روزگار امروز تعریف می‌شود. اقتدار کتاب مقدس یا اقتدار انجیلی معمولاً به صورت نگرش به خود انجیل به عنوان تنها راهنمای مجاز ما تعریف می‌شود. با این وجود، در نور تفاسیر و ترجمه‌های نامناسب جاری، من این مفهوم را به انجیل به آن طور که توسط اعتقادات مذهبی و شیوه‌های دستور زبان قدیم تفسیر می‌شود، محدود کرده‌ام.

**Canon/مجموعه کتب.** این اصطلاح برای توصیف نوشته‌هایی که باور بر این است به صورت انحصاری تحت وحی نوشته شده‌اند، استفاده می‌شود. این اصطلاح در مورد هم عهد عتیق و هم عهد جدید استفاده می‌شود.

**Christocentric/کریستوسنتریک.** این اصطلاح برای توصیف مرکزیت و محوریت مسیح استفاده می‌شود. من از این اصطلاح در رابطه با مفهوم "عیسی سرور کل انجیل است"، استفاده می‌کنم. عهد عتیق به او اشاره می‌کند و او تحقق و هدفش است (مراجعه شود به متی ۵: ۱۷ الی ۴۸).

**Commentary/تفسیر.** این یک نوع کتاب تخصصی در زمینه تحقیق است. یک زمینه کلی در مورد کتب انجیل ارائه می‌دهد. سپس تلاش می‌کند معانی هر بخش کتاب را توضیح دهد. برخی بر کاربرد تمرکز می‌کنند، در حالی که دیگران در ارتباط با متن به شیوه تخصصی‌تر هستند. این کتب مفید

هستند، ولی فرد باید پس از اینکه خودش مطالعات اولیه‌ای را انجام داد، آنها را مطالعه کند. بدون انتقاد نباید تفسیر مفسرین را بی‌قید و شرط پذیرفت. معمولاً مطالعه و مقایسه چندین مفسر از چند دیدگاه مختلف مفید و کمک کننده است.

**Concordance/تطابق.** این یک نوع ابزار تحقیقاتی برای مطالعه انجیل است. تکرار هر کلمه را در عهد عتیق و عهد جدید فهرست می‌کند. به چندین شیوه کمک می‌کند: (۱) مشخص ساختن کلمه عبری یا یونانی که در پس هر کلمه انگلیسی خاص قرار دارد، (۲) مقایسه عبارتهایی که یک اصطلاح مشابه یونانی یا عبری استفاده شده است، (۳) نشان دادن جاهایی که دو کلمه عبری یا یونانی خاص به یک کلمه انگلیسی خاص ترجمه شده‌اند، مشخص کردن تناوب استفاده از کلماتی خاص در کتبی خاص یا نوشته‌های نویسنده‌ای خاص، (۴) کمک کردن در یافتن عبارت خاص در انجیل (مراجعه شود به *Walter Clark's How to Use New Testament Greek Study Aids*، صفحه ۵۴ الی ۵۵).

**Dead Sea Scrolls/کتیبه بحر المیت.** این اشاره به مجموعه متون باستانی نوشته شده به زبانهای عبری و آرامی دارد که در سال ۱۹۴۷ در نزدیکی بحر المیت پیدا شدند. آنها کتابخانه‌ای از یک فرقه یهودی قرن اول هستند. فشار رومیان اشغالگر و جنگهای متعصبانه دهه ۶۰ باعث شد کتیبه‌ها را در کوزه‌های در بسته داخل غارها و سوراخها پنهان کنند. آنها به ما کمک کرده‌اند تا شرایط تاریخی فلسطین قرن اول را درک کنیم و تأیید می‌کنند که متون مازراتی، حداقل تا اواخر دوران قبل از میلاد کاملاً دقیق هستند. این متون با اختصار DSS مشخص می‌گردند.

**Deductive/استقرایی/قیاسی.** این روش منطق یا استدلال از طریق اصول، از اصول کلی به کاربردهای خاص منتقل می‌شود. این استدلال مخالف استدلال استنتاجی است که روش علمی را با حرکت از جزئیات مشاهده شده به نتیجه کلی (نظریه‌ها) بازتاب می‌دهد.

**Dialectical/مناظره‌ای.** این روش استدلال است که به موجب آن، آنچه که متناقض یا متضاد به نظر می‌رسد در یک تنش با هم حضور دارند، به دنبال پاسخی یکپارچه است که شامل هر دو جنبه متضاد است. بسیاری از آموزه‌های کتاب مقدس دارای جفت دیالکتیکی هستند، اراده آزاد است. امنیت-استقامت؛ ایمان-کارها؛ تصمیم‌گیری-شاگردی؛ آزادی مسیحی-مسئولیت مسیحی.

**Diaspora/دیاسپورا.** این اصطلاح یونانی است که یهودیان فلسطینی برای توصیف یهودیان دیگر که در خارج از مرزهای جغرافیایی سرزمین موعود زندگی می‌کنند، استفاده می‌نمایند.

**Dynamic equivalent/معادل پویا.** این یک نظریه ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن پیوسته از مکاتبات "کلمه به کلمه" مشاهده کرد، که در هر عبارت، به ازای هر کلمه عبری یا یونانی باید یک کلمه انگلیسی ارائه شود، و در آن تنها اندیشه و تفکر ترجمه می‌شود کمتر به اصطلاحات اولیه یا عبارت توجه می‌شود. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را به طور جدی در نظر بگیرد، اما آن را در قالب‌های اصطلاحی و اصطلاحات مدرن ترجمه می‌کند. بحث جالبی را در مورد نظرات مختلف برای ترجمه می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth*, p. 35 and in Robert Bratcher's Introduction to the TEV مطالعه کنید.

**Eclectic/منتخب.** این اصطلاح در ارتباط با انتقاد متنی استفاده می‌شود. این اصطلاح اشاره به انتخاب یک متن از نسخ دستنویس مختلف یونانی است تا بتوان به متنی دست یافت که به بیان نگارنده اصلی نزدیک باشد. این اصطلاح دیدگاهی را که معتقد به اصل بودن هر یک از نسخ یونانی است، مردود می‌داند.

**Eisegesis/تفسیر به رای.** این مخالف تفسیر است. اگر تفسیر استخراج قصد نویسنده اصلی باشد، این اصطلاح به معنای "وارد کردن" یک ایده یا عقیده خارجی است.

**Etymology/ریشه یابی.** این یک جنبه از مطالعه کلمه است که تلاش می‌کند تا معنی اصلی کلمه را تعیین کند. از این ریشه به معنی، کاربردهای تخصصی به راحتی شناسایی می‌شوند. در تفسیر، ریشه شناسی تمرکز اصلی نیست، بلکه معنای معاصر و استفاده از یک کلمه است.

**Exegesis/تفسیر.** این اصطلاح فنی برای تفسیر یک متن خاص است. به معنی "استخراج کردن" (از متن) بوده و حاکی از این است که هدف ما درک هدف نویسنده اصلی به سبب شرایط تاریخی، زمینه ادبی، نحو و معنای معاصر است.

**Genre/نوع.** این یک اصطلاح فرانسوی است که انواع متفاوتی از ادبیات را نشان می‌دهد. محور اصطلاح عبارت است از تقسیم اشکال ادبی به دسته‌هایی است که ویژگیهای مشترک دارند: روایت تاریخی، شعر، ضرب المثلی، آخزرمانی و قانون.

**Gnosticism/عرفان.** بیشتر دانش ما در مورد این ملکوت از نوشته‌های عرفانی قرن دوم می‌آید. با این حال، ایده‌های ابتدایی در قرن اول (و قبل از آن) وجود داشت.

برخی از اصول ادعای والتائین و عرفان سربینتین قرن دوم عبارتند از: (۱) ماده و روح همسو باقی مانده‌اند (دوگانگی هستی شناختی). کالبد بد است، روح خوب است. خداوند، که روح است، نمی‌تواند مستقیماً با قالب‌زیری کالبد شیر کار داشته باشد؛ (۲) خلقت (اثون یا فرشتگان) بین خدا و ماده وجود دارد. آخرین و یا کمترین آن یهوه در عهد عتیق بود که جهان را تشکیل داد. (۳) عیسی مانند یهوه بود اما در مقیاس بالاتر، نزدیک به خدا واقعی است. بعضی او را به عنوان بالاترین می‌دانند، اما هنوز هم کمتر از خداوند است (انجیل یوحنا ۱: ۱۴). از آنجا که ماده بد است، عیسی نمی‌تواند بدن انسان داشته باشد و در عین حال الهی هم باشد. او شبیح معنوی بود (مراجعه شود به اول یوحنا ۱: ۱ الی ۳، ۴: ۱ الی ۶)؛ و (۴) رستگاری از طریق ایمان به عیسی به همراه دانش ویژه به دست می‌آید، که تنها توسط افراد خاص شناخته می‌شود. دانش (رمزها) برای گذر از حوزه‌های آسمانی مورد نیاز بود. قانونگرایی یهودی برای رسیدن به خدا لازم بود.

معلم‌ان دروغین عرفانی از دو نظام مخالف اخلاقی حمایت می‌کردند: (۱) برای برخی، سبک زندگی به هیچ وجه به نجات منجر نمی‌شود. برای آنها، رستگاری و معنویت به دانش مخفی (کلمه عبور) از طریق فرشتگان محصور شدند. یا (۲) برای دیگران، شیوه زندگی برای نجات بسیار مهم بود. آنها تأکید کردند که شیوه زندگی زاهدانه در حکم سند معنویت واقعی است.

**Hermeneutics/علم تفسیر.** این یک اصطلاح فنی برای اصولی است که راهنمای تفسیر را ارائه می‌دهد. این هم مجموعه‌ای است از دستورالعمل‌های خاص و هنر/هدیه. علم تفسیر کتاب مقدس معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: اصول کلی و اصول خاص. این مربوط به انواع مختلف ادبیات موجود در کتاب مقدس است. هر نوع مختلف (ژانر) دارای رهنمودهای منحصر به فرد خود می‌باشد، ولی همچنین برخی از مفروضات و روشهای تفسیر مشترک را نیز به اشتراک می‌گذارد.

**Higher Criticism/انتقاد بالا.** این روش تفسیر کتاب مقدس است که بر شرایط تاریخی و ساختار ادبی یک کتاب مقدس خاص متمرکز است.

**Idiom/اصطلاح.** این کلمه برای عباراتی که در فرهنگهای مختلف یافت می‌شوند، استفاده می‌گردد که مفهوم خاصی دارند و معنی لغوی بر آن حاکم نیست. برخی از نمونه‌های مدرن از این اصطلاحات عبارتند از: "که خیلی معرکه بود" یا "منو میکشی". کتاب مقدس همچنین شامل این نوع عبارات است.

**Illumination/نورانی/چراغانی.** این نام به مفهومی است که خدا با انسان صحبت کرده است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) وحی - خدا در تاریخ بشری کار کرده است؛ (۲) الهام بخش - او تفسیر مناسب از اعمال او و معنای آن دادن وحی و الهام به برخی از افراد منتخب است تا کلام خدا را برای انسان ثبت کنند؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر گمراه فرستاد تا به انسانها کمک کند و او را بشناسند.

**Inductive/استنتاجی/القایی.** این یک روش منطقی برای استدلال است که از جزء به کل می‌رسد. این روش تجربی علم مدرن بوده و اساساً رویکرد ارسطویی است.

**Interlinear/خطی/سطری.** یک نوع ابزار پژوهشی است که اجازه می‌دهد کسانی که یک زبان کتاب مقدس (یونانی/آرامی/عبری) را مطالعه نمی‌کنند، بتوانند معنی و ساختار آن را تجزیه و تحلیل کنند. این روش ترجمه انگلیسی کلمه به کلمه در زیر کلمات زبان اصلی کتاب مقدس قرار می‌دهد. این ابزار، همراه با "تحلیل لغوی"، به تعاریف اساسی عبری و یونانی شکل می‌داد.

**Inspiration/وحی/الهام.** این مفهومی است که خداوند با هدایت نویسندگان کتاب مقدس به بشریت سخن گفته است و به وضوح وحی او را ثبت کرده‌اند. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنایی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

**Language of description/زبان توصیف.** این در رابطه با اصطلاحاتی است که در عهد عتیق نوشته شده است. از دنیای ما در رابطه با مواردی صحبت می‌کند که در حواس پنجگانه ظاهر می‌شوند و یک توصیف علمی نیست.

**Legalism/قانون پرستی.** این نگرش با تأکید بیش از حد بر قوانین یا آیین‌ها مشخص می‌گردد. تمایل به این دارد که به عملکرد انسان بر مقررات به عنوان ابزار پذیرش خداوند تکیه کند. این نگرش تمایل بر این دارد که روابط را از بین ببرد و عملکرد را افزایش دهد، که هر دو جنبه مهمی از روابط میان خدای مقدس و انسان گناهکار است.

**Literal/تحت اللفظی/مفهومی.** این نام دیگری برای روش تمرکز بر متن و روش تاریخی علم تفسیر انجیل از آنتیخوس است. به این معناست که تفسیر معنای عادی و آشکار زبان بشری را در بر می‌گیرد، البته هنوز زبان مجازی را به رسمیت می‌شناسد.

**Literary genre/سبک ادبی.** این به اشکال متمایزی که انسانها می‌تواند ارتباط برقرار کنند، مانند شعر یا روایت تاریخی، اشاره می‌کند. هر نوع ادبیات علاوه بر اصول کلی نوشته شده، دارای رویکرد خاص در علم تفسیر است.

**Literary unit/واحد ادبی.** این مفهوم به تقسیمات فکری مهم در کتاب مقدس اشاره دارد. این مفهوم را می‌توان از تشکیل چند آیه، پاراگراف یا فصل شکل داد.

**Lower Criticism/انتقاد سطح پائین.** موضوع خاص: انتقاد متنی را مطالعه کنید.

**Manuscript/دستخط.** این اصطلاح مربوط به نسخه‌های مختلف عهد جدید یونانی است. معمولاً آنها را به انواع مختلف تقسیم می‌کنند (۱) مواد که بر روی آن نوشته شده‌اند (پاپیروس، چرم)، یا (۲) شکل خود نوشتن (همه با حروف بزرگ و یا دستخط). این عبارت "MS" (منحصر به فرد) یا "MSS" (جمع) است.

**Masoretic Text/متن مازروتی.** به نسخ خطی عبری از عهد عتیق قرن نوزدهم اشاره دارد که طی چندین نسل توسط اساتید یهودی تهیه شده و حاوی حروف صدا دار و دیگر نکات متنی هستند. این متن اصلی برای عهد عتیق انگلیسی ما است. متن آن به طور تاریخی توسط MSS عبری تایید شده، به ویژه اشعیا، از کتیبه دریای مرده. این اختصار این اصطلاح "MT" است.

**Metonymy/کنایه.** شکلی از بیان است که در آن نام یک چیز برای نشان دادن چیز دیگری مرتبط با آن استفاده می‌شود. به عنوان مثال، "کتری جوش" در واقع "آب در داخل کتری جوش" است.

**Muratorian Fragments/قطعه موراتورین.** فهرستی از کتابهای عهد جدید است که قبل از سال ۲۰۰ میلادی در رم نوشته شده بود. این همان بیست و هفت کتاب را به عنوان عهد جدید پروتستان معرفی کرده به وضوح نشان می‌دهد کلیساهای محلی در نقاط مختلف امپراتوری روم "عملاً" کانون را قبل از شورای بزرگ کلیسای قرن چهارم تشکیل داده بودند.

**Natural revelation/مکاشفه طبیعی.** این یک طبقه‌بندی از افشای خدا به انسان است. این شامل نظم طبیعی (رومیان ۱: ۱۹ الی ۲۰) و آگاهی اخلاقی (رومیان ۲: ۱۴ الی ۱۵) است. از آن در مزمور ۱۹: ۱ الی ۶ و رومیان ۱ الی ۲ توضیح داده شده است. این مشخصه از وحی ویژه است که خود افشاء خاص خدا در کتاب مقدس است و در عیسی ناصری متعالی است.

بر این طبقه‌بندی الهیاتی با جنبش "زمین قدیم" در میان دانشمندان مسیحی مجدداً تأکید شده (به عنوان مثال نوشته‌های Hugh Ross). آنها از این طبقه‌بندی استفاده می‌کنند تا ادعا کنند که همه حقیقت، حقیقت خدا است. طبیعت درها را برای دانش در مورد خدا باز نموده و آن را از وحی ویژه (کتاب مقدس) متمایز می‌کند. به علوم مدرن اجازه می‌دهد با آزادی نظم طبیعی را بررسی کند. به نظر من این یک فرصت فوق العاده جدید است تا به جهان مدرن علمی غربی شهادت داده شود.

**Nestorianism/نستوریستی.** نستوریوس پدرسالار قسطنطنیه در قرن پنجم بود. او در آنتیوخ سوریه آموزش دیده و تأیید کرد که عیسی دارای دو طبیعت بود، یکی کاملاً انسان و یک فرد کاملاً الهی. این دیدگاه از دیدگاه طبقاتی اسکندریه از دیدگاه ارتدوکس منحرف شد. نگرانی اصلی Nestorius عنوان "مادر خدا" است که به مریم داده شده است. نستوریوس با سیریل اسکندریه مخالف بود و به طور ضمنی آموزش خود را در اسکندریه برگزار کرد. آنتیوخ ستاد رویکرد تاریخی-دستوری-متنی به تفسیر کتاب مقدس بود، در حالی که اسکندریه مقرر چهارم (تفسیری) مدرسه تفسیر بود. نستوریو در نهایت از مقام خود خلع و تبعید شد.

**Original Author/نویسنده اصلی.** این عبارت به نویسندگان اصلی کتب مقدس اشاره دارد.

**Papyrus/پاپیروس.** این یکی از موادی است که از مصر بوده و بر روی آن می‌نوشتند. این ماده از نی کنار رودخانه‌ها ساخته می‌شد. این ماده‌ای است که قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد جدید یونانی بر روی آن نوشته شده است.

**Parallel passages/عبارتهای همسو.** این قبیل عبارات بخشی از مفهومی هستند که تمام کتاب مقدس از جانب خدا داده شده و بنابراین، به نوبه خود بهترین مترجم از حقایق دوگانه است. این نیز هنگامی که یک نفر تلاش می‌کند بخشی که نامشخص یا مبهم است را بتواند تفسیر کند. همچنین به شما کمک می‌کند تا واضحترین بخش در مورد یک موضوع مشخص شده را درک و همچنین تمام جنبه‌های معنوی یک موضوع مشخص را بیابید.

**Paraphrase/ترجمه/تفسیر/ترجمه آزاد.** این نام یک نظریه در مورد ترجمه کتاب مقدس است. ترجمه کتاب مقدس را می‌توان به عنوان یک متن دنباله‌دار "کلمه به کلمه" از مکاتبات مشاهده کرد، جایی که باید به ازای هر واژه عبری یا یونانی یک کلمه انگلیسی، بدون توجه به اصطلاح اولیه یا اصطلاح ترجمه شده قرار گیرد. در میان این دو نظریه، "معادل پویا" است که تلاش می‌کند متن اصلی را جدی بگیرد، اما آن را با اصطلاحات



مردن دستور زبانی ترجمه می‌کند. بحث بسیار خوبی در مورد نظریه‌های مختلف ترجمه را می‌توانید در *Fee and Stuart's How to Read the Bible For All Its Worth* صفحه ۳۵ مطالعه کنید.

**Paragraph/پاراگراف.** این واحد ادبی تفسیر اصلی متن است. شامل یک موضوع اصلی و گسترش آن است. اگر ما مفهوم و قصد نویسنده را حفظ کنیم، چیزی از نیت اصلی نویسنده را، از دست نخواهیم داد.

**Parochialism/پاروسیاالیسم.** این مربوط به تعصباتی است که در یک محیط محلی فرهنگی بسته هستند. ماهیت فرامنتیقی آن، حقیقت کتاب مقدس یا کاربرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

**Paradox/دوگانگی.** به حقایقی اشاره دارد که به نظر می‌رسد متناقض هستند، هر چند در تنش با یکدیگرند، ولی هر دو درست می‌باشند. آنها حقیقت را با بیان اینکه اگر از طرف مقابل هستند، شکل می‌دهند. حقیقت کتاب مقدس در جاهای پارادوکسی (یا دیالکتیکی) ارائه شده است. حقایق کتاب مقدس همانند ستارگانی منفک هستند، اما یک کهکشان از ستارگان، از مجموعه ستارگان منفک تشکیل می‌شود.

**Plato/افلاطون.** او یکی از فیلسوفان یونان باستان بود. فلسفه او از طریق محققان اسکندریه، مصر و بعداً، آگوستین بر کلیسای اولیه تأثیر گذاشت. او بر این عقیده بود که همه چیز روی زمین، توهم است و فقط یک نسخه از یک نمونه اولیه معنوی است. به علاوه نظریه‌پردازان بعدها "شکلها/ایده‌های" افلاطون را با قلمرو روحانی برابر می‌کردند.

**Presupposition/پیش فرض.** این به درک پیشین ما از یک موضوع اشاره دارد. اغلب ما عقاید یا قضاوت‌های مربوط به مسائل را قبل از اینکه به کتاب مقدس مراجعه کنیم، تشکیل می‌دهیم. این حالت نیز به عنوان یک تعصب، یک موقعیت پیشین، یک فرض یا یک مقدمه شناخته شده است.

**Proof-texting/اثبات متن.** این تمرین تفسیر کتاب مقدس با نقل قول از یک آیه بدون در نظر گرفتن زمینه آنی آن و یا زمینه بزرگتر در واحد ادبی آن است. ارتباط آیات را از نیت نویسنده اصلی حذف می‌کند و معمولاً در تلاش است تا یک نظر شخصی را در هنگام تأیید اقتدار کتاب مقدس بیان کند.

**Rabbinical Judaism/یهودیت روحانی.** این مرحله از زندگی یهودیان در تبعید بابلی آغاز شد (۵۸۶-۵۳۸ قبل از میلاد). همانطور که نفوذ کشیشان و معبد از بین رفت، کنیسه‌های محلی بر زندگی یهودی تمرکز کردند. این مراکز محلی فرهنگ یهودی، مذهبی، عبادت و مطالعه کتاب مقدس تبدیل به محور زندگی مذهبی ملی شده‌اند. در روزگار عیسی این "کاتبین مذهبی" با کشیشان همسو بود. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، فرم کاتبین که تحت فرمانروایی فریسیان بود، بر زندگی مذهبی یهودیان کنترل و نظارت داشت. آن را با یک تفسیر عملی و قانونی از تورات می‌توان مشخص کرد که در سنت شفاهی (تالمود) توضیح داده شده است.

**Revelation/افشا.** این نام به مفهومی است که خدا با بشریت سخن گفته است. مفهوم کامل معمولاً با سه اصطلاح بیان می‌شود: (۱) مکاشفه - خدا در تاریخ بشر کار کرده است؛ (۲) وحی - او تفسیر مناسب از اعمالش و معنای آن را به برخی از مردان منتخب جهت برای انسان داده است؛ و (۳) روشنائی - او روح خود را برای کمک به بشر در درک و افشای خود داده است.

**Semantic field/زمینه معنایی.** این به کل محدوده معنایی مرتبط با یک کلمه اشاره دارد. این اساساً مفاهیم متفاوت یک کلمه در متون مختلف است.

**Septuagint.** این نام به ترجمه یونانی عهد عتیق عبری داده شده است. سنت می‌گوید که در هفتاد روز توسط هفتاد محقق یهودی برای کتابخانه اسکندریه مصر نوشته شده است. تاریخ سنتی حدود ۲۵۰ قبل از میلاد (در حقیقت احتمالاً بیش از صد سال طول کشید). این ترجمه قابل توجه است زیرا (۱) به ما یک متن باستانی را با مقیاس الهام بخش مقدس می‌دهد؛ (۲) به ما وضعیت تفسیر یهودیان در قرن سوم و دوم قبل از میلاد را نشان می‌دهد؛ (۳) به ما مفهوم مسیح یهودی را قبل از رد عیسی نشان می‌دهد. اختصار آن "LXX" است.

**Sinaiticus.** یک نسخه یونانی از قرن چهارم میلادی است. این توسط محقق آلمانی، Tischendorf، در صومعه سنت کاترین در جبل موسی، مکان سنتی کوه سینا یافت شد. این دستنوشته با اولین حرف الفبای عبری به نام "الف" [א] تعیین شده است. این شامل عهد قدیم و عهد جدید است. این یکی از قدیمی‌ترین MSSهای غیر رسمی ما است.

**Spiritualizing/معنوی.** این واژه مترادف با تمثیل است به این معنی که زمینه تاریخی و ادبی یک متن و تفسیر آن بر اساس معیارهای دیگر آن را حذف می‌کند.

**Synonymous/مترادف.** به اصطلاحات با معنای دقیق یا بسیار مشابه اشاره دارد (اگر چه در واقع دو کلمه هیچ یک همپوشانی معناشناسی کامل ندارند)، آنها خیلی نزدیک به هم هستند به طوری که می‌توانند جایگزین یکدیگر در یک جمله بدون از دست دادن معنی باشند. همچنین برای تعیین یکی

از سه شکل همسو در اشعار عبری استفاده می‌شود. به این معنا، به دو بیت شعر می‌گویند که یک حقیقت را بیان می‌کنند (مراجعه شود به مزمو ۱۰۳: ۳).

**Syntax/نحو.** این اصطلاح یونانی است که به ساختار جمله اشاره دارد. این مربوط به راه‌هایی است که بخشهایی از یک جمله برای ایجاد یک تفکر کامل ساخته می‌شوند.

**Synthetical.** این یکی از سه اصطلاحی است که مربوط به انواع اشعار عبری است. این اصطلاح از ابیات شعر می‌گوید که بر اساس یک معنی نوشته می‌شوند، گاهی اوقات "climatic" نامیده می‌شوند (ش. ۱۹: ۷-۹).

**Systematic theology/الهیات سیستماتیک.** این مرحله‌ای از تفسیر است که تلاش می‌کند تا حقایق کتاب مقدس را به شیوه‌ای متحدالشکل و منطقی مرتبط سازد. این یک رویکرد منطقی و نه صرفاً تاریخی از نظر الهیات مسیحی طبقه بندیها (خدا، انسان، گناه، نجات، و غیره) است.

**Talmud/تلمود.** این عنوان برای تدوین سنت شفاهی یهودی است. یهودیان معتقد بودند که او به موسی به در کوه سینا گفته است. در واقع، به نظر می‌رسد که این خرد جمعی معلمان یهودی طی این سالها باشد. دو نسخه مختلف نوشته شده از تلمود وجود دارند: نسخه بابلی که کوتاهتر است و نسخه ناتمام فلسطینی.

**Textual criticism/انتقاد متنی.** این علم مطالعه نسخ خطی کتاب مقدس است. انتقاد متنی ضروری است زیرا هیچ نسخه اصلی وجود ندارد و همه نسخه‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. این تلاش برای توضیح تغییرات و رسیدن به (نزدیکترین حد ممکن) به اصطلاحات اصلی دستنویس عهد عتیق و جدید است. این اغلب "انتقاد کمتر" است.

**Textus Receptus.** این نام به نسخه Elzevir از عهد جدید یونانی در سال ۱۶۳۳ اطلاق شد. اساساً این یک نوع عهد جدید یونانی است که از چند نسخه خطی یونانی و نسخه‌های لاتین اراسموس (۱۵۱۰-۱۵۳۵)، استفانوس (۱۵۴۶-۱۵۵۹) و الزویر (۱۶۲۴-۱۶۷۸) تهیه شده است. در *An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*، ص. ۲۷، A. T. Robertson می‌گوید: "متن بیژانس عملاً Textus Receptus است." متن بیژانس کم ارزشترین نسخه از سه نوع نسخ خطی یونانی (غربی، اسکندریه و بیژانسی) است. این شامل خطاهای انباشته شده طی قرن‌ها از متون دستکاری شده است. با این حال، A. T. Robertson همچنین می‌گوید: «Textus Receptus برای ما متن قابل ملاحظه دقیقی را حفظ کرده است» (ص ۲۱). این نسخه دستنویس یونانی (به خصوص نسخه سوم Erasmus 1522) نسخه مبنای انجیل شاه جیمز در سال ۱۶۱۱ میلادی را شکل می‌دهد.

**Torah/تورات.** این واژه عبری برای "آموزش" است. این عنوان رسمی برای نوشته‌های موسی بود (از پیدایش تا تثبیه). این بخش برای یهودیان، قدرتمندترین بخش است.

**Typological/تایپوگرافی.** این یک نوع تفسیر تخصصی است. معمولاً این امر شامل حقیقت عهد جدید است که در عبارات عهد عتیق با استفاده از علامتهای متشابه یافت می‌شود. این طبقه‌بندی از علم تفسیر انجیل یک عنصر اصلی از روش اسکندریه بود. به دلیل سوء استفاده از این روش تفسیر، باید استفاده از آن را به نمونه‌های خاصی که در عهد جدید وارد شده محدود کرد.

**Vaticanus/واتیکانوس.** این نسخه یونانی قرن چهارم است. این در کتابخانه واتیکان یافت می‌شود. در اصل شامل تمام عهدعتیق، Apocrypha و عهد جدید بود. با این حال، برخی از بخشها از بین رفته‌اند (پیدایش، مزمو، عبرانیان، کشیشان، فیلیمون و مکاشفه). این یک نسخه خطی بسیار مفید در تعیین قالب‌بندی اصلی نسخ دستنویس است. این نسخه امتیاز "B" بزرگ دریافت کرده است.

**Vulgate/والگیت.** این نام لاتین کتاب مقدس جروم است. این نسخه تبدیل به نسخه مبنا یا "مشترک" برای کلیسای کاتولیک روم شد. در سال ۳۸۰ میلادی این کار صورت گرفت.

**Wisdom literature/ادبیات عرفانی.** این یک نوع ادبیات رایج در خاور نزدیک باستان (و جهان مدرن) بود. اساساً تلاشی بود به عنوان دستورالعملی برای راهنمایی نسل جدید جهت زندگی موفق از طریق شعر، تمثیل یا مقاله بود و بیشتر فرد را مورد خطاب قرار می‌داد تا جامعه. به تاریخ اشاره نداشت، اما بر تجربیات و مشاهدات زندگی استوار بود. در کتاب مقدس، وظیفه از طریق غزل غزلها حضور و پرستش بیهوه را پذیرفت، اما این دیدگاه مذهبی در هر تجربه انسانی در هر زمان صریح نیست.

به عنوان یک ژانر، حقیقت عمومی را بیان کرد. با این حال، از این ژانر/نوع نمی‌توان در هر وضعیت خاصی استفاده کرد. اینها اظهارات کلی هستند که همیشه برای هر وضعیت فردی قابل اعمال نیستند.

این حکما شهامت این را داشتند تا سوالاتی سخت در مورد زندگی بپرسند. اغلب آنها دیدگاه‌های سنتی مذهبی (یعقوب، جامعه) را به چالش کشیدند. آنها تعادل و تنش را به پاسخ آسان در مورد تراژدی‌های زندگی می‌رسانند.

**World picture and worldview/تصویر و جهان بینی جهانی.** اینها اصطلاحات همراه هستند. آنها هر دو مفاهیم فلسفی مربوط به خلقت هستند. اصطلاح "تصویر جهان" به "چگونگی" خلقت اشاره می‌کند در حالی که "جهان‌بینی" مربوط به "چه کسی است". این اصطلاحات در ارتباط با تفسیری هستند که پیدایش ۱-۲ در درجه اول با چه کسی، نه چگونه، خلقت صورت گرفت، سر و کار دارد.

**YHWH/یهوه.** این نام خدا در عهد عتیق است. این نام در خروج ۳: ۱۴ تعریف شده است. این شکل ظاهری اصطلاح عبری "بودن" است. یهودیان می‌ترسیدند این نام را بر زبان آورند مبادا نابجا به کار برند، بنابراین، اصطلاح عبری آدونایی، "ارباب" جایگزین کردند. به این دلیل است که پیمان در انگلیسی این چنین ترجمه می‌شود.

## بیانیه دکترین

من به بیانیه ایمان یا عقاید اهمیت چندانی نمی‌دهم. ترجیح می‌دهم به خود کتاب مقدس اعتراف کنم. با این وجود، می‌دانم که بیانیه ایمان برای کسانی که مرا نمی‌شناسند راهی را فراهم می‌کند تا دیدگاه‌های اعتقادی مرا بسنجند. در روزگاری که سرشار است از فریب و خطاهای الهیاتی، من حاصل تحقیقاتم را در زمینه الهیات مسیح، در زیر به طور خلاصه تقدیم می‌کنم.

۱. کتاب مقدس، شامل عهدعتیق و عهدجدید هر دو کلام الهامی، لغزش‌ناپذیر، با اقتدار و جاودانی خدا هستند. این کتاب مکاشفه شخصی خدا می‌باشد که تحت هدایت روح به وسیله انسانها ثبت شده است. کتاب مقدس تنها منبع حقیقت روشن در مورد خدا و اهداف اوست. تنها منبع ایمان و عمل برای کلیسای او.

۲. تنها یک خدای ابدی، خالق و نجات دهنده وجود دارد. آفریننده همه چیزهای دیدنی و نادیدنی اوست. او خود را به صورت خدای محبت و توجه مکشوف کرده است با این حال منصف و عادل نیز هست. او خدا را در سه شخصیت متمایز مکشوف کرد: پدر، پسر و روح القدس، کاملاً مجزا و در عین حال دارای ذات واحد.

۳. خدا فعالانه بر جهان تسلط دارد. هم طرحی ابدی برای خلقتش دارد که تغییرناپذیر است و هم طرح فردی که اراده آزاد انسان را ممکن می‌سازد. بدون اذن و اطلاع خدا هیچ چیز اتفاق نمی‌افتد، با وجود این او به فرشتگان و انسانها امکان انتخابهای شخصی را می‌دهد. عیسی انسان برگزیده پدر بود و از طریق او همه بالقوه برگزیده هستند. دانش پیشاپیش خدا در مورد وقایع انسان را تا حد نسخه از پیش پیچیده شده تنزل نمی‌دهد. ما همه مسئول افکار و اندیشه‌های خود هستیم.

۴. گرچه انسان به سیمای خدا و عاری از گناه خلق شد، اما تصمیم گرفت بر ضد خدا طغیان کند. آدم و حوا حتی با آنکه توسط عاملی فوق طبیعی وسوسه شدند، اما به خاطر خودخواهی ارادیشان مسئولند. نافرمانی آنها بشر و خلقت را تحت اثر قرار داد. همه ما چه به لحاظ شرایطی که از آدم و حوا به ارث برده‌ایم و چه به خاطر نافرمانی شخصی و ارادیمان به رحمت و فیض خدا نیاز داریم.

۵. خدا برای بخشش و احیای انسان سقوط کرده راهی فراهم کرد. عیسی مسیح، پسر یگانه خدا، انسان شد، بدون گناه زیست و از طریق مردن به جای ما مجازات گناه انسان را پرداخت. او تنها راه احیاء و داشتن رابطه با خدا است. جز از طریق ایمان به کار تکمیل شده او راه دیگری برای رسیدن به نجات وجود ندارد.

۶. هر کدام از ما هدیه بخشش و احیای خدا در عیسی را باید شخصا دریافت کنند. این به وسیله اعتماد ارادی به وعده‌های خدا از طریق عیسی و دوری ارادی از گناه شناخته شده محقق می‌شود.

۷. همه ما بر اساس ایمانمان به مسیح و توبه از گناه کاملاً بخشوده و احیاء می‌شویم. با وجود این، زندگی تغییر یافته و در حال ما گواه این رابطه تازه است. هدف خدا بری انسان این است که اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد، نه اینکه تنها روزی وارد بهشت شود. کسانی که واقعا نجات را دریافت کرده‌اند، با آنکه گاهی گناه می‌کنند، اما در طول عمر خود در ایمان و توبه ثابت قدم می‌مانند.

۸. روح القدس "عیسای دیگر" است. او در این جهان حاضر است تا گمشده را به سوی مسیح هدایت و چهره مسیحگونه را در نجات یافته آشکارتر نماید. شخص هنگام نجات، عطایای روح را دریافت می‌کند. این عطایا زندگی و خدمت عیسی هستند که بین بدنش یعنی کلیسا تقسیم شده‌اند. عطایا که اساسا روشها و انگیزه‌های عیسی هستند باید به وسیله ثمرات روح به حرکت درآیند. روح در عصر ما فعال است، همانطور که در ایام کتاب مقدس بود.

۹. پدر عیسی مسیح قیام یافته را داور همه چیز قرار داده است. او به زمین باز خواهد گشت تا انسانها را داوری کند. کسانی که به عیسی ایمان آورده‌اند و نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، به هنگام بازگشت او بدنهای جلال یافته جاودانی دریافت خواهند کرد. آنها تا ابد با او خواهند بود. اما آنها که حقیقت خدا را نپذیرفته‌اند برای همیشه از شادی رفاقت با خدای تثلیث محروم خواهند شد.

۱۰. آنها به همراه شیطان و فرشتگانش محکوم خواهند شد.

مطمئناً مواردی که ذکر کردم کامل یا بی نقص نیستند اما امیدوارم در مورد الهیاتی که من به آن باور قلبی دارم به شما ایده‌ای بدهد. سخن زیر برای من جالب است:

**"اتحاد - در ضروریات، آزادی - در مسایل حاشیه‌ای، محبت - در همه چیز"**